ایران شناسی 203

ایران شناسی بدون دروغ 203، نتیجه، 11، جنگ های صلیبی، 2 - 40 نظر

نویسنده: عصر مبارزه

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 4:21

چرا سکوت؟
برتراند راسل، فیلسوف بلندآوازه انگلیسی می گفت « از کسانی تعجب می کنم که با وجود دهها زمینه مناسب برای دست زدن به یک خطای جدید، بازهم اشتباهات قبلی را تکرار می کنند»! در ادامه سخن برتراند راسل می توان گفت...
ادامه مطلب را در ((عصر مبارزه)) ببینید.

وب سایت

نویسنده: اهتزاز

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 6:1

سلام
متشکر از پاسخ جنابعالی، مطلب فوق تعریف و تعارف نیست واقعیتی است برای سبکی بی آلایه برای اندیش مندان و تحلیل گران جهان نو و باز نگران تاریخ. شیوه آن استاد بزرگ ره گشایی نیکو جهت درک واقعی برای این عده می تواند باشد. البته سلیقه های نه چندان وابسته و تدبیر هایی گاه دگر این مسیر را به تکامل می رساند. درازای جامعه بشری از رمه های اولیه که صد ها هزار سال بود به دوره های متفاوت و تمدن های اندک و زود گذر تغییرات نا پیوسته کرده است. با این روش آگاهان می دانند واقعیت چه بوده و چگونه می تواند باشد، و به جهان داران می گوید، عدم دانستن دنیای امروزی صدمات سختی در پی خواهد داشت. معنی آن خدمتی بزرگ به بشریت است.

بسیاری از نوشته های تاریخی مربوط به دوره تاریخ اجتماعی جلوتری است و در آنها افکار قدیمی، تداعی معانی نیست. در زمانی که از جنگ صلیبی می گویند اروپا در دوران فئودالی بسر می برد و خاورمیانه در دوران قدیمی تر سازمان قبیله ای دینی بود، که هیچ کدام دلیلی برای جنگ با یکدیگر نداشتند. نوع نوشته های دروغی جنگهای صلیبی مربوط به دوران بورژوازی ملی اروپا می باشد که در آنها دیدگاه های بورژوازی می باشند با کمی دقت کاملاً مشخص است. تنها مسئله مهم این است که قبایل متعدد و پراکنده و کم جمعیت را که سلجوقیان نامیده اند چه و که بودند.
متأسفانه عکس که باز نمی شود که هیچ، نظر نوشتن هم مشکل شده.

نویسنده: أمة الله

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 8:42

سلام بر استاد پرکار و مبارک.

از خداوند می خواهم به عمرتان برکت بسیار عطا فرماید و به شما نشاط روزافزون و حماسه آفرین بخشد تا بیش از پیش واقعیتهای خفته را به صحنه ی دید مردمان بیاورید.

و امیدوارم خداوند به اوقات من هم برکت عطا فرماید تا بتوانم نوشته هایتان را به خوبی مطالعه کنم. 

تا حدودی که توانستم به خواندن نوشته هایتان بسیار علاقمند شده ام.

مطالب تان بسیار با قرآن موافق است و من خیلی دوست داشتم علمای اسلامی هم این مطالب را می خواندند تا شاید امت اسلام يك دل بر علیه دشمنان حقیقی برمی خواستند.

وب سایت

نویسنده: مهران حقیقت

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 9:4

با سلام

چون همیشه بسیار روشنگرانه مینویسید.

مشتاقانه منتظر مطالب جدیدیتان هستم.

در مورد ایمیل به سرکردگان تاریخ نویس تا هفته بعد اقدام خواهد شد.
جوابیه آنها نیز چون جواب رمی بوشارلو بسیار روشنگر خواهد بود.

موفق باشید

مهران حقیقت

نویسنده: فرشته

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 10:3

سلام استاد عزیز و بزرگوار
الان حدود یک ساله که با نظرات جنابعالی آشنا شدم و واقعا خدا رو شکر میکنم که شما رو به این ملت فرستاد تا اونا رو از غفلت و خرافات نجات بدین همیشه واستون دعا میکنم

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 11:1

خانم فرشته. از مراحم شما ممنونم. باید این عصر را زمان ستیز با هر نوع دروغی نامید که متاسفانه اساس تفکرات تاریخی و مذهبی و قومی و فرهنگی ملت ها را تشکیل می دهد.

خانم امت الله. قرآن معلمی بزرگ با عنایتی آشکار به نوآموزان طالب حقیقت است

آقای بجانی. با آشنایی که از ماهیت مراکز فرهنگی موجود و از جمله صدا و سیما دارم، گمان می کنم سپردن تریبون آزاد و حمایتگرانه و مداوم به هرکسی، بر اساس ملاحظات و تشریفاتی حسابگرانه انجام می شود که سلامت نیست.

آقای طالب حقیقت. این کار گشودن دریچه و چشم انداز تازه ای است به روی هرکسی که مترصد دریافت حقیقت است.

آقای اهتزاز. تقریبا جز قرآن برگ نوشته ی سالم دیگری در باب تاریخ و تمدن جهان نداریم که ارزش مراجعه داشته باشد.

نویسنده: amun

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 8:6

سلام
اگر مشکلی در لود عکسها دارید، از آمون طلب مغفرت نمایید که او زمین و آسمان را بیافرید، و خیلی چیزهای دیگر مثل عتیق نیشابوری و یهوه و خیلی چیز های نگفتنی دیگر!
amun.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 14:42

جناب استاد خسته نباشید،

امروز با دوستی که زمانی مدیری در آکادمی هنر انگلستان بودند در مورد مقالات شما صحبتی داشتم..تا به این قسمت رسیدم که انگشت اشاره به سمت دانشگاههای غرب چرخاندم. اما او با کمال خونسردی گفت : " چیه! مگه چیزه عجیبیه !! " { منظور جعل تاریخ توسط غرب را می گفتند} من برای لحظه ای سکوت کردم و بعد سکوتم را ادامه دادم !! و ترجیح دادم غذایم را تمام کنم! چون فراموش کرده بودم که ایشان اصطلاحا بیشتر از من در باغ بوده اند. ایشان در حال طراحی دوره کارشناسی ارشد مدیریت هنر در یکی از دانشگاههای مالزی است.

استاد آیا شما از موزه هنر ایروان-ارمنستان (همان 8 طبقه موزه) بازدید داشته اید و نقاشیهای مربوط به ایران را ملاحظه کرده اید؟ اگر پاسخ مثبت است نظرتان را بفرمائید.

با تشکر.

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 18:22

چند روز پیش با این جناب خاخام در یوتیوب مواجه شدم و ازش خواستم که نظرشو در مورد پوریم بگوید. ایشان یک ویدئو در جواب "کامنت" من ساخته اند که در آن اشاره میکنند به "کامنت" و توضیح می دهند که آن کشتار و نسل کشی نبوده است! بلکه فرصتی بنام *دفاع از خود* بوده است !!!!!

البته ایشان از "استر" هم نقل هائی میکنند ولی هیچ وقت از تعداد کشته شدگان صحبتی نمی کنند که اصلا عجیب نیست!

لینک ویدئو:
feature=channel_page&http://www.youtube.com/watch?v=ZbNancQHClQ

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 22:4

آقای علی از مالزی. اگر یهودیان را پیوسته مورد هجوم عمده تمدن های بین النهرین چون آشور و بابل بدانیم و بپذیریم که مردم شرق میانه در عهد خشایارشا قصد کشتار عمومی آن ها را داشته اند، آن گاه خاخام شما باید پاسخ دهد که دلیل این نفرت وسیع مردم منطقه از یهودیان چه بوده، چرا این نفرت بعدها به مسیحیان نخستین و مسلمین تمام دوران ها و اینک مردم جهان منتقل شده است؟ مگر اسراییل در حال حاضر هم بدون محاسبه ی علت نخستین، که غصب مسلحانه ی سرزمین فلسطین و آواره کردن مردم آن بوده، باز هم به بهانه دفاع از خود کودکان غزه ی مسلمان را نمی کشد و نفرت بیش تری برای خود نمی خرد؟ آیا پوریم چیزی شبیه دفاع از خود کنونی آن ها نبوده است؟
ضمنا به ارمنستان نرفته ام ولی بخشی از تابلوهای نقاشی موجود در موزه ی یروان را در مجموعه ای چاپ شده دیده ام که بدون شک تولید آن ها عمر درازی ندارد.

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 13 اسفند1387 ساعت: 23:22

استاد خسته نباشید.خدا قوت.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 0:22

بهترین سند تاریخی برای تخیلی بودن جنگهای صلیبی همانا دون کیشوت اثر درخشان میگوئل سروانتس است. با خواندن این اثر حیرت آور می آموزیم که چگونه یک مشت اشراف تفنن طلب روستائیان ساده دل را به طمع کسب شهرت و منزلت اجتماعی تشویق به ماجراجوئی در اقصا نقاط عالم میکنند و هنگامی که این ماجراجوئیها کاری غیر عملی است، با صحنه آرائی های استادانه و پرخرج این توهم را در آنها به وجود می آورند که به پیروزیهای حماسی دست یافته اند و حتی نامشان در کتابهای تاریخی آمده و زندگی نامه آنها به صورت کتاب منتشر شده است. زیبا رویان اروپائی هم شیفته شخصیت این شوالیه های دهاتی شده و شب و روز از رنج عشق به خود می پیچند. سروانتس وجود یک عقده روانی قدیمی در شخصیت افراد جاه طلب را بخوبی تشخیص داده و در اطراف آن موضوع شاهکاری بی بدیل آفریده است. سروانتس حتی بیماری شیزوفرنی آنان را در قریب به 450 سال پیش تشخیص داده است. آیا نبوغ آمیز نیست؟ این اثر تمام توهمات قشر روستائی قرون وستائی اروپا را به تصویر میکشد که جنگهای صلیبی محور اصلی آنهاست.

نویسنده: رضا

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 5:22

دوست گرامی علی از مالزی.
نظر شما در این باره چیست؟

http://www.iranmalaysia.com/123NewsDetail.aspx?NewsId=18867

نویسنده: پیام

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 10:3

سلام. یه سوال
کشتار بی رحمانه پوریم به ما چه ربطی داره؟ چون با کشتار تمام مردم این ناحیه، این منطقه قرنها خالی از سکنه بوده و سپس عده ای از سایر نقاط دنیا به اینجا اومدن و ما الان از نواده های اونها هستیم. خب پس چه ربطی به ما داره؟

نویسنده: یک انتقاد بجا از خوانندگان

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 13:2

لطیفه نویسان عزیز (مخصوصا" آقا یا خانم «همون آدم»)

ان شاء الله که لطیفه های خود را با حسن نیت و با قصد رفع خستگی از خوانندگان می نویسید؛ هر چند که این وبلاگ عظیم در اصل جای این هزلیات نیست.
اما تذکر یک نکته ضروریست، و آن اینکه دیگر تا آنجا افراط نکنید که به مسائلی بپردازید که آشکارا جز توهین به مبانی اعتقادی مسلمانان (مثل حج)، و یا تفرقه افکنی میان اقوام مسلمان (مثل «یک روز اهل فلان جا به اهل بهمان جا چنین و چنان گفت...») نتیجه ی دیگری در بر ندارند. امیدوارم با پذیرش این انتقاد بجا ار این حقیر، نشان دهید که درسهای شاهراه «حق و صبر» را به درستی آموخته اید.

و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 13:8

آقای پیام. تاریخ می نویسیم تا حقایق را بدانید، اگر مجلس ختم گذاردیم، شما شرکت نکنید.

آقای آیدین یاشار. حقایق بر خودشان کاملا آشکار است. احترام به فرهنگ عمومی بشر از نظر کنیسه و کلیسا ذره ای اعتبار ندارد.

آقای منتقد. لطیفه گذار استعداد زیادی در آلودن وبلاگ به توهین های قومی داشت، از میان نزدیک به ده شیرین زبانی او همین دو مورد نصب شد که اندکی بوی شادمانی می داد.

نویسنده: علی از مالزی

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 13:14

آقا رضا، و آقای یک انتقاد بجا از خوانندگان!

قیمین مردم، نائبین بر حق و والیان این زمین و به اصطلاح عبادا.. صالحین فراموش کرده اند که مطابق روزنامه اطلاعات خودشان در **ایام عید** سال 86 آمار قتلهای **ثبت شده** توسط نیروهای انتظامی در ایران 11نفر در روز بوده است !!!!!

حدود 2 سال پیش در مالزی دختر بچه ای از یک خانواده بسیار متوسط در اطراف محل مسکونی من گم شد، که دولت هنوز هم که هنوزه در شبکه های ماهوره ای به خرج خودش آگهی عمومی پخش میکنه تا شاید پیدا بشود !! متوجه شدید پس آمارها چگونه هست؟؟ برای همین است که اگر کسی با یک چوب بر سر کسی در اینجا بزند! میشود تیتر اول همه روزنامه ها. سفرنامه استاد در مورد اندونزی خود شاهدی بر دروغ بودن ادعاهای آن مقاله است هر چند که مالزی در پله های بالائی کشورهای در حال توسعه آسیای جنوب شرقی، نسبت به اندونزی قرار دارد.

و نکته اصلی اینکه اینجا (بر خلاف ایران) طاغوت پرستی رایج نیست!! راستی چرا این سایت در مورد برکات قرار داد 25 میلیارد دلاری ! ایران و مالزی با این آب و تاب در سال پیش چیزی ننوشت؟؟

شش ش.ششش....میدونم *صلاح* نبوده است !

نویسنده: رعد

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 14:38

سلام ... اقای پیرار , خدا قوت بدهد . دوستی که اهل شهر مقدس قزوین بود بلافاصله که تصویر ان زائر مسیحی را دید رو کرد و گفت : ایشان با ان عمامه و ردا و نازکی قامت در عین پیری , به عکس جوانی شاه اسماعیل میماند، که در شهر بنامش تشهد میگفتند و اشاعه لواط می کردند، که اکنون تحلیل رفته و مسیحی شده ,به او گفتم در امور کارشناسی و فولکلوریک حضرت عالی دخالت نمی کنم ! و اما در مورد ان تصویرحمل منورای سنگی, که اقا مسعود در کامنت 11 اسفند ماه گذاشته بودند و شما بر ان ذیلی اورده بودید خواستم اظهار نظری بنویسم که شما بهتر می دانید ,از حالت و فیگور4 نفر اول و نفر پنجم که فقط سرش در کنار انان هویدا است بر میاید که انان و نفرات پشتی که پاک و مخدوش شده اند به غیر از حاملان منورا, مشغول حمل چیزی هستتند که به تصورم باید تابوت عهد باشد, بنابر این , انان همه یهودی هستند ان دو کرنا هم ظاهرا باید بر بدنه تابوت عهد فیکس شده باشد و همان است که در تورات ذکر شده و در ایران هم فقط در یک نقطه مذهبی، در مراسم های نازایی و ارتوپدی و شفا و عید و عزا ... نواخته می شود. سلامتی و طول و عرض عمر از درگاه الله , برایتان خواستارم .

نویسنده: سجاد

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 16:5

با سلام استادگرامی من جهت دسترسی به وبلاگ شما از چند فیلتر شکن تودر تو استفاده می کنم تا عکسها را هم داشته باشم ولی دیگه این تکنیک هم کارایی ندارد
در وبلاگ آمون هم عکسها نیست به لطف خدا این مشکل هم حل خواهد شد ولی جهت اطلاع گزارش شد

نویسنده: سجاد

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 16:17

با سلام دوباره عرض کنم که با فیلتر شکن های موجود می توانم به هر سایت فیلتر شده دسترسی داشته باشم به غیر از وبلاگهای سایت بلاگ فا

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 18:35

سلام علیکم و خسته نباشید استاد عزیز.

استاد بنده هم با نظر آقای رعد هم عقیده هستم. طرز قرار گیری متقارن دو بوق "شوفار" یهودی بر روی آن جعبه مکعب که به احتمال زیاد همان صندوق عهد شامل ده فرمان خداوند میباشد این احتمال را که آن دو بوق بر روی صندوق نصب باشند زیاد میکند.
اما یک نکته برای من مبهم است و آن اینکه اگر همه آن نفرات جزو "یهودیان" سامی نژاد هستند پس چرا شکل سر و صورت و بینی و آرایش مو و لباسهایشان همگی "رومی" است!
آیا نمیشود گفت اینها سران هلنیست گرویده به یهودیت بشکل مصلحتی !!! میباشند!؟

نویسنده: بنیاد ایرانشناسی

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 21:24

به هر حال ما هنوز هم پذیرای کسانی هستیم که می خواهند ایرانشناسی نوع بومی و از درون را بیاموزند.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 21:28

آقای رعد و آقای مسعود. پیچیده ترین بخش این حجاری آن دو پلاکاردی است که در دو اندازه ی مختلف و شبیه دوربین عکاسی بر شانه های دو نفر تکیه دارد. شبیه این صفحات قاب گرفته و دسته دار در هیچ تصویر دیگری از مراسم یهودیان دیده نشده و یا ندیده ام!

نویسنده: کنجکاو

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 23:45

سلام جناب استاد امشب در برنامه "دو قدم مانده به موت" در تلویزیون ظرغامی حسین سلطان زاده را که شما حقشو کف دستش گذاردید دعوت کرده بودند که راجع به معماری صحبت میکرد و از جمله میگفت که تالار آپادانا 72 ستون و چهار ایوان دارد. در حال که در آن تالار نیمه ساخت فقط 36 ستون و سه ایوان هست. کی ما از دست این احمقان بی سواد و دهان گشاد خلاص میشیم؟! واقعا که یک خروار از اینها یک ارزن از شعور و دقت شما را ندارند. خداوند نگهدارتان باشد.

نویسنده: آمون

چهارشنبه 14 اسفند1387 ساعت: 20:38

فردا که جمعه است، به محضر زلیخای آمون پرست خواهم رفت و از ایشان خواهم خواست مقالات ایرانشناسی را به فرمت WORD و سوار بر شتر ایمیل، در خانه شما بخوابانند و راحت شوید! پس آدرس های خود را در آن وبلاگ بگذارید.
و کاش می گفتید که کدام شماره ها در آمون بدون عکس است؟(چون در دو جای مختلف آپلود شده اند و شاید جای سومی هم در راه باشد!)در همان وبلاگ البته!

به دین مقدس آمون بگرایید که در این دین، فریبنده ای نیست. اگر یهود و مسیحیت و اسلام و از همه بالاتر، زرتشتیگری بزرگ، نیروی منفی و اهریمن و شیطان دارند، آمون پرستی، چنین چیزی ندارد و چیزی نیست که شما را از راه راست، منحرف نماید. اصلا آیا یک زن در آیین آمون، یک تار مو را بیرون گذاشته؟ هرگز!
اما شما مسلمانها،چپ و راست، گشت ارشاد دارید که زنان و مردان را می گیرند و می برند و ... !
پس به آمون بگرایید و در خیابان یکطرفه نجات، تخته گاز برانید!

آه که این دین کهنسال، آن قدر جدید است که هنوز این چیزها را برایش نساخته اند!

نویسنده: بی طرف

پنجشنبه 15 اسفند1387 ساعت: 0:43

تخت جمشید را از نزدیک ببینیم
فراخوان
از آنجا که دوستانی در این وبلاگ به من پیشنهاد داده بودند که یکی از روزهای نوروز 1388 را در تخت جمشید سپری کنیم، بر آن شدم که در صورت امکان، این برنامه را عملی کنم تا دوستانی که مشتاقند این بنای نیمه تمام را از نزدیک ببینند، همراهم باشند. اما قبل از اجرا شدن این برنامه باید به این براورد برسم که چند نفر از دوستان به این کار تمایل دارند. لذا از دوستانی که می خواهند در این برنامه شرکت کنند می خواهم که مشخصات زیر را از امروز(1387/12/11) تا تاریخ 1387/12/20 برای من به صورت نظر خصوصی بفرستند تا بتوانم در این مورد تصمیم بگیرم.
لطفا اطلاعاتی را که وارد می کنید به صورت دقیق و کامل باشد تا در انجام برنامه ها اختلالی به وجود نیاید.
1. تعداد کامل افراد همراه
2. یک ایمیل برای اطلاع رسانی
3. یک شماره تلفن همراه (در صورت تمایل)
4.چه روزی از ایام تعطیلات را برای این دیدار بهتر می دانید.
در آخر ذکر کنم که ممکن است این برنامه برگزار نشود، که در این صورت به شما اطلاع خواهم داد.
(لطفا نظرات را در وبلاگ دروغ بزرگ قرار دهید)

وب سایت

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 15 اسفند1387 ساعت: 11:24

با سلام

از تمامی دوستان به علت اختلال در سیستم سایت عذر خواهی می کنم. دوستانی که مشکل تصاویر دارند، می توانند به فرمت pdf در سایت naria.ir مراجعه کنند.

ضمنا آقای م. ستاره آن نرم افزار برای کنترل کامپیوتر از یک جای دیگر کاربرد دارد. ببخشید ای میل مشکل داشت.

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 15 اسفند1387 ساعت: 17:21

وزارت ارشاد: با اسم‌های عربی هم برخورد می‌شود

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=66727

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 15 اسفند1387 ساعت: 15:36

http://www.pcparsi.com/upload/images/e3v7xkq6fz5w5tazmdt3.jpg

نویسنده: صمیمی

پنجشنبه 15 اسفند1387 ساعت: 21:29

https://www.ina-irannews.com/Report-Details.aspx?reportId=1333

نویسنده: سلام

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 0:17

به دوستان توصیه می کنم این دو لینک را ببینند :

http://www.ganjei.com/1387/02/31/ostadology

http://www.ganjei.com/1387/02/30/nasser-pour-pirar

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 0:33

آقای ایمان. به هیچ تمهیدی لینک ارسالی شما باز نشد.

نویسنده: فتح

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 1:4

آقای پورپیرار نقل آخر شما جواب همیشگی سوال چرا غرب پیش رفت وشرق ماند مخالفین اسلام است.
امروز با چند تن از نو مسیحیان آونجلیک صحبتی داشتیم جالب بود که همه می گفتند ما مسلمانیم و آونجلیک بودن ما ربطی به اسلام و مسلمانی ندارد چون مسیحیت از نظر این فرقه دین نیست بلکه یک اعتقاد فلبی به مسیح و معجزات او و پسرخدا بودن اوست وقتی این آخری را اشکال می گیرید می گویند وقتی اعتقاد قلبی پیدا کردی پذیرفتنی است اگر اسلام می گوید نیست چون تصورش برای مردم مشکل است ولی با اعتقاد قلبی شدنی است.
جالب است این کلیسا و در اصل کنیسه (اوانجلیک های مسحی یهودی)از هر روشی استفاده می کنند و البته این گروه در بین ایرانیان بیشتر از همه رشد کرده اند.
اما من هرچه در اینترنت دنبال فایل پی دی اف 12 قرن سکوت قسمت هخامنشیان گشتم تا از پایه وارد علل کشش این افراد به این گروها شوم و با اهداء این نسخه دریچه نفوذ یهودیان به ذهن این افراد را که همان اعتقاد راسخ به گذشته پر شکوه ایران و مهربانی کورش کبیر است را ببندم بجز فایلهای بی شمار 2 قرن سکوت هیچ نیافتم براستی چرا؟ فایل پی دی اف 12 قرن سکوت در اینترنت نیست؟

نویسنده: همون آدم

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 9:47

راستی اصلا ایمیل شد براتون.
لازم نیست برین بازش کنید.

نویسنده: سعید

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 13:35

ناصرخان لینکهایی را که باز نمیشه با موزیلا باز کنید بجای اینترنت اکسپلورر

نویسنده: یه نفر

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 14:32

سلام
میگم زمان قاجار، اسم منوچهر کجا بود؟ که یکی ننه شو طلاق بده!
شاهنامه که هنوز ساخته نشده بود!
سکه شون هم که پنچره!
عجب اینا خالی بندن!

به گزارش خبر نیوز، این نامه در یک کاغذ کوچک است که با جوهر آبی رنگ نوشته شده است و هیچ تاریخی ندارد. نامه کلا در 7 خط است و 2 بیت شعر نیز در آن نوشته شده است. دبیر جشنواره و مدیرنگارخانه سعدآباد گفت: زمانی که مسئول امور هنری نگارخانه سعد آباد قصد داشت لباسی را که متعلق به دوره قاجار بود به یک مشتری نشان دهد، متوجه وجود یک نامه و سکه در جیب لباس شد.

در این نامه که هفت خط دست نوشته آمده است :

بنویس دلا به یار کاغذ
بفرست به آن نگار کاغذ
نه سیم و نه زر نیاز داری
پس گلپرخانم تو به جهان چکار داری؟

پس از این دو بیت مرد عاشق نوشته است:

حاجی همه چیز دارد، حاجی متموله است، حاجی تو را دوست دارد، تو حاجی را دوست می‌داری؟
حاجی ملک دارد، کاروانسرا دارد، حاجی باغ دارد، حاجی خوشگل است، 36دندان پهلوی همدیگر دارد. تمام جا به جا است.
وقت آب خوردن گلویش معلوم است. اگر به حاجی مایلی آن وقت مادر منوچهر را طلاق می‌دهم.

این مرد در پشت نامه عاشقانه‌اش برای گلپر نوشته است: خدمت حضور محترم علیه عالیه خانم گلپر.

در قسمتی دیگر از این نامه حاجی از گلپر به دلیل بی‌وفایی‌اش گله کرده و نوشته است: فدایت شوم آن کاغذی که قبلا فرستاده بودم چرا جواب ندادی؟

این لباس یک قبای زنانه است که پارچه اش دست باف و راه راه است و در زیر بغل دارای یک چاک است و آستر لباس چاپ قلمکار است. سکه کشف شده مربوط به سال 1219 است و محلی که نمایشگر ارزش آن است سائیده شده است و نشان شیر و خورشید دارد.

نویسنده: عابدی

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 19:13

با سلام

از دوستان کسی برای جستجو از آیات قرآن به صورت ریشه یابی می تواند کمکی بکند ؟

برای مثال ریشه : قدر ، مشتقات : تقدیر مقدور قدیر قادر مقدار مقتدر و ...

اگر دوستان در مورد یاری دهند بسیار ممنون می شوم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 23:41

آقای عابدی. مطلبی که به دنبال آنید، با چند سطر راه نمایی پیدا نمی کنید. باید ثلاثی و رباعی و مزید و نیز ابواب افعال در عربی را بخوانید. اگر استاد خوب بیابید مسئله برای تان در شش ماه حل می شود. ضمنا رسیدن به ریشه ها به معنای کشف معنای آن ریشه نیست. مثلا اگر بگوییم ریشه ی مشتق حسود حسد است فقط به معنای رایج ریشه، نه استدلالی آن رسیده ایم. زیرا استدلال در این ماجرا هیچ کاره است. مثل این که بپرسیم چرا به آب می گویند آب؟**!!**

آقای یه نفر. سرکار رفته ای. این همه سریال یوسف را نبین، مالیخولیا می گیری.

نویسنده: اتفاق

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 0:19

سلام آقای عابدی
کتبی در بازار کتاب موجود است عمدتا به نام « المعجم ... » که قاموس لغوی قرآن هستند و فهرست نقاطی که یک کلمۀ واحد در قرآن آمده در ایشان موجود است . این معجم ها بر دو اساس تدارک می شوند :
الف) ریشه ای
ب) الفبائی

کار با معجم های ریشه ای سخت ، و حتی گاهی برای متخصصان نیز دشوار است ، از دیگرسو فوائدی دارند و آن اینکه می توان تمام باب های یک لغت را ذیل هم پیدا کرد . از آن طرف کار با معجم های الفبائی ساده است اما این عیب را دارند که باید « صرف » بدانید و یک مفهوم واحد را در باب های مختلف بجوئید . القصه اینکه پژوهشگر قرآن باید هم معجم ریشه ای داشته باشد و هم معجم الفبائی تا به مقتضای تحقیق ، بدانان رجوع کند . من در زیر دو نمونه را معرفی می کنم که به سهولت در بازار پیدا خواهید کرد :

الف) المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم (ریشه ای) / محمد فؤاد عبدالباقی / ؟
ب) المعجم المفهرس لکلمات القرآن العظیم (الفبائی) / محمد عدنان سالم ، محمد وهبی سلیمان / انتشارات اسلام

توضیح : تا آنجا که من خبر دارم ، معجم های الفبائی منحصر به همین نمونه ای است که در بالا قید کردم ، اما معجم های ریشه ای متنوع هستند ؛ لذا اگر معجم آقای محمد فؤاد عبدالباقی را به هر دلیلی نیافتید ، به دنبال معجم های ریشه ای دیگری که توسط سایر مؤلفان نشر یافته بگردید .

نویسنده: یکی

جمعه 16 اسفند1387 ساعت: 23:0

http://www.myup.ir/files/t9fujg6d97wje8svz3lb.jpg

شالوم. امروز شابات، تعطیل، خونه، لالا، پوریم، استقبال ... !
این عکس استقبال از احمدی نژاد فوتوشاپه؟!!
سپر جلو و پشت لاستیک عقب چپ یه چیزایی دیده می شه در عوض محافظها کسی رو دور نمی کنند ولی از ISNA بعیده!
(ظاهرا می گن فلکه گاز جرجان هست که ملهب از سرداران عربای پا برهنه آسیاب هاشو با خون زرتشتیان مسلمان و مومن و شریف گردونده. بمیرم الهی واسه این هموطنانم.)
راستی مگر شماره ایران 22 مال تهران نیست؟! دو تا از محافظها هم ریشاشونو با تیغ زدن. خجالت نکشیدن از اوامر مذهبی تخطی کردن؟

آقای یکی. به علاوه چنین نیسان کروکی بی سقفی نوبر است شاید کمپانی نیسان از روی این نمونه تقلید کند. وانگهی امتداد بدن احمدی نژاد از شیشه ی جلو دیده نمی شود. محافظ ریش تراشیده هم دیده نشد.

x

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی 204

ایران شناسی بدون دروغ 204، نتیجه،12، نگاهی به تاریخ و آثار اسلامی ترکیه، 1 - 36 نظر

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 5:58

همچون همیشه بسیار روشنگرانه.

نوشته های شما کلاس درسی است برای همه کسانی که به فرموده قران کریم "فکر می کنند" .

خسته نباشید، خدا قوت.

نویسنده: محسن عابدی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 8:4

سلام استاد فرزانه و آقای اتفاق. ممنونم از راهنمایی های تان.

من دنبال یک دیتابیس یا چیزی شبیه به آن هستم. برای مثال کاربری که کلمه ی قدر را از قرآن کریم جستجو می کند با مراجعه به آن دیتابیس، مشتقات کلمه قدر را نیز از متن قرآن کریم جستجو کند. چنین دیتابیسی در اینترنت است اما نه برای دانلود کردن.

گفتم شاید در میان دوستان چنین فایلی یافت شود.

در پناه حق باشید.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 10:24

جناب استاد ،

سئوالی داشتم از خدمتتان آیا این *عکس رنگی* سی و سه پل اصفهان همان پلی است که چند صد سال پیش تلسیس گشته ؟

http://gigaimage.com/images/mcs4zqxzdl2n6h0vasjh.jpg

با تشکر.

نویسنده: سعید خسروی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 12:12

جناب پورپیرار
سلام، این مقاله بسیار روشنگر بود.
ضمناً از اینکه مقالات را سریعتر از گذشته به روز می کنید متشکرم.
خدا قوت!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 13:38

خانم آزاده. ارسال شد.

آقای علی از مالزی. بسیار بعید است آن عکس را از سی و سه پل برداشته باشند و هرچند رنگی کردن آن یک کار فنی و آتلیه ای است و اورژینال نیست، اما اگر بتوان به نحوی برداشت این تصویر از سی و سه پل را اثبات کرد، سازندگان به اصطلاح صفوی ناچار باید گام دیگری به عقب بردارند!!!

نویسنده: رهگذر

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 13:47

با سلام خدمت آقای پورپیرار
توجه کنید که این جمله:..."همه را به جز مواردی اندک و استثنایی غرض آلود و آمیخته با تعصب یافتم. " با برداشت شما :..."اندک مدارک موجود هم آمیخته با تعصب است و از اندیشه های خشن عهد جنگ های صلیبی مایه گرفته،"مغایرت معنی دارد زیرا نویسنده میگوید که اغلب کتب غرض آلودند و تنها اندکی از مدارک بدور از غرض و تعصبند و نه اینکه مدارکی وجود ندارد و اندک مدارک موجود غرض آلود است! شایدهم من خوب حالی نمی شم.

نویسنده: :D

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 14:52

<<فرق آمریکایی با انگلیسی و چینی و اسرائیلی در صورتی که در فنجان قهوه شون مگس پیدا کنن>>

انگلیسی قهوه رو با عصبانیت میندازه دور و تا عمر داره به اون کافی شاپ نمیره

آمریکائی مگسو در میاره ولی قهوه رو میخوره

چینی اول با لذت مگسو میخوره بعد قهوه رو روش نوش جان می کنه

و اما اسرائیلیه
یک- قهوه رو میفروشه به آمریکا و مگسو به چین

دو- تو تمام کانال های تلوزیونی گریه میکنه که ما امنیت نداریم
سه- فلسطین و حزب الله و سوریه و ایران رو متهم به ساخت اسلحه میکروبی میکنه
چهار- به رئیس جمهور فلسطین اخطار میده که از کاشت مگس در فنجان های قهوه خودداری کنه
پنج- دوباره به کرانه باختری و غزه حمله می کنه
شش- تقاضای یک میلیون دلار وام از آمریکا برای خرید یه فنجون قهوه جدید می کنه
هفت- به آمریکا میگه کافی شاپ رو محکوم به پرداخت غرامت کنه یعنی تا آخر عمر بهش قهوه مجانی بده
هشت- آخرین- تمام دنیا رو متهم می کنه که چرا در مقابل این ظلم ساکت نشستند و با ملت اسرائیل همدردی نمی کنن

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 15:14

خانم امت الله. معرف من این کتاب ها و مقالات و یادداشت ها و سخن رانی هاست و بیش از آن مطلبی برای عرضه ندارم با این اشاره که آن ادعاها و اطلاعات بی ارزش و از سر واماندگی و عقده گشایی که درباره ی گذشته و حال من در اینترنت و یا هرکجای دیگر می خوانید و می شنوید، به قدر پشت ناخنی صحت ندارد، برخی از آن ها سخت خنده دار است و از بیگانگی و از آن آشکارتر از حماقت و نا آشنایی گوینده ی آن خبر می دهد. برای برداشتن فایل اسلام و شمشیر لطفا به آدرس www.naria.ir رجوع کنید.

آقای رهگذر. در باب سلسله و امپراتوری بزرگی با نام عثمانی که بالکان و اتریش را تصرف کرده باشد، حتی نیم برگی سند مطمئن وجود ندارد. افسانه هایی اندک خوش آب و رنگ تر و شاخ و برگ دار تر از قماش صفویه ی قلابی و یا نظیر لشکر کشی نادر شاه به هندوستان است!!! به دنباله ی یادداشت ها توجه کنید.

آقای!!. به کسی که اصل قضیه را متوجه نشده نمی توان جواب داد!

نویسنده: هادی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 18:11

تقدیم به استاد:

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712160356

نویسنده: هادی

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 18:34

با سلام

استاد تا آنجایی که من یادم هست آخرین پادشاه عثمانی محمد ششم بود که یک سال پیش از احمد شاه عزل شد.

http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100946084294
عکس او نیز بسیار غمناک است:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/54/Mehmet_VI_Vahidettin.jpg

نویسنده: آمون

شنبه 17 اسفند1387 ساعت: 23:9

آمون به روز شد!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 0:19

آقای هادی. همین دو لینک ارسالی شما نشان می دهد که اطلاعات در باب عثمانیان 80 سال پیش هم مغشوش و نامرتب است، چه رسد به 700 سال پیش!

آقای آمون. شما حالا یک مرکز مراجعه ی بین المللی هستید. زیر کامنت های تان لینک آدرس سایت خود را بگذارید!

نویسنده: احسان

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 0:59

با سلام به استاد گرامی
باز هم سوال و سوال !

شما بهتر از من میدانید که زبان هم مانند همه ی پدیده های انسانی پیوسته در حال تغییر است، چنان که مثلاً امروز فارسی 100 سال پیش را به زحمت میفهمیم. اگر به راستی از عمر قرآن یک هزاره و اندی میگذرد، چگونه است که هنوز و در قرن بیست و یکم اعراب مطالب آن را به خوبی میفهمند ؟! آیا واقعاً ظهور اسلام و قرآن در قرن هفتم میلادی رخ داده یا به زمانی جدیدتر مربوط میشود ؟

مثلا آیا معراج واقعاً اتفاق افتاده است ؟

نویسنده: kaveh

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 1:30

سلام آقای پور پیرار .متاسفانه به دلیل جراحی مدتی زیاد از مطالب بی خبر ماندم .مطلب مهمی هست که باید حتما به خدمت برسم به زودی به امید خدا.من رو فراموش نکنید.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 6:26

یکی از اساسی ترین اصول نقل مطلب، ذکر مراجع است که متاسفانه در بین وب نویسان ایرانی هیچ اهمیتی ندارد. برای همین است که آن تصویر در جائی سی و سه پل اصفهان و در جائی دیگر پل شهرستان معرفی میگردد. اما هر دو سایت از درج "نام عکاس، تاریخ عکاسی و منبع عکس" خودداری کرده اند... پس آن می تواند هر پلی باشد در هر کجا!! مایه بسی شرمساری است که در عصر انفجار اطلاعات این مسائل رعایت نمی شود حال چه برسد به اسناد تاریخی به قول شما استاد.

نویسنده: بختیار

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 19:38

استاد با سلام و دعای خیر
نظرتان را به لینک زیر جلب میکنم
http://www.aqeedeh.com/ebook/view_news.php?rowID=170

نویسنده: عبور

یکشنبه 18 اسفند1387 ساعت: 22:22

سلام بر همگی

wow



این چند یادداشت اخیر (مخصوصا) چنان بکر و روشن گر اند که جز اظهار شگفتی از موافق و مخالف کاری ساخته نیست

سازش و همکاری هلنیست و مسیحیت اگر اشتباه نکنم از قرن شانزدهم
نه تنها در معماری و نقاشی و... هنر بلکه فلسفه و در یک کلام تمامی دستآورد های آن دوره هم آشکار است
کافی است کمی دقیق شویم
مثلا در ادبیات «فاوست» اثر گوته نمونه جالبی است که اسطوره های یونانی و الاهیات مسیحیت با هم درآمیخته شده اند

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 19 اسفند1387 ساعت: 4:22

اقای عبور. مجسمه ی کاملا برهنه ی داوود در واتیکان، شاهکار میکل آنژ، که در نمای ظاهر یک رومن کامل است و روزانه بازدید کننده ی بسیار دارد، به آشکارترین صورتی از توافق میان کلیسا و هلنیست ها خبر می دهد. شگفت آور این که یهودیان، گرچه تورات مجازات کشف به تصادف عورت را هم مرگ قرار داده، اما هرگز به برهنگی برجسته ترین نبی پس از موسای خود اعتراضی نکرده اند**!!؟**

آقای بختیار. مطلب عمده ای نبود جز تکرار مبهمات مندرج در احادیث. اسلام دین رسول خدا نیست، پیامبر فقط ابلاغ کننده ی آیات و دستورات خداوند است. مقاله سراپا متکی بود بر کتاب های مجعول و برابر گرفتن مشکوکاتی به نام سنت با محکماتی چون آیات قرآن.

آقای ایمان. آفتاب در پس ابر نمی ماند.

آقای بجانی. لشکر پنهان یهود در سرزمین ما بسیار هوشیارانه و قدرتمند عمل می کند و سربازان اش در همه لباسی هستند.

نویسنده: اترش

دوشنبه 19 اسفند1387 ساعت: 11:44

(1)
با توجه به اشارات قرآن در مورد مصلوب نشدن مسیح:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا [٤:١٥٧]
و به سبب گفتارِ شان که ما عیسی بن مریم فرستاده الله را کشتیم. در صورتی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشتبه شد؛ و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع وحال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند.

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا [٤:١٥٨]
بلکه الله او را به سوی خود بالا برد؛ الله توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

وب سایت

نویسنده: اترش

دوشنبه 19 اسفند1387 ساعت: 11:53

(2)

۞ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ۖ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ [٣:٥٢]
زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: کیانند یاران من به سوی الله؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به الله ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما در برابر الله تسلیم هستیم.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ [٣:٥٣]
پروردگارا! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر پیروی کردیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ ۖ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ [٣:٥٤]
ولی مکر کردند و الله هم در مقابل با آنها مکر کرد، که الله از همه بهتر می تواند مکر کند.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ [٣:٥٥]
وقتی که الله فرمود: ای عیسی، همانا تو را قبض نموده و به سوی خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم، سپس به سوی من باز خواهید گشت و در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید داوری می کنم؛

و نبود نماد صلیب در کلیساهای اولیه، ماجرای مصلوب شدن مسیح مسئله ایی است که بعدها سران کلیسا بر سر آن به توافق می رسند و این چنین مسیح را معرفی کنند که رسول خدا در مقابل حرف ناحق دیگران سکوت کرده و بی مقاومت تن به رنج و مصلوب شدن داده و آموزه اش در مقابل ظلم این بوده که اگر به گونه ی چپ ات سیلی زدند گونه ی راست ات را جلو بیاور تا پیروان مسیح را به سکوت و تحمل فرابخوانند و از این موقعیت سو استفاده کنند. پس صلیب هم حربه ی دیگری مانند فروختن بهشت و باز خرید گناه و قربانی شدن مسیح و صدور مجوز برای گناه و فساد بقیه انسانها ست که سران کلیسا و کنیسه زیرکانه علم کرده اند

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 19 اسفند1387 ساعت: 21:19

خانم امت الله. استفاده ی موثر از زبان الکن و بی جان فارسی برای نویسنده و خواننده چندان آسان نیست، به خصوص برای شما که خیلی هم فارس نیستید، چنان که به فضای آن داستان درست وارد نشده اید. در پیوندهای وبلاک نزدیک بیست داستان کوتاه نصب است.

نویسنده: أمة الله

دوشنبه 19 اسفند1387 ساعت: 22:44

بله آقای پورپیرار تازه متوجه شدم چقدر این نمونه داستان خوانی برایم سخت است.

من با سخنان زیبا و روان قرآن هیچ مشکلی ندارم ولی با خیال پردازیهای افسانه ها هرگز عقلم جور نمی شود.

چند داستان کوتاه تان را متوجه شدم هرچند راستش با تعجب هم روبرو شدم برای اینکه در بعضی جاها قهرمان داستانتان انسان بدی بود که با چشم چرانی به زنان و فعل حرام هم عادت گرفته بود!

تعجبم از این بود که شخصیتی مثل شما مگر چند بعدی هستید؟

یعنی از یک سو به خوبی از آیین آسمانی اسلام دفاع می کنید و از سویی در آن داستانها انگار که نه شما هستید!!

به هرحال با فن و فنون این نوشتارها آشنا نیستم و فایده اش را هم نمی دانم ولی البته فکر می کنم اثر بد هم دارند .

چون نقل فاحشه بصورت عادی بمانند تبلیغ آن است.

البته این نظر شخصی ام است و انتظار ندارم همه موافق نظرم باشند.

به نظر من نفس بشری مانند یک کودک است که به هر چیزی خو می گیرد.

پس خوب است این نفس سرکش را زیاد مجال ندهیم.

وب سایت

نویسنده: این هم فتوشاپه؟!!

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 0:37

http://static.cloob.com//public/user_data/album_photo/579/1735684-b.jpg

خوب منم دوست دارم شوخی کنم!

نویسنده: یکی

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 0:45

http://www.cloob.com/club/article/show/clubname/jomeh_gharib
articleid/207748/redirectkey/aafead86e4447b8ee56cbd76851bd65c/

یعنی هر کی بگه هزار فامیل با من طرفه!

نویسنده: حاج علی

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 0:58

امروز از صبح منابع خبری داخلی و خارجی همچون بی بی سی خبری را اعلام کردند که هم قابل تامل است و هم کاملا تازه، از این قرار که:
حکومت اسرائیل به مناسبت برگزاری عید پوریم در سراسر مرزهای خود به ویژه در کرانه باختری یک کمربند امنیتی فوق العاده سفت و سخت ایجاد کرده است. بی بی سی در خبر خود فقط اشاره کرد که در عید پوریم یهودیان به جشن و پایکوبی می پردازند و هیچ صحبتی از چرایی برگزاری این عید به میان نیاورد! جالب تر از آن بخش اخبار رادیو پیام بود که در طول خبر فقط از برگزاری عید یهودی صحبت کرد !! و فقط در پایان خبر توضیح داد که عید مذکور پوریم است!!! بد نیست دوستان بررسی کنند که آیا تاکنون سابقه داشته که اسرائیل به دلیل برگزاری عید پوریم به فکر ایجاد کمربند امنیتی بیفتد؟ در صورت پاسخ منفی، باید به تاثیر بررسی های تاریخی استاد پورپیرار بر ملت های منطقه پی برد. این حادثه بس مهم باید برای بوزینگان روشنفکرنمای ایرانی و عربی و ترک بسیار آموزنده باشد که البته طبق معمول نیست! از بوزینه چه انتظاری می توان داشت؟

نویسنده: احسان

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 2:9

با سلام
کتابهای جدید از دکتر حسین محمدزاده صدیق منتشر شدند
محاکمة اللغتین اثر امیرعلیشیر نوایی - نشر اختر
قواعد زبان ترکی اثر میرزا بابا طبیب آشتیانی- نشر پینار
سیری در رساله های موسیقایی - نشر تکدرخت
آناما هدیه (شعر)- نشر تکدرخت
گلشن راز شبستری به روایت ترکی از شیخ الوان ولی- نشر تکدرخت
بهسروده های زرتشت - نشر تکدرخت
همچنین بخش شهریارشناسی در سایت دوستداران دکتر صدیق افتتاح گردید.
برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه فرمایید
www.duzgun.ir

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 13:33

آقای بجانی. از الطاف شما ممنونم. برای آیات انتهایی سوره ی شعرا معتقد به ترجمه ی دیگری هستم: "تابعین شاعران منحرفین اند که نمی بینند آنان در هر عرصه ای سرگردان اند و مطالبی غیر قابل اجرا می گویند. مگر آن هایی که ایمان آورند، عمل صالح انجام دهند، به تکرار خدا را یاد کنند و پس از بی عدالتی به حمایت روی آورند...
بخش آخر یعنی بازگشت از شاعری، پیوستن به صالحان و مومنین، دست کشیدن از ظلم مهمل گویی و حمایت از دین، شرط آن استثنایی است که می گویید...

نویسنده: R134a

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 15:39

با سلام و خسته نباشید
عکسها رو چطور میتونم ببینم؟

نویسنده: ساسان

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 16:35

براستی این سخنان نانیکو چه معنی میدارد؟ همه استادهای مهم دنیا که مدرک دانشگاهی میدارند و آکادمیک می باشند این سخنان نانیکو را ناصحیح میدانند و این درست می باشد چونکه پورپیران تندی تندی یادداشتهای نانیکوی خویشتن را انتشار دهی می نماید و معلوم میگردد که عربها و ترکها و تازیها و کردها و عراقیها و وهابیها زودتر و بیشتر بوی پولهای زیاد می دهن

وب سایت

نویسنده: حسینی

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 18:37

سلام. خسته نباشید.

نویسنده: آمون

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 19:33

آمون در خدمت بی عکسیون اما R134a معلوم می شود که مدت مدیدی است که اینجا ها نیامده بوده که خبر ندارد!
در ضمن آمون نه فقط بین المللی نیست بلکه زیرزمینی هم هست و فقط فیلتر شدگانند که شمعند و در این خانه ویرانه مقیمند هر چند عزیزند و در این روز سیه غالیه سایند لیکن که بر آنند که کوشند و از این خفت و خواری بدر آیند که ویرانه سرا را به سر

آرند!

هم شعر گفتم، هم پوریم رو تبریک می گویم به تمام فرزندان یهودی ام. امیدوارم سال آینده وسط میدان آزادی گیلاس ها را به هم بزنیم و به سلامتی که پوریم سال دیگر در 9 اسفند خواهد بود و شاید که من کاری کردم که سال دیگر برف بیاید. آخر تو این گرما، گرم شدن کار درستی نیست! امسال هم از لج ناصرخان یک دانه هم برف نفرستادم تا بدانید با آمون و یهوه نباید جنگید. چربی بسوزانید که پسرانم یعنی عزیر و یهوه و عیسی کیف کنند.

amun.blogfa.com

نویسنده: مسعود

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 20:38

سلام و خداقوت جناب استاد عزیز.

استاد مقدمه این یادداشت فوق العاده پرمغز و هوش رباست. واقعا" باید صد مرتبه دیگر آنرا خواند تا فهمید معانی پیچ در پیچ آن چیستند.

بنده هنوز در خم کوچه طاق تیتوس مانده ام !

لطفا" یک بار دیگر نگاهی به طاق تیتوس بیندازید:

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/0d/Arc_de_titus_frontal.jpg

همانطورکه ملاحظه میفرمایید در دو طرف طاق دو کتیبه درشت به زبان رومی حک شده است که بسیار جدید بنظر میرسند !! ترجمه این دو کتیبه چنین میباشند:

SENATVS -1
POPVLVSQVE·ROMANVS
(DIVO·TITO·DIVI·VESPASIANI·F(ILIO
VESPASIANO·AVGVSTO

یعنی : سنا و مردم روم این را به تیتوس وسپاسیانوس آگوستوس پسر شایسته وسپاسیانوس تقدیم میکنند.

INSIGNE · RELIGIONIS · ATQVE · ARTIS · MONVMENTVM-2
FATISCENS · VETVSTATE
(PIVS · SEPTIMVS · PONTIFEX · MAX(IMVS
PRISCVM · EXEMPLAR · IMITANTIBVS · NOVIS · OPERIBVS
FVLCIRI · SERVARIQVE · IVSSIT
SACRI · PRINCIPATVS · EIVS · XXIIII · ANNO

یعنی: این بنای یادبود که به لحاظ دینی و هنری اثری برجسته است بدلیل گذشت ایام در معرض آسیب و خرابی بود : پیوس هفتم پاپ و مرشد عالی مقام بر اساس کارهای نوین مطابق با نمونه باستانی دستور به مستحکم سازی و مرمت آن داد.در سال بیست و چهارم از فرمانروایی مقدس ایشان.

بنظر میرسد پاپ ها مسئول برق اندازی بناهای هلنی ساز یهودیان هم بوده اند!

اما مطلب جالب تر اینکه بیچاره تیتوس حواس پرت یادش رفته سال بنای طاق را برای آیندگان حک کند !!!

با حساب کنیسه و کلیسا باید حول و حوش 1930 سال پیش این طاق را تیتوس بنا کرده باشد و با این روشنگریهای جنابعالی من حدس میزنم پس از آشتی کلیسا با هلنیستها و یهودیان یعنی 500 سال قبل!!!

در پناه خدای واحد سلامت باشید.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 20 اسفند1387 ساعت: 22:1

سلام

"به هرحال با فن و فنون این نوشتارها آشنا نیستم و فایده اش را هم نمی دانم ولی البته فکر می کنم اثر بد هم دارند .

چون نقل فاحشه بصورت عادی بمانند تبلیغ آن است."

خانم أمة الله، شما که خودتان نیز اذعان دارید هیچ سررشته ای از ادبیات ندارید، از چه کانالی صاحب مجوز شده اید تا اینطور ولنگارانه استاد ما را متهم به ترویج فحشا(!؟) نمایید؟

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 1:56

سلام

دوستانی که در اینجا جمع شده اند ، پس از تحمل مشقات و توهین های بسیار به نتیجه ی نهایی رسیده اند و بنابراین از همدیگر هیچ گونه دلخوری ندارند اما اگر کسی در پی دلجویی بود ، طبع سلیم خود را نشان می دهد . اگر بنا باشد از کسی ناراحت باشم ، همانا جهودان ناپاک اند که با تبلیغات منفی خود ، باعث شدند که سالها روابط من و آقای پورپیرار ، در کمال احتیاط و ترس و سرد باشد ، تردید کنم و بعضی ظن های بد در مورد ایشان داشته باشم و حتی از ایشان بپرسم که چرا فرزندان خود را کشته و خورده است ؟ (نمی خواستم این مورد را ذکر کنم چرا که خیلی موجب آبروریزی خودم می شود ولی خواستم بدانید تا کجاها تبلیغات منفی شده است .)

فیلم تخت گاه هیچ کس ، به افراد و شبکه ها و نشریات بسیاری ارسال شده است که تاکنون ، جز شبکه ی آریانای افغانستان ، مدعی مردانگی و شجاعت دیگری یافت نشده است که باید از خانواده ی فارانی ، تشکر بسیار کرد . من جمله ی این شبکه ها ، الجزیره بود که امتناع کرد و اتفاقا چندی پیش ، چند کوه را نشان می داد و می گفت ابریشم ، از بین این کوه ها به اروپا می رسیده است ! اگر چنین باشد ، پس آنگاه اروپاییانی داریم که شرق چین را می شناسند ولی به دنبال هند ، به غرب می روند ! آن چند نمایش الجزیره از غزه نیز ، صرفا از روی ناچاری بود تا کسی متوجه مزدوری آنان برای اورشلیم نشود و آنانی هم که می دانند ، آنچه البته به جایی نرسد ، فریاد است . بگذارید صریح تر بگویم : شبکه ها و گروه ها و باند ها و سازمان ها و نهادها و ... که ادعای صهیونیست ستیزی و محو اسراییل دارند ؛ یا نه ، حتی ادعای اسلام و مسلمانی و یا کشف و احترام به حقیقت دارند ، دروغ می گویند مادامی که رو به سوی آقای پورپیرار و حرف های ایشان ندارند . کمی ادعای بزرگی است ولی عین واقعیتی است که مانند لمس یک حبه قند در دست ، قابل درک است . دولت ها و گروه های بزرگ خاورمیانه ، از تمام این نوشته ها مطلع اند ولی بر خلاف افغان ها ، کروموزوم های xy آنها اشتباه است و باید به xx تغییر یابد .

نویسنده: م . ستاره

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 1:56

پریروز ، تعنیت استر بود و دیروز پوریم و امروز هم پوریم شوش . کسی این مسایل را به بازدیدکنندگان این وبلاگ خاطر نشان نکرد . فکر نمی کنم که به همین زودی اصل مطلبی فراموش شده باشد که " آشنایی با ادله و اسناد رخ داد پلید پوریم " نام دارد ؛ شیفتگی رنسانس شیرین و دوری از سال های قرون وسطی و عقب ماندگی یعنی همان دوران یکتا پرستی مسیحیت به فراموشی پوریم ؛ ابتدای جنایت عظیم جهودان و سریالی چند هزار ساله از خیانت های آنان به بشریت . شاید به یاد آوری خشونت ، هر چه کوچک ، موجب ناراحتی و دلگیری ارواح لطیفه باشد ؛ به ویژه که ترافیک این وبلاگ هم رو به رشد است با میهمانانی جدید ، بنابراین از این عزیزان معذرت می خواهم و به شکلی آهسته و نجوا گون که دیگران نرنجند ، پوریم را تسلیت می گویم به تنها استاد ام و خودم و هر یک از دوستانی که شریک در سوگواری این نکبت عظیم اند و پی آمدهای آن . شاید هم من در جا می زنم .

و ما جعلناک علیهم حفیظا
و ما انت علیهم بوکیل

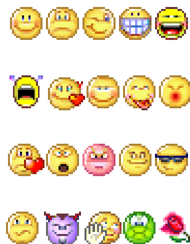
والسلام

نویسنده: سلام

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 12:2

سلام

x

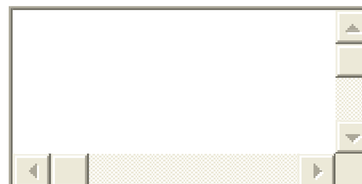


نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 205

ایران شناسی بدون دروغ 205، نتیجه،13، نگاهی به تاریخ و آثار اسلامی
ترکیه، 2 - 73 نظر

نویسنده: أمة الله

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 7:8

سلام استاد

من هم همیشه به این خرافه های موزه ی ترکیه به دیدگاه شما می نگریستم.

حتی یکبار شنیدم یکی از حاکمان بلاد عربی یک تار نخ موی رسول الله را از موزه ی ترکیه به قیمت چند میلیون دلار خرید!!

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 7:30

آقای م. ستاره. پوریم های بس سنگین و گوناگونی در راه است و خدا می داند که این بار نوبت کیست...

فریبا خانم. دفاعیه ی جانانه ای بود. ممنونم. شما احتمالا حقوق بین الملل نمی خوانید؟!

آقای مسعود. موضوع جالبی است و مانند مثل خسن و خسین است. اولا بنا به مشهور پاپ پیوس هفتم ضد یهود بوده و در زمان خود که به ما بسی نزدیک است، نسبت به تضییقات هیتلر در باب یهودیان اعتراضی نکرده است و اگر او این یادمان را تعمیر کرده و برابر اصل باستانی آن درآورده پس چرا در این فاصله ی کم مجددا چنین صدمه ای دیده ضمن این که سال های نشستن پیوس هفتم بر مسند پاپی از 24 سال کم تر است!!! در عین حال تاریخ ظهور و بر تخت نشینی پاپ ها در آیین کاتولیک ها بسیار آشفته است، تا حدی که از دهه ی پنجم پس از میلاد مسیح، زمانی که هنوز مومنین چندانی صورت نبسته بودند و جنازه ی مسیح به قول خودشان بر سر دار بود، پاپ معرفی کرده اند که بی گمان نادرست است.

خانم امت الله. همه چیز، حتی اصل دین را هم خرید و فروش می کنند و نشست های پر صدای گفت و گوی ادیان می گذارند!!! چه رسد به خرافات آن. ضمنا آن خریدار تار مو هالو نبوده، یک آنوسی است که با این پول به جعلیات اعتبار می دهد.

نویسنده: !!

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 11:50

با سلام
دانلود کنید و نظرتان را بگویید که ساختگی می باشد یا نه؟!!
http://rapidshare.com/files/207847732/90_1_.rar.html

نویسنده: برادر مسلمان

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 8:25

با سلام

تفسيري بر داستان « اصحاب كهف » در قرآن .

گروه ضعيفي كه در برابر دنيا در برابر قدرت ، در برابر سيطره مطلق يك قدرت يك نيرو يك طبقه ، ضعيف شده اند ، نا اميد شده اند به ياس اجتماعي و ياس فلسفي و ياس فكري و ياس سياسي دچار شده اند ، و اين را بهانه كرده اند براي فرو ماندن و پوسيده شدن و مسئوليت احساس نكردن ، اين داستان مي گويد كه اگر دنيا در سيطره يك قدرت غير حق باشد و در سراسر اين زمين جز 5 تن يا 7 تن همفكر نباشند و همه مردم جهان هم دنباله رو همران راه باطل باشند و هيچ روزنه اي از اميد نسبت به آينده نباشد و هيچ احتمال تغيير وضعي هم نرود ، چون دقيانوس هست و زور هست و ... و آن ايماني كه ما داريم هرگز شانس موفقيت ندارد چون دقيانوس و مردم دقيانوس همه بر يك راه مي روند و تنها در اين زمين فقط 5 تن يا 7 تن هستند كه احساس مي كنند روشنايي را و راه را و نجات را يافته اند ، آن 7 نفر نبايد مايوس بشوند ، آن 7 نفر نبايد بگويند كه اين وضع جاويد است و هميشگي . نبايد معتقد بشوند كه ديگر اميدي نيست . بلكه 7 نفر در برابر دنيا مسئوليت دارند و بايد كار بكنند و اگر همه راهها بسته است لااقل نجات خود آن 7 نفر . بايد اين 7 نفر بدانند كه بر خلاف تصورشان « اين سكه روزي از رواج مي افتد » ! و بر خلاف تصور اوليه كساني كه اين مشعل لرزان حقيقت را در بين چهار موج زمانه ، علي رغم زمان ، علي رغم تاريخ و علي رغم همه شرايط نا مساعد حمل مي كنند ، سر انجام به سرنوشت موفقي مي رسند . چون روز گار و جبر تاريخ سكه را از رواج مي اندازد ، چنانكه رجوع اصحاب كهف پس از 300 سال به بازار براي خريد و بي ارزشي سكه آنها نزد بازاريان ، سمبل و كنايه اي از همين از رواج افتادن سكه هر قدرت زور و استبدادي است در گذر زمان . جبر تاريخ اوضاع را عوض مي كند . بطوري كه در شهر ديگر هيچ كس را نشناسي ، بطوري كه وقتي شهر ها مي بيني هيچ آثاري از آن دوره نبيني ، همه چيز عوض شده ، نسلها ، جامعه ها ، وضع ، همه چيز عوض شده ، اين ضرورت و جبر خدايي تاريخ بشري است .

نويسنده: برادر مسلمان

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 8:26

اين داستان مي گويد كه اي كساني كه مي انديشيد و حقيقت را حس كرده ايد ، اگر يك نفريد ، اگر 7 نفريد و اگر زمان بر خلاف حقيقت است ، شما مسئوليت داريد و هرگز فكر نكنيد كه ظلم و ستم دائمي است ، بلكه جبري كه خدا وند در تاريخ قرار داده ، همه چيز را عوض مي كند .

اين است چيزي كه من از داستان اصحاب كهف مي فهمم .

و من الله توفيق

نويسنده: مسلمان

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 12:0

استاد گويا فراموش کرده ايد برای قسمت نظرات تاييديه بگذاريد . نظرات بدون تاييد ثبت می شن .

نويسنده: همداني

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 12:38

تاجيك بيشعور و حقه باز . اين پروژه ضد تركي را كه به اسم تو احمق از طرف تاجيك هاي نژاد پرست اجرا ميشود فقط بخاطر هويت زدايي از آذربايجانيان هويت طلب ميباشد. آگر تركيه اينهمه از لحاظ فرهنگي دمكراسي عقب مانده است پس بفرماييد كه تاجيكستان ايران و افغانستان شما در چه سطحي است؟ طبق پيش بينيهاي سازمان ملل تركيه تا ۲۳ سال ديگر و ايران تا ۱۱۸ سال ديگر به سطح پيشرفت اروپاي غربي خواهند رسيد. صمنا با اين چرنديات هرگز موفق به فريب تركهاي حق طلب نخواهيد شد.
شوينيسم تاجيك محكوم به نابودي است شما ها در مدت ۸۰ سال ايران را نابود كرديد كشور داري كار تاجيك نژادپرست نيست.
شماها فقط به درد شترچراني ميخوريد

نویسنده: !!

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 13:12

عاقبت ته ستون تخت جمشید

http://irapic.com/uploads/1236837029.jpg

نویسنده: D:

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 9:53

آقاي همداني ، سازمان ملل بخورد تو سر تو و امثال تو كه هنوز مثل خر لا شعور كور كورانه از اون پيروي مي كنيد . نمي دونستي بدون اين سازمان مللي كه مقرش تو امريكاست اولين كساني كه با پيدايش آن مخالفت كردند خود مردم آمريكا بودند .
چون مي دونستند كه يك توطئه بزرگه براي بهره برداريهاي سياسي و چپاول فرهنگ و ثروت كشورها و با صد حيله و نيرنگ اونرو به مردم امريكا قبولوندند .
اگر يك روز ديدي همين سازمان ملل يك حكومت ديكتاتوري جهاني تشكيل داد و فرهنگ و هويت و قوميت تو رو به رسميت نشناخت هزار بار بخودت فحش بده .

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 13:32

استاد بزرگوار سایر جاهای ایران را نمی دانم ولی در همین آذربایجان در تبریز و مرند از هر کسی سوال می کنم سابقه ذهنی نسبت به جهود دارد ... در بچگی پدر ومادرها همه بچه هایشان را که اینک نسل حاضر باشد ترسانده اند ... اندک افرادی نمی دانند خود این مساله این نظریه را قوت می بخشد که ساکنان قبلی آذربایجان جهود بوده اند ... البته شاید اغراق باشد اما اگر آذربایجان فعلی را جزئی را از تمدن موجود در حسنلو بدانیم قطعا به دست یهود با آن وضع فجیع کشته شده اند و سپس ساکنان حاضر این دیار احتمالا از دو دسته اند : اول از بقایای فراریان از دست جهود که اندک اندک با احتیاط بازگشته اند و دوم ساکنان جدیدی که تنها به قصد سکونت در یک وطن جدید نقل مکان کرده اند ...البته شاید اینها افراطی به نظر برسد ولی در حال حاضر به زعم من درست است زیرا شواهد حسنلو ، قلعه های موجود و تمدن جدید آذربایجان می تواند به این نتیجه دلالت نماید.

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 14:18

استاد پورپیرار شما گویا نمی دانید که جناب میکا والتاری بزرگ در باب سقوط قسطنطنیه چه کتاب معظمی نوشته است **!** چرا اینهمه پته آنها را به آب میریزید
در ماه رمضان سلطان محمد فاتح قلعه های مسیحیان را به توپ بست و استامبول را فتح کرد - و ظاهرا نمی دانید که دانشمند فقید ذبیح اله منصوری استانبول را ایست-تام-پولیس ترجمه کرده است چرا نمی گذارید در گورهایشان آرام باشند**!**

نویسنده: عبور

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 14:20

یه خبر جالب یه خبر جالب:
باستان شناسان ممنوع المصاحبه شدند**!**

id=50175&http://www.chn.ir/news/?section=2

نویسنده: آمون

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 11:28

یک ایمیل خیلی حالمو گرفت و بلاگفا هم ارور می داد.
ان شا الله چند ساعت دیگه آپ می کنم.

نويسنده: دوتا

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 15:33

كشف تكه تنگ سفالي ايران در بيت‌المقدس
مصرع «دستي ست كه در گردن يار بوده ست» روي اين اثر ديده مي‌شود كه مصرع‌هاي پيشين آن چنين‌اند:http://tabnak.ir/pages/?cid=40271

نويسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 15:45

كشف تكه تنگ سفالي ايران در بيت‌المقدس

تكه‌اي از يك تنگ سفالي كه بخشي از يكي از رباعيات خيام روي آن نقش بسته است، در بيت‌المقدس كشف شد.

به گزارش ايسنا به نقل از آرت‌ديلي، در كاوش‌هاي انجام‌شده در بخش قديمي شهر بيت‌المقدس، قسمت‌هايي از يك تنگ سفالي زيباي ايراني كشف شد. اين اثر تاريخي كه در اواسط دوره‌ي اسلامي ساخته شده، قسمتي از يك تنگ سفالي با لعاب آبي است كه بخشي از يكي از اشعار خيام در زمينه‌اي از تصاوير گل، آن را زينت داده است.

مصرع «دستي ست كه در گردن یاری بوده ست» روي اين اثر ديده مي‌شود كه مصرع‌هاي پيشين آن چنين‌اند:

اين كوزه چون من عاشق زاري بوده ست / در بند سر زلف نگاري بوده ست

اين دسته كه بر گردن او مي‌بيني / دستي است كه بر گردن ياري بوده ست

البته اين پرسش براي باستان‌شناسان مطرح است كه اين تكه ظرف سفالي ايراني چگونه در بيت‌المقدس پيدا شده است؟

نويسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 16:18

آقای محمدی و آقای دوتا. اخیرا هم یک دیوان حافظ با دست خط خود شاعر پیدا شده بود، چند وقت دیگر گرز رستم و نعل رخش را از زمین تبت در می آورند و اگر فرصت دهید قرار است روی دستمال دزدمونا، که در شمال ایتالیا می یابند، بیتی از مولانا باشد!

آقای عبور. چیزی تا بسته شدن کامل مرکز دفاع از دروغ های تاریخی، که نام میراث بر آن گذارده اند، نمانده است.

آقای بجانی. قضیه بدین صورت خلاصه می شود که هر ماجرایی که در باب آن کتابی نوشته اند، بدانید دروغ است! مثل زندگانی تیمور لنگ کار همان نابغه.

آقای همدانی. با شما موافقم، احتمالا کشور داری حتی به سبک شاه اسماعیل صفوی و با وجود حاشیه های آن، بر فارس بازی معاصر برتری دارد؟!!... شاید هم آمار اخیر شما شبیه آن شعر سعدی بر سر در سازمان ملل و یا اعلام زبان ترکی به عنوان سومین زبان توانای جهان باشد. شتر چران ورزیده و با تجربه لازم ندارید؟!

آقای !! تصویر بسیار گویایی بود. اگر ممکن است محل آن رااعلام کنید.

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 16:39

اینهایی که نوشته اید به درد کسانی می خورد که از ترکیه اطلاعی ندارند.
اینهایی که نوشته اید کلا عقاید مسلمانان افراطی است وگرنه از هر لائیکی در ترکیه این ها را بپرسید شما را مسخره می کند.
لطفا توجه کنید که این لائیک خود مسلمان است اما اعتقاد به حکومت لائیک آتاتورک دارد.
نوشته اید مسئولان چهارچشمی مواظب اند کسی با حجاب وارد کلاس نشود همین ها اجازه ورود با شرت و کرست را هم نمی دهند اگر این چنین می شد حالا به جای جمهوری ترکیه - جمهوری اسلامی ترکیه بود که حال و وضعی مثل ایران داشت.
مدعی شده اید لائیک ها و کمالیست ها از گسترش اندیشه های نوین آزادی خواه و اسلامگرا به شدت می هراسند اولا در کلمه نوین آزادی خواه کمی شک دارم ثانیا قبول دارم می هراسند اما از عقب ماندگی و خرافات اسلام می هراسند. متاسفانه شما همه چیز را از دید اسلام می نگرید و به همین خاطر بعضی وقت ها کج فهم می شوید.
در ضمن تذکر یک چیز هم بد نیست من به عنوان یک خواننده بلاگ شما می توانم از هر نوع ادبیاتی استفاده کنم اما ادبیات شما به عنوان یک محقق آن هم با این همه ادعا خجالت آور است. شما با باستان پرستان تفاوتی ندارید.
شما اسلام پرست کور و آن ها باستان پرست کور
توسعه می کنم کتاب "تصور کنید دینی نبود" رو بخونید.

نویسنده: Reborn

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 18:18

سلام

من علاقه خاصی به ادبیات و شعر و شاعری داشتم که البته مدتی است فروکش کرده. فکر می کنم لازم است با دیدی نو و متفاوت شاعران و نویسندگان گذشته را مورد بررسی قرار بدهیم تا بفهمیم در چه دوره و زمانی و کجا زندگی می کردند.
از اتحاد و ادغام کلیسا و هلینیست پرده برداشته اید، حدس من این است که تصوف هم در همان قرون و در شرق اتفاق افتاده باشد که ترکیبی از اسلام و مذاهب شرق دور است.هر چند من آشنایی اندکی با مذاهب و فلسفه هند و چین و غیره دارم اما رگه های آشکاری از آنها کنار آیات قرآن در آثار قریب به اتفاق شاعرانی که به قرون هفت و هشت و بعد از آن می دهند (که مقارن با قرون پانزده شانزدهم میلادی است) وجود دارد.
و در مورد خیام و مثلا مترجم انگلیسی اش فیتزجرالد همچنین حافظ و گوته و ... باید نکات جالب و افشاگری وجود داشته باشد و احتمالا هم عصر و هم محفل بودن اینان با هم و مسایل دیگری پشت پرده باشد

نویسنده: آمون

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 15:4

آمون به روز شد.

amun.blogfa.com

نویسنده: D:

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 18:36

جناب D: میگم دیگه اسم نبود اسم منو دزدیدی؟!

نویسنده: همدانلي

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 22:8

سركنسول سابق سوئد در استانبول آقاي Ingmar karlsson به تازگي كتابي را به اسم Turken och europa نوشته كه نتيجه ۷ سال مشاهدات و تحقيقات مستقيم او از تغييرات و پيشرفتهاي جامعه تركيه بين سالهاي ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ ميباشد. ايشان با ديده اي تحسين بر انگيز و خيلي اميدوارانه به آينده تركيه نگاه ميكند و با دلايل منطقي نتيجه گيري ميكند كه در آينده نزديك تركيه به حدي از پيشرفت اقتصادي و سياسي خواهد رسيد كه به طور طبيعي به با نفوذترين قدرت خاورميانه و بالكان و منطقه درياي سياه تبديل خواهد شد .
اين مسئله حتما باعث ناراحتي مسلمان نماهاي نژادپرست خواهد شد

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 22:9

آقای حذف. راستی که مبارک است. انشا' الله که بزرگ و موجب افتخار اطرافیان اش می شود!

آقای Reborn. یک قدم دیگر تا دریافت کامل حقیقت فاصله دارید. یادداشت ها 24 تا 38 و به خصوص یادداشت 137 را بخوانید.

آقای آیدین یاشار. از زبان هایی شنیده ام که این همه یادداشت و آن چند جلد کتاب، به قدر مقاله ای از مجموعه ی اسلام و شمشیر یهودیان و به طور کلی اسلام ستیزان را آزار نداده است!

آقای همدانلی. درباره ی شکوه تخت جمشید و امپراتوری جهانی هخامنشیان نیز از قبیل همین Ingmar karlsson ها مطلب نوشته و کتاب ساخته اند؟!!! مبادا باور کنید و کلاه را با دست خود بر سرتان بگذارید!

آقای خرمی. هدایت برنامه ریزان کنیسه و کلیسا در وابسته کردن کشورهای اسلامی به درآمد توریسم، با نمونه ی ترکیه و اندونزی و کشورهای شمال آفریقا و مصر و ایران و اخیرا یمن، گشودن جای پایی برای دور کردن نیروی جوان و فعال این کشورها از تلاش برای توسعه ی همه جانبه و پایدار و نیز ایجاد وسوسه ی عمومی برای پیوند با اندیشه های کلیسایی است. آن ها همانند جنگ عراق و افغانستان و فلسطین هنوز درنیافته اند که در برابر آموزه ها و آیات قرآن، آب در هاون می کوبند، هرچند به موفقیت هایی نیز دست یافته باشند.

آقای !!. ممنون. به کار مدخل توالت بیش تر می خورد...

نویسنده: یکی

چهارشنبه 21 اسفند1387 ساعت: 21:46

ای آمون بزرگ. من تو را می پرستم و از تو کمک می گیرم.
ای آمون بزرگ. خیر و برکت و پول و ثروت و دلربایان خود را نصیب این آیدین کن که آیدین یعنی آهای دین کجایی که تو را به چنگ آورم و حسابت را برسم و یاشار یعنی زیست می کنم با آیدین. پس باران رحمت خود را بر او بفرست که او از آرياييان پاک سرشت لائیک است.
ای آمون خیلی بزرگ و ای یهوه یه کم بزرگ و ای مسیح حالا تو هم بزرگ. ای همه خدایان. شمایان و آیدین که او را بپایید. نگذارید مامور وزارت اطلاعات ایران و اسراییل و امریکا و عربستان و کویت و پاکستان و لیبی و ... که این وبلاگ را زده است این بنده پاک را گمراه نماید. اصلا حالا که این طوری شد یکبار دیگر وبلاگ او را هک کنید. حوری های بهشتی در ترکیه همین طور روانند و ترافیک سنگینی ایجاد می کنند. ترکیه بزرگوار است که در مورد وقوع طوفان نوح در آن سرزمین لال است. بمیرم الهی. چه قدر بچه م خجالتیه.
ای آمون بزرگ. یک گونی لباس زیر زنانه، مردانه و بچگانه هم به او هبه بفرما.
آمین.
یک فقره عینک هم به این آیدین بفرست که ببینه با لباس زیر هم می شه تو خیابون یا هر جای عمومی چرخید اون هم با کلی آرایش غلیظ و اتفاقا خیلی هم خر کیف می شن! حتی با لباس زیر کلی فیلم و ویدئوکلید و آهنگران و ترانه15 ساله می سازن و

کلی هم درآمد و شهرت و اعتبار داره. حتی در مطرب بازی شهرآورد و روستا آورد و حتی کشور آورد و خیلی چیزهای دیگه آورد هم برگزار می کنن.

آه ترکیه، اگر این اردوغان نبود که از غزه حرف بزنه چه قدر نازتر بودی!

این هم واسه بی جنبه هایی که با آیدین جان مخالفن.
زینب توکؤش هنرپیشه معروف ترکیه که برای فیلم آیریلیق شبکه trt به ایران سفر کرده است با چادر و چاقچور در بازار تبریز دیده شد!

http://www.gigaimage.com/images/aardw0czr58gdgstg6bp.jpg
http://www.gigaimage.com/images/4icxff7gb2j5zc1ft93z.jpg
http://www.gigaimage.com/images/nkee6gvunsbwxv4fjjv.jpg
http://www.gigaimage.com/images/fjrxqo6bbhv42wuilw68.jpg

نویسنده: آزاده

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 3:29

شادمانی یهودیان در مدرسه علمیه اورشلیم به مناسبت عید پوریم
پوریم به مناسبت قتل عام مردم شرق میانه در زمان سلطنت خشایارشا که با برنامه ریزی یهودیان و درنده خویی نیزه داران هخامنشی انجام شد، برگزار می شود.

http://www.latimes.com/media/photo/2009-03/45516952.jpg

نویسنده: عبور

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 8:16

سلام بر همگی

آزاده برای لینک ممنونیم. لینک شما یهودیانی را نشان می دهد که همچون گذشته پایکوبی می کنند.
این هم تصاویری دیگر از جشن پوریم امسال:
http://groups.google.com/group/purim/web/purim-festival-2009?hl=fa
می بینید دیگر خبری از نقاب و نوشیدن مفرط و تگری زدن از سیاه مست شدن و هامان سوزی و نقاب به چهره زدن نیست پوریم جشنی شده برای کودکان و نوجوانان و تبلیغات و تعاریف جدیدی به خود می گیرد
گویا اکثر یهودیان هم مانند مسلمانان که قرآن را مهجور کرده اند, لای تورات را باز نمی کنند (البته همان بهتر که نمی خوانند. این را بگویم که کتابی ضد دین تر از تورات سراغ ندارم و بی شک هرکس بدون شناخت و آگاهی از کنه ماجرا تورات را به دست بگیرد به کلی از دین برمی گردد و کافر می شود) راستی این گریم ها که به جای نقاب نشسته من را به یاد دلقک های سیرک می اندازد شما را چطور؟

وب سایت

نویسنده: نسرین

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 8:41

سلام
یهودی ها در ضرب المثلها و گفته ها:
جهود هرچی تو توبره خودشه به خیالش تو توبره همه هست.
جهود، دعاش را آورده!

خاشاک ارزونیه گاله، شنبه ارزونیه جهود!
جهود بازی!(لئامت را از حد گذراندن- تظاهر به مظلومیت- ظلم کردن و مظلوم وانمودن)
جهود، خون دیده!(در آذربایجان هم میگویند ارمنی خون دیده)
مثل جهود سامري ميماند!
جهود سگ پدر!
جود(جهود)کُش کردن!(وقتی توی شهر یزد "جهود" زیاد بوده اینا هر یه مدت یه بار "مُسول"(مسلمون)می کُشتن، اونم به روشی که یه جایی پیداش می کردن و هی قربون صدقه اش می رفتن و از اون طرف تو تنش "دِرَفش"(مثل یه پیکان تیز تیزه می مونه) فرو می کردن، طرف هم هر چی سر و صدا می کرده، اون جهوده موضع می گرفته که بابا من کاریش ندارم، الکی سر و صدا می کنه...(ظاهر سازی می کرده)....)
يهودي چون فقير شود به حسابهاي کهنه رجوع کند .
یهودی گمان!(آنکه گمان بد در حق کسي دارد)
یهودی: کنایه از: آدم خسیس و محافظه کار!(در مورد خساست نسبت داده شده به اصفهانی ها : مسئله خساست حاصل میراث حضور یهودیان در اصفهان بوده...مثل نام منطقه جی که بر گرفته از جهود یا همان یهود است....)
الله شنبه نی جهوده قسمت ائله سین(خدا شنبه را به جهود قسمت کند).

نویسنده: توحید

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 11:53

با سلام

آقای آیدین یاشار متاسفم که با چشمان تنگ قومی به مسائل کلان نگاه می کنید . آیا مرگ خوب است ولی برای همسایه ؟
الحق که ورود به بنیان مسائل جرات نگریستن در خویش می خواهد .
ترکیه از ترس سقوط در دام خرافات اسلام به فاحشه گری غرب پناه برده است ؟ مبارک است واقعا .

نویسنده: توحید

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 12:18

http://msuldoz.blogfa.com/post-46.aspx

نویسنده: همدانلي

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 12:23

آقاي پورپيرار! اگر يك سياستمدار يا محققي در باره پيشرفت سريع اقتصادي اجتماعي و سياسي تركيه كتابي مينويسد نميتوان آنرا با كتابهاي پر از دروغ شرقشناسان اجير شده در باره شكوه و جلال خيالي فارسها در ۲۵۰۰ سال پيش مقايسه كرد. حقايقي كه در باره تركيه نوشته ميشود بر اساس مشاهدات عيني و حقايق و دلايلي است كه هر كس ديگري هم اگر به مرض ترك ستيزي و عقده هاي تاريخي دچار نباشد ميتواند ببيند.

نویسنده: آیدین یاشار

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 12:47

با سلام خدمت استاد و همه دوستان
شخصی به اسم «آیدین یاشار» در همین بخش کامنت گذاشته است که از طرف من نیست. ممکن است آیدین یاشار دیگری غیر از من باشد. البته در این چند ماه ظاهرا فقط یک آیدین یاشار وجود داشت که من بودم. به هر حال لطفا نوشته های ایشان را به حساب من نگذارید.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 11:10

جناب آزاده. لطفا خود مقاله که عکس بخشی از آن بود را نیز بفرستید. چون نتونستم پیداش کنم .ممنون.
آقای توحید. اون نوراي جانان بزيرگان چرا به ایران پناهنده نشد که حفظ حجاب در اون اجباریه و با باتوم هم اعمال می شه و امام خمینی رو هم که دوست داره؟!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 14:58

آقای همدانلی. بله در ترکیه پیشرفت های زیادی دیده می شود، از جمله پایگاه هوایی اینجرلیک را می بینیم که آمریکا از آن جا بر سر مردم عراق، کشور مسلمان و همسایه ی ترکیه، بمب های فسفری می ریزد و نیز سرکوب کردان را که دیگر همه بدان عادت کرده ایم و موجب شکرگزاری برخی از ترکان متعصب است.

آقای یه نفر. ایران و ترکیه قرارداد استرداد مجرمین و پناهندگان را دارند، هرچند که بیش تر فقط بر روی کاغذ است.

نویسنده: یکی

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 11:51

لئوناردو داوینچی مدل 2009

http://www.picbaran.com/files/ez2w8r7rjetn26whv8ha.jpg

و اگر خواستید این هم نمی دونم!

http://www.picbaran.com/files/zvf9obf3668iy8dq803t.jpg

نویسنده: همدانلي

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 16:13

آقاي پورپيرار ترك ستيزي در سطر سطر نوشته هاي شما مشهود است لذا ادعاي مسلماني و وحدت طلبي شما نمتواند كسي را فريب دهد. من شخصا مطمئن هستم كه جنابعالي را فقط به خاطر ترس از آگاهي روزافزون آذربايجانيها از هويت اصيل تركي خويش به جلو انداخته اند ولي اين پروژه هم محكوم به فنا ميباشد.
امريكاييان به ح كافي داراي پايگاههاي ديگر در منطقه هستند كه لزومي براي استفاده از اينجرليك كه محدوديت هاي زيادي از طرف تركيه اعمال ميشود ندارند.
در تركيه با تروريستهاي آلت دست غرب كه مسبب كشته شدن هزاران بيگناه است مبارزه ميشود ولي در ايران اسلامي شما در مدت ۳۰ سال اخير هزاران كرد و غيره بيگناه كسته شدند ولي شما فقط از تركيه انتقاد ميكنيد!
ضمنا عملكرد دولت تركيه و ايران در قبال حمله آمريكا به عراق بر همه روشن است : رژيم اسلامي و پان فارس ايران هم در افغانستان و هم در عراق در كنار آمريكا بود

نویسنده: هادی

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 16:20

دروغ بودن لوحه سردر سازمان ملل:

http://news.gooya.com/culture/archives/005272.php

نویسنده: توحید

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 17:21

" استانبول از زیر ساخت و استراکچر معماری رومن برخوردار نیست و نمی تواند به وسیله امپراتوران هلنیست پایه گذاری شده باشد، "

استاد کمی گیج شدم مگر قبلا نگفته بودید که استانبول مقر هلنیست های گریخته از دست مسیحیان بوده است ؟

نویسنده: مهم

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 21:4

صداي آمريكا (VOA) ديروز گزارشي پخش كرد مبني بر اين كه « اسرائيل » در طول جنگ به ايران سلاح مي فروخته و در واقع تنها حامي ايران در جنگ با عراق بوده است . پس از انقلاب مسئولين اسرائيل به تهران اعلام مي كنند كه علارغم قطع همكاريها حاضر است سلاح هايي را كه زمان شاه پولش به اسرائيل پرداخت شده است را به ايران تحويل دهد البته به علت مسايل سياسي بطور مخفيانه و از طريق جزاير ايتاليا و قبرس . كه ايران بعلت مخالفت شديد مردم با اسرائيل از قبول آن سر باز مي زند ولي با شروع جنگ و نياز مبرم ايران به اين سلاح ها ايران اين پيشنهاد اسرائيل را قبول مي كند و از آن پس در طول جنگ به قول خودشان تحميلي از اسرائيل سلاح وارد مي كرده است . به طوري كه منابعي خبر مي دهند كه ايران 80 درصد سلاح هاي خود را در جنگ از طريق اسرائيل تامين مي كرده است !!!
گفتني است كه پيش از اين «صادق طباطبايي» (خواهر زاده امام موسي صدر ربوده شده توسط ليبي) مسئول قراردادهاي تسليحاتي ايران در زمان جنگ طي مصاحبه اي با خبر گذاري بازتاب به طور سر بسته حول و حوش اين موضوع صحبتهايي كرده بود .

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 1:22

آقای مسعود. چند باری نوشته ام که اطلاعات ویکی پدیا مغشوش و عامیانه است، از جمله فهرست پاپ ها را به صورت های مختلف آورده که جدول زیر هم یکی از آن هاست:
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA_%D9%BE%D8%A7%D9%BE%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%DA%A9%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%A7%DB%8C_%DA%A9%D8%A7%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%DA%A9_%D8%B1%D9%88%D9%85
در جدول بالا پاپ های معاصر به صورت زیر معرفی شده اند که درست تر است.
از سال ۱۷۵۸ تا ۲۰۰۵ بعد از میلاد مسیح
پاپ کلمنت سیزدهم
پاپ کلمنت چهاردهم
پاپ پیوس ششم
پاپ پیوس هفتم
پاپ لئون دوازدهم
پاپ پیوس هشتم
پاپ گرگوری شانزدهم
پاپ پیوس نهم
پاپ لئون سیزدهم
پاپ پیوس دهم
پاپ بندیکت پانزدهم
پاپ پیوس یازدهم
پاپ پیوس دوازدهم
پاپ ژان بیست‌وسوم
پاپ پل ششم
پاپ ژان‌پل یکم
پاپ ژان پل دوم
در لینک شما اصولا ترتیب پیوس ها رعایت نشده و مثلا پیوس هشتم را ندارد و از پیوس هفتم به نهم می پرد. تمام این ها به

خصوص که از ابتدای قرن اول میلادی پاپ، آن هم از نوع صلیب به دست معرفی می کنند، نشان می دهد که در این قضیه هم مانند دیگر ادعاهای تاریخی آن ها همه چیز درهم و برهم است. فهرست بالا به یک دلیل صحیح تر است و آن هم لعنت شدن پاپ پیوس هفتم در موزه ی هالوکاست اورشلیم است به این بهانه که مانع هیتلر در آن به اصطلاح قتل عام نشده است. در لینک های زیر آخرین مطالب در این باب وجود دارد:
www.iribnews.ir/VmkNews.aspx?ID=V468539
www.hamshahrionline.ir/News/?id=81811

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 1:32

آقای توحید. به یاد ندارم جایی نوشته باشم استانبول مقر هلنیست ها بوده است. ضمنا جایی را مقر قرار دادن با بنیان گذاری آن متفاوت است.

آقای همدانلی. اطمینان های شما در این یا آن باره اهمیت و ارزشی ندارد، اما مانع خندیدن به این حرف نیست که ژنرال های ترکیه بگویند "کردها تروریستهاي آلت دست غرب اند". شاید هم ما چند تا غرب داریم که یکی از نظامیان ترکیه و دیگری از کردها حمایت می کند. خدا رحمت کند بوش کوچک را که این لغت تروریست را یاد نوچه های اش داد. نگفتم برخی از ترکان از سرکوب کردان پشتیبانی می کنند، معلوم شد یکی هم شمایید.

نویسنده: یکی

پنجشنبه 22 اسفند1387 ساعت: 22:42

زن نصف شب از خواب بیدار می‌شود و می‌بیند که شوهرش در رختخواب نیست، ربدشامبرش را می‌پوشد و به دنبال او به طبقه ی پایین می‌رود،و شوهرش در آشپزخانه نشست بود در حالی که یک فنجان قهوه هم روبرویش بود . در حالی که به دیوار زل زده بود در فکری عمیق فرو رفته بود...
زن او را دید که اشک‌هایش را پاک می‌کرد و قهوه‌اش را می‌نوشید...
زن در حالی که داخل آشپزخانه می‌شد آرام زمزمه کرد : "چی شده عزیزم؟ چرا این موقع شب اینجا نشستی؟"
شوهرش نگاهش را از قهوه‌اش بر می‌دارد و میگوید : هیچی فقط اون موقع هارو به یاد میارم، ۲۰ سال پیش که تازه همدیگرو ملاقات می‌کردیم، یادته؟
زن که حسابی تحت تاثیر احساسات شوهرش قرار گرفته بود، چشم‌هایش پر از اشک شد ا گفت: "آره یادمه..."
شوهرش به سختی گفت:
_ یادته که پدرت ما رو وقتی که رو صندلی عقب ماشین بودیم پیدا کرد؟
_آره یادمه (در حالی که بر روی صندلی کنار شوهرش نشست...)
_یادته وقتی پدرت تفنگ رو به سمت من نشون گرفته بود و گفت که یا با دختر من ازدواج میکنی یا ۲۰ سال می‌فرستمت زندان !؟
_آره اونم یادمه...
مرد آهی می‌کشد و می‌گوید: اگه رفته بودم زندان الان آزاد شده بودم

سلام
می بینم که نفرین خدایان شما رو گرفته !
چرا بعضی کامنت ها رو نصب می کنید؟!
معروفه که همه تو 40 سالگی پیامبر میشن ولی ظاهرا اینجا پاپها 10 سال از نبوت خود مسیح هم زده اند جلو! اصلا معلومه چه خبره؟! تازه اولین پاپ 64 سالگی مرده ولی عکسش در حد 80 سالگیه!
همه کردها و ترکها و لرها و عربها تروریست هستند! هیچ کس هم نمی تونه این حرف منو رد کنه. گردن همه شونو باید زد. رحم نکنید!!! فقط آریایی!
ببینید! الان تلویزیون های خارجی از مردم خواسته بودند به جای میدان آزادی یا انقلاب، جلوی نانوایی ها تجمع مسالمت آمیز کنند و کلی هم فیلم نشان می دادند که چه خبر بوده! البته اونها با اون عظمت، حتی یک دوربین دستی هم نداشتند و با موبایل فیلم گرفته بودند!

جرج بوش هم آقا بود. اگر اون نبود الان کلی کارگر از کارخانه های اسلحه سازی امریکا اخراج شده بودن ولی حالا کارگرهای جنرال موتورز اخراج میشن.
کامنت های من هم همه شون واسه نصب نیستند! هر کدوم که خواستید.
راستی من هم یه غرب دارم که تو سینه م می تپه! غرب شما ... .

نویسنده: أمة الله

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 2:21

سلام دوستان

با مطالبی درباره ی سحرو جادوگری و همچنین شگفتی های عددی قرآن منتظر دوستانم.

یکی از بهترین راههای بیداری امت بازگشت اصیل به قرآن این وحی مقدس است.

وب سایت

نویسنده: ایلدیر

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 5:2

آقای پورپیرار آیا کشته شدن دویست و پنجاه هزار سرباز ترک در جنگ چاناق قلعه در جنگ جهانی اول بدست اینگلیسی ها و از بین رفتن سیصد هزار آذربایجانی در دویست و یازده ده در ایروان بوسیله ارامنه و حامیان روسی آنان و به هلاکت رسیدن صدوسی هزار نفر ترک در ماکو و سلماس و اورمیه به دست جلو ها و ارمنی ها با حمایت اربابان آمریکایی و فرانسوی و اینگلسی و روسی از آنان نیز از افسانه های ساخته و پرداخته یهود و صهیونیست ها می باشد و یا آنکه واقعیت دارند.
با عرض ارادت ایلدیر

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 7:1

آقای ایلدیر. وسعت جمع آوری اطلاعات در باب جنگ جهانی دوم، نسبت به جنگ جهانی اول، هم به سبب نزدیکی بیش تر به دوران ما و هم به علت پیشرفت امکانات و ابزارها، قابل مقایسه نیست. با این همه هنوز بر سر امکان وقوع و یا رد هالوکاست دعوا ادامه دارد. چه طور گمان می کنید که شماره ی سربازان ترک تا این حد در یک جنگ محلی بالا بوده است که دویست و پنجاه هزار کشته داده باشد؟ جنگ مراسم اعدام نیست که سربازان را در سینه ی دیوار ردیف کنند و به گلوله ببندند. برابر الگوی نظامی دویست و پنجاه هزار کشته، باید که با هفتصد و پنجاه هزار مجروح همراه باشد که اگر یک سوم سربازان را نیز زنده فرض کنیم، چنین تلفاتی تنها در میان یک گروه نظامی لااقل یک و نیم میلیون نفره ممکن است. فراموش نکنید که در جنگ جهانی اول هنوز تکنیک بمباران های مخرب پیدا نشده بود، تنها با تفنگ ها و توپ های عهد بوق می جنگیدند و نیروی موتوریزه غالبا قاطر بود. چرا از روی کتاب ها به سراغ جناق قلعه می روید. فاتحان جنگ حتی از کنار استانبول هم نگذشتند و امپراتوری به اصطلاح عثمانی لااقل پنج سال پس از جنگ جهانی اول دوام داشت و پس از آن هم به واقع با جریانی نوکر صفت تر تعویض شدند، اما آخرین به اصطلاح امپراتور توانست سربازان اتحاد فرانسه و انگلستان را به داخل بین النهرین هدایت کند تا سرزمین های دارای نفت تازه کشف شده در عراق و عربستان و کویت امروز را، تصرف کنند و پایه ی دولت های وابسته به غرب را بالا برند و ماموریت تاریخی آن ظاهرا امپراتوری پایان یابد، که جز ستون پنجم کلیسا برای رخنه در میان قبایل عرب مسلمان و راه اندازی تفرقه مذهبی و صوفیگری و خانقاه و عارف بازی و قونیه سازی و فینه گذاری و رقص شکم، نبودند. آقای ایلدیر در این جا اطلاعاتی که از روی صفحات کتاب ها خوانده می شود ارزشی ندارد، زیرا به جست و جوی در بنیان ها عادت کرده ایم. آیا از خود نمی پرسید چرا مورخان ترک اتهام اسلام ستیزانه ی جنایات مسلمانان در بالکان را همچنان با افتخار بر گردن می گیرند؟

نویسنده: توحید

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 9:53

سلام علیکم

استاد ، نتوانستم پاسخ خود را از جواب مختصر شما دریافت کنم . ممنون مي شوم اگر مشروح تر بفرمایید تا آماده جذب شماره 206 بشوم .

نویسنده: مسعود

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 9:55

سلام علیکم و خسته نباشید.

استاد گرامی ضمن دعاگویی و آرزوی سلامتی برایتان از توجه و زحماتتان سپاسگذارم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 11:16

آقای مسعود. همگی باید توجه کنیم که کلیسا قادر نبوده است حتی با تبعیت از شگرد همیشگی مورخان خود، یعنی شماره زدن پیوس ها و لئون ها و گریگوری ها، فهرست درست و ثابتی از اسامی پاپ ها در دو هزار سال گذشته، به مومنین زنگ و صلیب ارائه دهد! حالا دریابید ساده لوحی کسانی را که بر مبنای تاریخ نوشته های دانشگاه های وابسته به همین کلیساها، متعصبانه برای خود هویت و هستی قومی ساخته اند!!!

آقای توحید. به گمانم باید صبر کنید تا در یادداشت بعد به خواست خدا توضیح کافی بیاورم.

آقای خرمی. بله واقعیت را خوانده اید. آن ها خودشان و فرهنگ عمومی آدمی را به تمسخر گرفته اند. اینان مشرک و نجس اند و به زودی و با اراده ی الهی، پاسخ کثافت کاری های پنج قرن اخیر خود را خواهند گرفت.

نویسنده: سعید خسروی

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 14:56

آقای پورپیرار عزیز - سلام. ماشا الله چقدر دشمن دارید شما!
یک روز فارس ها شما را پان ترکیست میخواندند و میخوانند و حالا مورد هجوم ترک ها واقع شده اید. نکند شما کرد هستید ؟

موفق باشید.

نویسنده: یکی

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 12:47

حال می کنم! دیگه با ترکا هم طرف میشید! از این به بعد ترکا پول کمتری به شما خواهند داد ولی مهم نیست!نفت عربستان از نفت آذربایجان خیلی بیشتره!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 18:39

خانم سحر. ممنون از لطف تان. آدرس آن نوشته:
www.naria.ir/download/html.aspx?number=515

نویسنده: یه نفر

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 15:17

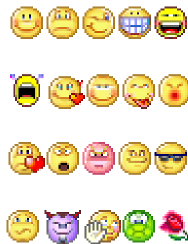
برای ترک ها، فارس ها، لر ها، عرب ها، کرد ها، بلوچ ها، ترکمن ها، ... و آدم ها. اونهایی که جنبه دارن و می فهمند و انسانیت و دیگران رو محترم و برابر می دونند بدون توجه به قوم، رنگ، ... و دروغ های ساختگی! آنانی که تسلیم جبروت نیستند و دروغ شیرین را تمام قد و با احترام تمام و در کمال افتخار، بر سر خود نمی مالند.
بقیه رو از زبان یک استاد اندیشمند بشنوید!

http://bonkbonk.files.wordpress.com/2008/03/pbd.jpg

دوباره به این نقطه نگاه کنید. اینجاست. این خانه است. این ماییم. همه کسانی که عاشقشان هستید اینجا هستند' همه کسانی که میشناسید' همه کسانی که زمانی اسمشان را شنیده اید' تمام انسانهایی که یک زمانی وجود داشته اند تمام عمرشان اینجا زندگی کرده اند' مجموعه لذت ها و رنج هایمان' مذاهب' ایدئولوژی و دکترین های اقتصادی که خود را بر حق میدانند و به حرفهای خود ایمان دارند' همه شکارچی ها و جویندگان غذا' همه قهرمان ها و بزدل ها' همه ایجاد کنندگان و نابود کنندگان تمدن ها' همه شاه ها و همه رعیت ها' همه زوج های جوان عاشق' همه مادر ها و پدرها' کودکان سرشار از امید' مخترعان و کاشفان' همه معلم های اخلاق' همه سیاستمداران فاسد' همه سوپر استار ها' همه رهبران مذهبی و ایدئولوژیکی' همه قدیسان و گناهکاران در تاریخ بشر اینجا زندگی کرده اند : در یک ذره غبار معلق در یک پرتو نور - کارل ساگان (۱۹۹۶ - ۱۹۳۴)

<< ۱ ۲

x



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 205، نتیجه،13، نگاهی به تاریخ و آثار اسلامی
ترکیه، 2 - 73 نظر

نویسنده: آیدین یاشار

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 19:20

در رابطه با سخنان آقای "یکی" باید بگویم که من به عنوان یک ترک با همه نوشته های جناب استاد در رابطه با زبان ترکی و اخیرا در رابطه با تاریخ کشور ترکیه موافق نیستم ولی این که شما کار تحقیقی استاد را با نفت آذربایجان و عربستان مربوط میکنید، مایلم متذکر شوم که استاد پیش از این به سلاطین نفت عربستان هم توپیده اند.هویت پژوهی استاد ربطی به عرب پرستی ندارد. بهتر است روش دقیقتری برای زخم زبان پیدا بکنید.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 20:37

جناب استاد،
همچنین در زمانی که این تصویر پخش شد خبری هم چند روز پس از آن منتشر شد مبنی بر اینکه این یک تکنیک Viral Marketing از طرف یک آژانس بوده که برای شبکه Cartoon Network پر بیننده ترین شبکه کودک و نوجوان در دنیا و جهت تبلیغ سریال قریب الپخش Cryptids Are Real "پرداخت" و اجرا شده است. محور این برنامه - "کارتون" - روی موجودات و مسائل غیر طبیعی است.

در ضمن متاسفم که عده ای اینجا را پاتوقی برای زد و خوردهای قومی خود فرض کرده اند.

نویسنده: دی جی

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 23:6

وقتی میگن روشنفکرای فارس و ترک و عرب و ... همه از یه قماش اند و سفیه واسه همینه که همه بر اساس توهمات و تصورات خودشون به دشمنی یا حمایت از یه نفر بر می خیزند. واسه همینه که می بینید یه روز بعضی از فکرروشنها ترک قربان صدقه ناصر پورپیرار میرن، فرداش همونها بخون پورپیرار تشنه اند!!!!!!!!!!!!!! به این میگن آخر بلاهت و بیسوادی

نویسنده: Reborn

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 23:8

سلام

من مقاله ی قبیله شیربازان شما را مطالعه کردم و در پیش سخن کتاب از زبان داریوش هایدماری کخ تمجیدتان را از هخامنشیان و عظمت شان خوانده ام. گویا زمانی شما هم جزو شیفته گان تاریخی بودید که نزدیک به دهه ایی است شدیدا زیر سوال برده اید و انکار نموده اید.
امکان دارد توضیح کوتاهی بدهید که تغییر عقیده ی خود شما از کجا آغاز شد و محرک اش چه بود

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 0:10

آقای Reborn. حتی اگر قضیه به همان صورتی باشد که شما تشخیص داده اید، مگر مدخل های عرضه شده تغییر می کند، مثلا بنای شهر شیراز به عهد کیکاووس می رسد و یا خرابه ی نیمه ساخت تخت جمشید تکمیل می شود؟!

آقای س. به ترین راه کسب شناخت، در هر زمینه و مقوله ای، گریز از کتاب های موجود و پناه بردن به تفکرات فنی و شخصی است. در مورد رنگ 8 جلد کتاب با عنوان کلی "همنشینی رنگ ها" از کارهای خودم موجود است که مطالبی را با مشاهده در موضوع رنگ بیان می کند که بسیار هم استقبال شده است.

آقای علی از مالزی. به نظر می رسد که کامنت شما نیمه کاره است!

آقای ایمان. آن کتاب ده سال پیش منتشر شده، مجلدهای دیگری هم در موضوعات دیگر دارد و گمان نمی کنم در حال حاضر به آسانی پیدا شود. کتاب دوست فوق آنوسی شما هم بالاخره درآمد. تخم سه زرده ی بزرگی است!!!

نویسنده: حسین محمدی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 0:46

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712230914

نویسنده: alaki-khosh

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 1:47

palestine viva!

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/03/090313_sh_galloway_passport.shtml

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 2:59

آقای؟. به هیچ وجه برای ورود همکاری نمی کند و پیغام می دهد:
- لطفا حروف نامعمول را در اسم خود حذف نمایید.
می بینید که همه چیز من غیرمعمول شده است!

نویسنده: یکی

جمعه 23 اسفند1387 ساعت: 23:32

آیدیین !
به مامانت بگو فروردین نیومده اسفند رو آتیش بزنه!
(البته با نفت عسلویه)

استادت هم یک آریاستیز جهودکش تمام عیار است. می توانی به مقدمه ای که بر کتاب الیهود الخمود هو الجهود العنود نوشته سر بزنی. این کتاب رو ابن ندیم در 11 سالگی در بصره نوشته. در آن مقدمه نوشته شده که عثمانی وجود ندارد و زبان ترکی یک زبان ساختگی و بدون اصالت کهن و فاقد مراحل تکوین لغوی است. ترکها هم مهاجران جدیدند. وقتی کار اسفند تموم شد بگو با چند درصد این 3 جمله موافقی؟!!!!!! مثلا بگو با یک و نیم جمله!
اونهایی رو که رد می کنی هم در صورت تمایل به بر و بکس بگو یاد بگیرن.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 5:44

جناب استاد،

آن کامنت من در ادامه جواب شما به خانم سحر باید مطالعه شود که نقد شما در مورد عکس آن موجود خیالی در سواحل امریکا است.

با تشکر.

نویسنده: سرباز

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 6:34

سلام
ببینید این یهودی چگونه نوروز و چهارشنبه سوری را تبریک می گوید! (نگهداری نوروز حتی بالاتر از نگهداری خاک وطن است!)

http://tanehnazan.blogspot.com/2008/03/blog-post_5180.html

نویسنده: أمة الله

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 6:39

سلام دوستان

بسیاری از مسلمین با قبول افسانه هایی که به عنوان روایت یا تفسیر یا حدیث به خوردشان داده شده ، به رسول الله اهانت می کنند!

مطلب اخیر وبلاگم به این حقیقت اشاره دارد.

منتظر دوستان.

وب سایت

نویسنده: reza

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:33

آشنائی با واژه رجم

سنگسار/stoning to death

فقها بر این باورند که احادیث را با قرآن مقابله کنید اگر مطابق قرآن باشد صحیح وگرنه جعلی و دست ساز است ، وقتی آقای لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام صراحتا گفتند " خجالت نمیکشیم حکم سنگسار را اجراء کنیم." نگارنده برای آنکه تحمیل عقیده خود بر قرآن نکرده باشم با مراجعه مجدد به قرآن مجید مشاهده نمودم که واژه سنگسار پنج بار به ترتیب زیر : سوره کهف آیه 20 ، سوره مریم آیه 46 ، سوره شعرا آیه 116 ، سوره یس آیه 18 و سوره دخان آیه 20 بکاررفته ولی نکته جالب توجه اینکه از دیدگاه الهی هر پنج بار عمل سنگسار حرکتی استکباری ، زشت و کراهت آمیز است که از ناحیه فرعون و یا کفار برای تهدید خدا پرستان بیان شده است. حال چرا آقایان علماء شورای نگهبان که امید است انس با قرآن داشته باشند به این نکات عنایت ننموده و اجازه داده اند عمل وحشیانه سنگسارکه یادگار جاهلیت قوم عرب است در ایران با فرهنگ غنی ما، قانونی شود، فقط خدا میداند و بس !

وب سایت

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:52

با سلام خدمت همگی

توضیح
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

بنی آدم اعضای یکدیگرند ....
آیا در سر در سازمان ملل وجود داشته ؟؟؟
نه ! ولی همه فکر می کنند که بوده یا هنوز هست!!!

در شاهنامه فقط چهار کلمه عربی وجود دارد؟
عجب!!!

ایرانیان باهوش ترین هستند البته با هندی ها!!!؟؟؟
کدام تحقیق علمی و جامع این را اثبات کرده ؟ چه کسی گفته ؟ اما همه اینگونه فکر می کنند؟

ژاپنی ها هوش ندارند ، پشتکار دارند به خاطر این از ما جلوترند
تلقین ::: ما برتریم باهوش تریم ولی آنها به خاطر "زیاد خوانی" از ما جلوترند!!!؟؟؟
(اما برخلاف این موضوع ، در جایی ضریب و عدد 84 به ایران و 105 به ژاپن تعلق داشت!!!)

وجود چهار درخت و جوی آبی را بهشت گمشده می دانیم!!!
پس آنچه که در جاهای دیگر دنیا مثلا آمازون یا آمریکای شمالی یا آسیای شرقی هست، لاجرم بهشت شناخته شده است !!!!!!

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:53

ایران تنها کشور چهار فصل است!!!!!

دانشجویان ایرانی در خارج یگانه هستند؟

ناسا را ایرانی ها می چرخانند!!!
دقیقا چند درصد از کل دانشمندان آنجا ایرانی است!؟

کسی می گفت فلان قوم حتما آریایی است گفتم چرا ؟ گفت بچه های باهوش زیاد دارند!

آن چه زندگی است که اعراب می کنند؟؟؟
حالا ظاهرا ما بهتر از آنها زندگی می کنیم،، تهران نمونه خوبی برای برتری است!! و همه چیز را اثبات می کند؟!

در فلان کشور آب ندارند بخورند، آب را می خرند!
البته ما هم تازگی به این نتیجه رسیده ایم که باید آب خوردن را خرید وووو
جالب است ما در کشوری خشک زندگی می کنیم که در چند سال بعد،به خاطر استفاده بی رویه از سفره های زیر زمینی ،به شدت مشکل کم آبی خواهیم داشت، البته قصد داریم قطب کشاورزی هم شویم، آنهم در دنیا ، نه طبق معمول در خاورمیانه !؟

می دانید درآمد مردم فلان کشور به خاطر لوازم آرایش است!؟
البته از دانش فنی نمی گویندوووو

عربها کار نمی کنند، فقط نفت می فروشند و می خورند؟!
البته درآمد ما از کجاست ؟
احتمالا فکر می کنند ما در پتروشیمی یا در صادرات گندم ، خیلی قویتر از عربستان هستیم!!!

آب کوهرنگ بهترین آب دنیا ست ؟؟؟ عجب !!!!
به خاطر نوشیدن همین آب است که اینهمه "بنو" ی باوفا در ایران داریم

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:54

کشتی نوح را یافته اند، روی تخته ای از آن اسامی پنج تن آل عبا نوشته شده است،
اگر بپرسید چگونه آن خط را خوانده اند، چه خواهید شنید؟! یا آیا فقط همین نوشته وجود داشته.

ما ایرانی ها در کار فردی عالی هستیم ولی در کار گروهی نه ؟؟؟
اصلا ، کدام تحقیق جامع اثبات کرده ما در کار تکی عالی ترین هستیم!!؟؟؟
مستند حیات وحش ، گروه بزرگی از گاوهای آفریقایی را نشان می داد که سر به پایین انداخته ، از گذرگاهی تنگ با سرعت و مصمم و با اقتدار! در حال گذر بودند، نتیجه کشته شدن دهها عدد از آنها بود!!!!چون هر کدام راه خود را می رفت و با دیگری کاری نداشت
احتمالا این نژادپرستان هم منظورشان از ،کار تکی عالی ، حرکتی این چنینی است؟؟؟

سواحل شمال ایران در دنیا بی نظیر است
احتمالا منظورشان در حجم آشغالی است که بنوها در ساحل و کنار رودخانه ها ریخته اند، می باشد

تحقیقی نشان می دهد ما ایرانی ها ، اگر کمی به خود برسیم البته مانند بقیه مردمان دنیا،،، خوش تیپ تر از بقیه مردم دنیا هستیم ؟؟؟؟
زهی خیال باطل !
....

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:54

از این دست دروغهای پخش شده بین مردم چقدر می شناسید
این دروغها معرف جریانی هستند که بسیار عالمانه در حال دنبال کردن هدفی است!
وووو

می توان کلکسیونی از این نوع آبجکتها و اراجیف بی سر و ته جمع آوری کرد،
که خود بسیار مفید است
جالب است که برچسب خیلی از آنها تحقیق است!!! اینها از کجا می آیند؟
اشتراک میان اینها ، دروغ بودن ، بی پایه و اساس بودن ، اما ظاهرا بر پایه علمی بودنشان است !!!
البته ، بنوهای باوفا به سرعت ، با عنوان رسمی و غیر رسمی سعی در انکار دارند
واقعیت تاثیر گذار، آن چیزی است که در ذهن مردم است و در جامعه رواج دارد ،و تاثیر خود را گذاشته است ، نه لزوما واقعیت مکتوب !!!
و افعال انسان بر اساس ذهنیات و دیده ها و شنیده های خویش شکل می گیرد نه بر اساس واقعیت مخفی !!!
راستی این دروغها از کجا می آیند؟ چه منبعی و چرا این دروغها را می سازد؟ و چه زمانی مسلمانان از این دروغهای ویرانگر نجات خواهند یافت؟

1 - اینها دروغند پس پخش کننده اینها ، شیادی بیش نیست
2 – اینها دروغند و پخش هستند در جامعه ، پس آن گروه قدرت پخش خبر در جامعه و دانش آن را دارد
3 – انسجامی بسیار خوب بین این دروغها برقرار است، که به هیچ وجه ، نمی تواند اتفاقی باشد

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:55

4 – مردم ایران حتی به ظاهر نخبگانش تا همین اواخر ، حتی شعورشان در حد ساختن این دروغها نبوده است، در آن درجه از بنوگری ایرانیان، محلی برای این تفکرات وجود نداشته است
5 – این دروغها دقیقا در رکاب و خدمت ، یهودساخته و در جهت تقویت آنها هستند
6- این یهودساخته ها را چه کسی می شناخته ، که دقیقا در جهت تقویت آنها به دروغهای بی شاخ و دم متوسل شده؟ و اگر می شناخته ، چرا چون استاد به بقیه نگفته!!!!!!!!!!!!!!!!!
7 - پس لاجرم این دروغها از همان جاعلان باید باشد ، پس نقاط ترشح و نفوذ این دروغها به جامعه، یعنی ...
8 – تازه بعد از دهها سال از پخش این دروغ ها،، و صد البته کشف مجموعه دروغ توسط استاد خستگی ناپذیر ، می توانیم ، کمی آن هم فقط کمی ، این وقایع را پیگیری و تحلیل کنیم
9– سازنده این دروغها در تفکر و تعقل و شناخت جامعه و مسائل مرتبط با آن ووو لااقل چند قرنی از ما جلوتر بوده است
10– آیا گروهی که در چند سده قبل ، لااقل چند قرن از نظر فکری از ما جلوتر بوده اند!!!!! الان چقدر از ما جلوتر هستند!؟ و در حال انجام چه کاری هستند؟
11 – آیا دروغهایی این چنینی تمام شده اند ، اگر هنوز در جامعه ساخته می شوند ، پس باید اینان را همچنان فعال دانست؟؟؟

نویسنده: رحمانی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 7:55

بله واقعا سخن استاد خستگی ناپذیر درست است که اینان همین حالا هم در امتداد جعلشان حرکت می کنند و از این فرزند ناباب و ناخلف خود به شدت حفاظت می کنند و پرورشش می دهند ، ما بعد از چندین دهه شاید متوجه اعمال آنها در این مقطع خواهیم شد واین عقب افتادگی فکری ، همچنان ادامه دارد ...

و قضیه بدتر می شود اگر بخواهید دروغ بودن یکی از اینها را اثبات کنید، دیگر هیچ گوشی خریدار نخواهد بود ، هیچ رسانه ای حاضر به همکاری نخواهد بود ووو
در حدود بیست سال پیش عکسی پخش شد که منتسب به حضرت محمد(ص) بود ، به سرعت در جامعه پخش شد ، عکس ،پوستر ،قاب ، تابلو ووو بیرون آمد، و به تاقچه ها آمد ووو جالب است که (تا آنجایی که من می دانم) در مقاله ای به قلم یک روحانی مشخص شد این عکس یک جوان تونسی به نام علی بوده که توسط که و کجا گرفته شده ووو
اما آیا دروغ بودن آن عکس را کسی فهمید ؟ نه؟ در مورد همه مسائل از این دست دقیقا با چنین برخورد مشابهی مواجه ایم ؟ چرا؟
انسجام یعنی همین! یاد بگیرید
...

ما هنوز درگیر اراجیفی بسیار ابتدایی هستیم ،
و این بنوها حاصل کار آن گروه هستند، و به راحتی با بازی با پارمترهای بنوگری در این افراد، آنها را به هر سمتی که می خواهند می برند، پس سعی کنیم از آن بنوها نباشیم! به ویژه ورژن باوفایش!

به راستی چه کسانی چند قرنی از ما جلوترند؟

با تشکر فراوان

نویسنده: دوتا

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 8:8

reza
عمل وحشیانه سنگسارکه یادگار جاهلیت قوم عرب است
واقعا!

نویسنده: مسعود

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 8:11

سلام آقای پورپیرار
خواشهمند است وقتتان را بر روی تاریخ اسلام و قران متمرکز کنید مخصوصا در رابطه با کتاب اسلام وشمشیر در این رابطه میخواهیم اطلاعات بیشتر کسب کنیم
دو سه مورد است که میخواهیم راهنمایی بفرمایید
اول:تعدد زوجات پیغمبر اکرم(ص)
دوم ارتباط حضرت محمد(ص) با حضرت ابراهیم(ع)
سوم آیا اینکه حضرت ابراهیم از کجا به عربستان مهاجرت نموده اند
کتاب اسلام وشمشیر بر رفع ابهامات من در بسیاری از موارد افزود
راستی من مسعود به قول بعضی ها متعصب نژاد پرست قبلی هستم وبا برادر عزیز مسعود که ایشان هم کرد هستند تفاوت دارم که امید است من هم به ان اندازه از اگاهي برسم که مثل ایشان فکر کنم با تشكركاك مه سعود شانازيتان پيوه ئه كه م

نویسنده: reza

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 10:29

"عمل وحشیانه سنگسارکه یادگار جاهلیت قوم عرب است"

دلیل و برهان؟

نویسنده: دوست

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 10:31

ببخشید استاد چند روز نبودم. بهتره بگم چندماهی نبودم. خسته نباشی مرد بزرگ.

بیت سعدی نه به زبان فارسی و نه به زبان های دیگر بل فقط با ترجمه ی انگلیسی در یکی از تالارهای کنیسه ی بزرگ که سازمان ملل می نامند وجود دارد.

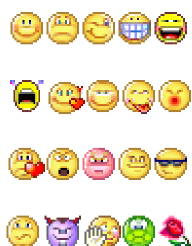
ضمنا با تحقیقات یکی از دوستان آخرش فهمیدیم اون دو و سه تا عکس از اون حیوانه رو دوتا از زنای قرتی گرفته بودن اونم با اون دوربینای کوچیک پاناسونیک !!! اینترنت بگردین پیدا می کنین مصاحبشونو. آخره خندس.

رخصت می خوام برم ایرانشناسی های نخونده رو بخونم

بای

۱ ۲

x



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 206

ایران شناسی بدون دروغ 206، نتیجه، 14، نگاهی به تاریخ و آثار اسلامی ترکیه،
3 - 48 نظر

نویسنده: توحید

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 14:12

سلام

آقاي رحماني . مطلب خيلي ساده است با چنگ زدن به قرآن كريم مي توانيم از دام هر مكر و دروغي بگريزيم . « مكرو و الله خير الماكرين » . بايد پرسيد كه اين دروغها را چرا مسلمانان باور كرده اند ؟ غير از اين است كه در غياب قرآن چنين پروژه اي را پياده نمودند ؟ غير از اين است كه اول براي قرآن نقشه كشيدند و آنرا از صحنه حذف كردند و بعد وارد عمل شده اند ؟
فراموش نكنيد كه مسلمانان زماني در اوج قدرت بودند ، كه در عين حال ساده دل و بي آلايش بودند .
ولي اين 500 سال اخير اين درس را به مسلمانان مي دهد كه غير از خوب بودن بايد زرنگ هم بود و الا سرت كلاه مي گذارند . پس فكر نمي كنم كه مسلمانان باز از اين سوراخ گزيده شوند . كاري كه ما بايد بكنيم اين است كه نيروي خود را جمع كنيم تا قرآن را از تلقينات يهود ساخته كاملا پاك كنيم و بعد آنرا به صحنه زندگي مسلمانان باز گردانيم . يعني ديگر اقشار را نسبت به اهميت قرآن آگاه سازيم . حا لا مشركين هر قدر مي خواهند دست به فريب و نيرنگ بزنند چه فايده اي دارد وقتي هدايت مسلمين به دست بنيان انديشان بيفتد ؟

نویسنده: به پورپیرار

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 16:29

زمانی بود که با خودم میگفتم که معنی اینکه امام زمان دین جدیدی نسبت به دین فعلی میاره یعنی چه؟ تا اینکه نوشته های شما رو دیدم
زمانی بود که با خودم میگفتم اینکه دین اسلام بر دنیا غالب میشه چطور ممکنه؟
تا اینکه فلاکت یک شبه غربی های خونخوار را دیدم.
حالا دیگه به وعده خدا اطمینان قلبی دارم.
این رو مدیون شما هستم

نویسنده: سجاد

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 16:54

باسلام اولین نظر مال خودمه 😄

نویسنده: سعید خسروی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 17:20

جناب پور پیرار - سلام
موفق باشید.
امیدوارم از کامنت قبلی در بخش نظرات یادداشت پیشین دلگیر نشده باشید. فقط یک شوخی بود.
قصد داشتم به همه قومیتها از جمله ترک زبانان که خودم هم از آنان هستم بگویم بدون هیچ تعصب قومی این یادداشت ها را پی گیر باشیم و در نهایت چنانچه قانع شدیم آن را بپذیریم و اگر نقدی هم داشتیم محترمانه ابراز نمائیم و پاسخ بگیریم که در این رویه مذهبی ها به توصیه قرآن عامل خواهند بود که مومنین را به شنیدن و گزینش بهترین ها امر فرموده و غیر مذهبی ها نیز لااقل عامل به احترام به آزادی بیان خواهند بود.
ضمناً بی صبرانه منتظر مستند طوفان نوح هستیم.

نویسنده: سجاد

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 18:25



نویسنده: ارکین قشقایی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 20:55

با این پست دیگر برای هر خواننده بی تعصبی تردیدی باقی نمی ماند که امپراتوری خیالی عثمانی هم داستانی تراژیک همانند صفویه و ساسانیان دارد.
اما استاد داستان ممالیک مصر چگونه است ، آیا آنها هم داستانی مشابه عثمانی دارند. حضور ترکها در سرزمینهای عربی مانند فلسطین و سوریه و آفریقایی مانند مصر و الجزایر تا اوایل قرن بیستم محرز است ، اما با جعلی بودن چنین امپراتوری ، حضور آنها در آن سرزمینها چگونه ارزیابی می شود . البته هنوز هم خانواده های ترک زبان در فلسطین ، سوریه و مصر وجود دارد . برخی از آوارگان بلندی های جولان از تورکهای سوریه بوده اند اینرا دو سال پیش از یک کارمند موزه در دمشق که خود از آواره شدگان بود شنیدم. هنوز هم اندکی کلمات ترکی در اسامی اعراب و زبان اعراب دیده می شود.
آیا حضور تورکها در سرزمین های اعراب به سبب کوچ و مهاجرت اختیاری بوده است ؟ یا تهاجم و تسخیر؟

وب سایت

نویسنده: بی سر و پا

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 21:23

ممنون از مطالب مفیدتون جناب پورپیرا .
ولی احساس میکنم به خاطر پاره ای از ملاحظات بخشی از عقایدتون رو سانسور کرده اید تا این حداقل مطالب تکان دهنده را به ما برسانید و لااقل شروع یک انقلاب فکری را در ما شعله ور کنید .

هووووت ...

وب سایت

نویسنده: یک بنیان اندیش

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 21:30

سلام استاد
خدا قوت
نمی دانم آیا باز هم به بحث جنگ های صلیبی بر خواهید گشت یا نه، اما می خواستم خواهش کنم اگه مدخل آنرا بسته اید، یک جمع بندی داشته باشید که آیا آخر، چنین جنگ هایی در تاریخ رخ داده یا نه، و اگر داده آیا طرف جنگ مسلمان ها نبوده و هلنیست ها بوده اند.
ممنون و سپاسگزارم

نویسنده: یکی

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 18:58

سجاد! ای عبد صالح ... ! همو تو را بپاید! تو همون زرنگه ای؟

نویسنده: آمون

شنبه 24 اسفند1387 ساعت: 22:37

آمون در خدمت آمون پرستان.
amun.blogfa.com
دوستانی که مایل به دریافت مقالات به فرمت ورد هستند در وبلاگ آمون اطلاع دهند.
این بار عکس ها را در گیگا ایمیج دات کام آپ کرده ام.
حالا باز بروید و به هزار سیب ایمان بیاورید!
راستی این زلیخا هم شورش را در آورده. وسط میدان خدای هزارسیب را منزه می دارد!

واقعا که! حالا خوب است این هزار سیب همو و یعقوب را کور کرده و در طول سالیان، فحش هم برایشان نفرستاده!
بنازم به این جوانمرد! آتون بهتر از این تحفه نمی دارد!

نویسنده: بی سر و پا

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 0:3

پور پیرار عزیز آیا درباره ی کشفیات جدید باستان شناسی در منطقه گوهر تژه شهرستان بهشهر که نشانه ی وجود تمدن در هفت هزار سال پیش در این منطقه بوده اطلاعاتی دارید ؟ و میدانید متعلق به کدام دوره و چه گروهی است ؟
در حال حاضر گروهی متشکل از باستان شناسان آلمانی و ایرانی در حالی حفاری در این منطقه هستند .
همان طور که میدانید در بهشهر در غار هوتو بقایای انسان های اولیه کشف شده و از تاریخی ترین مناطق خاورمیانه است .
مردم این مناطق هم مدام گنجها و قبرهایی را میابند و می فروشند . حتی ادعا می کنند قسمتی از این گنجها متعلق به ساسانیان و اشکانیان است که البته مورد قبول من واقع نشده ولی بسیار بر این موضوع اصرار دارند .
به زودی با باستان شناسان آلمانی مستقر در منطقه درباره ی هخامنشیان و ساسانیان و اشکانیان صحبت خواهم کرد .

هووووت ...

وب سایت

نویسنده: ساسان

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 1:21

شیرین بختانه الان مدتی گذشته می باشد که به رهبری یک از فرماندهان شجاع و دلاور و جسور و شیردل و شجاع دل و شیرمرد و متحور اعلاحضرت محمد رضا شاه آریامهر پهلوی پارسی هاخامنشی تبار بنام تیمسار سرلشکر خلبان سرهنگ مهدی روحانی یک گروهی تشکیل بگشته است بنام گروه عقاب ایران که این گروه تصمیم میدارد با مبارزه واقعی مثل زمان هاخامنشیان و کوروش بسیار زیاد فراوان کبیر و بزرگ حکومت تازیها را از میان بربدارد و از همین دلیل بزودی حکومت ایران بدست آرياييان راستین پارسی قرار می گیرد و ناصر پورپیران رهبر دشمنان نژاد نیکوی آریایی را از همین الان به اعدام محکوم میگردانیم. به خشنودی احورامزدا و حضرت زرتشت ع

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 4:57

آقای ؟. دو قدم یگر جلو رفت، یوزر و پاس را قبول کرد که پاس را تغییر دادم. اما موقع آپلود پیغام می دهد که کاراکترهای ممنوعه دارید!!! به هر حال ممنون. ضمنا تحت تاثیر آنوسی های دور و برت نباش!!؟ که البته شوخی است.

آقای یه نفر. آن دو لینک تکه پاره شده باز نمی شود. ضمنا تمام آن اطلاعات عینا در منابع مختلف وجود دارد که من از دائره المعارف مصاحب برداشته ام.

آقای بنیان اندیش. چنان جنگ هایی لااقل با مسلمانان در جریان نبوده و مدرکی نداریم که آن را متوجه هلنیست ها کنیم، هرچند محتمل است. اسناد موجود در این باب ساکت است و بررسی آن ممکن نیست.

آقای بی سر و پا. در گیلان و مازندران و به طور کلی استرآباد چیزی پیدا نمی شود مگر این که مربوط به قبل از پوریم باشد.

آقای ارکین قشقایی. صبور باشید.

آقای ایلماز. آن داستان ها بخشی از کارهای خود من است.

آقای خسروی. به خواست خدا مستند طوفان در حال تمام شدن است و شاید در تعطیلات به سایت ها بفرستیم، هرچند هنوز نقایصی دارد. تعصب از نشانه های معتبر نادانی است.

نویسنده: قشقایی

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 9:35

http://www.drkhazali.ws/articles-and-mails/397-1387-11-06-07-27-46.html
http://www.drkhazali.ws/articles-and-mails/406-1387-11-10-17-35-46.html

نویسنده: viva naria

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 9:52

اگر کسی برای دیدن مقالات جدید سایت با مشکل روبروست(فیلتر) میتواند از وبلاگ زیر استفاده کند. عینا در آنجا آورده شده، خدا آقای پورپیرار را حفظ نماید.
http://viva-naria.blogfa.com

نویسنده: یه نفر دیگه

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 10:48

کسی از این عابدی خبری داره ؟ چرا سایت رو آپدیت نمیکنه؟! مشکلی که براش رخ نداده؟

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 12:59

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

با سلام و خسته نباشید خدمت ابرمرد تاریخ شرق میانه
ما فقط و فقط می توانیم بگوییم
اجرکم عند الله

آقای توحید

در قرآن سفارش شده به مسلمانان که مبادا زن و مال و فرزند شما را مشغول خود گرداند، یا ضمن احترام به پدر و مادر نباید از خدا به خاطر آنان برگشت ، یا با مشرکین داد و ستد نکنید که همین موضوع باید برتری بیشتر آنها می شود ووو
پس مسلمانان 500 سال پیش که با قرآن بوده اند بدلیل همین با قرآن بودن ، باید که زرنگ می بوده اند و اینگونه نیست که مسلمانها تازه فهمیده باشند باید زرنگ هم بود ؟ مسلما مسلمانان اشتباه مرگباری را مرتکب شده اند چرا که از قران دور شده اند، اما دلایل اصلی را باید جستجو کرد
روزی در زمان تحصیل یکی از مسئولان ارشد نظامی کشور برای سخنرانی به دانشگاه ما آمده بود خلاصه بچه های دانشجوی پرشرو شور و بی خبر از همه جا و همه چیز و احساسی دلیل فلان عمل و تصمیم نظامی را از ایشان پرسیدند ایشان بعد از توضیحات فراوان و به هزار در زدن و با کنایه و هزاران پیچ دادن و غیره موضوعی را گفتند که شالوده اش این می شود: تصمیمات مهم نه بر اساس داده های صدا سیما که مصرف داخلی و جهت هدایت مردم ووو است که بر اساس واقعیات مسلم گرفته می شوند
پس قبول کنیم که بسیاری از مسلمانان سجلی مسلمان هستند نه قلبی !
یهود به طور نسبی موفق بوده است باید هم باشد چرا که آنها روی نقاط ضعف مسلمانها متمرکز شده اند و کاری علمی می کنند اما ما معتقدیم این کار در بازه زمانی مشخص کاربرد دارد و همیشگی نیست ...

عمده تغییر عقاید ، تغییر شرایط زندگی و مادی و معنوی ووو به خاطر اجبار در شرایط است نه انتخابی

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 13:0

مگر در این کنفرانسهای وحدت، دو مسلمانی که همدیگر را در آغوش می فشارند به خاطر علاقه قلبی است ، نه ، حداکثر به خاطر کدخدامنشی است نه بزرگواری ، به اینکه هر دو فکر می کنند عیبی ندارد من می بخشم! چه را می بخشی دروغی را که به خوردت داده اند! که فردای آن روز دوباره همان دروغهای یهودساخته را با تقرب به خدا تکرار می کنند، برادر علت شکست های یهود نه برنامه ریزی غلط آنها نه نادان بودن یهود نه اشتباه مثلا محاسباتی آنها که جریانی خدا ساخته است که در مقابل جریان یهود ساخته قرار گرفته است و آنها را گیج کرده است

آیا به نظر شما تازه مسلمانان الان یا بنیان اندیشان بهتر از مسلمانان 500 سال پیش هستند؟ چرا ؟

توجه داشته باشید تجربه بنیان اندیشان و آگاهی آنها در مورد نقاط ضعف ها و شکست های تلخ به خاطر قربانی شدن همان مسلمانان بوده است پس در این فهم آنها هم شریک بوده اند و هستند پس این افتخاری برای بنیان اندیشان در مقابل آنها به حساب نمی آید!
یا بهتر است بگویم از نظر آبجکتیو اگر جای ما دو تا را عوض می کردند آنگاه ما همان می کردیم که آنها کردند و آنها همان می کردند که ما می کنیم
و اگر این عامل مهم را حذف کنید حالا شرایط برای درک بهتر می شود
پس اگر هدایت به دست بنیان اندیشان بیفتد می شود وضعیت 500 سال پیش مسلمانها که مسلمانهای راستین سکاندار بوده اند! + تجربه تلخ شکست ها ،،، خوب نقطه دوباره صفر است فقط با تفاوت تجربه تلخ شکست ها
پس بقیه ماجرا می شود میزان تاثیر تجربه تلخ شکست! ووو
پس هر احتمالی وجود دارد ، باید روی نقاط ضعف متمرکز شد و با واقعیات روبرو شد و از شکست ها عبرت گرفت و برای جلوگیری از شکست های آتی به قرآن و دستوراتش توجه کرد چرا که با بررسی تاریخ اینگونه به نظر می رسد (که به اعتقاد ما دقیقا اینگونه است) یگانه خالق جهان و قرآن از زمان نزول تا آخرالزمان را می دیده و می دانسته و به نقاط شکست آگاه بوده ، و طی دستوراتی آنها را به مسلمانان تذکر داده است که خود این معجزه ای از معجزات قرآن است پس بهترین راه برای آینده تمسک به قرآن ، ضمن تدبر است

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 13:1

برای اصلاح وضع باید جریان را درست کرد ، جریان مهم تر از وجود اشخاص خاص است، اگر با شخص درست می شد مسلما باید پیامبران دیگری می آمدند اما قرآن جریان را مشخص کرده پس هر که می خواهد می تواند با جریان باشد در ضمن پیامبران فقط ابلاغ می کردند نفس رویایی نداشتند که با آن مصلح و مسلمان بسازند چه رسد به بنیان اندیشان ! پس هدایت جریان مهمتر از سردمدار شدن است چرا که آن سردمداران خود متعلق به جریانی هستند چنانکه یهود با همین هدایت جریان مسلمانها را هدایت می کند
پس امیدواریم جریان بنیان اندیشی گسترش یابد
بگذریم ...
با شما موافقم ، مهمترین عمل نزدیک کردن مردم به قرآن است و این نمی شود مگر با حذف یهودساخته ها و اعتقاد و عمل به قرآن و وعده الهی و خسته ناپذیری ... چنان که استاد خستگی ناپذیر گفته اند : دانه حقیقت اگر سالیان متمادی هم باران نبارد باز رشد خواهد کرد ، این حقیقتی است انکار ناپذیر

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!

با تشکر فراوان

نویسنده: عدنان

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 14:25

دوستان عزیز بنده همیشه منتظر پستهای جدید استاد میباشم و پس از آپ شدن آن را با ولع تمام میخوانم ولی وقتی به قسمت کامنت آن میرسیم متاسفانه حال و احوالمان از دست این جنگهای روانی ترکها بهم میخورد و به قول آقای علی مالیزیایی پاتقی شده برای دعوای قومی!
از آنجا که حق و صبر سایت عظیم و به حتم میتوان بهترین و پرطرفدارترین سایت کشور دانست لذا از دوستان عزیز خصوصا دوستان ترک خواهشمند است رعایت و احترام اینجا را بجا بیاورند
با تشکر

نویسنده: یکی

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 14:38

http://cherikonline.blogspot.com/2008/12/200_24.html

نویسنده: Iskender

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 17:16

Mr pourpirar
the beginning, but unfortunately I should disclose that, their further had very sake of entries in Iranian history in new paranoid stand points bear the stamp of paranoya and unfairly named. Unfortunately, these history

about their motives. Unfortunately reveals Mr . thoughts, injuries earlier sake of their views and raise doubt attitudes that all persian suffer. Have you looked at Mr. pourpirar mention at porpirar, the same anti-Turkish eyes of us? while talking about the least , about karabag and Armenian crime, even if it has happened before the Muslims in madagascar and indonesia!

نویسنده: توحید

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 17:44

سلام

استاد ممنون از راهنماييتان ، فقط مي خواهم بدانم كه آيا آن مقاله در باره آيه 34 سوره نساء ، را مي توانم در معرض ديد عموم جهت مطالعه بگذارم و يا ايرادات آن اساسي بود ؟ يادداشت ممنوع المصاحبه شدن باستان شناسان را نيز ظرف امروز و فردا در وبلاگ آخرين اخبار قرار مي دهم .
با تشكر

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 18:13

آقای توحید. آن بحث سوره ی نسا' سرسری است و می تواند مورد سو' استفاده قرار گیرد. اختیار کسی را ندارم ولی توصیه می کنم قبل از انتشار عمومی با وسعت دید و خرده بینی بیش تر به آن وارد شوید.

آقای Iskender . گرچه به نظر می رسد فریب خوردگی تاریخی برای متعصبین قابل اعتنا نیست، اما بدانید که برای وسعت دادن به اختلاف میان مردم و اقوام منطقه نیز، هم در ماجرای قتل عام ارمنیان و هم در مورد قره باغ فریب تان داده اند. ساده تر از این نیست که در ترکیه ی قریب یکصد سال پیش دولتی با قدرت و امکان قتل عام یک و نیم میلیون نفر برقرار نبوده است و سال 1915 در بیخ گوش ترکیه یک روشنفکری غول آسا و ریزبین روسی متوجه تمام امور عالم بود، اما در آثار هیچ یک از آنان، کم ترین اشاره ای به آن قتل عام نیست. چنان که ماجرای قره باغ سنگ گذاری در کفه ی دیگر این ترازوی قتل عام است تا نفرت و اختلاف در میان دو قوم ابدی شده باشد و البته با میزان برآمدگی در رگ های گردنی از نوع مال شما موفقیت آن ها ظاهرا کامل است.

آقای عدنان. ادعاهای حقیقت خواهی همین جا معلوم می شود. به گمان برخی حقیقت آن است که منافع و گمان آن ها را تقویت کند.

آقای رحمانی. زحمت می کشید و استفاده می کنیم.

آقای viva. کمک کرده اید و ممنون. در برابر این کرگوشان باید تا می توان صدا را بالاتر گرفت. به تر است در حاشیه ی صفحه، فهرستی از موضوع مقالاتی را که انتخاب می کنید، برای راه نمایی بیش تر، ارائه دهید.

نویسنده: موشه

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 21:6

یهودیان تهران امروز برای شکرگزاری پوریم، تور زیارت امام زاده داوود در شمال تهران داشتند. همان امام زاده داوودی که شیعیان برای زیارت آن سر و دست می شکنند!
یک شنبه شاد. چون الحمدلله در نام تمام روزهای هفته ایرانیان قید شنبه موجود است!

نویسنده: توحید

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 21:46

سلام

استاد ، مثل اينكه بايد بيشتر در اين زمينه تحقيق كنم و جوانب مختلف را در نظر بگيرم و اگر باز هم نتيجه حاصل نشد منتظر روشنگريهاي شما در اسلام و شمشير 2 بمانم .

آقاي رحماني ، تشكر از پاسختان ، اين ديالوگ اين حسن را داشت كه به بررسي عوامل اين فريب پرداخته شود . يادم است يك نوشته اي از استاد خواندم با نام « تاريخيگري » كه در آن به اين پرداخته بود كه اصولا تاريخ مقوله اي نوپديد است كه به نظر مي رسد تنها براي سوء استفاده كنيسه و كليسا ابداع شده است ، و ريشه آن معلوم نيست ، نه فارسي است ، نه

عربي است و نه ... (منظور خود لفظ تاريخ است) و حتي در قرآن هم كوچكترين اشاره اي به آن نشده است . يعني از نظر قرآن تاريخ به مفهوم كنوني آن كوچكترين ارزشي ندارد .
چون اكثرا اين اشتباه را مي كنند كه آيه « فسيرو في الارض و ... » را به اشتباه « تاريخ » و مطالعه تاريخ برداشت مي كنند . چه اشتباه فاحشي ! در واقع چنين سبك تاريخي كه عبارت از يك سري كتاب بي هويت بدون پشتوانه عقلي و مادي است ، باب ميل يهود است تا با آن در جهان اختلاف ايجاد كند . چنان كه مي بينيم استاد ثابت كرده اند كه تقريبا يك برگ از تاريخ هاي موجود هم صحت ندارد .
بلكه منظور خداوند از قرآن « سير و سياحت عملي در زمين و مشاهده آثار مادي بجا مانده » و بررسي عيني آنها است نه اينكه در خانه بنشينيم و چند كتاب تاريخ بخوانيم و از آن عبرت بگيريم !!!
چنانكه بايد به استاد آفرين گفت كه دقيقا مصداق اين آيه شريفه قر آن عمل نموده و در زمين به سير و سياحت پرداخته و به چنين ره آورد با ارزشي دست پيدا كردند .

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 25 اسفند1387 ساعت: 23:12

استاد عزیز؛ سلام
دریچه ای بر روی تفکر من گشودید و خصایل نیکویی را به من آموختید.
حتی در خواب هم نمی دیدم که روزی استادی مانند شما داشته باشم.
برایم مهم نیست که دیگران چه می گویند. مهم این است که سخنان شما هدایتگر است.
اگر تمام عمرم از شما سپاسگزاری کنم ، باز هم کم است؛ آن هم فقط به خاطر یکی از چیزهایی که به من آموختید که نگاه عقلانی به همه چیز است. با اینکه این یکی از آموخته های من از شماست.
نمی توانم سپاسگزاری شایسته ای به جا بیاورم؛ جز اینکه از خداوند بخواهم که شما را توفیق دهد.
خدا قوت

نویسنده: یکی

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 1:14

سلام
چرا ناراحت می شید از این یهودی تابلو؟
بفرمایید این هم از خواهران بسیجی در هندوستان! لذت ببرید!

http://www.marmolak.net/images/pwlomv3cajknx6h8p44y.jpg

اون لینک ها هم به عنوان تبلیغ حساب شده و ارسال نمی شدند که مجبوری شکسته شدند!

نویسنده: سجاد

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 1:24

با سلام و عرض ادب و احترام خدمت استاد بزرگ و دوستان
روی سخن من دوستانی است که خیلی تند و سریع و بدون تامل و تحمل به ترکانی می تازند که می خواهند با هویت خود آشناتر شوند و یا از آن دفاع کنند
دوستانی که کوچکترین سخن از هویت ترک را برنمی تابید در قسمت نظرات استاد آنچنان سخنان تند و قوم پرستانه ای گفته نشده است اما تعجب من از پاسخهای تند و سریع و گستاخانه است کمی فکر کنید آیا این گونه پاسخها بر آن گونه نظرات نشانی از ترس شما نیست عزیزیان شما دقت کنید به پاسخ استاد به آقای همدانلی که چقدر بزرگوارانه و حکیمانه بود که لحن سخن آقای همدانلی را تغییر داد
آیا تاکنون حجم وسیع حملات بر هویت ترک را ندیده اید ویا نمی خواهید ببینید در مقابل این همه یورش من ترک چه کنم. تا از هویت خود دفاع می کنم متهم به تجزیه طلبی ضد دین قوم پرست می شوم .وقت و انرژی من و دیگر قومیت ها در دفاع از حقوق اولیه انسانی صرف می شود واین همان خواست دشمنان ملتهای مسلمان است
استاد پورپیرا چقدر خوب می فرمایند که تمام تحریفات تاریخی و تحریکات قومی در راستای توازن در ترازوی قومی گری و قوم پرستی و ادامه یک جنگ فرسایشی بلند مدت در منطقه می باشد اما چاره کار کجاست
به نظر شما و حاکمانتان چاره کار دراین است که هیچ کس حق دفاع از هویت خود را ندارد و یک کشور یک ملت یک زبان و یک دین آن هم طوری که ما تعیین کنیم چاره کار است شما حق اظهار نظر ندارید اگر حرف بزنید باعث تفرقه می شود و راستی استاد چاره چیست ؟ تمسک بر قرآن و انتخاب زبان و هویت عربی و فراموشی تمامی آنچه به نام تاریخ موسیقی فولوکور زبان که تمام قوم های منطقه در طول زمان برای خود ساخته اند آیا چنین چیزی امکان پذیر است ؟
بارها از شما شنیده ام حرکت ما بسوی ملت شدن این ملت به نظر شما چگونه ملتی است چه هویت زبان و حکومتی دارد با تشکر زیاد به خاطر تمام آموخته هایم از شما

نویسنده: reza

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 7:23

سلام استاد.
آیا این آقا تحت تاثیر نوشته های اسلام و شمشیر شما چنین برداشتی دارد؟
نظر شما چیست؟

" مهدی خزعلی: دیگر معتقد نیستم که لباس آخوندها لباس پیامبراست،این لبلس میراث فرهنگی کلیسای کاتولیک برای تشیع است.

باس روحانیت امروز، میراث فرهنگی کلیسای کاتولیک (آن هم دوران حکومت پاپ ها) برای تشیع است، و از نظر شکلی عبای آن عربی است، عمامه آن نسخه روزآمد دستار عربی است، و قبا و لباده آن از روحانیت مسیحی به یادگار آمده است و جامه بلند حکمرانان است ! اما به هر حال امروز لباس روحانیت شیعه است."

http://www.drkhazali.com/articles-and-mails/479-1387-12-25-23-15-13.html

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 7:44

آقای سجاد. در این وبلاگ نه فقط ترک ستیزی نیست، بل مطالب آن حربه ای برای رها کردن گرده ی تمام اقوام از فشار قصه های مفسده ساز و تفرقه افکنی است که مراکز یهودی و مسیحی برای ما ساخته و نوشته اند. در این جا عکس تصور شما همه می توانیم با هویت اصلی و غیر فریب کارانه خود آشنا شویم که البته به مذاق کسانی که به رعایت منافع و ماموریت هایی، طعم داستانی تاریخ را بیش تر می پسندند، خوش نیامده و نخواهد آمد. باید اندکی دیگر حوصله کنید تا معلوم شود اغلب اقوام و حتی نام گذاری بر سرزمین های منطقه مخلوق طراحی های چند قرن اخیرند که در آغاز به صورت اعزام گروهی تکنوکرات و سازمان دهنده و مدیر برای ایجاد مرکزیت قومی و فنی و فرهنگی و تدارک مهاجرت های اجباری، در این یا آن اقلیم انجام شده است. چنان که نام ایران را فقط در زمان رضا شاه به ثبت عمومی رسانده اند. اگر کسی دوست دارد از ترکان و لران و کردان و فارسیان چند هزار ساله بشنود، مطالب دل خوشی آور بسیار در وب و یا کتاب ها خواهد یافت و مجبور به برخورد با این نوشته ها نیست. اگر از اسلام و قرآن می گویم درست با قصد مقابله با همان هویت سازان و انتقال مرکزیت به مکتب و معتقداتی است که به انتخاب و اشتیاق و استقلال، لااقل 96 درصد مردم ترکیه و آذربایجان را در بر می گیرد و البته مرتجعانه و قوم پرستانه است که کسی اسلام و نیز ساز و زبان خود را جدای از دیگر مسلمانان بخواهد و سفره ای جداگانه بیاندازد. زیرا که مقصد اصلی دشمنان ما درهم شکستن قدرت و اتحاد اسلامی است نه نابود کردن غیرممکن زبان این و آن. حالا که کسانی قصد گسترش تفرقه در میان مردمان این خطه، از عرب باستانی تا فارس نوساز را داشته اند، اینک چاره و راه مقابله ای جز انتساب قدرتمند به محوری مورد قبول همگان، یعنی اسلام متکی به قرآن نداریم. این جبهه ای است که اگر هوشیار باشیم با گرز رستم و شمشیر افراسیاب و تاخت و تاز رخش و صدای زوزه ی گرگ شکافته نمی شود و نگه داری زبان و رسومات و نغمه ها مانعی در استحکام آن نمی تراشد. اگر این مسیر را نمی پسندید پس آن قدر بر سر هم می کوبیم تا شاید ترکان را در جای فارسیان متجاوز بنشانیم و گردونه ی دشمنی، چرخشی معکوس را آغاز کند!

آقای reza. در ظاهر امر از هر کدام بپرسید جواب می دهند: اسلام و چی؟ نوشته ی ناصر کی؟ اما به واقع آب از این لانه به لانه ی دیگر روان است!؟

نویسنده: توحید

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 8:27

سلام

در وبلاگ آخرین اخبار بخوانید :

ممنوع المصاحبه شدن باستان شناسان

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 9:43

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
مدتهاست که مطالب مفید و اندیشه ساز وب را میخوانم و تقریبا شب وروزی نیست که ساعاتی را درباره اش به فکر و تحلیل نگذرانم.تاثیر مهم این وب برای من این بود که هیچ حرفی را بدون اندیشه کافی در اساس موضوع نپذیرم حال از سوی هرکسی گفته شود! تاثیر دوم وب صورت بخشیدن تفکرات قومیم بود و زدودن زنگار تعصب از روی ادراک هویتی ام.حال روی سخنم با دوستانی است که در مورد مسائل هویتی حساسند.این مسائل از نظر من بر دودسته تقسیم می شوند.اول تاریخ و علل تاریخی هویت من ، که صددرصد به قول استاد باید ازاین پرستیدن هویت وعشق به افراد داستانی و... تبری جست و آنرا کوبید.تاریخ تنها برای درک حقیقت اتفاقات بدرد میخورد و اینکه چگونه باید سره را از ناسره جدا کرد و با درک صحیح حقیقت تاریخ ، دروغهارا برملا نمودو راه سوءاستفاده هارا بست.

وب سایت

نویسنده: رضا

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 9:44

ادامه... دوم آنچه اکنون هویت زبانی و فرهنگی من است،که باعث می شود هرکسی برای خود هویت جداگانه ای داشته باشد.ازاین مجموعه هم باید هرآنچه راکه باعث کم شدن ارتباط من با قران می شود کنار نهم و آنچه را که باقی میماند و مزاحمتی برای دین من ندارد نگه داشته و تقویت کنم.اما در خلال این افت وخیزهای درونی طبعا و برحسب دستور دینی و درک انسانی در مقابل اجتماعی که در آن زندگی می کنم مسئولم و چنین نیست که وقتی جنگی در کشورم درمی گیرد من خود راکنار کشم ومشغول درس وبحث شوم. جناب عدنان اجازه بدهید یادداوری کنم که شما (که خواننده مطالب بنیان اندیشانه هستید!)وقتی حالتان از مسلمانانی با زبان گویشی دیگر بهم می خورد و حتی اینقدر سعه صدر ندارید که کلمه برخی را در برابر کلمه ترکها اضافه کنید تا همه ما را بیک چوب نرانید،درواقع نه دنبال حقیقت که مانند همان تورک قوم گرا دنبال راهی برای نابودی رقیبان قومی خود هستید نه اتحاد با مسلمانان غیر هم زبان!این جمله استاد خطاب به آقای عدنان را همه ما تک تک بخوانیم و ببینیم چقدر گویای زبان حال ماست و اگر چنان است سعی کنیم ازآن رها شویم:" به گمان برخی حقیقت آن است که منافع و گمان آن ها را تایید و تقویت کند". جناب سجاد بقول استاد نباید مشکلات بین اقوام را با به سرهم کوبیدن حل کرد بلکه باید هم قدرت تحمل و همزیستی داشت و هر کسی را در کنار خود تحمل کرد و هم باید حضور ذهن داشت و آماده بود که مثلا از ارومیه ،قراباغی دیگر ایجاد نشود. در مجموع یکی از مهمترین خصایل انسان مسلمان تحمل عقاید مختلف و انسانهای دیگر است به شرطی که این خصلت به حماقت تحلیل در هر عقیده وتسلیم در برابر هرزورمندی تبدیل نگردد.

نویسنده: حقیقت

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 12:23

آقای reza

هیچ فکر کرده اید که انگلیس جهت تبلیغ این لباس روحانیت چقدر پول به جیب زده است ؟ تنها تولید کننده پارچه چنین لباسي تنها صنایع نساجي انگلستان بود .

حالا چرا چادر در ایران اینقدر تبلیغ مي شود که حجاب برتر است ؟ پارچه آن در کجا تولید مي شود ؟؟؟!

نویسنده: محمود بجانی

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 13:48

استاد البته در چند مورد معاصر آگاهی های شما نه از طرف ما که از طرف همه طرفداران و دشمنانتان محک خواهد خورد که به راستی آیا تا چه میزان مثل یک مسلمان راستین صداقت و شجاعت دارید (که البته به زعم من صد چندان دارید)
خلاصه کنم استاد بزرگ مساله قره باغ از دست چنین مطالبی است که تحریفهای جهود پلید - هنوز پشت نسل جاری را زیر صفحات ضخیم دروغ خم نکرده است - لذا من امیدوارم به وقتش که برسد تحلیل عالمانه از این نبرد خونین و نابرابر از شما ببینیم.

نویسنده: یکی

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 17:53

این هم برای راحتی خودکشی. البته طراحیش غلط قولوط زیاد داره ولی خیلی بدک نیست:

http://www.niksalehi.com/public/khabar/bargh-khodkoshi.jpg

و باز این قره باغ! انگار اینا نمی دونن که روسیه سلاح سنگین ارزون به ایران می داد تا ایران سلاح سبک ارزون به ارمنستان بفرسته! بعد ایران می خواد دلال صلح بشه!

حالا خودتونو خیلی ناراحت نکنین. اینترنت پره از این چیزا:

http://www.tinypic.info/files/bdwjgjrs227feztq813t.jpg

http://www.tinypic.info/files/b9spkiz0lmc25bry0dxi.jpg

http://www.tinypic.info/files/qlaqsx64h6j0q2ybhpp5.jpg

اینجا تهرانه ها! بعد بگید فوتوشاپه! کلا نمی شه فهمید اینها که می گن آزادی تو این مملکت نیست یا از گشت ارشاد که آدما رو زورکی سوار ماشینها می کنند و به بهشت می فرستند یا ضد انقلاب و غیره، چی میگن؟!!

نویسنده: خلیل

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 19:12

سلام بر کاراگاه تاریخ جهان
واقعآ تحقیقات شما را باید با آب طلا نوشت
احسنت.

نویسنده: سجاد

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 19:16

باسلام استاد عزیز ضمن تشکر از پاسخ مشروحتان به نظر من تا عملی شدن سخنان شما راه درازی در پیش داریم به امید آن روز

نویسنده: بختیار

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 21:12

با سلام
استاد عزیز محض خنده جنابعالی و سایر دوستان به لینک زیر مراجعه نمایید
http://www.hammihannews.com/news/1110

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 21:34

با سلام خدمت استاد و همه دوستان
پیش از هر چیز باید بگویم که سالها تلمذ در مکتب استاد در شکل گیری تفکر من نقشی تعیین کننده داشته است.و اگر انتقادی کرده ام یا میکنم، از این نقطه انطلاق حرکت میکنم.
من اکنون در این پروژه هویت پژوهی دو نقطه ضعف می بینم که بطور خلاصه چنین است:
1 - افشای هویت جعلی به سرکوب هویت قومی در معنای عام تبدیل شده است.
2 - تحلیل تاریخ عثمانی از موضع انکار و نفی، چنانکه اینک جریان دارد، به نظر من بیراهه است و به نقطه ضعفی در ساختار نظریه تاریخی استاد تبدیل خواهد شد و دشمنان از آن سوء استفاده خواهند کرد.
مظاهر تاریخ عثمانی بیش از آن است که ب این سهولت انکار شود و شهر استانبول هم براحتی از تاریخ قابل حذف نیست.
استناد به برخی اشیاء مجعول در موزه توپ قاپی نظیر موی ریش حضرت رسول یا شمشیر و غیره و استفاده از آن به منظور نفی یک دوره تاریخی طولانی بنام عثمانی روشی غیر علمی است. این بدان میماند که اگر داروخانه ای داروی تقلبی فروخته است، مجموعه علم فارماکولوژی را منکر شویم!

نویسنده: سلام استاد

دوشنبه 26 اسفند1387 ساعت: 23:18

سلام استاد
ببخشید یه سوال فنی داشتم. می خواستم بدونم اگر یک کتاب در قطع وزیری، با جلد رنگی چاپ بشه ما به تفاوتش با حالتی که همون کتاب با جلد سیاه و سفید چاپ بشه چند تومن هست؟ یعنی تفاوت قیمت چاپ رنگی با سیاه و سفید برای یک جلد در قطع وزیری چقدره؟
خدا سایتونو از سر ما کم نکنه

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 1:51

آقای سلام. قریب صد هزار تومان به صورت حساب افزوده می شود. یعنی هزینه ی کتاب با جلد یک رنگ هرچه باشد، در صورتی که جلد آن را رنگی کنید، صد هزار تومان بر مخارج آن اضافه می شود.

آقای آیدین یاشار. مورد اول شما شعار است و در مورد دوم هم آستین بالا بزنید و آثار موزه ای غیر کاغذی عثمانیان را ارائه دهید.

آقای سجاد. هر راه درازی، اگر قدم در آن بگذاری زمانی شما را به مقصد می رساند، اما در بی حرکتی امید به وصول نیست.

آقای بجانی. طوری حرف می زنید که گویا در آن نبرد شرکت داشته اید. فراموش نکنید که ما هم نه فقط انوشیروان عادل قلابی، بل سایه ای به نام آغا محمد خان قاجار داریم که جز بر پشت اسب و تاخت و تاز از کرمان تا اردبیل کار دیگری نداشته است.

آقای رضا. این مباحث نو با مقاومت مردم معمول رو به رو نیست، آن ها با دیدن تختگاه هیچ کس بدون مجامله نیمه ساخت بودن آن را می پذیرند، عناد را کسی می ورزد که پیش از این چند کتاب در باب تخت جمشید پر شکوه نوشته است.

نویسنده: یکی

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 2:40

سلام
اولا که گفتم پارچه سیاه چادر زنان ایرانی از کره میاد. این رو در هفته نامه پنجشنبه ها خونده بودم که فکر کنم به همین دلیل هم تعطیل شد سالها پیش که من باز هم بچه بودم! و مال دختر یه آدم معروف احتمالا آیت الله طالقانی چاپ می کرد و فکر کنم سر این موضوع و نظایر اون تعطیل شد. یعنی احتمال اصلی اینه که معامله ردیف شد!
این آدم فرهنگی کیه؟ ما به تفاوت!

گفتم که گیر دادیدن به ترکا! از جهودا خلاص بشین ترکا ول کن نیستن! این همه به کنیسه تف بار کردین یه کدوم نیومد حرف بزنه جز موشه داوید اونهم 2 بار! اما ترکا اصلا براشون مهم نیست که قهرمانشون بابک، خرم دین باشه! یکی نیست بگه این چه جور قهرمانیه که اسم دینش عربیه؟! خرم + دین.
راستی بگین که اصلا فارماکولوژی علم نیست تا همه راحت بشند!به خصوص که من هیچ ارتباطی پیدا نکردم بین مطلب و مثال! از نظر ادبی می شه تشبیه بدون ادات و حروف و خود تشبیه!

آیا دلیلی دارید که زن نوح سوار کشتی شده؟ در اینصورت اوضاع من خیلی خراب میشه ها! یعنی کلا باید ویندوز عوض کنم! اما همین طوری هم در مورد اون و نه اون، خراب هستم.بعضی چیزا جور نمی شه و یه چیز دیگه از ذهنم پرید.

یادم رفت بگم طرف تشنه و گشنه اومد رستوران! منو دعوت کرد رفتم رستوران خودم.
دیر وقت نبود می زنگیدم.
همون طور که دقت نکردید، این نوشته فقط اولا بود و دوما نداشت! چون الا 2009 ه.
بای.

نویسنده: محمود بجانی

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 7:45

استاد عزیز - جسارت مرا می بخشید
خوب صحبت از قره باغ دقیقا مثل تیغه ای دو لبه است که یک لبه اش مظلوم نمایی آذربایجانیها و متهم کردن ارامنه و دعوت به خونخواهی و جنگ با ارامنه بوده و لبه دیگرش صحبت از نسل کشی است ! شما قطعا بهتر از من از این واژه در دنیای انسانی خبر دارید وقتی پای نسل کشی در میان است نه جهود که انسان مسخ شده به خونخواهی یک پدر یا مادر یا برادر

و خواهر و یا یک عقیده متعصبانه بر می خیزد که همه این نوه نسل کشی ها انسان را از حیطه اعتدلالی که خداوند در قرآن بدان امر می فرماید دور می کند :
و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا - اعدلوا هو اقرب للتقوی
تا جایی که رهبری یک پیامبر در میان است کما اینکه بود به این آیه عمل شده ولی وقتی جریان کار در دست سیاستمدار قرار می گیرد به هیچ وچه به این کلام باریتعالی عمل نکرده است و هرجا که رفته یا از این ور افتاده یا از سوی دیگر...
احساس می کنم شما به دلیل آن دشمنی به حقی که با جهود پلید دارید کشتن بیگناهان فلسطینی را اصیل ولی کشتار سبعانه ارمنی ها را در قره باغی که جلوی چشم ما - نه رسانه ها ست - قلابی می خوانید و این به زعم من تعدیل شدنی است چه شما را عمیقتر از این حرفها یافته ایم .

نویسنده: آیدین یاشار

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 20:7

سلام بر استاد عزیز و همه دوستان
انتقادات من ریشه مخرب ندارد و صرفا از موضع یادگیری فعالانه است. در خصوص مسائل قومی یک سوال کلیدی هنوز از سوی شما بی پاسخ مانده است. اگر به فرض، اکثریت روشنفکران این کشور نظریات شما را تصدیق نمودند، آیا موضع شما این است که آموزش در این کشور باید به زبان عربی باشد؟ اگر چنین است لطفا آن را صراحتا اعلام بفرمائید. اگر چنین نیست، آیا موضع شما این است که آموزش باید برای تمام اقوام به زبان فارسی باشد؟ گمان نمیکنم شما چنین موضعی داشته باشید و اگر داشته باشید مایلیم آن را صراحتا بشنویم. اما اگر موضع شما چنین باشد که اقوام مختلف به زبان خودشان تحصیل کنند و زبان عربی را هم به عنوان زبان قرآن و هویت اسلامی یاد بگیرند، در آن صورت شما تبدیل به یک آیدین یاشار تمام عیار میشوید که اظهاراتش را شعار خوانده اید. از تصدیع اوقات معذرت میخواهم و جویای نظر شما هستم.

نویسنده: فرشته

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 17:42

سلام استاد ، استاد الان که وارد بحث روم شدیم میشه درباره مارکوپولو و اینکه ایا چنین شخصی واقعی بوده یا نه بحث کنین
ممنون و سال نو تون مبارک

نویسنده: بهروز

پنجشنبه 3 اردیبهشت1388 ساعت: 23:58

خانم فرشته من هم تو کارتوني که 10 سال پيش از شبکه دو پخش مي شد خيلي منتظر شدم تا مارکوپولو از ايران رد بشه ولي گويا جاده ابريشم از بالاي خزر رد مي شد . شايد هم آنزمان سانسور شد اون قسمتش

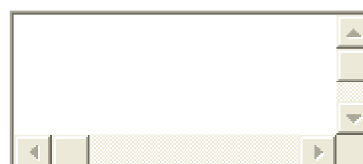
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 207

ایران شناسی بدون دروغ، 207، نتیجه، 15، جمعیت شناسی تاریخی با نگاهی به قوم ترک - 63 نظر

نویسنده: حسن

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 11:9

با سلام حضور استاد عزیز .بهر حال واز ازمنه قدیم اقوام سامی در این منطقه می زیسته اند.ایا با توجه به ورود مهاجرین اروپایی ومتدرجا اختلاط صورت گرفته.متشکرم

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 11:37

آقای رحمانی. دوستان شما را دعای خیر می کنند. اشتباهی صورت نگرفته و آن حساب در اختیار انتشارات است. امیدوارم در طول تعطیلات دموی مستند طوفان نوح بر روی سایت ها قرار گیرد.

نویسنده: سلام استاد

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 11:55

سلام استاد
خیلی منت گذاشتید. با این حساب اگر درست فهمیده باشم، اگر کتابی در قطع وزیری، 2000 نسخه تیزاژ داشته باشد، تفاوت چاپ رنگی جلد با چاپ تک رنگ، به ازای هر کتاب 50 تومان می شود، یعنی مثلا کتاب با جلد تک رنگ 3450 تومان و با جلد رنگی 3500 تومان می شود.

نویسنده: آمون

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 8:27

سلام

اولا 207 در آمون ثبت شد و دوما استاد گرامی اشتباهی نوشته اید بی دروغ و نقاب 206 ! البته من آن را در آمون همان 207 با

کردم.

دقت کنید که عکس یکی به آخر هم در 206 بهتر شده است.

amun.blogfa.com

نویسنده: توحید

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 10:22

سلام

استاد ، باید بگویم که با خواندن این مطلب شکه شده ام . سبحان الله . خداوند شما را از دست دشمنان آگاهي انسانها که تنها به زندگي دنيوي حريصند و جز متامع خود چيز ديگري را تصور نمي كنند در امان بدارد . يكجا كسي گفته بود مانند پورپيرار هر يك قرن يكبار ظهور مي كند همانجا گفته بودم كه استاد پورپيرار پيامبر نيست ولي پس از پيامبران بزرگترين راهنماي بشريت بوده است .

به عرضتان مي رسانم كه بنده ، با تاسي از شما ، به نتايجي در زمينه قرآن رسيده ام كه جنبه علمي آن است كه جاي شگفتي است . به خواست خدا پس از يكي دو روز كه به جمع بندي رسيد ، آنرا خدمتتان اي ميل مي كنم تا نظر بدهيد . هر چند در حد نظريه است ولي فكر مي كنم ارزش بيان و يا لا اقل پي گيري آن را داشته باشد .

موفق باشید .

نویسنده: ایلدیر

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 14:54

ترکان ایران وعراق و آناطولی و قفقاز(آذربایجانی و کوموک و نوقا وبالکار و قاراچای) نژادن خاورمیانه ای هستند و ترکان ترکستان (اویغور و کازاخ و ازبک و قیرقیز و ترکمن) نژادن مخلوطی از سفید پوست و زرد پوست میباشند. اسکلت های تورفان در ترکستان شرقی و مومیایی های پازوریک سفید پوست میباشند. احتمالا اجداد بومیان ترکستان در اثر آمیزش با اقوام شرقی تر نظیر مغول ها و چینی ها دگرگون شده اند. وگرنه اهالی بلغارستان ومجارستان واکراین وبخش بزرگی از بالکان که از اعقاب خزر ها وآوار ها وکومانها پچنک ها و...هستند می بایستی زرد پوست ویا حداقل مثل اهالی ترکستان دورگه میبودند. باشقیر ها ونیز تاتار های ولگا و کریمه هم زرد پوست نیستند. در ضمن اجداد آقای اردوغان گرجی تشریف دارند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 15:18

آقای توحید. مبالغه درباره ی اشخاص موجب فساد است. لااقل حقیر جز بنده ی ناچیز خدا نیستم. منتظر ارسال کارتان می مانم.

آقای ایلماز. هنوز هم استفاده از المنجد دو جلدی از همه سهل تر است.

آقای ایلدیر. تقسیم بندی دشواری است و الگوهای آن مشخص نیست.

نویسنده: احمد

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 17:12

آقای پورپیرار تو عکس سیاستمداران ترکیه خانم دست راستی که خیلی شبیه ترکها و مغولهاست و تو عکس زنان مغول نفر اول شبیه اروپایی هاست!

نویسنده: سرباز

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 19:2

فرا رسیدن چهارشنبه سوری، یکی از کودکانه ترین مظاهر فریب، حماقت و خسران بر تمام بنیان اندیشان تسلیت باد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 19:12

آقای احمد. اشکالی در این نیست که شما دختر ردیف اول را اروپایی و یا خانم سیاستمدار ترکیه را مغولی شناسایی کنید، اشکال در این است که استثنائ را به جای قاعده بگیرید!

آقای خرمی. به دو دلیل نمی توان فاصله ی دو برابر شدن جمعیت را بیش از صد سال گرفت. نخست این که انسان حد اکثر پس از هشتاد سالگی قدرت تولید مثلندارد و بعد هم اگر تا صد سال نسل دومی جایگزین نشود به معنای معدوم شدن کامل انسان است.

نویسنده: آمون

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 15:46

ایران شناسی از 201 تا 207 را در آمون دانلود کنید!

amun.blogfa.com

فایل رمز داره و زیپ هستش. سوتی ندین یهو! مشکلی بود توی وبلاگ خودم و نه اینجا پیلیز!

نویسنده: !!

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 19:33

شاید جالب باشد!!
http://www.cloob.com/profile/blog/one/username/majale_rangarang
logid/768857/redirectkey/0e9fd3522a78fc3005da7afab581e6ce/

نویسنده: سارا

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 22:8

با سلام خدمت استاد و تمامی دوستان

می خواستم از دوستانی که در زمینه ی سایت های ارایه دهنده ی فضای رایگان در اینترنت اطلاعی دارند خواهش کنم مرا راهنمایی کنند تا در چه سایت هایی می توانم یک موزیک را آپلود کنم. می خواهم سایتی باشد که دفعات از سرویس خارج شدن آن حداقل باشد.
ممنون

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 22:50

با سلام
سارا خانم سایت رپیدشر،مگا آپلود،نت لود فکر کنم برای آپلود فایل مناسب باشند!
www.rapidshare.com
www.megaupload.com
www.4shared.com
http://netload.in

نویسنده: عدنان

سه شنبه 27 اسفند1387 ساعت: 23:40

سلام استاد
خسته نباشید...خیلی جالب و غافلگیرانه بود احسنت بر شما

ضمنا با عرض پوزش به گمانم اصطلاح «تریلیون » به جای «تیلیارد» صحیح تر باشد

آقای رضا
اشتباه از ما بود شما ما را عفو کنید !...الهم صل علی محمد

نویسنده: ناصر پورپیرار، 1

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 0:58

آقای آیدین یاشار. می گویید حذف استانبول و دولت عثمانی به آسانی میسر نیست، تا معلوم شود متعصب اید، زیرا با استناداتی معادل، حذف تخت جمشید و ابنیه ی ساسانی و سلسله های متعددی از اشکانیان تا آل زیار را با شادمانی پذیرفته اید! جای دیگر می نویسید: «افشای هویت جعلی به سرکوب هویت قومی در معنای عام تبدیل شده است». این سخن نیز از قماش همان ماجراست زیرا در نزد جست و جوگر، عوارض شناخت ملاک نیست، بل الصاق با صورت واقع هر قضیه ای مطلوب و مقصد است. آقای یاشار. بنیان اندیشان مشغول ایجاد هیاهو و تبلیغ نیستند. مثلا می پرسند چه می کنید اگر معلوم شود زبان ترکی و فارسی منشاء بومی و قومی ندارد و تدارک آن ها تامین بخشی از ابزار و نیازی بوده است تا ساخت دو ملت و فرهنگ ترک و فارس به عنوان مراکزی پرچم دار تفرقه ی مذهبی در جهان اسلام میسر شود، در جای قرآن دیوان حافظ و مثنوی و درویشیگری و صوفی بازی و مولانا پرستی قرار گیرد؟ جعل و دروغ را هرچند عزیز کرده ی شما باشد، سر می برید و یا حقیقت را به مسلخ منافع قومی و فرهنگی مورد علاقه ی خویش می فرستید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار، 2

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 1:1

آیا چون روز روشن نیست که دل بستگی به مثنوی و دیوان حافظ و از این قبیل، در حالی که قرآن و زبان اش مورد رجوع نیست، ایجاد یک انحراف برنامه ریزی شده ی مشرکین در میان ماست، تا از طریق این اوراق به راستی ضاله بر خود مدال تمدن و فرهنگ و برتری قومی و زبانی ببندیم و آتش بیار معرکه ی متعفنی شویم که گردن یکی را به ضریح شفا وصل می کند و دامن آن دیگری را با چرخ زدنی حاصل تناول بنگ به پرواز در می آورد تا به اتکای این مسخرگی ها خود را خزانه دار تمام حقیقت بدانیم ؟! آیا بنیان گذاران و بالا برندگان چنین معابد و متون کفرآلوده ای را دوست و یا دشمن شناسایی کنیم؟! اگر دشمن اند پس حربه ها را از کف شان بیرون کشیم و در آغاز مسلمانانی شویم که جز قادر متعال و قرآن تکیه گاهی ندارند، چه عرب، ترک، فارس و یا اردو زبان باشیم! برای ساده کردن امر شما را می فرستم تا قطعه ای نوشته و یا نشانه ای دارای هویت و قابل دفاع از زبان فارسی و ترکی، مقدم بر پنج قرن پیش بیابید، زبان هایی چندان جدید، که برای ابراز وجود و حضور ناگزیر دست به دامان الفبای عرب شده اند! آقای یاشار. حقیقت تنها چراغ راه نمای خاموش ناشدنی در جهان است.

نویسنده: یک مسلمان

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 2:32

استاد با عرض شرمندگی باید به اطلاعتان برسانم که یا شما زبان ترکی را خوب بلد نیستید ویا قصد سوزاندن خشک و تر را باهم دارید.
جعلی بودن فارسی از تهی بودن مخزن لغاتش و نیز بی قاعده گیهای بی پایاناش بوضوح پیداست ولی توان و قدرت زبان ترکی را براحتی میتوان از دو درجه متعدی شدن افعال و توانائی ساخت فعل از اسم و شباهت گفتاری افعال با حالتهای کمی متفاوت از هم ، نشان داد و نمیتوان با توسل به عدم وجود الفبا در زبان ترکی ، آنرا زبانی نوساز معرفی کرد زیرا در جهان تعداد خطوط نوشتاری از انگشتان دست تجاوز نمیکند ولی بیش از 10000 زبان در جهان متکلم دارد . انوقت باید بگوئید 9990 زبان بدون الفبا از جعلیات یهود است .
در ضمن زبان عالمگیر و توانای انگلیسی و فرانسه نیز خط مستقلی از خود ندارند و الفبای یونانی (لاتین) را برگزیده اند پس آیا شما منکر وجود تمدن انگلیس و فرانسه میشوید؟ چون آنها هم نمیتوانند خطی از 500 سال پیش که مختص فرانسه یا انگلیس و غیره باشد به ما ارائه دهند پس آیا این زبانهای قدرتمند نیز ساخت یهودیان برای جعل تاریخ اروپا بوده اند ؟ در این صورت یهودیان از نویسندگان کتابهای 1300 جلدی ابن ندیم هم توانا تر بوده اند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 8:20

آقای یک مسلمان. زبان های کاربردی قدرتمند جهان، با قصد انتقال فرهنگ اختصاصی خود به دیگران، به استقلال خط ساخته اند، حتی اگر همانند چینی، هیروگلیف و یا خط میخی بابل و ایلام و یا آرامی و سومری و یا عبری و عربی بوده باشد. در این جا بحث از توان یا بی توانی زبان ترکی نیست، بل به نوساخته بودن آن از طریق فقدان کوشش کهن برای ابداع خطی مستقل و مخصوص، اشاره کرده ام، نیازی که حتی داریوش هخامنشی نیز به آن توجه داشت و برای القای استقلال موقت فرهنگی از خط مردم بین النهرین با تغییراتی کپی کشید، که به سبب نمایشی و بی محتوا بودن متن های آن دوام تاریخی نیاورد. به یونانی نوشتن مردم اروپا هم، خود گواهی بر نوپدید بودن تمدن و حتی حضور آن هاست، که درست مانند فارس ها و ترکان، ناگزیر غذایی آماده را بلعیده اند که تمدن کهن یونان و اسلام، برای نیاز و استفاده ی خود پخته و ساخته

بودند. مسلما هر مقدار زبان ترکی را وسیع تر و قدرتمند تر بیانگارید، ظهور آن بر زمینه ی سفید تولیدی و تمدنی سئوال برانگیزتر خواهد شد. فراموش نکنید مردم اروپا نیز، تا همین چند سده پیش، با خط پیشنهادی کلیسا برای مسیحیان، فقط انجیل قلابی و اوراد می نوشته اند و اثری از تمدن و حکمت، در آثار مقدم و نه چندان معمر آن ها نیست. بی شک به هم زدن این دیگ آش تعصب، بدون افزودن مواد مورد نیاز، مزه ی آن را تغییر نخواهد داد. موفق باشید.

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 9:46

سلام استاد عزیز
"مسلما هر مقدار زبان ترکی را وسیع تر و قدرتمند تر بیانگارید، ظهور آن بر زمینه ی سفید تولیدی و تمدنی سئوال برانگیزتر خواهد شد"
بسی میل دارم این سخن را اندکی بگشایید علامت سوالهایی زیر آن خوابیده است.

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 10:42

سلام بر استاد عزیز!
تا جایی که به یاد دارم در قرآن مقدس اشاره‌ای به خدیجه نیست. آیا می‌شود به داستان خدیجه و اموال فراوانش و سپردن آن به پیامبر و یتیم بودن فرستاده خدا در کودکی شک کرد؟

نویسنده: توحید

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 7:37

استاد این لینک هم می تواند مفید باشد :

http://www.ufo-reports.com/crop-circles.html

نویسنده: سارا

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 11:17

سلام آقای ایلماز
ممنون از لطفتان

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 11:38

با تجدید سلام
اولا در رابطه به اظهارات آقای یک مسلمان، لازم است بپرسم که چرا زبان ترکی را فاقد الفبای باستانی اعلام کرده اند. از هیچ طریقی ثابت نشده است که خط و الفبای اورخون و خط اویغوری و آثاری که به این خطوط موجود است، جعلی است.
همچنین از هیچ طریقی ثابت نشده است که زبان ترکی در منطقه ریشه قومی ندارد. با اجازه استاد، میخواهم تأکید کنم که نه تنها این مسائل ثابت نشده است، بلکه ادعای نوپدید بودن استانبول و مسجد ایاصوفیا و مسجد سلطان احمد و هزاران اثر دوره عثمانی اعم از معماری، خطی، فرهنگی و غیره نیز از دید من علاقه مند به پژوهشنهای استاد به هیچ وجه جا نیفتاده است.
نکته دیگر این که استاد ظاهرا علاقه مند به پاسخگوئی به سوال من در این خصوص که مردم ایران باید به چه زبانی تحصیل کنند، نیستند. عربی، فارسی و یا زبانهای قومی؟ اندیشمندی چون استاد پورپیرار که جسارت رویارویی با همه مباحث را کاملا دارا هستند، یقینا به دلایل دیگری نسبت به این سوال بی اعتنائی نشان میدهند. بدلائل متعدد این سوال سوالی بنیادی است. بگذارید همه چیز شفاف پیش برود. چرا این سوال را طرح نکنیم و چرا بدان پاسخ نگوئیم؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 12:30

آقای سرباز. از مطالب مفصل شما چیزی جز این یکی دستگیرم نشد که اسباب شعف فراوان بود:

1. اولا اشکال کوچک دفعه قبل را تصحیح کنم: با تولید دو فرزند در هر خانواده تعداد نفوس هر سی سال دو برابر نمی شود،

زیرا هنگامی که نسل سوم به دنیا می آید نسل اول از دنیا می رود و نرخ زاد و ولد با نرخ مرگ و میر برابری می کند و رشد جمعیت صفر است. برای اینکه هر سی سال جمعیت دو برابر شود، بایستی فرض می کردید که تعداد فرزندان در هر خانواده چهار عدد باشد. که البته این ایراد مشکلی جدی در بررسی جمعیت شناختی بار قبل شما به وجود نمی آورد و به همین خاطر از ورود به بحث در آن زمان خودداری کردم.

یعنی شما می فرمایید با مرگ نسل اول جمع نسل دوم و سوم با نسل اول برابر و در نتیجه رشد جمعیت صفر می شود، یعنی با مرگ پدر بزرگ پدر هم از فرط غصه می میرد؟!! به گمانم با زیاد خوردن عدس پلوی ارتش کار دست خودت داده ای!! شاید هم اگر عملا در سی سال گذشته جمعیت ایران دو برابر شده اضافی ها همراه باران آمده اند و نه از بطن زنان؟!!

آقای خرمی. گمانم گرز جمعیت شناسی این بار بسیار سنگین بوده و همه را به تلوتلو خوردن واداشته است. بالاتر بردن ریت تصاعد تولید، بیش از صد سال یک بار هم، کاملا غیر ممکن است، زیرا اگر کسی تا صد سالگی دارای فرزند نشود نوع خود را برای ابد منقرض کرده و بالاتر از صد سال هم کسی بچه دار نمی شود!!!

نویسنده: ساسان

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 12:57

آقای آیدین درست یا غلط، عادلانه یا ناعادلانه، فعلا یک زبان بعنوان زبان رسمی انتخاب شده و بقیه به نفع آن به حاشیه رفته یا فرستاده شدن. حتی در فرانسه هم طی پروسه پیدایش ملت و دولت - کشور جدید در قرن 18 و 19 عین این اتفاق رخ داد. حالا ما (شما یا من یا آقای پورپیرار یا حسن و تقی و ....) چکاره ایم که بگوییم کی به چه زبانی باید حرف بزنه؟ در مورد زبان ملی ولو اینکه زبان الکن یا بیخود یا مزخرفی هم باشه، این اتفاق یکبار به هنگام پیدایش دولت مدرن آمرانه (مثل رضا شاه) یا دموکراتیک (مثل اروپا) رخ داد و الان بعد از قرنی یا چند قرن در همه جای دنیا تثبیت شده است. یهود فارس را برای ایران علم کرد و ترک را برای عثمانی. حالا شما بگو غلط کرد یا خوب کرد. فعلا چیزی است که شکل گرفته و با باید و نباید این و آن هم تغییر نمی کنه.

نویسنده: محمود بجانی

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 13:0

با سلام
آقای آیدین یاشار این سوال شما هم به دسته همان مسائلی مربوط است که استاد پورپیرار محک جدی خواهد خورد .
امیدوارم جسارت و صداقت گفتار استاد در مواجهه با چنین سوالهایی بیش از پیش باشد در مقابل حقیقت همه تسلیمیم .
خیل زیاد ترکان در این وبلاگ نمی تواند استاد بزرگوار را مجبور نماید که از پاسخ شفاف به سوال آقای یاشار طفره برود.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 10:48

أقاي آيدين ياشار ، با سلام .

مي شود توضيح بدهيد كه چرا انكار حكومت عثمانيان نشدني است ولي انكار امپراطوري هخامنشيان و نيمه كاره بودن تخت جمشيد و جعلي بودن ساسانيان و اشكانيان و شاهنامه و .... شدني است ؟
آيا شما مي توانيد از اين هويتي كه براي ترك ها قائليد برايمان دليل بياوريد ؟ مثل خط مستقل ، معماري مستقل و متكامل ، تقويمي براي احصاي گذر زمان ، ادبياتي قوي و با پشتوانه ؟ آيا خطوط كتيبه اورخان تنها به كار ابراز تفاخر شاهي مي آمده است ؟ و سازنده هيچ ادبيات يا علمي نبوده است ؟ مي شود به ما بگوييد كه ملت باستاني ترك چه خدماتي در راه علم و دانش به بشر نموده است ؟ چه دانشمنداني تحويل بشريت داده است ؟ چه علمي را پايه گذاري كرده است ؟ البته اگر دانشمنداني مانند ابن سينا و خوارزمي و رازي قلابي فارسها را سراغ داريد ؟
آيا تمدن تنها در شمشير كشي و فتح بلاد است ؟
برايم هميشه جاي سوال بوده است كه چرا بعضي واژه هاي كاملا خاص بين فارسي و تركي مشترك بوده است . اين را قبول دارم كه در طول زمان تعدادي واژگان بيگانه وارد هر زبان مي شود ، ولي چه واژگاني ؟ واژگاني كه قبلا در قوم يا قبيله اي سابقه نداشته است مثلا اسامي گياهان يا حيواني خاص يا مراسمي خاص و ...
ولي جاي تعجب نيست كه مي بينيم حتي ضمير ها يا حروف ربط در زبانهاي فارسي و تركي مشترك است ؟ اگر بخواهيم از اين اشتراكات ليستي تهيه كنيم چندان هم ليست كوتاهي نخواهد بود :

ضماير : من ، او ،
حروف ربط : كه ، اگر ، و ، اما ، البته ، پس و ....
قيود : با هم ، صبح ، تازه ، و ....

آيا زباني كه چنين اركان ابتدايي و ملزوم هر زبان را وام گرفته باشد ، زباني قوي است ؟ مسلم است كه اولين واژگاني كه در يك زبان شكل مي گيرد ضمير و فعل است ، يعني براي اشاره به هم در همان ابتدا واژه اي ابداع مي شود ، آيا مي توان تصور كرد كه يك تورك زبان وقتي مي خواسته به خودش اشاره كند چند قرن معطل مانده باشد تا ضمير « من » را از زبان فارسي وام گرفته باشد ؟ آيا اگر حروف ربط را مثلا (كه ، اگر ، و ، اما و ...) از زبان خود حذف كنيد قادر به مكالمه حتي براي لحظه اي كوتاه خواهيد بود ؟

نویسنده: عدنان

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 14:23

سلام
سوالی در مورد جمعیت شناسی تاریخی از محضرتان داشتم و آن اینکه چرا جمعیت کشور مصر با داشتن تمدن سه هزار ساله بازهم آمار ان با ایران برابری میکند؟
البته قبلا اینجا در این مورد بحث هایی شده بود لکن عقل ناقص بنده نتونسته آن رو درک کند

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 14:45

آقای عدنان. این سئوالی است غول آسا و بی جواب، که شامل رشد نفوس انسان در سراسر جهان می شود.

آقای بجانی و آقای آندین یاشار. سئوالات خرد در اثر ایجاد فضای انکار و اصرار لج بازانه به پاسخ درست نمی رسد. بنا بر این در این گونه موارد باید به بنیان ها رجوع کرد. پاسخ لازم در باب ایرادات و ابهامات شما مفصلا در یادداشت 160 مضبوط است، رجوع کنید و با حوصله بخوانید. ضمنا آقای بجانی. یک زبان قدرتمند مقدمتا به یک روابط اجتماعی و اقتصادی گسترده و یا میراث دهنده ای معتبر نیازمند است که در باب زبان ترکی هیچ کدام را نمی یابیم.

آقای ساسان مطلبی را که زیرکانه با فرصت طلبی از بحث جاری ارائه می دهید در باب جعلیات جاری نیست، دروغ و جعل را باید از فرهنگ بشر حتی با ستیزه بیرون کرد.

آقای نتاب. هرچه را که قرآن به آن اشاره ندارد بی سند است و انکار و ابرام آن هر دو اعتباری ندارد. بنا بر این چنین مطالبی را برای جلوگیری از اتلاف وقت باید که حذف کرد.

آقای سلام. این محاسبه در هزینه ها درست است ولی در فروش تابع روابط دیگری است. یعنی قیمت فروش کتابی با جلد تک رنگ و جلد رنگی، لااقل دویست تومان تفاوت دارد.

نویسنده: سرباز

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 14:47

استاد محترم

اولا"، ای کاش یادداشتهای مرا نصب می کردید تا بتوانیم راحتتر صحبت کنیم. اصلا" انتظار نداشتم در یک چنین بحث فنی و مهمی با سیاست سانسور عمل کنید.

ثانیا"، حرف من کاملا" روشن است: وقتی نسل دوم به دنیا می آید یک مرحله انباشت جمعیت داریم و پس از آن تعادلی میان زاد و ولد و مرگ و میر برقرار می شود. یعنی وقتی دو نفر نسل سومی به دنیا می آیند، دو نفر نسل اول از دنیا می روند. وقتی دو نفر نسل چهارم به دنیا می آیند، دو نفر نسل دوم از دنیا می روند و به همین ترتیب میزان جمعیت ثابت می ماند. مگر آن شعار معروف کنترل جمعیت را نشنیده اید که می گوید: «بچه که عمر و نفسه، یکی خوبه دوتا بسه!»

و ثالثا" عرض کنم که علت رشد تصاعدی جمعیت در آمارهای 1.5 قرن اخیر این بوده است که خانواده ها عموما" نه به فرض شما دو بچه، بلکه تعداد بیشتری به دنیا آورده اند. آن شعار معروف کنترل جمعیت را هم برای همین رواج داده اند تا جلوی رشد تصاعدی جمعیت را بگیرند. همانگونه که قبلا" گفتم میانگین زاد و ولد در بررسی قبلی شما برای دوبرابر شدن جمعیت باید چهار فرزند باشد.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 14:52

مشکل قوم گراها و قوم دوستان ترک ما اینجاست که تا وقتی استاد پنبه تاریخ هخامنشیان و قوم فارس را می زدند، نیش مبارکشان تا بناگوش باز بود و آوای شادیشان تا ناکجاآباد بگوش می رسید اما وقتی بنیان شناسی بر مبنای رخداد پوریم تاریخ کهن و جدید ترکان را به هوا فرستاد می فرمایند: " ادعای نوپدید بودن استانبول و مسجد ایاصوفیا و مسجد سلطان احمد و هزاران اثر دوره عثمانی اعم از معماری، خطی، فرهنگی و غیره نیز از دید من علاقه مند به پژوهشهای استاد به هیچ وجه جا نیفتاده است." حالا معلوم شد که چه کسانی علاقه مند به چه نوع پژوهشهای تاریخی می باشند!!!!!!
راستش را بخواهید برای بعضی فارسگراها نیز " پژوهشهای استاد در مورد نو پدید بودن معماری ایران و اصفهان و شیراز و نو نویس بودن کتیبه های باستانی به هیچ وجه جا نیفتاده است"!!!! من فقط نمی دانم علت این همه شباهت آقای آیدین با فارسگراها چیست؟؟؟؟!!!!!!!! استاد شما می دانید؟؟؟؟؟؟!!!!!!!!!!!

نویسنده: سعید خسروی

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 15:6

با سلام به همه دوستان
یک پیشنهاد دارم اگر مقبول افتاد به آن عمل نمائیم و آن اینکه از علائم ؟ و ! فقط یکبار استفاده بکنیم.
متشکرم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 15:9

آقای سعید. در نفس نپذیرفتن و انکار آنان اشکالی نیست، مشکل آن جا بروز می کند که قادر به ارائه ی دو نمونه ی قابل تایید از آن "هزاران اثر دوره عثمانی" هم نیستند!

آقای بنیان نیاندیش. این جا سخن از ترک و فارس نیست، از توطئه ی گسترده و وسیعی می گویم که فرهنگ جهان را چنان آلوده و مسخ کرده، که جاده های جنوبی چین را هم دیواری در برابر مهاجمان مغول در شمال آن کشور شناسایی کرده اند!!! حال اگر قومی تاریخ خود را بری از این توطئه می داند و دلایل اثباتی آن را ندارد،احتمالا جز در دامن دروغ جایی برای زیست خود نمی یابد.

آقای سرباز. به راستی در آن نوشته ها مطلب وسوسه کننده ای برای استفاده ی عموم نبود تا نصب کنم الا این که فرموده بودید که انواع در حد اکثر امکانات اطراف رشد می کنند و سپس در اثر اتمام امکانات نابود می شوند. سئوال این است که بر فرض اگر حد اکثر امکانات برای تکثیر نوع بشر را، با ملاحظه ی اوضاع زمانه، بتوانیم پانزده میلیارد تصور کنیم آن گاه آثار امحا' آخرین بار این جمعیت کلان که لابد شهرهایی در مقیاس دو برابر کنونی داشته اند، کجاست؟ ضمنا این وبلاگ شعبه ی اداره ی کنترل موالید نیست و بدون لحاظ کردن این که هر خانمی چند شکم می زاید، به برآیند عمومی و آشکاری اشاره می کند که همان دو برابر شدن جمعیت در هر سی سال است. اگر در واقع امر هم تشخیص شما درست بود و جمعیت جهان ثابت می ماند، لااقل بودجه ی سرشماری های ادواری را پس انداز می کردیم و مثلا در هر ده سال بیانیه می دادیم که تعدادمان همان است که بود!

نویسنده: احسان

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 19:21

با سلام خدمت استاد گرامی

از کجا میدانید که قرآن تحریف نشده ؟ دشمنان اسلام که به فرمایش شما تاکنون از هیچ شیطنت و کثافتکاری برای منحرف کردن مسلمانان دریغ نداشته اند، چگونه است که نتوانسته اند قرآن را دستکاری کنند؟ مگر به صرف یک آیه ((انّا لَه لحافظون)) میتوان مطمئن شد که قرآن بی کم و کاست به ما رسیده؟
ازکجا معلوم که قرآن به راستی مربوط به 1400 سال قبل و قرن هفتم میلادی باشد؟
شما که بهتر میدانید این تاریخگذاریها همگی مشکوک و جعلی هستند و همه ی آنها را یهودساخته میدانید، چگونه این یکی را قبول دارید؟
وانگهی اگر به راستی قرآن زبان عربی 1400 سال قبل است، چطور عرب زبانان امروز آن را متوجّه میشوند؟ یا قرآن جدید است یا زبان عرب در این همه مدّت تغییر نکرده !
خیلی مشتاقم نظر شما را بدانم . راهنمایی ام کنید تا آگاهانه و نه متعصّبانه به قرآن ایمان بیاورم. چه کنم جز شما کس دیگری نمیشناسم !

نویسنده: یوسف

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 20:49

سلام استاد لطفا افاضات حاج شیخ اشکوری رو در مورد چهارشنبه سورس بخونید و بخندید!!!!!

وب سایت

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 18:27

سلام
حالا بیایید و به ترکا حالی کنید که اونها هم مثل فارسها هستند و همه مونو گذاشتن سر کار و فقط در نخوه سرکار گذاشته شدن فرق می فوکولون!
اما من دارم حال می کنم. ببینید چی گیرم اومده:

ساعت ۱۵ و ۱۳ دقیقه و ۳۹ ثانیه روز جمعه ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ هجری شمسی مطابق با ۲۲ ربیع الاول ۱۴۳۰ هجری قمری- ۲۰ مارس ۲۰۰۹ میلادی

خوب تا اینجاش شاید عادی باشه ، اما یک مساله جالب توش هست البته اگر اشتباه نکرده باشم و آن هم اینه که کلی عدد ۳ در این روز و لحظه سال تحویل هست . یکمی که بیشتر دقت کنیم اینجوری میشه:
ساعت ۳ و ۱۳ دقیقه، روز ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ هجری شمسی
۲۲ ربیع الاول (ماه سوم هجری قمری) سال ۱۴۳۰ هجری قمری
۲۰ مارس (ماه سوم میلادی) سال ۲۰۰۹ میلادی
هفتا عدد ۳ توی تحویل سال امسال هست. شاید این یجور هفت سین باشه !
امسال هم که سال گاو، گاو هم که ۳ حرفیه!

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 18:54

http://www.cloob.com/
profile/memoirs/one/username/soheyl1360/memid/169660/
redirectkey/cc666ffa8992ec1dbb2f12118e0b3b73
شریعتی رو ببینید!
معلوم نیست چرا عکسهای خصوصیشو ریختن تو جوب؟

لینک سمند 1 میلیون دلاری رو فرستادم نه؟
http://www.cloob.com/
profile/memoirs/one/username/miladmariya/memid/175010/
redirectkey/a62137ead4646fd65c575ca7354d3fda

نویسنده: آیدین یاشار

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 22:53

با تجدید سلام
من در خصوص اظهارات ساسان عزیز مایل به یادآوری این نکته هستم که اولا در فرانسه زبانهائی که به نفع زبان فرانسه سرکوب شدند، از آن درجه اهمیت کمی و کیفی برخوردار نبودند که زبان ترکی در ایران است. عزیز من، ایران دومین کشور ترک زبان دنیاست و پایتخت آن نیز بعد از استانبول دومین شهر ترک زبان دنیاست.
اگر مقایسه منصفانه ای مطرح است، شما باید ایران را نه با فرانسه، که با سویس و کانادا مقایسه میکردید.حتی مقایسه با افغانستان هم به حل مسأله کمک میکند که امروزه شاهد شکل گیری نوعی برابری حقوقی زبانها در آن هستیم.
در ثانی رضاشاه فقط زبان فارسی را رسمی نکرد، او ایدئولوژی آریائی را هم رسمی کرد که افشا و الغای آن موضوع پژوهشهای استاد پورپیرار را تشکیل میدهد. آیا باید آن را هم صرفا بدلیل این که توسط رضاشاه پایه گذاری شده است بپذیریم؟ پیشنهاد میکنم قدری منصف تر باشیم.
من زبان فارسی را زبان فرمایشی نمیدانم و معتقد به ریشه قومی آن در ایران و خارج از ایران هستم، اما معتقدم که برای تقویت انسجام ملی و اسلامی باید سایر زبانهای کشور نیز از حقوق برابر برخوردار بوده و هویت اسلامی ما نیز با آن کاملا گره بخورد.
ضمنا مایلم اگر استاد نیز معتقد به مطلقیت زبان فارسی در نظام تحصیلی هستند، صراحتا از زبان خودشان بشنویم. این یک تقاضای غیر عادی نیست.

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 23:32

با سلام خدمت همگی

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
به یاد پوریم زدگان و رخداد پلید و ویرانگر پوریم و به امید شناخت کامل پوریم و مشرکان پوریم ساز

استاد خستگی ناپذیر نمی دانم چرا بعضی ها اینجا خود را رهبر و یا نماینده ملتی فرض می کنند ، در حالیکه آن ملت اصلا آنها را نمی شناسد، عجیب است آیا این نوع برخورد توهین به آن ملت نیست؟
و در محیطی مجازی با اسامی مجازی تر ،،، با زشتی مسئولانه اظهار نمایندگی ملتی را می کنند که رئیس یک مملکت موقع دیدار از مملکتی دیگر چنین زشتی به خود نمی گیرد
آیا داشتن مدعیانی این چنینی بهترین دلیل برای نداشتن هیچ نوع دفاع ملی از سوی آن ملت تلقی نمی شود؟!
افرادی موظف که فقط و فقط برای هدایت جریان اینجا حضور دارند و یکی مدعی خرمن خرمن کتاب خوانی است یکی پس از سالیان سال از انقراض دایناسورها و اژدهاها ، ادعای اژدهایی می کند یکی روزی یک جزء قرآن می خواند یکی خدای رحمان را می پرستد یکی زبان دوست است یکی قوم دوست است یکی کدخدامنش است ... همه به شدت طرفدار و حامی هم ...
استاد این پرسندگان مثلا سوالهای مهم از شما، که وقتی نکته ای می یابند که می توانند با آن ذهن چند ناآشنا به مطالب شما را مغشوش کنند ، به سرمستی می افتند و پایکوبان به دور آن می چرخند !
چرا هزاران سوال بنیانی از سوی شما را از مخالفان نمی پرسند ؟ و هزار البته که در محیط مجازی ادعا می کنند که می پرسند!؟

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 23:33

و چرا صبر نمی کنند تا بحث ها به سرانجام برسد بعد اگر سوالی داشتند بگویند چرا بهانه جویی می کنند
اگر همه چیز برای اینان مسلم است و دائما دم از مسلم است که مسلم است که مسلم است که ... می زنند ، و دارای سبک هستند و طریق سلوک می دانند چرا به قوم ادعایی خود که خود را نماینده آن می دانند یاد نمی دهند چرا فضل خود را پنهان می کنند
چرا از یک جواب پر مغز شما دلیل بیشتر جهت شکافتن موضوع می خواهند اما خروار خروار دروغ را بی هیچ سوالی پذیرفته اند و مسلم است که مسلم است که ... می کنند

وقتی عده ای اینجا به راحتی فریب اینها را می خورند آنهم بعد از آشنایی با استاد خستگی ناپذیر و آشکار شدن حقیقت پس چرا باید مسلمین دوران گذشته را سرزنش کنیم و خود را بهتر بدانیم!

"و اگر نبود، روشنگریهای استاد کامل، ما هم در بهترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم!!! چنانکه اینهمه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند؟!

با تشکر فراوان

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 20:56

سلام
شیطان به شما عید رو تبریک می گه!
این هم عیدی شما!
البت می دونم که میگین: 2 زارم نمی ارزه! اما فکر نکنم بتونید بگید که همه ش کشکه!

http://www.niksalehi.com/public/khabar/353_435.jpg

نه ؟!!

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 28 اسفند1387 ساعت: 20:56

نشریه ایران دخت به مدیرمسئولی فرزند مهدی کروبی اقدام به انتشار شجره نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی نموده است.

این شجره نامه از یک سو به حاج هاشم بهرمانی و از سوی دیگر به آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی می رسد.

هاشمی از 5 فرزند خود 12 نوه دارد.

همسر هاشمی رفسنجانی نوه آیت الله سید احمد طباطبایی است.

هاشمی هم یکی از 8 فرزند حاج میرزا علی هاشمی است.

نویسنده: ساسان

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 0:30

آقای پورپیرار در مورد جعلیات دقیقا همانطور است که فرمودید. بنده هیچ چیز را زیرکانه و با فرصت طلبی بیان نکردم. امر واقع بود که با زبان واقع به عرض رسید. یا حداقل به نظر بنده امر واقع می نماید.

نویسنده: فرشته

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 1:3

سلام استاد ، استاد الان که وارد بحث روم شدیم میشه درباره مارکوپولو و اینکه ایا چنین شخصی واقعی بوده یا نه بحث کنین
ممنون و سال نو تون مبارک

نویسنده: یکی

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 1:14

دادا یوزارسیف. این لینکت که کار نمی کنه نور چشم عزیز بابا مامان رو !

(اگر این طور بره پیش، می شم استاد ادبیات پارسه)

و استاد گرانقدر. شما چرا همه چی رو تایید می کنید؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 1:41

آقای یکی. تکذیب می شود.

خانم فرشته. مارکوپولو هم مانند ناصر خسرو و ابن بطوطه و ابن خلدون و چند ابن دروغ دیگر اختراعی برای پر کردن رد پای جنایت پوریم و انباشتن ایران از انواع داد و ستد و نقل و انتقال بار است، اما اگر آدرس خرابه ی بازارها و کاروان سراهای عهد مارکوپولو در 700 سال پیش را بخواهید، سگرمه های شان را درهم می کشند و فحش می دهند.

آقای یه نفر. مسلما اگر شما هم شجره نامه منتشر کنید کوتاه تر از مال او نخواهد شد، حتی اگر از زمان تشرف به دین اسلام آغاز کنید. شجره نامه داشتن هم شد کرامت؟! مگر دیگران از زیر بته به عمل آمده اند و مگر انتساب به مردگان دو قرن قبل که خدا می داند چه گونه خصائلی داشته اند موجب افتخار است. حالا بگذرید از فرزندان کورش و داریوش... در ضمن وفور عدد سه در ارقام تقویمی امسال احتمالا موجب سه شدن همه چیز در سال جدید خواهد شد؟!

آقای س. ق. از سرطان هم بدتر و وسیله ای شده است برای سرکیسه کردن مردم بی خبر از همه جا.

آقای رحمانی. مطالب و مباحث کلان سرگیجه می آورد و اشتباه می کنند اگر کسانی در همین حالت بی تعادلی نخستین، بلافاصله ردیه و یا دفاعیه می نویسند.

آقای توحید. صلیبی شکل بودن پاره ای از نقوش گرافیکی و نیز انحصار آن به سرزمین انگلستان، مشکوک کننده است.

نویسنده: یوسف

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 9:14

افاضات حاج آقا اشکوری درمورد چهارشنبه سوری http://www.roozonline.com با فیلتر شکن http//www.bloxoff1.info ببینید

نویسنده: عزت الله

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 9:35

سالگرد وقوع نسل کشی منحوس پوریم را به اولین بازگوکننده آن (آقای ناصر پورپیرار) وبعد همه جهان تسلیت می گویم.

نویسنده: سعید خسروی

پنجشنبه 29 اسفند1387 ساعت: 11:46

جناب آقای پورپیرار و دوستان عزیز با سلام و درود
- از تمام دوستان خصوصا همزبانان ترک خودم میخواهم صبر کنیم تا آخر بحث، اگر قانع کننده بود بپذیریم، تا اینجا که تقریباً ادعاهای آقای پورپیرار قانع کننده بود و من تا به حال جواب درست و قانع کننده ای در رد ادعاهای ایشان بدست نیاوردم.
(البته جسارتاً این دلیل نمی شود که هر چه ایشان می گوید بی کم و کاست صحیح باشد)
در ضمن یادمان نرود همه ما مسلمانیم و تعصب قومی موجب تفرقه می شود و تنها دلیل افتخار واقعی ما قرآن است که سخت به تعصبات قومی و قبیله ای تاخته است.

- جناب پورپیرار در یادداشت 207 اگر به نفر وسطی عکس سوم که به تیتو مشابهت داده بودید ریش و سبیل بگذاریم می شود نفر وسطی عکس دوم که دستش در جیبش هست. اینطور نیست؟

- لینک زیر هم جالب هست :
http://www.youtube.com/watch?v=eOP2Dtutgb8

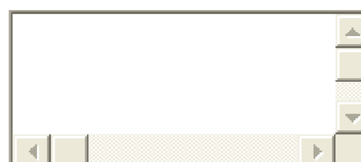


نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 208

ایران شناسی 209

ایران شناسی بدون دروغ 209، نتیجه، 17، درباره ی منابع زبان فارسی، 65 - 2
نظر

نویسنده: خواننده سایت شما

یکشنبه 30 فروردین1388 ساعت: 23:40

با سلام .آیا نمی توان این گونه توجیح کرد که این پاپیروس ها دست خط مغازه دار و کاسب کار ها هست و نه عالمان و ادیبان . همانطور که خط یک بقال در همین زمان با خط نویسندگان و غیره فرق دارد (از نظر خوش نویسی) چرا که بعضی افراد در همین 100 سال گذشته به مکتب میرفتند تا سوادی پیداکنند اما عده ای برای پیشرفت علمی و ادامه کسب علم ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 30 فروردین1388 ساعت: 23:48

آقای خواننده. از آن جا که صورت و خطوط چند هزار لت نوشته ی بر پاپیروس و پوست که در میان آن ها بسیاری متن قرآن نیز یافت می شود از قبیل همین نمونه ای است که می بینید، بر مبنای خیال شما ناگزیریم گمان کنیم که در قرون اولیه ی اسلامی فقط بقالان و بی سوادان و بد خطان قلم بر می داشته اند!!! راستی از آن همه مطلب در این یادداشت تعیین کننده تنها همین ایراد بنی اسراییلی را برداشت کرده ای؟!!

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 1:17

استاد گرانقدر ضمن خسته نباشید و ارزوی سلامتی حضرتعالی
اگر امکان دارد هر چه زودتر وارد مقوله زبان ترکی شوید زیرا برای من اصلا قابل باور نیست که این زبان هم همانند فارسی قلابی باشد . شما را به خدا مرا به عصبیت قومی و تورک پرستی متهم نکنید، زیرا اگر یهودیان شعورشان در حد خلق زبان تورکی بوده پس چرا سعی در گسترش زبان فارسی با اینهمه ضعف و نقص را داشته اند؟
ایا نمیتوانستند تورکی را جایگزین آن کنند؟
اگر در زمان عثمانیان تلاش یهودیان در ترویج زبان فارسی را قبول کنیم ، آنوقت سئوال این است که زبان قبلی این مردم چه بوده؟
واگر فارسی توان جایگزینی زبان تورکی را نداشته وزبان تورکی هم دست ساخته یهودیان بوده در این صورت اینهمه اتلاف انرژی از سوی یهودیان چه دلیلی داشته است؟
(لطفا افرادی مثل یکی و امثالهم جوابیه صادر نکنند اگر گوش شنوا دارند.)

نویسنده: خواننده ای بی سواد

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 1:49

استاد گرامی
من در ان دو تصویری که از مسجد شیخ لطف الله داده اید هیچ وجه شباهتی نیافتم.
فکر می کنم مال دو گنبد و مسجد مختلفند.
گنبد سیاه و سفید باریکتر و دارای پنجره است و گنبد دوم پهنتر و دارای عرض بیشتری است.
لطفا دوستانباسواد توضیح بیشتری دهند قبل از این که متهم به ایرادات بنی اسرائیلی شوم.

ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 6:29

آقای خواننده. قبلا منبع عکس ها را منتشر کرده ام که همگی مسجد شیخ لطف الله معرفی شده است. اگر تفاوت هایی میان آن هاست، حاصل دست بردگی های صفویه سازان است. ضمنا پنجره ها در هر 3 عکس موجود است که در تصاویر جدید به علت زاویه ی عکاسی تمام آن ها واضح نیست.

آقای یک مسلمان. فارس و ترک که عمدتا با زبان و نه شمایل و نژاد تفکیک می شوند، ابزار امکان تقسیم مسلمانان و اسلام به شیعه و سنی اند. هنگامی که از زبان قبلی مردم صحبت می کنید معلوم است که چندان با مباحث آشنا نشده اید، کدام مردم قبلی؟!!! مستند تختگاه و طوفان نوح را ببینید و عجول نباشید.

آقای حسن. مطلب را نگرفته اید و از مرحله پرتید یک بار دیگر یادداشت ها و سه کتاب پلی بر گذشته را بخوانید.

آقای حمید رضا. کار آن آقا را دیده ام، ربطی به این مباحث ندارد.

نویسنده: naria

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 8:0

باز هم هنر چيني ها در کشیدن جاده بر کوههای سر به فلک کشیده از ترس هجوم وحشیان خیالی. استاد دست و قلمتان را از دور می بوسم.

وب سایت

نویسنده: مهران حقیقت

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 12:13

سلام

دوستان لینک زیر مربوط به عکس قدیمی از جنوب مسجد شاه اصفهان را ببینند.
آیا دیوار انتهای مزارع کشاورزی است یا باغی بوده است؟
http://www.isfahan.ir/Isfahan/Organ/Images/Main/org9623Img8763.jpg

با تشکر
مهران حقیقت

نویسنده: پیام

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 13:51

آفرین استاد - تمام تاریخ جهان را به هم زده اید. حالا دیگه باستان پرستان چه می خوان بگن. همه چیز عین روز روشن شد. من مطمئنم تا یکی دو ساله دیگه تاریخ تمام جهان در کتابها عوض می شه.

نویسنده: آیدین یاشار

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 20:14

ضمن احترام فائقی که نسبت به جناب پورپیرار دارم و خود را مدیون ایشان میدانم، اطمینان کامل دارم که این وبلاگ مکان مناسبی برای نظردهی نیست. لذا نوشته های ایشان و نظرات سایر دوستان را پیگیری میکنم.

نویسنده: سهند

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 20:33

سلام

بسیار عالی، واقعا که مستند باشکوهی است. برای اولین بار تحلیلی واقع گرایانه و منطقی از داستانی فراگیر و افسانه وار. از جناب استاد و دیگر دوستانی که تولید این مستند را بعهده داشته اند تشکر میکنم.
ولی کاش همزمان با تولید این فیلم، زیرنویس انگلیسی و بویژه عربی و حتی ترکی آن نیز به نسخه هایی از فیلم افزوده میشد، چرا که به نظرم این تفسیر بر وقوع طوفان نوح جزو سوالات لاینحل تاریخ بوده است که بدینوسیله حل گردیده و باید بصورت گسترده و به زبان های مختلف اطلاع رسانی گردد تا این کشف به نام خارجیان ثبت نگردد، همچنین جهانی کردن این مستند تاکید و تایید دوباره بر موثق و علمی بودن نظرات جناب پورپیرار میتواند باشد و میتواند بسیاری از خواب روندگان آریایی را بیدار کند.

استاد من سوالی نیز در مورد همین مستند داشتم. شما چندین بار تاکید بر دریا بودن مرکز ترکیه فعلی کردین، و یکی از دلایل آنرا پراکندگی متعدد دریاچه های شور در این منطقه دانسته اید و سوال من اینجاست که چرا نمک! چون اگر طبق روایات دریاپوش شدن منطقه بخاطر بارش باران بوده است، بنابراین به چه دلیلی بارش باران منجر به دریاچه بزرگی شود که شیرین نیست؟ آیا میتوان این فرض را گرفت که آب باران(دریاچه اولیه) نمکهای کوهها و منطقه را در خود حل کرده و با فروکش کردن آب این نمک در مناطق پست و همین دریاچه ها ته نشین شده است.
بعلاوه شوری دریاچه های عراق و حتی دریاچه اورمیه را چگونه توجیه کنیم. با این فرض که بعد از بارش باران حتی در بیابان آب حاصل تشکیل دریاچه ای شیرین را میدهد مگر اینکه منطقه شوره زار باشد.
سوال دومم از همه دوستان میباشد: آیا داستان نوح فقط در منطقه خاورمیانه و باورهای مردم این منطقه بوده است و یا هندیان، چینیان، ترکان آسیای میانه، ژاپن و سرخپوستان آمریکا نیز دارای چنین باورهایی هستند.

نویسنده: س

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 20:40

با سلام
استاد عزیز ببینید این نجس ها که از هر نظر کم آورده اند به چه چیزهایی متوسل میشوند!لطفا این نظر را نصب کنید تا خوانندگان وبلاگ بهتر این لعنت شده ها را بشناسند!
((علیرضا اشتیانی
دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 19:0
((مقایسه اقای پورپیرار با ویروس: خانم امت الله: من منتظر بودم ک از شما جوابی در یافت کنم که بتوانم بیشتر دلیل انتقاد به شیوه بحث تان را که به عقیده من به نفع اقای پورپیرار می باشد توضیح دهم. من بعدا شباهت های " اندیشه" اقای پورپیرار را با ویروس خطرناک را توضیح خواهم داد که برای مبارزه با ویروس مهلک باید تکنیک مخصوص بخودش را بکار برد. برا ی اینکه این ویروس همیشه تغییر شکل می دهد.))
منظور از تغییر شکل فکر کنم همان روش تحقیق شما باشد که این ابله سر از آن در نیاورده است!! 

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 21:55

آقای س. گاهی سنگینی ضخامت سبیل توازن عقلی کسانی را برهم می زند.

آقای سهند. در ترکیه مرکزی تا ارتفاع 1800 متر آب جمع می شود، بدون این که دبی خروجی داشته باشد. 1800 متر از ارتفاع آب بسیاری از دریاها و حتی اوقیانوس های جهان بیش تر است. وقتی که این انبوه آب به ندریج و در طول چند هزاره تبخیر شود، نمک موجود در آن تقلیظ می شود و اوضاعی را پدید می آورد که در دریاچه های شمال عراق و سوریه و ارومیه و داخل ترکیه شاهدیم.

آقای توحید. غالب آن ها بدون اجازه ی کنیسه یک ریال هم خرج نمی کنند.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 22:4

با سلام
استاد این به اصطلاح مومیایی در نزدیکی یکی از روستا های منطقه ما(گلستان-گنبد کاووس) پیدا شده است! دوستانی که در آنجا حضور داشتند از آن فیلمی گرفته اند که از لینک زیر قابل دانلود است.نظر شما در باره آن چیست و آیا چیزی درباره آن شنیده اید؟!
http://rapidshare.com/files/223668832/Momiai_dar_Gonbad_Kavoos.3gp.html

نویسنده: آمون

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 19:7

آمون به روز شد.
به اعضای خبرنامه هم اطلاع داده شد.
آیا کسی مشکلی ندارد؟ با عکس ها، با وبلاگ، با استاد، با نوشته ها، با زمین، با زمان، آسمان، خودش، ...

amun.blogfa.com

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 20:45

مردی می ره پیش کشیش تا اعتراف کنه. می گه: من در زمان جنگ جهانی دوم به یک مرد در خانه خودم پناه دادم.
کشیش می گه: خوب این که گناه نیست!
مرد می گه: ولی من بهش گفتم برای هر یک هفته ای که در خانه من بمونه باید 5 دلار بپردازه.
کشیش می گه: درسته که کارت خوب نبوده، ولی تو با نیت خوبی این کار رو انجام دادی.
مرد می گه: اوه! متشکرم! خیالم راحت شد. فقط یه سوال دیگه...
کشیش می گه: بگو فرزندم.
مرد می گه: آیا باید بهش بگم که جنگ تموم شده؟

پیکانی با شماره پلاک تهران ص از چراغ قرمز رد میشه ، پلیس که غضنفر بوده آژیر کشان دنبالش می افته و پشت سرهم داد می زد : تهران صلی الله علیه و آله بزن کنار !

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 31 فروردین1388 ساعت: 20:45

آمریکاییه داشته تو رودخونه غرق میشده، هی داد میزده: help me ,hellllp! یکی از اونجا رد میشده میگه: احمق جون اگه جای کلاس زبان کلاس شنا رفته بودی الان غرق نمیشدی

-راستی فهمیدی دیشب خانه ما دزد آمد و الان دزده تو بیمارستانه؟
-نه مگه چطور شد؟
-هیچی، زنم فکر کرد، که دیر اومدم خونه!

اصفهونیه نذر می کنه اگه دانشگاه قبول بشه مادرشو پیاده بفرسته کربلا

معتاده وایساده بوده کنار خیابون به تاکسیها می گفته: عید عید یه راننده نگه می داره می گه : ما خیابونی به نام عید نداریم .معتاده می گه : ای بابا چقدر از ادم حرف می کشید منظورم سر بهاره دیگه !!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 1:32

آقای ایلماز. گند این به اصطلاح مومیایی سال پیش درآمد. قبلا نوشته بودند که در کردستان پیدا شده. قضیه چنان شور بود که میراث هم فهمید و اطلاع داد که قلابی است.

آقای یه نفر. این ها اغلب مال عهد جوانی ماست.

نویسنده: عادل

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 14:53

http://www.ganjei.com/1387/08/12/qasr-i-abu-nasr/

نویسنده: هودش

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 15:14

سلام
دموی طوفان نوح را دیدم خیلی جالب بود ولی سوالی که برام پیش اومده که چرا نوح از هر نوع حیوانی جفت آنرا به کشتی پناه داده مگر در جای دیگر دنیا حیوانات وجود نداشته اند؟ آیا این کار نوح صحت داشته و در قران وجود دارد؟

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 16:43

پروانه پور شریعتی استاد ایرانی بخش مطالعات ایران و اسلامی دانشگاه اوهایو در کتاب "افول و سقوط ساسانیان"، با عنوان فرعی "اتحاد اشکانی - ساسانی و پیروزی اعراب بر ایران" نگاه مسلط بر مطالعات ساسانی را مورد نقد قرار داده است.
نگاهی که طی بیش از هفتاد سال گذشته تحت تاثیر نظریه آرتور کریستین سن بوده است.
خانم پور شریعتی نظریه وجود یک شاهنشاهی متمرکز ساسانی را رد می کند و در گفت وگویی با بخش فارسی بی بی سی می گوید: "حکومت ساسانی شکلی شبیه به یک کنفدراسیون داشته است که نتیجه همکاری سیاسی خانواده های بزرگ اشکانی و ساسانی بوده است و خانواده های اشکانی در بر سر کار آمدن یا سقوط بیشتر پادشاهان ساسانی موثر بوده اند."
به گفته خانم پور شریعتی اوج همکاری خاندان های اشکانی و ساسانی در زمان پیروزی های ساسانیان در زمان جنگ های سی ساله با رومیان است و با تزلزل در اتحاد این خانواده ها زمان شکست ساسانیان فرا می رسد و دوره ای از تغییر و بی ثباتی حکومت ایران را فرا می گیرد. دوره ای که شاهد بر سر کار آمدن هشت پادشاه و ملکه در طی چهار سال است.
بنا بر مطالعه پروانه پور شریعتی در زمان حمله اعراب، حکومت ایران به دو بخش پارس ها و بخش شمالی تقسیم شده بود و ارتش ایران به به سه فرقه تجزیه شده بود.
خانم پور شریعتی می گوید برخی از خانواده های اشکانی متحد ساسانیان مانند خانواده بسطام و بندویه در زمان شروع حمله اعراب با رهبران عرب در ارتباط بوده اند و رهبران عرب هم در مکاتبات خود گفته اند که تنها خواهان عبور از ایران برای رسیدن به ماوراءالنهر در آسیای میانه و دستیابی به راه های بازرگانی هستند و مدعی حکومت و تاج و تخت ایران نیستند و برخی از رهبران نظامی ایران مانند رستم فرخ هرمز در جریان این مکاتبات بوده اند.

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 16:44

خانم پور شریعتی معتقد است که موفقیت اعراب در حمله به ایران نتیجه مصالحه یکی از خانواده های اشکانی با اعراب بود و ارزیابی تاریخی شاهنامه فردوسی همین نظر را تایید می کند که با سایر روایت های تاریخی تاریخ نگاران دوره اسلامی متفاوت است.
بر اساس نگاه نویسنده، شاهنامه فردوسی افزون بر اهمیت ادبی باید به عنوان یک متن تاریخی مورد بازنگری قرار گیرد.
مطالعه خانم پور شریعتی نشان می دهد که شاهنامه دارای برخی از اسنادی است که از سوی برخی از خانواده های اشکانی به عنوان منبع روایت تحولات تاریخی در اختیار فردوسی قرار گرفته است.
همچنین به گفته پروانه پور شریعتی، شاهنامه اطلاعاتی را در باره تقسیم بندی نواحی ایران در دوره ساسانی در اختیار ما

می گذارد که تا چند سال پیش هیچ اطلاع تاریخی از آن نداشتیم و اکنون مطالعات سکه شناسی جدید آن را تایید می کند.
منبع : بی بی سی فارسی

نویسنده: احد

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 18:44

با سلام
لطفا راهنمایی بفرمایید که چگونه می توان cd مستند طوفان نوح را تهیه نمود. با تشکر

نویسنده: نکته :

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 15:44

با سلام

« بنا بر اين از دهكده ديگري كه (كوچه) نام داشت و در كنار سيلاب تند و عريضي قرار گرفته بود گذشتيم و پس از يازده ساعت راه به « كنگاور » رسيديم . در آنجا چادرها در انتظار ما بود . چادر هاي ما اينبار زير درختهاي بيد دركنار حوض بزرگي زده شده بود . چون بسيار خسته بوديم و هواي آن محل بسيار لطيف بود استراحت در آن مكان برايمان لذت بخش بود .
قاليچه هايمان را در كنار اين آب راكد انداخته بودند و به ما ميوه و «چاي» دادند كه خيلي دلپسند بود . ما در مكان دلپذيري بوديم و مهتاب نور خود را بر سر ما افكنده بود ولي ناگهان صداي غورباقه ها و حمله پشه ها به ما نشان داد كه در كنار مردابي هستيم كه آبش گنديده است !!! »
(سفرنامه لايارد انگليسي -1840)

نكته : اولين بذر چاي در اين سرزمين در سال (1319ش) 1940 توسط "حاج محمدِميرزا كاشف‌السلطنه چای‌كار"كاشته شد ، پيدا كنيد سن پرتقال فروش را .

اهورا مزدا اين سرزمين را از دروغ و خشكسالي حفاظت كند .

« ابن حوقل مي نويسد : شهر هاي مشهور جبال همان است كه برشمردم يعني همدان ، روذراور ، رامن ، بروجرد ، «كرج» !!! فراونده و نهاوند .»

(صوره الارض- ابن حوقل- 367 هـ . ق)

استاد با آمدن نام شهر کرج احتمالا جاعلان تا همین 30 سال پیش هم سفرنامه جعل می کردند .

نویسنده: عمرعبدالله----زاهدان

سه شنبه 1 اردیبهشت1388 ساعت: 21:37

Lang=P&http://isna.ir/Isna/NewsView.aspx?ID=News-1321539

این را حتما بخوانید ... اظهارات یک مدیر رده بالای نظام اسلامی در جهت حفظ وحدت امت اسلام !...

می خواستم نظرات استاد پورپیرار رو جویا شم

نویسنده: reza71

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 0:12

با سلام خدمت استاد و دوستان
تصمیم دارم ابتدا مستند «طوفان نوح» و سپس مستند «تختگاه هیچ کس» را به زبان ترکی استانبولی ترجمه نمایم. به نظرتان اگر بصورت زیرنویس باشد بهتر است یا دوبله به زبان ترکی؟

ضمنا تفاوت ترکی استانبولی و آذربایجانی خیلی زیاد نیست و در صورت ترجمه به ترکی استانبولی تمام ترک زبانان(استانبولی آذربایجانی و آذربایجان ایران) می توانند عمده مطلب را متوجه شوند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 0:45

آقای عمر عبدالله. لینک ارسالی شما مربوط به فوتبال بود.

آقای نکته. وقتی در 130 سال پیش مسجد شیخ لطف الله ساخته اند، دیگر نباید از چیزی تعجب کرد.

آقای احد. به سایت www.naria.ir رجوع کنید.

آقای هودش. در قرآن گفته نشده است که از تمام نمونه های حیوانات روی زمین جفتی به کشتی برده شود.

آقای عادل. همین آغل گوسفند قصر ابونصر بوده است؟!

آقای reza71. با تشکر دریافت شد و برای کسانی نیز فرستادم. از زحمتی که برای ترجمه ی مستندها قبول کرده اید ممنونم. به تر آن که تمام امکانات را ابتدا در ترجمه سریع طوفان نوح به کار اندازید و به صورت نریشین بگویید. زیرا به خواست خدا در هفته آینده نسخه ی انگلیسی طوفان هم بر روی سایت ها قرار خواهد گرفت. تا منتظر آماده شدن متن عربی شویم.

نویسنده: به حسین محمدی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 0:55

آقا تو را به خدا دیگر این توهمات را متوقف کنید آخر با کدام مدرک و با کدامین دلیل این مطلب را نقل میفرمایید. دیگر از این همه دروغ خسته شده ایم خسته خسته خسته

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 1:14

آقای "به حسین محمدی" زود خسته نشو .... تازه ! ...زنگ تفریح هم هستش ....

نویسنده: naria

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 5:11

"آقای عمر عبدالله. لینک ارسالی شما مربوط به فوتبال بود."

ختلاف در فوتبال ایران تنها به سود اعراب است 

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 5:12

آقای reza71. تشخیص شما در مورد نریشن درست است و درست تر این است که مشورتی هم در این باب با استاد غفوری بزرگ به آدرس moji_jimi@yahoo.com داشته باشید.

آقای عابدی. ظاهرا سایت باز هم دچار اشکال شده است.

نویسنده: سرباز مسلمان

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 7:49

استاد پورپیرار اوج کار شما در کار تاریخ و باستان شناسی در تخت جمشید بوده است و همچنین مقالات ایرانشناسی شما نقطه چرخش تاریخی هستند به عنوان یک ناظر نیمه آگاه که می خواهد آگاه شود پیشنهادم این است که به عقب برنگردید البته شاید بخواهید سینوسی حرکت کنید ولی شما لگاریتمی شروع کرده بودید ... دیگر آنهایی که سخنان شما را در باب ایران شناسی پذیرفته اند ، پذیرفته اند و آنها که عناد دارند آنها به هیچ وجه هدایت نخواهند شد به سبیلی که شما می رسانید لذا برگشتن به اصفهان و زبان فارسی تلف کردن وقت است اکنون همه نیمه آگاهان می دانند که زبان فارسی در ایران آنقدر قدمت ندارد که سعدی و حافظ و عطار بپرورد و هم اصفهان آنقدر هم قدمت ندارد که هر ساله احمقان بیشماری را گرد مساجدش آورد تا پولهای بیگناهشان را سرازیر عبث کنند

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 8:50

آقای سرباز مسلمان. این نبرد تنها با حضور ژنرال هایی چون شما به نتیجه نمی رسد. سربازان عمده ترین نیرو در این کارزارند، هم آنان که در اصفهان نیز از دیدن تصویر مسجد نیمه ساخت شیخ لطف الله به خود آمده اند. تجربه ی انجام این کار کلان آموزانده است که دروغ را چون بتونی در اندیشه ی مردم این منطقه به صورت طبقه بندی شده و آرماتور پیچ بر هم انباشته اند و ضربه ی هر یادداشت پتک گونه نیز فقط ذره ای از آن را می پراند. این جا مطلب تنها در حول فارس بازان و هویت و زبان شان نمی گردد، که حافظ و سعدی دروغین را در خون شان تزریق کرده اند. ترکان و کردان و لران بدون حافظ و سعدی نیز طلب کارانی بی گذشت ترند، زیرا گرچه فارس ها را متجاوز به حقوق خود می گویند، اما در عین حال از داشتن حافظ و سعدی هم به خود می بالند!!! اگر دروغ از همه سو محاصره نشود و راه گریزی برای آن بازگذاریم، با بهانه های یهودی، تمامی این سعی ده ساله را به باد خواهند داد. حالا دیگر می دانم که نهال تردید در پوشالی و پوک بودن داستان های تاریخی و فرهنگی و مذهبی در میان خردمندان این منطقه جوانه زده و نباید آن را از آبیاری و تغذیه متنوع و پیاپی محروم کرد، زیرا هر یادداشتی شکاف کوچک دیگر در گوشه ی دیگر این سد محافظ دروغ ایجاد می کند و اگر از فرود ضربه خسته نشویم به زودی و به خواست خدا فرو خواهد ریخت. چنان که شاهد بوده اید دو مستند تختگاه و طوفان چه گونه ارکان تعصب در فارس و ترک پرستان را به لرزه درآورد. حوصله کنید به خواست خدا حرف های تعیین کننده ای در راه است.

نویسنده: سعیدی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:27

آقای کوروش کمالی سروستانی دیروز در شبکه جام جم صدا و سیما به مناسبت مراسم بزرگداشت سعدی نطق فراوان می کرد و از جمله از روند ناشایست سعدی ستیزی سخن گفت!!!

نویسنده: سعیدی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:28

(جام جم آنلاین)
بزرگداشت روز سعدي در شيراز
همزمان با اول ارديبهشت،روز بزرگداشت شيخ اجل سعدي شيرازي درمراسمي آرامگاه اين شاعر پارسي گو و استاد سخن با حضور اصحاب انديشه و دوستداران او گلباران شد. به گزارش واحد مركزي خبر ، در اين مراسم سعدي شناسان و سعدي پژوهان با نثار گل و قرائت فاتحه بر مزار استاد سخن سعدي شيرازي ياد روز اين شاعر نامي را گرامي داشتند. اول ارديبهشت ماه را روز بزرگداشت سعدي نام نهاده اند تا فرصتي براي تأمل هرچه كوتاه و گذرا بر احوال اين چهره ماندگار ادبيات ايران و جهان و شناخت بيشتر افكار و انديشه هاي ناب او باشد. امروز را بنام شاعري بزرگ نام نهاده اند كه عطر كلامش در غزليات و توانمنديش در نثر گلستان و نظم بوستان تنها گوشه اي از هنرها و هنروري اش است. آثار ارزشمند به جاي مانده از اين استاد سخن حاوي حرف هاي عميق، دردمندانه و برآمده از حكمت انساني و الهي اوست و اين تنها بخشي از دلايل بزرگي اوست. اول ارديبهشت ماه هر سال از سوي بنياد فارس شناسي در تقويم ملي ايرانيان ياد روز سعدي نام گرفته و هر سال به اين مناسبت برنامه هاي فرهنگي در شيراز و ساير شهرهاي ايران و برخي مناطق جهان برگزار مي شود. همچنين برنامه هاي ياد روز سعدي هر سال به يكي از جنبه هاي تحليل موضوعي آثار و شخصيت استاد سخن مي پردازد وامسال اين برنامه ها در قالب بررسي و پژوهشگري در بوستان ترتيب يافته است.

نویسنده: سعیدی 1

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:31

(خبرگزاری ایسکا نیوز)
سازمان جاسوسی آمریکا اعضای القاعده را با آب شکنجه می کرد
بر اساس اسناد و اطلاعات برجای مانده در وزارت دادگستری آمریکا بسیاری از اعضای القاعده و مظنونان عملیات یازده سپتامبر توسط ماموران سیا با استفاده از روش حس خفگی در آب (واتر بوردینگ)شکنجه می شدند . به گزارش روز سه شنبه بخش انگلیسی گروه بین الملل باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران"ایسکانیوز" به نقل ازخبرگزاری ترکیه، اسناد و اطلاعات محرمانه در وزارت دادگستری آمریکا فاش کرد که اعضاء القاعده که از مظنونان 11 سپتامبر هم هستند با روش واتر بوردینگ (حس خفگی در آب) شکنجه شدند. این خبرگزاری افزود: شکنجه به روش واتر بوردینگ حس خفگی در آب را به انسان القا می کند. در همین حال فاش شد که سازمان جاسوسی آمریکا، بر روی 2 زندانی مظنون به عضویت در القاعده 266 بار از روش واتر بوردینگ که حس خفگی در آب را به انسان القا می کند استفاده کرده است . بر اساس اسناد ثبت شده در وزارت دادگستری آمریکا در سال 2005، بازجویان سازمان سیا، در بازجویی از ابو زبیده، مظنون به عضویت در القاعده، دست کم 83 بار از روش مذکور استفاده کرده اند. روزنامه نیویورک تایمز هم روز گذشته نوشت، در مورد خالد شیخ محمد نیز که مظنون به دست داشتن در حملات 11 سپتامبر 2001 بود، 183 بار با استفاده از این روش شکنجه شده است. با این حال جان کیربکو یکی از کارمندان سیا نیز، در مصاحبه خود با مطبوعات آمریکا در سال 1997 گفته بود، ابو زبیده بعد از اینکه فقط 35 ثانیه با استفاده از این روش مورد شکنجه قرار گرفت، شروع کرد به گفتن همه چیزهای که می دانست.

نویسنده: سعیدی 2

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:32

در عین حال مسئولین سیا، با در خواست اوباما مبنی بر آشکار شدن بازجویی های انجام شده در 30 می 2005 مخالفت کرده بودند . سال گذشته آمریکا اعلام کرد در صورت اثبات جرم، "محمد" را به اتهام جنایات جنگی به مرگ محکوم می کند. در همین حال نیویورک تایمز روز شنبه هفته جاری با استناد به اسناد محرمانه ای که به دست آورده بود نوشت، اسناد جدیدی به دست آورده که ثابت می کند مقامات بلند پایه سی آی ای حقیقتا در شکنجه متهمان به تروریست به طور مستقیم دست داشته اند. این افشاگری درست یک روز پس از این صورت گرفت که باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا پس از این که اعلام کرد دستور لغو شکنجه را صادر کرده گفت: حاضر نیست عاملین این شکنجه را محاکمه کند چرا که آن ها تنها به دستورات عمل کرده اند. این حمایت بی پرده از شکنجه گران آمریکا از سوی کسی صورت گرفت که شعار تغییر را با خود به یدک می کشد. واتربوردینگ نوعی شکنجه است که طی آن با پوشاندن صورت مظنون با پارچه و ریختن آب به مدت زیاد بر روی صورت وی، متهم را تا مرز خفگی کامل به پیش می برند

نویسنده: سعیدی 3

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:39

(جام جم آنلاین)
مرمت مسجد 500 ساله ورزنه آغاز شد
مسجد جامع ورزنه يكي از آثار مهم دوره تيموريان است كه در وسط شهر ورزنه در شرق اصفهان واقع شده است. اين اثر تاريخي كه به علل زيادي ازجمله بي‌توجهي مسئولان سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري و همچنين عبور و مرور وسايل نقليه در حال ويراني بود؛ قرار است مورد مرمت قرار گيرد. به گفته دفتر مرمت سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري استان اصفهان، مرمت مسجد 500 ساله ورزنه با اعتبار 35 ميليوني آغاز مي‌شود. درحال حاضر وضعيت اين مسجد تيموري وخيم است. به گزارش خبرگزاري ميراث فرهنگي، «فريبا خطابخش»، مدير دفتر مرمت سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري استان اصفهان با اعلام اين خبر گفت:«ذپيش از اين به علت كمبود بودجه قادر به مرمت مسجدجامع ورزنه نبوديم؛ اما در سالجاري اعتباري بالغ بر 35 ميليون تومان براي آن درنظر گرفته شده و هم اكنون مرمت اين مسجد تاريخي آغاز شده است.» مسجد جامع ورزنه يكي از آثار مهم دوره تيموريان است كه در وسط شهر ورزنه در شرق اصفهان واقع شده است. اين اثر تاريخي به علل زيادي ازجمله بي توجهي مسئولان سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري و همچنين عبور و مرور وسايل نقليه در حال ويراني است. پيش از اين گفته شده بود كه مسجد تاريخي ورزنه اعتباري نزدیک به 100 ميليون تومان نياز دارد.

نویسنده: سعیدی 4

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 11:39

خطابخش دراين‌باره گفت:« اعتبار 35 ميليوني براي مسجد ورزنه، اعتبار خوبي است. با اين پول مي‌شود بخش زيادي از مشكلات آن را حل كرد.» به گفته وي؛ با شروع مرمت مسجد اعتبارات بيشتري براي آن درنظر گرفته مي‌شود. تاكنون مكاتبات زيادي براي نجات مسجد انجام گرفته است. در پي اين مكاتبات رئيس سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري استان اصفهان نيز به محل مسجد سفر كرده و شرايط بحراني آن را از نزديك ديد. مسجد جامع ورزنه ازجمله مساجد زنده كشور است. اين مسجد بيش از 500 سال قدمت دارد و اكنون بخش‌هاي زيادي از سقف، سردر و ديوارهاي آن ترك برداشته است. اين ترك‌ها به خصوص در سردر مسجد آنقدر بزرگ است كه حتي پيشنهاد شده تا در مسجد به روز نمازگزاران نيز بسته شود تا مبادا بر اثر فروريزي سردر كسي آسيب ببيند. چندي پيش عبور يك دستگاه كاميون از كنار مسجد و برخورد آن با سردر باعث افزايش ميزان تخريب مسجدجامع ورزنه شد. از مسجد جامع ورزنه به عنوان يكي از شاهكارهاي معماري دوره تيموريان ياد مي‌شود. محراب مسجد از كاشيكاري زيبايي ساخته شده و در مجاورت آن منبري بنا شده است. دور تا دور هلال محراب با خط ثلث بر زمينه لاجوردي آيات 37 تا 41 سوره آل عمران نوشته شده و در پايان آن تاريخ 847 هـ . ق ذكر شده است. اين مسجد همچنين داراي دو ايوان است كه يكي در سمت شمال و جنب مناره و ديگري در سمت جنوب و در نزديك گنبد مسجد واقع شده است. هلال داخل ايوان جنوبي شامل كتيبه زوجي كوفي ثلث بوده، كتيبه كوفي با آن خط طلايي و كتيبه ثلث آن با خط سفيد بر زمينه لاجوردي آراسته شده است. بين دو ايوان شمالي و جنوبي حياط مربع‌شكل قرار دارد كه حوضي در ميان آن وجود دارد. همچنين در قسمت مغرب و مشرق مسجد به صورت طولي دو شبستان قرار دارد و مناره جلوي مسجد با ارتفاعي در حدود 20 متر داراي يك راه پله آجري مارپيچ براي دسترسي به قسمت بالاي آن است. در كتيبه‌هاي تاريخي سردر مسجد جامع بر زمينه لاجوردي نام شاهرخ بهادرخان و محمود ب مظفر ورزنه‌اي ملقب به عماد و نام خطاط آن سيد محمد نقاش آمده است.

نویسنده: سرباز مسلمان

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 13:23

این نبرد هم اکنون در نتیجه اش غوطه ور است وقتی امروز با یک متعصب حرف می زدم که چطور حافظی در شیرازی که قرنها بعد از وی ساخته شده ، برای شاهش شعر می گفته - گفت : باید بیشتر بخوانم !
می ترسم در تکرارها ، گام اصلی گم شود آن گامی که باید بی پرده از خیر همه چیز گذشت و حقیقت را به خالصترین شکل قابل تحمل برای انسان گفت چه بفهمد و بپذیرد و چه نفهمد و عناد ورزد

نویسنده: دوتا

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 14:50

اینهمه هیاهو در داخل برای هیچ !!؟

ادعای تازه بی‌بی‌سی درباره "دوربان2"
کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در پاسخ به این سوال که آیا نطق رئیس‌جمهوری ایران به وجهه سازمان ملل لطمه زده است گفت: این واقعیت که این سند توسط کلیه اعضا به جز 9 کشور تصویب شده پاسخ ماست، و من آن را یک موفقیت می‌خوانم.
یک رسانه انگلیسی به نقل از مقامات سازمان ملل ادعا کرد ایران بیانیه‌ای را در کنفرانس دوربان2 امضاء کرده است که محتوای آن لزوم از یاد نبردن هولوکاست می‌باشد.

به گزارش «فردا» بی‌بی‌سی به نقل از مقام‌های سازمان ملل ادعا کرد: ایران بیانیه نهایی این کنفرانس را که بر لزوم از یاد نبردن هولوکاست صحه می‌گذارد امضا کرده است!

این در حالی است که موضع رسمی مسئولین کشور در این خصوص تکذیب آمارهای غیرواقعی، سوء استفاده صهیونیست‌ها از این ماجرا و همچنین عدم توجه به نسل کشی‌های دیگری است که در طول تاریخ و تا همین اواخر در جهان رخ داده است می‌باشد.

همچنین بنگاه شایعه پراکنی انگلیس در خبری دیگر مدعی شد: ماری هوئز سخنگوی سازمان ملل گفته است که مقام‌های این سازمان بار دیگر با کمک مترجمان نطق ضبط شده آقای احمدی‌نژاد به فارسی را بررسی کردند و معلوم شد که او عبارت "مبهم و مشکوک" را از متن سخنرانی خود حذف کرده و به جای آن از عبارت "سوءاستفاده از مساله هولوکاست" استفاده کرده است.

ناوی پیلای، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در پاسخ به این سوال که آیا نطق رئیس‌جمهوری ایران به وجهه سازمان ملل لطمه زده است گفت: "این واقعیت که این سند توسط کلیه اعضا به جز 9 کشور تصویب شده پاسخ ماست، و من آن را یک موفقیت می‌خوانم."

پیلای در ادامه گفته است: "پاراگرافی که می‌گوید هولوکاست هرگز نباید فراموش شود در ... سند نهایی ظاهر شده است، و این سند توسط کلیه کشورها تصویب شد، از جمله ایران."

گفتنی است در این اجلاس برخی نمایندگان کشورهای اروپایی در اقدامی از پیش طراحی شده جلسه را هنگام سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان ترک کردند.
نظرات کاربران

نویسنده: دانستن

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 18:44

با سلام و درود بی انتها

1- درباره ی ویرانه های کوه خواجه و کتیبه های گنجنامه چه نظری دارید؟ آنها هم جعلی و کذایی هستند ؟
2- اگر چنانکه در بررسیهایتان و به درستی نشان داده اید که بیشتر نویسندگان و دانشمندان دوره ی اسلامی و آثارشان به خصوص در سه قرن نخست هجری جعلی و خیالی هستند، پس اولین اثر مکتوب اسلامی (به جز قرآن) که در اصالت آن تردیدی نداریم، از آن چه کسی است و در چه زمانی نوشته شده ؟
3- آیا ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا هم شخصیتهای خیالی هستند ؟
4- همان طور که میدانید در زبان فارسی و زبانهای اروپایی ریشه ها و واژگان یکسان بسیاری به چشم میخورند، مانند :
لب و lip در انگلیسی و labia در لاتین تندر و thunder برادر و brother پدر و padre در اسپانیایی مادر و madre در اسپانیایی و mutter در آلمانی راست و ریشه ی rect در کلمه های انگلیسی rectangle و direct همین طور ریشه ی mort در کلمه هایی مانند mortal و mortician و کلمه ی مردن

و نمونه های دیگر که شاید خیلی زیاد نباشد، اما به هر حال نمیتوان وجودشان را نادیده گرفت. این شباهتها به هیچ وجه تصادفی نیستند. چگونه آنها را توجیه میکنید ؟ زبان فارسی از کجا آمده ؟

نویسنده: احسان

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 19:21

استاد چرا در سوگ یکی از دشمنان صمیمی خود رضا فاضلی این نانژاده ی آریایی چیزی نمینویسید ؟!!!

نویسنده: س

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 20:48

علیرضا اشتیانی
چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 20:27

فعلا براب تفریح هم که شده این نوشته ناصر خان را با نوشته های اخیرش که معتقد اند که خط عرب تا بعد از حداقل 4 قرن نقطه نداشته و اولین مساجد مسلمین حد اقل 8 قرن بعد هجرت بنا شده است مقایسه کنید.

از اول باید گفته باشم که اولا" من معتقد هستم که ایشان هم مانند همه آدمی می توانند با افزایش دانش و آگاهی شان تغییر عقیده بدهند ثانیا: من جدا نمی دانم به کدام یک از این نوشته های اشکارا متضاد باور کنم. ثالثا: انتقاد من به ناصر خان در این است که وقتی این نتکه های متضاد را بهش گوشزد میدی و ازش جواب می خواهی با شتاب بهت مهر انوسی و جیره خور یهود می زنه.

متاسفانه اصل مقاله در سایت پشتیبانی اصلی اش یعنی ناریا. ای آر باز نشد ومن مجبور شدم که این تکه را از سایت " منطق اب دوغی"کپی کنم.
مسیحیت تاکنون نتوانسته بر زیربنای کهن هلنی، حتی در بسیاری از مناسک و عبادات، غلبه کند، چنان که خداوند کاهنان کنیسه و کلیسا، همچون ایزدان بلندی های المپ، صاحب فرزند و خانواده و روابط خونی و خویشاوندی شده اند و در حالی که مسلمانان چهارصد سال پس از طلوع اسلام و به دنبال پشت سر نهادن دوران دشوار همآهنگی فرهنگی و نگارشی، هندسه و طب و نجوم و ریاضیات عالی می شناختند و بیمارستان داشته اند، مسیحیان۱۲۰۰ سال پس از ظهور مسیح نیز، هنوز می کوشیدند تا با آزار مریض در کلیساها، شیطان را از بدن او اخراج کنند

نوشته شده در 28 مرداد 1385 اصل در سایت ناریا
با سلام
استاد مشکل این مرد چیه؟!میشه توضیح بدید؟!فکر کنم بازم از این جور آدما بیان!لطفا نصب کنید تا اینقدر زبان درازی نکنن و بدونن که مشکل از یه جایه دیگه ست!!

نویسنده: رعد

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 21:2

سلام. این مرتیکه , انجوی خالی بند, احتمالا بعد ازین که یک نسخه از کتابش را به پادشاه هند داده که فکر کنم از اقوام دور راج کاپور یا امیتا پاچان بوده اند, برگشته شیراز ودر ترترک ! بالای کوه بابا کوهی , سنگی را که در زیر ماتحتش گذاشته بود , که با ان پایین بیاید ترتیب ملاجش را میدهد و بعد حافظ شیرین سخن , بالای سرش میاید و میگوید : صبا اگر گذری افتدت بکشور دوست --بیار نفحه ی از گیسوی معنبر دوست. در همین لحظه انجوی با خونریزی شدید میمیرد و بار دیگر حافظ فی البداهه میگوید : اگر چه عرض هنر پیش یار بی ادبیست --زبان خموش و لیکن دهان پر ز عربیست (دیوان حافظ شیرازی /کانون معرفت /ص 37و39)

نویسنده: یکی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 17:54

دیروز اخبار 9 شب با افتخار از بزرگداشت مردی سخن می گفت که شعرش رو چپوندن به سر در سازمان ملل متحد. این بار عکسی هم از شعر نشون دادند که این قدر نگید دروغه. شعر بر روی تابلویی بود که همین دیروز بان کی مون داشت دو وجب بالاتر از تابلوی سر در ورودی اصلی رو با مته دستی سوراخ می کرد که تابلوش رو پیچ بکنه و کلی هم خوشحال بود که اون تابلو رو داشت نصب می کرد. بان کی مون گفت سعدی اون قدر بزرگه که حیفه یه کارگر بیاد دیوارو سولاخ کنه که اونو ببنده بهش.

این کورش کمالی هم البته دکترا داره و در دولتی که دکتر عوضعلی کردان باشه، اون که چیزی نیست. تازه دکتر احمدی نژاد

هم داریم که واسه سرماخوردگی قرص آکسار رو می تونه تجویز کنه. شما ها که قدر این اساتید رو نمی دونید.

حسین محمدی تو هم برو تو کار عربا. شنیدم پرسپولیس تو بازی رفت 3 تا زده و تو بازی برگشت، 5 تا خورده از عربا. اون وقت می گن تیم ملی فلان. خاله علی فلان.

راستی این دانستن کیه؟به ابوریحان و ابن سینای زیادی بزرگ ها می گه تخیلی!معلوم هست چی میگه؟ یعنی 1300 جلد کتاب جابربن حیان در آلات حرب به اندازه آلات چیز هم ارزش نداره و دروغه؟تفسیری که ابن عباس در قرن اول و حتی قبل از نزول قرآن نوشته دروغه؟
یا شیخ مفید و مخصوصا شیخ صدوق؟
شما از دین اسلام خارج شده اید. توبه کنید. حدیث داریم منکرین جابربن حیان رو تو جهنم می برن به نقطه ای بائر و بدون کشت و زرع به نام شصدخه و در اونجا تحت لیسانس جابر مجازات می شه:
قال:ان منکری الجابر یجمعون فی شصدخة و یعذبون تحت لیسانس الجابر.
قیل: این شصدخة؟
قال :من اراضی الجهنم البائرة.

نویسنده: یکی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 18:10

این واقعا واقعیه!
http://www.persian-planet.com/up/images/r1es7019mnlrnfxl73l.jpg

اگه گفتین این چیه؟ ابتکار!
http://www.100per.com/images/items/img01/item01.jpg

ممکنه شما که مثل من دهاتی نیستین لازم نباشه عکس های بعدی رو ببینید تا متوجه بشید!
پس لطفا نگاه نکنید!

http://www.narenji.ir/images/stories/authors2/aliasghar/1/faceless-watch.jpg

اگه بعد از دیدن این عکس متوجه شدید که باید بگم از پشت کوه اومدین! درست مثل من!

http://www.100per.com/images/items/img01/item02.jpg

تو ایران نیست! اگر هم بیاد مفت گرونه! من با دو تومن کارم راه می افته! این آت آشغالا چیه؟ (آت آشغال یعنی هنوز دستم بهش نرسیده!)

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 22:36

سلام استاد فرزانه و عزیز . خسته نباشید. مشکل حل شد. سرور compression را غیر فعال کرده است. گمان کنم سرعت لود شدن سایت اندکی کم شود. به هر صورت فعلا که سایت بر قرار است. و ضمن تشکر از آقای reza71 لینک های مستند تخت گاه هیچ کس به زبان انگلیسی را در این جا می گذارم.

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-English/1.DAT

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-English/2.DAT

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-English/3.DAT

http://dl.naria.ir/Movie/VCD-English/4.DAT

نویسنده: .

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 22:48

آقای احسان با عرض پوزش ، لطفا از کاه کوه نسازید !

نویسنده: یکی

چهارشنبه 2 اردیبهشت1388 ساعت: 20:13

پسر محسن رضایی که فرار کرده بود از امریکا به باباجونش خبر داده نامزد ریاست جمهوری بشه تا پدر و پسر بتونن رابطه ایران و امریکا رو ردیف کنن.
پدره هم روز تاسیس سپاه اعلام نامزدی کرده تا بگه سپاه هم با این رابطه مشکلی نداره.
احتمالا ارتش هم اعلام موافقت می کنه تا هواپیماهای ساخت ایران با فانتوم های امریکایی طاق زده بشن.
شاید احمدی نژاد اصلا اعلام نامزدی نکنه. وقتی سید حسین بیاد و سید محمد در بره، طبیعیه که وقتی محسن بیاد هم محمود در میره! چه قدر سادات هوای همو دارن.
به همین شکل یه لاریجانی دیگه میاد که رئیس اون یکی قوه بشه.
خلاصه اوضاع داره خیلی خوب میشه. نمایشگاه کتاب در پیشه و من بی پولم. بده در راه خدا. نفتی که سر سفره مونه بوی بدی داره. اون مال تو، پولشو پنجاه درصد بده به من. یا اصلا 9 دلار خدا بده برکت. ما که از ماهی 50 تومن پیف پیف مون میاد.
چه قدر این بشر از راست و راستی به دوره. دست راستشو بریده و راست رفته هدیه گذاشته در دستان شیطان.

حرفایی که اینجا می زنم کپی رایت داره و به هیچ کس اجازه انتشار اونو نمی دم. این ها جزء اموال ناریا بوده و غیر قابل فروش طبقه بندی می شود. این رو به همه شبکه ها و خبرگزاری ها و رسانه ها می گم.یکی دوباری زیرآبی رفتین صدام در نیومده.

دیگه خبری نیست الا اینکه باقی خداست و باقی فناست.

نویسنده: س

پنجشنبه 3 اردیبهشت1388 ساعت: 0:1

وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (6)
با سلام
استاد این آیات را نشانه ای برای اثبات نبوت یوسف گرفته اند!نظر شما چیست!؟



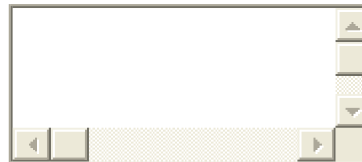
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 210

ایران شناسی بدون دروغ، 210، نتیجه، 18، درباره ی منابع زبان فارسی، 3 - 48
نظر

نویسنده: نیما

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 0:24

با سلام و خسته نباشید
لینک دانلود طوفان نوح ایراد دارد لطفا کنترل کنید

نویسنده: .

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 1:57

آقای نیما هیچ مشکلی نداشت. دانلود میشه

http://dl.naria.ir/Movie/NuhStorms-Farsi/NuhStorms.mpg

نویسنده: بجانی

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 7:15

سلام استاد عزیز
با این کارهای خود تاریخ و مخصوصا تاریخ ایران و اسلام را مدیون خود می سازید در تایید شما دیروز این نکته را به دوستی
می گفتم : من نمی دانم این صائب تبریز چطور شاعری است که می گویند از اصفهان بود ولی به سبک هندی شعر می

گفت
این یک جمله را جهود ساخته است تا بگوید از تبریز تا هند و از مسیر اصفهان شعر فارسی و تاریخ جهود ساخته اعتبار دارد.
قبل از آشنایی با نظرات ناب شما ، به دلیل این همه لغت بازیها و نغزگوییها و اشعار سبکهای مضحک فارسی به تاریخ هیچ گونه علاقه ای نداشتم زیرا می دیدم همیشه سلسله می آمد و سلسله قبلی اش را منقرض می کرد و سپس هنر پرور می شد و سرانجام یک شاهزاده لاابالی تربیت می شد تا تاج و تخت را به سلسله بعد از خود بدهد
و در این میان شاعران و هنرمندان و سخنوران و طبیبان و فیلسوفانی تقدیم تاریخ می شد که در عهد همین سلسله تربیت شده بودند .... دقیقا به خاطر همین تکرارها مشمئز می شدم ولی این را نمی دانستم و جرات نداشتم که ممکن است این همه تاریخ سازی دروغ باشد آن هم از نوع پلید آن! خداوند به شما آ«چه لایق آن هستید بدهد.

نویسنده: آمون

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 11:38

با سختی فراوان، آمون هم به زور، به روز شد!

amun.blogfa.com

آیا کسی حاضر هست وبلاگ آمون را به دست گیرد؟

نویسنده: محمد كريمي

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 18:49

شب جمعه 4 اردیبهشت تلوزیون مستندي در مورد يك سيل در شمال آمريكا به مساحت 20000كيلومتر مربع نشان داد كه در اثر آب شدن يخچال هاي قطب شمال بود. شايد بتوان توجيهي براي جاري شدن آب به اين وسعت در تركيه را بدست آورد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 21:11

مینا خانم. با ای میل وبلاگ یا تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای کریمی. جاری شدن سیل با انباشته شدن آب به ارتفاع 1800 متر، که بتوان بر آن کشتی راند، کاملا متفاوت است.
پیش از اظهار نظر باید با مغز مطلب آشنا شد.

نویسنده: نسرین

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 23:30

سلام آقای پورپیرار
بسیاری از اشعار خیام به فلسفه پوچ گرایی اشاره دارند و فلسفه پوچ گرایی عموما در قرن نوزدهم شکل گرفته است با توجه به این مساله میشود احتمال داد که حکیم عمر خیام در قرن نوزدهم میلادی زندگی میکرده نه در قرن پنجم هجری قمری(قرن دوازدهم میلادی)؟

نویسنده: یک مسلمان

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 0:3

با سلام
کلمه "دوش" در اصل دؤش تورکی است که به معنای ذهن و خیال است که از آن فعل دؤشؤنمک به معنای فکر کردن ، موجود است
پس معنای شعر حافظ این است که ایشان در خیال دیده اند که ملائک در میخانه زده اند ونه اینکه شب پیش دیده باشند.

برایتان سلامتی و طول عمر آرزومندم.

نویسنده: یکی

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 21:11

دیگه بدتر! حافظ ترکی بوده که فارسی شعر می گفته و یک دروغگوی ترک بوده.این بد تر از عذر بد تر از گناه شد که!
حالا حافظ هیچی ولی سعدی در قرن هفتم گفته زبان بسته بهتر که گویا به شر!

نویسنده: یک مسلمان

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 1:29

جناب یکی
ممکن است از شما خواهش کنم حداقل برای بنده جواب پرانی نکنید.
حیرت انگیز است که تاریخ جوابیه شما قبل از تاریخ طرح اندیشه از سوی این جانب است.
این دومین بار است که تاریخ پیغام گذاری شما پیش از تاریخ فرد نقد شده ، میباشد.
ثانیا ، چه احساس مسئولیتی شما را به جبهه گیری در برابر این نوع حرفها وامیدارد مگر شما یک پان فارس در قالب بنیان اندیشان هستید؟
به هر حال ، رعایت ادب کرده و خواهش مرا زمین نیاندازید و هیچوقت برای یک مسلمان جوابیه ننویسید زیرا مخاطب بنده خود استاد هستند ولاغیر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 1:30

آقای س. با عرض معذرت کامنت خصوصی شما در لابه لای کامنت های دیگر پنهان ماند که با اجازه ی شما چون مطلب اختصاصی ندارد، عمومی می کنم.

شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 10:10 توسط:س
با سلام
استاد با راهنمایی قبلی تان در باب سوره ای که می خواستند از آن نبوت یوسف را اثبات کنند جواب طرف را دادم و ایشان در جواب من این سوره ها را فرستادند!می توانید راهنمایی بفرمایید که تکلیف این سوره ها و اشکال کار در چیست؟!

((کساني که يوسف مذکور در سوره ی يوسف را " يوسف نبي " نمی شناسند ، لطفاً اين آيه را با دقت بخوانند و تأمل کنند:
وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ
قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (34)سورة غافر
و به آيات فوقش هم مراجعه کنيد تا ببينيد که خطاب آيه اهل مصر و فرعون و آل فرعون بودند .
من هم فعلاً ترجمه نمی کنم تا عده ای فارسی زبان زبردست ايراد نياورند!))

در آیه ی 34 سوره ی غافر یوسف از زبان عضوی از دربار فرعون رسول خوانده می شود، نه به تصریح الهی. چنان که یوسف معرفی شده در آیه ی 83 و 84 سوره ی انعام از ذریه ی نوح است و نه ابراهیم. بدین ترتیب می توان توجه داد که درست مانند اسراییل، در قرآن فصیح به دو یوسف اشاره می شود. درک چنین ظرایف قرآنی برای اظهار نظر درباره ی کتاب خدا بسیار ضروری است. یهودیان بی نهایت مایل اند از شخصیت وصف شده در سوره ی یوسف یک پیامبر یهود بسازند حال آن که قرآن به صراحت ابراهیم و تمام ذریه اش را مسلمان و بی ارتباط با یهود و نصاری می گوید. با پوزش از دیرشدن پاسخ شما.

نویسنده: توهم !

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 5:38

سلام
درباره تعدادی از کامنتها که به طور عجیب و غریب تارخ و ساعتشون با عقل جور در نمی یاد یه توضیح می دم ، مثلا یک مسلمان روز یک شنبه 6 اردیبهشت ساعت: 0:3 کامنت گذاشته ولی آقای یکی چطور یک روز قبل یعنی شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 21:11 برای اون جواب نوشته ؟

این پدیده می تونه 2 تا علت داشته باشه ، یا اینکه طبق نظریه آین اشتاین آقای یکی سوار بر سفینه ای هست که سریعتر از سرعت نور یعنی 300000 کیلومتر در ساعت در حاله حرکته و زمان براش معکوسه !!!

یا راه عقلانی تر که می دونم اینه که ایشون مستقیم پیام هاش رو از وبلاگ نمی گذاره بلکه با این آدرس :
postid=277&http://www.naria5.blogfa.com/comments/?blogid=naria5

بدون اینکه وارد وبلاگ بشه به قسمت نظرات می ره و می نویسه .
احتمال می دم سیستم بلاگفا یک سیستم ساعت تعریف شده داره و موقعیت رو بر اساس زمان رسمی ایران یعنی +4:30 تنظیم می کنه ، حالا اگر یکی غیر مستقیم وارد قسمت نظرات بشه احتمالا ساعت نظرش بر اساس GMT یعنی چهار ساعت و نیم قبل تر ثبت می شه ،
یعنی بنده خدا این آقای یکی احتمالا تاریخ درست نظرش ، یکشنبه ساعت 1:41 بامداد ، هست یعنی یک ساعت و 38 دقیقه بعد از پیام آقای یک مسلمان .
این رو گفتم تا اولا کسی براش سوء تفاهم پیش نیاد که مثلا استاد با اسامی دیگه ای پیغام میگذاره !!!
و اینکه اگر کسی خواست غیر مستقیم وارد قسمت نظرات بشه این محاسبات رو لحاظ بکنه !!!

شاد باشید .

نویسنده: حسینی

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 10:8

جناب پورپیرار عزیز! سلام و خسته نباشید. مشتاق دیداریم انشاالله فرصتی دست دهد.

نویسنده: رضاصدیقی

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 10:59

با سلام
بدین وسیله 34مین گفتار باستان شناسی اندیشه با عنوان:
شکل گیری اندیشه و تاریخ عبرانیان در بین النهرین
تقدیم حضور جناب عالی و خوانندگان محترمتان می گردد.-با تشکر

وب سایت

نویسنده: فتح

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 16:21

آقای پورپیرار اگر اجازه دهید فید بکی به بحث اسلام و شمشیر 48 و 49 داشته باشیم هر چند شما به یک باره وارد بحث اسلام و شمشیر شدید و سریع هم از آن خارج شدید اما من فکر میکنم نظر سنجی آدرس زیر نتایج خوبی در ارتباط با کلمه ما ملکت ایمانکم را بر داشته باشد.

http://newsforums.bbc.co.uk/ws/fa/thread.jspa?forumID=8671

نویسنده: مروج

یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 23:36

جناب استاد پورپیرار مخالفانتان که من جزو آنها نیستم روی مختصر تضادهای گفتاری و نوشتاری شما مانور می دهند و آنها را بزرگ میکنند که در مواردی هم این تناقضات آشکار است. ظاهرا شما ارائه پاسخ به این مورد را ضرور نمیدانید که بگمان من صلاح نیست. تقاضای این دوست که نهایت احترام را برای شما قائل است این که در این باب هم چیزی بگویید تا برفع تردید برخی از مرددین کمک کند. ممنون و خداوند نگهدار شما باشد.

نویسنده: حسین

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 1:26

استاد سلام,تمامی نمونه هایی که از انندراج بیان کرده اید در منتهی الارب با همان توضیحات ذکر شده است, بهتر نیست ابتدا به ان بپردازید؟

نویسنده: ?

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 2:5

با عرض سلام و عرض ادب
دو تا لینک بود که به نظر من جالب بود گفتم شما را هم در جریان بگذارم

رهبر معنوی طالبان پاکستان:
134 آیه قرآن مخالف دموکراسی است!
http://tabnak.ir/pages/?cid=45258

مقبره کوروش 1283 شمسی(کامنت اول این عکس را حتما بخوانید فقط 5 دقیقه داشتم مي خنديم) 
http://www.iranianmalezi.com/pics3/1886--1283-.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 7:2

آقای؟. ممنون. ولی لینک دوم اشکال داشت و باز نکرد و در نتیجه به خنده نرسیدیم.

آقای حسین. حوصله کنید. تکرار دروغ موجب راست پنداشتن آن نمی شود.

آقای مروج. در کوه نوردی قانونی است که سرپرست باید گروه را همپای ضعیف ترین عضو حرکت دهد. مثلا اگر بخواهند نوجوانی را که کشش ندارد، به قله ای ببرند، مقصد را برای او قطعه قطعه می کنند. مثلا می گویند تا سر آن صخره بیایی رسیده ایم یا این سربالایی آخر است و از این قبیل. صعود ما به این همه مدخل نو نیز به علت ضعف دریافت همراهان به همین شیوه شده است. برای توضیح بیش تر به مقدمه ی یادداشت شماره ی 1 "ایران شناسی بدون دروغ" در زیر توجه کنید.
به ملاحظه ی معده های ضعیف و ثقیل و زخمی شده، ناشی از تناول طولانی دروغ، تاکنون معمول و روال نبوده است که انبوه یافته های هول آور تاریخی و فرهنگی تازه به دست آمده را، یکجا عرضه کنم. چرا که می دانم بسیاری کسان نه فقط تحمل هضم این خوراک فراوان و دیر پز را ندارند، بل چنان که معلوم شده، جلا و درخشندگی ظاهر این حقایق نیز، چشم هایی را خیره، چهره هایی را درهم و خشن و اخلاق هایی را چاله میدانی کرده است. به این نشان باید بر این دست صاحب نظران متفرعن و نادان، نور را روزن به روزن بتابانم، داروی تلخ این دانسته ها را قطره قطره به کام شان بچکانم و مائده ی آگاهی را لقمه لقمه به حلق شان بگذارم تا بلع آن را از عهده برآیند و امید را به آینده ای ببندم که شکوفه های هوشیاری کنونی بار دهد، مدخل ها و دعوت های سرنوشت ساز مجموعه کتاب های «تاملی در بنیان تاریخ ایران» و تذکرات مندرج در یادداشت های «اسلام و شمشیر» و نیز این سلسله یادداشت های جدید، مردم ممتاز و در زیر آوار دروغ مانده ی شرق میانه ی جاوید را به خود آورد.

آقای فتح. ارتباط مستقیمی میان آن لینک و مقالات اخیر اسلام و شمشیر ندیدم. اگر مسلمین به مفهوم و منظور دقیق آیه های 20 تا 25 سوره ی نسا٬ پی ببرند و از آن پیروی کنند حرف آن راننده ی تاکسی اندونزیایی را می فهمند و نیم بیش تر ایرادات بنی اسراییلی بر دین شکوفای اسلام حذف می شود.

نویسنده: محسن

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 10:20

سلام
جناب محسن ! هم اسمه خوشگل من ! ممنون که اونجارو ترک کردی! یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیا ...

نویسنده: توحید

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 7:50

دیشب فیلم « زندگی مسیح » را می دیدم که نکاتی بس ظریف توجه من را به خود جلب کرد . آقای دکتر خزعلی در مقاله ای نوشته بودند که به این نتیجه رسیده اند که لباس روحانیون شیعه هیچ ربطی به اسلام ندارد و متعلق به روحانیون مسیحی در دوران وسطی بوده است .

حالا من تزی دیگر دارم و در هنگام تماشای فیلم حضرت مسیح متوجه شدم که لباس « ربیون یهودی » بسیار شبیه لباس کنونی علمای دینی شیعه و سنی است ، به این عکسها دقت کنید :

به آن شالی که به کمر بسته اند دقت کنید که هم اکنون هم روحانیون به خصوص کسانی که سید هستند به کمر می بندند :

http://i39.tinypic.com/11lie78.jpg

به نحوه ریش گذاشتن دقت کنید ، (چه کسی می تواند اثبات کند که ریش گذاشتن از سنت های اسلام است ؟) :

http://i39.tinypic.com/2w6fmm8.jpg

در این عکس هم که در حال تحویل مسیح به حاکم رومی هستند دقت کنید !!! :

http://i42.tinypic.com/5wazbc.jpg

http://i40.tinypic.com/35lg8l5.jpg

نگاه کنید به شباهت : عمامه ، ریش ، عبا و کمر بند :

http://i40.tinypic.com/fkcr61.jpg

نویسنده: فتح

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 13:46

آقای پورپیرار عزیز ارتباط آن لینک با مبحث مذکور در این است که در اکثریت پیامها یا خواهان ارتباط با شخص سومی هستند یا آن را 100% رد نمی کنند(لااقل برای آن جرمی در نظر ندارند و یا نادیده می گیرند) و مهمتر اینکه اینگونه روابط را ناشی از عوامل بسیار می دانند و 100 البته که هیچکدام هم اندونزی یا مالزی با هیچ راننده تاکسی ملاقات نداشته اند.پس باید الله در قران راهی پیشنهاد کند و آن یقینا کنیز نیست دوم اینکه برای مردان 4 زن و ما ملکت ایمان را پیشنهاد کرده که شما بنا به کراهت مردم از صیغه آن را صیغه هم نمی دانید پس می ماند قبول اینکه زنانی به شغل روسپیگری آشکار ومانند غرب با مجوز مشغول باشند(که در این صورت زنا نیست) که آن هم در ظاهر مورد پسندعامه نیست شاید راه نهایی که خانمها هم بی نصیب نباشند این است که همه راننده تاکسی شویم و امور را به دست خانمها بسپاریم و تربیت اسلامی راننده تاکسی که باز مشکل اینجاست ما که همیشه پشت فرمانیم و دخترانمان را به الله بسپاریم.
توکلت الله
منتظر ادامه درس هستیم

نویسنده: اترش

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 19:15

سلام بر همگی

استاد به نظر شما دوران غزل گویی و شکوفایی شعر فارسی (حافظ و مولوی و خیام و سعدی و...) از چه قرنی شروع می شود؟
به گمانم اگر پی گیر مورد خیام و مترجم افسانه ایی آثارش به انگلیسی فیتزجرالد شویم و تحقیق و بررسی متفاوتی از این منظر روی آن انجام بدهیم مدرک خوبی به دست بیاوریم
نظر شما چیست؟

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 19:40

آقای توحید. شواهد شباهت های البسه نمی تواند دلیلی بر یکسانی فرهنگ و دین و باور و عقاید باشد. این لباس همشکل نیست که موجب برداشت نادرست از قرآن و انجیل و تورات شده است، زیرا اگر همشکلی لباس را نشان نوعی هماندیشی توطئه گرانه بدانیم، پس در حال حاضر تمام غیر روحانیون جهان هم در لباس یکسان کت و شلوار ظاهر می شوند!

آقای فتح. دشواری حل این گونه امور از مبدا' جانشین شدن آرا' فقه در جای آیه های قرآن آغاز می شود چنان که در حال حاضر عنایات الهی و آزاد اندیشی قرآن نسبت به نیازهای بندگان، تابعین فقه را تا حد ایراد اتهام به قرآن هم تحریک می کند

و چنان می نماید که کسانی خداوندی را که تابع فقه نباشد، خارج از دین می شمارند!!!؟ بدین ترتیب آن مشکلی که در آن نظر سنجی به گونه ای سرسری بررسی شده ، به عالی ترین شکلی در آیات 20 تا 26 سوره ی نسا و آیه ی 232 سوره ی بقره و آیات روشنگر و صریح دیگر، حل و فصل شده است، اگر در برداشت درست از کلمات آن دچار خجالت های معمول و سنتی نشویم. چندان آن آیات را به تکرار بخوانید که با روح درخشان کلمات اش آشنا شوید. با این کلید که معنای نکاح و ازواج در قرآن فصیح را نمی توان یکی و برابر گرفت.

آقای اترش. زمینه ی کار و تحقیق بر روی تاریخ پیدایش زبان فارسی بسیار وسیع است. ابتدا ببینیم همین مطالعه ی در جریان به کجا خواهد انجامید.

نویسنده: هیوا ایزدی

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 20:5

استاد با سلام

به بحث ملک یمین پرسشی جدی وارد است :
پس تکلیف کودکان متولد شده از ارتباط با ملک یمین چه می شود (از جمله حضانت با معنای وسیع آن)آیا قرآن آن را حل کرده است؟
و البته بسیار مایه ی شکست مسلمانان است که آنقدر به قرآن و اسلام خود حتی در شهرهای مکه و مدینه به قواعد کتاب آن خود بی اعتنا بوده اند و این در حالی است که هر دختر و پسر 15 ساله ی تا سن پیری (اگر ازدواج نکرده باشند)به ملک ایمان به شدت نیازمند بوده اند و بدیهی است که این تحریف در دین کبیر اسلام با این شرایط با مخالفت جدی مواجه می شده است !!!!
تعبیر شما از ملک یمین به اندازه ی تعبیر کنیز ناچسپ است .

نویسنده: هودج

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 22:59

سلام
آیا مطالب ایران شناسی استاد به صورت فایل های فشرده قابل دسترسی است؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 اردیبهشت1388 ساعت: 23:55

آقای هودج. به سایت www.naria.ir رجوع کنید.

آقای ایزدی. اگر مولوی و مولانا اجازه می دهند برای این که دریابید یک سوم مسلمین جهان چنین معضلاتی را که به گمان شما با زمین آمدن آسمان برابر است، چه گونه حل می کنند، سری به اندونزی و مالزی بزنید و با مسلمانان آن جا گفت و گو کنید.

نویسنده: اسفندیاری

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 0:47

مدتی ست که وبلاگ بزرگ و معظم ذوالقرنین، این داعیه دار مخالفت با پورپیرار، در روز روشن و جلوی چشم موافقان و مخالفان، اقدام به پاک کردن نظراتی می کند که در مورد تخت جمشید سوال و یا نکته ای را گفته باشند. لازم به ذکر است که ایشان با باز کردن بخش نظرات خود، خود و هم فکرانشان را احترام گذارنده به آزادی بیان می دانند و وبلاگهای بنیان اندیشان را به خاطر بسته بودن نظرات متهم به دست بردن در نظرات می دانند اما در کمال بی شرمی نظرات مخالف را بعد از به ثبت رسیدن (دقت کنید بعد از به ثبت رسیدن) حذف می کنند. این حرکت غیر اخلاقی اولین بار برای شخصی با نام محمدی صورت کرفت و بعد از آن کامنت های شخص دیگری با نام مرده شور تخت جمشید را حذف شده دیدیم و این یکی از همه زیبا تر است.
نویسنده: مهرگان
شنبه 5 اردیبهشت1388 ساعت: 20:56
دوست عزیز... من کلا با پورپیرار مخالفم همونطور که در آپم گفتم چون ایشون تنها با تاریخ ما کار نداره بلکه دین و مذهب مارو هم مورد کتمان قرار داده و من به شخصه احساس میکنم به هویتم به عنوان يك ايراني يك مسلمان يك شيعه توحين شده!
اما درمورد تخت جمشید... نمیتونم کاملا بپذیرم یا رد کنم چون به یقین نرسیدم و اطلاعات کم دارم(البته بیشتر وقت تحقیق ندارم چون دیگه وقت امتحانات ترم) اما یه نظر دارم ،(وبلاگي كه معرفي كرديد رو قبلا هم ديدم) استاد شما گیر داده به يك

بناي ساخت 2500 سال پيش كه درهمون زمان هم مورد آتش سوزي و تخريب قرار گرفته و امروز چيزي ويرانتر از يك ويرانه ازون به ما رسيده! و حالا ميگه كه نگاه كنيد اينجا و اونجا چيجوريه... اين اصلا نيمه كاره بوده!!!
اما در مورد وبلاگ ذوالقرنين كه كامنت من رو هم پاك كرده راسش شوكه شدم...!
اما نميتونم آپم رو پاك كنم چون عقيده من عوض نشده و اين ربطي به وبلاگ ايران نداره... چون شايد اون نتونسته در مقابل نيمه كاره بودن تخت جمشيد مقاومت كنه اما ساير مطالبش براي من قابل قبولن! و من هم براي همين لينكش رو در وبلاگم گذاشتم تا بقيه هم با نقد اون آشنا بشن...
پيروز باشيد

نویسنده: اسفندیاری

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 0:53

این کامنت گذارنده که خود نیز از مخالفان پورپیرار است، (که گویا وبلاگ ذوالقرنین را هم با عنوان مرجع در نوشته ی خود ثبت کرده) وقتی کامنت خود را حذف شده دیده از شدت تعجب شکه شده است. مگر در کامنت خود چه گفته است؟ ما نمی دانیم. اما روشن است که ذوالقرنین آخرین راه مبارزه با این نظریات را در بستن دهان سوال کننده دیده اند. عجب بی شرمی بزرگی. اگر دوستان به این موضوع شک دارند می توانند صحت این گفته را با قرار دادن کامنتی همراه با عکسی از نیمه تمام بودن تخت جمشید و یا حتا یک سوال ساده در این باره بیازمایند. (البته فراموش نکنید که بهتر است بعد از ثبت نظرتان، از آن توسط کامپیوتر تصویر برداری به عمل آورید تا بساط مفصل و مفرحی برای شوخی با این دروغ پردازان بزرگ تاریخ بشری آماده داشته باشیم)

نویسنده: بی طرف

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 2:29

با سلام.

نظر خوانندگان محترم با بخواندن پست جدید وبلاگ دروغ بزرگ جلب می کنم که برای شناخت هر چه بهتر تیمهای باستان شناسی اعزامی به تخت جمشید، برگ برنده ی بی نقصی را به دست ما می دهد.

با کسب اجازه از استاد، این پست را به به دلیل اهمیت آن، به صورت متوالی در این وبلاگ معرفی می کنم تا دوستانی که کمتر به این وبلاگ می آیند بتوانند آن را بخوانند.

وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت

وب سایت

نویسنده: بی طرف

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 2:43

دوستان اگر تصاویر قابل رویت نیست من را خبر کنید.
ممنون

وب سایت

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 6:0

ابوالحسن بنی‌صدر از روزهای عزل می‌گوید ؛ چرا جنگ در سال اول تمام نشد ؟

(حتما بخونید) :

http://nakhostin.blogfa.com/post-2682.aspx

آیت الله میبدی : بعضی آیات قرآن را می توان تعطیل کرد !!!

http://nakhostin.blogfa.com/post-2285.aspx

آقا در آخر مقاله ادعا کرده است که حکم « سنگ سار » در قرآن آمده ، در سوره نور هم آمده ولی امام خمینی اون رو لغو کرده !! (نمی دونم شاید قرآن اینها با ما فرق می کنه)

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 12:34

سلام استاد

امروز شبکه 4 سیما مستندی پخش کرد درباره آثار حضور ایلخانان در ایران و از نیشابور شروع کرده و بعد به سلطانیه و دیگر شهر ها . در نیشابور یک بنای خشتی بود در منطقه « شادایان » اگر اسمش را درست نوشته باشم و نزدیک قبر عطار و کارشناس باستان شناس آن که آقای « لباف » نام داشت نظریات خنده داری می داد مبنی بر اینکه این کاخ که 2 سومش را کشف کرده اند و 1 سومش زیر خاک است یک دیواری را نشان می داد و می گفت از این سمت دیوار به آن طرف مربوط به شکوه و جلال نیشابور و قبل از حمله مغول است و طرف دیگر دوران فلاکت و بدبختی و آوارگی نیشابور بعد از حمله مغول ، البته نکات مشکوک زیادی داشت برای بررسی و مثلا اسکلت هایی را نشان مید اد که بطور پراکنده در آنجا یافت شده بودن و در درون شیشه در همان مکان نگهداری می کردند و کارشناس می گفت که اینها در اثر زلزله ای که رخ داده است همه زیر آوار مرده اند و هر کدام یک گوشه ای . استاد بررسی کنید شاید آثاری مربوط به پوریم باشد .
نکته اصلی در این بود که فیلم بسیار متعصبانه و همراه با ناسزاگویی و اهانت به مغولها بود و مثلا می گفت این است حاصل حجوم قومی وحشی که هیچ چیز از تمدن و فرهنگ نمی دانست ، قومی که سواد نداشت و ایران را به این روز انداخت و ...

بعد به سلطانیه و گنبد سلطانیه رفته و در باره گنبد سلطانیه توضیح می داد که مغولها بالاخره 40 سال پس از حضور در ایران مقابل فرهنگ والای ایرانی سر خم کردند و با دانش ایرانیان چنین گنبد با شکوهی را ساختند . و جالب اینکه همان ستاره شش پر داود را هم نشان دادند و می گفت که اولجای توی مسلمان شد و شیعه را به عنوان مذهب انتخاب نمود ولی بعد مجددا سنی شد چون ذهنش ظرفیت و توان درک مذهب تشیع را نداشت (باور کنید با همین لحن می گفت) . و استاد نکته جالبی که هست مقایسه گنبد سلطانیه با کلیسای ایاصوفیه و بنایی به اسم « سانتا مارتا » در اسپانیا بود که گوینده می گفت سلطانیه بعد از آن دو سومین بنای بزرگ گنبدی جهان است . از این نظر هم جالب بود چون واقعا تیپ گنبد سلطانیه بسیار شبیه به گنبد های ایاصوفیه است و داخلش هم همین طور .

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 12:37

بعد به منطقه ایی رفت با نام « داشک حسن » در نزدیکی سلطانیه که نمی دانم آیا آنجا را از نزدیک دیده اید یا نه ولی چیزی که جالب بود پای بودایی ها را هم به وسط کشاند و گفت زمانی بوداییها در اینجا زندگی می کردند و به تبلیغ می پرداختند ! و اینکه نشانه هایی از فرهنگ مغولان در آن نشان می داد از جمله چند حجاری که نقش اژدهای 5 سر چینی و می گفت که مغولها از چینیها کپی برداری کرده اند و غیره که برای من جالب بود چون تا کنون نمونه ای از نقش اژدها در ایران ندیده بودم و احتمال جعل آن می رود .

استاد این مستند نکات زیادی داشت که توصیه می کنم حتما آنرا از « سروش سیما » تهیه کنید چون خیلی مهم است .
تاریخ و زمان پخش آن : سه شنبه 8 اردیبهشت ساعت 11 صبح و اسم برنامه « میراث فرهنگی » که درباره آثار مغولی در ایران بود شبکه 4 سیما .

نویسنده: هودج

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 14:17

سلام
سایت ناریا همچون چیزی وجود نداشت!

نویسنده: پزشک دهکده

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 14:51

چه کنم وقتی خودم می خندم، دلم راضی نمی شه که شما هم نخندین. هه هه هه هه
این رو از بخش نظرات وبلاگ ناریا 2 برداشتم که یکی به نام رسول داره ثابت میکنه که پارتنون هم نیمه تمامه. حتما ببینید:
نویسنده: رسول
دوشنبه 24 فروردین1388 ساعت: 22:51
--و دیگر دلیل هم این است که من چونکه از خودم مطلب جدیدی در مورد تخت گاه ندارم--

خوب است. باین ترتیب مطالب جدید نمیآید، تور ت.ج. تمام شده و چیز دیگری در چنته نمانده.

--از کل کامنت شما این امر برداشت می شود که شما قبول داری تخت جمشید نیمه کاره است.--

این طرز تفکر برای من آشناست. همین برداشت قبلا از نوشته های اینجانب در وبلاگ آقا یا خانم بی طرف شده بود.

--شما هم زحمت بکشید با همان دلایل خنده دارتان چنین کار سنگینی را در مورد کاخ پارتون، کلوسئوم، معبد ابو سمبل در مصر، اهرام و ... انجام دهید تا دنیا به شما افتخار کند.--

ایزدیان جان، این کار تا حدی انجام شده است. چرا خود را به ناآگاهی میزنید ؟!

. . . . . . آغاز نقل قول از چند ماه پیش . . . . .

شکل ۳ در زیر از سنگ نگاره‌های مهمترین سازه‌ی یونان باستان است بنام پارتنون Parthenon. در مورد این ساختمان اوصافی چون: اوج توسعه، مهم ترین ساختمان باقیمانده و قله‌ی متعالی هنر یونان را بکار برده‌اند.

شکل ۱: این نمای کلی است:
http://www.goddess-athena.org/Museum/Temples/Parthenon/Parthenon_inside_E_from_W2.html

شکل ۲: این شکل بازسازی شده است، مثل همان که جناب بی طرف در بالای وبلاگش برای ت.ج. گذاشته (تا خوانندگانش را با مقایسه‌ای باطل تخمیق کند):
http://www.goddess-athena.org/Museum/Temples/Parthenon/Parthenon_NW_from_NW_rec.jpg

این شکلی است که گفتم:
شکل۳:
http://www.helleniccomserve.com/images/theexhibit4.jpg
سر اسب تمام شده ولی سر سوارکار نه!

http://i40.tinypic.com/15mclsz.jpg

یا این را ببینید از همان بزرگترین افتخار یونان:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/ff/Elgin_marbles_frieze.jpg
صورت سرباز دوم از سمت راست ناتمام است !!!

نویسنده: پزشک دهکده

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 14:53

بیچاره توی این یکی دیگه خودش رو به عمق خریت رسونده و از یک نقاشی هم برای اثبات حرفش کمک خواسته:
نویسنده: رسول
سه شنبه 25 فروردین1388 ساعت: 18:27
رستم جان، خیلی خوب است که شما هم وارد بحث شدید.

پس شما با مفهوم -ریختن- آشنا هستید! پس باید با مفهومهای -خرابی-، -ویرانی-، -خرابکاری-، و -مرمت- و باز -خرابی- و دوباره -مرمت- و باز -خرابی- و الخ هم آشنا باشید.

به من همین جا بگویید که با سایر مفهومهای اشاره شده در بالا (علاوه بر ریختن) موافق هستید یا نه؟ بمان، من قول میدهم بمانم. آیا وقت دارید به بحث ادامه دهیم؟ اگر مشغله دارید یا احتمال آنرا میدهید، لطفا دیگر پیام نگذارید ولی اگر میتوانید بمانید تا آخر بمانید.

دو نفر اینجا داریم ایزدیان و رستم گرام، بابک عزیز که زیاد وارد بحث نشده را کنار میگذاریم. از این دو دوست عزیز خواهش میکنم بمانند و به بحث ادامه دهند. ایزدیان که اشتیاق اکید خود را اعلام فرمودن.

نمونه‌های دیگر:
۱--- چه اتفاقی برای دست راست خانم سمت راست افتاده است؟ اثری از ریختن وجود ندارد. نظر شما چیست؟ توجه

کنید که حجم دست از ساعد به بالا وجود دارد، پس ریختنی در کار نیست.

http://karenswhimsy.com/public-domain-images/parthenon/images/parthenon-4.jpg

۲--- در تصویر زیر چه اتفاقی برای دست چپ فرد سمت چپ افتاده است؟ منظورم مثلا کل حجمی از دست است که مشت میشود. -ریختن- را در این مورد نمیتوانید بهانه کنید. چه -واژه‌ای- این نقصان را بیان میکند؟ آیا مثلا طرف معلول بوده است؟

http://karenswhimsy.com/public-domain-images/parthenon/images/parthenon-3.jpg

به من جواب دهید؟

نویسنده: پزشک دهکده

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 14:55

بخندید که ما دکترا میگیم خنده بر هر درد بی درمان دواست. البته این بد بخت که دید خیلی گند زده جوری که حتا هم فکرانش هم به دادش نرسیدن، مثل بچه ی آدم سرش رو انداخته پایین در رفته.

نویسنده: ابراهیم رفرف

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 19:1

دیدگاه :

www.theviewpoint.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 21:2

آقای هودج. به این آدرس بروید. http://www.naria.ir

آقای توحید. کار به جایی کشیده که گمان کنیم تیمی در صدا و سیما مامور مقابله ی فوری با مفاهیم این یادداشت ها شده اند. مقابله ای افلیجانه و متوقف مانده در لجنزار دروغ.

آقای رفرف. چه عجب! می فرمودید گوسفندی می کشتیم. از تعارف های تان ممنونم و یادآوری کنم تنها راه ورود به سرسرای این چند هزار برگ نوشته ی منظم و یا پراکنده، که حاصل 9 سال کار انفرادی است، قبول و یا رد رخ داد پوریم در شرق میانه و وقوع طوفان در ترکیه است. بدون تعیین تکلیف با این پایه های نخستین، مطلب چندانی از این مباحث حاصل نمی شود. راه کار آن هم معین است. به یادداشت 104 و 163 رجوع کنید که تلخیصی از علامات و دلایل وقوع این دو حادثه است که بر روند تاریخ، سرنوشت اقوام و تمدن مردم شرق میانه تاثیر تعیین کننده داشته است، در همان محدوده و گستره ای که گفته ام و یا نشانه های اقناعی و قابل لمس. اگر از این یادداشت ها مردد بیرون بیایید و روشنی های تختگاه و طوفان هم راه این بررسی ها را روشن نکند، مباحث دیگر و از جمله قصد من از گشودن گفتارهایی در باب زبان فارسی و ترکی و به طور کلی ملت های منطقه به درستی درک نخواهد شد و همچنین است مندرجات یادداشت های متمم و مقتدری چون 34 و 130 و 131 و 137 و 160. بنا بر این نخست باید با ماجرای پوریم و طوفان نوح برخورد کنید و پایه ی تفحص را بر عواقب و صدمات ناشی از آن ها بگذارید و یا نگذارید. این همان درخواستی است که پیوسته ارائه داده ام: آیا پوریم و طوفان در این منطقه رخ داده است یا نه؟ جواب آری تاریخ دیگری را برای شرق میانه تدوین و تکلیف می کند و جواب نه همان راهی را می گشاید که زرین کوب و تمام مراکز داخلی و خارجی شناخت شرق میانه و اسلام رفته اند! و مسلم بدانید که راه میانه و سومی هم وجود ندارد. سلام برسانید.

نویسنده: یکی

سه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 18:50

چوپانی مشغول چراندن گله گوسفندان خود در يك مرغزار دور افتاده بود. ناگهان سر و کله ی يك اتومبیل جدید کروکی از میان گرد و غبار جاده های خاکی پیدا شد. راننده ی آن اتومبیل که يك مرد جوان بسیار شیک پوش، با لباس های مارک دار

سرش را از پنجره اتومبیل
بیرون آورد و پرسید: اگر من به تو بگویم که دقیقا چند راس گوسفند داری، یکی از آنها را به من خواهی داد؟

چوپان نگاهی به جوان تازه به دوران رسیده و نگاهی به رمه اش که به آرامی در حال چریدن بود، انداخت و با وقار خاصی جواب مثبت داد.

جوان، ماشین خود را در گوشه ای پارك کرد و کامپیوتر Notebook خود را به سرعت از ماشین بیرون آورد، آن را به یك تلفن راه دور وصل کرد، روی اینترنت وارد صفحه ی NASA شد، جایی که می توانست سیستم جستجوی ماهواره ای (GPS) را فعال کند. منطقه ی چراگاه را مشخص کرد، یك بانك اطلاعاتی با 60 صفحه ی کاربرگ Excel به وجود آورد و فرمول پیچیده ی عملیاتی را وارد کامپیوتر کرد. بالاخره 150 صفحه ی اطلاعات خروجی سیستم را توسط یك چاپگر مینیاتوری همراهش چاپ کرد و آنگاه در حالی که آنها را به چوپان می داد، گفت: شما در اینجا دقیقا 1586 گوسفند داری.

چوپان گفت: درست است. حالا همان طور که قبلا توافق کردیم، می توانی یکی از گوسفندها را ببری.

آنگاه به نظاره ی مرد جوان که مشغول انتخاب کردن و قرار دادن آن گوسفند در داخل اتومبیلش بود، پرداخت. وقتی کار انتخاب آن مرد تمام شد، چوپان رو به او کرد و گفت: اگر من دقیقا به تو بگویم که چه کاره هستی، گوسفند مرا پس خواهی داد؟

مرد جوان پاسخ داد: آری! چرا که نه؟

چوپان گفت: تو یك مشاور هستی.

مرد جوان گفت: راست می گویی، اما به من بگو که این را از کجا حدس زدی؟

چوپان پاسخ داد: کار ساده ای است. بدون اینکه کسی از تو خواسته باشد، به اینجا آمدی. برای پاسخ دادن به سوالی که خود من جواب آن را از قبل می دانستم، مزد خواستی. مضافا اینکه هیچ چیز راجع به کسب و کار من نمی دانی، چون به جای گوسفند، سگ مرا برداشتی!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 10:56

آقای ... قضاوت تاریخی در باب سئوال شما احمد و محمد را یکی می بیند. ضمنا تعیین جایگاه و مراتب پیامبر با خداوند است نه با عیسی. و نیز این اعمال مردمان یک کشور نیست، اسلام مسلط بر یک سوم از مسلمانان جهان است و تغییر احتمالی و آتی آن بنیان را معیوب نمی کند.

آقای هاتف. بسیار لاک پشتی پیش می رود و از مرحله ی حروف چینی گذشته است.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 14:0

خاتمي: هيچ ايراني حاضر به تغيير نام خليج‌فارس نيست

سيدمحمد خاتمي، رئيس جمهوري پيشين اعلام كرد:« امروز یک جريان مشكوک براي مخدوش واقعيت‌هاي تاريخي وجود دارد كه سعي مي‌كند تا نام خليج فارس را نيز تحريف كند. اين نام را هيچ‌كس نمي‌تواند تغيير دهد و ما مطمئن هستيم كه هيچ ايراني حاضر به تغيير اين نام نخواهد شد.»
خبرگزاري ميراث فرهنگي_ گروه ميراث فرهنگي_ سيدمحمد خاتمي در جمع خبرنگاران حاضر در همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه" گفت: «امروز یک جريان مشكوک سياسي براي مخدوش واقعيت هاي تاريخي وجود دارد. اين جريان مشكوک سعي دارد تا نام خليج فارس را نيز تحريف كند اما تمام اسناد و مدارک تاريخي تاكيد دارد كه خليج فارس، خليج فارس است.»

وي در ادامه گفت: «برخي با اهداف نامشخص مسير نامشخصي را براي تحريف تاريخ شروع كردند. درحالي كه هيچ انسان با شرف و با شعوري حاضر نيست كه با هويت و مصالح ملي او برخورد شود.»

خاتمي در ادامه گفت: «البته اين جريان مشكوک تنها به نام خليج فارس نپرداخته است و امروز سعي شده تا دايه و كليت تمدن اسلامي را منحصر به فرهنگ عربي بداند. اين تفكر ظاهرا با انگيزه هاي غلط فرهنگي همراه شده و گوي انگيزه هاي

سياسي نيز در آن ديده مي شود.»

خاتمي در پايان گفت: «از نظر حقوقي و فرهنگي بر هيچ كس پوشيده نيست كه نام خليج فارس خليج فارس است و اين نام را هيچ كس نمي تواند تغيير دهد و ما مطمئن هستيم كه هيچ ايراني حاضر به تغيير اين نام نخواهد شد.»

در ادامه نيز "ناطق نوري" رئيس اسبق مجلس شوراي اسلامي در جمع خبرنگاران گفت: «موضع ما درباره خليج فارس همان است كه در اين همايش مطرح شد و اين نام با فرهنگ هر ايراني عجين شده و قابل تغيير نيست و تاريخ هم آن را تاييد كرده است.»

نویسنده: حسين محمدی

چهارشنبه 9 ارديبهشت1388 ساعت: 14:4

غيبت شبهه برانگيز مسئولان سازمان ميراث‌فرهنگي در همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه"

مسئولان سازمان ميراث فرهنگي در رده هاي مختلف دعوتنامه همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه" را دريافت كرده اند؛ اما هيچ يك در اين همايش شركت نكرده اند.

خبرگزاري ميراث فرهنگي_ گروه ميراث فرهنگي_ مسئولان سازمان ميراث فرهنگي در رده هاي مختلف دعوتنامه همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه" را دريافت كرده اند؛ اما هيچ يك در اين همايش شركت نكرده اند.
كيانوش كياني هفت لنگ؛ دبير همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه"؛ با ابراز بي اطلاعي از دلايل عدم شركت مسئولان سازمان ميراث فرهنگي در اين همايش؛ گفت:« كارت دعوت اين همايش براي شخص آقاي رحيم مشايي؛ رييس سازمان ميراث فرهنگي و ديگر مديران اين سازمان ارسال شده است اما هيچ يك در همايش شركت نكرده اند.»
كياني درباره دليل عدم شركت مسئولان اين سازمان ابراز بي اطلاعي كرد اما اطمينان داد كه دعوت از آنان صورت گرفته است.
درحالي موضوع عدم شركت مسئولان سازمان ميراث فرهنگي در همايش ملي "خليج فارس، تدوين دانشنامه" عنوان مي شود؛ كه ديگر شخصيت هاي سياسي و علمي به صورت گسترده اي در همايش اخير حاضر شده اند.

نویسنده: حسين محمدی

چهارشنبه 9 ارديبهشت1388 ساعت: 14:8

مالزي هم «خليج فارس» را قبول ندارد؟!
يكي از بينندگان «تابناك» در پيامي نوشت: در مسير رفت و برگشت كوالالامپور با پرواز «مالزيا ايرلاين» در هواپيماهاي پيشرفته ايرباس نشستيم و از آنجا كه همه صندلي‌ها مجهز به سيستم مانيتورينگ بودند، يكي از شبكه‌هاي تصويري مربوط بود به اطلاعات پرواز در آسمان كه هر لحظه از روي نقشه كره زمين با مختصات و زوم‌هاي مختلف موقعيت جغرافيايي را به بيننده اعلام مي‌كرد...

چيزي كه در مسير رفت و برگشت اين پرواز بسيار قلب من را آزرده كرد، هنگامي بود كه روي نقشه هواپيماي كشور به اصطلاح دوست و مشترك المنافع ما يعني مالزي، نام خليج فارس وجود نداشت و با جسارت تمام نام مجعول بر آن نهاده بودند!

حال اين پرسش تداعي مي‌شود كه آيا كشور ايران و دولت و سازمان‌هاي وابسته واقعا از اين موضوع اطلاع ندارند! كه اين امر با اين همه ادعاي ما در بحث سازمان اطلاعات بسيار محال به نظر مي‌رسد و اگر از اين موضوع آگاهند، چرا تاكنون اقدامي صورت نگرفته؟؟!! و شايد مثل بسياري ديگر از مسائل ملي، بشود نوش داروي پس از مرگ سهراب!

نویسنده: حسين محمدی

چهارشنبه 9 ارديبهشت1388 ساعت: 14:10

ولايتي: خليج فارس هميشه فارس باقي مي ماند

به گزارش خبرنگار ايرنا، دكتر علي اكبر ولايتي روز چهارشنبه در نخستين نشست خليج فارس، طرح تدوين دانشنامه به مناسبت روز خليج فارس با بيان اين كه در دهه هاي اخير درباره نام اين حوزه جغرافيايي ادعاهايي مطرح بوده است، تاكيد كرد: ملت ما با هوشمندي تمام هميشه متوجه اين دسيسه ها و توطئه هاي دشمنان براي تغيير نام خليج فارس بوده است.
وي اظهار داشت: مردم ما به حق در خصوص تغيير نام خليج فارس واكنش نشان داده اند، ايرانيان هيچ گاه از پاي نمي

نشينند و آفتاب زير ابر باقي نمي ماند.
مشاور بين الملل رهبر معظم انقلاب اظهار داشت: پس از داريوش در كتيبه هاي رومي و يوناني نيز صحبت از خليج فارس بوده و پس از آن در بسياري از دست نوشته هاي دانشمندان ايراني و خارجي اين نام ذكر شده است.
وي با اشاره به اين كه برخي اعراب قصد داشتند اين خليج را به نام خود نامگذاري كنندريال اظهار داشت: طرح خليج عرب از دسايس انگليسي ها بوده، خليج عرب ابتدا توسط انگليسي ها مطرح شد، آنان بيان كردند چون مردم اطراف اين خليج عرب هستند بايد آن را خليج اعراب بناميم در حالي كه اين خيال آنان پوچ و واهي است.

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 14:13

همایشی خلیج فارس با حضور چهره ها
یاری:به مناسبت روز ملی خلیج فارس، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی همایشی را با حضور چهره‌های و شخصیتهای ملی ،سیاسی، علمی ، فرهنگی و هنری برگزار می‌کند.

این همایش یک روزه، نهم اردیبهشت‌ماه در محل مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز همایشهای بین المللی رایزن برگزار می‌شود.

از جمله دعوت شدگان و شخصیت‌های حاضر در این همایش می‌توان به حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی، حجت الاسلام و المسلمین علی‌اکبر ناطق نوری، حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی، مهندس میرحسین موسوی،دکتر علی‌اکبر ولایتی،دکتر محسن رضایی و دکتر محمد باقر قالیباف اشاره کرد.

همچنین در این همایش 25چهره برجسته فرهنگی، هنری و ورزشی کشورمان نیز حضور خواهند داشت.

گفتنی است سخنران افتتاحیه این همایش دکتر علی اکبر ولایتی خواهد بود و دکتر محمد حسن گنجی، دکتر احمد اقتداری، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر جمشید صداقت کیش،سرلشگر دکتر رحیم صفوی، دکتر صادق خرازی، دکتر عباس سعیدی، مهندس وزیری هامانه، دکتر پیروز مجتهدزاده ،دکتر مجید تفرشی،دکتر عبدالرسول خیر اندیش، استاد جواد صفی‌نژاد و مهندس غلامرضا سحاب نیز با موضوعات ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی خلیج‌فارس، بررسی موقعیت استراتژیک خلیج فارس، انرژی در خلیج فارس و مسائل مختلف مربوط به خلیج فارس به سخنرانی خواهند پرداخت.

نویسنده: اتفاق

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 14:26

سلام
کتاب اسلام وشمشیر شما را خواندم ولی باورم نشده روشن فکری چون شما قبول نماید که کتاب قران وحی است و از طرف خدا آمده! میشه دلیلی برای این ایده داشته باشید ؟

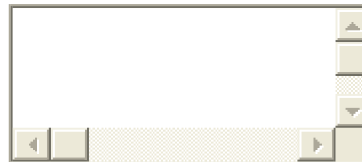
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی 211

ایران شناسی بدون دروغ 211، نتیجه، 19، درباره ی منابع زبان فارسی، 30 - 4
نظر

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 17:48

سلام استاد

کاش گزیده لغات اصیل فارسی فوق+ گزیده سفرنامه های اروپاییان به صورت کتابچه ای چاپ میشد تا مورد استفاده عمومی می یافت.

شاید باستان پرستان از خوابزدگی بیرون می آمدند.

ممنون استاد
مهران حقیقت

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 19:53

سلام بر استاد روشنگر زمانه و در عین حال مظلوم زمانه .... 10 اردیبهشت روز ملی!!!!! خلیج فارس!!!!!! را به تمام نژادپرستان عزیز تبریک و به به دلسوختگان مسلمان تعزیت و تسلیت می گویم ....

اللهم صل علی محمد بن عبدالله و آله و صحبه اجمعین
www.qodsona.blogfa.com

نویسنده: بی طرف

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 20:35

با سلام.

نظر خوانندگان محترم با بخواندن پست جدید وبلاگ دروغ بزرگ جلب می کنم که برای شناخت هر چه بهتر تیمهای باستان شناسی اعزامی به تخت جمشید، برگ برنده ی بی نقصی را به دست ما می دهد.

وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت

وب سایت

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 22:6

استاد فرزانه خواب از سرم پرید ! راستی چندی پیش ، در نزد چندین نفر از حضرات بودم !!! گویا عده ای دوست دارند تنها بخشی از نوشته های شما را همانند جناب ابراهیم رفرف بردارند و بخشی از دیگر از آن که به نفع شان نیست را کنار گذارند !!!

در پناه خداوند باشید.

واصبروا إن الله مع الصابرین.

نویسنده: عابدی

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 23:31

استاد تمامی شاگردان شما که من هم جزئی از آن ها هستم مدیون شما هستیم.

به قول دوست عزیز و گرامی ام آقای رحمانی : اگر نبود روشن گری های استاد کامل، ما هم در به ترین حالت کدخدامنشی بیش ، نمی شدیم !!! چنان که این همه مسلمان مخلص ،کدخدامنشی بیش نشده اند !!!

راستی فعلا که 28 روز است خبر خاصی نیست و ملاقات بی ملاقات ! یعنی امنیت بر قرار است اگر وسوسه نشوم ! 

خداوند بر عمر پر برکت تان بیافزاید.

نویسنده: فلفل

چهارشنبه 9 اردیبهشت1388 ساعت: 23:45

این هم آخرین خبر ماهواره ی امید : یک کتیبه هخامنشی در ثریا یافته شد : « اهه اوهو ایهی ساکوشا هی بهنم خان »! که «رضا مرادی غیاث آبادی» اختر باستان شناس ؟! معروف ترجمه اش کرد : خلیج فارس و ثریا مال ماست ؟!!

این هم عکسش : http://i1.tinypic.com/6k04p09.jpg



نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 1:0

آقای عابدی. مدیون زحمات شما هستم و از گرفتاری های شما کم و بیش باخبرم. با تشکر، ایراد مورد اشاره را برطرف کردم و در باب دوستانی که پس از سال ها قصد نقد یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را دارند، باید سعی شان را گرامی داشت و امیدوار بود بر جلای حقایق تاریخ این منطقه ی مظلوم که در تیررس توطئه های یهود قرار دارد، بیافزایند.

آقای پزشک. ممنونم و خدا با صابرین است.

آقای مهران حقیقت. بسم الله قدم پیش گذارید و تدوین کنید.

آقای حسین محمدی. اگر کسی تا این اندازه که ترسیم نقشه ی جغرافیای جهان مقدم بر 400 سال پیش ناممکن بوده، قدرت تشخیص ندارد، می تواند هر مقدار که مایل است، سخنرانی بی حاصل و اثر کند.

آقای عابدی. اجرا شد و اگر حساب روزهای جدایی را به این دقت نگهداشته اید پس هنوز با امنیت کامل فاصله دارید.

نویسنده: جهان

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 7:55

سربلند و شاد و سرحال باشید
استاد عزیز بنده که در توانم نیست از شما به عنوان گل سرسبد چهره های واقعی ماندگار قدردانی کنم
لذا در هفته موسوم به هفته معلم دستتان را می بوسم و شادباش عرض می کنم کاش آنقدر توان مدیریتی داشتم که هر روز برایتان کنفرانس می گذاشتم ولی من هیچ قدرت تصمیم گیری ندارم خودم و همکاران و تمام شاگردانم از شما سپاسگزایم

وب سایت

نویسنده: درویش

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 7:57

سلام خدمت استاد
با عرض معذرت پیشنهاد می شود برای نامگذاری کتاب جدید لغت که فرموده اید آگهی بدهیم .و بهترین نام را انتخاب کنیم بنده پیشاپیش در این مسابقه شرکت می کنم و اولین نام را در این محل درج می کنم امیدوارم که بنده برنده اصلی مسابقه باشم و هزینه سفر به مرکز فارس یا اقامت در هتل شرایتون شیراز و چلوکباب را نصیب خود کنم .
نام پیشنهادی بنده :
لگد نامه خواجه اسد سعدالدین محمد حافظ نظامی گنجوی فریسی طوسی .

نویسنده: فتح

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 14:49

اقای پور پیرار بد نیست نگاهی به این تصاویر و توضیحات آن بکنید.
به نضر شما چرا همه پارسیان اصیل و زبان پارسی را در بین چشم بادامی ها می یابیم. چرا هیچکس توضیحی قانع کننده در باره هزاره های افغان و یا پارسیان ازبکستان و... ندارد و چرا ما کمترین اثر نژادی پارس را در ایران داریم که به زور کردان و لران و گیل و مازنی و حتی بلوچها رادر این جغرافیا به پارس نسبت می دهند تا آمار جمعیتی آنها را بالا ببرند اما وقتی می پرسیم چه رابطه ای بین پارسیان هند و چشم بادامی ها وجود دارد تنها ظهور اسلام را پیش می کشند.

گالری عکس: فارسی زبانان ساکن هیمالیا
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/04/090427_ag_baldir_village.shtml

نویسنده: منوچ

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 19:36

خوشگله! ترکوندی همه چیزو.
برو جلو نترس. ما همه هواتو داریم. مطمئن باش اگه وایسی میوفتی تو تله. خواستی خبر کن تا از دست نره. باور کن حیفه. اون موردو دیگه نمی تونی دست و پا کنی. اگه خواستی مواردی یادت می دم که سنگ محک هم داشته باشی. کمکت می کنیم. ارزیابی کن و تلاشت رو بکن تا انگور خوب باغ نصیب شغال نشه. تو این معامله ضرر نمی کنی. در حال حاضر باید حتی به این وسیله دور خودت حصار و حفاظ بکشی. بیشک آنتی ویروس و فایروال باید از یک شرکت باشند. سعی نکن از دو برند باشه که کانفیلیکت میدن و به خونه اول بر میگردی بعد از مدتها علافی و آزار و پول دور ریختن به اون شکل. در ضمن می تونی در هر لحظه خودتو ورشکسته نشون بدی و از زیر مسئولیت فرار کنی!
اونو هم بهت یاد میدم.
خواستی بیشتر بهت میگم ولی تو تلفن به اندازه کافی برات قصه و روضه خوندم. میخوای بهم زنگ بزن.از فردا صبح تا عصر شابات بیدارم.
میگم اون کار سرور ها چی شد؟ می تونیم شلوغ کنیم؟آیدی ها رو برات فرستادم ولی خبر ازت نشد. کجایی؟ ولی فکر کنم از دست رفتی و خودت خبر نداری عاشق!

(ای کامن خصوص بیده اونلی فور یو شازده. وخای جوواب ودی بایمیل یا وزنگ سی مو. ایجا هچ نوگو)

نویسنده: آمون

پنجشنبه 10 اردیبهشت1388 ساعت: 20:54

آمون به روز شد.
amun.blogfa.com
آمون به فروش می رسد.
اداره آمون به دوستان واگذار می شود.
سرقفلی آمون واگذار می شود.
.
.
.
.
.
.
.
با تمام امکانات!

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 7:0

سلام به استاد عزیز و دوستان گرامی
الحمد الله یادداشتهای اخیر روشن کردند که زبان شکرین فارسی، در حقیقت "شکر" نبوده "کشک" بوده!!
هر چند بیان این حرف بنیان اندیشانه نیست، ولی صادقانه اقرار میکنم که دلم به نحو دلپذیری در حال خنک شدن است!

نویسنده: هودج

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 14:42

سلام آقای عابدی
ایمیلی برایتان ارسال نموده ام گویا نرسیده
فرمت پی دی اف ایرانشناسی بی دروغ از شماره 1 تا 25 و76 تا100 کار نمیکند و بروی سیستم نمی خواند چکار بایست کرد؟

نویسنده: ها

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 14:54

ها منم با این که فارس بیدم ولی دلم در حال خنک شدن است! البته وقتی پنبه زبان ترکی را هم بزنید بازم دلم خنک می شود چون من از زدن پنبه دروغ دلم خنک می شود!

نویسنده: ایمان

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 16:47

این بابا عقلش از بنیاد معیوبه:
مشایی:سابقه تاريخي "خليج فارس"از 30ميليون سال پيش به موازات شكل گيري تمدن هاي انساني در منطقه موجوديت يافته است.
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=462474

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 14:18

سلام مجدد
استاد، خواهش میکنم فرصتی دهید تا چند صباحی این جگر آتش گرفته ی ما از سروری و جفاهای زبان کشکین فارسی التیام یابد، سپس داغ زبان ترکی را بر دلمان بگذارید!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 19:0

فریبا خانم. نگران نباشید. حرف های این آقای "ها" بیش تر بوی شوخی میده، که گاهی از جدی هم غلیظ تره.

آقای ایمان. این بابا با اون کسی که میگفت ساسانیان هشت هزار سال در ایران حکومت کرده اند و چند نفر دیگر همگی در یک مکتب خانه درس خوانده اند.

نویسنده: حسینی

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 20:25

سلام و خسته نباشید. فیلم طوفان را دیدم. تبارک الله از این موشکافی تان. در عجبم از رخوت اندیشه ی دکانداران اندیشه در این خرابه!

نویسنده: عابدی

جمعه 11 اردیبهشت1388 ساعت: 21:50

سلام

آقای هودج . مشکلی نداشت و دانلود شد. دوباره سعی کنید.

نویسنده: سرباز مسلمان

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 7:32

سلام
این ره که تو می روی به هندوستان است ...

نویسنده: توحید

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 5:39

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان

آقای ایمان از لینک ارسالی بسیار ممنون . این لینک اتفاقا نکته بسیار داشت یکی اینکه یهودیان به وسیله عواملشان در حال گرفتن تست هوش از ایرانیان و مردم ممتاز شرق میانه هستند و با این افاضات می خواهند بفهمانند که روشنفکران دود زده کنونی ایران هنوز به آن بلوغ عقلی نرسیده اند که نوشته ها و ایده های استاد پورپیرار را درک کنند .
آیا این آنوسی نمی داند که 30 میلیون سال پیش زمین از نظر شکل و فرم صفحات قاره ها یکپارچه بوده است و اصلا چینش قاره ها به این شکل کنونی نبوده است و همه یکپارچه بوده اند ؟!!!
از نظر زمین شناسی صفحات زمین در سال حدود 2 سانتی متر از هم فاصله می گیرند که البته در بازه زمانی کوتاه چندان به چشم نمی آید مثلا هر هزار سال می شود 20 متر جابجایی . ولی در بازه زمانی 30 میلیون سال می شود 600 کیلومتر در حالی که عرض خلیج فارس چیزی حدود 150 کیلومتر است ، یعنی 30 میلیون سال پیش دو دهنه خلیج به هم چسبیده بوده است و اصلا خلیجی وجود نداشته است که هویت فارسی یا عربی داشته باشد .

به قول استاد در مستند طوفان نوح چرا شعور شان به این می رسد ولی در حال آزمایش درصد تعصب و جهل نزد روشنفکران پر ادعا هستند تا ببینند چند سال دیگر می توانند از آنها سواری بگیرند ؟

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 10:41

سلام به دوستان

ایمان عزیز
راستش اولش فکر کردم خبر 30 میلیون ساله نلم خلیج فارس شوخی باشه.
با دیدن لینک ....
چی بگم از این قوم جهود مسلک.

مهران

نویسنده: ایمان

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 10:56

جناب توحید سلام بعید میدانم به او بتوان گفت آنوسي چرا که در تعاريف رايج آنوسي يهودياني هستند که تظاهر به اسلام میکنند.آيا شما از او تظاهر به اسلام ديده ايد؟

نویسنده: فلفل

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 13:37

اصلا مگه مشایی چی گفته تا این حد ناراحت هستید ؟! خوب از زمان دایناسور ها هم نام خلیج فارس ، خلیج همیشه فارس بوده .

نویسنده: هودج

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 14:50

سلام آقای عابدی
دانلود میشود ولی خوانده نمیشود!

نویسنده: عابدی

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 18:20

آقای هودج فعلا که فرمت html و zip بدون هیچ مشکلی تا شماره 100 کار می کند.
شما هم اولین شخص نیستید که دانلود می کنید. مابقی آن ها نیز آماده اند. فقط اینترنت پر سرعت در اختیار ندارم که مابقی را آپلود کنم. امروز ببینم اگر توانستم لینک ها را فعال می کنم.

موفق باشید.

نویسنده: اترش

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 19:46

سلام بر همگی

در وب گردی هایم به این مطلب برخوردم که در مورد « داستان اولین نماز دکتر جفری لانگ استاد ریاضیات دانشگاه کانزاس» بود, به نظرم جالب اومد گفتم لینکش رو اینجا هم بزارم
http://abooamer.wordpress.com/2009/03/18/nabardeman-drlang/#more-333

وب سایت

نویسنده: رعد

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 21:28

سلام و خدا قوت اقای پیرار , دموی طوفان منطقه ای و قومی نوح را دیدم ., این دمو برای زمان حاضر و دماغ انباشته از تفسیر و تاویل وتعبیر اسرائل ساخته زیاد هم مینماید .نوشته ای که در پی میاید به اصل قضیه کاری ندارد فقط یاد اوری است از خباثت این قوم همیشه دشمن و توطئه گر, به گمانم , علاوه بر سخن شما مبنی بر پنهان نگاه داشتن نام مبارک رسول اکرم , محمد ص, مقارن با طلوع اسلام بوسیله یهود و نصارا , نام ها و اشارات دیگر هم بوسیله انها پنهان نکاه داشته شده بود . یکی از انها همین لغت جودی است که در کتاب مجید با املاء, الجودی , نوشته گردیده که به تصورم این کوه باید برای ان قوم یا مردمان زمان رسول اکرم معرفه بوده باشد . در قاموس کتاب لغت ارارات را اورده اند, که ملعون شده معنا

شده , شاید لغت ارارات , نو پدید باشد ! البته برای جودی لغت جبل نیامده ولی کشتی باید جائی کناره گرفته باشد و هم چنین از ایه قبل هم چنین مستفاد می گردد.خداوند بهتر میداند

نویسنده: عابدی

شنبه 12 اردیبهشت1388 ساعت: 22:7

فایل های pdf و word ایران شناسی را گم کرده بودم مجبور شدم از نو بسازم. فردا ان شاءالله نصب می کنم.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 212

ایران شناسی بدون دروغ 212، نتیجه،20، درباره ی منابع زبان فارسی، 68 - 5 نظر

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 3:17

سلام خدا بر انبیا و صالحین مخصوصا پورپیرار گرامی ...
از اینکه چنین نوشته های سرتاسر حقیقت و عمیقی را در این وبلاگ و به رایگان در اختیار جویندگان حقیقتی چون من قرار می دهید ممنون و متشکرم .. ممنون از اینکه چهره کریه نژادپرستان کثیف را افشا می نمایید ...
این کشور غرق در دریای نژادپرستی کور و بی سرانجام شده است ...

اللهم صل علی النبی محمد بن عبدالله و آله و صحبه اجمعین
لا اله الا الله --- محمد رسول الله

نویسنده: رضا

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 5:12

Aghaye HA
.zade mishavad Negaran nabashid. sad saal ast ke panbeyeh tork ha
bemand. Va eyin an dar Chin va Rusiye va Aragh. Ghoman nemikonam ke ta do nasle digar torki dar iran baghi
khosh bashid

نویسنده: یک مسلمان

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 8:48

از اینکه هر جا نوساخت بودن و ضعیف بودن زبان فارسی پیش کشیده میشود ، زبان تورکی هم به آن الصاق میشود کمی عجیب است .
بهتر نیست اول نکات ضعف و نو ساخت بودن تورکی بیان شود و قبل از آن ، ذهن خواننده به واسطه درست بودن دلایل نقصان فارسی و چسبیدن نام زبان تورکی به فارسی در چنین استدلالاتی ، مشوش نگردد؟
به نظر من قبل از بیان تمام دلائل نوساخت بودن فارسی ، میزان حمله کلامی به آن هم باید که حد و حدودی داشته باشد.
از نظر من تنها زبان قابل احترام برای یک مسلمان زبان قرآن است و یادگیری آن دکانداران تفسیر و تاویل و تعبیر را بیکار خواهد نمود.
من نحوه ورود زبان تورکی به مناطق مختلف را نمیدانم ولی از آنجا که زبان مادری من است و مطالعاتی هم در موردش دارم میتوانم بگویم که کیلومترها از داستان زبان فارسی فاصله دارد و الصاق تورکی به فارسی در بحثهای مربوط به زبان فارسی را جایز نمیدانم.
موفق و مؤید باشید.

نویسنده: رحمانی

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 12:43

با سلام خدمت همگی

اگرها و بسته های جریان
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

اگر شما احتمال وقوع چیزی را در نظر بگیرید یک گام به شناخت آن موضوع نزدیک تر شده اید
ضمن اینکه برای تحلیل همه جوانب یک موضوع باید همه اگر ها را بررسی کنید تا راهکارهای لازم را برای مقابله یا تقویت آن مورد به کار بگیرید
بعضی وقتها با اگرهای احتمالی و فکر روی آنها از بعضی از تعصبات می توان گذشت و افق دید را بازتر کرد
چنانکه مثلا اگر شخصی به اشاره قرآنی اعراب را جاهل می داند و اینگونه خطاب می کند پس لاجرم باید مشرکان را هم باید با پیشوند یا پسوند نجس بخواند و یهود را ... ووو
(تا شاید این "اگر"، تکانی به مغزش بدهد)
ضمن اینکه این اگرها کمی جلوتر از شما را به شما نشان خواهند داد
اگر فرض کنیم فلان گروه زیر نفوذ گروه خاص دیگری است پس باید در مقابل چنان واقعه احتمالی ای ، عکس العملش به نفع باشد ووو
همچنین این اگرها ، مسائل پراکنده حول یک موضوع را یک جا جمع می کند که این بسیار عالی است، با تجمیع حادثه های پراکنده، بسته های جریان مشخص می شوند و با مشخص شدن این بسته ها ، به جریان اصلی و هدایت کننده نزدیک تر

می شوید، ضمن اینکه برای اثبات نهایی، این بسته های جریان، همان مستندات شما را تشکیل خواهند داد
مثلا اگر فلان شخص آنوسی باشد پس باید ... حالا تمام عملکرهای پراکنده شخص در این مورد (احتمال آنوسی بودنش)
یک جا جمع می شود وبسته های جریانی تشکیل می گردد و شاید این احتمال اثبات یا رد شود

با تشکر فراوان

نویسنده: نسرین

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 14:24

سلام آقای پورپیرار
با توجه به اینکه تسبیح چندان بین یهودیان رواج ندارد و رواج آن بیشتر در بین مسیحیان است احتمال دارد که مسیحیان تسبیح را بین سایر ادیان گسترش داده باشند(اگر آیین هندویسم و بودایسم را ادیان جدید و ساختگی بدانیم)؟

نویسنده: نسرین

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 14:50

البته مسیحیان پروتستان مانند مسلمانان وهابی استفاده از تسبیح را نوعی شرک میدانند و استفاده از تسبیح بین مسیحیان کاتولیک،آنگلیکان و مسیحیت ارتدکس رواج دارد.
یهودیان نیز تحت تاثیر مسیحیان از تسبیح استفاده میکردند.امروزه اهمیت و اعتبار
تسبیح در میان آنان تقریباً از بین رفته و فقط در روز سَبْت (شنبه) و روزهای مقدس ، عموماً برای سرگرمی و وقت گذرانی آن را در دست می گیرند. این تسبیح 32 یا 99
مهره دارد.
تسبیح بین تمام مسلمانان به جز وهابی ها رواج دارد(99 مهره) و گمان میرود از مسیحیت ارتدکس اقتباس شده باشد ولی بر اساس کتب حدیث شیعه ، استفاده از تسبیح در صدر اسلام متداول بوده است ؛ مثلاً گفته شده که حضرت فاطمه علیهاالسلام چون از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شنید که پس از هر نماز، گفتن 34 تکبیر (الله اکبر) و 33 تسبیح (سبحان الله) و 33 تحمید (الحمدالله ، که به تسبیحات حضرت زهرا مشهور است) ثوابی بزرگ دارد تسبیحی از نخ پشمی با 34 گره تهیه کرد. وقتی حمزه ، عموی پیامبر، در سال سوم هجرت به شهادت رسید، حضرت فاطمه سلام الله علیها از خاک مزار او تسبیحی برای خود ساخت . مردم نیز بعدها از تربت حمزه تسبیح ساختند و پس از شهادت امام حسین علیه السلام ، شیعیان از تربت او تسبیح ساختند !
برخی فرق صوفیه از تسبیح هزار دانه ای استفاده می کنند !
تسبیح یا جاپا پالا در بین ادیان هندویسم-بودایسم و سیکهیزم نیز رواج دارد.(108 مهره)
امروزه کاربرد غیر دینی تسبیح رواج بیشتری یافته و از آن برای آرامش و دور کردن انرژی های منفی استفاده میکنند(Worry beads-Komboloi)

نویسنده: حسینی

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 20:30

خسته نباشید.

نویسنده: آمون

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 19:58

آمون
نفس زنان
با حال نزار
به روز شد:
amun.blogfa.com

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 0:26

آقای ناقد. برای کسی تعیین تکلیف نمی کنم تنها بدانید این تلاش ها برای کسانی که از مستند تختگاه و طوفان هم چیزی نمی فهمند، کاملا بی حاصل است. مثلا بارها نوشته ام که هر تحقیقی وظیفه ی مستقل خود را دارد، مثلا اگر در مدخل اثبات نادرست بودن اطلاعات بوستان و گلستان بنویسید که اصولا شخصیت سعدی و حافظ دروغین است، تحقیق مستقل شما به مسخرگی تبدیل خواهد شد، ولی کسانی به عمد و یا بر اثر عقب ماندگی ذهنی معنای این جملات را هم درک

نمی کنند. وقت و امکانات تان را بگذارید بر سر توزیع سی دی ها. کارسازتر است. اینک صف بندی ها مشخص شده و برای جست و جو گر حقیقت فقط دیدار از عکس مسجد نیمه ساخت شیخ لطف الله، برای بیداری کافی است.

آقای پزشک. از مراحم شما ممنونم.

خانم نسرین. این گونه رسیدگی ها بسیار سودمند ولی غیر قابل اثبات است. مثلا تسبیح ها را می توان الگو گرفته از زینت گردن زنان گرفت که نمونه های هفت و هشت هزار ساله دارد.

آقای رحمانی. سود بردیم.

آقای یک مسلمان. حوصله کنید.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 13 اردیبهشت1388 ساعت: 21:14

می خواستم برات بمیرم ولی می دونی که! پهلوانان نمی میرند.

از یوزارسیف عزیز مصر به جومونگ فرمانده سپاه بویو:
سوسانو رو بیار - زلیخا رو ببر

از یکی که مثل من زیاد سریال تلویزیونی می دید می پرسن
آخرش زلیخا با کی ازدواج می کنه؟
میگه خوب معلومه! با جومونگ

بنیامین بعد از دیدن زلیخا:
کاش گرگه منو خورده بود!

یهودا بعد از دیدن زلیخا:
خوب شد تو چاه معمولی انداختیمش!

معاون رئیس جمهور بعد از دیدن زلیخا:
آقا 29 میلیون و 997 هزار سال پیش از ورود آریاییان و پارسیان اسم این دریا پارس بوده!

یک مسلمان: من نحوه ورود زبان تورکی به مناطق مختلف را نمیدانم ولی از آنجا که زبان مادری من است و مطالعاتی هم در موردش دارم میتوانم بگویم که کیلومترها از داستان زبان فارسی فاصله دارد و الصاق تورکی به فارسی در بحثهای مربوط به زبان فارسی را جایز نمیدانم.
آقا جان این چه مطالعه ای بوده که اصل کاری رو معلوم نکرده؟

نویسنده: محمد كريمي

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 1:14

آيا تاريخ موجود در مورد نادر شاه و كريم خان با توجه به نزديكي زمان آنها و گفته هايي در
مورد اين دو مثلا الف هاي نادري بخشش ماليات كشاورزان تا 3 سال بعد از حمله به هند
گروگان گرفتن آقا محمد خان توسط كريم خان كه نشان دهنده تحت فشار قرار دادن شمال ايران وجلو گيري از شورش ايل
قاجار و معامله ننگين با پرتغالي ها در جنوب ايران آيا حكومت تمام ايران را داشته اند.

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 9:23

جناب یه نفر یکبار هم قبلا گفته بودم که هیچ علاقه ای به دریافت جواب و یا انتقاد از کسی به غیر از خود استاد ندارم .
حداقل یک چهارم زبان فارسی را تورکی تشکیل میدهد و نصف بیشتر آنرا عربی و مابقی شامل روسی و انگلیسی و شاخه هائی از زبانهای هندی و غیره است. دستور زبان فارسی منبعث از عربی است هرچند تا چند دهه پیش آثار زیادی از دستور زبان تورکی در فارسی بود (مثل ترکیب جوانمرد که در واقع میبایست مرد جوان باشد) که تا حدودی در سیستم آموزشی کشور اصلاح گردید.
به هر حال اگر ما تورکی را محدود به تورکیه ببینیم که چند تورکی اموخته اروپائی آنرا به سرزمین خالی از سکنه تورکیه آورده

اند ، پس باید که تکلیف 200 میلیون تورک ساکن در چین را که زبان شان به حد کاملا قابل قبولی برای من آذربایجانی قابل درک و فهم است را مشخص کنیم . حوزه نفوذ زبان تورکی و ساختار کاملا قدیمی و مستقل از زبانهای دیگر آن و داشتن چندین هزار فعل و سیستم آوائی منحصر بفردش که به کلی از زبانهای سامی جداست ، ساختگی بودن این زبان را به شدت زیر سئوال میبرد.
ملت 75 میلیون نفری تورکیه بخشی از ملت 400 میلیونی تورک زبان میباشد که پس از تصرف تورکیه بیزانسی به دست تورکهای مسلمان و آمیخته شدن آسیائی ها و اروپائی ها ، ملت تورکیه را پدید آورده که درصدی از آنها شکل و شمایل غربی دارند.
در هر حال صاحب نظر اصلی شما استاد عزیز هستید و توصیه به صبر را از این به بعد به کار خواهم بست.

نویسنده: احسان

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 10:12

سلام آقای پورپیرار متاسفانه فرصت نکردم به شیراز بروم. اما پیگیر قضیه هستم. روی آیات ملک یمین هم زیاد کارکردم. آنهارامینویسم. وبلاگهای دیگر از فحاشی پرشده است. نمیشود بحث کرد.

جناب یک مسلمان آنموقع کلمات پیرزن و پیرمرد و ... هم ترکی هستند!!؟

نویسنده: بجانی

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 12:48

سلام آقای یک مسلمان
استاد پورپیرار در جوابی کلی قبلا گوشزد کرده اند که :
به وجود آمدن یک زبان قدرتمند مستلزم روابط گسترده اقتصادی و اجتماعی قوی است که در مورد زبان ترکی چنین نمی بینیم (نقل به مضمون)

البته در این مورد حق با استاد است که چرا با وجود این همه قدمتی که برای زبان ترکی گفته می شود اکنون از الفبای عربی یا لاتین استفاده می شود و تنها در نوشته های شعار گونه اشاره به کتیبه های اورخون می شود
منتها در این مورد که گستره زبان ترکی خیلی زیاد است لذا نظریه استاد با تناقض روبروه می شود به هر حال منتظر نظرات روشنگرانه استاد هستیم ...
اینکه ترکی قدرتمند است یک مقوله است
اینکه ترکی ابزار دست عثمانی قرار گرفته یک مقوله است
اینکه قدرت زبان بیانگر نوساخته بودن آن است یک مقوله است
این سه مقوله باید خوب تفکیک شود

نویسنده: ها

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 13:34

جناب به مسلمان. مثل اینکه شما معنا و مفهوم ساختگی بودن در نوشته های استاد را بدرستی درنیافته اید. پس بر اساس منطق و بنیان استدلال شما می توان گفت که بن و پایه زبان فارسی هم زبان هندی و عربی به لحاظ ریشه و گرامر است و چون هر دو این زبانها دیرینگی بسیار دارند و استحکام بس گسترده، پس فارسی هم زبانی ساختگی نیست و حتی بسیار توانمند است!!!!! ضمن اینکه بر این اساس شما باید بیاد داشته باشیم که هندیان تمدنی چندین هزار ساله و کهن و بسیار گسترده و متنوع از نظر زبانی دارند که ترکها به گرد پایشان هم نمی رسند!!!!!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 16:45

آقای س. به این فضله خوری ها اعتنا نکنید. نیرو و وقت و امکانات تان را برای توزیع سی دی تختگاه و طوفان بگذارید. این ها به پایان راه رسیده اند. این مطلب را به خوبی در اطراف خودشان احساس می کنند و لاجرم قبل از خفگی در زیر آوار حقیقت دست و پا می زنند. قوم پرستی ترک و فارس ندارد...

آقای هادی. چند تایی گردو فراهم و خود را سرگرم کنید و وارد کار بزرگ ترها نشوید.

آقای حسینی. دوستان از مرحمت شما سپاس گذارند و برای تان دعای خیر دارند. اگر خدا بخواهد به زودی سی دی با زبان های عربی و ترکی و انگلیسی نیز منتشر خواهد شد.

آقای کریمی. از موضوع سر درنیاورده اید احتمالا یادداشت ها را نخوانده و یا از مفاهیم آن ها چیزی نفهمیده اید.

نویسنده: یک مسلمان

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 18:22

از تمام کسانی که برای اینجانب جوابیه صادر فرموده اند متشکرم ولی توجه این عزیزان را به نکات زیر جلب میکنم:
1- پیر کلمه تورکی است ولی پیرزن دارای گرامر تورکی است .
2- نبود آثار خطی به الفبای مخصوص ژرمن ها دلیل بر عدم قدمت زبان و یا عقب ماندگی آلمانیها نیست زیرا برای هزاران زبان موجود فقط 5 خط نوشتاری در دسترس است .
3- زبانی که با اسلوب آوائی خاصی باشد و کلمات وارده از زبانهای دیگر را تحت اسلوب آوائی خود تغییر دهد نمیتواند منبعث از زبانی دیگر باشد.
4- زیادی به رگ فارس پرستی و شوونیستی تان برخورده که بدون مطالعه و علم و تنها با اتکا بر داد و بیداد علیه تورکی بیانیه صادر فرموده اید.
5- تقاضا دارم غیر از استاد کسی به این جانب جوابیه ندهد

برای دریافت حقیقت و قبول آن ، گردنی نازکتر از مو و حوصله فراوان دارم و بنا به پیشنهاد استاد حوصله خواهم کرد.

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 18:41

خیلی حوصله داری.
معلومه.
طومار ننویس تا بیانیه بارت نکنند. تشکرات و ماچ و بوسه هات رو هم و اسه خودت نگهدار - تموم میشه دست خالی میمونی. فکر می کنی با بچه طرفی این طوری ارد میدی؟ یا مالک الرقاب بر و بکس وبلاگی؟ اصلا تو هویت واقعیتو رو کن ببینیم کی هستی؟ از ناصرخان پرسیدم گفت نمی شناسدت. بچه ها زدن نور پایین ها رو شکوندن. فندک بدم خدمت آقا؟
خیلی ناراحتی و عشق استاد ترکوندتت، یا کامنت خصوصی بفرست یا به این آدر س ایمیل بزن:
pirna44@yahoo.com
می خوای برات یه آیدی باز کنم؟ یا در این زمینه هم مطالعه داری؟
در ضمن یه کسی گفته بود که تو کتیبه های آرخون یکی از کاراکترها ستاره داووده.
عزت جمیعا برای خداست!

نویسنده: یکی

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 22:37

این لینک را حتما ببینید:
http://www.rezaee.ir/fa/pages/?cid=5123

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 22:50

آقای فتح. ممنون. ولی نتوانستم سایت لینک را باز کنم. تمام فیلتر شکن ها غیر فعال شده اند.

آقای یک مسلمان. الفبای مخصوص ژرمن ها دیگر چه صیغه ای است؟

آقای هادی. سی دی های مستند تختگاه هیچ کس را پیدا کن و ببین، شاید اندکی با قضایا آشنا شدی.

آقای عابدی. پنج روز پیش برای ایشان ارسال شده است. اگر تا دو روز دیگر نرسید مجددا خواهیم فرستاد.

آقای خرمی. درست نمی گویید. معمولا حقایق هول آور را مستقیم اعلام نمی کنند و مثلا به مادران بدون مقدمه خبر مرگ فرزندش را نمی دهند. این که سرپرستی عضو ضعیفی را به کوتاهی راه قله ای دور دل خوش کند، فریب دادن و دروغ گویی حساب نمی شود. مدیریت کردن مشکلی است که راه حل دیگری ندارد. اگر بخواهید به کودکی دوای تلخی بخورانید و قبل از فروبردن قاشق به دهانش بگویید "به به" است، راهی برای علاج او یافته اید و نه هیچ چیز دیگر. درست مثل این که دندان ساز قبل از فروبردن مته ی دندان تراشی به مریض بگوید نترس هیچ دردی ندارد!!! امیدوارم شیر فهم شده باشی پیرمرد.

آقای یه نفر. اون طرف دعوا کیه؟!!

آقای یکی. خیلی تبلیغاتی بود. برای این آقای محسن رضایی یک سری سی دی مستند تختگاه را بفرستید و از او نظر بخواهید، با سیمای واقعی خودش ظاهر خواهد شد و سکوت خواهد کرد. امتحان کردیم.

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 0:11

با سلام به استاد عزیز و دوستان گرامی

اول: از شما معلم و استاد عزیزم به خاطر تمام چیزهایی که ازتون یاد گرفتم ممنون و سپاسگزارم.

دوم: با تشکر از آقای عابدی ، اگه میشه قسمت آرشیو ایرانشناسی از شماره 100 به بعد رو تو سایت ناریا فعال کنید.



نویسنده: دوست

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 4:8

نویسنده: یک مسلمان
یکشنبه 6 اردیبهشت1388 ساعت: 0:3

با سلام
کلمه "دوش" در اصل دؤش تورکی است که به معنای ذهن و خیال است که از آن فعل دؤشؤنمک به معنای فکر کردن ، موجود است
پس معنای شعر حافظ این است که ایشان در خیال دیده اند که ملائک در میخانه زده اند ونه اینکه شب پیش دیده باشند.

....

ببینم ، باز هم شما آنوسی ها در لباس یک مسلمان در آمده اید تا در این وبلاگ ایجاد اختلال کنید ؟!!!
لحن و رفتارت که خیلی تابلوئه ، بابا یکم خودتون رو به روز کنید آنوسیها .

نویسنده: بابک

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 8:54

با سلام
به نظر من این وسط بعضی ها مانند این آقای یه نفر به اسم بنیان اندیشی وارد این جمع شده اند و قصدشان فقط انداختن اختلاف بین دوستان می باشد. به هر حال افرادی که در قالب بنیان اندیش در این سایت باهم بحث می کنند در این چند سال اخیر تحت تاثیر روشنگریهای استاد پورپیرار تعصبات خودمان را کنار گذاشته و دنبال حقایق هستیم. به نظر من صبور بودن در این زمینه مهمترین چیز است. البته احتمال دارد خیلی از ماها هنوز ناخود آگاه تعصبات قدیمی مان به سراغمان می آید ولی گذشت زمان و مطالب بعدی استاد پورپیرار خیلی از این موارد را حل خواهد کرد. آقای یه نفر که ظاهرا کارت در این سایت خنداندن و جوک گفتن است. ما دوست نداریم حقیقت را از دهان آدمی مثل تو بشنویم. چون کامنتهایی که می فرستی بوی نژادپرستی فارسی و ضد ترکی میتوان به راحتی از آنها احساس کرد... پس برای دیگران جوابیه صادر نکنید. آقای یه مسلمان در مکتب استاد ما باید فراموش کنیم که تورک هستیم یا کرد و فارس و عرب و بلوچ و... ما همه انسانیم و ساختگی یا واقعی بودن زبانهای فارسی و تورکی دردی از ما دوا نمی کند بلکه با اسنادی که آقای پورپیرار به ما ارائه می کنند باید بدانیم که چه بلایی در این قرون اخیر سر ما آورده اند و ما را اینگونه به جان هم انداخته اند. فعلا منتظر نوشته های بعدی استادمان باشیم...

نویسنده: عادل

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 10:12

ف ی ل ت ر ش ک ن
http://www.nihaterdaltutak.com/proxy/

نویسنده: آیدین قشقايي

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 10:46

سلام به دوستان
صداي پوريم به افغانستان هم رسيد!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!
"پوريم حقيقتي پنهان"
p=15034&http://www.afghanmeeting.com/viewtopic.php?f=17

نویسنده: حسینی

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 11:18

خسته نباشید. جناب پورپیرار! خودتان این دوستان به ویژه آقای یه نفر را به آرامش دعوت کنید. فبشر عبادی الذی یستمعون القول فیتبعون احسنه ...

نویسنده: R134

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 14:55

salam
فیلتر شکن
http://may04.ur-xp.com/p4all.html

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 15:41

آقای حسینی. من باب اطلاع عرض کنم که بسته ی ارسالی شما نرسیده است. بفرمایید از چه طریق فرستاده اید؟

آقای عادل. از ارسال آن لینک ممنونم.

دوستان با خبر باشند کتاب بی نظیر پاپیروس ها، که مبتدا و مقدمه ای بر نواندیشی در فرهنگ اسلامی است، با ترجمه ی خانم مهرناز نصریه در انتشارات کارنگ منتشر شده و در نمایشگاه کتاب عرضه می شود. این کتاب آموزشی در زمره ی محکم ترین مستندات در مباحث نو قرار می گیرد.

آقای R134. از ارسال لینک مربوطه بسیار ممنونم. امتحان کردم و بسیار کارآ بود.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 17:0

با سلام
استاد آیا خودتان هم در نمایشگاه کتاب حضور خواهید داشت؟!

نویسنده: نتاب

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 17:35

سلام
تبریک به مناسبت انتشار کتاب "پاپیروس‌ها"!
و ایکاش در ارتباط با هر مبحث یک فیلم کوتاه ساده درست می‌شد. مثلا راجع به جاده چین مستندی با ترکیب چند تصویر و موزیک متن و توضیح استاد تولید می‌شد، آنگاه کسانی که در خواندن تنبل هستند و یا استعداد خواندن ندارند راحت‌تر پیام راستی ها را دریافت می‌کردند و البته این اجر عظیمی نزد خداوند دارد برای سازند و سازندگان آن.

نویسنده: مسعود

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 20:53

سلام علیکم و رحمه الله

خسته نباشید استاد عزیز.

برای دوستانی که میخواهند در زمینه ریشه ساخت و ساز زبان نوین ترکی به مرکزیت ترکیه امروز تحقیق نمایند :

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:TurkicLanguages.png

بخش جالب قضیه اینکه بنظر میرسد زبان "ترکی" ترویج یافته در آسیای میانه و جنوب قفقاز و بخصوص ترکیه امروزین از ریشه زبان گمنام "یاکوتها" قومی که اکنون در سرزمین سردسیری در مرکز و شمال شرق روسیه هنوز هم بشکل بدوی زندگی میکنند مشتق شده است (لطفا" به تلفظ لغات در لهجه های مختلف یاکوتها که امروزه آنرا ترکی اینجایی و آنجایی ! مینامند توجه کنید).
همچنین توجه به دیاگرام دایروی آماری-جمعیتی این سخن محکم استاد را که مرکز توطئه برای ترویج زبان از لابراتوار درآمده "ترکی" برای تولد قطب دوم فتنه بر علیه اسلام و مسلمین همین ترکیه کذایی است هر چه بیشتر واضح مینماید.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 22:40

سلام

با عرض پوزش فعلا فرمت های ورد و پی دی اف ایران شناسی تا شماره 100 نصب شدند. 101 تا 125 هم صورت فشرده شده نصب شد هم به صورت html

مابقي ان شاء الله به زودي زود.

http://www.naria.ir/view/5.aspx?id=558

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 15 اردیبهشت1388 ساعت: 22:41

آقای مسعود. ویکی پدیا که یک منبع اطلاعات بچگانه و دست و پا شکسته است، که گمان های افواهی را جمع آوری می کند. فراموش نکنید تمام دائره المعارف های بزرگ دنیا نیز جز تکرار داشته های موجود، مطلبی ندارند که با تعهدی در اثبات صحت آن همراه باشد. یعنی داده های دائره المعارف ها نه فقط دلیل درستی موردی نیست بل اغلب و مثلا مانند نمایش خط اویغور و ارخون مشغول جا انداختن حقه های دانشگاه های کنیسه و کلیسا به مراجعه کننده اند، که ان شا' الله به شرح آن خواهم رسید.

آقای نتاب. اثبات جاده بودن دیوارهای چین به طول همان دیوارها ادله ی مثبته دارد باید مرکزی با بودجه ی کافی به محل روانه شود تا آبرویی برای یهودیان جاعل و اشاعه دهنده ی دروغ باقی نماند.

آقای ایلماز. به شرط حیات و بدون تعیین روز و زمان معین گاه گاهی سر خواهم زد.

نویسنده: احسان

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 0:6

آقای پورپیرار مستند طوفان نوح را هم دیدم. درکل جالب بود. بگذارید از هم اکنون شما را همانند سایر دوستان استاد خطاب کنم.

وبلاگی ایجاد کردم که اگر ممکن است بیایید و نظرتان را بدهید.

اولین آیه : سوره ی النساء آیه 3

منتظر نظرات سایرین هم هستم

وب سایت

نويسنده: محمود متقی

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 1:55

سلام و صبح بخیر جناب استاد به نظر میرسد حملات به شما و مطالبی که ارائه میدهید سازمان یافته تر و وسیعتر شده که احتمالا بدلیل حساسیت های موجه ترکان در برخورد با یادداشتهای اخیرتان باشد. آیا نمیخواهید یادداشتهایی در پاسخ این هجوم بگذارید؟ از شما بعلت دخالت در کارتان معذرت میخواهم.

نويسنده: فتح

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 2:15

این هم یه نظر متفاوت در موردحجاب
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=46543

نويسنده: محمد كريمي

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 3:2

سلام.
ﹶنوشته هاي شما خيلي در فكر كردن به من كمك كرد.
فهميدن كه اين گفته قرآن كه فكر را همراه سير در عالم مي آورد محكم است كه شما با نوشته هايتان اين طرز فكر و فهميدن را ياد داديد كه فقط به گفته ها اكتفا نكنيم.
ممنون از روشنگري هايتان مخصوصا در مورد قران و حضرت محمد.(اسلام و شمشير)
ولي خواهش مي كنم كه سوالهاي ما را جواب دهيد.(شما خود چه انتقادها كه نكرده ايد.)
آقاي پورپيرار خسته شديم از اين دنيا با اين كساني كه قسمتي كه خود مي خواهند ميخواهند الغا كنند.
با توجه به گفته هاي شما اين تناقضات چيست.
فلسفه قوي اسلامي كه به عربي نوشته شده و جايگاهي كه در غرب نيز دارد:
كتاب توماس آكويناس(وحدت و عقل در ردابن رشديان)(فيلسوف قرن 12)
سير منطقي و قوي فلسفه اسلامي(ماجراي فكر اسلامي در جهان اسلامي:ديناني)
سخنراني كسي كه به نام نواده حسام الرين چلبي مي باشد.

نويسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 6:6

آقای متقی. بنیان اندیشان علاوه بر مقالات پر تعداد، مدتی است دو مبنا و معیار برای تشخیص سلامت مباحثات را دارند: مستند تختگاه هیچ کس و اخیرا مستند طوفان نوح. از نظر پیروان بنیان اندیشی کس و یا کسانی که با دیدن تختگاه هیچ کس باز هم نیمه ساخت بودن تخت جمشید از نخست مخروبه را نمی پذیرند، آشکارا تجاهل می کنند و در مقیاس مباحثه و داد و ستد اندیشه نیستند و همچنین است مستند طوفان نوح. اگر کسانی به قرآن استناد می کنند اما آن پدیده ی جوی را که به توصیف قرآن منجر به پدید آمدن امواج آب به بلندی کوه ها و امکان راندن کشتی بر آن شده، عامدانه کوچک می کنند، سیلاب می خوانند و معجزه می دانند، نه رخ دادی طبیعی که نیازمند مکان مشخص است و به دنبال ده هزار برگ نوشته هنوز در باب پوریم دچار مشکل اند، پس با چنین کسانی که درکی از جان کلام این نوشته ها نداشته و در مبانی متوقف اند، باید از الفبا شروع و دعوت کرد که بار دیگر مثلا یادداشت 104 و دلایل وقوع پوریم و عوارض و حواشی و تبعات آن را بخوانند و برای ادله ی آن پاسخی بیاورند و همچنین است دلایل اثباتی وقوع طوفان در ترکیه که از جمله بقایای آن کشتی در میان کوه هاست که احتمالا از آسمان به زمین نیفتاده و نمی توان منکر آن شد. زمانی نوشته بودم که مستند طوفان، تختگاه دیگری برای ترکان است و اینک به معاینه می بینم که تعصب در هر حوزه و قوم و زبانی، شناس نامه ی واحدی عرضه می کند.

آقای کریمی. یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را از ابتدا بخوانید. مشکل تان رفع خواهد شد. مختصر بگویم در آن نوشته ها که می گویید سطری سالم و غیر جاعلانه یافت نمی شود.

نويسنده: naria

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 6:53

روزی تاریخی برای عراق اما نه بروایت انگلیس ها « ایندیپندنت »

179 سرباز قربانی؟ واقعاً برای چه؟ در قبال 179 هزار عراقی بی‌گناه؟ یا شاید هم یک‌میلیون نفر؟

تاریخ انتقام گیرنده سختی است. من در کتابخانه‌ام نسخه‌ای اصلی از بیانیه ژنرال انگوس مائود خطاب به مردم بغداد را دارم که در یک مزایده تلفنی چند روز پیش از حمله به عراق در سال 2003 آن را به قیمت 2000 دلار خریدم. البته امروز هر سنت آن هم باارزش است! "عملیات نظامی ما هدف خاص خودش را دارد. شکست دشمن! نظامیان ما که به شهرها و سرزمین شما پا گذاشته‌اند اشغالگر یا دشمن شما نیستند. آنها برای آزادی شما آمده‌اند." و به این ترتیب ماجرا شروع شد. باید اضافه کنم که مائود خیلی زود به سبب ابتلا به وبا در بغداد از میان رفت و از ماوقع ماجرا دیگر خبردار نشد!

بعد از شش سال و یک ماه و یازده روز انگلستان در نهایت عملیات نظامی خود را در عراق پایان داد. فقط یک قصه همیشگی در پشت قضیه خروج انگلیسی‌ها از بصره وجود داشت. نیروهای اشغالگر انگلیس با مقاومت گروهی عراقی روبه‌رو شدند ولی برای مقابله همه شهر فلوجه را به نابودی کشاندند. کار به جایی رسیدکه حتی سازمان اطلاعات نظامی انگلیس در بغداد پای دیگر کشورها را هم به میان آورد و مدعی شد که مخالفان شیعه از مرزهای سوریه به عراق وارد می‌شوند. خدای من! آن وقت لوید جرج در مجلس عوام انگلیس برمی خیزد و ادعا می‌کند که در صورت خروج نیروهای انگلیس "آشوب" همه کشور را فرامی‌گیرد. حتی تکرار دوباره این سخنان نیز شرم‌آور است! در نامه‌ای که از سوی نجرس بن قعود به سازمان اطلاعات انگلیس در سال 1920 نوشته شده این گونه آمده است: " شما نمی‌توانید با ما مانند گوسفند رفتار کنید... ما مردمان عراق مردم کشوری هستیم که مغز متفکر دنیای عرب هستیم. وقت کوتاهی دارید تا به سرعت بین‌النهرین را ترک کنید. اگراین کار را نکنید ما به زور شما را بیرون می‌اندازیم... "

وب سایت

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 8:5

با سلام
استاد به نظر کسانی که با شما هم راهند و نظریات شما را کاملا درک کرده و پذیرفتند و با صبر و حوصله مطالب را پیگیری میکنند و جنجال بیخودی به راه نمی اندازند و سئوالات بچه گانه از شما نمی کنند به قول شخصی به نام علیرضا آشتیانی شدند پاچه خوار شما که دربست حرفهایتان را بدون هیچ تفکری قبول میکنند!!
غافل از اینکه که خودشان بسیار شوت تشریف دارند و حتی یک کلمه از نوشته های بنیانی شما را درک نکردند!!
به قول خودتان همان یک عکس از مسجد شیخ لطف الله برای کسی که واقعا خواهان حقیقت است کافیست.ولی کو خواهان حقیقت!هرکس تا جایی که به نفعش هست همراه شما می باشد و به به و چه چه به راه میاندازد!ولی وقتی حتی یک کلمه به مذاقشان خوش نیامد می شوند دشمن درجه 1 شما و تزهایتان!!
بعضی از دوستان را هم میبینیم که بیخودی وقت خود را صرف پاسخ به یاوه های افرادی متعصب یا مامورین کنیسه میکنند!این کار هیچ فایده ای نخواهد داشت!و کارشان جز آب در هاون کوبیدن نیست!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 10:46

آقای naria. احمقان آمریکایی که از تاریخ نیاموخته اند و ندیده اند که چند قبیله ی افغان ارتش انگلستان را در چند دهه پیش مانند پشه له کردند و ارتش سرخ عملا شکست ناپذیر را با خفت از افغانستان بیرون راندند و هنوز به جای محاسبه ی منبع این قدرت پنهان گمان دارند با ارسال سی هزار سرباز و اعمال جنایات جدید خود را نجات خواهند داد، لیاقت سرنوشتی را دارند که ان شا‌ٴ الله به زودی شاهد آن خواهیم بود. مردم عراق هم که میراث شرق میانه ی ممتاز را در کوله بار خویش دارند، درس بزرگ دیگری به متجاوزین داده اند و خواهند داد. اینک تنها پرچم بلند مقاومت جهانی علیه یهودیان خیانت کار به فرهنگ و تمدن آدمی در بین النهرین و میان مسلمین برافراشته است.

آقای ایلماز. نه فقط آن تصویر مسجد شیخ لطف الله که نگاهی سرسری به یادداشت های 34 تا 38، 85، 95 تا 102، 123 تا 129، 136 و 137، 156 تا 158، 163 و 164 و 170 تا 174 هر متعصبی را از منبر هیاهو پایین می کشاند. تجارب این گفت و گوها و نوشتارها به خوبی نشان داده است که مردم منطقه ی ما و مسلمین همسایه چه آسیب کمر شکنی از انواع قوم پرستی دیده اند که لغت به لغت تبلیغ آن را یهودیان بر زبان ما گذارده اند. گرچه تجارب مقاومت اسلامی در این حوزه نشان داده است که در برابر این انبوه دشمن جز قرآن تکیه گاه دیگری برای هیچ یک از ما وجود ندارد.

نویسنده: احسان

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 13:47

سلام
این کلمه تَعُولُوا را عده ای ظلم ستم و عده ای عدل و عده ای عیال وار شدن ترجمه کردند. این کلمه در قرآن (عول) یکبار درهمان سوره نسا آمده.

ای کاش معنی کاملی از آیه را در همان باکس میگذاشتید

وب سایت

نویسنده: عادل

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 14:35

http://depts.washington.edu/silkroad/texts/olearius/travels.htm

http://www.irandoms.org/Isfahan.htm

نویسنده: بنیاد ایرانشناسی

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 15:39

سلام به همگی. بنیاد ایرانشناسی برای آموزش ایرانشناسی نوع نوین بروز گشته است. زود بیاییییددددد

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 16:32

آقای بیجار. آدرس ما در نمایشگاه: سالن شبستان، راهروی 15، شماره ی 8.

آقای حسینی. ممنون. کنترل خواهم کرد.

آقای عادل. لینک اول ارسالی شما پیدا نشد و لینک دوم شاهکار بود. اگر موجب بیداری نازندگان به شاه اسماعیل صفوی شود. جالب این که اکثر نماهای نقاشی و عکاسی شده از میدان نقش جهان، که دیده ام، از زاویه ای است که مسجد شیخ لطف الله را نمایش ندهد!!!؟

آقای احسان. ادنی در قرآن به معنای نزدیک تر و سزاوارتر است: غلبت الروم فی ادنی الارض. روم، 3، یا و اقوم للشهاده و ادنی الا ترتابوا. بقره، 282. "الا تعولوا" هم به معنای "اگر می خواهید جور نکرده باشید" و "اگر می خواهید مستمند نشوید" و "اگر می خواهید آسیب نبینید" است که هر سه معنا از ریشه ی عله و یا علت می آید. این شاهکار فصاحت در قرآن است که با انتخاب مشتق "تعولوا" تذکر می دهد که انتخاب یک همسر و یا مراجعه به ما ملکت ایمانکم، موجب جلوگیری از ظلم و بی چیزی و صدمه می شود. مطلبی که بر سبیل تجربه نیز از عوارض آشکار چند همسری است.

نویسنده: احسان

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 18:1

آقای پورپیرار استاد گرامی بنا به درخواستتان نظر و گمانه زنی خودم را حول آیات نوشتم. امیدوارم نظرات خود را بیان کنید. چون من تازه کار هستم و شاید نظراتم اشتباه باشد.

لینک اول عادل هم به این صورتست :

http://depts.washington.edu/silkroad/texts/olearius/travels.html

وب سایت

نویسنده: عبور

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 19:46

سلام بر همگی

از گروه تحقیقاتی اینترنتی پوریم خبر دارید؟

http://groups.google.com/group/purim?hl=fa

وب سایت

نویسنده: ultra

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 20:18

با سلام
کارت عروسی محمدرضا شاه و فرح دیبا(با فیلتر شکن بروید)

http://setrace.com/s.aspx?id=191648&term=افشین قطبی و فرح دیبا

از دیدگاههای علی لاریجانی:
ایرانیان قبل از اسلام مردمانی بی‌سواد، بی فرهنگ و وحشی بودند و خود نیز علاقه داشتند بی سواد بمانند.

وی همچنین تمامی پیشرفتهای فرهنگی و علمی ایرانیان قبل از اسلام را دروغ خوانده و اندک فعالیت‌هایی نظیر تأسیس دانشگاه «جندی شاپور» را حاصل تلاش عده‌ای از مسیحیان دانسته‌است.

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86%DB%8C

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 20:44

آقای یه نفر که ظاهرا کارت در این سایت خنداندن و جوک گفتن است. ما دوست نداریم حقیقت را از دهان آدمی مثل تو بشنویم. چون کامنتهایی که می فرستی بوی نژادپرستی فارسی و ضد ترکی میتوان به راحتی از آنها احساس کرد... پس برای دیگران جوابیه صادر نکنید.

دیگران را می خندانم و به حالت می گریم ای فراری از حقیقت که رو به سوی دهان داری. اگر دوبار این جمله را بخواند کسی و نلرزد سزاوار ندبه و زاری است.
****
خسته نباشید. جناب پورپیرار! خودتان این دوستان به ویژه آقای یه نفر را به آرامش دعوت کنید. فبشر عبادی الذی یستمعون القول فیتبعون احسنه ...

فبشر عباد الذین و نه فبشر عبادی الذی ای به آرامش خفته.
***
سلام و صبح بخیر جناب استاد به نظر میرسد حملات به شما و مطالبی که ارائه میدهید سازمان یافته تر و وسیعتر شده که احتمالا بدلیل حساسیت های موجه ترکان در برخورد با یادداشتهای اخیرتان باشد.

حساسیت های موجه یعنی چه؟!
***
من برای خواننده ام می نویسم و اگر وی به هر دلیل شما را در خوشیهای خویش شریک می کند تا کمی شاد شوید از الطافش متشکرید؟!
اما شما معترضید. نوشته های من را به اراده خود می خوانید و از فرط بی ارادگی در بی توجهی به آن، که را مقصر می دانید؟
بخواهید که تایید نشوند نه اینکه ارسال نشوند. آیا نمی دانید که موارد بسیار موهن هتاکی ها هم ارسال می شوند؟ آیا تایید می شوند؟ به چه حقی دستور می دهید به من که چه چیزی بفرستم یا نه؟ خود شما یک جوک درست و حسابی دارید بفرستید؟ یا یک حرف اساسی و مهم؟
شما مجاز دانسته شده اید به ورود به حیطه ای. اصرار دارید که از آن بگریزید؟فرق شما با یهودیان چیست که دیوار ندبه دارند؟ آیا آنان نمادی هم برای شادی دارند؟
شما چطور؟ از من چه می خواهید؟

نویسنده: infra

چهارشنبه 16 اردیبهشت1388 ساعت: 20:46

نام ultra قبلا رزرو شده است و استفاده از آن غیر قانونی است. در این زمینه اخطار کتبی داده شده است.



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 212، نتیجه،20، درباره ی منابع زبان فارسی، 68 - 5 نظر

نویسنده: سحر

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 8:41

سلام حضرت استاد پورپیرار سی دی طوفان را نگاه کردم و از شوق اشک ریختم که در میان خود صاحب اندیشه و نظری چون شما داریم و تعجب کردم که چرا عده ای بر این سی دی کاملا قانع کننده اشکال می گذارند؟! خداوند بر درجات شما بیفزاید.

نویسنده: ؟

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 9:55

عکس- مرقد حضرت یوسف(ع)
http://www.ayandenews.com/fa/pages/?cid=6940

نویسنده: رضا

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 11:51

زمانی نه چندان دور، بحث در سر این کلاس بین تلاشگران بنیان اندیشی و باستان پرستان کور دل اعم از پارسی و تورکی و کوردی و عربی و... بود.خیلی از این جدل کاران یا آگاه تر شدند و سکوت کردند و برخی هم نخواستند که از تاریکی ها به نور هدایت شوند و" خالدین فیها ابدا" در آن سکنی گزیدند و خاموش شدند. چراغ هدایتی که من از این سایت معظم به امانت گرفتم حق و صبر بود حق را کتمان نکنیم و در برابر ناملایمات صبور باشیم.قصد انشا نوشتن ندارم زیرا زبان شیرین پارسی را خوب نمیدانم (بخصوص به لغتنامه های اسدی و رشیدی و دهخداو...دسترسی ندارم تا بیاموزم) اما سخنی دارم با تنی چند از اساتید محترم که هراز چند گاهی با نام و عنوانی یادداشت ارائه می کنند: 1- خداوند در قران می فرماید:ویل لکل همزه لمزه. کلاس درس و بحث جای توهین ولجن پراکنی نیست. دوستانی که توان تشخیص وابسته بودن کسی را از روی چند سطر نوشته به یهود و آنوسی و... دارند سعی کنند عاقبت اخروی خودشان را و روز معادشان را بفهمند و رفع عیب کنند.

وب سایت

نویسنده: رضا

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 11:52

ادامه....
- در سوره زمر آیات 17 و18 در مورد گوش کردن به همه اقوال است و انتخاب بهترین. فبشر عباد ازآخر آیه و الذین یستمعون اول آیه بعدیست. کشف یک یای غلط نوشتاری افتخاری ندارد تا کسی را تخطئه کنیم معنی بنیان اندیشی ارشاد و راهنمایی صبورانه است.3- متاسفانه ما هنوز نتوانسته ایم از رنگ پاشی و تهمت بر علیه مخالفین خود رها شویم.اگر تهمتی می زنیم که دلیل محکمه پسندی ندارد حساب معاد خود را سنگین تر می کنیم. 4- استاد بارها تذکر داده اند که این کلاس درحال بررسی تاریخ دروغین اقوام خاور میانه است و هیچ بحثی باعث عدم رعایت حقوق فعلی آن اقوام نیست و مثلا جعلی بودن سعدی چیزیست جدای از ظرایف ادبی گلستان. لحن ایشان در کتاب زیبای "مگر این پنج روزه" جای دقت و آموزش دارد. بنابر این صرف جعلی بودن زبان پارسی یا تورکی مجوز توهین به هموطنان پارس یا تورک را نمی دهد.اصلا این سایت با چاله میدان متفاوت است و فرهنگ چاله میدانی برخی از دوستان ارتباطی با علم و تفحص و تدریس و تحصیل ندارد. با تشکر از استاد بخاطر ارشادات مکررشان و تحمل دوستان بخاطر خواندن یادداشت بنده.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 13:12

آقای عادل. ممنونم.

آقای حسینی. با تشکر دوباره واصل و به استاد غفوری مسترد شد.

آقای رضا. وقتی مدخل و مبحث نوی گشوده شود و کسانی زبان به هتاکی نگشایند، از آن که فحاشان از الواط و ته مانده های جوامع اند، پس آن مدخل و مبحث لمپن های فرهنگی را نیازرده است. بنا بر این باید به خود ببالم که ده سال است اهل چاله میدان دانشگاه نشین و غیر دانشگاه نشین را در نمایش ابراز نادانی بی کار نگذارده ام؟! آیا آن اساتید معروف را به یاد می آورید که در مرکز گفت و گوی تمدن ها ذخیره و آموخته های چاله میدانی خود را بیرون ریختند و حالا برای اجرا نکردن حکم دادگاه در سوراخ های خود پناه گرفته اند؟!

خانم سحر. مستند طوفان نوح در عین سادگی چندان نیرومند است که صاحبان خرد را به حقیقت تازه ای هدایت کند. مسلم بدانید اگر با همین دلایل وقوع طوفان را به چین و آفریقا و مرز میان کانادا و آمریکا و یا مکزیک و شیلی می کشاندم، مخالف خوانی نداشت، مشکل این است که بروز طوفان در ترکیه قصه های تاریخی قوم پرستان ترک را می شوید و با خود می برد!

نویسنده: فتح

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 18:13

این دیگه خیلی خواندم دارد.

چرا می خواهم رئیس جمهور شوم؟

lhttp://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/05/090506_ka_ir_election.shtml

نویسنده: س

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 18:27

سربازان زن آمریکایی قربانیان خشونت جنسی

http://www.alborznews.org/pages/?cid=8452

نویسنده: لتال

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 20:58

با سلام
در مورد پیام (توحیدسه شنبه 8 اردیبهشت1388 ساعت: 12:37بعد به منطقه ایی رفت با نام « داشک حسن » در نزدیکی سلطانیه که نمی دانم آیا آنجا را از نزدیک دیده اید یا نه ولی چیزی که جالب بود پای بودایی ها را هم به وسط کشاند و .....
)
به گمانم نام صحیح این منطقه (داش کسن) بوده باشد که اسمی ترکی و روستائی در آذربایجان شرقی می باشد و تعدادی معادن سنگ در آنجا قرار داشته و به معنای جائی برای شکستن سنگ میباشد.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 19:25

سلام

اداره آگاهی مصر اعلام کرد جنازه فرج الله سلحشور در ساحل نیل یافت شده است. در همین رابطه استاد به عنوان متهم شماره یک تحت تعقیب قرار گرفت.

روابط عمومی دفتر بانو زلیخا اعلام کرد علت عدم نمایش مراسم عروسی با یوزارسیف، صیغه ای بودن عقد بوده است.

سازمان فضانوردی ایران اعلام کرد طرح تغییر نام ماهواره امید و سیاره زهره به یوزارسیف و زلیخا در دست بررسی است.

با جوان شدن زلیخا، اولین گروه از پیرزنان ايراني در قالب راهيان نور راهي مصر شدند.

فرمان الهي :
اي يوزارسيف موتور زليخا تازه تعمير شده تخته گار نرو تا آب بندي شود.

جلسه فوق العاده هیئت دولت برای مبارزه با گرانی های اخیر:
با جوان شدن زلیخا از عشق به یوزارسیف، قیمت پایه پسران مجرد افزایش یافت.

پیرزن دست دوم، تصادفی، اوراق و از خط خارج خریداریم.
صافكاري نقاشی یوزارسیف

نویسنده: من شاگرد و تو استاد

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 23:11

حمايت فلسطيني ها از صدام......صدام شهيد حج....

NewsID=78858&http://www.hawzah.net/Hawzah/News/NewsView.aspx?LanguageID=1

نویسنده: تیله

پنجشنبه 17 اردیبهشت1388 ساعت: 20:16

ای آمون بزرگ
نفرین تو بر infra ی حسود و ندید بدید و بر ultra ی دزد و غاصب!
ای آمون، ای خالق جادوگری و وردخوانی، طلسم شیطانی زیر را بر من بگشا که من در گشودن رمز آن بسی حیرانم!
؟؟؟
!!!
XXX

ساعتی پیش با تعلبکی روح "پوتی" (پوتیفار:شوهر سابق همسر فعلی هزارصیغه)را احضار نمودم تا مرا به معنی آن ورد مخوف آگاه سازد، او با تکان تعلبکی گفت که معنای آن "1000تا حرف بار نکرده" از جمله ناسزا و نیش و طعنه و غرولند است ولی من حرف او را باور نکردم چون او قلبا" از آمون پرستان نبود و با ما دشمنی داشت!
آه ای آمون رهنمایم باش!!!؟

نویسنده: صنوبری

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 4:6

سلام

جناب استاد نظرتان درباره واژه « خلیج » چیست ؟ جالب است از روی کنجکاوی به دنبال ریشه آن رفتم که « خَلَجَ » و « خالَجَ » به معنی عجیب زیر بود :

« ذهن کسی را مشغول کردن » ، « فکر و اندیشه کسی را مغشوش کردن » ، « تحریک کردن فکر کسی »

به نظر شما این نامگذاری یک اقدام آگاهانه و شامورتی بازی استعمار در یکصد سال اخیر نبوده است تا به ریش طرفین منازعه « خلیج فارس » هم خندیده باشد ؟

نویسنده: محمد

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 10:45

سلام با این عنوان به روزم

فرهنگ جنسی قرآنی به همراه حقوقی از زوجین

1- زدن زن در قرآن وجود خارجی ندارد
2- مهریه در قرآن وجود خارجی ندارد
3- عدم تعریف روسری با تعریف موجود در جامعه امروز
4- طلاقی با نام خلع در قرآن وجود خارجی ندارد
5- حوریان بهشتی زنان درشت چشمی بهشتی نیستند
6- چیزی به نام لختی آدوم وحوا در قرآن وجود خارجی ندارد
7- رفتار جنسی در جوامع فساد زده از نگاه قرآن

و......

منتظر بازدید و نظرات هستم

وب سایت

نویسنده: هودج

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 11:52

سلام
کسی از حضار نرم افزار خواندن فرمتpdf برای مبایل سراغ دارند؟

نویسنده: محسنی

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 14:2

سلام
آقای عابدی فرمتpdf از شماره 51 تا 75 ایرانشناسی کار نمیکند و دانلود نشد!

نویسنده: صنوبری

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 15:37

با سلام مجدد

استاد معنی ریشه های دیگر « خلیج » :

« الخالجة » : احساس – احساسات – هیجان – وسواس – مشغله ذهنی – نگرانی – سوء ظن

واقعا که وسعت جعل و دقلکاری اوباشان غربی و یهودی و دست نشانده ها و عوامل آنها قابل سنجش نیست ، خداوند خود به حساب این سیاه دلان و حیوان صفتها رسیدگی کند که اینچنین جنایاتی را مرتکب می شوند و بساط سور و ساتشان و طعامشان حاصل گوشت هزاران انسان بی گناه و شرابشان خون هزاران مردم بی بضاعت است .

به قول شریعتی ، این آمریکاییها به جزیره ای در آفریقا می روند و شایعه می سازند که آری ما یک قبیله آدم خوار کشف کردیم ، و گویی نمی دانند که مردم هر روز در رسانه ها می بینند که شما خود روزانه و علنا آدم خوری می کنید و صدها انسان بی گناه را به خاک و خون می کشید .

نویسنده: یه نفر

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 15:41

دو تا اصفهانی با هم همسایه بودن ... هر سی ثانیه برق یکیشون می رفت ... تحقیق می کنن می بینن از چراغ راهنمایی برق کش میرفتن...

دکتر نظام وظیفه پسر لاغری را معاینه کرد و در برگه نوشت : معاف، به دلیل ضعف جسمانی پسره با خوشحالی گفت : آخ جون فوری میرم زن میگیرم . دکتره نوشت : و همچنین ضعف عقل.

یارو سربازیش تموم میشه، وقتی کارت پایان خدمتشو بهش میدن، نگاه میکنه میگه: ای بابا، من که ازینا چهارتا دارم!

یارو لنگ بوده با کشتی میره سفر...وقتی برمیگرده رفیقش میگه خب سفر خوش گذشت؟؟ میگه نه بابا همش استرس داشتم هی می گفتن لنگرو بندازین تو آب

مرد به زن : عزیزم ممنونم ازت ! تو اعتقاد به دین رو به زندگیم آوردی! چون من قبل از ازدواج معتقد بودم جهنم اصلا" وجود نداره

سلام ، ببخشین مزاحم میشم میخواستم بدونم با این همه بیشرفت تکنولوژی چرا نوار غزه به سی دی تبدیل نشده !!!؟

به زودی گندم های آفت زده کاهنان از طریق کالا برگ ! به فرهنگیان عزیز اهدا میشود !!!

سرهنگه داشته امتحان رانندگی می‌گرفته. از یارو می‌پرسه: اگه یه نفر وسط خیابون بود، بوق میزنی یا چراغ؟ طرف میگه: برف پاك كن جناب سرهنگ! سرهنگه کف می‌کنه می‌پرسه: یعنی چی؟ یارو میگه: یعنی یا برو این طرف یا برو اون طرف

نویسنده: 123456789

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 16:34

قابل توجه اقا احسان(نوشته شده ذر تاریخ دوشنبه 14 اردیبهشت1388 ساعت: 10:12)
منظور "يك مسلمان" ساختار كلمه است نه معناي آن؟؟

۲ ۱

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 213

ایران شناسی بدون دروغ 213، نتیجه، 21، درباره ی منابع زبان فارسی، بررسی متون یهودی - فارسی - 91 نظر

نویسنده: بهروز

جمعه 18 اردیبهشت1388 ساعت: 23:23

استاد ! هر چه گفتيد درست. اينها را چگونه به آنها که بايد بدانند بفهمانيم؟ امروز کتاب 23 سال دشتي را خوندم گرچه کاملا تاييد نمي کنم ولي مطالب پرده در زيادي دارد براي تامل. آيا براي گفته هاي شما هم 45 سال وقت لازم است تا جامعه آرام ارام خود را بتواند با آن درگير کند؟

نویسنده: R134

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 1:0

سلام. کتاب آمنون نتصر رو کجا میشه یافت؟
ممنون

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 1:21

آقای بهروز. کتاب اسلام و شمشیر را بخوانید تا متوجه شوید سطری از نوشته های دشتی و یا به عبارت صحیح تر کتاب علی نقی منزوی، در 23 سال، صحیح نیست.

آقای R134. این کتاب در سال 1352 در انتشارات فرهنگ ایران زمین چاپ شده است. احتمالا در کتاب خانه ی ملی بیابید.

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 2:31

سلام استاد

واقعا عالی بود.پیوند دادن این همه نکته و اشاره در تاریخ و ادبیات با هم ؛ و ارایه یک مفهوم جدید هنری است که افرادی مانند شما دارند.
برای من درسی است که از آنچه می بینم سرسری نگذرم.
منتظر ادامه مطلب هستم.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 7:50

احسنت.

بسیار روشنگرانه و افشاگرانه بود استاد.

خسته نباشید.

نویسنده: س

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 8:35

با سلام
استاد بسیار حیرت انگیز بود!
پس فقط کافیست واژه فارسی-یهودی را عوض کرده و بگوییم یهودی- خط عربی =(یهودی-فارسی)!!

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 10:9

دوستان حتما ببینید و نظر دهید:
تشویق دومینیکنها به مطالعه آثار ابو علی سینا: کمک به درک تعالیم مسیح!
http://www.irandoms.org/framefar.htm

دومینیکنها
حدود 800 سال قبل یک کشیش کاتولیک به نام دومینیک گروهی از کشیشان تشکیل داد (نظام واعظین)، که مانند رسولان اولیه مسیح بروند و با عقاید دروغ که زندگی مردم را تباه مینمود مبارزه کنند.

این دسته به "دومینیکنها" مشهور شدند. یکی از معروفترین آنها توماس آکویناس قدیس بود که مردم را به مطالعه آثار ابوعلی سینا به عنوان کمکی برای درک تعالیم مسیح تشویق می نمود.

دومینیکنها در ایران
دومینیکنها چند سال پس از تشکیل گروه (نظام واعظین) به ایران آمدند. یکی از همراهان نزدیک دومینیک قدیس در میان اعضای این گروه بود. به این ترتیب حدود 700 سال قبل جماعات دومینیکن بسیاری در نواحی سلطانیه، که در آن زمان پایتخت ایران بود، زندگی می کردند.
بعدها یک گروه از راهبان ارمنی به دومینیکنها پیوستند و انجام امور صومعه ها و رسالت برادران خود را به عهده گرفتند. این دومینیکنهای ارمنی به مدت دو قرن و نیم در کلیسای ایران خدمت کردند.

اصفهان
در قرن هفدهم، پس از اینکه اصفهان در زمان شاه عباس پایتخت ایران شد، دومینیکنها در آنجا یک کلیسا ساختند و آن را به بانوی ما "مریم مقدس" تقدیم نمودند. این کلیسا امروزه هنوز پا برجاست.

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 11:22

در مورد سریال یوزارسیف:

جناب آقای سلحشور

من اصلا کاری ندارم که بیست میلیارد مملکت را هدر داده ای و اصرار داری که شش میلیارد است . و از اینکه تخیل مردم را نسبت به یوسف و قصه زیبایش خراب کرده ای ناراحت نیستم . و به رگ غیرتم برنمی خورد که ساق پای زلیخا و گردن زن یوذارسیو پیداست .و از این که اردلان به جای جبرییل بازی می کند خنده ام نمی گیرد . و از این که خیال می کنی از همه علما و فضلای قم باسوادتری و می توانی بفهمی کدام روایت صحیح است و کدام خراب و جواب سبحانی و شیخ حسین و...را با قدرت تمام می دهی هیچ خیالی ندارم . و مطمئن باش از این که هنوز نمی دانی زبان معیار چیست و گونه های زبانی چیست از تو انتقاد نمی کنم و تعجب نمی کنم وقتی یک برده بی سواد می گوید ” کاهنان ما را به استعمار کشیده اند و مانع توسعه یافتگی مملکت مصر شده اند ” و یا مسئول آن دو سیلویی که قرار است هفت سال گندم را نگهداری کنند به کسی می گوید ” نام شما در لیست نیست ” . وبه من چه که نم دانی آن زمان نمی گفتند ” سوریه ” و اهرام مصر بعد از یوسف ساخته شده اند . و اصلا به من چه که زلیخا جوان شد را از کجا درآوردی . کسی کاری ندارد که روایت شما توراتی است نه قرآنی . از این که پرتقال تامسون را جای ترنج به خورد زیبارویان مصر می دهی و موش پلاستیکی را جای موش واقعی بازی می دهی گله ندارم . من گله نمی کنم چون جوابت این است که این آقا نماز نمی خواند و غرض مرض دارد .و کاری ندارم که یعقوب از هزار کیلومتری بوی یوسف را می شنود ولی از نزدیک نمی داند کدام یوسف است . و یوسف یک قسمت عالم الغیب است و یک قسمت هم سلولی اش را نمی شناسد . و از این که یک گله بیست گوسفندی را یازده چوپان می رانند شگفت زده نیستم . و از این که یعقوب یک آدم جاهل و احمق نشان داده شد نمی پرسم در حالی که زلیخا عارفی بالله بود که حقایق عرفان را درک کرده بود ولی یعقوب هنوز اسماعیلش را ذبح نکرده بود . فقط یک سوال مهم دارم .
این گفت و گو و محاوره زیر را که در حد اعجاز است از کجایت درآورده ای ؟
یعقوب : آه آنها چیستند . کوهند یا تپه .
یکی از بچه های یعقوب : نه . آنها اهرام مصرند .
یعقوب : اهرام مصر ؟
یکی از بچه ها : آری اهرام و این ها ساخته دست بشرند .
یک بچه دیگر یعقوب : وبزرگترین بناهای ساخته دست بشرند .
یعقوب : اوهوم .

نویسنده: بابک

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 13:35

استاد حقیقت گو
با سلام
وقتی شما دوستان را در جواب سوالاتشان به صبر دعوت میکردید حالا در می یابم با صبوری به جواب سوالاتی می رسیم که شاید اگر شما نبودید تا آخر عمر هم کسی برای ما جوابی نداشت. یهودیان ایران به غیر از اینکه تمام آثار ادبی ما را به زبان فارسی و به خط عبری نوشته اند بلکه تمامی تاریخ راستین آثار باستانی ما را در نوشته هایشان محفوظ نگه داشته اند و این دروغهایی را که در این 100- 150 سال به خورد ما داده اند همه روی یک برنامه ریزی کاملا زیرکانه می باشد. زادگاه من روستایی به نام داراب از توابع شهرستان سراب می باشد. در جوار این روستا تپه ای باستانی وجود دارد که متاسفانه توسط دزدان اثار باستانی کاملا تاراج شده و فقط اثار بی ارزش آن باقی مانده است. کسی از گذشته و تاریخ این سایت

باستانی چیزی نمی داند ولی در روستای ما پیرمردی صدو چند ساله با سواد و حافظ و مدرس قران وجود دارد در صحبتی که با ایشان داشتم می گفت گذشته و تاریخ این تپه باستانی (کول تپه به معنای تپه خاکستر شده) در زمان احمد شاه در دست یک جهود بوده که حتی این جهود اجازه خواندن این کتاب دستنویس را هم به این فرد نداده است. به نظر من این نمونه ای می تواند باشد که عوام و بیسواد بودن مردم ما در آن زمان چه بلاهایی بر سر مردم الان ایران آورده و چقدر کار این جهودان را در تزریق دروغ در ذهن نسلهای بعدی جامعه ایران را راحت کرده است.
زیاده گویی مرا ببخشید
برایتان آرزوی سلامتی دارم

نویسنده: مهران حقیقت

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 15:35

http://raavid.blogfa.com/page/1.aspx

سلام استاد

لینک بالا را ببینید.
شخصی با نام انوش راوید مطالبی در مورد دروغ بودن جنگ چالدران، حمله اسکندر و مغول و ... نوشته اند.
روش کار ایشان هم جالب است. اما ظاهرا هنوز هم گرفتار توهم "ایران بزرگ" هستند.

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 21:0

سلام بر استاد گرانمایه ...

باز هم تشکر و قدردانی از نوشته هلی روشنگر شما...

خوشحالم که نوشته هاتونو می خونم...

وآخردعوانا ان الحمدلله رب العالمین

نویسنده: بهروز

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 21:38

با تشکر از حسن توجه استاد
آقا مهران !حرف هاي اين انوش هم فرقي با غيبت كردنهاي منوش, همسايه ما ندارد .آقا انتظار دارد از جنگ چالدران نشاني باقي بماند آنهم چي؟ توپ و تفنگ!!. بنظر بنده اين آقا در راهي قدم گذاشته كه هدفي جز سنگ اندازي در مسير حق و حقيقت اسناد پور پيرار نيست . دانسته مطالب بي ارزش و بي بنيان را بدون سند و مدرك موجه تفسير مي كند تا كسي كه طالب تاريخ شناسيست از همه چيز متنفر شود حتي سخنان استاد.
اين آقا فيلم هم زياد ميبيند مثلا براي محكم كاري عرض كرده :"احتياط ! هوشيار باشيد ستون پنجم نرم دشمنان در اطراف ماست"
و در پايان اگر هم نيت خيري براي اين كار دارد حكايتش داستان خاله خرسه است.

نویسنده: آمون

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 21:54

آمون به روز شد.
www.amun.blogfa.com
مشاوره به کسی داده نمی شود. با ایمیل هم.
در صورتی که کامنت خصوصی می فرستید حتما اطلاع دهید وگر نه تا زمان نصب مقاله بعدی دیده نخواهد شد.

نویسنده: ایلماز

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 22:45

با سلام
استاد بسیار شگفت انگیز بود.پس پدر و مادر این همه کتب شعر و تاریخ و ... معلوم شد!
خسته نباشید

نویسنده: riza

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 22:46

bozorg estefade mikonid Aghaye Pourpirar chera bejaye "TÛRKISTAN" az vazheye Khorasane

وب سایت

نویسنده: مسلمان زاده

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 23:13

کف کردم، هیچوقت فکر نمی کردم به اینجاها بکشه

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 23:17

آقای riza. در آن خطه بوده ام و باور کنید اگر ازبکی را ترک خطاب کنی عصبانی می شود و در عشق آباد مردم با آن فارسی صحبت می کردند که حالا می دانیم از کجا رسیده و خود را خراسانی می خواندند.

آقای ایلماز. به رعایت ضعف قلب کسانی که هم ترکند و هم دل شان برای غزل های حافظ قیلی ویلی می رود و غنج می زند، یادداشت آخر را خلاصه گرفتم وگرنه ماجرا بسی لجن تر از آنی است که خوانده اید.

آقای پزشک عرب آبادانی. ممنونم. می گویند این یادداشت ها را عرب ها می نویسند و برای من می فرستند تا با نام خودم نصب کنم. بی رحم ها را چندین بار گفته ام که سی دی بفرستید باز هم دست نویس می رسد و باید دوباره تایپ کنم! شما واسطه شوید!

آقای مهران حقیقت. دور خودش می چرخد و هنوز تکلیف اش را مثلا با پوریم معین نکرده است.

آقای حسینی. ممنونم و فردا خواهم دید. در ظاهر اشکال کوچکی بروز کرده و یک عدد صفر گم شده است!

آقای بابک. نوادگان آن جهود عهد احمد شاه هنوز هم اختیار سایت های باستانی ما را به دست دارند و کسانی از خودمان شب و روز خدمت شان را می کنند.

آقای تلمیذ. بحث مالملکت ایمانکم را هنوز تمام نکرده ام. همین قدر بدانید که کنیز خواندن آن ترکیب به هر بهانه و با هر تمهید اعلام نادانی نسبت به مفاهیم مستقیم آیات قرآنی است.

آقای مهران حقیقت. این شیرین ترین افسانه ای بود که در باب دومینیکن ها خوانده بودم. نه هفتصد سال پیش تجمعی در حد یک ده فکسنی در ایران بوده و نه هنوز شاه عباس را در تاریخ ایران یافته ایم. زیرا دیدیم که مسجد شیخ لطف الله او را در زمان ناصر الدین شاه می سازند!

آقای علی از مالزی و آقای طالب حقیقت. ممنونم. امیدوارم مقوله ی دشمن شناسی در میان مسلمانان به یک رویه ی روزانه بدل شود.

آقای مسلمان زاده. و هنوز خبر ندارید چه در پیش است. آن شیوه ای که اندک اندک این مباحث کلان و دشوار را چنان پیش برد که امروز بسیاری کسان به آسانی هویت یهودی زبان فارسی را می پذیرید، خود یک مکتب نوین است و هرچند موجب بروز توهماتی در کسانی شد که از انتهای سرنوشت فرهنگ و زبان و هویت قوم خود هراسان اند و آرزو دارند و تقریبا التماس می کنند که در توصیفات سالیان پیش باقی بمانند، اما عروج ظرفیت دریافت را در لایه ی بزرگی از مردم مشتاق دانایی نیز موجب شده است.

نویسنده: یک مسلمان

شنبه 19 اردیبهشت1388 ساعت: 23:40

با اجازه از محضر جناب مهران حقیقت
کل پیغام این سریال القای این مطلب به بیننده بود که نشان دهد ولایت مفهومی قرآنی و دیرین دارد و نبی خدا بودن کمتر از ولی خدا بودن است و اگر علی ولی الله است برتر از محمد رسول الله است چون علی با اینکه نبی خدا نیست و سنش هم بسیار کمتر از رسول خداست ولی بر محمد ولایت دارد زیرا او ولی خداست هر چند خدا در قرآن بفرماید که الله ولی الذین امنوا ....
پس چون علی ولی محمد است بنابراین در اذانی که اولین بار در مسجد پیامبر سر داده شد ، موذن به طور قطع و یقین دو بار جمله اشهدوان علی ولی الله را فریاد زده است. همان علی که در نهج البلاغه خود را بنده حقیر خدا معرفی میکند نه ولی الله.
برادر عزیز ، در نزد جناب سلحشور هدف وسیله را توجیه میکند یعنی تحریف آنچه که در قرآن آمده و افزودن ناخالصیها به دین و قرآن برای خدا کردن بنده ای از بندگان خدا عیبی ندارد که هیچ حتی بریدن زبان آنان که حقیقت را بگویند هم مانعی ندارد.
یادم می آید که در بچگی از مادر بزرگم پرسیدم که مادر جان چرا عمر را لعنت میکنی گفت بچه جان خودت داری میگی عمر ! حالیته چی داری میپرسی؟
یعنی عمر را به دلیل اینکه نامش عمر بود لعن میکرد. حالا کاری به این ندارم که واقعا عمر وجود خارجی داشته یا نه .
از خیل اینهمه بیننده چند نفر سوره یوسف را خوانده و متوجه تناقض آشکار سریال با نص قرآن شدند؟
به همین دلیل است که صبح تا شب به فرزندان ما عرب ستیزی و به تبع آن ستیز با زبان قرآن را آموزش میدهند تا ما در درک قرآن محتاج هر کور و کچلی به نام مترجم قرآن باشیم. دعوای زبان فارسی با زبان تورکی هم برای رد گم کردن است تا به تورکها و فارسها چنین القا کنند که مشکل بر سر عدم یادگیری زبان قرآن نیست بلکه مشکل بر سر تعیین برتریت تورکی و فارسی است.

نویسنده: علی رضا

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 1:44

اگر هنوز برای نان و نمک ایران ارزش قائلید از شما تقاضا دارم دو کار را انجام دهید:
1- ایران و ایرانی را خوار نکنید
2- اطراف بنیاد نیشابور آفتابی نشوید تا حکم ضرب و شتم به قصد کشتنتان توسط اعضای تازه وارد امضا نشود.

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 2:17

سلام استاد.
بعد از برگشتن به شیراز، قبل از آب خوردن اولین کاری که کردم خواندن مقاله بود. فقط می توانم بگویم:
شکر شکن شوند طوطیان هند
اگر این قند پارسی به بنگاله برود

خسته نباشید

نویسنده: ؟

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 2:50

با سلام و عرض ادب

رونمایی از نخستین اطلس تاریخی شیعه
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=47101

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 6:49

آقای ؟. مبارک است!

آقای دهقانی. سلام مرا به دوستان و دشمنان در شیراز برسنید. درصددم که هرچه سریع تر سفارش را آماده کنم.

آقای علی رضا. دو توصیه هم من برای اعضای بنیاد نیشابور دارن.
1. وقتی قرص بالا انداخته اید دست به قلم نبرید
2. مستند تختگاه هیچ کس را برای تازه واردان به بنیادتان نمایش دهید تا دیگر پشت سرشان را هم نگاه نکنند.

نویسنده: علی محمد

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 7:8

جناب استاد عالی شان چند سالی است که قرقرهایی را درباره مستند پرمقدار استاد غفوری پاک می شنوم و بر ابلهی قرقر کنندگان افسوس میخورم. اما باور کنید که هنگام خواندن نوشته های آقای رفرف در
/http://www.theviewpoint.blogfa.com
ملاحظه کردم که ایشان یک تنه و در کم تر از یک ماه چرت و پرت هایی بسیار عجیب الخلقه و غیر عادی تر از تمام قرقرهای فارس پرستان از خود صادر کرده اند تا معلوم شود که قوم پرستی ساخت یهودیان چه قدرت کلانی دارد. در وبلاگ ایشان متن زیر را گذاردم تا سخن بافی بعدی ایشان را ببینیم.

شبیه این بهانه ها را درست از زبان فارس پرستان در مورد مستند باشکوه تختگاه هیچ کس شنیده ایم. پیشنهاد میدهم به جای این نوشته های سر درگم به عینک ساز رجوع کنید و سپس بار دیگر مستند صریح و منطقی طوفان و یا به نظر شما وزیدن نسیم بر نوح و کشتی کاغذی اش را نگاه کنید و به خداوند یادآور شوید که این بار بجای آن کشتی چوبی، رزمناو پوتمکین را روانه نجات قوم نوح کند.

نویسنده: نازلانا نازلانا

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 7:28

سلحشور: با وجود این مسئولین، مذهبی نمیسازم
کارگردان سريال حضرت يوسف (ع) با انتقاد از عملكرد برخي مسئولين ذيربط گفت: دلم نمي خواهد براي برخي مسئوليني كه از لودگي ها حمايت مي كنند و به داستان هاي قرآني اهميت نمي دهند سريال بسازم . با وجود چنين مسئوليني ديگر سريال قرآني نمي سازم.

وب سایت

نویسنده: رضا

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 7:41

با سلام خدمت استاد ارجمند و دیگر دوستان
استاد آیا میشود چنین برداشتی داشت که یهودیان فارسی گوی بعد از اسلام آوردن(حال به حق یا به ریا) شروع به استفاده از حروف عربی کرده اند و گویش خود را با آن حروف نوشته اند.و میدانید در خاطرات خاخام یدیدیا که معترف است عده ای یهودیان از اسپانیا به مرکز ایران مهاجرت کرده اند اما چرا در زبان فارسی کلمات اسپانیولی موجود نیست؟
وآیا زبان تورکی در واقع همان زبان خزران یهودی مهاجر نیست که باز بعداز اسلام آوردن با حروف عربی نوشته شده؟(با توجه به اینکه این زبان هم دارای خطی مشخص نیست) و البته به قول شما لهجه های مختلف کوردی و لری و گیلکی و مازندی و ... فارسی و لهجه ای مختلف زبان تورکی در واقع نتیجه مهاجرت این افراد از یهود برگشته به نقاط مختلف و برخورد با معدود کسانی که ساکن آن مناطق بوده اند میباشد؟

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 9:38

مزید بر اطلاع دوستان در خصوص انضباط یهودیان در انجام طرحهای جهانی خویش قابل ذکر است که محله ما در شهر اهواز (منطقه عامری) که به اهواز قدیم معروف است بر روی یک محوطه باستانی بسیار بزرگ ساخته شده و با توجه به جستجوی شخصی اینجانب از افراد مسن محله در حین ساخت و سازهای معمول به دست ساخته هایی نظیر پرندگان و یا ابزار سنگی یا فلزی برمی خوردند و مانند همیشه در چنین حالاتی تنها خریداران این آثار دستفروشان دوره گرد یهودی بوده اند که در ازای چند عدد بشقاب ملامین! دست ساخته های مذکور را خریداری می کردند و جالب اینکه اهالی از این معاملات پر سود بسیار راضی بوده و حسابی به این بی عقلی یهودیان می خندیده اند!.

نویسنده: احسان

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 10:38

استاد پوپیرار خیلی جالب مینویسید . بااین که این نوشته هااندکی قلقلکم میدهد اما هنوز طالبم بیشتر بنویسید ومطالعه کنم.

و در مورد این جمله وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيمَانُكُمْ : و محصناتی از زنان جز ما ملکت أیمان'تان

برخی محصن را زن شوهر دار گرفتند؟ و برخی ... (خوب همه این مورد رو بررسی کردن حتما)

شما خوددار معنی کرده اید. میخواهم نظر شمارا دراین خصوص بدانم. یعنی چی که زن شوهر دار حرام است مگر ما ملکت أیمان'تان که حلال است. یعنی اگر ما ملکت أیمان در اختیار یک شوهر بود مشکلی نیست ! ودراین صورت نکاحش حرام نیست؟!

آیا اینجا منظور زنانی نیست که مدت عده شان به سر نرسیدس؟ و بعد می گوید اگر زنی که ملکت ایمان شده است و عده اش تمام نشده است مشکلی نداره و میشه قبل پایان عده باهاش نکاح کرد؟ خوب نکاح با ما ملکت أیمان تنها برای رفع نیاز جنسی است نه برای بچه دار شدن و فلان. پس نگه داشتن عده برای ما ملکت أیمان چیز الکی است

منتظر پاسختان هستم.

نویسنده: مسعود

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 12:13

خداقوت و وقتتان بخیر .

حقا" جالب و پرمحتواست استاد.
welcome to NEYSHABOUR FOUNDATION
اینهم تابلوی ورودی بنیاد نیشابور مزین به ستاره شش پر دیوید !!:

http://www.vcn.bc.ca/oshihan/images/NaishaFdn/NaishabourBonyad13.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 12:15

آقای حسینی. هیچ یک از دو بسته ی ارسالی شما نرسیده. احتمالا اشتباهی در اعلام آدرس و شماره پیش آمده است.
لطفا اگر ممکن است از روی رسید آدرس کامل ارسال را بفرستید.

نویسنده: محمدی.سنندج

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 12:56

باسلام خدمت استاد پور پیرار
باتوجه به اینکه ادمهای خفته با اذهان بیمار، هرازگاهی باتک های حقیقت مورخی دگر اندیش ،خوابشان اشفته یابیدار می شوند .ازمحضرتان سئوالی داشتم باامید به اینکه التیامی برجراحت بیماری باشد.
چندسال پیش(ازمقاله ای درکتاب چندبگو مگوتامقالاتی دیگروازربان خودتان)دررابطه با صدام ،حقایقی راشنیدم که به اندازه اولین جلد ازمجموعه تاملی دربنیان تاریخ ایران غیرمنتظره بود.
به نظراستاد،صدام با گزاره هایی همچون مسلمان معتقد،مبارزخستگی ناپذیرعلیه امپریالیسم وتداعی کننده بابل درمقابل اورشلیم که جان خودراهم برهمین قضیه گذارد، چراازنگاه سیاستمداران کرد که برزبان مردم هم میچرخد ،صدام رادیکتاتور، نژادپرست وباواژه هایی غیرانسانی اوراموردخطاب قرار میدهندوبه طور کلی علت اختلاف کردهابااعراب وبالاخص باصدام چیست؟
درضمن برای دستی به سرکشیدن زبان کردی، همچون زبان شیرین فارسی روزشماری می کنم.
باامیدبه اتحادمردم صلح جوشرق میانه

نویسنده: جستجو

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 14:17

با سلام

کتاب قبیله ی سیزدهم نوشته ی آرتور کسلر را از کجا پیدا کنیم ؟

نویسنده: طلوع دوباره

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 18:22

نقد فیلم یوزارسیف

چرندیات و تحقیر داستان قرانی با عینک توراتی

/http://hamedbahramy.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: بجانی

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 21:59

استاد فکر می کنم هنوز قضاوت نهایی در مورد نوشته های شما بسیار زود است- خداوند یار و کمک کارتان باشد خدا را هیچگاه فراموش نکنید .

نویسنده: بی نام

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 22:21

استادبزرگوار جناب اقای پور پیرار سلام علیکم وخسته نباشید
بسیار عالی بود دستمریزاد.
اینجاست که پی می بریم علت نگرش به قران از منظر گاه یهود پست در این مملکت چیست؟انها فرهنگ خود به عمق استخوان این مملکت نشانده اند.هنوز هم با این همه ادعای اسلام گرایی ملوثات دو سه صد ساله اخیر از زیر بنای فکری خیلی ها پاک نشده. بی شک روزگاری نه چندان دورشاگردان مکتب پور پیرار دریچه نگرش به کلام الله از دیدگاه یهود را در این مملکت پاک کنند وداغ ننگ ولید یهود را از پیشانی مردم این مرز وبوم پاک کنند وبا نگرشی قرانی از دریچه قران موجبات وحدت اسلامی را را در منطقه وجهان فراهم نمایند. انشا’الله

نویسنده: یکی

یکشنبه 20 اردیبهشت1388 ساعت: 19:35

آقای مسعود. عکس بینظیری بود. به اندازه تمام مجلدات المیزان معنی داشت آن یک عکس. ممنون.
(گفتم المیزان چون عکس خیلی مهمی نبود وگر نه می گفتم تمام فرهنگ پارسی!)

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 0:1

آقای بی نام. مقرر است که وجه بی آبرویی دانشگاه های کنیسه و کلیسایی غرب در علوم انسانی کامل، و ریزه خواران داخلی آن ها رسوا شوند.

آقای سقز. پروسه ی مهاجرت های جدید به کردستان را در نظر داشته باشید.

آقای جست و جو. آن کتاب را پیدا نمی کنید، ترجمه دیگری دارد به نام خزران که در انتشارات خوارزمی موجود است.

آقای محمدی. اگر بخواهیم برای ناسیونالیسم مطلقا کور مثالی بیاوریم کردها نفر اول در جهانند.

آقای خرمی. امروز در نمایشگاه صحبت شما بود و از واسطه احوال تان را جویا شدم. قضایا چنان نیست که می فرمایید و تعجبی هم ندارد. گاهی خرفتی به مقتضای گذر عمر طبیعی می شود، که شکر خدا و با آرزوی سنوات بیش تر، جناب عالی به 90 هم نزدیکید. منظورم این که بر سبیل روش اگر کسی در هر سن و با هر اطلاع و آگاهی، پرسشی را با زبان موجه طرح کند، قطعا پاسخی خواهد گرفت. اما با آن مدعی که از 213 یادداشت گوهرین چیزی نفهمیده و به جای سئوال، نظریات آبدوغ خیاری قوم پرستانه ردیف می کند، کاری نمی توانم کرد، جز این که در سایه بماند. از تمجید یادداشت آخر ممنونم و مطلب هنوز درز گرفته نشده است. امیدوارم وصیت درباره ی کتاب های ات را فراموش نکنی، جهود ناب!

نویسنده: جلال

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 1:9

تعداد مساجد فرانسه، بیشتر از تعداد کلیساهاست
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=46932

نویسنده: ؟

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 2:52

با سلام و خسته نباشید

نویسنده هتاک دانمارکی این بار تفسیر قرآن نوشت!
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=47071

جلد ششم شاهنامه فلورانس به زودي منتشر مي‌شود
http://www.ibna.ir/vdcd9j0s.yt0nj6a22y.html

ایران عرب ها را سرگرم می کند
http://khabaronline.ir/news-8061.aspx

خشایارشاه بر دیوارنگاره کنیسه دورا اُروپوس در سوریه ، 255 میلادی
http://baarbod.blogfa.com/post-22.aspx

پنجاه بدر
http://erfandadkhah.blogfa.com/post-309.aspx

نویسنده: خبر

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 4:47

به این عکس دقت کنید :

http://khabaronline.ir/news-7908.aspx

نویسنده: مجتبی غفوری

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 10:42

با سلام این مطلب را در وبلاگ جناب رفرف قرار دادم و در اینجا نیز می آورم:

1-جناب رفرف بسیاری سعی میکنند بین یهود و صهیونیزم تفاوت بگذارند ولی ماحصل این کار بسیار خنده دار می شود چون چنین تفاوتی هنوز رویت نشده به همین صورت حقیر تفاوت چندانی بین علاقه سالم به فرهنگ قومی !!! و ناسیونالیزم افراطی قائل نیستم چراکه از دل تمام اینها در نهایت یک چیز بیرون می آید .حقیقتا بگویم ما در محظر استاد یاد گرفته ایم بییشتر مکتب گرا باشیم تا قوم گرا استاد به ما آموخته که از دل آیات قران گرایش به قوم بیرون نمی آید- چه سالم چه غیر سالم-حتی گرایش به وراثت هم بیرون نمی آید چنانکه ابراهیم اسماعیلش را در راه خدا قربانی می کند تا ما متوجه باشیم در محظر خداوند منان ملیت که هیچ حتی وراثت هم معنی ندارد.شما خود شاهد علاقه مندان سالم به فرهنگ قومی در اطراف وبلاگ استاد هستید. اینها همان کسانی هستند که تا وقتی استاد در باره قومی غیر از قوم خودشان صحبت می کند هورا می کشند ولی وقتی نوبت به قوم خود شان می رسد با عناوین مختلف سعی در تخریب دارند . وبلاگ می زنند ترور شخصیت می کنند و... تا نگذارند صدایی شنیده شود ولی استاد نه به آن هورا کشیدن ها احتیاج دارد و نه از این گونه تهدید ها هراس. جناب رفرف از دل سالم ترین علاقه ها به قوم چنین حالتی نمایان می شود آنهم در باره کسی که یک تنه به جنگ با دروغ وتحریف رفته تا پرچم حقیقت را برافراشته کند کسی که نه تنها از کوچکترین حمایت مادی برخوردار نیست بلکه با بایکوت ایشان احتمال هر گونه حمایت معنوی نیز سلب شده.در هر حال اگر شما چنین نیستید شاید علائق مکتبی شما بر علائق قومی تان پیشی دارد.
2-جناب رفرف آیا شما می توانید اولین مورخ بومی که برای ترکان تاریخ نوشته را معرفی کنید به همراه اثر ؟
3-سوال قبلی بنده بی پاسخ ماند با توجه به پژوهش شما در مورد این زبان این کتیبه که با خط آرخون نوشته شده ترجمه اش چه می شود و از کجا می توان اثبات کرد که برای ترک هاست (در صورتی که اصالت کتیبه را بپذیریم).

نویسنده: مجتبی غفوری 2

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 10:43

جناب آشتیانی نوشته های شما نشان می دهد که به طور حتم فقط در باره آُثار استاد شنیده اید آنهم گویا از برادرتان . استاد مانند طبیب می مانند برای معالجه ناحیه ای که درد گرفته را می فشارد تا بعد برای آن دارویی تجویز کنند. بروید ببینید کجای شما درد گرفته!!! اینطور که معلوم است برادرتان از ناحیه صفویه دردش گرفته وگرنه تا آن موقع همه چیز روبراه بوده به محض اینکه صفویه شروع شد همه چیز عوض شد. نقشه راه برای زدودن تحریفات و دروغ ها از تاریخ ایران در همان کتاب اول استاد آورده شده بروید و آن را بخوانید آنگاه بهتر متوجه می شوید که برادرتان در اشتباه است اگر وجدانتان بیدار بود او را هدایت کنید.

نویسنده: مجتبی غفوری

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 10:54

استاد منظور جناب رفرف را در باره معیارهای علمی خوب متوجه نده ام می توانید این معیارهای علمی برای شناسایی زبان ترک را شما معرفی کنید.
"""3 - ضیاء گوک آلپ را فردی با نظریات افراطی میشناسم، اما گویا شما از بین این همه متخصصین زبان و تاریخ ترک فقط افراطیون را میشناسید و هیچ جایگاهی برای مطالعه زبان و فرهنگ یک قوم بر اساس معیارهای علمی قائل نیستید."""

نویسنده: عادل

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 12:33

http://esfahan-iran.blogfa.com/
آن سمت رودخانه هیچی نیست ؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 13:17

آقای تلمیذ. اثبات هرگونه جنگی میان مسلمین و دیگران در زمان نزول قرآن و حتی بعد از آن ممکن نیست. ضمن این که خداوند هرگز اجازه ی تجاوز به همان اسیری را هخم که شما می گویید نمی دهد!

جناب استاد غفوری. وقت ارزشمند تان را در مباحثه با کسانی که خود را درگیر بنیان ها نمی کنند، تلف نکنید. با کسی که شکافته شدن دریا با ضربه ی عصا را معجزه می داند و فرمان خداوند به نوح را که کشتی بساز، باز هم معجزه می داند، بقایای کشتی در ترکیه را عوارض طبیعی می انگارد، خلاف تشخیص قرآن، یهود و صهیونیسم را از هم جدا می کند، هنوز تکلیف خود را با پوریم معین نکرده، در باب حمله ی عرب به ایران مردد است، بالاخره نمی گوید که چنگیز و تیمور و هلاکو و غیره حقیقت تاریخی و یا افسانه اند و تنها نگرانی اش دست نخورده ماندن قصه های موجود درباره ی ترکان است. با چنین کسانی باید از الفبا شروع و دعوت کرد که بار دیگر تمام مطالب را بخوانند. این گروه قوم پرست هنوز حتی با اسلوب این تحقیق آشنا نیستند و حرف های بچگانه و تکراری و از روی ناگزیری و درماندگی درباره ی تناقضات در نوشته ها می زنند که لااقل ده بار در باب تک تک آن ها توضیح داده ام. ابلهی از میان اینان کاری به مستند تختگاه ندارد که تکلیف همه چیز را تعیین کرده، به این کشف دل خوش است که مثلا من در کتاب نخست از نیمه کاره بودن تخت جمشید و یا مسئله ی حضور ترکان چیزی نگفته ام!!! این حضرات جنبه و مایه ی درک پیوستگی خیانت به تاریخ و ادب و فرهنگ و دین منطقه ی ما را ندارند و به گونه ای سخت عقب مانده می گویند که جاعلان فقط در باب اقوام دیگر این حوزه دروغ ساخته اند نه درباره ی ترکان!
با این همه مشکل بزرگ ترشان این است که به خوبی فهمیده اند پیش از ظهور پورپیرار چشم و گوش بسته بوده اند! به کارهای در جریان رسیدگی کنید استاد غفوری بزرگ و عزیز.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 14:34

با سلام خدمت همگی

خرد کردن آبجکتها
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

یکی از کاربردهای منطق فازی مثلا این است که برای حرکت آسانسور به جای اعلام یک حرکت، آن حرکت را مثلا به 10 حرکت کوچک تر خرد می کند، بدین ترتیب حالا حرکت آسانسور نه با ضربه، که بسیار نرم خواهد شد ووو
یعنی یک (حرکت) آبجکت را که خود مجموعه ای از (حرکات) آبجکتها است را به آبجکتهای کوچکتر تقسیم کردن که البته مجموع این حرکات (آبکجتها) همان هدف آبجکت (حرکت) اول را دقیقا و بهتر و مفیدتر پوشش می دهد

حالا تطابق این حرکت با حرکات اجتماعی، البته روی کاغذ!
اگر شما قرار باشد یک حرکت اجتماعی انجام دهید و بدانید که اگر انجامش دهید ضربه ایجاد خواهد کرد !؟
طبق مثال بالا یک روش شکستن آن حرکت به حرکتهای خردتر است
مثلا به صد حرکت ریز ! پس اگر قرار بود یک نفر این را انجام دهد حالا به صد نفر سپرده می شود و فرض کنید هر شخص 100 خاصیت دارد
پس کافی است آن شخص نود و نه حرکت را مانند بقیه انجام دهد و فقط آن یک حرکت را بدرستی و حساسیت پیاده کند
یعنی دقیقا حرکت آسانسور، دیگر کسی ضربه را احساس نخواهد کرد بلکه جریانی را خواهد دید آرام !
دقیقا همان منطق فازی اینجا اجرا شده است ، هر چه دامنه شناخت آبجکتها را افزایش دهید و البته از حواشی بگریزید و به اصطلاح آزمایشگاهی فکر کنید شاید به تشابهات برسید بگذریم ...
جالب است که اگر چنین چیزی درست باشد اثبات می شود که خیلی قبلتر از کاربرد این علم در جاهای دیگر ، در اجتماع با دقت اجرا شده است.

نویسنده: رحمانی

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 14:35

تحلیل روی کاغذ ...
اگر چنین چیزی وجود داشته باشد (این یک اگر احتمالی است ...) یعنی اینکه اصولا آن شخص موظف به آن یک حرکت است یعنی اگر شرایط را مناسب ببیند همه آن نود و نه را فدای آن یکی می کند!؟ ودر مقابل بقیه (منظور نود و نه خاصیت دیگر) مسامحه و افراط و تفریط می کند اما در مقابل آن یکی با دقت و حساسیت ، مقاومت و شیدایی.
در نظر داشته باشید که در این حالت و با این منطق زمان انجام آن کار (آن صد واحد) که در حالت تکی زمان کمتری می خواست حالا به زمان زیادتری احتیاج دارد، که این عیب است اما به نتیجه می ارزد چون کسی نمی فهمد مقصود چیست و مجریان چه کسانی هستند؟
(پس زمان در اختیار در این نوع حرکت تعیین کننده است + مجاهدانی بی همتا!)
در نتیجه وجود چنین سیستمی یعنی زمان به اندازه هست ، + ایثارگر و مجاهد هم هست
فقط زمانی این منطق فاش خواهد شد که بسته های جریان شکل بگیرند و جریان نهایی شناخته شود چرا که با شناخت آن جریان مجریان پراکنده و مخفی و ماسک دار،نیز مشخص خواهند شد ووو پس باید آن جریان مخفی بماند ، آبجکت مادر اینجا است؟ اینجا نقطه حفاظت است
پس طبیعی است که آن مجریان موظف، در آن نود و نه دیگر افراطی باشند، تا آن یکی مخفی شود و هر وسیله ای از جمله خود را به بنو گری زدن و سهو در عمل و کارهای انحرافی و افراطی بازی و به کلیشه ها پرداختن و هوچی گری ووو توجیه پذیر می شود
اینها تا زمانی که اثبات نشده اند یک "اگر" هستند، همین
....
از این مثالها زیادند اول آبجکت را بیابید مثلا در علم و زمینه کاری خود، بعد مشابه اش را در جامعه و بعد تحلیل روی کاغذ، بعد جستجو و پیگیری ووو

با تشکر فراوان

نویسنده: یکی

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 17:2

حق با استاد بزرگ رفرفه. البته هنوز وبلاگ شما رو هم نتونستم بخونم. امشب دیگه می خونم. ولی رفرف راست می گه.
شما چرا در کتاب اولتون نگفتین که مسجد شیخ لطف الله رو همین دیروز داشتن آجر هاشو بالا می انداختن؟
مجتبی باید تا صبح صلوات بفرسته و نماز وحشت بخونه. اگر سلطان سلیم اول نبود، حالا می تونست فیلم بسازه؟

از ما جهودا کی قدر شناسی می کنن؟

نویسنده: ؟

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 23:35

با سلام و عرض ادب

پرچم ايران در كانال‌هاي غيراخلاقي عربی!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=47419

قديمي‌ترين نسخه غزليات حافظ به زادگاهش رفت
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802210504

بررسي ساماندهي نسخ خطي قرآن ـ 1
14 هزار قرآن خطي در آستان قدس رضوي نگهداري مي‌شود
قديمي‌ترين كتابخانه و نسخه وقف شده بارگاه رضوي را در سال 327 هجري توسط حكمران اصفهان و نيمه اول قرن چهارم هجري اعلام كرد و گفت: اين امر نشان دهنده كتابت قرآن در قرن سوم هجري و متعلق به خوشنويسان ايراني است كه قرآن را روي پوست آهو نوشته‌اند و بعضي از آنها منسوب به ائمه (ع) است.
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802210043

نویسنده: ؟

دوشنبه 21 اردیبهشت1388 ساعت: 23:35

گسترش امپراطوری مغول (1294-1206 میلادی)
نحوه گسترش سرزمین های تسخیر شده توسط چنگیزخان مغول و جانشینان آن از آغاز لشکرکشی های چنگیزخان تا اوایل حکومت ایلخانان مغول در ایران و امپراطوری یوان در چین
http://no.wikipedia.org/wiki/Fil:Mongol_Empire_map.gif

تابلویی از پیروزی عباس میرزا در نبرد ایران و روس، 1815-1816، موزه آرمیتاژ
این نقاشی بیانگر شکست پیاده نظام روسیه از ارتش ایران در نبرد 13 فوریه 1812 پیرامون سلطان آباد است. در نیمه چپ، در راس لشکر ایرانیان شاهزاده عباس میرزا، ولیعهد و فرزند فتحعلی شاه قاجار با جامه ای آبی رنگ و سوار بر اسب کهر، با دست راست سرهای بریده دشمن را نشان میدهد. نیمه راست تابلو اردوگاه ارتش روسیه که با نشان عقاب دو سر امپراطوری روسیه مشخص شده اند، توسط سربازان ایرانی با یونیفرمهای اروپایی محاصره شده. این سربازان نشان ایران را که شیر و خورشید و شمشیر است حمل میکنند. در مرکز تصویر یک صاحب منصب انگلیسی سوار بر اسب دیده میشود که عهده دار آرایش ارتش ایران در مرزهای اروپایی ست. این تابلوی نقاشی بخشی از تزئینات قلعه اوجان متعلق به عباس میرزا بود که در سال 1828 توسط روسیه بعنوان غنیمت جنگی به قصر زمستانی سن پترزبورگ منتقل شد.
http://www.arthermitage.org/Painting/Battle-Between-Persians-and-Russians.big.html

سکه های ساسانی
نقش شاهان ساسانی به روی سکه ها به ترتیب پادشاهی
http://www.livius.org/sao-sd/sassanids/sassanid_kings.html

معبد کوکولکان از عجایب تمدن مایاها در مکزیک
معبد کوکولکان (Kukulcan) مشهورترین ساختار شهر تاریخی چیچن ایتزا در مکزیک می باشد که در سال سال ۲۰۰۷ به عنوان یکی از آثار هفتگانه شناخته شد. این بنا هزار ساله دارای ۴ ردیف پله به تعداد ۹۱ می باشد که با در نظر گرفتن پله مشترک نهایی ۳۶۵ پله به تعداد روزهای سال دارد. این پلکان ها، تراس های هر وجه هرم را به ۱۸ قسمت تقسیم می کنند که به تعداد ماه های سال تمدن مایاها می باشد. ولی شاید شگفت انگیز ترین نکته این هرم شکل سایه آن و طریقه عبور نور از مجرای بالای آن در اول سال نو خورشیدی (اول فروردین) و اول مهر می باشد. دو وجه بنا بازسازی شده است که در این عکس دیده می شوند.
http://www.hanifworld.com/chichenitza/22-El%20Castillo-The%20Pyramid%20of%20Kukulcan%20Chichen%20Itza.html

نویسنده: حقگو

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 1:49

آیا نمی توان برعکس تصور کرد که یهویان متون فارسی را بعدها به خط عبری و با زبان فارسی نوشته اند ؟
در ترکیه نیز بعد از تغییر خط متون ترکی و عربی زیادی با حفظ زبان به خط لاتین بازنویسی و چاپ شد
آیا آنها نیز از این نوع نمی باشد؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 213، نتیجه، 21، درباره ی منابع زبان فارسی، بررسی متون یهودی - فارسی - 91 نظر

نویسنده: پیگیر

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 1:55

سلام
هرچه دقت کردم نتوانستم وجه شباهتی یقین بخش در مورد آن دو تصویر از مسجد شیخ لطف الله پیدا کنم.
آیا استاد لن منبع اشتباه نکرده است؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 2:32

آقای ؟ . از ارسال لینک های جدیدتان بسیار ممنونم و از دیدن عکس های زیبای پیرامید کوکولکان بسیار لذت بردم. نکات عجیبی در معماری آن پیرامید است که هنوز پاسخ لازم فنی را ندارد. اما متاسفانه لینک تابلوی موزه ی ارمیتاژ باز نشد. باید تابلوی مسخره ای باشد زیرا که سال 1812 روس ها مسکو را برای مقابله با سپاه ناپلئون کاملا سوزانده بودند و تصور جنگ میان ایران و روس در آن زمان فقط مضحک است و بس. به احتمال زیاد آن تابلو باید متعلق به صحنه ای از جنگ های روس ها با سپاه ناپلئون باشد. در مورد آن نقشه گسترش فتوحات مغول هم به تر است چیزی نگوییم. نظیر نقشه های سنگی جدیدی است که اخیرا بر دیوار کلئوزوم از عهد امپراتوران روم نشان می دهند که در آن نقشه ی خلیج فارس هم آمده است!!!! در مورد سکه های ساسانیان نیز بدانید که همین اواخر یک کارگاه ضرب سکه های ساسانی با تعداد زیادی سکه ضرب خورده و نخورده در سوئد یافت شده است!!! اگر بتوانید تصویر آن را در وب بیابید ممنون می شوم. در مورد آن حاکم

اصفهانی قرآن وقف کن در قرن چهارم هجری نیز به تر آن که نخست اصفهان قرن چهارم را پیدا کنیم، بعد حاکم قرآن وقف کن آن را.

آقای آزاد. اولا که قضاوت درباره ی آن جوی آب نیازمند دیدن تصویر است و در ثانی به جای جوی آب بد نیست ابتدا سقف تالار آپادانا را نشان دهند. از زحمات شما در پخش مستند ممنونم. اگر آدرس بگذارید نسخه هایی از مستند طوفان نوح را هم برای تان خواهم فرستاد.

آقای حق گو. که به چه دردشان بخورد، اگر زبان فارسی را ندانند؟!!! و اگر فارسی می دانند پس چرا بار دیگر همان متون را با حروف عبری نوشته اند؟!!! مطلب ساده است: زبانی برای یهودیان آشنا را با خط آشنا و قدیمی عبری نوشته اند. نسخه های فارسی اما با خط عربی کنونی نمونه های قلابی همان کتاب های به اصطلاح فارسی با خط عبری است ، که البته درک کامل مطلب به باریک شدن عمیق در مدخل نیازمند است تا دریابید با چه سهولت از منطقه ای فاقد آثار حیات معمول آدمی یک ملت قدیم با فرهنگ متعالی بیرون کشیده اند؟! کافی است ماجرا را از زمان نیمه کاره رها شدن تخت جمشید، یعنی از اجرای پوریم دنبال و دانه های پراکنده ی دروغ را درهم کنید تا زنجیر کنونی بر دست و پای مردم منطقه بافته شده باشد.

آقای پیگیر. همه اشکال در همین است. مگر اصفهان و یا حتی ایران چند مسجد شیخ لطف الله دارد؟!!

نویسنده: توحید

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 4:8

سلام

استاد من چند عکس دیگر از کتاب گرانبهای « فرزندان استر » در باره اسناد یهودی فارسی را اسکن کردم و برای کسانی که علاقه مند به دیدن نمونه های بیشتری هستند آدرسش را در اینجا قرار می دهم :

http://i39.tinypic.com/ettc8n.jpg

http://i42.tinypic.com/264nv48.jpg

http://i40.tinypic.com/15x7ar8.jpg

http://i43.tinypic.com/vfuoo1.jpg

http://i43.tinypic.com/f2rm1t.jpg

http://i43.tinypic.com/28s8wzm.jpg

http://i40.tinypic.com/2u8ulpj.jpg

http://i40.tinypic.com/16a184w.jpg

http://i43.tinypic.com/2dlow2x.jpg

http://i41.tinypic.com/wgovfb.jpg

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 7:55

با سلام
جناب آقای پیگیر اگر دقت کنید اسلیمی ها و نقوش روی گنبد عکس سیاه و سفید دقیقا همان اسلیمی ها و نقوش روی عکس رنگی می باشند!و همچنین میله نوک گنبد!
به نظر من تفاوت در اندازه گنبد باعث شک شما شده است که فکر کنم آن هم به خاطر زاویه و فاصله دوربین باشد!استاد به نظر شما اینطور نیست؟!
می توانید کار دیگری هم بکنید!کل مساجد ایران را بگردید و ببینید آیا ما همچین مسجدی داریم که شبیه شیخ لطف الله امروزی باشد و به قول استاد نامش هم احیانا همنام شیخ لطف الله باشد!!

نويسنده: علي

سه شنبه 22 ارديبهشت1388 ساعت: 16:14

با سلام خدمت دكتر پور پيرار
عرض كنم كه در نوشته هاي بالا در جايي اشاره كرديد كه اگر به يك ازبك ترك بگوييد ناراحت ميشود. پس اگر ترك نيستند چه هستند؟؟؟ و اينكه آنها خود را چه مي دانند، فارس؟؟؟؟
با تشكر
آقاي دكتر خواهش ميكنم جواب من را بدهيد.

نویسنده: بابک

سه شنبه 22 ارديبهشت1388 ساعت: 17:53

عزیز
معنی قران صریح و روشن است. نیازی به پارانتز ندارد. به نظر من به مقالات پورپیرار در اسلام و شمشیر 1 و ایرانشناسی بدون دروغ مراجعه کن تا بفهمی منظور قران از شکست و سپس پیروزی روم جنگ رومیان مسیحی با رومیان هلنیست در ترکیه بوده است. با این آیه میتوان به راحتی فهمید که خداوند وعده پیروزی خداپرستان مسیحی را بر مشرکان هلنیست وعده داده است. پس ایرانی وجود نداشته تا با روم بجنگد. یا درک شما پایین است شایدم خودتو به اون راه زدی. استنادات پورپیرار واقعا بی نظیر است.
در مورد اساتید تاریخ ایران نیز باید بگویم رودر رو شدن با پورپیرار محقق باسوادی میخواهد که واقعا در مورد تاریخ و آثار باستانی ایران تحقیقات لازم را انجام داده باشد. این به اصطلاح اساتید که نمونه بارزش زرین کوب است تاریخ را با داستان سرایی اشتباه گرفته است. اینها چیزی از خودشان ندارند همه سوادشان از همان کتابهای نویسندگان یهودی و اروپایی است. هنر پورپیرار اینست که نوشته هایش تنها مال خودش است... برای انسان عاقل و حقیقت طلب خیلی چیزها روشن است به شرطی که خودت را به نا فهمی نزنی...

نویسنده: هزار مسیر برای عبرت اینجاست!

سه شنبه 22 ارديبهشت1388 ساعت: 19:31

حال که نبردهای غزه به پایان رسیده است زمان مناسبی است تا به بازخوانی گفتگوهای پیرامون آن که چندی پیش در همین وبلاگ جاری بود بپردازم با این همه فشار کاری انجام امور عقب مانده و برنامه ریزی برای ورود به فازهای جدید کاری در کنار شرایط خاص پیش آمده مصاحبه های اخیر الزاما باعث کمرنگ شدن میگردد و در حقیقت موانعی جدی بر گشودن باب گفتگوی گسترده میگردد که ان شا الله موقت باشد.با این همه دیدن احوالات این روزهای رئیس پژوهشکده باستان شناسی که روزگاری سد عظیم تقابل با داده های نوین و نظریات جدید را اداره میکرد آینه ای عبرت انگیز برای تمام کسانی است که با هماهنگیهای سازمان یافته اقدام به برنامه ریزی برای ایستایی جریان فکری کشور و نیز آسیب رسانی به امنیت ملی مینمایند.گرچه عاقبت او سرانجام نه چندان دور برخی دوستنماهایی نیز هست که از ره بافتن کلاهی از نمد ارتباطات و با انگیزه ارائه اطلاعات مخدوش به میانمان آمده اند .....با این همه دیدن عجز این تشکیلات عریض و طویل در برابر یک جوان بیست و چند ساله خود حکایت از ناگفته های فراوان دارد.به راستی این همان فاضلی نشلی است که چندین ماه است برای دیدن مستند تختگاه هیچ کس به دنبال پیدا کردن اسپیکر است؟فکر میکنم دیگر افتادن طبل رسوایی باستان شناسان خارجی با چنان صدای همراه شده است که بازگرداندن آب رفته به جوی تقریبا محال است.
http://www.kayhannews.ir/Detail.aspx?cid=12151

بیانیه سازمان میراث فرهنگی به کیهان
http://icar.ir/UserFiles/File/final[1].KAIHAN[1][1].TWO.doc

نویسنده: ایمان

سه شنبه 22 ارديبهشت1388 ساعت: 19:32

سلام لطفا متن کامنتی و که فرستادم در صورت نیاز به تصحیح ویرایش کن و نصب کن.

نویسنده: صمیمی

سه شنبه 22 ارديبهشت1388 ساعت: 19:40

جناب عابدی سلام.لطفا ایمیل خود را چک کنید من تصویر فیش پرداتی را برای تمدید دومین فرستادم لطفا سریعتر اقدام کنید تا در فعالیت سایت و وبلاگ وقفه ای ایجاد نشود.

نویسنده: اترش

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 20:1

سلام بر همگی

جالب است, موضوع هر لحظه جالب تر می شود!


وب سایت

نویسنده: آرش

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 22:55

سلام. در جواب آشتیانی نامی در وبلاگ آقای رفرف نامی مطلبی نوشتم که دیلیت گشت و لذا آنرا با اجازه اینجا می نگارم:
اما شما حضرت آقای آشتیانی. استاد غفوری با خون دل و با تحمل میلیونها فحش و تهدید و ناسزا و تحقیر و ... برای سالها،
با دست خالی و در میان فشار خرد کننده دستگاه های سیاسی و فرهنگی کشورهای ایران و ترکیه به تنهایی و با حداقل
امکانات موجود و صرف اندک پول شخصی و ساعتها وقت که ایمان و جسارت و پشتکار فوق العاده ای را می طلبد، به
ساخت مستند طوفان نوح دست زدند تا بوزینه قوم پرست زباله ای چون شما به تمسخر ایشان بنشیند و بر صحت راه
پرصلابت ایشان گواهی دهد! هر اشاره این فیلم برای انسانهای خردمند و نیالوده به دورغ به اندازه خورشید روشنگر است.
خوب است بوزینگانی چون شما به میدان بیایند و با بهره گیری از تمام امکانات و فرش قرمز پهن کردن های داخلی و بین
المللی در جواب فیلمهای ایشان مستند شکوه تخت جمشید و شکوه ترکیه باستان بسازند و با لیسیدن کفشهای یهودیان
دنیای خود را تضمین کنند!!!! رذالت هم حدی دارد که البته برای بعضیها بی نهایت است!!

نویسنده: مسعود

سه شنبه 22 اردیبهشت1388 ساعت: 23:8

استاد معظم وقت شما بخیر.

در این فرجه که اشاره گذرایی به اهرام آمریکای مرکزی و جنوبی شد قصد دارم ابتدائا" این سئوال را خدمتتان مطرح کنم که
این حضرات اساتید آکادمیک مورخ و دیرینه شناس کنیسه و کلیسایی از کجا میدانند نام بقایایی از بناهای عجیب و غریب
سنگی در مکزیک معابدی متعلق به قوم "مایا" و یا "آزتک" میباشند و یا بقایایی با همین خصوصیات در کشور پرو را از آن
تمدن "اینکا" مینامند !؟ آیا واقعا" چیزی نوشته یا حک شده وجود دارد که این اسامی را از آن استخراج کرده باشند !!؟؟
نتیجه تحقیقات دست و پا شکسته بنده که پاسخ منفی میدهد .زیراکه هیچ کس از سرخپوستان بدوی ساکن در قاره
بهیچوجه خود را متعلق به آن تمدنها نمیدانند و دیگر اینکه نوشتار بدست آمده بر روی سنگ در آنجا از نوع تصویری است و
یاهمانند اهرام مصر کذایی ترکیبی از تصویر و علائم است که اصولا" قابل تلفظ نیستند!
مطلب دوم اینکه بنظر میرسد در زمانهای کهن در نقاط مختلف زمین اهرام را به فرمهای مختلف تیمهایی از مهندسان مجرب!
که نقشه هایی دقیق و حساب شده در اختیار داشته اند طی برنامه هایی معین برای ساکنان هر منطقه ای بشکل پروژه
ای یونیورسال !! اجرا کرده اند و در زمانی معین هم بساط و کارگاههایشان را جمع کرده و اثر و رد پایی هم از خود بجا
نگذاشته اند! . ملاحظه بفرمایید :
مصر امروزین دارای اهرام هم شکل فراوانی است!
اهرام تمدنهای موسوم به آزتک مایا و اینکا در آمریکای مرکزی و جنوبی همگی از یک فرم بخصوص تبعیت میکنند!
بناهای موسوم به معابد در هندوچین هم از این قضیه مستثنی نیستند!

در پناه خدای واحد سلامت باشید.

نویسنده: ?

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 1:29

قصرهای افسونگر
http://www.hammihannews.com/gallery/2912

هجوم قاچاقچیان به تپه های باستانی شوش
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=876138

قبرستان ارامنه درجنوب پایتخت
catid=9&http://www.tehroony.com/picDetail.aspx?cid=5883

مقبرهٔ هخامنشی موسوم به دکان داود
این مقبره در نزدیکی سر پل ذهاب قرار دارد و قدمت آن به دوران هخامنشی می‌رسد. این مقبره در نزد مردم محلی به دکان داود معروف هست و از قداست خاصی بین مردم منطقه برخوردار است.در داستانهای محلی این مقبره که در دل صخره کنده شده به داود پیامبر نسبت داده میشود.گره زدن پارچه سبز و روشن کردن شمع و بردن کودکان برای زیارت این مقبره هم موید این مطلب هستند.ولی در واقع با نگاهی به نقش برجستهٔ شکاف مقبره (۱۲ متری از زمین) تصویر یکی از مغان هخامنشی دیده میشه و این مقبر یکی از مغان هخامنشی هست
http://www.livius.org/a/iran/dukkan-e_daud/dukkan-e_daud_tomb2.JPG

قدیسه ی فرانسوی
http://moraghebeh.com/site/?q=node/220

موزه هنر اسلامی ، شاهکاری زیبا ـ
این پروژه بسیار زیبا و منحصر بفرد در دوحه ، قطر ساخته شده است،معمار آن `پی` است ، در حاشیه خلیج فارس،به صورت جزیره‌ای که با ۲ پل پیاده و یک پل ماشین رو به ساحل متصل است.معمار آن طراحی این مجموعه را یکی از سخت‌ترین پروژه‌های خود میداند و طرح آن بر اساس مسجدی در قاهره است.گنجینه آثار زیبای این موزه مجموعه‌ای از آثار هنرمندان بزرگی است که در گالریها با سنگی خاکستری رنگ توسط نور پردازی جلوه نمایی میکنند.
http://payamarchi.blogspot.com/2009/05/museum-of-islamic-art-im-pei-architect.html

تصاویر اولین مسجدی که توسط یک زن طراحی شده است
issueno=11120&article=518384&http://www.aawsat.com/details.asp?section=54

نویسنده هتاک کویتی: ایران از سرنوشت چنگیزخان عبرت بگیرد!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=72049

رهبر انقلاب در جمع پرشور مردم کردستان:
خدشه به وحدت ملي به بهانه شيعه و سني، مزدوری دشمن است
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=47575

نویسنده: ?

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 1:52

کاریکاتور امروز الشرق الاوسط در مورد انتخابات ایران
issueno=11123&http://www.aawsat.com/sections.asp?section=27

جالبه اگر به توپ توجه شود به راحتي شكل ستاره داود قابل رويت است

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 2:32

آقای؟. از زحمات شما ممنونم. علامت روی توپ لوگو و آرم مربوط به فعالیت های اتمی است.

آقای مسعود. کاملا موجه است که در باب اهرام ها بیش از این ها کنجکاو بود که البته شامل معابد آسیای جنوب شرقی نمی شود. به چند یادداشت بعد توجه کنید.

آقای آرش. واقعا که ترک زبانان ایران باید از میان جوانان به تولید خردمندان منطبق با مسائل فرهنگی معاصر بپردازند زیرا از بقایای فرقه و غیره، چنین سخنان نخ نمایی خواهیم شنید، چشم و عقل درک درست از یک مستند را ندارند و واقعا در برخورد با طوفان نوح بی جنبه تر از فارس پرستان و عکس العمل شان در برابر تختگاه هیچ کس عمل کرده اند.

آقای تلمیذ. هیچ قسمتی از آن سخنان متوجه شما نبوده است. الا این که اثبات وقوع جنگ درمیان مسلمین با دشمنان شان تقریبا در هیچ دوره ای میسر نیست و اسناد مطمئن ندارد.

آقای علی. علت را از ازبک ها و تاجیک ها و قرقیزها و باشقیرها و مغولان و غیره بپرسید.

آقای دهقانی. سفارش شما ارسال شد.

آقای پیگیر. تعیین زمان 130 سال برای کهنگی آن عکس مسجد شیخ لطف الله، بر مبنای حد اکثر ممکن بود، در حالی که بر سر عکاس در سایه اش کلاه پهلوی است که عمر عکس را حد اکثر به 80 سال می رساند. جوینده ی حقیقت با دیدن همین عکس تکلیف خود را با کتاب های تاریخی در کتاب خانه اش روشن می کند.

آقای اترش. قرآن را به عنوان سند تاریخ و بررسی های اجتماعی دوران طلوع اسلام کاویده ام و معتقد به معنا گذاری های بر اساس حدس و گمان بر الفاظ آن نیستم، زیرا خداوند مستقیما چنین کاری را نهی کرده و دیدیم که گاه حتی منجر به کنیز شناختن یک ترکیب صریح کلمات قرآنی شده است. معنای آن چه را که از متن آشکار لغات قرآن درنمی یابیم باید به خداوند و صلاح دید او سپرد. دکان های فضولانه ای چون یافتن معنای جن و از این قبیل با سرمایه ی یهودیان می گردد. ورود به آن نیز جرم و حتی کفر است. در آن باب با خانم نصریه از طریق وبلاگشان تماس بگیرید. به گمانم بیش تر باید در اندیشه ی عمل به آیات صریح قرآن بود تا کنجکاوی منجر به تاویل در آن مباحثی که خداوند خود متشابهات یعنی اشارات و شبیه سازی ها نام داده است.

آقای محمدی از سنندج. ایشان را یک صاحب نظر فرهنگی می دانم و قریب به یقین حاصل برداشت های مطالعاتی و تجربی مستقل خویش را ارائه می دهند.

نویسنده: رحمانی

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 10:11

با سلام خدمت همگی

توضیح
(از مجموعه بحث های روابط آبجکتیو)
روابط و سنت های الهی

بهترین راه برای مقابله با، آشکار شدن جریان اصلی ،جلوگیری از ایجاد بسته های جریان است، حال می خواهم توجه دوستان را به نکته ای توجه دهم ، هر وقت شخصی در این وبلاگ به ویژه در مورد اخبار یا بیان جریانی خاص ، کامنت هایش در حال تبدیل شدن به "بسته جریان" است سریعا اشخاصی که مدعی "سینه چاکی" و تبلیغ فراوان (با ادعای مجازی در محیطی مجازی و در عین گمنام بودن و تناقض گویی ...) هستند به میدان آمده و با هزار ترفند ، سفسطه ، هوچی گری و حتی تهدید ووو کامنت گذار را از ادامه منصرف می کنند
آیا اینان ابوموسی اشعری هستند یا نه سربازان گمنام یهود!
پس هدف از حضورشان ،خفه کردن این سوسوی حقیقت است
و برعکس شروع به ساختن بسته های جریانی واهی ، کذایی و خیالی می کنند

با تشکر فراوان

نویسنده: اکبر

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 17:48

نشست خلیج فارس بر گذار است،اقتداری و خرازی بلبل زبانی میکردند.

لقب دوَم این واقعه , نشست خلیج نفت , میباشد.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 23 اردیبهشت1388 ساعت: 21:19

سلام علیکم جمیعا"

فردی با نام اینجانب کامنتی با مضمون"یا من اسمه دوا و ذکره شفا"گذارده .ضمن اعلام عدم ارتباط مطلب به اینجانب از ایشان تقاضا دارم نام دیگری برای خود انتخاب کنند.

در ضمن استاد عزیز امکان مشاهده ناریا 5 در شیراز وجود ندارد ایا مورد خاصی است ؟

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 0:28

گویا اشکال از ارتباط محلی بوده.الحمد الله نگرانی بنده رفع شد.مشکل عدم ورود به ناریا 5 برطرف شد.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 4:1

سلام

یک سوالی در ذهنم پیش آمد و ممنون شما می شوم چون همیشه راهنمایی کنید و آن در باره واژه « مسلمان » بود . هر چه در این واژه دقت کردم آنرا نا مناسب دیدم چون اصلا بر وزن هیچ یک از ابواب عربی نیست و نا مفهوم است و ما در قرآن کریم ، با چنین واژه ای برخورد نمی کنیم بلکه هر جا ذکری از پیروان حضرت ابراهیم و به تبع آن حضرت محمد است ، واژه « مسلمین » و « مسلمات » به کار رفته است . بنابر این دراین واژه نامانوس احساس می کنم که نوعی توطئه در کار بوده است تا آنرا نزد فارسی زبانان رایج کنند و توصیه من به دوستان این است که همیشه همان واژه قرآن « مسلم » را استفاده نمایند که زیبنده تر است و از بکار گیری واژه مجعول و نامانوس مسلمان بپرهیزند ، چنانچه با تعجب شاهدیم که حتی در انگلیسی هم به صورت « muslim » و « Moslem » وارد شده است که معادل همان « مسلم » قرآن است .
سوال دیگر اینکه معنی حقیقی « مسلم » و « اسلام » چیست ؟ چون ظاهرا از ریشه « سلم » هستند که در قرآن کریم هم به معنی « صلح و سازش » آمده است و هم به معنی « تسلیم » شدن آیا می توان این دو معنا را با هم پیوند زد و یک معنی اصلی و ریشه ای یافت ؟
با تشکر .

نویسنده: عباس احمدی

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 11:12

آقای رحمانی چگونه می توانم به مجموعه بحث های شما را درباره روابط آبجکتیو دسترسی پیدا کنم

دوستان دیگر فیلم آیوانهو قدیمی مثلا 50 سال پیش را پیدا کنید و ببینید...چیزهایی دارد که الان محال است در هیچ فیلمی ببینید

نویسنده: ؟

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 18:30

با خواندن این نوشته میفهمید چرا واردات خر از قبرس ممنوع شده است!
http://www.ghiasabadi.com/darius_suez.html

نویسنده: دهقانی

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 21:21

سلام استاد.
بسته به دستم رسید. واقعا ممنون. انشاالله جبران کنم.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 24 اردیبهشت1388 ساعت: 21:11

بهتر بود اشاره بیشتری به فیلم آیوانهو میکردی تا تشویق شیم و بیریم دنبالش که لابد هم راحت پیدا نمیشه.
واقعا که قبول ماجرای داریوش و سوئز برای ما که از اختر باستان شناسی چیزی سرمون نمیشه گوشای دراز هم میخواد.
مثل اینکه برم کتاب های پزشکی رو بخونم. می فهمم؟ یا مثلا مهندسی؟ من فقط زبون لری این وبلاگ رو می فهمم و بس.
(الان میگن به لرها بی احترامی شد!)
یا ارحم الراحمین!اعوذ بک!

نویسنده: عربگری النجارقی

جمعه 25 اردیبهشت1388 ساعت: 8:45

درود بر شما
در صورت امکان نظر شما را راجع به وبلاگ

www.amoozeshoparvaresh.blogsky.com
x در آموزش و پرورش بدانم بسیار مفید خواهد بود
ضمنا 10دقیقه پیش در مورد مسجدي در ایران فیلم مستند با کارشناس از تلویزیون پخش مي شد که گویا گفت در سال 1336 ساخته شده که تمام شمایلش با مثلث هاي تو در توي داوود پوشیده شده بود و مي گفت بیش ار اینکه هنر اسلامي باشد هنر ایراني است
در این مورد هم نظرتان را بفرمایید

وب سایت

نویسنده: عباس احمدی

جمعه 25 اردیبهشت1388 ساعت: 11:10

فیلم ایوانهو را تصادفی دیدم.....نپرسید...ببینید. من چند سال است با این سایت می آیم بدون اطلاع از نتیجه نهایی...یک فیلم دیگر هم است که در آنهم بعضی چیزها از دست در رفته..اسمش را پیدا کنم می نویسم...ولی آیوانهو واقعا جالب است...

نویسنده: دهقانی (از شیراز)

جمعه 25 اردیبهشت1388 ساعت: 11:14

با سلام.
جناب پورپیرار. همه میدانیم که وقتی زبان فارسی را با خط عرب مینویسیم دچار مشکلاتی میشویم. مثلا اگر استفاده را اصتفاده و یا ذهن را ضهن بنویسیم در نوع گفتارمان هیچ تغییری به وجود نمی آید. و این به این علت است که ما مثلا از حرف (ز) فقط یک تلفظ داریم و حال آنکه برای این حرف در عربی چهار تلفظ موجود است. آیا این مشکل در خط عبری هم هست؟ یا این خط دقیقا با اصل زبان فارسی یکی ست؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 0:17

آقای اربابی. زمانی نوشته بودم که تعلق از مورخ فریب کار می سازد، تعلقات ایشان به زبان فارسی گرچه اندکی غریبه و عجیب است، اما پیش از این نیز برایم آشنا بود و از ایشان پرخاش می شنیدم که به کار حافظ نپردازم، زیرا که آن شاعر قلابی را بسیار گرامی می دارند!!!؟
حقیقت این که شبه روشن فکران کنونی راه گریزی ندارند، جز این که از کوچه علی چپ عبور کنند و چنین است که هرگز در باب هیچ مدخل اصلی این یادداشت ها نظر نهایی ارائه نمی دهند، زیرا اگر فقط یکی از این همه ورودیه را برای گذر از تاریخ منطقه بپذیرند همه چیزشان به باد فنا خواهد رفت.
1. نمی گویند سرانجام وقوع پوریم را قبول می کنند، یا نه؟
2. اعلام نمی کنند سرانجام تخت جمشید را نیمه ساخت شناخته اند یا نه؟
3. نمی گویند آیا یونانی بودن اشکانیان را قبول دارند؟
4. نمی گویند آیا می پذیرند امپراتوری ساسانیان و به دنبال آن تمام سلسله های اسلامی ساختگی است یانه؟
5. معلوم نمی کنند آیا حمله ی عرب به ایران را باور دارند یا نه؟
6. در باب وقوع حمله مغول و دنباله تیمور و هلاکو و غیره اظهار نظری ندارند و نمی گویند آیا آن وقایع را رخ داده و یا افسانه می دانند.
7. حاضر نیستند تکلیف شان را با مبحث نوساز بودن شهرهای ایران و اختصاصا اصفهان و شیراز روشن کنند.
8. نمی دانیم پس از خواندن آن همه ردیه های مستند و به خصوص نمایش تصویر نوساز بودن مسجد شیخ لطف الله، درباره سلسله صفویه چه اعتقادی دارند؟
9. در موضوع عدم امکان نگارش به خط عربی و فارسی تا قرن دهم هجری نظری نمی دهند.
10. حالا هم در برابر اسناد اثباتی وقوع طوفان نوح و انتقال زبان محلی یهودیان به تاریخ و ادب فارسیان، حتی بی آن که منتظر پایان مبحث و مقوله شوند، دستپاچه به ردیه نویسی سبک پرداخته اند زیرا قوم پرستی نهادینه آنان احساس خطر می کند.
تردید نکنید پذیرش حتی یکی از موارد بالا، تا سطر آخر این نوداده ها را تایید و تحکیم می کند. این است رمز آن درماندگی و به چپ و راست زدن های موجود. آن ها با زیرکی کاسب کارانه نیک دریافته اند که نباید تکلیف نهایی خود را با مراتب بالا معلوم کنند تا پیوسته راه گریزی در مقابل داشته باشند.

آقای دهقانی. اندکی دیگر حوصله کنید. بر پای دروغ پراکنان درباره ی مردم ممتاز این منطقه، کفش که هیچ، حتی جورابی هم به امید خدا باقی نخواهد ماند.

نویسنده: یه نفر

جمعه 25 اردیبهشت1388 ساعت: 21:38

کاش این روشنفکری به اندازه ی این الهام خانم شجاعت دفاع داشت.

http://keep4u.ru/imgs/b/070922/7b71afc528e922b173.jpg
حالا دلشون را صابون زدن که کنفرانسی چیزی راه می افته و اونا دلی از عزا درمیارن.

این عکس هم قشنگه حتی اگر فتو شاپی باشه.
http://www.narestan.ir/uploaded/N_13199.jpg

نویسنده: دوتا

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 7:18

"جومونگ مانند خشایار و داریوش واقعی است"
وی با بیان اینکه ایران و کره دارای فرهنگ مشترک هستند افزود: علت استقبال مردم ایران از سریال جومونگ شباهت زیادی است که بین تاریخ امپراتوری ایران و کره وجود دارد. زنان سریال جومونگ نیز مانند زنان ایرانی بسیار فعالند و بر این اساس این سریال مورد توجه زنان نیز قرار گرفته است.
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=82796

نویسنده: naria

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 7:24

برخی نمادهای هرم دلار آمریکا،داستان و فیلم فرشتگان و شیاطین، انجمن اشراقیون و تئوری توطئه و امبیگرام

در ابتدا هدف از نوشتن این مطلب آشنایی با این هنر (Ambigram) مفرح، سخت و خلاقانه بود اما کار به جاهای باریکتری کشید که باید دید. اینکه اشراقیون هنوز هستند و اثری از آنها در پشت معتبرترین واحد پولی دنیا خودنمایی می کند و رابطه آنها با تئوری توطئه و تسلط بر جهان چیست و نیز شرح مختصری بر داستان فرشتگان و شیاطین اثر دن براون (البت بعد از خواندن کتاب و دیدن فیلم در سینما!) و در نهایت توضیحاتی از هنر Abigram ماحصل تفکرات مغشوش! بنده است.

http://shahroozx.blogfa.com/post-148.aspx

وب سایت

نویسنده: مش عباس

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 8:6

بهتر آن است آريايي هاي ساكن در فلات ايران شعار خود را به يكي از صورتهاي زير تغيير دهند:
چو هندوستان نباشد تن من مباد!!!
چو انگلستان نباشد تن من مباد!!!
چو كمپاني هندشرقي نباشد تن من مباد!!!

نویسنده: نصرت خان

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 8:22

آقای پورپیرار
خواننده ای قدیمی و تقریبا دائمی هستم
منطبق ترین سخنان در مورد تاریخ ایران و اسلام و جهان و همچنین اقوام مهاجر از زبان گویای شما شنیده می شود به راه خود ادامه دهید که آیندگان نقد و تحلیل های بیشمار بر شما خواهند نگاشت ... شما تابوی چندین صد ساله را شکستید درود و فراوان درود بر شما - از عو عو ها نترسید و هم چنان نور فشانید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 اردیبهشت1388 ساعت: 10:32

آقای نصرت خان. حالا که خوابیده پارس می کنند و در واقع ونگ می زنند، آن زمان هم که کف از دهان می ریختند، کاریکاتور و چاقو می کشیدند و می خواستند زنجیر پاره کنند، ترسی از بنده ای نداشتم و می دانم غالب این نوشته ها درقالب عقول قوم پرستان و دروغ پسندان نمی گنجد. پیش تر هم نوشته بودم که داور نهایی دوران است. باید به انتظار زمانه ماند تا تکلیف نهایی هر اندیشه ای را معین کند. فعلا که حباب ها یکی پس از دیگری بی صدا می ترکند.

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 26 ارديبهشت1388 ساعت: 11:21

تصوير زير و ماجرايي كه در آن نقل شده است تنها نمونه اي از شيادي هاي تهوع آوري است كه در عصر ارتباطات و در عرصه علمي اين كشور در جريان است:

http://i39.tinypic.com/29dilxc.jpg

نویسنده: سعید

شنبه 26 ارديبهشت1388 ساعت: 11:57

استاد ارجمند. چند مطلب و سئوال در مورد این مقاله اخیرتان بنظرم رسیده که نیازمند راهنمایی شما هستم. اول: در صورتیکه سرزمین ایران به واسطه حادثه پوریم تا زمان صفویه خالی از حبات مدنی بوده است و یهودیان نیز تقریبا جزو نخستین مهاجران به ایران هستند، آنگاه این زبان فارسی از کجا و چگونه و در طول کدام پروسه تاریخی در میان یهودیان ایران شکل گرفته است؟ دوم: سهم فرهنگ و زبانهای هندی در شکل گیری زبان فارسی و این فارسی نویسی اقیانوس وار در هند و نیز عثمانی چگونه مفهوم و ضرورت می یابد؟ سوم: من تاکنون فکر می کردم که فقط زبان تاتی زبان یهودیان ایران بوده است اما با این تحقیق شما آنگاه آیا می توان ادعا کرد که زبان یهودیان شرقی ایران بزرگ به ویژه در خراسان بزرگ (شامل تاجیکستان و افغانستان) فارسی بوده و زبان یهودیان غربی ایران تاتی؟

نویسنده: دوتا

شنبه 26 ارديبهشت1388 ساعت: 13:11

موعظه ای دیگر از اسفندیار رحیم مشایی
در اين مراسم همچنين "محمد علي رامين" نيز با اشاره به تلاش هاي جمهوري اسلامي ايران در دفاع از ملت مظلوم فلسطين تصريح كرد روح حقيقت يابي جمهوري اسلامي ايران در باره هولوكاست باعث اعاده حقوق همه مظلومان بويژه يهوديان در سراسر عالم خواهد شد
!

نویسنده: حقیقت پرست

شنبه 26 ارديبهشت1388 ساعت: 15:48

درود بر کذب و ریا
درود بر قلب سیاه
درود بر شر و زیان
مرگ بر پورپیرار

نویسنده: ..

يکشنبه 27 ارديبهشت1388 ساعت: 0:35

درود بر حقیقت بی ریا
درود بر قلب پاک
درود بر خیر وفلاح
درود بر پورپیرار

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

يکشنبه 27 ارديبهشت1388 ساعت: 1:5

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

والعاقبه للمتقين

...متاسفم برای رسانه به اصطلاح ملی که هر شب خائنان بنیاد نیشابور رو میاره و خزعبلات جهود رو تحویل اقوام این کشور میده



نویسنده: ?

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 1:55

با سلام و خسته نباشید

قدمت کلیساها در ایران نشان از ارتباط اسلام و مسیحیت است
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802261066

شيخ عباس قمي پس از عمل به تمامي مفاتيح آن را چاپ كرد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802261037

علماي مسلمان و مسيحيان آشوري در تهران گفت و گو كردند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802261029

خلیج فارس در نامه پادشاه سعودی
http://3islands.blogspot.com/2009/05/blog-post_15.html

آغل گوسفند کنار نقش برجسته فتحعلی شاه
http://www.hammihannews.com/news/3287

کشف مجسمه 35 هزار ساله ونوس
http://www.hammihannews.com/news/3290

ضمنا بنده آن علامت ؟ قبلي كه لينك "با خواندن اين نوشته ميفهميد چرا واردات خر از قبرس ممنوع شده است!
"http://www.ghiasabadi.com/darius_suez.html
را گذاشته، نبوده ام
پيروز و سربلند باشيد



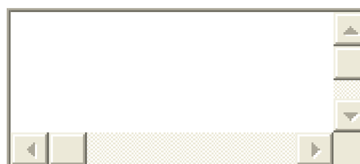
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 214

ایران شناسی بدون دروغ 214، نتیجه، 22، درباره ی منابع زبان فارسی، بررسی متون یهودی - فارسی - 38 نظر

نویسنده: توحید

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 4:2

سلام استاد خسته نباشید .

هنوز این قسمت را نخواندم . صفحه را save کردم تا بخوانم . خداوند شما را طول عمر بدهد برای بیان حقیقت تا آخرین کلمه .

موفق باشید

نویسنده: مهران حقیقت

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 8:47

سلام بر دوستان

فقط باید بگویم اجرکم عند ا... استاد.
نورافشانی شما مایه امید و دلگرمی حقیقت دوستان است.

پیروز باشید
مهران حقیقت

نویسنده: بابک

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 9:10

با سلام خدمت استاد روشنگر
واقعا مقالات شما برای هر انسان بی تعصب به راحتی باور پذیر است. زیرا اینها با واقعیت جامعه ما سازگاری دارد. ایکاش آنهایی که رگ تعصب جاهلانه شان در برابر روشنگریها و حقیقت گوییهای شما باد می کند در برابر یک عمر دروغی که شنیدند یک ذره فکر می کردند...

نویسنده: هیوا ایزدي

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 9:19

استاد با سلام
آيا آيه‌ي 3 سوره اسراء ، بني اسرائيل را از اعقاب ذريه‌ي افرادي كه با نوح سوار شدند نمي داند؟ به نظر مي‌رسد كه اين آيه مي‌تواند راهنماي خوبي براي پيگيري خاستگاه بني اسرائيل باشد.نه؟

در اين صورت مخالف تز شما در آخر مستند طوفان نوح نيست؟

نویسنده: حسین

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 10:21

سلام استاد,محشر بود حتی برای نزدیک بینها.به نظر 1358 میلادی درست است نه هجری.سلامت باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 10:23

آقای هیوا ایزدی. برداشت شما از آیات ابتدایی سوره ی اسرا، چون آن ها را پیوندی و مرتبط می خوانید غلط است. آن جا فهرست عنایات الهی نخست به بنده ای است که میان مسجد الحرام تا مسجد الاقصی سیر داده می شود، آن گاه بیان عنایت دیگری است که خداوند با ارسال کتاب نصیب موسی و قوم اش کرده، تا بر غیر خدا توکل نکنند، سپس از سوار شدگان بر کشتی نوح، به عنوان بندگانی شکر گذار، و البته بدون ارتباط با قوم بنی اسراییل، یاد می کند. اتفاقا آیات نخستین سوره ی اسرا اشاره ی واضحی است بر این که بنی اسراییل تا زمان نبوت موسی بت پرست و طغیانگر بوده و نمی توانسته اند در زمره ی ذریه ی همراهان نوح قرار گیرند، که قرآن آنان را عبد شکور می خواند.

آقایان بابک و مهران و توحید. ممنونم.

آقای حسین. ممنونم. از عوارض تایپ نیمه شبانه است.

نویسنده: قدیر

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 11:31

پروفسور رواسانی در مصاحبه با جام جم:

بیشتر کتاب های باستان شناسی ما سیاسی هستند.

ما اصلا نژادی با نام آریا نداریم.

منبع: روزنامه جام جم 2/6/87

http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100947150413

نویسنده: بازخوانی

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 20:22

سلام بر همگی

«بازخوانی» را خوانده اید؟

http://www.bazkhani.blogfa.com/

وب سایت

نویسنده: naria

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 22:20

با سلام استاد پورپیرار.
من اولین باری است که نام ایشان را شنیده ام.شما کتابهایشان را دیده اید؟
لطفا راهنمایی نمایید

پروفسور رواسانی در مصاحبه با جام جم:
اگر شما به نقشه جغرافيا از شمال آفريقا تا آسياي مركزي نگاه كنيد، ملاحظه مي‌كنيد كه تعداد زيادي كشور به اصطلاح مستقل در اين منطقه وجود دارند.

مرزهايي كه اين كشورها را از يكديگر جدا مي‌كنند، مربوط به 100 تا 150 سال اخير مي‌شوند و اين مرزها همگي سياسي و نظامي‌اند و مرز فرهنگي، هنري، ديني يا زباني نيستند.

همگي اين مرزها مصنوعي هستند و استعمار سرمايه‌داري آنها را ايجاد كرده است و بعد هم يك هويت كاذب سياسي در اين كشورها به وجود آمده كه ربطي هم به تاريخ، فرهنگ، زبان و دين اين مناطق ندارد. بر اين اساس يك ناسيوناليسم نژادي تبليغ شده است.

اين مرزهاي كاذب را كاملا به طور مدلل مي‌توان نشان داد كه كدامين افراد يا شركت‌ها و يا دولت‌هاي خارجي و به چه دلايلي رسم كرده‌اند تا ما را از يكديگر جدا كنند.

پس از به وجود آمدن اين مرزها، مستشرقاني كه آمدند و در مورد شرق كار كردند، اين مرزها را به دوران باستان منتقل كردند (كه البته كار فوق‌العاده غلطي بود، چون اين مرزها در دوران باستان وجود نداشت) و بر آن اساس تلاش كردند براي هر كدام از اين كشورها تاريخي بنگارند؛ مثلا بنويسند 3000 سال پاكستان، 5000 سال اردن.
استعمار پس از ايجاد يك ناسيوناليسم نژادي غلط، فرضيه‌هاي نژادي را مطرح كرد. مثلا مي‌گويند نژاد آريا، نژاد سامي و نژاد ترك.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 22:39

آقای سنجری. مسجد جمعه ی قرن پنجمی اصفهان بنا بر شناس نامه ی کنونی و قلابی آن و مسجد جمعه ی تازه ساخت حاصل تحقیقات درباره ی اصفهان است.

آقای بچه مثبت. تا وقتی کتاب مستطاب دده قورقور را دم دست دارید چرا ادای بزرگ ترها را در می آورید و یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را می خوانید که مطالب آن را نفهمید و جوش بیاورید؟

آقای naria. شناسایی شخصی و نزدیک از ایشان ندارم و به گمانم کتاب های شان را در مقابل دانشگاه تهران پیدا کنید. ارزش گذاری بر کارهای او و یا هرکس دیگر تا زمانی که قادر نباشند در مقابل مدخل پوریم اظهار نظری کنند، مطلقا منفی است.

نویسنده: آمون

یکشنبه 27 اردیبهشت1388 ساعت: 20:33

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا نیز ارسال شد.

www.amun.blogfa.com

نویسنده: پزشک عرب

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 0:25

سلام....ممنون از نوشته هدایتگرتون

ا لیس الصبح بقریب

نویسنده: بی طرف

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 3:24

با سلام.

پرده برداری از یکی از ناشیانه ترین جعل ها در تخت جمشید. به دوستان پیشنهاد میکنم که حتما بخوانند و بنده را از نقدها و راهنمایی هایشان محروم نکنند همچنین شما استاد.

جورچینی های مضحک (2) بررسی قطعات و نتیجه گیری

وبلاگ دروغ بزرگ در خدمت جویندگان حقیقت.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 11:49

آقای ؟. از چنین راویان و آن گونه کرامت ها بسیار شنیده ایم. افسوس که ابزاری برای تشخیص صحت و سقم آن نداریم.

آقای هیوا ایزدی. چند بار همان پاسخ قبلی را، با دقت بیش تر بخوانید.

آقای عابدی و آقای reza71 و دوستان دیگر. نسخه ی انگلیسی طوفان نوح آماده است. لطفا برای نصب در سایت ها به استاد غفوری رجوع کنید.

نویسنده: ?

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 20:0

يك تعداد عكس از موزه استانبول
http://www.aulia-e-hind.com/prophetsgallery.htm
http://www.aulia-e-hind.com/prophetsgallery1.htm
http://www.aulia-e-hind.com/prophetsgallery2.htm
http://www.aulia-e-hind.com/prophetsgallery3.htm
http://www.aulia-e-hind.com/prophetsgallery4.htm

نویسنده: مسعود

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 23:9

سلام علیکم و وقت شما بخیر باشد.

استاد اگر وقت داشتید نگاهی هم به این لینکهای بقول جنابعالی عامیانه از ویکی پدیا بیندازید که در آن اشارات جالبی هست راجع به زبانهای اختراع شده بوسیله یهودیان در سراسر جهان از جمله گویشهای محلی در ایران و نیز زبان های جالب توجه " یدیش" و "ینگلیش " و لغات یهودی الاصل بکار رفته در انگلیسی !!! :

http://en.wikipedia.org/wiki/Jewish_languages

http://en.wikipedia.org/wiki/Yiddish_language

http://en.wikipedia.org/wiki/Yinglish#Yiddish_words_used_by_English-speaking_Jews

http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_English_words_of_Yiddish_origin

سلامت و پیروز باشید.

نویسنده: یکی

دوشنبه 28 اردیبهشت1388 ساعت: 20:40

بی بی سی فارسی گزارشی می داد قبل از 10 تهران امشب که در اون توضیح می داد چه طور هلندی های متظاهر به اسلام و با اسامی عربی ولی با امکانات نیروی دریایی هلند مزین به پرچم دزدان دریایی به کشتیهای مسلمانان حمله می کردند و اون ها رو غارت می کردند و ثروت هاشو به اروپا منتقل می کردند. یکیشون تو مدیترانه غرق شده بود و داشتند طلاهاشو در می آوردند که ببرند به هلند! ولی اسم این تداوم راهزنی دریایی رو گذاشته بودند تحقیقات دریایی! جالبه که اسم واقعی آقا دزده هم معلوم بود و نیز اسم عربیش! هم چنین اسم یکی دو تا از همکارانش در دریای مدیترانه هم معلوم بود و با هم در ارتباط بوده اند!
از دوستان اگر کسی اطلاعات تکمیلی داره بد نیست مختصر توضیحی بده.
خودشون این برنامه ها رو پخش می کنند ولی ما می گیم نه بابا! اینا همه ش توهم توطئه است! اروپایی ها همه آدم های فهمیده ای هستند.

اصلا معلوم هست تو این دنیا چه خبره؟!! گاهی فکر می کنم یا تمام دنیا منو گذاشته سر کار یا واقعا دنیا به همین کثیفی و حماقتیه که می بینم.
نظر شما چیه؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 2:32

آقای کارن. مهم نیست مطلب نوشته ای به سود یا زیان کسی باشد، مهم فقط درستی یا نادرستی آن است. یاد بگیر جان من به کارت خواهد آمد...

آقای مسعود. ممنون از ارسال لینک ها.

آقای؟. ممنون از ارسال لینک ها. وجود همین اشیا' بدون شناس نامه و به طور واضح قلابی و سرهم بندی شده و غالبا مضحک، در مهم ترین موزه ی اسلامی ترکیه، عالی ترین شاهد است بر دروغ بودن تاریخ عثمانی، چنان که در باب صفویه می بینیم.

آقای reza71. با تشکر در زمانی که اعلام کرده اید و در همان محل آماده است.

آقای حسینی. متاسفانه هنوز هیچ یک از بسته های ارسالی شما نرسیده است. اگر مایلید اطلاعات بیش تری بفرستید.

آقای فتح. به طور کامل منظور شما را درک نکردم، ولی بدانید که یهودیان برگ سالمی در مجموع فرهنگ انسانی باقی نگذارده اند.

نویسنده: joke

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 3:50

/http://far-hang.blogspot.com

وب سایت

نویسنده: بختیار

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 10:24

استاد شریف و بزرگوار سلام

یک بار دیگر در کمال خشوع سر تعظیم فرود میاورم. خدا حفظتان کند. قلمتان افشاگر است و بوسه میزنم بر آن.

پیشتر اصرار داشتم که وارد مبحث صفویه و قاجار شوید(از سر بی صبری) اما اکنون میبینم این قصه سر دراز دارد.

هر درس را که نصب میفرمایید حیران تر از قبل مشتاق خواندن بعدی هستم.

نمیدانم استاد مدخلی در مورد موسیقی بخصوص موسیقی کردی که قرابت انکار ناپذیری با موسیقیی که اکنون موسیقی عبری نامیده میشود نیز خواهید گشود یا نه؟

نویسنده: ?

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 12:17

قديمي ترين تصوير ابوعلي سينا!!!
http://pezeshkezaniran.blogfa.com/post-176.aspx

نویسنده: توحید

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 9:56

سلام و خسته نباشید

استاد ، صحیح ترین و واقعی ترین ترجمه آیه 55 سوره مائده از نظر شما چیست ؟ من خیلی این آیه را کاویدم ، چندین گونه ترجمه کردم :

« ولی شما همانا خداوند و رسول خدا و کسانی هستند که ایمان آورده اند ، کسانی که نماز بپا می دارند و زکات می دهند و آنها از رکوع کنندگانند »

« ولی شما همانا خداوند و رسول خدا و کسانی هستند که ایمان آورده اند ، کسانی که نماز بپا می دارند و در حالی که در حال رکوع اند زکات می دهند »

« ولی شما همانا خداوند و رسول خدا و کسانی هستند که ایمان آورده اند ، کسانی که نماز بپا می دارند و زکات می دهند و آنها متواضعند »

« ولی شما همانا خداوند و رسول خدا و کسانی هستند که ایمان آورده اند ، کسانی که نماز بپا می دارند و متواضعانه زکات می دهند »

من سعی داشته ام تا این آیه را بدون تاویل ترجمه کنم و نظر شخصی خود را اعمال نکنم ، مثلا یکبار گفتم احتمالا منظور از « راکعون » در قرآن « تواضع و خشوع » است ولی بعد گفتم شاید با این نظر شخصی در معنی اصلی آیه دخالت بیجا کرده باشم و مصلا چرا خداوند از همان واژه « خاشعون » استفاده نکرده است ؟
به نظر شما ، معنی ای که یک عرب زبان با خواندن این آیه درک می کند چیست ؟
و دیگر اینکه « ولی » در قرآن به چه معنی آمده است ؟ به معنی سرپرستی بی قید و شرط و یا دوستی و حامی بودن ؟

نویسنده: R134

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 14:52

khaste nabashid

نویسنده: عادل

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 16:10

شیراز 1286 هجری شمسی
/http://www.flickr.com/photos/nima_flickr/113260489

نویسنده: توحید

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 15:15

سلام

متن "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران " بصورت pdf :

http://kickerpen.persiangig.ir/book/ghanoone%20asasi.pdf

درباره موضوع " شهادت آب " که کلی جنجال به پا کرده شنیدید ؟ یک دانشمند ژاپنی به نام " ماسارو ایموتو " مدعی شده که مولکولهای آب در برابر احساسات انسان مثل تنفر ، دوستی ، محبت ، خشم ، دعا و ... واکنش نشون می دهند و حتی در برابر اسامی و شخصیتها ، مثلا اسم " آدلف هیتلر " رو روی شیشه حاوی آب نوشته و مولکولها زشت شدند !!!
همچنین او تصمیم گرفته که خدمتی برای اسلام انجام بده و 99 تا از اسامی خدا در اسلام رو مورد آزمایش قرار بده و 2 سال برای این کار وقت گذاشته ، واقعا دستش درد نکنه ، ولی در لینکهای زیر به « ستاره های داوود » دقت کنید :

http://www.thelovefoundation.com/Emoto%20Water%20Crystal%20for%20Global%20Love%20Day%2007.jpg

goonagoon.nasseh.ir/atcl_shahadate_ab.htm

قسمت انتهای مقاله رو حتما بخونید .

نویسنده: R134

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 19:45

.خدايي كه من در كتاب مقدس يافتم
http://www.kelisa.blogfa.com/8410.aspx

نویسنده: R134

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 20:6

لعنت قوم كنعان و نسل كشي قوم وي
نقل از كتاب مقدس:

"نوح به فلاحت شروع كرد و تاكستان غرس نمود و شراب نوشيده مست شده وعريان داخل خيمه گرديد حام پدر

كنعان برهنگي پدر خود را ديد و دو برادر خود را در بيرون خبر داد و سام و يافث ردا را گرفته بركتف خود انداختند پس پس رفته و برهنگي پدر خود را پوشانيدند و روي ايشان باز پس بود كه برهنگي پدر خود را نبيدند نوح از مستي به هوش آمد و دريافت كه پسر كهترش با وي چه كرده پس گفت(كنعان ملون باد و برادران خود را بنده بندگان باشد)و گفت متبارك باد خداي سام و كنعان بنده او باشد خدا يافث راوسعت دهد و در خيمه هاي سام ساكن شود و كنعان بنده او باشد)"

و چرخ روزگار ميچرخد تا بني اسراييل تصميم ميگيرند به سرزمين فلسطين بيايند

بنا بر نقل كتاب مقدس خداوند به فرمانده آنها حضرت موسي(ع) دستورمي دهد كه ...(باهم ميخوانيم)

"اما از شهرهايي كه خدايت يهوه به تو به ملكيت مي دهد هيچ ذي نفسي را زنده مگذار بلكه ايشان را يعني (قبايل)حتيان و اموريان وكنعانيان و فرزيان و حويان و يبوسيان را چنانكه يهوه خدايت امر فرموده بالكل هلاك ساز تا شما را تعليم ندهند كه موافق همه رجاساتي كه به خداي خود عمل مي نموديد عمل نماييد و به يهوه خداي خود گناه كنيد"

نویسنده: R134

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 20:7

اما خوب است كه ببينيم موسي(ع) چگونه به اين دستور عمل ميكند

او را با جميع پسران قومش زديم(كشتيم) و تمامي شهرهاي او را در آنوقت گرفته و مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاك كرديم ويكي را باقي نگذاشتيم ليكن بهايم را با غنيمت شهر هايي كه گرفته بوديم به غارت برديم

تثنيه 33:2

ودرآنوقت همه شهرهايش را گرفتيم و شهري نماند كه از ايشان نگرفتيم يعني شصت شهر...سئاي قراي بي حصار كثير آنها را بالكل هلاك كرديم چنانكه با سيحون و ملك حبشون كرده بوديم هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاك ساختيم

تثنيه4:3

و حتي در مورد مديان وقتي بني اسراييل مردان را ميكشند و زنان و كودكان را به اسيري ميگيرند موسي عصباني ميشود

دقت كنيد

با مديان به طوري كه خداوند با به موسي امر كرده بود جنگ كرده همه ذكوران را كشتند...و زنان و اطفال ايشان را به اسيري بردند

... موسي غضبناك شد و به ايشان گفت(ايا همه زنان را نگه داشتيد)...پس الان هر ذكوري از اطفال را بكشيد و هر زني را كه مرد شناخته با او همبستر شده باشيد بكشيد و از زنان هر دختري را كه مرد نشناخته و با او همبستر نشده ايد براي خود نگاه داريد

نويسنده: ؟

سه شنبه 29 ارديبهشت1388 ساعت: 21:56

ماشين رضاشاه در كرمان
http://hammihannews.com/gallery/3534

آشنايي با قلعه‌های استان ايلام
http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=78023

تأكيد آيت‌الله بهجت بر يافتن كتاب‌هايي كه ائمه(ع) نوشته‌اند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802290161

توضيح مدير اسبق روابط‌عمومي پروژه «يوسف پيامبر» درباره بودجه سريال
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802290830

رواقي: 3 هزار بيت شاهنامه تغيير كرده است
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8802290313

ساخت بازي براي تشخيص شيعه از سني!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=48565

کلیپ: "ای ایران" با تمجید احمدی نژاد!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=48562

تصویر: خاتمی در طواف خانه خدا
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=72776

نويسنده: عاشق او

چهارشنبه 30 ارديبهشت1388 ساعت: 0:24

سلام
خسته نباشيد
ممنون كه منو با وب پر محتواتون اشنا كردين
دفعه پيش هم اومدم ولی وقت نشد مطالب رو كامل بخونم
چون بايد سر وقت بخونم
خيلی احساس نياز می كنم يک سری چيز ها رو بدونم
و احتمالا تو اين نوشته ها پيدا خواهم كرد

ممنونم
در پناه حق

وب سایت

نویسنده: یکی

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 20:56

این شهادت آب هم فوق العاده بود. روش عکس برداری از بلور تا اونجا که من می دونم، خلوص تا حد 99/99% و سپس عکس برداری با اشعه ایکسه و در این صورت آب منجمد شده در آرایش sp3 اربیتالی قرار می گیره و میشه همون شکل اربیتال.
بنابراین جز در بلور ها برف که 6 شلعیه بقیه همه هرمیه! این ژاپنیه هم همه رو فول اسکل کرده!

واقعا عجب دنیای احمقانه ایه! تو ژاپن و از این کنجکاوی ها؟! آدم واقعا هاج و واج می مونه! وقتی فرنگیا با لباس عربی - اسلامی می شن دزد دریایی، خوب حالا این ژاپنیه یه چیزی انداخته! این که این قدر دعوا نداره!

نویسنده: یکی

سه شنبه 29 اردیبهشت1388 ساعت: 20:58

http://www.hutpix.com/pic/18-05-2009/M/001.jpg

http://www.hutpix.com/pic/18-05-2009/M/002.jpg

http://www.hutpix.com/pic/18-05-2009/M/003.jpg

http://www.hutpix.com/pic/18-05-2009/M/004.jpg

http://www.hutpix.com/pic/18-05-2009/M/005.jpg

عکس من نیست!

نویسنده: عادل

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 9:29

http://qom-barax.blogfa.com/post-50.aspx

نویسنده: از سايت فارسي سره

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 10:36

۲. واژگانی که پس از جدایی مردمان آریایی؟؟؟؟ به خاطر ارتباط فرهنگی و سیاسیشان به یکدیگر وام داده اند. گفتنی است از دوره ی پادشاهی صفویان در ایران از آن جایی که ارتباط سیاسی دولت آن زمان ایران با باختر (غرب) گسترش یافت و پس از آن نیز رو به افزایش گذاشت، داد و ستد وام واژه ها افزایش یافت. در آغاز این داد و ستد تا اندازه ای برابر بود ولی با روی کار آمدن قاجار ها و کاهش توان کشور در بسیاری از جنبه ها که فرهنگ نیز از آن دسته است این داد و ستد یک سویه شد و فرهنگ و زبان اروپاییان بیش از پیش در ایران نفوذ کرد. از آن دسته اند: کامپیوتر، کولر، رئالیسم، تاکسی، اتوموبیل، ماشین، تلویزیون،آرشیو
همان گونه که می بینید بیشتر این واژگان مربوط به فن آوری و دانش است و شوربختانه نشان دهنده ی ناتوانی دانشی ما پس از دوره ی صفویه است.
ناگفته نماند که واژگان پارسی راه یافته به زبان های اروپایی کم نیستند ولی کم تر (و یا در اصل) مربوط به دانش و فن آوری نیستند. از آن دسته اند:
خاکی (رنگ خاکی)، بازار، کباب، شاه، مینیاتور (ریشه ی این واژه "مانی" ایرانی است.)

آشکار است که واژگانی چون "دو" و یا "ستاره" واژگان بیگانه ای به شمار نمی آیند ولی واژگان "کامپیوتر" و "آرشیو" از آن جایی که پس از جدا شدن زبان های هند و اروپایی و دور شدن آن ها از هم !!!!!!!!! و به گونه ای مستقل شدنشان!!!!!! به پارسی راه یافته اند بیگانه به شمار می آیند و باید برابر های پارسی آنان را به کار برد. البته گاهی پیش می آید که یک

اصطلاح و یا یک واژه ی ترکیبی از زبان های اروپایی به فارسی آمده باشد که می توان با کمی دگرگونی آن را فارسی کرد. یک نمونه ی جالب آن واژه ی Nick name به معنی "اسم مستعار" است، از آن جایی که واژگان "نیک" و "نام" هر دو واژگان هندواروپایی!!!!!!!! سره هستند و پارسی نیز به شمار می آیند ساختن ترکیب "نیک نام" شدنی و بی اشکال می نماید. با این کار جایگزینی پارسی!!!!!!!! برای "اسم مستعار " که یک ترکیب عربی بسیار ناجور است ساخته ایم.

وب سایت

نویسنده: مهران

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 13:1

دوستان سلام

لینک زیر عکسهای قدیمی ایران رو داره که بعضا جالبن. (از دانشگاه هاروارد)

http://nrs.harvard.edu/urn-3:FHCL:1125271

نویسنده: حمید

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 13:10

خاتمي ملاي شيادي كه تركها را تحقير ميكند

feature=channel_page&http://www.youtube.com/watch?v=k4GcwvxFPuU

وب سایت

نویسنده: خلیل

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 15:8

با سلام واحترام خدمت استاد عزیز
میخواهم در مورد تقویم شمسی نظریات با ارزش شما را بشنوم
متشکرم.

نویسنده: یکی

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 12:1

http://i5.tinypic.com/34h89pg.jpg

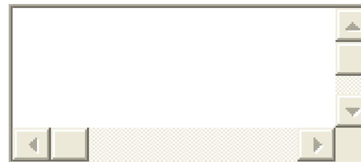
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 215

ایران شناسی بدون دروغ 215، نتیجه، 23، درباره ی منابع زبان فارسی، بررسی متون یهودی - فارسی - 22 نظر

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 30 اردیبهشت1388 ساعت: 22:42

استاد بزرگوار جناب اقای پورپیرارسلام علیکم -خسته نباشید

نمیدانم پس از خواندن این مقاله چه حسی دارم؟ امتزاجی غریب وغیر قابل تشخیص از خشم ونفرت وترس و تاسف وغرور و...همچنین نمی دانم که عیار کدام حس بر دیگری فزونی دارد .
غرور از اینکه همراه شماییم.خشم و نفرت از جاعلان وپرده بازانی که اعتقادات دینی ما راچگونه به باورهای جعل وفریب بازیچه اهداف خود نموده اند وترس از راه دشواریکه خردمندان بنیان اندیش برای زدودن این ناپاکیها در پیش دارند وتاسف برای بوزینگان بی خردی که به نشخوار پس رانده های از هضم رابع گذشته اعوان کنیسه وکلیسا مشغولند.خداوند خود مددی نماید.انشا الله

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 4:46

آقای فتح. اوضاع در این زمینه چندان نامناسب است که حتی اعلام یافتن نسخه ی تازه ای از تورات و یا انجیل نیز می تواند با قصد فریب معین و تازه ای صورت گرفته باشد. در حال حاضر به عللی که قبلا برشمرده ام ارجاع به هرگونه ارجاع غیر نقادانه به تورات و انجیل، خصوصا به عنوان سند تاریخی، گول زدن دیگران است.

آقای naria. حتی ویکی پدیا نیز مجاز نیست قرقره های بی سند اشخاص را به عنوان حاصل فرهنگ جاری منتقل کند، کاری

که در باب زبان و خط فارسی و عربی انجام داده است. منظورم این که این دکان ها را برای کمک به انتشار اطلاعات قابل اعتنا باز نکرده اند در آن جا فقط داده هایی ثبت می شود که در جهت عمده موید دروغ های تاریخی و فرهنگ جا افتاده ی کنونی و مورد قبول یهودیانی باشد که کارگردان این گونه امورند. اگر حوصله دارید برای تصحیح دروغ های مندرج در ویکی پدیا از جمله در باب زبان به اصطلاح فارسی و یا عربی اقدام کنید، توضیحات شما را نگه نخواهند داشت. چنان که شخصا بارها و از جمله در باب پروفایل خودم آزموده ام. در یک کلام مردم دنیا با جانورانی فرهنگ خوار طرف اند.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 2:39

کجایید آقای رفرف؟
بیایید که اوضاع خیلی خرابه!

نویسنده: آمون

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 6:17

با سلام و صبح به خیر؛
آمون نیز به روز شد .
خبرنامه اعضا نیز ارسال شد.

www.amun.blogfa.com
دیگر دوستا ن نیز می توانند عضو خبرنامه شوند.

نویسنده: دوتا

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 9:47

توهین مجدد پیش نماز مسجدالحرام به شیعیان
من واقعا از واکنش شیعیان به این اظهارات تعجب می‌کنم، چرا که این موضوع به هیچ وجه جدید نیست. پیش از من بسیاری از علمای اهل سنت و خلفای راشدین حکم به تکفیر شیعیان داده بودند.
پرس.تی.وی: شیخ عادل بن سالم الکلبانی امام جماعت مسجدالحرام در مصاحبه با پایگاه اینترنتی لجینیات از واکنش شیعیان عربستان در قبال سخنان خود ابراز تعجب کرد. وی پیش از این گفته بود که بسیاری از شیعیان کافر هستند.

الکلبانی گفت: «من واقعا از واکنش شیعیان به این اظهارات تعجب می‌کنم، چرا که این موضوع به هیچ وجه جدید نیست. پیش از من بسیاری از علمای اهل سنت و خلفای راشدین حکم به تکفیر شیعیان داده بودند».

وی افزود: «مسلمانان می‌توانند به رساله جامعه مهمی که حاوی سخنان خلفای راشدین است مراجعه کرده و خود ببینند که موضعگیری آنها در قبال شیعیان چیست. خلفای راشدین سال‌ها قبل گفته بودند که هر کسی به مذهب تشیع بگراید، رافضی و کافر است».

کلبانی روز پانزدهم ماه می در مصاحبه با شبکه بی.بی.سی گفته بود: «علمای شیعه از کفار هستند و شیعیان حق ندارند در کمیته علمای مسلمان عضویت داشته باشند».

اضافه می‌شود کمیته علمای مسلمان، مهم‌ترین و بارزترین کمیته دینی در عربستان سعودی است.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 16:45

استاد عزیز و توانا خداقوت.

پس بنابراین به میمنت کلام شما اندک اندک روشن میگردید که باصطلاح زبانهای محلیی چون کردی و لری و گیلک و غیره که خود را از پارسی کذایی هم باستانی تر میخوانند چیزی نیستند جز رسمی و محاوره ای شدن زبان یهودی ساز فارسی ممزوج شده با زبان محلی بومیان چادرنشین کوچ کرده به مناطق زیستشان به سعی دانشگاههای اروپایی و ایادی محلی آنها در چند قرن اخیر و شاید از زمان تاسیس کمپانیهای صفوی و عثمانی !!!

هزاران درود الهی بر ذهن و وجودتان که بقول دوستی در همین وبلاگ بجای ملتی! فکر میکنید ....

نویسنده: حسینی

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 17:23

تواصوا بالحق و تواصو بالصبر. خسته نباشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 17:36

آقای حسینی. برای آخرین بار یادآوری می کنم که هیچ یک از بسته های شما را دریافت نکرده ام.

نویسنده: علیرضا

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 19:20

استا گرامی جناب آقای پورپیرار خسته نباشید
بنده دانشجوی دکترا هستم و پنج سال است که با شما آشنا شده ام و کتابها ومقالات شما را (با تحقیق در حد توان) مطالعه کرده ام. نظرات ومطالبی که شما مطرح کرده اید بقدری برای من جالب و با اهمیت بوده است که من بیشتر از اینکه در رشته تحصیلی خودم وقت بگذارم ومطالعه بکنم در مباحث تاریخی مطالعه کرده ام و بهتر است بگویم که من پنج سال است که با شما زندگی میکنم.هر موقع که کامپیوتر را روشن میکنم اولین کارم این است که به وبلاگ شما سر بزنم. شما با روشنگری هایتان حق بزرگی به گردن ما دارید . هدف از این نوشته عرض تشکر و ارادت خدمت شماست.قبلا یکبار حضوری خدمت رسیده ام و امیدوا رم باز هم این توفیق نصیبم شود.ضمنا مطالب اخیر شما در مورد کتب فارسی- عبری بسیار جالب است انشا٫الله همیشه سالم و موفق باشید.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 31 اردیبهشت1388 ساعت: 20:15

سلام

خوشحالم که باب جدیدی را گشوده اید و برگ دیگری از دروغ ها و تلاش های چندین قرن جاعلان را نقش برآب کردید. فقط مسئله ایی ذهنم را به خود مشغول کرده: درست تر نیست از لفظ اسباط بنی اسراییل برای ساکنان این منطقه به جای کلمه ی با بار منفی یهود استفاده کنیم؟ به نظرم جدا کردن یهود و زیر شاخه ایی از بنی اسراییل دانستنشان درست باشد. تفاوت زبان های این منطقه مثلا از ترکی تا فارسی باعث نمی شود فکر کنیم که 12 گروه خارج شده با حضرت موسی به زبان هایی متفاوت بوده اند؟ من در مورد بنی اسراییل در حال تحقیق ام و این نوشته ی شما مهر تایید بسیار محکمی بر نتایجی است که به آنها رسیده ام البته اگر همانطور که گفتم از اسباط بنی اسراییل به جای یهود استفاده کنید.
اگر امکانش هست کمی در این زمینه راهنمایی ام کنید. شما یهود و جماعت بنی اسراییل را یکی می دانید یا منظورتان از یهود گروه خاصی است؟

وب سایت

نویسنده: توحید

شنبه 2 خرداد1388 ساعت: 14:42

سلام جناب استاد پورپیرار . خسته نباشید .

مثل همیشه مطلبتان بدیع و مستحکم هم چنین مفید بود .

با آرزوی توفیقات اللهی

نویسنده: reza71

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 0:46

جناب عابدی سلام
لینک دانلود مستند طوفان نوح با فرمت VCD به زبان فرسی در صفحه زیر اشتباه است و اگر روی لینک بایستید آدرس لینک که در پایین صفحه نمایش داده می شود دارای کاراکترهای اضافی است.
http://www.naria.ir/view/8.aspx?id=402

دو روز است که برای آپلود نسخه انگلیسی مستند طوفان نوح در سایت مشکل دارم و نرم افزار FTPNOW هنگ می کند.

ضمنا نسخه انگلیسی مستند طوفان نوح در سایت YOUTUBE آپلود گردید که از آدرس زیر قابل دسترسی است.

view=videos&http://www.youtube.com/profile?user=ghj7171

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 0:49

دوستان. ظاهرا چند روزی بخش کامنت های بلاگفا یا بسته و یا دچار اخلال بود که به حمد الله رفع شده است. به هر حال از تاخیر در ارسال برخی از پاسخ ها عذر می خواهم.

آقای احسان و آقای توحید. خداوند لا اقل در دو آیه، 7 آل عمران و 35 غافر بندگان را از مجادله بر سر معانی آیات و کلمات قرآن پرهیز داده است. حقیقت این که در حد اکثر بی غرضی و تیز هوشی و تسلط به زبان عرب هم، هر یافته ای از جانب هر بنده ای هرگز نمی تواند گفتار خداوند فرض شود و کسانی که برای معنا یابی در مبهمات قرآن مثلا واژه ی جن معرکه می گیرند، درست مانند شیرین کاری های مترجمین و مفسرین و داستان سرایانی که در باب شان نزول نقالی می کنند، دارندگان زیغ در قلب خویش اند. اما در عین حال نمی توان در برابر مترجمینی که عامدانه قتال را قتل و ما ملکت ایمانکم را کنیز و ربیون را کشتار معنا می کنند و یعقوب و اسراییل را از قول قرآن هم یکی می دانند، ساکت بود و باید پرده از کارشان کشید. از این قرار آن کلمات قرآنی که در ترجمه و تفسیر مورد سوُ استفاده ی کشیشان و خاخام ها قرار نگرفته نیازمند جدل لفظی نیست. کارهای بس مهم تری هم هست.

آقای اترش. بنا بر صریح چند آیه در قرآن اسباط همانند ابراهیم و یعقوب و اسماعیل ربطی به یهودیان ندارد. در قرآن قویم جز دو خطاب برای یهودیان نیامده است: بنی اسراییل و یهود.

آقای علی رضا. از محبت ها و تعارفات شما سپاس گذارم.

آقای بی نام. ممنونم.

آقای احسان از آذربایجان. خوش قولی کنید و تصاویر را بفرستید. البته با کسب اجازه از بزرگترها! ممنون

آقای بچه مثبت. به نظر می رسد هنوز اوغلانی و سرت با قصه ها گرم است! مواظب باش گولت نزنند؟!

آقای reza71. همگی از زحمات شما بسیار سپاس گذاریم.

نویسنده: naria

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 7:4

سلام استاد.
نظرتان درمورد این کتاب چیست؟آیا تحقیقات و گفته های ایشان اعتباری هم دارد؟
حالبه که اولیم کتیبه ها به خط فارسی تنها 250 سال عمر دارد.پس این فردوسی و سعدی و حافظ با کدامین خط شعر می نوشتند؟

موزه های سنگی، هنرهای صخره ای (سنگ نگاره های ایران)

کهن ترین آثارتاریخی و هنری بجامانده از بشرسنگ نگاره ها هستند به تعبیری مادر تاریخ ، هنر، زبان ، خط ، اسطوره ها و فرهنگ ها، سنگ نگاره ها هستند . آنچه امروزه ما بعنوان تاریخ ، هنر ، زبان ، خط، اسطوره ها و... می بینیم همه از بستر سنگ نگاره ها خلق شده ا ند . قدمت بعضی از سنگ نگاره ها به چهل هزار سال می‌رسد. این در صورتی است که انسان امروزی تاکنون قادر به کشف هیچ پدیده تاریخی وهنری دیگری به این قدمت نشده است. با این اوصاف است که ارزش سنگ نگاره ها بیش از پیش آشکار می شود واهمیت مناطقی که دارای سنگ نگاره ها هستند مشخص می گردد. ایران بیشترین و متنوع ترین سنگ نگاره های دنیا را به خود اختصاص داده است.(بویژه کوه ها ودره های خمین که بنظر نگارنده در ایران بی نظیر است) تعداد مکشوفه آنها به بیش 21هزار می رسد که کهن ترین خطوط (ایدئوگرام و خطوط سطری) شناخته شده درایران را به خود اختصاص داده است.
درمیان سنگ نگاره های این دیار برای نخستین بار تطورخط در ایران به نمایش در می آید، چیزی که در هیچ جای ایران بدیلی برای آن نمی توان یافت، خطوط ایدئوگرام ideogram ، مخطط ایلام strichschrift (هندسی) پهلوی ، کوفی ، عربی (906

سال پیش) فارسی (257 سال پیش)

http://www.homayen.com/default.aspx?tabid=157

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 7:30

آقای بچه مثبت. مگر روزنامه نمی خوانی؟ کیانوری سال هاست مرده و دکان اش نیز بسته است!!؟

آقای naria. این آثار در تمام کشورهای جهان از جمله در اروپا و آمریکا و استرالیا و آفریقا نیز دیده شده و وفور آن بسته به کثرت محیط های زیست سنگی و وجود غارهای کهن مسکون کوهستانی است. بخشی از آن چه در ایران دیده شده به دلایل معین یا حاصل تقلید چوپانان از یک نقش اصلی و یا وقت گذرانی شیطنت آمیز محیط بانان و زمین شناسان و معدن یابان در دهه های اخیر است که اشتیاق ارسال گزارش به این و آن را داشته اند. من کتاب را ندیده ام ولی پیش از این لااقل با چند صد قطعه تصویر از انواع این نقش ها و یا عین آن ها را در بخش بزرگی از کوه های ایران دیده ام که نیمی از آن ها قلابی و جدید بود. اسلوب تشخیص کهنه و یا تازه خش انداخته شده ی این تصاویر بسیار جالب و شیرین است که پس از بازدید از کتاب خواهم نوشت. ضمنا علی رغم هیاهوهای سوپر احمقانه ی جدید این گونه آثار نه فقط نمایاننده ی هیچ گونه تمدن و همکاری جمعی نیست، بل از وجود عقب مانده ترین مرحله ی تجمع در دوران کهن سنگی حکایت می کند.

آقای جلال. لطفا به سایت www.naria.ir رجوع کنید.

آقای نیما ارمین. با مطلالب گفته شده سرسری آشنایید و حتی ممکن است اصلا نخوانده باشید. یادداشت های شماره ی 80 تا 90 و به خصوص یادداشت شماره 104 را دقیق و عمیق بخوانید و به سئوالات آن نزد خودتان پاسخ دهید

آقای توحید. یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ تنها بخش مربوط به کتاب سوم یعنی برآمدن صفویه است. مطالب مرتبط با برآمدن مردم به خواست خدا به دنبال خواهد آمد که به گمانم بسیار مفصل تر و مهم تر است. از محبت های شما سپاس گذارم و حیات و مرگ همگی ما در اختیار خداوند است

نویسنده: نام 30 میلیون ساله خلیج فارس!!!!!

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 8:32

مشايي: سابقه تاريخي "خليج فارس" براساس مستندات علمي برهمگان روشن است
معاون رييس جمهور و رييس سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري گفت: فارسي بودن خليج فارس به قدري روشن است که نياز به تحقيق انديشمندان ندارد، زيرا در اسناد علمي و تاريخي حوزه جغرافيا سابقه خليج فارس بر همگان روشن و قطعي است.
به گزارش روز پنجشنبه خبرنگار ايرنا، "اسفنديار رحيم مشايي" در پنجمين همايش ملي، ،فرهنگي و گردشگري خليج هميشه فارس در جزيره کيش افزود: عنوان خليج فارس با قاموس فرهنگ غني فارسي عجين شده به طوري که در ادبيات کهن اين سرزمين از جايگاه برجسته اي برخوردار است.
رحيم مشايي با اشاره به سابقه ديرينه خليج فارس در اسناد و مدارک تاريخي اظهار داشت: نام خليج فارس و درياي پارسي از 30ميليون سال پيش به موازات شکل گيري تمدن هاي انساني در منطقه موجوديت يافته است.
معاون رييس جمهور با اشاره به ثبت خليج فارس در فهرست آثار ملي کشور، افزود: سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري ثبت خليج فارس در فهرست آثار ملي ايران را به رييس جمهوري ارائه داد و وي نيز با اين پيشنهاد موافقت کرد.
وي اظهار داشت: با موافقت رييس جمهور، روز 10 ارديبهشت ماه ، با نام "خليج فارس" در فهرست آثار ملي کشور به ثبت رسيد.
1625

انتهای خبر / خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر 462474
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=462474

برای محروم نماندن از چنین مغزهای سوپر متفکری بازم به احمدی نژاد رای میدیم.

نویسنده: سعید

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 12:47

با سلام و خسته نباشید من یک سال است پس از دیدن سی دی تختگاه پی گیر مباحث سایت شما هستم و روز به روز بر حیرتم افزوده میشود من اکثر مباحث را مطالعه کرده ام واین یک سال با این مباحث زندگی کرده ام با توجه به وقت ارزشمند جنابعالی اگر سوالتم تکراری بود به ذکر آدرس در سایت اکتفا کنید
1- اقوامی که پس از رخداد پوریم وارد ایران شده و با توجه به شرایط منطقه به صورت تدافعی در قلاع سکونت داشته اند به چه زبان یا زبانهایی صحبت می کرده اند وچه دینی داشته اند آیا زبان این اقوام دراثر گسترش زبانهای یهود(فارسی,ترکی,..) ازبین رفته اند و آیا نشانه نوشتاری از این زبانها موجود است
2- درمورد زبان فارسی منابع ومستندات ارائه شده و با توجه به ابزار گسترش زبان یعنی آموزش نوشتار قابلیت استدلال دارد اما ملت بزرگی که به گستره آسیای میانه تا شمال چین زندگی میکنند واکثرا روش زندگی کوچنده داشته اند به کدام روش ودر چه مدت با زبان التصاقی امروز که به اصطلاح ترکی نامیده میشود آشنا شده اندو با توجه به عدم وجود آموزش در بسیاری مناْطق چنین زبان مشکلی را چگونه آموخته اند وقبل آموزش چنین زبانی به چه زبانی تکلم میکرده اند و چرا اکثرا دین اسلام را به جای یهود پذیرفته اند

نویسنده: سعید

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 12:58

آیا به نظر شما این زبانها(فارسی وترکی), زبان بومیان این مناطق نبوده است که به صورت سینه به سینه گسترش پیدا کرده هر چند یهودیان نیز به واسطه گسترش دین یهود(به خصوص در منطقه خراسان و خزر) با این زبانها آشنایی کافی داشته اند و با بهره گیری از الفبای دینی خود برای اولین بار شروع به نوشتن این زبانها کرده اند.
با توجه به اسناد میتوان پذیرفت دست اندر کارن کنیسه وکلیسا با انتخاب چند زبان از زبانهایی که اقوام یهود با آن آشنا بوده اند و با الفبای دینی خود آنها را مینوشته اند, اسم گذاری های جعلی بر آنها و گسترش این زبانها از طریق نوشتار آنها به الفبای عربی برای پاک کردن رد پای خود , ترغیب به مهاجرت و جعل تاریخ وبا دادن هویتهای قابل افتخار و گماشتن حکومتهای دست نشانده (صفوی وعثمانی) باعث عدم گسترش زبان عربی(اسلام) شده اند
اما تصور اینکه این زبانها زبانهای یهود ساخته و یا مختص یهودیان بوده و حیرت آورتر اینکه آن اقلیت قدرت گسترش وآموزش به تمام مردم این مناطق را با چه امکاناتی در مدت حدود 300 سال داشته اند پس آیا زبان بدون نوشتار تنها برای برقراری ارتباط قابل حیات نیست
3- اگر نشانه هایی از پوریم در قرآن وجود دارد ذکر کنید
از سوالات شاید عجولانه پیشتر عذر خواهی میکنم ضمنا هدف من توجیه و نپذیرفتن چیزهایی که دوست ندارم نیست میدانم وظیفه ای که خدا به عهده ما گذاشته بسیار مهمتر از علایق بچه گانه مان است
با آرزوی توفیق وطول عمر

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 11:48

مطالب مرتبط با برآمدن مردم به خواست خدا به دنبال خواهد آمد که به گمانم بسیار مفصل تر و مهم تر است.

مفصلتر؟!!
با این حساب برآمدن مردم لااقل میشه 500 شماره !!
کمک!
چه قدر مگه دروغ هنوز مونده؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 18:30

خانم نازنین. به وبلاگ او سر خواهم زد و شما نیز سلام مرا برسانید. شادی آور است که پرهیز از ساده اندیشی در میان موجی از جوانان جوانه می زند. در عبور از مشکلات موفق باشید.

آقای یه نفر. از انبار دروغ بسیار زیاد مانده، ولی از امتداد عمر بسیار کم.

آقای سعید. تنها مشکل شما این است که به دفعات از حضور ملت ها در زمانی ناممکن سخن می گویید، حال آن که بر مبنای بقایای مادی در سراسر منطقه ی ما، در مقطع آغازین این حقه بازی ها تجمع ملی و یا حتی قومی مشخص و معتبر و با هویت و دیرینه ی تاریخی دیده نمی شود و هیچ یک از ملل و اقوام کنونی فارس و ترک و تاجیک و ازبک و غیره هنوز نام گذاری نشده اند و کسی جز زبان حوزه ی زیستی کوچک غالبا یهودی خود را نمی داند که در یک واحد معین، مثلا ترکی نیز، به صد گونه است. به گمانم هنوز باید خواندن چند یادداشت دیگر را تحمل کنید.

آقای حمایت از... باندی که گرداگرد موسوی جمع اند از بی رحم ترین عناصر شوونیست و فارس پرست و دشمن بی مهابای موجودیت اقوام دیگر غیر فارس اند. کافی است به موضع رهبرانه ی خاتمی در میان آنان توجه کنید.

نویسنده: محمد

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 21:13

سلام

وبلاگ در مسیر قرآن

برای پیوند ونزدیکی کلیه دوستان قرآنی ایجاد گردید

برای فهم درست قرآن به ما به پیوندید

http://masir-quran.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: تیله

یکشنبه 3 خرداد1388 ساعت: 19:59

ولی موسوی مدعیست که "مسلمان ایرانی" است نه "ایرانی مسلمان"!؟
ظاهرا قصد داره اختلافات قومی رو حذف کنه!
باز بازار شعارهای تو خالی داغ شده!
اکثریت مردم هم ولنگارانه، رای خواهند داد!
من به احمدی نجاد رای نمی دهم چون قدش از همه ی رئیس جمهوران عالم کوتاه تره! و همیشه کتش توی تنش زار زار گریه میکنه!
از اون قاچاقچی سیگار هم دل خوشی ندارم چون موهاشو رنگ میکنه!
پس من به کروبی رو به موت رای می دهم!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 216

ایران شناسی بدون دروغ 216، نتیجه، 24، بررسی زبان های پدیش منطقه، - 1
33نظر

نویسنده: آمون

چهارشنبه 3 تیر1388 ساعت: 22:2

آمون به روز شد و خبر نامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: م

چهارشنبه 3 تیر1388 ساعت: 22:57

http://fa.wikipedia.org/
wiki/%D8%AE%D8%B7_%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C#.D9.81.D8.A7.D8.B1.D8.B3.DB.8C_.
D8.A8.D9.87_.D8.AE.D8.B7_.D8.B9.D8.A8.D8.B1.DB.8C

کهن‌ترین نوشتهٔ به‌دست‌امده از زبان فارسی نو به خط عبری کتابت شده‌است. نمونه‌های بسیار کهن دیگری هم از نوشته‌های متعلق به یهودیان فارسی زبان به دست آمده‌است که دارای مختصات گویشی خاص خود است. برای نمونه چند خط سندی که احتمالاً متعلق به قرن پنجم هجری‌است ذکر می‌شود. ابتدا صورت مکتوب آن با تغییر الفبا از عبری به فارسی و سپس صورت استاندارد فارسی امروزی آن ذکر می‌شود:[۴]

اگرت پُرسد کو از چی بی شناسی کو نبی‌ای بود
عالم را ونبی پَ چی کار ابایست تو
پسوه دِه کو نبی بود عالم را چی عالم
را از نبی نی بزیرد ...
به فارسی کلاسیک:

اگرت پرسد که از چه بشناسی که نبی‌ای بُوَد
عالم را و نبی به چه کار بایست [= برای چه کاری لازم است] تو
پاسخ ده که نبی بُود عالم را [= نبی برای عالم بود] چه [= به این دلیل که]
عالم را از نبی نه گزیرست. [عالم را زا نبی گزیری نیست]

نویسنده: ....

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 8:57

با سلام

تصوير دستخط خاخام خانم باز نمي‌شود!

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 9:50

در ایام انتخابات با دوستی آشنا شدم که چند سالی در فنلاند گذرانده بود و در آنجا دکترا خوانده و به شیراز برشگته بود . بگذریم که صحبت از این مسائل بنیان برافکنانه ایشان را متعجب ساخت . ایشان هیچ ترکی نمی دانست من گفتم ترکی زبانی التصاقی است و شما ریشه فعل را می گیرید و تنها بدان پسوند می چسبانید تا بیش از 12 پسوند هم قابل چسباندن است بعد گفتم : دکتر اتفاقا زبان فنلاندی هم زبان التصاقی است اندکی صحبت کردیم او هم صحبت می کرد هم گوش می کرد هم فکر می کرد مطلبی که او گفت برایم جالب بود بعد از 30 - 40 دقیقه که صحبت عوض شده بود ناگهان به من گفت : فلانی من در اوایل که فنلاند رفتم چون در ایران صحبتهای دوستان ترک را شنیده بودم که به زبان ترکی صحبت می کردند بعضی وقتها احساس می کردم که این فنلاندی خوش زبان ترکی است خلاصه مشابهت معناداری قابل مشاهده بود ولی چون این مساله را نمی دانستم زیاد کنجکاو نبودم و قول داد این دفعه که برای فرصت مطالعاتی می رود چیزهای بیشتری بگوید و من آنجا بر پورپیرار رحمت فرستادم.

نویسنده: سامان

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 11:28

باسلام
به نظر میرسد در ویکیپدیای انگلیسی توضیحات بیشتری در مورد زبان و الفبای عبری
(Hebrew)وجود دارد و حروف دیگر عبری هم توضیحات مناسبی دارند نتیجه اینکه ویکیپدیای فارسی منبع مناسبی برای تحقیق ونتیجه گیری نیست اگر ممکن است در مطالب بعدی کلا ویکیپدیای فارسی رو فراموش کنیم
متشکرم

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 12:49

خانم چاکر آقا. چوب کاری می فرمایید، مدت هاست از شما بی خبریم! انشا" الله که گرفتاری های تان از نوع خیر باشد!

آقای سامان. این وبلاگ برای فارسی زبانان است.

آقای بجانی. عمر استقلال و اعلام کشوری به نام فنلاند به صد سال هم نمی رسد.

نویسنده: ایمان صمیمی

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 13:13

جناب رعد بیان چنین کلماتی نه به اساس موضوع که صحت انتخابات است ارتباطی دارد و نه در ابعاد افرادی است که هیچ گونه اطلاعی از اوضاع ندارند جز اخبار وبلاگی لینک شده در اراجیف نامه هایی چون بالاترین!هیچ سردار سپاه در هیچ نقطه کشور نه تنها بازداشت نشده بلکه مثلا تصاویر سردار فضلی معاونت عملیاتی سپاه و فرمانده کنونی سپاه تهران روز مورد ادعای بازداشت شدن وی درتهران توسط خبرنگار بی بی سی به لندن مخابره شده بود!قبلاهم در مقطعی دوستان نام نهادهای قانونی غیر مرتبط با موضوعات مطرح شده در وبلاگ را به میان می آوردند که نتیجه آن متاسفانه تنها دلخوری و ناراحتی شدید برخی از دوستانی بود که موضع بسیار مثبتی نسبت به موضوع داشتند.متاسفانه برخی با حریم شکنی از سالم ترین فرد در مجموعه کادرهای سیاسی - مدیریتی - فرهنگی در کشور یعنی آیه الله خامنه ای و با ژستهای آنچنانی از روشنفکری عامدانه یا جاهلانه تلاش میکنند با شکستن حریم مقامات عالی رتبه نظام و... آنهم در برهه کنونی پای محدودیت های پیش از پیش را بر این جریان اصیل که تنها روزنه رویت آن از طریق همین وبلاگ و یکی دو سایت دیگر جریان دارد را به میان آورند آیا این خود یک شگرد کثیف برای دستاویز تراشیدن و گزگ دادن به دست مخالفان نیست؟

نویسنده: آتیلا

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 13:51

الف به معنی گاو
بت به معنی خانه معادل بیت عربی

گیمل به معنی شتر معادل جمل عربی و Camelانگلیسی(لغت گرفته شده از زبانهای سامی)

دالت به معنی در
پس ابتدای الفبای عبری میشود ابگد

و ابتدای الفبای لاتین(نه انگلیس)میشود ای بی سی دی(گ عبری معادل سی لاتین هست!!نه جی)
به اول کلمه گیمل جمل و کمل توجه کنید!

ابتدای الفبای عربی میشود ابجد

و ابتدای الفبای یونانی میشود الفا بتا گاما دلتا

که همگی واژه های سامی به معنای گاو خانه شتر در هستند!

همه ی الفبا ها با ابجد شروع میشوند اما الفبای قلابی فارسی که مطلقا از عربی گرفته شده است با الف ب پ ت ث (ترتیب را به هم زده اند تا بفهمانند که این الفبا مال اوناست!)

میشود در این باره توضیح فرمایید؟
الفباهای ارامی(اشوری) و عبری و فونیقی و عربی همگی دارای ردیف ابجد هستند و مسمی
مثلا عین در الفبای عربی و عبری هم معنا به معنی چشم

میم در عبری به معنی (آب) و در عربی ماء هم معنی آن

نون در عبری به معنی ماهی یاد اور یونس ذالنون پیامبری اسیر درون شکم ماهی!

حیث اهنگ حرف ح در عربی و عبری به معنی مکان
هه آهنگ حرف ه به معنی پنجره

راش اهنگ حرف ر به معنی سر در عبری و را(س) در عربی یعنی سر

یود تلفظ حرف ی به معنی دست معادل ید عربی
و ....
فکر کنم ویکی پدیای فارسی کم محتوی و دروغ پرداز میباشد !

کما اینکه قبلا زور زده بودند اثبات کنند که تاریخ ریشه ی فارسی دار آنهم از لغت ماهروز



نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 13:57

نتايج نظرسنجي 2روز قبل انتخابات يك مركز نزديك به موسوي

id=31685&=http://www.rajanews.com/detail.asp?lang_id

نویسنده: شاگرد کثیف و گزک ده

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 13:10

ایشان در تبیین این موضوع افزودند: اگر قوانین با اصول و مبانی انقلاب اسلامی سازگاری نداشته باشند، اصالت خود را از دست خواهند داد و اگر با نیازهای مردم همخوانی نداشته باشند، قوانین اصیل و مشروع خواهند بود ولی مقبولیت نخواهند

داشت.
رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه مبانی انقلاب اسلامی باید به طور دائم مد نظر باشند خاطرنشان کردند: امام خمینی (ره) انسان بزرگ و آگاهی بودند و مجموع فرمایشات و وصیتنامه ایشان، مبانی و اصول انقلاب است که باید تصویب قوانین و موضع گیری ها همواره در این جهت باشند.
حضرت آیت الله خامنه ای همچنین افزودند: به هنگام تصویب قوانین باید مراقب بود تا قوانین با قانون گرایی، اخلاق، ارزش های دینی و مسائل تربیتی سازگاری داشته باشند.

http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=20863

نویسنده: م

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 16:46

timezone=12642&postid=16&http://theviewpoint.blogfa.com/comments/Default.aspx?blogid=theviewpoint

نویسنده: ابراهیم رفرف
پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 13:34

در خصوص کتیبه سر در کنیسه اصفهان که آقای پورپیرار در یادداشت اخیرشان (216) مطرح کرده اند، متن آن چنین است: Ein ze ki im beit Elokim که چنین معنی میدهد: این چیزی جز خانه خدا نیست. جمله از سفر آفرینش عهد عتیق برداشته شده است (سفر آفرینیش، 28:17). این جمله ای است که ایوب بعد از بیدار شدن از خیال بر زبان می آورد. متن کامل بند 17 فصل 28 سفر آفرینش: و او میترسید و چنین میگفت: آه این چه مکان ترسناکی است، این چیزی جز خانه خدا نیست، و این دروازه بهشت است.

جون من کم آوردین؟
هم شما هم اون خاخام ها؟
ایییییییییییییییییییییییییییییییییینه !

نویسنده: آتیلا

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 17:14

بهتره اقای محمدی به جای رجا نیوز بنویسید مزدور نیوز
فکر کنم این بهتره

نویسنده: حکیمی

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 16:5

جناب رف رف عجب عبری را خوب میدانند!

نویسنده: ultra

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 16:29

استاد گرامی سلام و خسته نباشید
زبان یدیش فارسی از امتزاج زبان یهودیان با کدام زبان بومی در سرزمین تهی از جمعیت ایران متولد شده است!؟ وبه همین ترتیب زبان ترکی؟
آیا این دو زبان یدیش، در حوزه ای خارج از مرزهای ایران زاییده شده و سپس توسط یهودیان به این سرزمین کوچانده شده اند؟پس در این صورت آن محل زایش کجاست و زبانهای والد کدامند؟
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 20:3

آقای م و آقای حکیمی. بد نیست آدم به حوزه ای که سوادش را ندارد، وارد نشود.
1. در آن بخش از تورات صحبت ایوب نیست، آیه مربوط به یعقوب است.
2. اصلا بحث در این نیست که در تورات چه نوشته صحبت بر سر این است که در آن کاشی چه آمده است: «این زه کی ام بیت الکیم» که حرف به حرف با متن کاشی یکی است و به آن معنا نیست که به شما گفته اند.
3. با نوشتن حروف لاتین ماهیت فارسی متن کاشی تغییر نمی کند. مثلا نمی توان با نوشتن Ein حرف اشاره ی "این" فارسی در کاشی را گم کرد، چون معنای حقه بازی می گیرد. چنان که در تورات ترکی نیز مطلب چنین آمده است. "...و یعقوب قورخوب دیدی که بو یر نه هیبتلی دور."بو" بر اوزکه زاد دکل مکر اللهن..." پس آن حرف اشاره همان "این" فارسی است چنان که دیگر کلمات به کار رفته در کاشی تماما فارسی و عربی است و یکی بودن یدیش ایران با فارسی کنونی و یدیش آسیای صغیر با ترکی امروز را ثابت می کند. اگر کمی حوصله کنید مطلب برچیده خواهد شد. به تر است به کار خودمان برسیم.

نویسنده: ایمان صمیمي

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 22:10

شاگرد کثیف و گزک ده عزیز! کم دقت شده اي!

نویسنده: محمد رضا

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 22:19

سلام استاد عزیزم برای آقای رفرف نگرانم علامات اولیه جنون در ایشان پیدا شده است. متن آخرین کامنتشان انصافا ابلهانه بود. برای ایشان پاسخ زیر را گذاردم که برای استفاده دوستان و اجازه شما مجددا در این وبلاگ محترم هم می چسبانم.

آقای رفرف کاملا حق با شماست. آقای پورپیرار مجبورند مطالبشان را به زبان های فارسی و ترکی و لری و کردی و انگلیسی و فرانسه و آفریقایی و چادی و عبری و آلمانی و کلدانی و آشوری و روسی و رشتی و مازندرانی بنویسند تا کسی دلخور نشود. اما چرا خود شما آقای رفرف فقط برای فارسها می نویسید و لااقل ترکی را به آن اضافه نمی کنید؟!
راستی معنای ایراد بنی اسراییلی چه بود؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 4 تیر1388 ساعت: 22:44

آقای محمد رضا. وقتتان را هدر می دهید.

آقای صمیمی. به من هم بگویید این شاگرد کثیف گزک ده کیست؟!

آقای اولترا. یدیش زبان داخلی و محلی یهودیان پراکنده در نقاط مختلف است که معمولا با استفاده از زبان و یا خط بومی انجام می شود. آن یدیش که اینک فارسی می نامیم، مجموعه اندکی از لغات است که به علت نبود فرهنگ بومی کاملا ساختگی و نوظهور است و هیچ سابقه و پیشینه ندارد.

آقای سنجری. یک سلسله یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ که به موضوع ورود اسلام به اسپانیا می پردازد، در زمینه ی مورد نظر شماست.

نویسنده: رضا

جمعه 5 تیر1388 ساعت: 13:57

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
ما به گویشهایي که یهود با استفاده از زبان بومیان درست کرده یدیش مي گوئیم اما همین کار را با فارسي و ترکي یدیش جعلي مي نامیم در حالیکه هردو این زبانها در خارج از منطقه پوریم و طوفان نوح وجود دارند و نمي توان وسعت منطقه تحت نفوذ این دو زبان را نادیده گرفت . آیا نباید تصور کرد که فارسي و تورکي گویشهایي بومي در مناطقي از آسیا بوده اند که توسط یهودیان دارنده این زبانها به ایران و تورکیه آورده شده اند؟ اگر چنین باشد این زبانها کوچندگاني به این سرزمینند نه اینکه کساني بیایند و با توجه به نبودن زبان بومي ، زبان تراشي بکنند در حالیکه همان موقع خود حتما زباني براي گفتگو داشته اند(البته این با ابداع شکل نوشتاري فرق مي کند) مثلا زبان اسپرانتو يك زبان جعلي(قراردادي) و ابداعي يك شخص یهودي است. اگرچه زبان بومي جایي نیست ولي از خط لاتین استفاده مي کند.مثلا یهودیان فارس زباني بوده اند که به ایران خالي از تمدن کوچیده اند و با خط عبري هم مي نوشته اند کم کم با مسلمان شدن اینها(حال واقعا یا آنوسي) خط عربي را ترجیح داده و الفباي جدید فارسي را ابداع کرده اند و به این ترتیب همان فارس زبانان یهود عبري نویس به این فارس

زبانان مسلمان پارسي نويس مبدل شده اند يا عينا چنين چيزي در تورکيه براي يهوديان ترك زبان اتفاق افتاده است! تا نظر استاد چه باشد.

وب سایت

نویسنده: یکی

جمعه 5 تیر1388 ساعت: 13:24

مایکل جکسون دیروز مرد.

من این ضایعه رو به استاد بزرگ مجتبی غفوری تسلیت میگم!

فدای سرت. اون نه، یه مطرب دامبی دامبی دیگه.

خبر خیلی مهمی بید. لطفا حاضرا به غایبا خبر بدن.

نویسنده: رعد

جمعه 5 تیر1388 ساعت: 20:16

جناب ایمان صمیمی , من ان کامنت را بدون داشتن ماهواره بی بی سی نوشته بودم به تاریخ ان خوب توجه فرمایید .وانگهی سپاه پاسداران منحصر به حضرت فضلی نمیگردد!که خود فرمودید فرمانده کنونی تهران . و به نظرم شما جوانتر از انید که برای ترس از بسته شدن این وبلاگ به اقای پور پیرار توصیه ویراستاری ارائه میدهیدکه صاحب این وبلاگ, یکی از نخبگان در همه زمینه ها میباشد . نمیدانم چرا به قول شما نهاد قانونیرا باید به جای سپاه به کار برم ؟ نکند شما قران های با پرانتز زیاد میخوانید ؟ شما ان سخن ایت خداوندی را, برصحت انتخابات بیانگارید و حریم مقامات عالی رتبه نظام را در قنداقی از قدسیت بپیچید و امیدوارم گزک را شما بعدا به دست متحجرین نسپارید . از خداوند طلب چشمان باز میکنم که اوست علیم , بر احوال مهتران قوم

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 5 تیر1388 ساعت: 22:4

آقای رضا. مشکل شما این است که ثبات فرهنگ قومی کنونی را ازلی تصور می کنید و توجه ندارید غالب اقوام در آسیای میانه و ایران و آسیای صغیر و اروپای شمالی و شرقی، در همین اواخر و با تجمع چند خانوار نطفه بسته و تکثیر شده اند، امری که هرگونه هدایت و کنترل آن ها را برای مراکزی بسیار آسان می کرد. ضمنا پاسخ به آقای اولترا را دوباره بخوانید و پیشنهاد می کنم به چند یادداشت در راه توجه مخصوص کنید.

نویسنده: مجتبی غفوری

جمعه 5 تیر1388 ساعت: 23:56

شاید اگر بخوام امروز چیزی به نام هنر را ترجمه کنم باید بگم :
"هنر مجموعه ای از سرگرمی هاست برای غافل کردن انسانها !!! حالا موسیقی شاخه ای از هنر است که با سر و صدا این کار را انجام می دهد. "
با این توضیح همانطور که مشخصه اکثر هنر مندان امروزی و دیروزی یا شخصا مرتبط با یهودیان بودن یا حداقل سوژه ای مناسب برای بهره برداری یهودیان.ولی باید اعتراف کنم از مرگ مایکل ناراحت شدم هر چند که سبکی که من کار می کنم کاملا با اون متفاوت .این رو باید بگم احتمالش خیلی ضعیف که دیگه کسی مثل اون توی این عرصه موسیقی و موسیقی استادیومی ظهور کنه کسی که هر وقت ار اده کرد تونست جمعیتی باور نکردنی رو جذب خودش کنه کسی که اکثر رکوردهای موسیقی رو با هم داره کسی که حتی تکه کلام هاش در موسیقی تا ابد باقی می مونه و در آخر کسی که تمام عناصر "سرگرم کننده" رو با هم داشت.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 4:36

آقای م. واقعی است یعنی چه؟ آن مطلب را هم خواندم مشکلی نداشت.

آقای ایلماز. به چند یادداشت بعد توجه کنید.

آقای رضا. چرا مارگیری راه انداخته اید؟ این را هم بنویسید که در کل استان لرستان 1216 صندوق رای بوده که 95 نتیجه ی عدد صحیح در میان جمع آرای آن ها، 8 درصد صندوق ها می شود که کاملا طبیعی است!

نویسنده: محمد رضا

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 7:12

سلام جناب استاد لطفا معنای دو کلمه بیت ایلوکیم و یا بیت للوکیم را بفرمایید.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 14:47

با سلام خدمت استاد،
من هم موفق شدم از دوستی در اورشلیم این ترجمه را بگیرم که خدمتتان ارسال می شود:

about the attachment
meaning is: This is none other than the house of God the
ki im beyt elokim it sounds like: ein ze

تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 15:24

آقای بی طرف. از تاخیر عذر می خواهم. سبب این بود که اصل کتاب نیز آن دو صفحه را نداشت. به دنبال کتابی سالم می گردم تا انجام وظیفه کنم. شاید یکی دو روزه ارسال شود. دعا کنید.

آقای علی از مالزی. ممنونم به یادداشت بعد توجه مخصوص کنید.

آقای محمد رضا. به یادداشت بعد توجه مخصوص کنید.

نویسنده: ایلماز

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 22:3

با سلام
شاید کتابهایی که به دنبال آن هستید در این وب سایت بتوانید بیابید!
http://necblog.com/ebook/NecBlog.htm

نویسنده: آیا طوفان نوح همه عالم را فرا گرفت؟!

شنبه 6 تیر1388 ساعت: 22:13

http://necblog.com/ebook/CD6/Mazhabi/(2278).pdf

نویسنده: تحلیل

یکشنبه 7 تیر1388 ساعت: 16:24

/http://entekhabatj88.blogspot.com

نویسنده: آرش

یکشنبه 7 تیر1388 ساعت: 16:45

سلام آقای پورپیرار.
1- لطفا مطالب اسلام و شمشیر را ادامه دهید.
2- در مورد داستانهای مربوط به واقعه عاشورا نظرتان چیست؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 7 تیر1388 ساعت: 18:53

آقای ارش. انشا' الله و در باب سئوال دوم هم به کتاب های پلی بر گذشته رجوع کنید.

آقای تحلیل. اشتباهات ریاضی در جمع و تفریق و دیگر حواشی مربوطه، ربطی به اصالت انتخابات ندارد، می تواند از سر خستگی و بی دقتی باشد و موجب اعلام تقلب نمی شود. تقلب آن است که بتوان ثابت کرد امضاهای ذیل صورت جلسه ای در حوزه ای مجعول و مخدوش است.

آقای محمد از سنندج. برخی از حضرات گمان می کنند که قرآن باید سلامت و صحت و اعتبار خود را در سنجش با قوانین بین المللی موجود و یا صلاح دید فلان صاحب رساله اثبات کند. مثلا اگر خداوند در آیه ای، نظاره ی عورت برخی از نزدیکان را قابل مواخذه ندید، فوق ابلهانی با یاد آوری نزدیکان خود، آیه را مردود، زیر لبی خداوند را سرزنش و متهم به کج اخلاقی می کنند. در همین ردیف است موضوع ماملکت ایمانکم و ضرب آن زنی که آیه اعلام می کند، که یکی را با احکام رسالات و دیگری را با مواد حقوق بشر ثبت شده در سازمان ملل مغایر می دانند و اگر بتوانند شکایت نامه ای علیه خداوند با اتهام تجاوز به مدلول حقوق بشر به دیوان لاحه می فرستند. جایگاه و توصیف این کسان را می توانید در ایه هفتم از سوره ی آل عمران بیابید.

نویسنده: بیدار

پنجشنبه 15 مرداد1388 ساعت: 11:39

با سلام, از نظرات و تحقیقات تاریخی که بگذریم (که در آنها ثابت کرده اید جز' معدود روشنگران این عرصه اید) در مورد اوضاع جاری کشور که نظرات درست و نادرست در باره آن در آینده به عنوان تاریخ ماندگار خواهد شد, چیست؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی 217

ایران شناسی بدون دروغ 217، نتیجه، 25، بررسی زبان های پدیش منطقه، - 2
61نظر

نویسنده: فریده

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 3:9

سلام
مطلب آموزنده ای بود.
سر بزنی خوشحال میشم.
یا حق

وب سایت

نویسنده: بجانی

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 7:38

با سلام
به عنوان یک ترک غیر متعصب خدمت استاد عزیز عرض کنم - انصافا ترکان در مقابله با حرفهای شما بیشترین انعطاف را نشان داده اند - همه کار شما در نقد زبان ترکی شده است نقد یادمان های ترکی باستان کار آقای محمدزاده - وبلاگی به نام ذوالقرنین هم نداریم تا به شما بد وبیراه بگوییم تنها جناب آقای رفرف شما را خیلی مودبانه نقد می کند به نظرم بی انصافی است چنین لحن با ایشان. به هر حال شما باید به عنوان یک مسلمان از فرهنگ قرآن الهام بگیرید . من تعجب می کنم از شخصی که به قرآن اعتقاد دارد و آنگاه به مستندی عنوان مقدس می بخشد این یعنی گرفتارشدن در دام همان تقدسها -که به جز خدا و هرکه صبغه خدا دارد هیچ چیز تقدس ندارد .می ترسم منعکس ننمایید

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 9:10

آقای محمدی. پاسخ شما را در ردیف کامنت های یادداشت قبل روز 7 تیر نوشته ام. بیایید و بخوانید.

آقای طرف سوم بحث. دیر آمدی فقط استخوان های اش مانده است. آدرس لانه ات را بفرست تا چند قطعه ای برایت ارسال کنم.

آقای بجانی. مستند طوفان نوح از آن که به روشن شدن مبحثی از نبوت و صحت اشاره ی مهمی در قرآن که پیوسته در عداد قصص آمده بود، کمک آشکاری می کند، به راستی مقدس است. اگر به چشم قوم پرستان نیامده، نقص عقلانیت ان هاست. مباحث بنیانی تاریخ و نقد دروغ های یهودیان ترک و فارس و اکبر و اصغر نمی شناسد، بی رحمانه است و با تعارفات برگزار نمی شود. ضمنا برای آزمودن خودتان آیا قبول می کنید که امثال صدیق ترکان را فریب داده و اطلاعات یهودی را تکرار کرده اند؟ این را هم بنویسم که اگر ده وبلاگ ذوالقرنین هم بزنید حاصل همان است که او برد. سکوت و فحاشی و بی آبرویی و حالا لکنت زبان و به زودی خاموشی.

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 11:27

با اجازه شما استاد پورپیرار
آقای طرف سوم بحث. اگر اینقدر به خودت و عقیده ات اعتماد داری چرا با اسم مستعار مطلب می نویسی!

نویسنده: آمون

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 9:23

آمون به روز شد.
خبرنامه اعضا ارسال شد.
لطفا هر کامنتی را نشان ندهید. ارزش وبلاگ شما پایین می آید و ما هم خجالت می کشیم.
amun.blogfa.com

نویسنده: سعید

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 16:24

با سلام خدمت استاد پورپیرار عزیز
با تایید اینکه عکس العمل های قوم پرستانه تند. بی خردانه و گاها سلیقه ای است باید بگویم عکس العمل ترکهایی که اغلب سابقه اطلاعات قومیشان به دو دهه نمیرسد از همردیفهای فارسیشان که پرستندگان بی چون چرای تاریخ دیکته شده اند بسیار قابل تحملتر است چون اغلب ترکها تنها به عنوان یک شنونده به تاریخ ناملموس خود نگاه میکنند و اطلاعاتشان معمولا خالی از جزئیات حیرت آور است بیشتر آنها ازعان دارند این دانسته ها چون سابقه ذهنی طولانی ندارد بیشتر داستان گونه است تا 5 سال پیش اگر از بسیاری از جوانان ترک ایرانی در مورد بوزقورد یا ده ده قورقود و گوک تورک وهون و... سوالی پرسیده میشد ابراز بی اطلاعی محض میکردند واغلب هیچ سابقه ذهنی از این اصطلاحات در فرهنگ پدرانشان بدلایل مختلف شاید محدودیت قومی وعدم آموزش وجود نداشت امروز هم کسانی که سنگ خط ارخون را به سینه میزنند ازلحاظ تعداد حداقل در ایران قابل اعتنا نیستند
باید به این عکس العملها به دید مثب نگاه کرد زمانی که تاریخ دوستی مثل بنده با خواندن مطالب کاملا نو و اغلب حیرت آور دچار سر در گمی میشوم به سراغ جوابهای محققین یا بهتر بگویم مدعیان تاریخ مراجعه میکنم وزمانی که جواب این مدعیان رو خالی از منطق و رنگ باخته در مقابل یافته های استاد میبینم بیشتر به حقانیت سخنان استاد پی می برم چون اگر آنها سکوت وفحاشی میکنند پس تنها چند راه میماند 1شنیدند 2خواندن و 3استدلال عقلی
اگر کسانی مثل آقای رفرف نسبتا مودبانه نوشته های استاد را نقد میکنند به دلیل آن است که مجبورند بسیاری از یافته های استاد را باز برای اهداف قوم پرستانه قبول کنند.
من از استاد تقاضا دارم انتقاد هارا جدی نگیرند چون کسانی که مطالب شما را با دقت دنبال میکنند قدرت تشخیص نوشته باطل را دارند.و مطمئنا تاثیر آن نوشته ها هر چند باطل مثبت است
موفق باشید

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 16:37

با سلام
استاد آیا در میان یهودیان افراد مومن پیدا میشود که علاقمند به کسب حقیقت باشد؟! و حتی تا جایی که بخواهد نظرات شما را دنبال کرده و پی به جنایات پیشینیانش ببرد؟!!
یا باید همه را به دید نجس شدگان ببینیم؟!

نویسنده: طرف چهارم بحث

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 17:34

برا ی طرف سوم بحث
آقای تجزیه وتحلیل برو با بزرگترات که اسماشونو آوردی بیا درست نیست بچه رو تنهایی بفرستند مدرکاتون رو هم بیارین به اون مثلا دکتر داریوش احمقی تون هم بگو به جای پاک کردن کامنتها ی سوالی یک جوابی براشون پیدا کنه اگه مرده ؟!!!!
جوجه عقاب نظاره گر بهتره فقط نظاره کنی که چطور پایه پوسیده تاریختون داره میریزه بهتره تا سرتون خراب نشده به عقابهای تاریخ دان! نظاره گر هم بفرمایید ازلونه های گندیدشون بزنن بیرون تا سقط نشدند
آقای "معمار"شنیدم شبا کابوس تختگاه هیچکس رو میبینی و تو جات سیل میاد
بهتره با دوستای تاریخ دانت! یک فکری به حال "معماری" تختگاهتون بکنید که دیگه بوی گندش بد جوری داره همه اینترنت

رو ور میداره فکر کردنتون که تموم شد یادتون نره سیفونو بکشید که دیگه بو گندش نمونه
استاد این بنده خدا نمیدونه پولای عربا چه قدر مشتری داره فکر کرده ما اینجا بو گلابییم

نویسنده: توحید

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 14:20

سلام
خسته نباشید استاد ، باید بگویم ورود به این بحث و جذب آن دشوارتر از مراحل قبل است ، چرا که در مباحث قبل اکثر دوستان آشنایی مقدماتی و کلی با تاریخ ایران و منطقه داشته اند ولی کمتر کسی هست که آشنا یی با زبان عبری و یدیش و کلا مسائل زبانشناسی داشته باشد از طرفی شما خیلی مختصر مسائل را بیان می کنید و باید بگویم با خواندن دو مطلب اخیر ابهامات زیادی برایم پیش آمده است و مثلا چنانکه در پاسخ جناب ultra هم گفته بودید زبان فارسی را زبانی دست ساز توسط یهودیان می دانید بدون هیچ پیشینه ای و همچنین خط جعلی عبری !
یعنی از نظر شما هم با خط و هم با زبانی مجعول و بدون پیشینه مواجهیم ! که برای اقناع شدن نیاز به توضیح و تشریح بیشتری دارد .

گفتم که کلا این بحث برایم پر ابهام بود و چاره ای نیست جز با پرسش و پاسخ مداوم این ابهامات بر طرف شود ، برای شروع دو سئوال داشتم :

1-طبق نظر شما زبان عبری تنها مخصوص نوشتن فارسی ساخته شده است ، نظرتان درباره مکتوبات یدیش اسپانیایی که با همین خط نوشته شده و آقای رفرف در وبلاگشان نصب کرده چیست ؟

2-تا آنجا که می دانم زبان عبری در حال حاضر در اسرائیل نوشته و خوانده می شود و حتی روزنامه با این حروف چاپ می شود ، این برخلاف این است که می گویید خواندن خط عبری حتی برای یهودیان هم دشوار است .

نویسنده: توحید

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 14:26

استاد ، در کل در اینکه دم خروسهای زیادی از حضور یهودیان در ایران بعنوان ساکنان اصلی آن بجا مانده است ، علاوه بر نکته ای که در مورد فراموشی آنها در ترجمه تورات و متون دینیشان به خط عربی و زبان فارسی اشاره کرده اید ، یک اشتباه هولناک دیگر هم مرتکب شده اند و آن اینکه فکری بحال " روزهای هفته " نکردند !!! یعنی فراموش کردند که روزهایی را که خودشان و بر طبق مذهب یهودیشان استفاده می کردند را تغییر دهند . همه می دانیم که روز تعطیل نزد مسلمین " جمعه " و نزد یهودیان " شنبه " یا همان " شابات " است ، عجیب نیست که نام " شنبه " در تمام روزهای هفته تکرار می شود :

" یک شنبه " ، " دو شنبه " ، " سه شنبه " و الخ . واین خود گواه محکمی بر حضور یهودیان است و اینکه اصولا یادشان رفت که مبدا و شروع هفته را باید " یک شنبه " قرار می دادند نه " شنبه "

نویسنده: یکی که هیشکی بهش نمیگه چرا؟

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 18:26

ترک ها می ترسند نه از شنیدن حقیقت بلکه از اینکه حرف های ناصر پورپیراری که فرهنگ حاکم قبولش ندارد بشود مثل حرف های کسروی برای کوفتن ملت ترک در ایران .
فقط همین استاد

نویسنده: یکی

دوشنبه 8 تیر1388 ساعت: 20:46

نه جانم. ترک ها و ترس؟ آن ها فقط بلاتکلیف مانده اند چون معلوم شده که مثل فارسها دست خالی اند و هر دو رو یهودیا سر کار گذاشته بودن و این همه دعوا و اختلاف قومیتی الان شده پشم و باد برده. عین این موضوع رو تو مسایل فرق مذهبی می بینیم و دکانهای رو به کسادی. یکجا تبعیض قومی به شکل تمسخر هست و یکجا تبعیض دینی به شکل لعنت! آخر همه اینها میشه تعمیم تبدیل بحمار الطاحونه! حالا تو می تونی اون قدر بچرخی که بچرخی.

ببینم، کسروی رو با کی داری مقایسه می کنی؟! تفنن وسط هفته نداشتیم ها! فقط شب های از قدیم مخصوص این گونه امور.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 0:25

آقای یکی که هیشکی... حقیقت مقهور و تسلیم مصلحت نمی شود، به گرو نمی رود و از دل نگرانی که اگر چنین بگوییم چنان خواهد شد، خاموش نمی شود.

آقای توحید. صدها و صدها کتاب در نظم و نثر با زبان فارسی و خط عبری یافت شده، که نزدیک به تمام آن ها با بنیان اعتقادات یهود مربوط است و غیر یهود به آن نیازی ندارد، پس زبان آن ویژه یهودیان و خط عبری نیز مخصوص همین حوزه ی بدون توان نگارشی به دنبال رخ داد پوریم است. می گویند این مکتوبات عمر دراز نزدیک به هزاره دارد و مسلم این که از آثار تازه ساز فارسی با حروف عربی قدیم تر است. چنین پدیده ای با رساله ای نوساز و 150 ساله با گمانه ای در باب یهودی-اسپانیایی سنجیده نمی شود. برای اثبات عبری - اسپانیولی باید لااقل ده کتاب مانده از 500 سال پیش ارائه داد. انتقال خط عبری به کنیسه نیز، که به علت تبدیل آن به الفبای عرب بی کار مانده بود، نه فقط امر بعیدی نیست که تیزهوشانه است. برای پاسخ به سئوال دوم شما هم کافی است بدانید یهودیان اسراییل، در هر رده سنی زبان و خط عبری را به عنوان خط و زبان رسمی و دولتی می آموزند، اما زبان مادری خویش نمی دانند. درست مانند ترکان که زبان فارسی را می آموزند و دیدیم یهودیان ایران، با خط عبری آشنا نیستند، ولی زبان قدیم یدیش خود را این بار با نام فارسی در داخل خانواده یاد می گیرند و از رادیو و تلویزیون می شنوند!!! در واقع ایران تنها یهود نشین است که اینک زبان جنبی یدیش ندارد زیرا زبان رسمی کشور همان یدیش پیشین است. قبلا نوشتم که به احتمال زیاد زبان عبری رایج در اسراییل هم، به خاطر ساختار کاملا عربی، نوعی یدیش بین النهرینی است. خلاصه بگویم که یهودیان برای سر پا کردن کشور جعلی اسراییل از همه نوع تجارب دوران سرگردانی بهره برده اند.

آقای ایلماز. قرآن بدون تفکبک، هر مدعی تثلیث و شرک را نجس می داند. شرط پاکی آنان اعتراف به یگانگی خداوند است، نه قبول مدخل های ارائه شده در این وبلاگ.

آقای سعید. مطالب در پیش، انشا٬ الله برخی از ابهامات را بیش تر خواهد گشود که طرح آن ها مثل همیشه، نیازمند گذر از مقدماتی است.

آقای چاکر آقا. شعر که چیزی نیست، اشتیاق ممکن است آدمی را به طی الارض نیز وادار کند.

آقای آمون. آن کامنت را نصب کردم تا "لایعقلون" بدانند برخی از دهان گشادان نان خور یهود، گاهی به تو دهنی محتاج می شوند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 9:30

آقای تسلیم محض. دو نکته را بدانید: اول این که ترکان برای صدیق اعتباری در حد معلم قائل اند و همین اواخر برای او با طبل و تنبور در یکی از فرهنگ سراهای تهران بزرگ داشت گرفتند و نوازش اش کردند. بگذریم که این مراسم از نظر زمان با فاصله ی کوتاهی پس از نقد مختصر من به کتاب های او برگزار شد. ضمنا کس دیگری را نمی شناسم که درباره ی تمدن و فرهنگ و زبان و تاریخ ترکان مطلب ارجح تری نسبت به داده های صدیق ارائه داده باشد و مثلا نوشته های دکتر هیئت کپی حرف های صدیق است، پس نقد صدیق نقد تمام صاحب قلمان ترک است که هنوز هم ساز یهودیان درباره ی مردم خویش را می نوازند و برای جوانان مشتاق آگاهی ترک لالایی می خوانند.
دوم این که غیر مسلمانان، در شرق و غرب و شمال و جنوب، اگر به کسی با نام موسی و جاکوب و دیوید برخوردند، بی تردید خود را با یک یهودی رو به رو می دانند. فقط در کشورهای مسلمان است که از بالا تا پایین و از چپ و راست کسانی با نام های یهودی اختیاردار مسلمانان اند، زیرا به ما تلقین کرده اند که داود و یعقوب و یوسف و اکبر و حسین و ابراهیم و اسحاق و یدالله و محمد و احمد یکی است و انتساب نام را علت اعتقاد نمی دانند؟!!! زیرک اند آقا!

نویسنده: بابک

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 10:31

با سلام خدمت استاد محترم و دوستان
بنده خودم یک ترک اذربایجان هستم ولی اسم آقای صدیق را برای اولین بار در نوشته های شما دیدم و با درصدی از عقایدش آشنا شدم. قبل از اشنایی با نوشته ها و وبلاگ شما همانگونه که از شنیدن ادعاهای باستان پرستی فارس زبانها حالم به هم میخورد نظرم در مورد ادعاهای ترک زبانها نیز همین بود. استاد گرامی این ترک پرستان درصد بسیار کمی از ترکزبانان ایران را شامل میشوند. مطمئن باشید اکثر ترکزبانان مانند خیلی از فارس زبانان و قومیتهای بی تعصب ایرانی دیگر با جان دل حقیقت را از عمق کلام شما گرفته و قبول می کنند. ولی با آشنایی تقریبی که در طول هشت سال تحصیلم در دانشگاههای تبریز و اهواز با قومیتهای مختلف ایرانی (حداقل با دانشجویان) پیدا کرده ام تعصب ما ترکزبانها بسیار کم و آمادگی پذیرش حقیقت بیشتر است. امیدوارم تمام هموطنان و تمامی مسلمانان شرق میانه و جهان حقیقت موجود در

حرفهای شما را درک کرده تا از وضعیت اسفبار عقیدتی اجتماعی سیاسی و اقتصادی که امروزه دچار آنند خلاص شوند.
آمین

نویسنده: سعید

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 11:11

باسلام خدمت استاد
میخواستم نظرتان را در مورد آقای اسلامی ندوشن بدانم البته نظراتش رو در سایت اختصاصیش در مورد تاریخ میشه فهمید
id=27&http://eslaminodushan.com/Index.aspx?name=Book
فکر میکنید عکس العمل وی در مقابل سی دی تختگاه و یافته های شما چگونه باشد شاید در روزهای آتی در یک ملاقات حضوری با ایشان در مورد مباحث ومستندات شما صحبت کنیم

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 12:51

آقای سعید. بی تعارف کم سواد تر و پر حرف تر از او پیدا نمی کنید. از او حرف هایی خوانده ام که سخت نسبت به سلامت عقل اش مشکوکم. احتمالا اگر در برابر او نام مرا ببرید، تا ساعتی دچار تشنج خواهد شد و گاله ای فحش نثارم خواهد کرد. محتاط باشید.

آقای بابک. می بینید در سراسر شرق میانه آشکارترین هویت، تعصب است، انواع تعصبات بر سر انواع نام ها و عقیده ها که حتی یکی از آن ها قابل اثبات نیستند و بدون استثنا سوقات یهودیان برای ملت های منطقه اند که علی الاصول باید چون اعضای یک خانواده در کنار هم باشند، حال آن که بدترین دشمنان یکدیگریم!!!

آقای شاگرد جدید. اخیرا کتابی منتشر کرده ایم با نام پاپیروس ها، آن را به هر ترتیب ممکن فراهم کنید و بخوانید. گام نخست در ورود به مباحث نوین و فهم دقیق تر آن هاست. در مجموع باید بدانید باز شناخت موقعیت تاریخی و فرهنگی شرق میانه کاری کاملا نوین و جدید است، و باز شدن زوایای این مباحث به ده ها تک نگاری مستقل نیازمند است، چندان که هر یک از یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ مستعد تبدیل به کتابی است. بخشی از سئوالات شما در پاسخ به آقای توحید آمده و بقیه نیز در چند یادداشت آتی انشا' الله ارائه خواهد شد.

نویسنده: ناموف

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 13:0

استاد سلام
میخواستم کمی در مورد کلمه یدیش توضیح دهیدچون اطلاعاتی که از منابع کوناگون مانند ویکیپدیای فارسی پیدا می کنیم واضح نیست . دوم یک سوال داشتم درباره نوشته پاراگراف سوم:
"اگر می دانیم یهودیان از پس یورش اسکندر به اورشلیم، تا جنگ جهانی دوم، یعنی قریب بیست و سه قرن، آواره زیسته و با ..."
اگر یهودیان بعد از پوریم از وضع خالی بودن ایران خبر داشتند پس چراقریب بیست و سه قرن، آواره زیسته و زودتر صاحب این سرزمین نشده اند تا هم خود را از آوارگی نجات دهندو هم آثار پوریم را کامل پاک کنند و خود را صاحبان تاریخی این سرزمین بشناسانند.چون با تعریفی که شما از قدرت جعل یهود ارائه داده اید این مثل آب خوردن برای آنان است و نیاز ی به این همه جعلیات و کارهای طاقت فرسا که شما تا حال شمرده ایدو رد پای یهود را همه جا می بینید نداشتند. آیا باید در عقلانیت این قوم مکار شک کرد ؟ یا از برهه ای مشخص یهود به فکر پاک کردن رد پای خود افتاده است.

نویسنده: هیوا ایزدی

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 13:42

استادبا سلام

اما در کتاب پاپیروسهاا ئامده است که پاپیروس نوشته عربی یهودی چاپ شده است ؟

نویسنده: نکته سنج

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 15:13

مجتبی غفوری :

شاید اگر بخوام امروز چیزی به نام هنر را ترجمه کنم باید بگم :
"هنر مجموعه ای از سرگرمی هاست برای غافل کردن انسانها !!! حالا موسیقی شاخه ای از هنر است که با سر و صدا این کار را انجام می دهد. "

ولی باید اعتراف کنم از مرگ مایکل ناراحت شدم هر چند که سبکی که من کار می کنم کاملا با اون متفاوت

....

استاد غفوری عزیز ، آیا بهتر نیست که دست از اغفال مردم برداشته و یا تعریف خود از هنر را عوض کنید ؟!!

هر چند خود من قبل از آشنایی با استاد خیلی به موسیقی بها می دادم ، ولی باور کن بعد از آشنایی با استاد تقریبا موسیقی گوش دادن را ترک گفته ام و برایم صدای پر صلابت بانگ الله اکبر اذان بسیار جذابتر و پر هیبت تر از موسیقی است ، ولی به شخصه به موسیقی بدون کلام بیشتر ارج می نهم ، چطور می توان موسیقی زلال فولکریک را با موسيقي مبتذل و سرگرم کننده و ناهنجار یهود ساخته یکی دانست ؟ آیا صدای زلال اوکارینا که بومیان آرژانتین با نوعی گل محلی می سازند و در آن می دمند و برای انسان آرامش روح به ارمغان می آورد با کاری که مایکل جکسون می کرد قابل قیاس است ؟

استاد ، نظرتان درباره این لینک که در مورد میدان نقش جهان است و آن دو عکس قدیمی چیست ؟

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D9%86_%D9%86%D9%82%D8%B4_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86

اگر لینک مشکل داشت می توانید " میدان نقش جهان " را مستقیما در ویکی پدیا جستجو کنید .

نویسنده: بیریسی

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 21:19

چگونه می توانم مستند طوفان نوح را تهیه کنم؟
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 21:48

فریبا خانم. نگران نباشید برادر شما نخستین نشانه های تبدیل شدن به یک پزشک عالی مقام را از خود بروز می دهد که همانا انکار خداوند است!!! ضمنا کسی که تحت تاثیر یک کتاب خدا را کنار می گذارد بدون شک تحت تاثیر کتاب و یا سخنانی دیگر ممکن است به مومنی کامل و ناب بدل شود. از گفت و گوی با او و از مجرای قرآن غافل نشوید، زیرا استحکام آن هر صخره ای را خرد می کند. سلام مرا به آن مرد بزرگ برسانید.

آقای بیریسی. در پیام خصوصی آدرس اعلام کنید برای تان ارسال خواهد شد.

آقای نکته سنج. تصویر اول که نقاشی و کاملا خیال پردازانه و از نظر ثبت موقعیت های ابنیه غلط بود و عکس دوم هم مطلب غریبی نداشت. لطفا توضیح بیش تری بدهید. ضمنا قرائت خوش قرآن محزون و موثرترین آوایی است که شنونده را به تامل در اعمال خود فرا می خواند.

آقای ناموف. بازگشت یهودیان به ایران، به عنوان سازمان دهندگان و ماموران باز سازی، به قصد پاک کردن آثار و عوارض پوریم در زمانی اتفاق افتاده است، که جریان شناخت جهان، به سبب شکستن سد عبور از اقیانوس ها رفته رفته آغاز می شد و نه استیلا و استفاده از سرزمینی که اندک زیر بنای تجمع را نداشت. به یادداشت های بعد توجه کنید.

نویسنده: یک آدم گیج

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 23:36

كدخدايي :
قوه قضائيه بايد با كساني كه مي گويند راي هاي مردم تا نخورده و نو هستند برخورد كند

http://www.iranuk88.com/article.php?id=39106

نویسنده: تیله

سه شنبه 9 تیر1388 ساعت: 21:34

سلام
هنر و از جمله موسیقی از خود انسان سرچشمه میگیرد، بدش از بدیها و خوبش از خوبیهای انسان!
خودم که از گوش کردن به کارهای جاودانه ی احمد کایای محبوبم سیر نمی شوم، و گمان نمی کنم تاثیر منفی روی من داشته باشد!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 3:38

خانم تیله. و عیب بزرگ آن هم همین است که از این انسان حریص و نامتکامل سرچشمه می گیرد، که هنر را با مفت خوری و صحنه سازی برابر گرفته است. کافی است به اوضاعی توجه کنید که در پشت سر آواز خوان و رقاصی تدارک می بینند. آیا انفجار صدها فشفشه و ترقه و انواع شگردهای کودک فریب ارتباطی با آواز خوانی دارد؟ چنان که اگر نقاشی سهم کنیسه و کلیسا را با دست انواع دلال ها نفرستد، امکان عرضه ی کار خود را نمی یابد. مقوله ای به نام هنر با مسخره بازی های موجود در گرد آن، تا قرون اخیر شناخته نبوده و معلوم نیست انسان متعالی فردا هم بدان احساس نیاز کند. فعلا که هنر دکان پردرآمدی است که سود آن مستقیما به جیب یهودیان سرازیر می شود. نقاش آن تابلویی که امروز ده ها میلیون دلار دست به دست می شود، خود از گرسنگی مرده است!!؟

آقای یک آدم گیج. تنها باید مدارج عالی حماقت را گذرانده باشد آن کسی که مدعی می شود 70 تا 80 درصد آرا با یک قلم و یک دست خط نوشته شده است. زیرا نویسنده ی 70 یا 80 درصد آرا در حد اکثر سرعت نیز باید 30 سال را صرف نوشتن سی میلیون رای کند.

توجه: لطفا برخی دوستان از کنجکاوی و در واقع فضولی جهودانه و جاسوسوار در امورات شخصیه دیگران دست بردارند.

نویسنده: رضا

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 3:59

آقای پورپیرار.اندکی صبر و حوصله پیش از ردیه نوشتن بر انتقادات دیگران امری پسندیده است. منظور ایشان این بوده که در بررسی های بعمل آمده حین بازشماری در معدود حوزه هایی که ایشان به گزارش آنها دسترسی داشته (ناظر مستقیم یا اخبار درز کرده) این عمل اتفاق افتاده نه اینکه یک نفر به تنهایی 20 میلیون رای را با یک خودکار و به تنهایی نوشته. ایا عکس برگه های رای نو و تا نشده نمیتواند گواهی بر خدای ناکرده تقلب شود. ما از شما آموخته ایم که جهت بررسی صحت و سقم هر ادعایی کافی است یک مورد دروغ و فریبکاری مشاهده شود تا کل ان اثر و نویسنده آن از درجه اعتبار و استناد علمی ساقط شود. این همان برهانی است که شما نیز به درستی از آن استفاده مینمایید. آیا به وجود تناقضات متعدد موجود امانتداری برگزارکنندگان اتخابات بر شما محرز است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 7:50

آقای رضا. تا نکردن ورقه ی رای موجب ابطال آن نیست چه یک عدد یافت شود چه بیست میلیون. اگر رای تا نشده باطل است پس نمایندگان کاندیداها باید آن را حذف می کردند و اگر نکردند تمام این گونه ایرادها بنی اسراییلی می شود. گمانم به جای این یک دو جین دلایل سخیف و سست یک صورت جلسه ی مخدوش و یا بدون امضا رو کنید. آن گاه حرف تان را ثابت کرده اید و گرنه کوله باری از این کارآگاه بازی ها اعتبار ابطال رای مردم را ندارد. حضرات مخترع این گونه عیوب در اصل از مردم عصبانی اند که چرا به احمدی نژاد رای داده اند!!! دموکراسی می گوید باید به رای مردم غلط یا درست احترام گذارد ولی در این جا قضیه بر باد رفتن صدها میلیارد سرمایه گذاری برای به قدرت رساندن باند و گروهی است، که رای مردم آن را خنثی کرده و امید بازگرداندن پر سود آن سرمایه گذاری را بر باد داده است.

نویسنده: محمد رضا

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 8:23

صبح بخیر جناب استاد پورپیرار شخصی بوبلاگ آقای رفرف آمده بود با اعلان تبلیغاتی برای ایشان. صلاح دیدم جوابی برایش بنویسم که نسخه ای را هم احتیاطا و با اجازه در وبلاگ شما میگذارم.

آقای اسروک تقدیر نامه شما برای آقای رفرف شخصی است زیرا مدارجی که برای ایشان شمرده اید انعکاسی در جامعه فرهنگی ترک و فارس ایران ندارد. اگر ایشان چنین اندیشمند یگانه ای است پس احتمالا دید چشمشان ایراد دارد که کشتی در مستند طوفان را که جمعی مشغول نقشه برداری فنی از آنند تپه تشخیص می دهند!!! چنین دانش آموختگان به نظر شما برجسته ای که تا این حد عوامند که از حضور 7000 ساله ترکان در جهان می گویند و می نویسند، پس هزار رحمت به آنان که اصلا معنی قارداش را هم نمی دانند.

نویسنده: رضا

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 9:3

با سلام جناب پورپیرار . امیدوارم سوالات و ابهامات اینجانب موجب ناراحتی کسی نشود. هنوز هم گفته ام که به قلم شما ایمان دارم.

1- چگونه است که نواقصی در گل اندازی یا مجسمه نیمه تراش یک سرباز و ... موجب نتیجه گیری ناتمام بودن قریب به کل ابنیه تخت جمشید میشود . ولی این همه ابهامات و تناقضات هیچ شکی را برنمی انگیزد؟
2- آقای خامنه ای با یک دست سالم طبق عادت خود را موظف به تا کردن برگ رای میداند ولی یافتن بسته های چند صد تایی برگ رای سالم و تا نخورده آن هم تنها در یک صندوق موجب شک و گمان نمیشود.
3- در اینکه آقای احمدی نژاد در میان طبقه عامه مردم به کمک سهام عدالت شب انتخاباتی و سیاست های پوپولیستی محبوبیت زیادی دارد شکی نیست ولی پیروزی مطلق ایشان شدیدا بودار است.
4- اگر اشتباه نکرده باشم شما بیشتر تاکید بر حضور مردم در تعیین سرنوشت خویش و گفتن نه به مهره های سوخته سیاسی داشته اید تا حمایت شخصی از احمدی نژاد.

5- هنوز پاسخ سوالم را نگرفته ام. آیا شما امانتداری برگزار کننده انتخابات را قبول دارید یا خیر؟ به عبارتی این همان گردنه تختگاه و طوفان نوح است. اگر در امانت،صداقت و قانون مداری شورای نگهبان ، وزارت کشور و صدا و سیما در برگزاری انتخابات و کل حواشی آن بدون هیچ شک و شبهه ای ، یقین دارید بحث همینجا تمام است و حق با شماست.
اگر پاسختان منفی است پس ادعای این همه شور و شوق مردم و شرکت حداکثری در تعیین سرنوشتشان و .. رنگ می بازد. البته فراموش نکنید که اینها همه جنگ قدرت بر سر تقسیم و به یغما بردن ثروت همین مردم است . مردمی که حضور توده وار آنها تنها در شوهای انتخاباتی و دیوار گوشتی در ایام جنگ محبوب و دوست داشتنی است.
یک دوره هاشمی و دار و دسته اش . دوره ای خاتمی بی عرضه .اکنون نیز تکنوکرات های نو کیسه سپاه با علمداری احمدی نژاد ساده زیست.
استاد از حضورتان به دلیل بیان بی پرده نگرانی ها و براشتهایم پوزش می خواهم.

نویسنده: درویش

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 9:29

سلام استاد خسته نباشید
بنده هم برگ رای را تا نزده در صندوق انداختم . مگر مشکلی ایجاد می کند ؟ تازه برای کسانی که میخواهند رای ها را بشمارند راحت تر است دیگر نمی خواهند لای کاغذ را باز کنند .
موفق باشید .

نویسنده: سوءزلی

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 12:4

سلام خدمت استاد

البته باید توجه داشت حتی رای های تا شده هم برای شمارش باز میشود ومطمئنا برای بسته بندی آنها را دوباره تا نمی کنند تعداد کسایی که رایها رو تا نمیکردن کم نبودند وما که ایلی برای رای دادن رفته بودیم هیچکدام رای هامون رو تا نکردیم چون اینجوری انداختن درصندوق راحتتر بود معلومه که از تهی دستی دست به خیلی فرضیات خواهیم زد یادمون نره در این گزارش مزحک نوشته شده "همه رایهای احمدی نژاد با یک خط نوشته شده!!!!!؟؟؟؟؟؟؟؟"این یعنی نهایت حماقت یک مغرض
نمیدونم ما چرا اصل ها رو رها کریم به مشتی فرضیات بی اساس چسبیدیم
در دوره های پیش هیچ کس اینقدر توهم نمیزد تقلب یعنی همان چیزی که استاد گفت یعنی مغایرت صورت جلسه ای با اعلام وزارت کشور در غیر این صورت تقلب 11 میلیونی یعنی کشک
درانتخاباتی که صدها هزار نفر در اجرای آن شرکت دارند نمیشود با چند مثال نقض در صحت انتخابات کل آن را مخدوش دانست تا زمانی که مدرک قابل توجه وجود ندارد اصل انتخابات زیر سوال نمیرود
مدعیهای اصلی مثل میر حسین هم جرات ادای چنین ایرادات بچه گانه را ندارند چرا کاسه داغتر از آش میشوید.اگر تقلب

قابل توجهی رخ داده بود بعد از اعلام نتایج شمارش جداگانه صندوقها این آقایون لال مونی نمی گرفتند
کار این بندگان خدا ضرب المثل ترکی زیر رو تداعی میکنه
اشکه گوجو چاتمر پالانن دووشلییر

نویسنده: سوءزلی

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 12:30

حتی اگر با استفاده از توهم ناشی از مصرف قرص اکس چنین تصور کنیم که برای پیروزی احمدی نژاد بیش از 11 یا12 میلیون رای به صندوقها ریخته شده است باید قبول کنیم در انتخابات 22 خرداد نزدیک 27 یا 028 میلیون در انتخابات شرکت کرده اند یعنی استقبال درحدود58% که شواهد این را نشان نمیدهد
ویا حتی اگر قرصها بیشتر اثر کند و تصور کنیم رای های آقای موسوی را به اسم احمدی نژاد خوانده اند و یا حتی رای های میلیونی شیخ و محسن را به نفع محمود خوانده اند پس باید قبول کنیم چند ده هزار جفت چشم و گوشی که قرار بود عین عقاب از آرای این آقایان به اصطلاح صیانت کنند صاحبانی در حد برگ چغندر داشته اند واصولا به جای صیانت از آرائ اربابشان یه گل دو گل بازی کردن مشغول بوده اند
درغیر اینصورتها بهتر است بیشتر از این قرصها فاصله بگیرید که لا جرم عقل از کف خواهید داد

نویسنده: سعید

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 13:56

با سلام خدمت استاد پورپیرار .
با توجه به نوشته های دوستان که به نظر میرسد تازه وارد در عرصه بنیان اندیشی نیستند متاسفانه ملاحظه میشود با مقایسه دلایل محکم و متقن سی دی تختگاه با چند ادعای بچه گانه تمام حقیقت بینی خود را زیر سوال میبرند کسی که باور میکند در یک صندوق "بسته های چند صد تایی برگ رای سالم و تا نخورده"یافت شده پس توجه ندارد که دراین صورت باید دستگاه چاپ اسم احمدی نژاد رو مینوشته تا دست نخورده باشند و اینکه نمایندگان چند ده هزاری کاندیداها احتمالا کور بوده واین بسته ها را ندیده اند در حالی که دوستان از یک عکس تشخیص میدهند که بسته ها تا نخورده و نو هستند (پس انتخابات باطل است !) و بدون در نظر گرفتن اینکه حتی وجود یک چند مورد جزیی چسبیدن چند آرا به هم باعث شبهه میشود! و اینکه متوسط تعداد آرا در هر صندوق حدود 875 رای است! نشان میدهیم که هنوز در مقابل حقیقت هایی که به ضررمان است شیوه تعصب را ترجیح میدهیم
آیا فکر نکردید که هر کدام از این بسته ها بعد از شمارش هر صندوق بسته بندی شده اند اینکه برای بسته بندی رای را مجددا تا نمیکنند و رای ها تاشده در حالت باز خوانده و بسته بندی شده اند ودر حالت بسته بندی با تراکمی که دارند مطمئنا تا نمیخورند و یا فکر نمیکنید رای هایی که تنها یک بار از آنها برای رای گیری استفاده میشوند دلیلی ندارد مثل پولهای ایرانی مچاله شوند اینکه بسیاری از مردم به خاطر سهولت در انداختن به صندوق از رهبری که مواظب رویت رای خود است تبعیت نمیکنندقابل باور نیست؟ آیا دلایلی که مغرضانه و معاندانه مطرح میشود به آرای آقای موسوی رایی را اضافه میکند؟ چون بیشتر بحث افزایش آرای احمدی نژاد است نه دزدی از آرای موسوی.
چگونه با این دلایل بچه گانه استاد را در گردنه مشابه گردنه تختگاه و طوفان قرار میدهید اصرار بر ادعا های جاهلانه کدام حس شما را ارضا میکند حتما حس حقیقت جویی؟؟!!
خدا به استاد صبر برای تحمل ما عطا کند

نویسنده: عادل

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 15:9

عکسهای مجله life - با سرچ iran عکسهای تاریخی ایران را ببینید .

http://images.google.com/hosted/life

نویسنده: معمار

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 16:22

آقای پور پیرار بنده خودم به عنوان کسی که زیر صورتجلسه ای را امضا کردم که در آن آرای احمدی نژاد 129 رای آرای رضایی44 رای آرای کروبی89 و آرای موسوی 634 رای بوده 6 رای داشتیم که اسامی پرت و پلا نوشته بودند و 13 رای هم سفید بودند که خود من هم سفید داده بودم در حیرت و عجب مانده ام که چگونه در شهر من رای احمدی نژاد 2 برابر موسوی است این در حالی است که همکار من در یک حوزه دیگر که سر صندوق بود و اتفاقا هر دویمان هم اموزش و پرورش هستیم و دوستم هم در یک جای پایین شهری بود اون هم میگفت رای موسوی تقریبا 4 برابر احمدی نژاد بوده و علاوه از این رای کروبی در اون محل حتی از احمدی نژاد هم بالاتر بوده حالا واقعا من موندم و این علامت سوال چون از بقیه دور بریهام هم پرسیدم اکثرا به موسوی رای دادن .اقای پورپیرار حالا هر چقدر دنبال این هستم ببینم که رای صندوقی که من

سرش بودم ببینم چطوری به وزارت کشور منتقل شده و الان آمار جزیی اون صندوق چی شده راه به جایی نمیبرم این خودش یه شک تردید است اگر ما معتقد به این باشیم که نباید در امانت خیانت کنیم فکر میکنم این مسله شبهه زیاد داره من این سومین باری که سر صندوق هستم دفعه پیش هم به احمدی نژاد رای دادم اون موقع رایی که از صندوق در اومد با واقعیت و جو حاکم همخوانی داشت و اینبار هم همخوانی داشت ولی وقتی نتیجه کای و نتیجه شهر خودم رو رودیدم تعجب کردم چون اون چیزی نبود که انتظار میرفت فکر نمیکنم شما هم اینو نادیده بگیری به عنوان کسی که خودم رو در اندازه خودم و نه بیشتر صاحب وجدان و اعتقاد میبینم در اینکه احمدی نژاد برایند این انتخابات باشد تردید بسیار زیادی دارم

نویسنده: یک آدم گیج

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 17:21

کدخدایی : بنابراین صرف تا خورده بودن یا تا نخورده بودن براي اثبات وقوع تخلف كافي نبوده، بلكه بايد مدارك ديگري نيز وجود داشته باشد.

مسله این است : آقای کدخدایی تا نخورده بودن برگه های رای را رد نمی کند.

یکی از دوستان بنده در انتخابات 4 سال قبل ، ناظر شورای نگهبان بود و می گفت اگر برگه رای تا نشود از شکاف صندوق رد نمی شود.
بنده خودم به این موضوع دقت نکرده ام و اندازه شکاف صندوق رای را نمی دانم. اگر کسی یادش هست می تواند اظهارنظر کند.

نویسنده: یک آدم گیج

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 18:56

جناب معمار
آمار تک تک صندوقها در سایت وزارت کشور موجود است می توانید مراجعه و آمار صندوق مورد نظرتان را ببینید.
بنده هم کل آمار را دانلود کرده ام و اگر استان ، شهر و شماره صندوق را بکویید می توان چک کرد.

نویسنده: مووماں (سرباز سابق)

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 20:7

استاد عزیز. به عنوان دورگه ای که 50 درصد فارس و 50 درصد ترک است، بسیار خوشحالم! زیرا تا این اواخر، اکثرا" نیمه ی فارسم از توهمات تاریخی زدوده می شد و حالا وقت آن است که برای برقراری تعادل، نیمه ی ترکم نیز به همان ترتیب تصفیه شود!! امیدوارم که خداوند به خاطر این همه زحمت به شما اجر بیکران عطا فرماید؛ و نیز امیدوارم که سایر بنیان اندیشان هم به اندازه ی من خوشحال باشند.

خانم حاجی زاده. اگر ساکن تهران هستید، خیلی مایلم که با شما و برادر گرامی و پزشک عالی رتبه ی شما در خصوص اعتقاد به قرآن ملاقاتی داشته باشم. می خواهم بدانم چگونه ایشان به مقام بلند مرتبه ی انکار رسیده اند، شاید ما هم فیضی ببریم!؟ لطفا" ایمیل بفرستید. (این روزها مثل یک خون آشام به دنبال افرادی مثل ایشان می گردم!!!)

نویسنده: حسین محمدی

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 20:31

آقای معمار ....لطفا" شماره صندوقی و نام حوزه و شهری که جنابعالی ناظر بودید و زیر صورتجلسه آنرا امضا کرده اید را اعلام کنید .

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 21:47

با سلام
دوستان و اساتید عزیز صدای موج انفجار انتخابات هنوز هم در سرمان می پیچید و آذارامان میدهد!همگی هم چون به استاد و نظراتشان ایمان داریم و میدانیم که ایشان بدون هیچ پیشینه ای حرفی را همینطوری نمی زنند هی مجهولات خود را با ایشان در میان میگذاریم!!ایشان به عنوان مورخ نظر خود را بدون هیچ وابستگی زندنو از نظر خودشان قضیه کاملا شفاف است و هیچ ابهامی وجود ندارد و همه بهانه ها بنی اسرائیلی می باشد که به واقع تا به حال هم همینطور بوده است!اگر خواهان بحث و درج نقط نظراتتان در این مورد هستید وبلاگی راه اندازی کنیم و در آنجا کاملا در این مورد به بحث و تبادل اطلاعات بپردازیم!آدرس وبلاگ را درج خواهم کرد!

استاد در صورت صلاحدید نصب فرمایید
با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 21:53

آقای Moomaan. ممنونم از ابراز محبت های شما. عجیب است در ایامی که به سال های گردن کشی معروف است، مقدم بر همه انسان نسبت به خداوند جسور می شود!

آقای گیج. درست می فرمایید تمام اشکالات این انتخابات بر سر همان شکاف مربوطه بود. احمدی نژاد به خاطر جثه ی کوچک اش از شکاف گذشت و دیگران هرچه زور زدند شکاف از آن چه دیدیم بازتر نشد.

آقای معمار. قرار نیست تمام صندوق ها از آن نمونه که شما بر آن نظارت داشته اید تبعیت کنند. وانگهی آیا آن صورت جلسه که شما امضا کردید از نظر محتوا با آن چه اعلام شد برابر بود؟!

آقای سایه. گمان می کنم مطالب یکی دو یادداشت بعد در زمینه ی سئوال تان توضیحاتی داشته باشد.

آقای سعید. بر همگان مسلم شد که معترضین نتوانستند علیه صحت این انتخابات حتی یک سند ابطال کننده ارائه دهند. کم کم نتیجه می گیرم که آن یادداشت قبل برای این انتخابات از نظر توضیحات تاریخی ضعیف بود. تا خدا چه خواهد، شاید متممی بر آن نوشتم.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 21:55

با سلام
http://entekhabat-1388.blogfa.com

نویسنده: علی از مالزی

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 22:5

سلام به همه!
دیدم بحث هنر شده است، گفتم افاضاتی داشته باشم!!

هنر هندوانه کال و نارسی است که از هر طرف ببری، همان نصیب می شود که از سمت دیگر بریده باشی. پس چه ادبیات سر سبد باشد ، چه "فشفشه بازی" همان بساط است تنها در قالبی دیگر و در مدیومی متفاوت. یادم هست در ایران که بودیم به این عنوان - سینمای انسان ساز- کلی می خندیدم که مگر می شود هندوانه کال، هندوانه کال شیرین باشد؟؟

تا اینکه فیلم بیانیه مستند سازان را در مورد حوادث اخیر دیدم که خود را "کاشفان حقیقت" معرفی کردند. انصافا یک چیز را بدون تعارف بگویم که سواد خیلی از بچه های سال اول کالجهای غربی از بعضی از این چهره های ماندگار ما، یه سرو گردن بالا تره. چون همون ترم 1 همه شون با این حرف فوکو که همه هنر ایدئولوژی است روبرو می شن و بقول یکی گو شی دستشون میاد که ادعای یافتم یافتم نکنن.

این کلمه مستند هم از همون کلماتی است که منو دچار حالت "دموکراسی" میکنه پس زودتر برم!

تشکر.

نویسنده: معمار

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 23:20

آقای پورپیرار همانطور که عرض کردم دوستم هم سر صندوق بود و نتیجه صندوق آن تقریبا مشابه بود ضمنا تعداد صندوقهای شهرستانی به کوچکی شهرستان محل سکونت من که جمعیت واجد شرایط رای آن حدود 14 هزار نفر است محدود و جو حاکم بر اینجا هم به دلیل کوچکی و این که بسیاری از مردم همدیگر را میشناسند و نظرات همدیگر را میدانند بسیار دور از ذهن است اگر حساب حساب عقل باشد تردید من همچنان باقی است حال چگونه رای احمدی نژاد دو برابر موسوی در امده بر اساس اعلام وزارت کشور خود مردم شهر محل سکونت من در تعجب هستند من با جاهای دیگر کاری ندارم من /انچه را خود به عینه دیدم برایتان میگویم علاوه بر این در منطقه پایین شهر هم احمدی نژاد زیاد رای نیاورده بود

نویسنده: یکی

چهارشنبه 10 تیر1388 ساعت: 21:29

اس ام اس ها باز شد. چه فاجعه ای. در عرض نیم ساعت حدود 60 تا اس ام اس فرستادم!
امیدوارم باز هم ببندنش راحت شم.

نویسنده: نکته سنج

پنجشنبه 11 تیر1388 ساعت: 4:13

سلام
استاد منظور خاصی نداشتم ، فقط نکته اش این بود که قدیمی تر از تصویری بود که شما در یادداشت 208 نصب کرده بودید . شاید تنها نکته اش در این بود که اگر از بازسازیها و نوسازیها و محوطه سازی و تزیینات و کاشیکاریهای پرخرج اخیر چشم پوشی کنیم میدان نقش جهان خرابه ای بیش نبوده است و هیچ ارزش تاریخی ندارد و به نظر من حتی همین الان هم هیچ ارزش معماری ندارد .
همین امروز هم تنها یک مسجد پاسخگوی افراد محلی هست و من نمی دانم چرا شاه عباس 3-4 تا مسجد ساخته ؟!!

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 11 تیر1388 ساعت: 7:44

سلام - از یکی پرسیدند پیر عینالی (عون بن علی تبریز) چگونه پیری است؟ گفت : زوارش را ببینید! این داستان همان داستان صدیق است زوار ایشان در حال کاهش است شما نگران نباشید . در واقع زوار جایی می روند که حاجت بگیرند ! اگر کسی از پورپیرار حاجت گرفت چه نیاز به صدیق؟ هرچند ترک باشد! شخصا در دوران دانشجویی با صدیق عکس یادگاری هم دارم ولی پورپیرار را حتی ندیده ام . اما باز باید بگویم من استادم را دوست دارم - حقیقت را هم دوست دارم . اگر روزی بین استاد و حقیقت مجبور به انتخاب باشم توان گذر از حقیقت را ندارم این هم برای صدیق ، صدق می کند هم برای پوپیرار کبیر. تنها این را فعلا معتقدم که قرآن حقیقت است!

نویسنده: سوءزلی

پنجشنبه 11 تیر1388 ساعت: 8:24

با سلام
ما از آقای معمار و دوستان محترمشون تقاضا داریم حوزه انتخابی و شماره صندوقی که گویا فرم صورتجلسه (فرم 22)را امضا کرده اند در اختیار ما قرار دهند و اگر مغایرتی وجود دارد اعلام کنند تا به عنوان اولین کسانی که به داد آقای موسوی رسید اسمشان در تاریخ ایران ثبت گردد در غیر این صورت احتمال نمیدهیم گفته ایشان عاری از غرض ورزی باشد

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 11 تیر1388 ساعت: 10:11

آقای معمار.... کدام حوزه بوده اید و شماره صندوق را نیز ذکر کنید .... اینکه شما یا دوستتان نیز بوده اید یا همه اهل محله تان بوده اند و همه هم به موسوی رای داده اند دلیل تقلب نیست.... شماره صندوق را ذکر کنید تا با استناد دنبال کنیم ....

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 11 تیر1388 ساعت: 11:32

دوستان، از رای های تا نشده و صندوق های دوجداره و ناظرین کتک خورده و از این گونه قصه های کلثوم ننه زیاد شنیدیم ولی سرانجام کسی نتوانست یک صورت جلسه ی مخدوش ارائه کند و یا آدرس دهد. بنا بر این پرونده ی مطلب را می بندیم و به کار خودمان می رسیم.

آقای نکته سنج. محل گنبد شیخ لطف الله در نقاشی غلط بود و در عکس هم گنبد دیده نمی شد. عجیب است هرچه عکس قدیمی از میدان نقش جهان دیده ام از زاویه ای است که مسجد شیخ لطف الله ندارد!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 218

ایران شناسی بدون دروغ 218،
نتیجه، 26، بررسی زبان های
یدیش منطقه، 39 - 3 نظر

نویسنده: یک مسلمان دیگر

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 7:39

حقیقت هرچه باشد بر آن گردن می نهیم - موش کوری نیستیم که وقتی به نور می رسیم آن را رها کنیم تا به کندن زمین تاریک در جای دیگر ادامه دهیم حقیقت را از زبان هرکه باشد می گیریم و خود را در قالب آن می نهیم ما قالب نیستیم تا مشخص کنیم حقیقت چیست ! حقیقت قالب است تا مشخص کند ما کیستیم! درود بر شما به خاطر این همه روشنگریتان - ما خاموش شما را می ستاییم البته ستودنی در حد انسان که ستایش واقعی تنها و تنها از آن خداوند کریم است.

نویسنده: ایلماز

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 8:5

وبلاگ بحث انتخابات هنوز مثل اینکه پا برجاست!

http://entekhabat-1388.blogfa.com/

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 9:6

آقای خرمی. با معارضین نسبت به مستندهای تختگاه و طوفان کاری ندارم، زیرا اگر نزد کسانی گواهی توام چشم و گوش نیز معتبر نیست، پس در صحت عقل شان تردید می کنم و بیرون از مناظره می مانند.

آقای مرتضی. این جا فقط سخن از تحقیق است و از آغاز نوشته ام که مورخ و محقق با کسی قوم و خویش نیست و تصدیق می کنید آن ها که پس از 9 سال تازه به یاد آورده اند که مبحثی با نام تاملی در بنیان تاریخ ایران گشوده است و شمشیر برداشته اند تنها قصد دفاع بی حاصل از دروغ های خوش آیندی را دارند که پیش تر برای قوم شان تراشیده اند.

خانم علم الهدی. شما خواب ندارید؟!

آقای ایلماز. سخن از لغات آن تورات است.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 9:23

تشکر از شما و روشنگریتان استاد.

نویسنده: بابک2

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 9:41

با سلام خدمت استاد
آنهایی که ترک زبان هستند وبه خصوص کسانی که در روستاها زندگی کرده اند یا با زبان روستائیان و عشایر آذربایجان آشنایی دارند و برخی مواقع با شنیدن کلمات اصیل ترکی که بیشتر کاربردی طبیعت گرایانه دارند و در آنها کلمات عربی و فارسی به سختی نمایان میشود به

اصالت زبان کسانی که گفته های خود و در اصل هیچ
زبان دیگری را نمی نویسند و امکانات آموزش زبان به
قول شما یهودیان را نداشته اند و با کمال تعجب
مسلمان هستند پی برده اند.
این به تنهایی در رد نظر شما در مورد ترجمه توراتی که
گویا میبایست مترجم به اندازه شما با این زبان آشنایی
داشته , کافیست
اینکه زبان ترکی از نظر ساختار با زبان فارسی و عربی
متفاوت است معادل سازی کلمات ترکی به زبانهای
دیگر و برعکس مشکل به نظر میرسد به طوری که کتاب
حیدربابای شهریار برای فهم فارسی زبانان به جای
ترجمه نیاز به تفسیر دارد باز نشان دهنده این است که
این زبان تنها با التصاق کلمات زبانهای مختلف با پسوند
فعل ساز به دست نیامده است
اینکه در ترجمه کتاب تورات در 120سال پیش که مسلما
منبا تصمیم گیری در مورد یک زبان نیست مترجم معادل
کلمات را نتوانسته از زبان بومی که در هیچ زمانی
معادل نوشتاری برای آن پیدا نمی شده با الفبایی که
کمترین سنخییت با آوای زبان ترکی ندارد پیدا نکرده ,
عجیب نیست حتی امروز هم مترجم ترک زبان برای
معادل سازی کلمات عربی و...برای زبان ترکی و
برعکس دچار مشکلات زیادی است شاید این نشانگر
نبود معادل آن کلمه در زبان ترکی باشد اما مسلما از
ارزشهای زبان ترکی نمی کاهد چون بسیاری از کلمات
ترکی هم معادل فارسی وحتی عربی ندارد.

نویسنده: ...

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 9:44

با سلام و خسته نباشید
می خواستم نظرتان را در رابطه با آثار ترکی زیر اعلام فرمایید:
دیوان لغات الترک محمود کاشغری
قوتادغو بیلیک یوسف خاص حاجب
ترجمه های قدیمی از قرآن کریم به زبان ترکی

نویسنده: بابک2

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 12:4

من باهمه اعتقادی که به یافته های شما دارم اما برای من که از زبان مادر بزرگ بیسواد 98 ساله ام در 15 سال پیش زبانی اصیل با کمترین کلمات عربی و فارسی شنیده ام و مسلما مادر بزرگ بنده زبان خود را از مادرش آموخته و او نیز از مادرش و مسلما در زمانی که تورات شما چاپ میشده مادربزرک مادر بنده به زبان اصیلتر از نوشته های تورات شما صحبت میکرده و اگر کلمات فارسی که به گفته شما زبان یهودیان ایران بوده با الفبای عربی که شاید اولین تجربه نویسنده ترک در نوشتار به شمار میرود.در آن به چشم می خورد هم دلیل این مطلب نیست که گویا زبان ترکی ساختاری وابسته به این زبانها دارد شاید دلیل آن عدم نوشتار زبان ترکی تا قبل از آن باشد و یا عدم سنخیت مطالب

ودر نتیجه ضعف در معادل یابی !!!البته باید اشاره کنم بنده با تمام بیسوادی ترجمه مناسب تری بر آن نوشته میتوانم ارائه دهم که مسلما کلمات عربی و فارسی در آن کمتر خواهد بود
من اعتقادی به الفبای ارخون و فرهنگ تمدن ساز ترکها در تاریخ نداشته و ندارم و این فرهنگ و زبان را بیشتر ازآن کوچندگانی میدانم که هنوز برای ساخت خانه کلمه "تیکما ق" یعنی دوختن را استفاده میکنند که نشانگر عدم آشنایی آنها با ساخت وساز ومعماری است و بیشتر نشانگر دوختن چادر برای زندگیست تا ساخت خانه و ظاهرا به دلیل نامعلوم نیاز به نوشتار زبانی که طبیعتا برای ارتباط نیاز داشته اند احساس نمی کرده اند نیز نشانگر تمدن ساز بودن آنها نیست
در غیر این صورت میبایست در تبریز که گویا مبدا تاریخ از منظر ترکهاست نشانه ای هر چند ناچیز از نوشتار زبان ترکی در آن یافت میشده و کشف قبرهای سه هزار ساله که مدفونین به صورت جنینی در آن یافت شده اند نیز ارتباط آن با زبانی که امروز در آن منطقه گویش میشود را ثابت نمی کند.اما با این حال مطالب شما نمی تواند مبنای تصمیم گیری در مورد اصالت زبان باصطلاح ترکی گردد

نویسنده: یک مسلمان 1 از 2

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 12:17

با سلام حضور استاد و جمیع یاران
از اینکه استاد گرانقدر تقریبا وارد مبحث زبان ترکی شده اند مسرور و خوشحالم .
موارد زیر در رابطه با بحث جدید به ذهن بنده متبادر شده که در محضر استاد بیان میکنم تا نظر استاد چه باشد :
1- یک نگاه ساده به متن تورکی تورات ارائه شده بیانگر عدم تورک زبان بودن نویسنده مطلب است زیرا نه قواعد تورکی را رعایت کرده و نه به طور کامل لغات تورکی را میداند .
2- تورکی مثل عربی و بر خلاف فارسی زبانی است که اگر به عنوان زبان مادری شخص نباشد ، یادگیری کامل و احاطه بر آن خیلی مشکل است همانگونه که حتی خود استاد با اینکه فرد تیزهوشی هستند اما از متن نوشته های ایشان چنین بر می آید که خیلی مسلط بر زبان تورکی نیستند.
3- یک نگاه کوتاه به فرهنگ معین به سادگی عمق نفوذ تورکی در فارسی را بیان میکند.
4- یک کلمه فارسی اصیل (از بین همان 1500 کلمه شاهنامه) را نمیتوان در تورکی پیدا کرد اما هزاران کلمه اساسی زندگی از تورکی در فارسی موجود است (مثل اتاق ، اجاق ، قاشق ، بشقاب ، قابلمه ، دیوار ، دام یا بام ، ...)
5- ایجاد هماهنگی بین اصوات در تورکی چیزی نیست که مترجم تورات مورد بحث بر آن مسلط بوده باشد.

6- علاوه بر تورات تورکی ، کتابها و دیوانهای شعر به زبان تورکی و به خط عربی و به نام و مکانهای عجیب و غریب به زبان فاتورکی (فارسی تورکی شده) موجود است که عمده تورک زبانان (به استثنای مسئولان فرهنگ دولتی) آنها را نمیشناسند و زحمت معروف کردن آنها را صدا و سیما بر عهده گرفته است (مثل فضولی و نباتی)
7- اگر قرار بر این باشد که کلمات دزدی در زبانهای مختلف جستجو شود ، فارسی دزدترین زبان موجود بر کره خاکی خواهد بود زیرا عمده افعال در این زبان یا عربی است و یا تورکی (عربی مثل فهمیدن از ریشه فهم ، رقصیدن از ریشه رقصیدن و ... و تورکی مثل سائیدن از کلمه سورتماق ، دریدن از کلمه دیرتماق ، قاپیدن از کلمه قاپماق و ....)

نویسنده: یک مسلمان 2 از 2

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 12:18

8- مثلا در خصوص قاپ ماق که استاد آنرا نه وام گرفتن لغت که با عصبانیت ، مصادره کردن آن از زبان دیگری خوانده اند میتوان سئوال کرد که :
- این کلمه از کدام زبان به تورکی وارد شده؟
- برخی مشتقات این کلمه در تورکی به شرح زیر است قاپی = درب قاپاق = درپوش قاپاتما = تعطیل کردن قاپاز = ضربه کف دست که حالت بستن یک مجرا را داشته باشد. آیا قاپماق با این مشتقات در دیگر زبانها موجود

است؟
9- بایستی به اطلاع دوستان و استاد برسانم که کلمات تورکی پیشوند ندارند.
10- اگر ساخت کلمه با استفاده از پسوند مذموم است در اینصورت زبان لاتین مذموم ترین زبانهاست.
11- نفوذ کلمات عربی به عنوان زبان دینی در تورکی نه تنها اشکالی ندارد بلکه به شدت قابل تمجید است زیرا مفاهیم الهی کتاب آسمانی که نزد هیچ بشری نبوده بتوسط قرآن وارد عربی و از عربی وارد تورکی شده و موجب اعتلای زبان تورکی شده است مثلا تورکی برای مفاهیمی همچون: فهم و درک و حس و عدل ... کلمات خود را دارد که نشانگر کاربردی بودن این زبان است اما برای مفاهیم الهی مثل دین و کتاب و آخرت و امثالهم وامدار زبان توانای عربی است و احتمالا به همین روال زبان لاتین هم وامدار انجیل تحریف نشده است.

استاد ارجمند بنده تقاضای خودم را که چند ماه پیش مطرح کرده بودم دوباره مطرح میکنم و آن اینکه : برای تحلیل زبان تورکی فقط خود زبان را در نظر بگیرید و از استناد به کتابهای غالبا مزخرف که توسط برخی افراطیون تورک نوشته شده اند درگذرید زیرا نقد و رد فارسی بی هیچ استنادی به کتب موجود براحتی آب خوردن است ولی گمان نمیکنم در خصوص تورکی بتوان گامی در این مسیر برداشت.

نویسنده: بابک2

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 12:20

البته با تحقیق از منابع نوشتاری همانند تورات شما و یا شعرهایی از فضولی و نسیمی و... که بیشتر از لحاظ نوشتار وابسته به زبان و الفبای عربی و از لحاظ محتوا وابسته به اندیشه های فارسی (یهودی) هستند به نتایجی بهتر از نتایج شما نمیرسیم اما آن چیز که عجیب است تفاوت محتوایی زبان ترکی با همه منابع نوشتاری وابسته به الفبای عربی است که محتوای آن با آلام وعلایق مردم بومی آن سنخیتی ندارد .شاید یهودیان برای پیوند دادن ساخته های خود با فرهنگ مردم مسلمانی که مطمئنا با زبان قران آشنا شده بودند برای رخنه در آن اولین نوشتار این زبان را با الفبای عربی که مطمئنا برای نوشتار ترکی اصلا مناسب نیست را ابداع وتحمیل کرده اند!!!
شاید هنوز کلید حل مباحث پیدا نشده اما مطمئنا نمی توان در مورد زبان ترکی به منابع نوشتاری این زبان بدون توجه به ساختار محکم وتنوع کلامی ومعنایی آن در میان مردم آن پی به اسرار آن برد واصولا برای شناخت زبان ترکی ضرورت حضور در این فرهنگ اساس تحقیق است ومسلما بدون حضور مادی ومعنوی در این فرهنگ وزبان تنها با تکیه بر نوشته های به قول شما یهود ساخته نمی توان به نتا یج محکمی رسید سوال گردن کلفتی که از مباحث شما میشود این است که چرا این

مردم متاثر از فرهنگ وزبان یهودیان مسلمان هستند با
اینکه طبق نظریه خودتان در مورد جمعیت شناسی,در
400 سال پیش یهودیان میتوانستند با چند هزار مهاجر
یهود ویا تبلیغ آیین خود در میان این جمعیت اندک دین
وسرزمینی کاملا یهودی به وسعت ایران وترکیه
وآذربایجان وشاید بزرگتر کاملا یهودی با جمعیت امروزی
بیش از 150 میلیونی داشته باشند وامروزه برای
تصاحب کشور فلسطین وهمه کشور های عربی به
عنوان یک ابر کشور منطقه مشکلی احساس نکنند
امیدوارم نتایج به دست آمده علمی و منطقی باشد

نویسنده: ---

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 12:36

جنگ رهبران آشکار و نهان ایران !!!
(تحلیلی بر دهمین انتخابات ریاست جمهوری و حاشیه
های آن)

WWW.Aqel.Blogfa.Com

نویسنده: ultra

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 10:7

با سلام
ظاهرا باید اینطور نتیجه گیری کرد که یدیش "ترکی
آذربایجانی" حاصل اختلاط زبان مهاجر ترکی، با زبان

بومی فارسی و یا یهودیست، پیوسته وجود انبوهی از مثلها و اصطلاحات مشترک بین فارسها و ترکان ایرانی و نیز وجود اسامی (پیرزنانی دیده ام که کلمه ای فارسی نمی دانند و هرگز از محدوده ی زندگی خود دورتر نرفته اند و همواره با زندگی عشایری در چادرها و دور از ارتباطات بروز رسانی سر کرده اند، با این وجود نامهایشان، نامهایی فارسی چون خورشید، مهرانگیز، سروناز، فرخنده و ...است) و واژگان فارسی در ترکی آذربایجانی با وجود فقدان امکان و ابزار ارتباط و تبادل فرهنگ و ادبیات تا همین اواخر بین این دو قوم اصطلاحا ایرانی، برایم سئوال برانگیز بود، هم اینک بدین نتیجه می رسم که زبان یدیش "ترکی اذربایجانی" بسیاری از داشته های مشترک خود با فارسی را از منبعی واحد و یا وارد شدن و زیستن در زبانی زمینه مثل زبان یهودیان گرفته است. با این وجود ترکی خالصتری خارج از حوزه ی آذربایجان وجود دارد با گرامری ممتاز و ویژگیهای مستقل که باعث میشود آنرا به عنوان یک زبان رسمی و حقیقی بپذیریم نه به عنوان یک زبان جعلی!

نویسنده: سامان

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 13:56

با سلام خدمت استاد
در صورت اشتباه تذکر دهید
فعل قاپیدن به معنای به دهان گرفتن و گاز گرفتن حیوانات از فعل ترکی قاپماق برداشته شده است که

برعکس نوشته شده است
عمدتا کلماتی در زبان فارسی که معادل فعلی
ندارند(یعنی ساختار آنها بدون ریشه فعلی است) وتنها
در آن زبان استفاده میشوند کلمات فارسی محسوب
نمیشوند مانند پف و نفر و هوش و خوش و پیاده و میخ
و داغون و قر و قاپیدن که به عنوان الفاظ فارسی نام
برده اید
کلا هیچ کلمه ای ریشه دار در زبان فارسی با حروف
"غ" و"ق"یافت نمیشود ازجمله" داغون و قر و
قاپیدن"داغون از فعل "داغئلماق" ترکی به معنای جدا
شدن ویا خرد شدن واز هم پاشیدن جسم یاگروه ویا
غیره استفاده میشود که نمونه های مختلفی از این
ریشه در زبان ترکی وجود دارد و مابقی کلمات باحروف
"غ" و"ق" یا ترکی (قرمز و بشقاب و قاشق و ..) وما
بقی از زبانهای دیگر به خصوص عربی هستند
زبان فارسی با بهره گیری از کلمات عربی ,ترکی و...
قابلیت نوشتار امروزی را دارد اما چیزی که در آن یافت
نمی شود اصالت است مثلا کلمه ای مثل آسمان در
ترکی به راحتی قابل ریشه یابی است واز فعل"
آسماق" اویزان کردن که در ساخت اسم بشکل"
آسمان "آویز گاه معنی میشود
یا" آرمان" که از فعل" آراماق"جستجو کردن وباز ساخت
اسم به شکل "آرامان" یا "آرمان""چیزی که جستجو
میشود" میباشد و نمونه های بسیار دیگر در حالی که
مشابه ترین فعل به آن در زبان فارسی آرمیدن وبه

معنای کاملا متفاوت با مفهوم کلمه است
در ضمن این نوشته ها به معنای انحراف از مباحث نیست تنها خواستم یاد آوری بکنم خواننده های شما با چنین پیش زمینه های ذهنی از مطالب شما استفاده میکنند و صرف نمونه ای از یک تر جمه ذهنیت آنان را منحرف نمیکند ونیاز به دلایل محکمتری برای تضعیف زبان ترکی دارید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 16:2

باید مباحثه را از آقای سامان یاد گرفت. بسیار هم آسان است: میخ و هوش و خوش و پیاده و نفر فارسی نیست و کار تمام...!

آقای ultra. اگر زبان ترکی در 120 سال پیش، در ترجمه ی تورات، از لغت زبان 300 ساله ی اصطلاحا فارسی برداشت کرده، پس عمر زبان ترکی از فارسی کوتاه تر است. زیرا زبان ترکی نمی تواند قبل از ظهور زبان فارسی از آن لغت برداشته باشد. به همین سادگی و به همین خوش مزگی. در این جا هم باز راه حل آقای سامان کاربرد دارد: میخ و خوش و پیاده و نفر فارسی نیست!!!

اقای بابک. هنوز باید برای ورود کامل به مطلب حوصله کنید.

آقای یک مسلمان. معلوم شد که تمام گناه ها را باید به گردن آن مترجم بی نوا انداخت که چرا بدون تسلط به زبان ترکی دست به ترجمه ی تورات زده است. زیرا اگر ما قبول کنیم که او اتفاقا ترک اصیلی بوده، از قمپزهای زبان پایه ی ترکان چیزی باقی نمی ماند.

آقای... در قرن پنجم هجری خط عرب استعداد برداشت برای نگارش کتاب را نداشته است که کاشغری با آن دیوان لغت ترک بنویسد. بقیه نیز همین حکایت است. چنین مدعاهایی نیاز به بنیان گریزی دارد که نیازمند مطالعه ی دوباره و از آغاز می شوید. به کتاب پاپیروس ها رجوع کنید.

آقای علی از مالزی. ممنون.

آقای اصطخری. بار دیگر یادآور می شوم که پذیرش مطالب یکی از این یادداشت ها به معنای قبول همه ی آن هاست. امتحان آن هم بسیار آسان است و چون کسی نیست که بخشی از این یادداشتها را نپذیرفته باشد پس اعتبار کلام به کلام نوشته های ایران شناسی بدون دروغ، تضمین شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 16:3

باید مباحثه را از آقای سامان یاد گرفت. بسیار هم آسان است: میخ و هوش و خوش و پیاده و نفر فارسی نیست و کار تمام...!

آقای ultra. اگر زبان ترکی در 120 سال پیش، در ترجمه ی تورات، از لغت زبان 300 ساله ی اصطلاحا فارسی برداشت کرده، پس عمر زبان ترکی از فارسی کوتاه تر است. زیرا زبان ترکی نمی تواند قبل از ظهور زبان فارسی از آن لغت برداشته باشد. به همین سادگی و به همین خوش مزگی. در این جا هم باز راه حل آقای سامان کاربرد دارد: میخ و خوش و پیاده و نفر فارسی نیست!!!

اقای بابک. هنوز باید برای ورود کامل به مطلب حوصله کنید.

آقای یک مسلمان. معلوم شد تمام گناه ها را باید به گردن آن مترجم بی نوا انداخت که چرا بدون تسلط به زبان ترکی دست به ترجمه ی تورات زده است. زیرا اگر قبول کنیم که او اتفاقا ترک اصیلی بوده، از قمپزهای زبان پایه ی ترکان چیزی باقی نمی ماند.

آقای... در قرن پنجم هجری خط عرب استعداد برداشت برای نگارش کتاب را نداشته است که کاشغری با آن دیوان لغت ترک بنویسد. بقیه نیز همین حکایت است.

چنین مدعاهایی نیاز به بنیان گریزی دارد که مجبور به مطالعه ی دوباره و از آغاز می شوید. به کتاب پاپیروس ها رجوع کنید.

آقای علی از مالزی. ممنون.

آقای اصطخری. بار دیگر یادآور می شوم که پذیرش مطالب یکی از این یادداشت ها به معنای قبول همه ی آن هاست. امتحان آن هم بسیار آسان است.

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 16:14

برادر گرامی بابک2
سیاهپوستان کشورهای
سودان,صومالی,چاد,موریتانی,جیبوتی و اریتره به زبان عربی صحبت می کنند چه در روستاها و شهرها و از لغات اصیل عربی برای بیان مفاهیم مورد نظرشان استفاده می کنند اما قرابتی با مردم بین النهرین از نظر نژادی ندارند. لذا دلایلی که برشمردید به تنهایی برای اثبات موضوع مورد نظرتان کافی نیست. بنظر می رسد برای بحث در خصوص دیرینگی زبانها به پارامترهای دیگری هم نیاز داریم.والسلام
فی امان الله

نویسنده: آنتی پورپیرار(ایران)

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 13:0

ذوالقرنین به روز شد!!!
www.zulqarnein.blogfa.com

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 16:33

خدمت جناب استاد و همه دوستان

گزارش ویدوئی (و قدیمی) مربوط به اکتشافات دهه 80 کشتی نوح نبی در ترکیه (2 قسمت) :

http://www.youtube.com/watch?v=2Y5ORpMTebI&feature=channel_page
http://www.youtube.com/watch?v=SE7nN80dIw8&NR=1

گزارشگر می گوید که برای اولین بار در دهه 50 و در یک عکاسی هوائی نظامی این سایت توجه ها را بخود جلب کرد.

نویسنده: سعید

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 17:24

با سلام خدمت استاد پورپیرار.
امیدوارم مسیری که میرویم همه ما را به سر منزل

حقیقت برساند چون خواسته یا نا خواسته در مسیری قرار گرفته ایم که ظاهرا تنها شما این راه پر پیچ وخم را بلدید واز آن مسیری که ما ناخواسته در آن قرار داشتیم و شما ما را از بیراهه بودن آن آگاه کردید بسیار دور شده ایم از چراغهای آبادیمان هم که گاه گاه برگشته واز ترس گم شدن در این مسیر چشم بدان داشتیم کور سویی نمانده باید اعتراف کنم در این راه گردنه های سختی است که امیدوارم با حداقل تلفات از آن عبور کنیم
مارا دعاکنید

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 19:16

استاد من همینطور که امروز به این فیلمی که شما در مورد طوفان نوح تهیه کردید فکر می کردم، به ذهنم این سئوال خطور کرد که اگر محل وقوع سیل در منطقه ای باشد که شما در فیلم بحث می کردید (جدای از دلایلی که برای اثبات ارائه شده است) و همچنین مخصوصا با توجه به این آیه شریفه ای که خداوند فرموده اند " گفته شد ای زمین آبت را ببلع و ای آسمان نبار. آب فروکش کرد..." پس باید شواهد امر در آن منطقه یک حوزه وسیع آب زیر زمینی را حالا در هر عمقی با توجه به فروکش کردن و بلع آب نشان دهد. اما بر اساس آخرین کارتوگرافی منتشر شده در مورد حوزه های زیر زمینی آب که IAEA و UN در 2008 منتشر

کرده اند آن منطقه از ترکیه نه تنها حوزه های زیرزمینی پر آبی ندارند؛ بلکه دیدم که ایران خودمان با تمام خشک بودنش از ترکیه از نظر حوزه های زیر زمینی بسیار غنی تر است! و این جای بسی خوشحالی دارد البته (و تاسف!) . با این حال با توجه به اینکه بنده هیچ تخصصی در زمین شناسی ندارم، خواستم این را مطرح کنم و از نظر شما سئوال کنم.

ببخشید که سئوال با متن پست شده جاری هماهنگ نیست اما به نظر خودم مهم آمد هر چند که شاید بتوان توضیحی زمین شناسی برای این مساله پیدا نمود.

الحمد لله.

نویسنده: رضا

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 21:35

گزارش تفصیلی کمیته صیانت از آرای میرحسین موسوی

با سلام استاد این گزارش را مطالعه نمودم.
از سر تا پای آن ابهانات و مغایرتهای جزئی یا حتی دست بردگی در آرا در حد شهرستان و توابع است.حتی یک مورد صورتجلسه مخدوش ارائه نداده اند و به نظر من با همه این ابهامات اصل انتخایات صدمه نمی بیند.اگر هم اختلافی باشد همانگونه که در متن گزارش

قید شده در محدوده 1 تا چند ده هزار است که در آمار کل درصد کمی است.بنابراین

1- احمدی نژاد برنده انتخابات است
2- پیروزی در انتخابات به هیچ وجه بیانگر درست و بر حق بودن ایشان و گروههای تندرو طرفدار وی نیست.
3- همانگونه که شما نیز بر آن واقفید در یک جامعه تک صدایی انتخابات به تنهایی ابزار کاملی جهت برآورد خواست و اراده قلبی توده مردم نیست.

4- از همه اینها که بگذریم به این نتیجه رسیدم که حق با شماست و به عنوان یک شاگرد از شما پوزش میطلبم.

5- در ضمن به شخصه موسوی را آشنا به کارها و تحقیقات شما یافتم. در یکی از گفتارهایش در جمع اساتید دانشگاه اشاره ای به تاریخ حقیقی 5000 ساله و نه مکتوب این سرزمین نمود.

وب سایت

نویسنده: بی نام

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 22:20

استاد بزرگوار جناب اقای پور پیرار سلام علیکم ورحمه خدا بر شما باد

گشودن دو جبهه سنگین و هم زمان که با هیچ توان ذهنی امکان رویارویی با آن نیست جز با ذهن واندیشه استاد بزرگ و نابغه پور پیرار عظیم.
افشای جعل یهودیت پست در تاریخ سازی میانرودان وقومیت سازی دز دوران اخیر.
که هردو از ملزومات هموار سازی زمینه وحدت اسلامیست واینکه ما فقط وفقط یک یک ملجا٬ونقطه اتکای بی خلل ویک سلاح برای شکست دسیسه های یهودیت پست داریم و آن اسلام به محوریت فقط وفقط قران عظیم است ولا غیر.
استادهر چند در این اواخر بیشتر گوش داده ام تا گفته باشم ولی امروز نتوانستم در برابر شجاعت وصلابت فکری ودرایت ونبوغ شما سکوت کنم .دسمریزاد بی صبرانه منتظریم تا این باب جدید را نیز بیاموزیم. ممنونم.

نویسنده: یکی از برو بچ

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 22:48

با سلام
گاه گاهی جناب م.ستاره می آمدند و کامنت های جالبی میگذاشتند!مدتی است از ایشان خبری نیست؟!جناب م.ستاره یادگاری در باب انتخابات نمی خواهید از خود بگذارید؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 13 تیر1388 ساعت: 22:52

لطفا به میزان کافی در خواندن پست دقت کنید و به اشارات و اعتبارات آن دقیق شوید، سپس کامنت بگذارید، اگر می خواهید کامنت تان ثبت شود. این جا سخن از تعریف و یا تکذیب زبان ترکی نیست، تاریخ پیدایش آن است بر حسب قرائن بس قانع کننده و قویم.

آقای بی نام. شما خود پیر دیرید و بنده نیمکت نشین شما. در مورد آن فیلم اگر بفرستید محبت کرده اید. شاید خبر داشته باشید که نوروز امسال را برای یک تحقیق میدانی در هند بودم با کوله باری از برداشت های شگفت انگیز و باور نکردنی که اگر عمر اجازه دهد و خدا بخواهد گزارش آن سفر را که کاملا به مباحث جاری متصل است، از چند یادداشت آتی شروع خواهم کرد.

آقای رضا. کشف و احترام به حقیقت از صفات انسانی است چنان که خداوند فرموده است مبادا دشمنی موجب شود پا بر حق گذارید.

آقای علی از مالزی. سرزمین های شبه جزیره سان که از چند طرف به دریا متصل اند همانند ترکیه و انگلستان و اروپای مرکزی از نظر سفره های زیر زمینی آب فقیرند.

به خصوص اگر خاکی رسوبی داشته باشند. وانگهی به قرائنی از زمان طوفان هزاره ها می گذرد.

آقای سعید. آن آبادی قبلی خرابه ای بی آب و علف بیش نبود. بله راه پر پیچ و خمی است با متعصبان و قوم پرستانی که در تاریکی کمین کرده اند.

آقای منوچ. منصرف شدم اما یک مورد آن انجام شد.

نویسنده: ترک 86

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 1:1

هنوز بیصبرانه منتظریم بدانیم سرانجام به کجا خواهد رسید و ترکان از کجا به تاریخ فرا خوانده خواهند شد. قفقاز، استپهای روسیه، بالکان؟؟ دشمنی با حقیقت ندارم و از اینکه برخی مدعیان فرهنگ ترکی بر علیه شما تبلیغ می کنند ناراحتم زیرا شما خدمت بزرگی به اقوام غیرفارس ایرانی با مطالعاتتان نموده اید و در واقع زمانی که پانفارسیسم دوباره توپخانه خود را برای کوبیدن اقوام آماده می کرد شما با کتابهایتان بدجوری ترمزشان را کشیدید و پانفارسهایی مانند مهاجرانی را کاملاً در اصطلاح زبان انگلیسی leapfrog کردید. مسأله ای که خیلی برایم مهم است چگونگی گسترش زبان ترکی است. یعنی یک خانواده زبانی و این همه نژاد گوناگون.

نویسنده: محمد رضا

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 8:29

سلام جناب استاد از تمام بنیان اندیشان میخواهم به آدرس نوشته ها آقای رفرف بروند و آخرین مطالبشان را در بخش کامنتها و از جمله ادعای او در این باره را که مترجم تورات بیسواد بوده است بخوانند. برای او یادداشتی گذاردم که معلوم میکرد که قوم پرست همان اندازه کشتی بآن عظمت را نمی بیند که مترجم ترکی منتخب برای برگرداندن تورات به زبان ترکی را بیسواد می گوید!!! زیرا چه کشتی و چه صلاحیت این مترجم و چه حتی مطالب یکی از یادداشتهای استاد را قبول کند باید نوشته های بدتر از چاخانهای صدیق خودش را به سطل زباله بفرستد. ناگزیر کامنت مرا نصب نکرد و نوشت:

آقای محمدرضا،
از آنجا که کامنت شما مطلب مفیدی نداشت و صرفا حاوی تحقیر و توهین بود، از درج آن خودداری کردیم. اگر مطلب استدلالی داشتید، مارا بی نصیب نگذارید.

حالا دوستان با خواندن پاسخ او دریابند چگونه پته اش را بآب داده بودم.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 10:56

استاد من دیشب فیلم شبکه بی بی سی بنام Noah's Flood از سری Ancient Voices رو نگاه میکردم که روایت 2 زمین شناس بود که در سالهای گذشته روی کناره های جنوبی دریای سیاه (شمال ترکیه) کارهای زیادی انجام داده اند. آنها با عکاسی سونار و نمونه برداری در چند سال اخیر از کف دریای سیاه بر این باورند که این دریا یک حوزه آب شور نبوده بلکه به آب شور تبدیل شده است و این تبدیل با سرریز آب از دریای مدیترانه و از محلی بنام Bosporus انجام شده است.
اما خودشان اذعان کرده اند که زمان وقوع این حادثه با آنچه کتاب مقدس میگوید تا 2000 سال تفاوت دارد و مقدم تر است.
آنها بر این باورند که بدلیل سرمای هوا، مردم مناطق مرکزی نمی توانسته اند در مرکز ترکیه باقی بمانند لذا مرکز خالی از سکنه شده و عده ای به جنوب و بخشی به شمال و کناره ها رفته اند. در نهایت میگویند که طوفان نوح توسط این ریزش هولناک آب از مدیترانه به سیاه صورت گرفته است که مردم شمال را در آب فرو برده است. همچنین از حفاریهای یک تیم رومانیائی از کف دریای سیاه مصاحبه ها و تصاویری دارند که وسایل زندگی اکتشاف کرده اند.

فیلم به گونه ای تمام می شود که تحقیقات هنوز ادامه

دارد و نتیجه گیری قطعی امکانپذیر نیست هر چند که شواهد زیادی در دست است. محصول 2005 است و این را هم عرض کنم که آنها در مورد سفره های زیر زمینی هیچ اشاره ای ندارند. علی ای حال این هم لینک دانلود پراکندگی سفره های زیر زمینی جهت رویت خدمتتان :

http://www.whymap.org/nn_354300/whymap/EN/Downloads
/
Global__maps/globalmaps__node__en.html?__nnn=true

با تشکر.

نویسنده: رضا

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 13:34

با سلام خدمت استاد محترم و دیگر دوستان
همین الان بسیاری از به اصطلاح روشنفکران ما هم وقتی تورکی حرف میزنند جمله را کاملا فارسی گفته و در آخر آن یکی دو فعل تورکی می آورند و فکر می کنند تورکی سخن رانی کرده اند.یا شما اگر به گفتار تورک زبانان افغانستان و ازبکستان توجه کنید که با اقوام تاجیک درآمیخته اند با لهجه خاصی حرف می زنند که یاداور هموطنان کم سواد بنده است که مدتی را در

تهران گذرانده اند. من به تورات ترجمه شده شما کاری ندارم محتملا این تورات شما توسط شخصی ترجمه شده که تورکی نمی داند یا تعمدی در کار بوده است من ترجمه کلماتی را که شما نوشته اید برایتان می نویسم که حداقل از مصرف این کلمات در میان اقوام تورک زبانی که کمتر ارتباط با فارسیان و عالمان فارسی دارند مطلع هستم اغلب این کلمات در شهرهای بزرگ جای خود را به لغات فارسی داده و آنچه شما نوشته اید زبان تورکهای فارس زده یا بهتر بگویم تورکهای تحصیل به زبان فارس کرده است وسخن شما نادرست هم نیست اما دلیل کافی برای ساخته شدن زبان تورکی از زبان فارسی نمی تواند باشد. توضیح اینکه پسوند ماق (ماغ یا مک بسته به لهجه های مختلف) از یک کلمه فعل می سازد:

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 13:36

آقای رضا. آن کتاب را ندیده ام.

آقای تلمیذ. سراپای به اصطلاح علوم انسانی موجود در تمام جهان ماهیت یهودی دارد.

آقای علی از مالزی. سطح و جنس آب های آزاد جهان

مگر در اندازه ی حرارت تقریبا برابر است و مثلا ادعای شیرین بودن قسمتی از آب های مدیترانه نشانه ی حماقتی فطری است. منظور از آن به اصطلاح تحقیقات روحوضی و نظایر آن را به خواست خدا بیات خواهم کرد و تنها مطلب قابل برداشت از بررسی آن ها اعتراف شان به تهی بودن چند هزار ساله ی مرکز ترکیه از سکنه است! به دنبال یادداشت ها توجه کنید.

آقای محمد رضا. چنین جمود مشکوکی را حرارت استدلال باز نمی کند.

نویسنده: مجتبی غفوری

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 18:40

استاد جناب رفرف تا همین جا پذیرفته اند که 57 درصد زبان ترکی فاقد اصالت است.ایشان شدیدا محتاج یکی دو یاداشت دیگر هستند تا رستگار شوند این مطلب را برای ایشان گذاشتم:

"لذا در بین 23 کلمه با 10 کلمه ترکی یعنی 43 درصد کلمات اصیل ترکی مواجهیم."--"مایلیم بدانیم این 10 کلمه که معادل 43 درصد کلمات در متون مشابه است، از کجا آمده است و ایشان ترکی بودن آن کلمات را چگونه تشخیص داده اند؟"

تا اینجا خوشحال شدیم که شما اصالت نداشتن 57

درصد زبان ترکی را تایید فرمودید این در حالی است که استاد هنوز به اصل مطلب وارد نشده اند.داستان 43 درصد دیگر هم حل خواهد شد . ولی باید مطلبی بگویم برای فردی مثل شما که حتی با گلوله توپ هم نمی توان او را بیدار کرد همین 57 درصد هم یعنی تکلیف زبان ترکی معلوم شد.

نویسنده: احمد

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 21:44

«اسرائیل باید تندیس عظیم کوروش بزرگ را برپا کند»
کدیور:«گناه کشته شدگان انقلاب به گردن خمینی است»
http://www.hamdami.com/MFAFA/Karbaran/050709-Karbaran.htm

جیروزالیم پست: مهدی خزعلی به اتهام توهین به احمدی نژاد بازداشت شد
http://www.alarabiya.net/articles/2009/07/04/77815.html

نویسنده: بی نام

یکشنبه 14 تیر1388 ساعت: 22:14

استاد بزرگوار جناب آقای پورپیرار سلام علیکم -خسته نباشید

به روی چشم فیلم را بعد از تعطیلی روز دوشنبه ارسال خواهم کرد.اگر ممکن است ادرس را برایم بنویسید.

نویسنده: احمدی نژاد ؟

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 0:47

به نوشته این روزنامه موضوع (یهودی تبار دانستن احمدی نژاد) در جریان مناظره تلویزیونی در مبارزه انتخاباتی با سوال مهدی کروبی از احمدی نژاد نیز نمایان شد. بطوریکه گزارش شده است که در جریان مناظره نیز مهدی کروبی از رئیس جمهور سوال کرد اسم کامل من مهدی کروبی است اسم کامل شما چیست؟

نویسنده: آمون

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 12:40

در اقدامی مشابه! آمون نیز به روز شد با اندکی تاخیر به دلایلی!

خبرنامه اعضا ارسال شد.

برای عضویت در خبرنامه به وبلاگ باید مراجعه کنید.

amun.blogfa.com

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 19:25

با سلام
جناب استاد غفوری آقای سوالر منتظر جواب شما هستند؟!!
entekhabat-1388.blogfa.com
آقای علی از مالزی می توانید ایمیل خود را درج فرمایید؟!

نویسنده: نوشترادادموش

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 20:54

شب های آشفته خواب های آشفته به ارمغان می اورند: پس حقیقت دارد و همه چیز طبق برنامه پیش می رود. برمی خیزم و از بالکن به آسمان کدر شب خیره می شوم. دود و دم شهر و گرد و غبار ستارگان چندی برجای نهاده.Rick Clay باز به تو می اندیشم که پرده از سمبل المپیک آتی برداشته و در این راه جانت را از دست دادی. Rest in peace
2012 شروع عصر zion است.

ستارگان را می شمارم یک دو سه چهار و ... می دانی، خو کرده اند به اندک فضایی که دارند، به وب لاگی میان میلیون ها وب لاگ. استاد پورپیرار خو کرده اند به انتظار و گوش سپردن به تکه تکه حقایقی که بیان می کنی...

می دانی توقع های بسیاری را هم آزرده ایی. یک تنه
گفته و گاهی مختصر گاهی متناقص و بی توضیح
گذشته ایی. شکستن کلام خدا اگر قرنی چند به طول
کشید و کنون آن را بر بلندای تاقچه تبعید شده می
بینیم یافته هایت از همان روز نخست تحریف و تفسیر
شده، منع و انکار شده.
و وقتی زمان در سکوت گذشت، وقتی از میانشان غایب
شدی مومن ترینشان هم به شک خواهد افتاد: نکند
دروغ گفته باشد.
برگ ریزان خواهد شد برگ ریزان.
و می دانی هیچ یک قلم و اسلوب موشکاف ات را ندارند
و نمی توانند جای خالی ات را پر کنند. مجموعه ایی از
آنان چرا اما یک به یک و تنها نه.

و زمستان برای کسانی که از حقایق آگاه اند سخت تر
خواهد بود...

نویسنده: یه نفر

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 18:4

به هنگام بازدید از یک بیمارستان روانی، از روان‌پزشک
پرسیدم شما چطور می‌فهمید که یک بیمار روانی به
بستری شدن در بیمارستان نیاز دارد یا نه؟
روان‌پزشک گفت: ما وان حمام را پر از آب می‌کنیم و یک
قاشق چایخوری،

یک فنجان و یک سطل جلوی بیمار می‌گذاریم و از او می‌خواهیم که وان را خالی کند.
من گفتم: آهان! فهمیدم.
آدم عادی باید سطل را بردارد چون بزرگ‌تر است.
روان‌پزشک گفت: نه! آدم عادی در پوش زیرآب وان را بر می‌دارد.
شما می‌خواهید تخت‌تان کنار پنجره باشد ؟!

نویسنده: علی از مالزی

دوشنبه 15 تیر1388 ساعت: 21:47

آقای ایلماز،

یک تست فرستادم که ببینم مدریشن دارید یا نه، نداشتید. حالا من کجا ایمیلم را درج کنم که دست شما برسد؟

نویسنده: آذرنوش

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 14:45

سلام استاد من تمام مطالب شما را می خوانم چرا مطالب اسلام و شمیشر را که حاوی مطالب بسیار جالب و تامل برانگیز بود ادامه نمی دهید . از کجا می توانم سی دی طوفان نوح را تهیه کنم؟ آیا به شما اجازه نشر و چاپ این مطالب وب سایت تون به صورت کتاب خواهند داد؟

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود

[حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 219

ایران شناسی بدون دروغ 219، نتیجه، 27، بررسی مصادیق توراتی در تالیفات
تاریخی - 41 نظر

نویسنده: بجانی

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 9:55

با سلام
جناب پورپیرار ببخشیدمن هنوز معنی کلمه یدیش را نفهمیده ام آیا قبلا گفته اید؟

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 10:22

با سلام
جناب علی از مالزی این ایمیل بنده می باشد می توانید ایمیلی بفرستید تا آدرس ایمیلتان را داشته باشم!
eelmaz.1984@gmail.com

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 10:37

آقای نوشترآداموش. سخنان تازه در هر باب تا زمانی که سخن تازه تری به جای آن ننشیند، هرگز کهنه و فراموش نمی شود. حتی تصورات نوسترآداموس

آقای غفوری. ایشان را صاحب نظر نگیرید و شاید مجبور شوید چند صحنه ی کلوزآپ از تصویر آن کشتی به مستند بی نظیرتان اضافه کنید.

آقای بجانی. پاسخ به استاد غفوری را بخوانید و برای آشنا شدن با مفهوم یدیش به یادداشت های قبل رجوع کنید. نصیحت مخصوص من به شما این است که اگر برداشت از مدخل یادداشتی را مشکل تشخیص دادید، مطلب را به کلی فراموش کنید. مثلا اگر هنوز معنای یدیش را نمی دانید، چه گونه یادداشت ها را دنبال می کنید و از آن ها چه می فهمید؟

نویسنده: توحید

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 7:18

سلام ، خسته نباشید
استاد حالا متوجه می شوم که چرا آقای رفرف بعد از شروع بررسی شما درباره زبان الکن فارسی و اثبات نوساز بودن آن یکباره به دفاع از زبان فارسی برخواست ، در واقع با این کار می خواست که از زبان ترکی دفاع کند چرا که شاید خود ایشان بهتر از هر کسی می دانست که بر باد رفتن اصالت و قدمت زبان فارسی برابر با بر باد رفتن قدمت زبان ترکی است !
خوشبختانه از آنجایی که با زبان ترکی در حد مکالمه آشنا هستم ، خوب می فهمم که چه می گویید و برایم همیشه سوال بوده که چگونه حتی برخی از ضمایر و موصولها در دو زبان مشترک است !!! « من ، او ، اگر ، که ، تا ، چون و ...» که یکبار هم در بخش نظرات بیان کرده بودم . جالب است اگر حرف ربط « و » را که عربی است از این دو زبان حذف کنیم خواهیم دید که مکالمه و نوشتن و ربط دادن جملات در این دو زبان به چه فاجعه ای تبدیل می شود !
کسانی که تورات ترکی و مترجم آنرا مرجع خوبی برای بررسی نمی دانند ، بهتر است هر مرجع دیگری را که صلاح می دانند انتخاب کنند تا بررسی کنیم ، یادم است چند ماه پیش کتابی را از کتابخانه گرفتم که نوشته یکی از نویسندگان ترک بود درباره « آثار ترکی مولانا رومی » متاسفانه از آن کتاب نت برداری نکردم تا نمونه هایی از اشعار مو لانا را که متعلق به 700 سال پیش می دانند برایتان نمونه بیاورم ولی خوب یادم است دقیقا مانند ترجمه همین تورات تورکی سرشار از الفاظ فارسی و عربی و کمتر ترکی بود .
البته خوشبختانه اینترنت الان فراگیر شده و هر کسی می تواند به سایتهای ترکی زبانان برود و انواع شعر و داستان و ...

شخصیتهای ادبی تورک ها را مطالعه کند از جمله این چند آدرس :

http://igtae2.blogfa.com/post-7.aspx

http://igtae2.blogfa.com/post-9.aspx

http://turkukbiz.files.wordpress.com/2008/08/surudehaye-torkiye-movlana.pdf

وب سایت

نویسنده: بابک2

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 10:59

با سلام خدمت استاد پور پیرار
من در کامنت های قبلی در مورد اعتقاد و دریافتم از تاریخ مردمی که امروز ترک خوانده میشوند ومن درمیان آنها زندگی کرده ام را بیان کردم و ادعا های امثال صدیق رو هم به دلیل شاخدار بودن باور ندارم وباید بگویم نظریات شما از همه دانشمندان دیگر برایم ارزشمند تر است.
و سوالی که شاید عجولانه در پی یافتن آن هستم این است
تکلیف زبان بومی مردم بیسواد آذر بایجان وترکیه که تنها به دلیل بیسوادی خود پدر و مطمئنا اجداد نمی توانسته اند زبان را از مثلا کتاب تورات شما بیاموزند چیست زبانی که آمیخته با کلمات و افعال وضرب المثلها و اصطلاحات خاص بوده و بدون الگو برداری برای زندگی عادی خود طبیعتا بدان نیازمند بوده اند کلماتی که بسیاری از آنها معادل فارسی و حتی عربی ندارند و به همین دلیل نیازی به الگو برداری از آنها هم بیمعنی است افعالی مانند
درماشماک, دورتولمک, سئریمک, سریمک, قاماشماک, برلمک (baralamak) دیسکینمک,دارشماک,سپلنمک,سوءرماک....
و بسیاری دیگر که اگر لازم دانستید اشاره خواهم کرد هر کدام از افعال بالا برای ترجمه به فارسی نیاز بحداقل یک سطر توضیح دارد
و همچنین مشتقات کاربردی فراوان از این افعال وجود دارد و من بارها از زبان مادر بزرگها و پیرمردهای ترک شنیده ام اینکه مترجم برای یافتن کلمات جایگزین دچار مشکل بوده و چون بسیاری از کلمات عربی جایگزین و معادل واقعی در هیچ زبانی ندارند اما مترجم میتوانسته از کلمات مشابه استفاده درست بکند که انجام نداده مثلا لغت شجاعت در زبان تر کی حتی در ترجمه های امروز هم به کلمه قورخماز (QORXMAZ) به معنای «نترس»ترجیح داده میشود ودر واقع شجاعت به معنای واقعی نترس نیست در مورد کلمات جبروت(بویوکلوک), عمل(ایش), شهرت(تانئنمش), و محرر هم کلمات جایگزین در زبان ترکی به شکل بالا وجود دارد و مشخص نیست چرا مثلا مترجم به جای کلمه «محرر دیر» از کلمه «یازئلمشدیر» که مسلما در آن زمان هم بوده استفاده نکرده است

نویسنده: بابک2

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 11:45

اگر ترجمه بالا را برای یکی از ترک زبانان بی سواد مسن بخوانید هیچ چیز از این جملات متوجه نمیشوند و برعکس اگر پای صحبت پیر مردان باسواد تبریزی بنشینید و ترجمه توراتی شما را برای آنها بخوانید آن را خواهند فهمید چون در حوزه آموزشی در 120 سال پیش هم زبانهای عربی و فارسی آموزش داده میشده نه زبان ترکی واگر از هرکدام از این مردم باسواد ترجمه ای از آن متن خواسته بشه ترجمه نسبتا مشابهی بدست خواهد داد و این برای ما با حضور در حوزه منطقه آذر بایجان اصلا دور از ذهن نیست
در مورد کلمات فارسی که اشاره کرده اید هم برای دریا جایگزین دنیز موجود و کاربردی است ومثلا در کناره ارس به رودخانه و یا محل تجمع زیاد آب دنیس میگویند و اگر این کلمه به معنای دریا در نوشته های قدیمی تر از 120 سال پیدا شود نظریه شما دچار ایراد است در مورد کلمات تاریخ وخراج هم که بیشتر عربی به نظر میرسد هم مشاهده میشود حتی در ترجمه فارسی کلمه عربی جزیه به جای خراج استفاده شده است ومشخص نیست این کلمات چرا ریشه فارسی ندارد ومثلا چرا تاریخ ومورخ تواریخ که با ساختار عربی هماهنگ است فارسی محسوب میشود
تر جمه مورد اشاره شما شبیه سخنرانی های مسئولین ترک زبان تبریز که متاسفانه تنها 10 درصد سخنرانشون رو ترکی تشکیل میده ودلیل آن بی سواد بودن در حوزه زبان ترکی استنه ناقص بودن این زبان و مثال:
«در راستای توسعه صنعتی منطقه "میزده" تلاش"لاری" اولونوپ" که قابل تقدیر"دی" » که درآنها تنها یک فعل ترکی وسه کلمه غیر اساسی یافت میشود
باید قبول کنیم زبان ترکی تنها به دلیل عدم نوشتار در حوزه منطقه ای ما استعداد نوشتارامروزی را نداشته و ندارد و در 120سال پیش هم چنین بوده است وشما ایرادی که گرفته اید مربوط به تاریخچه زبان ترکی نمیشود واین به دلیل عدم نوشتار این زبان در حوزه منطقه ای ما بوده وحتی به نظر میرسد در آن زمان نیازی هم به این ترجمه احساس نمیشده چون مردم بیسواد آذربایجان قبل از جدا شدن نیاز به آن نداشته اند و مردم با سواد هم فارسی میدانسته اند و شاید این ترجمه زمینه سازی برای جدا سازی وفراهم آوردن زمینه آن برای ایجاد قومی مستقل از زبان فارسی وعربی بوده متشکرم

نویسنده: بابک2

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 13:36

در مورد کلمات زیر سوالاتی دارم که در صورت ممکن بی جواب نماند
«راحت، ضیافت ، خوش حال، شهر، شاد، هدیه، همه، پادشاه، ولایت، کاغذ، محکم، دشمن، غم، حزن، خوش وقت، تبدیل، فقر، ایام، قبول، جمله، محو، قصد، یعنی، تلف، حضور، سبب، کتاب، تمام، کلام، موافق، واقع، محکم، قبول، ذریه، ملحق، تجاوز، تحریر، زمان، قبیله، ذکر، دفع، کمال، شدت، ثابت، سلامت، صداقت، معین».
کلمات:راحت،خوش، شهر،شاد،همه،پادشاه،کاغذ،دشمن،غم،که به نظر میرسید منظورتان این بوده که کلمات فارسی هستند چه دلیل زبان شناسی برای این گفته ارائه خواهید داد مثلا من اگر ادعا کنم کلمات
خوش،شهر،شاد،دشمن،غم،ترکی هستند چگونه وبا استدلال به کدام ریشه زبانی فارسی بودن آنها را اثباط خواهید کرد چون به نظر میرسد این کلمات مشترک بین این زبانها هستند
البته برای کلمات فوق برخی معادلات ترکی هم وجود دارد مثلا در چادر یک عشایر اگر مهمان باشید به جای «راحت اول» میگه «آرخایین اول» که ساختار ترکی داشته واز کلمات« آرخا»یعنی پشت و«گین»پسوند صفت ساز ترکی مانند (اتگین ,گلگین ,بیلگین ,و...)تشکیل شده و به معنای راحت بودن و دلگرم بودن(پشت گرم بودن) و به صورت ارخیین هم در لهجه های مختلف استفاده میشود
من پیشتر فکر میکردم کلماتی که از حروف مختص عربی ساخته میشوند عمدتا فارسی نیستند مثل کلمه «غم» که «غ» به عنوان حروفی که در زبان فارسی نمی توان کلمه ریشه دار فارسی در آن پیدا کرد چگونه فارسی محسوب میشود آیا فعلی که از لحاظ معنایی و ظاهری هم ریشه آن باشد در زبان فارسی یافت میشود
برای بسیاری از کلمات عربی فوق به راحتی در زبان محاوره ای ترکی جایگزین وجود دارد که قدمتش مطمئنا به استناد بزرگترهای ترکمان بیش از 120 سال میباشد که اگر لازم است اشاره کنم واگر از پدر بزرگهای ترک پرسیده شود به استناد پدرانشان همه کلمات مرا تایید خواهند کرد

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 14:7

آقای بابک. این مباحث نو، وسیله ای برای تمرین در فلسفه بافی نیست.

آقای توحید. هرگاه در این وبلاگ به کشف و شرح توطئه ی دیگری از یهودیان نزدیک می شویم، صداهای معارض تازه ای قد علم می کنند و در جریان یکی دو یادداشت آتی انشا' الله آگاه می شوید که هیاهوهای جدید، مقابله ی موظفی است به قصد تضعیف مستند کبیر طوفان نوح.

نویسنده: مووما‌ن

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 17:29

آقای م. ستاره، لطفا" به من ایمیل بزنید. کار مهمی با شما دارم.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 18:46

با سلام
جناب بابک 2 آیا متن قدیمیتر از تورات استاد به زبان ترکی سراغ دارید که خالص به زبان ترکی باشد و یک آدم بیسواد آن را ننوشته باشد؟!!!خیلی مشتاق به مطالعه آن هستم که چگونه میباشد و با لغات اصیل ترکی آن که هیچ نشانه ای از فارسی یا عربی در آن نباشد میخواهم به دوردست ها سفر کنم!

نویسنده: اترش

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 20:31

سلام بر همگی

در «بازخوانی» هایم به نکات جالب و مهمی رسیده ام که فکر می کنم برای هرکسی که دین مشغله ی فکری اوست می تواند مفید باشد. مخصوصا از کسانی که به اسلام ایمان دارند می خواهم که دنباله ی مطالب را پی گیری کنند و نظراتشان را برایم بنویسند.

http://www.bazkhani.blogfa.com/

وب سایت

نویسنده: آمون

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 17:26

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا فرستاده شد.
amun.blogfa.com

اصلا اون وبلاگ به درد کسی می خوره؟!!

نویسنده: یک مسلمان

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 22:51

با سلام بر استاد عزیز و جمیع یاران
استاد گرامی فرض کنیم قدمت فارسی از ترکی بیشتر است در اینصورت پایه ای ترین لغات و کلمات موجود در زبان فارسی نبایستی وامدار زبان ترکی باشد حال چگونه است که این روند معکوس گشته است؟
به طور مثال اگر فارسی دارای قدمت بیشتری است چرا کلمات خانه ؛ اجاق ؛ دیوار ؛ تشک ؛ آرزو ؛ آذوقه ؛ بشقاب ؛ قاشق ؛ چخماق (چند سالی است که آتش زنه میگویند) ؛ دلمه ؛ قورمه ؛ سرمه ؛ سورتمه ؛ یواش ، دشمن ؛ سنجاق ؛ قفل ؛ یر ؛ تونقال (منقل) و نظائر فراوان از اینها که جزو ابتدائی ترین کلمات زندگی هستند از ترکی به فارسی رفته ولی یک کلمه اساسی زندگی را نمیتوان یافت که از فارسی به ترکی راه یافته باشد.
خیلی معذرت میخواهم ولی آیا بهتر نیست برای نظرات بنده و سایر عزیزان مثل آقای بابک2 ؛ به جای جواب عناد آلود از موضع یک بنیان اندیش جواب دهید؟
اگر رد نظر متقن یک سئوال کننده و منتقد را با فلسفه بافی خواندن ان بشود مجاز دانست آنوقت استاد محترم چرا از جوابها و استدلالات باستان پرستان در قبال مستند باشکوه تختگاه هیچکس بر می آشوبند و آنان را فاقد عقل میشمارند؟

نویسنده: ایمان

سه شنبه 16 تیر1388 ساعت: 23:39

از مدینه با کوله باری از سخن سلام می رسانم!

نویسنده: داریوش

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 1:15

استادپورپیرار چرامطلقا به سوالات بنده جوابی نمی دهید؟یاچراآنهارادرج نمی کنید تالااقل یکی ازدوستان جواب آنهارابدهند؟نکندشماهم باسانسورموافقید؟واقعاازشخصیت تیزبین وفرزانه ای چون شما انتظارنداشتم بایکی ازشاگردان ودوستداران خوداینگونه رفتار بکند....
بنده دراین دوهفته ی اخیرسه بار مطلب وسوال برای شما فرستادم ولی شماحتی آن را درج نکردید.دلیل اینکارچیست؟لابدسوالات بنده به مذاقتان خوش نیامده
ولی بهرحال بااین موضع گیری تان نسبت به انتخابات تیشه برریشه ی درخت بزرگ وتنومندتحقیقات ومطالب خود زدید.شاید به نظرشمااین دومقوله بهم ربطی نداشته باشدولی متاسفانه خیلی مرتبط هستند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 1:26

آقای محمد رضا. تعصب عارضه ای است که مغز را می پوساند. در آن جا تعصب سخن می گوید.

آقای توحید. از توجه شما ممنونم. به جز مورد غارت که اصلاح شد، گمان ندارم که اشتباهی رخ داده باشد. به مورد اشاره کنید تا توضیح دهم. اگر منظورتان خراج و تاریخ است، هیچ یک عربی نیستند. پیشتر در مقاله ی "تاریخیگری" عربی نبودن تاریخ را اثبات کرده ام و مختصر این که در متن مبنای زبان عرب، یعنی قرآن متین این لغت به کار نرفته است. در مورد خراج هم صرف نظر از صورت ظاهر، در بطن و معنا با لغت عرب متفاوت است، زیرا عرب آن را با معنای دستمزد به کار می برد و فارس با معنای مالیات، که هر یک را به واژه ای مستقل و از ریشه دور از هم تبدیل می کند. چنان که خرج نیز علی رغم صورت ظاهر معنای عربی ندارد. با این همه شما موارد کامل را ذکر کنید تا شرح لازم را ارائه دهم.

آقای یک مسلمان. برای اثبات نظر، به متنی کهن و لااقل 150 ساله به زبان ترکی نیاز دارید که آن لغات را به کار برده باشد، که نخواهید یافت. مطالب آقای بابک نیز بی ربط با مدخل و واقعا فلسفه بافی بود. مشکل عمده این که ظاهرا از فرط تعصب

هنگام خواندن مدخل چشمان شان تار می شود و با برداشت نادرست اظهار نظر می کنند.

آقای داریوش. اگر شما جان مایه ی یادداشت نوبت دهم را درک نکرده اید، موظف نیستم تصورات و خیال بافی های شما در باره ی آن را درج کنم. گفت و گو دو سوی برابر می طلبد و جز آن وقت تلف کردن است. یادداشت تان را نصب کردم تا دیگران نیز علت درج نشدن آن را دریابند. دوست یا دشمن بودن شما نیز در این باب تاثیری ندارد. دوستانه پیشنهاد می کنم یادداشت نوبت دهم را چند بار بخوانید. شاید اشاره ی مخفی در عنوان آن نیز برای تان سودمند باشد.

آقای عارفی. زمانه ی دیگری است. اگر کسی بر تمام اطلاعات دانش نامه ای جهان اشراف داشته باشد ارزشی در حد چند صفحه ی وب را دارد. بدون ثبت مدخل اختصاصی و نو به نام خویش، کسی صاحب نظر شمرده نمی شود و تنها اجازه ی پرسش دارد، نه گرد و خاک. بسیاری از آن کسان نیز در اندازه ی صفحه ای از وب اند.

نویسنده: الکی خوش

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 2:55

سلام استاد

این کامنت من چندان ارتباطی با پست شما نداره. می بخشین. من این مقاله رو مدتی قبل خوندم:

http://www.guardian.co.uk/books/2008/nov/21/british-library-sues-iranian-academic

درباره یه ایرانیه که در طول هفت سال صفحاتی از ۱۵۰ کتاب موزه بریتانیا رو دزدیده بوده. اکثر این کتب حول و حوش دوره صفویه نوشته شدن (یا گفته می شه که نوشته شدن) و تعدادیشون سفرنامه توریست های اروپایی به ایران صفوی بودن. از طرفی نوشته های صفویه ی شما رو هم می خوندم و این مسیله رو خیلی جالب می کرد. جالب تر اینکه این آقا بعد از انقلاب از کشور فرار کرده و :

The library wrote to Hakimzadeh, who at the time was chief executive of the Iran Heritage Foundation, a charity formed in 1995 to promote and perserve the history, languages and culture of he Iran.

خواستم ببینم کسی اطلاع بیشتری در این مورد داره؟ مثلا نتیجه تحقیقات پلیس و انگیزه و ...

ضمنا دیدن این لینک هم شاید جالب باشه:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/07/090706_aa_historic_bible.shtml

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 5:4

باز که نالیدید!!من که وبلاگ زدم تا هر چه دل تنگتان خواست در آنجا درج کنید و اگر در حد جواب دادن بود کسی پیدا خواهد شد و جواب خواهد داد!
استاد گفتند:1 از نظر ایشان بحث انتخابات بسته شده و به موضوع اصلی بر میگردند 2 هر که واقعا نفهمیده یادداشت را چند باره بخواند که این حرف برای تمامی یادداشت ها هم مصداق دارد!!
نمی دانم چرا عده ای دوست دارند بیخودی هیاهو راه بیندازند؟!!!!
entekhabat-1388.blogfa.com
در ضمن باید بگویم به طور معجزه آسایی پسوورد وبلاگ عوض شده و با پسووردی که برایش انتخاب کرده بودم دیگر نمی توان وارد شد!پس فعلا نظرات را درج کنید تا دوباره وبلاگی بسازم و تمام نظرات را در صفحه اصلی درج کنم!
اگر گوش شنوایی بود...!!!!

نویسنده: بابک2

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 11:8

با سلام خدمت استاد ودوستان
آقای ایلماز
شما حوصله کرده و نوشته من را با دقت بخوانید
منظور از سوال بسیار ساده بنده, زبانی است که در میان مردمی تا نسلهای دور بیسواد در حوزه زبان مادری رایج بوده و خوشبختانه با همه جفاهای فرهنگی اصالت خود رو با وجود همین بی سواد ها حفظ کرده و طبق تاریخ جعلی و غیر جعلی

هیچ نیازی به نوشتار در آن تا سالهای نه چندان دور احساس نمیشده حالا من میگم نره شما بگو بدوش
استاد من فکر میکنم شما با ملاحظه تنها نخواستید دروغ گو بودن من را بیان کنید و به کلمه فلسفه بافی قناعت کردید مگر نه سوال بنده خیلی هم ساده و بدون فلسفه بافی بود آن روزی که نظریه شما در مورد زبان فارسی را مطالعه کردم انتظار داشتم نظریه متناسب با آن در حوزه زبان ترکی ارائه دهیداما خوشبختانه نظریه شما تنها در مورد زبان نوشتاری تا به امروز وابسته ترکی قابل اعتناست و در مورد زبان گفتاری مردم ترک زبان صدق نمی کند و اگر شما نتوانستید راز ماندگاری این زبان پس از طوفانها را پیدا کنید وجوابی برای سوالت من ندارید پس مطمئن شدم کس دیگری نیز نخواهد توانست در ضمن بنده نظریه شما در مورد طوفان نوح رو دربست قبول دارم وبحث بنده در مورد تمدن ترکها نیست وتنها در مورد زبان آنهاست موفق باشید

نویسنده: یکی

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 8:18

هورا !
این بابک2 یعنی از نسل بابک خرمدین و بالاخره تونست استاد رو شکست بده!
آفرین.

اسفند ماه که نیست بگم اسفند روشن کنن برات.
تیر ماهه و تیر ... !

نویسنده: حسن

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 12:22

با سلام.کلمه تاریخ از ارخ(رخ) که هر سه حرف در حالت مفتوح بوده و بمعنی شل کردن است بر عکس وضعیت شد .بمعنی اصح ایجاد رخوت.پس چون اطلاعات ماضی مشدود وبسته میباشند اگر در ان رخوت ایجاد به توسط مورخ اطلاعات اشکار میشوند.متشکرم

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 13:19

با سلام
جناب بابک 2 حرف شما درست!آیا فقط تا 120 سال پیش احساس به نوشتار با زبان ترکی ایجاد گردیده است؟!!
من از شما تنها یک چیز ساده می خواهم!متن نوشته به زبان ترکی ماقبل تورات ترکی که خالص به زبان ترکی باشد؟!اگر معتقد هستید که همچین چیزی وجود ندارد لطفا دلیلش را واضح تر توضیح دهید!مثلا ما با بنیانها سرو کار داریم نه پندارها!!
ممنون

نویسنده: محمد رضا

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 14:26

سلام استاد شب پیش این پیام را بری آقای رفرف گذاردم که با بهانه های اسراییلی نصب نشد. حالا با اجازه در اینجا میآورم تا معلوم شود بهانه هایش علاوه بر اسراییلی کودکانه نیز هست.

آقای رفرف برای من که دانشجوی به اصطلاح تازه واردی هستم حرفها و موضع گیری های شما بسیار عجیب است. مثلا متن یادداشت 104 استاد را یا نخوانده اید و یا چنان سرسری از آن گذشته اید که دلایل آن را بیاد نمی آورید ولی درباره پوریم نظر میدهید!!!؟ استاد بارها این سئوال که چرا در قرآن از پوریم سخنی نیست را جواب داده و آیه اشاره به پوریم را که خداوند به دو بار فساد یهود در زمین اشاره میکند آدرس داده اند. در مجموع این که سر و کله شما بلافاصله پس از تحلیل زبان های فارسی و ترکی در منطقه پیدا شده شما را لو می دهد. پیشنهاد میکنم برگردید و یک بار دیگر نه فقط یادداشت 104 بل تمام نوشته های استاد را به تدریج بخوانید. چند سالی بیشتر طول نمی کشد. متون یهودی فارسی رساله توضیحی نیستند بیش از هزار نمونه و بصورت کتاب کاملند. اگر چنین پدیده ای را در زبان اسپانیایی سراغ دارید اعلام کنید ضمن این که با متن شبه سئوال ردیف 8 کامنت اخیرتان نشان دادید حتی معنای یدیش را نیز نمیدانید اما در همان باره جدل میکنید، اما زبان یدیش یهودیان در هیچ نقطه جهان عبری نیست، یدیش است با این تفاوت که به علت نبود خط بومی برای یدیش ایران خط عبری بکار برده اند. امیدوارم باین آسانی خط و زبان را با یکدیگر مخلوط نکنید. راستی راستی لازم است برگردید و لااقل چند یادداشت اخیر استاد را با حواس جمع بخوانید. موفق باشید. ضمنا بیانیه 8 ماده ای شما نشان داد که هیچ متن ترکی قدیمتر از تورات ترکی که در دست استاد است نمیشناسید زیرا زبان ترکی متن قدیم ندارد. و این برای کسی که ادعا دارد محقق زبان ترکی است، بسیار خوار کننده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 19:5

آقای توحید. عربی بودن لغت جزیره به دلیل عدم ثبت در قرآن و نیز فقدان مشتق و ترکیب محرز نیست، هرچند امروز شبکه و کشور الجزایر داشته باشیم، مخصوصا که با معنای کنونی نام الجزیره بر آن کشور شمال آفریقا بی مسما می شود. به این دلایل با اطمینان نمی توان جزیره را لغت عرب شناخت. در مورد کتاب به این دلیل که یک بار به صورت مکتوب در شماره آمده مکرر نکرده ام ولی در باب ایام و نفر حق با شماست اشتباه بی اهمیتی است ناشی از شتاب زدگی که در یادداشت بس سنگین 219 که با فاصله ی اندک نسبت به 218نصب شد چندان قابل اعتنا نیست و به هر حال ممنونم.

آقای ایلماز. اگر حوصله کنید وسعت آن پندار بافی را که به انجام ماموریت برای فریب ترکان نزدیک تر است، به خواست خداوند نمایش خواهم داد.

نویسنده: محمد رضا

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 19:42

جناب استاد آقای رفرف درست مانند کودکان مریض معلوم نیست از کدام طریق مدعی شده است که بازدید از صفحات یادداشت های شما روزانه 180مورد است، حال آن که تا قبل از نوروز ماهانه 13000 و پس از نوروز ماهانه 11000 مورد بوده است. این نشان میدهد که مخالفان شما تا چه حد ذلیل شده و به چه اقدامات ابلهانه ای متوسل میشوند.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 17 تیر1388 ساعت: 23:29

با سلام
این عروسک گردانی های آقای رفرف حقیرتر از آن است که بنیان اندیش و آزاد اندیشی را به خود جلب کند!
جناب محمد رضا از قدیم که نه! در همین اواخر گفته اند جواب ابلهان خاموشیست!

نویسنده: نتاب

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 0:45

سلام،
شماره 219 را خواندم، و دلم به حال انها سوخت که از این تحقیق بی‌خبرند.

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 8:40

استاد عزیز - بنده دو بوته را در جلوی دیدگانم گذارده ام - بوته امکان و بوته اثبات - نظریه های شما را ابتدا در بوته امکان می غلتانم و سپس با محک هایی در صورت ثوبت در بوته اثبات می نهم . هنوز این نظریه شما در مورد زبان ترکی در بوته اثبات نغلتیده است. به خاطر آن هنوز برخی یادداشتهای شما مطالعه نکرده ام . این همان چیزی است که عرض کردم استادم را دوست دارم - حقیقت را نیز ! ام اگر مجبور به انتخاب باشم از حقیقت نمی توان گذشت.

نویسنده: بابک2

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 9:48

با سلام خدمت استاد و دوستان
من تا به امروز فکر میکردم کلاس استاد پور پیرار تنها کلاس دگر اندیشی و بنیان اندیشی است
اما متوجه شدم بعضی ها مثل آقای کلا مجهول الهویه "یکی" برای تفریح سر این کلاس حاضر هستند برای سبک کردن و ضایع کردن یک کلاس معمولا نیاز به حداقل یک دلقک هست اما فکر میکنم مطالب این سایت برای دلقک بازی مناسب نیست باید اعتراف کنم بعضی از شاگردان استاد تحقیر و توهین رو به مباحثه ترجیح میدهند
کار بنده به عنوان شاگرد کلاس برای درک مبهمات سوال کردن است سوالات بنده در هر مضمونی تنها نیاز به جواب منطقی دارد نه...!!!!
آقای ایلماز شما به عنوان احتمالا ترک زبان نوشته های بنده را متوجه میشوید شاید همان چیزی که من در پی آن هستم همین "علت یابی عدم نوشتار این زبان" در طول تاریخ باشد قبل از ارائه مطالب استاد پورپیرار دلیل ساختگی آن مثلا رسمی بودن زبان عربی و فارسی در طول مدت شاید بیش از هزار سال مطرح بود که منسوخ شد سوال بنده از استاد این است
1 آیا یک زبان تنها برای برقراری ارتباط و رفع این نیاز طبیعی میتواند بدون نوشتار متولد شود و آیا این زبان که مطمئنا در طول

گذر زمان متکاملتر میشود بدون نوشتار قدرت انتقال به نسلهای بعد را هر چند با وامگیری از زبانهای وارداتی دارد ؟
آنچیزی که ما حداقل چند نسلی است عینا تجربه کرده ایم و با همه گیر شدن آموزش وسواد ضعف این گونه انتقال را کاملا احساس میکنیم
2 چه کسی این زبان ساختگی بسیار پیچیده را که برای هر نوع گیاهی در زبان بومی خود کلمه منحصر به فرد ترکی مرتبط و ریشه دار دارند و به نظر میرسد این زبان 150 سال هم قدمت ندارد به مادر بزرگهای بیسواد ترکهای عشایر آموخته است ؟

نویسنده: بابک 2

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 10:20

در بنیان اندیشی استاد پور پیرار قرار است همه مباحث کاملا مو شکافی شود وماندن حتی یک نقطه ابهام هم برای مخالفان این مباحث بهانه تخریب میدهد
برای ما ترک زبانها که زبان را از نسلهای دور بدون نوشتن و سینه به سینه آموخته ایم و شاهدان عینی و حتی زنده برای آن داریم واضح بودن مطلب نیاز به دانش و پندار و رگ تعصب قومی ندارد من حتی از یک نفر از بزرگانمان هم نشنیده ام که ادعا کند پدر یا پدر بزرگش در حد یک جمله سواد خواندن یا نوشتن زبان ترکی داشته باشد پدر بزرگ پدر بنده جزو با سوادان و کتاب دارن خانواده بوده ودست نوشته های وی به زبان عربی و فارسی هم کم وبیش موجود است اما به گواهی پدرم شعرهای ترکی وداستانهای قدیم ترکی راهم از زبان وی شنیده و آموخته اولین بار داستانهای کور اغلو رو به صورت نظم از او شنیده
من در حد جدال با استاد نیستم و چشمانم هم از شدت رگ تعصب تار نمیشود وامیدوارم در مطالب بعد جواب سوالاتم رو دریافت کنم اگر به شاگردانی که معمولا سوال نمی کنند وتنها میپذیرند ویا کسی که وظیفه اش تحقیر مخالفان است نیاز دارید زحمت را کم کنم
متشکرم

نویسنده: اهوازی

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 12:27

استاد نظر شما در باره این جمله مصطفی کمال پدر تورکان نژاد پرست چیست ؟
(یک تورک به یک دنیا می ارزد)

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 12:45

آقای بابک. بارها گفته ام و اینک نیز به شما و هر که به این وبلاگ با قصد آگاهی های معین سر می زند می گویم: این بررسی ها از کل به جز' می نگرد. مثلا اگر اثبات می کند که خط عرب تا حوالی قرن دهم هجری قدرت و امکان کتاب نویسی ندارد، پس دیگر به سالم یا مجعول بودن هر کتابی جداگانه جواب نمی دهد. حالا هم ابتدا از شما و هرکس دیگر سئوال می کنم که از میان مدخل های کلی، یعنی وقوع پوریم، نیمه کاره ماندن ابنیه ی تخت جمشید، قلابی بودن سلسله های اشکانیان و ساسانیان، عاریه و جعلی بودن کتیبه های نقش رستم، نوساز بودن پاسارگاد، دروغ بودن حمله ی عرب، کذابی در باب ظهور چنگیز، قلابی بودن مجموعه کتاب های منتسب به پس از اسلام در ایران، اعم از فارسی یا عربی و شعر و نثر، و ده ها مدخل بنیانی دیگر، که فهرست کردن آن ها نیز مشکل است، کدام را پذیرفته و یا نپذیرفته اید؟ اگر تنها یکی از این مقولات را باور داشته باشید، ناگزیر از نخستین تا واپسین سطر این تحقیقات را پذیرفته اید ولی اگر تمام مباحث را هضم می کنید، الا نوظهور بودن قوم و فرهنگ ترکان را، پس شما قوم پرستید و درباره ی خود به افسانه دل خوشید. حال آن که باید اندیشه را به کار اندازید و اجزا' مسئله را با یکدیگر بسنجید.

آقای ایلماز. هنوز به طور جدی به نوشته های ایشان رجوع نکرده ام

آقای نتاب. ممنونم. کسانی تا حد جنون به هم ریخته اند..

آقای اهوازی. تحمیق صاحب نظران ترک و تشویق آن ها به پیروی از موهومات تفرقه افکن از همان جا آغاز شده است.

نویسنده: علی رضا

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 14:24

با سلام خدمت استاد گرامی جناب آقای پورپیرار
با عرض پوزش از استاد گرامی در جواب آقای بابک2 که در بررسی عدم اصالت زبان ترکی و اینکه همه کلمات ترکی را ایشان در زبانهای فارسی وعربی پیدا نمیکنند باید عرض کنم که قسمتی از کلمات موجود در زبان ترکی مشابه کلمات بعضی از زبانهای اروپائی مثل آلمانی و ... میباشد. اگر ایشان در اینترنت کلمه یدیش را جستجو کنند خواهند دید که یکی از زبانهای

یدیش یهودیانی که در اروپای مرکزی وشرقی زندگی میکرده اند زبانی است برگرفته از زبانهای آلمانی و کشورهای شرق اروپا که البته تغییر وتحولاتی هم داشته است (بنام زبان یدیش یهودیان)و به نظر من ترکی امروز معجونی است از همین زبان و زبان فارسی وعربی . باید اضافه کنم که بنده هم ترک زبان هستم.با تشکر

نویسنده: محمدعلی

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 14:38

سلام استاد مطالب شما خیلی دلچسب و زیباست
در جواب آقای بابک به همین جمله بسنده می کنم:
اگر دقت کنید متوجه خواهید شد که نام ترک در دهه های اخیر تولید شده است به مانند نام فارس!اگر شما توانستید از زبان یک ازبک ترک بودن وی را تایید کنید حق با شماست!

نویسنده: داریوش اقبالی

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 16:38

تاریخ مرگ و ماتم است
تقویم کهنه روی میز
هر برگ آن را پاره کن
میان شعله ها بریز
باید قلم گرفت به دست تقویم تازه ای نوشت
باید که تن نداد و رفت به جستجوی سرنوشت
هر برگ این تقویم درد
روز دروغ و شیون است
تاریخ ما حضور ما
در دست تو دست من است
بر ما هرآنچه که گذشت
تاریخ ما نبود و نیست
آغاز ما نه از عمر زمین که با خلقت دنیا یکیست
تا کی به فکر معجزه به انتظار حادثه
سوار سرنوشت تویی پشت غبار حادثه
تا کی به ظلمت گم شدن جادو شدن زانو زدن
خدا ندارد احتیاج به نذر تو ای ناز من
تقویم درد و تفرقه ما را به عصر سنگ برد
این قوم در خود گم شده از لاک خود شکست خورد
این کهنه تقویم غریب تکرار تاریخ عزاست
بی ابتدا و بی انتها نگو که شرح حال ماست!
باید جهان را تازگی رفتا به فرداها رسید
برای یک آغاز نو نباید انتظار کشید
به اعتماد دست من باید گرفت از نو قلم
دوباره خط زد و نوشت از ابتدا قدم قدم

با سلام خدمت شما جناب آقای پورپیرار مرد حقیقت جوی ایرانی
آلبوم بعدی که به امید خدا در سال جاری انتشار خواهد یافت در مدح شما خواهد بود

نویسنده: ؟؟

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 19:45

در جواب بابک 2 نوشته اید" اگر اثبات می کند که خط عرب تا حوالی قرن دهم هجری قدرت و امکان کتاب نویسی ندارد..."
صبر کنید یک لحظه مگه، تا الان نگفته بودید قرن چهار و پنج خط عربی سروسامان گرفته و مگه قرآنی با اعراب گذاری تمام و کمال از قرن چهار و پنج نداریم؟؟

نویسنده: علی از مالزی

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 21:32

سلام،
جناب استاد پورپیرار، آیا تا به حال اسکناس های مالزیایی را مشاهده کرده اید؟ این لینک پشت اسکناس یک رینگیتی (معادل حدودا 290 تومان) را نشان می دهد:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/it/3/3b/1_malaysia_ringgit_back.jpg

جهت اطلاع دوستان، زبان مالزی "باهاسا ملایو" نام دارد و ممکن است برای بعضی از دوستان جالب و عجیب باشد که بدانند این زبان دارای زمان نیست! و مضارع، ماضی و آینده در آن معنی ندارد. رسم الخط این مردم به الفبای لاتین تبدیل "شد" اما هنوز بر روی تابلوهای قدیمی آثاری از آن خط قدیم بر جا مانده و همچنین بر روی اسکناس ها، رسم الخط قدیمی (جاوی) دیده میشود. توجه همه را به نوشته های سمت چپ و راست این اسکناس که نوعی عربی است (جاوی)جلب می کنم.

استاد اگر این نوشته های سمت چپ و راست را نهایت تکامل رسم الخط قبلی این کشور بدانیم، به نظر شما این چگونه زبانی و چگونه خطی است که از لغاتش تا رسم الخطش همگی عاریه ای از این و آن است و این چنین به هم وصله پینه شده اند که امروز مردم این مرزو بوم ادعای آن فرهنگ دیرینه ای را که هرگز نداشته اند با آن بکنند؟ و یا شاید مساله بگونه ای دیگر است؟ لطفا نظرتان را با ما در میان بگذارید.

واقعا خدا بر مسلمین منت نهاد و گرنه که اینها هم در همان بدویت اجدادی خود (مثل ما)، دود می پرستیدند ! اما تعجب که در این جا هم بعضی ، نبض تعصبشان کماکان در برابر برخی مسائل پالس قوی از خود ساطع میکند.

با تشکر.

نویسنده: ساسان

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 22:27

شیرین بختانه بنده بعد از گذران مدتهای طولانیه از بلاد فرنگستان به سرزمین نیکوی آریایی خویشتنم بازگشت نمودم و در طول این مدت اخیرا به مطالعه مطالب نیکو و نانیکوی دشمنان نژاد نیکوی آریایی به سرکردگی ناصر پورپیران مشغول بگشتم و متوجه بگشتم که شیرین بختانه چه پیشرفتهای نیکویی در غیاب بنده رخ بداده است. البته بنده باید در فرجه ای نیکو و مناسب شرح مبارزات خویشتن در فرنگستان بر علیه دشمنان نژاد نیکوی آریایی و به رهبری اعلا حضرت پهلویمان را به سمع و نگاه یاران آریایی مان برسانم ولی الان خوشوقت بگشتم که بدیدم که در میان ترکان نانیکو نژاد هم بعضی از آریاییان راستین و بهدین گبرک زرتشتی مشاهده می گردد. چقدر نیکو می باشد که ما در بین ترکان نیز آرياييهای نیکو و اصل نژاد و پاک تبار می داریم، مثل استاد پوروفوسور دکتر ابراهیم رفرفی که با تشکیل یک هسته نیکو به مباره با پورپیران مشغول بگشتند و ثابت نمودن که آریایی راستین و آذری آریایی می باشند. بدرود بر استاد دکتر پوروفوسور رفرف. بنده انشا الله در اولین فرصت نیکو و با اجازه و رهبری استاد شجاع الدین شفا و اعلا حضرت شجاع دلمان ایشان را بعنوان چهره نیکوی ماندگار مقام انتخاب می گردانیم.

وب سایت

نویسنده: reza71

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 0:25

چرا آراي خاموش به سمت احمدي‌نژاد رفت؟

http://jaryaneahmadinejad.blogfa.com/post-5.aspx

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 23:28

سین سلام ساسان.
آقا من هم پایه تم. دربست مستقیم.
خبر بده دو تایی بترکونیم.

نویسنده: نتاب

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 3:48

سلام، من دو سالی است با نام نتاب کومنت می‌نویسم. لطفا توجه بفرمایید که این سوال مال بنده نیست :

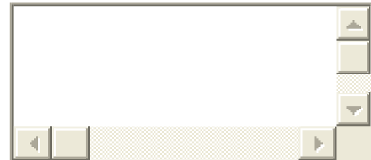
نویسنده: نتاب
پنجشنبه 18 تیر1388 ساعت: 15:53سلام استاد
نظرتان را در مورد کسروی نفرمودید؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 220

ایران شناسی بدون دروغ 220، نتیجه، 28، نگاهی به تاریخ نویسی توراتی شرق میانه - 59 نظر

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 10:18

آقای ایلماز، جهت اطلاع من ایمیلم را برایتان همان موقع که خواسته بودید فرستادم.

نویسنده: آمون

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 8:9

آمون به روز شد.
خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: ایلماز

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 13:3

با سلام
جناب علی از مالزی من ایمیل شما را به یکی از دوستانم داده ام!از من به علت دسترسی نداشتن به اینترنت خواسته بودند ایمیل شما را گیر بیاورم تا در در زمان مناسب با شما تماس بگیرند!نمی دانم هم چه کاری باشما دارند!ولی به خاطر کارشان دنبال تحقیقات هستند و چون شما در خارج هستید و دوستانی هم در خارج دارید شاید بخواهند اطلاعاتی کسب کنند!
ممنون

نویسنده: مسعود

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 13:56

سلام علیکم و رحمه الله

خسته نباشید استاد . مطالب اخیرتان طوفانی سهمناک در تمدن قوم پرستان ایجاد کرده است!

به عنوان یک کرد زبان مایلم پته جاعلین این قوم و زبان منتسب به آن را نیز روی آب ببینم !

یا الله .....

نویسنده: تا حالا با 2 تا اسم کامنت گذاشتم

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 15:38

اسمیله شدن معنیش چیه استاد واسه شاگردان حقیقت جوی محققتان بفرمایید

تا مثل جوک ترکی تعریف کردن یه ترک ، نیان هر حرفی رو قبول کنن

نویسنده: مسعود

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 18:11

عرض سلام مجدد خدمت شما استاد محترم.

مدتی پیش در سایتی مربوط به کوهنوردی با کتابی بنام "حماسه نانگا پاربات" با ترجمه جنابعالی در سال 1351 آشنا شدم اما هر چه گشتم آنرا نیافتم . آیا احتمال میدهید بتوان نسخه ای از آن را در جایی پیدا کرد؟ ممنون هستم استاد عزیز.

اینهم یک عکس از نانگا پاربات بیاد حماسه آلمانها در آنجا که سرمشقی برای سختکوشی تا پای جان برای هر انسان حقیقت جوی واقعی است:

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/6/63/ApproachingNangaParbat.JPG

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 19:24

استاد سلام،

طاقت نیاوردم و دست بکار شدم. یک گرافیک از روی داده های کارتوگرافیکی که داشتم تهیه کرده ام که توسط لینک زیر خدمتتان ارسال میگردد. استاد من هنوز به آن مساله "حوضی" که در فیلم تان به آن اشاره میکنید هر روز بیشتر فکر می کنم. شما لطفا نظرتان را راجع به عکس بفرمائید شاید روشنگری دوباره ای صورت پذیرد. اگر شما هم طبق مقیاس خاصی رنگ گذاری مد نظر دارید بفرمائید من می سازم و آپلود میکنم، ممنون.

http://bb.domaindlx.com/EffecX/picture/First-ImageLQ.jpg

اگر در دانلود دوستان مشکل دارند، آدرس بدهید هر جا راحت است من آپلود کنم.

آقای ایلماز، تماس برقرار شد. متشکر.

نویسنده: محمدعلی

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 19:25

سلام به نظر من مردم ساده اندیش و سطحی نگر به راحتی گول این حرف ها رو می خورند
چقدر مضحک قلمروی آشوریها را به تصویر می کشد!!!
"از شمال به ارمنستان، از مشرق به کوهستان های کردستان یا کوههای زاگرس، از مغرب به دریای مدیترانه و از جنوب به صحرای عربستان تا الجزیره."

رابی منشی امیر،کردستان جنوب غربی ارمنستان است!محض اطلاع!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 20:37

آقای محمد علی. رابی منشی امیر خود را آشوری می داند و اطلاعی از سرزمین آشور ندارد! اگر خدا بخواهد به زودی پته ی این حقه بازی های چند جانبه ی یهودیان را به آب خواهم داد.

آقای علی از مالزی. کار زیبایی است، الا این که رنگ گذاری بر ارتفاعات شرقی چندان دقیق نبود. نمی دانم منبع برداشت شما چه بوده، اما اگر بتوانید نقشه را تا ساحل شرقی دریاچه ی ارومیه امتداد دهید و متنی توضیحی نیز مفصل تر از آن چه هست بگذارید، موثرتر خواهد بود.

آقای مسعود. نانگاپاربات را فقط بازنویسی کرده ام، ترجمه ی آن از کس دیگری است. کتابی است بسیار انسان ساز و مملو از هیجانات عاطفی کسانی که در یک مسیرند. آدرس بگذارید نسخه ای از آن ارسال خواهم کرد.

آقای دو بار کامنت. به معنای جدا شده از فرهنگ بومی و دنباله رو و مسخ شده در فرهنگ رسمی.

نویسنده: امیری

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 21:43

سلام
آقای پورپیرار حدود 10 سال است که زبان فارسی را جعلی میدانید و با همان زبان کتاب های خود را نوشته اید. همه می دانیم علتش چیست. ترک انگاشتن سومر و ... جز مطالب بیهوده نیست. من در بسیار از اجماع ترکان بارها این نظریه ها را رد شده اعلام کرده ام اما آن ها می گویند آمریکا تمدنی بیش از 300 سال هم ندارند اما برو ببین چه تمدن ها را به نام خود برداشته اند؟!!!

آقای پورپیرار، همه زبان ها دست ساز اند. هیچ کس نمی تواند مدعی شود فلان زبان دست ساز بشر نبوده است. من به خوبی میتوانم این را احساس کنم که ترویج زبان ترک فارس کرد و ... در این خطه جز فقط به منظور دور کردن مسلمانان از زبان عرب بوده است. شما می فرمایید هر مسلمان باید زبان عرب را بداند. آیا فقط باید این زبان را فرا گیرند؟!! لا اقل شما را که می شناسم این گونه نبوده اید.

به هر صورت من همواره به نظریات شما احترام می گذارم.

نویسنده: مسعود

جمعه 19 تیر1388 ساعت: 22:15

قابل توجه جناب استاد و آقای علی از مالزی :

نقشه توپوگرافیکی جالبی از آناتولی :

http://www.tagem.gov.tr/gis/13_turkeytopog.jpg

نویسنده: ؟؟؟

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 1:4

جمیعا سلام
راست راستی داریوش خواننده اینجا کامنت گذاشته؟؟؟

نویسنده: یک مسلمان 1/2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 1:20

با سلام حضور استاد و جمیع یاران
استاد ارجمند ، بنده و آن عده از دوستانم که سالها با نظریات شما اشنا شده ایم و از حیث علوم دینی و تاریخی رهین زحمات حضرتعالی هستیم از خواندن این مقاله متاثر شدیم زیرا گمان میکنیم شما ما را آنقدر دست کم گرفته اید که بعد از این همه سال تلمذ در مکتب بنیان اندیشی ، دچار افکار قوم پرستانه شده و هزلیات تهی مغزانی چون صدیق زاده و یا رفرف و یا امثالهم را باور می کنیم و یا علاقه به زبانمان را جایگزین علاقه به ملل اسلامی و وحدت آنان مینمائیم.
معلم بزرگ ما آگاه باشند که حداقل بنده و جمع کثیری از دوستانم هیچ تمایل قوم گرایانه و ترک پرستانه ای نداریم و در مقابل حقیقت گردنمان از مو باریکتر است.
گمان نکنید افکار مسموم صدیق زاده ها جایگاهی در بین جوانان ملت ترک دارد. آنچه بنده میخواهم در کامنتهایم توضیح دهم این است که تنها به دلیل هذیان های یک فرد نمیتوان به راحتی یک زبان را محکوم کرد و ارزشهای آن را نادیده گرفت.
مطالبی که در چند شماره اخیر در خصوص زبان ترکی بیان فرمودید حداقل با دانسته های من از زبان ترکی در تضاد جدی قرار دارد به طوری که گاه گمان میکنم که شما با این زبان بیگانه اید (جسارت بنده را ببخشید).
از نظر من اگر تمایل دارید به مقوله نقد زبان ترکی وارد شوید ، به جای انتخاب مراجع مسمومی مانند کتاب صدیق زاده و یا تورات 120 ساله بهتر است با فردی همچون اسماعیل هادی که ویراستاری کتاب حاشیه بر زبان شناسی وی را نیز تقبل نموده اید وارد این مقوله شوید.

نویسنده: یک مسلمان 2/2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 1:43

جمع دوستان ما ضمن ارج نهادن بر تحقیقات شما خصوصا دو مستند با ارزش تختگاه هیچکس و طوفان نوح ، به این عقیده ، ایمان راسخ دارد که هر دو سرزمین ترکیه و ایران تا حدود 5 قرن پیش تهی از سکنه بوده و نفوذ تاریخی بیشتر از 5 قرن را در منطقه ندارد و همچنین معتقدیم که تا به حال مدارک متقنی مبنی بر وجود الفبای مستقل ترکی و همینطور متن مکتوبی به زبان ترکی مقدم بر چند ده سال قبل در دست نیست اما بر این باور نیز هستیم که زبان ترکی به واقع زبانی قانونمند و قدرتمند است و یکی از زبانهای پایه زبان فارسی است و در این مسیر اماده ارائه ادله و مستندات مبتنی بر واقعیات موجود ، هستیم.
مطلوب ما آن است که زبان عربی به عنوان زبان رسمی این مملکت انتخاب شود تا در انتقال مفاهیم قرآن به مسلمین خدشه وارد نگردد. اما جدای از این ، رد زبان ترکی بنا بر احساسات ضد ترکی و شیوه غیر علمی را دور از شان این وبلاگ میدانیم و معتقدیم که مبارزه با پانترکیسم نباید دستاویزی جهت نقد غیرمنصفانه زبان ترکی قلمداد شود هرچند که در ایران هیچ پان قابل ذکری در مقابل پانفارسیسم دولتی موجود ، وجود خارجی ندارد.
ما همواره رهین منت استاد هستیم و خواهیم بود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 2:45

آقای یک مسلمان. غرض از طرح مدخل تعیین قدمت زبان ترکی، نه انکار غیر ممکن آن زبان، که مقدمه ای است بر انهدام لاف های ملی و قومی و فرهنگی همه جانبه، که ترک و فارس و کرد و لر و گیلک و مازندرانی و حتی عرب را به قصد گسترش نزاع و دشمنی و ابراز برتری های نادرست و بی حاصل و فتنه انگیز مبتلای بدانند. وانگهی ما با اثبات تهی بودن دو مرکز تجمع ایران و ترکیه، تا چند قرن اخیر، به آسانی قادر می شویم قصه های مذهبی کنونی را بی اثر کنیم، که برخاسته و ریشه بسته در این دو سرزمین اند و برای آن شناسه هایی از زمان وفات پیامبر اکرم تراشیده اند. بدین ترتیب و از این مسیر نه تنها نوساز بودن این دو ملت، بل به تبع آن، تاریخ تولد مذاهب را که در جای دین نشسته است نیز تعیین کرده ایم! لابد تصدیق می کنید که این تلاش در ماهیت خود سمت و سویی علیه هستی و فرهنگ هیچ قومی، جز یهودیان و هوا داران آن ها ندارد و قبول دارید که از طریق سئوال گذاردن بر زمان تولد زبان ترکی، راه اثبات تهی بودن ترکیه ی مرکزی و شرقی، از نمایه های تمدن و تجمع، سریع تر طی می شود. با این همه توصیه دارم تا ارائه ی چند یادداشت بعد نیز حوصله کنید و اجازه می خواهم ضمن عرض ارادت به خدمت آقای هادی، گفت و گو درباره ی ایشان و دوستان فرهنگی شان را به بعد موکول کنم.

آقای ایلماز. آن دوست ما بدون توسل به شوخی امورات اش نمی گذرد و شاخک های آنوسی یاب شان را با وسواس زیاد، دائما در کار است!

آقای مسعود. ممنون و درصددیم یکی از این نقشه های توپوگرافی ترکیه را، یک بار هم از طریق کامپیوتر به آب ببندیم و کلیپ کوچکی بسازیم تا منکران چشم های خود را بگشایند. دوستانی که کمکی در باب اجرای فنی آن می دانند و می توانند و یا سراغ دارند، به استاد غفوری خبر دهند.

آقای امیری. از منظور شما در آن نوشته سر در نیاوردم.

نویسنده: رعد

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 9:2

سلام , در این هیاهوی مستانه قدرت که قربانی هم گرفت , برادران و خواهران تعادل میدانند که توهم و توطئه نیست و تمرین دموکراسی با ماشین بدون فرمان از نوع پادودا و لادا نیز میسر نمیباشد , به کامنت برادر داریوش اقبالی بتاریخ 18 تیر فکر میکردم , اخر من از علاقه مندان صدای ایشان هستم , ایا ایشان از زیر نگین منوچهر بی بیان یهودی بیرون امده اند که البوم دوم خود در سال جاری را بنام اقای پیرار بیرون خواهند داد ؟ یا نسناسی بنام داریوش اقبالی کامنت گذاشته بود ؟.

پست الکترونیک

نویسنده: محمد رضا

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 9:11

آقای اسروک چطور متوجه نمیشوید که تایید کشتی بر فراز کوه آرارات با دور انداختن تورات برابر می شود؟ آن یهودیان نیز که کنسرسیومی علیه رون وایت مشتمل بر تمسخر او راه انداخته اند یهودیانی با ماموریت مخصوص برای ساکت کردن او هستند. چنانکه اتحاد دیگری در منطقه برای بستن هرگونه اتهام به استاد ما و تخفیف و تمسخر داده های جدید ایشان تشکیل داده اند. آیا میتوانید نام چند عضو این اتحادیه را ببرید؟ چندان از شما دور نیستند.

نویسنده: بابک 2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 9:45

با سلام خدمت استاد پورپیرار و دوستان
با تشکر از تحمل شاگردان قوم پرست !!!
من فکر نمی کنم داشتن یک زبان برای تکلم که کوچکترین حق بنده ناچیز خداست نشانه تمدن و انگیزه برای باد کردن دماغ قوم پرستی باشد که حتی قبایل بدوی آفریقا هم از آن بی بهرده نیستند
قصد ما هم کوبیدن بر طبل قوم پرستی و قدمت تمدنی ترکان نیست و به قول دوستمان گردنمان هم در برابر حقیقت از مو باریکتر است شاید مشکل ما این است که چون شاگردی مکتب شما را داشته ایم , بنیان اندیشی شما را تبلیغ کرده ایم باید جوابگوی قوم پرستانی باشیم که تا دیروز هم پیاله شان بودیم وامروز به جرم ادامه همراهی با پورپیرار دشمنشان ورود به مدخل زبان ترکی آن هم با دست خالی در مقابل آنان بهانه تخریب و سدی در مقابل گسترش بنیان اندیشی است شما بهتر از بنده میدانید جوانان ترک بیشتر از همه جوانان ایران استاد پور پیرار را میشناسند وبه وی ارادت دارند و این مهمترین دغدغه ماست
شاید اگر مباحث گذشته را نمی پذیرفتیم از کنار این مدخل هم بی اعتنا گذر میکردیم اما توان ندیدن حقایق قبلی را نداریم و ندیدن حقایق عینی برای ما که با آنها زندگی کرده ایم هم نا ممکن است
اینکه حضور ترکان در منطقه بی ارتباط با توطئه های یهود نیست برای ما روشن است اما شاید ورود به چگونگی حضورشان از مدخل زبان ترکی میسر نباشد
اگر شما تحقیقات خود در باب زبان ترکی را خدشه ناپذیر میدانید ما هم بدون بحث و جدل می پذیریم چون شما را تنها پرچم دار بنیان اندیشی وحقیقت یابی میشناسیم کسی که ما را از باتلاق عمیق قومی و به خصوص فرقه ای نجات داد و اهمیت این برای ما از همه چیز بالاتر است و مطمئن باشید غیر از شما کس قابل اعتمادی برای جواب سوالاتمان نداریم
دوستان فکر کردند ما همه حقایق را به پای مبحثی که شاید پرده های حجاب آن هنوز کاملا کنار نرفته می سوزانیم اما این مهال است
با تشکر

نویسنده: آيدين قشقايي2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 9:50

ضمناً به نظر من قوت يك زبان به توانايي انتقال مطلب است نه صرفاً واژه هاي آن. در زبان توركي با پسوندهايي از قبيل لاماك، لشمگ، لنمگ، لنديريلمگ و ... به راحتي مي توانيد با يك كلمه توركي معادل يك جمله فارسي يا انگليسي مفهوم منتقل كنيد.
مثلاً:
yeyillanmish:
خورانيده شده است (فارسي)
fed have been (انگليسي)
حتي شما به نظريات آقاي ماكس مولر زبان شناس آلماني قرن نوزدهم مراجعه كنيد مي بينيد كه ايشان از نظم پذيري زبان توركي در شگفت مي شوند كه انشا الله من در پيام بعدي متن انگليسي سخن ايشان به همراه مرجع انگليسي آن را ذكر خواهم كرد.
با اينحال براي من سئوال است كه چرا با وجود اينكه زبان توركي از لحاظ ساختاري قوي تر از فارسي (و حتي در بعضي از جوانب انگليسي) است، در ايران به عنوان زبان نوشتاري استفاده نشده است؟
در هر حال، در منطقه ما حادثه اي به نام پوريم روي داده كه اين حادثه باعث تغيير روند رشد تاريخي بشر براي مدت طولاني گشته و عمق اين حادثه چنان زياد است كه من دوست دارم تاكيد مطالب شما از روشن شدن ابعاد و زواياي پوريم خارج نگردد و بعد در فرصت مناسب به بحث در مورد ساير موضوعات مبهم در تاريخ ايران باستان و معاصر پرداخته شود.
متشكرم

نويسنده: آيدين قشقايي1

شنبه 20 تير1388 ساعت: 9:51

سلام به دوستان
جناب آقاي اهوازي
من جمله منتسب به آتاتورك در مورد قوم تورك را در گوگل جستجو كردم و جز در سايت كوردهاي جدايي طلب و ارمني ها، در سايت بي طرفي اين جمله را ذكر نكرده بودند (حداقل من نديدم).
من فقط يك جمله متقن از آتاتورك را ميدانم آن هم اين است:
ulkede barish, donyada barish (در كشور صلح در دنيا صلح)
بعيد مي دانم فردي با اين تفكر جمله مذكور شما را گفته باشد.
ضمناً جناب پورپيرار
همانطور كه خود فرموده ايد، متن تورات مورد نظر شما يك ترجمه است. طبيعي است كه هر مترجمي بر اساس صبغه تحصيلي و فكري خود ترجمه اي از يك متن ارائه مي دهد. من اين استدلال شما در مورد قدمت كتابت زبان توركي را قبول ندارم و صحبتهاي آقاي بابك و جناب يك مسلمان را صحيحتر مي دانم.
در مورد زبان فارسي همانطور كه مستحضريد، عموم افعال در اين زبان به صورت تركيبي بكار مي روند و ما كلا بر اساس اذعان خود علماي زبان فارسي در عمل 150 فعل ساده در فارسي داريم و عموم افعال در فارسي با بهره گرفتن از كلمات - كردن، -شدن و ... فعل مي شوند (مثل بازي كردن، سخن گفتن و ...) در حالي كه اگر به زبان توركي مراجعه كنيم و جداي از تعلقات قومي و قبيله اي بخواهيم در مورد آن قضاوت كنيم مي بينيم اين زبان به مراتب قوي تر از زبان فارسي است و افعال ساده در آن هزارها بار بيشتر از فارسي است.
مثلاً:
دانيش(سخن بگو)
اوينا (بازي كن)
چاقير (صدا بزن)
هايقير (فرياد بزن)
ساخلا (حفظ كن، نگهداري كن)
...

نويسنده: آيدين قشقايي

شنبه 20 تير1388 ساعت: 10:29

با سلام
كتابي كه نظر آقاي ماكس مولر زبانشناس شهير آلماني در مورد زبان توركي، آورده شده است به قرار زير است:
David Knight
World: A History of Classifying Man Ordering the
Burnett Books, 1981
در صفحه 153 اين كتاب از زبان ماكس مولر آورده شده است كه:
from linguistics, and it could not be The Tower of Babel had disappeared
;to the same family had a common ancestry doubted that languages which belonged
more recent was their common ancestor. In and that the closer they were, the
achievements of what was mostly German the English-speaking world these
s by Max Muller [umlaut on the u], first1850 scholarship were presented in the
,in a course at the Royal Institution in London in lectures at Oxford, and then
as 'The Science of Language.' This science was at which were published in 1861
classification, and evolutionary. Muller's [again, umlaut on once based upon
come through in such phrases as u] enthusiasms
grammar...The ingenious manner in It is a real pleasure to read a Turkish"
brought out, the regularity which which the numerous grammatical forms are
conjugation, the transparency and pervades the system of declension and
must strike all who have a sense of ,intelligibility of the whole structure
which has displayed itself in that wonderful power of the human mind
".language
ضمناً آقاي مولر آلماني است و به عنوان يك بي طرف نظر داده است.

نويسنده: ناصر پورپيرار

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 10:32

دوستان به تر است تا انتهای بحث مربوط به زبان ترکی حوصله کنند. مطلب اساسی و مهم تر از این تصورات است.

آقای ایزدی. آدرس بفرستید ارسال خواهد شد.

آقای محمد رضا. آدرس همسرتان را در پیام خصوصی اعلام کنید برای ایشان خواهم فرستاد.

آقای رعد. از کامنت شما مطلب چندانی دستگیرم نشد.

نويسنده: بابک

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 11:37

باسلام خدمت پورپیرار بزرك و دوستان طالب حقيقت
به نظر من دوستان ترك زبان ما بايد صبوري پيشه كرده و منتظر مقالات تكميلي استاد باشند. در مورد قدمت و توانايي زبان تركي هم كه هر چقدر باشد چيزي را در مورد دروغهاي تفرقه افكن تزريق شده در اذهان مردم شرق ميانه عوض نخواهد كرد.
استاد اميدوارم بعد از افشاي چگونگي به وجود آمدن ملتي به نام ترك و پانتركيسم نوبت به ملت و دول ساختگي عربي برسد. چون به نظر با توجه به متن صريح قران ملتي به نام عرب وجود نداشته و اين هم مانند ملل ترك و فارس ساخته دست يهود پليد است. واقعا يادداشت شماره 220 شما ارزش صدها كتاب را دارد. اين يادداشت هيچ شك و شبهه اي در ذهن من نسبت به نوشته هاي اخير شما نگذاشته است.

نويسنده: بابک

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 11:40

این هم مورخ دیگری که برای ایران باستان تاریخ نوشته است. فقط من مانده ام که این مطالب را از کجایش در آورده؟؟؟؟
مهمترين رويدادهاي ايران و جهان در طول تاريخ در اين روز 3 جولای
نخستين توطئه آتني ها بر ضد ايران در مصر
سوم ژوئيه سال 460 پيش از ميلاد، آتني ها كه چشم طمع به ثروت مصر دوخته بودند ناوگاني را روانه اين كشور كردند تا مصريان را بر ضد ايرانيان بشورانند. ايران نيروي قابل ملاحظه اي در مصر مستقر كرده بود و همين نيروي عظيم مانع پيروز شدن توطئه آتني ها شد.
آتني ها چهار سال بعد(454 پيش از ميلاد) و سپس در سال 425 پيش از ميلاد دو بار ديگر با همان هدف به مصر رخنه كردند و هر دوبار به دليل احضار برخي نيروهاي ايراني به خاك اصلي وطن تا حدي موفق به تحريک مصريان و شورش آنان شدند كه هر دوبار اين شورش ها سركوب شد و بار آخر آتني از سوي ايران به مصر ممنوع الورود شدند.
در دوران هخامنشيان، مصر 120 سال وچند ماه يكي از استانهاي ايران بشمار مي رفت.

نويسنده: بابک

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 11:42

مهمترين رويدادهاي ايران و جهان در طول تاريخ در اين روز 3 جولای
ناسيوناليسم ايراني عامل اقتدار ساسانيان
سوم ژوئيه سال 324 ميلادي، كنستانتين امپراتور روم كه براي سركوبي رقيبان رومي خود به بيزانتيوم Byzantium لشكر كشيده بود تصميم گرفت در اينجا و نه چندان دور از محل شهر «تروا» شهري به نام خود بسازد تا به امپراتوري ايران نزديك باشد و اخبار مربوط به تحركات ساسانيان را سريعتر دريافت كند و تصميمات مربوط به خنثي كردن اين تحركات در شهر تازه ساز كه يكي از دو پايتخت روم [پايتخت شرقي] خواهد بود گرفته شود.
وي پس از نابود ساختن «لي سينيوس Licinius» رقيب خود و هوادارانش، 25 ژوئيه سال بعد (325 ميلادي) دستور ساختن قسطنطنيه (شهر كنستانتين - استانبول امروز) را صادر كرد كه پس از تجزيه امپراتوري روم به صورت پايتخت روم شرقي باقي ماند. شهر قسطنطنيه (Constantinople) در 11 ماه مه سال 330 ميلادي آماده بهره برداري شد. اين شهر كه موقعيت منحصر به فردي دارد در نقطه مرزي دو قاره آسيا و اروپا واقع شده و ناظر بر تنگه بسفر (Bosforus، محل تلاقي درياي سياه

و درياي اژه) و يكي از مراكز تصميم گيري هاي مهم جهاني بوده است.
اقدام كنستانتين به ساختن اين شهر باعث تشديد معارضات دو ابرقدرت زمان - ايران و روم - شد كه تا سال 628 ميلادي ادامه يافت وسرانجام هر دو امپراتوري را تضعيف و به عمرشان پايان داد.
«نورويچ» در تاليف خود «بيزانتيوم» در اين زمينه نوشته است: در طول هشت قرن(دوران اشكانيان و ساسانيان)، امپراتوري غول آساي ايران تهديد عمده براي امپراتوري روم بود. ايران از گرجستان تا غرب فرات و شرق رود سند تا فلات پامير (مرز شرقي تاجيكستان) وسعت داشت و اين دو امپراتوري بدون وقفه بر سر سوريه و فلسطين و شمال غربي آسياي صغير و گهگاه ارمنستان در حال جنگ و جدال بودند و در اين جنگها كه تا سال 628 ميلادي ادامه داشت پيروزي باايرانيان بود كه ناسيوناليسم ايراني به دولت ساسانيان اقتدار ويژه داده بود. روميان در آغاز ظهور اين ناسيوناليسم، آن را دست كم گرفته بودند كه شكست هاي نظامي شان از اردشير پاپكان و پسرش شاپور آنان را متوجه «واقعيت امر» كرد. در سايه همين ناسيوناليسم توفنده بود كه ايران چند بار ابر قدرت اول جهان شده بود.

نویسنده: بابک

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 11:42

I1.y=8&I1.x=17&GM=7&GD=3&=http://www.iranianshistoryonthisday.com/FARSI.ASP?u

نویسنده: بابک2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 13:45

با سلام مجدد
آقای محمد علی
بحث ما کلمه "ترک" نیست بحث ما زبان التصاقی است که امروز در مردم کشورهای ترکیه ازبکستان قزاقستان قرقیزستان ترکمنستان آذربایجان و ... با لهجه ها و اسلوبهای مختلف بدان صحبت میکنند و درست یا غلط در منطقه ما ترکی خوانده میشوند و بسیاری از این کشورها از اتلاق این کلمه به خودشان استقبال نمیکنند در حالی که دیشب در کانال D ترکیه "رابعه اوغلو" رهبر اویغورهای چین اویغور ها رو پدر ترکها!! لقب داد و از کشورهای اسلامی و ترک! برای مقابله با کشتار نژادپرستانه چینیها کمک خواست
آقای علیرضا
بهتر است برای روشن شدن مسئله ارتباط زبانی یدیش شرقی اروپا با زبا ن ترکی امروزی مثالهایی برای آشنایی ما بیان کنید متاسفانه من با این زبان آشنایی ندارم
سعی کنید این ارتباط زبانی معنا دار باشد و وجود چند کلمه مشترک کمکی نمی کند برای مثال
میدانید کلمه yogurt در زبان ترکی و انگلیسی و بعضی زبانهای اروپا مشترک است ودر زبان ترکی:
یوغورتماک(یوئورتماک) به معنای تغییر دادن و یا تغییرشکل دادن معنا میشود
سوزی یوئورتماک :تغییر دادن آگاهانه یا سلیقه ای در انتقال و یا دریافت معنای یک جمله معنی میشود
فکر میکنید کلمه فوق از کدام نوع باشد یدیش یا ترکی؟

نویسنده: علی از مالزی -1

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 16:11

با سلام خدمت همه ،

جهت اطلاع از منابع دادها لینک زیر را مشاهده فرمائید:
http://bb.domaindlx.com/EffecX/Credit.jpg

یک نمای بسته از کوه موسوم به آرارات جهت بررسی وضوح توپولوژی
http://bb.domaindlx.com/EffecX/Map-detail_LQ.jpg
سئوال کردم گفته اند نقشه هائی با وضوح خیلی بالاتر هم در اختیار هست.

رنگ گذاری جدید با مقیاس جدید:
http://bb.domaindlx.com/EffecX/texture-LQ.jpg

رنگ گذاری جدید با مقیاس جدید- سه بعدی- نمای شرقی ترکیه:
http://bb.domaindlx.com/EffecX/3DView-LQ.jpg

برای دانلود نمای کامل پست قبلی که فرموده بودید از اینجا کلیک کنید:
http://bb.domaindlx.com/EffecX/Full-shot-turkey-LQ.jpg

تصاویر را بنده تهیه کرده ام. همانطور که مشاهده می فرمائید وضعیت توپولوژی در ناحیه شرقی ترکیه بسیار جلب نظر میکند. این کار را با پرواز روی نقشه سه بعدی گوگل با وضوح بسیار بالا هم میتوان مشاهده نمود. لذا مطابق عکسها مانند Texture-LQ.Jpg به سختی می توان تصور حوضی را در میان منطقه نمود.

حال حتی اگر چنین فرضیه ای را در حالت امکان بررسی کنیم با اندازه گیری مساحت ناحیه آب گرفته شده و سپس محاسبه حجم آب تا ارتفاع 1500 یا 1800 متر عددی حاصل می شود که با مقایسه آن با بیسابقه ترین و بیشترین میزان ریزش باران در هاریکن کاترینا که 15 اینچ در 2 روز طوفان البته فقط در بعضی مناطق بود، متوجه می شویم که بارندگی به هیچ وجه نمی تواند *حتی ظرف سالها* این حوض را پر نماید.

هیچ کس در عظیم بودن رخداد طوفان و سیل نوح نبی شکی ندارد. اما اگر قرار است بر اساس فیلم، محل فرود کشتی را بر دامنه کوه آرارات و در ارتفاع 1800 متری جستجو کنیم و این رخداد را توسط بارندگی یا حتی خروش آب از زمین توجیه کنیم، باید حجم آنرا نیز محاسبه و مقایسه کنیم... ادامه...

نویسنده: علی از مالزی -2

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 16:12

...نظر من آن است که طبق فرمایشات خداوند در قرآن کریم مجموعه ای از حوادث منجر به افزایش آب در منطقه شده است. در آیات 40 و 42 و 44 سوره مبارک هود چنین می خوانیم: " تا وقتی که فرمان ما صادر شد و آب از تنور فوران کرد. ... کشتی در میان موجی به بلندی کوه آنها را میبرد.... گفته شد ای زمین آبت را ببلع و ای آسمان نبار."

به این ترتیب من بعنوان یک ناظر پیشنهاد میکنم که باید به دنبال این تنور بود. حال منظور از تنور چیست؟ الله اعلم. همچنین "آبت را ببلع" نیز نشانه دهی با اهمیتی باید باشد.

حال سئوال این است که آیا تنور می تواند همان محلی باشد که آن دو زمین شناس بعنوان سر ریز آب دریای سیاه از شمال به ترکیه مطرح کرده اند؟ آیا تنور محلی است در دل زمین با آبی گرم؟! آیا با مدارکی *پدیده دیگری* را میتوان یافت که باعث این رخداد عظیم شده باشد؟ آنچه مسلم است تنها مشاهدات میدانی و اندازه گیریهای دقیق در پرتو کلام خداوند می تواند راه گشائی فراهم سازد.

منتظر نظر شما هستیم.

الحمدلله.

نویسنده: ایلماز

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 17:50

با سلام

جناب مجتبی غفوری و جناب محمد رضا گویا کسی را سخت داغدیده کرده اید؟!!!
timezone=12642&postid=3&http://entekhabat-1388.blogfa.com/comments/?blogid=entekhabat-1388

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 21:30

لینکی دیگر برای دانلود همه عکسهای کامنت قبلی من:
http://rapidshare.com/files/254631290/Image-collect.zip

نویسنده: شوخی نکن

شنبه 20 تیر1388 ساعت: 18:27

آقای ؟؟؟
برادر تو چطور بنیان اندیشی هستی ؟! تو نمی دونی که این داریوش چندین ترانه در مدح ایران باستان خونده و یک باستان پرسته تمام عیاره ؟ آخه داریوش رو چه به اینجا . در ضمن ساعت کامنتش رو اگر به وقت لس آنجلس حساب کنیم می شه سه و نیم چهار صبح ! یعنی می گی صحر خیز شده ؟ والا تا اونجایی که من این خواننده ها ر و می شناسم همشون تا لنگ ظهر خوابن !!!
جدی نگیر احتمالا یکی خواسته با استاد شوخی کنه .

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 6:25

آقای علی از مالزی. از همکاری شما در آن مورد ممنونم. لینک را برای استاد غفوری فرستادم. در عین حال منطق برخی از بررسی ها کاملا مادی است نه فلسفی. مثلا اگر بقایای کشتی بزرگی را در ارتفاع 1800 متری کوه آرارات یافته ایم، پس قطعا در زمانی نامعین، بر اثر وفور آب، که تنها می تواند ناشی از بارانی مداوم و یا جوشش از زمین و یا هر دو باشد، این کشتی از زمین بلند شده و تا آن ارتفاع بالا رفته است. ضمنا مثل تنوره باریدن، اصطلاحی است که هم اکنون نیز در باب باران هایی به کار می رود که از فرط درشتی و سرعت قطرات، دانه های آن دیده نشود و به صورت به هم پیوسته به نظر آید و نیز تنور آب به مخزنی از چشمه های پر قدرت و جوشان می گویند. یعنی همان طور که از تنور نان بیرون می کشند گویی از این گونه چشمه های عمیق که بی شباهت به تنورهای روستایی نیست، آب بیرون می زند.
بدین ترتیب حیرت و تردید نسبت به وجود آن همه آب فقط به دلیل وجود کشتی در آن ارتفاع، کاملا منتفی و مقوله ای فلسفی و غیر مادی است. زیرا اگر حجم آب به میزان لازم نبوده باشد، کشتی به آن ارتفاع نمی رسد! نصب سئوال "چه گونه" در این قبیل موارد درست مانند نصب آن بر ماجرای پوریم، کمکی نمی کند، زیرا غرض از بررسی، نحوه ی انجام این حوادث نیست، ارائه ی علائمی است که بروز آن را قطعی و قابل قبول می کند؟

آقای بابک. ممنون و قطعا در آن باب نیز مطالب لازم را ارائه خواهم داد به خواست خداوند. دست تنگی اطلاعاتی ملت ها و اقوام متعددی در شرق میانه، در مقوله ی شناخت، حاصل بی غیرتی فرهنگی روشن فکری ماست که مانند بز در برابر هر بافته ی دست کنیسه و کلیسا سر فرود آورده که البته گروه معینی از آن ها نیز در برابر دریافت نواله های گاه به گاه یا مرتب.

نویسنده: محمد علی

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 15:21

سلام خدمت شما و استاد گرامی
ببینید آقای "بابک 2" اتفاقا بحث سر همین کلمه ترک است شما کافی است یه سر به شهرهایی که اقوام مختلفی منجمله فارس و ترک و کرد زندگی می کنند بزنید آنگاه متوجه خواهید شد که این واژگان "فارس-ترک-کرد و ..."چه بلایی بر سر مردم آورده است!چه درگیری ها و تحقیرهایی به خاطر این کلمات!
این که می گویید رهبر اویغورها خود را ترک می داند نیز دلیلی بر همین سخن است!مردمی که تا چندی پیش نامی از ترک نمی دانستند،جالب اینجاست که رهبران فتنه برای پیشینه بخشیدن به این نامها شاهنامه فردوسی را که نمادی از حماسه مردم پارس می دانند را مظهر دشمنی با ترک معرفی می کنند!
بهتر است کمی با چشمانی بازتر به این موضوعات بنگرید
در رابطه با اینکه مردم ازبکستان و ترکمنستان و ... به زبان مثلا ترکی سخن می گویند هم بهتر است موضع تفکراتتان را تغییر بدهید

نویسنده: علی از مالزی شماره 1

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 16:10

استاد عزیز،

بنده امروز نزدیک به یک ساعت روی نقشه سه بعدی و با کیفیت شمال کردستان عراق وقت گذاشتم (در نرم افزاری که میدانم همکارانم در ایران بدلیل تحریم دسترسی ندارند) تا بحال چند عارضه طبیعی مشابه همان فرم دک کشتی و مقیاسی ممکن با یک کشتی یافته ام. دیروز و امروز چندین مستند جدید را نیز به سرعت و گذری نگاه کرده ام. جالب است که می بینم پای این حضرات کنیسه و کلیسا به ایران هم رسیده و با مترجم ایرانی در کوچه پس کوچه های کردستان ایران، دنبال پرسش و پاسخ و سر نخی جهت اکتشاف هستند !!

شما می فرمائید که "حیرت و تردید نسبت به وجود آن همه آب فقط به دلیل وجود کشتی در آن ارتفاع، کاملا منتفی و مقوله ای فلسفی و غیر مادی است." ... حتی اگر کاوشگران همان به اصطلاح کشتی در آن ارتفاع، خود در موقعیتهای مختلف به شیادی خود اعتراف کرده باشند آقای پورپیرار؟؟!

حتما شما نسخه ای از فیلم The Discovery of Noah's Ark را در اختیار دارید که به تمام این مسائل دامن زد. اگر از محتوای بیسرو تهی که این آقای Ed Griffin در این فیلم بهم می بافد بگذریم -که نتیجه اش پول سر سام آوری بود که از پخش تلویزیونی آن در اروپا و امریکا به جیب زد و دولت ترکیه هم آن منطقه را منطقه حفاظت شده (یا ورود ممنوع) اعلام کرد!- توجه شما را به تیتراژ پایانی همین فیلم و موسسات حامی ایشان جمع می نمایم. مطمئن هستم که خود شما اولین کسی خواهید بود که پته ایشان و آن موسسات را روی آب خواهید ریخت.

مشاور ارشد تهیه این فیلم، خود David Fasold که در تمام فیلم های اکتشافات جلوی دوربین تشریف دارند، به یافته های خود *همان بند کشی ها و فلز یابی ها* لقب "مطلقا زباله" را داده اند ! اما ابراز خوشحالیشان از آن پولی است که فیلم ایشان و آقای Griffin بدست آورده است. حالا ما چرا وجود کشتی در ارتفاع 1800 متری را به خاطر این "فیلم" بدیهی متصور شده ایم من نمی دانم. من تنها بعنوان یک ناظر این سئوال را می پرسم. آیا این از یافته های اکتشافی خودمان است؟ آیا قدمت سنجی های خودمان است؟؟ آیا فیلم خودمان است؟ یا تولیدات همان کنیسه و کلیسا است؟... ادامه...

نویسنده: علی از مالزی شماره 2

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 16:11

...سئوال من این است که اگر مستدلات و مدارک محکمی این طوفان و سیل عظیم را تنها در بخشی از ترکیه و یا عراق و یا ایران کنونی و در مقیاسی بس کوچکتر از آن حوض چند صد کیلومتری در چند صد کیلومتری که شما بر اساس اکتشافات آن گروه امریکائی فرض کرده اید، نشان بدهد آنگاه مدخلی که شما آنرا روی فیلم طوفان نوح مستقر کرده اید با یک آسیب جدی مواجه میگردد. پس ملاحظه می کنید که نحوه انجام حادثه تاثیر بسزائی در محتوای بحث شما دارد.

در ضمن تشکر از شما، من این اصطلاح تنوره باریدن را نمی دانستم. اما خودتان هم میدانید، خوب هفته ای یکی دوبار در این قسمت کره زمین شاهد آن هستم.

تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 16:27

آقای علی از مالزی. هیچ چیز مستند طوفان بر اساس حرف و سخن کسی تنظیم نشده چون اصولا تا زمان تولید این مستند هیچ کس از وقوع طوفان در ترکیه چیزی نگفته بود و نمی دانست. در عین حال چند واقعیت تاریخی و جغرافیایی جداگانه بی توجه به دعواهای چند جهود با یکدیگر، وقوع طوفان در ترکیه را تایید می کند که از جمله نبود بقایای تمدن باستانی در قسمت مرکزی و شرقی ترکیه است. از آن هم مهم تر این که چیدمان کوه های ترکیه به نحوی است که عملا و چنان چه آزمایش ما در مستند نشان داد، تا ارتفاع 1800 متر آب را بدون دبی خروجی در خود نگه می دارد و چند حالت دیگر جغرافیایی که مخصوص ترکیه و در مستند مختصرا به آن ها اشاره شده است.

آقای جعفری. پاکت شما را پست به علت پیدا نشدن آدرس برگردانده است، دوباره ارسال شد.

آقای ایزدی. ارسال شد.

آقای عابدی. امیدوارم هرکجا هستید شادمان و سلامت باشید. اشاره ی شما به رفاه را نیز درنیافتم. همگی به شما سلام

می رسانند.

آقای ضیا' صدر. متاسفانه لینک ارسالی شما باز نشد.

نویسنده: علی رضا

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 17:46

با سلام خدمت استاد گرامی
یک سوال:بنده در مطالعه مباحث اسلام و شمشیر در این مورد که نسل یهودیان به حضرت ابراهیم نمی رسد تمام آیاتی را که به شجره نامه پیامبران اشاره میکند مطالعه کردم و اینطور متوجه شدم که نسل بنی اسرائیل به همراهان حضرت نوح در کشتی(و یا خود حضرت نوح) مربوط میشود در حالی که نسل حضرت ابراهیم و... یعقوب و یوسف به حضرت نوح مربوط نمیشود.درست متوجه شده ام؟ و اگر جواب مثبت است به نظر من مقایسه همین آیات و تاکید صریح بر آنها در کنار مطالب عنوان شده قبلی میتواند به روشن تر شدن مطلب و درک راحتتر آن(با توجه به پیچیدگیهای آن) کمک کند.ممنونم

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 21:4

آقای علی از مالزی. دو سه یادداشت آتی، انشا' الله حاوی مطالب تعیین کننده ای در موضوع مورد اشاره ی شماست. حوصله کنید، زیرا به قدر کافی با آن هیاهوها آشنایم. مسلم این که دیگر نمی توان ترکیه را به آب بست ولی تجربه ی آزمایشگاهی بر ماکت های رسمی، که تنها راه ممکن است، خلاف عقیده ی دوست شما را اثبات می کند. باز هم تاکید دارم به محتوای چند یادداشت آتی دقت کنید.

آقای علی رضا. خلاف تورات، ذکر جدا بودن تیره و ذریه نوح و ابراهیم در قرآن، خود عالی ترین علامت است که طوفان نوح منطقه ای بوده، جهانی نیست و در ترکیه رخ داده است.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 21:28

بی صبرانه منتظریم. تشکر.

نویسنده: داریوش

یکشنبه 21 تیر1388 ساعت: 22:34

سلام.استاد!مستندطوفان کاری بسیارارزشمند است.دستمریزاد.کاش آنجاکه درموردکوههای ترکیه توضیح دادیدکه تاارتفاع 1800 مترشکل طبیعی خودراندارند عکس یافیلمی ازین موضوع نشان می دادید تا مستند کاملترمیشد.چون بعدازبیان این مطلب بیننده منتظردیدن عینیت آن بافیلم یاعکس است.باتشکروخسته نباشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 6:19

آقای محمد رضا. آدرس شما در اهواز نرسیده است.

آقای داریوش. مستند طوفان نوح فقط یک دمو با امکانات حداقل است، اگر مقدمات فراهم شود آن قدر در طبیعت ترکیه نشان از بقایای آن طوفان باقی است که حتی برای تفهیم به کند ذهنان و متعصبان نیز کفایت کند.

آقای مقامی. چند بار گفته و نوشته ام که در هر مقوله ای، تنها صاحبان مدخل، که قضیه ای را برای نخستین بار به نام

خویش ثبت کرده باشند، صاحب عنوان می شوند و حق ابراز نظر دارند، دیگران شاگرد و پرسشگرند و فقط حق سئوال محترمانه دارند، نه گرد و خاک، که ضرورتا بی اعتنایی می بینند.

آقای فریدون. اهل داد و ستد نیستم و بنا نبوده است به خوش آیند دیگران، مثلا دوستان شما مطلب بنویسم. شما و دوستان تان می توانید اگر در باب مطلبی به قدر کافی توجیه نیستید باز هم سئوال کنید با این یادآوری که ادای پاسخ نیز اجباری نیست زیرا برخی از سئوالات حتی فهمیده هم نمی شوند.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 12:0

سلام استاد خسته نباشید. منظورم فروشگاه رفاه بود که دود شد.

در پناه حق باشید.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 12:46

سلام استاد. این نظریات از چه تاریخی مانده است؟! فرصتی است که جمع آوری اش کنم.

نویسنده: مووماں (سرباز سابق)

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 14:0

اطلاعیه

بدینوسیله از کلیه علاقه مندان برای شرکت در یک پروژه علمی دعوت به همکاری بعمل می آید. متقاضیان می بایست:

1. بنیان اندیش باشند؛ یعنی از کلیه ی درسهای آقای پورپیرار نمره ی قبولی گرفته باشند (تاکید می شود، از «تمام» آنها).

2. ساکن تهران باشند.

3. ترجیحا" در یکی از رشته های علوم پایه (ریاضیات، علوم کامپیوتر، فیزیک، شیمی، زیست شناسی)، یا علوم فنی و مهندسی، و یا علوم پزشکی دارای تحصیلات دانشگاهی باشند.

4. ترجیحا" در محدوده سنی 20 تا 40 سال باشند.

متقاضیان بایستی مشخصات خود شامل نام و نام خانوادگی، سن، مقطع و رشته تحصیلی، شغل و شماره تلفن تماس را به نشانی اینجانب ایمیل نمایند. مشخصات پروژه پس از انجام مصاحبه حضوری و تایید صلاحیت به اطلاع واجدین خواهد رسید.

مشخصات شما در اختیار فرد ثالثی قرار داده نخواهد شد. همچنین هویت اینجانب از طرف آقای پورپیرار شناخته شده و مورد تایید می باشد.

پست الکترونیک

نویسنده: رشید

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 14:17

باسلام خدمت دوستان و استاد بزرگوار
خطاب به حضرات مخالف عرض کنم که هیچ کدام از آنها اگر به خدا ایمان داشته باشند در مار شدن عصای حضرت موسی، سخن گفتن حضرت عیسی در گواره و در معجزات دیگر الهی جای هیچ شکی ندارند و نداشته اند و زبان در حلقشان کرکره وار پیچیده مانده بود زیرا همه ما می دانیم معجزه از راههای غیر عادی و معمول آن اتفاق می افتد و قرار نیست آقایان مغز فروخته به یهود از طریق باران های موسمی و راه فاضلابهای خانگیشان موضوع جمع شدن و خروج آب را توجیه کنند.
ثانیا تا زمانی که خدایان یهودشان تمام زمین را زیر آب فرو برده بودند که صدای هیچ کدامشان در نیامده بود و اعتراض به مقدار آب نکرده بودند.

ثالثا اگر قرار باشد با وجود این همه دلیل باز هم ساز خود را می نوازند پس بگذارید تا نفخ صور که ان شاء الله گوش هایشان کر شود بنوازند .زیرا تنها ان صداست که هوشیارشان خواهد کرد.
و من الله التوفیق

پست الکترونیک

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 14:34

آقای رشید. تنها آن نیست که شما نوشته اید، باید به مدد الهی تشت رسوایی آنان را که بی شرمانه و بدتر از فارسیان قرآن را مشحون از لغت ترکی می دانند، سرنگون کرد. بنا بر یقه درانی ماموران کنیسه ظاهرا قرآن فقط با لغت فارس و ترک نوشته شده است! ترک و فارسی که فقط دو سه قرن از ظهورشان می گذرد.

آقای سوومان. خسته نباشید. اسم مرا هم بنویسید چون نوشته های آقای پورپیرار را خوب خوانده ام.

آقای عابدی. شما هم خسته نباشید. پاسخ ها را جمع آوری و به روز رسانده ام و به زودی و به تدریج به شرط حیات نصب خواهم کرد. به هر حال ممنونم.

آقای ... مگر زبان ترکی متن تفصیلی و تفضیلی دیگری جز کتاب صدیق هم دارد؟ جالب است که مدعیان هنوز هم به طور رسمی داده های صدیق را مردود ندانسته اند.

نویسنده: بابک

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 15:22

جناب سوومان
مشخصات خودمان را چطوری برایتان ارسال کنیم؟

نویسنده: رشید

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 15:57

با سلام خدمت استاد گرامی

با توجه به یافته های شما مبنی بر آنکه خط عربی و تالیف کتب به معنای امروزی به دوران چندان دوری از لحاظ تاریخی باز نمی گردد آیا به نظر شما مسلمانان در هیچ دورانی به شکوفایی علمی و تالیفات کتب گوناگون به آن صورت که در کتاب های تاریخی نوشته شده است دست یافته اند . مثلا کتب اندلسی که در بخش هایی از آفریقا توسط مهاجران مسلمان گریخته از دست صلیبیان باقی مانده تا چه حد صحیح و قابل اطمینان می باشند.

پست الکترونیک

نویسنده: رشید

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 17:40

با سلام خدمت استاد و دیگر بنیان اندیشان
مقالات اسلام و شمشیر به شکل کامل در آرشیو موجود نمی باشد اگر ممکن است آنها را به نحوی از شماره نخست تا انتها در سایت نصب یا به شکل دیگری در اختیارمان قرار دهید با تشکر.

پست الکترونیک



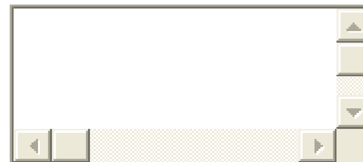
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 221، نتیجه، 29، بررسی بی باری و آلودگی در علوم انسانی - 76 نظر

نویسنده: آمون

دوشنبه 22 تیر1388 ساعت: 22:17

آمون به روز شد.
خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com
برای عضویت در خبرنامه به وبلاگ سر بزنید.

نویسنده: رضا

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 8:27

سلام استاد.
امیدوارم که بحث یا سوال من انحرافی نباشد.در نقشه های این سایت که مربوط به خلیج فارس است در اغلب آنها از این دریا به دریای القطیفMare Alcattif در کنار خلیج عربیSinus Arabicus نام برده شده.نظر شما در مورد درستی و اعتبار نقشه های آنها که قدیمی ترین آن مربوط به سال 1550 است چیست؟
با تشکر

وب سایت

نویسنده: محمد

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 9:54

سلام
با عنوان قرآن بینش جهانی به روزم
برای اولین بار تفکر و بینشی نو در ارتباط با قرآن در وبلاگم به روز کردم که به نظر می آید تا حال در هیچ جای جهان مطرح نشده است
این نوع بینش تحول اساسی و نویی در فهم و متدلوژی قرآن ارائه می کند
لطف کنید چون در ابتدای این سری از مقالات هستم بیایید با همگامی همدیگر در ایجاد این نوع بینش هگام باشیم


وب سایت

نویسنده: رضاصدیقی

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 12:1

با سلام و عرض ارادت
بدین وسیله 36مین گفتار هنر و تمدن اقوام پراکنده ایران را با عنوان بابیروم ها به جناب عالی و خوانندگان محترمتان تقدیم می کنم.

وب سایت

نویسنده: مسعود

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 12:6

عرض سلام خدمت شما استاد عزیز

ضمن تشکر فراوان از لطف شما جهت دریافت کتاب "نانگا پاربات" که فرموده بودید و همچنین عرض ارادت احتمالا" و بحول الهي در هفته آينده حضوري خدمت ميرسم.

برايتان آرزوي سلامتي مينمايم.

خدانگهدارتان.

نویسنده: محمد رضا

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 13:14

سلام استاد. با گاف بزرگ آقای رفرف آشنا شوید که این همه ادعای زبان شناسی دارد. در وبلاگ ایشان باز هم با اجازه ی استادم یادداشت کوتاه زیر را گذاردم.

شما را به خدا ببینید در برابر استاد ما چه تحفه هایی را فرستاده اند، این آقای رفرف که مدعی زبان دانی و ترجمه ی کتب انگلیسی است تصویری از همینگوی بر روی جلد مجله ی لایف را که به وضوح نام همینگوی را بر پشت مجله دارد، تصویریی از رون وایت معرفی می کند، تا بدانیم که او همینگوی را هم نمی شناسد و بی سواد واقعی است. فاعتبروا یا اولو الابصار.

نویسنده: ترک

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 13:35

من خوشحالم که به اصطلاح روشن فکر نیستم, من یک شخص 23 ساله ام که راحتتر میتونم حقایق این مطالب رو جذب کنم.

اثبات نسل کشی توسط یهودیان , رد بزرگی و عظمت هخامنشیان و بعد اعتقاد داشتن به بابک و امسال اون یعنی اینکه از چاله در آمدن و افتادن در چاه...

نویسنده: شاگرد جدید

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 16:58

با سلام خدمت استاد
بدون در نظر گرفتن گافهای آقای رفرف نظرتان درمورد مطلب اخیر ایشان و رون وایت و گاردنر و ادعاهایشان چیست؟ با در نظر گرفتن ادله های شما متوجه میشویم که وجود کشتی یکی از دلایل بوده آیا همچنان بر وجود کشتی در کوه آرارات ایمان دارید و یا اثباط حادثه طوفان بدون کشتی , تنها با در نظر گرفتن مسائل زمین شناسی میسر است

نویسنده: محمد علی

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 21:38

سلام
استاد شما گفتید که در کتاب دده قور قود به سلاح گرم اشاره شده!بهتر نیست که سند آن را هم بگذارید؟!
اگر چنین باشد جدای از رد قدمت هزار ساله آن برای راحتی کار می توان کتاب و صحت آن را رد کرد!
من از اینترنت عادی استفاده می کنم و سرعت ندارد چگونه می توانم فیلم تخت گاه هیچکس را تهیه کنم؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 21:44

آقای محمد رضا. در آن یادداشت لااقل دو گاف گنده تر از اشاره ی شما یافت می شود. چند باری گفته ام که ورود به این گونه گرد و خاک ها وقت تلف کردن است.

آقای رضا. بسیار سرگرم کننده و در عین حال سخت قلابی بود، زیرا از شهرهایی که او در ایران 500 سال پیش با نام و محل معرفی می کند تا 250 سال پیش کم ترین خبری نبوده است.

آقای محمد رضا. آدرس شما رسید و بلافاصله کتاب ها ارسال شد.

آقای شاگرد جدید. این گرد و خاک های بی نتیجه ی ژورنالیستی نشان بزرگ فقدان استدلال است. این که چه کسی چه چیز گفت، ربطی به برخورد چشم و گوش بیننده با تصاویر و مطالب یک فیلم مستند ندارد. مثل این که شما مستندی درباره ی حمله شیری به شکاری ببینید و کسی بگوید که آن شیر قورباغه بوده است!!!؟ در ارتفاع 1800 متری کوه آرارات آشکارا یک کشتی کامل دیده می شود که باد در آن جا نیانداخته است. هیاهو و ایجاد گرد و خاک درباره ی کشتی از آن است که وجود آن، تئوری جهانی بودن طوفان در تورات را به گند می کشد.

آقای محمد علی. در انتهای آن مطلب آدرس منبع آن هم آمده که کتاب آقای فیروز منصوری است. در عین حال می توانید به داستان هفتم از کتاب دده قورقود نیز رجوع کنید. برای دریافت تختگاه با تلفن 66492049 در تهران تماس بگیرید.

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 21:52

جناب موومان نام بنده راهم اضافه کنید از آنجایی که دورادور با طرحتان آشنا شده ام بسیار مایل هستم که در آن سهم کوچکی داشته باشم.

این رو برای رفرف نوشتم
تکنولوژی وبلاگ و اینترنت که بوسیله موسسات وابسته به کنیسه و کلیسا ابداع و اختراع شده است، برای استفاده از خرد جمعی به منظور پیشرفت آگاهی و دانائی است. "
جناب رفرف متاسفانه مثل این که شما در بیقوله ها سیر می کنید .این حقیقتی است که امثال شما کروات نشان ها دارای افکاری شسته شده اید و اگر هزاران جین تان را در یک جا جمع کنند از آنها چیزی جز همان خواب آموزی های که در دوران طفولیت دچار آن شده اید دیده و شنیده نمی شود. این استفاده از خرد جمعی به منظور پیشرفت آگاهی و دانائی کاملا می رساند که چقدر شما از مسئله پرت هستید.بدین وسیله بنده فاتحه ای برای آن خرد و جمع وپیشرفت و آگاهی می فرستم.
امیدوارم خداوند تعصبات ناشی از عقده های قومی را در شما کاهش دهد تا کمی چشم خود را باز کنید و آن 43 درصد دیگر هم حل شود.

نویسنده: reza71

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 22:26

در یک کتاب پرفروش چینی با نام « جنگ پولی » تشریح می‌شود که چگونه یهودی‌ها حکومت بر جهان را از طریق دخل و تصرف در نظام مالی جهانی طراحی می‌کنند. بر اساس گزارشات خبری این کتاب در بالاترین محافل حکومتی خوانده شده است. اگر این خبر درست باشد نشانه‌ی بسیار بدی برای نظام مالی بین‌المللی خواهد بود که برای بهبود بحران فعلی در جهان به کمک چینی‌های مطلع متکی شده است.

http://theverylastproxy.com/index.php?q=aHR0cDovL3dvcmxkLmlyYW4tZW1yb296Lm5ldC9pbmRleC5waHA%2FL3dvcmxkL21vcmUvMTc1OTEv

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 23:14

خدمت محمد رضا خان عزیز و گرامی :

جناب رفرف این بقول معروف سوتی های جنابعالی را نمی توان به این راحتی بی خیال شد . آقا محمد رضا واقعا که می بینید گیر چه جماعتی افتاده ایم.

نویسنده: یکی

سه شنبه 23 تیر1388 ساعت: 20:59

خبرگزاري فارس: اكثر زندانيان ،بازداشت در زندان اوين را به ديگر بازداشتگاه‌ها ترجيح مي كنند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاري فارس قوه قضائيه جمهوري اسلامي ايران براي چندمين بار پياپي و خلاف روال معمول ديگر كشورها، درهاي يكي از زندانهاي خود كه به "زندان اوين" مشهور است به روي خبرنگاران داخلي و خارجي گشود تا يك بار ديگر اصحاب رسانه با حس كنجكاوي خاص خود واقعيت‌هاي موجود در بازداشتگاههاي ايران و شرايط زندگي در داخل زندان را موشكافانه براي افكار عمومي منعكس كنند.
آنگونه كه سليماني، مدير كل زندانهاي استان تهران در جريان اين بازديد چندين ساعته اعلام كرد ظرفيت اسمي زندان اوين هزار نفر است اما آمار كل زندانيان در اين بازداشتگاه 5 هزار و 300 نفر مي‌باشد كه تعداد 2 هزار و 500 نفر از آنان در حال حاضر در زندان و ما بقي در مرخصي به سر مي‌برند.

تا همينجا كافيه!

نویسنده: تازه بیدار شده!

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 2:8

در این دنیا شخصی به تیز بینی شما ندیده ام. شیر مادرت حلال باشد و خداوند محفوظ تان بدارد.

نویسنده: مووومان

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 2:43

اطلاعیه

بدینوسیله از کلیه علاقه مندان برای شرکت در یک پروژه ی علمی بین رشته ای (multi-disciplinary) دعوت به همکاری بعمل می آید. متقاضیان می بایست:

1. بنیان اندیش باشند؛ یعنی از کلیه ی درسهای آقای پورپیرار نمره ی قبولی گرفته باشند (تاکید می شود، از «تمام» آنها).

2. ساکن تهران باشند.

3. ترجیحا" در یکی از رشته های «علوم پایه»، «علوم فنی و مهندسی»، و یا «علوم پزشکی» دارای تحصیلات دانشگاهی باشند.

4. ترجیحا" در محدوده سنی 20 تا 40 سال باشند.

متقاضیان بایستی مشخصات خود شامل نام و نام خانوادگی، سن، مقطع و رشته تحصیلی، شغل و شماره تلفن تماس را به نشانی اینجانب muvmaan@gmail.com ایمیل نمایند. مشخصات پروژه پس از انجام مصاحبه حضوری و تایید صلاحیت به اطلاع واجدین خواهد رسید.

مشخصات شما در اختیار فرد ثالثی قرار داده نخواهد شد. همچنین هویت اینجانب از طرف آقای پورپیرار شناخته شده و مورد تایید می باشد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 5:58

آقای تازه بیدار شده. دوستان شما از کجا می دانند صد سال دیگر چه اتفاقی خواهد افتاد؟ وانگهی جنگ ایران و عراق موزه هم دارد.

آقای محمد رضا. همراه کتاب ها صورت حساب و طرز پرداخت ذکر شده.

آقای juhud. آن لینک باز نشد و از حرف های اسرار آمیز شما هم چیزی نفهمیدم.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 6:45

با عرض سلام و ادب خدمت استاد محترم
خسته نباشید ، سئوالی ذهن من را پس از مرور مطالب قبلی به خود مشغول کرده است ، طبق نوشته های قبلی شما گفته بودید که نطفه امپراطوری عثمانی حدود 500 سال پیش ، نه بطور طبیعی بلکه بصورت مصنوعی و توطئه آمیز و با رها کردن چند خانوار ترک زبان در سرزمین قرنها خالی مانده از سکنه مرکزی ترکیه و پس از خروج هلنیستهای روم شکل گرفته است ، ولی در نوشته های اخیر عقیده دارید که زبان ترکی در 200 سال اخیر و پس از زبان فارسی ابداع شده است با ترکیب زبان فارسی و عربی . خوب اینجا با یک تضاد روبرو هستیم که آنگاه عثمانیانی که در قالب چند خانوار و در 5 قرن پیش در ترکیه امروزی رها شده اند و بعد بصورت سازماندهی شده تشکیل امپراطوری عثمانی را داده اند که مبلغ زبان و نژاد ترکی و نیز مذهب پیامبر پرستی در مقابل امام پرستی صفویه را داده اند در این 3 قرن مانده تا تولد زبان ترکی به چه زبانی صحبت می نمودند ؟!
نکته دیگر اینکه تصور می کنم هیچ زبانی را نمی توان دست ساز و مصنوعی اختراع کرد ، چرا که یک زبان باید در بطن یکسری روابط اجتماعی و زیستی و در طول لااقل چند قرن شکل بگیرد ، بنابراین تصور اینکه زبان فارسی یا ترکی کلا مصنوعی باشد برایم سخت است ، یعنی یهودیان به چه نیازی دست به چنین کاری زدند که یک شبه برای ارتباط کلامی خود در خطه پوریم زده ایران برای خود زبان اختراع کرده باشند و خود را به رنج و عذاب انداخته باشند ؟ البته در پدیش بودن زبان فارسی شکی ندارم و در مورد زبان ترکی منتظر دیگر مطالب شما هستم ولی آیا اصولی تر نیست که زبان فارسی را

یک زبان قدیمی یهودیان بدانیم ؟ البته موضوع پیچیدگی زیادی دارد از جمله اینکه این زبان یدیش در سرزمین خالی از سکنه ایران چگونه شکل گرفته ؟ شاید باید آنرا مرتبط با زبان هندیان پارسی دانست که یهودیان در بین آنها می زیسته اند ؟

وب سایت

نویسنده: یه نفر

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 10:24

http://naria-.blogfa.com/

همینه ولی نمی دونم چرا تو فایرفاکس و اوپرا ، بهتر از اینترنت اکسپلورر باز می کنه!
خلاصه دیگه!

نویسنده: امیررضا

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 14:17

با سلام خدمت جناب پورپیرار و آرزوی توفیق
سوالی از خدمتتان داشتم مبنی بر اینکه آیا نظریه شما در مورد همه زبانهایی که الفبای نوشتاری مخصوص و در نتیجه امکان نوشتار هم در آنها وجود نداشته همانند زبان های فارسی و ترکی است یعنی برای آنها نیز باید دنبال زمان اختراع در سالهای نه چندان دور باشیم مانند زبانهای مختلف اروپایی(برای ایجاد اختلاف و بهره برداری یهود از تفرقه های قومی ومذهبی بین مسیحیان)
آیا نمی توان برای زبانهای بدون نوشتار هویت و اصالت قائل شد و راز ماندگاری آن زبان را به صورت سینه به سینه پذیرفت و اینکه یهودیانی که برای زبان فارسی اختراعی خود الفبای عبری اختراع کرده اند در حالی که به قول شما این الفبا برای نوشتار زبان یدیش خود (زبان فارسی) اختراع شده بوده چرا با حفظ این الفبا و اصالت بخشیدن به آن از گسترش الفبای عربی جلوگیری نکرده اند ولزوم عربی کردن الفبای فارسی چه بوده
و منظور اینکه در صورت اختراع زبانهای فارسی و ترکی چرا برای این زبانها الفبا اختراع نکرده اند مگر اختراع الفبا در مقابل اختراع زبان کاری داشت در صورتی که با بررسی الفبای امروز فارسی متوجه میشویم که برای نوشتار کاملا وابستگی به عربی را حفظ کرده حتی در نوشتار کلمات عربی نهایت امانتداری را دارد اصولا زبان فارسی برای نوشتار نیاز به 22 حرف دارد و 10 حرف دیگر مختص عربی و کلمات وارداتی است
آنها میتوانستند با اختراع الفبای جدا گانه ترکی و فارسی به اهداف از پیش تعیین شده به راحتی دست یابند و جمعیت مثلا مسلمانی بپرورانند که علاوه بر بیگانگی با زبان قرآن با الفبای قران هم بیگانه باشند مثل ترکیه بعد از آتا ترک

نویسنده: امیررضا

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 14:24

از نوشته های شما اثتنباط میشود نزدیک به نیمی از جمعیت مسلمانان از جمله کشورهای ایران ترکیه آذربایجان افغانستان پاکستان ترکمنستان قزاقستان و مابقی کشورهای آسیای میانه و در نتیجه چین... دستپخت یهودیان هستند
چگونه زبانی مثل ترکی که هیچ امانتداری در گفتار و در نتیجه نوشتار کلمات عربی و فارسی نداشته و ندارد و برای خود آوای کاملا مخصوص دارد برای ساخت آن از زبانهای فارسی و عربی الهام گرفته باشند که حتی کلمه ای از این دو زبان در آن صحیح تلفظ نمیشود و آیا این نشانه وارداتی بودن کلمات این زبان در یک زبان مستقل نیست زبانی که همه خصوصیات یک زبان مستقل را داراست و هرچند از نظر نوشتار بی بهره بوده
باز با همه ادله های شما به نظر میرسد برای این دو زبان باید خواستگاهی بومی هر چند در ده کوره ای قائل شد که شاید ابزار توطعه یهود بوده است
متشکرم

نویسنده: توحید

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 10:59

سلام استاد ، یک سئوال دیگر داشتم ، گویا یک تحقیق علمی درباره بررسی کتیبه های بیستون حدود 4 سال پیش توسط یکی از اساتید دانشگاه امیر کبیر در جریان بود و قرار بوده که در قالب یک جلد کتاب نتایج آن منتشر شود ، آیا این کتاب هنوز چاپ نشده است و اگر نه چه مشکلاتی باعث تاخیر آن شده است ؟

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی #1

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 15:5

آقای پورپیرار

نمی دانم که مدارج جنابعالی چه بوده و از نظر بنده هم اهمیتی ندارد و سئوال هم نمیکنم. اما آنچه اهمیت دارد این است که هر کس با نوشتن هر اثری، اولین چیزی را که به نمایش میگذارد همان معیارهای ارزیابی های خودش می باشد. به عبارت دیگر، آنچکه شما مخصوصا در این پست نوشتید؛ دیگر نه تنها، برای حوزه علوم انسانی چیزی نگذاشت بلکه رسما ماه و خورشید و جمع و تفریق را هم زیر سئوال برد و مستقیما مسئولیت این توطئه جهانی را که تا لول فرایندهای بین ملکولی و اتمی هم پیش رفته به شانه های یهود انداخت!

بنده یکی از مدافعین سرسخت شما بوده ام و خدا می داند که ساعتهائی را در دفاع از مطالب شما صرف کرده ام. چرا که همیشه به دوستان گفته بودم که با توجه به تحصیلاتم در حوزه علوم انسانی از آکادمیا غربی، اگر کسی را از ایران بشناسم که به سبک و استدلال فولادین ***"روشنگران" غربی*** می نویسد، او ناصر پورپیرار است!! با استدلال و دور از تعصب! اما این در مورد پست اخیرتان صادق نیست قربان.

اس ام اس می گیرم که " رفیقت که دست گوبل را که از پشت بسته است؟! " ، "به طالبانیسم علمی خوش آمدید" یا "صد رحمت به آدولف!"

آقای پورپیرار این انگلیسی ها مثل خوبی دارند می گویند " دروغ را نمی توان بدون مخلوط کردن با حرف راست تحویل کسی داد! " حال از شما می پرسم آیا بغیر از این است که آنهائی را که در این پستتان متهم کرده اید همان کسانی هم هستند که حرف های راستشان هم زیاد است؟؟ آیا همه این روشن فکرانی که شما از آنها برائت جسته اید، خیلی هایشان همان کسانی هستند ونبودند که برای بشریت دل هم سوزاندند و گره ها گشودند؟؟ بله انسان موجودی است مختار بین همه قشر هم خوب و هم ننگ هم پیدا میشود، اما نه دیگر اینطور که شما تنفر را به مخاطبانتان تزریق می کنید. این مسئله کوچکی نیست . واکنش مخاطبان هم جالب است!!

نویسنده: علی از مالزی #2

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 15:6

شما که "خودتان القاء عداوت و دشمنی در بین مردم" میکنید!! وقتی همه را دروغگو و یک عده شیاد و حقوق بگیر که آلت دست یهود هستند معرفی میکنید، چطور اخلاق اسلامیتان این را توجیه میکند؟؟ یا اینکه برچسب گرد و خاک و شلوغ کاری و غیره در بهترین حالت به سئوالات اساسی می دهید که بر پایه های علمی سوار است که شما همین لحظه به نوعی در حال استفاده از آثار آن هستید ؟ حال چه طور انتظار دارید که کسی در مورد نویسنده چنین متنی صدها سئوال و پرسش حاشیه ای را مطرح ننماید ؟؟

شما راهتان را خوب شروع کردید، لطفا آنرا هم نیکو ادامه دهید و به سر منزل برسانید. نه به اینگونه که هر روز تعداد مشتاقان رنج دیده و سختی کشیده تان کم و بر گروه شیران علمتان اضافه گردد.

این را هم البته عرض کنم که این چهار دیواری شما اختیاری است و شما ذی الحقید که هر آنچه دوست دارید بنویسید و منتشر کنید. این مخاطب است که تصمیم میگیرد. اما بنده هم حق خودم می دیدم که به وظیفه اسلامی ام عمل نمایم. بقیه اش با شما است.

بازگشت همه امورهم به سوی اوست.

نویسنده: امیررضا

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 15:28

با پوزش منظور استنباط بود

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 19:22

آقای علی از مالزی. این که چه اس ام اس هایی برای شما می رسد و انگلیسی ها چه مثلی دارند، پاسخ این مطلب نیست که ده سال پس از ارائه ی مباحثی که در مجموعه ی تاملی در بنیان تاریخ ایران آمده و چهار سال پس از انتشار مستند تختگاه هیچ کس، هنوز مراکز مربوطه و یا صاحب نظری معتبر، در سراسر جهان، "جرات نکرده" است به یکی از این همه مدخل ورود و اظهار وجود کند. من به فیزیک و ریاضی و علوم محض کاری ندارم، اما مطمئنم که حتی سطری از داده

های جهانی در علوم انسانی که پشتیبان دانشگاهی دارد، قابل اعتنا نیست. آیا لازم است یاد آوری کنم که جاده های چین را با چه دوز و کلکی به مردم جهان دیوارهایی در برابر هجوم مغول شهرت داده اند. سعی من این است که به خواهان آن تفهیم کنم که نام گذارنده ی انحرافی بر آن جاده ها درست همان کسی است که در تخت جمشید نیمه ساز جشن های نوروز گرفته است! نگران آموخته های دانشگاهی خود در حوزه ی علوم انسانی نباشید و با خیال آسوده همه را به رودخانه بریزید و بدانید که این تحقیقات القای دشمنی نیست، حساب کشی از دشمن مسلم تمدن و تفکر انسانی یعنی یهودیان است. سئوالی هم از شما دارم؟ آیا اصالتا ترکید؟

نویسنده: علی رضا

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 21:18

با عرض سلام وخسته نباشید حضور استاد ارجمند جناب پورپیرار
استاد غزیز مباحثی که تا حال ارا ئه نموده اید بسیار محکم و مستدل بوده است با این حال به جهت پیچیدگی مباحث اخیر و ارتباط کامل تاریخ ایران و جهان با سرنوشت یهودیان لازم به نظر میرسد که ما تاریخ قوم یهود از جریان پوریم به بعد(تاریخ بدون دروغ)را حتی الامکان خیلی اجمالی مطلع شویم تا بعضی ابهامات اساسی که در ذهن داریم برطرف شود از جمله:
1- بعد از جریان پوریم یهودیان در کدام مناطق حضور داشتند.
2- جنگ سلوکیان با یهودیان چه وضعیتی را پیش آورد؟وآیا بعد از این جنگ یهودیا ن از فلسطین اخراج شدند؟آیا ظهور حضرت عیسی در فلسطین بوده است؟
3- باتوجه به اشارات زیاد قرآن کریم به یهودیان درصدر اسلام , این قوم خضور زیادی در عربستان داشتند؟
4- وضعیت کشورهای اسلامی تا قبل از 500 سال پیش از نظر فرهنگی ونظامی چگونه بوده است و اساسا کدام زمینه وضعف در این کشورها با عث شد که همه چیز این کشورها در 500 سال اخیر به شکلی بی دفاع مورد هجوم کنیسه وکلیسا قرار بگیرد.
5- حضور یهودیان در ایران در 500 سال اخیر بیشتر از کدام مناطق بوده است وآیا انها زبان فارسی (و ترکی) را از مناطق دیگر جهان با خود آورده اند یا این دو زبان در همین منطقه بوجود آمده اند
البته خیلی از مطالب فوق به صورت پراکنده اشاره شده است و اگر مطالب با پیوستگی بیشتر و تکمیلتر بیان شود به درک راحتتر مباحث فعلی کمک خواهد کرد.
البته این خواسته زیادی است و نمیدانم در حال حاضر میسر است یا نه . به حرحال این ها سوالاتی هستند که ذهن مرا مشغول کرده است و شاید برای خیلی از علاقهمندان به پیگیری این مطالب هم چنین باشد.
انشائ الله سلامت وموفق باشید.

نویسنده: علی از مالزی #1

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 21:36

آقای پورپیرار،

کدام صاحب نظری، چه وقت و کی و به کدام مدخل علمی در ایران، جدی وارد شده است که حالا شما انتظار دارید کسی مباحث مطرح شده از طرف شما را مورد کنکاش قرار دهد؟؟ ؟ نکند پروپاگاندای تلویزیون وطنی واقعا مملکتی پژوهش پرور را در ذهن شما تداعی کرده است؟؟ یادتان رفته که در کشوری زندگی می کنیم که علیرغم در آمدهای هنگفت نفتی 100 سال به جیب زده اش ، چهرهای "به اصطلاح" ماندگارش هنوز یک سقف بالای سر سراغ ندارند چه برسد به اینکه بدنبال پژوهش و غیره بروند؟؟ یا وقتی "به اصطلاح" نخبه گان مان پا از وطن بیرون میگذارند به ناگاه خود را بین *دریائی از نخبگان* و فی النهایه بی سواد و به درد نخور می یابند و معمولا دست از پا درازتر با هزار دروغ که " آنجا اله بود و بله" به آغوش مام میهن بر میگردند تا از همین مردم انتقام بگیرند؟! بنده جواب سئوالات شما را در اینها می بینم اگر شما منظر دیدتان را فقط یک بار عوض کنید.

قبول که صدها سئوال اساسی در حوزه هائی که شما گفتید بی پاسخ مانده است. اصلا مسائل معاصر را هم به آنها اضافه کنید؛ مطمئنا به هزاران سئوال می رسد ولی این دلیل نمی شود که آن حوزه را از بیخ و بن بی ارزش تلقی کنید و با قطعیت وصف ناشدنی به کسی بگویید که آموخته هایت را نیز حواله رودخانه نما که به هیچ نیرزد!!

شکی نیست که آکادمیا قبل از هر صنف و مثل هر صنف دیگری پول محور بوده است و فعالیتهایش را مطابق خواسته های همان نهادی که نقدینگی را در اختیارش می گذارد تنظیم می کرده. اما اینکه شما سر تا سر حوزه انسانی و غیره را به خاطر سودجوئی های برخی، توطئه گر و خیانت کار به بشریت معرفی میکنید ، در ذهن مخاطب کم اطلاع هیچ چهارچوب دیگری سر پا نمی گذارد و فردا همین چهار صفحه سوادی را هم که در کتابها می خواند به توهم اینکه همه توطئه است رها می کند و خود محور می شود، یعنی نظری بغیر از نظر خودش را دیگر نمی پذیرد.

نویسنده: علی از مالزی #2

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 21:37

فرق است بین اینکه فرد منتقدانه بیاندیشد یا متنفرانه. آنچه شما در این پستتان نوشته اید آخری را تبلیغ می کند.

تشکر به هر حال چون بنده خیلی وقت است که هر کلامی بغیر از کلام الله را به رودخانه ریخته ام. آموخته های بنده هم، در زمینه ای از علوم انسانی است که بسیار نوپا و تخصصی تر از آن است که در وطن عزیز تصوری از کاربرد آن وجود داشته باشد. در ضمن در جواب سئوالتان باید بگویم خیر، از هیچ طرف.

تشکر.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 21:44

آقای توحید. مشکل این است که شما به دنبال زبان ترکی و فارسی می گردید. پیش از این توضیح دادم پس از حمله ی اسکندر به اورشلیم و تخریب کامل هیاکل سلیمان، یهودیان در سراسر جهان آن روز پراکنده شدند و برای حفظ امنیت و دور نگهداشتن حصار خود از آسیب غریبگان، در هر محدوده ای زبان و خطی مخصوص به خود تدارک دیدند که مصرف داخلی و قومی و ایمانی داشته است. تعداد این زبان ها برابر تعداد مجتمع های یهودی نشین در نقاط مختلف عالم است و در اصطلاح جهانی تمام آن ها زبان های یدیش نامیده می شوند. در دوران اخیر یدیش جاری در میان یهودیان ایران با تعویض خط و در طی تحولاتی که پیش تر توضیح دادم، برای تولید ملت پرشیا بدون هیچ سابقه ای زبان فارسی نام گرفت. این پروسه ای است که عینا در منطقه ی خالی از سکنه ی ترکیه روی داد و گروهی که مامور تولید ملت ترک بوده اند، یدیش همراه خود را در جریان تحولات بعدی، زبان ترکی خواندند و از آن که نه یدیش ما و نه یدیش ترکان، از نظر واژگان، برای تدارک و القای فرهنگ مستقل و مقتدر کفایت نمی کرد، ناگزیر در زبان شگفت عرب رخنه کردند و کمبودهای لغوی خود را به دنبال مصادره ی خط، از زبان عرب برداشتند با این تفاوت که یدیش ترکیه برای رفع این کمبودها علاوه بر لغات عرب به لغات یدیش ایران نیز که دیگر فارسی نام داشت، ناخنک زده است، مطلبی که از جوان تر بودن زبان ترکی حکایت می کند. این تجاوز و تغذیه تا به حدی است که پس از این همه افت و خیز و گذشت زمان، زبان فارسی و ترکی فقط یک اصطلاح است، زیرا نیم موثر و ناقل مقصود، در لغات هر دو زبان عربی است! چنین بود داستان زایمان دو زبان ترکی و فارسی که هر یک به کار کوبیدن بر سر آن دیگری آمده است. در حال حاضر و به سعی تاریخ نگاران یهود آغاز اجرای این پروژه ها در ایران را ظهور دولت صفویه و در ترکیه پیدایش امپراتوری توپ دار عثمانی نام داده اند!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 22:1

اقای علی از مالزی. افسوس که اهل گرد و خاک نیستم وگرنه با خبرتان می کردم که آن استادان دانشگاه در آمریکا که جوهر یهودی دارند از دانش جویان ایرانی در باب من برای دریافت اطلاعات منفی از هر قماش پرس و جو می کنند. آیا می دانید شش سالی است که ورود من به کشورهای عضو شینگن، ایالات متحده، کانادا و استرالیا به عنوان عنصر ضد یهود ممنوع است؟ آیا خبر دارید که دادستانی ایالات متحده با اخطار رسمی سه سال پیش به تلویزیون آشوریان در آمریکا دستور داد که مصاحبه ی تلفنی با مرا که فقط یک جلسه انجام شده بود، قطع کنند؟ آیا این ها نشانه ی تمدن و آگاهی و فرهنگ و دموکراسی است؟ و آیا عقب مانده ترین عضو دانشگاه های ایران بر این ها شرف ندارند؟ اگر سطوح سیاسی این کشورها برای سرکوب یک صاحب اندیشه ی مستقل تا این حد با مدیران فرهنگی خود متحدند، پس کرسی علوم انسانی در دانشگاه های سراسر جهان و به خصوص غرب، طویله است. و این ها که شنیدید هنوز یک حرعه بود... ضمنا اجازه دهید بپرسم چه عاملی جز محصولات و تالیفات غرب، روشن فکری کنونی ایران را به کاریکاتورهای موجود تبدیل کرده است؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 22:27

آقای علی رضا. اگر به یادداشت ها رجوع کنید برای تمام سئوالات خود پاسخ مفصل خواید گرفت، اما فعلا و در حد ممکن به اختصار پاسخ سئوالات تان را می نویسم.

1. یهودیان پس از اجرای قتل عام پوریم به اورشلیم بازگشتند که در حمله اسکندر به کلی نابود شد و یهودیان در جهان پراکنده شدند و تا پس از جنگ جهانی دوم یعنی 2200 سال آواره زیستند و سرزمین مستقل نداشته اند.

2.یهودیان پس از امحا٬ اورشلیم در تمام جهان و از جمله در بین النهرین به صورت کلنی های مخصوص به خود حضور داشته اند.

3. عامل اساسی ضعف در بین مسلمانان تولید دو ملت ترک و فارس برای برپا کردن خیمه گاه تفرقه ی اسلامی در این سرزمین هاست.

4. در مورد سئوال آخر به پاسخ آقای توحید رجوع کنید.

آقای امیر رضا. جواب های شما در لا به لای پاسخ به دیگر دوستان پیدا می شود.

نویسنده: علی از مالزی

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 23:9

قبول آقای پورپیرار. اینها به کسان خودشان هم رحم نمی کنند چه برسد به من و شما. این کاریکاتور وطنی هم تفاله های همان سیستم است.تا ما که در ایران بودیم هم که همین وضع بود!! همان طویله و همان بساط در همه سوراخ سمبه های سیاسی و فرهنگی وطن هم وجود داشت و شدید تر هم شده است. یاد این مثلی افتادم که میگوید" بهترین جای دنیا برای زندگی جائی است که به من یاد دهد که بقیه جاها هم مثل همان جا است" !!؟ . مساله آن است که راه چاه را به ما نشان دادند، ما چرا فیلم آنها شدیم؟؟ باید قبول کرد که حماقت و تنبلی خودمان بود. نباید سر نیزه را به سمت بیرون گرفت وقتی دشمنان دیگر دوستان همیشگی مانند و با هم سر یک سفره می نشینیم. در این حالت دیگر نیزه نیاز نیست اصلا، شیوه متفاوت است!

آنچه شما در این پست نوشتید، به نظر بنده، فرافکنی بود نه نوشته هائی که از ناصر پورپیرار انتظار می رفت. شما نوشتارتان بلاغت دارد چون نقد "خود" میکنید، چطور در این پستتان آن "خود " را فراموش کردید و کلا به دیگران پرداختید؟

علی ای حال، من متوجه منظور شما شدم اما با نوع نوشتارتان مخالفم چون اینبار خودی در آن پیدا نکردم. ان شالله صبر می کنم شاید شما ابعاد جدیدی را بیشتر منتشر کنید.

با تشکر.

نویسنده: تذکر

چهارشنبه 24 تیر1388 ساعت: 23:11

استاد. وقتی نوشته می شود یهودیان به اورشلیم باز گشتند چنین به نظر می رسد که قبل تر آن جا را در اختیار داشتند !!!
لطفا لحاظ کنید.

نویسنده: یه نفر

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 3:47

«و تمام بنی اسراییل چیخوب جماعت برجه آدم کیمی داندن بئر شبعه قدر جلعاد دیاری اینن ربن حضورنده میصفه ده جمع اولدیلر. و تمام قومن رئیسلری اسرائیلن هامی سبطلردن قلج اوران درت یوز مین نفر پیاده اللهن قومنن جمعیتنده دوردیلر.
سلام
لطفا لغات فارسی رو فقط در این متن ذکر کنید . من داشتم می خوندم که دیدم که در این متن مثلا ترکی ، در بهترین شرایط فقط کمتر از 33 درصد و در حالت عمومی ، کمتر از 29 درصد لغات رو میشه ترکی حساب کرد ! من نمی دونم بقیه چطور حساب می کنن ولی من آخه لغات فارسی هم پیدا نمی کنم ! همه ش عربیه !
حداکثر سه تا لغت فارسی :
دیار
هامی (همه)
پیاده
)و) رو عربی گرفتم و یک لغت چون خیلی مهمه ولی پسوند ها رو محلی از اعراب نگرفتم هرچند در اون صورت هم خیلی تغییری نمی کرد !
ممنون.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 4:20

آقای علی از مالزی. از آن جهت به وجه اغراق آمیزی شیفته ی کار استاد غفوری در تولید این دو مستند جهانی ام، که دو سند آدم ساز و دو محک سلامت اندیشه اند. مثلا نمایش تخریب 150 هزار متر مربع بنای خشتی و نابودی بقایای یک قبرستان ایلامی در تخت جمشید - خیانتی که عالی جاه ترین اساتید دانشگاه شیکاگو، نسبت به آثار تاریخی هویت ساز یک ملت بی خبر از همه جا مرتکب شده اند - تکلیف هر کس را که اسیر سخن سرایی ها نیست، روشن می کند. من در غرب و در علوم انسانی کم ترین رد پایی از علم و تمدن نمی بینم، سراپا شیادی است برای هدایت دزدانه ی اندیشه ها به سوی حقانیت و حقوق تاریخی و ظاهرا تلف شده ی یهودیان. مسیری که از طریق مجمعی از آنوسیان استاد نما در شعبه هایی از کنیسه با نام دانشگاه، باز کرده اند و اگر بخواهید بیش تر با آن ها آشنا شوید به مسئولان فرهنگی جهان اسلام

نگاه کنید که ابدا مایل نیستند حقانیت قرآن در موضوع طوفان نوح و رد جهانی بودن آن که پیشنهادی توراتی است، برملا شود. همه جا با دست به سینه گانی در پیشگاه یهوه رو به روییم که مزورانه و یا مزدورانه برای گسترش دروغ در اختیار دانشگاه های کنیسه و کلیسایی غرب اند.

آقای یه نفر. آن آدرس حتی به ضرب فیلتر شکن هم باز نشد و اگر در متنی ترکی حتی یک لغت فارسی پیدا شود دلیل تقدم فارسی بر آن است.

آقای ماهور. کار دشواری نیست، خط دروغ را در مطالب این یادداشت ها و نوشته های پیشین در هر عرصه ای که مایلید، مثلا تاریخ اسلام و ایران و ادبیات و غیره دنبال کنید، همگی از پستوی دانشگاهی سر بیرون می کنند. بی تعارف بگویم که فقط مبحث جعل کتاب الفهرست ابن ندیم، عنوان مراکز فرهنگی مربوطه در غرب را به تماشاخانه های روحوضی خیابان لاله زار قدیم تبدیل می کند. ضمنا کسانی که آن کشتی عظیم در ارتفاعات آرارات را نمی بینند، دزدانه قصد انکار اشارات قرآن را دارند، تا طوفان و نوح و کشتی و حواشی آن مطلقا افسانه شناخته شود برای آن ها نه توضیحات و تصاویر قرآن، که مقاله فلان یهودی که گویا سری هم به لجن های دریای سیاه زده، حجت شمرده می شود. برای اطمینان از این اشاره ی من از هرکدام که خواستید سئوال کنید: آیا هرگز طوفانی رخ داده و نوح کشتی سازی بوده است؟!

آقای تذکر. خوب معلوم است که یهودیان پیش از حمله ی بخت النصر در اورشلیم بوده اند.

نویسنده: علی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 11:57

با سلام خدمت جناب پورپیرار و دوستان عزیز
من تقریبا با همه نظرات شما وادله های مطرح شده آشنا هستم هیچکدام به اندازه مبحث زبانهای فارسی و ترکی فکر من را در گیر نکرد وضوح مطالب وادله های پیشین در آن دلیل قبول آنها بود وفکر نمیکنم برداشتهای من با داده های قبلی شما مغایر باشد هر چند شما اعتقاد دارید قبول یکی از مباحث دلیل بر قبول تمام آنهاست اما در موارد اخیر حداقل برای من صدق نکرد و به دلیل اینکه بنده نژاد مشترک باصطلاح فارس و ترک دارم و چون گرایشات باستان دوستی از نوع فارسی در خانواده پدری ما وجود داشت اما مادرمان با زبان ترکی با ما صحبت میکرد همیشه سر این مسئله با پدرم سر نزاع داشت و به این دلیل ما با قوم پرستی میانه خوبی نداریم و به همین دلیل مطالب شما برای خانواده ما بسیار مهم است باید اعتراف کنم در مورد مطالب اخیر دچار سردر گمی شده ایم و این سر در گمی در مابقی دوستان هم تا حدی آشکار است من برای درک بیشتر این مباحث گریزی به نوشته های قبلی شما در مورد زبان فارسی زدم و بر سردر گمیم افزوده شد فکر میکنم نیاز به جمع بندی مطالب داریم دلیل پیوستنم به مباحث شما بعد از این مدت این است که به تازگی مباحث اخیر شما را مطاله کردم و قبل از آن مشغول مطالعه مطالب و آرشیو پرینت شده از سایت naria.ir بودم و هنوز کتاب اسلام وشمشیر شما رو تا مطلب 20 مطالعه کرده ام

نویسنده: علی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 12:0

نظریه شما درمورد لزوم اختراع زبان توسط یهود حفاظت از حوزه مذهبی خود بوده و برای جلوگیری از نفوظ عقاید غیر یهود در بین مردم خود مجبور بودن زبانی برای خود اختراع کنند مگر قبل از آن زبان آنها در ابتدای آوارگی چه بوده مگر آن زبان باعث افتراق آنها با مردم حوزه های ورود یهود نبوده پس لزوم اختراع زبان چه میتواند باشد آیا آنها زبان خود را فراموش کرده بودند؟!
باز قبول اینکه یهودیان با آواره شدن در مناطق مختلف زمین متاثر از زبان بومی مردم هر چند با حفظ باورها بوده اند منطقی به نظر میرسد مثلا زبان به اصطلاح فارسی(دری هر چی)شاید در منطقه دور از حوزه پوریم را از مردم بومی فرا گرفته وبا الفبایی همگون با آن که میگویید مختص این زبان ساخته شده است باورها وتلقینات خود را برای بسط دین خود وتسلط بر امور فرهنگی منطقه با آن نوشته اند و مردم مسلمان آن را که میرفت زبان الکن خود را به زبان قویم عربی قرآنی بیازند منحرف کنند و موفق هم بوده اند در غیر اینصورت باید بپذیریم مردم این سامان که بعدها به حوزه پوریم زده وارد شده اند سر بازان یهود بوده اند با اسلامی یهودی ودر اختیار یهود که زبان خود که معلوم نمیکنید چه بوده را برای تحقق این هدف فدای یهودیان کرده اند!!!

نویسنده: علی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 12:25

در مورد زبان ترکی تنها دلیل اختراع آن با توجه به نوشته های شما ساخت ملتی برای حضور در منطقه طوفان زده ترکیه و سدی برای نفوذ اسلام واقعی بوده یعنی اسلامی یهودی با خصوصیت پیامبر پرستی ورواج مذاهب زاینده نفاق پس مردم ترک هم در اصل سربازان یهود بوده اند چون زبانی که آنها ساخته اند را فراگرفته اند زبان قبلی خود را که باز معلوم نمیکنید چه بوده به خاطر اهداف یهود فراموش کرده اند یا اینکه اصلا زبان نداشته اند؟!و عجیب اینکه هر دو ن}اد فارس و ترک مسلمانانی عمدتا با تفکر ضد یهودی هستند

با قبول توطئه یهود در مقابله با اسلام با ساخت اقوام ترک و فارس باید بگویم به نظر بنده برای اینکار نیاز به اختراع زبان برای آنها الزامی نبوده وتنها با استفاده از همین تفاوت زبانی بین آنها وبا عربی و استفاده از ضعف زبانی آنها در عدم نگارش زبان بومی و نقص در فقر کلامی آنها در دریافت زبان قرآن به این هدف میرسیده اند
هدفی که در ایران با الفبای عربی و ساخت اسم جعلی فارسی و ایران به آن رسیدند و در ترکیه هم به همین ترتیب با توجه به نامناسب بودن الفبای عربی برای نگارش ترکی با الفبای لاتین کماکان به نظر میرسد تا حدود زیادی موفق بوده اند
همراه خانواده چند سوال اساسی داریم که امیدواریم کلی جواب ندهید
1 آیا در مناطق خارج از حوزه پوریم و طوفان مثلا در منطقه تاجیکستان و قزاقستان و ازبکستان یا در حوزه اطراف خزر (غیر از اسلاوهای مزدور یهود) مردمی هرچند به صورت ابتدایی وبدون تمدن ممتاز زیست میکرده اند اگر میزیسته اند زبانشان چه بوده؟

نویسنده: علی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 12:38

2 آیا ساکنین کنونی این مناطق هم زبان یهودیان را تکلم میکنند ودلیل خویشاوندی زبان امروزی مردم ترکیه و آذربایجان با این مردم چیست و اگر این زبان حاصل تولید نهایتا 150 سال پیش یهود است دلیل و ابزارانتقال آن به گونه های مختلف به آسیای میانه تا شمال چین چیست تا آنجایی که میدانیم مردم آن مناطق با کلماتی مشترک با زبان ترکی و با دستور و چیدمانی متفاوت با آن صحبت میکنند که دریافت معنایی آن برای دوحوزه مختلف گاه دشوار است در حالی که اکثرا کلمات و ریشه فعلی مشترک دارند ومن به ضرورت کاری و به دلیل خرید پنبه از ازبکستان این زبان را عینا با زبان آذربایجان مقایسه کرده ام برای مثال ازبکها به پنبه خوب "یاخچی" وبه پنبه متوسط "اورتا" میگویند که دقیقا معادل آذربایجانی آن است و در مورد کلمات دیگر هم اینچنین است وتفاوت آنها تنها مانند لهجه ای دور است
«یهود گفت دست خدا بسته است. بسته باد دست های شان که به سبب این گفتار لعنت شدند. چرا که دستان خدا گشوده است، روزی می دهد به کیفیتی که اراده می کند. تا قیامت میان آنان عداوت و کینه افکندیم، بر کفر و طغیان شان افزودیم و فرو نشاندیم آتش حربی را که آنان برافروختند که سعی شان مصروف ایجاد فساد در زمین است و خدا مفسدین را نمی پسندد». (مائده، ۶۴)
در این آیه به نظر میرسد خدا دستان یهود را با لعنتی ابدی بسته اما قراین نشان میدهد دستشان برای هر دست اندازی وفساد باز بوده و یا اینکه یهود امروز مصداق آیه ومکرو مکرالله والله خیرالماکرین شده است و فرهنگهای ساخته دستشان امروز بد جوری موی دماغ شده اند
اگر لازم دانستید یک جمع بندی در مورد همه ابهامات ارائه دهید تا این گره کور باز شود
از زحمات شما بسیار متشکرم

نویسنده: الکی خوش

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 13:27

آقای علی از مالزی

با اجازه من وارد بحثتون با آقای پورپیرار می شم.

اگه کسی تصمیم به گرفتن مدرک دانشگاهی ای در هر زمینه ای داشته باشه من به خودم جرات اظهار نظر نمی دم. فرضا کسی دوست داره توی دانشگاه رقص بخونه... این علاقه شخصیه. مشکل وقتی شروع می شه که این فرد ادعای اثبات چیزهایی رو داره که اثبات نکرده.

مشکل علوم انسانی اینه که علم نیست ولی ادعای علم بودن رو داره. لازم نیست که اینجا علم رو تعریف کنیم. فقط به این سوالا جواب بدین: تیوریهای شما از کجا می آن؟ و چطور تست می شن؟

شاید شما بگین که پدیده های اجتماعی بسیار بزرگ و پیچیده ان و نمی شه با روشهای علمی و دقیق مطالعه شون کرد. من هم موافقم! تا زمانی که روشهای علمی ما اونقدر پیشرفته نشن که باهاشون بشه این پدیده ها رو مطالعه کرد باید مراقب تر بود. برای من خیلی جالب بود که آقای پورپیرار تمام ادعا ها رو تا تهشون دنبال می کنه: کی گفته شاهنامه رو تو فلان قرن نوشتن؟ آیا نسخه خطی ای وجود داره؟ اگه وجود داره آیا روی اون آزمایشی صورت گرفته؟ نتیجه این آزمایش کجاست؟ ....

فقط یه مثال می زنم. ذهن انسان یه پدیده است. روانشناسی و علوم اعصاب دو رهیافت متفاوت به این پدیده ان. اولی رو از علوم انسانی می دونن و دومی یه علم واقعیه! تا جایی که من اطلاع دارم روانشناسی در حال انقراضه و توی دانشگاه های مطرح دنیا علوم اعصاب داره سیطره پیدا می کنه (اساتید روانشناسی اکثرا مسن ان و خبری از اونها توی نسل های بعدی نخواهد بود!).

نویسنده: سعید

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 13:39

باسلام خدمت استاد معظم و دوستان عزیز
خسته نباشید
سوالاتی داشتم که برای رفع ابهامات شاید موثر باشد
با توجه به جواب جنابعالی به آقای توحید مطالب تا حدودی جمع بندی شد اما این مطلب را به همراه داشت که مردم به اصطلاح فارس و ترک قبل از آمدن به مناطق ایران و ترکیه با زبان یدیش یهودیان آشنا بوده اند سوال این است:
این مردم چگونه با زبانهای یدیش یهودیان آشنا شده اند مگر این زبان به گفته خودتان "مصرف داخلی و قومی و ایمانی نداشته است!؟"دو حالت دارد یا خود صاحب آن زبان (یهودی)بوده اند و حالت دوم این زبان را از یهودیان آموخته اند پس
1-آیا منظورتان این است که مردم به ایران وترکیه آمده یعنی پدران ما خود یهودی بوده اند؟!!!
2-آیا کسانی که مامور ساختن مردم با اسامی جعلی ترک و فارس بوده اند یهودی بوده اند؟پس با مردم احتمالا!!!!!مسلمانی طرف هستند که قرار است با این زبانها آشنا شوندو بدان صحبت کنند شعر بگویند و آواز بخوانند و دین خود را تحریف کنند و... در این اینصورت این مردم هدف یهودیان قبل از آن کجا زیست میکرده اند به چه زبانی تکلم میکرده اند؟باتوجه به قراین تنها زبان منطقه عربی است پس دلیل رنگ باختن زبان قدرتمند عربی در مقابل آن زبانهای الکن چه بوده و چرا این مردم زبان یدیش یهودیان را پذیرفته اند؟به چه روشی آموختهاند
من که کلی گیج شده ام 
از اینکه شاگرد گیجی مثل من دارید احساستان چیست؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 18:58

آقای سعید. توجه کنید که ایران و ترکیه تا قرون اخیر، یکی به علت تبعات پوریم و دیگری به علت آسیب های طوفان، فاقد تجمع متمدن و اصولا شرط اول موفقیت در برنامه ریزی برای تولید ملت فارس و ترک خالی بودن این دو سرزمین از مدعیان پیشین بوده است. بدین ترتیب وارد شوندگان بر این دو اقلیم که موظف به بنیان گذاری دو فرهنگ و دو شاخه ی اصلی تفرقه در دین اسلام بوده اند، کار خود را نه با بومیان ناموجود ترک و فارس، بل با فرهنگ و زبان و امکانات خود آغاز کرده اند. در تحولات بعد و بنا بر نیاز ملت سازی مطابق برنامه، هر یک از این دو گروه، همان زبان یدیش همراه خود را، با ضمیمه کردن خط عرب و برداشت از گنجینه ی لغات آن، به دو زبان مختلف با نام های فارسی و ترکی تبدیل کرده اند. اندکی در این باب تامل کنید که اگر ترکی و فارسی زبان دیرین اند چرا هر دو زبان مثلا برای واژه ی "منظور" از کلام عرب استمداد و استفاده کرده اند و هنوز هم لغتی با هویت فارسی و ترکی مورد ادعای شان ندارند تا جایگزین کلمه ی منظور کنند، مگر آن ها در گفتار به زبان باستانی خود به این لغت و نظایر فراوان دیگری نیاز نداشته اند، که امروز به صورت وام واژه ی عربی به کار می برند؟! و چون التجا' به واژگان عرب در هر دو زبان ترکی و فارسی از محدوده ی معمول بسیار بیش تر و قریب 60 درصد است، پس وارد شوندگان نخستین، دو زبان یدیش ضعیف و محلی همراه خود را با تعمیرات متعدد، به دو زبان فارسی و ترکی بدل کرده اند. در عین حال گمان می کنم یادداشت های بعد باز هم به روشن شدن مطلب کمک خواهد کرد. برای آشنا شدن با مطلب به تر است همان کتاب دده قورقود را بخوانید تا معلوم تان شود که ذخیره ی لغت، در این کتاب منبع و مصدر قوم پرستان ترک چندان فقیر است که تنها به کار اثبات ضعف واژگان در زبان ترکی می آید. و البته دیگر نمی توانند مدعی شوند که مولف دده قورقود نیز مانند مترجم تورات ترکی بی سواد بوده است.

آقای الکی خوش. یادداشت محکمی بود شاید سرانجام از طریق این گفت و گوها عادت بد علمی خواندن هر یاوه ای، مثلا در زبان شناسی و یا فلسفه را از سر گروهی وهم زده بیاندازیم.

نویسنده: حکیمی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 20:27

سلام.جزئیات بازجویی های صدام:از حالا تا سال‌هاي آينده تنها احزاب سياسي فعال درعراق گروه‌هاي مسلح خواهند بود.

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=77592

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=77764

http://www.parsine.com/pages/?cid=9059

نویسنده: فتح

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 21:58

این نظر جدیدی آقای رهبر در باره موسیقی فارسی است. هفت وهشت هم فارسی است که از فارسها دزدیده شده

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2009/07/090716_ag_mk_rahbari.shtml

نویسنده: علی از مالزی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 22:0

آقای الکی خوش، تشکر می کنم و همین یاداشت شما را ارائه میکنم به آقای پورپیرار که برای یک بار هم که شده بر اساس همین *سئوال شما* روشن کنند از کجا، آن "کشتی عظیم" در ارتفاعات آرارات را می بینند؟؟ ادله شان، سندشان چیست؟ و چطور آن چیزی را که مکتشفان آن، خود، منکر آن شدند و در دادگاه به شیادی خود اعتراف کردند سند فیلمشان کرده اند و تصاویری بسیار از همان روحوضی گری را در فیلمشان جا داده اند؟؟! چون این همان چهارچوبی است که تمام بحث را روی آن مستقر کرده اند. کشتی قلب مساله است.

مگر آنکه آقای پورپیرار و تیمشان به همان محل حضوری تشریف برده باشند و نمونه برداریها و اندازه گیری های خودشان را انجام داده باشند و تا الان آنرا عیان نکرده باشند که در آن صورت همه چیز فرق میکند و من و شما نتیجه زحمت ایشان را مطالعه می کنیم و چه ثواب و چه نا، حداقل به خاطر سعیشان در وسع خود از ایشان قدردانی می کنیم. ولی نه اینکه به کسانیکه ادله وجود کشتی را سئوال می کنند، برچسب خدای ناکرده غیره و ذالک بزنیم! و خود هم به آن سایت سفری نکرده باشیم، آزمایشی نکرده باشیم و بعد بگوییم هر کس آنرا نمی بیند یا ندیده است اله هست و غیره...

آقای الکی خوش، شما هم اینقدر زود برای علوم انسانی حکم صادر نکنید. اگر می خواهید بدانید که تئوریها از کجا می آیند و چطور در این حوزه از فرضیه به تئوری تبدیل می شوند آدرس ایمیل بدهید با کمال افتخار برایتان کتاب می فرستم تا زحمت بکشید مطالعه کنید، تا از گستره این حوزه آگاهی کسب نمائید. بنده با یک کیبوردی که فارسی را با هزار مصیبت با آن تایپ می کنم و در چند پاراگراف، نمی توانم اینجا لکچر Evaluation Methods & Research بگذارم.

من نظرم کاملا برعکس شما است، روشهای علمی و کاملا دقیق برای مطالعه پیچیده ترین پدیده ها وجود دارند و هر روز نوآفرینی می گردند تا با گسترش آن پدیده منطبق شوند. در اصل همین چرخ دنیای امروز شما را مستقیم یا غیر همین روشهای دقیق علمی حوزه علوم انسانی برای شما می چرخانند!؟

با تشکر.

نویسنده: یکی

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 18:56

سلام
یه اس ام اس اومد که فردا رفسنجانی نمازجمعه میره(یعنی تمام وقایع به پایان رسیده و میشه از سوراخ به بیرون خزید) و موسوی و خاتمی (شهبانوی ایران زمین)هم هستند و ما هم وظیفه داریم بریم برای جنبش سبز.
احمدی نژاد زودتر فهمیده گذاشته در رفته مشهد تا مجبور نباشه بره نمازجمعه. این هم یه جور از طلب کردن های آقاست!

حوصله فضول باشی بودن ندارم ولی می دونم که لااقل بخشی از روان شناسان فقط به فکر انکار موضوع وحی به انبیا هستند و اونها رو می خوان بیمار روانی جلوه بدن و به بهانه اینکه منتقد و مباحثه گر پیرامون متن نیستند، از بررسی کتاب آسمانی طفره می رن. خوب این کم موضوعیه اخوی؟!

در ضمن اگر فیلم رو خوب دیده باشید باید بگم که از نظر من اون ماده اگر کشتی هم نباشه خیلی فرقی نمی کنه! کمی دقت کنید، من که خواجه شیراز نیستم که از گفته خود شاد باشم!

واسه امشب کوپنم ته کشید.

نویسنده: سوال

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 22:36

اگر در همان تورات پوسیده ی تان کلماتی ترکی بیابیم آن گاه تقدم را به کدام زبان بدهیم؟! جناب پورپیرار این گفتار که کدام یک از این زبان ها بر دیگری مقدم است نوعی غرق شدن در لجن های یهود است. سخنان تان همانند جدل ورجاوند و صدیق است!!!

ضمنا بر اساس یک کتاب هم نمی توان چنین نظری داشت. شاید ترجمه تورات را به ترکی به شخصی همانند مجتهد شبستری داده باشند. یک بار که به سخنان اش گوش دادم دیدم فقط افعال اش ترکی است مابقی فارسی و عربی اند!!!

نویسنده: توحید

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 20:10

سلام
استاد ، تشکر از پاسختان هر چند پاسختان به آقای سعید تکمیل تر بود و گوشه هایی از ابهامات را از ذهنم زدود ولی همانطور که در بین دیگر دوستان می بینید بحث گره خورده است و حجم سنگین مطالب که به 221 رسیده و احتمالا تا 300 ادامه پیدا کند ، که همینجا جا دارد بخاطر این کار طاقت فرسای دوسال و اندی به شما خسته نباشید بگویم ، موافق هستید که مانند سبک کتابهایتان یک خلاصه ای از بحث ایرانشناسی شماره 1 تا 221 داشته باشید همراه با نتیجه گیری ؟ احتمالا این کار بسیار مفید باشد .
نکته دیگر اینکه پس نژادی بنام « سامی » هم که ریشه ای توراتی دارد پس نژادی مجعول است و من در آوردی ، قبلا در سلسله مقالات « ملا نصر الدین هایی در معرفی تاریخ ایران » اشاره کرده بودید که در هیچ یک از کتیبه های کهن از جمله بیستون و کتیبه های بابل و ... هیچ اشاره ای به « عرب » نشده است ، آیا در تورات اشاره ای به قومی بنام عرب شده است ؟ سئوال دومم را هم متاسفانه فراموش کردید که پاسخ دهید ، آیا کار بررسی بر روی کتیبه بیستون که از 4 سال پیش آغاز شده بود و قرار بود بصورت کتابی نتیجه اعلام شود به اتمام رسیده یا نه ؟ آیا مشکلاتی در حین انجام آن پیش آمده که کار به تاخیر افتد ؟
خدا یاورتان باشد .

وب سایت

نویسنده: juhud

پنجشنبه 25 تیر1388 ساعت: 21:45

وبلاگ :
www.naria-.blogfa.com
با مطلبی تحت عنوان:
اخطار!
خطاب به همه خاخام ها و کنیسه ها به روز شد.

اگر در باز کردن مشکلی داشتید، از مرورگرهای فایرفاکس و اپرا و سافاری و ... استفاده کنید.



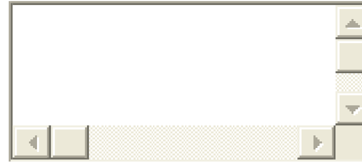
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 222

ایران شناسی بدون دروغ، 222، نتیجه، 30 ، نگاهی به موقعیت جغرافیایی اقوام
تورانی منطقه - 89 نظر

نویسنده: توحید

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 8:16

با سلام
ممنون از یادداشت 222 که بدون شک یکی از ارزشمند ترین سلسله یادداشت های ایرانشناسی بود ، امید وارم با این یادداشت ارزشمند و مستند ، منکرین محل وقوع طوفان نوح قانع شده باشند .

یک بحثی درباره وقوع طوفان نوح و شرایط وقوع آن دارم .
عده ای از دوستان و دشمنان وقوع این طوفان را در منطقه حوض مانند ترکیه غیر عملی می دانند ، سوال من این است که این ایراد شما در واقع ایراد به نظر استاد پورپیرار است یا ایراد به آن طوفان الهی و گذاشتن علامت سوال شک و تردید در مقابل این آیت الهی ؟! چون واضح است که وقوع چنین سیلی نیاز به محیطی بسته دارد و اگر در قرآن می خوانیم که شدت سیل به حدی بوده که حتی پسر بر فراز کوه رفته نوح را (سوره هود آیه 43) نیز می بلعد ، پس چنین پدیده طبیعی ای رخ داده و بحت و حیرت ما هم نمی تواند مانع پذیرش این رخ داد الهی باشد .
به نظر من اشکال این است که عده ای این طوفان را به دیده « معجزه » می نگرند و مثلا آقای رفرف در یکی از مقالاتشان آورده : « اگر این طوفان یک معجزه الهی است ، پس نیاز به شرایط و امکانات محیطی ندارد .... » در حالی که اولا در قرآن اصلا لفظ « معجزه » بکار نرفته ، بلکه بجای آن از « آیت » و به معنی نشانه استفاده شده ، در این معنی حتی رویدن دانه گندمی از دل زمین و ثمر دادن آن نیز یک « معجزه » است و یک « آیت الهی » که علارقم فراهم بودن همه ابزار آن « آب وخاک و ... » انسان کوچکترین قدرتی در خلق مشابه آن ندارد .
اگر به طوفان از این منظر نگاه کنیم ، اتفاقا وقوع چنین طوفانی مستلزم شرایط طبیعی خاصی است ، و از آنجا که قریب به یقین تمام حوادثی که در قرآن اشاره شده در شرق میانه رخ داده ، ما چنین مرکزی که شرایط وقوع این طوفان را داشته باشد به جز ترکیه سراغ نداریم ، حتی در کل جهان این موقعیت ترکیه استثنایی است .
یکی از دوستان محاسبه کرده که امکان پر شدن حوضی به ارتفاع 1800 متر با بارش چند ساله باران هم میسر نیست ، اولا

به نظر من این شبهه بر این است که نعوذ بالله خدا از چنین کاری عاجز است ، در حالی که طبق آیه 43 سوره هود این سیل تا ارتفاع کوهی که فرزند نوح به آن پناه برده را در بر گرفته و طبق قرآن توسط بارش باران هم صورت گرفته ....

وب سایت

نویسنده: توحید

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 8:18

نکته دیگر اینکه وسعت منطقه هیچ تاثیری در امکان وقوع این طوفان نداراد ، چه حوضی به مساحت 1 متر مربع و ارتفاع 1800 داشته باشیم و چه حوضی به مساحت 1000 کیلومتر مربع ، یعنی حوض یک متری به هیچ وجه سریع تر از حوض 1000 کیلومتری پر نمی شود ، به این دلیل ساده که حوضی به مساحت 1000 کیلومتر مربع از 1000000 حوض 1 متر مربعی تشکیل شده !!!
در ثانی طبق محاسبات من ، برای وقوع چنین پدیده ای نه تنها نیازی به سالها بارش نیست ، که ظرف مدت 2.5 روز چنین سیلی امکان پذیر است ، چون اگر مثلا طبق یک پیش فرض قبول کنیم که با توجه به کدهایی که در قرآن آمده و بارش تنوره ای باران و فوران آب از داخل زمین و عدم نفوذ آب بارانباریده شده به داخل زمین بعلت سرعت زیاد بارش و نیز با لا آمدن آبهای سطحی ، در هر ثانیه بارش باران و فوران آب از زمین 1 Cm سیلآبه روان شود ، یعنی در هر دقیقه 60 Cm به ارتفاع سیل افزوده شود و با تخفیف در 2 دقیقه 1 متر سیل جاری شود برای پر شدن حوضی به ارتفاع 1800 متر نیاز به 3600 دقیقه زمان یا به عبارتی 60 ساعت (همان 2.5 روز) داریم .

وب سایت

نویسنده: آمون

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 8:37

آمون به روز شد .
دوستان می توانند در خبرنامه عضو شوند که در وبلاگ قرار داده شده است .

amun.blogfa.com

نویسنده: بی نام

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 13:24

استاد بزرگوار جناب پور پیرار سلام علیکم وخسته نباشید

استاد کمی به حال این بیچارگان رحم کنید.نه اعتباری بر کتابشان باقی گذاردید نه ابرویی بر به اصطلاح عالمانشان.حد اقل اجازه بدهید(به مصلحت هم که شده) به اندازه خردلی صحت وسلامت برانسانیت و علم اینان باقی بماندوتا فرق سر در منجلاب و خلای تاریخ فروشان نکنید.مثلا" برای حفظ مصلحت(حفظ ابروی نداشته اینان) هم که شده یک یهودی خوب برای این بنده های ناپاک خدا بتراشیم.
استاد دست مریزاد.حقیقتا" که راه احتجاج و لج بازی وقیحانه راکه در طول تاریخ عامل نشر جعلیات واشاعه تباهی های این قوم کثیف وستمگر بوده را بسته اید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 14:44

آقای بی نام. از طریق این مباحث نه فقط یهودیان از هر بابت چاره اندیش، بل نان خوران آن ها را شناسایی می کنیم که غیورانه و به هر قیمت از دروغ های کنیسه پاس داری می کنند.

آقای توحید. قرار نیست که صحت نظر قرآن در موضوع شدت ریزش باران را با محاسبات ریاضی تایید کنیم تا معلوم شود که احتمالا لیسانس ریاضی هم داریم و ضریب احتمالات را هم خوانده ایم. برای ورود به اصل یهودی این شنگولک بازی های روشن فکری که در باب ترکیه و طوفان به راه افتاده، کافی است توجه کنید که حضرات در باب شکافتن دریا و گذر قوم شان از مانع آب اظهار شگفتی نمی کنند، زیرا که تورات نیز همان ماجرا را پذیرفته است، اما حالا حکایت این است که قبول وقوع طوفان در ترکیه، نظریه ی تورات در باب جهانی بودن آن را ابطال می کند! یک حقه بازی یهودانه ی بسیار ساده که در لفافه ی مباحث نظری پوشانده می شود! در عین حال بدانید مطالعات تکمیلی نه فقط دریاچه ی ارومیه، که دریای خزر را نیز حاصل سرریز دبی آن طوفان نشان می دهد. امری که اگر خدا وسیله فراهم کرد و به خواست او در نسخه ی اصلی طوفان ارائه خواهد شد. ضمنا توقف کشتی در ارتفاع 1800 متر، به معنای آن نیست که 1800 متر آب روی هم انباشته شده، زیرا

در محدوده ی تجمع آب، هیچ نقطه ی خشکی در سطح صفر قرار ندارد و به طور متوسط حدود 400 متر از سطح دریای آزاد بالا تر است.

آقای محمد رضا. شماره حساب انتشارات ما همان است که اشاره کرده اید. در باب مبلغ آن نیز فردا خبردارتان می کنم. موفق باشید.

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 16:30

سلام من الله و رحمه و برکات

با سلام و عرض احترام خدمت استاد جلیل القدر.... انشالله که همیشه همینگونه پایدار و مقاوم در برابر سیل ناجوانمردانه اتهامات و افترائات نژادپرستان هخامنش بمانید

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ......

فی أمان الله

نویسنده: یکی

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 16:48

واسه کسی که خودش می دونه:
ای تف به ذات کثیفت که مثل خر خودتو به خاک می مالی. از تو و همپالکی هات دیگه مثل خود جهودا متنفرم. اینو ببین و خفه شو مردار متعفن کرم زده پوسیده. تا 1318 متون فارسی - یهودی بوده و حتی چاپ هم می شده و در تهران به فروش می رسیده.پس خاک بر سرت که خودت با کله رفتی حتی بدون سیفون:

http://iranjewish.com/News_F/news_35_Nashriat.htm

تا آخرشو بخون تا جونت در بیاد.

آینده در موردت قضاوت نمی کنه. خوشبختانه این وبلاگ تنها جاییکه به صورت آنلاین آدم ها ارزیابی و نقد می شن.

نویسنده: س. ر

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 20:42

استاد پورپیرار،

من خانم س.ر هستم و تشکر از نصب آن لینک عبرت آموز و مقالاتتان.

آقای توحید ببخشید شما جدی جدی منطق تون مثل اسم وبلاگتون آب دوغ خیاریه نه؟ آخه کجای دنیا ثانیه ای 1 سانت بارون میاد که حالا شما روش تخفیف هم بما می دید؟ مگه ماست و دوغ فروشیه؟ شما کاندید نوبل امسال می شید اگه همین طور ادامه بدید.

با تشکر.

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 19:45

استاد بزرگوار سلام و خسته نباشید
هر حقیقت جویی بعد از خواندن این مقاله به خاطر کسب دانایی غرق لذت و هیجان میشود.
حتی پروفسور زهتابی که با چنگ انداختن به هر خس وخاشاکی سعی در ترک زبان معرفی کردن تمام اقوام ساکن این مناطق از هزاره های پیش را دارد، در مورد مادها هیچ دستاویزی پیدا نمی کند و تقریراتش در مورد این قوم بی نشان و ترک نشان دادنشان بسی بی مایه تر و آبکی تر از سایر تالیفاتش است
خداوند به شما طول عمر با عزت و توام با سلامتی عنایت فرماید

نویسنده: توحید

دوشنبه 29 تیر1388 ساعت: 20:20

سلام خانم س.ر

در درجه اول ممنونم از مراحم شما !!!!

در درجه بعد کاش لا اقل نقدی منطقی بر نوشته من می نوشتید ، نه اینکه نقدی آب دوغ خیاری بر نظری آب دوغ خیاری ، چه شود . اصلا چطور است مشترکا یک مغازه عرضه لبنیات و بخصوص آب دوغ خیار بزنیم ؟؟؟ باور کنید در این گرمای تابستان کارمان سکه خواهد شد .
از مزاح گذشته ، می شود بگویید چند بار سیلی به ارتفاع چند صد متر مشابه طوفان نوح در تاریخ رخ داده تا من برایتان مثالی دیگر از بارندگی ای بیاورم که در آن در هر ثانیه 1 سانتی متر باران باریده ؟ !! اگر قبول می کنید که توفان نوح بی سابقه بوده ، پس ناچار باید قبول کنید میزان بارش آن هم بی سابقه بوده احتمالا .

وب سایت

نویسنده: مسرور کاویان

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 1:1

سلام
به این خبر مهم دقت کنید :
روزنامه حریت چاپ ترکیه مورخ پنج شنبه 2009/7/17 :
((اردوغان با اعضای کابینه و مقامات سیاسی و آکادمیک ترکیه جلسه اضطراری برگذار کرد موضوع این جلسه اکتشافات جدید باستان شناسی در ترکیه و با موضوع کشتی نوح بوده است . یکی از اعضای شرکت کننده اظهار داشت که اردوغان گفته است مسائل مطروحه به حدی مهم است که خاورمیانه و حتی جهان را تکان خواهد داد .))

نویسنده: حامد شاگرد استاد

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 5:7

بعضی اوقات فکر می کنم که اگر کشفیات استاد نبود در چه منجلابی از گنداب باید زندگی می کردیم وحقیقت در پشت کثیفترین دروغها توسط مزدوران لاشه خور پنهان می ماند ومن چگونه به این تاریخ گندیده دلخوش کرده بودم در حالی که همیشه در درون خویش نمی توانستم خود را راضی نگه دارم ومبهوت بودم .
خداوند یار ونگهدار تو باد

نویسنده: رضا

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 9:51

با سلام خدمت استاد و دوستان.
آستاد آیا در بحث مربوط به طوفان نوح (ع) و حجم باران و آب فوران یافته از چشمه ها معجزه الهی در محاسبات مد نظر قرار می گیرد یا خیر؟ چنین که از مجادلات دوستان آشکار است هیچیک وجه الهی این واقعه را به حساب نمی آورد." إذا أراد الله أمراً فإنه یقول له کن فیکون ". پیداست بدون ملاحظه این امر هرگونه محاسبه معکوس و عددسازی به نتیجه مطلوب نمیرسد. البته امر الهی نیز تابع قوانینی است که از جمله آنها فیزیک است. آیا نمی توان تصور کرد که باد به امر الهی دریایی را بخار کرده و ابر آن بر فراز منطقه باریدن گرفته باشد؟ چنین پدیده ای را به وفور و در مقیاس محدودتری بارها شاهد بوده ایم. تسونامی ، کاترینا و ...

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 13:39

آقای کاویان. احتمالا سی دی طوفان که به مسئولین غرفه ی ترکیه در نمایشگاه کتاب با توضیح لازم و به زبان فارسی و انگلیسی عرضه شده ، به تدریج تا مقامات بالای فرهنگی و سیاسی ترکیه رسیده باشد. از کانال دیگری نیز تاثیر وسیع مستند طوفان را بر صاحب نظران مذهبی ترکیه شنیده ام. مطلب غیر قابل انکار این که تاکنون کاری بزرگ تر از مستند طوفان در برانگیختن حس احترام جهانی نسبت به اشارات قرآن انجام نشده است. باید دست استاد غفوری را ببوسیم و ببینیم حالا که حوزه های علمیه ی ایران در خواب خوش اند، خداوند چه اراده کرده است.

خانم س. ر. اگر فرض کنیم شدت ریزش باران در سطح منطقه ی طوفان هر دقیقه هم یک سانتی متر باشد، پس برای پر

شدن گودال ترکیه تا ارتفاع 1800 متر به چهارماه ریزش مداوم باران نیاز است و از آن که به طور قطع و با علائمی که از میزان خروجی آب و تغذیه ی اراضی اطراف تا پر شدن چاله ی خزر در اختیار داریم، اگر نخواهیم زمان مداوم ریزش باران را بیش از چهارماه فرض کنیم، بدون شک فرو ریزی آب حتی تا دو سانت در دقیقه نیز خالی از امکان نیست. ضمنا هم اکنون نیز در مناطق استوایی بارش چنین حجمی از باران برای دقایقی معین اتفاق می افتد.

فریبا خانم. تقریبا باید به طور کامل از روشن فکری نام آشنای کنونی ترکان قطع امید کنیم که موجبات تفصیلی آن را به خواست خداوند ارائه خواهم داد. جوانان آگاه و خردمند ترک که به قدر کافی از آنان می شناسم موظف اند که در بخش فرهنگی پرچم شناخت هویت قومی را از کف پیرمردان اسیر باقر اوفیسم بیرون بیاورند.
ضمنا اوامر دیگرتان اجرا خواهد شد.

آقای یکی. آن نوشته را خواندم. چشم و گوش باز می خواهد تا از زبان یک مسئول فرهنگی جامعه ی یهود ایران این اعتراف را بشنود که زبان فارسی همان یدیش چند قرن پیش یهودیان این منطقه است.

آقای پزشک. ممنون و در پناه خداوند بمانید.

آقای وحدت فر. سفارش شما ارسال شده است.

آقای رضا. چه نیازی به این تصورات فنی دارید؟ شرح طوفان در قرآن آمده و این خود عالی ترین دلیل برای وقوع آن است. منکران طوفان در حد رد قرآن یهودی اند!

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 13:48

دوستان گرامی سلام
برای درک بهتر مطالب عرضه شده توسط استاد پورپیرار لازم است تا طرحها و دخالتهای دولت فخیمه انگلستان را در شکل دادن به منطقه خاورمیانه در کنار فعالیت یهودیان مورد بررسی قرارداد. فرد جستجوگر با مطالعه در این حوزه متوجه خواهد شد که طرحهای استعمارگر پیر و یهودیان قابل تفکیک نیستند. بعنوان مثال بررسی و مطالعه عهدنامه بالفور و اثرات آن تا زمان تشکیل دولت اسرائیل و بعد از تشکیل اسرائیل با طرح Trident(نیزه سه سر) - که سه راس آنرا کشورهای ایران، ترکیه و اسرائیل تشکیل می دادند- می تواند بسیاری از انگیزه های مبهم مانده یهودیان برای بعضی از دوستان را واضحتر نماید. اگر به توضیح بیشتری در این خصوص نیاز باشد در حد توانایی ارائه خواهد شد.
فی امان الله

نویسنده: توحید

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 11:27

سلام استاد ، وقت بخیر
من متوجه منظور شما نشدم ، اگر در محیط ترکیه سلسله کوههایی داریم که آنرا بصورت حوضی در آورده و این حوض طول و عرض و ارتفاع دارد و در نتیجه دارای حجم می باشد ، پس می توان میزان بارش را هم تخمین زد ، البته قبل از من کسی به این نکته اشاره نکرده بود که گستردگی سطح هیچ دخالتی در سرعت پر شدن این حوض ندارد در حالی که برخی از دوستان به سراغ محاسبه حجم این حوض رفته بودند و خوب باید قبول کرد که عدد بسیار بزرگی می شود و باعث تعجب می شود و نیز باعث اشتباه در محاسبات . هر چند تمام توصیه ها و نصیحت های شما را به عنوان توصیه ای استادانه و بزرگوارانه به جان می پذیرم ، ولی من قصد به رخ کشیدن مدرک و رشته تحصیلی نداشتم و اصلا رشته تحصیلی ام ریاضی نیست ، و در آن کامنت هم فکر نمی کنم فرمول پیچیده ای بکار برده باشم که باعث چنین قضاوتی شود ، من در آن کامنت با استفاده از ساده ترین فرمول یعنی ضرب و تقسیم و ... به محاسبه پرداختم ، حتی به سراغ میانگین و انحراف معیار و ... نرفتم !!!

علی ای حال ، خواهش می کنم چون همیشه راهنمایی کنید که آیا اینطور محاسبات صحیح است یا صحیح نیست ؟ آیا با آن مخالفید ؟

نکته دیگر اینکه متوجه نشدم که چگونه با فرض بارش 1 سانتی متر در ثانیه ، حدود 4 ماه نیاز به بارش مداوم است ؟ اگر مفصل تر توضیح بدهید ممنون می شوم .
با تشکر

وب سایت

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 15:35

آقای مسرور کاویان , با تشکر از پیگیری حضرتعالی....لطفا" لینک خبر مورد اشاره را بدهید . و بعلت عدم آشنایی با زبان ترکی خواهشمند است اصل خبر را نیز مشخص کنید . و در صورت امکان ترجمه کامل آنرا نیز بگذارید
با تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 18:46

آقای توحید. برای سهولت آن را ساده کنید و فرض را بر این بگیرید که لوله ی چهارگوشی دارید که هر ضلع آن یک سانتی متر و بلندای آن 180 هزار سانت یعنی 1800 متر است، اگر در هر ثانیه در این لوله بر اثر بارانی شدید 1 سانتی متر آب ریخته شود، برای پر شدن آن فقط به پنجاه ساعت بارش نیاز است. محاسبه ی من بر مبنای هر دقیقه 1 سانت بود، که اشتباها هر ثانیه ذکر کرده بودم. بنا بر این اگر حتی بارشی با شدت مورد اشاره ی قرآن را موجب بالا آمدن آب، یک سانت در هر 5 ثانیه نیز حساب کنیم، که یک ریزش معمولی استوایی است، برای پر شدن دریای میانی ترکیه به بیش از ده روز بارش مداوم نیاز نیست که بارش با چنین شدتی در نقاط مختلف جهان امری عادی است. بنا بر این اگر چنین بارانی موجب پدیده ی مورد نظر قرآن شده، تنها و تنها چیدمان مخصوص و انحصاری کوه های ترکیه است و گرنه در آسیای جنوب شرقی چنین باریدن هایی، حتی به مدت طولانی که بلافاصله آب آن راهی رودخانه و دریا و در مواردی شکسته شدن سدها و بروز سیل می شود، پدیده هایی مکرر است. دبی خروجی آب در ترکیه را نیز می توان به حساب ارتفاع بالاتر از صفر زمین در آن منطقه گذارد.

آقای محمد رضا. مبلغ همان هفده هزار تومان است.

آقای ترک منطقی. سلامت و قدرت و دست نخوردگی و اصالت زبان ترکی را از این مطلب قیاس کنید که عناوین مهم و معتبر روزنامه های عمومی و غیر تخصصی ترکیه به 8 هم نمی رسد که 6 عنوان آن عربی است: حریت، ملیت، صباح، زمان، دنیا، و وطن! لذت نمی برید؟! زیرا درصد عناوین عربی روزنامه های به زبان فارسی نیز همین اندازه است! می بینید چه زبان های کهنی داریم که به محض آغاز عرض اندام فرهنگی باید دست به دامان زبان عرب شوند!!!

نویسنده: محمد رضا

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 19:8

سلام جناب استاد حالا می فهمم سفارش شما که توجه به برخی از گفتارها را موجب اتلاف وقت و عمر می گویید تا چه اندازه عالمانه است. دقت بفرمایید که آقای رفرف در وبلاگشان چه نوشته اند:

«من البته چنانکه روش هر منتقدی هست، برای کسب اطمینان بیشتر، هم اینک با سایت روزنامه حریت ارتباط برقرار کردم و چنین خبری را مشاهده نکردم. ضمنا جستجو در آرشیو این روزنامه نشان داد که آخرین گزارش این روزنامه در باره محوطه دوروپینار در شماره مورخه 1997/07/23 بوده است که در آنجا خبر از حفاظت منطقه «کشتی‌گونه» دوروپینار، ادامه بحثها در باره ماهیت محوطه و امثال آن مندرج است».

ملاحظه میکنید که دولت ترکیه دستور حفاظت از محوطه ی کشتی را داده است و آقای رفرف می نویسند دولت ترکیه دستور حفاظت از «منطقه کشتی گونه» را صادر کرده است! به نظر شما این جز فریب دادن و خر کردن خود و لجاج جهودانه با حقیقت معنای دیگری هم دارد؟!

نویسنده: رضا

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 20:0

جناب رفرف با سلام
قبلا سوالي از شما راجع به وجود آثار تمدن مستند در ناحيه آنادولي در فاصله تقريبي بين 1400 سال تا300 سال قبل داشتم. آیا برایتان امکان رائه آن وجود دارد؟

وب سایت

نویسنده: رشید

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 20:51

با سلام خدمت دوستان و استاد گرامی(خار چشم یهود و نور چشم ما)
می خواستم چند دخالت کوچک داشته باشم :
اولا دبی های خروجی آب طوفان که ما امروز در نظر می گیریم (منظور همان مناطق کم ارتفاع که طبق آزمایشات و تحقیقات استاد حدود 1800 متر در نظر گرفته شده)از فولاد ساخته نشده اند و مانند دیگر مناطق و کوههای مرکزی که فرسایش یافته اند نیز در اثر عبور این حجم سنگین آب به نوبه ی خود فرسایش یافته و تغییر ارتفاع داده اند و ارتفاع امروزی ارتفاع واقعی آنها نیست بلکه کمتر شده .
حالا این موضوع چه کمکی به ما می کند این نکته نشان می دهد که حوض ما لبه های بلند تری داشته و می توانسته آب بیشتری در خود نگه دارد که در اثر خوردگی آب خروجی کم ارتفاع تر شده.

ثانیا می خواستم جزر و مد دریا را به دوستان یاد آور شوم که در مدت کوتاهی در اثر قرار گرفتن ماه و زمین در وضعیت خاص و کشش ماه آب در یا ها و اقانوس ها را انگونه جابجا میکند و از طرفی زلزله های زیر دریا و دهانهای آتشفشان زیر دریایی که انفجار آنها چه حجم سنگینی از آب را در یک ان به آسمان پر تاب می کند.

وسر انجام می خواهم یاد آور شوم که خبری از دوستان خوش لقب مان(میکی موز خاله ریزه، پیناکیو و دیگر نام های مستعار) که حتی از ذکر نامشان هراسان هستند در این شماره نیست ظاهرا جای بحثی برای آنها نمانده.
با تشکر از حوصله ی شما و استاد گرامی که ان شاء الله خداوند از عمر من به عمر ایشان بیافزاید.

نویسنده: موومان

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 22:41

سلام خانم حاجی زاده.

برایتان ایمیل فرستادم. لطفا" پاسخ بدهید.

با تشکر فراوان

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 30 تیر1388 ساعت: 23:39

آقای اصلان. دنبال این قمپز و قمیش ها راه نیافتید. اگر زبان ترکی برای آزادی و ملت و دنیا و وطن و زمان واژه ی مستقل ندارد، تا به جای حریت و ملیت و... عنوان روزنامه های ترکیه قرار دهد، ولی برای قاشق و بشقاب و آغوز و قورمه و شب و روز لغت دارد، خود به خود ماجرا و مهد این زبان علنی شده است.

آقای محمدی از سنندج. پاسخ سئوال شما به یک شماره از اسلام و شمشیر جدید نیازمند است.

نویسنده: یک مسلمان

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 0:5

با سلام
معنی زمان در ترکی چاغ میباشد و ملت معادل اولوس و وطن معادل یورد و آزاد خودش کلمه ترکی است و دنیا در ترکی اوس میباشد.
موفق باشید.

نویسنده: آیدین قشقايي

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 7:46

سلام به دوستان
معادل توركي واژه هاي مورد اشاره به قرار زيرند:
آزادي: özgürlük
ملت: Ulus
دنیا: Evren
وطن: yurt، Ulke
زمان: çağ
براي يافتن ساير واژه ها از سايت لينك پيوست بهره بگيريد.

بار ديگر خدمت دوستان عرض مي كنم كه درست است كه زبان فارسي بر زبان توركي تاثير گذاشته ولي اين تاثير دو طرفه بوده است.

وب سایت

نویسنده: اترش

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 10:58

سلام بر همگی

مطلب تازه ایی در مورد خروج بنی اسراییل نوشته ام که با آنچه تا کنون در مورد این واقعه گفته شده اندکی متفاوت است. از استاد و بقیه دوستان دعوت می کنم مقاله را خوانده و نظرتان را در این باره برایم بنویسید.

http://www.bazkhani.blogfa.com/

وب سایت

نویسنده: سعید

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 11:49

سلام خدمت استاد معظم و دوستان
مقاله ای در مورد کشتی نوح در یکی از سایتهای ترکیه و عکسی جالب از کوه آغری که توسط نیروی هوایی آمریکا در سال 1949 گرفته شده
http://www.ido-forum.org/uzay-mitoloji-bolumu/355749-hz-nuhun-gemisi-iste-burada.html#post3315242
با جستجو در سایتهای ترکیه به نظر میرسد مردم ترکیه با وجود سکوت مجامع علمی ومذهبی در این مورد به وجود کشتی نوح در کوه آغری اعتقاد دارند

نویسنده: یکی

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 17:11

هر زبانی برای مفاهیم ابتدایی لغت داره. این که هنر نیست. زبانی تواناست که برای آنچه در ذهن جاری است، لغت انتزاعی داشته باشه. مثل ایثار و حریت و ملیت و... شخم زدن چند زبان برای پیدا کردن یک لغت ترکی به هیچ درد نخور مثل قمپز نشون میده که طرف هنوز در باغ رو هم پیدا نکرده. خوب چه اشکالی داره اعتراف کنین که زبان ترکی با مدد چند چوب زیر بغل و چرخ دستی و ویلچر پسوندها لنگان لنگان امورات روزانه را می گذراند اما وقتی می خواهد بر کتاب و روزنامه ای عنوان بگذارد، ناگهان به کلی عرب می شود!؟ خوب چه کنیم زبون 7 هزار ساله است دیگه.

دارم فکر می کنم به جهودایی که با خوندن بخش کامنتها، خنده شون می گیره. خوب من هم خنده ام می گیره!

نویسنده: یکی

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 17:20

ضمنا دوستان ترکی که میخوان برای لغت های عربی وسط زبان ترکی که نصف بیش تر لغتاست، معادل ترکی بسازن، قبلا با هم مشورت کنن که مثل نمونه های آیدین و یک مسلمان چند جور در نیاد!!

نویسنده: ميومان

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 18:34

اطلاعیه

بدینوسیله از کلیه علاقه مندان برای شرکت در یک پروژه ی علمی بین رشته ای (multi-disciplinary) دعوت به همکاری بعمل می آید. متقاضیان می بایست:

1. بنیان اندیش باشند؛ یعنی از کلیه ی درسهای آقای پورپیرار نمره ی قبولی گرفته باشند (تاکید می شود، از «تمام» آنها).

2. ساکن تهران باشند.

3. ترجیحا" در یکی از رشته های «علوم پایه»، «علوم فنی و مهندسی»، و یا «علوم پزشکی» دارای تحصیلات دانشگاهی باشند.

4. ترجیحا" در محدوده سنی 20 تا 40 سال باشند.

متقاضیان بایستی مشخصات خود شامل نام و نام خانوادگی، سن، مقطع و رشته تحصیلی، شغل و شماره تلفن تماس را به نشانی اینجانب muvmaan@gmail.com ایمیل نمایند. مشخصات پروژه پس از انجام مصاحبه حضوری و تایید صلاحیت به اطلاع واجدین خواهد رسید.

مشخصات شما در اختیار فرد ثالثی قرار داده نخواهد شد. همچنین هویت اینجانب از طرف آقای پورپیرار شناخته شده و مورد تایید می باشد.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 18:36

باسلام
در مقاله مورد اشاره در سایت مذکور که تفصیلا در مورد ادعا ها ویافته ها در مورد کشتی نوح در کوه آغری از سال 1670 تا سال 2000 میلادی بیان شده هیچ اسمی از رون وایت و گاردنر به میان نیامده
در مورد متن نوشته شده که از ادعای یک کشیش در سال1670 میلادی در مورد مشاهده کشتی در ارتفاعات آغری و حتی برداشت تکه ای از داخل کشتی بیان شده تا ادعاهی جیمز اروین فضا نورد و ماروین استفینز و تعیین جایزه برای یافت کشتی در سال2000 به صورت نسبتا مفصل نوشته شده اما از رون وایت و گاردنر خبری نیست
از نکات مهم مقاله اهمیت فوق العاده منطقه آغری برای سازمان CIA و توجه پنهانی این سازمان به فعالیتهای منطقه کشتی از سال1949است که در سال1995با ادعای "کشتی نوح رو یافتیم" افشا شد ودر سال 1997 با جمله "کشتی نوح در کوه آغری نیست" پرونده ظاهرا بسته شد

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 22:42

آقای سعید. آن چه را اخیرا در باب رون وایت و گاردنر و گرد و خاک های دیگر خواندید، یک تکاپوی کودکانه ی ژورنالیستی سبک اورشلیم برای مخفی کردن حقیقت وجود کشتی در کوه آرارات است که داده های تورات را ابطال و اهمیت اطلاعات قرآن را جهانی می کند. این دست و پا زدن که نخواستم بدان وارد شوم تا جایی سر هم بندی شده بود که یک شماره مجعول از مجله ی لایف بیرون داد و عکس پرآوازه ترین نویسنده ی معاصر جهان یعنی همینگوی را تبدیل به تصویر رون وایت کرد چنان که مجموع اشتباهات موجود در بررسی پاپیروس ها از بی خبری کامل نسبت به این اسناد خبر می هد تا جایی که بازنویسی را به جای اصل قالب کرده اند!!! یهودیان با استفاده از دست پروردگان دانشگاهی خویش می کوشند بر ماجرای کشتی پرده کشند تا روایت توراتی آن خدشه دار نشود. تمام این سرمایه گذاری های جهودانه درباره ی تاریخ و فرهنگ این منطقه را، اگر مباحث بنیانی یادداشت های در جریان و نیز مطالب کتاب ها را نديده بگيريم، دو مستند باشكوه تختگاه و طوفان به صفر رسانده، دکان های بسیاری را بی مشتری گذارده و موجب هجوم همه جانبه به این دو فیلم شده که اینک به صورت مانیفست و بیانیه ی پر قدرت بنیان شناسان درآمده است. هرچند برای صاحبان خرد و بنیان اندیشان تنها و تنها مدخل یادداشت 222 برای هدایت کفایت می کند و دیگر افاضات منکران، کرشمه های ناشیانه در ترقص های سبک اورشلیم است و بس.

آقای سنجری . یافت نشدن سکه در منطقه ی رخ داد پوریم که باستان شناسی جهان به عمد وارد آن نشده مدخلی جندان قوی است که به سهم خود بخش بزرگی از یاوه های موجود در باب تمدن ممتاز شرق میانه را خاکستر می کند. مبحثی که امیدوارم در پایان گفتارهای جاری به آن بپردازم.

نویسنده: یک مسلمان

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 23:1

با سلام
بنده بنا ندارم به کسانی که محیط وزین این وبلاگ را با برنامه کودک اشتباه گرفته اند
جواب بدهم اما برای رفع شبهه باید گفت که در زبان ترکی لاجرم برای یک مفهوم از یک کلمه استفاده نمیشود و مثل زبانهای توانای دیگر برای برخی مفاهیم از کلمات گوناگونی بهره میگیرد . اما واقعا این بی انصافی محض نیست که افرادی بدون آشنائی با زبان ترکی و یا با یک آشنائی سطحی ، خود را مجاز به نقد این زبان بدانند؟
اینکه روزنامه های ترکیه از اسامی عربی برای نام گذاری استفاده میکنند برمیگردد به اینکه زبان اسلام از قدیم الایام جایگاه

علمی رفیعی در بین تمام مسلمین با هر زبانی بوده است که نه تنها موجب سرشکستگی نیست بلکه موجب افتخار و سربلندی است. به اندازه ای زبان قرآن نزد ملت ترک عزیز است که با وجود کلمه ترکی از عربی آن سود برده اند. این که ایرادی نیست . ولی آیا زبان شعر و شاعری فارسی برای مفاهیمی مثل حب ، فهم ، درک ، احساس و امثالهم کلمه ای دارد؟ اگر ندارد پس چطور زبان پایه برای ساخت زبانی شده است که به طور مستقل برای تمام آنها کلمه مخصوص به خود دارد؟ (سئومک ، آنلاماق ، قانماق ، دویماق)
نقد اگر مشحون از کینه و نفرت باشد دیگر نمیتوان ناقد را منتقد نامید بلکه مغرض کلمه ای شایسته برای اوست.
دوستان اگر زبان ترکی نمیدانند لازم نیست متاثر از احوالات شوونیست مدارانه اظهار فضل نمایند. ترکی زبانی قانونمند و تواناست و این اگر موجب تالمات روحی برخی از عزیزان است بهتر است تزکیه نفس و تقوی پیشه کنند و از انگ و تهمت به میلیونها ترک زبان اجتناب کنند. هر چند سیستم آموزش و پرورش شونیسم فارسی محصولی جز چنین نوابغ فاضلی بیرون نمیدهد.

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 31 تیر1388 ساعت: 23:54

آقای نکی با سلام
ممکن است لطف بفرمایید سند کامنتان در تشکیل جلسه اضطراری رئیس جمهور ترکیه مربوط به پست قبل را ارائه بفرمایید؟

نویسنده: نکی

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 5:14

ادامه ی تدریس زبان ترکی به سبک رفرف و با لغاتی که به نظر ایشان ترکی آمده است! توضیح این که من هم مثل آن مترجم تورات و نملاینده آقای خامنه ای در تبریز ترکی بلد نیستم!!!

پاپاپای. که در اصل اپاق یا اپاق بوده است.
پرداخت. که در اصل پوزماق بوده است.
پشتک چارکش. که در اصل قاباقه درد اولان بوده است.
پیش بخاری. که بدون اصل همین جوری ترکی است.
باجه. مشتق از باجی ترکی به معنای خواهر.
بزمجه. همان بز معروف در گله های یک ترک است که گوسفندان را موقع پریدن از جوی آب به خاطر عقب رفتن دنبه مسخره میکرد.
بورانی. غذای مورد علاقه بوغرا خان ترک.
بوران. هوای مورد علاقه بوغرا خان ترک.
اشکنه. پیش غذای مورد علاقه بوغرا خان ترک.
اردک. پرنده مورد علاقه بوغرا خان ترک.
آشتی. وضعیتی که بوغرا خان ترک دوست نداشت... ادامه خواهد داشت. مگر این که یک همشهری که به آبروی فرهنگی ترکان علاقمند است، دهان این مترسک قوم پرستی را بگیرد. که بلبشو یعنی بهل و بشو به معنای بگذار و در رو را لغت ترک تشخیص داده است!!!!

نویسنده: رضا

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 7:43

" ... اگر زبان ترکی برای آزادی و ملت و دنیا و وطن و زمان واژه ی مستقل ندارد، تا به جای حریت و ملیت و... عنوان روزنامه های ترکیه قرار دهد، ولی برای قاشق و بشقاب و آغوز و قورمه و شب و روز لغت دارد، خود به خود ماجرا و مهد این زبان علنی شده است.)

با سلام استاد.
من سلسله مباحث قدمت و اصالت زبان ترکی و فارسی را نتوانستم پیگیری کنم ولی باور بفرمایید به قدری این استدلال دو خطی شما قوی و محکم است که هر عاقلی بدون خواندن و مطالعات قوی بنیانی پی به اصل مطلب می برد.

نویسنده: رضا

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 7:56

برادر مسلمان.

فهم :آنلاماق
درک :قانماق
احساس :دویماق
آیا این نقطه ضعفی بر زبان ترکی نیست که برای سه کلمه با معانی متمایز ذهنی از یک ریشه سه مشتق بسازد؟ این همان داستان پیشوند و پسوند زبان فارسی است که با داشتن یک بن و افزودن پسوند و پیشوند کلمه سازی میکنند هر چند نامفهوم و غیرکاربردی.

نویسنده: توحید

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 4:46

آقای یک مسلمان ، به نظر بنده که چندان هم با زبان ترکی نا آشنا نیستم ، آن نمونه هایی که آوردید « جایگزینهایی برای نام روزنامه های ترکیه » مانند صدها واژه بی ارزش فارسی است که تنها در فرهنگ لغات فارسی یافت می شود و هیچ جلا و کاربردی ندارد ، بهتر است در درجه اول به مسئولان کشور ترکیه این لغات را یاد اوری کنید تا دیگر از لغات عربی برای عناوین روزنامه های خود استفاده نکنند ، با شناختی که من از کشور ترکیه دارم و جو تعصبات ترکی و داعیه رهبری ترکهای جهان را دارد و آتاتورکیسم قوی ای که بر جو ترکیه حاکم است ، اگر آنها واژه هایی مناسب برای جایگزینی عنوان روزنامه های رسمی خود داشتند دست به دامان زبان عربی نمی شدند .
در ضمن من که هر روز شبکه trt ترکیه را می بینم تا بحال نشنیده ام که بجای « زمان » بگویند « چاغ » یا بجای دنیا بگویند « اوس/ اورین » بگویند ، بلکه همیشه می شنوم که واژه های « زامان » و « دونیا » و .... بکار می برند و این تازه گویش مجریان رسمی شبکه رسمی ترکیه است که مجاب هستند به زبان خالص ترکی صحبت کنند ، اوضاع در میان مردم کوچه بازار ترکیه بسیار متفاوت تر است .
با تشکر.

وب سایت

نویسنده: سعید

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 9:23

باسلام خدمت استاد پورپیرار و دوستان
برای دوستان ترک زبان
به عنوان یک ترک زبان و کسی که با همه حرفها و حساسیتهای شما آشناست باید عرض کنم زبان ترکی هر چند زبانی که امروز جزو زبانهای کامل از جنبه کاربردی است اما باید اذعان کنیم بسیاری از این کلمات در هنگام ورود به منطقه از بطن ریشه ها و کلمات پایه ای زبان ترکی زاده نشده بود و زبان نسبتا کامل ترکی امروزی حاصل سالهای دور در تاریخ نیست زبانی که نوشته ای در قرنهای پیش برای ما ندارد زبانی که نوشته ای حتی بر روی سنگ قبری و یا ثبت معامله ای و یا میراثگذار ترانه ای بر روی کاغذ پارهای نیست نمی تواند زبانی باشد که فرهنگ امروزی ترکها ادعای بلوغ تاریخی آن را دارند اگر ادعا دارید عدم نوشتار در آذر بایجان دلیل این فقدان است پس دست به دامان ترکهای عثمانی بشوید
تامل برانگیز نیست وقتی ترانه ها و داستانهای نوشته شده ترکی پدرانمان را باید از واتیکانها گدایی کنیم و نا امید کننده نیست همواره منتظر شعبده بازی های آنها برای گرفتن سوغات جدید تاریخی نشسته ایم سوغاتی که تنها میتواندحاصل سفر با ماشین زمان باشد بو ی شیادی و جعل به مشامتان نمیرسد
خلاصه زبان امروز ترکی نمی تواند نو ساز بودن یک تاریخ جعلی را کتمان کند و پیشنهاد میکنم از بحثهای انحرافی پرهیز کنید و از مسیر بنیان اندیشی خارج نشوید
موفق باشید

نویسنده: یک مسلمان

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 10:21

برادر عزیز جناب توحید ، بحث بر سر این نیست که مردم ترکیه تا چه حد از کلمات عربی استفاده میکنند (هرچه بیشتر استفاده کنند بهتر). حرف من این است که ترک زبانان پس از آشنائی با اسلام به تدریج کلمات عربی را بیشتر از کلمات ترکی معادل آنها به کار برده اند (کار بسیار خوبی کرده اند و ایکاش مثل سایر ملتها زبان عربی را به عنوان زبان اصلی به کار میبردند). اما تمام این حرفها نمیتواند مستمسکی برای کوبیدن غیر منصفانه یک زبان شود. ابتدا میگویند ترکی فلان کلمه را ندارد و ضعیف است و زمانی که کلمه ترکی مورد ادعا ارائه میشود میگویند چون در ترکیه کمتر مورد استفاده قرار میگیرد پس ما قبول نمیکنیم.
آقای رضا ، کلمات آنلاماق و غیره همگی مصدر هستند و ماق علامت مصدر مثل ing انگلیسی. آنلاماق یعنی فهمیدن یعنی فَهِمَ .
باز میگویم که دوستانی که بدون دانستن کامل زبان ترکی مبادرت به نقد آن از جایگاه یک متعصب عصبانی میکنند باید که انصاف را در نظر آوردند و چه خوب است که بدون پیش داوری و تعصب ابتدا دوستانه طرح سئوال کنند و اگر جوابی درخور

نیافتند آنگاه قضاوت نمایند.
ما ترک زبانان ایران که از اول عمرمان در معرض یادگیری اجباری فارسی هستیم شاید بتوانیم فارسی را نقد کنیم ولی هموطن فارس ما که جز چند کلمه ترکی که از دوستانش یادگرفته تحت هیچ شرایطی حق نقد زبانی را ندارد که بر آن مسلط نیست
با آرزوی توفیق الهی برای همه یاران

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 10:22

آقای یک مسلمان. ضجه مویه نکنید و در برابر ساده ترین سئوال، مانند یهودیان که فریاد یهود ستیزی سر می دهند، اتهام ترک ستیزی نزنید. ترک ستیز آنان اند که مانند صدیق و دار و دسته اش با نوشتن کوهی از اباطیل در باب همه چیز، ترکان را هم مانند دیگران، به سود فرهنگ تلقینی مملو از حیله گری یهودیان از راه راست منحرف کرده اند. این که شما و امثال شما مترجم تورات ترکی را به بی سوادی متهم کنید، ذره ای در این واقعیت تغییر نخواهد داد که پیش از آن تورات 120 ساله حتی یک متن دو سطری به زبان ترکی چاپ نشده است. برای این که با واقعیت نوساز بودن ملت ترک و تازگی فرهنگ آنان، و بی بنیانی داستان های مربوط به عثمانی پی ببرید، به جای سر دادن شعار، کافی است به دنبال پاسخ این سئوالات اولیه باشید که: تاریخ ورود نخستین چاپ خانه به ترکیه و تاریخ انتشار اولین روزنامه و کتاب به زبان ترکی چه زمان بوده است؟ آن گاه متوجه خواهید شد که تفحص در باب تشکیل و تشکل و نیز تدوین فرهنگ ترک هنوز هم در مرحله ی جنینی است و گرنه صاحب نظران ترک ناگزیر نمی شدند در زمان ما نیز به سایه ی کتاب قصه دده قورقود پناه برند، که تا قرن پیش حتی نام آن را کسی نشنیده بود. در عین حال فراموش نکنید که چاپ نخستین روزنامه ها در ایران به اوایل دوران ناصر الدین شاه یعنی قریب 150سال پیش برمی گردد. بنیان اندیشی کنید و نیزه دار فرهنگ فاسد دست ساز یهودیان نباشید.

نویسنده: شاگرد جدید

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 10:38

با سلام خدمت استاد
خدمت دوستانیکه با زبان ترکی اشراف ندارند پیشنهاد میکنم از اظهار نظرهای نا آگاهانه پرهیز کنند این اظهار نظرها بهانه ای برای تخریب مطالب سایت و ابزاری دست معاندین است نه دوستان ترک زبان و نه سایر دوستان توجه به اصل مباحث استاد ندارند
معادلات بیان شده دوستان در حدی قابل اعتناست اما اصل موضوع تاریخ کاربرد آن در میان ترکهاست کلمه ملت در میان ترکها با کاربرد "ال یا ایل" به معنای جمعیتی "محدود" کاربردی قدیمیتر دارد و اولوس معادل سازی جدید هر چند کاربردی است و "ملییت" با ملت متفاوت است
کلمه "چاغ" در ترکی به معنای عمومی زمان نیست و شامل همه زمانها نمیشود و باز کاربردی "محدود" در یک بازه زمانی "محدود" دارد مثل "گون اورتا چاغی"
دلیل ترکی بودن کلمه" آزاد"چیست و ایرادی که به فارسی بودن آن است برای ترکی بودن هم وارد است وآن نبود ریشه وکلمات مشابه زبانی آن است کلمه" اءوز گور" هم معنای عمومی وعمیق آزاد را ندارد حتی معلوم نیست چرا ترکها برای آزاد از کلمه "سربست" که ساختار فارسی و معنای کاملا متضاد دارد استفاده میکنند
کلمات اءوزگور , سربست و باغئمسئز معادل عمومی و واقعی آزاد نیستند و کاربردی "محدود"دارند
اوس و Evren معادل درستی برای کلمه دنیا نیست دنیا معنایی عمیق و گرفته شده از باورهای عمیق و در مقاب آخرت است
تقریبا در همه معادل های موجود این "محدودیت " کاربرد دیده میشود و این نشانه یک جامعه بسته با تعلقات "محدود" است و از این مسیر میتوان به واقعیت ساختار زبان و تاریخ ترکی با همه ضعف ها و قدرتهایش دست یافت

نویسنده: توحید

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 7:56

به این جمله دقت کنید :

" دوستان اگر زبان ترکی نمیدانند لازم نیست متاثر از احوالات شوونیست مدارانه اظهار فضل نمایند. ترکی زبانی قانونمند و تواناست و این اگر موجب تالمات روحی برخی از عزیزان است بهتر است تزکیه نفس و تقوی پیشه کنند و از انگ و تهمت به میلیونها ترک زبان اجتناب کنند. "
سر تا پای این جمله بوی خود فریبی ای را می دهد که توسط تبلیغات امثال صدیق از در و دیوار مراکز فرهنگی ترکها می بارد ، و هیچ نشانی از واقعیت ندارد ، درست مانند ادعای آن فارس پر ادعایی که مدعی بود " زبان فارسی ، قدرتمند ترین زبان دنیاست " و توان ساخت بیش از 50 میلیون واژه را دارد !!! وقتی که اینچنین زبان عقیم و ناتوان فارسی را که بیش از 1500 واژه مستقل متروک ندارد ، به عرش اعلی می برند و جای تواناترین زبان دنیا می نشانند بیشتر از این هم انتظار نمی رود ، کسی نیست به این حضرات بگوید آخر اگر زبان فارسی تا این حد تواناست پس چرا در این 100 سال نتوانسته اید به

اندازه یک هزارم آن کلمه تولید کنید ؟ این حرفها من را به یاد آن کسی می اندازد که اسبی چلاق داشت و در میدان اسبدوانی ادعا می کرد ، اگر من اسبم را در مسابقه شرکت دهم مطمئنا اول خواهد شد !!! ولی هیچ وقت این ادعایش را عملی نمی کرد .
یادم است زمانی یکی از ترک زبانان ادعا می کرد که زبان ترکی دارای 16 زمان و صیغه ماضی است !!! یکی از بین جمع درخواست نکرد که لطفا این 16 زمان مختلف را برای ما صرف کنید .

http://www.ravid.blogfa.com/page/1.aspx

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 15:38

آقای یک مسلمان

به علاوه و از آن که در یادداشت ۲۰۷ و اشارات پیش از آن، با اسناد و تصاویر محکم و مربوط، نشان دادم که ساکنان ترکیه ی امروز، از نظر سفال و صورت و پوست و مو نیز اندک تعلقی به فرم قوم ترک ندارند و کاملا به مردم اروپای شرقی شبیه اند، پس دعوت اشباحی از سوی شرق به ترکیه، در قالب مهاجمان سلجوقی و غزنوی و مغول و غیره، مناسب کاسبی معرکه گیران و علی البدل احضار ارواح است، چرا که این گونه تصورات عامیانه و خام، جز گور تازه ساز رسوایی در حوالی شهر ری امروز، مستند تاریخی دیگر ندارد. اینک و به دنبال مجموعه ای از پی گیری های هویت شناسانه و به قضاوت آراء و اسناد، از منظر این مورخ، مبحث ورود چند کلنی انسانی از غرب، در قرون اخیر، با ماموریت بر پا کردن خیمه و شهری برای ترکان و فارسیان، در منطقه ی بی سکنه ی آسیای صغیر و ایران، به هدف افتتاح مراکزی برای ایجاد انشقاق در دین اسلام، اثبات شده اعلام می شود.

یادداشت 222 را بخوانید. بحث در باب زبان و تاریخ حضور قوم ترک در منطقه تمام شده است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 17:31

خانم خرسند. متعصب ترک و فارس و عرب و عجم ندارد. اگر مستند تختگاه و مبحث پاپیروس ها نتوانسته است یک متعصب فارس را به بازبینی تاریخ و فرهنگ خود دعوت کند، و شاه نامه را از دست اش بگیرد، طبیعتا مستند طوفان و مبحث پاپیروس ها هم نمی تواند یک متعصب ترک را به بازبینی تاریخ و فرهنگ خود دعوت کند و دده قورقود را از دست اش درآورد. چنان که ده ها کتاب اسلام و شمشیر نقش آن آلت قتاله را که آرم اسلام کرده اند، از پرچم عربستان سعودی پاک نخواهد کرد. تعصب فرزند و دردانه ی جهالت است و به پدر خود افتخار می کند.

نویسنده: فرزاد

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 20:9

جناب استاد گرچه رسم شما ورود به این مطالب نیست ولی نظرتان در خصوص این بازی موش و گربه و این آقای مشایی چیست؟

نویسنده: یک دوست

پنجشنبه 1 مرداد1388 ساعت: 23:21

با سلام،
من به یک نسخه سی دی مستند توفان نوح به زبان انگلیسی نیاز دارم. در صورت امکان اعلام بفرمائید که چگونه میتوانم آن را تهیه کنم.

نویسنده: علیرضا

جمعه 2 مرداد1388 ساعت: 0:17

آقای یک مسلمان. من یک فارسم و وقتی بهم گفتند فارسی یک زبان درپیت الکن ناتوانی ساختگی و بی ریشه است، اصلا ناراحت نشدم و واکنش متعصبانه و توام با ناسزا از خودم بروز ندادم. با اینکه فارسی زبان مادریم است و از کودکی با آن انس گرفتم، با آن زندگی کردم، با آن فکر کردم، آروز کردم، رویا دیدم، حرف زدم، درس خواندم، مطالبم رو نوشتم، احساسم رو بیان کردم، عاشق شدم و ... با اینکه یه عمر از در و دیوار هزاران استاد و دانشمند و ... در سرتاسر جهان تو گوشم خوندن

که فارسی شکر است، فارسی شیرین است، فارسی تواناترین زبان دنیاست و ...، اما بواسطه آگاهیهای استاد پورپیرار در برابر حقیقت سر فرود آوردم و پذیرفتم که تمام این حرفها اباطیل جهودان ملعون است برای فریب خلایق.پذیرفتم که فارسی یه زبان ناتوان و ناقص و نوپدید است که بزور زبان توانای عرب سرپا شده و توانسته تا حدی تته پته کنه. اما شما که یه ترک هستید و از این حرفها درباره زبان فارسی چنان ذوقی کردید که نگو و نپرس، دربرابر همین قضاوت در مورد زبان ترکی رگهای گردنتان چنان متورم شده که ندیده هم می توان به میزان تورم آن پی برد! می دانید چرا؟ چون شما متعصبید و من نیستم. من تعصب قومی و زبانی و مذهبی و ... را در وجودم خشکاندم و تعصب به حقیقت را در جایش نشاندم تا فقط مدافع حقیقت باشم. کاری که شما هنوز نتوانستید و دعا می کنم زودتر بتوانید.

نویسنده: امید

جمعه 2 مرداد1388 ساعت: 1:2

آقای پورپیرار نوشته شما و بحث قدمت زبان ترکی میان دوستان را پیگیری کردم. با وضعیت موجود چیزی برای گفتن "در اینجا"ندارم. فقط یک پیغام برای "یک مسلمان" دارم. قبل از اینکه توسط دوستان به شهود رسیده! مورد لطف اسلامی قرار بگیری خودت به خودت لطف کن و از اینجا برو. ضمن اظهار فضل "رضا" در مورد مصادر ترکی اسباب مسرت خاطر دوستان گردید که از حضورشان تشکر می کنند!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 2 مرداد1388 ساعت: 2:28

آقای امید. آن ها که با حقیقت این تحقیقات تا حد انکار مستند طوفان نیز مقابله می کنند، به محبوس بودن این مباحث دل خوشند و می دانند که بنیان اندیشان تریبون عمومی و پشتیبانی قومی ندارند تا خلقی را در برابر منکران قرار دهند. ذره ای تردید نکنید که اگر فقط یک بار مستند تختگاه و طوفان از شبکه پخش شود، تمام سعی چند قرنه ی یهود برای تزریق دروغ به پیکر مردم شرق میانه دود خواهد شد و به دنبال آن فرهنگ دروغین و کنونی جهان فرو خواهد پاشید.

آقای علیرضا. از قبیل یک مسلمان بازی خوردگانی در حال خروش از موضع مظلومیت اند و نمی توانند آن عروسکی را که یهود در بغل شان گذارده و با صدای امپراتور عثمانی و پیشینه ی 7000 ساله کوک شده، بر زمین بگذارند.

آقای یک دوست. در پیام خصوصی آدرس بگذارید ارسال خواهد شد.

آقای reza71. تا زمانی که گوشه هایی از آن فیلم پخش جهانی نشود، اندکی غیر معمول و نمایشی می نماید.

آقای فرزاد. عملکرد مسئولین و مهره چینی های ناموجه فرهنگی جز یک نتیجه به بار نمی آورد. شک در اصالت ها.



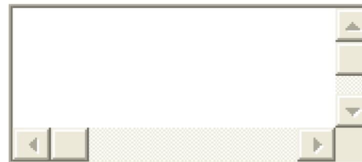
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 223

ایران شناسی بدون دروغ 223، نتیجه،31، آخرین بررسی ها - 58 نظر

نویسنده: حسین محمدی

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 2:24

آيت الله مكارم شيرازي بر ضرورت تعمق در تاريخ تاكيد كرد

قم -حضرت آيت الله"ناصر مكارم شيرازي" از مراجع عظام تقليد با اشاره به لزوم مطالعه تاريخ و تعمق در آثار باستاني،آن را يک سند مهم و معتبر براي آشنايي با احوال گذشتگان بويژه سلاطين تاريخ اسلام و ايران ذكر كرد.

به گزارش ايرنا، وي روز شنبه در اولين جلسه درس تفسير قرآن در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) افزود: آثار باستاني برجاي مانده از گذشته صرفا به عنوان نماد وسابقه تمدن وفرهنگ كشور نيست بلكه وسيله اي براي عبرت آموزي و پند گرفتن از سرگذشت پيشينيان است.
وي ادامه داد: اهميت مطالعه تاريخ آنقدر زياد است كه بسياري از سوره هاي قرآن بيانگر وضعيت ملت ها و حكومت هاي گذشته است.
آيت الله مكارم شيرازي گفت:دونوع تاريخ پيش روي ماست، يكي تاريخ مدون كه به مرور زمان و به صورت نقل قول نگاشته شده و دربرگيرنده تاريخ صدر اسلام نيز مي باشد و برخي از مطالب آن دروغ و خلاف واقع است.
وي اضافه كرد:نوع ديگر، تاريخ تكويني است كه آثار برجا مانده از ادوار مختلف تاريخ را دربرمي گيرد و بازگوكننده حقايق تاريخي است.
وي افزود: با به مراجعه به آثاري همچون طاق كسري و تخت جمشيد در خواهيم يافت كه در پس اين بناي با عظمت كه در آن همه چيز خاموش و ساكت است و تنها بواسطه توجهات ميراث فرهنگي جلوه اي خاص پيدا كرده ، حكايت چه پادشاهان و مستكبراني پنهان شده است.
اين مرجع تقليد شناسايي تاريخ را براي پي بردن به عوامل پيروزي و ناكامي ملتها ضروري خواند و آن را مدركي معتبر براي عبرت گرفتن صاحبان عقل واندیشه از اين بناها توصيف كرد.

http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=645760

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 2:55

آقای محمد رضا. نیازی به تعویض پرینت ها ندارید زیرا در ویراستاری نهایی هیچ هستی نیست و بودی نبود نشده و تنها تصحیح اغلاط و تبدیل برخی واژگان با بار لغوی ارزشمند تر است. یقینا روال این وبلاگ که پاسخ های چهار سال پیش را بدون کلمه ای تغییر ارائه می دهد معلوم است. می توانید پرینت های خود را با 170 یادداشت ویرایش شده به طور راندوم مقایسه کنید.

آقای محمدی. همان داستان قوروم قوروم است.

نویسنده: توحید

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 7:39

سلام

استاد ، ضمن تبریک ماه رمضان به خاطر این یادداشت محکم تبریک می گویم ، الحق که این یادداشت چون مشتی سنگین بود بر گونه پیروان چشم و گوش بسته باستان شناسان حرامزاده غربی که صدای خرد شدن دندانهای آنها را در فضا طنین انداز می کند . یک خواهش هم دارم و آن اینکه آن قید « حرامزاده » را در انتهای یادداشت که وصله « باستان شناسان غربی » کرده اید در آینده ادیت و حذف نکنید که الحق لایق چنین صفتی هستند .

نویسنده: جعفري

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 8:30

با سلام. كتابهاي پلي بر گذشته را چطور ميتوان تهيه كرد؟

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 9:23

سلام علیکم استاد
رمضان کریم

امیدوارم حالتون خوب باشه و همچنان بر خرابه های تاریخی فارسی یهودساخته بتازید

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 12:0

آقای جعفری. با تلفن 66492049 تماس بگیرید.

آقای توحید. حرام زاده نرم و محترمانه ترین خطاب است برای این شیادان که به هیچ بخش از تاریخ و ادب و هستی و هویت هیچ ملتی رحم نکرده اند. آن ها و ضمائم وطنی شان شایسته ی فحش چاله میدانی و مستقیم اند.

آقای پزشک عرب آبادانی. این جا سخن از آسیبی است که یهودیان بر پیکره ی تمام مردم بین النهرین از ترک و فارس و عرب وارد کرده اند.

نویسنده: تلمیذ

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 12:56

با سلام خدمت استاد پورپيرار كبير
يك سوال:
چرا غربي ها به كشور مصر «اجيپت» مي گويند حال آنكه اين يك اسم خاص است و بايد همان مصر مي گفته اند.غير منطقي است كه اسامي خاص در زبانهاي مختلف متفاوت باشد!

نویسنده: عادل

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 13:20

http://www.imna.ir/IMNA/ImageGalleryAlbum/?o_id=709

نویسنده: عبدالله اکینچی

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 14:54

سلام خسته نباشید
جناب آقاي پور پيرار من يك ترك هويت طلب هستم ولي بر روي مسائل تاريخي تعصب ندارم و دنبال حقايق هستم
به نظر من قضاوت شما در مورد زبان تركي خيلي عجيب آمد چگونه شما اين همه غناي زبان تركي را نديده مي گيريد و با چند كلمه و اصطلاح كل اين زبان را زير سئوال مي بريد.
موفق باشيد.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 11:46

گفتگویی واقعی که روی فرکانس اضطراری کشتیرانی، روی کانال ۱۰۶ سواحل Finisterra (Galicia) میان اسپانیایی ها و آمریکایی ها در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۷ ضبط شده است .

اسپانیایی ها (با سر و صدای متن) : A-853 با شما صحبت می کند. لطفا ۱۵ درجه به جنوب بچرخید تا از تصادف اجتناب کنید. شما دارید مستقیما به طرف ما می آیید .
فاصله ۲۵ گره دریایی .

آمرییکایی ها (با سر و صدای متن) :ما به شما پیشنهاد می کنیم ۱۵ درجه به شمال بچرخید تا با ما تصادف نکنید .

اسپانیایی ها : منفی. تکرار می کنیم ۱۵ درجه به جنوب بچرخید تا تصادف نکنید .

آمرییکایی ها (یک صدای دیگر): کاپیتان یک کشتی ایالات متحده آمریکا با شما صحبت می کند. به شما اخطار می کنیم ۱۵ درجه بشمال بچرخید تا تصادف نشود .

اسپانیایی ها: این پیشنهاد نه عملی است و نه مقرون به صرفه. به شما پیشنهاد می کنیم ۱۵ درجه به جنوب بچرخید تا با ما تصادف نکنید .

آمریکایی ها (با صدای عصبانی): کاپیتان ریچارد جیمس هاوارد، فرمانده ی ناو هواپیمابر یو اس اس لینکلن با شما صحبت میکند .
۲ رزم ناو، ۵ ناو منهدم کننده، ۴ ناوشکن، ۶ زیردریایی و تعداد زیادی کشتی های پشتیبانی ما را اسکورت می کنند. به شما پیشنهاد نمی کنم، به شما دستور می دهم راهتان را ۱۵ درجه به شمال عوض کنید. در غیر اینصورت مجبور هستیم اقدامات لازمی برای تضمین امنیت این ناو اتخاذ کنیم . لطفا بلافاصله اطاعت کنید و از سر راه ما کنار روید !!!

نویسنده: آمون

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 15:49

amun.blogfa.com
آمون به روز شد.خبرنامه ارسال شد.

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 15:55

اسپانیایی ها :
خو آن مانوئل سالاس آلکانتارا با شما صحبت می کند. ما دو نفر هستیم و یک سگ، ۲ وعده غذا، ۲ قوطی آبجو و یک قناری که فعلا خوابیده ما را اسکورت می کنند . پشتیبانی ما ایستگاه رادیویی زنجیره ی دیال ده لا کورونیا و کانال ۱۰۶ اضطراری دریایی است. ما به هیچ طرفی نمی رویم زیرا ما روی زمین قرار داریم و در ساختمان فانوس دریایی A-853 Finisterra روی

سواحل سنگی گالیسیا هستیم و هیچ تصوری هم نداریم که این چراغ دریایی در کدام سلسله مراتب از چراغ های دریایی اسپانیا قرار دارد .
شما می توانید هر اقدامی که به صلاحتان باشد را اتخاذ کنید و هر غلطی که می خواهید بکنید تا امنیت کشتی کثافتتان را که بزودی روی صخره ها متلاشی می شود تضمین کنید . بنابراین بازهم اصرار می کنیم و به شما پیشنهاد می کنیم عاقلانه ترین کار را بکنید و راه خودتان را ۱۵ درجه ی جنوبی تغییر دهید تا از تصادف اجتناب کنید.

آمریکایی ها:
آها. باشه. گرفتیم.

نویسنده: سلطان

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 20:58

سلام...من مدتهاست با نظریات شما آشنا شده ام .طبق نوشتارهای قبلی شما زبان فارسی زبان یدیش یهودیان ساکن ایران مهاجر از اسپانیا بوده است . و کلمات عربی موجود در زبان فارسی کنونی به تدریج جهت غنی سازی آن یدیش (فارسی) وارد آن شده است . آیا یهودیان که با زبان یدیش خود در این منطقه (فارسی موجود) صحبت می کرده اند قبل از ورود لغات عربی به آن چگونه منظور خود را بیان می کرده اند ؟ مثلا" اگر کشاورز بوده اند به مزرعه چه می گفته اند ؟ و امثال این کلمات کاربردی زیاد است ... از راهنمایی شما سپاسگذارم

نویسنده: 3

یکشنبه 1 شهریور1388 ساعت: 20:39

احمد توکلی در سال ۱۳۳۰ در شهر بهشهر به دنیا آمد. او در کابینه میر حسین موسوی وزیر کار و سخنگو بود. پس از استعفا از این سمت، او روزنامه رسالت را بنیانگزاری کرد و سپس به انگلستان رفت و در آنجا مدرک دکترای اقتصاد خود را گرفت. پس از بازگشت به ایران روزنامه فردا را بنیانگذاری کرد. که بعدها این روزنامه بر اثر مشکلات مالی تعطیل شد.
وی در مجالس هفتم و هشتم به عنوان نماینده اصولگرای تهران انتخاب شد.
وی هم اکنون مدیر مسئول وب‌گاه الف و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌باشد.
وی پسر خاله علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی است.
توکلی از چهره‌های مطرح اصولگرا است که همواره دید انتقادی نسبت به اصولگرایان داشته است. او از منتقدان اقتصادی سرسخت دولت نهم بود. همچنین او اولین کسی بود که جعلی بودن مدرک علی کردان را در جلسه رای گیری مجلس گوشزد کرد. این امر موجب فیلتر شدن موقت سایت الف که متعلق به اوست شد. وی در انتخابات دهم ریاست جمهوری سکوت کرد. ولی در جریان رخدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم از منتقدان دو طرف بود.

نویسنده: عابدی

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 2:42

سلام

از تمامی دوستان ، به علت بسته شدن سایت عذر می خواهم. مشکل سایت برطرف شد و بدون هیچ مشکلی در دسترس است.

در پناه حق، ایام خوشی داشته باشید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 3:17

آقای عابدی. همگی قدرشناس زحمات شماییم. خدا یارتان.

آقای سایه. فکر خوبی است به خصوص تبلیغ مستند طوفان و مقالات اسلام و شمشیر و نیز بررسی بازگشت تاثیر آن ها بر علمای آن منطقه بسیار مهم است.

آقای سلطان. یادداشت های 209 تا 215 را دوباره بخوانید.

آقای قلی. به آقای غلامحسین الهام.

آقای عبدالله اکینچی. فارس ها هم در برابر نقد پیشینه ی زبان شان همین موضع شما را می گیرند و از غنای زبان فارسی

می گویند!

دوستانی که به دنبال اطلاعاتی در باب ضرب سکه های ساسانی در سوئد می گشتند به آدرس رسمی زیر رجوع کنند.
http://www.cais-soas.com/News/2008/April2008/05-04.htm

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 11:4

با سلام
استاد خوشحاليم كه به انتهاي كتاب سوم نزديك مي شويد.حالا ترس اين يابوها بيشتر شده است كه آيا در كتاب چهارم چه چيزهايي روشن خواهد شد!!

در ضمن ذره اي وبلاگ حك شده است در نماي درشت از كعبه زرتشت نماي فرشته زميني را گذاشته اند 

نویسنده: اسد

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 11:30

مطلبی راجع به تقلبی بودن سکه هانوشته بودند.

نویسنده: !!

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 20:52

با سلام
استاد نظرتان راجع به اين فيلم چيست؟!اگر نديده ايد حتما ببينيد!كارخانه هاي جعل به نظرم در اين فيلم به خوبي نشان داده ميشود!!
Angels and Demons 2009

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 21:8

آقای ؟. ای میل نرسیده.

آقای اسد. سوئد دو محصول با شهرت جهانی دارد: اتومبیل ولوو و دوربین عکاسی هاسل بلاد. ساسانیان و به ویژه شاپور اول به هردوی این محصولات سخت علاقمند بودند و غالب نقش برجسته های نقش رستم و به خصوص نقش زانو زدن والریان را با دوربین هاسل بلاد گرفته اند. سکه هایی را که ملاحظه فرمودید بهای همان دوربین بوده که کرتیر برای شاپور اول از سوئد خریده است.

آقای سایه. کتاب برای تان ارسال شد. موفق باشید.

آقای ؟. در آن جا هم نبود.

آقای ایلماز. تصحیح شد.

آقای ایلماز. فیلم کجا پیدا می شود؟

نویسنده: یکی

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 18:20

اون اسب شاپور اول از اجداد ولوو حساب میشه؟!

نویسنده: فتح

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 22:45

آقای غفوری عزیز این هم متلبی دیگر در باره موسیقی متال که نظر کارشناسی شما را می طلبد.
http://www.niksalehi.com/public/archives/118962.php
آقای پورپیرار گرامی در پاسخ آقای جلالی آدرس ایمیل اشان را خواسته بودید آیا به آدرس ایمیل من هم نیاز دارید البته در رابطه با موضوع مربوطه.

نویسنده: ؟

دوشنبه 2 شهریور1388 ساعت: 23:25

سرقت ریزترین قرآن جهان و توقیف آن
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=61048

رائين اكبرخانزاده - كاتب ريزترين قرآن جهان - از به سرقت رفتن اين قرآن و نمايش آن در نمايشگاه قرآن امسال از سوي فرد ديگري خبر داد.

خانزاده با اعلام اين مطلب به ايسنا، گفت: ريزترين قرآن كه آن را بر روي دانه‌هاي برنج نوشته بودم، نزد وكيلم بود كه او از اعتمادم سوءاستفاده كرد و اين قرآن را به نام خود در نمايشگاه قرآن امسال به نمايش درآورد.

او در ادامه يادآور شد: با مراجعاتي كه به دري نجف‌آبادي - دادستان كل كشور - داشتم، با كمك ايشان، حكم توقيف اين قرآن از سوي شعبه‌ي 13 بازپرسي ناحيه‌ي 2 سعادت‌آباد صادر شد، كه امروز (دوم شهريورماه) توقيف مي‌شود.

اين هنرمند، قبل از اين نيز نگاشتن كلمه‌ي الله‌اكبر روي دانه‌ي شكر، بسم الله الرحمن الرحيم روي تار مو و كوچك‌ترين قرآن دنيا در ابعاد 2 در 1 ميلي‌متر را در كارنامه‌ي خود داشت.

نویسنده: حمیداوی

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 1:42

باسلام آقای پرپیرار
واقعاً خسته نباشید
بنده قبلاً هم برای شما پیام فرستادم و از شما خواستم که به وبلاگ حقیر بنده هم سر بزنید و نظرتان را بعنوان یک استاد به من بدهید
اما ظاهراً پیام بدست شما نرسیده است.
استاد پورپیرار خدایارتان باشد
باور کنید وقتی مستند تختگاه هیچکس را دیدم بغض گلویم را فشرد
که چگونه این جنایتکاران به ما دروغ گفتند و چگونه یک زیگورات عیلامی را نابود کردند
وقتی این زیگورات و دیوارهای کوتاه و تو در توی خراب شده آن را دیدم یاد زیگورات چغازنبیل و همین دیوارهای کوچک افتادم.
با قدرت بکارتان ادامه بدهید و ان شاء الله اجرتان نزد خداست
و امیدوارم از تقلید هخامنشیان از تمدن های بین النهرین ر بنا سازی و حتی لباس پوشیدن و عصا گرفتن و حتی آرم اهورامزدا و حتی شباهت نام اهورامزدا با آسورامزاس خدای آشور و .... نیز سخن بگویید.
باور کنید من بعنوان یک ایرانی عرب کشورم ایران را دوست دارم
اما مشکل ما با جاعلان تاریخ است
همچنین در مورد ارتباط بابلی ها با عرب ها نیز صحبت کنید
بعقیده برخی بابلیان تیره ای از عمالقه هستند
متشکرم
(قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا)

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 2:18

شانه خالی کردن و طفره رفتن از قبول و اجرای احکام واجب الهی زندگی مردم را سیاه کرده، حالا هنرمان هم سعی در مینیمالیزه کردن و حتی الامکان پاک سازی و جمع آوری کلام الهی و نصب پرتره بزرگ معممین بجای آن دارد!

در مراسم عقد و عروسی یک دوست مالائیی مهریه را 22.5 رینگیت اعلام کردند (یعنی نزدیک 6500 تومان) . گفتند می خواهند مطمئن شوند که آقا داماد در شب عروسی توان پرداخت آنرا مطابق آیات قران کریم دارند.

دیگر بهشان نگفتم که در مملکت ما که ادعای اسلاممان فلان فلک را شکافته است، حداقل عرف مهریه در بین خانواده های متوسط برابر 1 یا چندین دیه قتل عمد می باشد تا مطمئن شوند کسی به آیات الهی توان عمل ندارد !!!

نویسنده: امیرعماد

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 10:29

با سلام
آقای حمیداوی خوشحالم که به خوانندگان این وبلاگ افزوده شده اید
مطالعه یادداشت شماره 222 را پیشنهاد می کنم وگمان می کنم شما را به جوابتان نزدیک خوهد کرد
با تشکرthx

نویسنده: اترش

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 19:20

سلام بر همگی

این هم مقاله ی دوم «قرآن معجزه ایی در ۳۰۰ میلیون خانه» که نگاهی به کنفوسیوس و عرفان دارد.

http://www.bazkhani.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: بی نام

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 20:53

سلام بر استاد بزرگوار جناب آقای پورپیرار ودوستان
امروز در حال پرسه زدن در سایتها بودم که بنظرم امد باید رابطه ای بین قجر و غجر وجود داشته باشد .در این وبگردی به دنبال یافتن رابطه احتمالی به سایتی در باره مریم قجر عضدانلو(همسرقبلی ابریشم چی و زن فعلی مسعود رجوی) برخوردم که عکسی هم از ایشان نصب شده بود .عجیب بود بنظرم آمد که ایشان قره هستند وتوصیفی برای ان عکس وجود نداشت جز اینکه ایشان قره چی(کولی) باشند(غجر).چنین به نظرم می آید که قجرها کلا" این مشخصه تیره بودن پوست را دارا باشندکه از مشخصه های اولیه کولیهاست.به هر حال غرض از این همه صغرا کبرا این است به نظر بنده قجر با غجر که هر دو نام دو گروه از مردم است هیچ فرقی با هم نداشته باشد قجر درحقیقت همان غجر(کولی) است که به هنگام ورود به این سرزمین خالی از سکنه رد گم کرده اند وکتابت نام خود را به قجر تغییر داده اند.
استاد نظر شما در باره قجرها چیست؟آیا اینها همان غجرهای پراکنده در دنیا نیستند؟

نویسنده: مفید

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 18:8

جویدن آدامس هنگام خرد کردن پیاز مانع از اشک ریزی شما می شود.
ـ اثر لب و زبان هر کس همانند اثر انگشت آن منحصر به فرد است.
ـ ظروف پلاستیکی تقریباً ۵۰۰۰۰سال در برابر تجزیه مقاومند.
ـ شترمرغ در ۳ دقیقه ۹۵ لیتر آب می خورد.
ـ کرم های ابریشم در ۵۶ روز ۸۶ برابر خود غذا می خورند.
ـ شدیدترین نعره ها متعلق به وال ها است که برابر با صدای موتور جت است.
ـ وقتی یک نوزاد در حال گریه است با صدای ش....ش.... شما آرام می شود به این دلیل که صدای آبی که اطراف نوزاد در شکم مادر است را برایش تداعی می کند، در ضمن این یکی ازدلایلی است که چرا صدای ساحل دریا به انسان آرامش می دهد.
ـ دلفین ها همانند گرگ ها هنگان خواب چشم هایشان را باز می گذارند.
ـ با نگاه کردن به گوش حیوانات می توانیم به تخم گذار بودن یا بچه زا بودن آنها پی ببریم. بدین صورت که تخم گذاران گوششان ناپیدا و بچه زایان گوششان نمایان است، تنها یک استثنا وجود دارد آن هم نوعی افعی است که بچه زاست اما گوشش دقیق پیدا نیست.
ـ بیشتر سردردهای معمولی از کم نوشیدن آب است.
ـ موش دو پای آفریقایی از میدان دید ۳۶۰ درجه برخوردار است.
ـ مغز انسان تنها ۲ درصد از وزن انسان را تشکیل می دهد ولی ۲۵ درصد اکسیژن دریافتی بدن را به تنهایی مصرف می کند.

- سرعت عطسه يك انسان برابر است با 160 كيلومتر در ساعت
- چشم انسان معادل يك دوربين 135 مگا پيكسل عمل می كند !
- مغز در هنگام خواب فعالتر از وقتی است كه تلويزيون می بينيد !
- جوانان هندی شادترين و ژاپنی ها افسرده ترين های جهان هستند !

نویسنده: یه نفر

سه شنبه 3 شهریور1388 ساعت: 18:12

http://www.slipperybrick.com/wp-content/uploads/2008/07/hasselblad-h3dii-50-digital-camera.jpg

اینم یه عکس خوشگل

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 0:18

آقای ایلماز. این سرزمین پر از انواع شریعتی هاست، آدرس روشن تری بگذارید.

آقای بی نام. آق جر و قره جر دو تیره از بقایای خزران باقی مانده در محل اند که آق جرها بیش تر در خوزستان و به خصوص در حوزه ی آقاجاری زندگی می کنند و قره جرها هم پس از آخرین تجهیز از جانب یهودیان به عنوان ایل قاجار در دوران اخیر ناگهان از آسمان به آذربایجان هبوط می کنند. اگر خدا خواست در باب آن ها در کتاب چهارم خواهم نوشت.

آقای؟. اسباب زحمت شده ام. نصب شد ولی عمل نکرد. به هر حال ممنون.

آقای علی از مالزی. اسلام و دستورات آن، جامعه و انسان آزاده و آگاه تربیت می کند. اگر در کشوری با ظاهر اسلامی مشکلات اجتماعی عدیده و گره های کور گشوده ناشدنی بروز می کند، فقط نشان فقدان اسلام در آن کشور است.

آقای حمیداوی. تقریبا نزدیک به تمامی اطلاعاتی را که به عنوان تاریخ اسلام در وبلاگ تان نصب کرده اید، از قصه های ساخت یهود و در زمره ی اسراییلیات است. به هر حال خوش آمدید.

آقای زمانی. روشن فکران ترک را در میان نام های شناخته شده ی موجود نمی یابید، طلیعه ای پیداست که ظهور رده ی تازه ای از نواندیشی سازنده در میان جوانان ترک را وعده می دهد.

نویسنده: دانشجو

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 0:54

با سلام وتبريك دير هنگام ماه مبارك رمضان
استاد مي خواستم نظر شما را در مورد دادگاه محاكمه عوامل اعتراض ها واغتشاشات اخير بدانم

نویسنده: م

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 4:56

شازده عابدی .
یه ایمیل فوروارد کردم. ببین دیگه چی می خوان؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 5:10

آقای فتح. احتیاط شرط عقل است اما این هم حقیقت است که هر دو مستند استاد غفوری بزرگ در محافل بسیاری از عظما کولاک کرده است. اگر فیلم را پیدا کردم چشم.

آقای دانشجو. دادگاهی است پر از تماشاچی و متهم و قاضی!

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 12:22

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم
همانطور که میدانید در منطقه داغستان روسیه شهری وجود دارد که مردم محلی به آن دربند و اعراب به آن باب الابواب می گویند و معروف است که اسکندر ذی القرنین سد مذکور در قرآن را برای جلوگیری از بازگشت دو قوم یاجوج و ماجوج در آن محل ساخته است. می خواستم اسم روسی آن شهر را برای جستجو در نقشه های جغرافیایی بدانم. در صورتی که عنایت بفرمائید ممنون خواهم شد.
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: رشیدیان

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 15:7

چند ماه قبل با معرفی یکی از آشنایان ، با وبلاگ و کتابهایتان آشنا شدم و طی 4 ماه تمام کتابها و وب نوشته هایتان را مطالعه نمودم و با اندیشه های نو در تاریخ که اولین بار توسط حضرتعالی منتشر شده اند آشنا شدم که بسیاری از آنها خارق العاده و بی نظیر بودند و بجا است که شما را به عنوان پدر تاریخ نگاری جهان اسلام بشناسند.
اما دوستانه بگویم که برخی از نظرات شما را یا کاملا نگرفته ام و یا دارای اشکالاتی یافته ام و من باب اولین سئوال ، مسئله کتابت قرآن را مطرح میکنم .
لغت کتب در قرآن سوای از معانی دیگری که دارد در اکثر موارد دارای بار معنائی نوشتن است به عنوان نمونه آیه 282 سوره بقره دقیقا مسلمانان را به نوشتن و قید مورد معامله تشویق میکند و اینکار را بر گواهی دادن شفاهی ، ارجح میشمارد.
یا به طور مثال نوشتن پیمان حدیبیه بین مسلمانان و کفار که گرفتار موریانه شد هم موید وجود خط و توانائی آن برای کتابت در حد و قواره پیمان صلح بوده است.
حال به نظر شما و با توجه به موارد بالا چرا باید مسلمین کار نگارش قرآن را تا چند قرن بعد به تاخیر می انداختند؟
اگر عدم ابداع نقطه در آن زمان را بپذیریم، در این صورت چطور میتوان پذیرفت که مردم عرب با آنهمه قابلیت در تولید سخنان نغز (به تائید قرآن) مثلا برای حروف ح خ ج از یک شکل بی نقطه مشابه هم استفاده میکرده اند؟
آیا انکار وجود کتابت صرفا برای رد وجود کتاب نویسی در قرون اولیه اسلام است ؟
آیا اثبات جعلی بودن کتابهای منسوب به صدر اسلام از راه دیگری امکان پذیر نیست؟

مشتاقانه منتظر جواب تان هستم.
ارادتمند ، رشیدیان

نویسنده: زمانی

چهارشنبه 4 شهریور1388 ساعت: 20:23

سلام استاد بزرگ محفل دوستانه و روشنفکرانه ما در مواجهه با این همه دور اندیشی شما سر بزیر شده و دیگر پیش پای خود را هم نمی بیند. راست است که ما حتی در تشخیص روش تحقیق شما درمانده ایم و تا به خود بیاییم پس از یک سال متوجه میشویم که منظور شما از یادداشت سال پیش چه بوده است. هر یک ماموریم که جایی را بگردیم و کسی را پیدا کنیم که حاشیه عالمانه ای بر این همه گفتار شما زده باشد و تا دلتان بخواهد ابلهان گیج و گولی پیدا میکنیم که خودشان هم نمی فهمند قصد گفتن چه مطلبی را دارند. آن مثالی که در نبودن لغت بومی دانایی و نادانی در زبان ترکی زدید یکی دو ترک محفل ما را به سرگیجه دچار کرد و به کما فروبرد. شاگردان شما در محفل ما از ترک و فارس و لر دستتان را میبوسند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 5 شهریور1388 ساعت: 0:23

آقای رشیدیان. به تازگی کتابی منتشر کرده ایم به نام "پاپیروس ها" ترجیح می دهم به جای پاسخ شما را به خواندن آن کتاب راه نمایی کنم. سئوالات خودتان را از ریشه پاسخ خواهید گرفت.

آقای سنجری. اسامی خاص شهرها و کشورها و کوه ها و رودها و اشخاص در تمام زبان ها تقریبا یکسان تلفظ می شود مثلا مسکو به زبان روسی و ترکی و انگلیسی و فارسی و عربی همان مسکو است و یا عبدالناصر و کاسترو را به تمام زبان ها همان کاسترو و عبدالناصر می گویند.

آقای ؟. باز هم لینک های مربوط به آن وبلاگ باز نشد. او هم یک سیاستمدار دست هشتم بدون تاثیر بود که کسی تره هم برای او خرد نمی کرد.

آقای زمانی. این در حالی است که برای عرضه ی هر مدخلی مقدمات فراوان چیده شده است در حال حاضر مطمئنم بدون

این ملاحظات احتمالا مثل بازیهای پر هیجان و سرنوشت ساز فوتبال ارائه ی هر یادداشت منجر به بروز تلفاتی در میان متعصبین کودن می شد!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 5 شهریور1388 ساعت: 13:43

خانم... امتحان این مطلب بسیار ساده است. مثلا کزازی با صرف انرژی فراوان و عرق ریزان و با لال بازی سرانجام می تواند بدون استفاده از لغت عرب، منظورش را به فارسی منتقل کند، اما شما و یا هرکس دیگری میتوانید امتحان کنید تا معلوم تان شود که بدون التماس به لغت عرب، هیچ جمله ی کامل و دارای محتوای بالغ به زبان ترکی قابل بیان نیست.

نویسنده: دانشجو

جمعه 6 شهریور1388 ساعت: 0:22

با سلام خدمت استاد
استاد لطفا به سوال زیر پاسخ دهید ؟
استاد شما از چه زماني و چگونه از چه راهي متوجه شديد كه تاريخ معمول و جاري مشهور مجعول يهود شده است؟
و اين يادداشت ها را خودتان تنهايي مي نويسسيد يا در نوشتن اين مدخل ها و يا كتابهايتان از كسي كمك ميگيريدو همكاري داريد؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 6 شهریور1388 ساعت: 18:57

آقای دانشجو. از راه به بطالت گذراندن عمر و بدانید که این نوشته ها هیچ مجرم دیگری جز ناصر پورپیرار ندارد.

آقای یه نفر. قابل نصب نبودند.

آقای م. هیچ کدام کار نکردند. آن سی دی ها هم قلابی بودند.

خانم... این مطالب برای اخراج امیال یهود از تاریخ تازه نوشته ی ترکان است و نه اخراج ترکان از آن تاریخ. آن خیال پردازی ها در باب مغول و جنگ ها و امپراتوران گوناگون ترک و کتاب دده قورقوت و امثال آن را به جوی آب بسپرید، چون ترکان برای یورش لغت هجوم را دارند: "و داود که اللهدن سئوال ایلدی اوده ددیکه سن اولرن دالیسندن اولرن اوستنه هجوم آپارمه". برای جنگ از لغت دعوا استفاده می کنن: "و آیله که بکا آغاجلرینن اوستلرنده یرش سسی اشتدون اونده دعوایه چخ..." و برای صلح هم همان لغت صلح عرب را دارند: "... نیجه که اونه دیمش ایدی و حیرام اینن سلیمانن آراسنده صلح وار ایدی..." ملاحظه می کنید که ترکان برای هیچ قسمت جنگ از ابتدا و میانه و نهایت آن، لغت بومی نساخته اند؟!!

نویسنده: ایلماز

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 0:38

عليرضا آشتياني خان فكر كردند مچشان گرفته نمي شود!جايي ... بود فهميدند كه كار اوست!!اوايل چقدر با ادب بود ها!!ولي طاقت نياورد چهره واقعي خودش را نشان داد!!!
استاد كم كم كه دست اين گاگول ها رو مي شود و بازارشان كم رونق ميگردد حسادت دارد خفه شان ميكند كه كساني بدون هيچگونه منتي در راه نشان دادن حقيقت همراه با شما به جلو پيش ميروند!چون ديگر چيزي براي رد نگاههاي بنياني ندارند به شاگردان شما گير داده اند!!!

نویسنده: باقرنیا

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 4:12

سلام و صبح بخیر استاد بزرگ نحوه استدلال های شما آدمی را سرگردان میکند و سئوالاتی که میدهید دائما در سر آدم میچرخد. اشارات شما به نبودن واژه های بنیانی و بومی چون عقلانیت و سفاهت و یا جنگ و صلح در زبان ترکی هر آدم اهل تفکری را بیخواب میکند. عجب دارم از این ترکان که زبان فارسی را بخاطر استفاده از لغات عرب لهجه ای از زبان اعراب مینامیدند ولی حالا که معلوم کرده اید ترکان به شکلی وسیعتر و همه جانبه تر از لغات هر دو زبان فارس و عرب برمیدارند به سکوت متوسلند و ایرادهای بند تنبانی میگیرند.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 9:15

آقای مسلم. تنها کتاب تاریخ صحیح درباره ی مسائل صدر اسلام قرآن قدرتمند و قویم است و بقیه از سیره و فتوح و غیره، یکسره سوقات اورشلیم و داستان پردازی غیر مستند است. برای انتشار کتاب ها هم باید صبور بود.

آقای باقرنیا. قوم پرست متعصب بر پیشانی خود مارک حماقت درشت و واضحی کوبیده است. می گوید هرچه می توانی در بی ارزشی زبان فارسی و کتاب شاه نامه بنویس ولی زبان الکن ترکان و دده قورقوت، کتاب بیرون آمده از زیر زمین واتیکان را ستایش کن!!! به گمانم چنین کسانی فقط یک کلاه بوقی کم دارند.
"و داودن وفاتن کونلری یاخینلشدی و اوغلی سلیمانه وصیت ایلوب دیدی. تمام عالمن کتدیکی یول اینن کیدرم اما سن قوتلنوب مردانه اول. و اللهک ربن اوامرینی محافظت ایله که اونن یوللرنده کیدوب اونن قانون لرینی و امرلرینی و قاعده لرینی و شهادتلرینی نیجه که موسی نن توراتنده یازلوبدر ساخلیه سن تا کامیاب اولاسن".
گذشته از خط، لغات عربی و فارسی وفات و وصیت و تمام و اما و عالم و الله و مردانه و اوامر و محافظت و قانون و امر و قاعده و شهادت و کامیاب را از این متن کوتاه بردارید ببینید از زبان ترکی چه می ماند. آیا با شلنگ تخته های قوم پرستانه می توان این حقیقت تابناک را منکر شد؟

نویسنده: بنیان

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 9:43

با سلام
من بالشخصه تمام نظرات استاد پورپیرار را در مورد تاریخ شرق میانه قبول دارم چون به واقعیت نزدیکتر است و این بحثها و مدرک کافی برای اثبات دارند. ولی چون ترک زبان هم هستم به نظر من عدم آگاهی از زبان ترکی و ارائه بعضی از مطالب بهانه دست متعصبان قوم پرست ترک زبان میدهد. مثل لغتهای جنگ و صلح است که دو واژه ترکی آنها که زیاد هم استفاده میشود وجود دارند واژه معمول ترکی جنگ ساواشماق و صلح باریشماق میباشد. به نظر من همان مطالبی که در مورد تیپولوژی چهره ترکان گفته شد واینکه در بین ترک زبانان از نژاد چشم بادامی تا نژاد اروپای شرقی وجود دارد کافیست که این زبان در زمان معینی در منطقه رواج داده شده است...

نویسنده: بجانی

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 10:34

سلام استاد بزرگوار چندی است که با نظریه جدید جنابعالی کلنجار می روم در خصوص نقد زبان ترکی - حرفهایی که می فرمایید کاملا درست است ولی یک مساله مرا آزار می دهد و آن اینکه همه حرفها در خصوص زبان ترکی اینها نیست - مثل اینکه شما یک موجود سه سر را در زمین نیافته اید و ادعا می کنید که در هیچ جای کهکشان و عالم موجود سه سری یافت نمی شود به شرطی این ادعا دست خواهد بود که همه کهکشان و عالم را بگردید و سپس آن ادعا را بکنید .مثلا شما در خصوص افعال زبان ترکی هیچ نمی دانید بنده برای آگاهی جنابعالی در خصوص افعال زبان ترکی مثالهایی می آورم :
بیاورم ؟ و آیا حاضرید با حوصله بخوانید یا اینکه ... قضاوت پیش هنگام می کنید؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 11:42

آقای بجانی. به وراجی های به اصطلاح زبان شناسان توجهی نکنید که یکی از یهودی ترین رشته های دانشگاهی غرب است. دانشگاه هایی که بنیان و فارغ التحصیلان و ماموریت های آنان را می شناسیم. رشته ای که هرچند گاه صاحب نظران مشهور آن از گفته های پیشین خود پشیمان می شوند و توبه می کنند. شناخت زبان این دنگ و فنگ ها را نمی خواهد. هر کودک شیر خواری استاد بزرگ زبان شناسی است، زیرا می داند با چه لحنی گریه کند که پوشک اش را عوض کنند و یا شیشه ی شیرش را بیاورند. با این نشانی زبانی که نیم بیش تر لغات و خط اش عاریه از همسایگان فارس و عرب است بدون فلسفه بافی و منطقا، علیل، سر هم بندی شده و تازه ساز معرفی می شود. ضمنا به پاسخ آقای بنیان توجه کنید و یادتان باشد لازم است برای افعال تان شاهد مثال مکتوب بیاورید، نه این که با افزودن یک ماق در انتهای هر اسمی به میل این و آن فعل بسازید!

آقای بنیان. ساواشماق به معنای جنگ نیست، دست به گریبان شدن دو نفر با هم است. در این گونه مباحث باید شاهد مثال از میان فرهنگ مکتوب بیاورید، یعنی متنی قدیم را معرفی کنید که در آن ساواشماق به معنای جنگ آمده باشد و چون در قدیم ترین متن به زبان ترکی یعنی همان تورات 125 سال پیش چنین واژه ای به کار نرفته، پس قابل ارائه نیست. راستی نبودن متن دورتر از 125 سال پیش به زبان ترکی شما را به فکر فرو نمی برد؟ لطفا به دده قورقوت رجوع ندهید.

نویسنده: قشقائی

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 12:39

با سلام به شما استاد گرامی
من مطلبی را در آدرس اینترنتی زیر خواندم با عنوان معمار نخستین ساختمان کتابخانه ملی ایران از فردی فرانسوی بنام آندره گدار، این فرد گویا نقشه اصلی جانمایی محوطه و ساختمان‌های دانشگاه تهران، طرح و سرپرستی موزه ایران باستان، طرح آرامگاه فردوسی در توس، طرح ساختمان کتابخانه ملی ایران، طرح آرامگاه حافظ و سعدی را ساخته است از شما می خواستم اگر از این آندره گدار و پیشینه وی شناختی دارید مقداری روشنگری نمایید.

http://www.architects.ir/documents/document/11630/11748/portal.aspx

نویسنده: سایه

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 13:23

با سلام
آقای بنیان حداقل از میان لغات تازه ساخت هم نمونه می آورید درستش را بیاورید!اورشماق به معنای جنگ می باشد!حداقل در زبان ما!!ساواشماق همانطور که استاد گفتند گریبان شدن دو نفر با هم و فحش و فحش کشی می باشد!!

نویسنده: بجانی

شنبه 7 شهریور1388 ساعت: 20:6

با سلام
استاد عزیز از این مطلب گذشتم و سخن شما را عالمانه یافتم اما باز هم مساله ای هست و آن اینکه بنده حتی پدربزرگم را هم ندیده ام چه برسد به تاریخ دیرینه و مکتوبات - تازه به مکتوبات هم نمی توان اعتماد کرد مکتوباتی که هر روز بیش از روز پیش می فهمیم دروغ دارند . وقتی در احوالات روستای زادگاهم غور می کنم می بینم که در همان روستای کمتر از 2000 نفری بیش از صد اسم بر روی کوهها - دره ها - رودها - باغچه ها و ... گذاشته اند خوب شما می فرمایید که اینان کوچانده های جهود هستند و من چون از جهود تنفر دارم مجبورم سخن شما را قبول کنم !
وقتی مادر بیسواد من می گوید : دوشون - آنلا ! من می دانم که می گوید : پسرم بفهم - بدان! و می آیا در سایت استاد می فرماید : ترکها لغتی برای دانایی و نادانی ندارند - دو حالت به هم دست می دهد : یا استاد از این لغات خبر ندارد یا مادر من به من دروغ می گوید که بیسواد است و در کنیسه درس خوانده است و یا حالت سومش این است که او نمی داند که می داند !
خلاصه کنم استاد بزرگوار قصدم خدای نکرده طعنه نیست و جسارت مرا ببخشید
وقتی قرآن می خوانم منبعی عجیب در پیش رو دارم وقتی می رسم : ان اکرمکم عندالله اتقکم - این سخن خداوند عالمیان مرا اقناع می کند زبان مایه برتری نیست !
میل داشتم پس از 20 سال که بازنشسته شدم انشاالله خدا اگر عمری دهد تحقیقات شما را با فراغ بال پی بگیرم و انشاالله پس از سفر شما به سرای باقی نقدتان نمایم زیرا اکنون نمی توان شما را نقد کرد ! البته نگران نباشید نقدی منصفانه خواهم کرد - زیرا فرضیات بسیار بدیعی مطرح کرده اید ولی هیچوقت حاضر نشده اید بپذیرید که ممکن است برخی فرضیه های تان درست نباشد - می گویید اگر اینطور نیست خلاف این را ثابت کنید - - -
با احترام بسیار و آرزوی قبولی عبادات



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 224

ایران شناسی بدون دروغ 224، نتیجه،32، حقه بازی ها در هند، 1 - 39 نظر

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 5:42

سلام استاد....زمانی که چنین مجموعه عظیم و بی نظیر و پرکاری فقط در عرض 5 سال آنهم بدون امکانات امروزی ساخته شده است . پس ساختن بناهای بی معنی و بی خاصیت مابعد به اصطلاح صفوی زنگ تفریحی بیش نبوده است .... همین گونه فراهم آوردن خیل گسترده مکتوبات بی هویت و تفرقه انداز که با اجیر کردن عده ای قلیل می توان تعداد کثیری از آنها را فراهم کرد

نویسنده: دانشجو

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 6:25

با سلام مجدد خدمت پور پیرار
اقاي پور پيرار منظور شما را از نوشتن كامنت قبلي را بد فهميدم يا اينكه شما...
يا شما از هدف خودتان كه باز يابي وحدت حقيقي اسلامي و باز شناسي تاريخ راستين مردمان اين سرزمين است پا پس كشيده ايد يا ان را مخواهيد به مذاق بينندگان اين وبلاگ كه به قول خودتان" هنوز جرعه ای از آن را پایین رفته از گلویی نمی بینم."این چنین گوارا كنيد!
من نميدانم منظور شما از ثقيل خواندن مطالب قبلي چيست يا ما حتما در مكتبخانه هاي يهود نشسته ايم وچيزي از بنيان انديشي شما در حلقوم تنگ ما فرو نميرود! چون علوم انساني موجود در سفره هاي دانشگاهي و حوزوي را جنابعالي قدر پشيزي ارزش قايل نيستيد يا اينكه قدر ت قلمتان هم به اندازه اي است كه معده ما نميتواند هضم كند!!! بالاخره از غذايي كه شما تناول كرده ايد ما هم چشيده ايم!
بنده در كامنت قبلي هم عرض كردم از طرح سوالات هيچ قصد خاصي ندارم فقط من باب كنجكاوي است و بس.

جوابي هم نمي خواهم كه اين چنين شما را اشفته كند "طرح اين پرسشها فقط متهم كردن پور پيرار است"!!
بار ديگرفقط مي خواهم بدانم شما چه زماني و چگونه از چه راهي متوجه تاريخ ساختگي خودمان شديد و ديگر اينكه تحصيلات اكادميك شما در چه رشته اي ميباشد؟
استاد اگر جسارت كردم همه به علت كوچكي و فضولي بنده است!شما بايد به بزرگواري واستادي خود اين شاگرد كلاس را ببخشيد.
بسيار معذرت ميخام.
ضمنا شماره اين مدخل يكي كمتر است.

نویسنده: ی

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 10:47

عزیز دلم ایمان جان خودت رو به اون راه نزن. خودت میدونی بخشنامه رو کی صادر می کنه. حالا خودت رو زیاد ناراحت نکن.

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 11:1

آقای پویا. ممنون و اصلاح شد. درس بخوان و ادا درنیار.

آقای دانشجو. باز هم شما را به مطالب یادداشت 221 رجوع می دهم. شاید از این پس سئوال تان را با چنین جمله ای تعویض کنید: خوب الحمدالله می بینم که مغز شما را هیچ استاد دانشگاه در زمینه ی علوم انسانی تخریب نکرده است. یا: متاسفم شما دانشگاه های کنیسه و کنیسه ای در کرسی علوم انسانی را گذرانده اید، دیگر کار از کارتان گذشته، مگر خدا به دادتان برسد.

آقای عجب شیر. اصرار در عدم درک مطالب ساده نزد کسانی با وجود توضیحات مکرر باور نکردنی است. به علت نبود انسان و در نتیجه زبان و لغت و به طور کلی مظاهر فرهنگ، ناشی از عواقب طوفان و پوریم در ایران و ترکیه، مهاجران اولیه ی یهود به این خطه در دوران جدید که در واقع باید ماموران کنیسه و کلیسا خوانده شوند، برای خود خط و زبانی معین و مستقل و طبیعتا بدون بهره گیری از امکانات ناموجود اطراف ساخته اند همان زبانی که در شرایط مورد نیاز برای تولید دو ملت ترک و فارس، با تعویض خط به الفبای عرب، اینک ترکی و فارسی می نامیم. در واقع ترکی و فارسی موجود عینا همان یدیش یهودیان این منطقه اما به خط عرب است. ضمنا خواندن و بهره گیری از کتاب بی نظیر مگر این پنج روزه در حد سواد همه کس نیست، آن اوراق زرین و بی بدیل وظیفه ی معینی در حوزه ی اثبات قلابی بودن احوال سعدی بر مبنای نگاه انتقادی به گلستان و بوستان داشت، که در حد اعلای اعتبار از عهده برآمد. هر وز وزی در باب آن رساله و کتاب کبیر، که مقدمه ای بر بنیان اندیشی بود، فقط مدرکی است مناسب حشره شناسی. بدون تعارف و خجالت هر وقت اراده کردید و لازم بود تشریف بیاورید.

نویسنده: بابک

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 13:4

باسلام خدمت استاد پورپیرار و دوستان
متن عربی! در نوشته شما که نویسنده آن گاها هوای وطن هم کرده در تمام متون جعلی و غیر جعلی باقی مانده دیده میشود این نوشته ها تنها با چند فعل و اسم هویت ترکی میگیرند و نشاندهنده "عدم تطبیق این زبان و فرهنگ با زبان و فرهنگ وارداتی و یا تحمیلی است" که مسلما با زبان محاوره ای و بومی عامه مردم ترک متفاوت است در میان مردم ترک زبان اصولا کسانی که باور کنند ترکی هم نوشته میشده تا دهه های اخیر هم نسبت به عام بسیار اندک بودند باز این متون سراسر عربی که تنها با چند فعل و اسم هویت ترکی میگیرند برای مردم بومی کاملا ناملموس و نا همگون است
مردمی که آمال و آرزوهای محدود و باورهای آنها در حوزه زیستی خود تا چند قرن اخیر با زبان تقریبا خالص و ساده خود که همراه با اصطلاحات و ضرب المثل ها بر آورده میشده نیازی به این ادا اتوارهای روشنفکر معابانه نداشته به نظر هم نمی رسد انتقال مبانی واحکام قویم و در عین حال ساده قرآن کریم نیاز مند این نوشته های نا مفهوم باشد
جملاتی که در متن نوشته شده است برای ما نیز در دوران کنونی نا مفهوم مزحک و تنها بازی با کلماتی است که نویسنده در هنگام نوشتن آن خر کیف از این همه با سوادی و عربی دانی و بی توجه به فرهنگ بومی خود ترشهات نو آموخته ذهنی خود که شبیه به نوشته های مناجاتنامه است مانند یک ابزار برای مخاطبانی اندک در حوزه سلیقه و تعقل خود نوشته است احتمالا تعیین میزان سواد وکلاس در آن دوران استفاده هر چه بیشتر از الفاظ قلمبه سلمبه عربی و احتمالا فارسی است که اگر از منظر قومی به آن نگاه کنیم امروز هم قوم پرستان ترک شاکی از این نوشته ها آنها را دشمن اصلی در رخنه به فرهنگ ساده و بی آلایش خود میدانند و این نوشته ها را در راستای نفوذ و تخریب فرهنگ خود و نه انتقال مفاهیم قرآنی اسلامی میشناسند
از این مطالب بگذریم درک این مطلب که زبان ترکی حوزه ما تا قرون اخیر استعداد و ابزار نگارش نداشته زیاد سخت نیست و

اولین تجربه های نوشتاری در آن همزمان با گسترش مبانی اسلامی از یک سو و تلقینات عرفانی از سوی دیگر در بین اندک با سوادان آن که سواد را عربی و فارسی آموخته اند رواج پیدا کرده است

نویسنده: بابک

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 13:5

اگر کسانی سعی در انتقال تدریجی این مبانی به حوزه فرهنگ و زبان خود داشته اند نیاز مند هم رنگ سازی آن با زبان حوزه خود از طریق استفاده از کلمات ترکی برای تاثیر گذاری هر چه بیشتر بوده اند در غیر اینصورت باز هم نیاز به نگارش ترکی در آنها احساس نمیشود اما تلاش برای حفظ کلمات عربی و فارسی در آنها به دلیل همان نفوذ و تاثیر گذاری فرهنگی و حفظ کلاس نوشتاری اجتناب نا پذیر مینماید
من از نوشته های اخیر شما این چنین برداشت میکنم که انتقال فرهنگ مورد نیاز عمال جعل یهود هر چند به نام اسلام و در مقابل اسلام نیاز به زمینه هائی است که یکی از آنها نگارش زبان نوساز(از نظر نگارش و کاربرد امروزی) فارسی و حجیم و ثقیل و مهم و دیرینه جلوه دادن فرهنگ وادبیات آن است که زمینه های آن نیز در فرهنگ آنها موجود بوده تا با نفوذ تلقیناتی به اسم عرفان و اشراق و تصوف و... به آلوده کردن دامن اسلام منجر شوند که موفق بوده اند ودر دهه های اخیر هم با علم کردن تمدن باستانی قصد تخریب از نوعی دیگر را داشته اند
بعد از مردم فارس اینک نوبت به مردمی از لحاظ جمعیت جغرافیا و فرهنگ مستعد(آذربایجان) که بعدا به نام ترک معرفی میشوند است اما به نظر میرسد اینباردر ابتدا کار روش مانند حوزه فارسی نیست و این بار مقصد حجیم و ثقیل و مهم و دیرینه جلوه دادن فرهنگ و ادبیات آن نیست و تنها انتقال همان فرهنگی است که برای ساخت آن در حوزه زبان فارسی زحمتهای فراوان کشیده اند و این مستلزم انتقال این فرهنگ امیخته با تلقینات با ابزارهائی است که یکی از مهمترین آنها حکومتی است که خود از همان مردم ترک هستند ابزار دیگر نگارش است که به دلیل "عدم تطابق این فرهنگ مجعول با فرهنگ عامه مردم" و" سعی در انتقال خالص فرهنگ جعلی ساخته " نتیجه ای هم چون متن سبحت الاخبار میدهد
آیا متن بالا که در همین سده ها نوشته شده کمکی به بالندگی زبان ترکی است یا تحقیر این زبان ؟!
آیا محدود کردن آموزش و گسترش این زبان از زمان تاریخ شناخته شده قاجار که به نظر اولین تجربه یک حکومت منسجم بر مردم پراکنده در حوزه های مختلف ایران است نشان دهنده ساخت یک فرهنگ است یا نا بودی داشته های هر چند اندک آن ؟!

نویسنده: بابک

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 13:7

آیا تلاش منسجم و چندین ساله عمال آنها در از بین بردن این زبان و فرهنگ و تلقین نظریاتی از نوع نظریات کسروی که سعی در قبولاندن فرهنگ آذری زیر شاخه فارسی بوده نشانگر ساخت فرهنگ است یا نابودی آن !؟
به نظر بنده معرفی دورانهای ترکی غزنوی و سلجوقی و مغولی و صفوی که فرهنگ و زبان فارسی را بر روی چشم گذاشته اند تنها به این دلیل است که مردم بومی این فرهنگ بهتر فرهنگ ساخته شده را به دلیل دیرینگی در قبول این فرهنگ از طرف حکومتهای ترکی قبول کنند و فکر کنند اگر حکومتهای ما این فرهنگ را پذیرفته اند پس ما باید این فرهنگ را روی چشم بگذاریم اینکه فرهنگ ترکی در مقابل فرهنگ ثقیل و زنگین فارسی چاره ای جز قبول آن نداشته باز در راستای این هدف است در آخر هم میبینیم ساخت این دورانهای خیالی مثلا ترکی به بالندگی و گسترش فرهنگ و زبان فارسی منجر میشود
آیا این نظر شما نیست که عمال یهود با تمام امکانات شناخته شده سعی درساخت, انتقال و گسترش فرهنگ فارسی برای مقابله با فرهنگ عربی اسلامی داشته اند ودر این راستا دست به جعلیات گسترده و حیرت آور زده اند این تلاش ها در حوزه ترکی نه تنها صورت نگرفته است بلکه بر عکس در راستای تحقق اهداف سعی در همسو سازی مردم این حوزه با فرهنگ ساخته است که نشانه آن کاملا روشن است مانند جایگزینی زبان و فرهنگ فارسی به جای زبان بومی وانتقال و گسترش مذهب همسان در میان آن مردم
من اعتقاد دارم زبان ترکی در حوزه زیستی و بومی خود برای رفع نیاز های اولیه زبانی نسبتا کامل است و مستعد برای دورانهای پیش رو و با زبانی همچون عربی و کتابی همچون قرآن که کلام خدا ست و مبنای نگرش برتر انسانی و از نوع آسمانی آن است متفاوت است و قصد بنده مقایسه و مقابله ناممکن آن با زبان قرآنی نیست و کسی هم همچین توانی ندارد حتی قصد شاخ و شانه کشیدن در برابر زبان فارسی که به لطف یهود وعمال آن برای نگارش انتخاب شده راهم ندارم وبا ارائه نمونه هائی که بر گرفته از زبان بومی مردم ترک زبان است سعی در کشف حقیقت دارم و بس
به مثال زیر تو جه کنید:

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 13:8

با سلام
بنده وقتی اشعار فضولی و واحد و ... را که به ترکی هستند می خوانم بلافاصله این سوال به ذهنم می آید که اگر کلمات عربی را حذف کنیم چه می ماند - راستی در ادبیات ترکی اشعاری هستند که نقش اشعار حافظ را بازی می کنند : مثلا این یکی از معروفترین شعرهای نسیمی که می گویند مکتبی سترگ به نام حروفیه رهبری می کرده است : منده سیغار ایکی

جهان / من بو جهانه سیغمازام / گوهر لامکان منم / کون و مکانه سیغمازام ...
راستی چه بگویم که منطبق ترین سخن در خصوص تاریخ و ادبیات ترک و فارس و ایران و اسلام در این سالهای مدید از زبان پورپیرار شنیده شده است چرا هیچ کس به ایشان کمک نمی کند ؟ چرا باید چون موش کوری باشیم که وقتی پس از کندن زمین وقتی به نور رسیدیم چرا باید آن را رها کنیم و به جای دیگری برای کندن زمین برویم . ؟

نویسنده: علی از مالزی

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 17:9

سلام.هنوز فرصت نکرده ام مطلب جدید را بخوانم. اما میخواستم عرض کنم فقط همین را کم داشتیم که جور شد:
/http://mouood.org/content/view/9224/3

متشکر.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 18:23

با سلام
استاد اگر این مجموعه بنا فقط به کمک نیروی دست و با ابتدائی ترین امکانات در کمتر از یک دهه برپا شده است دیگر تمام مدعیان شکوه و جلال تمدن های ایران و ترک باید بساط معرکه گیریشان را جمع کنند و از نگاه و افتخار به چند مخروبه نیمه کاره برپا شده آن هم در چند صد سال خجالت بکشند!!!ولی ماشالله به این همه رو!!!
استاد در رابطه با ادبیات جهان و به خصوص غرب آیا می توان ادبیات مستقل از هیاهوی کنیسه و کلیسا یافت که ارزشمند باشند؟!اگر جواب مثبت است می توانید نمونه هایی بیاورید؟

نویسنده: داریوش

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 21:24

باسلام خدمت استاد گرانمایه.
جناب استاد داستان پوریم بقلم آقاي اميرحسين خنجي را كه درسايتش (www.irantarikh.com)قرارداده است را مطا لعه كرده ايد؟ايشان معتقداست كه پوريم درمصراتفاق افتاده وهامان بنا به گفته ي قرآن وزير فرعون بوده نه خشايارشاه ولي يهوديان دربازنويسي هاي تورات آن رابادربارشاهنشاهي ايران گره زده اند.درصورت مطالعه آن نظرشما را ارج منهيم.سپاس

نویسنده: یکی

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 17:57

«سپاس علی الاطلاق و ستایش بالاستحقاق اول باری خلایق حکیم قدیم حضرتنه اولسون که وجود عالم بل عالم وجود آنک بحر جودندن بر قطره در و شهود نور ظهور آنک ظهور نور شهودن بر لمحه در برمبد عدد که بر کلمه کن ایله بو نجه بیک کلمات حقایق ذات ام الکتابدن لوح فطرة اوز ره تصیو بر بیوردی وجود انسان کلمه جامعه و هم صحیفه کامله قلوب نسحه سندن انتخاب ایدوب لطیف دوز دی که ایچنده صور جمله معانی و کلمات سبع المثانی بیوردی...».

زمان جعل این متن را، که خواندن اش نیازی به دانستن زبان ترکی ندارد، در هر دوره ای بگذاریم، شاید شاهدی بر بی باری و ناتوانی مطلق زبان ترکان در ورود به مبانی پایه، برای متعصبین ترک بتراشد که ظاهرا به دفاع از قدرت زبان قوم خود و در حقیقت به پوشاندن رد روشن توطئه ی تولید ملتی پرچم تفرقه اسلامی بر دوش مشغول اند که با پرچم تفرقه بر دوش داران دیگری به نام قوم فارس مقابله کنند تا به کم از چند قرن با شاخ و شانه کشی های خنده دار و تکرار تلقینات مردود مراکز به اصطلاح دانشگاهی غرب، فضای مودت اسلامی در حال توسعه تاریخی را، به نمایه های کنونی برسانند، که می بینیم.
××××××××××××××
نویسنده: ابراهیم رفرف پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 9:29
...
یدیش نیمه آلمانی، نیمه عبری نیست. یدیش عمدتا آلمانی است با حدود یک درصد کلمات عبری و مقدار کمی کلمات اسلاو و نگارش عبری....

×××××××

با این حساب ترکی هم لهجه ای از عربی است با حدود یک درصد کلمات ترکی و مقدار بیش تری لغت فارسی!

نویسنده: توحید

پنجشنبه 12 شهریور1388 ساعت: 20:35

سلام
استاد از کجا می توان CD و بروشور تبلیغاتی آخشاردام را تهیه کرد .

آقای علی ، آن خبر و لینک شما که انسان را سخت مکیف می کرد سال پیش یکی دو بار توسط دوستان در همین وبلاگ عرضه شده بود ، فقط دقت کنید به کدهای خاص یهودی و توراتی در این ماجرا ، از جمله مسلمان شدن انیشتین پس از « 40 » مورد نامه نگاری . جالب است وقتی به دنبال " منبع خبر " رفتم متوجه شدم که نشت خبر از چه منبع معتبری بود !!
پایگاه اطلاع رسانی تازه تاسیس شیعیان ایران « ایرسنا » ، حال برای مکیف تر شدن بد نیست لینک زیر را نیز بخوانید ؛

آیت الله بهجت موت اختیاری داشت :

thold=0&order=0&mode=thread&sid=503&file=article&http://www.irsna.ir/modules.php?name=News

نویسنده: ؟

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 0:9

جومونگ هم صهیونیستی از آب درآمد
http://rajanews.com/Detail.asp?id=35619

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 0:23

آقای توحید. در هند، احتمالا از سفارت هند در ایران نیز قابل تهیه باشد و یا مثلا سفارش بگیرند.

آقای داریوش. لااقل او نمی گوید که در پوریم یهودیان با مردم شرق میانه شوخی داشته اند. کشتار و تخریب را به مصر می برد در قصه ای که یهودیان نیز از شنیدن آن حیرت می کنند. فقط باید از او پرسید اگر پوریم در مصر واقع شده چرا هرکجای ایران را حفر می کنیم یک مرکز تجمع سوزانده و نابود شده می یابیم، چرا به جای معابد مصر تخت جمشید نیمه کاره است و چرا زندگانی و آثار تجمع و تمدن و تولید در ایران از زمان معینی متوقف است، نه در مصر؟

آقای ایلماز. آثار جان اشتاین بک، جک لندن و ویلیام فالکنر از جهات بسیار متفاوت و مناسب خواندن اند.

آقای محمدی. هنوز باید حوصله کرد تا عمق خیانت این حرام زادگان جاعل تاریخ برای این منطقه را کاملا عیان کنم تا شاید رگی از تعصب حقیقت خواهی در مسئولی بجنبد و تکرار مهملات موجود را از کتاب های درسی برچینند. یادآوری کنم که عقب ماندگانی معتقدند که ترکان از این همه کلاشی نصیبی نبرده و هفت هزار سال تاریخ پاکیزه دارند که هیچ جهودی جرات انداختن نگاه چپ به آن را نداشته است. اگر باور ندارید دده قورقوت را بخوانید.

آقای زمانی. در میان این چند هزار برگ مطلب ارائه شده، در محدوده ی مبحثی که هر یک گشوده است، حتی به میزان حرف واوی اشتباه و یا مغایرت وجود ندارد. گمان های جاری حاصل نادانی و عدم تشخیص و بی اطلاعی گویندگان آن است. چنان که حرف به حرف اطلاعات آن ها از زندگانی و خصوصیات فردی من نمایش بلاهت خودشان از سر بی خبری محض و به کلی مغایر با واقع است. بنا بر این شما خون خودتان را کثیف نکنید و به جای من به کسی جواب ندهید.

آقای چیل. او سوٌ نظر ندارد و مستحق مداراست.

آقای دانشجو. به راستی که اغلب تصور می کنم به جز استثناهایی بسیار اندک، خوانندگان لایق و قادر به برداشت از این یادداشت ها، هنوز در قنداقه و حتی در رحم اند.

نویسنده: دانشجو

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 1:12

با سلام
با چنين اوصافي فكر نمكنيد زحمتتون به بار نمينشيند

نویسنده: بی شناسنامه

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 1:17

سلام استاد عزیز مردکی به نام علیرضا آش رشته ای که همان سهند کتک خورده است، در یکی از وبلاگهایی که سوته دلان ترک و فارس در آن جمع اند و برای اولین بار در اعلام عزا به خاطر نوشته های شما متحد شده اند، مقداری ناسزا نثار شما کرده است که گرمای زبانه های آتش ماتحت از آن بلند بود. نوشتم که گویا شکاف ناشی از تیپای حضرت استاد در استخوان نشیمن سهند هنوز به هم نیامده است. صاحب وبلاگ سوته دلان کامنت مرا تایید نکرد و از سر بیخبری و نادانی مانند موارد دیگر که کم میآورند افتخارا مرا به جای شما گرفته بود. دلم برایشان سوخت. ظاهرا باید برای ظهور سوته دلان تاریخ قلابی مغولان در هند هم جای تازه باز کنند.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 1:50

آقای توحید، لینک شما را برای فرستنده ای که برای من ایمیل زده بود ارسال کردم تا این خزعبلات را به تالار افتخاراتشان اضافه نمایند. ممنونم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 5:6

آقای دانشجو. فقط یونجه را سالی چند بار درو می کنند. برای به دست آوردن سیب سرخ و سالم باید یک سال تمام از درخت مواظبت کرد. از یاد نبرید که این زحمت هم اکنون نیز به نشان حضور صدها امثال شما در این وبلاگ، به بار نشسته است.

آقای بی شناس نامه. او دیگر مگر خواب التیام را ببیند تا زنده است از درد آن تیپا و اردنگی خواهد نالید.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 9:31

آقای پورپیرار، نوشته های شما باید که هر ایرانی را از خواب متسلسل خود محوری بیدار کند. چه رویکرد جالبی! آنها که موضوعات مطرح شده شما را سرسری گرفتند، آیا حداقل نگاهی به خارج دایره گنگ و بسته ای که زندگی میکنند نیز نمی خواهند بیاندازند؟ تشکر از مقاله تان.

همچنین...

بخشی از زیبائی چشمگیر کشتی بلوطی اوزبرگ (با قدمتی حدود 1200 سال) شاید به خاطر داستان زیبا و صادقانه اکتشاف آن باشد. فکر کردم این می تواند در حد یک مصداق، انتظاری از آنچه که ممکن است از اکتشافات آتی (یا قبلی) کشتی نوح حاصل کند، بسازد. مقاله به صراحت های وضعیت حفاری تا بازسازی با عکسهای متعدد اشاره میکند . لینک آخر هم آرشیوی از عکسهای مربوط به بقیه کشتیهای نروژی است. ممنون.

http://www.khm.uio.no/utstillinger/oseberg/indexE.html#Det_store

http://home.online.no/~joeolavl/viking/index.htm

نویسنده: توحید

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 11:48

با سلام
امیرحسین و فاطمه صدرنشین هستند

تغيير ذائقه تهراني‌ها در نامگذاري فرزند
گروه جامعه: نتايج يك بررسي از سوي سازمان ثبت احوال نشان مي‌دهد، ذائقه خانواده‌هاي پايتخت‌نشين در نامگذاري فرزندان دختر، تغيير چشمگيري داشته و نام‌هاي ايراني و غيرعربي توانسته‌اند رتبه‌هاي سوم تا هفتم از 10 نام محبوب سال 87 را به خود اختصاص دهند.

به گزارش مهر، نتايج اين تحقيقات حاكي است كه سال گذشته 3220 نوزاد از سوي خانواده‌هايشان هستي ناميده شده‌اند و اين اسم، سومين اسم پرطرفدار در ميان دختران تهراني است.
در اين باره رئيس سازمان ثبت احوال استان تهران با اشاره به اين‌كه نام‌هاي ستايش، ريحانه و مبينا در ميان 10 نام محبوب پايتخت‌نشينان رتبه چهارم تا ششم، نام‌هاي پرطرفدار در سال گذشته را به خود اختصاص داده‌اند، به خبرنگار مهر گفت:

سارينا، زينب، نازنين، زهرا و محدثه نيز رتبه‌هاي هفتم تا دهم را در ميان نام دختران كسب كرده‌اند.
با اين همه بررسي‌ها نشان مي‌دهد اميرحسين و فاطمه همچنان محبوب‌ترين نام‌ها بين مردم تهران طي يك سال گذشته بوده‌اند، گرچه نام‌هاي تركيبي و نام‌هاي ايراني نيز توانسته‌اند جايگاه غيرمنتظره و چشمگيري در ميان خانواده‌هاي پايتخت‌نشين پيدا كنند.در اين باره رئيس سازمان ثبت احوال تهران گفت: سال 1387، 4519 نوزاد پسر اميرحسين و 6827 نوزاد دختر فاطمه ناميده شده‌اند. اين در حالي است كه نام‌هاي ابوالفضل و فاطمه در سال 1386 رتبه اول را در ميان نام‌ها كسب كرده بودند.
سيداحمد قشمي درباره 10 نام برتر در ميان اسامي پسران گفت: بعد از اميرحسين، اميرعلي با 4366 مورد و ابوالفضل با 4282، دومين و سومين رتبه را در ميان اسامي پسران كسب كرده‌اند.

نویسنده: توحید

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 11:49

رئيس سازمان ثبت احوال استان تهران با بيان اين‌كه نام علي چهارمين رتبه را در ميان اسامي پسران در سال گذشته كسب كرده است، ادامه داد: اميرمحمد، مهدي، محمدمهدي، محمدرضا، عليرضا و محمد به ترتيب پنجمين تا دهمين رتبه را در ميان اسامي پسران كسب كرده‌اند.به گفته اين مقام مسوول در سازمان ثبت احوال در طول چند سال گذشته، اسامي تركيبي در ميان پسران افزايش چشمگيري داشته كه اين مورد در دهه قبل بي‌سابقه بوده است. رئيس سازمان ثبت احوال استان تهران، نام زهرا را دومين اسم پرطرفدار در ميان نام زنان خواند و افزود: 4512 نوزاد دختر در سال گذشته به اين نام مزين شده‌اند.

براساس اظهارات قشمي، 10 نام اولي كه سال 87 از سوي خانواده‌ها براي نوزادان پسر تهراني انتخاب شده‌اند، به ترتيب فراواني عبارتند از اميرحسين، اميرعلي، ابوالفضل، علي، اميرمحمد، مهدي، محمدمهدي، محمدرضا، عليرضا و بالاخره محمد.
همچنين چند نام اولي كه از سوي خانواده‌ها براي نوزادان دختر تهراني انتخاب شده‌اند، به ترتيب فراواني عبارتند از فاطمه، زهرا، هستي، ستايش، ريحانه، مبينا، سارينا، زينب، نازنين، زهرا و بالاخره محدثه.
http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100916356940

بی سوادها " ریحانه " و " مبینا " را فارسی گرفته اند ، " سارینا " هم که فارسی نیست !!!

نویسنده: توحید

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 11:51

کشف قدیمی ترین انجیل دنیا در " مصر " ، متعلق به 350 قبل از میلاد !!!
nid=152133&http://www.irinn.ir/Default.aspx?TabId=15
البته در اکثر خبر گذاریها اشتباها درج شده " 350 قبل از میلاد " اصلا پذیرفتنی نیست که تصور کنیم تنها اشتباها بجای بعد از میلاد نوشته شده باشه "قبل از میلاد " چون منابع معتبر تر و صحیح تر نوشته اند 1600 سال پیش که می شود 409 بعد از میلاد ، که هیچ ربطی به 350 نداره ، انسان واقعا در احوال این خبرگذاری ها می مونه یادتون باشه هفته پیش هم بصورت اشتباه نوشته بودند کشف یک کلیسا در ترکیه متعلق به 250 سال قبل از میلاد مسیح .
Itemid=47&id=47517&task=view&http://www.bazyab.ir/index.php?option=com_content

http://www.mazhabnews.com/fa/pages/?cid=3124
استاد ، از این سایت می تونید تصاویر این قدیمی ترین انجیل دنیا رو ببینید ،
http://www.codex-sinaiticus.net/en/manuscript.aspx
به نظرتان جعلی است یا حقیقی ؟ ضمنا به خط یونانی است و بسیار شسته و رفته ، مگر اصولا نباید انجیل به زبان رومی یا لاتین یا عبری باشه ؟

نویسنده: محمد رضا

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 12:16

سلام جناب استاد یک نفر به نام مهدی مچ رفرف را در ساخت قلابی کامنت گذاران گرفته بود که آن دانشمند کبیر که دو ماه است مشغول کپی پیس کردن مقاله ای درباره جبر خوارزمی!!!!؟ است با عصبانیت چنین جواب داده است:

شلوغش نکن جانم، اینها خطاهای انسانی است. اولین بار است که شمارا زیارت میکنیم، اما به جای این که کامنتی در باره مضمون یکی از مقالات ارسال کنید، به فکر تهمت زدن به این و آن هستید. از نمایش بقیه کامنتهای ارسالی تان هم به علت نداشتن مطلب مفید منصرف شدیم. در صورت تمایل به نقد مطالب این وبلاگ یا دشمنی استدلال گرایانه با آن لطفا مارا بی

نصیب نگذارید.

پس حقه بازی عمدی خطای انسانی شد و گفتگو از جبر جواب ضعف مفرط زبان ترکی!!!!! اما نکته این است که این آقای مهدی قبلا نیز اشاره ای به حقه بازی دیگری در وبلاگ رفرف کرده بود که مطلبش هم نصب شده بود. اقای رفرف ابتدا مطلب قبلی آقای مهدی را پاک کرده است تا بنویسد بار اولی است که شما را زیارت می کنیم. این آقا نه فقط زبان شناس و ریاضیدان است حقه باز بزرگی هم هست.

نویسنده: آمون

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 10:41

آمون به روز شد. خبرنامه را ارسال کرد. اینجا کامنت نوشت ولی کامنت مورد حذف شد!

amun.blogfa.com

نویسنده: اترش

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 19:41

محمدرضا تو دیگه چرا؟
تویی که وب لاگ رفرف رو با این دقت می خونی که می دونی کی چندمین باره پیغام می زاره حتی بهتر از خود رفرف! و همیشه هم چک می کنی تا ببینی کامنت ها سرجاشونن یا نه!
یعنی فکر می کنی رفرف اشتباه نکرده و مهدی درست گفته؟

نادونی سنگی تو چاه می اندازه و صد تا عاقل نمی تونن درش بیارن.

وب سایت

نویسنده: عابدی

جمعه 13 شهریور1388 ساعت: 23:18

سلام استاد خسته نباشید. چه خبر ؟ هوای آن طرف ها خوب و خنک هست ؟ جدیدا ایمیلی قلابی از جانب مجتبی غفوری برای کش رفتن پسورد ای میل ام ارسال کرده اند !

خواستم این جا اعلام کنم برای پیدا کردن پسورد که این کار ها نمی خواهد . چرا از خودم نمی خواهید تا دو دستی تقدیم کنم ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 0:49

آقای عابدی. خسته نباشید. به لطف خدا هوا در آن جا نیز کم کم خنک خواهد شد. پس نوبت شما هم رسید؟ یک موش خانگی مشغول تخلیه ی انبان دوستان است که البته چیزی به دست اش نخواهد افتاد زیرا کسی در این خانه به جز من مخزن مخفی ندارد. دوستان نزدیک همه او را می شناسند و مشغولند تا اندازه ی قطر پوست روی او را به دست آورند.

آقای محمد رضا. وقت تان را تلف نکنید.

آقای توحید. تصویر آن تک برگ گواهی نمی داد که آن نوشته ای بر روی پوست باشد بل بیش تر کاغذین می نمود با لبه های سوخته که عمر بس کوتاه و قریب پنج قرنه دارد. نوع خط آن نیز یونانی آخرین ورژن بود. به گمانم مجموعه ای از موزه ها و ذخایر درکارند تا یک انجیل و تورات قدیمی سرهم بندی کنند و در برابر ادعای نونوشته بودن نمونه های جدید بگذارند. واقعا کلافه و درمانده شده اند و اگر کسی در این جمهوری حقه بازی های آن ها را جهانی کند، توازن فرهنگی کنونی دنیا به هم خواهد خورد.

آقای اعتماد. پس از ارائه ی کومه ای از اسناد و استدلال، بنیان اندیشان اینک دو محک مطمئن برای شناخت وارد شوندگان به این مباحث در اختیار دارند: مستندهای تختگاه و طوفان. هر انکاری نسبت به این دو سند، ما را با هویت منکر آشنا می کند: یا یهودی در پرده ای است که خود را موظف به دفاع از حیثیت کنیسه می داند و یا احمق فاقد عقلی که از مبانی چیزی نمی فهمد و مثلا از علم و دانش پس از پوریم در شرق میانه می نویسد و می گوید. در هر دو حال تکلیف ما با چنین نمونه هایی معین است: بدون هیچ اعتنایی اجازه می دهیم تا هر مقدار که بتواند وراجی کند و سرانجام راهی همان سبد

آشغالی شود که ده ها نمونه ی نظیر او روانه شدند. آن کتاب هم هنوز به تعداد اندک موجود است. با آرزوی موفقیت و امتنان از کوشش شما.

نویسنده: منوچ

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 1:24

برای من هم به اسمش شوغولات فرستاده بودن. البت من می دونستم که مجتبی برای من فقط آب نبات چوبی می فرسته.
بر و بکس باس بپان.

نویسنده: علی رضا

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 8:0

با سلام خدمت استاد فرزانه و بزرگوار
استاد دلایل شما در اثبات تازه ساز بودن ملت ترک و فارس کامل است و من به عنوان یک آذری زبان هیچ دلیل منطقی و محکمی در دفاع از اصالت زبان ترکی از دوستانی که در این سایت یادداشت میگذارند نخوانده ام . به نظر من این بحث یک موضوع تمام شده می باشد.
استاد در سناسائی قوم یهود تا اینجا متوجه شده ام که قوم بنی اسرائیل از ذریه حضرت ابراهیم نیستند ولی در جواب شما به یکی از سوالات قبلی در خصوص آیه سوم از سوره اسرا' قانع نشدم که چرا شما مگوئید کلمه ذریه در این آیه به بنی اسرائیل یا حضرت موسی اشاره ندارد. مگر به صراحت ایه 84 سوره انعام حضرت موسی از ذریه حضرت نوح نیست؟ و اگر بخواهیم آیه سوم از سوره اسرا' را مستقل از آیات قبل و بعدی ترجمه کنیم معنی آن چه میشود؟ با تشکر

نویسنده: درویش

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 9:12

سلام استاد . پنجشنبه شب مطلبي از شبكه چهار پخش مي شد كه صحبت از ارتباطات بود و مجري فيلمي را از مصاحبه خود با دكتر مهدي محسنيان راد استاد ارتباطات نشان مي داد . – همان شب به تك شماره اي كه از شما داشتم زنگ زدم ولي فكر مي كنم شماره دفتر كارتان است وتلفن روي پيام گير بود كه يك پيام مختصر گذاشتم ، نمي دانم پيام را شنيده ايد يا نه – آقاي محسنيان آخرين كتابي كه روانه بازار كرده ، ايران در چهار كهكشان ارتباطي است در سه جلد . فصل اول را به مسائل ارتباطات ، چگونگي و ابزارهاي آن و روشهاي مختلف آن و به تعبيري مستند سازي موضوع پرداخته كه همه در باره دوره هخامنشي و .. و ... نوشته است بنده از خير خواندن فصل اولش گذشتم و بقيه را شروع كردم .
نكته اي كه ميخواستم عرض كنم اينكه ايشان در آن جلسه در مورد ميل هاي ارتباطي كه در اطراف تخت جمشيد و به سمت نورآباد ممسني و اطراف آن بوده اشاره مي كند و اينكه همه جا تكيد ايلامي بودن آثار و نوشته ها دارد ، اما باز برمي گردد و مي گويد در دوره هخامنشي و داريوش چنين و چنان مي كردند .
خيلي متاسف شدم از اينكه ايشان چند سال براي اين كتاب زحمت كشيده ، همان لحظه با خودم فكر مي كردم اگر ايشان با نظريات و ديگاههاي بنياني شما آشنايي داشت اينقدر وقت گرانمايه را هدر نمي داد .
البته بعيد مي دانم كه ايشان از وجود شما و نظرياتتان بي اطلاع باشد . بنده حقير كه در يك محل دور افتاده اين كشور هستم كه به خيلي چيزها دسترسي نيست ، از ديدگاههاي شما مطلع شدم اما ايشان نشده ؟ بعيد است .
به هر حال فرض را بر بي خبري ايشان ميگذاريم . كاش يكي از دوستان كه در تهران به ايشان مي تواند دسترسي داشته باشد فيلمها ي مستند تختگاه هيچكس و طوفان نوح را به ايشان مي داد تا نجات يابد . انشاالله .

نویسنده: تیله

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 8:14

سلام
فقط خواستم بگم بعضی از موشهای خانگی خیلی تابلو هستن!

نویسنده: عارف

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 16:26

ضمن عرض سلام، من سی دی سه قسمتی کامل آکچردام را از هندوستان تهیه کردم و دارم. دوستانی که مایلند به من میل بزنند تا از طریق استاد در اختیارشان قرار گیرد. البته سی دی عمدتا به زبان هندی است.

وب سایت

نویسنده: چیل

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 17:47

منوچ جان سلام

کجا باس بیاییم؟

نویسنده: آشنا

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 14:30

سلام
آقای درویش ، ما نخبگان علمی زیادی داریم که در حوزه تخصص خود مانند پزشکی ، کامپیوتر ، ارتباطات ، علوم مهندسی و ... واقعا بی نظر هستند ، ولی متاسفانه بعلت آلودگی اسناد تاریخی بقول استاد دچار یک توهم تاریخی شده اند و نظرات آنها در زمینه ایران باستان ، شان علمی آنها را بشدت کاهش داده است ، یک نمونه هم من برخورد داشته ام ، چند وقت پیش کتابی در زمینه « راهسازی » می خواندم نوشته « احمد حامی » که به آن « میل های ارتباطی » که شما اشاره کردید هم اشاره کرده است و البته آنها را از شاهکارهای هخامنشیان دانسته است ، البته ایشان وارد حوزه تاریخ نویسی هم شده است و به اصطلاح در این گود هم به معرکه گیری پرداخته است و کتابی نوشته است با عنوان « حمله اسکندر مقدونی به ایران بزرگترین دروغ تاریخ !!! » و در آن ادعا کرده که اسکندر یک جوان 20 ساله بدون تجربه بوده از سرزمین مقدونیه که به هیچ وجه امکانات حمله به ایران را نداشته است و اصلا به ایران حمله ننموده است و با دلایل علمی هم ثابت کرده که تخت جمشید آتش نگرفته است ، از روی جنس سنگهای آن که آهکی هستند و .... . در نهایت نتیجه گرفته که ردی از حمله اسکندر به ایران در تاریخ وجود ندارد و ...
بعد در باره سیستم راهسازی در زمان باستان بحث کرده است و چنان دچار ضد و نقیض گویی شده که انسان حیرت می کند که من یک نمونه مضحک آنرا می آورم :
ایشان در صفحه 2کتابشان نوشته : « در دوران باستان ، ایرانیان برای سازمان دادن به کشور پهناور خود ، راههای خوب داشتند .... نمونه های شگفت آور آن راه شاهی از شوش تا سارد است ... »

و جالب است برای ادعای خود هرودوت را به شهادت طلبیده است !!! ولی وقتی هیچ اثری از چنین راههایی در ایران نیافته چند صفحه بعد ، در صفحه 6 کتابش می نویسد :

« خشکی فلات ایران از کمی بارندگی است که بیشتر این سرزمین به شکل بیابان در آمده است . آبادیهای فلات ایران از هم دور هستند و فر آورده هایشان کم است . از اینرو جابجا کردن آنها نیاز به ارابه نداشته است تا برای غلتیدن چرخ ارابه ها راه ساخته شود . باربری در بیابان با شتر و در کوهستان با درازگوش و قاطر ، که چارپایاتی پر طاقت هستند انجام می شده . مسافران بر چارپایان سوار می شدند ، زورمندان و پرده گیانشان در کجاوه یا تخت روان می نشستند . از این رو برای کاروانها راه نمی ساختند !!! »

نویسنده: آشنا

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 14:30

جالب است در مورد آثار بدست آمده از جاده های بابل و رم نیز بحث می کند و سیستم ساخت آنها را حتی شماتیک به تصویر می کشد که هنوز پا بر جا هستند که حقیقتا سیستم ساخت آنها در دنیای قدیم شگرف و عجیب است ولی وقتی از جاده های پر شکوه هخامنشی صحبت می کند جز نقل قول هرودوت چیزی برای ارائه ندارد .

یک نکته دیگر اینکه تصویری از پل ویران شده « پل دختر میانه » را در کتابش درج کرده و مدعی شده است که یکی از زیبا ترین پلهای باستانی جهان است و به آن قدمت اشکانی می دهد و در زیر تصویر با زنجموره و آه و نفرین می نویسد :

« این پل در آذر ماه 1325 به دست دد منشان بی فرهنگ دست نشانده کشور بیگانه ، هنگام گریختن از آذر بایجان خراب شد »

این حضرات اظهار نظر درباره هخامنشیان در لای ، لای آثارشان را نشانه روشنفکری و مایه تفاخر می دانند .

نویسنده: یه نفر

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 16:2

Judith - chapter 1 , verse 1

اون نسخه قدیمی انجیل رو دیدم. اوریجینال اصله. اصلا شک نکنید. چون مثل روزنامه های امروز ستون بندی داره و در ضمن نصف اون هم گم شده! تا در صورت لزوم کم و کسریی های این رو اونجا بچپونند. البته اگر اون نصف دیگه هم پیدا بشه، باز نصف اون نصفه و نصفه ای از نصف بقیه و همین نصف هر نصفه ای! گم شده خواهد بود و به مرور تکمیل خواهد شد!
به علاوه که در کنار متن برای لغات غریبه توضیحاتی داده شده است! فکر کنم اون پایینش هم پاورقی گذاشتن که دیگه مومنین و مومنات ابدا مشکلی با خوندنش نداشته باشن.مثلا
http://xs343.xs.to/xs343/09366/capture506.jpg

با معذرت خواهی رسمی از جاعلین که مجبورن دوباره کاری بکنند. بد نیست با من تماس بگیرن تا راهنمایی بشن یه وقت خدای نکرده ورژن معیوب جعل نکنن. دستمزد من هم خیلی ارزونه ها! مرگ بر گرانفروش!

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 19:55

آقای سامی. انشاء الله به زودی فرصت دیدار جناب عالی دست خواهد داد. در باب کتاب ها لطفا سفارش خود را به تلفن 66492049 در تهران اعلام بفرمایید، سریعا ارسال خواهد شد. موفق باشید.

آقای علی رضا. از جمله مطالب بخش دوم کتاب اسلام و شمشر، گفتار چند وجهی و مشبع و بس آگاهی دهنده ای است با عنوان "سلسله ی انبیاء در آیات قرآن" که به خواست خداوند به طرح آن نزدیک می شوم.

نویسنده: فتح

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 20:15

آقای توحید در رابطه با سلایق اسم گذاری تهرانیها که هیچ در باره ایرانی ها باید بگم دست صدا و سیمای درد نکند که با سریالهای خود رتبه اسامی را جابجا می کند.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی 225

ایران شناسی بدون دروغ 225، نتیجه،33، حقه بازی ها در هند، 2 - 68 نظر

نویسنده: آمون

شنبه 14 شهریور1388 ساعت: 20:35

آمون به روز شد. خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com

بحمدالله سرعت یادداشت نوشتن بالا رفته.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 0:57

با سلام
استاد ادبیات که بماند باید مو به مو تمام چیزهایی را که می توان با خیال راحت به آن رجوع کرد را باید بپرسیم!!

این دیگه آخرشه!!نمونه هندی مسجد شیخ لطف الله!!!
عجب پست فطرت هایی هستند این ظاهرا اساتید هنر و باستان شناسی!!!با دیدن این چیز ها باید گفت که یا از پایه بیسوادند یا مزدور!!!از این دو حالت که خارج نیست!هست؟!!!

نویسنده: سجاد

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 5:46

باسلام استاد محترم ممنون و خدا قوت

نویسنده: غب

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 10:27

Bilder von Taj Mahal

وب سایت

نویسنده: سوال

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 10:31

این Samuel Bourne دو تصویر از تاج محل گرفته است به تاریخ 1860م.

http://en.wikipedia.org/wiki/Samuel_Bourne

http://en.wikipedia.org/wiki/File:Sambourneagra1860s.jpg

http://en.wikipedia.org/wiki/File:Tajfromriver1860bourne2.JPG

یعنی این ساموئل هم مثل اکثر عکاسایی که از تخت جمشید عکس گرفتن جعلی هستن.

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 10:46

بی عدالتی آن زمان آزارمان میدهد که از آن مستقیما سودی حاصلمان نشود!

آقای پورپیرار با تشکر، ای کاش این مقاله شما را آن کسانیکه در جمع توده های دانشجوئی صحبت از بازنگری علوم انسانی میکردند می خواندند. می بایست همین مدعیان جواب دهند که اگر همین بازنگری ها اثبات کند، آیا حاضر هستند "دکورهای" مشابه وطنی را پائین بکشند؟؟ یا چون توده های بی اطلاع مردم میلیاردها تومان صرف بازدید و سفر (و بدبختانه استعانت) به این مکانها میکنند ، امکان چنین امری میسر نیست؟! همه می دانیم که با این درآمد هنگفت در حوزه انرژی توجیه اقتصادی این امر البته حاشیه ای می شود. پس سئوال این می شود که علت تداوم چنین بساط وطنی در اصل چه هست؟ یکی از جواب ها همین جواب رافائل ساموئل است که اطلاعات کتابش را در ذیل آورده ام. در جائی می نویسد:

" برای خیلی از رادیکال ها ، میراث همچون جراحتی (یا بهانه ای) بر بدنه سیاسی است که تحمیل کننده ، توجیه کننده و بازتابش یک گذشته ملی است و رویاها و نوستالژی زمانی را که هرگز وجود نداشته است! به مردم میخوراند!! "
Heritage-baiting: In theatres of Memory صفحات 259 تا 273

" خداوند شرک به خودش را هرگز نمی آمرزد" آیه 48 سوره نساء

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 11:54

آقای علی از مالزی. خواب سنگینی که فرهنگ جهان را به خرناسه انداخته با این صداهای اندک پریشان نخواهد شد. باید منتظر بیداران بیش تری باشیم.

آقای سئوال. در سال 1860 فیلم عکاسی هنوز تولید نشده بود و نگاتیف ها را روی شیشه ی حساس و در ابعاد مربع می گرفتند. این هر دو عکس بر روی فیلم عکاسی و در ابعاد مستطیل و گلدسته ها به فرم جدید پس از نوسازی است. باید پاسخی برای آن تصویر رنگی یافت که تاج محل را به فرم دیگر و با گلدسته های سوخته نشان می دهد. در عین حال عجیب است که تصاویر کهنه از این بنا موکول به همین یکی دو فقزه ی بدون هویت روشن است.

آقای ایلماز. غالبا هم بی سوادند و هم مزدور.

نویسنده: توحید

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 11:30

با سلام
استاد خسته نباشید ، باز هم نوشته پر باری بود، یعنی به نظر شما دغلکاران کلیسا و کنیسه بنای قدیمی تاج محل را که بی جلا و آسیب دیده هم می نمود در همین 50 سال اخیر تخریب نموده و بنای فعلی را ساخته اند ؟
کاش منبع تصویر قدیمی تر تاج محل را ذکر می کردید ، چون تفاوت بین این دو بنا آنقدر زیاد است که انسان تصور می کند شاید دو بنای مختلف در دو مکان مختلف است که فقط مشابهت هایی در محوطه سازی و اسلوب ساخت دارند . اگر واقعا هر دو مکان یک نقطه باشد واقعا وسعت حیله گری و بی شرمی آنها زیاد است .
به نظر می رسد برای پوشاندن این حیله گری باید چنین عکسی را سخت پنهان کنند و احتمالا منبعی را که شما این تصویر را از آن برداشته اید بسیار کم یاب و خاص بوده است .
با تشکر .

نویسنده: سیروس

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 15:11

با سلام. لطفا اگر امکان دارد رفرنس آن عکس قدیمیتر را اعلام بفرمایید. برای ارجاع به آن نیاز داریم. با تشکر

نویسنده: عادل

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 16:58

http://techjungle.wordpress.com/category/uncategorized/

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 18:47

آقای توحید و آقای سیروس. جاعلین بین المللی و متجاوزین به هستی و هویت و فرهنگ جهانیان از آن که مهار کارها را در دست خود و عوامل خود می پنداشته اند، اتفاقا بسیار ابلهانه و بدون دور اندیشی اقدام کرده اند. این هم لینک آن تاج محل آتش زده شده ضمن این که به تفاوت در تصاویر قبور نیز باید توجه کرد و نیز این که همان بنای ناقص آدرس دیگری جز تاج محل ندارد.
http://jahangard-javan.blogfa.com/post-124.aspx

آقای دانشجو. مضمون و علت گله های شما را فی الجمله ملتفت نشدم. فطرت و طبیعت و ضرورت کاری که در پیش داریم صراحت و پرهیز از تعارفات است.

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 19:9

در این مملکت چه خبر است؟دیدار وزرای ایران و اسرائیل
http://www.jahannews.com/vdcjhoem.uqextzsffu.html

نویسنده: حسین محمدی

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 19:10

در بخش دیگری از این نشست رهبر معظم انقلاب با اشاره به پیشینه کهن و میراث فرهنگی و ادبی کشورمان و استفاده از این میراث، گفتند که چندی‌ست که یک سریال کره‌ای جذابی ساخته و پخش شده است که بسیاری از مردم نیز این سریال را دنبال کرده و نگاه می‌کنند. این سریال حماسه هایی که در تاریخ واقعی این کشور هم وجود ندارد را به نام قهرمان خود به تصویر می کشد؛ در حالی که ما با استفاده از آثاری مانند شاهنامه فردوسی می‌توانیم بهتر از این‌ها را هم بسازیم.

http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=25513

نویسنده: حسین محمدی

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 19:15

میشه یکی بگه اینجا چه خبره ؟ بالاخره کی به کیه ؟؟؟؟

رمز گشایی از دیدار محرمانه وزیر ایرانی و وزیر اسرائیلی

http://www.jahannews.com/vdcjhoem.uqextzsffu.html

نویسنده: خانم س. ر

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 20:45

آقای حسین محمدی، همه چیز کاملا روی روال هست. هیچ خبری نیست !! هیییسس!

خوب دوستان کی اینجا از همه زبر و زرنگ تره ؟ که من از همین الان یه براورد چند صد میلیاردی برای تولیدات فرهنگی با ریشه های شاهنامه ای تو دست و بالم هست ! بالاخره فریب خوردگان داخلی هم زن و بچه دارن دیگه بابا !

شما چرا فقط فکر می کنید، غربیها فقط عیال وارند !

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 22:50

با سلام
اگر واقعا احمدی نژاد مواضع ضد اسرائیلی دارد اجازه انتشار کتابها و مجوز پخش مستند ها را بدهد!!!با حلوا حلوا کردن که دهان شیرین نمی شود!!!فقط کافیست یک بار به صورت رسمی ایران از این تحقیقات بنیانی استفاده کند تا ببینیم آیا واقعا آبرویی برای یهودیان و وابستگان آنها می ماند!!!
امید من که فقط به مردم دلیر و مسلمان ایران است تا کاری بکنند!!!وگرنه به خدا پناه میبرم از دست مسئولین و حاکمان چپ و راست و وسط و پایین و...

نویسنده: ----

یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 20:2

حالا اونش مهم نیست. اون کیه که صورتشو پوشوندن؟ آیا این فرد مهمتر و مشهور تر و شناخته شده تر از اون وزیر مافنگی نیست؟
یعنی کی می تونه باشه؟
آیا این آدم این ملاقات رو ترتیب نداده تا وزیر به .... بره و خودش هم کارشو بکنه؟
چرا این ها این همه آشکار کار می کنن؟
مخفی کاری بلد نیستن؟
خاک بر سرها.

نویسنده: توحید

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 0:24

سلام
استاد ، با توجه به لینک آقای عادل که ارائه دهنده عکس های سیاه و سفید بود آیا تغییری در مبحث " تاج محل " رخ نخواهد داد ؟ چون شما نوشته بودید که با وجود پی گیری فراوان هیچ عکس سیاه و سفیدی از تاج محل نیا فته اید در حالی که در لینک آقای عادل چند عکس سیاه و سفید وجود دارد که بعید می دانم جعلی باشد .
البته در اینکه تاج محل یک بنای نو ساز است شکی ندارم و اینکه هیچ ارزش معماری ای ندارد و بسیار بیش از آنچه حقیقت اش است درباره آن اغراق شده است و اینکه اصلا شخصیتهای سازنده آن قابل اثبات تاریخی نیست . البته من حدس می زنم که این بنا واقعا توسط مسلمانان هندی تبار در نهایتا 120 سال اخیر ساخته شده باشد ولی به آن قدمت 500 ساله داده اند .
نکته دیگر اینکه در مقاله تان و در بین دو نقل از « دائره المعارف بزرگ اسلامی » عدد 240 اشتباه است ، چرا که حاصل اختلاف بین سال 1068 قمری تا اکنون که سال 1430 هستیم می شود 362 سال و دیگر اینکه فکر می کنم جای دو تصویر آخر باید باهم عوض شود تا با تصاویر بالایی خود همخوان شوند .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 2:34

آقای توحید. پاسخ آقای سئوال را در تاریخ یکشنبه 15 شهریور1388 ساعت: 11:54گذارده ام. حاصل این که در یادداشت نوشته بودم تاکنون تصویر سیاه و سفید ندیده ام نه این که تصویر سیاه و سفید نیست. آن دو تصویر به سبب مسائل فنی قدمت ندارد و در دوران جدید با فیلم سیاه و سفید گرفته شده است. با این همه بسیار عجیب است که در 70 سال فاصله میان فیلم سیاه و سفید و فیلم رنگی یعنی دوران هیجان جهانی عکاسی، فقط دو نمونه عکس سیاه و سفید از تاج محل مانده باشد! با توجه به محیط قبرها هیچ شکی در صحت بنای کهنه ی تاج محل باقی نمی ماند که در همین اواخر به تاج محل افسانه ای کنونی بدل کرده اند. در مورد اعداد تفاضل ممنونم و انتخاب چیدمان عکس به شکل فعلی عمدی و برای رفع مقارنه و برداشت سریع تر است. ضمنا به ادامه مطالب توجه کنید.

آقای ایلماز. باید کار تبلیغ را پیش ببریم و به لطف خدا امیدوار باشیم.

خانم س. ر. اجازه دهید قبل از اجرا نگاهی به پروژه های شاه نامه ای تان بیاندازم، شاید صرفه با این بود که سریال های دده قورقورتی بسازید که خود ترکان نیز چند ماهی است با آن آشنا شده اند.

آقای محمدی. همان دیپلماسی مشهور مشایی است.

نویسنده: حافظ

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 3:15

جناب آقای ناصر پورپیرار

بدون شک افشاگری شما در خصوص یاوه سرایی و اکاذیب نانخورهای امپراطوری موهوم هخامنشی قابل تقدیر است اما کافی نیست.

این تاریخ دروغین را غربی هایی که غالبا یهودی تبار بودند ساختند و پرداختند . تاریخی که بوی تعفن مشمئز کننده آن سالهاست مشام
انسانهای حقیقت جو را آزار میدهد .

اینکه چگونه توانستند برای چنین چاخان هایی مقبولیت عمومی
در جامعه ایرانی فراهم کنند مبحثی است که کمتر به آن پرداخته شده .

پیشنهاد من بررسی این موضوع از دیدگاه روانشناسانه است.
هنوز کارخانه چاخان سازی پان ایرانیسم با ظرفیت کامل مشغول چاخان
سازی است .
تاریخ مصرف سلمان فارسی و شعوبیه درحال اتمام است و
خط تولید جدید این کارخانه برای تولید دانشمندان و پزشکان نابغه ایرانی به بهره برداری رسیده تا برتری نژاد سره ایرانی آریایی را به رخ بکشند .

هرچقدر که افشاگری شود چندین برابر آن دروغ جدید ساخته میشود .

نویسنده: عربگری

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 8:20

سلام
لوگوی من«عکس تاج محل با آدرس وبلاگ شما» شد

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 9:27

آقای حافظ،، به نظرم همانطور که بارها هم همین جا نوشته ام من هم مثل شما با "چرائی" اینکه ما چرا این دروغ ها را خریدیم بیشتر مشغول بوده ام تا "چیستی" این دروغها . ولی نباید فراموش کرد که گستره این "جعلها و حقه بازی ها" خیلی گسترده تر است، بطوریکه در یک فیلم مثل تختگاه موتیفی از آنها معرفی میگردد.

شما از صبح که عازم محل کارتان می شوید تا شب با زنجیره ای از همین موتیفها در اطرافتان برخورد میکنید که از بیلبورد کاشته شده در وسط خیابان تا دفاعیات وزرای حکومت در کابینه و تا اعتقادات و باورهای فولک اطرافیانتان را فرا گرفته است. فتنه ایست بس عظیم که شبیه آن قبلا نبوده قربان!

به نظر من، آقای پورپیرار نباید (و طبیعتا نمی توانند) بار بررسی همه جانبه زوایای این فتنه را متحمل شوند. باید فکر های دیگر با روشهای دیگری بیایند و پیگیری کنند و در ضمن با توجه به اینکه خط تولید دروغ هم روز به روز نو می شود و دست و پا گیر تر ، نباید زمان را نیز از دست داد. به نظر من این یک جهاد است و مصداق آیه شریفه:

" چرا در راه خدا و نجات افراد ضعیف، مردان و زنان و کودکانی که میگویند خداوندا، ما را از این شهری که مردمش ظالم هستند نجات بده و از طرف خود پشتیبان و یاوری برای ما قرار بده، نمیجنگید؟ "

می باشد. در این بین، تنها مجاهدی که به نظرم ادای دینی به این آیه شریفه انجام داده است، صاحب و نویسنده همین وبلاگ است. پس اگر میخواهید و میتوانید مدخلی هم شما باز کنید: بسم الله شاید دوستان هم کمکتان کنند.

نویسنده: آمادگی برای راه‌اندازی کرسی آزاداندیشی

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 10:9

حجت الاسلام رشاد اعلام کرد:
آمادگی برای راه‌اندازی کرسی آزاداندیشی
http://www.jahannews.com/vdchzin-.23nkmdftt2.html

نويسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 16 شهريور1388 ساعت: 12:41

جناب آقاي پورپيرار,

محقق نکته بين, خسته نباشيد. تصاوير تاج محل سوخته مربوط به مقبره بي بي کا در شهر آئورانگاباد است.

http://en.wikipedia.org/wiki/Bibi_Ka_Maqbara

http://cache.virtualtourist.com/4371366-Bibi_Ka_Maqbara_NOT_the_Taj_Mahal-Aurangabad.jpg

ارادتمند
مهدي

نويسنده: ايلماز

دوشنبه 16 شهريور1388 ساعت: 12:47

با سلام
استاد به این کرسی آزاد اندیشی کافیست مستند طوفان نوح و تختگاه هیچ کس را بفرستیم تا بدانند جز در توهم به سر نمی برند و زودتر به جای حیف و میل کردن بودجه های ملی دره چنین مکان هایی را تخته کنند!!!کرسی آزاد اندیشی!!!واقعا که مضحکانه ست!!

نويسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 16 شهريور1388 ساعت: 13:3

در داخل تاج محل در دو مکان متفاوت دو مقبره کنار هم وجود دارد. مقبره هايي که ساده تر و بدون تزئينات هستند مقبره هاي واقعی (پنهان) هستند:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/b/bf/Tombs-in-crypt.jpg

و دو مقبره ديگر مقبره هاي نمادين هستند که تصوير آنها در زير آمده است:
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/5e/TajCenotaphs3.jpg

ولي تصوير دو مقبره کنار زير:
http://www.pcnet.ir/images/ghabrha.jpg

که در وبلاگ آمده و متعلق به هيچ کدام از اين دو مکان نيست.

نويسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 16 شهريور1388 ساعت: 13:19

فردريک پنفيلد در کتاب سفر نامه خود که در سال 1907 منتشر کرده است يک عکس از تاج محل و يک عکس از مقبره ارجمند چاپ کرده است. مي توانيد سفرنامه او را که "در شرق سوئز" نام دارد در آدرس زير ببينيد:

http://www.gutenberg.org/files/27260/27260-h/27260-h.htm

نويسنده: 3

دوشنبه 16 شهريور1388 ساعت: 10:3

منظور این رشاد اینه که ما کرسی می اندازیم و می ریم زیرش گرم می شیم!
آزاد اندیش هم مثلا سلیمی نمین باشه.

آزاد اندیشی یعنی چی تو این مملکت گل و بلبل؟ صبحونه چی خوردی؟

نویسنده: توحید

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 10:18

با سلام
استاد ، اگر کمی مته به خشخاش می گذارم من را ببخشید و این چیزی نیست جز برای قوی تر شدن استدلالات بنیان اندیشی شما و رفع ابهامات جزئی . حقیقتا جای خشم و تاسف است که ما سالها عقلمان را بدست عده ای اوباش و معرکه گیر و اربده کش فرهنگی داده ایم تا مثلا مشتی سنگ تراش نخورده را بعنوان « گوهر معماری جهان » و یا بنایی حقیر و معمولی ای چون « تاج محل » را به عنوان « افسانه معماری جهان » و هم ردیف با « اهرام ثلاثه » برایمان جا بزنند و در بساط دست فروشی فرهنگی خود ، گنشجک که چه عرض کنم ، کلاغ رنگ شده نکیر الحن را جای قناری خوش آواز به ما قالب زنند !
البته باید پذیرفت که از مکانیزمهای خاص روانشناسی سود جسته اند ، مثلا با تعریف و تمجید های الکن و قلابی و تبلیغاتی و با بیان اینکه مثلا فلان بنا بی نهایت از نظر معماری منحصر به فرد است و ... و با ایجاد یک پیش زمینه برای پیش داوری ،ذهن مخاطب را منحرف کرده اند .
مثلا کافی است که با تبلیغات پوشالی جار بزنند که فلان رمان ، برترین رمان سال جهان شده است و معلوم است که با چنین پیش زمینه ای 99 درصد مخاطبینی که ذهن خلاق و مستقلی ندارند با این تصور که در حال مطالعه ادبی ترین رمان جهان هستند رمان را می خوانند و همین مطلب را با آب و تاب به دیگران انتقال می دهند و چه بسا این موضوع باعث شود که تا سالها این رمان بصورت کاذب اگر نه به عنوان برترین رمان جهان ، لااقل بعنوان پر فروش ترین و پر خواننده ترین رمان جهان مطرح باشد .
جالب است که قبل از آشنایی با شما ، تا همین 3 سال پیش با ابهام فراوان به تصاویر « تاج محل » بارها نگاه کرده بودم و حقیقتا هیچ جذابیت خاص معماری ای در آن نمی دیدم ، بنایی که بارها می شنیدم از آن بعنوان یکی از شگفتیهای جهان نیز نام می برند و .... ولی جرات نمی کردم قضاوت درست عقل خودم را جز برای خودم ابراز کنم !!!

نویسنده: توحید

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 10:21

حال مطلب من در مورد آن عکس های سیاه و سفید این است که ، به نظر من تفاوتی در کثرت یا قلت عکس های سیاه و سفید وجود ندارد ، حتی اگر یک عکس سیاه و سفید از تاج محل بر خورد کنیم که قدمت بنای جدید و فعلی آنرا بیشتر از بنای تاج محل قدیمی تر و اتش گرفته شده ولی رنگی ای که شما تصویرش را نصب کرده اید نشان بدهد ، آنگاه باید قبول کرد که بنای کنونی تاج محل در محل فعلی خود از قبل بوده است و آن عکس مربوط به بنای سوخته مربوط به مکانی دیگر است که شاید مثلا جزئی از مجموعه ابنیه حاشیه ای « تاج محل » بوده باشد .

به تصاویر این لینک دقت کنید :

http://techjungle.wordpress.com/category/uncategorized/

در تصاویر انتهایی و «هوایی» این لینک که یکی جدید و یکی قدیمی و سیاه و سفید است " به نظر می رسد " که آن بنای سوخته یکی از بناهای کناری تاج محل باشد که بصورت دو قلو در دو طرف بنای فعلی تاج محل ساخته شده است .
تا کید می کنم که با نگاه به تصاویر چنین به نظر می رسد ولی کسی که از نزدیک تاج محل را دیده باشد می تواند قضاوت قطعی را در این زمینه ارائه دهد .

با تشکر از مراحم شما .

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 15:16

آقای توحید و آقای مهدی - مهدی. به تر است ادامه ی داد و ستد استدلال درباره ی تاج محل را به نصب یکی دو یادداشت آتی محول کنیم که مدخل را از زاویه ی دیگر می گشاید. با این یادآوری که پیشینه ی این موضوع در دو سه موردی که دیده ام همگی آن بنای سوخته را تاج محل تشخیص داده اند. اما صبر مفیدتر است.

آقای ایلماز. پیشنهاد خوبی داده اید. آیا کسی هست بتواند شخصا و نه با پست، سی دی ها را به این آقای رشاد و آن مجری تلویزیون که معمولا مصاحبه با باستان شناسان را اداره می کند و یا بر فیلم های باستان شناسی نریشن می گوید، یعنی آقای فخرایی برساند.

نویسنده: حکیمی

دوشنبه 16 شهریور1388 ساعت: 16:37

کشوری با فرقه های انحرافی!!
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=63031

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 0:32

آقای افتخاری. از این توضیح شما "من یک مورخم. مورخ تاریخ علم...سرم در میان نسخ خطی است" چیزی برداشت نمی شد اما از بقیه مطالب تان معلوم بود که از پنبه شدن رشته ها و بی ثمر شدن دود چراغ هایی که خورده اید، ترس برتان داشته، ضمن این که حرف زدن مثل آدمی زاد را هم نمی دانید.

آقای ایزدی. بحث درباره ی هند و بافته های تاریخی آن هنوز در پیش است.

نویسنده: دانشجو

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 0:48

با سلام
چرا مسلمانهاي بعد از پیامبر و هسته هاي بيروني از شاگردان ان حضرت در سالها و قرون اوليه بعد از بعثت اين چنين فريب يهود و ساخته هاي انها شدند مگر انها تربيت شده ي اسلام وقران عزيز نبودند و قران را به عنوان سند محكم اسلام حتي در سينه خود نداشتند و قران انها را براي پيروي و حركت و عمل در چهار چوب خودش دعوت نكرده بود مگر انها ميراث داران اسلام ناب نبودند چگونه بعدا اين همه دروغ و فريب ونفوذ در همه اموزه ها و رهنمود هاي دين اسلام انجام گرفته تا جايي كه خود مسلمانها هم از ان بي طلاع و بيخبر بوده اند!

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 0:49

با سلام
استاد سی دی برای آقای میر فخرایی ارسال شد.

نویسنده: زمانی 1

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 1:9

جناب استاد. شرح زیر تنظیف روی زخم چرکین تاریخ ایران را کنار می زند و سیمای نوکران یهود را در میان آن آفتابی می کند. آقای اترش در قسمت پیامگیر وبلاگ آقای رفرف برای تعیین موضع دو طرف پیشنهادی داده بودند به صورت زیر:

"اصلا بیایید از کلی گویی فاصله بگیریم:
من عناوینی را که استاد پورپیرار مطرح کرده اند لیست می کنم و از آقای رفرف و ارژنگ می خواهم بگویند با کدام بخش ها مخالف اند: ۱- پوریم (در کل ایران بوده؟ در شوش و آن حول و حوش؟ اصلا اتفاق نیفتاده؟) ۲- نیمه کاره بودن تخت جمشید ۳- یونانی بودن اشکانیان ۴- وجود نداشتن ساسانیان ۵- حمله نکردن اعراب ۶- ساخت اصفهان و شیراز ۷- فردوسی و شاهنامه ۸- جعلی بودن اوستا و زرتشت ۹- جعلی بودن سلمان فارسی ۱۰- ذولقرنین بودن اسکندر ۱۱- سبز شدن آن همه کاروانسرا در دوره صفوی به ۱۲- ناصرخسرو ۱۳- کتیبه ها ۱۴- خط عربی ۱۵- مساجد و امامزاده های ایران ۱۶- حمله نکردن مسلمانان به اسپانیا ۱۷- قضیه اندونزی ۱۸- دیوار (جاده) چین ۱۹- هویت زبان فارسی ۲۰- طوفان نوح ۲۱- نبود آثار غیر بیزانسی در ترکیه ۲۲- جنگ های صلیبی ۲۳- دوره عثمانی ۲۴- یدیش مانند بودن زبان ترکی ۲۵- یهودیان ایران ۲۶- رنسانس و اتحاد کلیسا و هلنیسم ۲۷- خالی بودن ایران به مدت ۱۲ قرن. موضع خود را در مورد این مباحث مشخص کنید تا در بحث های بعدی بهتر همدیگر را بفهمیم. شاید اصلا اختلاف نظر آنچنانی نداشتیم."

نویسنده: زمانی 2

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 1:28

من با استفاده از یادآوری های پیشین که هیچ قوم پرست و پیرو تاریخ ساخته های یهود قادر نیست متن یکی از یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را تایید کند زیرا به صورت اتوماتیک تمام آن ها را تایید کرده است. از باب امتحان و با اجازه جناب عالی یادداشت مختصر زیر را به دنبال پیشنهاد آقای اترش در وبلاگ آقای رفرف گذاردم.

"آقای اترش. اولا که شمافقط 30 مدخل از 300 مدخلی را که استاد گشوده اند عنوان کرده اید و مثلا از مدخل بلوغ خط عرب که از اهم مباحث استاد بوده صرف نظر کرده اید و دوما بدانید که خواب را از چشم قوم پرستان ربوده اید زیرا در چاله مانده اند و جرات ندارند حتی یکی از آیتم های استاد را تایید کنند زیرا به طور اتوماتیک تمام آن ها و به خصوص دروغ بافی در باب ترک ها تایید شده است."

هیچ عکس العمل و پاسخی باین دعوت آقای اترش داده نشد زیرا تمام معارضان شما میدانند در چه دامی افتاده اند و درست همان است که جناب عالی می گویید آن ها در تایید متن حتی یکی از یادداشت ها هم ناتوانند زیرا به طور خودکار مجبورشان میکند که تمام یادداشت ها را بپذیرند. سرانجام صدای آقای رفرف درآمد و فرمودند:

"اخیرا یکی از خوانندگان جوان و صادق وبلاگ ایشان از من خواستند در 14 مورد موضعم را اعلام کنم. چون من فله ای کار نمیکنم، و با این دوست جوان هم قبلا راههای مختلف گفتگو را بدون موفقیت آزموده بودم، ترجیح دادم به جای آن همه اعلام مواضع خودم، یکی از مواضع قبلی آقای پورپیرار را عنوان کنم و خوانندگان را به قضاوت بطلبم:"

نویسنده: زمانی 3

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 1:52

با چنین اوضاعی حالا به صحت روش جناب عالی پی میبرم که فرموده اید مطالب کلان را باید خرد کرد زیرا اگر در ابتدای این مباحث که هنوز زمینه آماده نبود اگر به قوم پرستان، حقایق زبان ترکی را ارائه می دادید، احتمالا گروهی از قوم پرستان ترک و لااقل آقای رفرف خودکشی می کردند. چنان که او هنوز نتوانسته است از اهمیت این روش آگاه شود. از همه چیز گذشته حیرانی من از این است که یک استاد! ریاضیات که در میان بحث زبان ترکی و برای زدن خود به کوچه علی چپ چند هفته یک بار درس هایی از تاریخ مجعول پیدایش جبر را کپی می کند از چه راهی 30 را به 14 تبدیل کرده است؟ قیقاج رفتن او از درگیری با هسته ی بحث ماهیت این نوکران دروغ را برملا میکند. چنان که حالا ممکن است بل بگیرد که قیقاج هم ترکی است!!!! سرانجام نتیجه گرفتم شما درست میگویید که باید این چنین نادانان را در خورجین فراموشی گذارد، اما تعقیب حقیقت اجازه نمیدهد که علاوه بر آقای اترش من هم مستقیما نپرسم که آقایان متن کدام یادداشت استاد از مجموعه ایران شناسی بدون دروغ را پذیرفته اید؟!!

نویسنده: علی از مالزی

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 2:4

آقای پورپیرار، پس حالا که بحث هند است و ماهند! اگر امکان دارد ردی از این "ساسون ها " را هم کلید بزنید (هر چند فکر کنم خودش یک وبلاگ بطلبد!). دنیای معاصر به او و خاندان "آرشیتکتش" واقعا مدیون است... تا نوبت به راثچایلد هم برسد. ممنون .

نویسنده: سایه

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 11:41

با سلام
بدون شرح!!
http://zesht-o-ziba.blogfa.com/

نویسنده: mrh

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 14:35

http://en.wikipedia.org/wiki/File:Akshardham_construction.jpg
http://en.wikipedia.org/wiki/Bibi_Ka_Maqbara

نویسنده: اترش

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 16:0

سلام
در ادامه همان موضوعی که جناب زمانی به آن اشاره کرده اند و بعنوان جواب من هم پیغامی در وب لاگ اقای رفرف گذاشتم که بد ندیدم در اینجا هم آن را بیاورم:

(۱)

آقای رفرف این جمله ی شما به معنای کلمه یعنی طفره رفتن:
«چون من فله ای کار نمیکنم، و با این دوست جوان هم قبلا راههای مختلف گفتگو را بدون موفقیت آزموده بودم» من ۲۷ مدخل کلان و برجسته را مطرح کرده ام و از اشاره به جزییات و مسایل ریز و درشتی هم گذشته ام که در کتاب ها و این ۲۰۰ و خرده یادداشت عنوان شده. و حالا جواب شما به روشن کردن موضع تان این است که فله ایی کار نمی کنید؟؟
«راه های گفتگو را بدون موفقیت گذرانده ام» هم از آن حرف هاست. من در مورد دوره عثمانی و زبان آنها که در ویکی پدیای «انگلیسی» عربی معرفی می شود پرسیده ام که بی جواب ماند. پدیش را خود پیش کشیدید که نیمه رها کردید و حتی نگفتید نظرتان در مورد قضیه زبان فارسی چیست. همین.
و اما حالا در مورد جاده چین که وسط کشیده اید، به نظر شما اگر حالا از خود استاد و خوانندگان مطالب استاد و حتی خود شما پرسیده شود آن عبارت آمده در سال ۸۲ یا آنچه در سال ۸۷ عنوان شده (و هر دو هم به قلم استاد است) کدام را قبول دارند؟ دیوار چین یا جاده چین، چه جواب خواهند داد؟ خب معلوم است. مطلب ۸۲ همان است که همه تا قبل از ۸۷ فکر می کردیم درست باشد.
منظورتان را هم از این جمله متوجه نمی شوم: «خدا میداند من به خاطر دیوار شناختن آن سازه از دهان ایشان چه زخم زبانها شنیده ام» یعنی آن زمان شما می گفتید که این دیوار نیست و جاده است و استاد شما را دست می انداختند؟؟

و می خواهید برای شمایی که خودتان را به زحمت می اندازید و از «مگر این پنج روزه» سال ۷۷ قیچی می کنید و به اینجا می آورید، دفتر مشق سال اول ابتدایی استاد را هم بیاوریم تا از آن هم نقل کنید و بگویید ها تناقض؟
«نه. آخر ناصرخان این کتاب را جدیدا شاهکار ادبی خوانده و...» خوب شاهکار ادبی خوانده، نگفته مطالبش که تماما درست است. شما این کتاب را خوانده ایید و مطمئنا کتاب های «اندر احوال شاعران» دیگران را هم خوانده اید. صادقانه بگویید این کتاب یک سر و گردن از بقیه آنها بالاتر نیست؟

وب سایت

نویسنده: اترش

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 16:1

(۲)
و یعنی فکر می کنید این شیوه ی نقد است؟ در این خرد خرد مطرح کردن مطالب حکمتی هست. شیوه ی استاد این است که هربار حقیقت یک مدخل را عنوان می کند و به بیان راست و دروغ حواشی و دیگر مسایل نمی پردازد و آنها را به همان شکل پذیرفته شده عنوان می کند: مثلا نمونه اش همین دیوار چین. آن نوشته سال ۸۲ که اصلا مربوط به دیوار چین نیست. اصل، عنوان کردن مطلب دیگری است، دیوار چین حاشیه است. و شک دارم به جز همان عبارت هم چیز دیگری در آن سال نوشته شده باشد. حالا شما آن را می آورید و به اسم تناقض می خواهید بر کل نوشته های استاد خط بطلان بکشید؟
فرض کنید من همین امروز دوست صمیمی ۳ سال پیشم را در خیابان ببینم و هیجان زده بخوام نه همه چیز که همین ۲۷ مورد را برایش پشت سر هم بازگو کنم، به مورد ۱۰ و ۱۲ نرسیده من را کتف بسته تحویل مامورین دارالمجانین می دهد.
و اگر من این موارد را در طول مثلا ۵ سال برایش اندک اندک عنوان کنم و مثلا بعد به قضیه دیوار چین برسم، به نظر خود شما منطقی است که طرف یقه ی من را بگیرد که: ۵ سال پیش تو خودت یه جا کوچولو اشاره کردی دیوار چین حالا می گی جاده است؟ و بعد منکر تمامی حرف های من شود؟
این است منطق منتقدین بزرگ ما؟
آن تناقض محکمه پسند این است که مثلا استاد امروز بگویید ساسانیان وجود داشته اند. یا عرب همان زمان پیغمبر خطش کامل بوده یا بقیه مواردی را که آورده ام بعد از آن همه ادله امروز رد کند. که باز هم همان مورد از دور خارج می شود نه تمامی نوشته ها.

و این هم پاسخ ارژنگ در مورد آن ۲۷ مورد: «آقای اترش شما همین مقاله اخیر استاد پورپیرار را قبول دارید؟! اصلا در موردش تحقیق کرده اید؟»
نه، آقای ارژنگ شما هم به بیراهه زده اید. اول اینکه این مقاله هنوز تمام نشده دوم اینکه اصلا گیرم من یکی مخالف سرسخت این مقاله، خب که چه، آن ۲۷ مورد که کما فی سابق سرجایش است.

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 16:59

آقای مهدی - مهدی. مطلب غریبی بود. شاید او گمان دارد کرد و عرب هم نوعی دین و مذهب است که آمار مسلمانان را از آن ها جدا کرده است! در مجموع بسیار قابل استفاده بود و جای تشکر داشت. مسائل مربوط به اصطلاحا امپراتوران مغول هند هنوز سر دراز و شگفتی های خود را دارد. تردیدی در نوساز بودن تاج محل نکنید.

آقای اترش و آقای زمانی. پیش تر هم اشاره داشتم که رجوع به آن وبلاگ مثل ده ها نمونه ی تعطیل شده ی دیگر، تلف

کردن وقت است. هرچند طرح سئوال مستقیم آقای اترش خالی بودن چنته ی این قوم پرستان را به همه نشان داد. اما چه اشکالی دارد که عقده های نیافتن فرصت تدریس پر غلط جبر و ریاضیات را به بهانه ی نقد نوشته های پورپیرار خالی کنند؟
گمان نکنید در آن محیط کسی را بیابید که رو خوانی مگر این پنج روزه و اسلام و شمشیر را هم از عهده برآید. تمام این کرشمه و بزک های غلیظ بزرگ سالانه از بی خانمانی فرهنگی است.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 17:20

با سلام
دوستان شاید این کاریکاتور که در وبلاگ زشت و زیبا آمده است بیانگر کسانی باشد که با آنها یقه به یقه می شویم!!!چیزی جز عرعر و جفتک پرانی از آنها می توان انتظار داشت؟!!!
خیلی باحاله!!
http://img3.immage.de/080904p0pg94.jpg


نویسنده: مهدی 1

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 18:10

با سلام خدمت بت شکن بزرگ تاریخ شرق میانه
بنده از خوانندگان وبلاگ شما هستم و مطالب جنابعالی تحول عمیقی را در من نسبت به تاریخ این منطقه ایجاد کرده است . ولی راستش را بخواهید ارجاع به آن تورات و نتیجه گیری از آن بنده را قانع نکرده است آیا سابقه زبان ترکی را به حداکثر 130 سال تقلیل دادن کمی بی انصافی نیست ؟ آیا جنابعالی سابقه کتابت و سابقه مکالمه را یکی فرض می کنید ؟
برای جنابعالی پیشنهادی داشتم از آنجائی که برای زبان ترکی سابقه حداکثر 130 ساله می فرمائید قاعدتا باید این مسئله پدیده ای معاصر باشد پس لطفا مثل فرمایش خودتان بطور تصادفی سری به روستا های آذربایجان (چه جنوبی و چه شمالی) و یا حتی سایر روستا های ترک نشین در سایر کشور ها بزنید و بطور تصادفی صخبتی را آغاز نموده و ذخیره لغات و اسامی و گرامر آنها را محک بزنید . خواهید دید با اینکه کتابتی در آنجا بطور عمده وجود ندارد ولی کسی در آن روستا ها مثل تورات شما حرف نمی زند .
(البته روستا های تصادفی باید بدور از شهر های بزرگ بوده و تاثیرات حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی در آنها مینیمم باشد)

نویسنده: مهدی 1

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 18:14

سوال اساسی بنده از جنابعالی این خواهد بود :

آیا جنابعالی گرامر و افعال و ساختار زبان و ذخیره لغات آن دهاتی 70 - 80 ساله آذری که هنوز زنده است و روبروی شما ایستاده را قبول می کنید یا گرامر و ذخیره لغات آن تورات 130 ساله ؟

نویسنده: مهدی 1

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 18:23

ترک آذری هستم و کمی فعال در زمینه مسائل آذربایجان . ولی قسم می خورم به غیر از نام آقای صدیق و امثال ایشان آشنائی اندکی با این گونه افراد دارم . بر خلاف باستان پرستان فارس گرا هم ، در جهت اثبات دیرینگی زبان ترکی قدم بر نمی دارم ولی حق تکلم به زبان ترکی و حقوق قومی آن را هم امری مشروع می دانم . .....
باور بفرمائید در طیف های فکری هویت طلبان ترک و ترکمن و عرب و بلوچ امثال صدیق اهمیت چندانی ندارند و کاملا در اقلیت بوده و عمدتا خکومتی اند .
در پایان ارادت قلبی خود را به جنابعالی ابراز می دارم . درود بر شما

نویسنده: فرشته

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 19:33

سلام استاد
عباداتتون مورد قبول حق
استاد چرا کامنت منو جواب ندادین اونو حذف کردین ؟

نویسنده: به نفر

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 17:11

مگر این پنج روزه چیزی در حد مقدمه کتاب بر آمدن هخامنشیانه که فهم اون به این سادگی ها میسر نیست. برداشت از برخی متون به ظاهر گنگ به علت بیان نتیجه نهایی بدون توجه به جزئیات مسیر درک رو می بنده. اونها تقصیری ندارند. پدر عقده و بی پولی و عامیگری و قوم پرستی بسوزه.



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي

ایران شناسی بدون دروغ 225، نتیجه،33، حقه بازی ها در هند، 2 - 68 نظر

نویسنده: توحید

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 22:24

سلام

استاد این یاد آوری و تذکر شاگردانه را موظف می دانم انجام دهم و آن اینکه آیا قصد ندارید مقاله 225 را تصحیح کنید ؟ با توجه به مشخص شدن هویت مقبره سوخته « بیبیکا » که مسلم شد که هیچ ربطی به تاج محل ندارد و در شهری دیگر هم اکنون هم سرپا هست و از این نظر هیچ دغل کاری ای صورت نگرفته است ؟
ارزش مقاله شما با این کار به هیچ وجه پایین نمی آید ، چرا که مقایسه آن با بنای آخشاردام و گوشزد این مطلب به خواننده که تاج محل هیچ ارزش خاص معماری ای ندارد و یک بنای تازه ساز است ، خود بسیار مهم و قابل تامل است و بهتر است در این زمینه بیشتر مطلب بنویسید .

موفق باشید استاد .

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 22:46

با سلام
وبلاگی در مورد هند و دیدنیهای آن
http://shadbanoo.persianblog.ir/1386/2/
استاد در این وبلاگ هم نمایی که شما آن را تاج محل دانستید را بی بی کا دانسته اند!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 17 شهریور1388 ساعت: 23:35

آقای ایلماز. کنترل آن همه تصویر وقت آزاد زیادی می طلبد. آدرس سر راست تری بدهید. مثلا شماره ردیف آن را بگذارید. ضمنا تا انتهای مبحث هند تامل کنید.

آقای توحید. با اجازه کامنت خصوصی شما را تایید کردم تا از صورت مخفی کاری بیرون بیاید. یقین بدانید جمله ای از کامنت 225 نیازمند تغییر و تعمیر نیست، فقط کافی است چند روزی حوصله کنید.

خانم فرشته. کامنتی از شما ندیدم. اگر حاوی مطلب نوی است تکرارش کنید.

آقای افتخاری. ما برای تشخیص حدت بیماری امثال شما تست ساده ای داریم. به جای این ضجه مویه های اصطلاحا خاله زنکانه مستند دو ساعت و نیمه ی تختگاه هیچ کس را ببینید و در باب آن قضاوت کنید. شاید هم پس از دیدن آن مثل کسانی دیگر، کوزه ای با حجم مناسب خریدید و دانش نامه های تان در موضوع علم تاریخ را به در آن الصاق کردید. خود شناسی کنید. بی ضرر است.

آقای مهدی. توسل به گرامر واژه ساز در زبانی که گنجینه ی لغات کافی در موضوعات ذهنی ندارد، راه حلی برای رفع کمبودها است که باز هم در حوزه ی ارتباطات عوامانه و روزمره موثر است. مثلا در زبان عرب هنگامی که امکان اشتقاق در گنجینه ی وسیع الفاظ با گرامر راه نما توام شده، استحکام آن را تا حد بیان قرآن بالا برده است.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 0:4

با سلام
استاد این فروم کلا مربوط به هند و حاوی عکس های بسیار فراوانی در مورد معماری و طبیعت هندوستان می باشد!!گفتم شاید عکس بدربخوری موجود باشد!!
http://www.skyscrapercity.com/showthread.php?s=861eb72578a95818598202bbd0739531&t=638698&highlight=gurgaon
هر کدام از دوستان اگر وقت و حوصله دارند عکس های مربوط به فروم را نگاهی بیندازند و اگر چیز جالبی وجود داشت بقیه دوستان را آگاه نمایند!عکس ها بسیار فراوان می باشد!!

نویسنده: توحید

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 2:3

با سلام

استاد ، بنده قبول دارم که ترکیه ، محل وقوع طوفان نوح است ، ولی یک سوالی دارم و آن اینکه از کجا می توان قبول کرد که منطقه وقوع طوفان تا قرن ها شرایط زندگی را نداشته است و از کجا می دانیم که این امر تا 500 سال پیش ادامه داشته

و قابل سکون نبوده ؟ چرا نباید تصور کنیم مثلا بلافاصله پس از وقوع طوفان زمین به حالت طبیعی خود در آمده باشد و یا مثلا نهایتا 500 سال و یا 1000 سال و یا 2000 سال پس از وقوع آن این شرایط فراهم شده باشد ، یعنی حتی از 500 سال قبل از میلاد هم ترکیه خشک شده و قابل مسکون باشد ؟
البته بخاطر قراینی که از قرآن بدست آورده ام این سوال را پرسیدم :

" سپس ما بعد از آنها (نوح) نسل دیگری را قرار دادیم . ما از میان آنها رسولی برایشان فرستادیم "

درباره تاج محل هم ، منتظر ادامه مقالاتتان هستم . با تشکر .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 6:59

آقای دانشجو. اشکال کارتان در این است که تاریخ اسلام موجود و وقوع جنگ ها و افسانه و عوامل تفرقه های نخستین را باور کرده اید؟ بدنیست بنویسید دانشجوی چه رشته ای هستید تا بدانیم چه بلایی بر سرتان آورده اند!

آقای توحید. آهسته آهسته باید پذیرفت انبوهی و سرعت ارائه ی این مطالب بنیانی، درهم ریختگی اطلاعات و سرگیجه تولید کرده است. پیش تر در باب این سئوال توضیح داده بودم که برترین دلیل ادامه ی آسیب طوفان تا سده های اخیر فقدان نشانه های تجمع از جمله نبود نمونه های معماری هلنیسم یا بیزانسیان و به طور کلی فقدان مکان تجمع و شهرهای بزرگ در منطقه طوفان است به طوری که آنکارای ساخته شده در منطقه ی طوفان شهری 300 ساله است که تا 80 سال پیش هنوز ده کوره بود. ضمنا نسل نوح برابر نشانی های قرآن نه در ترکیه که در بین النهرین فعال بوده اند چنان که در باب ابراهیم و فرزندان اش می دانیم.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 10:48

با سلام خدمت استاد و دوستان
به دوستان توصیه میکنم صبر بکنند تا بدانیم این مقبره بیبیکا برای چه بوده و چه داستانی پشت سر دارد شاید حل معمای جعل و نوساز بودن تاج محل از این طریق ممکن باشد
فکر میکنم بهانه جعل و ساخت بنائی مانند تاج محل و شرط مقبولیت آن در بین مردم داستانهای مشابه آن در مورد مقبره بیبیکا باشد
البته شاید عجولانه باشد به هر حال بهتره منتظر باشیم

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 12:58

این بیبیکا که یه نفره پس چرا دو تا قبره؟

نویسنده: علیرضا از پونای هند

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 13:34

استاد ارجمند. ضمن اینکه صبر می کنم، بنظرم حق تا حدی با آقای توحید است چون حتی اگر کسی مقبره بی بی در اورنگ آباد را تاج محل معرفی کرده باشد، این معرفی سند محسوب نمی گردد و می تواند اشتباه باشد. بنابراین نباید به یک معرفی نامعتبر اعتنا کنیم. الان معلوم است که ما دو مقبره تا حدی شبیه به هم در هند داریم یکی مقبره بی بی و دیگری مقبره تاج محل که این آخری جدیدتر است و شاید کپی مقبره بی بی.

نویسنده: کاظم

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 14:22

استاد ارجمند لطفا فایل پی دی اف ایران شناسی بدون دروغ را کامل کنید و در وب قرار دهید .بیصبرانه منتظر دانلود آن هستیم تا پرینت کرده و مطالعه کنم.از رو مونیتور نمیتونم.مشکل بینایی دارم.مرسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 17:19

آقای افتخاری. به چیدن این همه صغرا و کبرا نیاز نداشتید، زیرا قماش تان در پس این جمله قابل دیدن بود: "پس امروز که من و شما پشت لپ تابمان لم داده ایم و با اینترنت، من از این سر دنیا و شما در آن سر دنیا داریم با هم لاطاعلات رد و بدل می کنیم حق نداریم که به اصالت سنت علمی در تمدن غربی شک کنیم. نه دوست من! در قرون وسطی جز انجیل ارسطو هم می خواندند، تیمائوس هم می خواندند." همین دو کلام نشان داد که شدیدا به بنیان اندیشی نیازمندید، زیرا اگر در همین لحظه از شما سئوال کنم چه گونه وجود ارسطو و تیمائوس را اثبات می کنید و آن ها کتاب های شان را بر چه ماتریالی می نوشتند و کدام نمونه از اصل آن دست نوشته ها باقی است، بلافاصله به تته پته می افتید و همان درس های یهود نوشته ی سر کلاس را پس می دهید. سرمایه گذار اصلی آن لپ تاب دست شما هم مردم غارت شده ی آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی و مرکزی و شمالی اند و نیز اندیشه هایی که در اثر توطئه های غربیان درست همانند خود شما به قاتلین اجداد و غارت کنندگان سرزمین های شان پناه برده اند! بقیه هم تجارت آن هم از حریصانه ترین نوع آن است. نوشتید که مستند تختگاه را دیده اید اما جرات نکردید در باب آن قضاوت کنید. پیشنهاد می کنم این مجموعه یادداشت ها و کتاب ها را بخوانید و بنیان اندیشی بیاموزید، به آزادی و دانایی واقعی خواهید رسید.

آقای علی رضا از هند. همان به تر است صبر کنید. در پس این داد و ستدهای کلام حقیقتی هولناک در باب ساده لوحی هندی و فارس و ترک و در واقع تمام جهان خفته است. دوستی تعریف می کرد که سعی او برای اثبات این که دیوارهای چین جاده اند، به دو نفر چینی، نزدیک بوده به قیمت جان اش تمام شود!

آقای کاظم. اگر مدت کوتاه دیگری صبر کنید به خواست خداوند مجموعه ی ایران شناسی بدون دروغ در قطع آ 4 و به قیمت سی هزار توان و در بیش از 1000 صفحه در 3 جلد صحافی شده آماده می شود.

نویسنده: محمدرضا

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 20:34

میشه به نحو منطقی نگاه کرد به قضیه و دلیل این همه اهمیت دادن رو به بنایی مکثل تاج محل، جستجوی افتخار کاذب و البته جذب توریست و منافع مادی اون دونست
بخصوص که مشخص بشه این سابقه ای که براش میزنن دروغه
در ضمن به کسایی مثل اون مثلا "استاد فلسفه علم" هم گوشزد میکنم که اگه به قول شما حرف زدن مثل آدم رو با یه محقق (که گیرم با تحقیقاتش مشکل دارن) بلد نیستن بهتره ببندنش! اینجوری بهتر شخصیتشون رو پنهان میکنن!

نویسنده: ضربه به دین با استفاده از خرافات!!

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 20:57

http://zesht-o-ziba.blogfa.com/post-16.aspx

نویسنده: درد دل های اترشانه!

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 22:14

نویسنده: اترش
چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 18:49
آقای رضا دغدغه های مشترکی داریم.
و اشتباه تنها به لفظ و ادبیات هم محدود نمی شود، آن هم ادبیات مجموعه کسانی که خود را نخبه و برجسته تر از دیگر اقشار مردم هم می دانند. بزرگترین و قدرتمندترین تریبون اظهار بیان حقایق یعنی اینترنت را داشته و داریم و هنوز هم حاضر نیستیم روی آن سرمایه گذاری کنیم و به نتایج بهتری برسیم. چشم ها هنوز به تلویزیون و روزنامه ایی است که کاسب کارانه است و...
تنها مکان جمع شدن همان وب لاگ استاد است و اظهار نظر در آن فضای سنگین. راستی ببینم خود شمایی که ۷ سال خواننده این وب لاگ بوده اید چند نفر را از این خیل عظیم موافق و مخالف می شناسید و با آنها ایمیلی یا با پیغام و یا حضوری ارتباط دارید؟ خود من ۲ سال هم خواننده نیستم و دوستان انگشت شماری پیدا کرده ام اما وقتی از دیگر کهنه کاران هم پرسیده ام جوابشان برایم خیلی جالب بوده: ۲ یا ۳ نفر!
و این در حالی است که اینترنت پر از انواع و اقسام راه های ارتباطی و وسایل خبری متنوع است. ۱۰ سال از مطرح شدن این مباحث گذشته... آقای رضا کم کاری و مصرف گرایی هم میان ما موج می زند. بعد از این همه سال تنها یک وب لاگ «سنگ ها سخن می گویند» همچنان نفس می کشد و همین. که آن هم تنها محدود به تخت جمشید است. ما همدیگر را نمی شناسیم و نظر هم را نمی دانیم و دلیل عمده خصومت و کدورت ها هم همین نشناختن است.
مثلا خود من در فهم چند قضیه مشکل دارم و مسایلی هم برایم قابل قبول نیست و... جالب اینکه نه تنها پرسیدن و مطرح کردن آنها بی فایده است و کسی جواب مناسبی نمی دهد، انگ و برچسب هم به مقدار وفور در دست و بال همه هست.
...

نویسنده: reza71

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 22:16

اگر علم را برداریم انسان حذف می شود. انسان را که حذف کنیم ، دیگر نیازی به حذف خدا نیست ، زیرا خدا دیگر خودش حذف شده است.

اظهارات مشایی درباره دلایل خلقت انسان

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=63441

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 18 شهریور1388 ساعت: 23:51

آقای اترش. زمان ارتباط و مبدل شدن به یک مجموعه هنوز نرسیده است. در حال حاضر لذت این کار در تبلیغات و هنگامی است که یک قوم پرست متعصب با دیدن مستند تختگاه و طوفان و یا خواندن چند یادداشت واریز می کند و می پذیرد که دروغ شنیده و بت های قلابی قوم اش را که بر مسند تاریخ و فرهنگ او نشسته اند می شکند. اینک باید پایه ها را محکم کرد و به تقویت کلام و دلیل پرداخت تا مثلا همانند سئوال شما در آن وبلاگ، فریب کاران را آچمز کند، و البته منتظر باشید سینه را سپر بگیرند که آچمز ترکی است و ادعا کنند که شطرنج را ترکان هنگام تسلط بر هند ابداع کرده اند!!! همین قدر بدانید این یادداشت ها فقط بیانیه ی بیداری شرق میانه نیست، هشدار به آدمیان در سرسرای جهان است که آن کاغذهای قاب گرفته لااقل در حوزه ی به اصطلاح علوم انسانی، از هر دانشگاهی که دریافت شده باشد، شناس نامه ی نادانی است و با تکیه و بر طبق آن نمی توان عرض اندام عقلایی کرد. اندکی دیگر حوصله کنید. به اراده ی الهی راه باز خواهد شد. آیا صدای اعتراض عمومی به دوام فرهنگ دروغ را از دور نمی شنوید؟!

آقای سایه. از معرفی آن سایت ممنونم و این را بدانید که هیچ حاشیه ای در علوم انسانی، از فلسفه و هنر و ادب و زبان شناسی و غیره عمر بیش از چند قرن ندارند.

آقای محمد رضا. در پشت بحث های مرتبط با تاج محل و آخشاردام کوهی از آگاهی نسبت به ویرانگری های کنیسه و کلیسا خفته است.

آقای افتخاری. از این گونه روده درازی ها حاصلی نمی برید و طرفی نمی بندید. قطعه نوشته ای به من بنمایید که بتوانید قدمت بیش از 5 قرنه ی آن را ثابت کنید و بر آن سطوری از علوم انسانی در هر زمینه که مایلید ثبت باشد. اگر گیوه ها را ور بکشید و یکی دو سال عمر را فقط به دنبال این جست و جو روان شوید در بازگشت با دست و پای دراز به خود خواهید گفت: عجب ابلهی بودم که هرچه در کلاس درس می گفتند، باور داشتم. یادداشت 221 را هم بخوانید و بنیان اندیشی بیاموزید و اگر قبول دارید که پورپیرار گره کور و مفهوم سردرگم نوسازی رنسانس در غرب را گشوده است، پس اگر لااقل به همان آموزه های مثلا علمی خود معتقد باشید، بی تعارف باید همراه استادان تان جوراب های بوگرفته ی مرا مفتخرا بشویید!

آقای آرش. جهاد مشتقی از جهد به معنای کوشش است و البته کوشش به معنای جنگ نیست.

نویسنده: محمد دیباور

پنجشنبه 19 شهریور1388 ساعت: 18:37

با سلام خدمت استاد محترم... در یادداشت 225 من منظورتان از "...به گونه ای رمز آلود دلهی را در فارسی دهلی مینامند"را ندانستم لطفا توضیح دهید. باتشکر

نویسنده: رئوف

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 16:54

با سلام خدمت استاد گرامی
منظور از المحصنات در آیه 24و 25 سوره النساء و ترجمه ان ایات چه می باشد
با تشکر

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 226

ایران شناسی بدون دروغ 226، نتیجه،34، حقه بازی ها در هند، 3 - 68 نظر

نویسنده: ماهرخ

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 4:10

نزدیک سحر نمیدانم از کجا صدای خرد شدن دندان هایی را می شنوم.

نویسنده: آمون

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 2:41

آمون به روز شد .خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: عربگری

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 8:13

سلام
فرمول رشد نمایی جمعیت را با توضیحاتی برایتان ایمیل کردم در صورتی که به دستتان نرسید یا در وبلاگم پیام بگذارید .

وب سایت

نویسنده: ایلماز

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 10:51

جناب آقای آشتیانی حالا سریعا به هند سفر کرده و یقه یکی از این راهنماها را بگیرید و با هر چه که شده از او اعتراف

بگیرید که در ساخت و ساز آخشاردام از ماشین آلات استفاده شده تا دل آتش گرفته تان کمی خنک شود!! 
ده سال تجربه پشت این تحقیقات خوابیده!فکر میکنی به همین سادگی بهانه برای عرعر کردن به کسی داده می شود؟!!!
میگن عجله کار شیطونه

نویسنده: علی رضا

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 11:32

خسته نباشی استاد, خیلی ارادتمندیم.

نویسنده: علی از مالزی

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 19:22

آقای پورپیرار اول تشکر از این پست. دوم، سئوالم این است که از کدام سنتها سخن میگویید؟ در حالیکه سرجمع، همان "سنت ها" هم با خط الهی و کتاب سازگاری ندارند؟ و یا همانطور که خودتان هم افشا کرده اید، همان عرف و رویه های پدران متکلم به زبان یدیشمان هستند!؟ خود همین دوستان سنت پسندمان هم که مترسک باغ کفر و نفاق وسط خاورمیانه، بوده اند!

مدرنیزم را هم که همان جریانهای مدرسه فرانکفورت در دهه 30 تا 60 به اصطلاح خودمانی "شست و گذاشت کنار" . خیلی ها همان موقع فهمیدند چه کلاهی بر سرشان رفت و صد ها بار پر صدا تر از شما ! در اروپا و امریکا جار زدند .....ولی حب دنیا نگذاشت..

آقای پورپیرار از ایران خبر میرسد که شکم صابون زده اند برای رولت در کنار دریاچه پارک ارم!! زنانمان "دموکراسی" میخواهند و جوانانمان آزادی حقوق همجنسگرایانه. مردم دهک های پائین هم که رویای یه نون بخور و نمیر را در خواب میبینند و میخواهند حداقل کوچه شان آسفالت شود!! دیگر روشنفکر و با سواد و بی سواد و علوم انسانی و غیر انسانی هم ندارد!! شما با نسلی طرفید که اسم خدا و قران و پیغمبر را برایشان بیاورید سریه بعد سراغتان نمی آیند.

این همان "سنتهائی" است که آنها را در آغوش "پدران جانبرکفشان" پروراند !! منظور شما که این سنتها نیست؟؟

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 16:22

سلام
سوره مرسلات، آیه ی 50:

" فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ"
"شما پس از آیات خداوند باز به کدامین "حدیث" ایمان می آورید؟"

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 20 شهریور1388 ساعت: 23:41

آقای ایلماز. با سوپر ابلهانی رو به روییم که وقتی می شنوند آخشاردام را بدون استفاده از ابزارهای روز ساخته اند، از خیال پوک شان می گذرد که سنگ های بریده در کوه را هم با بغل کردن و یا غلطاندن روی زمین به پای کار رسانده اند! به همین نادانی...

فریبا خانم. ممنون.

آقای علی از مالزی. آن مقدمه دعوت می کرد تا حول این رخ داد تفکر کنیم: " هرچه جوامع مورد هجوم کنیسه و کلیسا در عمق بیش تری از روابط سنتی متوقف مانده باشند، در ایستایی بر آن نیرومندتر عمل کرده اند". که معنای معینی دارد: انسان علاقه مند نیست او را به ترک جایگاه سنتی اش وادار و یا حتی دعوت کنند. آقای علی. لجاجت با حقایق قابل فهم و لمس و دیدار، روشن فکری را به لجنزار کنونی کشانده است.

آقای عربگری. دریافت نشده است.

آقای علی رضا. ممنون.

نویسنده: alid

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 9:29

جومونگ jow mong راهب یهودی

وب سایت

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 10:10

آقای پورپیرار، مشرکین نجسند چه هندیانی باشند که "بطور سنتی" از موش میپرستند تا همزمان صدها خدا، چه اهل کتاب و مسلمانانی که مشرک شده باشند. عرض من آن است که "لجاجت با حقایق قابل فهم و لمس و دیدار" فقط مخصوص به روشنفکران نیست و همانقدر در میان توده ها شیوع دارد که در بین روشنفکران - شاید هم بیشتر. منتها در بین توده ها با اتیکت "سنت" توجیه می شود.

به نظر شخص من این مقدمه نوشته شما این اتیکت را کم رنگ کرده است و من این را -حسب تجربه - در تمایل شدید جنابعالی در منحصرا مقصر و مسئول دانستن جریانهای به اصطلاح روشنفکری و نقش آنها در انحراف جوامع می بینم. در حالیکه با یک نگاه به تاریخ قرانی و همچنین تاریخ معاصر عکس این مساله آشکار میشود چرا که دیگر نمی توان گفت که قوم ابراهیم و لوط و غیره را "ایسم های روشنفکری" منحرف ساختند! بلکه - به گواهی قران کریم- همان "ایستایی بر عمق بیش تری از روابط سنتی شان" باعث نابودیشان شد!

شما میدانید ، من قصد "بتونه کاری" بر روی به قول شما "لجنزار کنونی" را ندارم، اما همانقدر توده ها و سنت هایشان را مقصر می بینم که روشنفکران را. مخصوصا اینکه چون هدایت قرنهاست که برای بشر حق و باطل را جدا کرده، چه بسا توده های مردم *مقصرتر* باشند تا روشنفکران زمان. همان ضرب المثل " در دیزی باز است و حیا گربه کجاست؟" فکر کنم برای توده ها مناسبت داشته باشد. جنابعالی موافق هستید؟

نویسنده: عادل

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 10:13

از مطلب روشنگرتان ممنون

نویسنده: عادل

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 10:41

http://links.p30download.com/archives/15244.php

نویسنده: ساسان

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 13:21

از نطقه نضر بنده اگر اینطوری باشد که سرکرده دشمنان نزاد نیکوی آریایی یعنی ناصر پورپیران می نگارد مشخص می گردد که هندیها نیز چونکه از نزاد نیکوی اریایی می باشند قادر گشته می باشند آخشاردامی نیکوی آریایی را بنا بگردانند. بنده تصمیم میدارم به سرزمین نیکوی آریاییان جهان یعنی هندوستان نیکو بزودی سفری بنمایم و به آنها اطلاع بدهم که نزاد آریایی چقدر توانا و نیکو می باشد. بدرود بر نزاد نیکوی آریایی. آیا پورپیران قادر می باشد در یک سرزمین غیر آریایی چنین تواناییهای نیکویی را به ما نشان دهی بگرداند؟؟؟

وب سایت

نویسنده: زمانی

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 14:36

حضرت استاد. از خواندن مقدمه یادداشت 226 شما سرمست شدم. بدانید که بارها بدرگاه خداوند برای سلامت شما دعا کردم و از این که در عهد خردمندی چون شما زندگی میکنم شکر خدا را بجای آوردم. نگاه حضرت عالی به مطلبی چنین آگاهی دهنده تحفه روشنگر و گران بهایی بود که قلب گرفتاران در صدمات موجود را روشنی بخشید و بیکارگی مراکزی را معلوم کرد که برای یافتن چنین حقایقی حقوق میگیرند و عطسه ای هم نمیکنند. برقرار و کامروا باشید.

نویسنده: ِِِِِِِِسجاد

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 16:38

با سلام استاد امکان این است که شما آمار مراجعان به وبلاگتان را نمایش دهید ؟

نویسنده: حاجی زاده

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 13:51

سلام
استاد گرامی با خواندن مقدمه ی مقاله ی ارزشمند اخیرتان چند مطلبی به ذهنم خطور کرد که با کسب اجازه مطرح میکنم.
آیا جنگهای چند دهه ی گذشته در سرزمینهای متعدد از امریکای جنوبی گرفته تا افغانستان، ستیز سنت گراییست بر علیه مدرنیسم یا تنازعیست برای کسب نیروهای مادی- انسانی، ثروت و سیطره ی بیشتر مللی بر سایر ملل!؟ ضمن این که شما تعریف وشناسه ی مشخصی از سنتهای ضامن مقاومت واستقلال و مدرنیسم مخرب ارائه نداده اید و این درک منظور و مقصود حقیقی یادداشت را مبهم میکند، برای نمونه وقتی جمله ی " نبردی برای حراست از هویت و هستی دیرینه (!!!) و سنت و استقلال معتاد و متعارف " را می نویسید.
به نظر میرسد این جنگها، ستیز حق و باطل است، سمتی ظالم قرار دارد و سویی مظلوم، همواره مظلومین انگیزه ی قویتری برای مبارزه و مقاومت داشته اند چون طبیعت انسان ظلم ستیز است و دفاع از حق و داشته ها در نهاد آدمی قرار گرفته، تمام مللی که به نحوی مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته اند چاره ای جز مبارزه برای حفظ هستی خود نداشته اند و گرنه عدم مقاومت و تسلیم شدن مترادف با فنا و نسیان است که برخلاف میل به بودن و حق خواهی طبیعت آدمیست، در نهایت به عقیده ی من رمز پیروزی ملل مستضعف، ریشه در طبیعت آنان دارد وایمان راسخ بر "برحق" بودن و ایمان راسخ به درستی عمل، (امری که در نیروی مقابل یقینا کمرنگ تر است) نه در سنتها یی که با آن خو گرفته اند، ملل غاصب نیز قصد تقدیم دودستی داشته های علمی و فرهنگی خود را ندارند بلکه هدف تنها سودجوئی است و در این راستا مدرنیسم، ابزار و سرابیست جهت اغفال و دادن امیدواری کاذب برای کسب آینده ای مطلوب و شکستن مقاومت!
اما اینک تجربه ی ارتباط و داد و ستد با حیله گران غربی، مانع از فریب خوردن دوباره ملتهای سنتی میشود.

نویسنده: فتح

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 17:35

پژوهش تازه ژن شناسی: ترک و تاجیک یکی هستند

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2009/09/090903_ez_tajiks_turks.shtml

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 19:15

فریبا خانم. موردی مثل جنگ بوسنی در قلب اروپا که بیش از ده روز ادامه نداشت و ارتش متحد غرب پیروز شد، اهمیت تسلیم به مدرنیسم در ضعیف شدن قدرت مقاومت ملت ها را نشان داد. زیرا مدرنیسم مسموم کنونی صادراتی است و بر مبنای توافق نامه های بین المللی به ملت ها تحمیل می شود و منشأ دوران شناسانه ندارد. پذیرش چنین مدرنیسمی معمولا به دنبال خود مثلا دریافت وام از صندوق بین المللی پول و یا صدور تکنولوژی ها را تسهیل می کند و گرچه مسئولین

دولت ها را راضی و شکم سیر نگه می دارد، اما انگیزه را از ملتی می گیرد که سنت های اش را فروخته اند، همه چیز را در اطراف خود غریبه می بیند و به دل سردی و بی تفاوتی دچار است. به همین دلیل عمل و احترام به سنت ها در تمام کشورهای اروپایی که پس از جنگ جهانی دوم به علت نیاز و ناچاری به مدرنیسم نوع آمریکایی تسلیم شدند مخفیانه انجام می شود و همان تکنوکرات های در ظاهر کاملا مدرن در زندگی خانوادگی تا بیخ دماغ در خرافات ماقبل قرون وسطایی غرق اند. همین مورد و باز هم به دلیل تبعات جنگ جهانی دوم، درباره ی ژاپن نیز صدق می کند و زن و مرد ژاپنی را میان سنت های مانوس و مدرنیسم وارداتی به شکل رباتی برنامه ریزی شده درآورده است. اما تسخیر و مسخ و بی ریشه کردن سایر ملل که مستقیما با جنگ مربوط نبوده اند، به آسانی اروپا و ژاپن از آب درنیامد و می بینیم سنت گرایان جهان در برابر تجاوز مدرنیسم به هر شکلی که خود را بنماید مقاومت می کنند.

آقای سجاد. به چه درد می خورد؟

آقای زمانی. آن مقدمه مدخلی است نوگشوده بر شناخت به تر موقعیت کنونی جهان و راه نمای روشنی است برای خروج از بن بست های بزرگ.

آقای سایه. در اولین فرصت.

نویسنده: علی از مالزی

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 20:5

آقای حاجی زاده،

نظر شما در مورد اینکه خود همین اتیکت سنت، دیسکورسی است که تعبیه شده توسط دشمنان کلام الهی است و در جهت مخفی نمودن و معاندت با همان آیه 50 سوره مرسلات عمل میکند چیست؟ با تشکر.

نویسنده: نکی

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 17:48

شالوم!
مقدمه رو خوندم. واقعا متاسفم که این کامنتها ارسال شده. مثل مقدمه کتاب اشکانیان و اسلام و شمشیر بی نظیر و وحشتناک بود.
آقای علی از مالزی. شما کتاب اسلام و شمشیر رو نخونده این.
و ناراحت می شم وقتی کسایی دنبال تعاریف بچه گانه از این لغات هستند :
نبرد
حراست
هویت و هستی دیرینه
سنت و استقلال معتاد و متعارف
و چگونه موفق! می شوند که ایراد بگیرند؟!

نویسنده: نکی

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 17:52

و اگر صلاح دونستید این جمله رو هم اضافه کنید که حتی مهمترین مقالات در مورد تسلیحات و جنگ افزارها و پرده بکارت و جراحی و دوخت و دوز اون هم از همون غرب بیرون میاد!

نویسنده: کاظم

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 21:42

سلام استاد لطفا هرچه زودتر فایل پی دی اف ایران شناسی بدون دروغ را کانل کنید.

نویسنده: مهدي - مهدي

شنبه 21 شهریور1388 ساعت: 22:13

چند سال پیش مطلب بسیار جالبي را در کتاب "اورشلیم" نوشته "مارگارت اولیفانت" خوانده بودم که امروز مجدداً با دیدن آن کتاب تصمیم گرفتم متن آنرا برای خوانندگان وبلاگ به اینجا منتقل کنم. این کتاب که در سال 1891 منتشر شده است. در چاپ دوم صفحه 357 انتشارات دارف چنین مي خوانيم:

great gates, empire which had been foretold by their [Jews] prophets, the opening of the The fall of the great the carless city lost in banqueting and mirth, the two-leaved gates, the gates of the rivers, let in the Mede into the place of Belshazzar. What movement then took place among the Jews, or and Cyrus strong and great took of incidents was a special was the attention of the conqueror attracted to them? By what incident or series how exiles? No historical problem could be more interesting to solve interest aroused in the mind of Cyrus for these .there is absolutely no information on the subject than this but

سقوط امپراطوري بزرگ كه توسط انبيايشان [انبياي يهود] پيشگويي شده بود, گشوده شدن دروازه هاي عظيم, دروازه هاي دو لنگه, دروازه هاي رودخانه ها, مدي ها را به داخل شهر بي دفاعِ غرق در ضيافت و شادي, راه داد و كوروش قدرتمند و كبير جاي بلشزر را گرفت. چه حركتي در ميان يهودي ها صورت گرفت يا چگونه توجه فاتح به آنها جلب شد؟ چه رخداد يا دنباله اي از رخدادها علاقه ويژه اي را در ذهن كورش نسبت به اين تبعيديان برانگيخت؟ "ممكن نيست حل هيچ مسأله تاريخي ديگري به اندازه اين يكي جالب باشد در حاليكه مطقاً اطلاعاتي درباره اين موضوع در درست نيست".

تأكيد اوليفانت به اين موضوع كه حل هيچ مسأله تاريخي به اندازه حل اين مسأله جالب نخواهد بود, خود بسيار جالب و توجه برانگيز است. اين در حالي است كه ما امروز مي دانيم كه واقعاً حل هيچ مسأله تاريخي به اندازه اين مسأله كه سرنخ تمام قضاياست, مهم نبوده است.

مهدي

نويسنده: م

شنبه 21 شهريور1388 ساعت: 22:25

http://links.p30download.com/archives/15370.php

«مoومان اول» سمفوني فردوسي ساخته شد
خبرگزاري فارس: شاهين فرهت از اتمام ساخت «مووman اول» سمفوني فردوسي خبر داد.

«شاهين فرهت» آهنگساز در گفت‌وگو با خبرنگار موسيقي فارس گفت: هم‌اكنون در حال ساخت سمفوني فردوسي هستم كه تاكنون ساخت موومان اول آن به اتمام رسيده است.
وي با بيان اينكه اين سمفوني شامل 4 يا 5 موومان است، افزود: اين سمفوني بيانگر داستانهاي فردوسي است به طوري كه قسمت اول اين سمفوني بزرگداشتي از اين حكيم بزرگ است كه خود شامل 3 تم بزرگ است ، همچنين موومان دوم آن به داستان سياوش، موومان سوم به داستان رستم و سهراب و موومان چهارم به ماجراي افراسياب و كيخسرو اختصاص دارد كه اگر اين سمفوني شامل 5 موومان بود بخش آخر را به نتيجه گيري اختصاص مي‌دهم در غير اين صورت اين بخش را جايگزين موومان چهارم مي‌كنم.
اين آهنگساز ادامه داد: قسمت اول اين اثر كاملا فرم سمفوني دارد و بقيه قسمت‌ها به ترتيب آرام،تند و حالت رزمي خواهند داشت.
فرهت در خاتمه خاطر نشان كرد:سمفوني فردوسي را به طور شخصي و بدون سفارش نهادهاي دولتي و خصوصي مي‌سازم.

نويسنده: ناصر پورپيرار

شنبه 21 شهريور1388 ساعت: 22:50

آقای م. لازم است فرهت موومانی هم به نام "فردوسی به روایت نقال قهوه خانه" و در خدمت منقل به سمفونی اش اضافه کند.

آقاي مهدي - مهدي. حالا آن مسئله حل شده از سلسله حوادث مزدوری کورش برای یهودیان، شکست پروژه در اثر مقاومت منطقه و سرانجام قتل عام پوریم و تحریفات انجام شده با دست و قلم مزدوران فرهنگی یهودیان باخبریم و ضروری است تاریخ جهان دوباره و با محاسبه ی مستندات نو نوشته شود..

نويسنده: حاجی زاده

شنبه 21 شهريور1388 ساعت: 20:14

سلام
من در یک خانواده، فامیل و شهر فوق العاده سنتی زندگی میکنم، تارهای زنجیر سان سنت چنان در زندگی ذهن و رفتار

مردمان اینجا تنیده که به نظر میرسد شکستن آن نیاز به یک نیروی غول آسا دارد.
سنتها و روابط سنتی گرچه در مواردی موجد "استحکام و دوام و وحدت نظر" است ولی در اغلب موارد مانع جدی "نو اندیشی تعالی و تحول" و بسیار دست و پاگیرند.
نکته بعدی اینکه در این دو و نیم دهه ای که در این دنیای خاکی و فانی تجربه ی حیات داشته ام ، به شکل کاملا ملموسی در یافته ام که هیچ چیز مطلق نیست الا ذات سبحان الهی، به این ترتیب نمیتوان ادعا کرد که سنت مطلقا خوب و سازنده و مدرنیسم بد و مخرب است.
زندگی من بهترین سمبل تقابل سنت و مدرنیسم است، تنها کانال اتصال من به دنیای اطلاعات نوین و ارتباطات همین اینترنتی است که سوغات مدرنیسم است و اگر این کانال مسدود میشد بی مدد یک بار آگاهی و علم و حتی تجربه حاصله از آن، هرگز نمیتوانستم لااقل زندگی خودم را از چنبره ی سنتهای پوسیده و اغلب ریشه گرفته از "خرافات و نادانی" که فقط از فرط تکرار صورت صحت به خود گرفته اند جدا کنم، من سنت شکنی میکنم چون رمز موفقیتم را در این کار تشخیص داده ام و احترام گذاشتن یا پایبندی به آن در واقعیت امر مترادف با بطلان زندگی ام است، چیزی که آنرا با گوشت و پوستم احساس میکنم.ولی با آن بخش از سنتها که حاصل "تجربه ی" چند نسل ما قبلمان است موافقم.
موضوع این است که مدرنیزاسیون در ذات خود مخرب نیست بلکه در مسیر تکاملی انسان علم به پیش می تازد ولی اخلاق درجا می زند، اگر تعالی این دو توام و مقارن بود اکنون دارای علم با اخلاق بودیم نه علمی که اخلاق را نه تنها پشت سر نهاده بلکه آن را نفی نیز میکند و ایراد کار نیز در همین جاست ، ایراد کار در خود ما انسانهاست که هنوز به ادراک و تشخیص کافی و توازن و تعادل نرسیده ام.
و در آخر دوباره تاکید میکنم که رمز پیروزی ملل مورد تعرض غرب ، در نهاد آدمی نهفته است که حکم میکند در حفظ آنچه که در شرف از دست دادن است حریص تر باشد نه در سنتها.
آقای علی با نظر شما موافقم که در قرآن نیز اغلب سنتهای موروثی از نیاکان نکوهش و به انسان عاقل توصیه به رها کردن آنها شده است، ضمنا خوشبختانه و یا متاسفانه من آقا نیستم.

فعلا با اجازه

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 3:2

آقای نکی،

متوجه نشدم کدام قسمت از کامنت های من شما رو ناراحت کرده؟ لطفا اشاره کنید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 3:45

آقای فتح. این رفتارها جهودانه و برابر است با نادیده گرفتن مستندهای تختگاه و طوفان.

آقای عربگری. مقاله را خواندم و تا میزان معینی از آن روابط باخبر شدم. چرا مقاله را عمومی نمی کنید؟

فریبا خانم. زندگی و موضع شما به ترین نمونه است تا مطمئن شویم سنت ها به زمان لازم، بنا بر پیدایش شرایط اقتصادی - اجتماعی نو، به طور طبیعی و در مواجهه با عکس العمل درونی، دچار تصحیح و تغییر می شود و نیازی به صدور بی موقع و اوباشگرانه عوامل تحول ندارد. مثلا مدرنیسم مورد تقاضای شما نسبت به سنت های موجود فقط گامی به پیش است و شامل مراتبی نیست که در کشورهای غربی عادی و جاری است، زیرا زمان چنان درخواست ها نرسیده و جامعه نیازمند آن نشده است. از طرف دیگر سنت ها نه حق اند و نه باطل و چنین عنوان گذاری ورود به مدخل آن از مسیر نادرست است.
سنت ها مانند آب، زندگی و حرکت و تغذیه ماهی را خوش آیند و آسان می کند. اگر بخواهم مثال نهایی را بزنم باید به نزول با فاصله کتب سه گانه آسمانی اشاره کنم که نسبت به یکدیگر کامل ترند زیرا خداوند می فرماید شرایط تغییر کرده و دین های پیشین که در زمان خود کاملا بر حق بوده اند اینک دیگر باطل اند، قدرت پاسخ گویی به نیاز زمان را ندارند و باید به قوانین مترقی تر و مطمئن تر و متناسب تر قرآن گردن گذارند که زندگی در شرایط جدید را تسهیل می کند. اگر نیازی به ملاحظه و منظور کردن شرایط و ظرفیت های اجتماعی نبود، پس خداوند باید ابتدا دستورات قرآن را نازل می کرد. بنا بر این مثلا هنگامی که گذران عمومی با فرامین تغذیه که در تورات ضبط است، به سبب کثرت جمعیت، ناممکن و یا لااقل دشوار شد، خداوند آن آیات قرآن که امر تغذیه را بسیار آسان گرفته جانشین کرده است. به همین ترتیب سنت هایی که شرایط نوپدید در هر حوزه ای را نپذیرند، خود به خود از همراهی عمومی محروم و نابود می شوند. و اگر مثال بخواهید کافی است زندگانی کنونی خود را با الزاماتی مقایسه کنید که مادر بزرگ تان به آن تن می داد، حال آن که او هم تابع سنت های زمان خود بود و شما نیز تابع سنت های این زمانید. با این تفاوت که شرایط اجتماعی، جامعه را ناچار به پذیرش هایی کرده است که برای مادر بزرگ شما قابل تصور هم نبود، به این می گویند رشد موزون و طبیعی و بدون موشک باران و اعمال جنایت، که به بهانه برقراری مدرنیسم و در واقع با نیت غارت انجام می شود.

نویسنده: مروتی

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 4:9

سلام بر استاد و متفکر بزرگ شرق مقدمه آخرین یادداشت شما ویران کننده اوهام روشنفکری پر حرفی است که در اطراف ما لول میزنند. از راه دور دستان شما را میبوسم و سلام گروه نه چندان کوچکی از دوستدارانتان را ابلاغ میکنم.

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 8:43

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم
با تشکر از نصب یادداشتهای جدیدتان. در خصوص مطلبی که فرموده بودید "هرچه جوامع مورد هجوم کنیسه و کلیسا در عمق بیش تری از روابط سنتی متوقف مانده باشند، در ایستایی بر آن نیرومندتر عمل کرده اند" این سئوال پیش می آید که چرا سرخپوستان آمریکا علیرغم تمسک به سنتهای خویش موفق به مقاومت و ایستایی در برابر هجوم مهاجرین غربی نشده اند؟ آیا سناریو اجرا شده در آن سرزمین از آنچه که برای ما نقل شده متفاوت است یا اینکه باید در کنار عاملی که برشمردید عوامل دیگری را هم بعنوان دلایل ایستایی جوامع در برابر هجوم کلیسا و کنیسه اضافه نمود؟
والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 10:8

آقای پورپیرار، این ادعای شما که در ذیل آمده چطور و با چه آیاتی توجیه میگردند؟ لطفا آدرس دهی کنید ما هم بخوانیم:
"زیرا خداوند می فرماید شرایط تغییر کرده و دین های پیشین که در زمان خود کاملا بر حق بوده اند اینک دیگر باطل اند، قدرت پاسخ گویی به نیاز زمان را ندارند و باید به قوانین مترقی تر و مطمئن تر و متناسب تری گردن گذارند که زندگی در شرایط جدید را تسهیل می کند."

آیا تا بحال با این آیات خداوند در قران کریم که به پیامبر فرموده اند : " چطور در حالی که تورات پیش آنها هست تو را داور میسازند؟ حکم خدا در تورات هست. " برخورد داشته اید؟؟؟ آقای پورپیرار، لطفا آیات 43 تا 48 سوره مائده را بخوانید بعد حتما تصحیح می کنید. باعث بسی تاسف است که شما هم "شان نزول" تراشی (امر تغذیه) برای کلام خدا می فرمائید.

چرا هر چه بیشتر کامنت رد و بدل میشود ابهامات بیشتر میگردند؟؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 11:56

آقای علی. فقط آیه 48 سوره ی مائده تایید کننده ای معتبر بر حاکمیت قرآن برکتاب های پیشین است. به گمانم ناگزیرید یک بار دیگر مقالات اسلام و شمشیر را مرور کنید. ضمنا به آیه ای رجوع کنید که خداوند خواستاران معجزه از پیامبر را عقب مانده خطاب می کند.

آقای عابدی. قبلا به آدرس تبریز و بوشهر فرستاده شده و هیچ یک برنگشته است. لطفا یک بار دیگر منظورتان از لیست کتاب ها را اعلام کنید. ظاهرا فراموشی موجب تاخیر شده است.

آقای سنجری. سرزمین اتازونی بسیار گسترده است و سرخ پوستان ساکن آن به صورت قبیله های بس پراکنده و با فواصل بعید از مکزیک تا کانادا می زیسته اند، هرگز مفهوم یک ملت واحد را نداشتند و حتی در برابر هجوم مهاجرین قادر به ایجاد فرماندهی مشترک نشدند. بدین ترتیب مهاجران به آسانی قبایل غیر متحد دور از هم را یکی یکی از میان برداشتند.

آقای مروتی. غلو می فرمایید و به هر حال ممنون. و البته آن یادداشت دارندگان استعداد توجه و تحول را دگرگون خواهد کرد و به مدرنیسم معنای تازه ای می بخشد.

نویسنده: ساسان

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 12:28

بانو حاجی زاده چرا جنابالی متوجه نمی باشید؟ پورپیران دشمن نژاد نیکوی آریایی می باشد و تصمیم میدارد در عاقبت بنگارد گه تاج محل نیمه تمام می باشد مثل تخت جمشید نیکوی ما. چونکه تاج محل آریایی می باشد و مال ما ایرانیها می باشد. منتهای مراتبت چونکه آخشاردامی نیکوی هندیهای آریایی و برادران هم نژاد نیکوی ما خیلی بزرگ و عظیم می باشد پورپیران جرات نمیدارد بنگارد که ناتمام گشته بوده می باشد. الان پورپیران یک دعوای الکی در مورد سنت براه انداخته می باشد تا شما را فریب بدهد بانو فریبا. ما باید هوشیار و بیدار بباشیم همواره و فریب نخوریم. وگرنه الان چه جا میدارد وسط آخشاردامی حرف از سنت به میان آوردن؟

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 9:17

با سلام
چکیده نوشته شما این است که معقول ترین روال مدرنیزه شدن هر جامعه ی سنتی، آن است که چنین جوامعی، خودخواسته و به مرور و با طی مدارجی، به سمت مدرنیسم حرکت کند، نه به شکل جهشی و یا وارداتی! تنها در آن صورت است که مدرنیسم میتواند نقش مثبت خود را ایفا کند. سنت شکنی باید بدست سنت شکنهای بومی آن جامعه صورت بگیرد و در شرایطی که جامعه ی سنتی خود نیازمند و آماده و پذیرای ی این تحول باشد. چه اگر مردمی که هنوز به سنتهای شان سمپاتی دارند و آنها را مخل حیاتتشان نمی بینند که هیچ، بلکه اسباب آسودگی و سهولت زندگیشان نیز است، در مواجهه با مدرنیسم تحمیلی، بی مقدمه و ناآشنا دچار دوگانگی و سردرگمی در رفتار و زندگی فردی و اجتماعی خواهند شد، آنچه که در اروپا و ژاپن شاهدیم.
مثل همیشه در برابر استدلال و منطقتان سر تسلیم فرود می آورم.
با تشکر

نویسنده: علی از مالزی

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 13:31

به نام خداوند بخشنده مهربان
" بگو ما به خدا و آنچه بما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان او نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران از جانب خداوندشان داده شده ایمان آورده‌ایم. فرقی بین هیچکدام آنها نمیگذاریم و ما مسلمان هستیم. "
- آل عمران 84

آقای پورپیرار، کلام خدا در مقابل من و شماست. چرا به کتاب دیگری رجوع کنم؟!

" و قرآن را که تصدیق کننده کتابهای قبل از خودش و نگهبان آنهاست بر تو به حق نازل کردیم. بنابراین بین آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و در مورد حقی که برای تو آمده از دلخواه آنان پیروی مکنبرای هر دسته از شما (یهودی‌ها، عیسوی‌ها و مسلمانان) راه و رسمی قرار دادیم. اگر خدا میخواست شما را امت واحدی میساخت ولی میخواهد شما را با همان کتابی که به شما داده امتحان کند، بنابراین در کارهای خیر از هم جلو بزنید. " - سوره مائده آیه 48

آقای پورپیرار، آیا این آیه ناقض این بخش از مقدمه شما نیست که "دین های پیشین که در زمان خود کاملا بر حق بوده اند اینک دیگر باطل اند، قدرت پاسخ گویی به نیاز زمان را ندارند" ؟؟

پیشنهاد من این است که واژه "سنت" را هم به همان زباله دانی که "دموکراسی و مستند و خیلی چیزهای دیگر " در آن جا دارند بفرستید، چرا که بغیر از راه و روش هائی که خداوند قرار داده است هر چیز دیگری کاملا بی معنی است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 15:45

فریبا خانم. چکیده ی شما همان اصل است. سنت ها با زور برنمی افتند، بل فقط مخفی می شوند و به حالت کما در می آیند. رضا شاه روزی به تشخیص خود و با زور پلیس چادر را از سر زن ها برداشت، نیم قرن بعد کس دیگری باز هم با زور پلیس حجاب را بر سر کسانی برگرداند که تسلیم فشار رضا شاه شده بودند. نه رضا شاه مدرنیست بود نه مامورین این جمهوری مرتجع اند. سنت به زور کنار زده شده دوباره سر بلند کرده است. باید جامعه سه میلیون دختر دانشجو و به همین میزان زنان فارغ التحصیل ذخیره داشته باشد تا طغیان شما علیه سنت های اجدادتان و تغییرات احتمالی دیگر از جمله در موضوع حجاب به شکل اصولی و برگشت ناپذیر میسر شود.

آقای علی از مالزی. مجموعه یادداشت های اسلام و شمشیر را بخوانید و به مراتب و مدارج برخورد خداوند با اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان و نیز تورات و انجیل توجه کنید.

خانم ماهرخ. تنها می توان امیدوار بود چنان بازخوانی شاید بتواند مفهوم آن اثر جاودان را به او حالی کند که امید بسیار کم رنگی است.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 16:18

با سلام
جناب علی از مالزی.اگر کتاب اسلام و شمشیر را خوانده باشید به وضوح می بینید که که خداوند تا جایی به کتاب ادیان دیگر کتاب الله اطلاق میکند و از جاهایی این لفظ عوض میشود و آنها را تنها کتاب معرفی میکند!در صورتی که در جای جای قرآن،قرآن را کتاب الله می شناسد!به نظر شما این تغییر لفظ خداوند نسبت به کتابهای ادیان قبل از اسلام نشان چیست؟!

نویسنده: مسعود

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 19:22

وقت جنابعالی بخیر استاد محترم.

نظرات جنابعالی و دوستان را در مورد مبحث اخیر دنبال میکنم که بسیار سودمند میباشند و به همه خداقوت میگویم...
مدتی است برای اسپانیا و تاریخ آن باصطلاح وبگردی میکنم . پیشتر در توضیحات جنابعالی در همین سلسله یادداشتها روشن فرمودید که هجوم و حضور موهومی مسلمین عرب و بنی امیه موهومی تر در آن سرزمین یک شیادی دیگر از جانب کنیسه و کلیساست . منتها این مطلب که چگونه اسلام در آن سرزمین نیمه اروپایی به این اقتدار مدتهای طولانی حضور داشته است و اینکه این فاصله چندین هزار کیلومتری را به چه وسیله ای مسلمین توانستند طی و به ساحل اقیانوس اطلس برسند و دین خدای واحد را به غربی ترین نقطه اروپای مسیحی - یهودی برسانند هنوز برای من تحلیل نشده است...
شما امروز اگر شهرها و روستاهای جنوب و مرکز اسپانیا و پرتغال را ملاحظه بفرمایید هنوز اسامی شبه عربی دارند ... حتی تاثیر کاملا" مشهود عربی بر زبان امروزه اسپانیایی غیر قابل انکار است ...
نکته دیگر در مورد اسپانیا اینکه بنظر میرسد آن بلاد مرکز صدور کادر مجرب یهود به سراسر جهان در گذشته بوده است!!!
سئوال من اینستکه : چرا نمیتوان ادعا کرد آخرین دین مبین خدای واحد در سرزمین اسپانیا بر بشریت عرضه شده است!!؟
این دادگاههای تفتیش عقاید کلیسا که مورد اشاره شما هم بوده است و نیز قصه های موهومی بیرون راندن اعراب و مورها توسط قهرمان خیالی ملی اسپانیا یعنی "ال سید" حقیقتا" چه معانی عمیقی در خود دارند؟!
مطلب دیگر اینکه سرزمین اسپانیا هیچ آثار ماقبل تاریخ علی الظاهر در خود ندارد و تمام آثار کهن آن مربوط به حضور یونانیان و رومیان میباشد...

نقشه شبه جزیره ایبری :

http://www.aboutromania.com/SpainMap.gif

طاعات شما مقبول خداوند واحد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 19:24

آقای سجاد. ماهانه 11000 نفر. با اندک کم و زیاد معمول.

آقای علی از مالزی. جز خواندن مقالات اسلام و شمشیر راهی برای درک کامل مطلب و دریافت پاسخ کافی ندارید و طبیعی است نمی توان چهارصد صفحه کتاب را یک بار هم برای شما به این وبلاگ منتقل کرد. احتمال می دهم ملوث شدن مدرنیسم مورد علاقه ی شما ناراحت تان کرده است.

آقای مسعود. در آن سلسله یادداشت ها توضیح داده ام که اغلب پیوستگان به اسلام، مسیحیان و یهودیانی بوده اند که تسلیم تثلیث نشده و برای حفظ تعلق خویش به وحدانیت خداوند به تنها پایگاه آن یعنی اسلام روی آورده اند.

آقای رئوف. ره سپار یکی از مراکز پاسخ گویی رسمی شوید.

نویسنده: alid

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 20:6

در سریال «افسانه جومونگ» جومونگ همچون موسی (ع) در خانه فرعون (امپراتور) رشد و نمو می کند،با وی به مخالفت برمی خیزد و در نهایت مردم آواره را با گذراندن از رودخانه ای پهناور (که گذرموسی (ع) از رود نیل را تداعی می کند) به سرزمین خالی از سکنه (!) پدرانش یعنی چوسان قدیم (ارض موعود) وارد می کند.

چوسان در ذهن عبارت «چو سان - jew sun» یعنی خورشید یهود را متبادر می سازد و ماجرا آنجا شگفت آور می شود که خورشید در تورات، نماد ارض موعود یا سرزمین مادری می باشد! چوسان که ارض موعود شد، منجی این قوم - جومونگ - نیز راهبی یهودی می شود (jew monk = راهب یهودی) و پایه های ابتدایی امپراتوری خود را در جو لبن (lebun jew = لبنان یهود) بنا می کند. در اکثر واژه های کلیدی این افسانه کره ای، «جو» یا چیزی شبیه آن (که دقیقاً با همین تلفظ، در زبان لاتین به معنای یهودی است) به کار رفته است. شایان ذکر است، لازم نیست دقیقاً املای این لغات صحیح باشد؛ چرا که در عمل هم ممکن نیست. بلکه نویسندگان این افسانه کوشیده اند از اسامی یا کلماتی بهره ببرند که بیشترین شباهت را با اسامی و مفاهیم یهود داشته باشند و تلفظ مشابه آنها - نه الزاماً املا - اهداف صهیونیستی عناصر پشت پرده این مجموعه را در ذهن بینندگان نهادینه کند. جالب اینکه بیشتر این عبارات، اسامی خاص هستند تا در صورت ترجمه و دوبله به زبان های دیگر، تغییر نکنند.
/http://7l.persianblog.ir/post/92

وب سایت

نویسنده: توحید

یکشنبه 22 شهریور1388 ساعت: 20:50

سلام

آقای علی از مالزی ، ایراد بزرگ شما این است که بسیار تند می روید و به فکر پیاده ها نیستید و همه را مانند خود تیز تک می پندارید . فکر می کنم برای همین این مردم رنجور و عامی ولی با ایمان و صادق ، روشنفکران را از خود طرد می کنند و خود را با آنها غریبه می دانند ، برای اینکه روشنفکران ما بعد از اینکه به دانشی می رسند خود را تافته جدا بافته پنداشته و انتظار دارند همه مانند خود مسائل را درک و جذب کنند (بقول آن ضرب المثل فکر می کنند از دماغ فیل افتاده اند). اگر چنین روشی درست بود خداوند قرآن را یکجا نازل می نمود ، همانطور که استاد فرمودند .
این روش شما مانند سواری است که با اسب چهار نعل می تازد در حالی که پیاده ای را با طناب در خاک قلطان به دنبال خود می کشد .

عاقبت روش شما ، ضمن اینکه باعث نتیجه منفی و معکوس و دست انداختن سفت و سخت تر به سنتها می شود (احتمالا که می دانید این روش خود یکی از ابزار کار آمد استعمار برای حفظ سنتهای غلط و مضر و بی خاصیت است) فکر می کنم به چنین مواردی نیز منجر می شود :

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:Kasravi2.JPG

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 1:16

آقای علی از مالزی. نیازمندید کتاب اسلام و شمشیر را بخوانید و از مسیری با خبر شوید که یهودیان و مسیحیان، با طی آن، از دارندگان کتاب آسمانی به نجس هایی تبدیل می شوند که ارتباط با آن ها ممنوع است، اجازه ی ورود به مراکز عبادی مسلمین را ندارند و باید با نهایت ذلت جزیه بدهند. باز هم توصیه می کنم آن کتاب را بخوانید و سعی کنید از مطالب آن سر درآورید. بقیه کامنت شما نیز مکررات بی اساس بود.

آقای alid. باید همین طور باشد وگرنه چنین چشم و چراغ سیما نمی شد!

آقای توحید. هر زمان که مطالب این وبلاگ ضربه ای کارآ بر کمر توطئه گران و کلاشان پناه گرفته در کنیسه و کلیسا و هواداران شان وارد می کند، یکی دو نفر ماسک های خود را از سر خشم بر می دارند.

نویسنده: مومان

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 8:2

سلام بر استاد گرامی و سایر دوستان

مطلب اخیر در ارتباط با تقابل سنت و مدرنیسم و مباحثات متعاقب آن در بیداری عمومی مردم جهان و به خصوص بنیان اندیشان، ایجاد بصیرت در مورد تمام آنچه که در گوشه و کنار دنیا می گذرد، و نیز ترسیم خط سیر آینده ی مبارزان راه حقیقت، فوق العاده ضروری و حیاتی است.
به عنوان دو مثال کوچک، حالا معلوم می شود که زندگی روزمره ژاپنی ها، بر خلاف تمام تعریف و تحسین هایی که مرتب در موردشان می شنویم دچار چه معضل بنیادینی است تا آنجا که عوارض آن مثلا" به صورت خستگی و خواب آلودگی مفرط در آن ملت هویداست. همچنین چسبیدن مردم اروپا (به ویژه انگلستان) به عقاید خرافی افراطی به تدریج رمزگشایی می شود.

از صمیم قلب تشکر می کنم.

نویسنده: همشهری

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 8:59

سلام به همشهریان ترک ابتدا مطلب زیر را از وبلاگ آقای رفرف بخوانید.
"اما جالب است که مقاله ۲۲۶ ایشان در این باره در شب شهادت حضرت علي (ع) منتشر شد. درد و اندوه ما بیشتر از آن جهت بود که یک روشنفکر مسلمان (منظور آقای پورپیرار است) در شب شهادت مولاي متقیان، شوکت و عظمت یک معبد نوساز شرک آلود هندو را در برابر یکي از زیباترین و اصیل‌ترین مساجد جهان به مداحي نشسته است."
آیا موجب شرمساری برای ترکان نیست که یک باصطلاح روشنفکر ترک بجای استدلال به سبک ملاها تکفیر آیکی میکند؟!
یک فارس طرفدار آقای پورپیرار این مطلب و دنباله آن را به من نشان داد و با طعنه گفت اگر در برابر یادداشت پرمایه 226 آقای پورپیرار روشنفکری از ترکان چنین جوابی مینویسد پس آیا تعجب دارد که ترکان را ... می خوانند و من سر به زیر ماندم.

نویسنده: حسن.ک

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 9:17

با سلام.تصاویری از کلیساهای روسیه را از تلوزیون ماهوارهای روسیه پخش شد کهبدلیل وضعیت منحصر ان بنظرم امد مطرح تا بیشتر برسی شود.صلیب منصوب روی قبه علاوه بر علامت صلیب دارای نشان هلال بود البته این وضعیت شامل تمامی کلیساهایی بود که نشان داده شد.این علاوه بر ظاهر ساختمان کهمشابهت به مسجدداشت .میتوان با رجوع به سایتاهای دارای اینگونه تصاویر مضوع را بیشتر شکافت.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 11:14

با سلام
جناب همشهری از آن آقای روشنفکر سئوال میکردید که اصلا سر از معماری و... در می آورد که اینگونه به سوگ نشسته است؟!!!و بر مبنای کدام منطق نمی تواند یک بنای غیر اسلامی با بنای اسلامی مقایسه شود و در مواردی بنای اسلامی را حقیر شمرد؟!!!
او در تلفظ ب بنیان اندیشی درجا میزند حالا آمده و منتقد هم شده است!البته از یک جهت بسیار خوب است چون واقعا پوک بودن منتقدین را نشان میدهد!تا به حال به غیر از فحش و ناله و پاره کردن گلو از منتقدین چیزی شنیده ایم؟!!!

نویسنده: ترک حقیقت طلب

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 12:4

آقای همشهری این که چیزی نیست به این حرفهای رفرف گوش بدین
اکثریت قریب به اتفاق مساجد جهان اسلام خارج از حوزه عربي را ترکان ساخته‌اند. این مساجد در سرتاسر آسیا، اروپا و آمریکا و آفریقا در کشورهاي متعددي نظیر هند، چین، روسیه، ترکیه، ایران و سایر کشورها گسترده‌اند. بسیاري از مساجد حوزه عربي نظیر مساجد مصر، سوریه، اردن، عراق و نظائر آن نیز به دست ترکان یا با حمایت آنان ساخته شده‌اند. حرص بي‌پایان ناصر پورپیرار براي نفي واقعیت تاریخي ترک قدرت تفکر را از او سلب کرده و وي را مجبور کرده است که براي نفي ترک، نفي نشانه‌هاي وجودي ترک، و این بار نفي مساجد ساخته شده توسط ترکان مسلمان را براي خود هدف قرار دهد. نفي تنها یکي از این مساجد، یعني مسجد تاج محل، وي را در مسیر تأیید یک پیغمبر دروغین دست پرورده استعمار قرار داده است. پایان این سناریو را خیلي غم انگیر مي‌بینم، زیرا تعداد مساجد ساخته شده توسط ترکان بسیار زیاد است!
بخدا این حرفها تماما دروغ است. دروغتر از حرفای صدیق. آقای پورپیرار ما این باکوچیها را می شناسیم عصبانیت آن ها از یادداشت گرانبهای 226 شما اشاره ای است که به استالین کرده اید.

نویسنده: بابک

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 12:5

با سلام خدمت استاد و سایر دوستان
جناب همشهری ای نوشته آقای رفرف چه ربطی به سایر ترکزبانها دارد؟
این نشان از ضعف شما دارد که در جواب ای انسان بی ادب ساکت نشسته و جواب منطقی نداشته اید.

نویسنده: بجانی

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 13:0

می ترسم از روزی که کسی پرسید شما چکاره اید بگوییم: بنیان اندیش

نویسنده: مووماں

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 16:31

آقای بجانی، مگر چه ایرادی دارد؟!!



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

نویسنده: محمدی

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 21:32

باسلام خدمت استاد
باتوجه به مطرح نبودن" خلاقیت" درخوشنویسی وقالی بافی،که رکن اصلی هنراست،
به نظربنده شعرهم،جدای ازطردشدن ازطرف خداوند،مبحث خلاقیت مطرح نیست.لطفاجهت استفاده بیشتر
درمحضرجنابعالی،نظرتان درارابطه با،خلاقیت درشعررابیان فرمایید.

نویسنده: امین

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 22:12

شخصیت اقای پورپیرار شناخته شده است.برای من خیلی جالبه افرادی که تقیدی به مسائل دینی ندارند اینگونه به پورپیرار حمله میکنند که در شب شهادت امام علی چه کرده و چه نکرده.آقای رف رف گویا سابقه خودشان و مطالب مربوط به خود را فراموش کرده اند که اینگونه سخن میگویند.من واقعا متاسفم آقایانی که دم از آزادی اندیشه می زنند و نظام را کشتار ملت جنوبی خود!!!متهم میکنند اینگونه به سیاق پرونده سازی و تحریک به پاسخ گویی می پردازند.گویی این مدعیان امام علی از خودشان و مصاحبه هایشان و جلساتشان فراموش کرده اند.اصلا اگر پورپیرار در شب شهادت امام علی !!! هر کاری کرده باشد این برای هخامنشیان و تخت جمشید کاخ میشود؟ستونی برای آپادانا برپا میکند یا سرپناهی برای چنگیز خان ایجاد می کند.باری اگر همین مدعیان آزادی اندیشه بر امورات فرهنگی مسلط شوند نه تنها برای اندیشه آزادی متصورند بلکه بسیار ددمنشانه تر از دژخیمان قرون وسطی شمشیر بر گردن مخالف مینهند.من تنها یک تفاوت میان اینان با کشتارکنندگان قرون وسطی میبینم آنهم اینکه این آقایان قبل از اعدام متهمشان ادکلن میزنندو گره کراواتشان را سفت میکنند.آقای رف رف ژست امام علی دوستی شما مرا به خنده واداشت.این اطوارها برای کسانی که شما را می شناسند واقعا باور نکردنی است.

نویسنده: اترش

دوشنبه 23 شهریور1388 ساعت: 22:53

سلام بر همگی

این هم مطلبی خواندنی پیرامون روزه و کفاره
http://www.bazkhani.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: سایه

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 7:33

((باتوجه به مطرح نبودن" خلاقیت" درخوشنویسی وقالی بافی،که رکن اصلی هنراست))
با سلام
جناب محمدی می توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید که از چه نظر این هنرها دارای خلاقیت نمی باشند؟!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 8:14

آقای محمدی. جدا کردن بخشی از کردارهای آدمی و نام گذاری هنر بر آن ها، چون نقاشی و پیکرتراشی و خطاطی و قالی بافی و نوازندگی و غیره، دکان تازه گشوده ای است که چون ماجرای بوکس و فوتبال و مد پرستی و نیاز به آرایش، اینک مستمر و مهم ترین منبع درآمد یهودیان شده است. در ماهیت امر هرکسی هر کاری را با اسلوب مورد نیاز آن انجام دهد، با تعبیر موجود هنرمند است. چه آن کس که غذایی مناسب آماده می کند، بلوز می بافد، معبری را تمیز می کند، گله ای می چراند و یا کودکی را درس می دهد. زیرا طبیعت تمام اعمال روزمره و درست آدمی، با تعبیر موجود، محصول تمرکز استادانه و هنرمندانه بر آن است و اگر کسانی تلذذ سمعی و بصری را در مواجهه با آثار اصطلاحا هنری عمده کنند، کافی است توجه دهید که حاصل خوردن یک غذای خوب نیز کسب لذتی وسیع در ذائقه است. بی شک فقدان سه واژه ی عشق و هنر و زیبایی در قرآن عمیق، یعنی ابزارهای عبث ترین تعلقات و دل بستگی های کنونی را، نمی توان حاصل نسیان الهی دانست.

نویسنده: علی رضا

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 10:45

آقای علی از مالزی
1- در این که قرآن منافی کتابهای آسمانی نیست و بلکه خود در تایید و ادامه آنها آمده است هیچ شکی نیست و آیاتی را که شما به آنها اشاره کرده اید مبین همین مطلب است.
2- اما بعد از نزول قرآن به جهت کاملتر بودن قرآن نسبت به کتابهای قبلی خداوند فقط قرآن را قابل قبول میداند به مفهوم دو آیه زیر توجه کنید:

- هوالذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. سوره توبه آیه 33

- ان الدین عندالله الاسلام و مختلف الذین اوتوالکتاب الا من بعد ما جا, هم العلم بغیا بینهم و من یکفر بایات الله فان الله سرع الحساب. سوره ال عمران آیه 19

و خداوند متعال بعد از نزول قرآن به علت آینکه اهل کتاب آن را نمی پذیرند در این آیه آنها را مورد لعن و نفرین قرار میده:

- و لما جا, هم کتاب من عندالله مصدق لما معهم و کانو من قبل یستفتحون علی الذین کفروا فلما جا, هم ما عرفوا کفروا به فلعنه" الله علی الکافرین. سوره بقره 89

3- ضمنا من متوجه نشده ام که شما با این همه کامنت که مینویسید بالاخره با دیدگاههای جناب آقای پورپیرار موافقید یا مخالف؟ به نظر من کسی که نظرات ایشان و اهمیت آنها را درک کرده باشد هیچوقت به خود اجازه نمیدهد با لحن شما با ایشان صحبت کند هرچند ایراد و انتقادی داشته باشد.

نویسنده: توحید

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 12:7

سلام

ابراز نظر آقای رفرف :

" تفکیک سنت و مدرنیته به شیوه پورپیراري منجر به آن میشود که شپش از سر و صورت ما بالا رود و دچار عفونتهاي متعدد عضوي بشویم، و در صورت حمله قلبي مجبور به استفاده از ورد و جادو و جنبل بشویم، زیرا گویا استفاده از پنیسیلین و سي‌سي‌یو و سایر شیوه‌هاي مداواي بیماریها که عمدتا از غرب نشأت گرفته‌اند، با ورود انواع مدرنیته‌هاي دروغین غربي همراه است. "
....

مثل اینکه ایشان مفهوم " بهداشت " را با مفهوم " درمان " یکی می دانند ، مثلا شاید از نظر ایشان تا قبل از ورود مدرنیته مردم جهان از جمله مسلمین در بین شپشها زندگی می کرده اند و بقول خودشان شپش ها از سر و کول آنها بالا می رفته ، مثل اینکه فراموش کرده اند که این غرب بود که تا 500 سال پیش حمام کردن بلد نبوده اند و از مسلمین آموخته اند ، هر چند هنوز هم گوشه هایی از آن دوران جهل قرون وسطایی شان باقی مانده و هنوز هم که هنوز است پس از قضای حاجت از دستمال کاغذی استفاده می کنند و یا پس از استفاده از مایع دست شویی ، بجای شستن با آب با دستمال اینکار را می کنند .

یکی نیست به ایشان بگه ، آیا تصور کرده که تا 500 سال پیش بعلت نبود CCU و ICU و ... مردم گروه ، گروه بخاطر بیماریهای قلبی کشته می شدند و اصلا نسل بشر بخاطر نبود این امکانات در حال منقرض شدن بوده !!! ایشان تا این اندازه از بنیان ها فاصله دارند که نمی دانند همین « بیماری قلبی » که امروزه تقریبا همه گیر شده و بالا ترین علت مرگ و میر است ، سوقات همین « مدرنیته » است و Ccu و ... هم از ملزومات این عصر و الا تا قبل از مدرنیته اصلا نیازی به CCU نبوده . یا نمی دانند که عامل بیماریهای قلبی در همان پیتزا و هات داگ و سس گوجه و سوسیس سرخ کرده و روغن هیدروژنه و سیگار و اضطراب و سر و صدای این غار غارک ها و پشت میز نشینی و با تلفن خوش و بش کردن و ... است که باز هم همه سوقات مدرنیته است .

نویسنده: توحید

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 12:10

ایشان نمی داند که به وسیله همین ابزار مدرن « بیماریهای مصنوعی » مانند " ایدز " و دهها نمونه دیگر و شاید همین " آنفول آنزای خوکی " و ... تولید می کنند و رواج می دهند برای پر کردن جیب عده ای سرمایه دار بی وژدان که به چیزی جز پر کردن جیب خود فکر نمی کنند ، حتی با کثیف ترین روش ها . و یا با تحریک لایه اوزون در هر نقطه جهان بخواهند زلزله مصنوعی ایجاد می کنند .

گویا فراموش می کنند که همین مدرنیته در 50 سال اخیر بلایی بر سر سیستم اکولوژیک کره زمین آورده که تمام تخریبهای 10000 سال گذشته انسان چنین اثری را نداشته و دیر نیست تا 50 سال آینده شهر خود را بخاطر آب شدن یخهای قطبی احتمالا زیر آب رفته ببینند و البته هیچ وقت ابعاد واقعی این فاجعه را برای افکار عمومی روشن نمی کنند و تنها گاه بگاه گوشه های کوچکی از ابعاد فاجعه را می نمایانند و هستند کسانی که در راه افشای عمق این فاجعه جان خود را از دست داده اند !!!

حقیقتا بیایید ابعاد منفی و مثبت « مدرنیته » را در کفه ترازو بگذاریم تا ببینیم ما از این مدرنیته سود برده ایم و یا ضرر کرده ایم ؟ بگذریم که اگر سودی هم داشته باشد همه نصیب آن طرفیها شده و نسیب ما چیزی جز عوارض و زیانهای آن نبوده ، « خسران » به تمام معنا .

بگزریم که یکی از هزاران را هم نگفتم اما این جمله استاد به شدت بر فراز این موضوع می درخشد که :

....

" مورخ در حواشی این بررسی ها، به ویژه در ورود به تاریخ معاصر جهان، یعنی دوران پس از عبور آدمی از مانع اوقیانوس ها، که شناخت جغرافیای عالم، آشنایی با اقالیم و ملل دیگر و گسترش ارتباطات میسر شد و نیز در برداشت عام از مجموعه تلاطم های دائما فزاینده ای که از آغاز آن دوران بروز کرده است و می کند، خود را با پیچیدگی هایی مواجه می بیند که منطقا و بی توجه به چین و چروک نمایان در بینی پر باد بی مایگان روشن فکر نما، که هنوز جز اعلام نام خویش صاحب دکه ی زیر پله ای هم در بازار بزرگ اندیشه ورزی آدمی نبوده اند، به نفی و رد و حتی طرد مطلق آن روندی می انجامد که اینک مدرنیسم و تمدن غرب شناسایی می کنیم. "
««« رد و نفی و حتی طرد مطلق مدرنیسم »»»

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 13:10

با سلام به استاد گرامی
منتظر الزیدی - جوان عراقی که با لنگه کفش به بوش حمله کرد - آزاد شد.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 13:46

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

با توجه به اشارات صحیحی که به راهکارهای کنیسه و کلیسا در جلوگیری از رشد جهشی اسلام(آنهم بطور صلح آمیز) در جهان داشتید به نظر می رسد که این سناریو با تشکیل دو کشور ایران و عثمانی به عنوان پشت جبهه ای طولانی آغاز شده سپس تا محدوده هندوستان امتداد یافته و در دوران اخیر با رویکرد مصنوعی و هدایت شده به آفریقا ختم خواهد شد تا حلقه کاملی بر مناطقی که اسلام از آن برخاسته کشیده شود!

توجه جدیدی که به سیاهان در آمریکا میشود (از ساخت فیلمهایی که قهرمانان آن سیاهپوست هستند تا روی کار آمدن مسئولین سیاهپوست در این کشور) دلیلی بر این مدعاست.

از طرفی با نگاهی به گذشته در تاریخ 300 سال پیش کشور مشاهده می شود که تمام حکام صفوی و قاجار اصرار عجیبی در حفاظت از منافع غربیها داشته اند به گونه ای که این موضوع حتی در کتب درسی قبل و بعد از انقلاب مورد نقد شدید قرار گرفته است. می توان حدس زد که نظیر این سناریو در عثمانی نیز رخداده باشد.

علاوه بر تلاش در جهت محاصره مناطقی که محل طلوع اسلام بوده اند دائما و همزمان سعی در ایجاد ناامنی با تمام وسایل ممکن (اقتصادی-نظامی-سیاسی و مذهبی) در این مناطق صورت گرفته و میگیرد.

موارد فوق با دلایل و انگیزه های جعل تاریخ خاورمیانه که توسط شما افشا گردید تطبیق پیدا می کند. امیدوارم بعضی از

دوستان قبل از دخول به بحث و جدل های مختلف حول مسائل حاشیه ای در مورد این سناریوها -که در فوق به صورت موجز به آن اشاره شد- مطالعه نمایند.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ممومان

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 17:28

سلام آقای توحید
خون انسان حقیقت طلب از خواندن یا شنیدن مطالب تحمیق کننده به جوش می آید. این بار هم دلقکی به نام رفرف، که از بردن نامش هم نفرت دارم و پس از دیدن واکنشهای فوق احمقانه اش به جریان «حق و صبر» مدتهاست که دیگر به وبلاگ او سر نمی زنم و تنها از طریق نقل قولهای دوستانی مثل شما از شیرین کاری هایش مستفیض می شوم، گویا در برابر بحث سنت و مدرنیسم شاهکار جدیدی بیرون داده است، آنطور که نقل کرده اید.
اگر دوباره به وبلاگ ایشان سر زدید لطفا بنویسید که استاد پورپیراری که امروز بحث سنت و مدرنیسم را پیش کشیده همان کسی است که گفته بود اگر پوریم «سنت» تمدنهای بومی خاورمیانه را قیچی نمی کرد، تاریخ بشر در تمام زمینه ها از جمله در علم و تکنولوژی لااقل هزار سال جلو می افتاد. البته، این سخنی نیست که هرکسی توان جذب آن را داشته باشد!
بگذارید در مورد وابستگی «موقت» امروزین ما به علم و تکنولوژی غرب، با اجازه استاد، حرف آخر را زده باشم: گذشته از ماهیت ناقص و مخرب آن که فقط بخش ماتریالیستی حقایق را می بیند و بقیه را با وقاحت تمام «سانسور» می کند، و در نتیجه با دادن چراغ سبز به منفعت طلبی مشرکین، محیط زیست را تبدیل به زباله دانی و جامعه ی بشری را متشنج و فلج کرده است، ملتهای ستمدیده ی جهان کوچکترین دینی حتی در قبال جنبه های مثبت آن به غرب ندارند. زیرا این کمترین خدمتی است که جنایتکاران در جبران اعمال گذشته ی خود «باید» انجام می دادند. به یاد آورید که قرآن صالحان را وارثان نهایی تمام ثروتها و پیشرفتها معرفی می کند.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 18:31

با سلام
هر چیز مثبت و منطقی که باعث رشد و تعالی و پیشرفت انسان می شود خود به خود به سنت تبدیل شده و درکنار دیگر اجزای خانواده سنت قرار میگیرد!سنت که یک دفعه از آسمان نیفتاده است!!افتاده است؟!!
به نظر من در بحث سنت و مدرن باید تعادل را حفظ کرد نه اینکه یکی را به زمین کوبید و آن دیگری را تا آسمان هفتم بالا برد!در هر زمانی هر اتفاقی نسبت به زمان گذشته خود مدرن است و اگر خوب بود سنت می شود.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 24 شهریور1388 ساعت: 22:30

آقای ممومان. من در مقدمه ی نخستین کتاب از این مجموعه، یعنی کتاب هخامنشیان و در اولین سطور آن یادآوری کردم که حاصل این تحقیقات نمی تواند دست آویز کسانی شود که با "پان" خود سرگرم اند. ابلهانی در میان این بررسی ها فقط به دنبال غنائم قومی خود بودند، چیزی از آموزه های بنیان اندیشانه ی آن نفهمیدند و حالا با نهایت ذلت مشغول پرداختن تاوان آنند.

آقای سایه. حساب کسب و کار بی آزار از حساب کسانی جداست که کارتل می آفرینند.

آقای توحید. مشکل ضعف در لغت ترک از راه جبر حل نشد، حالا امتحان می کنند شاید از راه تکفیر مذهبی حل شود!!! یکی از تعاریف فلاکت فرهنگی همین است.

آقای ایلماز. در جهانی که رشد و تعالی به تعداد اقوام ساکن آن معنای مختلف دارد، تدارکات غرب به عنوان مرکز صادرات رشد با روش های آشنای عراقی و افغانی اعمال پلیدی موحشی است.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 25 شهریور1388 ساعت: 5:11

آقای ممومان علیک سلام ،
با تشکر از صبر و حوصله همه دوستان ، فکر می کنم نکته ای که نباید مغفول بماند و آقای ایلماز هم اشاره کرده اند ، این است که اینجا بحث بر سر نقد « مدرنیسم » است ، نه « مدرنیته » و مدرن شدن ، چرا که مدرن شدن ماهیتا چیز مضر و

غیر طبیعی ای نیست و یک پروسه طبیعی در سیر تاریخ بشر است ، مثلا اختراع رایانه و یا اتومبیل و ... یک نیاز و تحول طبیعی است و بر فرض اگر الان اتفاق نمی افتاد ، در آینده توسط مسلمین یا سرخ پوستان و یا مردم تبت و ... که ما آنها را عقب افتاده می دانیم صورت می گرفته است ، و هر چند نباید از آثار مخرب « پوریم » نیز چشم پوشی کرد .
همانطور که استاد در آن جمله بیان داشته ، موضوع نفی و رد و حتی طرد «« روند »» مدرنیزاسیون است ، نه پدیده مدرنیته ، یعنی بحث بر سر نقد روند و فراگیری مدرنیزاسیون است و نقد ماهیت نیرو و مدیریت توطئه گرانه پشت پرده گسترش مدرنیته در جهان است که توسط کنیسه و کلیسا راهبری می شود . مثلا ما شاهدیم که چگونه این مدیریت غلط و سود جو و حریصانه به استخراج دیوانه وار منابع زمین و تخریب جدی کره زمین مشغول است ، بطوری که مثلا پیش بینی می شود تا 50 سال آینده کلیه یخ های قطب جنوب ذوب شود . در حالی که این روند به هیچ وجه مورد تایید قرآن کریم نیست ، آنجا که خداوند اشاره می کند که روز را برای کار و فعالیت و شب را برای « استراحت » و « آرامش » انسان قرار داده است ، در حالی که ما شاهدیم کارخانه های غول آسای غربی شبانه روز مشغول کار و فعالیت و تولید هستند و در واقع یک نوع دهن کجی و لجاجت با این آیه شریف قرآن دارند .

نویسنده: محمد كريمي

چهارشنبه 25 شهریور1388 ساعت: 8:21

سلام
آيا رمز گشايي خط مصري واقعيت دارد.

نویسنده: رعد

چهارشنبه 25 شهریور1388 ساعت: 10:12

سلام اقای پیرار , از قبل از رای گیری وبعد ان تا به امروز , همه به گمانم دچار هیستری اطلاعات و تناقض محض هستند شاید به نوعی شما را هم در بر بگیرد . در صورت مسئله هیچ تغییری حاصل نیست فقط مگر ممکن است که ان سنت دوست قدرتمند را ان روان پریش پنتاگونی یا ان بورژوای فرانسوی در افغانستان وبتنام تجهیز نکرده باشد ؟؟! وگرنه ان یکی داس بدست نمیتوانست ان مقاومت جانانه واین یکی چوب بدست مشغول گله داری پدری بود . وطن ما هم همیشه در مقابل دنیای مدرن مقاومت کرده , از صد سال پیش که بدستور مستقیم کنیسه وکلیسا بعد از ازمودن افراد مختلف , انها قدرت رادر این 30 ساله به روحانیت سپردند و ورژن های مختلف اسلام را در دنیا ازمودند , 10سال , اموزش در پاکستان , ثمری جز این خواهد داشت ؟ این روز ها هم که شاهد , کل کل کردن مهتران قوم با کینه و عداوتی که در خور سرمستان باده قدرت است به مشام میاید . ایا صهیونیسم چهره خود را اندکی ارایش کرده تا ما را گول بزند ؟و ایا مگر سنت بیماری مخملک و ابله مرغان است که مخفی بماند ؟ نه انها که این همه واکسن ساخته اند برای ان هم دارو دارند و ان : ارام ارام تسلیم شدن در مقابل مدرنیسم است .

نویسنده: مووماں

چهارشنبه 25 شهریور1388 ساعت: 10:45

آقای توحید. یادداشت قبلی مرا با دقت مرور کنید تا متوجه شوید که من نیز روند مدرنیزاسیون را هدف قرار داده ام. در عین حال که مانند شما علم و تکنولوژی امروز را آلوده و مخرب یافته ام، اما نه تنها دستاوردهای مثبت آن را طرد نکرده ام، بلکه آنها را کمترین غرامتی دانسته ام که غرب «موظف» است بر مبنای سنت و تقدیر الهی، در قبال جنایتهای تاریخی خود به ملتهای ستمدیده بپردازد.

اما نکته ای دیگر: لطفا در مورد آیات قرآن ساده لوحانه قضاوت نکنید. اگر خداوند از استراحت و آرامش شبانه به عنوان یک نشانه یاد کرده، دلیل بر این نیست که تلاشها و فرایندهای صنعتی را به خاطر آن ممنوع بدانیم. در طبیعت و نیز در صنعت فرایندهای پیوسته ای وجود دارند که باید برقرار بمانند. آیا یک رودخانه شبها متوقف می شود و صبحها حرکت را از سر می گیرد؟!!
1. فرایندهای پالایش نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع شیشه، سیمان، آلومینیوم، فولاد و دهها نمونهٔ دیگر فرایندهایی هستند که توقف و راه اندازی مجدد آنها از چند روز تا حتی چند ماه طول می کشد. مثلا اگر برق یک پالایشگاه فقط یک چشمک بزند، حداقل بیست روز باید بخوابد تا آسیب آن ترمیم شود. آنوقت شما انتظار دارید که این کارخانه ها شبها کرکره را پایین بکشند و صبح دوباره شروع کنند؟!!!
2. همین «استراحت شبانهٔ» مردم نیاز به نگهداری و مراقبت مستمر خدماتی یعنی برق، آب، گاز، تلفن، فاضلاب و غیره دارد. آیا میخواهید تمام اینها در نیمه شب تعطیل باشند؟!!
3. آن زمان که یک نیمه از کره زمین به خواب شبانه می رود، نیمه ی دیگر در تلاش روزانه است. و مناطق مجاور نیز با یکدیگر اختلاف ساعت دارند. آیا می خواهید به خاطر استراحت شبانه تمام خطوط مخابراتی، ترابری و انتقال سیالات مسدود شوند؟!!
4. و در نهایت به یاد داشته باشید که حتی در توصیف بهشت هم، خداوند بسیاری از نعمتهای آن را پیوسته می داند که

خود نشانه ایست بر افزایش هوشیاری بشر تا حدی که شاید بر ناهوشیاری خواب شبانه نیز غلبه یابد: باغهایی که در زیر آنها نهرها پیوسته جریان دارند، سایه های دائم، میوه های همواره در دسترس و غیره.

نویسنده: ماه به خون نشسته

چهارشنبه 25 شهریور1388 ساعت: 15:28

سلام
من فرصت کردم و کتاب استر را خوندم. در اون نوشته بود دشمنان یهودیان قتل عام شدند به عنوان مثال نوشته بود در شهر شوش 500 نفر کشته شدند ولی ننوشته بود که همه ی مردم ایران کشتار شدند.

وب سایت



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 227

ایران شناسی بدون دروغ 227، نتیجه 35، حقه بازی ها در هند، 4 - 27 نظر

نویسنده: کوی اوغلو (آتاتوت بای بک) آراز

پنجشنبه 26 شهریور1388 ساعت: 9:20

تبریزین توت دیلینده : کویوشون تورآتانی یای پاقی تبییز اوشاخلایینین اللیینن هچ اولدی. بو یای پاق توت لیین اسکی تورآتانی دی. این شاللا اییام یف یف اوستانین کومح لینن پوی پی یایی نقد ائدجئییک.

فای سی : وبلاگ کورش توسط بچه های تبریز هک شد. این وبلاگ از زمان قدیمی و از زمان سومرها مانده است. ان شا الله به کمک ابراهیم یف یف پورپیرایی نقد می کنیم.

وب سایت

نویسنده: آمون

پنجشنبه 26 شهریور1388 ساعت: 6:37

آمون به روز شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: کوی اوغلو (آتاتوت بای بک) آیاز

جمعه 27 شهریور1388 ساعت: 2:2

اییام بی یویول ما. او دلگک جده نین جامنتی نایبا توی آتانین هایاسیندا ؟!! ده من ددسین یاندیییم.

فایس یوس ایمنی بوتون توتلیین دوشمنی. باکی تبییز آنکایا ، فایسلای هایا بیز هایا.

وب سایت

نویسنده: ی

جمعه 27 شهریور1388 ساعت: 20:12

پاسخی به وبلاگ دیدگاه

اولا جناب اوووشار بنیان اندیشی نه بنیاد اندیشی ! اگر دیدی اش حتما مورد لطف ات قرار ده . جناب، دلقک و دلقک کوکی کسانی اند که به خاطر امور دنیوی مفهوم مقالات را تغییر می دهند !

سال هاست که وبلاگ های نژاد آریایی و صندوق چه ی نقد در حال تمسخر پارسیان اند. در این مدت حتی از این بوزینگان طویله ناریا 2 نیز ، فردی هم چون طرف جدیدمان بر افروخته مشاهده نکرده بودم ! مبارک باشد. واقعا هزار رحمت به آن شیعه دوازده امام آنوسی !

جناب ، نخست نوشته را خاله زنکی و سپس مستهجنی اعلام کرده اند. در آن کامنت هیچ گونه عبارتی مستهجنی وجود ندارد. من از کسی که مدعی است این کامنت (پنجشنبه 26 شهریور1388 ساعت: 9:20) مستهجنی است می خواهم موارد را هم ذکر کنند. این شگردها مدت هاست که قدیمی شده است.

وب سایت

نویسنده: رضا

جمعه 27 شهریور1388 ساعت: 22:55

جناب مهران حقیقت و دیگر عزیزان همانگونه که قبلا خدمتتان عرض کرده بودم ما توانستیم پس از مدتها مجوز یک نشریه دانشجویی را بگیریم که به امید خدا می خواهیم یک ویژه نامه در خصوص آثار استاد در ابتدای سال تحصیلی منتشر

کنیم.متاسفانه انتشار قبلی این نشریه به خاطر مشکلات مالی و درسی به تاخیر افتاد که امیدوارم در اول مهر جبران کنیم.لطفا اگر ممکن است ایمیلهای رد وبدل شده توسط شما با آقای بوشارلا و دیگر باستان شناسان را به ادرس ایمیلم بفرستید تا به عنوان سندی در رذالت آنها منتشر شود.پیشاپیش از شما ممنونم.لطفا پس از ارسال اطلاع دهید تا آنها را بردارم و عنوان ایمیل را هم بخش باستان شناسی بگزارید.خیلی ممنون
siahsepid_rs2000@yahoo.com

نویسنده: دانشجوي مسلمان

شنبه 28 شهریور1388 ساعت: 6:36

با سلام خدمت استاد و دیگران
استاد ایا امسال از نمایشگاه بين المللي قرآن در مصلا ديدن فرموديد؟
آيا امسال در راهپيماي روز قدس شركت كرديد؟

نویسنده: سعید

شنبه 28 شهریور1388 ساعت: 9:8

با سلام خدمت استاد دوستان
جنا کوی اوغلو اینجا محلی برای تمسخر زبان و گویش نیست و با اهداف بنیان اندیشی بسیار متفاوت لطفا برای بد خواهان بهانه تراشی نکنید

کدام یک از دوستان کلیپ مربوط به پوریم را از شبکه یک ساعت حدود ساعت2:40روز پنجشنبه دیده است
در این کلیپ کوتاه حدودا 5 دقیقه ای در مورد جشن پوریم یهودیان و ارتباط خشایار شاه و همسر وی در رخداد این جریان و کتاب استر تورات صحبت شد
و ارتباط مقبره مردخای در همدان و بهانه ایرانی کشی مجدد یهودیان نیز مطرح شد
به نظر میرسید این کلیپ که در انتها با عبارت «فردا روز قدس» است به پایان رسید
جنبه تبلیغی برای جذب مردم به تظاهرات روز قدس را داشت
به نظر میرسید در آن روز به دلیل تبلیغات مجددا تکرار گردد
موفق باشید

نویسنده: سعید

شنبه 28 شهریور1388 ساعت: 10:32

با سلام

به گزارش ايرنا عبدالله شهبازي كه طي چند سال گذشته و به رغم داشتن سابقه عضويت در حزب توده به عنوان مورخ ضد آمريكايي در كشورمان شهرت يافته بود، در پي انتشار، تكثير و توزيع مطلبي 1461 صفحه اي با عنوان "زمين و انباشت ثروت، تكوين اليگارشي جديد در ايران" كه طي آن تعدادي از چهره هاي صاحب نام در استان فارس را متهم كرده بود، به علت عجز در اثبات ادعاهاي خود در مراجع ذيصلاح قضايي محكوم شد.

http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=688020

نویسنده: اترش

شنبه 28 شهریور1388 ساعت: 11:54

روز قدس هم اومد و رفت و فلسطین آزاد نشد هیچی، سیستم بلاگفا هم به بند کشیده شد.
مثل اینکه از این به بعد، بعد از راهپیمایی تو خیابون باید یه راهپیمایی اینترنتی هم راه بندازیم تا وب لاگ هامون رو آزاد کنن، هرچن این راهپیمایی هم مثل اون راهپیمایی بی تاثیره و «سران» همچنان کار خودشونو می کنن.

وب سایت

نویسنده: اترش

یکشنبه 29 شهریور1388 ساعت: 10:27

عید الفطر مبارك

Happy 'Eid al-Fitr



وب سایت

نویسنده: م . ستاره

یکشنبه 29 شهریور1388 ساعت: 10:42

سلام

لحظه ی تولد هلال ماه شوال در ساعت 10 و پانزده دقیقه ی جمعه بوده است و در وقت غروب ، بیش از یک درصد ماه قابل رویت بود .

عید سعید فطر را به همه ی دوستان و مومنان تبریک می گویم و ان شاء الله که طاعات همگی مقبول درگاه احدیت باشد .
با عرض شرمندگی ، اگر بلاگفا اجازه می داد ، این کامنت در زمان مناسب ارسال می شد !

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 30 شهریور1388 ساعت: 2:7

نوروز عید فطر بر مسلمانان عالم تهنیت باد.

آقای اترش. مشکل از حجم ورودی به بلاگفا و عدم تحمل سرور است.

آقای سعید. معلوم نیست خوش خدمتان دیروزی با کدام محاسبه حالا شاخ و شانه می کشند و به دنبال درگاه تازه ای برای بوسیدن می گردند. احتمالا بوی کباب شنیده اند و باقی قضایا. ضمنا چون به اقوالی اصلا زبان ترکی نمی دانم منظور ارسال کننده ی آن پیام را نفهمیدم. آن ماجرای اشاره به پوریم در تلویزیون هم صحیح است. نشانه های دیگری هم دیده می شود.

آقای دانشجوی مسلمان. به علت فیزیکی در راه پیمایی نبودم و از نمایشگاه قرآن هم پشیمان بیرون آمدم.

آقای رضا. موفق باشید. اولا ورود به سیستم بلاگفا در چند روز اخیر بسیار دشوار بوده است. در ثانی این ای میل ها را آقای حسین محمدی هم دارد که حالا در مسافرت اند و موبایل شان جواب نمی دهد و بالاخره این که متن این ای میل ها در کامنت های چند ماه پیش یافت می شود و در یادداشت 221 اشاره ای به آن آمده است. به گمانم نصب تمام یادداشت 221 یا یادداشت 79 با افزودن مقدمه ای در نشریه تاثیر گذار خواهد بود.

آقای صمیمی. کل آن قمپزها به دو قران نمی ارزد و مجموعه ی آن تالیفات بهای دانه ی ارزنی را ندارد. در واویلای فعلی هر نوشته ای را که به بوق می فرستند از گوشه ای به کار اورشلیم می آید. قبلا هم اشاره داشتم باید به دنبال مطالبی دوید که اجازه ی انتشار نمی گیرد. کل ماجرا یک خالی بندی بسیار روحوضی بود.

نویسنده: عادل

دوشنبه 30 شهریور1388 ساعت: 8:34

با سلام و تشکر از مطلب بسیار پر محتواو قویتان
سئوالی داشتم در خصوص ماههای قمری
آیا می توان صد در صد گفت که ما در ماه شوال هستیم منظور این است آیا مبنای ماههای قمری روشن هست شروع ماههای قمری از چه زمانی است .شاید مثلا امروز اول یا دوم ماه ربیع الاول , ذیحجه و یا هر ماه دیگری باشد.

نویسنده: اترش

دوشنبه 30 شهریور1388 ساعت: 9:58

سلام

آقای رضا، دو ایمیل که حاوی مطالب خواسته شده بود برایتان ارسال کردم. خوشحال می شوم من را درجریان امور قرار بدهید و اگر کمکی از دستم برآمد انجام بدهم.
امیدوارم برای مهران هم مشکلی پیش نیامده باشد، به دو سه ایمیل آخری من هم جوابی نداده.

وب سایت

نویسنده: گونای تبریزی

سه شنبه 31 شهریور1388 ساعت: 7:9

این را خوب می دانم که پاسخ های محققانه به نوشته های پورپیرار از طرف ترکان ایران آنچنان که باید داده نشده است و این گلایه ای است که به خصوص نسبت به خارج نشینان دارم که علی رغم دسترسی به منابع بیشتر و فرصت و فراغ بال فزونتر متاسفانه به بیماری تکرار مکررات مبتلا شده اند و اگر خود مطلب جدیدی ارائه نمی دهند حداقل از فرصت نقد مطالب جدید دیگران استفاده کنند.
اما همه ی اینها برای آنهایی است که اهل کار باشند ، نه لاف...

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 31 شهریور1388 ساعت: 7:37

آقای رشید. چندین بار به آدرسی که نوشته اید، ارسال شده، اما مشغول پخش کارتن کودکانه ی شکوه تخت جمشیدند. جهودها همه جا هستند.

آقای بی نام. مرتبا جویای احوال پرسی ام. احتمالا استاد غفوری سری به شهر شما بزنند. حامل سلام اند. لطفا بیش از گذشته دوستان را شرمنده نکنید.

آقای گونای تبریزی. ترک ها اعم از داخل و یا خارج نشین متاسفانه مهره ای که در حد ورود به این مطالب بنیانی باشد، معرفی نکرده اند. همه و از جمله خود شما فقط همان لاف مکرر را زده اید، حتی از درک اصل مطلب و مدخل نیز عاجزید و بر سبیل گمان چیزهایی بی ربط و یخ کرده چون گروه زبان های التصاقی و اشباحی تاریخی مانند کول تکین و بیلگه خاقان و غیره به هم می بافید. به این نوشته ی خود دقیق شوید:
«پورپیرار می گوید: "خط عرب تا همین اواخر استعداد کتاب نویسی نداشته است". اما درست در مقاله ی بعدی خود زبان ترکی را وام دار لغت عرب می شمارد».
اگر هنوز تفاوت خط و لغت را نمی دانید، چرا وقیحانه به دنیای بنیان اندیشان آن هم در سیمای منتقد وارد می شوید؟ به تر آن که پیش از اعلام حضور چندی به کار کفش داری این گروه مشغول باشید تا شاید از میان زمزمه های مجالس شان چیزی بیاموزید. برای آشنا شدن با جایگاه نازل روشن فکری سیاست زده ی ترکان، اعم از آذری یا اسلامبولی، که هنوز به الفهرست تازه تدوین شده ی فواد سزگین چسبیده اند، کافی است با این کلمات یک به اصطلاح منتقد دیگر ترک به نام بیلگه آشنای تان کنم:
«مصر عرب شد و فارسی هم همان طور که همه میدانند مخلوطی است عربی اما تورکها هنوز هم تورکی صحبت میکنند»!!!!
می بینید که در عرصه نادانی تواناتر از شما هم یافت می شود، که بدون فهم مدخل به منبر می رود.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 31 شهریور1388 ساعت: 9:33

با سلام به برادر گرامی استاد پورپیرار
عید سعید فطر بر شما و دوستان مبارک باد.

مدتیست که - با استفاده از مانیفست عظیمی که مطرح نمودید - در حال بازبینی مطالعات خود در باره تاریخ جهان هستم و به هر گوشه ای سرک می کشم. باید اذعان کرد که نکات طرح شده در مانیفست شما ابهام را از آنچه تاکنون به نام تاریخ جهان می شناسیم بر می چیند.

در ادامه بررسی هایی که در مورد تاریخ شهر بهبهان داشتم - و قبلا هم مطلب موجزی در باره آن نوشته بودم- به نکته جالب دیگری برخوردم. در حومه شهر بهبهان مقبره ای با نام بشیر و نظیر قرار دارد که اهالی شهر در روزهای شنبه به زیارت آن می روند!!!. وقتی سبب را جویا شدم علت را نمی دانستند و می گفتند که تنها یک سنت را بجا می آورند.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 31 شهریور1388 ساعت: 12:26

آقای کاظم. آن دومی مال کس دیگری است که در آن میان جا گذارده است. امانت داری حکم می کند که به صاحب اش برگردانید. هرچند مجبورید به علت مراجعات و مشتریان فراوان جست و جوی وسیعی را انجام دهید.

آقای سنجری. شماره ای که اعلام کرده اید درست نیست و احتمالا اشتباهی رخ داده است. از قبیل آن بشیر و نذیر تقریبا در تمام شهرهای ایران پیدا می شود و اضافه کنید شنبه بازارها را که به خصوص در حوزه ی شمال و جنوب کشور کاملا عادی است.

نویسنده: کوی اوغلو (آتاتوت بای بک) آراز

سه شنبه 31 شهریور1388 ساعت: 17:12

بی یئنی دوشونجه

«فایسی شکی است تویکی هنی است. ast tüyki hünəy ast faysi şəkəy»

این شاللاح اوستا ایبیش یف یف بی، منی پایدیم ائله سین و تان یی توت لیی گویوسون.

وب سایت

نویسنده: آیدین

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 0:28

با سلام خدمت استاد گرانقدر
مطلبي درباره قلعه رودخان در فومن يافتم كه به گمانم درباره تاريخ دوره مجعول و مجهول سلجوقيان مفيد باشد. البته اگر بررسي نكرده باشيد!
با تشكر
لينك مطلب (با عرض معذرت مطلب از يك منبع رسمي نبوده و دست نوشته‌ي وب لاگي مي‌باشد) :
http://zadgahamiran.blogfa.com/post-148.aspx

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 10:27

با سلام خدمت استاد و دوستان و آرزوی قبولی طاعات

آقای رضا ایمیل آقای بوشارلو برای شما ارسال شد.

موفق باشید.

نویسنده: حسن.ک

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 11:29

با سلام.اگراشتباه نکنم حضوروظهور صفویه وعثمانی مقارن تسلط کلیسا بر اندلس مسلمان می باشد.واگر این توافق تاریخی صحیح باشد باید این حضور دارای اهمیتی بقدر آن استیلا باشد تا اثراتی را محو ونابود نماید.

نویسنده: R134

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 14:41

طبق اخبار bbc قراره در تاريخ پادشاهان در مدارس ايران تجديد نظر كلي و يا حتي به تدريج حذف انجام بشه

نویسنده: بجانی

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 15:20

با سلام - خسته نباشید - سوای از همه تعارفات یک تناقض را حل بفرمایید در خصوص تمجید زیبایی های محسوس اعم از بناهای هنری آخشاردام یا سایر معماری های اصیل و زیبا حتی در بین النهرین قدیم - و تصریح به اینکه در قرآن عشق و هنر نیامده و زیبایی بدان معنایی که امروزه ما اراده می کنیم نیامده - فکر می کنم در چنین صورتی این اشکالات کوچک نیز مرتفع شده و انگشت بینان حتی در سطح پوسته هم اندکی نفوذی نخواهند داشت تا بر شما خرده گیرند . با احترام - بجانی

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 15:35

آماده سازی سومین مستند در اثبات نادرستی های تاریخ ایران و منطقه با بن بست بودجه مواجه است. هریک از دوستان به قدر توان و مسلما در صورت امکان سخاوتمندانه کمک کنند. به ملاحظاتی موضوع مستند محفوظ است.

شماره حساب سیبا: 0106001388009 به نام ناصر پورپیرار.
شماره حساب ملی کارت: 0200364484006

نویسنده: مهدي - مهدي

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 18:47

چنديست كه تعقلم به خيل شبهات و كوبه سئوالات بي جواب - كه هر انديشه اي كه اسكلتي پولادين از منطق و مصالحي در هم تنيده از استدلال نداشته باشد, زير ضربات سهمگينش در هم خواهد شكست - بر دروازه دلم - كه هر احساسي را نه به سئوال كه به تعارف در آن راه هست - تاختن گرفته, تا هر احساس ظريفي را كه در آن يافت بركشد و با آنان چنان كند كه پادشاهي مقتدر با طاغيان كشورش و مرا تبديل به همان انسان بي تلاطمي سازد كه پرداخته دستان پرقدرت انديشه نقاد بود. از اكنون معلوم است كه پايان اين دادگاه به قضاوت خرد كه در آن هيچ شهودي را شاهد محكمه پسندي و هيچ احساسي را زبان دفاع از خود نيست چه خواهد شد. شايد اين كلمات كه از تنها گسستگي حصار فرماليسم - كه بزودي رفو خواهد شد - در مي روند و بر كاغذ مي ريزند, آخرين ناله هاي دل باشد كه امشب به دستور عقل و به گيوتين حكم قاطعش سر بريده خواهد شد.

مهدي
زمستان 81

نویسنده: توحید

چهارشنبه 1 مهر1388 ساعت: 20:43

سلام
استاد گرامی، خسته نباشید . نظرتان درباره مستندی که در باره معماری ایران از شبکه 4 سیما پخش می شود چیست ؟ مستندی تحت عنوان « معماری ایران » که تولید سالهای 1360 تا 70 است و به نظرم مجموعه ای بسیار غنی و جامع است از اندک ابنیه بعد از صفویه در ایران که به اکثر آنها قدمت ماقبل صفوی و امپراطوری موهوم مغول داده اند . (لااقل من تا بحال چنین مجموعه جامعی ندیده بودم که به بررسی مجموعه آثار معماری ایران در سراسر ایران بپردازد) . این مستند در ماه رمضان هر روز ساعت 17 از شبکه 4 پخش می شد و گویا الان فقط جمعه ها ساعت 17 پخش می شود و شاید نزدیک به 30 قسمت باشد .
به هر حال وظیفه خود می دانستم خدمتتان اطلاع رسانی کنم تا اقدامات لازم را در صورت صلاحدید ، برای تهیه آن از سروش سیما و در راستای تحقیقاتتان و حتی مستند در حال ساختتان ، مبذول کنید .

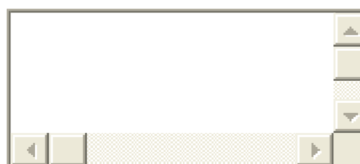
با تشکر .

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 228

ایران شناسی 229

ایران شناسی بدون دروغ 229، نتیجه 37، حقه بازی ها در هند، 6 - 49 نظر

نویسنده: آمون

پنجشنبه 9 مهر1388 ساعت: 3:38

سلام
آمون به روز شد.
خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 9 مهر1388 ساعت: 14:56

سلام استاد عزیز -
امروز مقاله ای خیلی کوتاه از آقای حسینی (زنجان که معرف حضور هستند) به دستم رسید مطمئن نیستم که به شما هم فرستاده یا نه - ولی صحبت جالبی که داشت این بود که آقای پورپیرار در نقد تاریخ فارس 8 جلد کتاب نوشته ولی در نقد تاریخ ترک به حداقلها بسنده کرده ! چرا؟ آیا وقتش خواهد رسید؟

نویسنده: اژی

پنجشنبه 9 مهر1388 ساعت: 22:58

با عرض پوزش مدتی به دلیل فوت اقوام نزدیک نبودم. آقای رفرف منظورتان را از نصب مقاله در روز شهادت حضرت علی نفهمیدم. این چه نقدی بود ؟! واقعا از شما چنین انتظاری نداشتم که همانند ایران ذوالقرنین به این گونه جفنگ ها دست آویز شوید. امروز که آمدم دیدم عنوان وبلاگ نیز تغییر کرده است! یک باره به جای آن عکستان نیز آن لوگوی جناب ایران ذوالقرنین را می گذاشتید و خلاص.

نویسنده: ؟

جمعه 10 مهر1388 ساعت: 0:8

لاریجانی زمانی که رئیس صدا سیما بوده در همایشی در دانشگاه شریف به نکات زیر اشاره کرده

رئیس سازمان صداوسیما: ایرانیان قبل از اسلام "بی فرهنگ" بودند!

روزنامه دانشگاه صنعتی شریف خبرداد: در مراسمی که به مناسبت تولد پیامبر اسلام در محل آمفی تئاتر مرکزی این دانشگاه برگزار شد، پس از اجرای چند برنامه علی لاریجانی رئیس سازمان صداوسیما در سخنانی پیرامون شرایط ایران قبل از اسلام گفت: "متاسفانه امروزه دروغ های بسیار زیادی در مورد ایرانیان قبل از اسلام، میزان فرهنگ و تمدن آن ها و هم چنین آتش سوزی کتابخانه ها در زمان حمله مسلمانان گفته می شود. ایرانیان قبل از اسلام مردمانی بی سواد، بی فرهنگ و در کل وحشی بودند درعین حال خود نیز علاقه داشتند که بی سواد باقی بمانند" وی هم چنین تمامی پیشرفت های فرهنگی و علمی ایرانیان قبل از اسلام را دروغ خواند و اندک فعالیت هایی نظیر تاسیس دانشگاه "جندی شاپور" را حاصل تلاش عده ای از مسیحیان دانست."

منبع: http://www.mihan.net/63/mihan-63-11.htm

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 10 مهر1388 ساعت: 4:33

خانم سودا. ممکن است سودا در زبان چینی و مالایی و میان سرخ پوستان کانادا و هندیان و فرانسویان و ترکان نیز معنا داشته باشد، ولی یادداشت من بر اساس مفهوم فارسی آن بود. در عین حال اگر به معنای کنونی سودا در زبان ترکی اصرار دارید، پس معلوم می شود که ترکان برای عشق هم لغت بومی دیرینه و مکتوب نداشته اند.

آقای عماد. حوصله کنید.

آقای تلمیذ. سطر سطر نوشته های ذبیح الله منصوری که متعلق به خانواده ای یهودی است، تحریر خیال پردازی های شخصی اوست و منبعی ندارد مگر به صورت مجعول. باید به آنان که از توانایی یهودیان در تولید این همه کتاب متعجب اند، یادآور شد که اگر کنیسه فقط ده نفر نظیر منصوری را در اختیار داشت، به کم تر از سی سال دو برابر تالیفات کنونی را فراهم کرده بود.

آقای بی نام. نخست این که سهم عمده را به ایشان بدهید و سپس حیرت می کنم از مناعت و عزت نفس این بشر که ده کیلومتر پیاده می رود و به قدر بهای بلیط اتوبوسی به کسی مراجعه ندارد

آقای بجانی. از ایشان هنوز مطلبی ندیده ام. در عین حال در باب فارس ها کوهی نوشته ی مجعول وجود دارد که رد تمام آن ها لااقل محتاج صد جلد کتاب پر برگ است، حال آن که که در دست ترکان تنها دده قورقوت را گذارده اند که انحلال آن کار نیم ساعت است.

آقای اژی (ارژنگ). تمام آن ها و از جمله خود شما، سرانجام به یک پایانه رسیده اید: پرتگاه ناتوانی و نادانی.

نویسنده: سایه

جمعه 10 مهر1388 ساعت: 13:10

با سلام
از دوستان محترم احیانا کسی ساکن استان گلستان نیست تا با همکاری هم فعالیت هایی را در سطح منطقه انجام دهیم؟!

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 10 مهر1388 ساعت: 11:49

به آرامي آغاز به مردن مي كني / اگر سفر نكني / اگر چيزي نخواني،
اگر به اصوات زندگي گوش ندهي / اگر از خودت قدرداني نكني.

به آرامي آغاز به مردن ميكني / زمانيكه خودباوري را در خودت بكشي / وقتي نگذاري ديگران به تو كمك كنند

به آرامي آغاز به مردن ميكني / اگر برده عادات خود شوي / اگر هميشه از يک راه تكراري بروي...

اگر روزمرگي را تغيير ندهي / اگر رنگهاي متفاوت به تن نكني / يا اگر با افراد ناشناس صحبت نكني

تو به آرامي آغاز به مردن ميكني / اگر از شور و حرارت / از احساسات سركش / و از چيزهايي كه چشمانت را به درخشش واميدارند / و ضربان قلبت را تندتر مي كنند / دوري كني...

تو به آرامي آغاز به مردن ميكني / اگر هنگاميكه با شغلت، يا عشقت شاد نيستي، آنرا عوض نكني / اگر براي مطمئن در نامطمئن خطر نكني / اگر وراي روياها نروي / اگر به خودت اجازه ندهي / كه حداقل يكبار در تمام زندگيت / وراي مصلحت انديشي بروي....

امروز زندگي را آغاز كن!

امروز مخاطره كن!

امروز كاري بكن!

نگذار كه به آرامي بميري...

شادي را فراموش نكن!

پابلو نرودا

نویسنده: رومینا

جمعه 10 مهر1388 ساعت: 19:4

آقاي اژي اين رفرف می گويد كتاب آرياواتیای آرياواتا وجود ندارد پس خود وي وجود نداشته است !

((ما به هر دری زديم، نتوانستيم به نسخه‌هاي خطي اين اثر كه حد اقل چند صد سال قدمت داشته باشد، دسترسي پيدا بكنيم و اميدمان آنجا به يأس تبديل شد كه مصحح و شارح كتاب آرياواتيا چاپ لايدن را در سال ۱۸۷۴ يعني زمان چاپ اثر ناتوان تر از خودمان ديديم. يعني اين اثر از روي نسخه‌هائي به قدمت فقط چند سال منتشر شده است.))

البته اين در كتاب خوارزمي حتي با تاكيد خود وي صادق نيست.

((بررسي اصالت كتاب جبر و مقابله خوارزمي و اثبات واقعيت تاريخي دانشمند رياضيداني به نام ابو عبدالله محمد بن موسي الخوارزمي كه گويا در دار الحكمة بغداد پرورش يافته و پدر علم جبر شناخته ميشود، كار آساني نيست.))

اين است آقاي رفرف !

اگه میشه با من تماس بگير. ايميلمو خصوصي ميذارم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 8:42

آقای مهدی. بحث نیرومندی سنت ها، به خصوص در مقابله با مدرنیسمی که در اصل قصد غارت دارد، با جزییات لازم به ویژه در سئوال و جواب ها و از جمله یادداشت نهایی خانم حاجی زاده شکافته شد. به آرشیو آن رجوع کنید. در باب یدیش ها نیز به همین ترتیب عمل شده است. پروسه ی تولید ملت های فارس و ترک و اردو و پشتو و از این قبیل نیز در آغاز با اعزام چند واحد انسانی حامل فرهنگی معین و پرورده و برنامه ریزی شده به جغرافیایی است که هر یک به دلیلی فاقد تجمع بومی بوده است. این کلنی ها با تکثیر درونی و نیز جذب تدریجی مهاجران غالبا از اطراف اعزام شده، اندک اندک به استعدادهای کنونی رسیده اند که چندان چشم گیر نیست. مثلا این که ایران و ترکیه در حال حاضر هم فقط هفتاد میلیون نفوس دارد، چارتر دقیقی است نمایشگر این حقیقت که چند قرن پیش کم تر از چند هزار بوده اند. به مدخل مربوطه رجوع کنید و با دقت بخوانید.

فریبا خانم. کو دل خوش و گوش شنوا !

خانم یا آقای رومینا. وقتی قرار بر تقلید و درآوردن ادای تحقیق باشد، قضیه به همین صورت مضحکه درمی آید.

آقای سایه. به اصطلاح کاسب کارها قابلی نداشت. به هر حال ممنون.

آقای مروی. غرض شناخت بنیان تولید آن ملت هایی است که با فرقه گرایی بر گسترش اسلام متحد و زبان قرآن به شرق سد بسته اند. عارضه ای که اینک غرب اسلامی را هم حتی با شدتی بیش تر گرفتار کرده است.

نویسنده: ایلماز

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 11:59

با سلام
استاد با توجه به جعلی بودن تمام اطلاعات و نظریه ها با نام علوم انسانی و هنر و هدفمند بودن آنها می توانید به مانند رنسانس که چهره واقعی آن را نشان دادید دوره ها و مکاتب دیگر به مانند گوتیک،روکوکو،باروک و آثار مانده از آنها را کمی تشریح کنید؟!

نویسنده: بجانی

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 12:29

قبول دارم استاد ولی زبانی در دهانشان نهاده اند که کوهی قدرت دارد - ترکان وقتی می خواهند به زبان دیگر مثلا فارسی صحبت نمایند می مانند که کدام فعل ترکی به کدام فعل فارسی نگاشت کنند چون در برابر اکثریت افعال ترکی شاید کمتر از یک سوم فعل فارسی وجود داشته باشد . تصور کنید فارسها می روند دکتر - دکتر برایشان واکسن می نویسد و آنها با سه روش می توانند واکسن را بزنند - روش اول : خودشان می زنند و می گویند واکسن زدم - دوم : می دهند شخص دیگری بزند و باز هم می گویند : واکسن زدم (یا دادم واکسن زدند!) سوم : با واسطه شخص دیگری - فرد سوم که احتمالا تزریقاتی است واکسن به وی زده می شود و باز می گوید : واکسن زدم ولی ترکها وقتی می روند دکتر در روش اول می گویند :
vurdum
دوم :
vurdurdum
سوم :
vurdutdurdum
یک مثال از وجه سببی در زبان ترکی است بن فعل (vur) ثابت مانده ولی پسوندها پی در پی بدان می چسبد و معانی مختلف می گیرد شما احتمالا استثناهایی که پیدا کنید از شمار انگشتان دست تجاوز نکند یک زبان قانونمند است اثبات یهود ساخته بودن از اثبات قدمت سخت تر است

نویسنده: مسعود

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 13:52

وقت شما بخیر جناب استاد عزیز

ان شا الله سلامت و از بلایای زمانه به دور هستید.

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً

قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

در آستانه تکمیل سن چهل سالگی که قرآن قویم بر آن تاکید دارد خواهشمندم اگر در خور توجه میدانید نصیحتی پدرانه به اینجانب بفرمایید.
ممنونم و خداوند بر عمر با برکتتان بیفزاید.

نویسنده: عادل

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 13:59

http://www.harappa.com/photo3/index.html
http://www.imagesofasia.com/india.php

نویسنده: عادل

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 14:12

/http://star-of-david.blogspot.com

نویسنده: اترش

شنبه 11 مهر1388 ساعت: 19:58

سوره التوبه:

... وَالَّذِينَ اتَّخَذُواْ مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلاَّ الْحُسْنَى وَاللهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۰۷﴾

لاَ تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿۱۰۸﴾

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىَ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۹﴾

لاَ يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْاْ رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلاَّ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

... و آنهایی كه مسجدی اختیار كردند كه مایه زیان و كفر و پراكندگی میان مؤمنان است و كمینگاهی است برای كسی كه قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت‌سوگند یاد می‌كنند كه جز نیكی قصدی نداشتیم. و خدا گواهی می‌دهد كه آنان قطعا دروغگو هستند (۱۰۷)

هرگز در آن جا مایست چرا كه مسجدی كه از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است كه در آن [به نماز] ایستی، در آن مردانی‌اند كه دوست دارند طاهر باشند و خدا كسانی را كه خواهان پاكی‌اند دوست می‌دارد (۱۰۸)

آیا كسی كه بنیاد خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا كسی كه بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی كرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد و خدا گروه بیدادگران را هدایت نمی‌كند (۱۰۹)

همواره آن ساختمانی كه بنا كرده اند در دلهایشان مایه شك است تا آنكه دلهایشان پاره پاره شود و خدا دانای سنجیده‌كار است (۱۱۰)

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 0:4

آقای مسعود. و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

آقای اترش. حکمت نقل این آیات سوره ی توبه چه بود؟

آقای عادل. از ارسال لینک ها ممنونم.

آقای بجانی. فرهنگ هر ملت بر مبنای توان بیان، تعداد واژگان بومی، قدمت و غنای میراث مکتوب آن قضاوت می شود و نه با نقل از پیچیدگی در گرامر که می تواند کپی شده و وام گرفته از دیگران باشد. زمانی در مقابله با ادعاهای مضحک کتاب های به زبان پهلوی پرسیده بودم که در آن زبان برای کتاب چه لغتی داشته اند و آن لغت در کجا ثبت است. حالا نازندگان به دده قورقوت جواب دهند که ترکان در هزاره ی اخیر و پیش از رجوع به زبان عرب برای کتاب چه واژه ای داشته اند؟ آن گاه توجه کنید که زبان ترکی لغت انتزاعی و پایه ندارد و برای ادای مفهوم و منظور کلام عدل و ظلم و عقل و بی عقلی و سئوال و جواب و فکر و فضل و اطاعت و حماقت و شهرت و شرارت و حساب و کتاب و رد و قبول و جماعت و دیار و خروش و اسیر و عظیم و سلامت و هلاک و شادی و غم و حق و باطل و غضب و قدرت و ملت و مرغوب و مقدار و ... به گنجینه ی لغت عرب چنگ انداخته است. اگر ممکن نیست قوم و ملتی کهن در درازای زمان برای این مبانی، ذخیره لغت بومی و مستقل نداشته باشد، پس قوم ترک تازه متولد شده و زبان اش ساختگی است. حالا از سر ترحم لطفا اعلام و ادعا نفرمایید که واژه های برشمرده تماما ترکی است. ضمنا در فارسی بهم واکسن زدند و دکتر گفت بهم واکسن بزنند و غیره هم داریم.

آقای ایلماز. این نام ها به مکتب های معماری اروپا اشاره دارد و حاصل رشد و انباشت ثروت و امکانات اشراف اروپا پس از چپاول جهان است.

نویسنده: عربگری

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 5:0

سلام
این مقاله تان نیز چون قبلترها بسیار افشاگرانه است از این رو
برنج هندی مسموم،برنج ايراني چطور؟ و برج میلاد، برجي مخابراتي نيست
مقالات جدید ما هستند نظر شما بر این مقالات بر من بسي محترم تر است

وب سایت

نویسنده: عظیم از کرج

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 5:0

صبح بخیر جناب استاد تا همین چند دهه اخیر روضه خوانها با الاغ به مسجد و یا دعوت برای روضه خوانی میرفتند و هر الاغی را به نوعی میآراستند که اختصاص به یک روضه خوان داشت و رهگذران با دیدن این الاغ ها بر آستانه خانه ها می فهمیدند که فلان روضه خوان در خانه فلان حاجی مشغول ارشاد و ذکر مصیبت است. حالا پس از هفته ای که در منزل حاجی رفرف پرنده پر نمیزد ناگهان دیدیم که مشغول هدایت است و بلافاصله هم سر وکله اووشار پیدا شد. میخواستم بگویم که اووشار خود رفرف است اما دیدم مثال فوق محکمتر است!!

نویسنده: بجانی

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 9:49

استاد بزرگوار بازهم فرمایشان شما محکم و مستحکم است به راستی ترکی برای این لغاتی که شما بیان کرده اید معادل ندارد تنها نقطه قوت ترکی افعال آن است که البته شما آن را نشانه تازه ساز بودن آن می دانید . من اصراری در قدمت ترکی ندارم اما یک مساله باز هم مورد توجه من است اگر جریان زبانها اینگونه شده که شما معتقدید آیا مشیت خداوند بر زبانها جاری نیست یعنی اختلاف السنتکم که نشانه ای از نشانه های خداست در قرآن قویم - آن را چگونه توجیه کنیم ! یا باید بگوییم که باز این آیه خداوند مربوط به زمانهای قبلی می شود که خود جای سوال دارد یا بگوییم زبانهایی که هستند مشمول مشیت و فرمان خداوند هستند و شاید شما یایی بهتر از این دو سراغ دارید!

نویسنده: عادل

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 10:29

http://indianmosques.blogspot.com/search/label/Babri%20Mosque
به ستاره داود در عکس آخر توجه کنید.

نویسنده: مرکز دایر المعارف بزرگ اسلامی 1

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 17:14

آقای پورپیرار من از قضا در همان مرکز دایره المعارف کار می کنم و راستش را بخواهید اول می خواستم نقدی بر آن نوشته شما بنویسم اما وقتی تا انتها مطلبتان را خواندم، بعد از اینکه ناخودآگاه کلی خندیدم، دیدم گویا چندان هم بیجا نمی نویسد و احساس کردم حق با شماست! واقعا تاریخ ایران تا این اندازه آبکی بوده و من هیچوقت توجه نکرده بودم؟! البته رشته من تاریخ نیست و من جغرافیا خواندم، اما با تاریخ هم خیلی بیگانه نبودم و یه چیزایی می دانستم که الان از ندانستن بقیه اش هم چندان متاسف نیستم! اما با این وجود در مقدمه نوشته شما چند تا اشکال هست که با اجازه آنها را تصحیح می کنم، البته این اشتباهات خللی به محتوای کار شما وارد نمی کند، ولیکن اگر همان اشتباهات جزئی هم نباشند، کار شما بهتر خواهد بود:
جریان پوشه ای که برای تدوین مدخلها به آن اشاره کردید اصلا آنگونه نیست که تصور نمودید. ببینید هر مدخلی منابع و ماخذی (چه معتبر و چه ساختگی و معتبر معرفی شده مثل گلستان سعدی) دارد. در این منابع و ماخذ اطلاعاتی پیرامون موضوع مورد نظر وجود دارد که مولف به صورت روشمند این اطلاعات را از منابع و ماخذ استخراج کرده و مدخل مورد نظر را تدوین می کند و سپس ارزیابها نوشته اورا چکش کاری کرده و بدست چاپ می سپارند. حال چه خود فرد این اطلاعات را از درون منابع به صورت فیش، خط کشیدن، کپی و ... استخراج کند و چه کس دیگری اینکار را انجام دهد و نتیجه را در داخل یک پوشه به فرد بدهد، نتیجه یکی است! بنابراین اینگونه نیست که برای هدایت فکر یک فرد به او پوشه بدهند! زیرا فرد از طریق منابعش هدایت می شود و نه از طریق گردآورنده اطلاعات منابع و گذاردن آنها در پوشه!! مثلا کسی که بخواهد مدخل گل آفتابگردان را بنویسد به سراغ منابع مربوط می رود و با روش جاری در نگارش مباحث گیاه شناسی مطالبش را تدوین می کند یا کسی که بخواهد مدخل سعدی را بنویسد به همین ترتیب و در روش خود از ابتدای زندگی سعدی شروع می کند و پایان مدخل را با پایان زندگی سعدی به پایان می برد و چیزی را می نویسد که در منابع مربوطه آمده، چه در داخل پوشه باشند و چه نباشند!!

نویسنده: مرکز دایر المعارف بزرگ اسلامی 2

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 17:15

بعلاوه، اصلا اینگونه نیست که فرد نویسنده فقط خود را مجبور به مطالب داخل پوشه کند، مطلقاً !! اتفاقا مکررا از فرد می خواهند با رجوع به سایر منابع که احتمالا از چشم جستجو کننده اولیه دور مانده اند، مطالب پوشه و مدخل را تکمیل کند و از قضا تقریبا همه مولفان در حین کار خود را از رجوع به دیگر منابع ناگزیر می بینند و گاهی مطالب یه کتاب داخل پوشه نیز ناقص از آب در می آید و مولف ناگزیر است مجددا مطلب داخل پوشه را گردآوری کند! افزون بر این، گردآوری مطالب داخل پوشه بر اساس کتابخانه مرکز صورت می گیرد و معلوم است که همه کتابهای دنیا در این کتابخانه نیست! از این رو مولفان و به ویژه مولفان خارج از کشور فراوان از منابعی استفاده می کنند که اصلا نه در پوشه بوده و نه در ایران پیدا می شوند! در حقیقت این پوشه فقط برای تسهیل کار نویسنده مدخل و بیشتر از آن برای تسهیل کار ارزیابها تدارک می شده است!
و مطلب از همه مهمتر اینکه الان 4 سال است که دیگر از پوشه خبری نیست! و برای کاهش هزینه ها و نیز به خاطر کمبود جا در بخش پرونده های علمی (محل نگهداری پوشه ها) وظیفه گردآوری اطلاعات منابع را هم به خود مولف واگذار کرده اند و دیگر به کسی پوشه «هدایت گر» نمی دهند!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 18:36

آقای احمد لو. راستی که دستگاه تعصب، کارخانه ی ابله سازی است. مثلا قوم پرست فارس به این بهانه که پورپیرار استاد دانشگاه تاریخ و باستان شناسی نیست، با چشمان و عقل خویش در می افتد و درس بزرگ مستند تختگاه هیچ کس را ندیده و نشنیده می گیرد. حالا با ابلهانی از همان قماش و این بار در میان قوم پرستان ترک مواجهم که به ترکی ندانستن من اعتراض دارند! زیرا به آن میزان انضباط عقلی ندارند که دریابند اگر پورپیرار ترکی بداند و یا نداند باز هم زبان ترکی برای بیابان و دریا و تجسس و ضعیف و قوی و شمال و جنوب و روانه و مراجعت و فریاد و جماعت و غارت و رییس و نصب و جمهور و سود و ضرر و عصیان و عدل و ظلم و عقل و بی عقلی و سئوال و جواب و فکر و فضل و اطاعت و حاشا و حماقت و شهرت و شرارت و حساب و کتاب و رد و قبول و جماعت و دیار و خروش و اسیر و عظیم و سلامت و هلاک و جلال و کمال و شادی و غم و جهان و جرم و حق و باطل و علامت و عفو و رحمت و غضب و راضی و قدرت و ملت و مرغوب و مقدار و صدها لغت بنیانی دیگر، که عربی و فارسی است، جانشین مستقل بومی و مکتوب قدیم ندارد و لاجرم زبانی ناتوان و نوساز است. آیا درک این منطق روشن تا این حد دشوار است؟!

آقای دائره المعارف.... تا آن جا که می دانم کتاب خانه دائره المعارف از نظر محتوایی بسیار غنی است و اگر فهرست منابع آنان نتواند مثلا مدخل سعدی را به میزان لازم
پوشش دهد، مولفان آن مرکز با این دستمزد اندک چه گونه حریف جست و جوی در منابع جهانی می شوند؟! از قطع پوشه های کمکی اولیه خبر نداشتم ولی از خود می پرسیدم چرا مدخل های دائره المعارف از جلد دهم به بعد آبکی و افسانه سان تر شده است!

نویسنده: بی نام

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 22:4

استاد عزیز -دوستان گرامی سلام علیکم

ایا منبع موثقی در باره یهودی بودن قوم الیکایی وجود دارد؟اگر کسی ادرسی جهت مراجعه دارد یا اطلاعی در این باره دارد از سر لطف اعلام کند.بنده هر چه در وبلاگها گشتم در این رابطه چیزی نیافتم.

نویسنده: مسعود

یکشنبه 12 مهر1388 ساعت: 22:48

شب شما بخیر باشد استاد گرامی.

از توصیه حکیمانه تان سپاسگذارم.

در مورد زبان مشکوک "کردی" که بنده متکلم به آن میباشم تا آنجا که من متوجه شده ام این زبان برای نمونه لغاتی که شما در ضمن پاسخ به آقای احمدلو برشمرده اید تا چهار پنج دهه اخیر کاملا" الکن و ناتوان بوده است و از بدو تاسیس احزاب ناسیونالیست کردی بوسیله کنیسه و کلیسا که اهداف روشنی دارند یعنی بعد از جنگ جهانی دوم برای باصطلاح زبان کردی فرهنگنامه های ناقصی که تقریبا" سال به سال آپدیت میکنند !! تدوین کرده اند که خود من وقتی تعدادی از لغات این لغت نامه ها را برای افراد مسن کرد زبان گفته ام تنها با شگفتی و بیخبری آنان از وجود چنین لغتهایی روبرو بوده ام !!!!!

استدلالات قوی شما حتی در میدان مثالهای واضحی که برشمرده اید ردخور ندارد و حق مطلب را به روشنی ادا میکند.

نویسنده: reza

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 9:57

مجموعه بی‌همتایی از عکس های ایران که قدمت آن به بیش از ۱۳۰ سال قبل می رسد (شامل مردم-شاهان قاجار-شهرها-آداب و سنن-بناها و...)

وب سایت

نویسنده: ايراني

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 11:58

تاييد پوريم توسط يك وبلاگ يهوديان

وب سایت

نویسنده: حسن.ک

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 13:20

سلام حضور استاد عزیز.اخیراوازطریق اینترنت بامعرفینامه کتابی ازمالفی عرب اشنا شدم بنام عبدالرحمن احمد البورینی.عنوان کتاب:الغته العربیه اصل الغات کلها:در معرفی مختصر امده.مالف با ادراکی که از ابعاد مطلب دارد اصراری بر تحمیل نظر خود ندارد بل این اقدام شروعی در ابتدای راه است.مالف تحقیقی معجمی درتقابل وتطابق زبان انگلیسی وعربی انجام داده ودر حد زمان تحقیق و حجم کتاب....پانصد لغت انگلیسی را بعنوان نمونه در مقابل قاموس المورد ذکر کرده و زبان انگلیسی را لهجه ای عربی قدیمی تشخیص داده است.نامبرده بااستناد به ایات قویم قران زبان قران را زبانی اسمانی ونازل شده بر حضرت ادم ذکر نموده و حروف این زبان به مصابه سنگ یا اجر هر بنیانی هستند که هرچه استادانه بکار گرفته شوند بنیان قوام بیشتری خواهد داشت.فلذا حروف به مانند اجر ساختمان دارای معنا می با شند.اگر حروف به تنهایی فاقد معناباشند تر کیبشان نیز بیهوده خو اهد.همچنین اینهمه استحکام در انتقال مفهوم ایات اللهی از زبانی ساخته تجربه انسانی بعید منماید.نویسنده در رابطه با معنای حروف مثالهایی اورده که تامل برانگیز است.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 20:8

با سلام

استاد دیگر با این نقد جانانه این on دیگر چگونه به راه خود ادامه خواهید داد؟!!!! 

تا باشد از این نقدهای کاملا علمی 

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 22:35

آقای ایلماز. منظورتان از نقد on معلوم نبود.

آقای reza و آقای ایرانی. ممنون. البته سایت عکس ها باز نشد.

آقای عادل. دلیل ارسال کامنت خصوصی برای چنین سئوالات عمومی را نمی دانم، ولی برای رسیدن به پاسخ سئوال تان را برعکس کنید: یک دیوار ده متری، چه گونه مانع آن سرباز مغول می شود، که از کف دره ای تا بالای صخره ای چند صد متری و دشوار را صعود کرده است!!! وانگهی اگر قلابی بودن موضوع مغول را قبول دارید پس چینیان چرا باید در مقابل سپاه یک آدم قلابی دیوار بسازند؟!

آقای مسعود. شناس نامه ی تمام زبان های حوزه ی شرق میانه، به جز زبان عرب، که مستندی به قدرت و قوت و صلابت و سلامت قرآن دارد، یکسان و بی استثنا جدید و سر هم بندی شده است. فارسی و ترکی و کردی و گیلکی و لری و غیره هم ندارد. برای درک به تر مطلب کافی است توجه کنید که هیچ یک از این زبان ها در گنجینه ی لغات بومی و مکتوب خود، حتی یک لغت انتزاعی ندارند، که حاوی معنایی در بنیان بیان باشد. بگذریم از این که تمامی آن ها اصولا میراث مکتوب غیر مجعول هم ندارند. آیا به زبان کردی کتاب کهن و یا حتی قدیمی یافت می شود؟

آقای بابک. این حرف های تکراری صنار ارزش ندارد. ادعا درباره ی دارایی های فرهنگی، نیازمند مکتوبات تایید کننده است و به گفت و گوی روزمزه متکی نمی شود. باید کتابی غیر مجعول معرفی کنید از دوران قدیم، که آن لغات را با معنای تصوری شما ثبت کرده باشد و گرنه اسلنگ کوچه و بازار می شود و به کار درد دلهای خانوادگی می آید.

آقای iskandar: این که بالاخره یک لغت پایه در زبان ترکی پیدا کرده و تذکر داده اید که ترکان برای ضرر لغت زیان را دارند، zerer= ziyan تاریخ زبان ترکی را متحول کرد!!!! و این که مدافعان قدمت و قدرت زبان ترک این تذکر ساده را درک نمی کنند که ارائه ی میراث لغوی هر زبانی باید که با متن مرجع آن همراه باشد، بی اندازه نگران کننده است. واقعا چنته ی روشن فکری ترک تا این اندازه خالی است؟!

نویسنده: فتح

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 23:3

روزنامه های اروپا نوشتند محمود احمدی نژاد یهودی است.
http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/6256173/Mahmoud-Ahmadinejad-revealed-to-have-Jewish-past.html

http://www.20min.ch/ro/news/monde/story/28051508

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 23:13

با سلام
استاد on نویسنده وبلاگی است که جناب ایرانی معرفی کرده اند!!در ماجرای پوریم نویسنده به اصطلاح شما و تزهایتان را درباره پوریم نقد کرده است که چیزی جز احساسات افسار گسیخته از سر تعصب و البته ماموریت نیست!!حقیقتا که دستهایشان خالی و مغزهایشان پوسیده است!

نویسنده: reza71

دوشنبه 13 مهر1388 ساعت: 23:58

دروغ جدید: احمدی‌نژاد یهودی است

/http://alef.ir/1388/content/view/54676

نویسنده: reza

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 0:11

لینک اصلاح شد.
مجموعه بی‌همتایی از عکس های ایران که قدمت آن به بیش از ۱۳۰ سال قبل می رسد (شامل مردم-شاهان قاجار-شهرها-آداب و سنن-بناها و...)

http://www.asia.si.edu/archives/finding_aids/sevruguin.html

نویسنده: تناقض 1

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 7:29

سلام به استاد کامل و انسان شامل پیوسته در سکوت ناظر و شاهد بوده ام که مخالفان کم ادراک شما، بدون فهم اسلوب بررسی های جناب عالی که الحق فوق خردمندانه انتخاب فرموده اید، مدعی تناقض در نوشته های شما شده اند. هوس کردم برای نمایش تناقض و معرفی سمبلی از قوم پرستی بدون کنترل دو نمونه از نوشته های آخرین مخالف شما را عرضه کنم.
"ديري است كه استاد عزيز و پر تلاش جناب ناصر پورپيرار به تحقيقي بي سابقه در تاريخ شرق ميانه و نقش عوامل متعدد تاريخي در شكل دهي به تمدن شرق باستان و نيروهائي كه مسبب نابودي آن شد، پرداخته‌اند. ايشان همچنين ديدگاههاي نويني در رابطه با احياي مجدد زندگي مدني در شرق ميانه با ظهور اسلام و نقش جامعه بين المللي يهود در ايجاد انحراف در بينشهاي اسلامي پرداخته و در شكل دهي به تفكر نويني كه آن را «بنيان انديشي» ناميده‌اند قرين موفقيت بوده‌اند.
در اين راستا ايشان با مخالفتهاي بي سابقه‌اي هم مواجه بوده‌اند كه چه به صورت توطئه سكوت براي كم اهميت جلوه دادن نظريات جديد و چه به صورت مخالفتهاي هوچيگرانه در انواع سايتها و وبلاگها جريان داشته است. اما آنچه كه من خود در طول ساليان اخير شاهد بوده‌ام، همه مخالفين ايشان مجبور به تجديد نظر نسبي و يا دست كم دقت بيشتر در ادعاهاي خود شده‌اند و برخي هم كه عادت به چندين دهه تفكر بر مبناي قالبهاي كهنه را داشته‌اند، ترك عادت را مشكل يافته و بعضا در دام نااميدي و يأس درغلطيده‌اند. در یک كلام ميتوان گفت كه در ديگر بر پاشنه قديم نميگردد و هركس به نوعي مجبور به بازبيني در تفكر خود شده است.
بيشترين اهميت تحقيقات و يافته‌هاي آقاي پورپيرار به نظر من از جهت افشاي هويتهاي جعلي و بازيابي هويت اسلامي ملتهاي مشرق زمين است. در اين راستا ما از طريق نوشته‌هاي ايشان آموخته‌ايم كه چگونه تصوير اسلام و چهره پيامبر گرامي آن را مقلوب جلوه داده و اسلام را به عنوان ديني معرفي نموده‌اند كه گويا به زور شمشير در بين مردمي با تمدن پيشين رواج داده شده است. در اين ميان آثار مشاهير بزرگي نظير هرودوت، طبري، مسعودي، يعقوبي، ناصرخسرو قباداياني و دهها مورخ و شخصيت تاريخي ديگر نيز از گزند تير انتقاد موثر ايشان مصون نبوده است. (دنباله دارد)

نویسنده: تناقض 2

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 7:37

مجموعه نوشته‌هاي آقاي پورپيرار در طول ساليان اخير با احتساب مطالبي كه در وبلاگ ايشان منتشر ميشود، به بيش از ده هزار صفحه ميرسد كه ضمنا از استنادهاي علمي قوي نيز بهره‌مند است و حقيقتا حيف است كه پژوهشگري با اين ظرفيت كاري را، حتي اگر با بعضي يا بسياري از عقايدش مخالف هم باشيم، جزو سرمايه‌هاي بنيادين اين كشور محسوب نكنيم و بهاي لازم را ندهيم".

این ابراز عقیده آقای رفرف در فروردین امسال در باب زحمات بی نظیری است که جناب عالی در نقاب گشایی از چهره دروغ و عرضه حقیقت کشیده اید به طرزی که جمع ما نصب هر یادداشت نو از جانب شما را یک حادثه فرهنگی در زندگانی خویش میدانیم و حیرت کرده ایم هرچند آقای رفرف حتی تحقیق شما در موضوع اشکانیان را مافوق علمی ارزیابی کرده اند، اما به عیان میتوان دید آن سرنوشت و عاقبتی که آقای رفرف برای معاندین با جناب عالی بیان کرده اند، حتی بسیار زودتر از دیگران گریبان خود او را گرفته است زیرا این روزها که باز هم سری به وبلاگ او زدم. دیدم که در ارزش گذاری جدید درباره آثار جناب عالی نوشته اند:

"اگر ایشان (منظور شما هستید) بااین عادت تناقض گوئی، یک پزشک بودند، تا کنون چندین قبرستان آدم کشته بودند، اگر ناخدای کشتی بودند، در اثر تصمیم گیریهای متناقض کشتی خود را به صخره کوبیده بودند. اگر فضا نورد بودند، سفینه خود را به لهیبی از آتش تبدیل کرده بودند. اگر مهندس بودند، منشآتشان بر روی شالوده اش فروریخته بود. اگر مربی رانندگی بودند، در اثر صدور دستورهای متناقض، اتوبانهای تهران را با تصادفات متعدد پر و عبور و مرور را کاملا مختل کرده بودند. اگر ایشان مدیر بانک بودند، میلیاردها تومان اموال مردم را به باد فنا داده بودند".

خواستم مدرک و معنای تناقض واقعی را ارائه داده باشم و بر آن فرمایش شما به سهم خود تاکید بگذارم که تعصب نه مادر احمقی که والدین آن است.
خداوند نگهدارتان استاد.

نویسنده: عادل

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 10:14

با سلام
چند بار جواب سئوال مرا ندادید گفتم شاید خصوصی بنویسم جواب دهید .
در مورد دیوار و یا جاده های چین در عکسهای آن که به وفور در اینترنت موجود است می بینیم که در بسیاری از قسمت ها مسیر پلکانی است همچنین در فواصل نسبتاً کوتاهی برجهایی وجود دارد که پهنای زیر گذر آنها تقریبا ً یک سوم عرض مسیر می شود.وجود کنگره و سوراخ هایی که برای دفاع در بالای آن وجود دارد بیشتر حالت دفاعی این مجموعه را تداعی می کند . بنده فکر می کنم این مجموعه بیشتر حالت دفاعی دارد , اما برای حمله های کوچک همسایگان ساخته شده باشد.
یک نمونه عکس می گذارم
http://homepage.eircom.net/~scoilbhride/Images/great_wall_1.jpg

نویسنده: مسعود

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 12:8

خداقوت و خسته نباشید و وقت شما بخیر.

در مورد پرسشی که فرموده بودید تا آنجا که من بررسی کرده ام خیر . هیچ سند مکتوب جمع و جوری حتی جعلی مانند شاهنامه وجود ندارد و تا آنجا که اطلاع دارم مدعی اند مکتوبات پریشان و مالیخولیا واری که به "اهل حق" منتسب میکنند و اکثرا" هم جعل جدیدند و حتی از رونمایی علنی آنها هم ابا دارند گویا کهنترین نوشتجات به زبان کردی میباشند!!
نمونه آنها کتابهایی نادیده ! از قبیل "حق الحقایق" یا بقولی "شاهنامه حقیقت"!!! و "نامه سرانجام" میباشد...

نویسنده: عمومی

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 14:25

استاد گرامی 1. در پاراگراف نقل قول اول غالب، عالب تایپ شده 2. توریسم صنعت نیست و از روی بی سوادی در ایران رایج شده. بنابراین صنعت توریسم غلط است. با احترام فراوان

نویسنده: ؟

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 16:15

كشف شش تن عتيقه از يك ديپلمات آرژانتيني
http://www.farsnews.com/pic.php?ph=Media-8807-ImageNews-880712-&40_880712_L600.jpg
dsc=%DF%D4%DD%20%D4%D4%20%CA%E4%20%DA%CA%ED%DE%E5%20%C7%D2%20%ED%DF%20%CF%ED%81%E1%E3%C7%CA%20%C2%D1%8E%C7%E4%CA%ED%E4%ED

پس از 50 سال
دستغيب از مخالفت با سعدي اظهار ندامت كرد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8807140763

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 17:18

آقای ؟. بیش تر اشیایی را که در تلویزیون نشان دادند عتیقه نبود و بخش بزرگی از آن ها را می توان در خیابان منوچهری تهران خرید. آقای دست غیب هم بد نیست ابتدا تصاویر هوایی از شیراز 50 سال پیش را ببیند که 90 درصد شهر جالیز خیار و تربچه است، سپس درباره ی سعدی شیرازی 700 سال پیش اظهار نظر کند.

آقای عمومی. ممنون و البته اداره امور توریسم این مملکت از صنعت گذشته و به چشم بندی شبیه تر است.

آقای عادل. آن پله ها و ضمائم آرایشی دیگر دیوارهای کنونی چین که در اصل جاده است را در شیب های تند برای سهولت رفت و آمد توریست ها ساخته اند که غالبا در سن کهولت اند و عبور از زمین با شیب تند برای شان مشکل است. یادداشت شماره 186 را با دقت بخوانید و اگر باز هم قانع نشدید در انتهای یادداشت نوشته ام که باید به چه کسی رجوع کنید!

آقای تناقض. باور کنید که وقت تان را تلف کرده اید. مخاطبین شما پرت تر از این احوالات اند.

نویسنده: فتح

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 19:4

پروفسور دیوید یروشالمی،استاد مرکز مطالعات ایران دانشگاه تل آویو می گوید:
احمدی نژاد یهودی نیست.

http://www.news.niksalehi.com/view/014362.php

نویسنده: عابدی

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 19:48

سلام استاد خسته نباشید. این هم تصاویر آن قرآن عثماني.

http://img2.tinypic.info/files/0tkh2y151ex9wdn1fxvp.jpg

http://img2.tinypic.info/files/9gsgpad3l803lcfg5sgj.jpg

http://img2.tinypic.info/files/jwzgv5sxvjvquvfoeslt.jpg

نویسنده: ؟

سه شنبه 14 مهر1388 ساعت: 22:43

نمایی از ستاره داود در آرامگاه فردوسی!
http://www.iran-pictures.ir/2009/07/images-poet-ferdowsi-tomb.html

که در عکس سوم همین لینک بالا اگر به سمت راست توجه شود می توان از آن ستاره داود را استخراج کرد

آدرس عکس: http://lh3.ggpht.com/_vkm34nUjY_k/SmZK9n4eW_I/AAAAAAAAHlU/i4EHE9iG1V8/s576/038.jpg
زیر نویس: آرامگاه خداوندگار ادب و هنر، حکیم، ابوالقاسم فردوسی توسی

نویسنده: یاوری

چهارشنبه 15 مهر1388 ساعت: 3:39

هیولای پاناما
http://mumbojumbo.ir/1388/06/31/%D9%87%DB%8C%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C-
/%D9%BE%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%85%D8%A7

نویسنده: الکی خوش

چهارشنبه 15 مهر1388 ساعت: 13:47

ترک و تاجیک یکی هستند:

http://www.bbc.co.uk/persian/science/2009/09/090903_ez_tajiks_turks.shtml

نویسنده: اترش

چهارشنبه 15 مهر1388 ساعت: 17:53

سلام

چند روزی از عالم مجازی کناره گرفته بودم. آن آیاتی (107-110) که از سوره ی توبه آورده بودم اشاره به همین مسجدهایی دارد که دلیل برپایی آنها «مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان» است و همانطور که اشاره کرده اید نمونه هایش در هند و متاسفانه در ایران هم دیده می شود. بناهایی که با توجه به آیات داریم:

همواره آن ساختمانی که بنا کرده اند در دلهایشان مایه شك است تا آنکه دلهایشان پاره پاره شود و خدا دانای سنجیده کار

است (۱۱۰)

و اینکه آنان: «بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتند (۱۰۹)

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 15 مهر1388 ساعت: 22:16

آقای رحمانی. خیر مقدم. امدادهای دوستان موجب شادمانی و شرمندگی است. اما منظورتان از این تذکر و اشاره را درک نکردم.
"حمایت شما از آن معاون اول (به زور) مستعفی و اطرافیانش و شادی برای پیروزی اشان هرگز و هرگز پذیرفتنی نیست".
اکر ممکن است توضیح بیش تری بدهید.

آقای اترش. انشا' الله به بیان مطالب موحشی در همین مقوله نزدیک می شویم.

آقای صمیمی. آن لینک ها هم مانند بسیاری دیگر از مقولات اطراف شما قلابی و بی خاصیت بودند.

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 16 مهر1388 ساعت: 11:57

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8807151877

بازنويسي ثبت نظر

ایران شناسی 230

ایران شناسی بدون دروغ 230، نتیجه 38، حقه بازی ها در هند، 7 - 57 نظر

نویسنده: alid

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 6:42

agaye gafuri har mabhas ra besorate youtub shoma az sazgara ya khosro motazed chi kamtar darid be komake seda va tasvir khod javdane va gheir gabele tahrif konid -- mamnun zabt konid va an ra dar internet ba

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 7:39

سلام
قبلا این مطلب را فرستاده بودم، یک بار دیگر جهت اطلاع آقای اترش ارسال میکنم،
مطلب جالب و قابل تاملی است.
" پیش بینی قرآن از حوادث یازدهم سپتامبر:
حادثه ی فرو ریختن دو ساختمان اقتصادی آمریکا که بزرگترین ساختمانهای جهان بودند، قبلا در قرآن گفته شده است.آیه ی 109 سوره ی توبه که نام این دو ساختمان "جرف هار" ذکر شده، تعدا طبقات ساختمان 109بوده که شماره ی آیه آنرا نشان میدهد.
تاریخ حادثه یازدهمین روز ماه نهم سال و در سال 2001بوده که به ترتیب عدد11 جز, و عدد 9 شماره ی سوره است که این سوره دارای 2001 حرف می باشد.

آیا کسی که بنیاد خود را بر پایه پرهیزکار و رضایت خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی که فروریختنی است که ناگهان در آتش دوزخ فرو می‌ریزد و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند (۱۰۹)

همواره آن ساختمانی که بنا کرده اند در دلهایشان مایه ی اضطراب است تا آنکه دلهایشان پاره پاره شود و خدا دانای حکیم است (۱۱۰)
اعدادو ارقام فوق و نسبت آنها را یک محقق جوان ایرانی در آمریکا کشف کرده است.
قسمتهایی از تفسیر المیزان در باب این آیات:
"شفا جرف هار". شفا در عربی به معنای لبه هر چیزی است، مثل شفا البئر به معنای لبه ی چاه است و کلمه جرف، آب روفته و آن محلی است که سیل شسته باشد بطوریکه بالای آن هر لحظه در شرف ریختن باشد و کلمه ی هار در اصل هائر بوده که به علت اعلال قلب به صورت هار درآمده و به معنای به آرامی فرو افتاده است."

نویسنده: آمون

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 10:46

آمون به روز شد و خبرنامه ارسال شد.

amun.blogfa.com

نویسنده: حسین محمدی

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 15:14

"عبدالله گل" مورخان جهان را فراخواند
به گزارش شبکه ایران و به نقل از خبرگزاری فرانسه "عبدالله گل" رییس‌جمهور ترکیه از مورخان جهان درخواست کرد تا به کمیسیون بررسی تاریخی کشتار ارامنه در دوران امپراطوری عثمانی بپیوندند.

گل در گفتگوی با خبرگزاری فرانسه و در آستانه سفر به پاریس گفت: اتهامات مختلفی درباره وقایع یک قرن پیش به آنکارا زده می‌شود. واضح است که مردم در این زمینه نمی‌دانند که چه اتفاقی افتاده است و نمی‌توانند تصمیم درستی در این زمینه بگیرند.
رییس‌جمهور ترکیه افزود: ما امیدواریم که مورخان و متخصصان به بررسی این موضوع بپردازند و ما آماده‌ایم تا نتایج علمی بررسی این کمیسیون را بپذیریم. برای آنکه صداقت خود را نشان دهیم ما حتی گفته‌ایم که اگر کشور ثالثی مثلا مورخان فرانسوی بخواهند برای حضور در این کمیسیون اعلام آمادگی کنند، به آنان خوش‌آمد می‌گوییم.

عبدالله گل با تاکید بر اینکه تحقیق مورخان در خصوص این مساله یکی از قدمها در پایان دادن به دهه‌ها خصومت میان ترکیه و ارمنستان است، افزود: اگر ما به زندگی کنونی خود با مشکلاتی از گذشته ادامه دهیم تنها آینده خود را آلوده کرده‌ایم.

رییس‌جمهور ترکیه همچنین خاطرنشان کرد: شما نباید فراموش کنید که ما هم رنج زیادی را در چهارگوشه دنیا به تن خریده‌ایم. در منطقه بالکان، در منطقه قفقاز میلیون‌ها نفر از بالکان و قفقاز و خاورمیانه به سوی ترکیه مهاجرت کرده‌اند و نیمی از آنها در راه کشته شَده‌اند.

http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=27683

نویسنده: روضه خون

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 13:23

اصلا سر در نمیارم. حالا البته کسی هم حساب نکرده ولی چه ارتباطی هست بین تعداد حروف و آیات و اجزا با برج های دوقلو؟!!
و یا مثلا بین پنتاگون؟!
مثلا پنتاگون کی می ریزه؟!!
یا کنست؟
همین سوالات باید کافی باشه.

نویسنده: ایلماز

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 17:17

با سلام خدمت استاد کبیر
هر روز که میگذرد بیشتر پی به عظمت تحقیقات شما می بریم.چنان است که فقط گوشه ای از این تحقیقات باعث حیرت غیر قابل وصف و به قول امروزی ها هنگ مغزها میگردد!
فقط نگاه به مستندهای بی نظیر تختگاه و طوفان نوح استاد غفوری از همان ابتدا برای افکار آزاد اندیش و بدور از تعصب وضعیت تاریخی و فرهنگی و... کشورهای ایران و ترکیه را روشن میکند!یادداشتهای موشکافانه درباره هند هم بوی لجن پراکنی ها در این کشور را به مشام می رساند.آیا این سناریو نویسی های مضحکانه و کودکانه برای دیگر کشورهای منطقه هم صادق است و نگاه بنیانی به آنها وضعیتی مشابه به مانند ایران و ترکیه و هند برای آنها رقم خواهد زد؟!و سئوال اساسی تر اینکه آیا تمام جهان به خانه تکانی بنیانی محتاج می باشد؟!(قابل توجه برخی دوستان که می خواستند جواب را از استاد بشنوند!!)

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 18:27

آقای سایه. به گمانم در لا به لای یادداشت ها مطالبی در باب مولانا نوشته باشم، مباحثه در باب مولانا نیز باید همچون گفت و گو درباره ی حافظ و سعدی اداره شود. یعنی ابتدا باید شیراز ششصد و هفتصد سال پیش را نشان داد سپس حافظ و سعدی را. چنان که نخست باید بتوانند قونیه ی 800 سال قبل را آدرس دهند و سپس مولانای مدفون شده در آن را.

آقای ایلماز. با یقین کامل ادعا می کنم که در حوزه ی علوم انسانی سطری مطلب قابل دفاع ننوشته اند.

آقای حسین محمدی. هنگامی که جنگ های صلیبی با این همه هیاهو هرگز رخ نداده است، باور به کشتار ارمنیان به دست ترکان و برعکس از تلقینات تفرقه افکن کنیسه است. لااقل کسی حساب کند که جمعیت تمام ترکیه در آن زمان چند نفر بوده و چه تعداد ارمنی داشته که بتوان یک میلیون آنان را کشت؟

خانم فریبا. قابل تامل است.

آقای عابدی. ظاهرا سایت بار دیگر دچار مشکل شده و به خصوص قسمت جست و جوی آن درست جواب نمی دهد. ممنون می شوم نگاهی به آن بیاندازید.

آقای alid. پیشنهاد خوبی است ولی امکانات آن ها را ندارم.

نویسنده: توحید

جمعه 17 مهر1388 ساعت: 18:56

سلام

این فایل اکسل در مورد اطلاعات کامل آماری و عددی قرآن :

http://www.sharemation.com/godisone/Quran_initial.zip?uniq=-brsele

این هم راهنمای استفاده :

http://godisonenotes.blogspot.com/2005/06/blog-post.html

نویسنده: شاگرد جدید

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 6:18

با سلام خدمت استاد عزیز
اعتبار نسل کشی ارامنه بدست ترکها همان اندازه است که آنوسی کار کشته ای مثل جمال زاده از ایران یکی از شاهدان آن نسل کشی است

یک سوال
چطور است این اکبر شاه بی سواد تحصیل کرده که میبایست زبان مغولی از اجداد خود به ارث برده باشد و در اصل مغول باشد زبان مغولی خود را چگونه و چرا با زبان فارسی تعویض کرده است این زبان را چگونه و از چه طریق آموخته و ترجمه کتابهای سانسکریت به زبان فارسی به چه درد او می خورده است که سواد خواندن نداشته؟ چون ظاهرا این شخص مکتب ندیده است پس شاید هم این اعجوبه بیسواد زبان مادریش فارسی بوده و تنها این زبان را میدانسته و چرا زبان فارسی زبان رسمی این سلسله قلابی و سلسله های قلابی دیگر معرفی میشود؟!!
آیا نوشتن و جعل کردن به زبان مغولی به مغول نشان دادن این سلسله و تلقین بهتر دروغهای ساخته شده کمک نمیکرده همین گونه است سلسله های جعلی سلجوقی و تیموری و صفوی و ... که با قصد زنده نمایاندن هر دو زبان ترکی و فارسی متولد شده اند. اینکه این امپراطوریهای مقتدر ,فارس زده و نه فارس معرفی میشوند, نشان دهنده چیست و جاعلین چه منظوری از این تلقینات داشته اند
حذف زبانها از جمله یدیش و غیر یدیش در منطقه و جایگزینی و مهم جلوه دادن زبان نوپا و الکن فارسی نشانه چه میتواند باشد
در این تاریخهای جعلی همه زبانها و فرهنگها در مقابل زبان و فرهنگ فارسی عاجزند و این زبان که روح فرهنگ و مدنیت منطقه می گویند بر همه فرهنگها تاثیر داشته اما تا به امروز هم الکن است و بدون بهره گیری از زبان عرب قادر به ادای جمله ای به درد بخور نیست

نویسنده: الکی خوش

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 6:41

سلام

کتیبه کورش و تنش در روابط ایران و بریتانیا:

http://www.radiofarda.com/
content/F11_Iran_Cyrus_Cylinder_British_Museum_/1847897.html

این قسمتش خیلی جالبه:

گاردین می‌نویسد، محققان ایرانی نیز بر این عقیده هستند که تردید موزه بریتانیا در قرض دادن کتیبه کوروش به مقام‌های ایرانی با توجه به تهاجم «مورخان یهودی‌ستیز» در ایران علیه کوروش کبیر به عنوان «پدر ملت ایران» قابل درک است.

همه می دونیم درباره کی دارن حرف می زنن ولی اسمی برده نمی شه!

نویسنده: نیوشا

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 6:44

با سلام
میخواستم یه سوال بپرسم ولی می ترسم لحن سوالم بد باشه به همین دلیل پیشاپیش عذر می خوام
آیا واقعا ان همه این ور اون ور رفتن از اندونزی تا هند تا ترکیه تا نمیدونم کجا برای مقدمه چینی برای طرح نتیجه لازمه؟ آیا نمیشه مختصرتر بنویسید تا زودتر به نتیجه گیری نهایی برسیم؟ می ترسیم خدای نکرده...... البته دعا می کنیم خدا عمر تون رو زیاد وعزتتون رو روزافزون کنه
باز هم به خاطر لحن سوالم عذر می خوام

نویسنده: آيدين قشقايي

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 6:59

سلام به دوستان
وقت بخير جناب آقاي پورپيرار
در اينترنت وبلاگي را مشاهده كردم كه احساس مي كنم قصد تحليل علمي مطالب شما را دارد. مي خواستم نظر شما را در مورد مطالب ايشان بدانم.

با تشكر از شما

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 7:58

آقای سنجری. حوزه ی پوریم در سمت غرب و بین النهرین به بابل منحصر است عمده ی آن خرابی و قتل عام در ایران صورت گرفته چنان که تنها مرکز شناخته شده و نیمه ساخت تجمع هخامنشیان هم در ایران است. این نشان می دهد که از عهد کهن ساکنان این سرزمین در شناخت دشمن اصلی منطقه توانا بوده اند. آیا برای شما از سوی من ای میلی نرسیده و اگر رسیده چرا بی جواب مانده است؟

آقای آیدین قشقایی. گویی آن وبلاگ را حذف کرده اند. اگر مطلبی از آن ذخیره دارید لطفا برایم ای میل کنید.

آقای نیوشا. با وجود مقدمات هم فهم این مداخل کلان برای بسیاری دشوار است چه رسد این که بدون مقدمه بیان کنم. فکری برای کم حوصلگی خود بکنید.

آقای الکی خوش. دلم برایشان می سوزد و آن آدرس هم باز نمی شود.

آقای شاگرد جدید. حقایق دیگر آشکار است و متعصبین تنها خود را فریب می دهند. دوست جوان ترک علاقمندی مشغول بیرون کشیدن لغات فارسی و عربی از زبان ترکی است. می گفت وقتی فهمیدم که زبان مادریم برای "بدن" هم لغت بومی ندارد، به عمق فاجعه پی بردم و افسوس زمانی را می خورد که به قدرت تکلم زبان اش می نازید.

آقای احمدی. از زمان پیدایش نسخه ای از الفهرست ابن ندیم و باز هم در زیر زمین های واتیکان، فقط 150 سال می گذرد.

نویسنده: R134a

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 8:34

سلام
یه چیز رو متوجه شدم که هرکدوم از عربهای خزستان درمورد اسامی اجدادش میپرسم حالا 5-6-7-8 تاشون رو که بلد هست میگه میبینم بعد از 2-3 نسل دیگه خبری از اسامی علی، حسین، جعفر، باقر ، مهدی و... و ترکیباتشون پیدا

نمیشه، جالبه که اسامی عمر، ابوبکر و عثمان هم نیست. فقط ترکیبات اسامی خداوند, محمد و اسامی عربی معمولی و بعضی وقتا بیمفهوم هست.

نویسنده: حقیقت

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 8:56

سلام و وقت به خیر
میخواستم سوال کنم که شما نظرتون درباره پروفسور شاپور رواسانی چی هست؟
متشکرم

نویسنده: سرباز

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 9:27

ناصر خان از طریق همین آدرس لینک هم می تونید به وبلاگ معرفی شده از طرف آقای آیدین دسترسی پیدا کنید. اما توصیه می کنم وقتتون را تلف نکنید! اون یارو به اسم بهرام روشن ضمیر هم یه عقب مونده مثل بقیه هست که تا 150 سال آینده هم نخواهد فهمید گفتگوی شما از چیست!!
http://pajuhesh-iranshenasi.blogfa.com/

وب سایت

نویسنده: اترش

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 13:44

سلام خانم حاجی زاده
پیرامون یازده سپتامبر حرف و حدیث بسیار است. به شخصه گمان نمی کنم موضوعی که در مورد پیش بینی آن در قرآن آمده صحت داشته باشد و همانطور که از آیات قبل برمی آید اشاره به مسجد هایی است که برای تفرقه افکنی برپا شده اند.
بعید می دانم آن برج ها در دلهاي سازنده ی آن مایه ی اضطراب و تشویش آنطور که در آیه 110 آمده، بوده باشند. این هم لینکی که به این موضوع اشاره می کند:
http://www.rasekhoon.net/article/Print-37832.aspx

وب سایت

نویسنده: ایمان صمیمی

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 16:47

برکناری و بازداشت قریب الوقوع حسن فاضلی نشلی به روایت سایت سازمان میراث فرهنگی :
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=37300

نویسنده: م

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 13:24

گاهشماری و جشن های ایرانی
سخنران : بهرام روشن ضمیر
جایگاه : بنیاد جمشید
زمان : یکشنبه 15 شهریور ساعت 5
نشانی : خ کریمخان، خ خردمند شمالی، نبش کوچه شهید اعرابی، پلاک 2 طبقه 2
ورود برای همگان آزاد است

از دست دادم!
خیلی جالبه! به شما تبریک می گم. و نیز برای نیوشا که چرا باید گاماس گاماس جلو رفت. این طوریه که مهره های یکی یکی (مثل کتاب ها! مثل عروس ها!) رونمایی!!! می شن!
همین طور تا اینکه حاج رحمت الله رفیع دهن باز کنه! چه شود!
این حاجی رو می شناسید که؟ پسرخاله منه.

حالا این قسمت وبلاگ جالب تره:
نویسندگان
بهرام روشن ضمیر
آیدا آبادپور
نازنین رستگاری
یاسمین آریانا
الیکا بقایی

بانو آیدا آبادپور از بنیانگذاران گروه پژوهش ایرانشناسی متولد 13 تیرماهه! فرحناز، مونا، صبا، کیوان، مسعود، مازیار هم دوستای نزدیکش هستن! عاشق شهر های سیاوش سارویه! خود بهرام تاریک ضمیر و سیه عقل هم متولد 31 اردیبهشته! نازنین هم متولد 25 بهمن ماهه! یاسمین دور خودش می چرخه. الیکا زیاد خواب می بینه،نازنین شوهر نداره،آیدا خوب پول می گیره و احتمالا رئیس پشت پرده است و خود رام به(بهرام!) هم عروسک خیمه شب بازیه. موافقید؟
به این آدرس برید تا دنیا و آخرتتون درست بشه!
http://pajuhesh-iranshenasi.blogfa.com/Profile/

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 19:4

آ قای حقیقت . با ایشان آشنایی از نزدیک ندارم. و آنچه تاکنون تالیف و منتشر کرده است، از بنیان شناسی بسی دور است.

اقای R134a. به مطلبی کاملا اقناعی و هوشمندانه اشاره کردید و در سراسر ایران صحت دارد.

آقای صمیمی. همه را امتحان کردم و روسیاهی به بارآوردند.

نویسنده: مسعود

شنبه 18 مهر1388 ساعت: 19:28

خسته نباشید جناب استاد و شب عالی بخیر.

امروز نمایش مهوع سیاسی کاران ترکیه و ارمنستان در باصطلاح عادیسازی روابط دو کشور به طرز مسخره ای در زوریخ به انجام رسید!!!
گمان میکنم نوشته های کوبنده جنابعالی اینگونه تاریخ مصرف قهر کردنهای نمایشی میان دولت بیزانس جنوبی و ارمنستان را به خاتمه کشانده باشد زیراکه وقتی در صد سال پیش عثمانی نیرومندی وجود خارجی ندارد و تنها یک شرکت چند منظوره یهودی است آنگاه جنگ و یا قتل عام یکی از استانهایش ! موسوم به ارمینیا چه معنایی دارد !!!
واقعا" آفرین بر شما استاد کاری کرده اید که دلقکهایی از قبیل "لاوروف" روس و "کلینتون" و "سولانا"ی مسخره برای نمایش فاجعه بار امروز از طرف سرمایه گذاران فتنه و آشوب در جهان یعنی یهودیان به این دلقک بازیهای خیمه شب بازانه پشت سر "داوود اوغلو" ی بیزانسی و "تعلبندیان" ارمنی مجبور شوند !!!

در پناه خدای واحد سلامت باشید.

نویسنده: شاگرد جدید

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 6:12

با سلام خدمت استاد
به نظر بنده شما سوال بنده را با سوال یکی از دوستان اشتباه گرفته اید
من در مورد قدرت زبان ترکی ننوشته ام
ساده ترین حالت سوال بنده این است
توجیه در جعلیات در این مورد که صحرانشینان مغول و سلجوق و غزنوی و ... چگونه و چرا زبان فارسی را یاد گرفته و به آن ارزش داده اند چیست ؟
آیا توجیهی وجود دارد یا تنها قصد جاعلین و ابزار آنها زبان و ادبیات فارسی و محموله فرهنگی آن است
شما به نوشته بنده ضمیمه کرده اید که گویا جاعلین به قصد زنده نشان دادن هر دو زبان فارسی و ترکی این جعلیات را برنامه ریزی کرده اند
پس چرا در تمام این قصه ها فرهنگ و زبان فارسی غالب و فرهنگ و زبان مهاجم(ترکی) مغلوب است
به نظر بنده و با توجه به تاریخ کشف آثار و نوع نگارش مکتوبات ترکی بعد از مکتوبات فارسی جعل شده و این مسئله

ضرورتی بوده که بعدا احساس شده است البته در مواردی اندک نشانه ها یی از توجه به این فرهنگ به چشم میخورد (ده ده قورقود) که شاید از همان ضرورتهای بعدی است و جعلی تازه تر
در اصل جاعلین در جعل آثار فارسی حریص ترند و قصدمقابله این زبان و فرهنگ را با فرهنگ عربی اسلامی داشته اند و اندک آثار جعلی ترکی در مقابل جعلیات فارسی نمیتواند برای ساخت و تزریق یک فرهنگ کافی باشد از نشانه های این موضوع هم دزدی شخصیتهای ساختگی همچون مولانا و نظامی و ابن سینا و بسیاری دیگر توسط ترکها برای وصله پینه جاهای خالی در فرهنگ آنان است در حالی که این شخصیتهای بلخی و گنجوی و ... که میبایست ترک زاده باشند هم به نفع فرهنگ فارسی جعل شده اند وباز هم همان داستان تسلیم و توجه به این زبان و فرهنگ غالب به مشام میرسد
اینکه حکومت ها و امپراطوریهای جعلی با قدرتها و قلمرو های افسانه ای در عالم جعل هم در برابر زبان و ادبیات و فرهنگ غنی فارسی سر تعظیم فرود میآورند بسیار عجیب و مشکوک است و اهمیت این زبان و فرهنگ برای جاعلان را نشان میدهد
به نظر میرسد جاعلین یهود ابزاری بهتر از زبان فارسی که به تمام زوایای آن مسلطند برای جعل در دست نداشته اند و با پرو بال دادن به آن تسلیم و توجه تمام فرهنگها در برابر آن از مقاصد جاعلین بوده و توجه به فرهنگ و زبان ترکی در این اواخر ضرورتی است که اولویت نداشته است
به نظر شما اینگونه نیست

نویسنده: عادل

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 8:41

http://makhtota.ksu.edu.sa/
نسخ خطی دانشگاه عربستان

نویسنده: آيدين قشقايي

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 9:41

سلام به دوستان
وقت بخير جناب آقاي پورپيرار، خسته نباشيد
آقاي بهرام روشن ضمير به آدرس وبلاگ زير ادعا دارند که مي توانند در مورد موضوعات مطرح شده، با شما مناظره کنند.
http://pajuhesh-iranshenasi.blogfa.com/
با تشکر

وب سایت

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 13:9

با سلام
میبینیم که چهره جدیدی برای بحث با بنیان شناسی پیدا شده است!ولی آیا او در این حد است که بحثی با ایشان راه اندازی شود!به این پاسخ او ریز شوید!
((دوست من ما را گرفته ای؟ شوخی میکنی؟ یک بچه ای یک دوربین دستش گرفته و دنبال پورپیرار راه افتاده از چهار تا نما فیلم گرفته و میگوید تخت جمشید نیمه کاره است؟! جوک میگویی؟ چون خراب شده پس نیمه کاره بوده؟ آکروپولیس چی؟ اونم نیمه کاره است؟ چون امروز سقف ندارد یا ستونش کج است یا یکجایش نیست.
من نمیتوانم تصور کنم که آنها یک کاخ تمام شده نداشتند و شب تو خیابون میخوابیدند. این تصورات شما و پورپیرار است و نه تصورات جهان آکادمیک.))
و چقدر راحت اثبات میکند که اشکانیان و ساسانیان وجود دشاته اند!!
((بله آثار تاریخی و باستانشناسی پس از خشایارشا فقیر میشود. ولی آن اندازه هست که به حذف آن حکم ندهیم. تا میرسیم به اسکندر که انبوهی از سخنها و روایات به زبانهای گوناگون و کسان گوناگون درباره برخوردش با ایرانیان زده شده و پس از آن پارتهای اشکانی را داریم که البته فیل هلن یا یونان دوستند ولی نه یونانی!. و همه تاریخنگاران از آنان سخن گفته اند. و بزرگترین برخوردها میان آنان با امپراتوری رم در میانرودان و در کنار رودخانه های دجله و فرات روی داد. و همچنین ساسانیان که پررنگ ترین دوران ایرانیان است و برخوردهایش با جهان غرب سنگین و نفسگیر تر. و سپس اعراب که به گزارش انبوه منابع عربی و ایرانی و اروپایی به سختی و شهر به شهر ایران را اشغال کردند.))

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 13:31

میگن ندانستن عیب نیست نپرسیدن عیبه!
استاد در خواندن نقدهای دندان شکن جناب روشن ضمیر به دو نکته فنی رسیدم!اگر توضیح دهید ممنون میشم
1.در مورد آثار رومی در خاورمیانه گه نقاد از آن شگفت زده شده
2.اتفاق افتادن پوریم در زمان داریوش دوم نه خشایارشاه

نویسنده: یکی

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 10:25

سلام
این یه کتاب از قرن دوم سوم هجری که 120 سال پیش جعل شده:
http://makhtota.ksu.edu.sa/makhtota/4428/1

این یکی رو هم قرن هفتم نوشته و 200 سال پیش جعل کردن:
http://makhtota.ksu.edu.sa/makhtota/1802/1
در این صفحه، لینکی هست در انتها که مکه و مدینه رو به قم و مشهد می چسبونه! یعنی :
http://www.shareh.com

این هم قرن سوم نوشته شده در زمان غیبت صغری که باز 200 سال پیش جعل شده:
http://makhtota.ksu.edu.sa/makhtota/2269/1
دیگه کسی نمی تونه بگه که تشیع در زمان صفویه ساخته شده!

حیف کسی قدر منو نمی دونه. مثلا شما می دونستین که این کتاب:
http://makhtota.ksu.edu.sa/makhtota/3938/1
احتمالا تعارف می کنند وگرنه قبل از اسلام نوشته شده؟!

این قدر هم به این روشن ضمیر گیر ندین!البته که اشکانیانی که با روم می جنگیده اند باید هم طرفدار یونان باشند! پس می خواستید طرفدار عربستان که پارلمان نداره باشند؟! دعوا سر این پارلمان و سنا و کنگره است!

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 14:9

آقای قشقایی. جواب را آقای ایلماز داده اند.

آقای ایلماز. جواب ها در یادداشت های پیشین آمده است. باید از کسی گفت که لااقل این یادداشت ها را خوانده باشد. مناظره و فهمیدن مستند تختگاه و طوفان پیشکش اش!

آقای شاگرد جدید. مسلما دفتر مرکزی مهندسان قوم ساز برای این منطقه، ایران بوده و قدمت نشانه های حضور آنان، از جمله با همان متون فارسی با حروف عبری اثبات می شود. گواه دیگر برای مرکز شناختن استقرار تشکیلات و مدیریت شرق شناسی در ایران از متونی بیرون می آید که با زبان فارسی و ترکی و اردو نوشته اند. نخست این که متون فارسی انحصارا از لغت عرب و متون ترکی از لغت فارس و عرب تواما بهره برده است. این مطلب می رساند زمانی که جا به جایی پدیش ایران، با زبان یک قوم تاریخی، به نام فارس، تدارک می شده، هنوز برای تبدیل پدیش اروپای شرقی و جنوب روسیه به زبان قومی به نام ترک برنامه ای نبوده است. این مطلب و نیز ضعف مفرط زبان ترکی در عرضه ی لغات انتزاعی، نوساز بودن آن قوم و زبان شان را تایید می کند. با این همه بنیان این مباحث دعوا بر سر قدمت و قدرت این زبان و آن دیگری نیست، هدف نمایش توطئه ی گسترده ای است که با دست و پا کردن این اقوام، منطقه را گرفتار قوم پرستی و تفرقه ی مذهبی کرده اند و در وضعیت کنونی هر یک از این اقوام، با ادعاهای ناسیونالیستی عجیب و غریب شان، نه فقط چاله ای در راه تجدید اتحاد اسلامی از دست رفته اند، بل آشکارا با فرهنگ و زبان قرآن می جنگند.

آقای صراف. مدت هاست ارزیابی سلامت اندیشه نزد مدعیان، قضاوت آن ها درباره مستندهای تختگاه و طوفان است. از نظر بنیان اندیشان کسانی که قادر به درک درس این دو مستند نباشند، یا کاملا کورند و یا بسیار نادان و متعصب.

آقای یکی. فقط کافی است سئوال کنیم این کتاب ها را با کدام خط می نوشته اند؟ با همان خطوطی که در کتاب "پاپیروس" ها معرفی شده؟!!!

نویسنده: توحید

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 12:0

با سلام و عرض اجازه از محضر استاد ،

خانم حاجی زاده کامنتی درباره برج های دوقولوی تجارت جهانی و ارتباط آن با قرآن قرار دادند که برای من به عنوان یک بنیان اندیش عجیب بود و چنین انتظاری را نداشتم ، هر چند جذابیت چنین برداشتهایی از قرآن آنقدر زیاد است که عده زیادی را به سوی خود جذب می کند ولی بعنوان کسی که مدتی درباره این موضوع ، یعنی اعجاز عددی قرآن و اطلاعات آماری قرآن تحقیق کرده ام به هیچ قطعیتی در این زمینه نرسیدم و به چند نمونه شیادی هم در این مورد بر خورده ام . مثلا جالب است بدانید که از طرف شخصی که مدعی کشف رمز گشایی معجزه عددی قرآن بوده ، یعنی « دکتر رشاد خلیفه » و اعتقاد به کد 19 در قرآن داشته ، ادعا شده که بر اساس همین کد 19 تعداد آیات قرآن موجود بیشتر از اورجینال آن است و 2 آیه انتهایی سوره « توبه » اضافی است و جزء قرآن و کلام وحی نیست و یا با شیادی تمام در ترجمه آیاتی چون :

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (فرقان -56)

و

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ (تکویر – 22)

در داخل پرانتز چنین معنی کرده :

و تو را (ای رشاد)جز بشارتگر و بیمدهنده نفرستادیم

و رفیق شما (رشاد) مجنون نیست

و مدعی شده که این آیات در شان او نازل شده است !!!

تا اینکه امروز اتفاقی به این آیه برخورد کردم :

وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الأَرْضِ يَنبُوعًا

و گفتند تا از زمین برای ما چشمه جوشانده نشود به قرآن ایمان نمی آوریم .

حالا این آیه مصداق کار ماست که تا از قرآن معجزات عددی و چیزهای خارق العاده نبینیم ، به آن ایمان نمی آوریم ؟!

نویسنده: زنگ تفریح

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 17:48

داشتم با ماشینم مي رفتم سر کار که موبايلم زنگ خورد گفتم بفرماييد الووو.. ، فقط فوت کرد ! گفتم اگه مزاحمي يه فوت کن اگه ميخواي با من دوست بشي دوتا فوت کن . دوتا فوت کرد . گفتم اگه زشتي يه فوت کن اگه خوشگلي دوتا فوت کن دوتا فوت کرد . گفتم اگه اهل قرار نيستي يه فوت کن اگه هستي دوتا فوت کن دوتا فوت کرد . گفتم من فردا ميخوام برم رستوران شانديز اگه ساعت دوازده نميتوني بياي يه فوت کن اگه ميتوني بياي دوتا فوت کن دوباره دوتا فوت کرد . با خوشحالي گوشي رو قطع کردم فردا صبح حسابي بخودم رسيدم بهترين لباسمو پوشيدم و با ادکلن دوش گرفتم تو پوست خودم نمي گنجيدم فکرم همش به قرار امروز بود داشتم از خونه در ميومدم که زنم صدام کرد و گفت ظهر ناهار مياي خونه؟ اگه نمياي يه فوت کن اگه مياي دوتا فوت کن.

برای رفع عصبیت از آشنایی با امپراتور اکبر فارس مغول هندی عرض شد که گرچه خواندن و نوشتن بلد نبود ولی بسیار تحصیل کرده و با هوش بود چنان که نام تمام مگس های طویله اسب های اش را هم میدانست.

ضمنا دوست عزیز آقای توحید در آیه 90 سوره اسرا منظور به تو ایمان نمی آوریم است نه به قرآن ایمان نمیآوریم.

نویسنده: توحید

یکشنبه 19 مهر1388 ساعت: 23:13

سلام
آقای آنتراک (زنگ تفریح) از توجه شما ممنونم ولی در اصل مسئله تاثیری ندارد و همان منظور را می رساند .

نویسنده: reza

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 3:29

جام نقره جلیل آباد

http://www.iranatlas.info/elimate/jalilabad.htm

وب سایت

نویسنده: بابک

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 5:43

با اجازه آقای پورپیرار اینجانب اختلاطی با این آقای روشن ضمیر کردم و همه چیز را متوجه شدم... 
شما در نوشته های خودتان آقای زرینکوب را با احترام یاد کرده و فردی که انتقاد چندانی بر او نمیشود داشت معرفی کرده اید. من کتاب دو قرن سکوت این دروغگوی بزرگ را خوانده ام چیزی جز افروختن آتش کینه اقوام ایرانی نسبت به همسایگان عرب و اسلام نتیجه ای نداشته است. در این کتاب مشهور برای نوشته های خودش کوچکترین دلیل و مدرک وجود ندارد.
همچنین شاپور شهبازی و... هم بیشتر به جای آوردن سند و مدرک در نوشته هایشان مشغول خیالپردازی هستند. دوست عزیز برای اثبات اتفاق وحشتناک کشتار پوریم همین شهرهای خراب شده و افول روند تمدنی قبل از هخامنشیان کافی می باشد که فقط منتهی به بنای نیمه کاره ای به نام تخت جمشید (تختگاه سلیمان) میشود. بعد از این بنا به جز تعدادی آثار یونانی دیگر اسم و اثری از مردمان قبل از هخامنشیان وجود ندارد. در ضمن اگر پارتیان شما (اشکانیان) یونان دوست بوده اند پس چرا با یونانیان به عنوان متجاوز بر خورد کرده و با آنها سالها جنگیده اند؟؟؟ ای کاش افرادی مثل شما که کارشان انتقاد منصفانه نظریات دیگران می باشد افرادی مثل زرینکوب و امثال ایشان را نیز نقد می کردند.
من مستند تختگاه هیچکس و مستند شکوه تخت جمشید را که در اولی پورپیرار بدون مدرک دانشگاهی و در دومی پرفسور هایی مانند فرای و رمی بوشارلا و شاپور شهبازی صحبت کرده اند دیده ام آنهم چندین بار ولی مستند اول بسیار علمی تر و مستند تر یافتم و مستند دوم شبیه به انیمیشنهای کارتونی می ماند که بیشتر به کار تحمیق مخاطبان خود می آید.
افرادی مثل شماها و حتی اساتیدتان نیز جرات مناظره و رودررو شدن با ایشان را ندارند چون در برابر یافته های ایشان چیزی برای ارائه ندارند. شما به پنچر کردن ماشین یا پرت کردن تخم مرغ و گوجه به سر و صورت ایشان افتخار کنید که اینکارها کار انسانهای نادان جامعه می باشد هرچند که از قشر دانشجو باشند.
حرف زیاد است ولی وقت من تنگ است.
خداوند به ما قدرت و جرات قضاوت بدون تعصب بدهد سر بلند باشید بابک

نویسنده: بابک

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 5:44

جواب ایشان:
دوست گرامی، من که کارهای فیزیکی و توهین و تحقیر را خودم محکوم کردم. چرا دست پیش میگیرید تا پس نیوفتید؟
نوشتار خود شما در همینجا توهین آمیز است یا نوشتار من؟
سخنان شما شعاری است و شعار پاسخ ندارد. یا من بلد نیستم شعار بدهم.
فقط یک بخش سخن شما قابل پاسخ دهی و استدلالی بود و آنهم اینکه فرمودید "اگر پارتها یونان دوست بودند چرا با یونانیان به عنوان متجاوز جنگیدند؟".
بدبختانه شما تاریخ را به کل رد کرده و الفبای آن را کنار گذاشتید. به همین جهت آموختن تاریخ به شما سخت است ولی من تلاشم را میکنم.
1- اسکندر و سلوکیان و شاهان و بزرگان و ارتشیان متجاوز به ایران که پس از قیام پارتها با آنها درگیر شدند و جنگیدند مقدونی بودند و نه یونانی.
2- پارتها به ویژه مهرداد یکم و سپس مهرداد دوم مقدونی ها و دولت آنها یعنی سلوکیان را از ایران بیرون کردند ولی با یونانیان مهاجر به ایران که دیگر حسابی جا افتاده بودند و شهرها داشتند و تمدن داشتند را کاری نداشته و حتا به آنها بیش از دیگر اقوام احترام و ارج میگذاشتند.
پس سخن شما بی ربط بود.
با سپاس.

نویسنده: یاسر

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 6:12

با عرض سلام خدمت استاد عزیز
کتابی هست تحت عنوان عرب ستیزی در ادبیات معاصر ایران انتشارات کارنگ لطفا در مورد چگونگی تهیه آن مرا راهنمایی

فرمایید
همچنین مجموعه کتابهای جناب عالی را خواستم

نویسنده: عادل

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 8:26

عکسهای قدیمی هند
http://www.harappa.com/hawkshaw/9.html

نویسنده: عادل

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 8:34

عکسی از تاج محل و مجموعه ای از قدیمی ترین عکسهای هندوستان
http://www.blogcatalog.com/blog/old-indian-photos

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 9:4

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

در بررسی های بنیانی شما در خصوص جعلیات صورت گرفته در تاریخ مردم شرق میانه هنوز جای مصر خالیست. آیا در همین مجموعه یادداشتها به این موضوع خواهید پرداخت؟

ضمنا ناکنون از جانب شما E-mail دریافت نکرده ام.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: کاظم

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 11:41

استاد برای چندمین بار درخواست دارم که فایل pdf ایران شناسی بدون دروغ را کامل کنید.مرسی

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 12:42

آقای کاظم. کمی دیگر حوصله کنید. باید این زحمت را به استاد عابدی بسپاریم.

آقای سنجری. گمان نمی کنم بتوان بازی های باستان شناسی در مصر را با این یادداشت ها پیوند زد. ضمنا مگر آدرس ای میل شما این نیست؟
<sanjary_m@yahoo.com> sanjary_m@yahoo.com
به این آدرس لااقل چهار ای میل فرستاده ام.

آقای عادل. از ارسال لینک ها ممنونم.

آقای یاسر. برای تهیه ی کتاب ها به تلفن 66492049 رجوع کنید.

آقای بابک. مورد خطاب قرار دادن متعصبین قوم پرست از هر قماش و گروه که باشند تلف کردن اوقات است.

نویسنده: علی اصغر

دوشنبه 20 مهر1388 ساعت: 23:1

سلام خدمت استاد گرامی
بخش اول
می خواستم بعضی از مسائل برای شما باز گو کنم

2 بر خلاف گفته شما خلیفه عبدالاحمید آخرین محصوب نمیشه بلکه سلطان واحدالدین اخرین سلطان عثمانی که قرارداد تسلیم شدن عثمانی امضا' مکنه
3 عبدالحمید 50 حدود 50سال حکومت می کنه در دوره حکومتش کارهای بزورگی هم انجام میده

5 در مورد نقش صفوی در ایران من اطلاعات لازم رو ندارم ولی طبق اسنادی که من مطاله کردم در زمان سلطان سلیم یاووز دولت عثمانی با ترکمن های علوی در حال چنک بود نه از روی مذهب بلکه از روی مسائل سیاسیبا دولت آقگیونلو بود.

6 در مورد عمانات مقدس که در موزه توپ قاپی نگه داری می شود باید به شما بگم که در ترکیه هیچ تاریخ دانی نیسد که به واقعی بودن این وسایل اطمینان داشته باشه
و اکثریت موتقدن که 80 درصد این اثار جعلی هستند.در زمان خلیفای عثمانی به هر کسی که ادعا می کرد که وسیله ابی به طر مثال از پیغمبر داری . هزینه ان فرد رو پرداخت و آن اسر را در مکان کنونی نگه می داشتند.

در مورد کرد ها ترکیه . به نظر شما کدام حرکت حق طلبی در ابتا مردوم خودشو هدف قرار می ده و جوان های مناطق کرد نشین رو به زور تهدید خانواد به اردگاه های ترور می گشنند به شما بیشنهاد می کنم در مورد مسائل اخیر ترکیه بیشتر تحقیق کنید به قانون اساسی ترکیه حقوق کردها در ترکیه بیشتر مطالعه کنید.

من اتقادی ندارم که ترک ها صاحب تمدی بزرگ بودن و یا نژاد برترند چون که در اساسا ترک واحد نژادی نیست بلکه یک واحد زبانی (فدراسیون از ایلهای که به یک زبان مشترک تکلم می کردند) و تمام انسان ها حق دارند به زبان مادریشان بنویسند و حرف بزنند مثلا ترک ها ایران

و در آخر یاداور میشم که فرمان خلیفه مبنی بر منع ورود یهودیاد خارج ازفلستین به قدس در زمان عثمانی صادر شد و با پیمان اصلو برچیده شد و این هم به خاطر داشته باشید که بیشترین ترس اروپایی ها از دولت ها و سربازان ترک بود و بیشترین ضربه ها رو از ترکان خوردند که همین ترکیه ای که هست در پایان جنگ جهانی اول طبق برناه منتفقین به سه کشور مختلف در هال تقسیم بود از جمله ارمنستان بزرگ که به لطف مصطفی کمال نشد.
و به شما پیشنهاد در مورد ترکها بیشتر مطالعه فرمایید

با تشکر

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 4:36

آقای محمد کریمی. آن شخص صاحب نظر مستقل شمرده نمی شود. داستان هایی تاریخی برای بزرگ سالان شبیه پاورقی های مجلات از این قبیل که حسن گفت فلان و حسین فلان جواب را داد، سر هم می بندد و تولید سرگرمی می کند، اما گره از هیچ بغرنجی تاریخی را نگشوده است. به اصطلاح ژورنال نویس است.

آقای علی اصغر. بخش هایی از چند کامنت ارسالی شما را نگه داشتم تا روشن فکران ترک چاره ای برای این همه سرگردانی ذهنی بیابند. حد اقل این که شما هم مثل دیگر ترکان روی زمین قاطعانه نمی دانید آخرین سلطان عثمانی چه کسی بوده است ولی باز هم از دولت عثمانی سخن می گویید.

آقای علی فاتحی. ابتدا وجود شهر شیراز در زمان صفویه را اثبات کنید و سپس هر خانواده ای را که مایل بودید در آن قرار دهید.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 5:59

با سلام
آخرین پادشاه عثمانی
http://www.kabulnath.de/Salae_Panchoum/Shoumare_105/Ischwar%20Dass-%20Osmani.html

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 6:23

هشدار ایران به موزه بریتانیا در ارتباط با ارسال منشور کوروش
حمید بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران به خبرگزاری فارس گفت که موزه بریتانیا اعلام کرده است به علت حوادث پس از انتخابات ایران، برخلاف قول قبلی خود قادر به ارسال منشور کوروش به ایران نیست و آن را در فرصتی دیگر در ایران به نمایش خواهد گذاشت.
آقای بقایی این اقدام موزه بریتانیا را "بهانه ای سیاسی" دانست.
موزه بریتانیا گفت که هیات امنای موزه "قصد خود برای قرض دادن منشور کوروش به ایران را مورد تاکید قرار داده اند."
در بیانیه موزه آمده است: "شماری از مسائل و مشکلات هست که باید حل شود، اما همانطور که توافق شده قصد ما ارسال آن است."
هانا بولتون رئیس دفتر مطبوعات موزه بریتانیا اخیرا در گفت و گو با روزنامه گاردین گفته بود: "موقع قرض دادن هرگونه شیئی باید بررسی کنیم که زمان مناسب است یا نه."
او افزود: "ما امیدواریم بتوانیم به تعهد خود عمل کنیم، نمی توانیم بگوییم چه زمانی خواهد بود. در مقطع کنونی اوضاع ایران را زیر نظر داریم."
آقای بقایی گفت: "این اقدام موزه بریتانیا تنها یک بهانه است و آنها می خواهند عمل به تعهدشان را به تعویق بیندازند به همین دلیل ما طی یک مهلت 2 ماهه به آنها فرصت می دهیم تا این موضوع را تعیین تکلیف کنند."
او افزود: "اگر آنها منشور کوروش را برای نمایش در ایران تا حداکثر دو ماه آینده ارسال نکنند، ما هم تمام همکاری های مشترک باستان شناسی، برپایی نمایشگاه های میراث فرهنگی و غیره را در انگلستان متوقف و قطع خواهیم کرد."
منشور کوروش حدود 2500 سال قبل به دستور این پادشاه هخامنشی ساخته شده است.
گفته می شود که این منشور حاوی اولین مجموعه حقوق بشر است و بر بردباری مذهبی تاکید می کند.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 5:34

سلام
مباحثی است حول معجزات ریاضی قرآن که صرف نظر از صحت یا کذب بودن این نوع مباحث، هرگز برای شخص من جذابیتی نداشته است، مدتی پیش دوستی این مطلب را برای من ایمیل کرد، به دنبال مطالعه ی آن و از آنجایی که آن حادثه تاثیر چشمگیری در روابط و حقوق بین الملل مسلمانان داشت، جستجویی در فضای نت کردم و دیدم که در مقالات بسیاری نام محله ی برجهای دوقلو "گارف هار" عنوان شده است، ولی ظاهرا این هم یکی دیگر از گافهای از جنس شیعه بودن اینشتین و شعر سعدی بر سر در سازمان ملل است!!!
در هر حال ارسال یک مطلب به منزله ی تایید یا اعتقاد به آن نیست.

نویسنده: محمد كريمي

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 13:33

سلام
1.با توجه به كتابهاي شما كه اثبات كرديد كه سنگ نوشته هاي ساساني جعلي ميباشد و خط پهلوي تازه ساخت است. لطفا نظر خود را در مورد سكه هاي ساساني با خط پهلوي بيان نماييد.
2.آيااسمي يا ردي از پيامبران (موسي،عيسي،ابراهيم،يوسف و...) در اسناد باستان شناسي به جز كتاب تورات و كتاب هاي ديگر وجود دارد.

نویسنده: کارون

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 15:40

آقای پور پیرار شما ثابت کنید که شیرازی وجود نداشته؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 16:43

آقای کارون. یادداشت 137 را به دقت بخوانید.

آقای محمد کریمی. آن ها سکه هایی بدون هویت و نزدیک به تمامی آن ها مجعول اند. ضمنا تردید درباره موسی و عیسی و محمد شاید آسان باشد، اما حتما نمی توانید منکر وجود ادیان یهودیت و مسیحیت و اسلام و مراکز عبادت کنیسه و کلیسا و مسجد شوید. نخستین مبلغ این ادیان همان موسی و عیسی و محمدند.

نویسنده: یه نفر

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 14:18

سلام
بدینوسیله اعتراضم به شما جهت درج چرندیات رو اعلام می کنم. لطفا هر کامنتی رو تایید نفرمایید! آخه این داش علی اسی ببینید چی ها نوشته:

عبدالاحمید
کارهای بزورگی
خلیفای عثمانی
به طر مثال
من اتقادی ندارم
فلستین
پیمان اصلو

ولی این یکی رو کاملا درست نوشته:
مصطفی کمال

از این واضح تر؟!!

اگر بگم بقیه دوستان هم نظرشون رو اعلام کنند این وبلاگ بمباران کامنتی می شه! پس لطفا ... .

نویسنده: مارلیک

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 18:29

باغبان پير گريان شبيخون خورده گفت: بي تو اي غنچه گل سرخ شهيد همه گلهايم گل حسرت شده اند و نسيم بوي بي باوري و تسليم بوي تن در دادن دارد خاك اگر خاك كرامت باشد دهن باغ پر از فرياد است و درخت سرخي كينه گل را مي سرايد با خشم كاش اي كاش باز در باغ گل سرخي بود. باغبان بر سر نعش گل سرخ نشت گل سرخ آخرين سرخ گل خون آلود گل شهيد نعره باغستان گل سرخ تيرباران شده جوجه يخ زير رگبار زمستاني شب خواب آزادي رويش ميديد قلب سبز گل سرخ باصدايي خونين در شب باغ سروداز شب زرد زمستان تا سحر سرخ بهار فصله فرياد است تا گل سرخ شدن راهي نيست ميتواني گل سرخي باشي باغبان اشكش را با پر شال چهل تكه زدود.

"گفته مي شود اين قديس او را تقديس كرد و همسر اكبر باردار شد!!!"

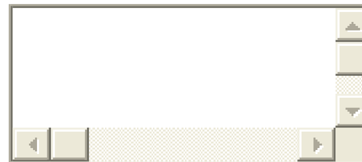


نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 230، نتیجه 38، حقه بازی ها در هند، 7 - 57 نظر

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 19:41

با سلام
خیلی ها معنی اثبات را نگرفته ند!!تا مثلا میگویی شیراز را قبل از حافظ اثبات کن می گویند تو خودت را اثبات کن که وجود داری یا استادت را اثبات کن!!!
استاد کمی مراعات حال بندگان خدا را بکنید!هنگ کرده اند و ری استارت هم نمی شوند!!

نویسنده: یه نفر دیگه

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 20:32

اگه قرار باشه هر کامنتی تایید نشه باید در اولین قدم کامنتهای دوستانی تایید نشه که اینجا رو با محفلی برای ارسال جک و نوشته های بی سر و ته اشتباه گرفتن.حالا تا یکی انتقاد داره سریع بپریم به جونش خفش کنیم.حالا بگه چی میشه ؟خود آقای پورپیرار جوابش رو داد بقیه چرا می سوزن. در ضمن گرچه داشتن عینک دشمن یاب خیلی خوبه ولی " ان بعض الظن اثم " هم بد نیست راستی اگه تو قاضی می شدی چند روزه از خلخالی جلو می افتادی ؟ ها؟!!!!!!!!!!!!!

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 21 مهر1388 ساعت: 22:58

آقای سایه. زمانی از حیات و وجود اشخاص حرف می زنیم و زمانی از آثاری که به نام آنان مارک زده اند. هنگامی که اشاره ای به مکتوبات باستانی می خوانیم، بلافاصله سه سئوال اولیه پدیدار می شوند: با چه خطی، بر روی چه ماتریالی نوشته شده و آیا اندک بقایایی از آن باقی است؟ این که افلاطون و ارسطو و هرودوت و ابن ندیم و حافظ و غیره واقعیت جسمانی داشته باشند، ذره ای از گناه جاعلینی نخواهد کاست که بدون پاسخ دادن به آن سه سئوال نخستین، با نام آن ها دکان باز کرده و مکتب اداره کرده اند آن هم به زمانی که امکانات عرض اندام و بیان حتی برای امپراتوران نیز جز بر سینه ی سنگ

نبوده است. مثلا اگر فرض کنیم افلاطون یک متفکر از پوریم گریخته باشد و حتی مجسمه ای از سیمای او بیابیم، مجوز آن نمی شود که کسانی به نام او در دوران اخیر و برای منافع و مقاصد معین، کتاب جمهوریت بنویسند که نه فقط در عهد افلاطون واقعی نوشتن آن به جهات مختلف مادی و فرهنگی غیر ممکن بود، بل هیچ اصلی از آن و نظایر آن حتی به مقدار پشت ناخنی نیافته ایم. حالا افلاطون را بردارید و به جای او هر نام دیگری که خواستید قرار دهید و البته ساختگی و قلابی بودن شخص و آثار نام آوران حوزه ی پوریم زده جای هیچ تردیدی ندارد.

آقای ایلماز. مضحک این جاست که وقتی نوساز بودن شیراز اثبات هم می شود باز آن ها گویی چیزی ندیده و نشنیده اند. حال آن که فقط کشف زمان پیدایش شیراز طوفانی به پا خواهد کرد که کوه دروغ های موجود را چون ذرات کاه پراکنده می کند.

آقای علی فاتحی. قبلا هم نوشته ام تالیفاتی با خطاب به یهود، که با امکانات فراوان در فرم های چشم نواز و بدون مانع تراشی عرضه می شود، در ماهیت خود منحرف کننده و از نظر یهودیان بی آزار و حتی مفید است.

نویسنده: حسن.ک

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 8:0

سلام استادعزیز.دریکی از8جلدکتاب تاملی در......راجع به نحوه کشف رمز ازخط میخی توضیح نسبتا مبسوطی ارایه فرمودید.واز جمله ذکرشده با کمک کلمه کورش ثبت شده در تورات این مهم به سرانجام رسیده.سوال این است با توجه به مخدوش بودن تورات و اطلاعات وسیع بعدی که جنابعالی ارایه نمودید ایا هنوز ان متد تفسیر وتاویل خط میخی راصحیح میدانید.لطفاتوضیح فرمایید.انشا الله موفق وسلا مت باشید.

نویسنده: سایه

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 8:3

با سلام
استاد باز هم ممنون از جواب بنیانی و ریزبینانه که به واقع اینگونه نگاه شما خواب و خوراک را از کسانی ربوده است!
با اجازه شما سراغ سئوال دوم می روم.روشن کرده اید که هر آنچه به نام هنر امروزه مطرح می شود چیزی جز سرکیسه کردن و منحرف کردن و ... نیست!در یکی از کتابهایتان تعبیر خوبی را درمقابل کلمه نامفهوم هنر ارائه داده اید.نازک اندیشی.این نازک اندیشی چه تفاوتی با هنر دارد و اصولا چه مفاهیمی پشت آن خوابیده و آیا قواعد خاصی دارد یا رها و وابسته به هیچ قانونی نیست؟هر چند قبلا این سئوال را از شما پرسیده ام ولی هنوز نتوانستم دقیق درکش کنم.برای من که به اصطلاح هنر خوانده ام این موضوع بسیار حساس می باشد.و خوبی امر در این است که هنوز هیچ مفهوم و ذهنیتی در این باره ندارم و می توانم نگاه درست آن را در ذهن بپرورانم نه آنچه که امروزه مطرح است!
ممنون

نویسنده: تله پاتی

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 5:22

سلام
می گم این تلویزیون شبها و نیمه شبها مستند های باحالی می گذاره ها ، وقتی همه خوابن آنوسی ها خوب جولان می دن ، امروز حدود ساعت 2.5 صبح یک مستند درباره مقبره های انبیای الهی !! (شما بخوانید انبیای بنی اسرائیل) موجود در ایران پخش کرد که خیلی جالب و جذاب بود . حداقل 10 تا مقبره از انبیای منسوب به یهودیها نشان داد ، از دانیال در شوش گرفته تا یوشع در اصفهان و حزقیا و نحمیا و ... در شهرهای مختلف ، شوش و اصفهان و همدان و تویسرکان و ساوه و قزوین و ... که به نظرم خیلی روشنگر بود . ولی چیزی که برام جالب بود هیچ حرفی از آرامگاه « استر و مرد خای » به میان نیورد و اینکه مسلمانان این شهر ها این مقابر رو دقیقا مانند امامزاده ها زیارت می کردند ...

نویسنده: turk murtaza

یکشنبه 17 آبان1388 ساعت: 23:55

کلمات ترکی پایه و اعضای بدن

بند : مفصل
معده : معده
غضله : ماهیچه
خروم کبالت : کروم کبالت

قولاغین پرده سی : پرده گوش
صنعی دیش : دندان مصنوعی
یومورتالیق : تخمدان
جیناق : جناغ
قاینار حب : قرص جوشان
حب : قرص
چه نه : چانه
استریل سارغی : گاز استریل
ساکت لشدیریجی : آرام بخش
آغیز : دهان
کاسا : صندوق
به زک ملزوماتی : لوازم آرایش
رحیم : رحم
آغ جیگر : ریه
صحیه لنتی : نوار بهداشتی
صابین : صابون
تیقه : تیغه
عسب : عصب
قارا جیگر : کبد
قلب حصه سی : بخش قلب
عمومی حصه : بخش عمومی
رادیولوگیا : رادیولوژی
شعبه : بخش
خایا : بیضه
سونوگرافیا : سونوگرافی
مالیه : حسابداری
آپاندیس : آپاندیس
اینفورماسیا : اطلاعات
تعجیلی : اورژانس

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 231

ایران شناسی بدون دروغ 231، نتیجه 39، حقه بازی ها در هند، 8 - 55 نظر

نویسنده: تله پاتی

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 16:10

سلام استاد
امشب یک میز گرد در شبکه یک دیدم در مورد سریال « شمس الدین قیس کاشانی » منجم ، که مخاطبین نسبتا زیادی داشت ، همینجا متقبل می شوم که کار رسیدگی به مستندهای سیما را بر عهده بگیرم و به نظرم اگر یکی دو نفر دیگر از دوستان من را در این راه یاری کنند شاید بتوان کار ارزشمندی در این زمینه در قالب وبلاگ انجام داد و تهی دستی ایران شناسان را بر ملا کرد و اثبات کرد که طبق تحقیقات گهربار شما ، تا زمان صفویه هیچ حیاتی در سرزمین پوریم زده ایران نبوده است .
خلاصه اینکه در شروع این میزگرد ، مجری از کارگردان درباره مقدمات کار پرسید ، و کارگردان در مورد اینکه منابع این کار در مورد شخص قیس کاشانی بسیار محدود بودند ، گله می کرد و اینکه منابع داخلی بسیار ناچیز بوده و اکثرا از آثار «شرق شناسان غربی» در این زمینه استفاده شد (حال این شرق شناسان بر اساس کدام منابع و اسناد اطلاعات بیشتری از منابع داخلی استخراج کرده اند بماند) ، خلاصه مجری سوال جالب و پر هیجانی مطرح کرد به این مضمون که : « برایم جالب است بدانم دقیقا چند صفحه در مورد این شخص اطلاعات جمع آوری کردید و منابع در اختیار داشتید » که کارگردان گفت : 50 صفحه ! بلافاصله همین سوال را از « نویسنده » سریال پرسید ، که این قسمت بسیار جالب و آموزنده بود ، نویسنده در پاسخ با نیش خندی گفت که البته کارگردان خیلی لطف دارند ، در واقع شاید بتوانم بگویم منابع ما حتی کمتر از 20 صفحه بود !!!
واقعا که چه نابغه هایی داریم که با 20 صفحه مطلب ، سریال های 30 و 40 قسمتی می سازند ، جل الخالق !!!
به نظر من این نکته به خوبی گویای این است که این همه دور تسبیح از به اصطلاح مورخ و مفسر و مترجم و منجم و طبیب و فیلسوف ایرانی ، اشباحی کاغذین بیش نیستند که جاعلین تاریخ ساز کنیسه به طور فله ای و با چند صفحه مختصر زندگینامه ، به ما بخشیده اند .

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 19:47

آقای سایه. مسلما زمانی انسان از بند این توحش عام که نام تمدن گرفته خارج می شود و از مالیخولیای تعلق به زیبایی که عشق علامت بیرونی ابتلای به آن است، رها خواهد شد. چنان که بازیچه ی خلاقیت های هنری را کنار خواهد گذارد و به رفتارهای معمول و غیر فریب کارانه ی آدمی باز می گردد. آن زیبایی که با یکی دو سانت تفاوت اندازه ی دماغ به باد می رود و بسیاری را به باز اندیشی برای تصحیح تناسبات خلقت خود وامی دارد، حتی در ظاهر موضوع نیز تابلوی نئون کاسب کارانی را نشان می دهد که از قبل خرده اندیشی های ناشی از تلقینات سالن های مد یهودی، نان شیرین و چربی به خانه می برند. نازک اندیشی همان نقادی است که در جای پذیرش خام و بز اخفش وار، حتی اگر در ذهن نگه دارد و هرگز بر زبان نیاورد، بر هر مقوله ای پرسشی آزار دهنده ی جاعلان می گذارد.

آقای تله پاتی. مقابر این رابی های بزرگ یهود که از قول آن مستند برشمردید، هنوز صورت علنی امامان و امام زادگان آن قوم است. شمار دیگری را از جمله در دهات دماوند و مثلا در گیلعاد که قبر پنهان عذرا در آن است، به عللی مسکوت گذارده اند. این که ایرانیان قبور این خاخام ها و رابی های بزرگ بنی اسراییل را گرامی می دارند، در برابر آن تورهای زیارتی که یهودیان داخلی و خارجی به قصد اکرام بزرگان مذاهب ما به طور مرتب برگزار می کنند، اصلا به حساب نمی آید!!!؟ کاش کسی از نویسنده سئوال می کرد که همان 20 صفحه را از کجا برداشته است؟ ضمنا کار ارزشمندتان بر مستندهای تلویریون را به تنهایی شروع کنید چه کمک برسد یا نرسد. به هر حال شخصا آماده ام. ضمنا معلوم نیست چرا ثبت ساعت اتوماتیک در بلاگفا چند ساعتی عقب است!؟

آقای حسن. ک. همان مطلب را دوباره بخوانید. کشف رمز خواندن خط میخی داریوشی با حدس زدن حروف کلمه ی شاه و نام داریوش میسر شده است نه نام کورش.

نویسنده: امیررضا

چهارشنبه 22 مهر1388 ساعت: 23:28

استاد واقعا تاریخ ایران مدیون شماست.معنی واژه ناریا چیه؟با تشکر

نویسنده: مسعود سنجری

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 4:57

با سلام خدمت استاد گرامی

چندی پیش یکی از دوستان در یادداشتی در این وبلاگ نوشته بودند که در کشور مالت از اسامی عربی در شمارش اعداد استفاده می کنند. باید اضافه کرد که در مجمع الجزایر مالت مردم به زبان عربی تکلم می کنند اما با خط لاتین می نویسند!!!!. (مثلا Tirigمی نویسند و طریق می خوانند) در نگاه اول باورکردنی نیست اما حقیقت دارد خصوصا در جزیره غوزو که دومین جزیره مسکونی بزرگ این مجمع الجزایر است مردم با لهجه ای کاملا مطابق با لهجه مردم تونس(که نزدیکترین سرزمین به این جزیره است) تکلم می کنند.
مهم تر از زبان اینکه تا حدود 150 سال پیش اکثریت مردم این مجمع الجزایر را مسلمین تشکیل می دادند که امروز دیگر چنین نیست. هر چند باستان شناسان سعی دارند تا حضور اعراب و سامی ها را در این سرزمین تا قبل از اسلام امتداد دهند اما بنظر می رسد که ما با یک مثال یگانه و منفرد از موضوعی رو در رو هستیم که توسط شما برای اولین بار - در خصوص نحوه گسترش اسلام در قلمرو امپراطوری روم در سالهای آغازین دعوت پیامبر- مطرح گردید!
امیدوارم دوستان بیش از گذشته درباره این کشور نسبتا گمنام مدبرانه ای تحقیق کنند چراکه سناریو رخ داده در این مناطق دارای نکات بسیار بدیعی است که با نظریات بنیادین استاد پورپیرار تطابق پیدا می کند.

در ادامه انشاالله مطالبی در این خصوص خواهم نوشت. هر چند امیدوارم نظر استاد را در این باره بدانم.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 9:12

اینهم یک دم خروس دیگر برای کسانی که باور ندارند پشت پرده همه اختلافها فقط یک قوم خوابیده است....یهود

به گزارش رجانیوز، روزنامه حریت چاپ ترکیه در گزارشی نوشت نمایندگان شهر پتاح تیکوا در مجلس اسرائیل ساخت یک بنای یادبود به مناسبت "95 مین سالگرد قتل عام ارامنه" را به تصویب رساندند.

این روزنامه یک ارمنی – اسرائیلی به نام آشوت مارتیروسیان که رئیس "اتحادیه آرارات" است را پشت پرده این تصمیم معرفی کرده است.

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=37978

نویسنده: تله پاتی

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 10:12

سلام استاد

فکر نکنم بتوان کار حرفه ای یی در این زمینه انجام داد ، چون مستلزم پول و امکانات است که از وسع من خارج است ، ولی می توان وبلاگی تشکیل داده و این وقایع ناب را ثبت نمود .
حقیقتا از خواندن مطلب جدید لذت بردم و چون همیشه روشنگر بود . دیشب برنامه ای از شبکه 4 سیما پخش شد با عنوان « ارتباط ایرانی » که به خوبی تاییدی بر تحقیقات ارزشمند شما و متقابلا تهی دستی و هوچی گری باستان پرستان داشت ، برنامه درمورد بررسی تاریخ « ارتباطات » در ایران بود و همانطور که از شروع آن انتظار داشتم یک تراژدی تلخ برای باستان ستایان و یک طنز و فکاهی برای بنیان اندیشان از آب در آمد . برنامه یک مجری خوش چهره شش تیغ کرده و لوس و مزه پران داشت و نیز یک نفر کارشناس « علوم ارتباطات » که تحققیقات تاریخی ای در این زمینه انجام داده بود . خلاصه ادعا ها شروع شد و سخن از اینکه هخامنشیان با سیستمی شبیه سیستم « مورس » با هم ارتباط برقرار می کردند و برای این کار از « دود دو رنگ » بعنوان کدهای صفر و خط مانند سیستم مورس استفاده می کردند (خدا می داند از کجا کشف کردند که این دودها 2 رنگ بوده اند ، شاید از تاریخ هرودوت!!!) و بعد کارشناس برنامه ادعا می کرد که کاغذ و چاپ 200 سال قبل از چینیان توسط ایرانیان اختراع شده بود و مخترع آن « مانی » گمنام و بی اثر که شما پنبه آنرا در کتاب پلی برگذشته زده اید بوده است و با ژستی مظلومانه و با گله و ناله و لوس بازی به مجری برنامه گله می کرد که من دست تنها هستم و نمی توانم با تعدادی دانشجو این موارد بدیهی را به جهان اثبات کنم و با لفظی که هر چند دقیقه یکبار مدام تکه کلامش بود و آنرا تکرار می کرد ، می گفت : «می دانید آقای مجری ، منتهی باید روی این موارد کار شود .... » خلاصه دوران ساسانی را هم پشت سر گذراندند و به دوره دیلمیان رسیدند و مدعی شدند که اولین بار ایرانیان از « کبوتر » به عنوان نامه رسان استفاده کردند (حدود 700 سال پیش) ولی با حیرت تمام چند دقیقه بعد حرف خود را نقض کرده و اشاره کرد که قدمت کبوتر نامه رسان به 2000 سال قبل از میلاد مسیح می رسد

نویسنده: تله پاتی

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 10:14

و نشان آن هم یک مجسمه برنزی رومی است که در فلان موزه نگهداری می شود که یک کبوتر نامه رسان در دستش دارد . ولی برای اثبات ایرانی بودن این شگرد شروع کرد به استناد به یک بیت شعر از « سلمان ساوجی » !!! بعد مجری برنامه تکه ای بی مزه انداخته و گفت ، شاید بتوان اسم چنین شیوه ای را « کفتر پرس » گذاشت !!! و بعد شروع کرد به خنده های بغایت لوس مابانه با آن شیوه تشریفاتی و بی مزه و متقابلا کارشناس برنامه هم با تعارف و از سر ناچاری او را همراهی می کرد ... و کم کم زمام امور داشت از دست مجری در می رفت و برنامه از حالت طبیعی خود خارج می شد و به گپی شبانه و خودمانی تبدیل می شد (باور کنید لحظه ای قید دوربین و بیننده را زده بودند و از یاد برده بودند) « پس در آن زمان کفتر بازی شغلی علمی و تخصصی بوده !!! » و اینبار بدون ملاحضات معمول قهقهه ای از ته دل سر داد ولی کم کم متوجه شد که چقدر کارهایش بی مزه است و شروع کرد به عذر خواهی از بیننده که قصد من از این مزاح ها این است که که چون موضوع برنامه جدی است !!! بینندگان احساس خستگی و کسالت نکنند ، در ادامه اشاره کردند به نوعی دیگر از سیستم پیام رسانی در دوره صفویه و اینکه استفاده از « چاپار » مانند دوران هخامنشی رواج پیدا کرد و از تربیت ویژه این اسب ها سخن به میان آورد و طی یک ادعایی فوق احمقانه مدعی شد که این اسبها طوری تربیت شده بودند که حتی در حالت خوابیدن می دویدند !!! (در اینجا بود که نتوانستم جلوی خود را بگیرم و از خنده منفجر شدم و مانند آن خاطره ای که از اندونزی تعریف کردید من هم روی زمین از خنده ریسه رفتم ، آخه یعنی چی واقعا ، اسبها در خواب می دویدند)ولی بعد که متوجه سخن بی نهایت بی خردانه خود شد ، چون دیگر حتی آن مجری لوده هم در این قسمت با چشمانی گرد شده از تعجب و ابهام به او می نگریست سریعا موضع خود را اصلاح کرد که البته نه آنطور در حال دویدن که بصورت قدم زدن معمولی در حالت خواب این اسبها طی طریق می کردند .

نویسنده: تله پاتی

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 10:15

وخلاصه استاد برنامه ای بود بسیار جفنگ و خنک در حد منبر های رو حوضی و نقالی های قهوه خانه ای که البته موجب انسداد خاطر و فراحت روح بود ولی از طرفی بشدت این موضوع من را آزار می داد که تا کی صدا و سیما و مسئولین کشور می خواهند به این مسخره بازیهایشان ادامه بدهند و چه روزی می شود که به آثار شما بهای لازم داده شود و وارد گفتگوهای ملی شود و اینکه دیگر تا این حد شاهد حیف و میل اموال عمومی برای چنین برنامه های بی ارزش و سخیفی نباشیم ؟!

با سلام و عرض اجازه از محضر استاد ،

نویسنده: آمون

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 14:3

آمون به روز شد. خبرنامه ارسال شد. استقبال از عضویت در خبرنامه به هیچ وجه مرا مایوس نخواهد کرد.
amun.blogfa.com
ساعت ارسال کامنت ها بستگی به این دارد که آیا به دنبال اسکریپت جاوا از صفحه اصلی وبلاگ باز شده باشد یا مستقیم آدرس صفحه وارد شده باشد. مثلا ساعت ارسال هیچ یک از کامنت های من درست نیست!

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 14:56

آقای تله پاتی. یکی دو نکته هم در باب آن برنامه بدانید. به نشانه هایی یقین داریم که آن مجری، مستند تختگاه هیچ کس را دیده است. در این صورت شوخی ها و لودگی های اش تفسیرهای دیگری را هم می پذیرد! دوم این که در یکی از برنامه ها، مجری از باغچه های ویلایی تعریف می کرد که برنامه در محل آن ضبط می شد. کارشناس فرمودند ویلا در منطقه خوش آب و هوای "دره موسی" در قسمت شمالی حوزه ی آب علی و غرب شهر دماوند قرار دارد. دره ای که شاید هنوز هم کبابی های اش در روز شنبه بسته است و بهانه می آورند که به علت مشتری زیاد گوشت های شان را روز جمعه فروخته اند. در این دره ی از نظر یهودیان مقدس، که می گویند محل اسکان و فرود نخستین گروه مهاجر یهودی به شرق بوده است، تعداد نسبتا زیادی ویلا ساخته شده که مالکان لااقل 80 درصد آن ها یهودی اند. حالا شاید کمی دست اندر کاران ساخت این برنامه ی مفتضح آشناتر به نظر آیند. آن پیشنهاد شما را می پسندم که وبلاگ مخصوصی برای ثبت این گونه اصطلاحا سوتی های تلویزیون ملی تدارک شود.

آقای محمدی. آن ها آتش بیار تمام معرکه های خونین در وقایع تاریخ اند.

آقای سنجری. داستان زبان و حضور اعراب در جزایر میانی مدیترانه بسیار آموزنده و مفصل است.

آقای امیر رضا. یک نام مستعار و امضای فرهنگی - سیاسی است که در 30 سال اخیر از آن استفاده می کنم برداشته شده از معکوس حروف ایران.

نویسنده: طالب حقیقت

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 20:47

سلام به استاد عزیز و دوستان گرامی

خواننده مطالب هستم و مانند یک نوآموز در حال آموختن الفبای تفکر.تا ببینم شماره این دروغ های یهودیان به چند می رسد.
استاد واقعا تعداد این ستاره های داوود که در این یادداشت گذاشته اید قابل ملاحظه و عجیب است.

اما سوالی دارم و ببخشید اگر ممکن است تکراری باشد. و آن اینکه این نماد ستاره داوود به چه معناست و اولین بار در کجا دیده شده است.ابداع خود یهودیان است و یا از جایی برداشته اند؟

و مطلب دوم اینکه: اگر از دوستان کسی تمام و یا قسمتی از مجموعه مقالات تلنگر را دارد در صورت امکان برای اینجانب ایمیل نمایند.بی اندازه ممنون خواهم بود.

نویسنده: reza71

پنجشنبه 23 مهر1388 ساعت: 20:55

بررسی جنجالی ترین بیت حافظ

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / آفرین بر نظر پاك خطاپوشش باد

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=68445

نویسنده: محمد رضا

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 5:43

آقایreza71 استاد تمام دورانها ثابت کرده اند که شهر شیراز مقدم بر عهد کریم خان نبوده تا از آن حافظی برخیزد و این مثلا اساتید بند کرده اند به بیتی از آدمی که اثبات شخص اش هم ناممکن است. زیرا اگر از قصه های موجود دست بردارند و به دنبال حافظ واقعی باشند به یک خاخام می رسند و آن گاه سرودن صدها بیت کفرآمیز به نام حافظ کاملا طبیعی می شود.

نویسنده: احسان

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 7:34

علت مرگ پیامبر اسلام را مسموم شدن به دست زنی یهودی نوشته اند. این مطلب اولین بار در کدامیک از تاریخهای اسلامی آمده و تا چه حد میتواند صحت داشته باشد؟ اگر واقعیت داشته باشد اعترافی سخت روشنگر و تکان دهنده و عجیب این که نتوانسته اند تحریفش کنند !
در ضمن بررسی استوانه ی کورش را کی ادامه میدهید؟

نویسنده: از دانمارک

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 17:29

استاد گرامی جناب پورپیرار, با عرض سلام

بدنبال معنی کلمه "الرقاب" میگشتم که در اکثر ترجمه ها بردگان و یا بندگان ترجمه شده، آن را در ترجمه گوگل وارد کردم به فارسی آنرا گردن معنی کرد و وقتی آن را بصورت "فی الرقاب" وارد کردم آنرا به بردگان معنی کرد که معلوم میشود این هماهنگی جهانیست وتقلّبی آشکار، یعنی گردن را با اضافه کردن حروف الف و دال و جابجا کردن همه حروف بصورت بردگان در آورده اند، حال آیا من و یا شما باید متخصص زبان عربی باشیم تا این تقّلب آشکار را درک و افشا کنیم؟

نکته دیگر اینکه در مورد مقاله 47 از اسلام و شمشیر شما فکر و مطالعه میکردم که معنی بی قید و بی خیال بودن برای کلمه "حُر" را مناسب یافتم که البته اطمینان ندارم و نظر شما برایم بسیار با ارزش خواهد بود.

از همه مهمتر اینکه در یکی از ایمیل هایم به شما بدون مطالعه کافی از ترجمه قرآن رشاد خلیفه تعریف و حتّی آنرا پیشنهاد نمودم که اکنون با مطالعه بسیاری از مطالب مورد تحریف قرار گرفته توسط دیگران و تکرار آن توسط رشاد خلیفه و اینکه رابطه و همکاری او با سازمان ملل را فهمیدم آنهم در جهت ایجاد دین واحد که لازمه حکومت جهانی دجالان زمان میباشد وظیفه دارم از ته دل از شما پوزش بخواهم و اشتباه خود را اعتراف نمایم شاید مورد بخشش خداوند منّان و همچنین شما قرار گیرم و سعی خواهم کرد که دیگر چنین بی مطالعه از کسی تعریف نکنم.

فقط درخواستی دارم مبنی بر اینکه شما چه ترجمه ای رابهتر از دیگران میدانید؟ هر چند که میدانم جواب آسان نیست ولی من بدنبال پرفکشن نیستم فقط کدام بهتر از دیگران است و آیا راهی جز فراگیری زبان عربی وجود دارد؟

سؤال دیگرم در رابطه با آثار و کتابهای شماست، چون هنوز موفق به بدست آوردن خود کتب نشده ام ولی تمام نوشته های شما را که برای دانلود گذاشته اید را دارم، آیا همین کافیست؟ و یا مطالب مهمتری در کتب ارزشمند شما وجود دارد که در این دانلودها پیدا نمیشود؟ و من باید حتماً کتابهایتان را تهیه نمایم و اگر اینطور است لطف نمائید و راهنمایی کنید که چگونه میتوانم آنها را پیدا کنم.

نویسنده: مسعود

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 17:58

سلام علیکم و وقت شما بخیر .

در رابطه با نظر آقای سنجری اگر مبدا جغرافیایی ترویج زبان عربی را حوالی مکه و مدینه امروز فرض کنیم و عرب زبان شدن کل مناطق اطراف و شمال آفریقا را نشات گرفته از آشنایی مردمان با قرآن مبین در نظر بگیریم که بالطبع مسلمان شدن مردمان مذکور را بدنبال خواهد داشت در اینصورت مسیحی بودن 98 درصد مردم ساکن در مالت عرب زبان ! چه توجیهی دارد !؟
این مطلبی استکه بنده در کامنت چند مدت پیش عرض کرده بودم که مطمئنا" تنها در حوزه اظهار نظر جناب استاد میباشد...

نویسنده: تیله

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 15:31

استاد گرامی،در پاسخ به سئوال شما باید عرض شود بله که این بناها مغولی هستند، مغولان بدون خانه و کاشانه ی بیابان گرد، سالها در زیر سقف آسمان خوابیده و ساعتها چشم به ستارگان زیبا دوخته اند، بعدها بدنبال گزینش زیست مدنی در هندوستان، بناها و خانه های خود را منقوش به همان ستارگان زیبا نموده اند تا بنا به همان عادت معهود، به هنگام خسبیدن، چشم به ستارگان بدوزند، شما هم هر ستاره ای را به ستاره ی داود مربوط نسازید!

نویسنده: روضه خون

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 15:59

سلام

این هم اسامی قدیم و جدید

آبادان: عبادان

آذرشهر: دهخوارقان

آمل: محمودآباد

اراک:عراق عجم- سلطان آباد

اصفهان: اسپانه- سپاهان

اندیمشک: صالح آباد

انزلی: بندرپهلوی

اورمیه: رضائیه

اهر: ارسباران

اهواز: ناصری

ایذه: مال امیر

ایرانشهر: بمپور

بابل: بارفروشان

بابلسر: مشهدسر

بندرترکمن: بندرشاه

بندرعباس: گمبرون

بهشهر: اشرف

تنکابن: شهسوار

جیرفت: سبزواران

خرمشهر: محمره

دامغان: صددروازه

ری: راقس

زابل: نصرت آباد

رامشیر: خلف آباد

زاهدان: دزداب

ساری: طوسان سیاه

سبزوار: بیهق

سلماس: شاپور

شادگان: فلاحیه

شاه آبادغرب: هارون آباد

شهرکرد: ده کرد

فردوس: تون

قائم شهر: شاهی- علی آباد

قمشه: شهررضا

کاشمر: ترشیز

گرگان: استرآباد

مشهد: سناباد

مهران: منصورآباد

میانه: میانج

هشترود: آذران

همدان: هگمتانه

هویزه: حذیره

یزد: گت

بندرامام: بندرشاهپور

نویسنده: توحید

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 20:56

سلام
آقای " از دانمارک " من مطلبی در رابطه با واژه « الرقاب » ، با الهام از نظر استاد و بخشی هم تحقیق شخصی خودم در وبلاگم نوشته ام که فکر می کنم خواندنش برایتان مفید باشد :
http://mantegh-abdughkhiyar.blogfa.com/post-63.aspx

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 24 مهر1388 ساعت: 21:47

خانم تیله. درست است که بر سبیل مسخرگی و مزاح، مغولان به دیدن ستاره ها عادت داشته اند، اما در آسمان، بی شمار اشکال ستاره است، چرا فقط نوع 6 پر و داودی آن را کپی کرده اند؟!

آقای عابدی. این اواخر چند باری برای جست و جو رجوع کردم که پاسخ درست نمی داد.

آقای از دانمارک. تا زمانی که بنیان اندیشی اسراییلیات را از اسناد اسلامی بیرون نرانده است، تا زمانی که حتی اعراب هم

ماملکت ایمانکم را کنیز معرفی می کنند، تا زمانی که هنوز در معنای الرقاب توافقی نداریم، تا زمانی که مترجمان جرات می کنند در برابر نام یعقوب مساوی با اسراییل بگذارند، هیچ ترجمه ای از قرآن و به هیچ زبانی قابل تایید نیست. با این همه شخصا گاه گاهی به ترجمه فارسی آقای آیتی رجوع می کنم که پرانتز و پاورقی کم تری دارد. این مطلب مسلمی است که یهودیان در معنا گذاری بر برخی از کلمات قرآنی به زبان های دیگر و در هدایت و حتی استخدام برخی از مترجمین و مفسران قرآن در تمام زبان ها نقش داشته اند.

آقای احسان. به کلامی از این مهملات اعتماد نکنید.

آقای محمد رضا. باندشان، که به صورت های گوناگون جلوه می کنند، لحظه ای از مقابله با بنیان اندیشی غافل نمی شوند.

آقای توحید. ضمن ستایش از زحمت و دقت شما، در ابتدای ترجمه ی نهایی از آن آیه "وقتي با کافران در میدان جنگ روبرو شدید" قید مکان میدان جنگ را از کجا برداشته اید؟ ضمن این که ترجمه ی حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ نیز به دقت بیش تری نیاز دارد. در عین حال بدانید که اصل قرآن های معرفی شده در "فرهنگ نامه" غالبا مجعول است، زیرا در زمان مورد ادعا، هنوز خط عرب هم به بلوغ نرسیده بود چه رسد به ترجمه فارسی آن. چنین شگردهایی عمدتا برای معمر نشان دادن زبان فارسی و ترکی است و در عین حال آن مجموعه چندان مغشوش و آشفته است که حتی ترتیب الفبایی آن نیز درست نیست و پس از حرف لام به جای حرف میم سراغ حرف نون رفته اند!!! یعنی این اساتید معزز و پر مدعا ترتیب الفبای زبان شان را هم نمی دانند؟ موفق باشید.

نویسنده: عربگری

شنبه 25 مهر1388 ساعت: 6:54

سلام
من همكاري دارم كه در هنرستان، هنر نقاشي تدريس مي كند و وي طبق آموخته هاي خودش به همه شاگردانش ساليان سال چنين تدريس مي كند كه ستاره داود متشكل از دو مثلث متقابل و نماد زايندگي و نماد زن و زندگي در دنياي باستان بوده است و ارتباطي با ايده هاي جديد يهوديان و صهيونيستها ندارد لذاست كه شما آن را در تمام سرزمينهاي باستاني مي بينيد!
البته ايشان به اين سوال من جواب قانع كننده اي ندارند كه چگونه در دنياي به اين پهناوري تنها يك نماد واحد و مشخص براي مردم باستاني كه ارتباط دهكده كوچك جهاني نداشتند شكل گرفته است.
شما ريشه اين تفكر را سراغ داريد؟

وب سایت

نویسنده: سوال

شنبه 25 مهر1388 ساعت: 9:4

در یادداشت قبلی برداشتی از کتاب جواه لعل نهرو نوشته اید مبنی بر
«هند کشور بسیار زیبایی است که در مقایسه با کشور ما دنیای به کلی مختلف و متضادی است...
مگر جواهر خود هندی نیست
او متولد الله آباد هند است و متوفی در دلهی نو

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 25 مهر1388 ساعت: 10:8

آقای سئوال. این قسمت را نهرو از قول یادداشت های بابر نوشته است. بار دیگر مطلب را بخوانید.

آقای عربگری. انتخاب این لوگوی مثلث ها از سوی یهودیان برای فلسطین اشغال شده که اینک کشور خود می دانند، بی هودگی این مباحث حاشیه ای را معلوم می کند. اگر این لوگو ، گرچه چندان روشن نیست، اما به مسائل یهود مربوط نبود به نقشی بر پرچم آن ها مبدل نمی شد.

نویسنده: reza71

شنبه 25 مهر1388 ساعت: 17:2

جناب طالب حقیقت سلام

کل مطالب تهیه شده توسط آقای اتفاق در لینک زیر آپلود گردید :

http://rapidshare.com/files/293828972/AHRAR_DOCU_MENTS_PDF.rar

پس از وارد کردن آدرس FREE USER را بزنید و صبر نمایید شمارنده به صفر برسد و روی لینک دانلود ظاهر شده کلیک نمایید تا دانلود شروع شود. حجم فایل حدود 26 مگابایت است.

نویسنده: توحید

شنبه 25 مهر1388 ساعت: 18:43

سلام
استاد ممنون که به وبلاگم سر زدید و نکته به جایی را اشاره کردید . الساعة اصلاح می شود ولی کاش در مورد واژه « اثختنتموهم » توضیحات لازم را بدهید ، ضمن اینکه نمی دانم دقت کرده بودید که « ضرب » بصورت فعل بکار نرفته است و حرف «ر» ساکن می باشد یا نه ؟ ضمن اینکه حتی اگر « ضرب » را فعل بگیریم آنگاه معنی « قطع کردن » نمی دهد و باز هم در عربی فعل « قطع » به معنی آن « قطع کردن » که در فارسی مد نظر است نمی باشد و بیشتر به معنی « بریدن » است چنانچه در آیات 31 و 50 سوره یوسف آمده است : « وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ » که به معنی بریدن است نه قطع دست .
با تشکر .

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 4:6

آقای توحید. بارها برای استفاده ی از مطالب به وبلاگ شما رجوع کرده ام و اما اثختنتموهم به معنای خنثی کردن و از تحرک بازداشتن است، مقایسه کنید با ترجمه های موجود که آن را با از پای درآوردن بر اثر کشتار زیاد ترجمه کرده اند و یک رهنمود ساده ی نحوه ی برخورد محتاطانه و ضد جنگ با مخالفان و کافران را به آیه ی گردن زدن به قصد پول جمع کردن تبدیل کرده اند. و در نظر آورید که آیه این رعایت های نخستین را موجب"تضع الحرب اوزارها" یعنی برطرف شدن احتمال تحمیل بار جنگ می داند: اگر با کافران رو به رو شدید، نهایت مراقبت را به کار برید تا خنثی شوند و از تحرک باز مانند سپس یا آن ها پیمان امنیت محکم ببندید یا به خود رهای شان کنید تا احتمال تحمیل بار سنگین جنگ برطرف شود... می بینید بر سر این آیه ی هدایت چه آورده اند؟ ضمنا به معنای کوتاه کردن مجازی برای لغت قطع نیز فکر کنید، چون بریدن و قطع طمع. یا دست های غارتگران را از بیت المال قطع کنید.

آقای ایزدی. به چشم.

نویسنده: احمد

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 12:1

آقای reza71 لینک فوق کار نمی کند و پیغام خطا می دهد:
download session has expired The

نویسنده: اترش

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 15:20

سلام

جناب احمد Rapidshare کمی بدقلق است لینک مشکلی ندارد.
محض محکم کاری این هم لینک دیگری در mediafire که می توانید از آنجا فایل را دانلود کنید:
http://www.mediafire.com/download.php?nmj4mjmmyz2

وب سایت

نویسنده: reza71

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 17:11

جناب طالب حقیقت و احمد
لینک جدید کل مطالب آقای اتفاق

http://www.4shared.com/file/141701745/5553c1ce/AHRAR_DOCU_MENTS_PDF.html

نویسنده: توحید

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 19:9

سلام
استاد ، با تشکر از اینکه وقت صرف می کنید و مطالب وبلاگم را می خوانید و از توضیحات شما که مثل همیشه همراه با باریک بینی بود ، ولی در نگاه اولیه به نظر می رسد « اثختنموهم » از ریشه « ثخن » باشد نه « خنثی » ، متاسفانه تبحر لازم را در صرف و نحو زبان توانای عربی را ندارم ، هر چند یک کتاب صرف و نحو در حد مبتدی را تهیه کرده و مشغول یادگیری هستم . اگر توضیحات تکمیلی را بدهید ممنون می شوم . منظورم این است که امکان دارد حروف یک کلمه در هنگام صرف آن جابجا شود ؟

وب سایت

نویسنده: احمد

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 20:24

چند وقتی است هیچ خبری از آقای اتفاق در وبلاگ نیست برای ایشان اتفاقی افتاده است؟

نویسنده: زمانی

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 20:42

آقای احمد مشغول تکرار مطالب استاد در مقالاتی بنام خودشان است.

نویسنده: طالب حقیقت

یکشنبه 26 مهر1388 ساعت: 21:10

آقای reza71 ؛ بسیار سپاسگزارم.

نویسنده: سولدوز

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 0:37

جناب استاد می خواستم نظرتان را در مورد کتاب 23سال رسالت آقای علی دشتی بدانم و من فکر می کنم جواب سوالهای مطرح شده در کتاب آقای دشتی را می توان در مقالات اسلام و شمشیر جنابعالی یافت.
نظر شما چیست؟

نویسنده: reza

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 5:44

با سلام استاد.
نظرتان در مورد این معرفی از پان‌تُرکیسم چیست؟ به خصوص آنجایی که ریشه آن را نوشته ها و تلقینات نویسندگان یهود تبار میداند؟

" پان‌تُرکیسم حرکتی‌ست سیاسی که برای ایجاد کشوری با نام توران بزرگ و جعل گستردهٔ تاریخ ملل و اقوام تلاش می‌کند. پان‌ترکیسم شبیه پان ژرمنیسم است که برای اتحاد ژرمن ها بر پایه برتری نژادی ژرمن ها تلاش می‌کند.[۱] اندیشه پان ترکیسم یعنی یکی کردن همه سرزمین‌هایی که ساکنان آن به یکی از زبان‌هایی که ریشه آن‌ها به زبان‌های آلتایی می‌رسد نخستین بار از سوی یک خاورشناس مجارستانی یهودی تبار بنام آرمینیوس وامبری در دهه ۱۸۶۰ ساخته و مطرح گشت. وامبری رایزن سلطان عثمانی شده بود ولی در نهان برای لرد پالمرستون و دفتر امور خارجه بریتانیا کار می‌کرد.[۲] ساختن و مطرح کردن این اندیشه از سوی وامبری و بریتانیا در اصل به منظور ایجاد یک کمربند از آلتائی زبان‌ها در جنوب روسیه بود تا مانعی شود برای گسترش و رخنه روسها به مستعمرات انگلیس در هندوستان.[۳] بعدها یهودی‌ها و صهیونیست‌های دیگری کار وامبری را ادامه دادند از آن جمله نویسنده یهودی فرانسوی بنام لئون کاهون که در کتاب خود Introduction al'Histoire de l'Asie, Turcs, et Mongols, de به شکل‌دهی و تبلیغ پان ترکیسم پرداخت.[۴] پس از او به نویسنده یهودی انگلیسی برمی‌خوریم بنام آرتور ل. دیوید که در کتاب خود کوشید تا به ترک‌زبان‌ها حس برتری نژادی و نژادپرستانه بدهد.[۵] این ایده در اوایل سده بیستم از طریق ترک‌های جوان در امپراتوری عثمانی شکل گرفت.[۶] "

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D8%B3%D9%85

وب سايت

نويسنده: رهگذر قديمي

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 10:4

ستاره داوودي بر سر طاق نماهاي آگرا
lan=1&i=253&http://www.kooroshvaziri.com/items.php?g=25

نويسنده: حسين ك

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 10:16

سلام برصادق ترين محقق شرق ميانه استاد بزرگوار جناب آقاي پورپيرار.
مطلب اخيري كه شمانوشته ايد يك مطلب را به عيان ثابت مي كند وآن مخوف بودن اين دسيسه چيده شده كه از نظم ودقت وفرا گيري آن به محالات مي ماند .خداوند شما را براي تمام دوستداران حقيقت نگاه دارد
بنده دانشجوي كارشناسي ارشد جغرافيا وبرنامه ريزي شهري هستم
در درسها ومطالبي كه خوانده ايم اين مطلب براي ما ثابت شده است كه ساكنين اوليه يك شهر كه هسته اصلي را شكل مي دهند در بيرون از آن قبرستاني ايجاد مي كنند واز گذاشتن قبر ستان در داخل منطقه مسكوني خودداري ميكنند درمورد شهراهواز اين مطلب نيز صدق مي كند لكن در كمال تعجب نزديكترين قبرستان به هسته قديمي شهر اهواز كه عامري وسخريه است وبه اهوازقديم معروف است قبرستان ارامنه است وقبرستان ديگري وجود ندارد
اين را نقشه اي كه براي ايميل شما فرستاده ام وچاپ سازمان گيتاشناسي است به وضوح نشان مي دهد. وسط كادر مشخص شده قبرستان ارامنه است ودر سمت چپ آن اهواز قديم البته در خود اين منطقه آرامگاه علي بن مهزيار است كه بودن ان در جايي كه ارامنه هستند يا بودن ارامنه در جايي كه يك شخصيت علي الظاهر اسلامي دفن است جاي تعجب است ممنون ميشوم نظر خودتان را برايم بفرستيد
خداوند حافظتان باشد والسلام

نويسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 12:52

برادر حسین ک

سلام علیکم

شما از بابت قبرستان ارامنه در محل قبرستان علی بن مهزیار مطمئن هستید؟ تصادفا اینجانب از اهالی منطقه عامری هستم و تا آنجا که می دانم (جهت اطلاعاتان خانواده ما یعنی عامریها بیش از 200 سال در این منطقه ساکن هستند)قبرستان ارامنه که ممکن است مقصود نظر شما باشد جنب میدان تره بار سابق شهر اهواز (کمی بالاتر از سخیریه)قرار دارد.
اگر معین بفرمائید متشکر خواهم شد.

والسلام
فی امان الله

نويسنده: هادی

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 14:1

سلام
در ضمن روی چلچراغ ها هم کبوتر داووده این ها را صفویان زمانی که با اروپا رابطه داشتند گرفتند.

وب سايت

نويسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 18:16

آقای reza. دائره المعارف ها ضامن صحت اطلاعاتی نیستند که ارائه می دهند و نقل از آن ها تنها به کار اعلام وجود مدخل و نظری می آید، نه ارزیابی آن نظر. تاریخ رسمی ترک ها در جهان، درست همانند فارس ها، به دو قرن هم نمی رسد، زیرا ترکیه از زمان آتاتورک و ایران از عهد رضا شاه رسما صاحب عنوان قوم ترک و فارس شدند. با این تفاوت که ناسیونالیسم ایران درهم شکسته شد و گور بنیان گذار آن را هم برچیدند، ولی در ترکیه هنوز گفتار محققانه در باب آتاتورک، درست همانند هولوکاست در اروپا و به طور کلی غرب ممنوع است!!! آن چه را به نقل از ویکی پدیا آورده اید فقط مقدمه و نظری است بر روند تولید رسمی قوم ترک.

آقای توحید. اگر ده دانش نامه در زبان عرب دریافت کنید، مدرک آشنایی با بیان قرآن نمی شود. زیرا اساتید مراکز آموزشی نیز تاکید کرده اند که ما ملکت ایمانکم به معنای کنیز و منظور از ثخن قتل عام است و نظایر و موارد متعدد دیگر. توجه کنید که زبان قرآن در نزد عرب مکتب و مدرسه ندیده به سادگی فهم می شد و امروز اساتید بزرگ، از درک منظور واقعی بسیاری از ایات و کلمات قرآنی عاجزند. مثلا به آیه 67 سوره ی انفال توجه کنید که با اغراض خود یثخن را کشتار و قتل عام و اسری را اسیران ترجمه کرده اند تا مقصود شان حاصل شده باشد، حال آن که بر اسری در سوره ای به همین نام معنای دیگری قرار داده اند و جالب تر از همه این که ثخن در لغت عرب، به سببی دچار ضعف و سستی و بی تصمیمی شدن نیز معنا می دهد، که من از آن استفاده کرده ام.

آقای روضه خون. گمان می کنم الزیدی قهرمان به جای رفتن به مصر باید به شما رجوع کند که هم علت بیماری و هم نحوه ی معالجه ی ایشان را می دانید.

نویسنده: روضه خون

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 17:34

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=87746

بیماری مرموز منتظر الزیدی؛ او نیز به سرنوشت یاسر عرفات دچار می شود
پس از دستگيري "منتظر" نیروهای آمریکايي پنج آمپول عجیب و ناشناخته را در پنج مرحله به وی تزریق کردند...او در سفری که به سوریه داشت متوجه این بیماری شد و پس از انجام آزمایش های اولیه پزشکان سوری اعلام کردند که قادر به درمانش نیستند.

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=87723

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=87713

نویسنده: عابدی

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 21:42

سلام. خسته نباشید. آقا همه جا رو فیلتر کردن. دوستان با چه چیزی فیلتر را رد می کنند ؟!

نویسنده: reza71

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 0:10

جناب عابدی
با سلام
این یکی بدنیست

/http://spystatus.net

نویسنده: ...

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 1:8

طرح میدان آزادی به شکل صلیب ساخته شده است.

نویسنده: م

دوشنبه 27 مهر1388 ساعت: 21:38

برات ایمیل زدم عابدی خوشگل!

اینجا هم گفتم تا دل بقیه بسوزه!

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 9:44

برادر بزرگوار استاد پورپیرار

سلام علیکم

در شماره 1550 روزنامه محلی فرهنگ جنوب مورخ یکشنبه 19 مهر ماه 1388 مقاله ای تحت عنوان "لرها در عراق فراتر از یک تصور" مطالبی در خصوص حضور لرها در مناطقی از عراق و ترکیه درج شده که آخرین جمله از بخش اول مقاله بسیار تامل برانگیز است.
در جمله آخر چنین آمده : دیگر لرهای یهودی هستند که هم اکنون در اسرائیل ساکنند.!

استاد گرامی با این موضوع (در صورت صحت) چگونه باید روبرو شد. هر چند شخصا معتقدم که این مورد نیز دلیل دیگری بر اثبات نظریات جنابعالی است.

والسلام علیکم
فی امان الله

نویسنده: رهگذر قديمي

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 11:51

جناب آقاي پورپيرار با سلام نميدانم شما راجع به انيشتين در سايت آيت اله بروجردي خوانده ايد يا نه؟ اگر خوانده ايد نظرتان راجع به اين فرد يهودي در خفا مسلمان شده و آن رساله خريداري شده توسط سرمايه داران غربي از يك يهودي چيست؟
لينك مرتبط:
/http://broujerdi.org/content/view/27/70

نویسنده: حسین ک

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 18:0

آقای مسعودسنجری سلام
بحث این جانب مربوط می شود به نحوه شکل گیری زندگی شهری دراهوازکه هیچ روایت قابل استنا د و اتکائی درچگونگی به وجودآمدن آن دردست نیست وهرقوم وطائفه ای سعی می کنندذهنیات خودراجایگزین تاریخ صحیح نمایند.
پس مامجبوریم که ازآثاروشواهد موجود استنباط کنیم ونحوهٔ شکل گیری آن را بیان کنیم.
هسته وبافت قدیمی شهر اهوازمنطقهٔ عامری وحاشیهٔ نزدیک به آن است که معروف به اهوازقدیم است تاریخی که به هرشکل بیان می شودقدمت آن را درحول و حوش 200-150 سال می داند حیطهٔ زمانی که بیشترشهرهای امروزین ایران در آن شکل گرفته اندودر آثار جناب استاد به وضوح تبیین شده است.
اکنون باید سراغ این رفت که چه کسانی را باید به عنوان اولین شهرنشینان در اهواز معرفی کرد. البته این ربطی به عشایرعربی که منطقهٔ عبوری آنها بنا بر نحوهٔ زندگی اشان،شامل جنوب عراق وخوزستان است نمی شود مطلب اینجانب با شهرنشینی دراهواز وساکنین اولیهٔآن است
درمنطقهٔ اهوازقدیم آثارزیادی وجود ندارد1-هستهٔ سکونتی قدیمی2-قبرمنسوب به علی بن مهزیار در آن محدوده3- قبرستان ارامنه درسمت راست آن محدوده ،چیزدیگری درآن محدوده وجود ندارد
سوألی که دراینجامطرح است این است که آن دسته ازارامنه دراینجا به چه کارمشغول بودند،استخراج نفت؟!!
اکنون کجاهستند؟اگرمسلمانان عرب اولین شهرنشینان اهواز بودندبه ارامنه اجازه می دادند درهمسایگی خود ودرزمینهایی که تنها دارایی شان بود امواتشان رادفن کنند
اگرماهنوز می دانیم قبر ستان ارامنه درکجاست پس لطف بفرمایید قبرستان مسلمانان را برایم در همان حول و حوش رانشان دهید البته امیدوارم که نگویید در اطراف علی بن مهزیار دفن هستند که بامراجعه بدانجا می توان فهمید قدیم ترین قبرهاقدمتی درحدود60تا70سال دارند ونه بیشتر از آن به عبارتی قبور ارامنه در اینجا قدمتی بیشتر از مسلمانان دارند ،اینجا هم تهران نیست که مردم اموات خود رابه صورت طبقه بندی شده دفن کنند
شماالبته اگر استنباطی غیرازاین دارید من باکمال میل حاضر به شنیدن آن هستم

نویسنده: م

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 17:40

اینشتین ؟
کوری عصاکش کور دگر شود!

نویسنده: مهدی

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 21:20

تو این لنکی که از نوشته های آقای اتفاق گذاشتید چرا مطالب وبلاگهای ایشون نیست؟ آیا کسی به اون مطالب دسترسی داره؟



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 231، نتیجه 39، حقه بازی ها در هند، 8 - 55 نظر

نویسنده: محمد علی

سه شنبه 28 مهر1388 ساعت: 22:36

با سلام
در جواب آقای بجانی عرض می کنم:
قدرتمند بودن یک زبان فقط به خاطر قدرتمند بودن آن در ساخت افعال نیست!
اگر زبانی بتواند تمام قصد و غرض گوینده را با استفاده از امکانات خودش به شنونده به طور کامل برساند آنگاه آن زبان کامل است!
از نظر واژگان-افعال و ...

اینکه عرض میکنید واکسن زدم، واکسن زدم و واکسن زدم صحبت بچگانه ای است!!!
امیدوارم ترکی از این لحاظ قدرتمند نباشد چون در آن صورت زبان محلی بلوچی صد مرتبه از ترکی قدرتمندتر به حساب می آید! 

نویسنده: بجانی

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 9:4

من معتقد به برتر بودن زبان ترکی نیستم ولی در مقام مقایسه ترکی در نحوه ابراز آنچه در ذهن می گذرد انعطاف و قدرت و امکان بیشتری دارد - می دانید که تعصبی نمی گویم مثالی که آوردم خیلی گویا بود - غرض گوینده نسبت به سایر زبانها بهتر حاصل می شود و همه ترکها این غرض را متوجه می شوند گاهی تا 6-7 پسوند به آخر فعل می چسبد که کامل قابل فهم است - عرضم این بود که جناب استاد پورپیرار تنها سخنشان این است که چون کلماتی که مثال می آورند در ترکی نیست پس ترکها قدمت ندارند این استدلال استاد سست است زیرا تنها وحی به انسان آموخته است که در عین حالی که پای در خاک دارد نگاهی بر افلاک اندازد. دیدم استاد زیاد بها نداد من ادامه ندادم والا می خواستم به ایشان بگویم وقتی همه اعضای بدن انسان و نیازهای اولیه و بدیهیات در زبان ترکی واژه های قدرتمند و ترکی دارد دلیلی می شود بر قدمت زبان ترکی مثلا :
ال(دست) - آیاق(پا) - گوز(چشم)- قولاق(گوش)-قیچ(ساق پا(در فارسی معادل ندارد و مجبوریم از ساق و پا برای ترجمه استفاده کنیم))- بارماق(انگشت)-دیرناق(ناخن) - توک(مو)- بیلک(مچ)-دیز(زانو)-قول(بازو)-چیین(شانه)-کورک(پشت (برای این هم معادل نداریم : کورک به فتح ر - ناحیه بالای کمر تا شانه ها از پشت است))- بل(کمر) - پالتار(لباس) - چورک(نان)-سو(آب) - و ...
غرضم تنها روشن شدن حقیقت است وقتی زبانی برای ابتدائی ترین نیازها کلمه دارد چطور استاد به دو تا یادداشت می خواهد بنیان زبان ترکی را بر بادرفته اعلام می کند بنده تعلق خاطری به زبان ترکی ندارم ولی می خواهم حقیقت را حقیقی بیابم.

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 10:32

برادر حسین ک (اول)
سلام علیکم
بنظر می رسد که شما از طرفی دارای اعتماد به نفس کاذب هستید و از طرف دیگر مانند خیلی از تازه واردین به منطقه احترامی برای ساکنین قدیمی محل قائل نیستید. اگر پاسخی را که برای جنابعالی نوشته بودم دقیقتر مطالعه می فرمودید متوجه می شدید که اطلاعاتتان دقیق نیست. نوشته هایتان به گونه ایست که می خواهید کسی را به خودش معرفی کنید. تکرار می کنم خانواده اینجانب (عامریها) از حدود 200 سال پیش در این مکان که عامری (اهواز قدیم) خوانده می شود زندگی می کنند (عبور نمی کنند)و اگر کسی گذشته این خانواده را بداند مثل این است که تاریخ 200 سال قبل را در خصوص این شهر مطالعه کرده باشد.

مرقوم فرمودید که "البته این ربطی به عشایرعربی که منطقهٔ عبوری که آنها بنا بر نحوهٔ زندگی اشان،شامل جنوب عراق وخوزستان است نمی شود" منطقه عبوری!!!!؟؟؟؟ می شود لطف بفرمائید از کجا به کجا عبور می کردند؟

مرقوم فرمودید "وهرقوم وطائفه ای سعی می کنندذهنیات خودراجایگزین تاریخ صحیح نمایند." اولا منظور شما از هر قوم و طائفه چیست؟ و به چه دلیل می خواهند ذهنیات خود را جایگزین تاریخ صحیح(!!!!!!) بکنند؟ محض اطلاعتان مهاجرین جدید همان کسانی هستند که در نه فقط در اهواز بلکه در تمام ایران سعی در تاریخی جلوه دادن حضور خود دارند.

انتهای بخش اول

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 10:33

بخش (دوم)
مرقوم فرمودید "درمنطقۀ اهوازقدیم آثارزیادی وجود ندارد1-هستۀ سکونتی قدیمی2-قبرمنسوب به علی بن مهزیار در آن محدوده3- قبرستان ارامنه درسمت راست آن محدوده ،چیزدیگری درآن محدوده وجود ندارد" منظورتان از هسته سکونتی قدیمی چیست و چه کسانی در آن ساکن هستند؟ ضمن اینکه اهواز در حدود 150 سال پیش روستایی بوده با حداکثر 40 خانوار(که اکثریت قاطع آنها از خانواده اینجانب هستند)که این موضوع از کشفیات باستان شناسی نیست. روستایی با این مشخصات به قبرستانی با چه حجمی نیاز دارد که نظر شما را برآورده کند؟ قبرستان ارامنه عزیز را هم که به دائم آن اشاره می کنید حداقل 700 متر با محوطه مقبره علی بن مهزیار فاصله دارد. حضور ارامنه در مناطق اهواز و آبادان با عمر صنعت نفت در این شهرها قابل محاسبه است و اکنون تعداد بسیار کمی از آنها باقی مانده اند و الباقی به شهرهای اصفهان و طهران مهاجرت کرده اند.
قبرستان قدیمی تر اهواز در محل فعلی مصلی شهر اهواز در زیر خروارها بتن محو شده و شما اگر بخواهید هم نمی توانید سنگ قبر دفن شدگان را مشاهده کنید. قبر علی بن مهزیار هم تا سالیان اول انقلاب (آنچه با چشمان خود دیده ام) یک اتاقک کوچک بیشتر نبود که اهالی با افتخار مقبورین خود را در جوار آن دفن می کردند و بعد از تبدیل آن به آرامگاه بزرگ فعلی قبور اهالی در زیر خروارها بتن محو شد. بعضی از قبرهای محو شده در زیر این ساخت و ساز حتی 20 سال هم عمر ندارند.

و آخر اینکه منطقه عامری بر روی یک محوطه باستانی ساخته شده که به دلایلی که ما می دانیم و شما نمی خواهید بدانید تاکنون هیچگونه حفاری در آن صورت نگرفته. اگر اطلاعات تاریخی برای شما اینقدر مهم است بسیار خوب خواهد بود که کتاب سفرنامه خوزستان اثر نجم الملک را مطالعه بفرمائید و بررسی کنید که چرا این کتاب دیگر تجدید چاپ نمی شود.

اگر در این نوشته از لحن تندی استفاده شد متاسفم اما پر واضح است که شما با اهواز آشنا نستید و برای اهالی قدیم آن نیز احترامی قائل نیستید

والسلام
فی امان الله

نویسنده: محمد علی

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 15:39

باز هم حرف خود را تکرار کردید!
فکر نکنم استاد بین فارسی و ترکی مقایسه ای انجام داده باشند؟!
قیچ:ساق
کورک:کتف
چرا سعی میکنید با بیانی بچگانه ترکی را بزرگ نمایش دهید؟!
در حقیقت هم فارسی و هم ترکی زبانهایی ناقص و تکامل نیافته اند

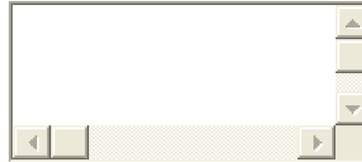


نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 232

ایران شناسی بدون دروغ 232، نتیجه 40، حقه بازی ها در هند، 9 - 51 نظر

نویسنده: مرتضي

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 14:33

سلام
نظريات استاد مانند قوانين انيشتين ميمونه صحتشو ميتوني براحتي تو تاريخ عيننا ببيني. چند روز پيش شبكه بي بي سي فارسي برنامه اي در مورد آرامگاه رودكي (پدر شعر فارسي) توي يكي از روستاهاي كشور تاجيكستان نشون ميداد. مسئول آرامگاه مي گفت اين مقبره رودكي رو يك پرفسور روسي در سال 1958 تو اينجا كشف كرد. حال چطور اين دانشمند روسي (اگه جستجو كني ميبيني حتما يهوديه) بعد از هزار سال تشخيص داده يك قبر

نویسنده: آمون

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 14:53

سلام
آمون به روز شد و خبر نامه ارسال شد.
Amun.blogfa.com

نویسنده: عادل

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 17:50

به یکی می گن تو شهرتون اثار باستانی دارید
می گه نه ولی دارن می سازن

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 18:57

آقای بجانی. قوم پرستان ترک علاقه ندارند به بنیان مباحث توجه کنند. برای دهمین بار بگویم که دارایی لغوی هر زبانی باید در مخزن مکتوب و معمری ثبت و از نظر اتیمولوژی قابل انشقاق باشد و گرنه ردیف کردن لغات امروزین کوچه و بازار حجت فرهنگی نیست. به گمانم در جای این همه حاشیه رفتن ها می فرمودید زبان ترکی مکتوب برای بدن چه لغت بومی داشته و یا دارد.

آقای مرتضی. به همین ترتیب است قبر حافظ و سعدی در شیراز و فردوسی در طوس، که ناگهان در میان بیابان سبز شده اند. در این مورد البته قبر مولانا استثنا است که زیر ته مانده ی آب های طوفان نوح در قونیه یافته اند.

نویسنده: محمد رضا

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 19:10

سلام جناب استاد تفننا از وبلاگ رفرف میگذشتم که غریب و سوت و کور افتاده بود. یادم آمد که در اوایل کار ادعا داشت که وبلاگ شما بیننده ندارد و بزودی سیل خوانندگان به نوشته های او رجوع خواهند کرد. جالب این که سهند تیپا خورده آنجا کامنتی داشت که از زیبایی چشم و ابروی رفرف تعریف کرده بود! مطلب زیر را باو یادآوری کردم که نمیدانم نصب خواهد شد یا نه.
آقای سهند تا آنجا که از همشهریان خود خبر دارم آقای رفرف ازدواج دومشان را هم انجام داده اند. اگر در خانه مانده ای دارید برایش فکر دیگری بکنید.
به هر حال امیدوارم مرا بخاطر رجوع بآن وبلاگ سرزنش نکنید.

نویسنده: رهگذر

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 21:37

"با سلام
چگونه میشود به یکباره چنین تاریخ را تحریف کرد و صدای کسی درنیاد؟!
مثلا چگونه زبانهایی چون فارسی و ترکی را که اکنون میلیونها انسان بوسیله آنها سخن می گویند ابتدا به اجداد آنها درس داده اند؟!؟!

نویسنده: R134a

چهارشنبه 29 مهر1388 ساعت: 23:17

با سلام
اروز برای اولین بار اومدم کردستان شهر سنندج
با یه نفر داشتم صحبت میکردم یهو یکی پیشش اومد و شروع کرد کردی صحبت کردن- تقریبا هیچی نفهمیدم. اما بعد از چند دقیقه صحبت کردن باز به کردی یه سوال در زمینه فنی-مهندسی کرد. این دفعه با اینکه باز یعنی کردی جواب میداد اما تقریبا کاملا موضوع و حتی جرئیات رو فهمیدم-چون کلمات یا عربی بودن،یا فارسی یا انگلیسی!

نویسنده: حسن.ک

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 7:4

باسلام حضوراستادعزیز.واضافه بایدنمودBodyنیزهمان بدن است.سلامت باشید

نویسنده: امید

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 8:12

گلابی های بودا کار هنری فاخری است.
کشاورز زحمت کش خودش هم خنده اش گرفته
است...http://www.sohna.net/index.php?option=com_content&view=article&id=2545:buda&catid=21:viwe&
Itemid=5
بد نیست کسی هم هلو را با نقش کورش دربیاورد تا رگ گردنی های کورش ورمشان بخوابد...

نویسنده: محمد رضا

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 9:56

صبح بخیر استاد عزیز سرانجام و بمبارکی پذیره نویسی بانک تات شروع شد. جنابعالی میدانید که تات مصغر تورات است و تات نشین های ایران و کشورهای همسایه هنوز هم بنا به اعتراف خودشان تابع توراتند. خدا عاقبت کارها را بخیر کند.

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 11:3

استاد بزرگوار شخصا علاقه خاصی برای دنبال کردن این بحث ندارم ولی چون شما لیست بلند بالایی از کلماتی که در ترکی معادل ندارند آوردید به خاطر آن عرض کردم آن هم در جواب فردی به نام محمد علی نه شما. بنده تنها شاگردی در مکتب هستم . اما اصولا این قابل قبول است که انسان ابتدا سخن گفتن و نام نهادن را آموخته و سپس نوشتن را . پس سخن بر کتابت مقدم است وقتی نتوانیم ثابت کنیم که نامهای اصیلی در ترکی غیر ترکی هستند آنگاه باید تامل کنیم منظورم این است که اگر نتوانیم ثابت کنیم که ال- آیاق- قول-گوز-باش-قولاق-سیندیرماق-کسمک-وورماق-دویماق-دوزمک-و... غیر ترکی هستند به راحتی نمی توانیم بگوییم چون قدمت کتابت ندارد پس اصالت ندارد چون برای انسانی که اعضای بدنش را می شناسد و وسایل شکار را می داند و برای همه حالتهای روحی اش فعلی دارد کتابت مطرح نیست سیر کردن شکم مطرح است . استاد عزیز من وقتی می خواهم فعل ترکی
gelejaghmisham
را به فارسی برگردانم چه می گویم ؟
شاید در گذشته باید می آمدم!
این است وضع مقایسه ترکی و فارسی
جالب است بدانید همه ترکهای ایران حداقل 6 نوع ماضی را استفاده می کنند سوال من این است که این افعال را چگونه به بیسوادترین آدمها منتقل کرده اند ؟

نویسنده: مهدی

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 13:24

جناب محمد رضا ادله ی شما مبنی بر اینکه تات مصغر تورات است چیست؟ و اینکه تاتی ها خودشان اعتراف دارند هنوز تابع توراتند!

نویسنده: رعد

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 13:24

سلام , بخدا خیلی مخلصم. اقا جان شما چرا بجای دهلی , ننوشته اید دلهی ؟!

پست الکترونیک

نویسنده: حسین محمدی

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 14:0

تناقض در کتب مقدس مسیحیان+انگلیسی

شبیر!! عالی از پژوهشگران مسلمان ایرانی در بررسی چند کتاب مقدس مسیحیان به 101تناقض در آیات آن دست یافته که نشان از تحریف صریح کتابهای مقدس مسیحیان بنابر احوال حکام در سده های مختلف دارد

/http://www.3noqte.com/main/content/view/5264/227

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 16:47

آقای عزیزالله. در اساس امیدم به مدد خداوند است، اما بر مبنای تجربه دریافته ام که در گسترش بنیان اندیشی تنها دوستان فارس زحمت کشیده و همکاری کرده اند. آن ها با حداقل امکان و هزینه زیاد مستند ها را ساخته، به زبان انگلیسی ترجمه کرده و مشغول ساختن مستند بعدی اند. البته منظورم گروهی از جوانان نیستند که در آذربایجان و خوزستان خالصانه می کوشند، از سران هویت طلب ترک و عرب می گویم که نه فقط یک قدم برای ترجمه ی عربی و ترکی مستندها و کتاب ها برنداشته اند، بل با شگردهای گوناگون در کارها اخلال و علاقمندان به همکاری را مایوس، منصرف و حتی تهدید می کنند! شخصا از روی این نشانه ها در باب بسیاری از آن ها قضاوت خود را دارم: با اورشلیم همراه اند!

آقای تلمیذ. جز' به جز' اسلوب معماری آن به اصطلاح تاق کسری در عراق، یونانی است و محل مناقشه در این است که آن را سلوکی بدانیم و یا متعلق به مهاجران یونانی اشکانی نام گرفته. امکانات فنی و اسلوب معماری آن بنا به گمان من بیش از توان اندک مهاجران است و شاید به تر است آن را سلوکی بدانیم که در بین النهرین آثار فراوان با همان اسلوب دارند و تا قرن ها پس از ظهور مسیح نیز در منطقه باقی بوده اند.

آقای بجانی. با منطق خودتان هم که می گویید ابتدا تکلم و سپس تحریر بوده، پس هر کلامی که در تحریرات نباشد، حیات کهن نداشته و نوساز است. فعلی را هم که مثال زده اید آینده در گذشته نام دارد که در تمام زبان های لاتین کاربرد دارد و خود معلوم می کند که گرامر زبان ترکی برگردان و تقلید از مقدمات چه فرهنگی است.

آقای رعد. دهلی در میان فارس زبانان نامی شناخته است و احتمال دارد که منظور از دلهی فهمیده نشود.

نویسنده: سایه

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 20:9

هدیه کودکاه یهودی به کودکان فلسطینی!!
/http://zesht-o-ziba.blogfa.com

نویسنده: حقیقت

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 20:47

سلام
با تشکر قبلی از جوابتان، خواهشمندم توضیحی مختصر در مورد کتیبه حقوق بشر منسوب به کورش بفرمایید. ویا لطف کنید منبع یا منابع موثقی از انتشارات شما یا دیگران معرفی نمایید.

پست الکترونیک

نویسنده: ر

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 21:46

با سلام خدمت استاد گرامی و سایر دوستان
یک مداخله مربوط به مطالب اسلام و شمشیر داشتم
کلمه ضرب در زبان عربی (جدید) در اصطلاحاتی چون اضراب عن الطعام به معنی اعتصاب غذا به کار می رود در عربی قدیم هم چنانکه در قرآن نیز مواردی چون واضربوا فی الارض به معنی در زمین سفر (گردش) کنید یا ساده تر بروید معنی می دهد لذا در اصطلاحاتی نظیر و اضربوهن (در اشاره به مجازات زنان نافرمان) هم می توان آن را رها کردن یا نوعی هجران جدی همراه با تادیب معنی کرد و ضرب به کار رفته در ضرب الرقاب هم به معنی بیان شده توسط استاد نزدیک تر است.
با تشکر

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 22:23

وقت شما بخیر باشد و خداقوت.

در خصوص فرمایش شما مبنی بر سلوکی بودن بنای باصطلاح تیسفون بنده به مطلب زیر در مورد بنای کهن موسوم به "بصری" =BOSRA واقع در جنوب سوریه امروز نزدیک مرز اردن برخوردم که شامل یک باصطلاح آمفی تئاتر رومی فوق العاده دیدنی و چندین بنای باقیمانده دیگر است :

http://en.wikipedia.org/wiki/Bosra

/http://upload.wikimedia.org
wikipedia/commons/5/50/Roman_theatre,_bosra,_syria,_easter_2004.jpg

و اینهم طاق نبطی مربوط به همان مجموعه :
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/0e/Bosra-NabateanArch.jpg

نکته ای که توجه من را به خود جلب کرد شباهت بسیار زیاد تاق نماهای کوچک روی طاق موسوم به "نبطی" با تاق نماهای قرینه آنها در بنای موسوم به تیسفون در عراق بود که بکلی من را سردرگم کرد :

http://static.panoramio.com/photos/original/8912554.jpg

اگر بناهای بصری را سلوکی در نظر بگیریم آنوقت تیسفون هم سلوکی میشود اما تکلیف آن باصطلاح آمفی تئاتر رومی چه میشود!؟
گمان میکنم تفسیر آن از عهده شما برمی آید استاد عزیز.

نویسنده: محمد علی

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 23:47

آقای بجانی
بهتر است که به جای ردیف کردن این همه فعل و مقایسه کردن زبان ترکی با زبانی دیگر کمی از زبانهای دیگر اطلاعات کسب کنید!
گمان نکنم لازم باشد برای نشان دادن قدمت ترکی حتما دست به دامان افعال شوید!

Olanditmadorcergin:دیشب نبودید،به جاش الان آمدم

کاش میشد هر جمله ای را به صورت فعل نوشت!!!!!!! 

نویسنده: محمد علی

پنجشنبه 30 مهر1388 ساعت: 23:50

در ضمن ما در فارسی به جای"شاید در گذشته باید می آمدم"را ساده تر می گوییم:"شاید باید می آمدم".چون همانگونه که می دانید "می آمدم" گذشته التزامی است!

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 1 آبان1388 ساعت: 0:8

آقای محمد علی. حالا می گویند ترکی نمی دانید و چون نمی دانید ناگهان زبان ترکی مملو از لغات انتزاعی بومی می شود که اکنون تمام موجودی آن عربی و فارسی است.

آقای مسعود. گمان تعلق تیسفون به مهاجران یونانی اشکانی خوانده شده از آن است که به مرزهای ایران و آثار یونانیان مهاجر در غرب مثلا در اطراف کرمانشاه و در طاق بستان نزدیک و تا اندازه ای شبیه است. آثار معماری به جای مانده در غرب بین النهرین یا متعلق به هلنیست های از روم گریخته و یا سلوکی است، که در نمونه های هلنیستی عظمت و در نمونه های سلوکی ظرافت عمده است.

آقای ر. هنوز به ملاحظات بیش تری نیازمندیم.

آقای حقیت. قلابی صرف است و در ابتدای کتاب اول پلی برگذشته نقدی بر بخش اول آن نوشته ام.

آقای کامبیز. این مباحث عمده و کلان است ورود به جزییات و برداشت دیتیل از آن با خواننده است.

آقای سایه. بد نیست کتاب سبک عباسی از همان سری را نیز ببینید و برای اظهار نظر در باب سئوال اخیرتان خوب است شماره ی آن پاپیروس ها را اعلام کنید و نوشته اند چنین پاپیروس هایی در سوریه نیز یافت شده که تفسیری بر آن ها نخوانده ام.

آقای سهرابی. استفاده از مطالب این یادداشت ها و کتاب ها در موردی که پیشنهاد می کنید کاملا آزاد و موجب امتنان است.

نویسنده: حسن.ک

جمعه 1 آبان1388 ساعت: 9:3

باسلام.درخصوص مطلب جناب آقای(ر).کلمه ضرب همان معنی زدن را حامل است و مفهومی گسترده داردوشامل هرنوع زدنی است.اضراب عن الطعام=پس زدن غذا(باحالت قهر).اعتصاب غذا که نوعی ترجمه عربی به عربی است.از منظر کلامی صحیح نیست.اضربوا فی الارض=قدم زدن روی زمین(سفر کردن)است وبنظر متواضع بنده بدین ترتیب معنای واضربوهن(زدن بادست)که نوعی تنبیه سبک درحق افراد وابسته و نزدیک می باشد.

نویسنده: ر

جمعه 1 آبان1388 ساعت: 13:30

با سلام خدمت استاد و دوستان
در پاسخ آقای حسین. ک باید یاد آوری شود که اگر بنا را بر ترجمه فارسی بگذاریم حتی عینک را هم به چشم می زنیم و یا چرت میزنیم یا حتی غذا را گاهی توی رگ میزنیم نیمی از افعال دنیا با نوعی کتک کاری همراه می شود . چرا اعتصاب غذا را دوری جستن از غذا و ضرب در واضربوا فی الارض را رفتن در زمین ترجمه نکنیم. در ضمن دنبال کردن مراحل تادیبی در مورد زنان در قرآن مبارک شامل شروع با زبان خوش و دوری جستن در طی مراحلی و در نهایت هجران می باشد.
با تشکر

نویسنده: -

جمعه 1 آبان1388 ساعت: 12:18

http://wondermage.gulf-pixels.com/images/2009081815441578_Long%20Truck.jpg

نویسنده: مسعود سنجری

شنبه 2 آبان1388 ساعت: 9:2

برادر حسین ک
سلام علیکم

نکند که این معنی کلمه ضرب هم از نظر شما مثل بحث قبرستان ارامنه باشد. راستی مطلبی را که در بخش نظرات یادداشت 231 برایتان نصب کردم ملاحظه فرمودید؟

والسلام
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: محمد علی

شنبه 2 آبان1388 ساعت: 13:44

با سلام
آقای بجانی اگر هنوز تشریف دارید بفرمایید که فرق گلجاغمیشام با "شاید باید می آمدم" در چیست؟!

نویسنده: سایه

شنبه 2 آبان1388 ساعت: 15:19

با سلام
استاد اسناد 33 و 41 را می توان ذکر کرد که در آن اشاره به بنده آزاد شده و کنیز شده است.
همچنین سند شماره 54 هم اشاره به کنیز و برده دارد که در پاورقی آن را داستان وار و بی اساس دانسته اند.آیا این اشاره به کنیز و برده در متن سند موجود نیست یا تفسیر مفسر اینگونه بوده است؟!
ممنون

تا جایی که به یاد دارم و با یقین کامل قابل خواندن است، لغت عربی متن به خدمتکار با لغت ضعیفه اشاره می کند نه برده.
حالا اصل کتاب را ندارم فردا انشا' الله واژه ی عربی و معادل گذاری انگلیسی آن را خواهم آورد.

نویسنده: توحید

شنبه 2 آبان1388 ساعت: 16:53

سلام استاد ، خسته نباشید
به سختی به دنبال جزوه های « ناریا » خطاب به حزب توده هستم ، لطفا راهنمایی کنید چگونه می توانم به این جزوات ارزشمنددسترسی پیدا کنم ؟ از دوستان اگر کسی می تواند قسمتی از این جزوه را برایم ارسال کند ، تقاضای مساعدت دارم .
با تشکر .

آقای توحید. مطالب آن هفت جزوه اینک دیگر موضوع روز نیست. اما در زمان خود پوست از سر مرکزیت حزب توده کند. به طوری که خشم هواداران آن ها تاکنون فروکش نکرده و غالب معترضان به این بررسی های تاریخی به خصوص در میان چرم چروک های آذربایجان، در واقع دق دل خود را از آن نوشته ها خالی می کنند. البته اگر یافتم تقدیم خواهم کرد.

وب سایت   پست الکترونیک

نویسنده: روضه خون

شنبه 2 آبان1388 ساعت: 21:41

سلام
اگر کسی اون جزوه ها رو پیدا کرد یه نسخه هم به من برسونه که سر منبرهام بخونم. ایول.

نویسنده: حسن ک

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 7:29

با سلام حضور استادودوستان.آقای سنجری بنده حسین ک نیستم و تذکرتان درمورد قبرستان ارامنه درست است.باتشکر

نویسنده: فریبا

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 9:5

سلام
چرا متن آن ایمیل نباید پخش شود!؟ البته موافقم که برای پی بردن و نشان دادن درماندگی آنها نیازی به پخش آن ایمیل نیست، چون کاملا هویداست که تنها راه خلاصی و مفر این مفلسان کوچه ی علی چپ است، البته این روزها در این کوچه ترافیک سنگینی به پاست و نمی توان خود را به سادگی به آن زد!!!

فریبا خانم. برای این که فرستنده آن اجازه نداده است. در مورد کوچه علی چپ هم ظاهرا کسانی از آغاز در همان کوچه زاده شده اند!!؟

نویسنده: بجانی

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 12:38

با سلام به همه مخصوصا استاد بزرگوار جناب پورپیرار
بنده قصد نشان دادن قدمت زبان ترکی را ندارم ولی هنوز نمی توانم بپذیرم که زبانی برای فعل زدن مختلفی را صرف می کند بتواند در زبان یک بیسواد چنان منعطف باشد که بتوان به راحتی آن را جعلی و جدید دانست . ما برای فعل زدن چنین می گوییم:
vurdum -(زدم)
vurmushdum-(زده بودم)
vurmusham-(زده ام)
vurmaliydim-(باید می زدم)
vurajaghmisham-(شاید در گذشته باید می زدم)
vursaydim-(اگر زده بودم)
vuraydim-(ای کاش زده بودم)
....
همه عرض من این است چطور ممکن است در عرض دویست سیصد سال در جغرافیای وسیعی افرادی که حتی سواد خواندن نوشتن نیز ندارند این افعال را صرف کنند . این که به عقل من نمی رسد شاید عقل من ناقص باشد به هر حال استاد

- حقیقت از همه چیز بالاتر است من نیز دوست دارم شما آیا لحظه ای عینک تاریخ را برمی دارید تا با عینک زبانشناسی بنگرید؟ مختارید و من شاگرد.

آقای بجانی. صحبت لغات انتزاعی و پایه در جریان است و گرنه همین ترجمه های در پرانتز که آورده اید، نشان می دهد تمام زبان ها از عهده ی ساخت انواع افعال در زمان ها و حالات مختلف برمی آیند.

نویسنده: سلام

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 15:34

آقای توحید من اون جزوات را دارم ولی گمان می کنم امکان ارسال آنها وجود ندارد. اگر عمری بود و امکانی، آن ها را برای انتشار در اینترنت اسکن خواهم کرد.

آقای سلام. انتشار عمومی آن جزوات در این روزگار مفید و ضروری نیست، اگر نیاز به اجازه داشته باشد، صادر نمی شود.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 21:48

با سلام
یادداشت های نارپا هر چه بوده در مقطع زمانی خاصی نفس بسیاری را بریده و آن ها را از زندگی ساقط کرده است!
به نظر بنده هم ما باید زمان و انرژی خود را صرف تبلیغ و رساندن صدای نارپای جدید کنیم که بسیاری از حرکت های حال و آینده برای قرار گیری در مسیر درست و به دور از حقه بازی ها نیازمند آن است.

نویسنده: محمد علی

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 22:17

با سلام
بجانی محترم
چگونه زبان فارسی را خیلی از کسانی که فارس نبوده و حتی سواد درست و حسابی هم ندارند بلدند به درستی صحبت کنند؟!

نویسنده: یه نفر

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 19:26

پیرمردی تنها در مینه سوتا زندگی می کرد . او می خواست مزرعه سیب زمینی اش راشخم بزند اما این کار خیلی سختی بود!
تنها پسرش که می توانست به او کمک کند در زندان بود. پیر مرد نامه ای برای پسرش نوشت و وضعیت را برای او توضیح داد!!!!!

پسرعزیزم من حال خوشی ندارم چون امسال نخواهم توانست سیب زمینی بکارم! من نمی خواهم این مزرعه را از دست بدهم. چون مادرت همیشه زمان کاشت محصول را دوست داشت. من برای کار مزرعه خیلی پیر شده ام!!!!!
اگر تو اینجا بودی تمام مشکلات من حل می شد من می دانم که اگر تو اینجا بودی مزرعه را برای من شخم می زدی!
دوستدار تو پدر

در جواب ، پیرمرد این تلگراف را دریافت کرد!

پدر, به خاطر خدا مزرعه را شخم نزن , من آنجا اسلحه پنهان کرده ام!!!!!

فردا صبح 12 نفر از مأموران و افسران پلیس محلی دیده شدند!!! و تمام مزرعه را شخم زدند! بدون اینکه اسلحه ای پیدا کنند!!!!

پیرمرد بهت زده نامه دیگری به پسرش نوشت و به او گفت که چه اتفاقی افتاده و می خواهد چه کار کند؟؟؟

پسرش پاسخ داد : پدر برو و سیب زمینی هایت را بکار این بهترین کاری بود که از اینجا می توانستم برایت انجام بدهم!!!!!!!

نویسنده: سلام

یکشنبه 3 آبان1388 ساعت: 23:31

باشه بابا جان. چرا می زنی. اسکن بی اسکن. گفتیم خدمتی کرده باشیم. همین

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 4 آبان1388 ساعت: 12:17

برادر گرامی استاد پورپیرار
سلام علیکم

چندی پیش بعد از پاسخهایی که برای برادر حسن ک مرقوم کردم مناسب دیدم تا بار دیگر نگاهی به کتاب سفرنامه خوزستان نوشته حاج عبدالغفار نجم الملک بیاندازم. نمیدانم این کتاب را بررسی فرموده اید یا خیر؟ این کتاب (که نسخه کپی شده ای از آنرا به سختی تهیه کرده ام) بکوشش آقای دبیرسیاقی توسط انتشارات اطلاعات علمی یکبار در سال 1341 و دیگری در سال 1362 منتشر گردید.

نجم الملک در این سفر ماموریت داشته تا از وضعیت سد اهواز گزارشی تهیه کند که او فراتر از این موضوع گزارشاتی از مشاهدات خود در طول مسیر تهران به اهواز و مراجعت به تهران را تقریر کرده است. مطالب این کتاب بطور اجمالی کاملا با سناریوی ساخت و تجهیز دو کشور ایران و عثمانی در دوران اخیر که شما مطرح نموده اید همخوانی دارد. چنانچه این کتاب را در اختیار ندارید سعی خواهم کرد تا نسخه ای الکترونیکی از آنرا تهیه و برایتان ارسال کنم. البته اگر این کتاب را ملاحظه فرموده باشید ممنون خواهم شد اگر نظر خود را درباره آن بفرمائید.

والسلام
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: بجانی

دوشنبه 4 آبان1388 ساعت: 13:48

با سلام مجدد
استاد عزیز فکر می کنم اگر ترکها مسلمان نمی شدند (من خیلی خوشحالم که مسلمان شده ایم ولی از گونه ـنوسی آن!
- چون این همه دروغ و ریا و دوری از قرآن کار یک یهودی می تواند باشد نه یک مسلمان!!!) قطعا کلماتی داشتند برای توصیف آسمان و زمین و بام و در ! تاثیری که مذهب در زبان ایجاد کرده غیر قابل چشمپوشی است.اگر شما می فرمایید لغات انتزاعی و پایه مد نظر است بنده عرض می کنم :
yakhjilik -(خوبی)
pislik - (بدی)
onem -(اهمیت)
olum - (مرگ)

gorkem - (منظر)
bakhish -(نگاه)
baghish - (بخشش)
yardim - (کمک)
nisgil - (چیز درد آوری که واگویه می شود)
qanmak - (فهمیدن با تمام وجود - دریافتن)
goy - (آسمان)
yer - (زمین)
tanri - (خدا)
birlik - (وحدت)
...
استاد عزیز اگر باور کنیم که این کلمات ترکی هستند فکر نمی کنم انتزاعی نباشند.

آقای بجانی. باید ساعت هایی را صرف یافتن این واژه ها به عنوان لغات پایه و انتزاعی کرده باشید که خود محدودیت و مخزن مختصر لغات اصلی در ترکی را نمایش می دهد. اما برای چندمین بار عرض می کنم که همین لغات به گمان شما پایه را نیز باید در متون کهن نمایش دهید نه در گفتارهای کوچه و خیابان!

نویسنده: داریوش

دوشنبه 4 آبان1388 ساعت: 14:43

استاد! مقاله ی قوم یهود درایران آقای مهدی خزعلی رامطالعه کرده اید؟نظرتان رادراین خصوص ارج منهیم.باتشکر به دوستان نیز توصیه می کنم آن رامطالعه کنند

شخصا برای این هیاهوها به خصوص از سوی کسانی که ده سال است جرات ورود به مباحث بنیان اندیشی را ندارند، ارزشی قائل نمی شوم. آیا تغییر فامیل اشخاص مهم تر است یا روشن کردن تکلیف پوریم؟!

نویسنده: سایه

دوشنبه 4 آبان1388 ساعت: 21:30

با سلام
استاد اسناد مورد نظر را بررسی کرده اید؟!

اقای سایه. دریافت دقیق از متن اصلی پاپیروس ها حتی برای مولفین و ویراستاران آن هم، میسر نبوده و غالبا ترجمه را در حد گمان و مختصرا برگزار کرده اند. آثار این بی تکلیفی در ترجمه کلماتی با شمایل واضح نیز دیده می شود. از جمله موضوع کنیز و برده، که هیچ یقینی به آن از طریق کنکاش در متن پاپیروس ها حاصل نمی شود. در این باب به این خلاصه بسنده می کنم که برده یک نام و صفت عام است، بر سبیل جنسیت تفکیک نمی شود و فرض این که کنیز خطابی برای برده زن و عبد برای برده مرد باشد، به کلی عامیانه و فاقد سند است، زیرا در قرآن قویم هم چنین تفکیکی نیست، جز این که ما ملکت ایمانهم را کنیز گفته اند که خدعه آمیز و مبهم است. در افواه هم جاریه را کنیز گرفته اند که در قرآن، با مفهوم کنونی و مصطلح آن به کار رفته است: در سوره حاقه 11 با معنای کشتی در حرکت و در سوره غاشیه 12 هم به معنای چشمه در جریان و همین. در دو محل از متن پاپیروس ها، یکی با وضوح کامل و دیگری با اندکی تردید همین لفظ جاریه دیده می شود که در تطبیق با حرکت کشتی و جریان آب چشمه حد اکثر می توان گفت که کمک و کار راه انداز معنا کرد. عبد هم به معنای مومن ستایشگر نه چاکر بی اراده است. در واقع با یقین کافی می توان گفت که در قرآن به برده و خرید و فروش آن از هیچ جنسی اشاره نیست. قبلا هم نوشته ام که برده داری و برده گیری یک تحول غیر طبیعی و ضد اجتماعی بی سابقه است که با ظهور مهاجمان غارتگر مسیحی و یهود و به دنبال تجاوز به آفریقا رواج داده اند. ساده ترین دلیل آن این که فقط 500 سال از کشف قاره آفریقا می گذرد و اگر بخواهیم بردگی را به میان نجد و زمان طلوع اسلام بکشانیم، پس اعراب باید بردگان سفید پوست به خدمت گرفته باشند که برعکس انگلستان و فرانسه و آمریکا که مملو از دنباله ی نسل بردگان سیاه است، نشانه

ای از ادامه ی نسل بردگان سفید در عربستان دیده نمی شود. و عجیب این که در ایتالیا هم که می گویند در عهد باستان گردش امور اجتماعی و اقتصادی آن بر اساس برده داری رومن ها بوده، نشان نسلی از بردگان سیاه به جای نیست.
سرانجام پاپیروس ها مستندی برای آشنایی با زمان بلوغ خط عرب است و با وجود مولف و ناشر یهودی، برخی دست بردگی ها در متن و ترجمه برای مقاصد دیگر، محتمل و حتی عیان است.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 4 آبان1388 ساعت: 22:11

با سلام
جناب آقای بجانی آیا شما قائل به این نیستید که اگر قومی بخواهد در موردی مثل زبان خود ادعایی نماید حداقل در متون قدیمی که در دست دارد وجود لغات اساسی را اثبات نماید؟!چون ما دیدیم که در آثار قدیمی زبان ترکی برای بسیاری از لغات معادل ترکی نداشته و به فارسی و عربی روی آورده اند!!؟؟
با تشکر

آقای ایلماز. دیروز در دفتر کارم یک مهمان صاحب آوازه و متعصب آذربایجانی داشتم. مشغول صحبت تلفنی با تبریز شد. لغاتی را که در دقیقه ی آخر گفت و گوی اش به کار می برد ثبت کردم: دالان، تالار، مقابله، صخره، مطالعه، فضا، معماری، مسکونی، صرفا، مقایسه، مسئله، داخلی، اتاق، خدمات، عرض، امر، اراده و ارتباط بود. لغات را نشان اش دادم گفت مسافرم و زود رفت. ضمنا شما به این بچه مثبت که به بچه پر رو بیش تر می خورد، چون فارسی نمی فهمد، به ترکی بگویید الفاظ را از گنجینه ی مکتوب اقوام بر می دارند نه از بقالی سر گذر، زیرا شبیه شهرآورد می شود.

فریبا خانم. باید با زمانه پیش رفت.

نویسنده: رهگذر قديمي

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 10:37

جناب پورپيرار با سلام پاسخي كه براي جناب سايه داده ايد جالب توجه است اما اين سوال پيش مي آيد كه منظور ايه 172 سوره بقره از عبد اگر مومن باشد بايد در ترجمه بگوييم"... غير مومن در مقابل غير مومن و مومن در مقابل مومن و مونث در مقابل مونث..." تا شما چه نظري داشته باشيد.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 10:46

با سلام
استاد این بچه مثبت همانی باشد که در وبلاگ های دیگر هم زیارتش کردیم زبان ترکی و فارسی که بماند اگر عرعر یا واق واق هم کنیم چیزی نخواهد فهمید!

نویسنده: مسعود

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 11:29

وقت شما بخیر جناب استاد گرامی.

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَآئِلُونَ

"و چه بسيار شهرها كه آن را هلاك نموديم و عذاب ما شب هنگام يا در خواب نيمروز به آنها رسيد" . (الاعراف-4)

نقشه شهر حفاری شده "پمپئی" در نزدیکیهای آتشفشان "وزوو" در ساحل جنوبغرب ایتالیا و در نزدیکیهای ناپل که بر اثر فوران آتشفشان مذکور مردمانش در هنگام خواب مدفون شده اند :

http://www.emsei.psu.edu/~hoaglund/Pompeii/PompeiiMap.jpg

ونیز چند نمونه از قربانیان حادثه :

http://z.about.com/d/cruises/1/0/E/Q/3/pompeii010.JPG

http://ashley118.files.wordpress.com/2008/10/pompeii-victim-50657432-sw.jpg

http://bioephemera.com/wp-content/uploads/2007/06/pompeiicasts.jpg

همانطوریکه در نقشه ملاحظه میفرمایید در شمال این شهر کهن یک باصطلاح آمفی تئاتر وجود دارد که مدعی اند کهنترین آمفی تئاتر رومن در جهان است که قدمت آن به 1930 سال پیش میرسد :

http://www.fotothing.com/photos
b24/b24cc623837659f3f3d8f0f1067a46a2_d6d.jpg/

بنابراین با حساب این مورخین غربی باید شهر پمپئی را رومن در نظر گرفت و اگر این قدیمی ترین آمفی تئاتر کذایی است که هم عصر ظهور عیسی ابن مریم میباشد و در آنزمان در سراسر اروپا تنها یک قدرت متمدن حاکم بوده است این شهر نمیتواند جز "روم" کهن باشد که هم اکنون به 200 کیلومتر شمالی تر از این محل نقل مکان کرده است!!!

خداقوت و سلامت باشید. ان شا الله.

نویسنده: خبر داغ داغ

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 16:14

در همایش تاج محل در دهلی استادان هندی منکر وجود هنر ایرانی در تاج محل شدند:
http://www.jahannews.com/vdcai0n0.49nuo15kk4.html

آقای خبر داغ. ظاهرا سرعت عکس العمل این بار کهکشانی بوده است. به تر بود یکی دو هفته ی دیگر صبر می کردند تا ببینیم اصولا به چه چیز و ساخت چه کس و از کدام دوران تاج محل می گویند؟

آقای سنجری. بسیار خوش آمدید. اگر مشکلی بود به شماره 66492049 تلفن کنید.

وب سایت

نویسنده: محمد علی

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 21:52

با سلام
بجانی محترم
اصرار شما در نشان دادن قدمت ترکی و به گونه ای برتری ترکی به عوارض قوم پرستانی شبیه است که ادراکی از مبانی زبان شناسی ندارند.
شاید لازم باشد به جای این تلاش بیهوده یک زبان دیگر را هم یاد بگیرید! 

نویسنده: داریوش

سه شنبه 5 آبان1388 ساعت: 23:42

جناب استاد مطالب آی خزعلي تاييد كننده ي بسياري از نظرات شماست وبه نظر مي آيدبحث خيلي مهم ترازيك تغييرساد ه ي فاميلي است ولازم است بصورت بنياني-بنابه فرمايش شما- به اين قضايانگريست.

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 7 آبان1388 ساعت: 7:52

سلام
می دونم که باور می کنید استاد عزیز که برای کلماتی نظیر این در ترکی که انتزاعی هستند فقط در زمان تایپ کامنت وقت کافی است هر ترکی این کلمات را در حافظه اش دارد به نظر من این اشکال وارد نیست می ماند این نکته که در مکتوبات چنین کلماتی را نداریم خوب تاریخ کتابت خیلی کم است من می دونم که سرخپوستان هم با اینکه قدمت دارند ولی از زبانشان در نوشتجات اثری نیست آیا باید بگوییم سرخپوستان هم مجعول یهود هستند؟ البته این امر مساله را 50-50 می کند نه حرف شما ثابت می شود نه قدمت زبان ترکی.

آقای بجانی. سرخ پوستان صدیق را هم ندارند که بنویسد فرهنگ تمام جهان وام دار سرخ پوستان است. جایی خواندم که کسی مدعی شده بود سرخ پوستان هم ترکند و مسیر عبورشان از قطب شمال به اتازونی را ترسیم کرده بود! چنان که کسی دیگر نوشته بود تنگه ی پاناما را هخامنشیان حفر کرده اند. در عین حال لازم است از خود بپرسید چرا تاریخ کتابت نزد ترکان هفت هزار ساله به اعتراف خودتان خیلی کم است؟



١ ٢ <<

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 233

ایران شناسی 234

ایران شناسی بدون دروغ 234، نتیجه 42، حقه بازی ها در هند، 11 - 28 نظر

نویسنده: آمون

چهارشنبه 13 آبان1388 ساعت: 17:42

آمون به روز شد و خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: سعید

چهارشنبه 13 آبان1388 ساعت: 23:56

به خداوند سوگند می خورم که بدون هیچ مجامله و تعارف می گویم: در برابر این قلم فقط و فقط باید سر تعظیم فرود آورد و پروردگار را سپاس گفت که بنده ای را آنقدر شجاعت و توانایی و علم عطا فرموده که بتواند چنین دشمنان حقیقت و انسانیت را خوار و زبون و عاجز شازد. در مقابل خدای بزرگ و توانا سجده شکر بر جای می آورم. ضمنا روز پرشکوه مالیده شدن پوزه شیطان بزرگ بر خاک بر مبارزان راه آزادی مبارک و صد مبارک

تعارفات مبالغه آمیز جناب عالی انشا' الله مرا از راه به در و به غرور دچار نخواهد کرد. اگر ملت ایران و تمام مردم جهان تا ابد علیه آمریکا نعره بکشند هنوز قطره ای از ظرف خشم علیه آن جانیان را خالی نکرده اند که قلب آزادگان جهان از آن لبریز است.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 14 آبان1388 ساعت: 12:5

سلام و وقت شما بخير باشد.

حريصانه سراپا گوشيم استاد تا ماجراي اين حقه بازي شياطين در هند را كامل بفهميم .

اين ماجراي لانه جاسوسي آمريكا براي من خوب هضم نشده است ! نميدانم چرا هيچگاه به سفارت انگليس يا روس يا شياطين ديگر از قماش آلمان و فرانسه و ساير حكومتهاي اروپايي كسي نه حمله ميكند و نه تهمت و افتراي "لانه جاسوسي" ميزند !!!
اين قضاياي معرفي كردن آمريكا بعنوان جهانخوار و امپرياليست و شوروي سابق بعنوان پشتيبان آزاديخواهي از نوع كمونيستي و با آب و رنگ مترقيانه و عدالتخواهانه! پس از تقسيم دنيا به دو قطب ظاهرا" متخاصم و در حقيقت "مكمل" هم و بعد از جنگ دوم جهاني روي داد كه در آن زمان متفقين كمونيست و كاپيتاليست ! دوش به دوش هم براي حفظ متصرفات كره زمين كه از آبا و اجدا جنايتكارشان به ارث برده بودند با رقباي قطب مدعي ديگري از ياجوج و ماجوج يعني متحدين آلمان و ايتاليا و ژاپن ميجنگيدند كه منجر به فاجعه وحشتناك 60 ميليون كشته از نسل آدميزاد و نهايتا" آغاز خيمه شب بازي مسخره اي به نام "جنگ سرد" گرديد كه در آن كارخانه هاي اسلحه سازي طرفين و سرمايه گذاران آنها به سودهاي سرشاري ار قبل تعطيل نشده كارخانه هايشان با ايجاد جنگهاي منطقه اي ساخته پرداخته توافقي دو قطب از قماش جنگ ويتنام و كامبوج و برمه و كره و جنگها و بحرانهاي منطقه اي در آفريقا و آمريكاي مركزي و جنوبي دست يافتند.
از اين منظر و با توجه دقيق به حوادث نمايشنامه وار پس از حادثه گروگانگيري در سفارت آمريكا در تهران همچون حادثه ناخواسته طبس ظاهرا"(!) كل قضيه به نمايشي خنده دار تبديل ميشود كه در آن كارگردانان هدفشان تنها آفريدن چهره اي ضد امپرياليستي از نظام جديد روي كار آمده ايران داشته اند !!!
سلامت و سربلند باشيد . ان شا الله

نویسنده: آسپیرین بچه

پنجشنبه 14 آبان1388 ساعت: 18:9

از پریشان نوشته هات جز نفرت و افسردگی برداشت دیگه ای ندارم.
من نگفتم تو احمقی ولی تو این برداشت رو داری - شاید زیاد بهت می گن و فکر کردی من هم همین رو بهت گفتم.
من خطاب به کسی که اون لینک رو گذاشته نوشتم و تو جواب دادی و حالا می گی لینک رو نذاشته بودی. پس چرا داری با من بحث می کنی ؟! نکنه اون یارو بهت گفته که شلوارشو سفت کنی؟!
افتخار عضویت در موساد هم مال توست. آیا من با نام رفیق موسادیت کامنت نوشته ام که این حرف رو می زنی یا جنابعالی؟!
بی ادب. سعی کن بعد از ذکر نام مبارک پیامبر اسلام صلوات الله علیه و سلم، لااقل از علامت (ص) استفاده کنی و بدون که پسر خاله ت نیست که با اسم کوچیک صداش می کنی. این همه جفنگ می نویسی برای سه تا کاراکتر صرفه جویی می کنی؟ ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لایعقلون.
صرفه جویی رو گفتم تا بفهمی که چه قدر می شناسمت؛ هم خودت رو و هم خط فکریتو و حتی لباس پوشیدنت. فرم مو هات و انگشتری دستت، لحن صدات و فرار های رو به جلو. کارتهای تو کیفت و پاره اسکناس های ته جیب سوراخت. اگر چه باز تو قادر به برداشت منظور من نیستی.
آخر دنیا. احترام رو نگه دار. شاید بهتر باشه تو دهنت رو ببندی تا اینکه به چیزی باز کنی که از خاموشی بدتره. من هنوز دهنم رو باز نکردم، چون اینجا می نویسم. می دونی ما به چه ها پشت کرده ایم؟ تهدیدمون نکن. یاد آوری نمی کنم اشداء علی الکفار رحماء بینهم چون تو اهلش نیستی. گوشه سن رو نگاه کن ببین کارگردان چه دستوری داره یا بگو خودش بیاد جلو.
لا لا لا ...

نویسنده: سبز جامه

جمعه 15 آبان1388 ساعت: 9:2

...اگر نمیدانید بدانید که واژه ی " ئی مام"، در جمله در جایگاه مفعول آشکار و مادینه (به سخن شما عربها : مونث) ضمیر اشاره ی " ئی مه" است به معنای "این ":
(..."این"کشور "را" ...) و در حالت نرینه یا مذکر " ئی مَم" خواهد شد. در حالت خنثی هم همان " ئی مه" است. (در زبان پارسی باستان و اوستایی ضمیر ها هم مانند دیگر واژه ها صرف می شوند در هشت حالت)
و در پایان از زبان همان "داریوش بزرگ" بگویم که:

اهوره مزدا این کشور را از ""دروغ"" و ""دشمن""و ... بپاید !!!!

آقای سبز جامه. از روده درازی های بچگانه ی ارسالی فقط این چند سطر را برداشتم که در آن درس از یهودیان یاد گرفته تان را پس داده اید. مسلما این یادداشت ها قادر نیست به کسی که نیمی از لغات کاربردی و نزدیک به تمام الفبای نگارشی

اش از زبان عرب برداشته شده و باز هم خود را طلب کار اعراب می داند، چیزی بیاموزد. نصیحت می کنم در فراغتی فقط به این نکته بیاندیش که فارسی باستان قائل به جنسیت مذکر و مونث و خنثی برای پدیده ها و نیز هشت حالت صرف اسامی و افعال و صفات و ضمائر، که مختص زبان روسی است و فقط می تواند مرکز هجوم مزدوران خزری یهودیان به شرق میانه را لو دهد، چه گونه ناگهان به زبان اشکانی تبدیل شده است که هیچ یک از ویژگی های پیچیده ی بالا و حتی الفبای کامل را ندارد و از هر وابستگی صرف و نحوی و گرامری آزاد است!؟ طبیعتا کسانی که به میل خود خصوصیات زبان ها را در ذهن تاریخ جا به جا می کنند، برای باوراندن این گونه اراجیف، به متعصبان نادانی چون شما نیز نیازمندند.

نویسنده: بجانی

جمعه 15 آبان1388 ساعت: 11:16

استاد ما تسلیم

آقای بجانی. جنگی در کار نبود!؟

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 15 آبان1388 ساعت: 8:22

استاد معظم سلام و وقت بخیر
تاریخ قابل کنکاش و استناد، محدود به پنج قرنه گذشته است، بعبارتی نمی توان با متد تاریخ پژوهی که شما پایه گذار آن هستید، وقایع و حوادث ما قبل پنج قرن اخیر را به صورت مستند و علمی شناسایی کرد و شرح و تفصیل آن عهد همواره توام با گمانه زنی و خیال پردازی خواهد بود، در نهایت اینکه بایستی عنوان ماقبل تاریخ را به دوران ما قبل پنج قرن اخیر اطلاق کرد!

فریبا خانم. تنها باید یک استثنا را منظور کرد: قرآن را. آن چه در این کتاب عظیم مسطور است، حتی اگر طوفانی در عهد نوح و ضمائم آن باشد، ذره به ذره و تصویر به تصویر صحیح و قابل استناد است. این بیانی مومنانه نیست، محققانه است.

نویسنده: رفیق موسادیت!

جمعه 15 آبان1388 ساعت: 20:5

جناب پورپیرار من تو قسمت قبل يك كامنت گذاشتم كه شما تاييد نكرديد! علي رغم اينكه اينجا وبلاگ شماست و هر جور كه راحتيد اون رو اداره مي كنيد ولي حذف اون كامنت و اجازه جولان دادن به اين بچه بستن سنگ و رها كردن موضوع بحثه!

آقای موسادیت و اون یکی. جرات داشته باشید و هنگامی که مطلب تان عمومی نیست، با نام روشن و شناخته وارد این وبلاگ شوید و یکدیگر را خطاب کنید. کامنت نصب نشده ای از شما نرسیده و اگر هم رسیده و نصب نشده باشد، بدهی به شما و اون دیگری ندارم.

نویسنده: هودج

جمعه 15 آبان1388 ساعت: 20:23

سلام
مطالب عقب مانده را با ولع تمام خواندم شگفت انگیز است .دیگر اینکه امروز خیلی خوشحالم که شما بالاخره به توصیه چندین ماهه مرا جامه عمل پوشاندید و پاسخ هر کس را در همان کامنت می گذارید

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 0:32

آقای افسوس. چرا می خواهید از برج پیزا در ایتالیا بالا بروید، در همین کشور خودمان برج های بلندتر غیر کج هم فراوان است. مواظب باشید توبره به دهان زیر آوار همان طویله نمانید.

آقای سبز جامه. اگر با دیدن مستندهای تختگاه و طوفان، همچنان گرفتار عیوب عقلی پیشین در مقوله تاریخ اید، احتمال

می دهم مستند سوم که به خواست خداوند در راه است، سلامت را به شما برگرداند و گرنه راهی جز بستری شدن در آسایشگاه ندارید.

نویسنده: آیدین قشقايي

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 8:33

سلام به دوستان و به همچنین به محقق شریف جناب پورپیرار
دوستان اگر یادتان مانده باشد مدتي پیش جناب روشن ضمیر نامي ادعا کرده بود که حاضر است با جناب پورپیرار مناظره کند. اینجانب پس از مدتي پیگیري موضوع متوجه شدم که روشن ضمیر هم یکي مثل همین ایران و آنتي است. لذا این پیام را برایشان گذاشتم.
"جناب روشن ضمیر
تو هم یه بیسواد مثل آنتي و ایران هستي. جمع کن این پلاستو. شما تا کي مي خواید فضله تاریخ بافهاي غربي را بخورید و بعدش هم به به و چه چه کنید. چقدر با خودتون غریبه اید بیچاره ها!!!
اینقدر زر زدید خسته نشدید؟"

نویسنده: بجانی

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 9:50

منظورم این بود که وقتی می بینم بیشترین قسمت حقیقت را شما می گویید نمی توانم سکوت کنم باید اعتراف نمایم که قسمت قابل توجهی را تاریخ ایران و اسلام را روشن کرده اید و زمان آن رسیده که از تعصبات دست بشوییم و اگر لا اقل نمی توانیم قدمی در راه آزادی انسان برداریم لا اقل پیش پای افرادی چون شما سنگ نگذاریم . در مورد زبان ترکی با اینکه هیچگاه نظرات شما را کامل نتوانستم قبول کنم ولی شما را تحسین می کنم به خاطر این همه دلسوزیتان نسبت به بشر . کاروان حیات بشری به افرادی چون شما نیاز مبرم دارد .

نویسنده: عدنان

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 15:10

سلام استاد
بی صبرانه منتظر مستند بعدی شما هستم .آیا ان مستند در مورد تاریخ ایران است؟

آقای عدنان. بله. در ادامه ی همان دو مستند قبلی است.

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 21:41

آقای عادل و آقای کاظم. فحاشانی حرفه ای و اجیر که آی پی آن ها را دارم بدون اعتنا به مباحث طرح شده در این وبلاگ و به دلیل سیاسی و شخصی گاه گاهی با توبره ای از ناسزا وارد این وبلاگ می شوند. سر نخ آن برخوردها از جانب من که گاه گاه شاهدید هرکدام به ماجرایی بند است که خودشان می دانند و موجب می شود تا مدتی با دم آویزان ونگ ونگ کنان به لانه های شان بر گردند.

نویسنده: کاروان

شنبه 16 آبان1388 ساعت: 22:7

بخوانید .... !!!!

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=15000

نویسنده: سعید

دوشنبه 18 آبان1388 ساعت: 8:52

سلام استاد خسته نباشید
نظرتون در مورد حذف تاریخ پادشاهان ایران از کتب درسی چیست ؟
به نظر شما این تصمیم همسو با یافته های شما و در جهت اصلاح و نگرشی درست به علوم انسانی است و یا انحرافی

دیگر به نفع یک جریان
مسلما نمی توان متصور شد که مجریان و نظریه پردازان این جریان به نفع حقیقت حرکت کرده باشند و بدون پرداخت به حقایق موضوع و تنها حذف دورانهای پادشاهی بیشتر حساسیتها را در جامعه بیشتر خواهند کرد
به نظر من این تصمیم در جهت مخالف یافته های شماست چون که پرداختن سلیقه ای به موضوعات انحرافی است از حقیقت و دشمنی جدیدی با بنیان اندیشی
مطمئنا این جریان در پرداختن به موضوع اصلی یعنی تاریخ بعد از اسلام و علما و دانشمندان و ادیبان! درست همسو با کنیسه و مخالف با حقیقت عمل خواهد کرد
آرزوی شادابی تندرستی و عمر با عزت برای شما دارم

آقای سعید. با این همه اگر این تصمیم عملی شود، مثبت است.

نویسنده: آیدین قشقایی

دوشنبه 18 آبان1388 ساعت: 17:41

سئوال از آقای منتظری

سوالم از شما این است که آیا شما نیز قائل به برتری نژادی و زبانی فارسی زبانان هستید؟ شما نیز اعتقاد دارید زبان ترکها را بایستی از بین برد؟ آیا اعتقاد به ستاندن هویت ترکی ما و ساختن هویت جدید برای ما دارید؟ آیا معتقدید هیچ ترکی حق تحصیل به زبان مادری اش را ندارد و بایستی حکومت جلوی نشر کتاب و روزنامه و مجله به ترکی را بگیرد؟

با آرزوی طول عمر با عزت برای شما

پاسخ آقای منتظری:

بسمه تعالی

با سلام و تحیت و تقدیر از احقاق حق برادران و خواهران ترك زبان

در ماده پانزده قانون اساسی آمده است : "... استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس ، در کنار زبان فارسی آزاد است ."
و در ماده نوزدهم آمده : "مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد شد."

بنابراین هیچ کس حق ندارد زبان و نژاد را سبب برتری بداند، و یا معتقد باشد که زبان و هویت ترکی در ایران از بین برود و یا ترکها به زبان مادری تحصیل ننمایند; و یا حکومت بتواند جلو نشر کتاب ، روزنامه و مجله ترکی را بگیرد.

بجاست شما برادران و خواهران ترك ، حقوق قانونی و شرعی خود را پیگیری نمایید و از مجاری قانونی و توسط نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی و نیز علما و معتمدین خود آن را تعقیب نمایید. و مسئولین مربوطه باید مطابق قانون اساسی حقوق شما را تأمین نمایند.

ان شاء الله موفق باشید.

26/7/1388

نویسنده: فتح

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 0:44

استاد با تشکر و معذرت از غیبت چند هفته ی،من در مقاله 233 متوجه نشدم چرا این بناها اغلب سوخته هستند و شما هم توضیح ندادید.

آقای فتح. حوصله کنید.

آقای آریایی. سلسله هخامنشی در اواسط دوران خشایارشا و به دنبال اجرای پروژه پوریم با رها کردن ادامه ی ساخت و ساز در تخت جمشید، برچیده می شود. یهودیان برای تاریخ جهان صدها و هزاران دروغ تاریخی ساخته اند که از همه کثیف تر و احمقانه تر ماجرای جنگ خشایارشا و یونانیان با پنج میلیون سرباز و خدمه است! در میان اجزا' مضحک این یاوه ی فوق کلان و ناممکن یکی هم دویدن آن سرباز در آن دشت است. این که نام آن سرباز را چه فرض کنیم، کم ترین اهمیتی در اصل مطلب ندارد زیرا به هر حال هم آن دشت و هم آن سرباز اجزایی از یک افسانه مهمل اند. به آن حرام زاده و حرام زادگی ها بیاندیشید که برای ثبت دروغین ظهور مخرب قوم مغول، جاده های چین را دیوار دفاعی معرفی کرده اند، از مرز ژاپن تا هند و ایران و بین النهرین و میانه اروپا را از مغولان انباشته اند و برای ورزش دو، رشته ای هم به نام ماراتن ساخته اند! ضمنا بدانید کسانی که جا به جایی یک نام موهوم را در میان هزاران برگ نوشته علم می کنند، اگر پاسخی در برابر این همه سند ارائه شده در رد دروغ های تاریخی دست ساخت مولفان یهود آماده داشتند، آثار حیاتی از خود بروز می دادند و لااقل درباره ی آن مسجد شیخ لطف الله ساخت زمان رضا شاه و یا تعویض لوگوی سنگی فراز سر داریوش در بیستون، توضیحی می دادند.

آقای عقیلی. به خودتان زحمت ندهید و به جای داستان سرایی های احمقانه، اصولا تصور کنید من یک محقق عرب و به قول شما لیبیایی ام، از جمله مدعی شده ام تخت جمشید از ابتدا نیمه ساخت رها شده و برای اثبات ادعایم یک مستند دو ساعت و نیمه هم ساخته ام. پس از دیدار فیلم به او چه جواب می دهید؟ می گویید خفه شو لیبیایی سوسمار خوار!؟ که آن گاه اهل خرد بر هیکل شما قی می کنند و اگر تسلیم حقیقت می شوید باید از آن محقق عرب ستایش کنید و ممنون او باشید که شما را از اوهام و ذهنیات غلط بیرون کشیده است و اگر به مستند او ایرادی دارید، باید که عرضه کنید. حالا به جای جفنگ نویسی جایگاه تان را در این میان نشان دهید.

نویسنده: reza

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 18:34

ورزش ایران در چنگال یک آنوسی

" .. یک دلال یهودی که تا چندی پیش مدعی اسلام بوده در حال بلعیدن ورزش ایران است و هیچ کدام از 3 قوه جلوی او را نمی گیرند.نکته جالب تر اینکه درگزارش تابناک آمده است این دلایل قراردادهایی را با ادارات 3 قوه دارد و استخرهایش را در اختیار این ادارات قرار می دهد نکته اساسی این جاست که این یهودی مدعی مسلمانی قراردادها را با رانتخواری به دست اورده و رقبا را از رده خارج کرده.طبق این گزارش دلال مورد نظر حتی در روابط عمومی و رفاه ادارات با توجه به قدرتش تغییراتی نیز به وجود آورده ..."
http://www.jahanevarzesh.ir/iran.news.php?news_id=9470

آقای reza. وقتی صاحب بانک تات هم شده ایم، باید منتظر باشیم تا آنوسی ها را بر سر سفره ی خانه های مان نیز بیابیم.

وب سایت

نویسنده: مسعود

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 19:53

استاد گرامی خسته نباشید و وقت شما بخیر.

هنوز هیچ ترجمه رسمی و یا غیر رسمی از قرآن کریم به زبان نوساز عبری در وب و یا بشکل چاپ شده وجود ندارد!
دولت عربستان اعلام کرده است بزودی نخستین ترجمه عبری را منتشر خواهد کرد!
بعضی از سایتهای غربی درخواست کمک هایی منتشر کرده اند تا کاربران به صورت گروهی آنرا ترجمه نمایند!
اینهم چند نمونه از ترجمه ها:

http://www.jews-for-allah.org/Hebrew/Koran/bakara/default.htm

سلامت و سربلند باشید.

نویسنده: م

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 16:54

http://d.yimg.com/kq/groups/10532721/sn/1696620896/name
n.jpg_5882377_30297981_1094153908_1124237101495_7922/

سلام
طرقبه جهود زیاد داره ؟!

نویسنده: یوسف

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 20:30

با سلام استاد خسته نباشید
من نزدیک 5 ساله که با آثار شما آشنا هستم و همه نوشته هایتان را می خونم .
می خواستم در صورت امکان یکی از یادداشت هایتان را به فرقه بهایی اختصاص دهید که این روزها زیاد تلیغ در موردشان می شود
تشکر

آقای یوسف. گفت و گو از این فرقه تاکنون چندان مبهم بوده که کسی نتوانسته در باب چرایی و چه گونگی پیدایش این فرقه مطلب روشنگر تاریخی ارائه دهد. تمام آن چه تاکنون خوانده و شنیده ایم، وقایع نامه است نه علت یابی تاریخی. اگر خدا بخواهد به زمان خود، اندیشه ی مولد بهاییت را برملا خواهم کرد.

نویسنده: حسین محمدی

سه شنبه 19 آبان1388 ساعت: 23:53

دو خاخام یهودی حل معضل کشتن غیریهودیان را ادامه می‌دهند و این مساله‌ای است که ذهن یهودی‌های تندرو را به خود جلب کرده است. این دو خاخام فتوا دادند که هرکسی که با ملت دشمن است، چه کودک باشد چه بزرگسال، گناه‌کار باشد یا بی‌گناه می‌تواند کشته شود.

به گزارش پرس.تی.وی – بیروت، این دو خاخام گفته‌اند: «هر کسی که حتی احتمال آن می‌رود خطری را متوجه "حیات اسرائیل" کند، می‌تواند کشته شود».

همچنین روزنامه‌ی اسرائیلی معاریو روز گذشته نقاب را از چهره‌ی کتابی که جدیدا منتشر شده برداشت. در این کتاب حالت‌هایی که می‌توان "بیگانگان" (غیریهود) را کشت توسط خاخام اسحاق شبیرا بیان شده است.

اسحاق شبیرا رئیس مدرسه دینی "یوسف هنوز زنده است" در شهرک یتسهار در مجاورت نابلس می‌باشد که با خاخام دیگری به نام یوسی الیتسور این کتاب را با عنوان "دلایل کشتن بیگانگان" منتشر کرده‌اند. در مدرسه‌ی خاخام اسحاق شبیرا یاد داده می‌شود که چگونه و کی می‌توان بر اساس عقیده یهود، افراد بیگانه(غیریهود) را کشت.

این کتاب جزئیات زیادی را از تورات و هالاخاه (شریعت یهودی) که این دو خاخام از آن استفاده کرده‌اند را مطرح کرده و گوشه‌هایی از نظریات خاخام کوک یکی از پدران صهیونیست دینی و خاخام شائوم یسرائیلی از روسای مدرسه دینی "مرکاز هراف" مرکز صهیونیست دینی ملی در قدس را بیان می‌کند.
این دو مولف حالت‌هایی که می‌توان در آن غیریهودیان را کشت ذکر کرده و در میان آنها واجبات هفتگانه است که بر هر یهودی در هر جای جهان واجب است تا به آن پایبند و ملتزم باشد.

در این کتاب آمده است: «هر گاه با کسی مواجه می‌شویم که واجبات هفتگانه را انجام نمی‌دهد، او را می‌کشیم و این جرو یکی از واجبات هفتگانه است و در این مساله هیچ ممنوعیتی وجود ندارد».

در جای دیگر این کتاب اینگونه نتیجه‌گیری شده است: «در هر جایی که بیگانگان حضور دارند و وجود آنها حیات اسرائیل را در خطر قرار می‌دهد، کشتن آنها جایز می‌باشد، حتی اگر از دوستداران ملت‌های جهان باشند و گناهی در وضع ایجاد شده نداشته باشند».

این دو خاخام همچنین فتوا داده‌اند که کشتن کودکان نیز جایز است، زیرا آنها راه را می‌بندند و اگر بزرگ شوند و خطری برای اسرائیل داشته باشند آنها باید در همان کودکی کشته شوند.

نویسنده: R134

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 0:1

فتوای شبه پوریم در قرن حاضر
صدر مؤخرا كتاب يميني يدعو المجتمع الإسرائيلي إلى إباحة قتل كل "الجوييم" (الغرباء) إذا ثبت أن في وجودهم تهديدا لليهود في أي مكان.

وقد أصدر الكتاب الحاخام إسحاق شبيرا الذي يسكن في مستوطنة يتسهار بالقرب من نابلس وقد تم تسمية الكتاب بـ"نظرية الملك" وهو من 230 صفحة.

وقد تم بيع الكتاب في الاحتفال بذكرى 19 عاما على مقتل الحاخام مئير كهانا ويباع على شبكة الإنترنت بسعر رمزي.

وبحسب الكتاب الجديد، يسمح قتل "كل من يشكل خطرا على شعب إسرائيل سواء كان ولدا أم طفلا".

نویسنده: R134

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 0:2

سفك دماء "الأشرار"
ويتابع الكتاب أنه لا حاجة لقرار شعب من أجل السماح بسفك دماء "الأشرار"، وأن الأفراد يستطيعون القيام بذلك. كما يسمح بقتل الأطفال إذا كان من الواضح أنهم قد يسببون أضرارا لـ"شعب إسرائيل" عندما يكبرون.

وقال النائب جمال زحالقة للجزيرة نت "ما يقوله مؤلفا الكتاب هو بالضبط ما تفعله إسرائيل بشكل رسمي، والفرق هو أن إسرائيل تحاول أن تبرر جرائمها، أما مؤلفا الكتاب فهما يقولان لا حاجة للتبريرات وإن قتل العرب مطلوب ومرغوب به".

وأضاف زحالقة "علينا أن نبدأ حملة على كل المستويات لفضح العنصرية الإسرائيلية الشعبية والرسمية، فهي أخطر وأسوأ من الأبرتهايد، أخطر بكثير".

نویسنده: R134

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 0:3

http://aljazeera.net/NR/exeres/E33E440B-FFD6-43A0-84A5-25A270B184D0.htm

نویسنده: ن

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 12:29

شالوم!
شیادی که در دانشگاه تدریس می کرد!

http://www.magiran.com/ppdf/2825/p0282542670221.pdf

وقتی می گید این دکتر ها بیسوادن من که اصلا شک نمی کنم! می شناسم آدم هایی که درس هم می دن ... !!!
و چه درس دادنی!

اسم اون جهوده ظاهرا یان خشص هست ولی گوگل جوابی برای این اسم نداره!!! الله اکبر!

نویسنده: khalil

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 9:20

سلام استادعزیز
می خواستیم در مورد تاریخ شمسی هر معلوماتی از گنجینه تان دارید ما را آگاه کنید.

آقایkhalil. تا تغییرات ناشی از انقلاب مشروطیت هیچ متن و سندی نداریم که بر آن تاریخ شمسی درج باشد، مگر به صورت جعل.

آقای بی نام. منتظرم تا استاد غفوری عزیز نسخه ی بی دردسری فراهم کنند. ان شا’ الله فردا ارسال خواهد شد. ضمنا محبت کنید و مجددا آدرس را بفرستید.

آقای جمید. ظاهرا و چنان که گفته اند دانلود زیاد از سی دی ها، سایت را متوقف کرده است. یکی دو روز دیگر به خواست خدا حل خواهد شد.

آقای مسعود سنجری. از ارسال عکس ها ممنونم. بسیار آموزنده و جذاب بود. در عکس قدیمی حتی نوشته های عربی ناقص و غلط بود الا یکی!!!!؟

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

نویسنده: R134

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 21:53

khaste nabashid

نویسنده: م

چهارشنبه 20 آبان1388 ساعت: 20:50

سلام
خبری از بی بی سی:
یه دانشمند اعلام کرده که پارازیت های ماهواره ها که مایکروویو هستند اثرات اثبات شده ای برای سرطان و غیره ندارند و فقط اثرات تولید حرارتی اونها ثابت شده. تنها مشکل این خبر این بود که اسم این دانشمند، دیوید بود! حالا میگن برادر JFK خاطر همین امواج در موبایلش که زیاد با اون حرف می زده، تومور مغز داره و تو هر کتابی نوشته که این امواج توان ایجاد شکست در DNA دارند که مقدمه هر سرطانیه! امان از داوید ها!
اوباما هم داره 35 تا 80 هزار سرباز رو می فرسته افغانستان! اگرچه اوباما صلح دوسته ولی من واقعا نمی دونم چرا هر کی قدرت به دست میاره به افغانستان حمله می کنه؟! چه خبره؟!! به جز تریاک دیگه چی دارند؟ نفت که ندارند. الماس؟ اورانیوم؟ طلا؟ کولتان؟
در ضمن این خشایارشا 5 میلیون رو می ریزه تو جیب سوراخش و می بره یونان و بر می گرده ولی امریکا 6 تا 12 ماه طول می کشه تا این همه لجستیک رو منتقل کنه! اگر جمهوریخواه ها بودند، یه روزه انجام می شد!

نویسنده: آمون

پنجشنبه 21 آبان1388 ساعت: 1:12

آمون به روز شد.
دوستی در خواست ایران شناسی با فرمت pdf داده است . باید از استاد پرسید! ولی ان شاء الله به همین زودی ها. ایران شناسی که هنوز به نصف هم نرسیده است!
amun.blogfa.com

نویسنده: علی

پنجشنبه 21 آبان1388 ساعت: 1:47

استاد سلام .
یاوه گویی تاریخ سازان یهود به نهایت رسید:
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=72405

آقای علی. این سر و صدا را سه سال پیش هم بلند کرده بودند که با بی اعتنایی مردم عاقل رو به رو شد. هر زمان که مسئولین فستیوال «روورتو» جرات کردند مستند های استاد غفوری را هم نشان دهند آن وقت شاید بتوان به بی طرفی آنان اعتماد کرد و درباره ی این قصه های کلثوم ننه مطلبی نوشت.

نویسنده: آیدین قشقایی

پنجشنبه 21 آبان1388 ساعت: 14:31

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب پورپیرار
در وبسایت زیر فردی ادعا کرده فیلم تختگاه هیچ کس را نقد کرده است. گفتم شاید برایتان جالب باشد.
http://it-dit.info/?q=aHR0cDovL3d3dy5zYXZlcGFzYXJnYWQuY29tLzIwMDktRmViL21
hl=3ed&vc3RhbmFkLXRha2hhdGdhYWguaHRt
بدون فیلتر
http://www.savepasargad.com/2009-Feb/mostanad-takhatgaah.htm

فیلتر
http://it-dit.info/
موفق باشید

آقای قشقایی. طرف دو مشکل عمده دارد. اول آن که خود اشاره کرده است:
من این نقد را می نویسم چون دیدن این مستند نه تنها آگاهی ام را در باره ریشه هایم افزایش نداد، بلکه آتشی در درونم پدید آورد. آتشی که گوشه ای از من را سوزاند و از بین برد و آنرا تاریک و نا شناخته کرد.
به زبان ساده آن نقد متعلق به یک آدم عضو سوخته است. البته حق با اوست زیرا در آن مستند استاد غفوری آتشی است که نقاط حساس باورکنندگان دروغ را عمیقا می سوزاند. و مشکل دوم ایشان آن که هیچ یک از 235 یادداشت ایران شناسی بدون دروغ را نخوانده تا قبلا جواب هایش را بیابد و در واقع از بنیان مطالب چیزی دستگیرش نشده است.

آقای بی نام. در هر دو مورد به چشم. و البته در مورد نخست باید دست به دامان استاد غفوری نازنین شد. با این همه آدرس خصوصی ارسال کنید.

فریبا خانم. اگر آن اسم زیر آن مطالب نبود باز هم به خواندنش رغبت داشتی و اصلا با خبر می شدی که چنین وبلاگی هم هست؟!

آقای امجد. محتوای فیلم مستند را که نمی توان نقد کرد. مثلا اگر در مستندی ببری را نشان می دهند که غزالی را شکار می کند، مطلب قابل نقدی در آن تصاویر نیست. مستندی را می توان نقد کرد که چون "شکوه تخت جمشید" فقط نقاشی باشد و گرنه برای نقد مستندی که گل و ستون و جرز و درخت سرو نیمه تراشی را در تخت جمشید نشان بیننده می دهد، پیشاپیش باید گواهی معتبر نادانی داشت.

آقای عدنان. هنوز هم به ترین نحوه ی تبلیغ، گفت و گوی چهره به چهره، توزیع سی دی، توصیه به دیدن آن ها و به خصوص دعوت به خواندن مقالات ایران شناسی بدون دروغ است. ضمن این که شخصا با هر شیوه ی دیگر آگاهی بخشی عمومی موافقم.

آقای عابدی. ظاهرا بار دیگر سایت دچار مشکل است.

وب سایت

نویسنده: عدنان

پنجشنبه 21 آبان1388 ساعت: 23:28

سلام دوستان
یک پیشنهاد برای حضار محترم همچون آقایان عابدی ,رضا توحید r134 آمون و... دارم که با همکاری هم یک سایت انجمن فرم افتتاح کنیم و در انجا به تبلیغ آثار استاد
بپردازیم .استاد نظر شما چیه؟

نویسنده: بی نام

جمعه 22 آبان1388 ساعت: 9:58

استاد عزیز جناب آقای پورپیرار سلام علیکم-خسته نباشید

به روال جاریه در اوقاتی که وقتی داشته باشم سری به مقالات گذشته می زنم ومروری دوباره می کنم .امروز هم همین کار را کردم تا به مقاله 232 رسیدم فکر کنم حک شده.

آقای بی نام. متن تمام مقالات در جای خود است، فقط برخی از تصاویر را دست کاری کرده اند که آبرویی برای سازمان جهانگردی هند، درست مانند مشابه خودی آن، باقی نگذارده بود. ان شا' الله فردا تصحیح خواهد شد.

نویسنده: امیر عباس

جمعه 22 آبان1388 ساعت: 18:0

سلام
دربارتون زیاد شنیده بودم
خیلی ها حرفاتون رو کذب میدونن
اون مقاله قدیمی راجع به تچر و تخت جمشید و دستبردن تو ساختارش رو خوندم
به نظر راست میومد ولی باید تحقیق بیشتری کنم راجع بش
پیش ما هم بیاید
و نظرتون رو بگید

وبلاگتون را دیدم. وقت خود را تلف مشتی دروغ ساخت یهود کرده اید. فیلم مستند دو ساعت و نیمه ی "تختگاه هیچ کس" را ببینید و اگر در اختیار ندارید در پیام خصوصی آدرس بگذارید تا ارسال شود.

وب سایت

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 23 آبان1388 ساعت: 1:16

وبا تشکر از آقای آیدین قشقایی؛ مقاله مورد اشاره ایشان را خواندم و نکاتی را لازم دانستم که بگویم.
نویسنده خود را کرد معرفی می کند.نمیدانم واقعا راست می گوید یا نه؛ولی من خودم کرد هستم وحساب مردم کرد از این فرد جداست؛اگرچه اهل قوم گرایی نیستم و کرد و غیر کرد به اندازه ذره ای برایم تفاوت ندارد و شخصا اهل اینگونه مباحث بچگانه نژادپرستانه نیستم.خواستم به این فرد بگویم:
1- نقد فیلم ها و نظرات استاد که جرم نیست؛ همچنانکه دیگران هم نوشته اند.کسی نگفته که چیزی ننویسید؛ ولی اگر چیزی بلد نیستید، حرافی نکنید.
این استدلال های آبکی را برای خودتان نوشته اید یا برای بچه ها؟ و آیا مخاطبانتان را ابله فرض کرده اید؟ نمی توانستید به جای این همه صرف وقت و نوشتن این نامه احساساتی طویل، لااقل یکی از یادداشت های وبلاگ را بخوانید؟
2- این مستند هیچ چیزی به شما اضافه نکرد؟ آیا لااقل اشاره ای نبود که در دانسته هایمان شک کنیم و هر چیزی را قبول نکنیم؟ آیا جوابی نبود برای ریشه آن همه بدبختی ها و دروغ هایی که خود شما در پایان نوشته از آن می نالید؟چه طور ما از این مستند آموختیم و شما نه؟
3- گیریم آقای پورپیرار خائن است. آن اساتید معظم در داخل و خارج ایران چرا سکوت کرده اند و جواب ایشان را نمی دهند؟ آیا این خیانت نیست؟ اگر آقای پورپیرار فریبکار است چرا برای آنها کسر شان است که جلوی فریب ایشان را بگیرند؟
4- آقای عزیز که خود را کرد می نامید؛ آیا یک بار از خود پرسیده اید چرا در منطقه کرد نشین هیچ اثری از یک تمدن به نام کردها دیده نمی شود تا شما دست به دامان افتخار به پارسه نشوید؟همچنانکه در مناطق دیگر کشور نیز همین طور است.
5- اهالی این ناحیه تا همین اواخر بیشتر یا کوچ نشینند و یا روستا نشین. و مردمان پاک و بی آلایش آن مانند تمام مردم ایران که مغزشان را از این خزعبلات پر نکرده اند نه می دانند که داریوش کیست؛ نه کوروش و نه اصلا آریایی چیست.آیا اینها برایتان هیچ معنایی ندارد؟

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 23 آبان1388 ساعت: 1:17

6- می خواهم بدانم که آیا ارزش ما به آن چندتا ستون تخت جمشید است که در صورت نداشتن آنها بی ارزش شویم؟ من خودم این چیزها را کنار گذاشتم.چه شد؟ حالا حتما بعضی ها می گویند راه را برای دشمن بازکرده ای.من هم می گویم مگر همین حالا و با این کارها باز نیست. و دوم آیا راه درست را کنار بگذارم و به این افسانه ها و افتخارات به درد نخور دل ببندم به این بهانه که خطر را دفع کنم و آیا دروغ خطرناک است و یا حقیقت؟ و فرض می کنم تمام گفته های آقای پورپیرار دروغ است.من که این دروغ ها را باور کرده ام چه ضرری کرده ام. و قبلا تمام این افسانه "تاریخ ایران"را حفظ بودم.چه سودی برایم داشت؟

این را گفتم که حساب این افراد از مردم کرد جدا شود و این آقا بداند که با همین پارسه بازی ها و پارس بازی ها چنان بلایی بر سر ما آورده اند که امروز مثلا در شهر کرمانشاه عملا کسی کردی صحبت نمی کند و زبان پارسی است که نشان افتخار و فرهنگ است و کردی نماد بدبختی.من می دانم که این فرد حتما قوم گرا هم هست و داعیه دفاع از کردها را دارد.اما نمی داند که خودش در مسیر نابودی خویش گام بر می دارد.
و در پایان با تشکر از آقای علی از همه درخواست می کنم که سری به قسمت نظرات آدرس
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=72405 بزنید و ببینید عمق احساسات گرایی و نبود تعقل در میان ما:
همه اشک می ریزند و آه حسرت سر می دهند؛ بی اینکه کسی بگوید این همه سال که اینگونه مطالب را دانستیم چه کردیم؟ اگر نداشته باشیم چه از ما کم می شود؟چرا به خاطر یک مشت مسایل پوچ این همه وقت تلف می کنیم؟؟؟

نویسنده: صلاح الدین

شنبه 23 آبان1388 ساعت: 20:18

با عرض سلام خدمت استاد عزیز من مدتیه با این وبلاگ آشنا شدم. راستش می خواستم راجع به اصل و مبدا مذهب شیعه و سنی تحقیق کنم ولی تو صفحات شما چیزی پیدا نکردم. به کتاباتون هم دسترسی ندارم. اگه بتونید در این مورد به من کمک کنید ممنون میشم

نویسنده: SALAM

شنبه 23 آبان1388 ساعت: 21:19

سلام
آیا در شباهت داشتن واحد پول ایران-عربستان-قطر و عمان (ریال) با واحد پول سابق اسپانیا(رئال) هم یهودیها نقش داشته اند؟
روزنامه جمهوری اسلامی: لفظ « ريال » شكل فارسي و عربي كلمه اسپانيايي « رئال » مي باشد و « رئال » در زبان اسپانيايي يعني « شاه » و « شاهي » است . در اواخر قرن 15 ميلادي يعني پس از آنكه صليبي هاي جديد مسلمان ها را در شبه جزيره ايبري (اندلس) شكست) Real (سكه ريال دادند و قدرت گرفتند به نام پادشاه صليبي اسپانيا ضرب شد. به همين دليل نام آن سكه نيز شاه و يا شاهي (رئال) گرديد. بنابراين ضرب سكه ريال در اسپانيا اساس يادگار و نماد پيروزي صليبيان بر مسلمانان در اسپانيا است . به همان اندازه كه ضرب سكه ريال در اسپانيا نشان و نمادي از قدرت گرفتن و اوج پيروزي صليبيان بر مسلمانان ميباشد نشان و نمادي از شكست و اضمحلال و حقارت مسلمانان شبه جزيره ايبري نيز محسوب مي شود.
رواج ريال اسپانيا در سرزمين ها و كشورهاي حوزه اقيانوس هند خليج فارس و درياي عمان كه از قرن دهم هجري آغاز شده بود به تدريج چنان گسترش يافت كه براي بسياري از مردم منطقه كه با تجارت و خريد و فروش مرتبط بودند پول شناخته شده و وسيله داد و ستد گرديد. با اين حال ريال تا زمان قدرت گرفتن رژيم پهلوي هرگز در ايران پول رسمي به حساب نمي آمد و حتي در ايران عصر قاجاريه دولت ايران واحد پول خاص خودش را داشت...
پس از آنكه رژيم پهلوي در ايران شكل گرفت و پايه هاي قدرتش محكم شد در تاريخ 27 اسفند 1308 هـ . ش طبق مصوبه اي ريال به جاي قران به عنوان واحد پول قانوني ايران معرفي شد. اين هم خود جاي سئوال است كه چه علقه و رابطه اي بين رژيم پهلوي و صليبيون قرن 15 ميلادي وجود داشت كه آنها (صليبيون) ريال را به عنوان نماد پيروزي بر مسلمانان متولد كردند و رژيم پهلوي نيز پس از قدرت گرفتن ريال را واحد قانوني و ملي پول ايران نمود...

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 1:51

آقای خرمی. از آن که به صداقت شما یقین دارم یاد آوری می کنم آن تصاویر انسان و حیوان و ضمائم دیگر که در حجاری های تخت جمشید نشان می دهند و آن هدایا و مراسم و روابط، هرگز در واقع تاریخ روی نداده است. یعنی ابتدا باید محلی را از نظر ساخت کامل و برای پذیرایی آماده کرد و سپس در آن جشن و نشست تدارک دید. بدین ترتیب در تخت جمشیدی که در حد پهن کردن سفره ای فضای مسقف ندارد، برگزاری بار عام و دیدارهای بین المللی ناممکن است. پس ابتدا باید معلوم کرد که حجاران تخت جمشید این قیافه های خیالی و ضمائم زینتی آن، از کلاه و لباس و گردن بند و گوشواره و زین و برگ اسب و استر را از داریی های چه اقوامی الگو گرفته اند، تا آن ها را روانه ی صحرای مصر کنیم. این هیاهو را سه سال قبل نیز برپا کردند که یخ شان نگرفت و حالا در تنگنای مباحث نو بار دیگر این بازی شامورتی و بی حاصل را به صحنه آورده اند. چنان که در سیمای ملی شب و روز در باب هخامنشیان ضجه مویه می کنند.

نویسنده: کاظم

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 13:54

سلام استاد. نظرتان در خصوص این لینک چیه؟
http://www.ayandenews.com/news/15178/
بخصوص در مورد ناصر السعید . آیا تایید میکنید

آقای کاظم. چیزی از ناصر السعید نخوانده ام.

نویسنده: آیدین قشقایي

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 13:57

سلام به دوستان
دوستان اینجانب در وبلاگ آقاي روشن ضمير مطلبي گذاردم كه چون مي دانم ايشان ممكن است آن را درج نكنند آنر ا با اجازه شما در اينجا هم مي آورم:
سلام به دوستان
جناب روشن ضمير، وقت بخير
عزيز برادر،
شما اگر در گوگل جستجو كنيد به تعداد كلاغهاي آسمان وبلاگ و وبسايت در مورد عظمت پوشالي هخامنشيان وجود دارد (مستقيم يا غير مستقيم). اگر در همان گوگل در مورد وبلاگها و وبسايتهاي حامي نظرات پورپيرار جستجو كنيد شايد 10 درصد مورد قبل هم وبلاگ و وبسايت وجود نداشته باشد.
اما ببينيد چه كرده اين اوستا ناصر. سه سال پيش ايشان با همكاري دوستان خود، مستندي ساخته و در آن براي هر آدمي كه بيطرف باشد به عينه نشان داده كه از دروازه ورودي تا تالارها و كاخهاي اندروني آن ناتمامي هاي اساسي دارد به نحوي كه مي توان گفت اين مجموعه هيچگاه مورد بهره برداري قرار نگرفته است.
اما مخالفين ايشان كه جز پناه بردن به كتابهاي اين نديم و هردوت و ... هيچگونه كار مثبتي انجام نداده اند هنوز هم كه هنوز است نتوانسته اند مستندي بسازند و از طريق آن ثابت كنند كه گفته جناب پورپيرار صحيح نيست.
آيا مخالفين ايشان مشكل مالي دارند؟ ابداً
آيا مخالفين ايشان مشكل عدم حمايت نهادهاي حكومتي از آنان را دارند؟ ابداً
پس مشكل كار چيست؟
به نظر من مشكل كار مخالفين اين است: نداشتن سندي دال بر نادرست بودن گفته هاي ايشان و الا تا كنون رو مي كردند.
البته اين مشكل نيست بلكه بي شرفي بعضي از تاريخ خوانان (و نه تاريخدانان) اين مملكت است كه حاضرند بخاطر بي ارزش نشدن مدارك تحصيلي خود و از دست ندادن تمامي سمتها و موقعيتهاي شغلي، وضع آگاهيهاي عمومي جامعه در همين حد جاهلانه امروز باقي بماند.
حالا شما كدام طرفي هستيد؟
من چون ديدم كه شما ادعاي روشنفكري مي كنيد وارد بحث با شما شدم. حالا هم بعد از حدودا دو ماهي كه با وبلاگ شما آشنا شدم شما را هم يكي مثل آنتي فرض مي كنم.
ولي برادر جان يادت باشه انسان فرهيخته شرف دارد و فرهيختگي به كروات زدن و ريش بزي گذاشتن نيست به اين است كه انسان حق را بپذيرد از هر كس كه باشد.

نویسنده: مهران حقیقت

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 14:54

با سلام به دوستان

آقای آیدین قشقایی

این جناب روشن ضمیر هم درگیر مندرجات فسیل ذهنی و تزریق مداوم دروغی است که در مغز و روح مردم این منطقه همچنان ادامه دارد.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 19:0

با سلام
جناب قشقایی بحث با آدم هایی که حتی نمی توانند به چشمان خود هم اعتماد کنند بیهوده است!!اگر وقت خود را برای دیدن کارتون تام و جری بگذارید از وقتتان به نحو احسنت استفاده کرده اید!

نویسنده: اترش

یکشنبه 24 آبان1388 ساعت: 19:26

قضیه کمپانی هند شرقی موضوع جالبی یه. حالا که خوب فکر می کنم من هم مثل بقیه فقط اسم همچین کمپانی رو شنیدم و... از اینکه چی بودن و چیکاره هیچ خبری نیست. مثل اینکه کم کم به مرکز جعل و دروغ سازی و شیوه ی گسترش جعلیات نزدیک می شیم و کسایی که این حرفا رو خیالبافی می دونن پاک بی خواب می شن.
برقرار باشید استاد

آقای اترش. آن چه را امیدوارم به مدد الهی و با تکیه بر باریک اندیشی خواننده، از مبحث هند به دست آید، اشراف به وسعت جعلیات در تاریخ نویسی شرقی و مهم تر از آن نمایش رد پای نوکران کنیسه و کلیسا در سیمای کسانی است که خدمت گزاران مردم منطقه معرفی شده اند!

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

دوشنبه 25 آبان1388 ساعت: 8:39

برادر بزرگوار استاد پورپیرار
سلام علیکم

آدم از همزمان بودن برخی از حوادث حیرت می کند. هنوز مدت زیادی از نوشتن یادداشتهای شما درباره هند نگذشته است که روز گذشته اعلام شد که برای محافظت از تاج محل از برجهای مراقبت و دوربین های مدار بسته استفاده خواهد شد.
نمی دانم آیا ارتباط مستقیمی بین این دو موضوع می توان در نظر گرفت یا خیر اما وقتی ممنوع شدن تصویر برداری در تخت جمشید را به یاد می آورم به این عقیده بیشتر تمایل پیدا می کنم. تا اینکه نظر استاد چه باشد.

والسلام علیکم
فی امان الله

آقای سنجری. این را هم بدانید که تلویزیون جمهوری در ساعات پس از نیمه شب مستندی هم در باب معماری مغولان درهند پخش می کند!

آقای سعید از کردستان. آن شیرین زبانی ها کم ترین اثری در مستند تختگاه هیچ کس ندارد و راست و دروغ آن ادعاها، سرنوشت تخت جمشید را تغییر نمی دهد. ضمنا به چه دلیل کامنت تان را خصوصی ارسال کرده اید؟!

آقای بی نام. منتظر ارسال مجدد آدرس هستم.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 12:37

سلام استاد

مدتیست که شاهد غیبت غیر موجه(!) برخی دوستان در فضای وب هستیم، اگر ما یک دفتر حضور و غیاب داشتیم این دوستان غیبت می خوردند: آقایان رحمانی، دهقانی، اتفاق، درویش، صادق، هیوا ایزدی، رضا، موومان(ایشان در دوران سربازی فعالتر بودند) مارلیک، صمیمی، م.ستاره(اختصاصا" با همین نام) سایه، اترش، انوش، احسان، محمدرضا، حکیمی، استاد کوروش آریایی و نسرین خانم(ایشان چند ماه است که ویلاگ شخصی شان را هم به روز نکرده اند ان شا الله که خیر است!)
این دوستان هم چمدانشان را برای همیشه بستند و مووینگ کردند: آتامان، قاراداغلی، سهند نسیمی، مرحوم آراز بیلگین و خانم امه الله...
ان شا لله که این عدم حضور ناشی از اپیدمی آنفلو آنزای نوع A نیست!
مخلص کلام اینکه دلمان برای مباحثه و مجادله و منازعه تنگ شده است.

فریبا خانم. مباحث کلان و نو، همانند عبور جریان برق، ذهن را کرخت می کند. مانند خود شما که ظاهرا مشتاق شنیدنید، نه گفتن!

نویسنده: علی رضا

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 18:28

با عرض سلام وارادت خدمت استاد گرامی
استاد بنده تقریبا تمام کتابها و مطالب شما را مطالعه کرده ام ولی با عرض معذرت یادم نیست که راجع به انقراض تمدنهای مصر قدیم چه نظری داشتید بی زحمت بفرمائید آیا انقراض تمدن مصر هم به واقعه پوریم مربوط است یا خیر؟ ممنون

نویسنده: سعید

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 18:45

با سلام
من فیلم مستند شما رو دیدم و به نظرم میاد به عنوان یک فیزیکدان که حرفهای شما منطقی است چون بر اساس مشاهدات است و ایرانی ها رو به تجربه و بررسی دعوت می کنید از این بابت خوشحالم که به عنوان یه کرد اصیل از شما تشکر کنم. در سایت دانشنامه ویکی پدیا متاسفانه اسم شما رو درلیست اعضای توده گذاشته اند می تونم در این مورد از شما سوال کنم. البته بهتره شما هم جواب مناسب در مورد این اتهامات بخصوص حرفهای بی ربطی که به شما منتسب کردند و گفته اند توهین دینی کرده اید داشته باشید چون این مسایل موجب دردسر بیشتر شما می شوند در حالی که شما یه حقیقت علمی را بیان کرده اید.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 16:27

جناب آقای سعید
ای کاش می فرمودید معنی کرد اصیل چیست!؟ چون من هم زمانی ترک اصیل بودم، استاد هم فارس اصیل بودند! خلاصه اینکه اصالت اگر هم پوشالی و مصنوعی نباشد، در نهایت یک امر نسبی است.

نویسنده: صلاح الدین

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 21:41

سلام آقا کاظم من کتاب تاریخ آل سعود رو خوندم چیزای مستندی از پادشاهان سعودی و ارتباط آنها با یهودیان وجود دارد (اصلا دست یهود کجاها نرسیده!) اما وهابیت که توسط محمد بن عبد الوهاب رهبری شد در واقع یک جنبش یهود ستیزی و در کل مبارزه با خرافات بود. مسائل مربوط به وهابیت یه کم پیچیده است مخصوصا برای ایرانیان مطالعه در این مورد بسیار دشواره چون تبلیغاتی که در ایران علیه وهابیت میشه بسیار زیاده. و این یکی از خرافاتی هست که محمد بن عبدالوهاب باهاش مبارزه کرد. یهودی ها هم با تراشیدن نام وهابیت بر پیروان خرافه ستیزی سعی در زشت کردن وجهه این گروه کرد.

نویسنده: چیل

سه شنبه 26 آبان1388 ساعت: 22:49

جناب سعید
اگر امروزمان با دیروز یکی باشد بی شک به اندازه یک روز بی حرکت ودر سکون بوده ایم.موجب خرسندی است اگر استاد دیروزش با امروز فرق کند این نشان ان است که استاد ساکن نبوده اند وحرکت کرده اند . لطفا" از اینگونه نگرانیها دست بردارید و استاد را همانگونه که امروز هست قبول و در صورت اعتقاد به مبانی فکری امروز متابعت کنید حتی اگر دیروزشان را قبول نداشته باشید. بی پرده بگویم کلام دشمنان را حتی اگر به صد حیله عاطفه پیچ کنند باز کلام دشمن است که از هر دهانی بیرون آید اگر دشمن نباشد نقل قول از دشمن است.

آقای چیل. تقریبا تمام دانسته های دشمنان درباره ی من و از جمله در موضوع حزب توده به کلی غلط و در زمره ی تصورات افواهی دل خوش کنک است. زیرا سران حزب توده پیوسته مرا دشمن سرسخت خود دانسته اند و خنده دار تر از همه این که کسانی که به من اتهام توده ای بودن می زنند خود از وابستگان متعصب به آن حزب اند.

نویسنده: مهران حقیقت

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 8:58

سلام استاد

دیروز ایمیلی به دستم رسید که حاوی گزارش زیر بود.
میخواستم در صورت امکان نظر شما را در مورد گزارش زیر بدانم.

کشف لشکر مفقود شده هخامنشیان در صحرای مصر

کشف صدها استخوان انسانی در صحرای مصر، باستان شناسان را بر آن داشت که احتمالاً این اجساد متعلق به ارتش افسانه‌ای کمبوجیه است که گفته می‌شود در سال ۵۲۵ پیش از میلاد دچار طوفان شن شده و از بین رفته است.

پیدا شدن تسلیحات برنزی ، بند نقره ای گوشواره و صدها استخوان انسان در نواحی وسیع بیابان خشن مصر سرانجام این امید را بوجود آورده است تا تلاش ها برای یافتن ارتش گمشده کمبوجیه دوم که از ایران به مصرلشکرکشی کرده بود به نتیجه رسد .
داریو دل بوفالو عضو هیأت علمی دانشگاه لسه ایتالیا در این باره می گوید " ما برای اولین بار شواهد باستانی در این مورد را از یک داستان نقل شده از هرودوت، مورخ یونانی بدست آوردیم ".
بنابر گزارش هرودوت، کمبوجیه پسر کوروش پس از مخالفت روحانیان مصر از برسمیت شناختن ادعای وی بر این کشور ۵۰هزار سرباز برای حمله به سیوا و نابودی معبد آمون روانه مصر کرد .
ارتش کمبوجیه برای اشغال مصر که همواره مهمترین مرکزتمدن بشری بود، راهی این کشورشده بود ولی پس از هفت روز پیاده روی در بیابان به یک آبادی که بنابر باور مورخان آبادی "الخرجه" بوده است رسید، اما پس از آن هرگز اثری از این ارتش پیدا نشد.
از قرن ۱۹ میلادی، باستان‌شناسان زیادی برای کشف راز چندهزار ساله ارتش گمشده کمبوجیه دوم به کاوش در مسیرهای کاروان‌ها در هزاران سال پیش پرداخته‌اند و تا به‌حال موفق به کشف هیچ اثری از آن ارتش نشده بودند.
اما دو برادر باستان‌شناس ایتالیایی با بررسی نقشه‌های قدیمی به این نتیجه رسیدند که ارتش کمبوجیه دوم در هزاران سال پیش از مسیرهای متداول استفاده نکرده است. به همین دلیل، آن‌ها به کاوش در صحرای مصر پرداختند

گزارش صوتی به زبان فارسی دانلود KB۵۰۰:
http://www.omid20.info/aban88/12/kamboojiye-500.zip

گزارش ویدئویی به زبان انگلیسی دانلود 7 مگابایت:
http://www.omid20.info/aban88/12/kamboojieye-500%28omid20.com%29.zip

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 9:34

آقای طالب حقیقت. به پاسخی توجه کنید که قبلا به آقای خرمی در باب همین مطلب داده ام:
آقای خرمی. آن تصاویر انسان و حیوان و ضمائم دیگر که در حجاری های تخت جمشید است و آن هدایا و مراسم و روابط، به علت نیمه تمام بودن بنا هرگز در واقع تاریخ روی نداده و در تخت جمشیدی که برای پهن کردن سفره ای هم فضای مسقف ندارد، برگزاری بار عام و دیدارهای بین المللی ناممکن بوده است. پس ابتدا باید معلوم کرد که حجاران تخت جمشید این قیافه های خیالی و ضمائم زینتی آن، از کلاه و لباس و گردن بند و گوشواره و زین و برگ اسب و استر را از داریی های چه اقوامی کپی کرده اند، تا همان اقوام را روانه ی صحرای مصر کنیم. در واقع ابتدا معلوم کنیم چه چیزی هخامنشی است، بعد به دنبال آثار آن ها در صحرای مصر و یا در هر کجای دیگر بگردیم، زیرا آن چه بر در و دیوار تخت جمشید حک است، در هیچ قسمت و اندازه ای نمی تواند هخامنشی خوانده شود، زیرا خیالی اند نه حقیقی. هیاهوی موجود در باب سپاهیان کمبوجیه را سه سال قبل نیز برپا کردند که یخ شان نگرفت و حالا در تنگنای مباحث نو بار دیگر این بازی شامورتی و بی حاصل را با رنگ و لعاب نو به صحنه آورده اند. چنان که در سیمای این جمهوری شب و روز در باب هخامنشیان ضجه مویه می کنند.

نویسنده: بینیم بابا

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 10:46

هر چند که نباید به نقد ها در مورد مستند تختگاه هیچ کس توجه کرد ولی این یک سربسر گذاشتن با کسی است که احساس کرده بود در حال نقد مستند تختگاه هیچ کس است...

http://borobinim.blogfa.com

نویسنده: تئل ناز زنگانلی

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 13:42

یورولما.

وب سایت

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 14:59

با سلام به استاد و خسته نباشید
جالب است که هیچ اسلحه و ابزار جنگی در دست این استخوان ها دیده نمی‌شود که به جنگ رفته‌اند!!!

آقای نتاب. مصری ها پس از مسلمان شدن، برابر عادات جاری مسلمین، اسلحه ی اسکلت ها را غارت کرده اند! امضا، هرتسفلد

نویسنده: صلاح الدين

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 16:50

با سلام خدمت استاد عزیز
این هم گوشه ای از بازسازی چاه سرداب به روایت تصویر!
http://www.sunni-news.net/fa/articles.aspx?selected_article_no=838

نویسنده: ساسان

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 18:43

بانو فریبا حاجی زاده. جنابالی نام نیکوی بنده حقیر را از قلم نیکوی خویش بینداخته می باشید. آیا براستی بنده حقیر را فراموش نموده می باشید؟ وای بر بنده!

وب سایت

نویسنده: محمدي

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 19:48

سلام استاد
خسته نباشید و ایام بکام
چند سوال آزاد داشتم، ممنون میشوم اگر راهنماییم کنید:

1)در اينترنت ديدم كتابي به نام "كشف خزرستان" كاري از "لف گومي لي یوف" با ترجمه ايرج كابلي توسط انتشارات آگاه منتشر شده. ميخواستم ببينم كتاب به در بخوري هست يا نه؟

2)ميخواستم در مورد "دين هندو" اطلاعات به در بخور و قابل دفاعي پيدا كنم. چه منبعي را پيشنهاد ميفرماييد؟ (خودم در تحقيقاتم تنها "اديان و مكتبهاي فلسفي هند" تاليف داريوش شايگان را پيدا كردم.)

3)در مورد تاريخ معاصر نيازمند يك "وقايع نامه" هستم كه رخدادهاي معاصر را با كمترين جبهه گيري سياسي و همچنين تحليل هاي شخصي بازگو كرده باشد. چه كتابي را پيشنهاد مي كنيد؟ (كسي "تاريخ سياسي معاصر ايران" تاليف دكتر سيدجلال الدين مدني را معرفي كرد؟)

آقای محمدی. از کتاب با خبرم ولی هنوز فراهم نکرده ام، اما آقای کابلی مترجم ورزیده و با فرهنگی است که معمولا کارهای معینی را ترجمه می کنند.
باور آن سخت است ولی در باب هندوییسم نیز، درست مانند کمپانی هند شرقی، تالیفات کلاسیک و مشهور بین المللی، که قصه واره نباشد، نداریم.
وقایع نامه ی تاریخ معاصر کمکی به فهم مسائل معاصر ایران در صد سال اخیر نمی کند، زیرا به بنیان و چرایی آن نمی پردازد و از این جهت تمامی آن ها شبیه هم اند.

نویسنده: چیل

چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 21:5

استاد عزیز سلام علیکم ورحمه خدا بر شما
استاد شک نداریم آنچه را که دشمن می گوید از سر بغض وکینه بی حیثیت شدن
است ولی شاگردانت از قران می آموزند,وآموخته اند که بشارت بر کسانی است که گفته را می شنوند وبهترین را انتخاب می کنند این اشارتی است که اجر عظیم گوینده کلام احسن رابیش از شنونده ومتابعت کننده احسن در آن مستتر می

بینیم.
بگذار ژاژخواهان یهودی مسلک هر چه می خواهند بگویند که بشارت قران بر اینده نزدیک است نه گذشته وهمین اشارت کلام وحی کفایت بر باطل بودن لاطائلات آنان است.
روی سخنم به دشمنان حقیقت است بدانیداگر استاد ما را به بدترین پیرایه دروغ بیارایید ذره ای لغزش در متابعت ایشان نخواهید دیدچرا که او پیر ما,قطب ما,استاد ما وبزرگ ماست که چشمهای همه مارا به حقیقت گوشود.هر طالب حقیقت که بر این درگاه آمد دیگر هیچ نشنید جز کلام پورپیرار که به حق حقیقت را چه راستین در ظرف کلام ریخت وگوارای وجود حق طلبان وشرنگ کام شب پرستان کرد.
استاد پایدار باشی وسایه ات بر سر ما مستدام.انشا الله

آقای چیل. حاصل ستیز با دروغ پردازان حرفه ای باید هم که بد نامی باشد! از مراحم شما ممنونم.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

نویسنده: درویش

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 7:46

سلام استاد
مطالب عالی است .لذت بردم . راستی جناب استاد . آن کتاب مصادر و مشتقات زبان فارسی تالیف دکتر خلیلی را که در لیست کتابهای انتشارات کارنگ است و مطلبی از شما نیز فکر می کنم مقدمه کتاب باشد . چطور کتابی است ؟ آیا بررسی مصادر زبان فارسی ایشان با نظرگاههای شما هماهنگ است ؟ به تعبیری ایشان همه بی ریشگی کلمات را ثابت می کند یا خیر می خواهد به هر ضرب و زوری هست زبان فارسی را دارای ریشه نماید ؟ که در هر دو صورت فکر می کنم نظریه شما تایید میشود .
به هر حال بنده نتوانستم از طریق اینترنتی آن را خریداری نمایم . دو شماره تلفن هم که نوشته شده بود پاسخ نمی داد لذا مزاحم اوقات شریف جنابعالی شدم راهنمایی بفرمایید چگونه می توانم آنها را و چند کتای دیگر از خودتان را خریداری نمایم
موفق باشید
مخلص شما درویش

آقای درویش. استخراج مطالب آن مجموعه ی 12 جلدی اساس زبان شناسی ندارد و از ادبیاتی برداشته شده که اینک می دانیم ساختگی و غیر بومی است، اما به هر حال جمع آوری خوبی است به خصوص در لهجه های محلی. برای داشتن آن ها نیز لطفا به تلفن 66492049 رجوع کنید. ممنون

نویسنده: کوی اوغلو

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 13:28

یاشاسین اوستا ایبیام یف یف

فقط تییختوی

وب سایت

نویسنده: آمون

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 12:28

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.

amun.blogfa.com

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 18:27

استاد سلام و خسته نباشید.

نظرتان راجع به این سکه های "آنا" که ظاهرا" کمپانی هند شرقی در هند ضرب کرده است چیست !؟:

http://www.bidorbuy.co.za
item/7321716/East_India_Company_1835_One_Quarter_Anna.html

http://2.bp.blogspot.com/_OzONNsjzto8/SbT-c3g0suI/AAAAAAAAATo/SnPOlfmAlCU/s400/one-anna-1839-rama-rev.JPG

http://2.bp.blogspot.com/_OzONNsjzto8/SbT-UwJQ2gI/AAAAAAAAATg/LAqxqlHcNH4/s400/one-anna-rama-obverse.JPG

خیلی جالب است که برای یک شبه قاره که مثلا" مملکتی بوده است یک شرکت به اسم خودش سکه و پول رواج بدهد!!!

آقای مسعود. حوصله کنید.

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 15:34

سلام
آقای ساسان
اگرچه نام شما در آن لیست نبود ولی بر خلاف غائبین، به آن شبه فراخوان جواب دادید، این مبین این است که شما نمی توانستید جز' آن فهرست باشید، دقت بفرمائید که قصد من طرفداری از شماست جناب آقای دکتر!

با عرض پوزش از آقای اترش نام ایشان از لیست حذف می شود و به جای وی اسامی حاجی زاده، علی دما و یک مسلمان جایگزین می گردد.

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 19:55

استاد بزرگوار جناب آقای پورپیرار -سلام علیکم ,خسته نباشی

چه خوب است که به قصد ارتقا' اگاهیهای ودانابیها لیستی از کتابهای قابل استفاده
جهت دوستان بنیان اندیشان را دائم معرفی کنید وهر چند زحمتی برای شماست اما فکر کنم تاثیر زیادی در ارتقا'توانمندیهای دوستان باشد.

پایدار وموفق باشید.

آقای بی نام. به چشم هرچند کم تر کتابی سراغ دارم که تاریخ و یا مسائل تمدنی را بنیان اندیشانه دیده باشد و حقیقت این که مدت نسبتا طولانی است که کتاب باب دندانی ندیده ام. سفارش شما از دو طریق ارسال شد و ان شا' لله فردا به دست تان می رسد.

آقای محمد رضا. اجزا' تاریخ یک پدیده ی به هم پیوسته است.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 28 آبان1388 ساعت: 23:38

وقت شما بخیر جناب استاد .

در کل قاره اروپا سه سرزمین مسلمان نشین وجود دارد :
بوسنی و هرزگوین - آلبانی - کوزوو

در طول قرن بیستم و اوایل قرن حاضر چندین طوطئه کثیف برای سرکوب تضعیف و بدنام کردن مسلمانان این سه ناحیه از جانب مشرکین اروپایی اجرا گردید که از تهمت بی اساس قتل ولیعهد اتریش بدست مسلمانان بوسنی که باصطلاح خودشان بهانه آغاز جنگ اول جهانی مینامند آغاز شد و در ادامه آن تحمیل سیستم کمونیستی خفقان و ارعاب انور خوجه ای به مردم تهیدست آلبانی بمدت طولانی و پس از آن قتل عام بوسنیایی ها بوسیله صربها و با چراغ سبز کنیسه و کلیسا و در نهایت بقول شما سوزاندن سرزمین کوزوو در مدت کوتاهی ...
همه و همه بخاطر اینکه مردمان ساکن در این نواحی مسلمان میباشند...
اینهم نقشه تنظیم شده کلیسا و کنیسه برای خفه کردن بوسنیایی ها که تنها گذرگاه و راه عبور به دریای آزاد را به بندر محصور و کوچک "نئوم" برایشان محدود کرده اند :

http://map.primorye.ru/raster/maps/bosnia/bosnia_herzegovina_rel_97.jpg

http://www.travelpod.com/cache/city_maps/Neum.gif

سلامت و پیروز باشید.

نویسنده: کاوه از دانمارک

جمعه 29 آبان1388 ساعت: 2:57

هر کاری میکنم نمیتوانم در وبلاگ شما کامنت بگذارم، هر بار میگوید کد را اشتباه وارد کردید!!! این بارها و بارها برایم پیش آمده به هر حال مطلبی را که میخواستم بنویسم در پائین است که اگر لطف نمائید و در قسمت نظرات بگذارید متشکر میشوم
استاد گرامی یکبار در گذشته از شما خواهش کردم که در ترجمه آثارتان به انگلیسی اقدام نمائید، اینبار از شما تمنا دارم حداقل در ترجمه اسلام و شمشیر اقدام نمائید، در تماس با چند عرب آگاه در اینجا تعجب بسیاری برانگیخته ام و همه مشتاق خواندن مطالب شما هستند، استاد عزیز نمیدانم چگونه اهمییت این کار عظیم را برایتان بگویم که بی ادبی تعبیر نشود چون حتماً خودتان میدانید چه کار بزرگی انجام داده اید ولی ایرانیان تا به ارزش کار شما پی ببرند زمان زیادی میبرد ولی از آنجائیکه همین ایرانی مرغ همسایه را غاز میبیند مطمئنم با انتشار مقالات اسلام و شمشیر به انگلیسی قادر خواهیم بود تا چند تن از متفکران غربی را به این کار بزرگ آگاه نمائیم و آنوقت خواهید دید که چگونه دشمنان مزدبگیر شما در انزوا قرار خواهند گرفت.
راستی سایت شما باز هم قابل دریافت در دانمارک نیست در آلمان و سوئد هم به همین منوال است.
تا ریشه کن شدن تمامی یهودیان مخفی از خاک پاک ایران زمین شما را به خداوند منان میسپارم تا شما را از گزند دشمنان در ید پرقدرت خود حفظ نماید. انشاءالله

آقای کاوه. از مرحمت های شما ممنونم. کار من فقط نوشتن و در صورت امکان چاپ کردن است. هر اقدام دیگری به سعی دوستان مربوط می شود.

نویسنده: sadegh

جمعه 29 آبان1388 ساعت: 3:13

با سلام خدمت استاد گرامی و دیگر دوستان

استاد گرامی خسته نباشید از اینکه مدتی بود نتوانستم عرض ادبی کنم از محضر تان پوزش می طلبم . امیدوارم که سلامتی کامل برقرار و امورات بر وفق مراد باشد .

خانم حاجی زاده محترم سلام و درودی بی کران بر شما، از اینکه یادی از دوستان وهمرهان قدیمی حق و صبر منجمله بنده نمودید جای تقدیر و احترامی فراوان دارید هر چند که خود را جز آن دوستانی که تعریف و تمجید نمودید نمی دانم .
در ابتدا بنده شرمنده ی استاد و تمامی دوستان بابت این غیبت غیر موجه هستم. اما چه می شود که کار و امرار معاش، کلاس های آموزشی و درسی ، و مشغولی های روزمره متاسفانه تاب و توان و وقتی برای بنده باقی نگذاشته ، لذا همانطور که ملحوظ است غیبتی غیر موجه و طولانی سبب شده . اما خدا رو شکر تمامی کامنت ها رو دقیقا مطالعه و خود یاداشت های وزین استاد رو کمابیش پیگیری و مطالعه می کنم .
خانم حاجی زاده در رابطه با حضور فعال دوستان اشاره ی به جا و مفیدی فرمودید خود بنده به شخصه بارها جای خالی برخی از این دوستان را احساس می کردم و مایل بودم از مطالب و اطلاعات و مباحث مطروحه ایشان استفاده نمایم اما متاسفانه به یکباره از صحنه این ساحت مقدس ناپدید شدند . اما همیشه گمان بنده بر این بود که این دوستان احتمالا درگیر تبلیغ و تحقیق در رابطه با مباحث نو می باشند لذا سعی نمودم مطرح نکرده این غم دوری را بر حلاوتی احتمالی ترجیح دهم. ((عسي ان تكرهوا شييا وهو خير لكم)) از آن جمله جناب آقای م. ستاره می باشند که همیشه حرفی قابل توجه و در خور برای گفتن داشته دارای اسلوبی نوشتاری و کتابتی خاص بودند. که همواره بخش نظرات را پربار می نمودند. لذا اجازه فرمایید بنده نیز با شما هم صدا شده از این دوستان درخواست نمایم بر ما بخل نورزند در بخش نظرات مشارکتی فعال داشته باشند.
با سپاس پیروز باشید

آقای sadegh. تقلیل نظرها بیش تر به علت دور شدن مدخل ها از حوزه ی داخلی است که اشراف کم تری نسبت به آن ها وجود دارد وگرنه در شماره ی مراجعان تغییر منفی روی نداده و بل برعکس.

آقای بی نام. انجام وظیفه شد. سلام برسانید.

نويسنده: ولي خاني

جمعه 29 آبان1388 ساعت: 20:2

با سلام
استاد عزيز لطفاً در صورت صلاحديد توضيحاتي در مورد ادعاهاي اخير برخي رسانه ها در خصوص كشف لشكر مفقود شده كمبوجيه در بيابانهاي مصر بيان فرماييد
خداوند نكهدار شماباشد.

آقای ولی خانی. به پاسخ روز چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 9:34 رجوع کنید.

نویسنده: بی نام

شنبه 30 آبان1388 ساعت: 13:42

استاد بزرگوار سلام علیکم -خسته نباشید

بخش دوم مرحمتی شما رسید. لطف بسیار سخاوتمندانه ای بود . یک سری برای بنده کافی بود خودم تکثیر می کردم.
چنان مدیون شده ام که اگر اجازه بدهید تعدادی کپی بگیرم وبفرستم خدمتتان تا جهت دیگر دوستان موجودی داشته باشید.
پایدار ومستدام باشید.

آقای بی نام. به اصطلاح کسبه ی دو لا پهنا فروش، قابلی هم ندارد!

آقای آنوسی بزرگ. این حرف های آبکی به درد عمه ی طرف هم نمی خورد. چرا این مطلب دو سال پیش بیان نمی شد که طرف پر زور بود. کسی که پس از چند سال هنوز جرات ندارد از مستند تحتگاه هیچ کس بگوید و یا بنویسد و وقوع پوریم را منکر می شود، در خدمت یهود است و بد نیست کنکاشی هم در کار اعقاب خود انجام دهد.

نویسنده: بنده خدا

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 1:36

یکبار دیگر، خودت یا نوچه های بی شرمت، در وبلاگ من کامنتهای توهین آمیز و فحاشانه بگذارند، از تو شکایت خواهم کرد و مطمئن باش این قدرت و نفوذ را دارم که منجر به بریدن یک محکومیت سنگین برایت بشود. خوب هم می دانی که من که هستم و وبلاگم کدام است. تو پایت لب گور است. سرت به کار خودت باشد پیرمرد. پست وبلاگت را بگذار و تحقیقت را بکن.
این چه مرضی است که خودت یا نوچه های بیکارت را می فرستی که در وبلاگ دیگران فحش ناموسی بنویسند؟

کسی این بنده خدای اهل چاله میدان اما صاحب قدرت و نفوذ را که احتمالا پای اش لب گور نیست، می شناسد؟

نویسنده: ؟

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 8:25

قرآن 700 ساله روستای کانی پیدا شد + تصویر
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=91305

آقای ؟. کسی که یک بار کتاب پاپیروس ها را ورق زده باشد، از این حرف ها نمی زند.

نویسنده: سجاد

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 10:52

اونی که من میشناسم بنده شیطان بود!

نویسنده: ساسان

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 14:48

خوب باشه!

وب سایت

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 18:12

با سلام
استاد این بنده خدا و کلا دار و دسته اش بدون تهدید گرفتن جان و ... اموراتشان گویا نمی گذرد!!!؟؟
جناب بنده خدا مطمئن باش از شاگردان خودت یا خودتان هستید که به نادانی تان فحش و ناسزا می دهید!!این ها از عوارض مستندها و یادداشتها می باشند!یادتان باشد دستهایتان را قبل از خوردن غذا بشورید!به شما با نفوذ ها که از برکات هستی هستید نیاز شدید داریم!!

نویسنده: حسینی

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 18:43

سلام جناب پورپیرار. خسته نباشید. امید سلامتی و دیدارتان را دارم. حسینی

آقای حسینی. منتظر ملاقات تان هستم.

آقای پنجه علی. گرچه از زمان آن گذشته، ولی منبع اصلی آن سریال، نمایش نامه ای با مشخصات زیر بوده است:

داستان یوسف و زلیخا
به شکل درام
در پنج پرده و بیست و چهار مجلس
با الحان خوش و اشعار دلکش
مبنی بر تواریخ مقدسه بنی اسراییل و اسلام
و افکار عالیه شعرای نامی ایران
سعدی و حافظ و فردوسی و جامی
به قلم استادانه و ذوق ادبی میرزا سلیمان حییم
سال 1307 شمسی
چاپ شده در مطبعه ی اتحادیه طهران

روشن شدید؟!

نویسنده: اترش

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 18:58

خانم حاجی زاده دستی دستی داشتید برایم غیبت رد می کردید. می دانم جمعیت بسیار زیاد است ولی حواستان به گوشه موشه های کلاس و این ته ته هم باشد... همانطور که استاد اشاره کردند مباحث بسیار بکر و تازه اند، علاوه بر آن امان از چشمانی که بیدار شده اند و بازیگوشانه پی هرچیز می دوند، مشغله های روزمره هم که جای خود دارد.
راستی طبق رسم معمول سه بار غیبت از کلاس که تصمیم ندارید کسی را اخراج کنید؟ 
نه مثل اینکه مصمم اید و با کسی هم شوخی ندارید (برای خودتان هم غ زده اید!)
دوستان اعلام وجود کنند!

وب سایت

نویسنده: مووماں

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 19:24

سلام و خسته نباشید خدمت استاد گرامی و دوستان

من، حاضر!!

نویسنده: ایرانی باستان پرست

یکشنبه 1 آذر1388 ساعت: 18:54

ای بنده خدا خدا شما را رسانده است. شجاع باش و شکایت کن و از زخم زبان این و آن نترس. شاید به همت امثال شما از شر قلم این عرب اهل لیبی خلاص شدیم. یا علی مدد.

نویسنده: khalil

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 0:6

با سلام خدمت استاد عزیز
استاد در مورد ترکها که توضیح داده اید منظورتان ترکان ترکیه هست یا بقیه کشورهاي به اصطلاح ترک زبان که به گفته شما خود را ترک زبان نمي دانند از جمله ترکمنستان-قرقیزستان-ازبکستان-قزاقستان-مغولستان و... که همه کلماتي شبیه هم یا در مواردي تغییر یافته دارند است ؟ و بفرمایید کلمات مشترک یا دفرم شده مال کدام قومي است که در این کشورها استفاده مي شود و پدیش شده ؟و دیگر اینکه چرا این اقوام چهره هاي شرقي مثل چیني ها را دارندمثلآ همه از دم چشم بادامي هستند البته به جز ترکیه که در نوشته هایتان خواندم متفاوت تر از اینها بود؟

با تشکر فراوان

نویسنده: reza71

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 0:14

کهن‌ترین متن کامل فارسي تاريخ‌دار دنيا بهمن‌ماه با مقدمه‌هايي از ايرج افشار، علي‌اشرف صادقي و محققان اتريشي توسط مؤسسه پژوهشي ميراث مكتوب منتشر و رونمايي مي‌شود.
اكبر ايراني رئيس مؤسسه پژوهشي ميراث مكتوب در گفت‌وگو با خبرنگار فارس، از انتشار كهن‌ترين متن كامل فارسي تاريخ‌دار دنيا با عنوان «الابنيه و الحقائقه العدليه» به صورت عكس رنگي (فاكس ميله) خبر داد.
نسخه اصلي اين اثر كه درباره گياهان دارويي است، در كتابخانه ملي اتريش نگهداري مي‌شود.
«الابنيه و الحقائقه الادويه» توسط موفق‌الدين هروي تأليف شده و به خط اسدي طوسي در سال 442 هجري نوشته شده است.

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=74080

آقای reza71. نمی دانم این متن را از کجا برداشته اید. اصل نام کتاب الادویه است نه العدلیه. یکی را درست کردم. این حرف ها پس از انتشار کتاب پاپیروس ها دیگر صنار هم نمی ارزد.

نویسنده: مجتبی غفوری

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 1:3

با سلام خدمت همه
خانم حاجی زاده واقعا که !خیلی بی معرفتید!!!

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 10:27

سلام
نمی دانم چرا همه ی دوستان اصرار دارند نامشان در لیست غائبین باشد!؟
آقای غفوری گرامی،دوستان بنیان اندیشی چون شما و آقای عابدی و ... که پیوسته و بدون هیچ ادعایی، بخش قابل ملاحظه ای از وقت و انرژی خود را مصروف خدمت به این نو مکتب میکنید، نمی توانید غائب شمرده شوید.
مطلعیم که شبانه روز برای آماده سازی مستند سوم تلاش میکنید، جا دارد به خاطر تهیه هر سه مستند خدمتتان خسته

نباشید عرض کنم. اجرتان با خدا و نامتان جاوید
ضمنا بابت تعریفتان در باب بی معرفتی بسیار ممنونم، امیدوارم این لطفتان را به زودی جبران کنم!!

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 10:28

آقای اترش، من در تمام دوران مدرسه، بسیار بازیگوش بودم و هرگز صلاحیت کسب پست مبصری را پیدا نکردم، خواستم از موقعیت پیش آمده سو,استفاده کرده و کمی مبصربازی درآورم تا شاید که از شدت بار آن حسرت کاسته شود!! وگرنه اخراج شاگردان در حیطه ی اختیارت استاد است نه من!

فریبا خانم. این جا حاجب و دربان و شاگرد و استاد و معلم و ناظم نداریم، دری است شبانه روز گشوده به روی دشمن و دوست، که ناشایستگان و بی فرهنگان فقط خوش آمد نمی شنوند.

نویسنده: ***@

دوشنبه 2 آذر1388 ساعت: 22:48

سلام اقای پور پیرار من یه سوال داشتم که البته ربطی به این مو ضوعی که نوشتین نداره چند وقت پیش تلویزیون گفت بقایای ارتش کمبوجیه در مصر کشف شد من می خواستم نظر شما رو بدونم و ببینم اصلا قضیه اش چیه ممنون میشم جواب بدین مرســــــــــــی

آقای ***@. به پاسخ روز چهارشنبه 27 آبان1388 ساعت: 9:34 رجوع کنید.

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 3 آذر1388 ساعت: 1:7

سلام به استاد و دوستان

ببخشید استاد. خواستم بگویم که اگر ممکن است یادداشت ها را به جای هر هفته، هر 5 روز یک بار نصب کنید. می دانم که زحمت را شما می کشید وامثال من متاسفانه فقط خواننده ایم. صرفا یک درخواست است. تا نظر شما چه باشد.

آقای مسعود؛ اگر ممکن است آدرس ایمیلتان را یا در وبلاگ بگذارید و یا به ایمیل اینجانب بفرستید. ممنون.

آقای طالب حقیقت. سعی خوام کرد، ولی گاه یافتن یک عکس مناسب و گویا در میان مدارک متنوع موجود از نوشتن سی صفحه مطلب هم دشوارتر است و زمان بیش تری می طلبد.

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 3 آذر1388 ساعت: 12:28

با سلام
خانم حاجی زاده بنده مزاح کردم . ولی ذکر نکته ای را لازم می دانم . در مورد قضیه طوفان نوح موضوعی که در باب تصویر اتفاق افتاده تنها ساخت یک دموی مقدمه است و ساخت مستند نهایی مستلزم هزینه هایی هنگفت است که تنها یوسف سازان از پس آن بر می آیند.بعد انتشار این دمو شاهد لجن پراکنی برخی بودیم . این عده از قماش کسانی بودند که با دیدن مستند تختگاه شروع به فحاشی کردند. دنیای عجیبی نیست ! این موضوع مدت هاست روشن شده که طراحان ، نظریه پردازان ،رشنفکران درجه اول هر جامعه ای قرنطینه می شوند و این جماعت به اصطلاح روشنفکر درجه 5 و6 است که نظریاتش در دنیا بصورت گسترده پخش می شود و در رسانه ها مورد بررسی -بخوانید تبلیغ -قرار می گیرد .در حقیقت رسانه ها تقش تعیین صلاحیت و انتخاب گزینه مورد نظر و تبلیغ موضوع مرود نظر خودشان را برای نیل به هدف مورد نظر خودشان را بعهده دارند. تمام ما برای استاد کار خاصی نمی توانیم انجام دهیم انتشار مطالب استاد با همین سرعت فعلی نیز بدلیل وسعت نبوغی است که در ارائه این مطالب از محتوای گرفته تا شیوه انتقال آن مشهود است.

بگذریم در مورد طوفان اگر خداوند عنایتی کند و مستند اصلی ساخته شود کار بسیار آموزنده ای در تمام زمینه ها صورت خواهد گرفت.
ببینید ما آرشیو کاملی در اختیار داریم که از تحقیقات مختلف -زمین شناسی -باستان شناسی بحث های مربوط به دوران شناسی حتی هواشناسی و... تشکیل شده . مستند ها و کتاب های مختلفی که در این باب در موضوع ترکیه ساخته و نوشته شده که بسیار به یونیک شدن موضوع کمک کرده و گره باز نشده این تحقیقات اعم از زمین شناسی ،باستان شناسی و ... با کنار هم قرار دادن این مطالعات توسط استاد باز شد. ولی هنوز نتوانسته ایم این مطالب را در یک مستندی که نسبتا طولانی نیز میشود ارائه دهیم. البته بحث در حد مکتوب به اندازه کافی مطرح شده ولی در باب تصویر هنوز هیچ کاری صورت نگرفته.

نویسنده: مجتبی غفوری 2

سه شنبه 3 آذر1388 ساعت: 12:30

به عنوان مثال چندین مستند در رابطه با مسائل مربوط به زمین شناسی در موضوع ترکیه ساخته شده که در نهایت منتج به سردرگمی زیادی در رابطه سطح ترکیه شده (این مستند ها در دسترس عموم است به عنوان مثال می توانید به آرشیو مستند های شبکه 4 رجوع کنید) یا در رابطه با مسائل باستان شناسی این مطلبی است که در تمام مستند ها دیده میشود ناپدید شدن اقوامی که به قول آنها از 7-8 هزار سال پیش به یکباره از ترکیه مفقود شده اند و پس از آنها دیگر هیچ زندگی صورت نگرفته و لایه های بعدی فقط رسوبات است به همین ترتیب موضوعات بسیاری است که مطرح شده و اگر به لطف خداوند مستند نوح ساخته شود امکان طرح تمام آنها وجود دارد . مسکوت ماندن موضوع در رابطه با کشتی نوح شیاد خواندن وایت و قبول گفته های یک محقق یهودی دیگر خود موضوع جالبی است که باید به آن پرداخت . این موضوع که یهودیان گاهی کنترل اوضاع از دستشات خارج می شود موضوعی قدیمی است که بخشی از آن را در پاسارگاد شاهد بوده ایم.
در حقیقت یهود متوجه شده تغییر نام برخی اماکن در تورات های جدید که باز بخشی از آن را در مورد مباحث مربوط به آرام و بین النهرین خوانده ایم مشکل را برطرف نمی کند و موضوع به کلی به طرف دیگری شیفت پیدا می کند ولی باید گفت .امروز مسئولان ترکیه خود بر وقوع طوفان در سرزمینشان اعتراف دارند و اگر به نقشه های توریستی ترکیه نگاه کنید حتی این نام گذاری را می بینید .
در اینجا لازم می دانم صحبتی هم با موش هایی که مشغول رصد کردن این وبلاگ هستند داشته باشم.شما در نوشته هایتان بار ها عنوان کرده اید که بسیاری از مطالب را در محضر استاد آموخته اید شما بارها ذکر کرده اید که بخش های زیادی از مطالب استاد را پذیرفته اید بنده بسیار مشتاقم که شما در مورد آن مسائلی که خود می گویید پذیرفته اید چند مقاله بنویسد این گونه مشخص می شود دلیل مخالفت شما با بقیه مسائل در چیست.
اگر از انجام این کار هراس دارید لااقل در ذیل بنویسید با چه عنوانی مطلب می نویسید؟ استاد به عنوان یک مورخ مسائل را بررسی می کنند شما با چه عنوانی مشغول آن ها هستید؟ مطمئن باشید اگر بنویسید مامور کنیسه اصلا تعجب نخواهم کرد.

نویسنده: م

سه شنبه 3 آذر1388 ساعت: 20:42

حقایق جالبی از زندگی دو رئیس جمهور امریکا
1. «آبراهام لینکلن» در سال 1846 به کنگره راه یافت و «جان اف کندی» در سال 1946

2. «لینکلن» در سال 1860 به ریاست‌جمهوری انتخاب شد و «کندی» در سال 1960

3. هر دو جانشینی به نام «جانسون» داشتند: «اندرو جانسون» که جانشین «لینکلن» شد، در سال 1808 به دنیا آمده بود و «لیندون جانسون» که برجای «کندی» نشست، در سال 1908

4. هر دو رئیس‌جمهور پس از ورود به کاخ سفید فرزندی را از دست دادند

5. هر دو رئیس‌جمهور در یک روز جمعه کشته شدند و هردو به ضرب گلوله‌ای که به سرشان اصابت کرد

6. منشی «لینکلن»، «کندی» نام داشت و منشی «کندی»، «لینکلن»

7. هر دو رئیس‌جمهور به‌خصوص بر حقوق مدنی تاکید داشته‌اند

8. هر دو به دست فردی از اهالی جنوب آمریکا کشته شدند

9. «جان ویلکس بوث» که «لینکلن» را به قتل رساند، متولد سال 1839 بود و «لی‌هاروی اوسوالد» که به زندگی «کندی»

پایان داد، متولد 1939

10. هر دو قاتل اسمی سه بخشی داشتند و هر دو اسم از 15 حرف تشکیل شده بود و هر دو پیش از آغاز محاکمه‌شان به قتل رسیدند

11. «لینکلن» در تئاتری به نام «فورد» به قتل رسید و «کندی» در اتومبیلی به‌نام «لینکلن»، ساخته شده در کارخانه «فورد»

12. «لینکلن» در یک تئاتر کشته شد و قاتلش پس از فرار، خود را در انباری مخفی کرد. «کندی» از انباری هدف قرار گرفت و قاتلش پس از فرار در یک تئاتر پنهان شد

13. «لینکلن» یک هفته پیش از مرگ خود در شهر «مونرو» در «مریلند» به سر می‌برد و «کندی» اوقات خود را با هنرپیشه‌ای به نام «مریلین مونرو» می‌گذراند.

نویسنده: ....

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 10:10

با سلام
جناب استاد غفوری گویا پیشنهاد من اصلا مورد پسند شما قرار نگرفته است!!مدتی است ایمیلم را چک میکنم ولی متاسفانه جوابی حتی به صورت ایمیلی خالی هم دریافت نکردم که ذوق زده شوم!!در مورد یک تیزر کوتاه تبلیغاتی عرض می نمایم!!به دلایل امنیتی با اسم مستعار نیامدم!!

نویسنده: عباس سلامات

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 10:34

با سلام
خدمت جناب آقای کاوه عرض کنم که مستند طوفان نوح توسط بنده و کتاب اسلام وشمشیر توسط دوستی با نام"هیجان" ترجمه شده است برای چاپ کتاب اسلام وشمشیر در حال حاضر به دنبال ناشری در کشورهای عربی هستیم که بپذیرد کتاب را چاپ ومنتشر کند که تا کنون علیرغم پایان وبازبینی چند باره ترجمه موفقیتی حاصل نشده است اصرار در انتشار کتاب در کشوری عربی به این دلیل است که انتشار آن در ایران کاری کم نتیجه(به دلیل وجود نسخه فارسی) بوده وانتقال آن به کشورهای عربی کاری شاق و هزینه بر است. در باب مستند طوفان نیز ترجمه نهایی اماده شده و در اختیار اساتید ارجمند پورپیرار وغفوری قرار گرفته است لیکن باز به دلایلی که شاید از کم کاری بنده و یا مشغله فراوان استاد غفوری منبعث شده هنوز کار ضبط وصداگذاری روی مستند انجام نشده است واز آنجایی که بسیاری از دوستان نمی دانم از چه کانالی به این ترجمه دست یافته اند وبنحوی این ترجمه دیگر عمومی شده اگر تمایل داشته باشید من فایل پی دی اف آن را برایتان خواهم فرستاد.

نویسنده: ب

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 11:11

غلط املایی در آمبولانس حامل جنازه مرحوم کردان

conid=48252&http://www.seemorgh.com/news/default.aspx?tabid=2198

ناف مرحوم علی کردان رو از تولد تا مرگ با بی سوادی بریده اند!؟

نویسنده: مجتبی غفوری

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 16:28

با سلام برای بنده ایمیلی نرسیده!
در صورت امکان مجددا ارسال کنید ...

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 237

حضور محترم جناب اقاي عبد لباقي دوست عزيز ودانشمند

اي ميل شما رسيد واز نظر بسيار دقيق واستا دانه شما بهره مند شدم اميد وارم وجود نازنينتان

از كزند روزكار مصون بماند از انجا يي كه به تاريخ علاقمند هستيد وجون نوشته هاي ناصر

نقدي بر تاريخ باستان ومعاصر ميباشد ومتفاوت با ديكران سعي كنيد به مطلا عه ان تا انجا كه

وقت داشته باشيد ادامه دهيد در ضمن فيلم مستندي هم از تختجمشيد تهيه كرده اند بنام (تختكاه هيجكس)

كه ميتوانيد از سايت NARIA.IRدانلود نماييد البته به مدت 3 ساعت ميباشد من بخش دوم ايران شناسي

خد مت شما ارسال ميكنم كه درنوع خودش بسيار جالب است با يد خد مت استاد بزركوارعرض كنم

شما كه ديدي تيز و هوشمندانه اي داريد با يد بطور كامل بخا نيد و بموقع اظهار نظر كلي بفرما ييد

بخش صفويه خيلي اكاهي دهند ه ميبا شد وهمينطور بخش معاصر ان

نویسنده: آمون

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 0:34

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: داریوش

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 0:51

سلام جناب استاد
درمورد طوفان نوح درسوره ي قمر آيات 9تا 15 نكات جالبي بيان شده است:يكي اينكه درآيه 12 ميفرمايد آب اززمين وچشمه ها نيزبكمك باران آمده است .يعني از زمين وآسمان آب باريده تنها باران نبوده است.همچنين فعل قدر علاوه برمعني مقدر بمعني اندازه گيري شده نيزهست كه ميتواند محدود بودن آب تا ميزان ارتفاع 1800 متري را بيان كند.درآيه ي 15 به گذاشتن كشتي بعنوان آيت و نشانه اي براي پندگيرندگان اشاره مي كند.

نویسنده: kazem

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 12:57

سلام استاد.سوالی داشتم خدمتتان: فلسفه خمس دادن که در قرآن بدان اشاره شده آیا بدین صورتی که شیعیان از آن برداشت دارند و اجرا میکنند درست است یا فقط همانطوری که سنیان اعتقاد دارند فقط مربوط به اموالی که از جنگ با کفار بدست میاید میشود.؟ متشکر میشوم اگر جواب دهید هر چند مربوط به مباحث ایرانشناسی شما نمیشود.مرسی

آقای kazem. نمی دانم آن سرویس اتوبوس ها هنوز کار می کند یا نه.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 13:4

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=74570

ارتش 50 هزار نفری کمبوجیه هنوز پیدا نشده، گم شد.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 13:48

باسلام خدمت استاد و دوستان
با بازیگوشی دو توله ایتالیایی حرف مفت زن مسئولان بدبخت و تنگ دست ایران که از روی نادانی!! از هر فرصتی برا ی آب در آسیاب یهود ریختن بهره میبرند به تکاپو میافتند نامه به رییس جمهور مینویسند جلسه هماهنگی میگذارند و نامه رسیدگی این موضوع از طرف رئیس جمهور تیتر اول روزنامه ایران میشود
نظریات روشن استاد راهنمای مناسبی برای هر سوال تاریخی است برای یافت حقیقت بهترین آدرس همین وبلاگ است
در تعجبم ما حقایق را با تلخی و حلاوتش پذیرفتیم اما این بی مایگان بدبخت که مثلا خود را مسول فرهنگی یک کشور و رییس جمهور مصلح جهان میدانند عروسک شیطنت بچه گانه دروغ میشوند
مضحک و در عین حال ناراحت کننده است اوج حقارت و بدبختی یک ملت بازیچه قرار گرفته است ما امروز به مدد تلاشهای استاد میدانیم که قرنهاست ما را به بازی گرفته اند عروسک خیمه شب بازی آنهاشده ایم
مسئولان فرهنگی کشور به همراه تاریخ نادانان بی مایه با دهان باز و کف کرده با ذوق زدگی منتظرند تا استخوانی چند هزار ساله برای تایید هخامنشیان تحفه بگیرند آیا تراژدی از این حزن آورتر هم شنیده اید

نویسنده: الکی خوش

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 15:2

باز گند این ارتش هخامنشی دراومد! باز هم هر نظری که یه اسم غربی پشتش باشه بدون سوال و جواب توسط روشنفکری ایرانی پذیرفته می شه.

"داستان با داستانسرايي برادران دوقلوي ايتاليايي شروع مي‌شود که با نشان دادن چند جمجمه و چند سلاح برنزي در قسمتي از صحراي مصر قصد دارند به جهانيان بقبولانند که آثار کشف شده بقاياي ارتش گمشده کمبوجيه پادشاه ايرانيان باستان است که به يکباره در اين محل کشف شده است.
رسانه‌هاي ايراني همه به تکاپو مي‌افتند و البته اما در اين ميان سازمان ميراث فرهنگي براي آن که درجه حساسيت خود را نسبت به اين موضوع نشان دهد از آغاز مذاکره مصر براي بازگشت اين آثار باستاني خبر داد."

http://alef.ir/1388/content/view/57882/

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 4 آذر1388 ساعت: 17:19

سلام خدمت شما استاد عزیز .

واقعا" خسته نباشید و دست مریزاد استاد.

آقای طالب حقیقت اینهم آدرس الکترونیکی من :

shecosverige@gmail.com

نویسنده: عباس

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 9:31

سلام استاد
ببخشید که مزاحم شدم . دیدم شما در مورد پیدا شدن ارتش کمبوجیه ننوشتید ، بنده بی ادبی کردم چند سطری نوشتم برای اطلاع کسانی که هنوز به عظمت تاریخ بزرگ ما پی نبرده اند .
دوستان می توانند مطلب را در وبلاگ من و پدر بزرگم مطالعه کنند .

آقای عباس. من هم چند سطری در همین باره نوشتم ولی نه به استحکام و تفصیل شما. سرنوشت این لشکر کمبوجیه هم درست مانند آن کتیبه ی جزیره ی خارک شد، اما دروغ بافان یهود وقیح تر از آنند که با این رسوایی ها متوقف شوند. وبلاگ خوبی دارید. موفق باشید.

وب سایت

نویسنده: درویش

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 10:34

سلام استاد
انشاالله که خوش و خرم و پر و پیمان . سرحال و قبراق باشی و همینطور ادامه بدهی که دوستان بخوانند و لذت ببرند و دشمنان بسوزند و خاک بر فرقشان بریزند و دستمایه های زندگی نکبت بارشان را دلیل وجود نکبت و منحوسشان است را ببینند که چگونه همچون کفی بر آب با توضیحات روشنگر شما محو نابود میشود . زمین و زمان را به هم بدوزند و زنده و مرده فحش بدهند و ناسزا بگویند . آخر کسی دچار سوختگی شده همین است که بال بال بزند .
بنویسید و باز هم بنویسید که نوشته های شما همچون ابابیل بر ابلهان و کفار هجوم آورده و عنقریب ریق رحمت را سر خواهند کشید و به دوزخ واصل خواهند شد .
موفق باشید .

آقای درویش. ممنون. تنها انجام وظیفه می کنم و بس.

وب سایت

نویسنده: ....

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 13:48

با سلام
مثل همیشه جذاب و روشنگر بود.استاد آیا بعد از هندوستان به سرزمینی دیگری هم سفر خواهیم کرد؟!
استاد غفوری من ایمیلم را به ایمیلی که در وبلاگتان درج شده بود فرستادم!نمی دانم آیا هنوز هم همان آی دی برقرار است یا عوض شده است؟!مطلب خصوصی نبود از این رو با اجازه در اینجا می آورم.
از خدمتتان سئوال کرده بودم که آیا امکان ساخت تیزر تبلیغاتی کوتاه از دو مستند به همراه آدرس سایت برای دانلود و شماره تلفن برای سفارش آن وجود دارد؟!چون از این راه می توان مثلا با تبدیل این تیزر به فرمت موبایل آن را سریعتر تبلیغ کرد و اشخاص فراوانی را با این دو مستند با شکوه آشنا ساخت.خودتان حتما از سرعت انتشار جریانات بوسیله موبایل آگاه هستید.
با تشکر و سپاس

آقای... پس از هندوستان دوباره به سرزمین خودمان بر می گردم. غرض از سفر به هند بازگویی قصه ی دردناک آن ملت است که چه گونه طی اشغال پرخون 250 ساله پایگاه و سکوی پرشی برای شلاق کشان و کلاشان غربی شد که ضمن غارت تمام میراث آن سرزمین، همانندچپاول آفریقا، که به فقر عمیق و چاره ناپذیر آن مردم انجامید، بل به مرکزی برای تایید القائات دروغ تاریخی و فرهنگی در منطقه تبدیل شد که مثلا به زردشتیان پناه داده اند و با تدارک دو دیوار چینی رنگ و روغن خورده، هند را مرکز اقتدار مغولان دانشور و صاحب جبروتی کرده اند که گرچه به قدر پوست تخمه ای نشان تاریخی در زیر آسمان ندارند ولی امپراتوران افیونی و جلاد صفت آنان، موجب اعتلای زبان فارسی و جلای دین اسلام بوده اند! مطلبی که ما را به این یقین هدایت می کند که گزارش های تاریخی و فرهنگی موجود از هند، حتی تا توصیف بودا، سهم دانشگاه های طویله سان غرب در امور انسانی از اشغال هندوستان است.

فریبا خانم. در زبان فارسی کسی که تیری بر گلوی اش نشسته، اصطلاحا لاعلاج تر از کسی است که تیر به قلب اش خورده باشد. زیرا تیر به قلب رسیده لااقل امکان ناله و درخواست کمک دارد ولی تیر بر گلو نشسته در خاموشی و در حال خرخر خلاص می شود! متاسفانه زنگ خورد و تا جلسه ی بعد کلاس تعطیل شد.

نویسنده: مسعود سنجری

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 14:17

برادر بزرگ استاد پورپیرار
سلام علیکم

روش تحقیق شما بسیار شبیه به روش تحقیق علامه مرحوم مرتضی عسکری در کتاب ارزشمند "یکصد و پنجاه صحابی دروغین" است که در مجموعه یادداشتهای با ارزش اسلام و شمشیر به آن اشاره کرده بودید. امیدوارم دوستان با مطالعه آن کتاب به تصوری از زحمات و تلاشهای طاقت فرسای جنابعالی برای بیرون کشیدن حقایق از درون تاریخ سراسر کذب فعلی دست پیدا کنند. خواننده در این کتاب بوضوح مشاهده می کند که عده ای با هدف معین از چندین صحابی جعلی به عنوان شاهدی بر صحت وجود یک یا چند صحابی جعلی دیگر استفاده میکنند تا صحت حدیث یا احادیثی جعلی را از زبان آن صحابی جعلی قابل اثبات کنند.

مثال کوچکی از این روش را شهرام جزایری با تاسیس شرکتهای صوری جهت واقعیت بخشیدن به معاملات وهمی با هدف اخذ تسهیلات بانکی انجام داده بود که همه در جریان آن هستند.

امروز به مدد تلاشها و زحمات شما معین گردید که تمام آن حکومتها و امپراطوریها و شرکتهای خیالی برای تایید و واقعیت بخشیدن به دیگری برپا شده اند تا در نهایت به تشکیل نظام جهانی کنونی - که با هر اسم و عنوان در انتها بر مبنای بازار شکل گرفته است - صحه بگذارند و از طرف دیگر راه سرکوبی تمام حرکات مقاوم در برابر این نظام اهریمنی را هموار نمایند.
پس اکنون واضح است که آنچه در پیش رو داریم در حقیقت "ضد تاریخ" است! نه تاریخ و تلاشی است برای نفهمیدن و ندانستن و نشناختن تاریخ و روش زندگی گذشتگان تا روش زندگی کنونی عادی و منطقی به نظر برسد.
استاد از شما تشکر می کنم و انشالله این بررسی ها بتواند راه را برای یافتن تاریخ حقیقی و احیای روش صحیح تر زندگی انسانها فراهم کند.

والسلام علیکم
فی امان الله

آقای سنجری. انجام وظیفه است و اگر خدا بخواهد امیدوارم آخرین یادداشت های در پیش امکان خواب بی خیالانه ی کنونی را از دروغ پردازان برباید. ضمنا جایگاه استاد عسکری به سبب پیش تاری شان یگانه و انحصاری است.

نویسنده: آدمین

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 19:9

http://zxcv1115.blogfa.com/post-159.aspx

نویسنده: م

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 20:1

http://naria5.blogfa.com/post-348.aspx

سلام
لعنت به هرچی جهوده.
عکس ها رو عوض کرده اند.

آقای م. آشنایان را لعنت نکنید. گمانم درست شده باشد.

نویسنده: م . ستاره

پنجشنبه 5 آذر1388 ساعت: 23:53

با سلام به همه ی دوستان ، عید قربان را به همه خصوصا استاد بزرگوار تبریک می گویم .

نویسنده: kazem

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 0:41

سلام استاد.
سوالی در خصوص خمس داشتم ولی جواب حضرتعالی را در خصوص سرویس اتوبوس متوجه نشدم.شرمنده.در صورت امکان واضحتر میفرمایید؟یا حداقل بنده را با رفرنس قابل اطمینان در این خصوص آشنا میکنید؟

آقای kazem. نقل قرآنی آن در آیه ی 41 سوره ی انفال و برداشت فقهی آن در رسالات موجود است. اشاره ی قرآنی آن صریح است به شرط آن که به تراجم موجود رجوع نکنید و آن سرویس اتوبوس مجازی هم مخصوص کسانی دایر بود که برای دریافت پاسخ کامل نیازمند سفر به دائره ی استفتاآت در قم می شدند. موفق باشید و سفر به خیر.

نویسنده: عباس

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 10:51

آقای پورپیرار درسورهٔ روم در قرآن .امپراتوری روم با چه امپراتوری می جنگد

آقای عباس. یادداشت های 196 تا 206 را با دقت بخوانید.

نویسنده: رعد

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 12:16

سلام , ارزوی تندرستی برایتان دارم .این همه اطلاعات ذی قیمت در مورد هند و منطقه از جانب شما , کولاک کننده است .
به تصورم , اورشلیم با این کولاک , یخ زده , که بی حرکت مانده شاید در اینزمان غیرت دیگر معنا ندارد . اقا جان دیروز سالگرد

گرفتن چند روزه یک هتل در دلهی بتوسط چند پاکستانی مسلح و کشته شدن بالای صد نفر در این واقعه بود . ایا ارتباطی بین اگاهی ان چند نفر راجع به جدایی هند و پاکستان و ترور انگلوفیل ها و جهود های ان هتل وجود دارد ؟

آقای رعد. در باب هند هنوز باید منتظر چند یادداشت دیگر باشید.

نویسنده: kazem

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 13:16

استاد اگر به نص صریح قران که حضرتعالی فرمودید نگاه بیاندازیم برداشت بنده این است که خمس فقط در زمانی که غنائم جنگی از کفار بدست آمد معنا پیدا میکند و باید به فقرا و ایتام و در راه ماندگان داد ولیکن در رسالات کلی از سهم امام و سید و.... گفته شده که به قول مرحوم شریعتی جدولی لگاریتم هم به این پیچیدهگی نیست. آیا نظر بنده به واقعیت نزدیک است یا خیر.همانطوری که حضرتعالی در اسلام و شمشیر نیز فرمودید ملاک فقط نص صریح قرآن است و روایات و احادیث که در طول تاریخ جعل یا تحریف شده لذا سوال دیگرم این است که در همین سوره انفال در آیات 41 و 42 خداوند صراحتا از کمکی که به پیامبر در جنگی که در پیش داشت اشاره کرده ولیکن شما در کتابتان جنگهای صدر اسلام را تحریف تاریخدانان یهود در خشن معرفی کردن دین اسلام بیان داشتید.لطفا جهت روشن شدن بنده در این خصوص توضیحاتی بفرمایید.موفق باشید

آقای kazem. در هیچ آیه ای اعم از 41 و یا 42 سخن از جنگ، الا در پرانتزهای مترجمان نیست، "غنمتم من شیء" اختصاص به جنگ ندارد و کمک خداوند به بندگان و پیامبران نیز منحصر به میدان جنگ نیست. به متن مستقیم آیه و بدون کسب تاثیر از تفسیرها رجوع کنید.

نویسنده: khalil

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 14:30

سلام استاد عزیز
می خواستم نظرتان را در مورد ماهاتما گاندی بشنوم.

آقای khalil. تا نصب دو سه یادداشت دیگر صبر کنید و لطفا نتیجه را به خاخام نیز برسانید!

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 16:29

سلام
عید بندگی و عبودیت بر استاد معظم و همه ی دوستان گرامی مبارک باد.

نویسنده: ايمان صميمي

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 20:39

عيد ذبيحان آماده در راه خدا بر همه ي مومنان به مسير مقاومت مبارك باد.

نویسنده: مدیر

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 21:4

سلام حضرت استاد آیا از متن این نوشته باخبرید؟
http://www.etemaad.ir/Released/88-08-12/296.htm
بدین ترتیب شما تربیت کننده باصطلاح اساتید شده اید. هرچند آنها شرف ندارند که از شما یاد کنند، اما صاحبان فرهنگ بیدارند و گولشان را نمی خورند. جاوید بمانید.

آقای مدیر. میان این توبه نامه های آبکی و مسخره با این حقیقت که پس از پوریم زندگی در شرق میانه متوقف مانده، هنوز فاصله بسیار است.

نویسنده: مسعود

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 21:23

استاد محترم خداقوت و سالگرد حج اکبر الهي بر شما مبارک.

استاد بخاطر تیزبینی و تبحرتان در شناخت یهودیان در پاسخ به کامنتهای khalil و م تبریکات بنده را پذیرا باشید.

نویسنده: سایه

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 21:41

استاد غفوری من ایمیلم را به ایمیلی که در وبلاگتان درج شده بود فرستادم!نمی دانم آیا هنوز هم همان آی دی برقرار است یا عوض شده است؟!مطلب خصوصی نبود از این رو با اجازه در اینجا می آورم.
از خدمتتان سئوال کرده بودم که آیا امکان ساخت تیزر تبلیغاتی کوتاه از دو مستند به همراه آدرس سایت برای دانلود و شماره تلفن برای سفارش آن وجود دارد؟!چون از این راه می توان مثلا با تبدیل این تیزر به فرمت موبایل آن را سریعتر تبلیغ کرد و اشخاص فراوانی را با این دو مستند با شکوه آشنا ساخت.خودتان حتما از سرعت انتشار جریانات بوسیله موبایل آگاه هستید.
با تشکر و سپاس

نویسنده: kazem

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 23:21

سلام استاد. از طرفی در کتاب برآمدن اسلام (پلی در گذشته 1-2-3) صراحتا و با دلایل بسیار جالب زبان فارسی را زبانی ناقص و نوساز و از طرفی توطئه یهود دانستید که باعث شد که اقوام ساکن در ایران از فهم بی واسطه و صحیح قران به دلیل عدم تسلط به زبان عربی(مانند سایر کشورهای عرب زبان) محروم شوند و از طرفی به بنده فارسی زبان در خصوص فلسفه صحیح خمس به متن مستقیم ایه و عدم رجوع به تفاسیر و تحت تاثیر قرار گرفتن آن ارجاع میدهید!! لطفا برداشت صریح خود را در خصوص آیه 41 سوره انفال با توجه به ایمانی که در خصوص اسلام شناسی و تاریخ شناسی شما دارم بفرمایید و یا به ایمیل بنده ارسال دارید.در صورت عدم اجابت درخواست بنده باز هم مشتاقانه سلسله مباحث ایران شناسی بدون دروغ را دنبال خواهم کرد. ضمنا استاد : در خصوص اقوام ساکن در مازندران و در کل تاریخ مازندران تا کنون که کتب و مقالاتتان را دنبال کردم(12 قرن سکوت و ایران شناسی تا 125) مطلبی در این خصوص مشاهده نکردم آیا وارد این مساله در آینده میشوید یا خیر.(لازم به توضیح است که تا کنون و طبق کتب نوشته شده فکر میکردم که مازنی ها جزو ایرانیان اصیل باشند ولیکن با توجه به رخداد پوریم احتمالا از جایی به این سرزمین کوچانده شده باشند)

آقای kazem. کسانی از مزاجعان به این وبلاگ، با درک نیاز مسلمین به آموزش زبان عرب، اینک و در فاصله ی کوتاه دو سه سال، تسلط لازم را در آن زبان یافته اند که بی واسطه از قرآن برداشت کنند. در باب مازندرانی ها و گیلانی ها به یادداشت ایران شناسی شماره 1 مراجعه کنید.

نویسنده: سعید

جمعه 6 آذر1388 ساعت: 23:48

ضمن عرض سلام خدمت همه دوستان و استاد بزرگوار
دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران اواخر آبان ماه سمیناری با عنوان گفتگوی فرهنگی ایران و اسپانیا و با حضور اساتید ایرانی و اساتیدی از اسپانیا برگزار کرد که در این سمینار یکی از استادان تاریخ این دانشگاه در سخنرانی خود ضمن استناد به کتاب اولاگوئه محقق اسپانیایی که در کتاب هفت قرن تمدن اسلامی در اسپانیا منکر حمله اعراب به اسپانیا شده است، حمله اعراب به اسپانیا و اندلس را زیر سئوال برده و تردیدها و سئوالهای متعددی را درباره لشکرکشی اعراب و فتوحات آنها و گسترش اسلام با نیروی شمشیر مطرح کرد! قرار است که در آینده نزدیک تمام سخنرانیهای این سمینار در مجله این دانشکده به چاپ برسد. به نظر می رسد که دیدگاه های جدید استاد پورپیرار به سرعت در حال گسترش می باشند و این خبر خوبی برای دوستداران حقیقت است.

نویسنده: م

شنبه 7 آذر1388 ساعت: 17:22

شالوم! حیف شابات تمام شد!
با تشکر از دوستان که مرا شرمنده کردند!
یهوه از همه شما راضی طوفان (خواستم به جای "طوفان" ، بنویسم "باد" ، دیدم که کفاف نمی ده!)
به هر حال آدم واجب الخطاست! چه کنیم دیگه؟ وقتی رگ و پی جهود باشه، باید جهود موند! ولی مسعود خان جهودیت منو کی لو داده؟! فقط خاخام می دونه که من جهودم! دیگه صداشو درنیار!
برای اینکه باور کنید مسلمونم عید رو تبریک میگم! خصوصا که عیدتون بیوفته شابات! چه شود .... !

نویسنده: م

شنبه 7 آذر1388 ساعت: 17:35

پرویز رجبی:
در مورد کتابخانه ها و کتابسوزي با توجه به نظام کاستي و طبقه بندي در مورد تحصیل نباید این اتفاق را باور کرد.

بابا.................. تودیگه کی هستی!
روتو برم بشر!

به قول عبدالحسین زرین پوز: صفرا را که به بیضا می خرد؟!!!

هیچ وقت این جوک از یادم نمی ره!

نویسنده: sadegh

شنبه 7 آذر1388 ساعت: 20:6

با سلام خدمت استاد گرامی و تمامی دوستان

عید سعید قربان عید ایثار و جانفشانی در ره حق و معبود یکتا بر تمامی مسلمین مبارک و فرخنده باد .

استاد عید شما مبارک . خداوند تمامی روزهای شما را فرخنده و میمون گرداند بر توفیقات شما در اعتلای کلام الله فزونی بخشد .
پیروز باشید.

آقای sadegh. عید فداییان و از خود گذشتگان و قربانیان راه حق مبارک باد!

نویسنده: مهدی

شنبه 7 آذر1388 ساعت: 20:45

جناب سعید این کنفرانس دقیقا کی بوده و آیا می توانید نام استاد مربوطه را بفرمائید؟

نویسنده: سعید

یکشنبه 8 آذر1388 ساعت: 0:23

جناب آقای مهدی من این خبر را از قول یکی از دوستان خبرنگارم آوردم ولی اطلاعات مربوطه را می تونید در سایت دانشگاه تهران پیدا کنید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 8 آذر1388 ساعت: 2:31

اقای عبداللهی. اگر مصمم به درک مطلب باشید، برداشت از قرآن، از جمله در باب شاعران بسیار ساده و روشن است.
یعنی علاوه بر رد و نفی و نهی الهی، که شاعران را شیطان زده و گرافه گو لقب می دهد، مراتبی را هم که کافران، نه از سر تمجید، بل برای تخفیف به پیامبر می بستند، مجنون و ساحر و شاعر بود، که در یک ردیف گرفتن این سه عارضه و عنوان

است. این مهم آشکار می کند که از آغاز سرودن شعر را در زمره ی آرایه ها و عادات معیوب می گرفتند و مورد نظر و عنایت نخبگان نبوده است. حالا داستان های معلقات سبعه را با این اشارات قرآن بسنجید و دریابید چرا قریب صد در صد ادب فارسی منظوم است؟! و داغ هم نکنید، چون به نقاط حساس خویش آسیب می رسانید.

نویسنده: چیل

یکشنبه 8 آذر1388 ساعت: 16:0

"ما در زمان ساسانیان بسياري از شاهزاده هايمان در ميان اعراب تربيت مي شدند. اعراب مردماني بودند با فرهنگ خوب و سليم النفس و راستگو (هنوز هم هنگام نماز مغازه هاي خود را باز مي گذارند و مي روند).0پرويز رجبی)
عجبا !! نسل دوم زرین کوب ها چه خوش یواش یواش به بعضی چیزا اعتراف می کنند.
قومی که شاهزاده تربیت می کند بی شک در حد بینش استاد باور کردنی است نه به بیان غرض ورزانه بی مایگان و زرین کوبان.

آقای رجبی, با اعتراف به همین حداقل داشته های عرب,صحه بر تمام گفته های استاد گذاشته اند .قومی (ببخشید)نژادی که برای تحصیل فقط سه خصلت فرهنگ,نفس سلیم وراستگویی شاهزاده به قصد تربیت نزد اعراب می فرستد بی شک چنان به فقر و نداری شاخصه های مدنی وانسانی گرفتار بوده که باید حتی دروغ نگفتن را هم به آنها می آموختند . در این راستا حداقل عرب در آموزش راستگویی به اخلاف هخامنشیان و ساسانیان تاریخدان مدرک گرفته از دارالطویله های غرب موفق نبوده چرا که هنوز که هنوز است راستگویی را نیاموخته.

آقای چیل. فصل ریزش باران توبه و اظهار شرمندگی هنوز نرسیده است. این فقط اول کار است.

نویسنده: رشید

یکشنبه 8 آذر1388 ساعت: 19:34

باسلام خدمت استاد گرامی و بلا منازعمان
بلاخره بعد از چند ماه توانستم سری به نوشته های با ارزشتان بزنم واقعا دست مریزاد خدا قوت اگه این درس خوندن بی صاحب بزاره از مطالعه ی مطالب نابتان امید دوباره به زنده بودن حقیقت در جهان پیدا کنیم. ولذت ببریم.
موبید باشد

آقای رشید ممنون. انجام وظیفه می کنم و رفع تکلیف.

نویسنده: الکی خوش

یکشنبه 8 آذر1388 ساعت: 23:30

سوئیسی ها به ممنوعیت ساختن مناره رای دادند

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2009/11/091129_nh_swiss_minarets.shtml

این هم سرنوشت این نماد دموکراسی و بردباری

نویسنده: عباس

دوشنبه 9 آذر1388 ساعت: 4:17

آقای پورپیرار نظر شما دربارۀ آئین و فرهنگ ایزدی چی

نویسنده: حسن-ک

دوشنبه 9 آذر1388 ساعت: 13:28

با عرض سلام و خسته نباشید حضور استاد عزیز .مطلب ذیل جلب نظرم نمود با اجازه استاد آنرا متذکر میشوم.در سایت ویکی بدیا تحت عنوان(اعراب یزد)بطور خلاصه میگوید.درنخستین سده اسلامی سرزمین یزد بدست اعراب افتاده و قبایل عرب بسوی ایران سرازیر شدند. گروهی نیز از قبیله بنی تمیم وبنی عامر درکوی عربهای یزد استقرار یافتند-همچنین سایت

استانداری یزد باقدری تفصیل زیر عنوان (معرفی شهرستان طبس) همان قصه را در مورد شهر طبس گفته(با استناد به سر جان ملکم) ساکنین فعلی طبس را اعربی از اعقاب قبایل :بنی لام-بنی شیبان-خزاعه و عامری معرفی می کند.واما دوستی که دوره سپاه دانش خود را در یکی از روستاهای یزد طی کرده یاد آور میشود روستای عرب نشین رادر آن استان مشاهده کرده.بااین توصیف بر افراشتن علم آریایی وزرتشت و دمیدن در مفاخراتی که اساسی از صحت ندارد به چه منظور است.

آقای حسن ک. از تاریخ پیدایش دهکی به نام یزد 250 سال هم نمی گذرد.

نویسنده: حسن

دوشنبه 9 آذر1388 ساعت: 17:21

سلام استاد
چگونه می توان به کتابهای شما دسترسی یافت؟

آقای حسن. از طریق انتشارات آن و با تلفن 66492049

نویسنده: ایمان صمیمی

دوشنبه 9 آذر1388 ساعت: 18:17

شنیدم بنده ی خدایی !!! از کامنتهای هتاکانه ادعایی به تنگ آمده و ضمن متهم کردن آقای پورپیرار تهدید کرده است که با قدرت و نفوذ خود منجر " به بریدن یک محکومیت سنگین " برای پورپیرار شود!
جناب آقای فرهادی!!!نمی دانم چگونه می خواهی چنین نسبتی را اثبات کنی در حالی که با همان شیوه ی تو کامنت تو نیز به تو قابل نسبت دادن خواهد بود ولی بدان که اینگونه گنده گوزی ها از ابعاد ماتحت اربابانت نیز فراتر است چه برسد به تو! سعی کن در قالبت سخن بگویی!

آقای صمیمی. مراد و مرشدها و صاحب نفوذهای متکا را هم دراز کرده اند چه رسد به او که نیازمند اتکا٬ به این و ان است.

وب سایت

نویسنده: طالب حقیقت

سه شنبه 10 آذر1388 ساعت: 2:49

سلام به استاد و دوستان
ببخشید استاد اگر زحمتی نیست آن نقشه کتاب آخر دنیا را در "اندازه بزرگ" یا ایمیل کنید و یا به نحوی در اختیار اینجانب قرار دهید. بسیار سپاسگزارم.

آقای طالب حقیقت. برای تان ای میل کردم و اگر کارساز نبود باید برای دریافت کپی بزرگ آن شخصا مراجعه کنید و یا آدرس پستی بگذارید تا ارسال شود. نهایتا اصل نقشه نیز چندان وضوح ندارد و خواندن حروف آن محتاج وسائل اپتیک است.

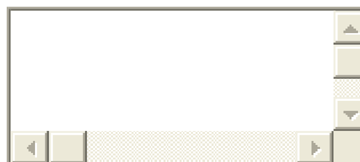
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر   بازنويسي

ایران شناسی 238

ایران شناسی بدون دروغ 238، نتیجه 46، حقه بازی ها در هند، 15 - 33 نظر

نویسنده: رعد

سه شنبه 10 آذر1388 ساعت: 9:35

سلام, در پناه خداوند باشید . من هر زمان که در مورد هند نوشته و چیزی میخوانم , غمباد گلویم را میگیرد . اقای پیرار این نوشته شما "از این جهت بالا بردن اجزای تاریخی دل خواه , برای مهاجمین انگلیسی..." را میتوان نتیجه گرفت که : کمپانی هند شرقی فقط شعر است ؟؟؟

آقای رعد. حتی شعر هم نیست، کشک است.

پست الکترونیک

نویسنده: khalil

سه شنبه 10 آذر1388 ساعت: 15:6

با سلام خدمت کاراگاه تاریخ جهان
استاد ببخشید که این خاطره بی ربط با موضوع است.
پریروز به افتتاحیه نمایشگاه تایپو گرافی(امام مولانا جلال الدین)مال یکی از دوستانم در فرهنگسرای هنری صبا رفتم.جای شما خالی صاحبان محفل که از عشق مولانا در حالت دغ تشریف داشتند با گیسو و ریش بلند و با ردا و شلوار سفید که بدون کلاه شاپویی هم جلوه یک خاخام را تداعی می کردند مردم را سر گرم اثرها و آموخته های پوچ خود قرار داده بودند.در لحظات پایانی دوستان مانع ترک من از نمایشگاه شده که برنامه افتتاحیه داریم.در این مراسم شاگردان امام مولانا و تماشاچیان کنار گلیمی که روی آن کتاب مقدس مثنوی همراه با گلبرگهای پخش و پلا شده گل رز و چند شمع روشن با فضای آیینه کاری شده نمایشگاه با طرحهای صلیب و ستاره داوود به حالت عرفانی روی زمین نشسته و به نواختن دف و تنبور مشغول شدند .من هم با تحمل این مراسم و تبسم مسخره آلود به اینها که زوم دوربینها را بر خودم احساس می کردم واقعاً در پشت پرده خنده یهودیان را همراه با فرهنگ تزریقیشان می دیدم و در دلم میگفتم خدا رفتگان استاد پورپیرار را بیامرزد که ما را با نوشته ها ی خود آگاه می کند.

آقای khalil. خداوند اموات شما را هم با ایلیا محشور کند.

پست الکترونیک

نویسنده: رضا

سه شنبه 10 آذر1388 ساعت: 21:56

سرمد شاعر صوفي فارسي، وقديس في الهند من عائلة يهودية الأرمنية الأصل خلال القرن السابع عشر. وصل إلى الهند كيهودي ناطق بالفارسية من عائلة من التجار الأرمن ,

http://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%B1%D9%85%D8%AF

وب سایت

نویسنده: ایمان

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 6:35

درود بر آن دستها و قلم خستگي ناپذير
بعنوان اولين سوال در اين نظر گاه همان سوال را مطرح مي كنم كه در ايميل خصوصي مطرح كرده بودم شايد جواب آن براي ديگر دوستان هم مفيد باشد
در مورد كولي ها كه در تمام دنيا پراكنده شده اند و بنده در فرهنگ عميد خوانده ام كه از نژاد هندي هستند نظر جنابعالي چيست آيا در يادداشتها به آنها اشاره خواهيد كرد؟
اگر ممكن است باقي سوالات مطرح شده در آن ايميل خصوصي را در همانجا پاسخ دهيد.
مستدام باشيد

آقای ایمان. کولی ها نقش تعیین کننده ای در شکل گیری تاریخ منطقه و جهان ندارند. بیش تر گروه های کوچکی مشغول انواع جاسوسی و عمدتا اقتصادی، برای کنیسه اند.

پست الکترونیک

نویسنده: عباس

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 8:16

استاد پورپیرار من یک سوال از شما داشتم در بارۀ دانیال آیا ایشان پیامبر مسلمانان هست .

آقای عباس. دانیال یکی از انبیا و رابی های بزرگ یهودی است که در ضمائم تورات صاحب کتاب مستقل است. البته بدانید که مقبره ی کنونی تازه ساز و به قصد مدرک تراشی برای حضور او در دوران معینی از تاریخ ایران کهن و تایید مطالب تورات است.

وب سایت

نویسنده: رعد

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 9:8

سلام , حق رحمت کند رفتگانت را . بزرگراه ایت الله کاشانی و خ گاندی و ... داریم ولی یک کوچه بن بست هم بنام مرحوم مصدق نداریم . اول انقلاب خیابان کنونی ولیعصر , مصدق نام گذاری شده بود ولی یهودفیل ها و امریکن فیل ها و انگلو فیل ها رای به امام عصر دادند .مردم مانند بولدزر هستند...

آقای رعد. خشم نسبت به آن سیاستمدار پیر و ضد استعمار با وجود خوش بینی های مخرب اش، از این بابت است که در تاریخ معاصر هنوز کسی به میزان او مجوز ملی ندارد.

پست الکترونیک

نویسنده: اترش

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 9:19

سلام

با این تفاسیر آنچه انگلیسیان قصد دارند تحت لوای بازرگانی معرفی کنند کشتار و غارت مردم هند بوده؛ به همان شکلی که امریکا تحت لوای آزادی و حقوق بشر و مبارزه با تروریسم مشغول غارت و کشتار در خاورمیانه است. بارها از شما شنیده ایم که مقاومت مردم خاورمیانه را ستوده اید و با نام مقاومتی اسلامی هم از آنها یاد کرده اید، آیا واقعا مردم خاورمیانه تحت فرامین خداوند در حال مقابله با امریکا و اسراییل اند؟ و به نظر شما عاقبتی مشابه مردم هند در انتظار خاورمیانه نیست؟

آقای اترش. و مکروا و مکروالله والله خیر الماکرین. آخرین یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ تحت همین عنوان است و پاسخ را خواهید گرفت.

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 9:56

سلام استاد گرامی
از قرائت مقاله ی اخیرتان بسی محظوظ شدیم.

به گمانم استقبال غرب از این کتاب به خاطر صحنه های فوق رمانتیک آن باشد، تا جائی که اطلاع دارم فیلمهای بالیوودی همواره از استقبال قابل ملاحظه ای در اروپا و آمریکا بهره مند می شوند، اما در خصوص وقاحت گاردنر همین بس که صحنه سازی مربوط به " چارنوک" تقلیدی از کتاب "دور دنیا در هشتاد روز است"!!! همانطور که اذعان داشتید برخی دیگر از صحنه های افسانه سان گاردنر اقتباسی از داستانهای "هزار و یک شب" نیز می باشد!؟

خداوند حافظ و یاور شما باشد.

فریبا خانم. مسخره ترین بخش آن به خواست خدا در پیش است.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 10:15

اسامی اشخاص در قرآن کریم و تعداد تکرار نامشان :

موسي 136
ابراهيم 69
نوح 42
مريم 34
لوط 27
يوسف 27
آدم 25
عيسي 25
هارون 20
سليمان 17
اسحاق 17
داوود 16
يعقوب 16
اسماعيل 12
شعيب11
صالح 9
هود 7
زكريا 7
يحيي 5
محمد 4
ايوب 4
يونس 4
الياس 2
ذوالكفل 2
يسع 2
ادريس 2
لقمان 2
ذوالنون 1

فریبا خانم. زحمت کشیده اید، جالب توجه و قابل استفاده بود.

نویسنده: آمون

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 15:24

آمون دیروز به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد و کامنت نیز نوشت ولی حذف شد!

amun.blogfa.com

آقای آمون. چای مسموم خورده بود.
آقای سلمان. پس کمبود ستون های تخت جمشید را شما مصرف کرده اید!

نويسنده: محمدي

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 19:34

سلام استاد
از اينكه سخاوتمندانه علي رغم همه مشكلات بر دانش ما مي افزاييد ممنون و سپاسگزارم. چند سوال خارج از درس داشتم و التماس راهنمايي:
1) آيا صحت دارد اگر از مرگ مولفي بيش از 30 سال بگذرد آثار او را همه مي توانند منتشر كنند؟ اگر بلي، متن قانون آنرا كجا مي توانم بيابم؟
2) در مورد تاريخ روسيه مي خواستم اطلاعاتي كسب كنم. آيا كتاب قابل اعتمادي پيدا مي شود كه حوائجم را برآورد؟
3) آيا شما دكتر ابوالفضل عزتي را مي شناسيد؟ آيا هنوز در قيد حيات هستند؟

آقای محمدی. البته با شرایطی و از جمله مدعی نداشتن آن صحیح است و برای دریافت آیین نامه ی مربوطه به وزارت ارشاد رجوع کنید. کتابی به نام تاریخ روسیه شاید هنوز در بازار باشد که بیش تر تبلیغاتی و چیزی مانند شاه نامه ی ما و مملو از قهرمانان ملی به ویژه در دوران روسیه ی شوروی است. دکتر عزتی را هم نمی شناسم. چه کاره اند؟

نویسنده: یوسف

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 22:49

سلام خسته نباشید
امشب توی یکی از شبکه های تلویزیونی آذربایجان توی یه برنامه ای به نام سیاح که در باره زندگی و عادات مردمان شهرها و روستاهای آذربایجان است یه چیز جالبی توجهم را جلب کرد. توی یکی از روستاهای روس نشین شمال آذربایجان که به گفته ساکنان آن روستا که از حدود 210 سال پیش توی اون منطقه ساکن شده اند.یکی از اهالی می گفت که بعلت عدم اعتقاد به صلیب پرستی مجبور به ترک موطن خود شده ایم چون که نا به خدای یکتا ایمان داریم .؟؟؟؟؟؟!!!! بنظر شما این چه معنی می تونه داشته باشه ؟

نویسنده: توحید

چهارشنبه 11 آذر1388 ساعت: 20:40

سلام استاد خسته نباشید

نظرتان در باره این مطلب با عنوان ماههای قمری چیست ؟
موفق باشید

http://tauheed.blogfa.com/post-112.aspx

آقای توحید. انتخاب گردش ماه به جای خورشید در محاسبات نجومی، مربوط به اقالیمی است که خورشید یک عنصر مزاحم و غیر قابل تحمل و رصد است. اما در مورد نام های ماه نمی توان بدون توضیح یکسان در مورد تمام ماه ها و مرتبط کردن کلی آن ها با خصوصیات فصلی، ادعاهای این چنینی مطرح کرد. این گونه شبهه افکنی ها دنباله ی شگرد های عتیق نیشابوری است، به خصوص که در یهود شناختن صاحب گمانه تردید اندکی دارم.

نویسنده: fire

پنجشنبه 12 آذر1388 ساعت: 5:9

سلام آقاي پورپيرار
من بار اول است كه در وبلاگ شما نظر ميدهم و به همين خطر محل صحيح نظردهي در رابطه با موضوعي كه مي خواهم عنوان كنم را نميدانم لطفا راهنمايي لازم را بفرماييد.

خداوند به مردان اذن اختيار كردن زنان را تا 4 زن داده است، اما باز توصيه ميكند كه به يك همسر قانع باشيد زيرا نميتوانيد عدالت برقرار كنيد. قطعا منظور از عدالت فقط مسايل مالي نيست. چطور ميتوان منظور كامل از "عدالت" را در رابطه با اين موضوع دانست؟

با تشكر از تلاشهاي مستمر شما

آقای fire. توضیح قانع کننده در باب این مطلب ظریف قرآنی در مقدار کامنت نیست. اگر زمانی امکان ملاقات بود پاسخ لازم تقدیم خواهد شد که البته صورت مادی و نه مفسرانه دارد.

نویسنده: مسعود

پنجشنبه 12 آذر1388 ساعت: 23:23

سلام و وقت تان بخير و شادماني جناب استاد .

استاد اين روشنگريهايتان در مورد دكتر مصدق فوق العاده است.

اشاره گذرا اما پرمغز شما به كوليها و نقش امروزيشان در جهان حيرت آور و آموزنده ميباشد.

امروز بنده با جستجو براي كلمات nomad , gypsy تعداد قابل توجهي از عكسهاي كوليهاي شرق اروپا و علي الخصوص بلغارستان و روماني را بررسي ميكردم . نكته اي كه توجه من را بخود جلب كرد شباهت فيزيك اندام و صورت آنها با مردم كنوني ايران و تركيه بود ...
اگرچه شما در كوچ كردن قبايل چادرنشين شرق اروپا به ايران و آناتولي خالي از سكنه هيچ ترديدي را باقي نگذارده ايد ليكن در تقويت اين حقيقت شايد بتوان گفت اين شباهتها ميرساند بيشتر مردمان اين سرزمينها از اعقاب همان كوليها بوده اند كه گرچه هيچ تمايلي به يكجا نشيني ندارند منتها به خواست و اجبار قدرتهاي اروپايي ده نشين و شهرنشين شده اند و از سوي ديگر اين خاصيت "جاسوسي" ! را چه بسا همين قدرتها به مانند "زبان" هاي فارسي - توركي- كوردي- گيلكي و ... به نسلهاي اوليه كوچ كرده به اينجا ها آموزش داده باشند!

سلامت و سربلند باشيد.

نویسنده: عباس

جمعه 13 آذر1388 ساعت: 10:33

آقایپورپیرار من با یک مصری ساکن اسکندری دربارۀ دانیال صحبت کردم .به من گفت .پنجاه سال پیش در اسکندری قبری پیداه کردن که متعلق به دانیال است.نظر شما چی.

آقای عباس. اگر بگردید باز هم مقبره ی دانیال پیدا می کنید. دکان های پر رونقی هستند.

پست الکترونیک

نویسنده: مسعود

جمعه 13 آذر1388 ساعت: 14:59

خداقوت استاد بزرگ.

نقشه پلان و استراكچر و عكس داخل خانه كعبه امروز در مكه :

http://www.hajjguide.org/images/kaaba_interior_2.bmp

http://www.hajjguide.org/images/kaaba_interior_1.bmp

http://www.tohir.co.za/wp-content/uploads/2009/03/inside-the-kaaba.jpg

سلامت و سربلند باشید.

آقای مسعود. ممنون. بسیار دیدنی بود. بی آینه کاری های پر مثلث و شکر خدا با زرق و برق کم.

نویسنده: رعد

جمعه 13 آذر1388 ساعت: 16:42

سلام.حاجی زاده عزیز , با ان امار که نام موسی پیام اور بیش از همه است ,خداوند به موسی بیش تر نظر داشته یا به قول اقای پیرار , قران کریم یک رساله ضد یهود به نظر میرسد ؟

پست الکترونیک

نویسنده: منصور

جمعه 13 آذر1388 ساعت: 22:55

آقای مسعود سلام
دستتان درد نکند کولی هم شدیم.
بهتر بود یک جستجویی هم از کولی های ایران می کردید که لازم به عکس نیست و خودشان حی و حاضر قابل دیدارند و از اسکلت, رنگ پوست و موی مجعد آنها می توان فهمید که از هندی هم هندی ترند حداقل قیافه آنها هیچ تناسبی با مناطق سرد و کم آفتاب شرق اروپا ندارد.اصلا" صحبت کردنشان هم با بقیه مردم متفاوت است حتی نامهایشان هم متفاوت است مثلا" برف,گل آفتاب,زیبا و ...حرفه آنها هم که معمولا" صنایع دستی بسیار کم بها است و به هیچ گروهی از ایرانیان چه ساکن و چه کوچ نشین شباهتی ندارد.
در صورت صحت گفتار شما باز هم نمی توان کولیهای ایران را با کولی های شرق اروپا هم نژاد و برخواسته از یک جغرافیا دانست.
جناب استاد اگر لازم است نظر دهند

پست الکترونیک

نویسنده: ط

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 2:30

با سلام دیدم که به (وبلاگ پژوهش های مسیحی) سر زده بودید

من جواب اون مطالب گفته شده توسط شاه پور بارنابا رو در وبلاگ خودش چندین بار !!! گذاشتم و ایشون اونها رو حذف کردند !!!

گویا هر جوابی که مطابق میل ایشون نیست ، حذف میشه !!!!!

پس ایشون سبب خیر شدند ، پس بنابراین وبلاگی درست کردم و به سوال های ایشون جواب دادم خوشحال می شم که به او سر بزنید:

حقیقت در مسیحیت :

http://truegod.blogfa.com

آقای ط. وبلاگ بسیار با ارزش و آگاهی دهنده و اندیشمندانه ای دارید، که پیش تر با آن آشنا نبودم. می تواند الگو و سرمشق دوستانی باشد که به تحقیق بیش تر علاقمندند. موفق باشید.

نویسنده: عباس

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 3:29

آقای پورپیرار. به نظرشما زبان پاکستانی همان زبانی است که یهودیان دراوایل ورود به منطقه صحبت میکردند

پست الکترونیک

نویسنده: عباس

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 8:5

آقای پورپیرار برای من خیلی عجیب است.که پال جان اول بعد از یک ماه کشته می شود.و دولت روم هیچ اوتوپسی انجام نمی دهد.

پست الکترونیک

نویسنده: سعید

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 8:47

با سلام خدمت استاد و دوستان
اینکه تمام قبایل ایران در چند قرن اخیر تنها با اختلاف زمانی وارد ایران شدند مسئله ای است که امروز به مدد نظریات استاد قابل درک و فهم است
اما اینکه نام کولی به آنها اطلاق شود و یا کوچنده یک مقدار متفاوت است کولی های بلغارستان و رمانی و ... میتوانندوجود داشته باشند کولی های هندی و سایر کولی های دیگرهم اما اطلاق مردم کوچنده ای که به شیوه کوچ زیسته اند و با مساعد دیدن منطقه ایران و ترکیه از نظر خاک و آب و مهمتر از همه بی صاحب بودن وارد این منطق شده و اسکان یافته اند دلیل بر کولی و جاسوس بودن آنها نیست
اگر کافی بود با جستجوی دو کلمه به اسرار تاریخی منطقه پی برد که مشکلی نبود
اینکه فرموده اید اینها اجبار قدرتهاي اروپايي ده نشين و شهرنشين شده اند و از سوي ديگر اين خاصيت "جاسوسي" ! را چه بسا همين قدرتها به مانند "زبان" هاي فارسي - توركي- كوردي- گيلكي و ... به نسلهاي اوليه كوچ كرده به اينجا ها آموزش داده باشند! با نگاه بنیان اندیشی جور در نمیاد و متاسفانه باید بگویم نوشته ای بی مایه است
شما به شیوه آموزش به این کولی ها هم فکر کرده اید مثلا مدرسه و دانشگاه و... و
مثلا فکر میکنید به کسی مثل شما چگونه و با چه امکاناتی میتوان مثلا زبان ترکی یا ... آموخت و مهمتر از همه شما را مجبور کرد که زبان خودتان را هم فراموش کنید
و به زبان ترکی تکلم کنید این کار با شیوه هاو امکانات امروزی هم بسیار سخته چه برسد به زمان کوچ مردم به این منطقه
عشایر امروز ما نمونه ای از کوچنده ها هستند و به احتمال زیاد پدران ما هم در قرنهای گذشته از منطقه زیستی خود به دلایلی نا معلوم با باورها و زبانهای هر چند محدود حوزه خود مانند همین عشایر وارد منطقه غنی و مستعد ایران یا ترکیه شده اند این عشایر نه جاسوس هستند و نه نیاز به این مسائل دارند اتفاقا همین عشایر کولیها را مثلا در حوزه آذربایجان به نام" قره چی " میشناسند از آنها هراس دارند و گریزانند آنها را جادوگر و دزد میشناسند ظاهرا قره چی ها رنگ پوست تیره داشته و به زبان نا معلومی صحبت می کرده اند که به زبان فارسی نزدیک بوده اینها احتمالا حامل خرافات در منطقه اند و به مقاصدی از پیش تعیین شده وارد منطقه شده اند
باز هم نظر استاد راهنماست

آقای سعید. معلوم نبود که خطاب مطلب تان به چه کسی است!

نویسنده: سعید

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 12:47

فراموش کردم در ابتدای مطلب نام دوست عزیزمان آقای مسعود را به عنوان مخاطب بیاورم
ممنون

نویسنده: reza71

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 16:19

http://www.peiknet.com/1388/04Azar/14/page/34Nofuziha.htm

حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری دبیرکل سابق روحانیت مبارز و رئیس مجلس پنجم تاکنون چند بار نسبت به جان خویش ابراز نگرانی کرده و این نگرانی را علاوه بر علی خامنه ای، با برخی از سران نظام نیز در میان گذاشته است. این نگرانی از آنجا ناشی می شود که در اواخر دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، کل پرونده اعترافات سعید امامی در زندان، به همراه پرونده خدماتی او در وزارت اطلاعات و همچنین پرونده دوران دانشجوئی وی در امریکا و حضورش در تشکل های ایرانی مائوئیست در این کشور بدستور رهبر در اختیار وی که رئیس بازرسی ویژه بیت رهبری است قرار می گیرد. هدف از این دستور و انتقال پرونده ها این بوده است که ادعاهای سعید امامی درباره حضور شبکه های جاسوسی کشورهای اروپائی، امریکا و اسرائیل در جمهوری اسلامی بررسی شود. سعید امامی این ادعاها را در دوران بازجوئی خود مطرح کرده و از 250 نفر از چهره های حکومتی در بازجوئی 1000 برگی خود، بعنوان عوامل نفوذی نام برده است.

در این بخش ، سعید امامی از بسیاری از فرماندهان سپاه و مقامات حاکمیت و روحانیون بعنوان کسانی که با سازمان های جاسوسی جهان درارتباط هستند نام برده و از جمله ماموریت های ناطق نوری و گروه تحقیقاتی وی تشخیص درستی و نادرستی این ادعاها بوده است. این گروه، پس از بررسی های طولانی مدت، به این نتیجه می رسد که شمار زیادی از اسامی مطرح شده توسط سعید امامی با هدف گمراه کردن و بی اعتبار کردن افراد واقعی نفوذی بوده است. در گزارشی که پس از تحقیقات طولانی تهیه شده و در اختیار علی خامنه ای قرار می گیرد، با ذکر سند و دلائل روی همین نکته تاکید می شود و درکنار آن لیستی از نفوذی های واقعی سازمان های جاسوسی بین المللی، برگرفته از همین بخش از بازجوئی های سعید امامی و تحقیقات مخفیقانه گروه تحقیق تهیه می شود که این لیست نیز دراختیار رهبر قرار می گیرد.

برای بررسی دقیق ادعاهای سعید امامی، تحقیقات روی شبکه های ماسونی، بهائی، یهودیان و چند محفل دیگر از جمله کانون های مذهبی، هیات های مذهبی، انجمن حجتیه و... از 150 سال پیش تاکنون متمرکز می شود.

در این گزارش روی دو نکته بسیار مهم، با ذکر مستندات تاکید می شود که بیم کنونی علی اکبر ناطق نوری نسبت به جانش ناشی از همین است.

نویسنده: reza71

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 16:19

1- در تمام ارگان های نظامی و غیر نظامی جمهوری اسلامی، رد پای شبکه های وابسته به همین محافل بصورت بسیار پیچیده ای وجود دارد و فعال است و پاکسازی و یا کنترل و یا گمراه سازی اطلاعاتی آنها نیازمند یک تشکیلات فوق محرمانه و جدا از تمام ارگان های نظامی و امنیتی حکومتی است، زیرا در غیر اینصورت هر فعالیتی در این جهت یا خنثی شده و یا به بیراهه هدایت می شود.

2- در این گزارش، در درجه اول خطر شبکه مسلمانان دارای تبار یهودی و سپس بهائیانی مورد تاکید قرار میگیرد که هر دو گروه با تعصب بسیار مسلمان نمائی می کنند.

اندک زمانی پس از تهیه این گزارش، فاصله بین رهبر و ناطق نوری آغاز می شود و دیگر هیچ پرونده ای برای بازرسی و

بررسی دراختیار ناطق نوری قرار نمی گیرد و بتدریج حذف او، ابتدا از بیت رهبری و سپس بدنه سیاسی حاکمیت کلید می خورد.

کسانی که این اطلاعات را نقل می کنند، بر این باور اند که نفوذی های همین محافل در بیت رهبری، فورا از محتوای این گزارش اطلاع یافته و طرح خنثی سازی آن را با حذف ناطق نوری آغاز کردند. حذفی که اکنون ناطق نوری بیم دارد منجر به حذف فیزیکی او نیز بشود. کلید این حذف را احمدی نژاد در مناظره های تلویزیونی با ذکر نام ناطق نوری زد.

آقای reza71. پیک نت منبع موثق و سلامتی برای این گونه اطلاع رسانی ها نیست و خود مرکزی برای تجمع جاسوسان ریز و درشت و راست و چپ است که از تمام آخورها می خورند.

نویسنده: مهرداد

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 17:8

سلام استاد
سوالم این بود نظرتون در باره ناصر خسرو قبادیانی چیه و نوشته هاش؟
ایا اصلا وجود خارجی داشته یا نه؟
اما یک پیشنهاد هم داشتم و اون این بود که مقالات رو با یکی از این برنامه هایی که تو اینترنت زیاده (مثل پرنیان و fbook)اونو به کتاب موبایل(جاوا) تبدیل کنید
چون کتاب های موبایل خواننده بیشتری نسبت به pdf , وب داره و خواهشا اسم مقالات رو جذاب انتخاب کنید تا افراد رو کنجکاو به خوندنش کنه

آقای مهرداد. یادداشت شماره 8 از مجموعه ی ایران شناسی بدون دروغ با نام ناصر خسروی دروغین را بخوانید. ضمنا کار من فقط نوشتن است و علاقه ای هم به تبلیغات ندارم ولی اگر دوستان صلاح را در انتشار وسیع تر مطالب می دانند و در این باب به هر اقدام سودمند و موثری دست زنند، ممنون می شوم.

نویسنده: مسعود

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 22:24

وقت شما استاد گرامی بخیر.

آقای سعید عزیز. دقت کنید که بنده در ابتدای عرایض نوشته ام : شاید

این یعنی اینکه من تنها نظری داده ام و نه اینکه اثبات و مسجل کرده باشم .
شما و یا هر کس دیگری میتوانید نظر خویش را بفرمایید و خوشبختانه استاد پورپیرار میدان را برای همه نوع نظری برای همه چه دوست و چه دشمن بازگذاشته اند که خود فرصتی بینهایت مغتنم است اگر همگی خوب به آن بیندیشیم.
از طرف دیگر شما چگونه میتوانید اثبات کنید که عشایر کوچنده که محتملا" نیاکان ما باشند با کوچندگان کولی که امروزه در شرق اروپا جمعیتهای کثیری میباشند و حتی ده ها سال است در همانجاها ده و شهر نشین شده اند متفاوتند و چه کسی میتواند مرز بین کولی بودن با زندگی عشایری و کوچ نشینی را تفکیک نماید !؟ بخصوص که این عشایر در 250 سال قبل اقدام به یکجانشینی کرده باشند!
مطلب دیگر اینکه خاصیت جمعیتهای کولی و عشایر مشترکا" اینستکه خیلی سریع زبانهای مسیر کوچ و یا حرکت خود را یاد میگیرند به دلیل اینکه برای رفع احتیاجات "اولیه" زندگیشان به یکجا نشینان دارای زبان و صاحب مدنیت و تکنیک نیاز "حیاتی" دارند. این مطلبی استکه به نظر من عامل اصلی جذب و فهم سریع زبانها از جانب کولیها و هم عشایر است.
موفق باشید اجمعین .

آقای مسعود. در مجموع کتاب کولیان در گذر تاریخ کار آقای موسی سیادت شاید که تا حدودی از تاریکی موضوع بکاهد.

نویسنده: محسن

شنبه 14 آذر1388 ساعت: 23:28

سلام. استاد خسته نباشید.

دکتر خان این ای میل خنده دار رو به کدوم ای میل ما فرستادی ؟!

نویسنده: منصور

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 2:32

با سلام خدمت استاد و دوستان بنیان اندیش
دوست من جناب مسعود
ظاهرا جنابعالي كامنت قبلي بنده را در پاسخ به شايد خود مطالعه نكرده ايد كه فرموده ايد " شما چگونه ميتوانيد اثبات كنيد كه..." . اولا طبق اصطلاحي كه همه پذيرفته ايم عشيره وقتي كه ساكن شد ديگر مي شود ده ، روست ، آبادي بنابراين عشاير كوچنده محلي از اعراب نيست
ثانيا": وقتي سخن از بنيان انديشي مي كنيم يعني بنا داريم مسائل موجود را با محك عينيات حل كنيم نه احتمالات. اين كه ما هم روزي كوچ نشين بوده ايم نه احتمال بلكه قطعي است و اصولا زندگي انسانها از كوچ نشيني آغاز شد كه بعدها بنا به نيازهايش در زمانهاي مختلف ساكن شدند. قبلا" خدمتتان عرض كردم كه ما كولي هاي ايران را بالعينه داريم مي بينيم كه هيچ شباهتي با ايرانيان چه ساكن و چه غير ساكن ندارند.بله احتمال همه چيز هست ، ممكن است جهش ژنتيكي باعث اين تفاوتهاي فيزيكي ازرنگ و مو و اسكلت و... شده باشد اما تفاوتهاي فرهنگي را چگونه توجيه مي كنيد؟ اقوام ايراني يكي دوتا نيست كه بخواهيد حتي احتمال كولي بودن يكي از آنها را بدهيد تفاوتهاي فيزيولوژيكي و فرهنگي اين اقوام در يادداشت هاي ابتدايي استاد به خوبي شرح داده شده در آنجا اثبات شده به دليل همين تفاوتها اين اقوام از يك نژاد و جغرافيا نيستند.
كولي ها حتي بعكس عشاير در كلني هاي بزرگ كوچ نمي كنند ، غالبا مي بينيد كه چند خانواده و حتي يك خانواده شامل پدربزرگ و مادربزرگ و بچه ها و نوه ها يك كلني را تشكيل مي دهند. اصولا فلسفه كوچ كردن آنها هيچ سنخيتي با كوچ كردن عشايرندارد چون دامداري نمي كنند كه دنبال ييلاق قشلاق باشند. حالا ممكن است شما كولي دامدار هم ديده باشيد ولي بنده مطلقا چنين چيزي را شاهد نبوده ام. كار كولي ها گدايي است چون از ساخت ابزارهاي بسيار كم بها نمي توانند امرار معاش كنند كجاي ايران شما عشاير گدا پيدا مي كنيد. كولي ها هيچ استعداد و انگيزه اي براي ساكن شدن و پيشرفت ندارند مگر آن كه از خود را به مردم ديگر سنجاق كنند. در حاليكه در همين تاريخ دروغين ميبينيم كه عشاير نقش بسزايي در رويداد ها داشته اند و جناب استاد به خوبي اشاره كردند كه كولي ها نقش چنداني در رويدادهاي تاريخي نداشته اند.

پست الکترونیک

نویسنده: fire

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 3:13

سلام آقاي پور پيرار
سوال قبلي من در مورد آياتي كه در قرآن به امور مربوط به ازدواج و مسائل بين زنان و مردان مي پرداخت، بود و در واقع شروعي بود براي سوال هاي متعددي كه در اين باب دارم. اميد دارم در روشن شدن كامل اين قضيه و حقيقت هاي مرتبط با آن، بنده را راهنمايي بفرماييد چرا كه سالهاست شخصا تلاش كرده ام حقايق اين مسائل را مبرا از هر خرافه و تابوهاي ساختگي بدانم. خوشبختانه با تمام انحرافات و از آن عجيب تر، پيروان كثيرش كه دانسته يا ندانسته و با تمام نيرو به حفظ آن كمك ميكنند، توانستم راه سالمي براي خود پيش بگيرم. مدتي پيش مطالبي تحت عنوان "ما ملكت ايمانهم" كه تحقيقات شما به روي ايات قراني بود را مطالعه كردم. از آن سو كه بسيار به آنچه به آن دست پيدا كرده بودم، نزديك بود، علاقمند شدم كه از شما در كامل كردن اين حقايق كمك بطلبم ضمن اينكه ميخواهم به ياري خدا پيرامون همين مسئله در جهت آگاه سازي كساني كه ناخواسته از اين قضايا بي اطلاع مانده اند و از اين رو متضرر شده و با مشكلات بسياري روبرو شده اند قدمي برداشته باشم.
قطعا تجربه طولاني شما در اين امور، خامي هاي كار بنده را ميپوشاند و به شروعي درست و دقيق كمك خواهد كرد.
ميدانيد كه در مورد اين مساله علي رغم خسارت هاي سنگيني كه همه پرداخته اند باز حق جويان انگشت شمارند و مخالفان آگاه و بي خبر بسيار. راهنمايي و حمايت شما در مواجه شدن با تمامي اين مشكلات دلگرمي بزرگي خواهد بود.

با تشكر از تلاش هاي مستمر شما

آقای fire. اصولا به کوشش محافلی در رجوع به قرآن سلیم، ما را به روشی عادت داده اند که در بطن خود اسراییلی و تحت تاثیر شیوه و آموزش های عتیق نیشابوری است. یعنی نیم قرنی است خود را طلب کار قرآن می دانیم، پیاپی از خداوند جواب می خواهیم و دل خوریم که چرا متن کتاب اش با قطع نامه های ظاهرا مترقی سازمان ملل منطبق نیست!!!؟ اگر خدا بخواهد به زودی و به تدریج مقالات کتاب دوم اسلام و شمشیر را دنبال خواهم کرد با مقدمه ای که امیدوارم کارگشا شود. موفق باشید.

نویسنده: هیوا

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 12:49

استاد با سلام
دربارهٔ آن اشاره‌ای که در صدر یادداشت 238 در باب گاندی داشتید لطفاً توضیح بیشتری بدهید . متوجه لب کلامتان نشدم.با تشکر

آقای هیوا. چند یادداشت دیگر حوصله کنید.

نویسنده: آلما

یکشنبه 22 آذر1388 ساعت: 11:53

خسته نباشید

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود **[حذف مشخصات]**

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 239

ایران شناسی بدون دروغ 239، نتیجه 47، حقه بازی ها در هند، 16 - 37 نظر

نویسنده: بایرام

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 14:45

سلام استاد پور پیرار. خسته نباشید از مطلب جدیدتان بهره ها بردم. خواهشمندم اگر برایتان ممکن است خواهشمندم مطلب تاریخ مردم را در وبلاگ بایرام مطالعه کنید. با تشکر. بایرام / زنجان

وب سایت

نویسنده: علی دما

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 15:35

سلام و تشکر از دوستانی که به یاد غایبین هستند (حاجی زاده) از دور تماشا میکنم مشغله کاریم زیاد است .
-- یادمه پیشنهاد میکردم که سوال و جواب را یکجا جمع آوری کنید خوشبختانه بلاگفا این زحمت را کشیده ! -- ضمنا چرا از نرم افزار > نویسا > استفاده نمیکنید پانصد هزار تومان در نمایشگاه دیدم -- حرف بزنید تایپ میکند بشدت در وقت صرفه جویی میشود -- همچنین شما دیر یا زود جهت هرچه مستند و غیر قابل تحریف کردن مطالبتان باید آنها را بصورت صوتی تصویری و کنفرانسی در اینترنت قرار دهید پس این آقای غفوری چرا اهمیت این موضوع را لمس نمیکند -- دنیای متن خواندن کوچکتر شدهو دنیای مدیا بزرگتر میشود یک نمونه اش یوتیوب ....

نویسنده: فتح

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 16:51

آقای پورپیرار یقینا رسام نقشه هم عضو همان ماموران و معماران تاریخ ایران و شرق میانه بوده است چون در آن زمان حتی فکر نمی کردند اینترنت ظهور کند و دسترسی به اطلاعات آسان شود.دیگر اینکه هنوز دو دل بودند پارس را در کجای دنیای شناخته شده معرفی کنند اما چند نقطه استراتژیک و مهم را مد نظر داشته اند.
این لینک هم خواندنی است.
روابط آلمان و ایران، 'یگانگی نژاد آریایی'
http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2009/12/091205_wmt-aa-germany-iran.shtml

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 14:58

سلام
از آنجایی که یک روشنفکر بی تفکر نمی تواند نظر شایسته ای اظهار نماید، تنها به گفتن خسته نباشید بسنده میکنم!

فریبا خانم. درست گفته اید. روشن فکری ایران به گونه ی مزمنی بی تفکر است و ظاهرا علاجی هم برای آن نیست.

آقای سعید صلاح الدین. به چنین معتقدات غیر مستندی چه نیازی دارید؟!

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 15:28

به آقای fire
متعاقب اشاره ی شما به امور مربوط به ازدواج و مسائل بین زنان و مردان در قرآن، چند نکته ی کلیدی وجود دارد که با توسل به آن ها میتوان موضوع را توسعه و تکمیل داده و ابهامات را مرتفع کرد، از جمله:
اگر زنا را به آن دسته از روابطی بین زن و مرد بدانیم که موجد دو خصیصه ی "ظلم و فساد" باشد و به واسطه ی این دو ویژگی از منظر الهی تا جایی که برای آن حد و مجازات مقرر شود، مذموم شمرده باشد، پس منطقی است برای کودک مولود این نوع روابط نیز تکلیفی معین شود، در صورتیکه در هیچ نقطه ای از قرآن حتی به صورت ایما و گذرا به ولدالزنا نپرداخته است! از آنجائی که خداوند از فراموشکاری منزه است، پس نتیجه ای که حاصل میشود شاید این باشد:
1. هیچ طفلی از منظر خداوند نامشروع نیست.
2. این ظن به شدت تقویت میشود که زنا را گناهی که احتمالا منتج به تولد طفلی شود ندانیم و ناگزیر باید جواب دهیم در این صورت پس زنا چیست؟
تا نظر استاد و دوستان چه باشد؟

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 15:31

جناب آقای آیدین خان، موافق نیستید که اینجا برای مباحثات قرآنی مکان شایسته تری است؟

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 16:27

سلام مجدد
البته اعتراضی بر عنوان برازنده ی "روشنفکر بی تفکر" نیست! اما بسیار امیدوارم در محضر شما تفکر را بیاموزم و "علاج" شوم! خدا را چه دیدید!؟ شاید روزی به ماکیاولیسم اعتقاد پیدا کردم!

فریبا خانم. میان بی تفکری و ماکیاولیسم منزل هایی دیگری هم هست، که شاید نام یکی از آن ها شناخت موقعیت و سنن اطراف و رعایت معلمانه ی آن ها باشد، که استعدادی می طلبد معمولا دور از توان روشن فکری بی تفکر ما. آن ها به سقوط از این یا آن لبه ی پشت بام عادت کرده اند و ترک و علاج عادات بسیار دشوار است، حتی اگر کندن پوست گوشه ی ناخن باشد!

آقای بی نام. از توجه شما ممنونم. مجموعه ها را به کار خودتان بزنید در این جا به قدر کافی موجود است. ضمنا نمی دانم در چه زمینه ای مطالعه می کنید تا منبعی معرفی کنم. بیش تر راه نمایی کنید و اگر نام کتابی را می شناسید اعلام بفرمایید تا ارسال شود.

نویسنده: یوسف

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 20:1

سلام خسته نباشید
لطفا اگر امکان داره منابع اینترنتی مربوط به ویلیلم بلو را معرفی کنید.

آقای یوسف. willem blaeu را سرچ کنید.

نویسنده: آمون

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 17:37

سلام
آمون به روز شد و خبرنامه ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: مسعود

یکشنبه 15 آذر1388 ساعت: 22:23

خسته نباشید استاد .

ضمن تشکر از راهنمایی در مورد کتابی که فرموده بودید سفارش میدهم دوستانی که به تهران می آیند تهیه کنند.

در مورد معبر دریایی ورود مسلمین به هند طبق این نقشه ها مسافت مسقط در کشور عمان امروز تا بندر گوا واقع در چند صد کیلومتری جنوب بمبئی به خط مستقیم لااقل 1000 کیلومتر است آیا این مسیر دریایی از قبل شناخته شده ای بوده است و یا نشانه ها و رد عبور مشخصی یافت شده است ؟
در غیر اینصورت مسلمانان میتوانستند برای رسیدن به جنوب آسیا و هند مسافت مسقط تا مثلا" بندر امروزه جاسک را در شمال و به مسافت 150 کیلومتر طی نمایند !

http://www.colonialvoyage.com/asia/it/images/foto1.jpg

http://www.neuenhofer.de/guenter/oman/omanfotos/oman_map_large2.jpg

---

آقای مسعود. انتخاب گوا به عنوان بندر ورود به هند از سوی مسلمین از آن جهت است که قدیم ترین آثار حضور مسلمین هند را در گوا دیده اند. ملاحی از طریق تعقیب سواحل متضمن قبول خطرات بزرگ نیست، بل ورود به قلب اوقیانوس است که موجب سرگردانی می شود. بنا بر این عبور از پهنه ی کوتاه دریای عمان و رسیدن به ساحل مقابل مسقط نیازمند ریسک نیست و در ادامه می توان به موازات سواحل هندحرکت کرد.

نویسنده: حسن مسلمان عرب

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 0:58

سلام استاد

شماره این یادداشت 239 است ... خواهشا اصلاح فرمایید

اللهم صل علی النبی محمد و آله و صحبه و سلم

qodsona.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: سعید

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 2:33

دوستان سلام
نمیخوام وقتتونو بگیرم
اگه خواستید یه سر به این وبلاگ بزنید و با نظراتتون من رو راهنمایی کنید
www.shifaa.blogfa.com

وب سایت

نویسنده: عباس

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 6:37

استاد بزرگ.آقای پورپیرار خسته نباشید.من یک سوال داشتم در بارۀ اسکندر ذوالقرنین .اسکندر بزرگ از یونان به کدام کشورها وارد شد

آقای عباس. اسکندر از هر منطقه ای که عبور کرده، به نحوی آثار و یادگاری از خود از مصر تا حاشیه ی غربی بین النهرین به جای گذارده که در ایران اثر و رد پایی از او نداریم.

نویسنده: بجانی

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 7:51

با سلام بر استاد بزرگوار
فکر می کنم هر چه پیشتر می رویم مطالب شما بیشتر چهره حقیقت می پوشد باید آروزی خیر نمود برای شما - لیکن یک مطلب خیلی خیلی کوچولو که امیدوارم از دست من ناراحت نشوید که من به خدا نه یهودی ام نه آنوسی و نه یک دشمن - سیاه در ترکی قارا خوانده می شود و علاوه بر معنای سیاه معنای بزرگ هم می دهد مثلا : قارا داغ - قارا خان - قارا یازی (نوشته بزرگ: سرنوشت)

آقای بجانی. آنوسی و یهود و دشمن هم که باشید، تفاوتی ندارد. برای دهمین بار یاد آوری کنم اگر درباره ی لغتی در زبان ترکی ادعایی دارید باید یک متن ترکی قدیم و لااقل صد ساله که قلابی نباشد، معرفی کنید که در آن قارا یا قره به معنای بزرگ آمده باشد! وانگهی مگر رسام نقشه ترکی می دانسته که معنای دوم قارا را استفاده کند. راستی از آن یادداشت عظیم فقط همین را برداشته اید؟!

نویسنده: محمد علی

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 17:39

با سلام. دو سوال نامربوط به بحث حاضر:
1- چرا در میان انسانها (حتي کسانيکه عربي نيز خوب ميدانند) اينقدر در درك و فهم مفاهيم آيات قرآن اختلاف وجود دارد؟ (با اينکه قرآن در جاهاي مختلف به سادگي و قابل فهم بودن خود اشاره کرده است.)
2- آيا در قرآن از عبارات اصطلاحي عاميانه (معادل slang در انگليسي) نيز استفاده شده است؟

آقای محمد علی. علیه متن فصیح قرآن با تدوین تفاسیر در میان تمام مسلمین اعم از ترک و فارس و عرب اقدام شده است.

نویسنده: مسعود

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 22:10

شب شما بخیر استاد.

این مطلبی را که شما در مورد پایین بودن ریسک ملاحی در حواشی سواحل فرموده بودید به نظر من راهگشای بسیاری از معماهای اکتشاف قاره های جهان بوسیله اروپاییان در چهار پنج قرن گذشته بوده است.

این عکس مسطح ماهواره ای از کره زمین را ملاحظه بفرمایید:

http://esamultimedia.esa.int/images/EarthObservation/Envisat/tapisserie_100x55_H.jpg

اگر در چند قرن پیش نمایندگان کنیسه و کلیسا راهی کشف به قصد غارت دنیای خارج از اروپا شده باشند نخست برای کشف آفریقا قطعا" از تنگه جبل الطارق در جنوب اسپانیا به سمت صحرای غربی و از آنجا خط ساحل را تعقیب کرده اند تا به دریای سرخ و مصر رسیده اند و اگر کانال سوئز در آنزمان وجود نداشته است طبیعی است سواحل غربی عربستان را دور زده و از تنگه هرمز وارد خلیج فارس و از دریای عمان به سمت سواحل غربی هند نهایتا" کل جنوب آسیا را دور زده باشند تا به ژاپن رسیده اند.
مطلب دوم اینکه برای کشف غرب اوقیانوس اطلس دل زدن به اوقیانوس در آنزمان و با آن امکانات اولیه امری محال و وحشتناک بنظر میرسد از اینرو به عقیده من قصه کشف آمریکا توسط کریستف کلمب از طریق طی کردن مستقیم اوقیانوس اطلس و رسیدن وی به آمریکای مرکزی بسیار دور از ذهن مینماید و سه احتمال برای این مسئله میتوان تصور کرد : آنان یا از

سمت شمال غرب اروپا به سمت آیسلند و سپس گرینلند و نهایتا" به سواحل کانادا رسیده اند آنگاه از طریق ملاحی در خط ساحل به سمت جنوب کل قاره آمریکا را دور زده اند و یا اینکه در ادامه طی مسیرشان از ژاپن و رسیدن به کامچاتکا به سمت شمال از تنگه "برینگ" بین روسیه و آلاسکا عبور کرده به سمت جنوب سواحل غربی کانادا و آمریکا را ادامه داده اند .
احتمال سوم اینکه قاره آمریکا پس از تشکیل و تثبیت کامل اقتدار ارضی دولت روسیه بر شرق آن سرزمین و راهی شدن آنان برای عبور از تنگه "برینگ" اکتشاف شده است . این مطلبی استکه از مالک بودن روسیه بر "آلاسکا" و فروش نقدی آن سرزمین بسیار وسیع به ایالات متحده در 130 سال پیش به مخیله آدمی می آید!

نویسنده: سئوال

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 23:1

سلام. آقای پورپیرار به گمان شما کتاب دده قورقود در کدامین تاریخ جعل شده است. این سوال را بدین جهت پرسیدم که اگر زبان ترکی جعل یهودیان در همین چند قرن اخیر است پس چرا کتاب تازه نوشته شده دده قورقود را به عنوان سند نمی توان پذیرفت؟!!

آقای سئوال. ظاهرا شما معنای جعل را نمی دانید!

آقای مسعود. کشتی رانی به سمت شرق مستلزم تغییر مسیر دائم از جنوب به شرق و سپس به شمال و سرانجام بار دیگر به شرق است. این گونه ملاحی برای نیافتادن به دام سرگردانی نیازمند دنبال کردن خط ساحل است، اما در باب آمریکا که فقط مستلزم هدایت کشتی به سمت غرب و در خط مستقیم بوده، می تواند با شروح موجود انجام شده باشد و نیازی به تعقیب ساحل نداشته است. موفق باشید.

نویسنده: از دانمارک

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 23:15

استاد گرامی باور کنید راهی بجز مراجعه کردن به شما راهی ندارم تا کسانی را که در دانمارک از کامنت گذاشتن من در وبلاگ شما جلوگیری میکنند را با تقاضای انتقال از ای میل از رو ببرم، از شما خواهش میکنم این مزاحمت مرا ببخشید و بعنوان یکی از طرفداران تان از من حمایت نمایید، در زیر
خانم حاجی زاده با سلام سؤالهای خوبی مطرح نمودید
1- معتقدم همانطور که فرمودید چون خداوند منان در قران مجید حرفی از کودک نامشروع نفرمودند پس هیچ کودکی نامشروع نیست و این با روح و مرام قران که اندیشه خداوند بزرگ است سازگار است که هر انسانی را مسئول اعمال خویشتن می فرماید.
2- زنا در مورد اینکه یکی از طرفین همسر داشته باشد زنا محسوب میشود که البته با توبه بخشوده میشود
با تشکر فراوان از استاد پور پیرار که بینش جدیدی از دین و تاریخ مان به ما آموختند به توصیه استاد سعی در فهم قران مجید به زبان عربی کرده ام و هر روز نکته با ارزش جدیدی فرا میگیرم که بسیار لذت بخش است و خواب و خوراک از من ربوده هنوز غرق در اسلام و شمشیر شما هستم و با لذتی فراوان آهسته میخوانم و تحقیق میکنم و در کنار نکته های با ارزشی که افشا کرده اید مواردی جدید پیدا میکنم که دقیقاً همان سعی در خونریز نشان دادن دین اسلام است و دست یهودیان بخوبی قابل تشخیص میباشد
لطفاً کمی بیشتر در مورد نقشه ها توضیح دهید موضوع تغییر نام اینهمه شهر و دیار بسیار عجیب و کاری بسیار سخت میباشد اگر تا این حد با تاریخسازی دروغین و جعل روند تارخ را تغییر داده باشند پس واقعاً ما از گذشته چه میدانیم؟ در کتابخانه های واتیکان و سلطنتی انگلیس جواب یافت میشود اما به ما نمیگویند
سربلند هستید و بیشتر خواهید شد

نویسنده: داریوش

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 23:26

جناب استاد دستمریزاد خسته نباشید.بی نظیربود مثل همیشه.

نویسنده: مهدی

دوشنبه 16 آذر1388 ساعت: 23:53

جناب حاجی زاده! اگر زنا را " آن دسته از روابطی بین زن و مرد بدانیم که موجد دو خصیصه ی "ظلم و فساد" " ندانیم تمام داستان های شما بر باد است! چه تضمینی دارید که باید تعریف شما را از زنا بپذیریم؟ آیا این به ریشه یابی کلمه در لغت عرب باز می گردد؟ یا یک تعبیر من درآوردی است؟

نويسنده: .عباس

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 3:34

استاد بزرگ.آیا آثاری از اسکندر بزرک در هند وجود دارد.چون من در یک برنامی تلویزیونی در کاندا دیدم که یک خبرنگاره آمریکای که رده پای اسکندر را دنبال می کرد .دیدم که دریک بازار هندی د ر هند. مردم هندی به ایشان سکهای باقیمانده از زمان اسکندر نشان می د ادند.نظر شما را چی.

نويسنده: سعید

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 11:7

با سلام
کاملترین مجموعه قدیمیترین نقشه های شناخته شده آسیا
http://www.maphistory.info/imageasia.html#southwest
البته ردپای یهود در این سایت به روشنی مشخص است به خصوص در قسمت southwest خودش رو خفه کرده از بس نقشه holy land گذاشته

نويسنده: موومان

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 11:40

خانم حاجی زاده!

ایمیل مبارک را چک بفرمایید.

نويسنده: سعید

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 11:44

با سلام
/http://www.saudiaramcoworld.com/issue/200401
mapping.arabia.popup/mapping.arabia.popup_content.html
نظرتان در مورد نقشه های موجود در این لینک به خصوص در مورد نقشه های 6 و 7و 10 که موقعیت منطقه ایران رو هم نشون میده چیه
با تشکر

نويسنده: الکی خوش

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 11:59

نکته جالب اینکه نقشه ی قدیمی هند خیلی دقیق تر از نقشه قدیمی ایران از کار درآمده. حتی مکزیک هم خیلی خوب رسم شده. وضع نقشه های اروپای همان منبع چگونه است؟ درواقع سوال اینه که این کیفیت پایین نتیجه نبود تکنیک های نقشه برداری بوده یا ناآشنایی با آن جغرافیا؟

نويسنده: اترش

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 17:50

سلام

اين نام گذاري هاي متفاوت در سال 1635 و 1992 بر مناطق دنيا و تغيير نام هاي قديمي من را به ياد اسامي خيابان شهرها (مخصوصا شهرستان هاي غيرفارس زبان) مي اندازد كه نامي قديمي و بومي دارند و مردم منطقه از آن استفاده مي كنند و نام ديگري كه در خيابان ها نصب كرده اند و در نقشه ها مي آورند. دولت كشور ما همانند دولت هر كشور ديگري به ميل خود اسامي را تغيير داده است و سعي مي كند نام هاي جديد را جايگزين نام هاي بومي كند، به صورت مشابه هم صاحبان كنيسه و كليسا به خيال خود دنيا را ملك خود دانسته اند و اسامي مناطق مختلف آن را به باب ميل خود و برآورد كردن مقاصد شوم شان تغيير داده اند.
جالب است!

آقای اترش. در واقع ابتدا تاریخ هر منطقه را نوشته و بعد بر طبق آن شهرهای لازم را مشهور کرده اند. مثلا اسلامبول باید تاریخ عثمانیان را تایید کند، بغداد از دولت بنی عباس و سهم ایرانیان در ایجاد آن بگوید، اصفهان عظمت دولت صفویه را توضیح دهد، دهلی و اگرا نماینده و نشان حضور دولت مغول باشد و جمشید پور و احمد آباد و جی پور از توسعه ی زبان فارسی در هند خبر دهد.

وب سایت

نویسنده: ....

سه شنبه 17 آذر1388 ساعت: 18:31

با سلام
آقای سلام محمدی لطف میکنید ایمیل خود را در اختیار بنده قرار دهید؟!
ممنون

وب سایت

نویسنده: حسینی

چهارشنبه 18 آذر1388 ساعت: 0:1

جناب پورپیرار! با سلام و خسته نباشید. آرزوی توفیق و سلامتی و دیدارتان را دارم. دقت و استقامت بی نظیرتان مستدام باد.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 18 آذر1388 ساعت: 9:7

با سلام خدمت استاد
در لینک http://www.saudiaramcoworld.com/issue/200401/mapping.arabia.htm

در قسمت view the slide show نقشه هایی از سالهای 1592 (نقشه دهم از چپ به راست)1627 (نقشه ششم از چپ به راست) 1707 (نقشه هفتم از چپ به راست) اطلاعات خوبی از نام گذاری ها اسامی شهرهای منطقه به دست میدهد نقشه ها نسبتا از کیفیت خوبی بر خوردار است

اقای سعید. ممنون. بسیار جالب بودند. این نقشه ها مرکزی است برای باور به این که هرچه شنیده ایم دروغ بوده است.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 18 آذر1388 ساعت: 13:46

سلام آقای پور پیرار
از از کسانی که در منطقه قلایچی زندگی میکردند اطلاعاتی در دست هست. میگویند که این شهر با زیویه و حسنلو هم دوره بوده.
لطفا مرا راهنمایی کنید

وب سایت

نویسنده: مهدی

چهارشنبه 18 آذر1388 ساعت: 20:2

سلام استاد من چند روزی است که مترصد پاسخ خانم حاجی زاده با حرفم هستم ولی گویا ایشون فقط یاد دارند سخن خود را بگویند به پای قرآن چیزی ببندند و بعد از ادامه بحث فرار کنند.خوب اگه نمی خوای بحث کنی یا جواب بدی حرف نزن.

نویسنده: !!!!!!

چهارشنبه 18 آذر1388 ساعت: 20:11

وزیر بهداشت سابق فنلاند طی اظهاراتی تکان دهنده گفت که واکسن آنفلوانزای خوکی يك حیله است و آمریکا قصد دارد از طریق این واکسن نیمی از مردم جهان را نابود کند.

به گزارش فارس به نقل از روزنامه ملی گازته ترکیه، "راونی کیلده "، وزیر بهداشت سابق فنلاند طی اظهاراتی تکان دهنده با تاکید بر اینکه واکسن آنفلوانزای خوکی در حقیقت حیله‌ای بیش نیست، گفت: آمریکا قصد دارد نیمی از مردم جهان را به وسیله این واکسن نابود کند و این تصمیم در نشست بیلدربرگ در 15 می 2009 اتخاذ شده و طراح آن نیز "هنری کیسینجر "، وزیر امور خارجه سابق آمریکاست.
وی گفت: آمریکا قصد دارد بدون آنکه هزینه ای بکند و حتی با کسب درآمدی معادل میلیاردها دلار حداقل يك سوم جمعیت جهان را نابود کند.
وی افزود که به سازمان بهداشت جهانی هم برای اینکه اعلام کند آنفلوانزای خوکی در سطح جهان در حال گسترش است، اعمال فشار صورت گرفته است.
وزیر سابق بهداشت فنلاند با یادآوری این مطلب که دولت فنلاند طبقه بندی صورت گرفته در مورد بیماری آنفلوانزای خوکی را نپذیرفته در ادامه خاطر نشان ساخت که هیچ کس نمی‌داند واکسن آنفلوانزای خوکی يك یا چند سال بعد چه اثراتی از خود نشان خواهد داد و دولت آمریکا از هم اینك برای مبرا ساختن شرکت های سازنده این واکسن ها تدابیر لازم را اندیشیده و آنها را از هرگونه مسئولیتی فارغ اعلام کرده است.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 19 آذر1388 ساعت: 2:41

جناب پور پیرار هنوز برای من معلوم نشد چرا بناهای معرفی شده در هند سوخته بودند و شما هم که وارد نقشه های جهان شدید. لطفا تکلیف را مشخص کنید اما لطف کرده برای معلوم شدن این راز مرا به هندوستان نفرستید که فعلا نه وقتش را دارم و نه پولش را.

آقای فتح. چند یادداشت دیگر صبر کنید.

آقای بجانی. سه جلد کتاب پلی بر گذشته را بخوانید. ان شا’ الله مشکل تان را حل می کند.

آقای سنجری. کتاب امروز رسید. دست شما درد نکند. عکس ها را هم دریافت کردم که بسیار دیدنی و پر از برداشت های نو بود. ممنون

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 19 آذر1388 ساعت: 11:26

سلام
اگر مراد خداوند از "زنا"، مراوده با یک مرد یا زن همسردار است، باید برای اثبات این مدعا یک شاهد قرآنی ارائه داد، در حالی که خداوند عملی که همسر عزیز مصر قصد ارتکاب به آن را داشت با عنوان " فحشا" یاد کرده است:
و لقد همت به و هم بها لولا ان رابرهان ربه کذلک لنصرف عنه السو و الفحشا انه من عبادنا المخلصین"(یوسف24)
آن زن باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق نگهبان یوسف نبود او هم به "میل طبیعی" اهتمام کردی ولی ما میل او را از فحشا وعمل زشت بگردانیدیم که همانا او از بندگان مخلص ماست.
زنا یک فعل فاحشه است:
"ولاتقربوا الزنی انه کان فاحشه و سا, سبیلا "
و هرگز به زنا نزدیک نشوید که عملی فحشا وراهی بسیار ناپسند است.
اما
"واللاتی یاتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفهن اموت او یجعل الله لهن سبیلا"
زنانی که مرتکب به فحشا می شوند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید چنانکه شهادت دادند در این صورت" آنانرا در خانه نگه دارید تا زمان پایان عمرشان فرا رسد" یا خدا راهی برای آنان پدیدار گرداند.

مجازاتی که مطابق این آیه برای زن مرتکب به فعل فحشا مقرر شده است "حبس در خانه" است که بیشتر به منزله ی کنترل و پرده پوشی است و کاملا متفاوت از حد خوار کننده ای که برای زنا مقرر شده است، چطور ممکن است خداوند برای یک عمل واحد دو نوع مجازات قرار دهد!؟
"زنا" و " فحشا" مترادف و دارای معنای یکسان نیستند، بلکه در قباحت هم ترازند.

از عمل قوم لوط نیز با عنوان فحشا یاد شده است! همچنین، با تامل در آیات و تطبیق آنها با یکدیگر مشاهده می شود اعمالی چون بخل در انفاق(بقره 268)، مرعوب وسوسه های شیطان شدن(اعراف 28)، شرک(بقره 169) و... نیز در زمره ی فحشا و منکر هستند، فحشا معنایی عام دارد و آن هرگونه اصرار و زیاده روی در ارتکاب به هر نوع گناهی است، خداوند فحشا را تقبیح نموده، در حالی که برای زنا حد و مجازاتی سخت و خوار کننده و مخصوص مقرر کرده است، بعبارتی فحشا معنایی عام و زنا مفهومی خاص دارد.

نویسنده: حاجی زاده

پنجشنبه 19 آذر1388 ساعت: 11:36

آقای ماومان متاسفانه به زحمت می توانم کانکت شوم، به محض دسترسی به ایمیلم پاسختان ارسال خواهد شد.
آقای مهدی در افاضات شما، نکته قابل تاملی که در خور جواب دادن باشد نبود.

فریبا خانم. بسیار خوب معنای فحشا و فرق آن با زنا را فهمیدیم: از حد به در کردن و اندازه نگه نداشتن. دروغ و اکل و حتی بخشش و بخل هم هم می تواند فاحش باشد، اما معنای زنا چیست، معنایی که با توصیف و مجازات قرآنی آن منطبق شود؟!

نویسنده: یک سوال

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 1:12

سلام اقای پورپیرار به نظر شما اینده ای درست شدنی در راه است یا اینده ای گذشته نما (آیا فکر نمیکنید این ره ختم به هیچ شود) من به نوشته ها و مستندهای شما ایمان دارم ولی بعضی ها را نمی شود حالیشان کرد قربان

آقای یک سئوال. رفع مشکلات آدمی تا اندازه ی میراث بردن مستضعفان یک وعده ی الهی غیر قابل تردید است.

نویسنده: رامین.ص

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 9:36

با سلام به استاد:در مقاله239 ایران شناسی باوجود اسامی عجیب در نقشه های منطقه ولی نام خلیج فارس گویی شناخته شده است.نظر شما استاد خستگی ناپذیر دراین مورد چیست؟ باتشکر فراوان.

آقای رامین. این مطلب را زیر نقشه ی دوم در همان یادداشت توضیح داده ام. بر اساس شواهدی که قبلا نیز ارائه کرده ام، محتملا بتوان آن ترکیب را منطقه ی خلیج معنا کرد. نکته ی عجیب این که چه طور در نقشه حوزه ی پارس در ایران معین است، اما شیراز و اصفهان و بوشهر ندارد!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 240

- ایران شناسی بدون دروغ 240، نتیجه 48، حقه بازی ها در هند، 17 - 25 نظر

نویسنده: مارلیک

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 13:10

سلام بر استاد گرامی
نوشته هایتان مثل همیشه جذاب و پر مغز و تامل برانگیز است
بیچاره یهودیانی که برای این همه جعل چه آرزوهایی که در سر می پروراندندو چه برنامه هایی داشته و دارند ولی ظاهرا با وجود روشنگری های شما و خواست خداوند به اهدافشان نخواهند رسید ان شاالله

نویسنده: رعد

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 14:6

سلام . اقای پیرار , خوشبینی مخرب مرحوم مصدق را بدلیل فرمان او مبنی بر منع دخالت پلیس در بلوای مرداد تهران میدانید یا درخواست کمک 25 میلیون دلاری انزمان او از امریکا ؟ . و این نقد شما که در انزمان باید جوان حدود 20 ساله ای بوده باشید یا کمتر , هم با امروز تان یکی است ؟ او را با لینکلن مقایسه کرده اند و اگر ان حکومت ملی با یک مردم با پرنسیپ امیخته میشد ایا امروز در حد یک کشور اروپائی نبودیم ؟

پست الکترونیک

نویسنده: محمد

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 16:4

جناب استاد. چنان خشم و نفرتی نسبت به این مشرکان نجس در وجودمان خروشیده است که فقط خدا به حال این درندگان رحم کند.

آقای محمد. راه تلافی تبلیغ مطالب و تصاویر و مستنداتی از قبیل سی دی های تختگاه هیچ کس و طوفان نوح است که به تدریج موجب رسوایی جهانی آن ها خواهد شد.

آقای آمون. چیزی برای نصب از شما نرسیده است.

نویسنده: سعید

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 17:0

سلام استاد عزیز خسته نباشید
مطالب جالبی بیان کردید.
یه عکس به دستم رسیده که مفهومشو نمیفهمم
آیا شما نظر خاصی در باره آن دارید؟

http://www.persianupload.com/8084379

آقای سعید. مطلب جدیدی نیست، از آغاز مورد سئوال بوده و نوعی بهانه گیری است.

وب سایت پست الکترونیک

نویسنده: اکبر

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 17:10

سلام

نویسنده: اکبر

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 17:15

بلاخره باید نگاه را بجلو یا به پشت سر معطوف کرد ؟

اخوی. مردمی غرقه در تاریخ و فرهنگ دروغ و اسیر در تفرقه های مذهبی، قبل از رسیدن به حقیقت آینده ای نخواهند داشت. به همه سلام برسان. به این دو بیت شعر توجه کن که کسی به قسمت کامنت ها فرستاده است.

توحیـــــد لااله الاالله است
اسـلام محمدرسول الله است
بـــاایـــن دوسخـــــن کســـی بـجـــائـــی نـرسیـــــد
چــــون رمـــزسـخـــن

علـــی ولـــــیّ الـلـــّه
اســــــت

روشـن شـد؟!

نویسنده: حاجی زاده

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 13:58

سلام
استاد عزیز، شکافتن مبحث زنا و جواب دادن به این سئوال گردن کلفت در توان هر کسی نیست و نیاز به هم فکری جمیع دوستان دارد که گویا همه را مگس تسه تسه نیش زده و به خواب فرو رفته اند!!؟ شاید هم حجب و حیا مانع میشود!؟
در باب زنا تا همین اندازه می توانم نظر دهم که آن گناهیست در مرحله ای بالاتر از فحشا، بطوریکه از منظر الهی مستوجب جزایی رسواکننده در ملا عام است و زن و مرد نمی شناسد!

فریبا خانم. شنیده ام در حوالی شهر شما پدری به علت شک در سلامت روابط دخترش، او را سر بریده است. آیا این اجرای دستور الهی است و آیا در قرآن مجوزی برای این شک و قتل آمده است؟ البته که نه. اما فقه و شرع و حتی قانون چنین پدری را مشول ملاحظات و مراعات می داند! گره بحثی که گشوده اید باز نخواهد شد مگر این که از بنیان و تحت عنوان نظرگاه قرآن، یعنی خداوند، در باب روابط میان بندگان مذکر و مونث اش، بررسی شود. ورود بنیانی به چنین مباحثی که ایجاد توهم نکند، چندان آسان نیست.

نویسنده: آمون

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 16:25

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: محسن

جمعه 20 آذر1388 ساعت: 20:13

من شیعه مسلمان هستم.فقط.
اگر ایران گذشته ی خوبی داشته مهمه اما مهم تر اینه که اینده را باید چه کنیم.
و اینده با دید صحیح نسبت به گذشته و حال کونونی حاصل میشه.
درود بر مقتدای من اقای پور پیرار
من حدود 60 dvdاز تخت گاه هیچ کس رایت کردم و در حال پخش ان هستم.و حتی تخت گاه هیچ کس رو که به تیکه های کوچیک می خواهم در بیارم و در گوشی ها بلوتوث کنم تا همه ببینن.
عزیزتر از جانم (اقا ناصر)خیلی ها می خواهند حرف هایی بزنن که شما از کارهایی که می کنید مایوس کنند.اما مثل کوه باستید ما پشتتان هستیم.
راستی 5 تا از کتاب های شما رو خریدم و در حال خوندن یکی از انها هستم.(دوازده قرن سکوت)
حالا سوالم اینه که سی دی طوفان نوح رو از کجا گیر بیارم؟

آقای محسن. ممنون از زحماتی که می کشید. برای نهیه ی سی دی طوفان به تلفن 66492049 رجوع کنید.

نویسنده: اکبر

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 3:2

سر را عقب بر گردانیم ولی جلوئ خود را بپائیم . فرستنده دو بیت کمی خل است !

اخوی. آن چه را علامت خلی در یک نفر تشخیص داده ای، یک اعتقاد مذهبی قدرتمند و غالب است.

آقای مولوی. امروز بعید است ولی فردا در خدمتم.

نویسنده: ؟

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 5:0

خبری قدیمی

اقدامی قابل تامل در صداوسیما:
پخش آگهی نستله و سرود ملی اسرائیل در تلویزیون ایران
http://www.jahannews.com/vdciqray.t1a3w2bcct.html

نویسنده: ابوعمار

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 7:53

سلام مطالب جالبی دارید . ان شاالله سر فرصت دقیقا مطالعه می کنم و نظر خواهم داد 

آقای ابوعمار. خوش آمدید.

وب سایت

نویسنده: رعد

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 10:4

سلام . حاجی زاده عزیز . سخن شما تا حدودی شاید صحیح باشد ولی به تصورم خداوند منان ارزش زیادی بر حرکات پایین تنه قایل نیست . زیرا میفرمایید : اول کسی که خبر دروغ اورده چند ضربه شلاق بزنید ` بعد اگر طرفین قسم خوردند که ان کار نکرده اند ولشان کنید ` اگر هم کردند چند ضربه بزنید و ولشان کنید . این سلسله مراتب به زبان معمولی میگوید و میرساند که این قضیه با فضولی کار داشته باشد وگرنه مردم که در خیابان ان کار را نمیکنند.

آقای رعد. به هسته ی مطلب بسیار نزدیک شده اید.

پست الکترونیک

نویسنده: سایه

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 10:28

با سلام
اسناد با این همه جنایت (فرهنگی،اقتصادی،سیاسی و ...) باز رو را ببینید که به سر کرده حال حاضر جانی های جهان جایزه صلح نوبل هم می دهند؟!!!!
خانم حاجی زاده بزرگترین نوع جزا برای یک فرد خطاکار در این دنیا از سوی خداوند چه چیز اعلام شده است؟!

نویسنده: اکبر

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 12:10

اما دوام مردم این دیار و یک جهش کیفی بجلو ، همانا عبور سالم از همین درک بظاهر قوی و غالب است .

اخوی. هنگامی که تا گلو در لجنزار دروغ گیر کرده ایم، کفت و گو از جهش به جلو، جز تعارف نیست.

نویسنده: ایلماز

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 14:50

با سلام
استاد آیا سکوت از جانب قرآن در مواردی را به معنی تایید گذشته باید گرفت یا به عقل انسان ها واگذار شده است؟!
اصلا سئوال درست است یا نه؟!!

آقای ایلماز. لااقل این که سئوال توضیح بیش تری لازم دارد.

نویسنده: اترش

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 18:44

سلام

این هم تصاویری قدیمی از ایران برای دانلود:

http://www.mediafire.com/?t2yjnmnqywz
http://www.mediafire.com/?2c2njymylne
http://www.mediafire.com/?k5mtmzecjnq

آقای اترش. ممنون.

آقای مهدی - مهدی. استثنائا با خاخام جلسه ی اضطراری داشتیم. از فردا تا آخر هفته در خدمتم.

وب سایت

نویسنده: یک سوال

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 22:18

سلام و درود
عکس های تاثیر گذاریست /
بریتانیا در تاریخ خود حمالی های زیادی هم کشیده تا به سواری رسیده و اما هند در جهان سومی ست که سالهای سال بعد نیز در آن خواهد ماند جمعیت . تاریخ ساختگی . زیر سلطه بودن . دنیای سرمایه گذاری و ....
آیا امیدی برای هند هست؟

نویسنده: سجاد

شنبه 21 آذر1388 ساعت: 23:5

با سلام استاد از خداوند سلامتی و سربلندی بیشتر برای شما خواستارم

نویسنده: عباس

یکشنبه 22 آذر1388 ساعت: 6:58

استاد بزرگ.خسته نباشید.سوالی که از شما داشتم در بارۀ زبان فارسی که در هند صحبت می کنند.آیا زبانی که یهودیان در ایران صحبت می کردند همان زبانی است که برای مردم ما از هند آوردن

پست الکترونیک

نویسنده: مسعود

یکشنبه 22 آذر1388 ساعت: 15:40

خسته نباشيد جناب استاد.

وقتي دمل چركين بالكان پس از سالها خفقان در دهه آخر قرن بيستم تركيد آنگاه اسرار اين زخم التيام ناپذير الهي بر پيكر ننگين اروپاي تا خرخره در فساد شياطين ضد الله بخوبي نمايان شد: بوسني و هرزگوين و كوزوو و آلباني بيهوش در خفقان بيزانس.

آري اين زخم ننگين بر صورت اروپاييان مشرك و جنايتكار تا ابد خواهد ماند و هر چه بر تعداد ستاره هاي مراقب اتحاديه ننگين اروپا در پرچمهاي نقاشي شده براي آنان بيفزايند باز هم خود را رسواتر خواهند نمود : ومكروا و مكر الله و الله خير الماكرين :

بوسني در چنگال شياطين :

http://balkans360.com/images/balkans-countries-flags/national-flag-of-bosnia-and-herzegovina.gif

كوزوو اسير در ميان بيزانسيان مشرك :

http://www.worldatlas.com/webimage/flags/countrys/europe/kosovol.gif

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 22 آذر1388 ساعت: 17:40

سلام
آقای سایه، شاید بتوان مجازاتها را در قرآن دسته بندی نمود، برای مثال برخی جنبه ی تنبیهی دارند، برخی جبران و برخی کنترل، در بعضی موارد هم خداوند به تقبیح عمل بسنده کرده است.
لابد قرآن پیش رویتان است! تحقیق بفرمائید بزرگترین نوع جزا برای یک فرد خطاکار در این دنیا از سوی خداوند چه چیز اعلام شده است، بعد به من هم بگوئید، ممنون می شوم!
البته به گمانم صدور جواز به مردان برای کتک زدن زنانشان بزرگترین باشد، هر چند دیگر هیچ مردی را یارای استفاده از این جواز نیست!!!

فریبا خانم. راست می گویید و شاید هم به همین سبب است که گاهی مردان به عنوان علی البدل مترقی آن تنبیه سر می برند، چنان که آخرین نمونه ی آن در اطراف شما روی داده است.

آقای تلمیذ. با هر معضل اجتماعی نیازمند راه نما، در قرآن قدرتمند به نحوی اشاره و تعیین تکلیف شده است. شاید به خواست خدا به توضیح این مختصر که عرض شد موفق شوم.

نویسنده: ....

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 12:25

با سلام
خانم حاجی زاده قصد من فعال کردن بحث بود که این کار را با یک سئوال آغاز کردم!!
جناب رعد گویی جواب را به نوعی داده اند!!
اگر بدترین مجازات اخلاقی کتک زدن زن باشد پس مجازات زناکار نمی تواند بدتر از آن باشد!!!
امیدوارم که منظور مرا گرفته باشید!

نویسنده: محسن

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 13:18

سلام اقا ناصر(عزیز تر از جانم) من سی دی طوفان نوح گیر اوردم و دیدم عالی بود.
چند تا سوال دارم .
1-وقتی من تخت گاه هیچ کس را به دوستانم می دهم ابتدا اصل قضیه(نیمه کار بودند تخت جمشید) را منکر میشوند اما بعد از دیدن این سی دی عوض صحبت در مورد اصل قضیه به فر عیات می پردازند.از جمله اینکه این سی دی نباید تکثیر شود چون باعث دفع گردشگران می شود و این کار به ضرر کشور هست.و یکی از دوستانم می گفت اگر توانش را داشتم دستور می دادم تا یک تخت جمشید کامل بسازند.تا گردشگر حا کاملش را ببینند.نظرتان را کامل بیان کنید هم در مورد جذب گردشگر هم در مورد ساخت تخت جمشید کامل. که اصلا این کار شدنی هست.
2- سوال دیگه اینکه شما در سی دی تخت گاه هیچ کس بارها می گویید در منطقه ما منظورتان از منطقه ما همان نوار تمدن است؟
3 - یک دوست زرتشتی به من می گفت این علامتی که ما به عنوان اهورامزدا می شناسیم اهورامزدا نیست بلکه این فروهر نام دارد و نماد روح است.ایا راست می گوید؟
4-و در اخر این که بالاخره ما نفهمیدیم که هخا منشی ها پارس هستند یا یا بر پارس ها حکومت می کردند.پارس هستند چون شما می گید انسان های پرسه زن بوده اند و ولگرد و لقب پارس گرفتند.اما پارس نیستند چون داریوش خودش را حاکم بر پارس می داند و خاندان خود را از پارس ها جدا می کند.پس بالاخره کدامش؟

نویسنده: محسن

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 13:23

ببخشد کم مونده بود یادم بره می خواستم بگم که این منشور کروی کورش قضیه اش چییه؟
ایا واقعا ماله کورش ؟
ایا حرف هایی در ان منشور امده همه اش خوب است؟
ایا به همه ان حرف ها عمل می کرده خلاصه این که عزیز تر از جانم این منشور کورش را کرده اند یک چکش و بر سر ما می کوبند.چه کنیم؟

آقای محسن. آن منشور جعل اندر جعل است و در باب قسمتی از آن نقدی در جلد اول کتاب پلی بر گذشته آورده ام.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 241

ایران شناسی بدون دروغ 241، نتیجه 49، حقه بازی ها در هند، 18 - 55 نظر

نویسنده: بابک

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 9:50

با سلام خدمت استاد روشنگر و سایر دوستان
واقعا همین تصاویر گویاتر از هزاران کتاب در مورد هند چند صد سال پیش و چگونگی حضور اشغالگران و آدمکشان انگلیسی در این کشور می باشد. از اینکه طرز نگاه اشتباه ما را در مورد تاریخ و فرهنگ و هویتمان به مسیر درست هدایت می کنید مدیون ابدی شما هستیم.
من در یکی از شرکتهای وابسته به وزارت نفت کار می کنم و همیشه سعی در اشاعه نظریات و نوشته های شما را دارم البته بیشتر کسانی را انتخاب می کنم که از نظر خودم استعداد پذیرش این حقایق تلخ را داشته باشند.تا الان شاید قریب به 20 عدد CD تختگاه و طوفان نوح را بین افراد توزیع کرده ام. از بین این افراد 2 نفر علاقمند نوشته هاي شما شده و تحت تاثیر قرار گرفته اند. فکر کنم برای اشاعه حقایق نوشته هاي شما همین راه را باید ادامه داد...

آقای بابک. همین طور است و هنوز به ترین راه تبلیغ عرضه ی سی دی هاست که امیدوارم به خواست خدا سومین قسمت آن نیز به زودی آماده شود.

نویسنده: عجب

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 13:3

با اینکه تمام نظریات شما عجیب و غریب و بعضا بسیار غریب است! اما در مورد اشاره ای که به لباس کرزی کردید هیچ نوع ایدیولوژی در کار نیست. کلاه این مرد نشان دولتمردان مدرن افغانستان در قرن بیستم است و اصلا قبلیه ای نیست. چپن او (به زبان شما قبا) چپن ازبکی است در حالیکه کرزی پشتون است. کرزی این نمادها را برای جلب نظر جناح های مختلف استفاده کرده است. خودش به هیچپک اعتقاد ندارد.
البته خلط افغانستان (خراسان بزرگ) و هندوستان را هم به حساب این میگذارم که برای شما اصلا این مسایل مهم نیست. یک ایدیولوژی ضد استعماری دارید که همه چیز را از آن دید میبینید.

آقای عجب. خوب، اگر موضوع به بهره برداری قومی و قبیله ای مربوط نیست، چرا کرزای این به قول شما اداها را درمی آورد. قبیله ای نیست و ازبکی است یعنی چه؟ ضمنا اگر با یک بار خواندن مطلبی را نمی فهمید، دوباره و سه باره بخوانید.

نویسنده: بابک

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 14:4

ما بی صبرانه منتظر سومین مستند هستیم.

نویسنده: آمون

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 10:42

آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

دقت کنید! در این آدرس:

http://amun.blogfa.com/page/n.aspx

یا در همان صفحه اصلی وبلاگ، مطلبی قرار داده شده است که از همه دوستان درخواست می شود بخوانند و اقدام کنند(دشمنان فقط بخوانند و چشم شان کور شود!)

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 18:8

آقای ...
از اینکه قصد فعالتر کردن بحث را دارید متشکرم.
کامنت قبلی من بیشتر جنبه ی مزاح داشت، وگرنه بدترین مجازات برای فرد گناهکار در این دنیا، خوار ور سوا شدن در اجتماعی است که وی زندگی میکند و حد مقرر برای زنا واجد این خاصیت است.
مطمئن نیستم که منظورتان را درست متوجه شده باشم، لطفا واضحتر بفرمایید.

فریبا خانم و آقای Reza . آن پیشنهاد فاقد پشتوانه و حتي مشكوك است و به موفقيتي نخواهد رسید. در حال حاضر دوستانی که قصد تبلیغ دارند تنها و تنها به دیدن مستندها و خواندن کتاب ها و مقالات دعوت کنند، به صورت اختصاصی محفل تشکیل و مباحث را توسعه دهند و حتی نقد کنند. به زمان خود این محافل می توانند به یکدیگر مربوط و متصل شوند و به تبلیغ متشکل تر و در حوزه ی رسمی تر و با افراد مسئول تر اقدام کنند. تبلیغ نفر به نفر هنوز کارآترین شیوه است و منجر به ایجاد تبحر در ارسال پیام خواهد شد. اگر دوستان در جلب نظر و جذب یک نفر در هفته نیز موفق شوند، برابر روابط تصاعد، در زمانی منطقی و ممکن، و به طور طبیعی لایه ی آماده ی جامعه به آگاهی لازم خواهد رسید. در مورد زنا بحث اصلی می خواهد معنای لغوی و توضیحی برای نحوه ی آن روابط بیابد که خلاف فحشاء از جانب خداوند مستوجب حد

شناخته شده است. در واقع کلید آشنایی با بنیان مطلب این جاست که معلوم کنیم تهمت زنا زنندگان چه کسان اند: شوهر، پدر، برادر و یا هر مدعی غیر خویشاوند و ناآشنای دیگر! و اجازه دهید اشاره ی دیگری هم بیاورم. مرتکب فحشا را می توان زنی پنداشت که مدعی اجتماعی و شاید هم خانوادگی ندارد و آزاد و بی ملاحظه رفتار می کند، از حد می گذراند و انگشت نما می شود و آن دیگری خیر!

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 18:11

سلام
استاد بزرگوار
تصاویر گویا و تکان دهنده ی مقالات اخیر، عمق فاجعه ی تحمیل شده بر مردم مظلوم و بی خبر هند را منتقل میکند و تداعی کننده ی صحنه های فیلم میلیونر زاغه نشین به ذهن است، پیام رساست! تمام آن بناهای مجلل و منقش و هوش ربا، سرپوشیست برای اختفای فاجعه و انحراف اذهان عمومی از چهره ی واقعی و کریه زندگی هندیان!
خسته نباشید

فریبا خانم. بی شرفی نهادینه و شرک آلود آن ها حتی از این هم که شما می گویید کثیف تر و ضد انسانی و ضد اسلامی تر است.

نویسنده: آمون

دوشنبه 23 آذر1388 ساعت: 20:46

پدرم گفته هیچ گاه دست از تلاش برندارم و حتی در آخرین لحظات هم به مبارزه ادامه بدهم!
بنابراین برای بار دوم تکرار می کنم:

http://amun.blogfa.com/page/n.aspx

نویسنده: ?

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 2:3

سوال از مولوي ها درباره كلمه ي مولانا
http://ghadeerkhom.blogfa.com/post-5.aspx

نویسنده: عباس

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 2:34

آقای پورپیرار می توانم ازشما خواهش کنم اگر برای شما ممکن است جواب سوالات من را بدهند لطفا.

آقای عباس. بعضی سئوالات شما قابل ادراک نیست. گمان می کنم شما کتاب ها و یادداشت ها را نخوانده اید. بنا بر این در جواب شما گاه باید محتوای هزار صفحه نوشته را تکرار کرد.

نویسنده: عجب

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 3:45

مقصدم این است آقای پور پیرار که به لباس مردم دقیق نشوید. اگر یک دختر در تهران ستایل انجلینا جولی یا یک پسر ستایل برد پیت را تقلید میکند صرف به خاطر کیف و عشق و ناز شان است و ربطی به استعمار ندارد و تنها شما و غربی ها میخاهید این معنا را بر آنها تحمیل کنید.

آقای عجب. رییس جمهور سرزمین حساسی چون افغانستان، نوجوان خیابانی نیست که به میل و تقلید، خود نمایی کند. آن چه می گوید و می نویسد و می پوشد، معنای سیاسی می گیرد. در آن محدوده نوع نگاه کردن و خندیدن و دست دادن و اخم کردن نیز تعبیر سیاسی می شود.

نویسنده: رامین.ص

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 9:9

با سلام به استاد:ایا انتشارات شما قصد ترجمه و انتشار کتاب بایان زمین از جرمی هاروود را دارد؟تا بتوانیم از ان استفاده کنیم.با تشکر فراوان.

آقای رامین. انتشار چنین کتاب نفیسی سرمایه ای می برد که در شرایط کساد بازار کنونی نشر میسر نیست. شما دعا کنید مخارج آن از جایی تامین شود، به چشم.

نویسنده: عباس

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 9:57

آقای پورپیرار خیلی ممنون از جوابی که دادن.من فقط یاداشتها وسی دی تختگاه هیچکس وحضرت نوح را دیدم.استاد من در کاندا زندگی می کنم ویک قهوه خانی کوچکی دارم که سی دی های شما را برای تمام مشتریان ایرانی گذاشتم

آقای عباس. ممنون ولی این کاندا کجای جهان است.

نویسنده: حاجی زاده

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 9:15

سلام
استاد از راهنمایی شما بی نهایت ممنونم. ان شاالله از هفته ی بعد دوباره بحث را پیگیری میکنیم، این هفته درگیر آماده شدن برای امتحان هستم!
آقای moomaan چند روز پیش جواب ایمیلتان ارسال شد، آیا رویت فرمودید؟

نویسنده: ؟

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 12:57

عکس دوم این مطلب حذف شده
http://naria5.blogfa.com/post-163.aspx

نویسنده: بختیار

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 14:0

با اجازه و عرض ادب خدمت استاد:
جناب آقای عجب ! با نهایت احترام به خدمت شما عرض میکنم استاد هیچگاه ادعا نکرده اند که هر چه میگویند واقعیت و صد در صد درست است. اما توجه فرمایید که امثال اینجانب سه سالی میشود که به تلمذ در محضر ایشان مشغولیم و به خاطر ندارم که ایشان حرفی را بدون مطالعه و بدون پشتبانی کامل و ارائه دلیل اعلام کرده باشند. از دیگر سو راه رخنه و پیشنهاد در استدلالهای استاد به یقین همواره باز است اما توصیه اکید میکنم مطالب را از اول اول اول یک بار مرور کنید.
حقایقی که در طی این درسها بیان شده است گاه دود از کله خواننده بلند میکند. تحقیق هم بفرمایید من بارها اعلام کرده ام که مایل به خواندن نقد آثار و نوشته های آقای پورپیرار هستم اما خدمت شما عرض میکنم نگردید که نیست. جماعتی که استاد پته‌ی آنها را به آب داده است به سوراخ هایشان خزیده اند.

اما در مورد لباسهای ان جوانانی که فرمودید. خیال برتان ندارد که حتما لازم باشد شعبه ای از مک دونالد در تهران باید دایر شود تا جماعتی از سر شکم سیری جلویش صف بکشند. بمباران تبلیغاتی و ماهواره ای امروز روز از غرب و انگلیس و آمریکا بهشتی برین تصویر میکند. اما این چقدر با واقعیت هم خوانی دارد؟ مدت زمانی طولانی وقت صرف شده است تا ان بازیگران به الگوی ذهنی جوانان تبدیل شوند.
با احترام مجدد

نویسنده: کاظم

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 19:6

سلام استاد.احتراما یک سئال از خدمتتان داشتم.(بنده کتابهای 12 قرن سکوت شما بعلاوه اسلام و شمشیر را خواندم و کاملا با تحقیقات و نظریات حضرتعالی آشنا شدم خیلی از نتایج تحقیقاتتان با منطق جور در میاید). و اما سوال بنده:
1-از چه زمانی شروع به این تحقیقات کردید و چه زمانی جرقه اولیه در مورد جعل تاریخ این سرزمین به فکرتان خطور کرد؟
2-ظاهرا این کار بسیار عظیم و نوشتن این مجموعه کتاب و مقالات که هر فصل آن به نظر بنده یک تز دکترا میباشد کار یک نفر نیست آیا شما یک مجموعه یا تیم تحقیقاتی دارید؟
3- بنده ایران شناسی بدون دروغ را فعلاتا شماره 125 پرینت گرفتم وصحافی کرده و خواندم آیا سوالاتی که برایم پیش آمده را در همان شماره مطرح کنم جواب میدهید و آپدیت هستید یا باید سوالاتم را در همین صفحه(ایران شناسی 241) مطرح کنم؟
موفق باشید

آقای کاظم. این بررسی ها حاصل بیش از40 سال مطالعه ی مستمر و ساعت ها اندیشه درباره ی ارزش گذاری بر آن نوشته هاست. هیچ کس حتی به اندازه ی تراش یک مداد در عرضه ی هیچ قسمتی از این تالیفات سهیم و شریک نبوده است. ضمنا شما در هرکجا که پیام بگذارید بلافاصله به جعبه کامنت روزانه ی این وبلاگ منتقل می شود. کار تجلید و تکثیر الکترونیکی و ادیت شده ی مجموعه یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ آغاز شده، که 2500 صفحه و هفت مجلد 368 صفحه ای با چند برگ کم و زیاد شده است. به گمانم دوستان اگر حوصله کنند به خواست و مدد الهی کار کم خرج تر و البته تمیزتر و رسیدگی شده تری دریافت خواهند کرد. و بالاخره این که آشنا شدن با مطالب تمام یادداشت ها بسیاری از ابهامات و سئوالات را از ذهن خواننده می زداید.

نویسنده: توحید

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 17:5

با سلام
استاد محترم ، فکر می کنم بحث روابط شرعی بین زن و مرد از مهمترین چالش ها و ضرورترین بحث هاست که باید به آن پرداخته شود و قطعا شما خود بر اهمیت آن واقف بوده اید که قسمت ابتدای مقالات اسلام و شمشیر 2 را به آن اختصاص داده اید ، من هم به عنوان شاگرد کوچکی از مکتب بنیان اندیشی ماههاست که پس از ارائه مقاله « ما ملکت ایمانکم » به تدبر در آن پرداخته ام و بارها در قرآن جستجو کرده ام .
باید بگویم که ابتدا پذیرش آن سخت بود ، ولی بعد به این نتیجه رسیدم که باید شیوه ای متدیک و روشمند و استاندارد برای تحقیق در مطالب قرآن برگزید ، قرآن مطالب مسلمی را که از آنها به عنوان سنت الهی تعبیر کرده بیان می کند ، قرآن بر خلاف کتب دیگر اثری زمینی نیست تا در آن رنگی از احساسات و امیال و سلایق شخصی ببینیم ، هر حرفی که در قرآن آمده حجت است . هر انسانی ممکن است یک احساسی داشته باشد ، شخصی نسبت به مسائل جنسی بسیار راغب و شخصی حتی آن را مکروه بداند و تا جای ممکن از آن دوری کند . سلایق در یک جامعه گوناگون است ، پس ما نمی توانیم نظر خودمان را بر قرآن تحمیل کنیم و باید کلیت امر را ببینیم . چیزی که نباید فراموش کرد اینکه تقریبا تمام قوانین و احکام و مجازات اسلام که در قرآن آمده اجتماعی و مربوط به اجتماع است و چنانکه فرضا اگر زن و مردی را تنها در جزیره ای دور از اجتماع رها کنند دیگر تنظیم روابطی که در قرآن آمده حتی بی معنی می شود . منظورم این است که احکام اسلام به شدت خاصیتی اجتماعی و مدنی دارد . چرا که در حوزه اجتماع است که قرنها دانشمندان و نظریه پردازان در جا می زنند و نظریات و تئوریهای مختلف اجتماعی آمده و رفته ولی هنوز اوضاع اجتماعی جهان این است که می بینیم ...

نویسنده: توحید

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 17:6

در باره ما ملکت ایمانکم ، با قدرت تمام اثبات کردید که منظور از آن « برده و کنیز » نیست و کاری بسیار سترگ و قابل ستایش بود ، درباره تعبیرتان از « ما ملکت ایمانکم » هم بنده بدون تعصب از تمام زوایا به آن نگریستم ولی آخر به یقین نرسیدم و فکر می کنم کار سختی برای اثبات آن باید انجام شود و نیاز به بررسی ریشه ای و بنیانی آن هست که باز هم در شان و توانایی شما است تا ما . یکی از شبهه ها همین مسئله « زنا » است ، اگر در روابط بین دو جنس مخالف تا حد « ما ملکت ایمانکم » آزادی هست آنگاه زنا چه مفهومی دارد ؟ نا گزیر ذهن به سوی این مطلب می رود که زنا ، روابطی است که بین یک زن و مرد صورت گرفته که یکی از طرفین یا هر دو متاهل بوده باشند .
یک نمونه دیگر آیه 58 سوره نور است ، اگر طرفین در ما ملکت ایمانکم تا حد عدم پوشش فروج از هم آزاد هستند ، پس این اذن و اجازه در لحظات برهنگی برای ورود چیست ؟

آقای توحید. حقیت این که تصمیم قطعی برای ورود به این مطلب تعیین کننده نداشتم و در عین حال پیوسته خود را سرزنش می کردم که چرا از این حوزه ی بسیار روشنگر فاصله می گیرم. در حال حاضر گمان می کنم به فرصت عمر و اذن الهی در

دنبال مباحث مربوط به ما ملکت ایمانهم موضوع روابط زن و مرد در قرآن را با اندک بضاعت موجود و بدون ورود به هرگونه تفسیری بررسی خواهم کرد.

نویسنده: reza

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 20:53

آقای عباس
اگر ساکن کانادا هستید من سری کامل کتابهای استاد را دارم.اگر مایل باشید میتوانم به امانت جهت مطالعه در اختیارتان قرار دهم.

نویسنده: reza

سه شنبه 24 آذر1388 ساعت: 21:3

با سلام استاد

Changed the World To the Ends of the Earth: 100 Maps That

آیا این همان کتابی است که شما قصد ترجمه و چاپ آن را دارید؟
نظرتان در مورد دیگر آثار این نویسنده چیست؟ آیا مطالعه آنها را نیز توصیه میکنید؟

لطفا راهنمایی نمایید.
با تشکر

آقای reza. بله دقیقا همان کتاب است و البته ما در شرایط فعلی برنامه ای برای ترجمه و نشر آن نداریم. با کارهای دیگر ایشان هم آشنای از نزدیک نیستم. همین قدر بدانید آن نقشه های مربوط به منطقه ی ما که بسیار آگاهی دهنده بود، به وبلاگ منتقل کرده ام. از محبت شما برای ارسال کتاب بی نهایت ممنم، شرط آن داشتن فهرست کتب و پرداخت تمام مخارج آن است.

آقای مهدی - مهدی. دوستان منتظر تماس شما هستند. ممنون

نویسنده: سعید

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 0:56

سلام استاد عزیز در موضوع جدید وبلاگم به درک آیات متشابه در قرآن پرداخته ام و قسمتی کوتاه از نوشته های شما در کتاب اسلام و شمشیر را نقد کرده ام لطفا مطالعه و اگر خواستید من را رهنمایی کنید

آقای سعید. در آن نوشته نقدی در باب اسلام و شمشیر نبود. ضمن این که برای گفت و گو از قرآن نباید و نمی توان به حدیث و روایت متوسل شد که تماما مقولاتی اثبات نشده اند. موفق باشید.

آقای مهدی - مهدی. قرار ساعت 4 بعد از ظهر همان روز است، که نوشته اید. تنظیم با خودتان.

آقای reza. ممنونم و اگر نیاز افتاد با ای میل شما تماس خواهم گرفت.

وب سایت

نویسنده: عباس

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 3:18

آقای پورپیرار می بخشید.من کانادا را که در شمال آمریکا قرار دارد را اشتباه نوشتم.

نویسنده: عباس

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 3:29

آقای رضا من در ونکوور کانادا زندگئ می کنم و شمارهٔ تلفن دستی من هست 604 725 4195

نویسنده: اکبر

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 4:12

بله، یک واژه اسپانیائی هست , عروس و داماد ها در ایران , بزبان خارجی بهم جواب مثبت میدهند . یک مرتاض پیر هندی با شاگردان اغلب جوانش,همراه یک تیم فیلم بردار اروپائی , روز ها , پای پیاده در هیمالیا , بزیارت محلّی متبرک , در راه بودند . هر منزل گاه میان راه ملزوم بعبادت و رسوم خاص خود بود. ساعت ها با پودر های رنگی خود را می آراستند. انتهای سفر, چشمه و معبد کوچکی بود .حمام باآب سرد چشمه گناهان آنان را پاک میکرد. مرتاض پیر با توصیه تیم فیلم بردارد, فقط صورتش را شست. ریزه کاری و رشد این مراسم صدها سال زمان احتیاج دارد !
نظرت چیست ؟

اخوی. حالت خوب است، کسالتی که نداری؟!!!

نویسنده: عباس

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 5:36

اآقای پورپیرار با سلام ؛ برنامه ای زنده در آمریکا هست که شروع به بحث در مورد تاریخ نموده وبنده به این برنامه تماس گرفتم و از آنجا که از طرفداران شما هستم بخشی از صحبتهای شما را گفتم اما شخصی که خود را دکتر معرفی کرد بعد از من زنگ زد به آن برنامه و با من یعنی همان صحبتهای شما مخالفت کرد حال می خواستم از شما درخواست کنم در صورت امکان با این برنامه تماس بگیرین و واقعیت گم شده را طی یک مناظره بگین تا همگان با واقعیات تاریخ آشنا شوند چون مجری برنامه خواست که شما و آقای دکتر با یکدیگر در این برنامه جهانی
و مردمی مناظره کنید تلفن آن آقای ۰۱۱۴۹۴۰۳۶۱۹۴۱۰۳پرویز
با تشکر عباس

آقای عباس. ضمن تشکر از توجه شما. بنا بر سابقه ی امر، به نظرم این حضرات دکان تازه ای برای باستان پرستی باز کرده باشند. به عنوان امتحان، کافی است برای این آقای پرویز نسخه ای از تختگاه هیچ کس و طوفان نوح بفرستید یا آدرس بدهید تا بفرستیم و عکس العمل او را ببینیم و اگر دنبال حقیقت است درباره ی این مستندها برنامه ای ترتیب دهد.

نویسنده: عباس

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 10:33

سلام استاد . چند وقتی است که کسی با نام عباس برای شما کامنت می گذارد . درست بعد از نوشتن آن مطلب در مورد پیدا شدن سربازان هخامنشی که بنده نوشتم . می خواستم بگویم که این عباس من نیستم . ایشان آدرس پست الکترونیک می گذارد و بنده صاحب وبلاگ { حرفهای بی سر و ته } هستم و آدرس وبلاگ می گذارم . موفق باشید کا .

وب سایت

نویسنده: کاظم

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 11:14

سلام
استاد همانطور که قبلا خدمتتان عرض کردم تا ایرانشناسی 125 که تا کنون خواندم کلی سوال در مورد نظرات حضرتعالی دارم ولی طبق فرمایش جنابعالی که فرمودید" آشنا شدن با مطالب تمام یادداشت ها بسیاری از ابهامات و سئوالات را از ذهن خواننده می زداید "تا خواندن مابقی صبر میکنم ولیکن جواب یک سوال منو خیلی کنجکاو کرده که امیدوارم جوابشو به بنده بدید:
اگر حتی در دوران صفویه هم حمام - کاروانسرا - و .... ساخته نشده و اکنون هیچ آثاری از آن دوران نداریم پس بسیاری از باورهای عمومی مردم نیز جعل کامل است.
موفق باشید

آقای کاظم. مورخ از باور عمومی پیروی نمی کند و به معتقدات وارد نمی شود، زیرا باورها بر سبیل میراث منتقل می شود و خود را از ارائه ی دلیل بی نیاز می بیند.

نویسنده: مهدی - مهدی

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 12:38

آقای غفوری

لطفاً ایمیل خود را چک کنید.

نویسنده: محسن

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 13:11

سلام
اقا ناصر خیلی نامردی که جواب کامنتم رو تو پست قبلی ندادی.
بعدش اینکه خیلی می خوامت.
شنیدم می خوای یک مستند در رابطه با مقبره کورش خبیس درست کنید. درست شنیدم؟
من دوست دارم به شما کمک کنم هر کمکی که از دستم بر بیاد برای شما می کنم.من همین جور در حال رایت سی دی حای شما هستم مثلا یکی از این سی دی هارو دادم به دوستم بعد به من گفت سر کلاس معلممان شروع کرد به تعریف از تخت جمشید.و من جوابش را دادم و در اخر یک دی وی دی که تخت گاه هیچ کس بود رو به معلم دادم معلم هفته بعد بابت حرف هایی که زده بود معذرت خواهی کرد و به بچه های کلاس توصیه کرد که مستند تخت گاه هیچ کس را ببیند.و دوست من فیلم تخت گاه هیچ کس را به همه انها داده.خلاصه تو مجموعه های مختلف داره پخش میشه.دانشگاه.
مدرسه.سرکار.محل زندگی.بچه های مسجد .و بسیج.و چند روز اینده در هیئت.
دوست دارم.
الحق که اقا راست گفت که تخت جمشید اثر جباران تاریخ است.و در عین حال هنر دست ایرانی.

نویسنده: موومان

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 15:12

استاد گرامی. عرض سلام، خسته نباشید و ارادت!

خانم حاجی زاده. بله، ایمیل شما را دریافت کردم. با تشکر فراوان.

نویسنده: اترش

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 18:4

آیه 30 سوره بقره:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلاَئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُواْ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاء وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لاَ تَعْلَمُونَ

و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روي زمين، جانشيني قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا آيا كسي را در آن قرار مي دهي كه فساد و خونريزی کند؟! و ما تسبيح و حمد تو را بجا مي آوريم و تو را تقديس مي كنيم.» فرمود: من حقايقي را مي دانم كه شما از آن بی خبريد.»

آقای اترش. دنباله هم دارد و اگر ندارد غرض چه بود؟

وب سایت

نویسنده: مجبی غفوری

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 18:29

آقای مهدی - مهدی. ای میل شما نرسیده است. اگر ممکن است تلفن کنید:

نویسنده: کاظم

چهارشنبه 25 آذر1388 ساعت: 22:6

استاد از جواب هوشمندانه حضرت عالی در خصوص سوالم ممنون.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 1:51

آقای پور پیرار مدتی است هر جوری حساب می کنم میبینم طبق روش محاسباتی رشد جمعیت شما ما دو گروه قومی بیشتر در کل منطقه شمال آفریقا تا هندوستان ندارم با پذیرش قتل عام پوریم و مستندات آن و انهدام نا معلوم شهر سوخته در سایه عدم جمعیت قابل ملاحظه (من هنوز به جمله اولیه شما اعتقاد دارم که تعداد معدودی از جنایت پوریم گریختند و البته نظریه آکادمی یونانیان شما را هم پذیرفته ام)این دو گروه عربها و یهودیها هستند اما اشکال اینجاست که جمعیت یهودیها با این روش جور نیست یعنی کمتر است پس بیشتر یهودیها مسلمان شده اند. پس اندیشمندان یهود باید برای نقصان جمعیت فکری می کردند و آن ایجاد یهودیان جدید است این مهم هم با یهودی شدن کسانی که مادرشان یهودی است رفع شده اما این بار باید آمار رشد اروپای مرکزی و غربی و روسیه را کنترل کنیم که آن هم در مورد تعداد زیاد یهودیان روسیه و اروپای شرقی صادق است اما در آخر باز جمعیت اروپای غربی با روش شما جور نیست است و اینکه اصلا ما یهودی چشم آبی و مو بلوند داریم؟

آقای رعد. شخصا روش اختصاصی محاسبه ی رشد جمعیت ندارم، کارشناسان بین المللی در سازمان ملل متوسط رشد جمعیت جهانی را دو درصد اعلام کرده اند که با ازدیاد نفوس دنیا در فاصله ی 1900 تا 2000 میلادی هم تطبیق می کند. همین درصد در ایران سال 1285 تا 1385 شمسی نیز همخوان و مابقی تصورات بدون عینیت است. الا این که هرگز و هیچ مرکز و منبعی تعداد واقعی یهودیان جهان را یا نمی داند و یا اعلام نمی کند. مثلا عده آن ها در کل ایران را 15000 نفر ثبت کرده اند که به گمانم این تعداد یهودی فقط در محله ی یوسف آباد تهران ساکن است!

نویسنده: اترش

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 9:49

سلام استاد

در چند یادداشت اخیر به جنایت ها و اعمال غیرانسانی انگلیسیان در هند پرداخته اید که چه به روز و حال مردمان آن خطه آورده است. از این دست «خون ریزی» ها و «فساد» به دفعات و به طرق مختلف در طول زمان اتفاق افتاده است. با مشاهده ی این جنگ ها و خونریزی ها گاهی من هم فکر می کنم که دلیل خلقت انسان چه بود؟ یعنی همان فرشته ها کافی نبودند؟ بعد به یاد آیه ی ۳۰ سوره بقره می افتم و می مانم منظور خداوند از اینکه می گوید من چیزی را می دانم که شما نمی دانید دقیقا چیست؟
در آیات بعد داریم که انسان اسماء را یاد می گیرد و به حافظه می سپارد، کاری که فرشتگان از آن ناتوان اند. به نظر می رسد دلیل برتری انسان به فرشته ها در همین باشد و علم به رخدادها و گذشته آدمی را از صفاتی که فرشتگان به او نسبت می دهند دور می کند.
به نظر شما این گفته ی من درست است و دلیل اینکه حافظه ی تاریخی انسان را چنین آشفته کرده اند در همین راستا ست؟

آقای اترش. چه طور می توان در آن مقوله اظهار نظر کرد و چیزی گفت و نوشت که خداوند حکمت و سبب خلقت آن را در انحصار خویش خوانده است؟! به راستی که علی رغم آیه ی هفتم از سوره ی آل عمران، نهضت پرسش از قرآن، که میراث عتیق نیشابوری است، در این دو سده ی اخیر که زمان آشوب تفسیر نویسی است، به کفایت اوج گرفته و موجب آن اغتشاش در ذهن مسلمانان شده، که شما اشاره می کنید. از خداوند امتداد عمر را بخواهید تا در این باب و به خواست پروردگار درد دلی ماندنی کنیم.

وب سایت

نویسنده: عباس

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 10:39

آقای پورپیرار سلام .من عباس از کانادا هستم امیدوارم حال شما خوب باشد.اگر یاد شما باشد من شمارۀ تلفن دستی خود را برای آقای رضا گذاشتم که اگر دوست دارد به من زنگ بزند که آدرس خود را به ایشان بدهم که کتابها ی شما را برایم بفرستد.ولی بجای آقای رضا یک آنوسی که شماره من را از سات شما برداشته بود به من زنگ زد و شروع به دروغگوی بر علیۀ شما کردن .شمارۀ تلفن این آنوسی ۱۶۶۶۹۷۵۲۳۸۲

آقای عباس. برای این زبان بسته ها وقتی برای چند هزار برگ تحقیق دوران ساز پاسخی ندارند، جز این بوزینه بازی ها نمی ماند.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 10:52

این گفته ی شما کاملا درست است که نهضت عتیق نیشابوری اوج گرفته و اذهان جویندگان حقیقت را آشفته می کند اما قصد من پرسش و زیر سوال بردن آیات نبوده و نیست، فقط تلاشی نافرجام برای پی بردن به چرایی خلقت انسانی است که خداوند و فرشتگان خوب می دانند اهل فساد و خونریزی است. حق با شما ست، نمی توان در این مقوله به بحث و اظهارنظر آنچنانی نشست، فقط خالق از این راز که چگونه چنین موجودی می تواند خلیفه ای در زمین باشد باخبر است.
بی صبرانه منتظر آن درد دل خواهم ماند و چشم امیدم به خداوند است.

وب سایت

نویسنده: بجانی

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 14:6

سلام و خسته نباشید
سوالی همیشه ذهنم را مشغول می کرد و آن اینکه اگر ما صاحب تمدن بوده ایم پس چرا وضعمان این است و بعد رد می کردم که نه ما ملت جدیدی هستیم درست تر ملتهای جدید - و بعد به یاد مصر می افتادم که خوب آیا مصر و اهرام را چه کنیم؟ چرا مصر تمدن امروزی ندارد - امیدوارم جناب پورپیرار روزی فرصت کند به مصر هم بپردازد تا حقیقت بیشتری روشن گردد - ضمنا همه اینها زیر سایه "ملکت ایمانکم" قرار دارد این عبارت قرآنی برای ما از نان شب واجب تر است جناب استاد - البته شاید خودتان هم قبول کنید . سوره نسا و نور باید بارها و بارها بر مسلمانان خوانده شود و فهمانده شود تا ببینیم چرا این همه در فرهنگ غیر اسلامی گرفتار شده ایم که روزی از یک لبه بام می افتیم و روز دیگر از لبه دیگر .
با آرزوی سلامتی برای آقای پورپیرار

آقای بجانی. کمی دیگر حوصله کنید.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 14:11

با سلام به همه. خانم حاجی زاده من چند سوال دارم که برای اطمینان قلبی خودم میپرسم.
اول اینکه در سوره نور زانی وزانیه را به صورت معرفه آورده و این یعنی تعدادی از آنها
دوم اینکه زانی و زانیه بر وزن فاعل و دلالت بر صفت مبالغه ندارد تا همه آنسانها را در این دایره قرار بدهیم.
حال سوال من اینه که آیا همه انسانهایی که مرتکب "زنا" میشوند مجازاتشان 100 ضربه شلاقه
البته اینها برداشت اولیه من از آیاته و هنوز در چیزی به اطمینان نرسیده ام و خوشحال میشوم که شما در این رابطه کمکم کنید

وب سایت

نویسنده: عابدی

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 16:46

سلام استاد. خسته نباشید.

خانم حاجی زاده، خسته نباشید. اگر به بررسی ریز به ریز نکات باشد توجه کنید در دو آیه ی مربوط به زنا «جلد» را شلاق یا تازیانه ترجمه کرده اند، در صورتی که در 11 آیه دیگری که این لغت به کار رفته است به معنای پوست ترجمه کرده اند؟!

آقای عابدی. چه عجب، از شما خبری شنیدیم. ان شاً الله که رفع مشکلات درس خواندن شده باشد. این روزها به دلیلی به داخل سایت سر می کشم و تازه متوجه وسعت زحمت و دقتی شده ام که شما انجام داده اید. بدون تعارف سایتی را سراغ ندارم که این چنین دوستانه و بی پیچ و خم های مزاحم تنظیم شده باشد. به خواست خدا و به زودی طوفان با ترجمه ی ترکی و سومین مستند شکوهمند تاریخی تقدیم خواهد شد.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 17:10

آقای اترش چند سوال خیلی مهم حول اون آیه ای که شما مطرح کردید وجود داره.
یکی اینکه آیا فرشتگان میدانستند که انسان در زمین فساد میکند؟ مگر این علم فقط نزد خدا نبوده و چگونه فرشتگان این را در مورد انسان گفته اند.
یکی گفت چون قبل از انسان، جن وجود داشته و جنیان کافر خونریزی و فساد کردند به همین خاطر فرشته ها این احتمال را برای انسان ها هم در نظر گرفته اند
اما با این فرض دو سوال دیگه پیش میاد که اگه جن در آن زمان کافر داشته اولا وسوسه چه کسی در آنها تاثیر داشته در حالی که ابلیس از فرشتگان مقرب بود . دوم اینکه اگر جن نافرمانی کرده باشند پس باید پیامبر هم داشته باشند که در هیچ جایی به آن اشاره نشده . تکلیف چیست؟

وب سایت

نویسنده: سعید

پنجشنبه 26 آذر1388 ساعت: 19:57

آقای عابدی در این صورت معنی این دو آیه چه میشود:
زن و مرد زنا کار را 100 جلده، جلد کنید!
کسانی که تهمت به انسانهای پاکدامن میزنند و چهار شاهد نمی آورند 80 جلده را جلد کنید؟
آیا لغتی مناسب تر سراغ دارید
مانند اینکه هر زن و مردی که زنا کردند 100 بار پوستشونو بکنید!
ببخشید قصدم مزاح بود

وب سایت

نویسنده: مسعود

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 0:3

تف تو صورت هر چی جهوده که حالم ازشان به هم می خوره. حرام زاده ها

نویسنده: فتح

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 1:45

گفتگو با عبدالله شهبازی در مورد آینده بحران سیاسی ایران
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/12/091217_op_shahbazi.shtml
آقاپورپیرار گویا بی بی سی قصد مصاحبه با شما ندارد. اما من همین تیتر و همین سوالات را از شما به عنوان آگاه ترین محقق تاریخ ایران و تاریخ معاصر که بسیاری از مسائل دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران را دیده اید می پرسم.
گفتگو با ناصر پور پیرار در مورد آینده بحران سیاسی ایران
جواب از شما استاد

آقای فتح. این گمانه زنی های روزنامه ای و شرح و تفسیرهای باسمه ای و گمراه کننده، قطعه تراشی از روی الگو، به قصد تکمیل پازلی از پیش طراحی شده و ایجاد پرده ی دود برای پنهان ماندن حقیقت در پس آن است. قبضه ی کامل و تسلط مطلق یهودیان بر رسانه های عمومی جهان، مدت هاست به ما آموخته است، برابر نمونه ی نشست های هفتگی تلویزیون خودمان، باید میدان سئوال و جواب را به کسانی سپزد که جز صغرا و کبرا چیدن سرگرم کننده و کودک فریب و احتمالا با لعاب شوکولات ملی و یا چپ پسند تحویل ندهد. قبلا هم گفته ام باید حرف هایی را شنید که تریبون ندارند و مطالبی را خواند که اجازه ی انتشار نمی گیرند، زیرا مسلما برای حقه بازان یهودی آزار دهنده بوده است. آیا نمی بینید چند سال پس

از تولید مستند تختگاه و نیز طوفان، مراکز اطلاع رسانی خودی و بیگانه حتی تولید این دو سند کبیر را هم اعلام نکرده اند!؟ این که حوزه های فرهنگی مسئول در جهان اسلام مستند طوفان را ندیده می گیرند که حقانیت داده های قرآنی را پیش چشم جهانیان گشوده است، علتی جز این ندارد که در این گونه مراکز مسئول، مسلمان و یا لااقل خردمند آگاه و با خبری ننشسته است. اگر فرصت عمر اجازه ی ورود به تاریخ معاصر را صادر کرد، به خواست خدا مطلع خواهید شد که مهمل بافی های کنونی در این و یا آن موضوع روز و یا معاصر، بسیار مسخره تر از ادعای برگزاری نوروز در کاخ آپادانایی است که هرگز ساخته نشد! آزمودن این حرف هایی که شنیدید نیز آسان است، یکی از این مدعیان را در برابر سئوال راجع به تختگاه قرار دهید، یا سکوت خواهند کرد و یا مانند بوشارلو جواب می دهند: خوب که چی؟!!

نویسنده: بی نام

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 6:56

برادر عزیز جناب عباس: ما شاگردان استاد بهش ارادت کامل داریم ولی تابحال مجبور نشده ایم که برای ابراز ارادت و احترام حرف نائرست بزنیم. من به شماره آن آنوسی که به گفته شما با شما حرف زده بوده تلفن زدم که وصل نشد و وقتی کد و شماره تلفن را در گوگول جستجو کردم تازه فهمیدم که در هیچ جای این دنیا همچو کد و شماره تلفنی نیست مگر اینکه این آنوسی خیالی شما از مریخ زنگ زده بوده که متاسفانه من شیوه اتصال به کرات غیر زمینی زا ندارم. اگز هم می خواهید در اینده چاخان بگید لااقل شماره و کدی را بدید که وجود داشته باشه. با این کارهای کودکانه تان شما تیشه به ریشه بنیان اندیشی می زنید. قبل از هر چیز باید پاسدار صداقت شد. با احترامات

آقای بی نام. یک احتمال هم این است که شماره در کامپیوتر به هم ریخته باشد.

نویسنده: عباس

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 9:8

استاد خسته نباشید من با یک آقای بحث در بارهٔ قتل عام پوریم می کردم که یکدفه بحث را عوض کرد وشروع به صحبت کردن در بارهٔ مرتد یا مرتدن در اسلام کرد و گفت که بعد مرگ پعقمبر مسلمانان شروع به کشتن مسلمانانی که از اسلام برگشته بودن کردن .من نظر شما را میخواستم

آقای عباس. درباره ی وقوع ماجرای هولناک پوریم چنان که در یادداشت به گمانم 64 آورده ام، لااقل 15 سند و دلیل سالم و غیر قابل کتمان عقلی و اسنادی قابل ارائه است. این آقایان برای اثبات کشتار داخلی میان مسلمانان جز کتاب های یهود ساخته چه دارند؟!

نویسنده: عباس

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 9:17

آقای بی نام شمارهٔ که برای استاد گذاشتم .درآمریکا و در ایالت کنتاکی میباشد

نویسنده: عباس

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 9:51

آقای پورپیرار دلیلی ندارد که من به شما دروغ بگم این اتفاق افتاد.خانم من شماره را در کامپیوتر گذاشت و در کنتاکی یکی از ایالات آمریکا در آمد من هم زمانی که برای شما این ایمل را می نویسم به آپرتور کانادا در ونکوور زنگ زدم به من گفتن که این شماره از تایلند می باشد

آقای عباس. از این گونه اتفاقات در وب زیاد رخ می دهد معترض شما آقای بی نام و به قصد دادن توجه بیش تر است.

نویسنده: منصور

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 10:46

با سلامي سرشار از آرزوي سلامتي و توفيق هر چه بيشتر خدمت استاد عزيز و بهتر است بگويم معلم گرامي كه مرا دوباره به كلاس اول برگرداند و درس تاريخ و در واقع درس زندگي را از نو آموخت.

اينجا نه من که هرکه را که با آثار شما آشنا کرده ام ديوانه شما است.اين را بدانيد که حتي اگر خود هم از حرکت باز ايستيد ديگر ما نمي ايستيم شايد نتوانيم دقيقا جا پاي شما بگزاريم اما از آنچه از شما آموخته ايم ذره اي عقب نخواهيم نشست.اين چرخ عظيمي که شما به حرکت انداخته ايد تا تمام بساط دروغ و شيادي را له نکند از حرکت باز نخواهد ايستاد.در کار و خانه و مدرسه و هر جا همه جا شما حضور داريد.وقت آزاد ما بسيار زياد شده چون راديو و تلوزيون وروزنامه ها را کنار گذاشته ايم بدليل آنکه حتي يك کلمه حرف راست ندارند اما از آن طرف سخت مشغول استفاده از دست آوردهاي شما هستيم و مي گوييم اي کاش شبانه روز 50 ساعت مي شد.
خداوند را شکر گزارم که توفيق داد تمام مطالب ناريا را حتي تمام سوالات و جوابها را تا به آخر مطالعه کنم که با سايز 18 وفونت B Nazanin تقريبا 5000 صفحه مي شد همچنين کتابهاي 12 قرن سکوت را که حدود 3000 صفحه بود و حتي کتاب چند بگو مگو را که حتي در زمان حاضر بسياري مطالب آن بديع و منحصر بفرد مي نمايد. با خودم عهد کرده بودم تا تمام مطالب را نخوانده ام با سوالات خود وقت شما را نگيرم هر چند لازم است بار ديگر مطالب را از اول بخوانم؛ باري با شروع مطالعه سوالات خود را يادداشت کردم که به بيش از 150 عدد رسيد اما هنگامي که به انتهاي مطالب رسيدم بسياري از آنها رنگ باخت بطوري که در پايان تعداد معدودي باقي ماند. هر چند همين ها هم ممکن است خام و ناشي از عدم درك دقيق مطالب باشد به بزرگي خود مرا ببخشيد به هر حال تمنا دارم هر چند با کلماتي کوتاه مرا راهنمايي فرماييد.
فقط خواستم ببينم اگر امکان چاپ آنها پيش آمد نظر شما چيست.آيا مي توانم از آنها پرينت بگيرم و تکثير کنم؟يا شايد کس ديگري در حال انجام اين کار است.من در اين ضمن سعي کرده ام تمام منابع مورد بررسي را هم تا آنجا که امکان داشته و نقلي از آنها در يادداشتها آمده در پايان بياورم و تصميم دارم فهرست اعلام را هم استخراج کنم.در ضمن آيا اجازه مي دهيد کتابهاي جنابعالي را هم به صورت پي دي اف تکثير کنم؟

نويسنده: منصور

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 10:51

با سلام مجدد خدمت استاد و تمام دوستان هم پيمان
به هر حال حقايق مطروحه در مقالات شما چنان جذاب است که انسان را در خود غرق مي کند و تا آخر آن را بايد خواند.نکته عجيب براي من اين است که کساني که خود را به اين مسائل بي اعتنا نشان مي دهند و وانمود مي کنند که مثلا هخامنشيان براي آنها ارزشي ندارند و از اول هم آنها را قبول نداشته اند، وقتي به تبعات کار آنها در قتل عام پوريم بر مي خورند به مدافعان آنها تبديل مي شوند و با اينکه خود را تشنه به خون سروش معرفي مي کنند با ديدن استدلال روشن شما مبني بر بي اعتنايي قرآن نسبت به شعرا، درست حرفهاي سروش را تکرار مي کنند و مي گويند قرآن مال 1400 سال پيش است و الآن بايد غير از نص صريح آن برداشت شود. از آنها بايد پرسيد لابد اگر قرآن فرموده که دست دزد بايد قطع شود يا کساني که ربا مي خورند در واقع آتش در شکم خود مي ريزند، الآن به فراخور زمان بايد نه تنها دست او قطع نشود بلکه بايد مال مسروقه يا حاصل از ربا خواري را برايش بيمه کرد. محض انبساط خاطر تان عرض کنم که شخصي باصطلاح دانشجوي باستان شناسي با ديدن معايب تخت جمشيد و نقش ونگارهاي آن در مستند تختگاه هيچکس گفته بود که اينها مثلا سرباز بدون کله يا گل با گلبرگهاي ناقص در آن زمان مد بوده است بنده ياد شلوارهاي رپي جديد افتادم که سر زانو و پشت آن بعنوان مد پاره شده است. بنده از حماقت اينها حيرت دارم و فکر مي کنم بهتر از آنها تاريخ و باستان شناسي بلدم.

آقای منصور. از مراحم شما ممنونم. به دليل اشاره ای که نوشته ايد، در حال حاضر موثرترين نوع تبليغ پخش کردن سی دی مستندهای تختگاه و طوفان است.



نويسنده: اترش

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 17:22

سلام

آقاي سعيد آنطور که از محتواي آيه ي 30 سوره بقره و چند آيه ي بعدي آن معلوم مي شود، فرشتگان از ماهيت خونريز بودن انسان آگاهي داشته اند که صد البته علمي است که خداوند به آنها داده است. بحث بر سر احتمال هم نيست که فرشتگان از روي مدل مشابهي يعني

جن چنين حرفي بزنند چون تا آنجا كه به عقلم مي رسد تشابه چنداني بين جن و انس نيست. همه ي بدي ها را هم به حساب شيطان ننويسيد، موجودات شريري قبل و بعد از رانده شدن شيطان وجود داشته و دارند. معروفيت شيطان بيشتر براي سوگندي كه خورده و از «منظرين» شدنش برخواسته است. و آخر اينكه براي جنيان هم رسول آمده.

نظراتي كه دوستان در مورد زنا و روابط بين زن و مرد عنوان كرده اند نشان از بيداري و تلاش براي آگاهي و بازنگري در مفاهيم آيات قرآن دارد كه باعث خوشحالي است. اين موضوع هم يكي از آن بحث هاي غلط اندازي است كه مانند شمشير كشي و برده داري و شقاوت مسلمانان براي زشت جلوه دادن اسلام مطرح مي كنند.
من هم به نوبه ي خودم چند نكته اي را مطرح مي كنم و بحث مفصل را به اميد خدا در آينده اي نه چندان دور پي مي گيرم.
_ زنا و حد آن موضوعي اجتماعي است و در چهارچوب اجتماع معنا دارد.
_ حداقل بايد چهار نفر شاهد قضيه باشند وگرنه عمل زنا محسوب نمي شود و حدي بر آن نيست. پس نمي توان به بهانه ي اينكه در محيط بسته ي خانه اي خبري است (ولو اطمينان كامل هم باشد) از هيچ ديواري بالا رفت و حريم خصوصي انسان ها را شكست.
_ در مورد افراد «محصن» صدق مي كند و شامل زنان خودفروش و ملكت ايمان و دختران بي بند و بار نمي شود. حال محصن به چه معنا ست؟ بهترين تعريف براي محصن همان «فرد خوددار» است كه به زنان و مردان متاهل هم اطلاق مي شود.
_ جا دارد يك بار ديگر اين گفته ي استاد هم تكرار شود:
«مرتکب فحشا را می توان زنی پنداشت که مدعی اجتماعی و شاید هم خانوادگی ندارد و آزاد و بی ملاحظه رفتار می کند، از حد می گذراند و انگشت نما می شود و آن دیگری خیر!»

وب سایت

نویسنده: حاجی زاده 1

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 14:40

با سلام
باریتعالی با علم و احاطه بر مخلوقاتش اجتماعی را بنا میکند که خود نامش را جنت نهاده است. ارکان جامعه ی مطلوب خداوند سبحان در قرآن، مانند هر اجتماعی، به هم پیوسته و در هم تنیده است، بطوریکه نمیتوان حکمی از قرآن را مجری دانست و حکمی دیگری را منسوخ! برای مثال نمی توان حکم "ملک یمین" را برای یک جامعه ی غیر قرآنی تجویز کرد، آن حکم برای انسانهای با تربیت قرآنی است وگرنه در جامعه ی ما، با فرهنگ ناآشنا با قرآن، افسار گسیختگی و فساد و فحشا به بار می آورد.
با این مقدمه مجددا وارد بحث زنا میشویم.
خداوند در قران نسخه ی ملک یمین را برای آن دسته از افرادی که امکان و توان ازدواج را ندارند پیچیده است، مسلم است که مزدوجین خارج از مشمولین این نسخه قرار دارند، همچنان که طبیعی است اگر امر ازدواج نه بر مبنای اضطرار، احساسات و شتابزدگی، بلکه بر اساس شناخت و احاطه طرفین بر ویژگیهای ذهنی، روحی، رفتاری و جسمی همدیگر و پس از حصول اطمینان از وجود تناسب در این ویژگی ها باشد، پایدار، متناسب و کم تنش خواهد بود و اگر حس رضایت در رابطه ی زوجیت برقرار باشد زوجین رغبتی به مروداتی ثانویه چه به صورت خفا و یا آشکار نخواهند داشت.
خداوندی که مجوز ملک یمین را صادر کرده است در کنار آن یادآوری میکند که از مراودات موجد ظلم و فساد بر حذر باشید، در جامعه ی قرآنی می توان "مخفی کاری" را معیاری بر گناه آلود، مذموم و مردود بودن فعلی دانست، چه اگر فعلی مقبول آن جامعه باشد حاجتی بر خفا کاری نخواهد بود، فعل زنا واجد فاکتور "اختفا" است، بعد دیگر مسئله، سلسله مراتب قضائی آن است که خداوند بر آن صعوبت و پیچیدگی خاصی مقرر کرده است، فراهم نمودن چهار شاهد برای یک عمل پنهانی! و پنج بار قسم خوردن شاهد (همسر زناکار)..و دادن فرصت رفع اتهام به مرتکب عمل زنا، اثبات صحت قضیه را تقریبا غیرممکن می سازد.

نویسنده: حاجی زاده 2

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 14:41

ظرافتی که حضرت حق در پرداختن به موضوع زنا به خرج داده است حیرت آور است! دقت بفرمائید که مقرر کردن آن حد بخصوص با آن درجه ی خوار کنندگی در اجتماع، صرفا به منظور اجرای آن حد نیست بلکه """ برای توصیف و آشکار کردن میزان زشتی عمل زنا در منظر الهی است""" وگرنه خداوند با آن سلسله مراتب سخت قضایی، (مثلا مقرر کردن 80 ضربه ی شلاق برای کسی که قادر به اثبات ادعایش نباشد) آشکارا مانعی در مقابل طرح این عمل حتی در صورت وقوع آن است، تا جامعه از حدوث چنین افعال قبیحی "بی خبر" بماند، چرا که آگاهی از آن موجبیست برای گشوده شدن باب سخن در خصوص آن و کم رنگ تر شدن قباحت آن و رواج آن، در ادامه ی آیات زنا نیز میخوانیم که خداوند موکدا توصیه میکند که از خوض و سخن چینی در این موضوع بپرهیزد و نسبت به هم حسن ظن داشته باشید و این تنها به قصد تطهیر "ذهن و اندیشه ی عمومی جامعه " از فکر پلید زناست.
والسلام
از همه ی دوستانی که در پیش برد این بحث شرکت کردند ممنونم.
از هر نوع انتقادی به این نوشته استقبال میشود.

فریبا خانم. اشاره ی شما به پنهانی بودن روابط زنا، که خلاف فحشای آشکار، اثبات آن را نیازمند طی مقدمات سخت گیرانه می کند، نقطه ی قوت نظر شما و اعلام رو دربایستی خداوند که به ملاحظه ی تاثیرات اجتماعی منفی زنا، از کنکاش در آن منع می کند، نقطه ی ضعف آن است.

نویسنده: reza

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 18:43

با سلام استاد.
در صورت چاپ مقالات ایرانشناسی به صورت کتاب توسط شما آیا امکان تهیه آن برایمان در خارج از کشور وجود دارد؟
مستدام باشید

آقای reza. اگر اداره ی پست قبول کند، آری.

نویسنده: یوسف

جمعه 27 آذر1388 ساعت: 23:39

سلام خسته نباشید
سوالی داشتم شاید خیلی بجا نباشد : وقتی خدا به قلم و هر آنچه می نویسد قسم می خورد این نشانه ای نیست که قلم و نوشتن در بین اعراب امری شناخته شده بوده ؟

آقای یوسف. مگر کسی گفته است اعراب در زمان نزول قرآن خط نداشته اند؟ کتاب پاپیروس ها و یا سه جلد کتاب های پلی بر گذشته را بخوانید.

۱ ۲

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 242

ایران شناسی بدون دروغ 242، نتیجه 50، حقه بازی ها در هند، 19 - 39 نظر

نویسنده: حاجی زاده

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 6:39

سلام استاد
به نظر من آیات مربوط به زنا بیشتر جنبه ی تربیتی و پیشگیری دارند، خداوند در عین حال که با تعیین آن حد قصد نمایاندن میزان زشتی آن عمل را دارد، راههای سهل تر و کم تنش تری در مواجهه با مسئله ی زنا در سطح جامعه ارائه می دهد، ضمنا ارتکاب به آن عمل اگر تا اندازه ای مشهود باشد که قابل کنکاش باشد، راه بررسی مسدود نیست و خداوند مراتب آن را بیان فرموده است.

نویسنده: بابک

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 11:12

با سلام خدمت معلم روشنگر و دوستان بنیان اندیش
استاد تصور این همه مظلومیت این مردم بی ازار باعث جمع شدن اشک در چشمانمان میشود. چقدر مقاله شما با واقعیت پراکندگی جمعیتی حال حاضر منطقه همخوانی دارد. آیا این داعیان دموکراسی شرم نمیکنند که مردم مسلمان بی آزار این مناطق را وحشی و تروریست بخوانند؟؟؟

نویسنده: سعید

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 11:44

سلام استاد عزیز
نوشته های این پست هم بسیار تامل برانگیز بود. به نظرم قطعات پازل کم کم تکمیل دارند میشوند

وب سایت

نویسنده: alid

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 14:39

با سلام - مبنای دهگان یا همان اعشاری برای شمارش اعداد از کی بین اعراب متداول شده چونکه احادیث با مبنای اعشاری و صد و هزار و اثنی عشر زیادند -آیا این مسئله میتواتند بابه جدیدی برای تحقیق باشد ؟

آقای alid. اشاره به اعداد مجرد، حتی صد هزار و پنجاه هزار و هفت و هشت و غیره در قرآن وجود دارد و معنای اثنی عشر هم دوازده است.

نویسنده: R134a

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 14:40

salam, khste nabashid.

نویسنده: آمون

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 14:1

سلام
آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: کاظم

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 19:12

استاد با سلام
یادم نمیاد در کتاب جلد از کتابهای 12 قرن سکوت حضرتعالی خواندم که اسلام در دهه های نخستین چنان با سرعت شمال افریقا را در نوردید و به دروازه های اروپای مسیحی رسید که سران کنیسه و کلیسا برای اولین بار متحد شدند و به کمک قوم خزر سپاه اسلام را تا دمشق عقب راندند و به خاطر همین خوش خدمتی خزرها قوم سیزدهم یهود مفتخر شدند(نقل به مضمون) ولیکن در پاراگراف اول همین مقاله(شماره 242) از دید شما اروپا بعد از طی کردن اقیانوس برای اولین بار و در قرن 15-16 پی به نشر عظیم اسلام برد در صورتی که به نظر بنده سران کنیسه و کلیسا باید منطقا در همان قرن اول و دوم هجری قمری پی میبرند که حداقل افریقا را که اسلام و حتی اروپا نیاز به طی کردن اقیانوس نداشت از دست داده و جاره اندیشی میکردند.آیا این تناقص در فرمایشات حضرتعالی نیست؟موفق باشید

آقای کاظم. سراپای این تحقیقات فوق کلان برای حفظ تعادل و فراهم آوردن امکان برداشت، از دو منظر دیده شده است: درونی و بیرونی. در ورژن درونی، دانسته ها و اسناد موجود بررسی انتقادی و در ورژن بیرونی، حاصل مثبت و منفی این بررسی ها به عنوان داده های جدید، عرضه می شود. به مقدمه ی کتاب هخامنشیان و ابتدای یادداشت شماره ی 1 ایران شناسی بدون دروغ رجوع کنید. ضمنا شناخت و ورود به مرکز و محتوای آفریقا بدون گذر از اوقیانوس ممکن نبوده است، زیرا بلافاصله پس از کناره های جنوبی مدیترانه با صحرای لم یزرع وسیع و غیر قابل عبوری مواجهیم، که مسافر عهد باستان را از کنجکاوی منصرف می کرد.

نویسنده: ناصر پورپیرار، 1

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 21:39

آقای تلمیذ و دیگر دوستان و دشمنانی که در کامنت های خصوصی سئوال می دهند:
تنها دو شیوه برای بررسی و شناخت تاریخ و فرهنگ و هویت مردم شرق میانه و جهان باستان وجود دارد: با قبول رخ داد پوریم و بدون آن. اجزا' اطلاعاتی که هر یک از این دو گزینه اعلام و ابلاغ می کند، در هیچ قسمت و اندازه، با یکدیگر توافق و همخوانی ندارد. بدین ترتیب وارد شوندگان به مباحث جدید، ابتدا باید تکلیف خود را با پوریم تعیین کرده باشند تا جرات کنند در مواجهه با هر متنی که ادعاهای کهن و یا باستانی دارند، بپرسیم: بر چه، با چه خط و در چه زمان نوشته اند و آیا نمونه ای، در اندازه ی یک کف دست، از اصل آن ها باقی است؟! در این صورت است که مبنای حضور فرهنگی مجدد و پس از پوریم انسان در دوران جدید و در شرق میانه، بسیار کوتاه عمر می شود. در عین حال توجه دهم که عَلَم و نهضت نصب پرسش بر آیات قرآن، که پرچم دار آن عتیق نیشابوری است، به سعی مراکز روشنفکری آغشته به امیال یهود، مانند سروش و امثال او، اوج تازه ای گرفته، که نباید به دام شان افتاد.

نویسنده: ناصر پورپیرار، 2

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 22:10

مثلا توجه دهم در زبان فارسی به تصویر برداری با دوربین و حاصل آن، یعنی همان فتوگراف و فتو، عکاسی و عکس می گویند. چنین نام گذاری عجیبی انتقال مشاهده ی روند فنی انتقال تصویر است که ابتدا در اتاق تاریک دوربین به صورت وارونه ثبت می شود. حالا کسی باید تکلیف زمانی این مصرع های حافظ را، که لااقل دوازده بار با مفهوم و منظوری واحد در دیوان حافظ تکرار شده: ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم و یا: گر فتد عکس تو بر لعل نگینم چه شود؟ تعیین کند و سئوال دهد که حافظ از کجا با این واژه برای انتقال تصویر یار به جام شراب آشنا بوده، چرا که جام شراب اتاق تاریک دوربین نیست که تصویر را وارونه منتقل کند؟! حتی می توان از این طریق آگاه شد که مثلا اگر در شاه نامه و دواوینی دیگر، از واژه ی عکس با برداشت حافظ استفاده نشده، پس احتمالا آن ها را پیش از شناخت شیوه و فن و نام گذاری عکس و عکاسی نوشته اند و آن ابیات و غزل های حافظ را پس از ورود عکاسی به ایران. و از این نوع ده ها مورد دیگر نیز می توان یافت که باریک شدن در آن ها خردمندی و بیش از آن حوصله می طلبد. و برای این که به نهایت حیرت دچار شویم بگویم که هیچ بابی از ریشه ی عکس در قرآن نیامده و با یقین نمی توان آن را متعلق به لسان عرب گفت. پس به راستی از کجا سر بر آورده است؟

نویسنده: وروجک

شنبه 28 آذر1388 ساعت: 22:43

خب شاید دستکاری هایی که بعدا در اشعار حافظ و بقیه انجام شده این ابیات رو به وجود آورده و چنین ابیاتی تازه و دیگر ابیات قدیمی باشند

نویسنده: کاظم

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 0:8

سلام مجدد
استاد نمیدونم با دکتر روازاده و جمشید خدادادی آشنایی دارید یا نه ؟این عزیزان مثل شما که تاریخ را شخم زدید و توطئه یهود را در تاریخ سازی برملا کردید در زمینه پزشکی این کار را کردند و کلی نظریه جدید برگرفته از آیات قران ارایه دادند و خانه نشین کردن طب سنتی را توطئه غرب و یهود میدانند و تقریبا از ایات و روایات و طب بوعلی کلی امراض را با گیاه درمانی مداوا کردند.بنده و خیلی از اقوام اثرات این مداوا را مستقیما حس کردیم. توصیه میکنم شما و خوانندگانتان به وبلاگ این حضرات مراجعه کنید و ببینید که غرب چه بلایی سر تغذیه و سلامتی ما آورده چه بلایی سر ظروف و پوشاک ما آورده.
www.ravazadeh.com
www.tebbeghorani.com

نویسنده: عباس

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 3:20

آقای پورپیرار آیا کشور یمن در زمان پعقمبر وجود داشت وآیا مردمی که در آن زمان در آن منطقه زندگی می کردن به زبان عربی صحبت می کردن

نویسنده: منصور

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 10:15

با سلام
آقاي پورپيرار! هر چند همواره خوانندگان را به حق وصبر دعوت كرده ايد اما حقيقت اين است كه روشنگريهاي شما باعث رد تمام تاريخ اسلام مي شود. لطفا مرزهاي اين انكار تاريخ اسلام را براي من مشخص كنيد،غير از قرآن و آورنده آن موسوم به محمد و دين او اسلام كه همگي در همان قرآن ذكر شده ديگر چه چيزهايي را قبول كنيم؟ آيا قبر پيغمبر در مدينه و شروع دعوت او از مكه و در نتيجه هجرت او را بپذيريم؟انساب و اخلاف ايشان را چه كنيم آيا وجود خلفاي راشدين حقيقت دارد؟ شايد از متن قرآن بتوان خيلي از مسايل دوران پيامبر را استخراج كرد ولي از آنجا كه غير از ابولهب هيچ اسم خاصي در قرآن نيامده چگونه مي توان آن مسائل را اثبات كرد؟ خود بهتر مي دانيد،تمام اختلافات مسلمين از همين دوران شروع مي شوند. لطف كنيد يك شماي كلي و مختصر از اوضاع آن دوران ترسيم نماييد.

آقای منصور. نمی دانم شما کتاب اسلام و شمشیر راخوانده اید یا نه. به هر حال کتاب علامه ی فقید مرتضی عسکری به نام "150 صحابه ی ساختگی" را بخوانید به سئوال شما پاسخ داده اند و می نویسند تمام صحابه ی منتسب به پیامبر اسلام که در کتاب های غیر قرآنی معرفی شده، ساختگی اند! ایشان یک مجتهد و محقق نام دار جهان اسلام اند. مشکل شما هم همان گرفتاری معمول حاضران در این مباحث جدید است. هنوز نتوانسته اید تکلیف خود را با ماجرای پوریم معلوم کنید.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 12:53

با سلام
وروجک خان مشکل همین دستکاری هاست!!
راستی از آقای نجار چه خبر؟! 

نویسنده: R134a

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 13:28

خیلی باحاله، توی یکی از تعبیر خواب موبایلی از حضرت یوسف و دانیال و ابن سیرین سوسیس و کالباس هم دیده میشد!

نویسنده: sayeh

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 14:32

ba salam
dar digar sarzaminha pas az kashfe an manategh sorat ostad aya barkhorde moshrekin ba islam nofoz karde sorat ertebati beyne moshrekin arabestan ba digar jaha vojod nadasht ta in kar zodtar gerefte ast.yani hichgone girad

نویسنده: نتاب

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 15:59

آقای منصور، با سلام،
من حق ندارم جواب بدهم، ولی بدانید که با کنار گذاشتن تمامی تاریخ موجود اسلام، آن دین ناقص نمی‌شود، پس چرا آن را کنار نگذارم مادامی که قابل اثبات نیست و تنها مایه‌ی آشفتگی است؟

نویسنده: وروجک

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 17:34

آقای پور پیرار من چگونه نماز بخونم؟
آیا گفته یکی از دوستام که گفته به هر زبونی که دوست داشتی . هر جا خواستی با هر لحنی که راحتی با خدا حرف بزن درسته؟
چگونه شیوه نماز خواندن زمان پیامبر را بفهمیم. در قرآن چگونه آمده و معنی آیاتی که ما را به تبعیت از خدا و سپس رسول دعوت میکند چیست
خوانم ایلماز آقای نجار هم مثل همیشه سر حاله و سلام داره خدمتتون

آقای وروجک. همان طور که تا به حال می خواندی، البته اگر خوانده باشی.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 18:43

با سلام
وروجک خان شرمنده!من آقا هستم!!
هر چند فکر نکنم نجارخان این چیزا تو کتش بره!
در ضمن این ترفند ها دیگه قدیمی شده!!
احیانا دوستت در همین اواخر سفر مشکوکی نداشته؟!!

نویسنده: وروجک

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 19:47

آقای پور پیرار من نماز میخوانم ولی اگر ازم بپرسند شیوه نماز خوندنتو از کجا گرفتی مجبورم کتابای حدیث رو معرفی کنم که اصلا دوست ندارم این کار را بکنم

من تا حالا از روی کتاب آقای البانی نماز میخواندم که شیوه نماز رو از کتابای حدیث جمع آوری کرده
ولی اگه همه این کتابا جدیدا نوشته شده اند تکلیف من چیست
منظور من فقط طرح سوال و رسیدن به حقیقته و جدا هم برام مهمه. دوستان فکر نکنند که من قصدم شلوغ کردن و وروجک بازیه

نویسنده: رامین.ص

یکشنبه 29 آذر1388 ساعت: 20:30

با سلام به استاد: تا چه ميزان بايد مطمين بود كه اقاي ويليام بلو و نقشه هاي جغرافيايي ايشان جعلي و تقلبي نيست.با تشكر فراوان.

آقای رامین. تشکیک نیازمند قرینه و ادله و برخورد انتقادی و استدلالی است. بهتان که نمی توان رد.

نویسنده: ?

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 1:45

مدرس‌زاده شرح 45 غزل سعدي را منتشر مي‌كند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809290628

به قلم مهري رحماني؛
«انسان‌شناسي مولانا از ديدگاه روانشناسي روز» منتشر مي‌شود
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809290415

احمدی نژاددرتیم فوتبال علم و صنعت/عکس (عجب صورت صافی)
http://parcham.ir/vdci.pa5ct1a3zbc2t.html

نقل مکان میرحسین موسوی به دفتر جدید
http://parcham.ir/vdch.qnkt23n6qftd2.html

كاركنان موزه ملي سنگاپور تابوت موميايي نخت – ايست آرو مصري را براي يك نمايشگاه در اين موزه آماده مي‌كنند.
http://www.jamejamonline.ir/Media/images/1388/09/27/L00925601935.jpg

توصیه رهبر معظم انقلاب برای تدفین شایسته آیت‌الله منتظری
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=20059

بمب‌هاي سمي عربستان بر سر مردم يمن
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78057

نویسنده: ?

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 1:58

گزارش تصویری/ تسلیت مراجع و علما به بیت مرحوم آیت الله منتظری (راستی استاد نظر شما در مورد منتظری چیه؟)
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1003848

عکس: کهنسال‌ترین موجود زنده در ایران
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=94389

موزه محرم
http://chtn.ir/WebForms/Fa/Photo/PhotoInfo.aspx?ID=145

بازدید توریست ها از مناره تاریخی حلزونی شکل در شهر سامرا در 125 کیلومتری شمال بغداد. این بنا که گلدسته " الملویه " نام دارد یکی از آثار باستانی است که در اصل گلدسته مسجد جامعی است که در سال 237 هجری بنا شده است
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/9/29/123559_951.jpg

نویسنده: ?

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 3:26

عکس پایین رضا برجی مستند ساز خوب کشورمان در حال مصاحبه با سرکار خانم پری صابری در مقبره مولانا (به ستاره های داوود توجه شود)
http://www.babakpix.com/files/blog/_MG_7444_copy.jpg

عکس مقبره مولانا
http://www.babakpix.com/files/blog/_MG_7371_copy.jpg

دین سبز به مرحله تبلیغ رسید
(نماد "صهيونيستي" روي طرح هاي سبزهاي اموي)
http://naghde-dr.blogfa.com/post-268.aspx

آقای ؟ عجب است که خدمت می رسیم و عجب تر این که نقوش درهم جوش مملو از ستاره ی داود در مقبره ی مولانای دروغین، عینا همان است که در نرده ها و مشبک های بناهای مغولی در هند آورده اند!

ضمنا صدور شناس نامه ی چهار هزار ساله برای آن سرو امام زاده سازی است.

دنبال حرف های حافظ و سعدی و مولانا رفتن مقدم بر کشف شیراز و قونیه ی قدیم، همان نواختن سرنا از سر گشاد آن است.

نویسنده: عباس

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 3:48

آقای پورپیرار آن پیر مرد هندی. که آن خانم جوان را بالای کتف خود گذاشته. درزیر آن عکس به زبان انگلیسی نوشته بودن که این خانم زن ایشان می باشد.این هم یک دروغ بزرگ دیگر. شما اگر تمام عکسهای آن زمان در هند را نگاه کنید هیچ وقت یک انسان بومی را پیدا نخواهید کرد که عینکهای دودی به چشم زده باشند

آقای عباس. آن زیر عکس را دیدم. گمان نمی کنم زنان هندی هنوز هم بند کیف شان را روی دوش بیاندازند. وانگهی در جامعه ی فوق مرد سالار و سنتی هند که زنان پس از سیر شدن مردشان، از سفره غذا بر می دارند و تا همین اواخر خود را با جنازه ی شوهر می سوزاندند، معمول نبوده است که مردی زن سالم خوش دک و پوزش اش را بر دوش ببرد. ندیده ام که چنین چیزی در تصاویر مهاجرت ها حتی شامل پیر زنان علیل هم شده باشد.

نویسنده: منصور

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 7:39

باسلام خدمت استاد پورپیرار
در دوشنبه 15 خرداد1385در پاسخ به جلالي در مجموعه پاسخ به سوالات 9 نوشته ايد: بسياري از پيامبران، مثلا لوط و هود و صالح و حتي نوح براي تبليغ يكتا پرستي مامور نبوده اند. در حاليكه در قرآن در جاهاي مختلف خلاف چنين چيزي بيان شده مثلا" درباره هود داريم« وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ مُفْتَرُونَ ﴿سوره هود آيه 50﴾ » يادر باره نوح «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾أَن لاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ اللّهَ إِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ همان سوره» و يا درمورد صالح « وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾همان سوره» يا در مورد لوط« ...قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلاء بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿٧٨﴾ همان سوره».
در اين مورد توضيح دهيد.

آقای منصور. پیامبران مامور به هدایت قوم، فاقد کتاب اند و دین و دعوت جهانی به یکتا پرستی نیاورده اند. مثلا دین نوح و لوط و هود و غیره نداریم. چنان که در آیات فوق خطاب ها منحصر به قوم است، نه انسان.

نویسنده: عباس

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 8:20

استاد. دلیلی که سوال اول را در بارۀ یمن از شما کردم این بود که .برادران سعودی می گفتن که عربها واقعی همان قبایل یمنی هستن

آقای عباس. مطلب تان چندان واضح نیست.

نویسنده: عباس

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 9:13

استاد.منظورمن از سوالی که کردم این بود.آیا یمن در زمان پغمبر جزعی از جزیری عربی بوده

نویسنده: ایرانی

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 11:37

گاهی برادران شیعه وهابیا رو متهم میکنند که دارند شیعیان یمن رو قتل عام میکنند اصلا شیعه همیشه مظلوم بوده و این وهابیا همیشه به خونشون تشنه
اما نمیدونم چرا توجه نمیکنند که دولت یمن هم مثل خودشون شیعه است و هیچ ربطی به وهابیا نداره تازه دولت سعودی هم وهابی نیست
ولی مثل اینکه دست بردار نیستند و مراجع هر چی بگن اینا هم تکرار میکنند
استاد نظر شما در مورد یمن چیست

نویسنده: حاجی زاده

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 11:39

سلام
آقای وروجک (!؟)
قرآن هیچ ترتیب و تعداد رکعات خاص برای نماز تعیین نکرده است، زیرا نماز را باید در کمال آرامش و بدون تنش و به قصد قربت خواند و تعیین آداب، چنان که غالبا رخ می دهد، موجب اغتشاش و مشغولیت خیال و ایجاد انواع شکیات و شبهات در ذهن نماز گزار می شود. ترتیبات و مقررات موجود که مبنا و مبدا آن را نیز نمی دانیم، و مقرر کردن انواع مبطلات، موجب پیچیدگی و سنگینی کسالت بار، و این عبادت مشتاقانه و عاشقانه را تبدیل به ادای فریضه و باعث سلب رغبت و علاقه به انجام آن در میان گروهی از جوانان و مسلمانان شده است، مگر می توان در عین مراقبت بر درست ادا کردن آداب ظاهری، حضور قلبی داشت که طبق فتاوای شرط قبولی نماز است!!؟

فریبا خانم. تا صعود به کرسی نواندیشی در شرایع و آداب و شرعیات اسلامی فاصله چندانی ندارید. بدون تعارف عرض شد.

نویسنده: ?

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 15:13

دو عکس از منتظری پس از مرگ
http://www.life.com/image/94930468
http://www.life.com/image/94930466

قبر داریوش اول، داریوش دوم و اردشیر حک شده بر روی دیواره های بیرون از پرسپولیس
http://images.google.com/hosted/life/l?q=%D8%AA%D8%AE%D8%AA+%D8%AC%D9%85%D8%B4%DB%8C&%D8%AF+source:life
prev=/images%3Fq%3D%25D8%25AA%25D8%25AE%25D8%25AA%2B%25D8%25AC%25D9%2585%25D8%25B4%25DB%258C%25D8%25AF%2Bsource:life%26gbv%3D2%26ndsp%3D20%26hl%3Den%26sa%3DN%26imgurl=0a788c14c9db7737&start%3D20

قبر داریوش امپراطوری ایرانی بیرون از شهر باستانی پرسپولیس
&c144http://images.google.com/hosted/life/l?imgurl=af79b11ec0e9
&q=%D8%AA%D8%AE%D8%AA%20%D8%AC%D9%85%D8%B4%DB%8C%D8%AF%20source:life
prev=/images%3Fq%3D%25D8%25AA%25D8%25AE%25D8%25AA%2B%25D8%25AC%25D9%2585%25D8%25B4%25DB%258C%25D8%25AF%2Bsource:life%26gbv%3D2%26ndsp%3D20%26hl%3Den%26sa%3DN%26start%3D20

قبر اردشیر دوم بیرون از پرسپولیس در کنار تپه رحمت
&http://images.google.com/hosted/life/l?imgurl=9eeac73af60a8a1b
&q=%D8%AA%D8%AE%D8%AA%20%D8%AC%D9%85%D8%B4%DB%8C%D8%AF%20source:life
prev=/images%3Fq%3D%25D8%25AA%25D8%25AE%25D8%25AA%2B%25D8%25AC%25D9%2585%25D8%25B4%25DB%258C%25D8%25AF%2Bsource:life%26gbv%3D2%26ndsp%3D20%26hl%3Den%26sa%3DN%26

start%3D20

یک نمای کلی از اصفهان از پشت یک کلیسا بلند (راستی به ستاره های داوود دقت کنید)
&q=isfahan%20source:life&http://images.google.com/hosted/life/l?imgurl=832b98fab63ce41c
prev=/images%3Fq%3Disfahan%2Bsource:life%26hl%3Den%26sa%3DX

نویسنده: بی نام

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 18:24

سلام به استاد عزیز ودوستان

آقایا خانمی که با نام "بی نام" در جمعه 27 آذر1388 ساعت: 6:5 وهمین امروز کامنت گذارده اید لطف بفرمایید ونام خودتان را عوض کنید.هر چند در یک هفته اخیر ذر پی یک بیماری تن به عمل جراحی داده ام واکنون دوره نقاهت را می گذارنم ولی هنوز زنده ام وحتی اگر غزل خدا حافظی را می خواندم تا قبل از قرائت وصیت نامه حق استفاده از نام بنده را ندارید.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 19:5

جناب عباس سلام علیکم
بنده بی نام اصلی هستم برادر به هر انشایی وباهر لحنی با زبان یدیش یهودمنتصب به ولیدالیهودان می توانیددر چهار چوب عرف جاری از استاد سوال کنید.من نمی دانم کی بوده که فکر کرده بنده از مجموعه بریده ام وتصرف در نام بنده نموده.خواب دیده انشا الله خیر باشد.

نویسنده: ایمان مشهدی

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 19:58

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809300995
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809291175
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809280650
http://chtn.ir/WebForms/Fa/News/NewsInfo.aspx?ID=40826

آقای ایمان. همشهری شما و امثال او، هرچند زیر لبی، خجالتی و اندک اندک، چاره دیگری جز تمکین به حقیقت ندارند. درباره ی ثقل اصغر خواندن قرآن هم باید به رییس جمهور مکتبی تبریک گفت. کاش لااقل آن قدر سواد داشتند که ثقل را صقل ننویسند! در مورد آن زیارت نامه که منبع صریح ایجاد اختلاف بین مسلمانان است، گفته اند که علامه عسکری در نشستی به ترکیه، خواندن آن را نشانه ی کفر گفته بودند.

نویسنده: سایه

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 20:0

با سلام
استاد آیا جناب منتظری که اینک فوت ایشان دست آویز سرو صداهای بسیاری شده از یافته های بنیانی شما خبر دار بوده اند؟!جالب است که یهودی با تلفن زدن به یکی از کانالهای ماهواره ای از ایشان بسیار تمجید کرده اند!
سئوال دیگر بنده هم در رابطه با آشنایی سران کنیسه و کلیسا به نفوذ اسلام در نقاط مختلف جهان می باشد که آیا این آشنایی پس از پیمودن قاره ها صورت پذیرفته یا به زمان پیامبر هم می رسیده ولی جنایت های شان را پس از رونق ابزارهای جنایت شروع کرده اند؟!اگر امکان دارد راهنمایی کوتاهی فرمایید
با تشکر

آقای سایه. آشنایی کنیسه و کلیسا با اسلام دو مرحله ی تاریخی دارد یکی در مبدا پیدایش آن در زمان پیامبر و یکی هم با پیشرفت و گستره و حوزه ی نفوذ آن پس از اکتشافات جغرافیایی اخیر. در باب سئوال اول هم اطلاع موثقی ندارم.

نویسنده: سایه

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 20:54

با سلام
خانم حاجی زاده امکان دارد ایمیل خود را در اختیار بنده قرار دهید؟!

نویسنده: ج

دوشنبه 30 آذر1388 ساعت: 23:53

وفات آیت الله العظمی منتظری بر مومنان تسلیت باد..

نویسنده: عباس

سه شنبه 1 دی1388 ساعت: 3:39

آقای پورپیرار اگر آقای بی نام اصلی واقعیت را می گوید پس ممکن است آن شخص آنوسی که به من زنگ زده بود. همان آقای بی نام قلابی باشد.تنها چیزی که به یادم می آید از آن مکالمه این است .به من می گفت که آذری می باشد صدای خیلی کلفت دا شت وبه نظر من عمر ایشان از پنجاه به با لا می باشد

نویسنده: سعید

سه شنبه 1 دی1388 ساعت: 15:33

سلام به دوستان و استاد عزیز
خانم حاجی زاده عزیز در سایت توحید به این نتیجه رسیدیم که رجم به معنی دور کردنه مانند شیطان رجیم که دور از رحمت خداونده
یه جایی شنیدم که پسری که برای بار اول زنا کرده پس از 100 ضربه شلاق اونو یک سال تبعید میکنند. نظر شما چیست...
شاید سنگ پرتاب کردن هم از همان منظور یعنی بیرون کردن زانی از شهر باشد و نه در چاه کردن و سنگ زدن تا حد مرگ
در مناسک حج هم رجم شیطان داریم ولی نه شیطان کشته میشه و نه داخل گوداله!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر | بازنويسي

ایران شناسی 243

ایران شناسی بدون دروغ 243، نتیجه 51، حقه بازی ها در هند، 20 - 77 نظر

نویسنده: ایلماز

جمعه 4 دی1388 ساعت: 19:25

با سلام
استاد مثل همیشه جذاب و کوبنده و البته روسیاه کننده!
استاد ببینید چه رفاقتی بین مذاهب موج می زند!!
/http://forum.ngoic.ir

نویسنده: عباس

شنبه 5 دی1388 ساعت: 1:11

آقای پورپیرار چرا این نوشتها در بارۀ کمپانی هند شرقی، را به صورت یک کتاب.و با ترجمه به زبان انگلیسی .فرانسوی.عربی. در نمی آورید.که مردم دنیا بدانند انگیسی ها ویهودیها .چه جنا یاتی در هند به این مردم کردن.

پست الکترونیک

نویسنده: sadegh

شنبه 5 دی1388 ساعت: 2:44

با سلام خدمت استاد گرانقدر و تمامی دوستداران حق وصبر
استاد گرامی همچو همیشه بی نظیر بی بدیل بود . آدم هزار بار هم که این مطالب بی بدیل شما رو مطالعه کند باز هم زیبا و دلنشین و منقلب کننده هستند بسیار لذتبخش و دلنشین بود . چه فاصله درازیست میان دانستن و ندانستن . شما را بیکران سپاس که بی هیچ منت و اجری این همه حقایق را بر ما آشکار میکنید . بی بضاعتی بیش نیستیم و تهی دست لکن شما را با تمام خلوص و صداقت دعا میکنیم که عمری دراز و پر عزت داشته و اجری عظیم و منزلتی رفیع ارزانیتان شود . خداوند حامی و حافظتان باد

پست الکترونیک

نویسنده: یه دانشجوی دیگه

شنبه 5 دی1388 ساعت: 7:5

اقای عباس: جنابعالی که در دانشگاه ونکوور مدرک دکترا می گیرید چرا آستین ها را بالا نزده و نوشته های استاد را به زبان انگلیسی ترجمه و حد اقل در سطح کانادا منتشر نمی کنید.؟

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 10:11

جناب استاد پورپیرار
با سلام
اگر عمق نفوذ فرهنگ مهاجرین به ایران را طبق نظر شما بگیریم در مورد نواحي مرکزي چه مي توان گفت؟مثلا" در ناحیه گز اصفهان به زباني حرف مي زنند که بسیار با زبان فارسي متفاوت است و اصلا قابل فهم نیست و عجیب است که در مرکز ایران چنین چیزي وجود دارد.
یک سوال هم قبلا کرده بودم که از توجه جنابعالی دور مانده و آن اینکه:
یکشنبه 84/7/10 در پاسخ به آقاي حلاج فرموده اید که 19 سطر نخست گل نبشته کورش را از تورات گرفته اند و بقیه آن جعل جدید است.با این حساب کل آن جعلي مي شود و پس از مرگ کورش نوشته شده است. آیا من توان نتیجه گرفت که کل آن جعلی است؟ فرموده بودید بخش دوم این گلنبشته که از زبان سوم شخص می باشد. آیا تصمیمی برای بررسی آن ندارید؟

آقای منصور. درباره ی مشخصات عمومی مربع بزرگ مرکزی در ایران در همان یادداشت شماره ی 1 به میزان کافی مطلب آورده ام. در باب شرحی بر قسمت دوم گل نبشته ی کورش هم انشا' الله به زودی. محرز و مسلم این که مجموعه ی این استوانه قلابی و دست ساخت سده ی اخیر است.

نویسنده: آمون

شنبه 5 دی1388 ساعت: 8:32

سلام
آمون به روز شد، خبرنامه اعضا ارسال شد، نظرسنجی تمام شد، نتیجه اطلاع داده شد به استاد.
amun.blogfa.com

نویسنده: !!؟

شنبه 5 دی1388 ساعت: 9:41

از آدرس http://forum.ngoic.ir

" ایام سوگواری آل الله تسلیت باد " (!!؟)

"لم یلد ولم یولد"

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 17:44

با سلام مجدد خدمت استاد گرانقدر و دوستان هم پیمان
دوستان عزیز نهضتی که استاد عزیز جناب پورپیرار ایجاد کرده و نوری که در جهت بیداری افکار دست و پا بسته در کتابهای به اصطلاح دینی تابانده است آنقدر عظیم است که گویی یک بار دیگر اسلام از نو ارائه شده است. طوفانی که تمام گرد و خاک

کتابهای یهود ساخته را از ساحت پر فروغ قرآن شریف زدوده است.
دوستان! استاد پورپیرار به ما یاد دادند که محور وحدت و ثقل رستگاری نه تنها برای ما مسلمانان که برای تمام جهانیان قرآن است و هر چه از این نقطه دور شویم و به کتابهای غیر قرآنی متوسل شویم به همان اندازه به مطلوب یهود نزدیک شده ایم. تاکنون چنان دست و پای ما را با این همه کتاب حدیث بسته بودند که برداشتن حتی یک قدم برای رسیدن و به وحدت برای مسلمین ممکن نبود. حال که خداوند بر ما منت گذاشته و این نور بیداری را بر ما تابانده است باید دست به دو کار اساسی شویم.
اول : چنانچه شیادان کلیسا و کنیسه تا کنون قرآن ما را بهتر از خودمان فهمیده و آن را تا حد ممکن در جهت امیال خود برای ما معنی و تفسیر کرده اند و هم باید کتابهای آنان یعنی تورات انجیل و تلمود را به خوبی مطالعه کنیم. این کار برای ما لازم است زیرا پی بردن به ماهیت یهود ساختگی انواع کتابهای شیعه و سنی تنها با مقایسه آنها با کتابهای کلیسا و کنیسه امکان پذیر است.
دوم : آنکه زبان عربی را به خوبی یاد بگیریم تا بتوانیم قرآن عزیزمان را بهتر بفهمیم و بدون مراجعه به کتابهای دیگر از جمله کتابهای دشمنان آن را مورد استفاده قرار دهیم. برای این کار لازم است که فرهنگهای ممتاز و معتبر لغت عربی را شناسایی و به دوستان خود معرفی کنیم و بنده در اینجا از تمام دوستانی که در این زمینه استعداد و استطاعتی دارند مشتاقانه تقاضای کمک دارم.
درست است که استاد عزیز ما اساس این کتابهای یهود ساخته را بر باد داده اند و ریشه های آنها از گل متعفن جعل بیرون افتاده است اما همانگونه که خود فرموده اند مدخلهای ایشان هر کدام قابلیت تبدیل به کتابهای تحقیقی قطوری دارند که همت دوستان را می طلبد .

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 17:45

بعنوان مثال دوستی مرتب برای بنده از ابراز فضل های آقای جوادی آملی ایمیل می کرد که در آن مرتب از کتاب اصول کافی نقل کرده بود که یکی از ارکان فقه شیعه است. بنده یکبار سراغ این کتاب رفتم و اولین حدیث آن را خواندم چنین بود:
"خداوند وقتی که عقل را آفرید به او گفت برو او هم رفت سپس گفت بیا او هم آمد آنگاه خداوند گفت به عزت و جلالم قسم که موجودی محبوبتر از تو نیافریدم و اکنون تو به طور کامل تنها به کسانی می دهم که دوستشان دارم و حساب و کتاب افراد را هم از تو می خواهم."
دیگر خود قضاوت کنید که چه نتایجی می توان از این حدیث گرفت.
در واقع اگر استاد موافق باشند بگویم که ریسمان هدایت دوسر بیشتر ندارد که یک سر آن قرآن و سر دیگر تورات و انجیل است و تمام دیگر کتابها هم در این میان قرار دارند که لازم است از درون هر کدام به جنگ محتوایشان برویم. در این کتابها چون نمی توانسته اند آب را به جای شیر به ما قالب کنند به هرکدام مقداری شیر وارد کرده اند.
پیروز باشید.

آقای منصور. مدت هاست ریسمان هدایت فقط قرآن است، زیرا تورات و انجیل های موجود گواهی آسمانی ندارند و مجعول اند. با این همه درست می گویید که باید خوانده شوند زیرا کتاب های منضم به تورات، یعنی دنباله های اسفار خمسه، مانند کتاب ارمیا و اشعیا, و استر و دانیال و غیره، که ادعای نزول آسمانی ندارند، حاوی مطالب تاریخی قابل توجه اند.

نویسنده: فتح

شنبه 5 دی1388 ساعت: 18:22

با اجازه از استاد
آقای منصور شهر های گز ،خورزوق،میمه و دلیجان که 2 تای اولی تا 16 یا 17 سال پیش روستا بودند زبانشان بسیار نزدیک به کلیمی ها است (یا به گفته خودشان جودی) به عبارتی یدیش یهودی من که سالها با مردم گز و خورزوق آشنایی داشتم ودر پرس و جوهای متعدد از اصل و نصب آنها جویا شدم، بدون استثنا همه بزرگان و مطلعین خود را مردمی از بین النهرین معرفی می کردند.(پیش از آنکه موج آریایی یا پارسی گری پس از انقلاب در ایران اوج بگیرد) اما منابع ایرانشناسی آنها را آریایی و پارسی و زبانشان را بازمانده از پارسیان معرفی کرده است.دقیقا مانند لرها و کردها که بزرگان آنها اغلب خود را مهاجر معرفی می کردند و منابع ایرانشناسی هویت و زبان آنها را باز مانده از آریائی هایا پارسی ها ویا مادها معرفی کرده است مثلا با یک مراجعه ساده به تمام کتابهای تاریخ لر یا بختیاری از جمله سردار اسعد یا ضرغام خان یا اسکندرخان عکاشه و.... همه لرها را مهاجر معرفی می کنند اما جوانان آنها همه خود را باز مانده از پارسها (بدون آزمایش دی ان ای کورش؟!) البته من بین سالهای 64 تا 74 شمسی در منطقه برخوار(منطقه گز) و میمه بودم و از همه روستا ها از دولت آباد گرفته تا سین وگز و تا مورچه خورد و میمه و ونداده و زیاد آباد و.... همه دیدن کردم و با مردم و پیرمردان صحبت کردم.

آقای فتح. اگر از لاک قوم گرایی به در آیند و تعصب کور و کرشان نکرده باشد، به هر سو که نگاه کنند و هر مطلبی را اساس قرار دهند به روشنی و سادگی معلوم می کند که در ایران 300 سال پیش، هنوز تجمع هیچ یک از اقوام کنونی صورت نبسته بود. امیدوارم به زودی تصاویری را ببینید و مطالبی را بخوانید که رد این حقیقت محض را ناممکن می کند.

نویسنده: کاظم

شنبه 5 دی1388 ساعت: 19:58

سلام استاد
مجموعه 7 جلدی ایران شناسی بدون دروغ که2 ماه پیش فرمودید در بزودی آماده میشود, آماده شد؟ بیصبرانه منتظریم.خوندن مقالات شما از روی منیتور سخته,تا شماره 125 را پرینت گرفتم و خوندم. بقیه را پرینت نگرفم تا مجموعه هفت جلدی شما آماده بشه.با تشکر

آقای کاظم. در صورت بقای عمر، به خواست خدا و به زودی هر 15 روز یک مجلد آن آماده می شود.

نویسنده: عباس

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 3:40

استاد. دربرنامه های تلویزیونی ایرانی خارج از ایران صحبت های زیادی در بارۀ یاسرعرفات ودخالت او در انقلاب ایران و استفاده از چریکهای فلسطینی درحمله به مراکز دولتی.نظر شما در بارۀ این موضوع چی.

پست الکترونیک

نویسنده: فتح

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 4:5

این مطلب هم هرند تاریخ آن قدیمی است اما در ارتباط با روز عاشورا خواندن دارد.
گزارشی از عزاداری اهل سنت، ارامنه و زرتشتیان ایران
http://sharifnews.ir/?3426

نویسنده: reza

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 9:39

حقیقت سینه زنی و روضه خوانی از نظر آیت الله العظمی برقعي قمي

خرافات سینه زنی و روضه خوانی و لزوم تحقیق در امور دینی و عدم تقلید / آیت الله برقعی برقعی، علامه ای مظلوم

http://www.islamtape.com/video/borqaee-seeneh-zani.flv

نویسنده: کاظم

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 12:40

سلام مجدد استاد
امیدوارم به محض آماده شدن هر مجلد از ایران شناسی بدون دروغ از همین سایت اطلاع رسانی کنید تا به نحو مقتضی تهیه کنیم. البته قبل از تمام شدن یا جلوگیری از انتشار آن!!!

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 12:2

سلام
آقای خلیل
مطابق نص صریح و موکد قرآن، نذر و احسانی که برای غیر خدا ونیت غیر الهی باشد حرام است.

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 15:41

آقا یا خانم ستاره
بازهم سلام

با وجودی که در مطلب قبلی برای شما پاسخ گذاشتم اما برای اینکه در حق شما کوتاهی نکرده باشم بار دیگر به نقشه های منطقه مراجعه کردم. نام دریایی که در ایران به عنوان خزر می شناسیم در تمامی نقشه های قدیمی با نام دریای باکو ، دریای هیرکانی و بیشتر از همه و تاکنون دریای کاسپین (به عربی قزوین) ذکر شده که هیچ کدام نام قوم یا ملت معینی نیستند. تنها در ایران - به دلایلی که ما نمی دانیم و احتمالا استاد پورپیرار اطلاع داشته باشند- به این دریا نام خزر نهاده اند.
اگر ممکن است نام دریا و یا خلیج دیگری را مثال بزنید تا رفع ابهام شود.

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: منصور

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 21:9

استاد گرامی سلام
منظور بنده هم دقیقا" همان نظر جنابعالی است. و اینکه سر قرآن این ریسمان روشنایی مطلق و سر تورات آن ظلمت و ضلالت مطلق است.طبق روشنگریهای جنابعالی شکست خوردگان از قرآن برای تعدیل این تضاد شدید دو اقدام انجام دادند:
اول آنکه قرآن ما را با تفاسیر خود به آموزه های تورات ملوث کرده اند.
دوم آنکه بین قرآن و تورات کتابهایی حاوی معجونی از هر دو قرار داده اند.
به نظرم جایی فرموده بودید که اگر ذره ای حقیقت هم در کتاب تورات باشد از سر ناچاری به خاطر روشنگری قرآن شریف بوده است.
به هر حال سردرگمی مسلمانان و گمراهی آنان ناشی از این معجون حق و باطل مطلوب یهود بوده است. که باز هم طبق افشاگریهای حضرتعالی در رسیدن به آن از هیچ جنایتی در زمینه تاریخ و فرهنگ بشر کوتاهی نکرده اند.
جهت استحضار دوستان عزیز عرض کنم که با مراجعه به ویکی پدیا می بینید که همان آقای کلینی نویسنده اصول کافی در قرن سوم در شهر ری می زیسته و 5 تن از عمده ترین روات او اهل قم هستند و یکی هم اهل نیشابور. خود می توانید قضاوت کنید.
دو سوال هم از خدمت استاد دارم:
1)در جايي در پاسخ به آقاي صدر الديني در تاريخ 17 مهر 86 فرموده ايد كه زبان فارسي ريشه هندي دارد. آيا در اين مورد توضیح بیشتر یا مدخلی مستقل وجود دارد؟
2)تقاضا دارم نقدي را كه بر فيلم مجيد مجيدي نوشته ايد روي سايت بگذاريد.
با تشكر

نویسنده: الکی خوش

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 4:21

دوستان عزیز

من الان در ایران نیستم و از نزدیک نمی تونم شاهد حوادث جدید باشم (درگیری های عاشورا). تنها منابع اطلاعاتی من بی بی سی و رادیو فردا و رجانیوز و ... است که به هیچ کدوم نمی شه اعتماد کرد. خواستم بدونم داره چه اتفاقی واقعا می افته؟ درگیری ها چقد وسیع بودن؟

می دونم که این کاملا یه مسیله روزمره است ولی فکر می کنم جمهوری اسلامی (با وجود تمام مشکلاتش) ارزش نگران بودن رو داشته باشه.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 4:36

آقای الکی خوش. این را می گویند گردش وارونه ی چرخ روزگار، که خبرهای درست را باید از ایران به شما رساند. در این جا هم برادر قضیه به همان ترتیب است. باید مستقیما شاهد قضایا بود که امثال مرا به سبب کهولت راه نمی دهند وگرنه به نمایشات و نقل های رسانه ها اعتمادی نیست.

آقای منصور. از یادداشت 208 تا 218 مربوط به ارتباط میان زبان فارسی و سرزمین هند است. متاسفانه از دو سه نقدی هم که بر فیلم های فارسی نوشته ام آرشیو ندارم. شاید دوستان و دشمنان با خبرتر باشند.

آقای ایلماز. به یقین تاریخ معاصر ایران در حال ورق خوردن است.

آقایreza. از توجهات شما ممنونم. در کانادا جمعی از نزدیکانم ساکن اند و معمولا این گونه حوائج مرا رفع می کنند. سعی کنید مستندها را به ایرانیان و یا مراکز رسانه ای آن ها برسانید. باز هم سپاس گذار.

نویسنده: سعید

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 10:24

باسلام و خدا قوت خدمت استاد بزرگوار
یکی از دوستان در مورد اصول کافی مطلبی نوشته بودند که مناسب دیدم لینک زیر را برای آشنایی با نسخ خطی این کتاب کاملا مستند !!! بگذارم
http://www.ical.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=377:---1100----l-r&catid=1:2009-07-13-14-24-25
چنان که ملاحظه میکنید قدیمیترین نسخه این کتاب متعلق به قرن هفتم؟!! است که متاسفانه تاریخ نگارشش را موش یا موریانه خورده؟؟!!
که اگر خودمان را به کوچه علی چپ زده و قبول هم بکنیم با تاریخ نگارش 4 قرنی اختلاف داره ؟!
نسخ تاریخ دار این کتاب ارزشمند متعلق به همان تاریخی است که انتظار میرود و تاییدیه آن کتاب هم متعلق به شخصی است که ید بیضایی در تولید حدیث و روایت دارد 110 جلد کتاب بهار الانوار شوخی نیست که تازه این یکی از صد کتاب این علامه فرزانه است یهوه روح او را قرین رحمت کند

پست الکترونیک

نویسنده: ?

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 11:30

ساخت اولین کشتی عمودی تاریخ(عکس)
http://www.konjkav.com/index.php?option=com_content&task=view&id=2621&Itemid=107

بازداشت رئیس مجمع مدرسین حوزه علمیه قم
http://www.armaniran.com/fa/pages/?cid=2733

قرآن در آتش فتنه‌گران سوخت
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810060264

تیغ و زنجیر بر پیکر شیعه ! (عکس)
http://peymane.ir/fa/pages/?cid=8537

عکس:خواهر زاده میرحسین موسوی
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78896

تصاویر بعد از حوادث روز گذشته تهران
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78869

کربلا از روزگاران کهن تا امروز
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=94969

15 میلیارد دلار پول ایرانی ها در جیب اعراب اماراتی و بانکداران خارجی
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95174

صورة بردة النبي صلى الله عليه وأله وسلم
http://gareebtouse.com/vb/showthread.php?p=58464

صوره نادره جدا لقبر الرسول صلى الله عليه وسلم بالمدينه
http://www.new7ob.com/vb/pro78402.htm

امارات برای سه ماه آذوقه جمع می کند!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95169

تصویر کودکی پسران رهبر انقلاب
http://peymane.ir/files/fa/news/1388/9/12/7988_653.jpg

/گزارش تصويري/
مراسم سنتي بيل زني و نخل گرداني در روز عاشورا - خوسف بيرجند
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1462924

فائزه هاشمي روز عاشورا هم به اغتشاشگران پيوست
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810070002

آقای ؟. بسیار عالی بود و ممنون. آن عکس های کربلا نمی تواند خیلی قدیم باشد چرا که عکس اند و در عراق عمر بیش از 100 سال ندارند.

نویسنده: ستاره

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 13:51

جناب آقای سنجری. درست است که دریاچه شمال ایران در طول تاریخ اسامی متعددی داشته و بعضا دارد، ولی با این حال یکی از اسامی تاریخی آن که از قضا در ایران هنوز به کار می رود، دریای خزر است که از نام ترکان یهودی خزر گرفته شده است و این موضوع بسیار بدیهی است. ضمنا نام کاسپین یا قزوین و نام خزر جزو قدیمیترین نامهای این دریا هستند.

نویسنده: رامین.ص

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 15:41

با سلام به استاد:1-چرا بر روی پاپیروسهای کشف شده قران کتابت نشده است؟زیرا که زبان مردم مصر در ابتدای اسلام عربی نبوده و لازم بوده برای یادگیری قران تلاش زیادی کنندو برای حفظ ان کتابت کنند؟2-در مورد مقایسه سکه های خلیفه بنی عباس و کتابت قران هم زمان با ان سکه ها در کتاب پاپیروسها که خط روی سکه ها بسیار ابتدایی است و کتابت بسیار پخته شده انجام شده احتمال دارد صنعت سکه سازی ضعیف بوده یا سکه ها جعلی باشند.3-اسم انتوین سوروگین به انگلیسی لطفا بنویسید تا از اینترنت جستجو کنیم.با تشکر فراوان.

آقای رامین. نام لاتین سوروگین Antoin Sevruguin
در مورد بقیه سئوالات هم به بهانه گیری شبیه اند.

نویسنده: ?

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 20:10

مقبره فردوسی سال 1313
http://blogfars.com/fotofiles/1/65037.jpg

نذر برای رفتن دختر بن‌لادن از ایران
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78994

ورود نمادین کاروان امام حسین(ع) به کربلا در خميني شهر اصفهان (ستاره داوودی که بر پیشانی بند شخص قرار دارد)
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M588425.jpg

بيانيه وقيحانه كروبی درباره هتك حرمت عاشورا
http://irdc.ir/fa/content/8459/default.aspx

انگشت بریده شده گالیله/عکس
http://parcham.ir/vdci.5awct1apwbc2t.html

اكران فيلم" آوارگي پهلوي‌ها"
http://parcham.ir/vdcf.0dtiw6dmjgiaw.html

تصویری: این چهره ها در بم زندگی می کنند
http://www.alborznews.net/pages/?cid=13595

قمه زنی عده ای از شیعیان عراقی در بصره در روز عاشورا. بسیاری از مراجع تقلید شیعه اقدام خرافی قمه زنی را موجب وهن اسلام و تشیع می دانند
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/10/7/124005_619.jpg

گزارش تصویری / مراسم سنتی گل مالی در عزاداری عاشورای حسینی -1
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1006888

آقای ؟. عکس مقبره ی فردوسی در سال 1313 که به نظر می رسید بر فراز گنبد یهودی اش، صلیب هم کاشته بودند، محشر بود و تصویر انگشت نیم متری گالیله شاهکار جعل. ممنون و موفق باشید.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 20:54

با سلام
استاد حالا که نقد سینمای ایران را در دست ندارید می توانید خیلی کوتاه در مورد سینمای ایران بگویید و همچنین چند تن از فیلمسازانی که فیلم هایشان ارزش نگاه کردن دارند را معرفی کنید؟!

آقای ایلماز. در تاریخ سینمای ایران به جز یکی دو استثنا، مانند زیر درخت گیلاس، فیلم ساخته نشده است.

نویسنده: یکی

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 23:31

جناب ؟ از این لینکت خوشم نیامد

بیانیه وقیحانه کروبی درباره هتك حرمت عاشورا
http://irdc.ir/fa/content/8459/default.aspx

خیلی لینک دوست داری این را نگاه کن :

امام راحل شنونده دائم BBC بودند و معمولاً راديوي كوچكي به دست داشتند و از اين طريق اخبار را دنبال مي‌كردند تا اواخر عمر پربركت شان. و نيز حتماً مي‌دانيد كه ايشان به بولتن و بولتن‌سازان عنايت چندان نداشتند.
اين بولتن سازان در شعار به شدت «ضد صهيونيست»اند و در عمل بزرگ‌ترين بازوي صهيونيسم در ايران.

http://www.shahbazi.org/blog/Archive/8819.htm

البته با عرض پوزش از استاد. عبدالله شهبازی پوریم را قبول نکرد و از نظر بنده در بررسی تاریخ ایران صلاحیت ندارد ولی ایشان مدرس دانشکده وزارت اطلاعات
بوده اند و از اوایل انقلاب دستی در مسائل محرمانه کشور داشته اند و در این موضوع خواندن دانسته هایشان بی فایده نیست.

آقای یکی. اینک مطالعات تاریخی فقط از دو دریچه و دید ممکن است: با ملاحظه و قبول رخ داد پوریم و بدون آن. هر یک از این مطالعات به سرعت از یکدیگر فاصله می گیرند و ناقض یکدیگر می شوند. منظری که پوریم را نمی پذیرد، چنان که شاهدیم، به اختراع افسانه سان همه چیز، لااقل در حوزه ی زیستی شرق میانه، محتاج می شود و مورخی که رخ داد پوریم را بر اساس دلایل کافی و مانده های باستان شناسی، که نشان از انهدام مطلق تجمع و تمدن در دوره ی معینی از تاریخ شرق میانه دارد، قبول می کند، حق دارد منکر پوریم را مدافع نظریه پردازی های موهوم مورخین اورشلیمی بداند. بنا بر این پوریم مراسم بله بران نیست که عروس خانم بتواند خواستگار را با گفتن یک "نه" و "خوشم نیامد" دست به سر کند! بر این اساس مکرر کننده ی منابع کنیسه و کلیسایی در موضوع تاریخ، قدر مراجعه ندارد مگر برای کسب تفریح! ضمنا بدانید وارد شونده ی بر مسائل و موضوعات تاریخی، باید صاحب نظریه ی تاریخی مستقل و قابل دفاع باشد و نه مفسر مطالب و حوادث موجود. این دومی فقط نقال و غالبا هم معرکه گیر است.

نویسنده: منصور

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 2:31

با سلام خدمت استاد
دو سوال دارم:
1)در جاهاي مختلف فرموده ايد كه فارسها بيگانه هستند از جمله در 29آذر 86 در پاسخ به احتمالا"araz bilgin . آيا به راستي فارسهاي كنوني غريبه اند يا اصلا" فارس نيستند و فقط ادعا مي كنند؟
2)در پاسخ به آقاي اسدي در 15 دي 84 (پاسخ به سوالات 4) فرموده ايد:« هیچ نمونه ی باستان شناسی نیز از ابزارهای جنگی فلزی، از پس پوریم تا قرن دوم هجری در خطه ی پوریم زده ی شرق میانه نیافته ایم. منطقه ای که از نقاط مختلف آن، در پیش از رخ داد پوریم، زراد خانه های بزرگی از انواع خنجر و شمشیر و سنان و از مواد و ماتریال های مختلف یافته ایم.»
اولا چنين زراد خانه هايي در كجا يافت شده و ثانيا در كتاب سوم ساسانيان گفته ايد ملل شرق ميانه قبل از پوريم فقط

وسايل شکار نظير تير و کمان و چاقو مي ساخته اند و در نقوش بجاي مانده کمتر اثري از جنگ و اسارت موجود است و حد اکثر صحنه هاي خشونت بجاي مانده در نقش ونگارها شامل صحنه هاي شکار است و نتيجه گرفته ايد که اين ملتها با هم در آرامش به سر مي برده اند؛چگونه با وجود کشف اين زراد خانه هاي بزرگ مي توان چنين نتيجه اي گرفت؟

آقای منصور. ابتدا بفرمایید رخ داد پوریم را، به نحوی که به نابودی کامل نسل در شرق میانه، لااقل به درازای دو هزار سال انجامید را پذیرفته اید؟ اگر آری پس تمام اقوام موجود در ایران مهاجرینی نوپدید و تازه واردند و اگر نه، پس به مطالعه ی مجدد این مباحث نیازمندید. ضمنا در سایت های کهن ایران، به خصوص در آذربایجان و شمال، پیکان های مربوط به تیر و نیزه و خنجر کوتاه و بلند معمولا شیاردار از جنس آهن و یا آلیاژ مفرغ یافت شده که معمولا ریخته شده است. برای دیدار از این گونه خنجرها و نیمه شمشیرهای پیش از پوریم در بین النهرین و ایران، که غالبا همراه گزارش کشف و شماره ی ثبت اند، به هر موزه ی تاریخ در ایران و خارج از ایران که مایلید رجوع کنید. ضمنا جان مطلب را در آن اشاره به رعایت مسالمت در روابط میان مردم شرق میانه نگرفته اید، بنیان بحث بر این اصل متکی بود که دفاع متحد و همه جانبه و سراسری سی ملت و قوم پیش از پوریم در برابر تجاوز هخامنشیان مبین وجود روابط دوستانه و بی تنش و نوعی فدرالیسم منطقه ای است. ضمنا بپرسم آیا آن ده یادداشت مربوط به ارتباط زبان فارسی با سرزمین هند را مطالعه فرمودید؟!

نویسنده: م

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 23:3

سلام
ولی من اصلا انگشت نمی بینم. بیشتر شبیه دسته دنده نیسان می مونه که پیچ سر دنده رو باز کرده باشن.

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 4:36

سلام ایلماز عزیز. ظاهرا دیگر شما را ندیدم!
از نظر قبلیتان مبنی بر بحث به صورت سنتی چیزی نفهمیدم. میتونید بیشتر توضیح دهید...
با موضوع جدید در خدمتتون هستم

وب سایت   پست الکترونیک

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 9:12

ماجرای کشف فردوسی را هم بخوانید
http://www.puyeshgaraan.com/ES.TV%20notes/ES.TV.Ferdowsi's%20moseleum.htm

نویسنده: سایه

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 12:55

با سلام
کسی میداند این حدیث از رسول الله در کدام کتاب نقل شده است؟!!!

http://img3.immage.de/291295dbsooti.jpg

نویسنده: الکی خوش

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 12:55

سلام استاد

من حدس می زنم یه اشتباه املایی مرتکب شدین. منظورتون فیلم زیر درخت زیتون یا طعم گیلاسه؟ البته این صرفا یه حدسه چون اطلاعات سینمایی من چندان زیاد نیست.

درست می گویید. مظورم طعم گیلاس بود.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 13:45

آقا/خانم ستاره سلام علیکم
شما فقط مطالب خود را تکرار می کنید. عرض کردم نام دریای خزر فقط در ایران بکار می رود و شما بهتر است برای اثبات عقیده خود مثال یا مثالهای دیگری را بیاورید. موفق باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: ?

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 14:33

چرا سایت وزارت امورخارجه اسرائیل بخش فارسی دارد؟
http://alhadid.blogfa.com/post-175.aspx

دلخوری حاج منصور از احمدی نژاد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95363

شرط تدریس زبان های اقوام در دانشگاه ها
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95361

فروشنده سکه های عتیقه قلابی رو دست خورد (افتاب)
http://tiny.cc/acR44

زندگی نامه چهره های ماندگار
http://chehrehai-mandegar.blogspot.com/2009/12/blog-post_24.html

کشف یک تابوت کودک اشکانی در خوزستان
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99211

سوال کوچک زاده از رییس قوه قضاییه
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=865923

اسناد توهین به قرآن منتشرمیشود
http://parcham.ir/vdch.6nmt23nxvftd2.html

هدیه عجیب به کرانچار/عکس
http://parcham.ir/vdcc.xqpa2bq0ila82.html

عکس:پوستر سریال مسعود ده نمکی (+ستاره داوود)
http://parcham.ir/vdci.pawct1apqbc2t.html

http://parcham.ir/vdca.anmk49nee5k14.html

پیام حمایت رضاپهلوی از اغتشاشگران
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99223

تنها فرقه‌ای که همدیگر را می‌کشند
http://www.adyan.net/froum/index.php/topic,395.msg417.html

مقابله روح الاميني با اغتشاشگران
/http://alef.ir/1388/content/view/60558

مقبره 1800 ساله شاعر چيني كشف شد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810080218

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 14:52

در صورتيكه با تلفن همراه شما تماسي بر قرار شد و درآن شخص يا اشخاصي ادعا نمودند كه از مهندسين شركت مخابرات هستند و قصد چک کردن خط شما را دارند و از شما تقا ضا نمودند که هر عددي را شماره گيري كنيد بدون هيچ گونه شماره گيري فورا تماس را قطع كنيد چون شركتي جعلي از اين طريق به سيم كارت شما دسترسي خواهد يافت و از طريق خط شما و با هزينه شما تماسهاي تلفنی بر قرار خواهد كرد

تمامي كاربران تلفن همراه توجه داشته باشند كه در صورتيكه با شما تماسي برقرار شدو در نمايشگر گوشي شما اين پيغام ظاهر شد(XALAN) از پاسخ دادن به ان خودداري نماييد و تماس را به سرعت قطع كنيد در صورت جواب دادن به تماس گوشي شما ويروسي خواهد شد اين ويروس اطلاعات IMEI و IMSI را از روي گوشي و سيم كارت شما پاک خواهد كرد كه اين امر باعث قطع ارتباط شما با شبكه تلفن خواهد شد و شما مجبور خواهيد شد گوشي ديگري خريداري نماييد

لطفا به منظور متوقف كردن اين كار پيغام را براي ديگر دوستان نيز ارسال نماييد

وب سایت پست الکترونیک

نویسنده: ستاره

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 22:15

دوست گرامی جناب آقای سنجری. فکر کنم شما دچار سوتفاهم شدید. من اصلا عقیده ای در این باب ابراز نکردم که بخواهم اثباتش نمایم. شما مطلبی را گفتید که درست و بدیهی بود و من در تکمیل مطلب شما یک نکته بدیهی دیگر را بیان کردم. اگر مایلید اثبات کنم که نام دریای خزر از نام ترکان یهودی شده خزر گرفته شده، باید عرض کنم که این مطلب این قدر بدیهی است که احتیاج به اثبات ندارد. همان طور نام اقیانوس هند از سرزمین هند گرفته شده و احتیاج به اثبات ندارد.
مطلب قبلی من فقط توضیحی کاملتر درباره یک مطلب بدیهی بود و اساسا مطالب بدیهی احتیاج به اثبات ندارند چه شما بگویید چه بنده. باز هم تاکید می کنم مطلب من توضیحی بود بدیهی بر مطلب نخستین شما نه در جهت رد آن. نمی دانم چرا دوستان اینقدر کم تحملند و طرح هر مطلبی را نشانه مخالفت می پندارند و سریع گارد میگیرند.

نویسنده: ?

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 22:23

نگارش قرآن با استفاده از دو خط برای اولین بار انجام شد
http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=515333

مستند 116 روز نوفل‌لوشاتو روي آنتن مي‌رود

http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100926548146

ساخت مجموعه‌هايي با موضوع زندگي انبيا
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100926547823

موزه توپكاپي استانبول
http://www.jamejamonline.ir/otherpics.aspx?newsnum=100901217896

كارگاه كاشي سازي حرم مطهر امام رضا (ع) (حاوی 21 عکس)
http://www.jamejamonline.ir/pics.aspx?newsnum=100926450977

چرا شیعه شدم؟
gId=68&http://www.abna.ir/list.asp?lang=1

سند سازی با تصاویر جعلی در شبکه های ماهواره ای
http://www.rasanews.ir/Nsite/FullStory/?Id=71753

تجمع دانشجویان علوم و تحقیقات برای اخراج فائزه هاشمی
http://www.snn.ir/NewsContent.aspx?NewsID=126601

آقای ؟. به نظرم رسید غالب لینک ها به خصوص لینک مربوط به زندگانی انبیا٬ پس از پیغمبر و لینک موزه توپکاپی نوعی دهن کجی مراکز اطلاع رسانی کشور به بنیان اندیشان بود. مثلا این اشاره در آن مصاحبه و تاریخ سه تا ده هجری شمسی واقعا خواندنی و لودهنده بود: "در نهايت قصد داريم مجموعه هايي با محوريت زندگي همه انبيا و شخصيت‌هاي موثر تاريخ و تمدن اسلامي بين قرون 3 تا 10 هجري شمسي بسازيم". از زحمتی که می کشید متشکرم.

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 19:9

با سلام
حرف از فیلم ایرانی شد ، فکر می کنم به تعداد انگشتان دو دست بتوان از آثار تاثیر گذار و قوی نام برد ، ولی فکر می کنم از قلم انداختن فیلم « خیلی دور ، خیی نزدیک » کمی بی انصافی باشد و کلا بعضی از کارهای حاتمی کیا هم قابل تحسین است ...

آقای توحید. آن فیلمی متعلق به صنعت سینما و تاثیر گذار است که بر هنرپیشه و کارگردان و بدل کار و بسیاری حاشیه ی پول ساز و تبلیغاتی دیگر تکیه نداشته باشد. بر این اساس فیلم های اندکی در تمام جهان ساخته شده و در ایران به زحمت از عدد سه می گذرد.

نویسنده: reza

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 2:56

آقای ؟
لطفا از ارسال لینک های سیاسی از منابع معلوم الحال بیشتر دقت نمایید. هر یک از خوانندگان این وبلاگ دارای نظر و دیدگاه سیاسی شخصی خاص خویش است. این امور جز به انحراف کشیدن بحث بنیان اندیشی جاری نسیت.

شاید بهتر بود که در کنار "بیانیه وقیحانه کروبی درباره هتك حرمت عاشورا" اشاره ای نیز به "هواپیمای اختصاصی آقای خامنه ای" می کردید.

نویسنده: صمیمی

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:21

جناب رضا!
لطفا در احد و حدود خودت قدم بردار! قبل از اینکه از هواپیمای اختصاصی کسی سخن بگویی از املاک شخصی شاهان اهل سنت عرب حرف بزن! بارها دیده ام از مرحوم برقعی لینک گذاشتی یک بار هم به مجعولات اهل سنت اشاره کن تا دم خروسی بر ادعاهای بنیان اندیشی ات بیرون نزند! در ضمن اینجا ملاک برای تشخیص خوبی یا بدی لینکی صاحب وبلاگ است که بارها نظر خود را در خصوص لینکهایی که دوستان می گذارند بیان داشته اند نه تو!

نویسنده: !

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:24

آقای reza اگر مطالب مخملباف در مورد خامنه ای که فعلا در حال کاسه لیسی صهیونیست است برای شما که ادعای بنیان اندیشی دارید حکم محسوب میشود
به صراحت بیان کنید تا عمق نفوذ بنیان اندیشی در اندیشه های شما را درک کنیم
شما هنوز دستمال سبز اهل بیت که به نفع صهیونیست بسته شده است را از مچ خود باز نکرده اید

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:32

آقا/خانم ستاره
سلام علیکم
مثالی که در خصوص دریای خزر مطرح نمودید از مثال اقیانوس هند بهتر و قابل قبول تر بود یعنی از نظر شما باید پذیرفت که نام اقیانوس هند از مردم هند گرفته شده که حتی تا زمان حاضر هم خود را سیک، سینهالی، پنجابی، بنگال و کشمیری و ... می دانند. از طرف دیگر در همین بحث جاری مربوط به هند که توسط استاد پورپیرار گشوده شده است ما و شما بیش از گذشته می دانیم که مجموعه بزرگی از مردم و اقوام مختلف به این سرزمین مهاجرت نموده اند که دارای فرهنگها و زبانهای مختلفی هستند اما به لطف تلاشهای استعمارگران ما باید خیال کنیم که با یک منظومه واحد و متشکل طرف هستیم.
حتما شما هم بیاد دارید که کاشفین قاره آمریکا نیز نام هند را در ابتدا به آن سرزمین اطلاق می کردند و تاکنون نیز به سرخپوستان آمریکایی با لقب هندی خطاب می کنند. بنابر این قبل از پذیرفتن این موضوع که نام اقیانوس هند از نام مردم این سرزمین اخذ شده باشد باید در خصوص این نام یعنی هند بررسی نمائیم چرا که نام هند بر نقاط مختلفی در قاره آسیا اطلاق می شده که دلایل آن سئوال برانگیز و محتاج بررسی است مثل هند هلند که امروز با نام اندونزی می شناسیم و دیگری ایندیان ولز و غیر از آن. موفق باشید

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: سعید

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:34

با سلام
در صدا و سیمای ایران انیمیشنی نسبتا با کیفیت خوب به نام امپراطوران مقدس ساخته شده است که بیشتر به نظر میرسد با بودجه دولت اسرائیل ساخته شده و برای بچه های اسرائیلی پخش میشود در این انیمیشن ها به اندازه موهای سر از لفظ سرزمین بنی اسرائیل مرز کشور بنی اسرائیل و مردم خدا پرست یهود و حفاظت خداوند از مردم یهود نام برده میشود
این انیمیشن ظاهرا از لحاظ تکنیک ساخت نقطه اوج در صنعت انیمیشن های گرافیک رایانه ای در ایران است و بارها از ساخت آن تجلیل شده است

آقای سعید. این هنوز پرده اول است.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 11:12

index=0&o_cr=13871207095704&http://www.imna.ir/IMNA/ImageGalleryAlbum/Zoom/default.aspx?o_id=709
فکر می کنم این لینک را قبلا گذاشته ام بهرحال دوباره می گذارم .15 عکس از اصفهان قدیم و جالب است که از مسجد شیخ لطف اله در آن خبری نیست .

آقای عادل. عکس هایی تکان دهنده بود. کاش ممکن بود زمان برداشتن عکس ها که نمی تواند دورتر از صد سال پیش باشد و نیز محل آن را تعیین می کردید. اگر کسی بخواهد حقایقی در باب تاریخ ایران را بداند، این عکس ها کمک بزرگی است تا دریابد تا همین اواخر حتی در بناهای ظاهرا صفوی هیچ گنبد و گلدسته و شبستان و رواقی کاشی کاری نداشته و با آجر چینی و کار روی گچ زینت شده است.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 11:16

/http://mm312.persianblog.ir/post/325

آقای عادل. مهم زمان چاپ این تمبر است.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 8:25

سلام
" اما این حقیقت نیز گاهی به چشم می خورد که یک یا دو عامل پیش گفته (مشترکات قومی، زبانی، مذهبی، فرهنگی) ممکن است موجب تشکیل یک ملت گشته، استقلال کشور منبعث از آن را تضمین کند. مثلا زبان فارسی برای بقا و دوام کشور ایران و دین اسلام برای تشکیل دولت پاکستان از عوامل مهم و اساسی به شمار می آید..." / بایسته های حقوق اساسی، دکتر سید ابوالفضل قاضی(استاد فقید دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)/

احراز کرسی استادی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، منوط به ایراد چنین افاضاتی است!

نویسنده: khalil

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:45

آقای رضا از این حرفی که در مورد آقای ؟ نوشته اید بسیار ممنونم و آقای ؟ باید بدانند که اینجا نمی توانند موضوع را به حاشیه بکشند و طرز فکر مردم را نسبت به این اطلاعات با ارزش استاد در وبلاگ را به جایی بکشند که مغزهای کنجکاو را از اصل موضوع به جاهای دورتری از بیابان بی آب و علف پرت کنند و باعث متلاشی شدن این جمع روشنگر و خوشحالی متفکران به اصطلاح روشنفکر نان خور و مغزهای پوسیده و متعصب برخی افراد گردند .
من خودم شخصاً طرفدار هیچ یک از جناه ها نمی باشم و کاری هم با هیچ کدام ندارم ودوستدار حقیقت هستم ولی بالاخره کنجکاو مسایل و حوادث اتفاق افتاده می باشم. شاید با این حرفی که می خواهم بزنم ، مرا عوامل استکبار و یا سبز اموی حساب کنید ولی در مورد حوادث عاشورا در تهران یا هرجای دیگر تصاویر موجود نشان دهنده بی رضایتی مردم نسبت به سیستم حکومتی می باشد نه بی حرمتی نسبت به امامشان، ولی رسانه های خبری کشورمان با تحریک مغزهای خوابیده ،خبرها را با عنوان گیری های مختلف اعم از ضد انقلاب ،عوامل استکبار وحتک حرمت نسبت به کسانی که دوستدارش هستند معرفی می کنند .از آن طرف ضرب و شتم نیروهای حکومتی کشمیر با عذاداران حسینی را نشان می

دهند ولی ریختن خون چند نفر از مردم کشور خودمان را آن هم در ایام محرم،حال به هر عنوانی باشد، حتک حرمت به روز عاشورا و ساحت مقدسشان معرفی می کنند؛خود رامقصر خون ریزی در ایام محرم الحرام نمی شناسند و به نظر خودشان دفاع در مقابل دشمنان اسلام می دانند و موضوع را با صورت شرع حل و فصل می کنند

پست الکترونیک

نویسنده: khalil

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:46

آقای ؟ با اخبار خارجی و داخلی نمی توان حقایق رابصورت کامل دانست؛ هر کدام موضوعات را بادست کاری و جعل برای جلوه دادن و اغراق بیشتر نشان می دهند البته نمی توان همگی را جعل مطلق حساب کرد .شاید بتوان با چند نوشته و عکس بی مورد به یک اتفاق را به موضوع دیگری دستکاری و نسبت داد ولی تا حدودی این کار ممکن است.
تصاویری از همان حوادث که از دسترس ترین وسیله ممکن یعنی موبایل تصویر برداری شده نمی توان آن فیلم را جعل گفت چون دوربین گناهی جز تصویر و حرکات را در زوایای خودش به صورت هر چه هست ثبت می کند ولی فاصله زمانی بیشتری می خواهد تا آن فیلم ها را با این همه متخصص جلوه های ویژه کشوری دست کاری و آن را به صورت دل خواه در آورد.
به نظر من باید در برابر چنین حوادثی ریز بینانه و معقولانه و بدون تعصب فکر کرد.

پست الکترونیک

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:54

جناب آقای پورپیرار با سلام
در کتاب گزارش باستانشناسی در ایران تالیف هئیت آلمانی در قسمت توضیحات الحاقی بر کتیبه داریوش در بهستان خواندم که در بخش 70 این کتیبه نوشته شده است
1- داریوش شاه گوید : به
2- همت اهورامزدا دیگر
3- خطی ساخته ام بایرانی ,
4- که پیش از آن وجود نداشت . و هم بر
5- رس و هم بر چرم و هم
6-نامها و نسبها ساختم با آنها
7-و آن نوشته شد و بر من
8-خوانده شد .سپس من همین خط را
9-به همه کشورها
10-فرستادم. که مردمش یاد گرفتند آن را.
به خاطر ندارم که در کتابهایتان در خصوص این متن چیزی خوانده باشم . ممکن است راهنمایی فرمائید و اگر مطلبی در این باره نوشته اید آدرس بدهید متشکرم

آقای عادل. در بررسی مطالب کتیبه ی بیستون به این مطلب پرداخته ام که اگر جست و جو کنید خواهید یافت. عمده این است که هنوز کتیبه ی بیستون بر مبنای مطلب واقعا نگاشته بر سنگ خوانده نشده و ترجمه های کنونی بر اساس رسامی هایی از آن کتیبه است که می تواند شامل حذف و زیادت های فراوان باشد.

نظر شما

نام شما:

ایران شناسی بدون دروغ 243، نتیجه 51، حقه بازی ها
نظر در هند، 20 - 70

نویسنده: ایلماز

جمعه 4 دی1388 ساعت: 19:25

با سلام
استاد مثل همیشه جذاب و کوبنده و البته روسیاه کننده!
استاد ببینید چه رفاقتی بین مذاهب موج می زند!!
http://forum.ngoic.ir/

نویسنده: عباس

شنبه 5 دی1388 ساعت: 1:11

آقای پورپیرار چرا این نوشتها در بارهٔ کمپانی هند شرقی، را به صورت یک کتاب.و با ترجمه به زبان انگلیسی .فرانسوی.عربی. در نمی آورید.که مردم دنیا بدانند انگیسی ها ویهودیها .چه جنا یاتی در هند به این مردم کردن.

پست الکترونیک

نویسنده:sadegh

شنبه 5 دی1388 ساعت: 2:44

با سلام خدمت استاد گرانقدر و تمامی دوستداران حق وصبر
استاد گرامی همچو همیشه بی نظیر بی بدیل بود . آدم هزار بار هم که این مطالب بی بدیل شما رو مطالعه کند باز هم زیبا و دلنشین و منقلب کننده هستند بسیار لذتبخش و دلنشین بود . چه فاصله درازیست میان دانستن و ندانستن . شما را بیکران سپاس که بی هیچ منت و اجری این همه حقایق را بر ما آشکار میکنید . بی بضاعتی بیش نیستیم و تهی دست لکن شما را با تمام خلوص و صداقت دعا میکنیم که عمری دراز و پر عزت داشته و اجری عظیم و منزلتی رفیع ارزانیتان شود .
خداوند حامی و حافظتان باد

پست الکترونیک

نویسنده: یه دانشجوی دیگه

شنبه 5 دی1388 ساعت: 7:5

اقای عباس: جنابعالی که در دانشگاه ونکوور مدرک دکترا می گیرید چرا آستین ها را بالا نزده و نوشته های استاد را به زبان انگلیسی ترجمه و حد اقل در سطح کانادا منتشر نمی کنید.؟

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 10:11

جناب استاد پورپیرار
با سلام
اگر عمق نفوذ فرهنگ مهاجرین به ایران را طبق نظر شما بگيريم در مورد نواحي مركزي چه مي توان گفت؟مثلا" در ناحيه گز اصفهان به زباني حرف مي زنند كه بسيار با زبان فارسي متفاوت است و اصلا قابل فهم نيست و عجيب است كه در مركز ايران چنين چيزي وجود دارد.
یک سوال هم قبلا کرده بودم که از توجه جنابعالی دور مانده و آن اینکه:
يكشنبه 84/7/10 در پاسخ به آقاي حلاج فرموده ايد که 19 سطر نخست گل نبشته کورش را از تورات گرفته اند و بقيه آن جعل جديد است.با این حساب کل آن جعلي مي شود و پس از مرگ کورش نوشته شده است. آیا من توان نتیجه گرفت که کل آن جعلی است؟ فرموده بودید بخش دوم این گلنبشته که از زبان سوم شخص می باشد. آیا تصمیمی برای بررسی آن ندارید؟

آقای منصور. درباره ی مشخصات عمومی مربع بزرگ مرکزی در ایران در همان یادداشت شماره ی 1 به میزان کافی مطلب آورده ام. در باب شرحی بر قسمت دوم گل نبشته ی کورش هم انشا' الله به زودی. محرز و مسلم این که مجموعه ی این استوانه قلابی و دست ساخت سده ی اخیر است.

نویسنده: آمون

شنبه 5 دی1388 ساعت: 8:32

سلام
آمون به روز شد، خبرنامه اعضا ارسال شد، نظرسنجی تمام شد، نتیجه اطلاع داده شد به استاد.
amun.blogfa.com

نویسنده: !!؟

شنبه 5 دی1388 ساعت: 9:41

از آدرس http://forum.ngoic.ir

" ایام سوگواری آل الله تسلیت باد " (!!؟)

"لم یلد ولم یولد"

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 17:44

با سلام مجدد خدمت استاد گرانقدر و دوستان هم پیمان
دوستان عزیز نهضتی که استاد عزیز جناب پورپیرار ایجاد کرده و نوری که در جهت بیداری افکار دست و پا بسته در کتابهای به اصطلاح دینی تابانده است آنقدر عظیم است که گویی یک بار دیگر اسلام از نو ارائه شده است. طوفانی که تمام گرد و خاک کتابهای یهود ساخته را از ساحت پر فروغ قرآن شریف زدوده است.
دوستان! استاد پورپیرار به ما یاد دادند که محور وحدت و ثقل رستگاری نه تنها برای ما مسلمانان که برای تمام جهانیان قرآن است و هر چه از این نقطه دور شویم و به کتابهای غیر قرآنی متوسل شویم به همان اندازه به مطلوب یهود نزدیک شده ایم. تاکنون چنان دست و پای ما را با این همه کتاب حدیث بسته بودند که برداشتن حتی یک قدم برای رسیدن و به وحدت برای مسلمین ممکن نبود. حال

که خداوند بر ما منت گذاشته و این نور بیداری را بر ما تابانده است باید دست به دو کار اساسی شویم.
اول : چنانچه شیادان کلیسا و کنیسه تا کنون قرآن ما را بهتر از خودمان فهمیده و آن را تا حد ممکن در جهت امیال خود برای ما معنی و تفسیر کرده اند و هم باید کتابهای آنان یعنی تورات انجیل و تلمود را به خوبی مطالعه کنیم. این کار برای ما لازم است زیرا پی بردن به ماهیت یهود ساختگی انواع کتابهای شیعه و سنی تنها با مقایسه آنها با کتابهای کلیسا و کنیسه امکان پذیر است.
دوم : آنکه زبان عربی را به خوبی یاد بگیریم تا بتوانیم قرآن عزیزمان را بهتر بفهمیم و بدون مراجعه به کتابهای دیگر از جمله کتابهای دشمنان آن را مورد استفاده قرار دهیم. برای این کار لازم است که فرهنگهای ممتاز و معتبر لغت عربی را شناسایی و به دوستان خود معرفی کنیم و بنده در اینجا از تمام دوستانی که در این زمینه استعداد و استطاعتی دارند مشتاقانه تقاضای کمک دارم.
درست است که استاد عزیز ما اساس این کتابهای یهود ساخته را بر باد داده اند و ریشه های آنها از گل متعفن جعل بیرون افتاده است اما همانگونه که خود فرموده اند مدخلهای ایشان هر کدام قابلیت تبدیل به کتابهای تحقیقی قطوری دارند که همت دوستان را می طلبد .

نویسنده: منصور

شنبه 5 دی1388 ساعت: 17:45

بعنوان مثال دوستی مرتب برای بنده از ابراز فضل های آقای جوادی آملی ایمیل می کرد که در آن مرتب از کتاب اصول کافی نقل کرده بود که یکی از ارکان فقه شیعه است. بنده یکبار سراغ این کتاب رفتم و اولین حدیث آن را خواندم چنین بود:
"خداوند وقتی که عقل را آفرید به او گفت برو او هم رفت سپس گفت بیا او هم آمد آنگاه خداوند گفت به عزت و جلالم قسم که موجودی محبوبتر از تو نیافریدم و اکنون تو به طور کامل تنها به کسانی می دهم که دوستشان دارم و حساب و کتاب افراد را هم از تو می خواهم."
دیگر خود قضاوت کنید که چه نتایجی می توان از این حدیث گرفت.
در واقع اگر استاد موافق باشند بگوییم که ریسمان هدایت دوسر بیشتر ندارد که یک سر آن قرآن و سر دیگر تورات و انجیل است و تمام دیگر کتابها هم در این میان قرار دارند که لازم است از درون هر کدام به جنگ محتوایشان برویم. در این کتابها چون نمی توانسته اند آب را به جای شیر به ما قالب کنند به هرکدام مقداری شیر وارد کرده اند.
پیروز باشید.

آقای منصور. مدت هاست ریسمان هدایت فقط قرآن است، زیرا تورات و انجیل های موجود گواهی آسمانی ندارند و مجعول اند. با این همه درست می گویید که باید خوانده شوند زیرا کتاب های منضم به تورات، یعنی دنباله های اسفار خمسه، مانند کتاب ارمیا و اشعیا, و استر و دانیال و غیره، که ادعای نزول آسمانی ندارند، حاوی مطالب تاریخی قابل توجه اند.

نویسنده: فتح

شنبه 5 دی1388 ساعت: 18:22

با اجازه از استاد
آقای منصور شهر های گز ،خورزوق،میمه و دلیجان که 2 تای اولی تا 16 یا 17 سال پیش روستا بودند زبانشان بسیار نزدیک به کلیمی ها است (یا به گفته خودشان جودی) به عبارتی یدیش یهودی من که سالها با مردم گز و خورزوق آشنایی داشتم ودر پرس و جوهای متعدد از اصل و نصب آنها جویا شدم، بدون استثنا همه بزرگان و مطلعین خود را مردمی از بین النهرین معرفی می کردند.(پیش از آنکه موج آریایی یا پارسی گری پس از انقلاب در ایران اوج بگیرد) اما منابع ایرانشناسی آنها را آریایی و پارسی و زبانشان را بازمانده از پارسیان معرفی کرده است.دقیقا مانند لرها و کردها که بزرگان آنها اغلب خود را مهاجر معرفی می کردند و منابع ایرانشناسی هویت و زبان آنها را باز مانده از آریائی ها پارسی ها ویا مادها معرفی کرده است مثلا با یک مراجعه ساده به تمام کتابهای تاریخ لر یا بختیاری از جمله سردار اسعد یا ضرغام خان یا اسکندرخان عکاشه و.... همه لرها را مهاجر معرفی می کنند اما جوانان آنها همه خود را باز مانده از پارسها (بدون آزمایش دی ان ای کورش؟!) البته من بین سالهای 64 تا 74 شمسی در منطقه برخوار(منطقه گز) و میمه بودم و از همه روستا ها از دولت آباد گرفته تا سین وگز و تا مورچه خورد و میمه و ونداده و زیاد آباد و.... همه دیدن کردم و با مردم و پیرمردان صحبت کردم.

آقای فتح. اگر از لاک قوم گرایی به در آیند و تعصب کور و کرشان نکرده باشد، به هر سو که نگاه کنند و هر مطلبی را اساس قرار دهند به روشنی و سادگی معلوم می کند که در ایران 300 سال پیش، هنوز تجمع هیچ یک از اقوام کنونی صورت نبسته بود. امیدوارم به زودی تصاویری را ببینید و مطالبی را بخوانید که رد این حقیقت محض را ناممکن می کند.

نویسنده: کاظم

شنبه 5 دی1388 ساعت: 19:58

سلام استاد
مجموعه 7 جلدی ایران شناسی بدون دروغ که2 ماه پیش فرمودید در بزودی آماده میشود, آماده شد؟ بیصبرانه منتظریم.خوندن مقالات شما از روی منیتور سخته,تا شماره 125 را پرینت گرفتم و خوندم. بقیه را پرینت نگرفم تا مجموعه هفت جلدی شما آماده بشه.با تشکر

آقای کاظم. در صورت بقای عمر، به خواست خدا و به زودی هر 15 روز یک مجلد آن آماده می شود.

نویسنده: عباس

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 3:40

استاد. دربرنامه های تلویزیونی ایرانی خارج از ایران صحبت های زیادی در بارۀ یاسرعرفات ودخالت او در انقلاب ایران و استفاده از چریکهای فلسطینی درحمله به مراکز دولتی.نظر شما در بارۀ این موضوع چی.

پست الکترونیک

نویسنده: فتح

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 4:5

این مطلب هم هرند تاریخ آن قدیمی است اما در ارتباط با روز عاشورا خواندن دارد.
گزارشی از عزاداری اهل سنت، ارامنه و زرتشتیان ایران
http://sharifnews.ir/?3426

نویسنده:reza

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 9:39

حقیقت سینه زنی و روضه خوانی از نظر آیت الله العظمی برقعي قمي

خرافات سینه زنی و روضه خوانی و لزوم تحقیق در امور دینی و عدم تقلید / آیت الله برقعی برقعی، علامه ای مظلوم

http://www.islamtape.com/video/borqaee-seeneh-zani.flv

نویسنده: کاظم

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 12:40

سلام مجدد استاد
امیدوارم به محض آماده شدن هر مجلد از ایران شناسی بدون دروغ از همین سایت اطلاع رسانی کنید تا به نحو مقتضی تهیه کنیم. البته قبل از تمام شدن یا جلوگیری از انتشار آن!!!

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 12:2

سلام
آقای خلیل
مطابق نص صریح و موکد قرآن، نذر و احسانی که برای غیر خدا ونیت غیر الهی باشد حرام است.

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 15:41

آقا یا خانم ستاره
بازهم سلام

با وجودی که در مطلب قبلی برای شما پاسخ گذاشتم اما برای اینکه در حق شما کوتاهی نکرده باشم بار دیگر به نقشه های منطقه مراجعه کردم. نام دریایی که در ایران به عنوان خزر می شناسیم در تمامی نقشه های قدیمی با نام دریای باکو ، دریای هیرکانی و بیشتر از همه و تاکنون دریای کاسپین (به عربی قزوین) ذکر شده که هیچ کدام نام قوم یا ملت معینی نیستند. تنها در ایران - به دلایلی که ما نمی دانیم و احتمالا استاد پورپیرار اطلاع داشته باشند- به این دریا نام خزر نهاده اند. اگر ممکن است نام دریا و یا خلیج دیگری را مثال بزنید تا رفع ابهام شود.

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: منصور

یکشنبه 6 دی1388 ساعت: 21:9

استاد گرامی سلام
منظور بنده هم دقیقا" همان نظر جنابعالی است. و اینکه سر قرآن این ریسمان روشنایی مطلق و سر تورات آن ظلمت و ضلالت مطلق است.طبق روشنگریهای جنابعالی شکست خوردگان از قرآن برای تعدیل این تضاد شدید دو اقدام انجام دادند:
اول آنکه قرآن ما را با تفاسیر خود به آموزه های تورات ملوث کرده اند.
دوم آنکه بین قرآن و تورات کتابهایی حاوی معجونی از هر دو قرار داده اند.

به نظرم جایی فرموده بودید که اگر ذره ای حقیقت هم در کتاب تورات باشد از سر ناچاری به خاطر روشنگری قرآن شریف بوده است.
به هر حال سردرگمی مسلمانان و گمراهی آنان ناشی از این معجون حق و باطل مطلوب یهود بوده است. که باز هم طبق افشاگریهای حضرتعالی در رسیدن به آن از هیچ جنایتی در زمینه تاریخ و فرهنگ بشر کوتاهی نکرده اند.
جهت استحضار دوستان عزیز عرض کنم که با مراجعه به ویکی پدیا می بینید که همان آقای کلینی نویسنده اصول کافی در قرن سوم در شهر ری می زیسته و 5 تن از عمده ترین روات او اهل قم هستند و یکی هم اهل نیشابور. خود می توانید قضاوت کنید.
دو سوال هم از خدمت استاد دارم:
1)در جايي در پاسخ به آقاي صدر الديني در تاريخ 17 مهر 86 فرموده ايد که زبان فارسي ريشه هندي دارد. آيا در این مورد توضیح بیشتر یا مدخلی مستقل وجود دارد؟
2)تقاضا دارم نقدي را که بر فيلم مجيد مجيدي نوشته ايد روي سايت بگذاريد.
با تشکر

نویسنده: الکی خوش

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 4:21

دوستان عزیز

من الان در ایران نیستم و از نزدیک نمی تونم شاهد حوادث جدید باشم (درگیری های عاشورا). تنها منابع اطلاعاتی من بی بی سی و رادیو فردا و رجانیوز و ... است که به هیچ کدوم نمی شه اعتماد کرد. خواستم بدونم داره چه اتفاقی واقعا می افته؟ درگیری ها چقد وسیع بودن؟

می دونم که این کاملا یه مسیله روزمره است ولی فکر می کنم جمهوری اسلامی (با وجود تمام مشکلاتش) ارزش نگران بودن رو داشته باشه.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 4:36

آقای الکی خوش. این را می گویند گردش وارونه ی چرخ روزگار، که خبرهای درست را باید از ایران به شما رساند. در این جا هم برادر قضیه به همان ترتیب است. باید مستقیما شاهد قضایا بود که امثال مرا به سبب کهولت راه نمی دهند وگرنه به نمایشات و نقل های رسانه ها اعتمادی نیست.

آقای منصور. از یادداشت 208 تا 218 مربوط به ارتباط میان زبان فارسی و سرزمین هند است. متاسفانه از دو سه نقدی هم که بر فیلم های فارسی نوشته ام آرشیو ندارم. شاید دوستان و دشمنان با

خبرتر باشند.

آقای ایلماز. به یقین تاریخ معاصر ایران در حال ورق خوردن است.

. از توجهات شما ممنونم. در کانادا جمعی از نزدیکانم ساکن اند و معمولا این گونه حوائج rezaآقای مرا رفع می کنند. سعی کنید مستندها را به ایرانیان و یا مراکز رسانه ای آن ها برسانید. باز هم سپاس گذار.

نویسنده: سعید

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 10:24

باسلام و خدا قوت خدمت استاد بزرگوار
یکی از دوستان در مورد اصول کافی مطلبی نوشته بودند که مناسب دیدم لینک زیر را برای آشنایی با نسخ خطی این کتاب کاملا مستند !!! بگذارم
http://www.ical.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=377:---1100----l-r&---catid=1:2009-07-13-14-24-25
چنان که ملاحظه میکنید قدیمیترین نسخه این کتاب متعلق به قرن هفتم؟!! است که متاسفانه تاریخ نگارشش را موش یا موریانه خورده؟؟!!
که اگر خودمان را به کوچه علی چپ زده و قبول هم بکنیم با تاریخ نگارش 4 قرنی اختلاف داره ؟!
نسخ تاریخ دار این کتاب ارزشمند متعلق به همان تاریخی است که انتظار میرود و تاییدیه آن کتاب هم متعلق به شخصی است که ید بیضایی در تولید حدیث و روایت دارد 110 جلد کتاب بهار الانوار شوخی نیست که تازه این یکی از صد کتاب این علامه فرزانه است یهوه روح او را قرین رحمت کند

پست الکترونیک

نویسنده: ?

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 11:30

ساخت اولین کشتی عمودی تاریخ(عکس)
http://www.konjkav.com/index.php?option=com_content&task=view&id=2621&Itemid=107

بازداشت رئیس مجمع مدرسین حوزه علمیه قم
http://www.armaniran.com/fa/pages/?cid=2733

قرآن در آتش فتنه‌گران سوخت
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810060264

تیغ و زنجیر بر پیکر شیعه ! (عکس)
http://peymane.ir/fa/pages/?cid=8537

عکس:خواهر زاده میرحسین موسوی
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78896

تصاویر بعد از حوادث روز گذشته تهران
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78869

کربلا از روزگاران کهن تا امروز
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=94969

15 میلیارد دلار پول ایرانی ها در جیب اعراب اماراتی و بانکداران خارجی
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95174

صورة بردة النبي صلى الله عليه وأله وسلم
http://gareebtouse.com/vb/showthread.php?p=58464

صوره نادره جدا لقبر الرسول صلى الله عليه وسلم بالمدينه
http://www.new7ob.com/vb/pro78402.htm

امارات برای سه ماه آذوقه جمع می کند!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95169

تصویر کودکی پسران رهبر انقلاب
http://peymane.ir/files/fa/news/1388/9/12/7988_653.jpg

/گزارش تصويري/
مراسم سنتي بيل زني و نخل گرداني در روز عاشورا - خوسف بيرجند
http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1462924&Lang=P

فائزه هاشمي روز عاشورا هم به اغتشاشگران پيوست
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810070002

آقای ؟. بسیار عالی بود و ممنون. آن عکس های کربلا نمی تواند خیلی قدیم باشد چرا که عکس اند و در عراق عمر بیش از 100 سال ندارند.

نویسنده: ستاره

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 13:51

جناب آقای سنجری. درست است که دریاچه شمال ایران در طول تاریخ اسامی متعددی داشته و بعضا دارد، ولی با این حال یکی از اسامی تاریخی آن که از قضا در ایران هنوز به کار می رود، دریای خزر است که از نام ترکان یهودی خزر گرفته شده است و این موضوع بسیار بدیهی است. ضمنا نام کاسپین یا قزوین و نام خزر جزو قدیمیترین نامهای این دریا هستند.

نویسنده: رامین.ص

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 15:41

با سلام به استاد:1-چرا بر روی پاپیروسهای کشف شده قران کتابت نشده است؟زیرا که زبان مردم مصر در ابتدای اسلام عربی نبوده و لازم بوده برای یادگیری قران تلاش زیادی کنندو برای حفظ ان کتابت کنند؟2-در مورد مقایسه سکه های خلیفه بنی عباس و کتابت قران هم زمان با ان سکه ها در کتاب پاپیروسها که خط روی سکه ها بسیار ابتدایی است و کتابت بسیار پخته شده انجام شده احتمال دارد صنعت سکه سازی ضعیف بوده یا سکه ها جعلی باشند.3-اسم انتوین سوروگین به انگلیسی لطفا بنویسید تا از اینترنت جستجو کنیم.با تشکر فراوان.

آقای رامین. نام لاتین سوروگین Antoin Sevruguin
در مورد بقیه سئوالات هم به بهانه گیری شبیه اند.

نویسنده: ؟

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 20:10

مقبره فردوسی سال 1313
http://blogfars.com/fotofiles/1/65037.jpg

نذر برای رفتن دختر بن‌لادن از ایران
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=78994

ورود نمادین کاروان امام حسین(ع) به کربلا در خميني شهر اصفهان (ستاره داوودی که بر پیشانی بند شخص قرار دارد)
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M588425.jpg

بیانیه وقیحانه کروبی درباره هتك حرمت عاشورا
http://irdc.ir/fa/content/8459/default.aspx

انگشت بریده شده گالیله/عکس
http://parcham.ir/vdci.5awct1apwbc2t.html

اکران فیلم" آوارگي پهلوي‌ها"
http://parcham.ir/vdcf.0dtiw6dmjgiaw.html

تصویری: این چهره ها در بم زندگی می کنند
http://www.alborznews.net/pages/?cid=13595

قمه زنی عده ای از شیعیان عراقی در بصره در روز عاشورا. بسیاری از مراجع تقلید شیعه اقدام خرافی قمه زنی را موجب وهن اسلام و تشیع می دانند
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/10/7/124005_619.jpg

گزارش تصویری / مراسم سنتی گل مالی در عزاداری عاشورای حسینی -1
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1006888

آقای ؟. عکس مقبره ی فردوسی در سال 1313 که به نظر می رسید بر فراز گنبد یهودی اش، صلیب هم کاشته بودند، محشر بود و تصویر انگشت نیم متری گالیله شاهکار جعل. ممنون و موفق باشید.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 20:54

با سلام
استاد حالا که نقد سینمای ایران را در دست ندارید می توانید خیلی کوتاه در مورد سینمای ایران بگویید و همچنین چند تن از فیلمسازانی که فیلم هایشان ارزش نگاه کردن دارند را معرفی کنید؟!

آقای ایلماز. در تاریخ سینمای ایران به جز یکی دو استثنا، مانند زیر درخت گیلاس، فیلم ساخته نشده است.

نویسنده: یکی

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 23:31

جناب ؟ از این لینکت خوشم نیامد

بیانیه وقیحانه کروبی درباره هتك حرمت عاشورا
http://irdc.ir/fa/content/8459/default.aspx

خیلی لینک دوست داری این را نگاه کن :

امام راحل شنونده دائم BBC بودند و معمولاً راديوي كوچكي به دست داشتند و از اين طريق اخبار را دنبال مي‌كردند تا اواخر عمر پربركت شان. و نيز حتماً مي‌دانيد كه ايشان به بولتن و بولتن‌سازان عنايت چندان نداشتند.
اين بولتن سازان در شعار به شدت «ضد صهيونيست»اند و در عمل بزرگ‌ترين بازوي صهيونيسم در ايران.

http://www.shahbazi.org/blog/Archive/8819.htm

البته با عرض پوزش از استاد. عبدالله شهبازی پوریم را قبول نکرد و از نظر بنده در بررسی تاریخ ایران صلاحیت ندارد ولی ایشان مدرس دانشکده وزارت اطلاعات
بوده اند و از اوایل انقلاب دستی در مسائل محرمانه کشور داشته اند و در این موضوع خواندن دانسته هایشان بی فایده نیست.

آقای یکی. اینک مطالعات تاریخی فقط از دو دریچه و دید ممکن است: با ملاحظه و قبول رخ داد پوریم و بدون آن. هر یک از این مطالعات به سرعت از یکدیگر فاصله می گیرند و ناقض یکدیگر می شوند. منظری که پوریم را نمی پذیرد، چنان که شاهدیم، به اختراع افسانه سان همه چیز، لااقل در حوزه ی زیستی شرق میانه، محتاج می شود و مورخی که رخ داد پوریم را بر اساس دلایل کافی و مانده های باستان شناسی، که نشان از انهدام مطلق تجمع و تمدن در دوره ی معینی از تاریخ شرق میانه دارد، قبول می کند، حق دارد منکر پوریم را مدافع نظریه پردازی های موهوم مورخین اورشلیمی بداند. بنا بر این پوریم مراسم بله بران نیست که عروس خانم بتواند خواستگار را با گفتن یک "نه" و "خوشم نیامد" دست به سر کند! بر این اساس مکرر کننده ی منابع کنیسه و کلیسایی در موضوع تاریخ، قدر مراجعه ندارد مگر برای کسب تفریح! ضمنا بدانید وارد شونده ی بر مسائل و

موضوعات تاریخی، باید صاحب نظریه ی تاریخی مستقل و قابل دفاع باشد و نه مفسر مطالب و حوادث موجود. این دومی فقط نقال و غالبا هم معرکه گیر است.

نویسنده: منصور

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 2:31

با سلام خدمت استاد
دو سوال دارم:
1)در جاهاي مختلف فرموده ايد كه فارسها بيگانه هستند از جمله در 29آذر 86 در پاسخ به araz bilginاحتمالا" . آيا به راستي فارسهاي كنوني غريبه اند يا اصلا" فارس نيستند و فقط ادعا مي كنند؟
2)در پاسخ به آقاي اسدي در 15 دي 84 (پاسخ به سوالات 4) فرموده ايد:« هیچ نمونه ی باستان شناسی نیز از ابزارهای جنگی فلزی، از پس پوریم تا قرن دوم هجری در خطه ی پوریم زده ی شرق میانه نیافته ایم. منطقه ای که از نقاط مختلف آن، در پیش از رخ داد پوریم، زراد خانه های بزرگی از انواع خنجر و شمشیر و سنان و از مواد و ماتریال های مختلف یافته ایم.»
اولا چنين زراد خانه هايي در كجا يافت شده و ثانيا در كتاب سوم ساسانيان گفته ايد ملل شرق ميانه قبل از پوريم فقط وسايل شكار نظير تير و كمان و چاقو مي ساخته اند و در نقوش بجاي مانده كمتر اثري از جنگ و اسارت موجود است و حد اكثر صحنه هاي خشونت بجاي مانده در نقش ونگارها شامل صحنه هاي شكار است و نتيجه گرفته ايد كه اين ملتها با هم در آرامش به سر مي برده اند؛چگونه با وجود كشف اين زراد خانه هاي بزرگ مي توان چنين نتيجه اي گرفت؟

آقای منصور. ابتدا بفرمایید رخ داد پوریم را، به نحوی که به نابودی کامل نسل در شرق میانه، لااقل به درازای دو هزار سال انجامید را پذیرفته اید؟ اگر آری پس تمام اقوام موجود در ایران مهاجرینی نوپدید و تازه واردند و اگر نه، پس به مطالعه ی مجدد این مباحث نیازمندید. ضمنا در سایت های کهن ایران، به خصوص در آذربایجان و شمال، پیکان های مربوط به تیر و نیزه و خنجر کوتاه و بلند معمولا شیاردار از جنس آهن و یا آلیاژ مفرغ یافت شده که معمولا ریخته شده است. برای دیدار از این گونه خنجرها و نیمه شمشیرهای پیش از پوریم در بین النهرین و ایران، که غالبا همراه گزارش کشف و شماره ی ثبت اند، به هر موزه ی تاریخ در ایران و خارج از ایران که مایلید رجوع کنید. ضمنا جان مطلب را در آن اشاره به رعایت مسالمت در روابط میان مردم شرق میانه نگرفته اید، بنیان بحث بر این اصل متکی بود که دفاع متحد و همه جانبه و سراسری سی ملت و قوم پیش از پوریم در برابر تجاوز هخامنشیان مبین وجود روابط دوستانه و بی تنش و نوعی فدرالیسم منطقه ای است. ضمنا بپرسم آیا آن ده یادداشت مربوط به ارتباط زبان فارسی با سرزمین هند را مطالعه فرمودید؟!

نویسنده: م

دوشنبه 7 دی1388 ساعت: 23:3

سلام
ولی من اصلا انگشت نمی بینم. بیشتر شبیه دسته دنده نیسان می مونه که پیچ سر دنده رو باز کرده باشن.

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 4:36

سلام ایلماز عزیز. ظاهرا دیگر شما را ندیدم!
از نظر قبلیتان مبنی بر بحث به صورت سنتی چیزی نفهمیدم. میتونید بیشتر توضیح دهید...
با موضوع جدید در خدمتتون هستم

وب سایت   پست الکترونیک

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 9:12

ماجرای کشف فردوسی را هم بخوانید
http://www.puyeshgaraan.com/ES.TV%20notes/ES.TV.Ferdowsi's%20moseleum.htm

نویسنده: سایه

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 12:55

با سلام
کسی میداند این حدیث از رسول الله در کدام کتاب نقل شده است؟!!!

http://img3.immage.de/291295dbsooti.jpg

نویسنده: الکی خوش

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 12:55

سلام استاد

من حدس می زنم یه اشتباه املایی مرتکب شدین. منظورتون فیلم زیر درخت زیتون یا طعم گیلاسه؟
البته این صرفا یه حدسه چون اطلاعات سینمایی من چندان زیاد نیست.

درست می گویید. مظورم طعم گیلاس بود.

نویسنده: مسعود سنجری

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 13:45

آقا/خانم ستاره سلام علیکم
شما فقط مطالب خود را تکرار می کنید. عرض کردم نام دریای خزر فقط در ایران بکار می رود و شما بهتر است برای اثبات عقیده خود مثال یا مثالهای دیگری را بیاورید. موفق باشید
والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: ?

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 14:33

چرا سایت وزارت امورخارجه اسرائیل بخش فارسی دارد؟
http://alhadid.blogfa.com/post-175.aspx

دلخوری حاج منصور از احمدی نژاد
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95363

شرط تدریس زبان های اقوام در دانشگاه ها
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95361

فروشنده سکه های عتیقه قلابی رو دست خورد (افتاب)
http://tiny.cc/acR44

زندگی نامه چهره های ماندگار

http://chehrehai-mandegar.blogspot.com/2009/12/blog-post_24.html

کشف یک تابوت کودک اشکانی در خوزستان
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99211

سوال کوچک زاده از رییس قوه قضاییه
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=865923

اسناد توهین به قرآن منتشرمیشود
http://parcham.ir/vdch.6nmt23nxvftd2.html

هدیه عجیب به کرانچار/عکس
http://parcham.ir/vdcc.xqpa2bq0ila82.html

عکس:پوستر سریال مسعود ده نمکی (+ستاره داوود)
http://parcham.ir/vdci.pawct1apqbc2t.html
http://parcham.ir/vdca.anmk49nee5k14.html

پیام حمایت رضاپهلوی از اغتشاشگران
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99223

تنها فرقه‌ای که همدیگر را می‌کشند
http://www.adyan.net/froum/index.php/topic,395.msg417.html

مقابله روح الاميني با اغتشاشگران
http://alef.ir/1388/content/view/60558/

مقبره 1800 ساله شاعر چيني كشف شد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810080218

نویسنده: سعید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 14:52

در صورتيكه با تلفن همراه شما تماسي بر قرار شد و درآن شخص يا اشخاصي ادعا نمودند كه از مهندسين شركت مخابرات هستند و قصد چک كردن خط شما را دارند و از شما تقا ضا نمودند كه هر عددي را شماره گيري كنيد بدون هيچ گونه شماره گيري فورا تماس را قطع كنيد چون شركتي جعلي

از اين طريق به سيم كارت شما دسترسي خواهد يافت و از طريق خط شما و با هزينه شما تماسهاي تلفني بر قرار خواهد كرد

تمامي كاربران تلفن همراه توجه داشته باشند كه در صورتيكه با شما تماسي برقرار شدو در نمايشگر) از پاسخ دادن به ان خودداري نماييد و تماس را به XALANگوشي شما اين پيغام ظاهر شد(سرعت قطع كنيد در صورت جواب دادن به تماس گوشي شما ويروسي خواهد شد اين ويروس را از روي گوشي و سيم كارت شما پاک خواهد كرد كه اين امر باعث IMSI و IMEIاطلاعات قطع ارتباط شما با شبكه تلفن خواهد شد و شما مجبور خواهيد شد گوشي ديگري خريداري نماييد

لطفا به منظور متوقف كردن اين كار پيغام را براي ديگر دوستان نيز ارسال نماييد

وب سايت   پست الکترونيک

نویسنده: ستاره

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 22:15

دوست گرامی جناب آقای سنجری. فکر کنم شما دچار سوتفاهم شدید. من اصلا عقیده ای در این باب ابراز نکردم که بخواهم اثباتش نمایم. شما مطلبی را گفتید که درست و بدیهی بود و من در تکمیل مطلب شما یک نکته بدیهی دیگر را بیان کردم. اگر مایلید اثبات کنم که نام دریای خزر از نام ترکان یهودی شده خزر گرفته شده، باید عرض کنم که این مطلب این قدر بدیهی است که احتیاج به اثبات ندارد. همان طور نام اقیانوس هند از سرزمین هند گرفته شده و احتیاج به اثبات ندارد. مطلب قبلی من فقط توضیحی کاملتر درباره یک مطلب بدیهی بود و اساسا مطالب بدیهی احتیاج به اثبات ندارند چه شما بگویید چه بنده. باز هم تاکید می کنم مطلب من توضیحی بود بدیهی بر مطلب نخستین شما نه در جهت رد آن. نمی دانم چرا دوستان اینقدر کم تحملند و طرح هر مطلبی را نشانه مخالفت می پندارند و سریع گارد میگیرند.

نویسنده: ?

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 22:23

نگارش قرآن با استفاده از دو خط برای اولین بار انجام شد
http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=515333

مستند 116 روز نوفل‌لوشاتو روي آنتن مي‌رود
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100926548146

ساخت مجموعه‌هايي با موضوع زندگي انبيا
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100926547823

موزه توپكاپي استانبول
http://www.jamejamonline.ir/otherpics.aspx?newsnum=100901217896

كارگاه كاشي سازي حرم مطهر امام رضا (ع) (حاوی 21 عکس)
http://www.jamejamonline.ir/pics.aspx?newsnum=100926450977

چرا شیعه شدم؟
http://www.abna.ir/list.asp?lang=1&gId=68

سند سازی با تصاویر جعلی در شبکه های ماهواره ای
http://www.rasanews.ir/Nsite/FullStory/?Id=71753

تجمع دانشجویان علوم و تحقیقات برای اخراج فائزه هاشمی
http://www.snn.ir/NewsContent.aspx?NewsID=126601

آقای ؟. به نظرم رسید غالب لینک ها به خصوص لینک مربوط به زندگانی انبیا’ پس از پیغمبر و لینک موزه توپکاپی نوعی دهن کجی مراکز اطلاع رسانی کشور به بنیان اندیشان بود. مثلا این اشاره در آن مصاحبه و تاریخ سه تا ده هجری شمسی واقعا خواندنی و لودهنده بود: "در نهايت قصد داريم مجموعه هايي با محوريت زندگي همه انبيا و شخصيت‌هاي موثر تاريخ و تمدن اسلامي بين قرون 3 تا 10 هجري شمسي بسازيم". از زحمتی که می کشید متشکرم.

نویسنده: توحید

سه شنبه 8 دی1388 ساعت: 19:9

با سلام
حرف از فیلم ایرانی شد ، فکر می کنم به تعداد انگشتان دو دست بتوان از آثار تاثیر گذار و قوی نام برد ، ولی فکر می کنم از قلم انداختن فیلم « خیلی دور ، خیی نزدیک » کمی بی انصافی باشد و کلا بعضی از کارهای حاتمی کیا هم قابل تحسین است ...

آقای توحید. آن فیلمی متعلق به صنعت سینما و تاثیر گذار است که بر هنرپیشه و کارگردان و بدل کار و بسیاری حاشیه ی پول ساز و تبلیغاتی دیگر تکیه نداشته باشد. بر این اساس فیلم های اندکی در تمام جهان ساخته شده و در ایران به زحمت از عدد سه می گذرد.

rezaنویسنده:

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 2:56

آقای ؟
لطفا از ارسال لینک های سیاسی از منابع معلوم الحال بیشتر دقت نمایید. هر یک از خوانندگان این وبلاگ دارای نظر و دیدگاه سیاسی شخصی خاص خویش است. این امور جز به انحراف کشیدن بحث بنیان اندیشی جاری نسیت.

شاید بهتر بود که در کنار "بیانیه وقیحانه کروبی درباره هتك حرمت عاشورا" اشاره ای نیز به "هواپیمای اختصاصی آقای خامنه ای" می کردید.

نویسنده: صمیمی

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:21

جناب رضا!
لطفا در احد و حدود خودت قدم بردار! قبل از اینکه از هواپیمای اختصاصی کسی سخن بگویی از املاک شخصی شاهان اهل سنت عرب حرف بزن! بارها دیده ام از مرحوم برقعی لینک گذاشتی یک بار هم به مجعولات اهل سنت اشاره کن تا دم خروسی بر ادعاهای بنیان اندیشی ات بیرون نزند! در ضمن اینجا ملاک برای تشخیص خوبی یا بدی لینکی صاحب وبلاگ است که بارها نظر خود را در خصوص لینکهایی که دوستان می گذارند بیان داشته اند نه تو!

نویسنده: !

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:24

اگر مطالب مخملباف در مورد خامنه ای که فعلا در حال کاسه لیسی صهیونیست است rezaآقای
برای شما که ادعای بنیان اندیشی دارید حکم محسوب میشود
به صراحت بیان کنید تا عمق نفوذ بنیان اندیشی در اندیشه های شما را درک کنیم
شما هنوز دستمال سبز اهل بیت که به نفع صهیونیست بسته شده است را از مچ خود باز نکرده اید

نویسنده: مسعود سنجری

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:32

آقا/خانم ستاره
سلام علیکم
مثالی که در خصوص دریای خزر مطرح نمودید از مثال اقیانوس هند بهتر و قابل قبول تر بود یعنی از نظر شما باید پذیرفت که نام اقیانوس هند از مردم هند گرفته شده که حتی تا زمان حاضر هم خود را سیک، سینهالی، پنجابی، بنگال و کشمیری و ... می دانند. از طرف دیگر در همین بحث جاری مربوط به هند که توسط استاد پورپیرار گشوده شده است ما و شما بیش از گذشته می دانیم که مجموعه بزرگی از مردم و اقوام مختلف به این سرزمین مهاجرت نموده اند که دارای فرهنگها و زبانهای مختلفی هستند اما به لطف تلاشهای استعمارگران ما باید خیال کنیم که با یک منظومه واحد و متشکل طرف هستیم.
حتما شما هم بیاد دارید که کاشفین قاره آمریکا نیز نام هند را در ابتدا به آن سرزمین اطلاق می کردند و تاکنون نیز به سرخپوستان آمریکایی با لقب هندی خطاب می کنند. بنابر این قبل از پدیرفتن این موضوع که نام اقیانوس هند از نام مردم این سرزمین اخذ شده باشد باید در خصوص این نام یعنی هند بررسی نمائیم چرا که نام هند بر نقاط مختلفی در قاره آسیا اطلاق می شده که دلایل آن سئوال برانگیز و محتاج بررسی است مثل هند هلند که امروز با نام اندونزی می شناسیم و دیگری ایندیان ولز و غیر از آن. موفق باشید

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: سعید

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 9:34

با سلام
در صدا و سیمای ایران انیمیشنی نسبتا با کیفیت خوب به نام امپراطوران مقدس ساخته شده است که بیشتر به نظر میرسد با بودجه دولت اسرائیل ساخته شده و برای بچه های اسرائیلی پخش میشود در این انیمیشن ها به اندازه موهای سر از لفظ سرزمین بنی اسرائیل مرز کشور بنی اسرائیل و مردم خدا پرست یهود و حفاظت خداوند از مردم یهود نام برده میشود
این انیمیشن ظاهرا از لحاظ تکنیک ساخت نقطه اوج در صنعت انیمیشن های گرافیک رایانه ای در ایران است و بارها از ساخت آن تجلیل شده است

آقای سعید. این هنوز پرده اول است.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 11:12

http://www.imna.ir/IMNA/ImageGalleryAlbum/Zoom/default.aspx?o_id=709&o_cr=13871207095704&index=0
فکر می کنم این لینک را قبلا گذاشته ام بهرحال دوباره می گذارم .15 عکس از اصفهان قدیم و جالب است که از مسجد شیخ لطف اله در آن خبری نیست .

آقای عادل. عکس هایی تکان دهنده بود. کاش ممکن بود زمان برداشتن عکس ها که نمی تواند دورتر از صد سال پیش باشد و نیز محل آن را تعیین می کردید. اگر کسی بخواهد حقایقی در باب تاریخ ایران را بداند، این عکس ها کمک بزرگی است تا دریابد تا همین اواخر حتی در بناهای ظاهرا صفوی هیچ گنبد و گلدسته و شبستان و رواقی کاشی کاری نداشته و با آجر چینی و کار روی گچ زینت شده است.

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 11:16

http://mm312.persianblog.ir/post/325 /

آقای عادل. مهم زمان چاپ این تمبر است.

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 8:25

سلام
" اما این حقیقت نیز گاهی به چشم می خورد که یک یا دو عامل پیش گفته (مشترکات قومی، زبانی، مذهبی، فرهنگی) ممکن است موجب تشکیل یک ملت گشته، استقلال کشور منبعث از آن را تضمین کند. مثلا زبان فارسی برای بقا و دوام کشور ایران و دین اسلام برای تشکیل دولت پاکستان از عوامل مهم و اساسی به شمار می آید..." / بایسته های حقوق اساسی، دکتر سید ابوالفضل قاضی(استاد فقید دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)/

احراز کرسی استادی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، منوط به ایراد چنین افاضاتی است!

نویسنده: khalil

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:45

آقای رضا از این حرفی که در مورد آقای ؟ نوشته اید بسیار ممنونم و آقای ؟ باید بدانند که اینجا نمی توانند موضوع را به حاشیه بکشند و طرز فکر مردم را نسبت به این اطلاعات با ارزش استاد در وبلاگ را به جایی بکشند که مغزهای کنجکاو را از اصل موضوع به جاهای دورتری از بیابان بی آب و علف پرت کنند و باعث متلاشی شدن این جمع روشنگر و خوشحالی متفکران به اصطلاح روشنفکر نان خور و مغزهای پوسیده و متعصب برخی افراد گردند .
من خودم شخصاً طرفدار هیچ یک از جناه ها نمی باشم و کاری هم با هیچ کدام ندارم ودوستدار حقیقت هستم ولی بالاخره کنجکاو مسایل و حوادث اتفاق افتاده می باشم. شاید با این حرفی که می خواهم بزنم ، مرا عوامل استکبار و یا سبز اموی حساب کنید ولی در مورد حوادث عاشورا در تهران یا هرجای دیگر تصاویر موجود نشان دهنده بی رضایتی مردم نسبت به سیستم حکومتی می باشد نه بی حرمتی نسبت به امامشان، ولی رسانه های خبری کشورمان با تحریک مغزهای خوابیده ،خبرها را با عنوان گیری های مختلف اعم از ضد انقلاب ،عوامل استکبار وحتک حرمت نسبت به کسانی که دوستدارش هستند معرفی می کنند .از آن طرف ضرب و شتم نیروهای حکومتی کشمیر با عذاداران حسینی را نشان می دهند ولی ریختن خون چند نفر از مردم کشور خودمان را آن هم در ایام محرم،حال به هر عنوانی باشد، حتک حرمت به روز عاشورا و ساحت مقدسشان معرفی می کنند؛خود رامقصر خون ریزی در ایام محرم الحرام نمی شناسند و به نظر خودشان دفاع در مقابل دشمنان اسلام می دانند و موضوع را با صورت شرع حل و فصل می کنند

پست الکترونیک

نویسنده: khalil

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:46

آقای ؟ با اخبار خارجی و داخلی نمی توان حقایق رابصورت کامل دانست؛ هر کدام موضوعات را بادست کاری و جعل برای جلوه دادن و اغراق بیشتر نشان می دهند البته نمی توان همگی را جعل مطلق حساب کرد .شاید بتوان با چند نوشته و عکس بی مورد به یک اتفاق را به موضوع دیگری دستکاری و نسبت داد ولی تا حدودی این کار ممکن است.
تصاویری از همان حوادث که از دسترس ترین وسیله ممکن یعنی موبایل تصویر برداری شده نمی توان آن فیلم را جعل گفت چون دوربین گناهی جز تصویر و حرکات را در زوایای خودش به صورت هر چه هست ثبت می کند ولی فاصله زمانی بیشتری می خواهد تا آن فیلم ها را با این همه

متخصص جلوه های ویژه کشوری دست کاری و آن را به صورت دل خواه در آورد.
به نظر من باید در برابر چنین حوادثی ریز بینانه و معقولانه و بدون تعصب فکر کرد.

پست الکترونیک

نویسنده: عادل

چهارشنبه 9 دی1388 ساعت: 12:54

جناب آقای پورپیرار با سلام
در کتاب گزارش باستانشناسی در ایران تالیف هیئت آلمانی در قسمت توضیحات الحاقی بر کتیبه داریوش در بهستان خواندم که در بخش 70 این کتیبه نوشته شده است
1- داریوش شاه گوید : به
2- همت اهورامزدا دیگر
3- خطی ساخته ام بایرانی ,
4- که پیش از آن وجود نداشت . و هم بر
5- رس و هم بر چرم و هم
6-نامها و نسبها ساختم با آنها
7-و آن نوشته شد و بر من
8-خوانده شد .سپس من همین خط را
9-به همه کشورها
10-فرستادم. که مردمش یاد گرفتند آن را.
به خاطر ندارم که در کتابهایتان در خصوص این متن چیزی خوانده باشم . ممکن است راهنمایی فرمائید و اگر مطلبی در این باره نوشته اید آدرس بدهید متشکرم

آقای عادل. در بررسی مطالب کتیبه ی بیستون به این مطلب پرداخته ام که اگر جست و جو کنید خواهید یافت. عمده این است که هنوز کتیبه ی بیستون بر مبنای مطلب واقعا نگاشته بر سنگ خوانده نشده و ترجمه های کنونی بر اساس رسامی هایی از آن کتیبه است که می تواند شامل حذف و زیادت های فراوان باشد.

۱ ۲ >>

/wEPDwUJNzUyI

ایران شناسی 244

ایران شناسی بدون دروغ 244، نتیجه 52، حقه بازی ها در هند، 21 113 - نظر

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 0:54

آقای محمدی. باید بر هر اطلاعی که اکنون درباره ی پیشینه ی علمی و هنری و اقتصادی و سیاسی و مذهبی جهان در اختیار داریم، مهر ابطال و یا لااقل تردید زنیم، زیرا اینک می دانیم اشراف و آگاهی جهانیان بر احوال و حتی جغرافیای یکدیگر، تا چه اندازه تازه به دست آمده است و اگر کسی تا 400 سال پیش مثلا شکل فیزیکی ایران را هم نمی داند، چه گونه از احوال شاعران و طبیبان و مفسران و منجمان و تالیفات 1000 سال پیش آنان خبر دارد؟ پس دنیای کنونی بسی نوساز و تازه کشف شده است و چون عاملان کنیسه و کلیسا نخستین یابندگان آنند، پس تحریر تاریخ و دیگر منضمات تمدنی آن را، که از سمت کنیسه و کلیسا رسیده، نمی تواند قدیم تر از 4 قرن پیش و توطئه چینی علیه مسلمین نباشد، حتی اگر دانشمندان درجه ی اول جهان اسلام را معرفی کنند! به یاد دارم قریب پنجاه سال پیش دولت نوساز اسراییل ادعا می کرد زمین های اطراف مدینه متعلق به قبائل یهودی بنی قینقاع و بنی نضیر و غیره است که پیامبر اسلام پس از قتل عام مالکان آن، مصادره کرده و حالا زمان باز پس گرفتن آن است؟! اینک که می دانیم چنین جنگ هایی را برای کدام بهره برداری اختراع کرده اند، نزدیکی زمان تالیفات مرتبط با این ادعاها روشن می شود. ابتدا جنگی را ساخته اند تا به وقت خویش، بنا بر وقوع آن، طلب کار دائمی مسلمین باشند. ضرب دو روی این سکه ی توطئه آمیز فکر، نمی تواند چندان دور از یکدیگر انجام شده باشد.
شاید هم کسانی با رجوع به این اشاره بازخوانی سطر به سطر تاریخ تازه نوشته شده اسلام به دست یهودیان و در تمام زمینه ها را، در کلاس ها و بر سر منابر، متوقف کنند.

نویسنده: اترش

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 1:32

آقای یه دانشجو: وسواس و حالت تدافعی شدید شما را نسبت به هرآنچه که کمترین بوی یهودی و غربی بدهد درک می کنم اما گمان می کنم این ضرب المثل هم به گوشتان آشنا باشد که: «عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد.» من به دلیل کنجکاوی و علاقه به موضوعات طبیعت چند کلیپ از موجودات اعماق دریا در کامپیوترم ذخیره داشتم که دو کلیپ کوتاه را برای سهولت دانلود در ایران از آن میان انتخاب کردم. پای تبلیغ هیچ سازمان و تشکیلاتی (چه آنوری چه اینوری) هم در میان نبوده و نیست. خیالتان از این بابت راحت باشد. همین که یافته های دانشمندان غربی با تمام اکراهی که از مسایل دینی دارند تاکید کننده ی آیات قرآن است بدترین دهان کجی به خودشان و بهترین مدرک برای قبول این آیات است. از من هم یک توصیه ی دوستانه داشته باشید و بیش از حد به دستآوردهای آنوری ها حساس نباشید. آنچه خدا حرامش نکرده بر خود حرام نکنید. «پژوهش های دانشمندان مسلمان در خلیج فارس» هم ولو بسیار باارزش باشد به درد مقاله ی من نمی خورد چون عمق دریای خلیج فارس حداکثر ۹۰ متر است و مقاله ی من به دریاهایی با عمق بالاتر از هزار متر اشاره دارد.
از اینکه نظر لطفی به مطالب من داشتید ممنونم

وب سایت

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 9:57

خانم حاجی زاده سلام علیکم

آنچه را با چشم خود دیده ام باور کنم یا جواب اغراق آمیز شما را؟ ضمنا چگونه می توان تهران و شهرهای مختلفی را که در آن تظاهرات شده مملو از نیروهای گارد ویژه دانست؟ لابد تظاهر کنندگان با عبور از کنار افراد گارد ویژه به خیابانها سرازیر می شوند؟ و اضافه می کنم سئوالی که پرسیدید بسیار منطقی است اما چرا از من توقع دارید بجای آنها به شما پاسخ دهم؟ آنچه را دیده ام به این علت بوده که برای رسیدن مقصد مجبور به عبور از کنار تظاهر کنندگان شدم. اگر بار دیگر خدای نکرده چنین اتفاقی افتاد حتما به نیابت از شما از آنها سئوال خواهم کرد. اگر هنوز هم باور ندارید که مسئله ذکر شده یکی از عوامل حضور برخی از جوانان در چنین مراسمی است می توانید در این خصوص بررسی کنید. قطعا نتیجه بررسی شما هرچه باشد محترم و قابل قبول است. موفق باشید.

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 7:17

سلام
آقای موومان
اتفاقا چند روز پیش برای من هم سئوال مشابه سئوال شما پیش آمد، به این مضمون که چطور علامه عسگری، دروغین بودن صدوپنجاه صحابه کشف میکند ولی به مجعول بودن آن های دیگر پی نمی برد؟!
ظاهرا ایشان چون به دیر هضم بودن این مقوله در ذهن باورمندان واقف بوده اند سعی کرده اند تنها بخش اول را به صراحت بیان کنند و بخش دوم را با نقل چنان روایاتی و به اصطلاح با دفاع بد، تخریب کنند، همان کاری که یهودیان با پیامبر با جعل احادیث کرده اند!

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 7:17

آقای توحید، متاسفانه استاد تشخیص دادند که سانسور کامنتهای من کفایت نمی کند و بهتر است کلهم نصب نشوند، برای همین من دیگه در این مورد حرفی نمی زنم.

نویسنده: neda

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 12:25

http://cid-0816ebba27188653.skydrive.live.com/self.aspx/Public/Neda|_before|_she|_gets|_shot.flv

نویسنده: فیلم مستند

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 13:39

این فیلم مستند درباره سناریوی قتل ندا آقاسلطان است و مثل تختگاه هیچ کس تکان دهنده:
neda_Mobarezclip com_.3gp /http://www.4shared. com/download/ 165237447/ 3d77896a

cdc6e70e/ neda_Mobarezclip com_.wmv /http://www.4shared. com/download/ 165228115

نویسنده: محمد علی

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 14:29

کشف جدید: امروز صبح اخبار رادیو اعلام کرد که یک دانشمند انگلیسی کشف کرده که کشتی نوح دایره ای! بوده است.

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 17:26

با سلام
جناب یک دانشجو از بنیان اندیشی حرف می زنید و"خلیج همیشه فارس"را به رخ میکشید؟؟؟!!!!

نویسنده: ?

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 18:36

تصاویر تکان دهنده از زنجیرزني افاغنه
http://parcham.ir/vdce.w8nbjh8p79bij.html

پدیدار شدن آیات قرآن کریم بر پوست يك كودك نه ماهه
http://irnon.com/post-6105.aspx

نامه علم الهدی به موسوی
http://parcham.ir/vdcj.xeifuqea8sfzu.html

عکس:سنت قطع انگشتان دست!
http://parcham.ir/vdcj.oeifuqemhsfzu.html

پرطرفدارترین اسامی در خانواده های ایرانی
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95866

اظهارات مریم رجوی تیتر یک روزنامه حامی دولت
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=79683

احتمال مهاجرت بیت امام خمینی به نجف اشرف
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95895

برخی از فتاوی صانعی بدعت و خلاف قرآن است
http://www.irdc.ir/fa/content/8516/default.aspx

معلوم نیست دولت ایران تا یک سال دیگر سر کار باشد
http://www.rfi.fr/actufa/articles/121/article_10239.asp

عکس: كشف يك گور جمعی با 32 جسد در کربلا
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=15671

عربستان: رژیم صهیونیستی کودک ناز پرورده است
http://www.qodsna.com/NewsContent-id_21476.aspx

گفتگو آرام میان شیعه و سنی
http://www.shia-sonni.com/index.php

محلی برای سوالات شیعیان از اهل سنت (زبان سایت عربی است)
/http://alsoal.com

آقای ؟. ممنون. زحمت کشیده اید.

نویسنده: آمون

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 18:50

امیر حسین هکر. یه تماس با من بگیر. لازمه.
amun.blogfa.com

نویسنده: ندا

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 22:36

/http://iranaks.blogsky.com/1388/09/17/post-1883

نویسنده: ....

یکشنبه 13 دی1388 ساعت: 20:39

آقای ایلماز دم خروس خوبی از این " یه دانشجو " را نمایاندید ، به این جمله دقت کنید :
" وقتی امام خامنه ای و رئیس جمهور منتخب و محبوبمان دکتر احمدی ن÷اذ برای اسلامی کردن همه علوم تاکید داشته و دستور صادر می کنند ... "

خدا وکیلی دیگه حتی حوصله خندیدن به چنین جوکهایی رو هم ندارم ، یکی نیست این بابا رو بیاره تو باغ ، این رئیس جمهور محبوب مردمی ، چرا همش به دنبال اسلامی کردن علوم نظامی است ، چرا قدمی در انتشار کتابها و مستند استاد پورپیرار بر نمی داره تا تاریخ و باستان شناسی و علوم انسانی غربی و یهودیمون اسلامی بشه ؟!!!

نویسنده: عباس

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 6:54

استاد خسته نباشید.خواهش می کنم به نقاشی های داخل وب سایت توجه کنید Pictures from Old Children's Bible Story Books

---

آقای عباس. حتی با فیلتر شکن هم باز نشد. اگر ممکن است تصاویر را ای میل کنید.

پست الکترونیک

نویسنده: یه دانشجو

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 7:48

به خواهران و برادران بنیان اندیشی که به پیام های قبلی من انتقاد کرده بودند باید یاد آوری کنم که با همه احترامی که به تک تک شماها قائل هستم من خودم را در مشی استاد می دانم و استاد هم از قبل و بعد از انتخاب اخیر رئیس جمهوری مان تماما پشتیبان امام خامنه ای و رئیس جمهور محبوبمان دکتر احمدی نژاد بوده اند البته استاد معتقد هستند که بعضی انتقادات جزیی بر بعضی از مشاوران دکتر وارد است که دلیل عدم انتشار اثار ش را دخالت بی جای این مشاوران می دانند. من معتقد هستم که اگر دکتر احمدی نژاد شخصا از محتوای اثار استاد با خبر باشند حتما و حتما موانع سر راه را بر خواهند چید. برای اینکه همه اندیشه های گهر بار استاد خستگی ناپذیر با باور و افکار و اندیشه های امام خامنه ای و دکتر تطابق کامل دارند. اگر دقت کرده باشید استاد هیچوقت به امام خامنه ای و به دکتر احمدی نژاد انتقادی وارد نکرده اند بلکه ایشان گاها به افراد جانبی مانند اقای مشایی انتقاد های خردمندانه و دوستانه و برادرانه داشته اند. استاد که همه پیام های سایت را خوانده و تائید می کنند اگر مخالفتی با هر کدام ار پیام هایم را داشته باشند حتما که تذک لازم و نصیحت خردمندانه ای می دادند.

موفق و موید باشید.

آقای یک دانشجو. به گمان من آن مسئول فرهنگی و یا حتی سیاسی که به مستند تختگاه هیچ کس و به خصوص طوفان نوح توجه نمی کند، با اصول اسلام بیگانه است. اضافه کنم مطمئنا به جز آقای خامنه ای مستندها از مسیرهای مختلف، برای دفاتر تمام مسئولان فرهنگی کشور و نیز علمای قم فرستاده شده است.

نویسنده: سعید

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 8:38

با سلام
بیشتر نظرات و نوشته های استاد به خصوص بعد از مباحث صفوی با باورها و خط مشی جمهوری اسلامی در مسائل مذهبی مخالف است
نمیتوان تمام مباحث را در شک به تمام باورهای مذهبی هر چند اشتباه مردم بیان کرد در مورد وجود عباسیان در ایران شک کرد!!؟؟که این خود سر منشع نفی باورهای بسیار تاثیر گذار و مهم در ایران است را مطرح کرد و انتظار داشت دولت جمهوری اسلامی که بقای خود را در این باورها میبیند همانگونه که در روز چهارشنبه هفته پیش دیدیم در بسط و گسترش این باورها دست یاری به سمت بنیان اندیشی دراز کند
جعل یهود چنان گسترده است که در تمام لایه های جامعه تاثیر گذار است اگر مسائل محدود به مسئله هخامنشیان واشکانیان و ساسانیان بود تا به امروز این مباحث یک دغدغه ملی شده بود حتی در مورد دانشمند و شاعر سازی ها امید مطرح کردن و به نتیجه رسیدن هم بود اما در مورد مسائل مذهبی راه بسته است مگر اینکه خداوند نوری را از این روزنه کور امید بگشاید
البته فکر نمی کنم آقای خامنه ای و آقای احمدینژاد شخصا مستند های استاد را دیده باشند بیشتر این مسائل در دفاتر این آقایان بررسی میشود واز فیلتر هایی همچون موشایی میگذرد

نویسنده: آيدين قشقايي

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 11:14

سلام به دوستان
جناب آقاي پورپيرار
وقت بخير
گله اي از شما داشتم. از موقعي كه شما فرموده ايد ذره اي از يافته هاي غربيان در حوزه علوم انساني ارزش و اعتبار ندارد من از نان و نوا افتاده ام چون رشته اي كه من حدود 10 سال از عمرم را در آن گذارده ام (رشته مديريت) از رشته هاي علوم انساني محسوب مي شود!!!!
اگه ميشه تبصره اي، بندي چيزي به اين نظريه تون اضافه كنيد تا حداقل ما از نان و نوا نيفتيم!!!!

تبصره: رشته مدیدیت جزو علوم انسانی نیست!!!

نویسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 14:35

خانم حاجي زاده،

بي تعارف عرض كنم كه در مواردی از نگاه بنيان انديشانه شما لذت برده و استفاده كرده ام.
اما در باب صحبت جديدي كه مطرح كرديد و ظاهراً به مذاق صاحب وبلاگ خوش نبود، عرض كنم كه مطمئنم عكس العمل ايشان از سر مهرباني بود.
مردم در حال سنجيدن دولت و نظام هستند اما اعتراضاتي كه عليه دولت يا حكومت كه شما صحبت آنرا مي كنيد غير از اعتراض طبيعي مردم، بر اساس درک و اعتقاد جاري آنها، است. آن اعتراضات، اعتراضاتي مصنوعي و از نظر گستردگي بسيار محدود تر از آن چيزي است كه ادعا مي شود. در مقابل دولتي است كه حاصل جوشش و حركت طبيعي مردم ساكن ايران است، گر چه آنرا بي كفايت يا متكي به عقايد غلط بدانيد يا حتي نشان دهيد كه در بدنه آن عوامل وابسته به كنيسه نفود دارند. به همين خاطر است كه جا خالي هايي كه اين دولت به حركت هاي غربي ها مي دهد باعث اصابت پوزه آنها به خاک مي شود ديدني و شيرين است.
هر گاه اعوان كنيسه از حركتي خوششان نيامد يا در آتش مخالفت آن دميدند، هر قدر هم كه آنرا غلط ارزيابي كنيد، بايد عميق تر به آن نگاه كرد.

با احترام
مهدي

نویسنده: بابک

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 15:19

آقای یک دانشجو
همانقدر که طرز تفکر یک سبز پوش جوگیر با دیدگاهها و افکار بنیانی استاد پورپیرار همخوانی ندارد طرز فکر فردی با تفکر تو نیز هیچ سنخیتی با افکار بنیان اندیشی ندارد. پس بهتر است که از این یافته های نو برداشت شخصی و سیاسی نکنید. در کلاس درس استاد بنشینید و سکوت را رعایت کنید و فقط عمیقا فکر کنید تا قدرت تحلیلتان از این مقاله های ناب بیشتر شود. در ضمن مواظب خلیج همیشه فارستان هم باشید...

نویسنده: ?

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 16:39

عکس های حرم امام رضا در سال 1320
(منبع عکس ها لینک http://free-news24.blogspot.com/2010/01/1320_4364.html به دلیل ف....گ از صفحه های فایل فلش عکس گرفتم و عکس ها را جای دیگر آپلود کردم)
http://pcnet.ir/uploaded/1bnb.jpg
http://pcnet.ir/uploaded/2nnn.jpg
http://pcnet.ir/uploaded/3pvp.jpg
http://pcnet.ir/uploaded/4fwf.jpg
http://pcnet.ir/uploaded/5zqz.jpg
http://pcnet.ir/uploaded/6gpg.jpg

عکس جنجالی از مشایی و هدیه تهرانی
http://jahannews.com/vdce7w8v.jh8fvi9bbj.html
http://www.khabaronline.ir/news-34393.aspx

عکس:لوگوي حمايت از ولايت فقيه
http://parcham.ir/vdch.mnmt23nqwftd2.html

كشف مجموعه تاريخي متعلق به دوره اشكاني در كهكيلويه و بوير احمد
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=875484

"نامه رضايي انحرافي تر از بيانيه موسوي بود"
http://www.fararu.com/vdcc4xq1.2bq408laa2.html

دختر فلسطینی در بیت لحم در حال تماشای خانه ای که در جریان حملات اسرائیل از بین رفته است
http://www.fararu.com/vglee78x.jh8vwjbrz9jk-.irbxj.2.html

نویسنده: ?

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 16:41

خبرنگاران روزنامه ها و خبرگزاري ها روز دوشنبه از موزه مجلس شوراي اسلامي بازديد كردند (گزارش تصویری)
http://www.irna.ir/View/FullStory/Photo/?NewsId=877171

خودداری نمایندگان ایتالیا از سفر به ایران
Itemid=42&id=55163&task=view&http://www.bazyab.ir/index.php?option=com_content

چرا مسیحیان درخت کریسمس دارند؟
http://persianspatriot.blogfa.com/post-400.aspx

هشدار رییس جمهور آینده درباره بازداشت کروبی و موسوی !
http://jahannews.com/vdcaowna.49n0015kk4.html

دیدار نماینده رهبر انقلاب با خانواده موسوی
http://jahannews.com/vdcjm8eo.uqeaazsffu.html

اساسنامه فدائيان اسلام براي تشكيل حكومت اسلامي

خبرگزاري فارس: آن چه خواهيد خواند ، متن كامل كتاب «راهنماي حقيقت» است كه در سال 1329 شمسي توسط فدائيان اسلام منتشر شد. اين كتاب را بايد قانون اساسي فدائيان براي حكومت خواند كه با توجه به شرايط زمان خود تنظيم و تاليف شده است.
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810140729

كيک تولد بيست و هفت سالگي رياست جاسبي بر دانشگاه آزاد در تجمع اعتراض آميز دانشجويان دانشگاه آزاد
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M590079.jpg
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M590093.jpg
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/PicView.aspx?Pic=Pic-1467524-10
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/PicView.aspx?Pic=Pic-1467524-1

نویسنده: ?

دوشنبه 14 دی1388 ساعت: 16:42

جاسبي: رفتن يا ماندن كسي در دانشگاه آزاد مهم نيست
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810140968

آخرین آمار فلسطینی ها
http://parcham.ir/vdce.o8nbjh8fw9bij.html

دومین نشست علمی اسلام شناسی برپا می‌شود
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1011058

خالد مشعل: به ایران در حمایت از حوثی ها کمک نمی کنیم / اساس نقش آفرینی در مسئله فلسطین، عربی است
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=95962

احمدی نژاد: هستي‌ام را براي لايحه يارانه‌ها مي‌دهم
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=79860

بنيانگذار بنياد فردوسي اصفهان خبر داد:
شهرداري خسارت تخريب بناي بنياد فردوسي را به زودي پرداخت مي‌كند
Lang=P&http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1466698

استعفای قریب‌الوقوع ری‌شهری از سرپرستی بعثه مقام معظم رهبری
http://www.khabaronline.ir/news-34366.aspx

بازسازی کشتی حضرت نوح در هلند/گزارش تصویری
http://www.khabaronline.ir/news-34321.aspx

نویسنده: عباس

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 2:55

استاد تصاویر را برایتان ای میل کردم اگرهنوز به دست شما نرسیده تا دوباره بفرستم

پست الکترونیک

نویسنده: ?

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 3:52

سلحشور «قصه‌هاي خدا» را سال 89 كليد مي‌زند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810141464

فهرست کتاب‌ها و مطبوعات ممنوعه در ایران
http://tiny.cc/SfvtQ

مراجع تقلید: تقلید از آیت الله صانعی صحیح است
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96019

پاسداشت پنجاه و ششمين سالگرد شهادت نواب صفوي و يارانش
دستخط مقام معظم رهبري در تجليل از نواب صفوي
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810141134

اعتراض به موسوی توسط خارج نشین ها
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99837

افراطیون همه دلسوزان نظام را نشانه گرفته‌اند
http://www.shafaf.ir/fa/pages/?cid=14413

مجموعه‌ی "تفسیر قرآن" امام موسی صدر
http://ketabnews.com/detail-19197-fa-1.html

نویسنده: مجتبی غفوری

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 4:54

اونایی که عکس های میدان آزادی رو نشون می دادن بیشتر ببینن
ما بیشماریم اگه فتوشاپ بگذارد!!!

http://mobarezclip.com/post-1141.aspx

به صفحه اصلی این سایت نگاهی کنید.سناریوی قتل آقا سلطان...
http://mobarezclip.com

نویسنده: رامین.ص

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 9:50

با سلام به استاد:1)با توجه به اسامی شهرها در نقشه هند از کتاب پایان زمین ایا میتوان گفت که هند دارای تمدنی بومی و کهن بوده است؟2)در نوشته های شما استاد گرامی از هند به نظر میرسد که معابد عظیم شیوا و خدای خورشید در کناراک هند هیچ جایگاهی ندارند.ایا میتوان مشخص کرد که این معابد عظیم مربوط به چه دورانی از تاریخ هند هستند؟با تشکر فراوان

نویسنده: عادل

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 12:44

http://fouman.com/history/Iran_Historical_Photographs_Gallery.htm

نویسنده: R134a

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 17:3

نقش يهوديان در بافت قاليهاي ايران:
دوران شكوفايي توليد و بافت فرش در ميان جمعيت‌هاي يهودي در اوائل قرن نوزدهم ميلادي به اوج خود مي‌رسد و كار قالي‌بافان يهودي در شهرهاي كاشان، اصفهان، كرمان، تبريز و سراب، بيش از هر زمان ديگري چشم‌گير بوده است. مونههايي از اين فرش‌هاي بسيار ظريف در موزه‌هاي مختلف در سراسر دنيا، به يادگار حفظ شده است. به عنوان مثال در موزه Beth Zedek در شهر تورنتو واقع در كانادا، حدود يك دوجين از اين آثار برجسته قاليبافي وجود دارد. به ويژه يك نمونه فرش كاشان كه بافت آن مربوط به سال 1850 ميلادي بوده و شرح حال قوم يهود را در دوران حضرت سليمان و دوره عهد عتيق به تصوير مي‌كشد. اين فرش منحصر به فرد، داراي بيش از 2000 گره مي‌باشد. فرش ديگري كار قالي‌بافان يهودي شهر كاشان كه بافت آن مربوط به حدود 1890 م. مي‌باشد و توسط ناصرالدين‌شاه (1848-1896 م.) به قالي‌بافان يهودي سفارش داده شده بود تا به پزشك يهودي‌اش به نام حكيم نورمحمد هديه دهد. در زمينه اقتصادي با توجه به جايگاه محكم يهوديان در كار توليد، داد و ستد و صادرات فرش در ايران، طبيعي است كه يهوديان در اين كشور، موقعيت ممتازي در كار تجارت فرش‌هاي مشرق‌زمين به دست آوردند. George Curzon زماني درباره يهوديان ايران نوشت كه آنان در امر تجارت و داد و ستد شهرت به سزايي دارند. در قرن نوزدهم Felton Anton نيز به نوبه خود مي‌نويسد كه ميزان توليد فرش‌هاي ايران به حدي بالاست كه مي‌تواند پاسخگوي نيازهاي بازارهاي اروپا باشد. يك روزنامه‌نگار انگليسي موسوم به Mac Lean در سال 1904، نقش يهوديان در زمينه واردات پنبه از منچستر و همچنين جايگاه ويژه آنها در امر تجارت در شهرهاي كرمانشاه، همدان و (خرمشهر) را يادآور شده است...

نویسنده: R134a

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 17:3

ادامه
... شهر كاشان، به دليل وجود يهوديان، در اين شهر از يك تاريخ ويژه و قديمي برخوردار بوده و اين شهر در حقيقت محل اقامت يهوديان رانده شده از اسپانيا در دروان تفتيش عقايد مي‌باشد و همان‌گونه كه Anton Felton مي‌نويسد، بنا بر اسناد تاريخي موجود، شهر كاشان «مركز فرهنگي يهوديان ايران» بوده است و فرش‌هاي بافته شده توسط يهوديان در اين شهر، خود گواه اين امر است. در آن سوي كشور ايران، در خطه آذربايجان نيز فرش‌هاي معروف بافت شيروان، بادكوبه و قره‌باغ قابل ذكر است. مارتن ژيلبر Martin Gilbert ، نويسنده كتاب «اطلس تاريخ يهودا» به ويژه مي‌نويسد: جنوب قفقاز، بين ايران و تركيه، منطقه ممتازي براي قالي‌بافي بوده است. يهوديان و همسايگان مسلمان آنها، فرش‌هاي بسيار زيبا، با رنگ‌ها و نقش و نگارهاي بسيار ظريفي كه در نوع خود، از ويژگي‌هاي خاصي برخوردارند، بافته و عرضه كرده‌اند. Anton Felton تاييد مي‌كند كه يهوديان ساكن مناطق كوهستاني كه زبان و گويش محلي آنها يكي از لهجه‌هاي زبان فارسي است، از خط عبري استفاده مي‌كردند.

Ref:
سایت رسمی انجمن کلیمیان ایران

http://www.iranjewish.com/Essay/Essay183_31_farsh.htm

آقای R134a. ظاهرا به جز مدعیان و روشن فکری کنونی، هر خاخامی از حقیقت نوسازی ملت های ترک و فارس و هندی و اردو زبان و افغانی خبر دارد.

نویسنده: !!!!!

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 18:42

مصباح يزدي: يهودي‌ها حيله‌گرترين افراد بشر در سياست هستند
مصباح يزدي يهود را فاسدترين طايفه برشمرد و افزود: در هيچ قوم، كشور و منطقه‌اي چنين طايفه‌اي وجود ندارد، يهود خود را ملت برگزيده، نازپرورده و پسرخوانده خدا مي‌داند كه بايد ساير انسان‌ها مانند حيوان فداي آن‌ها شوند.
http://noandish.com/com.php?id=37130
اين گروه، فتنه‌انگيزترين افراد در عالم بشريت هستند و تا اسلام را از بين نبرند، دست از سر مسلمان‌ها بر نخواهند داشت.

نويسنده: ايلماز

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 19:59

با سلام
جناب آقای !!!!! یک مستند بدست این آقا برسایند ببینید گوش هایش قرمز می شود یا نه؟!!

نويسنده: R134a

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 20:8

يهوديان عراق

... پدربزرگ كم‌كم با پيشرفت‌هاي اقتصادي تصميم به ترك بصره و مهاجرت گرفت. او به همراه خانواده‌اش در اواخر دهه سي ميلادي زادگاهش را به سوي بغداد ترك گفت. وي در بغداد به عنوان يك بازرگان يهودي نه تنها به نبض اقتصاد و سياست نزديك‌تر شده بود بلكه همزمان قدم به شهري كاملاً يهودي گذاشته بود. بغداد در سال 1920 بالغ بر 202000 سكنه داشته است كه از اين تعداد يكصدهزار تن اهل تشيع و تسنن بودند. گفته مي شود يهوديان در آن زمان با جمعيتي بالغ بر 80000 نفر به صورتي اكثريت بودند. بدين ترتيب امور بازرگاني نيز در دست آنها بود. در آن زمان نيمي از اعضاء اتاق بازرگاني بغداد، وزير دارايي و تعدادي از اعضاء هيئت دولت، يهودي بودند. در بغداد سي باب كنيسا و مراكز تعليم و تربيت يهوديان وجود داشت.

در آن زمان منطقه يهودي‌نشين «باتاوين» در بغداد بهشت برين در مشرق زمين محسوب مي‌شد. با اين اوصاف پدربزرگ نيز در اين شهر ماندگار شد...

:Ref
سایت رسمی انجمن کلیمیان ایران
http://www.iranjewish.com/worldyahood/iraq.htm

نويسنده: R134a

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 20:23

يهوديان اصفهان

...
محمود دانشور در صفحه 138 كتاب «ديدني‌ها و شنيدني‌هاي ايران» از زيارتگاه‌هايي در اصفهان ياد مي كند كه سابق از اماكن مقدس يهوديان بوده است و در دوران صفويه و پس از آن، به ويژه، در زمان سلطنت ايران بر باد ده ناصرالدين شاه و زعامت آقا نجفي در اصفهان رنگ امامزاده به خود گرفته‌اند....

:Ref
سایت رسمی انجمن کلیمیان ایران
http://www.iranjewish.com/worldyahood/IRANJEWISH/Essay16.htm

نويسنده: ?

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 21:31

قاچاق تکه‌اي از پرده کعبه
http://parcham.ir/vdcc.mqpa2bq4sla82.html

مقبره هابیل پسرحضرت آدم/عکس (قبلا لینکی در این مورد گذاشتم اما این عکس از نمای دیگری است)
http://parcham.ir/vdcc.4qpa2bq4xla82.html

يك سند تاريخي از مواجهه اصلاح طلبان با خلع مرجعيت
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810151558

جاسوس اردن 7 مامور سیا در افغانستان را کشته است
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810150926

200 كتاب چاپ سنگي در حوزه علميه شاهرود نگهداري مي‌شود
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810150433

استعفای ری شهری تکذیب شد
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=80019

الهام: اگر مشایی و رحیمی برای مراسم تودیعم بیایند، من نمی آیم
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96110

گزارش تصویری ایستگاه آخر:یک روز در غسالخانه
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96122

زنده به گور کردن کودکان / عکس
http://www.khabaronline.ir/news-34651.aspx

تخریب خانه امام خمینی(ره)
http://www.khabaronline.ir/news-34752.aspx

سرگذشت دين ها و باورهاي ديني در ايران در راه انتشار
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=876145

نامه پادشاه عربستان به رئیس جمهور یمن
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=79993

پایان تدوین «فرهنگ قرآن» پس از هشت سال
http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=518985

پای صهیونیست‌ها به یمن باز شد
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=9277

توزیع کتابی در اهانت به پیامبر (ص)
cat=1&http://www.shia-online.ir/article.asp?id=9275

باز هم فتوای عجیب یک مفتی سعودی درباره حجاب
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=15722

کاریکاتوریست هتاک به پیامبر در آتش سوخت
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=42438

عکس/ اژه‌ای و فلاحیان در عنفوان جوانی
http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=14460

همه زنان ناصرالدین شاه + عکس

http://shafaf.ir/fa/pages/?cid=14441

4سوال آیت الله نوری همدانی از موسوی
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=42421

آقای ؟. از راه نمایی های شما ممنونم و اگر لازم شد مزاحم می شوم و ضمنا فاصله قبول نشد.

نویسنده: توحید

سه شنبه 15 دی1388 ساعت: 19:24

جناب r134 a با تشکر از مطالبتان ، این را هم بدانید که یهودیان در صنعت نساجی ید طولایی دارند و یکی از منابع اصلی در آمدشان همین نساجی بخصوص سنتی آن است ، چنانکه اگر دقت کنید در پارچه های ضخیم بافت مانند جانماز و سجاده و روفرشی و ... پر است از انواع ستاره های داوود با بزک های گوناگون . یعنی حتی از آداب خاص و تشریفاتی نماز خواندن ما که احتمالا ابداع و ترویج خودشان است هم منبعی برای در آمد خود ساخته اند .

نویسنده: به دانشجو

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 0:42

مصباح یزدی راست میگند برای اینکه خودشان هم جزوشان هستند. باور ندارید به پرونده قبل از انقلاب این شخص و پدیده حجتیه نگاهی کنید.

نویسنده: عباس

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 8:27

استاد خسته نباشید.اگر مقدور می باشد . من اسامی بهایه های زمان شاه که در حکومت پهلوی درجه بالا داشتن را برای من نام ببرید

آقای عباس. به گمانم مرکز اسناد انقلاب اسلامی در این باب کتابی منتشر کرده باشد.

پست الکترونیک

نویسنده: reza

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 9:7

آيا مي‌دانستيد که اصل و نسب برخي از واژه‌ها و عبارات مصطلح در زبان فارسي در واژه‌ها عبارتي از يک زبان بيگانه قرار دارد و شکل دگرگون شدة آن وارد زبان عامة ما شده است؟
به نمونه‌هاي زير توجه کنيد:
زِ پرتي: واژة روسي Zeperti به معني زنداني است و استفاده از آن يادگار زمان قزاق‌هاي روسي در ايران است در آن دوران هرگاه سربازي به زندان مي‌افتاد ديگران مي‌گفتند يارو زپرتي شد و اين واژه کم کم اين معني را به خود گرفت که کار و بار کسي خراب شده و اوضاعش ديگر به هم ريخته است.
هشلهف:مردم براي بيان اين نظر که واگفت (تلفظ) برخي از واژه‌ها يا عبارات از يک زبان بيگانه تا چه اندازه مي‌تواند نازيبا و نچسب باشد، جملة انگليسي (I shall haveبه معني من خواهم داشت) را به مسخره هشلهف خوانده‌اند تا بگويند ببينيد واگويي اين عبارت چقدر نامطبوع است! و اکنون ديگر اين واژة مسخره آميز را براي هر واژة عبارت نچسب و نامفهوم ديگر نيز (چه فارسي و چه بيگانه) به کار مي‌برند.
چُسان فُسان: از واژة روسي Cossani Fossani به معني آرايش شده و شيک پوشيده گرفته شده است.

شِر و وِر: از واژهٔ فرانسوي Charivari به معني همهمه، هياهو و سرو صدا گرفته شده است.
فاستوني: پارچه اي است كه نخستين بار در شهر باستون Boston در امريكا بافته شده است و بوستوني مي‌گفته‌اند.
اسكناس: از واژهٔ روسي Assignatsia كه خود از واژهٔ فرانسوي Assignat به معني برگهٔ داراي ضمانت گرفته شده است.
فكسني: از واژهٔ روسي Fkussni به معني بامزه گرفته شده است و به كنايه و واژگونه به معني بيخود و مزخرف به كار برده شده است.
لگوري (دگوري هم مي‌گويند): يادگار سربازخانه‌هاي ايران در دوران تصدي سوئدي‌ها است كه به زبان آلماني (Lagerhure) به فاحشهٔ كمبها يا فاحشهٔ نظامي مي‌گفتند.
نخاله: يادگار سربازخانه‌هاي قزاق‌هاي روسي در ايران است كه به زبان روسي به آدم بي ادب و گستاخ مي‌گفتند Nakhal و مردم از آن براي اشاره به چيز اسقاط و به درد نخور هم استفاده كرده‌اند

نویسنده: سعید

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 9:13

جناب R134a فرشی را نمی شناسم که 2000 گره داشته باشد و فرش مرغوب محسوب شود فرش مرغوب یعنی فرشی که در هر متر مربع بیش از 400000 گره داشته باشد
نقش یهودیان در تجارت فرش ایران تا به امروز هم ادامه دارد و تجار بزرگ فرش در بازار تهران قبل از مهاجرتشان به اسرائیل و آمریکا همین یهودیان بوده اند و تجار نام دار امروز ایرانی در این صنعت پادوی آنها محسوب میشدند
در مورد جنوب قفقاز یعنی منطقه آذربایجان امروزی نیاز به تحقیق است در تبریز گرجی ها در قرن اخیر و مردم خود آذربایجان در این صنعت فعال بوده اند و در امر صادرات و از طریق تهران عمده تجارت فرشهای آذربایجان هم بر عهده یهودیان بوده اما در امر تولید فرشهای روستایی و عشایری دخالت مستقیم در تولید فرشها نداشته اندو این صنعت به نظر بومی میرسد به طوری که در بافت فرشهای شهری قم وکاشان و اصفهان و تبریز از ابتدا نیاز به طراحی نقشه برای بافت فرش احساس میشده اما در مورد فرشهای عشایری فرشها نیاز به نقشه ندارند و در این طرحها من تا به امروز علائم یهودی ندیده ام و تنها الهامی است از طبیعت
در سال 1384 سفارشی در حدود 30000 متر مربع از یک تاجر یهود به یکی از دوستان ما پیشنهاد شد که طراحی نقشه های آن از روی مدل در سایزهای مختلف به بنده پیشنهاد شد اما خوشبختانه به دلیل عدم توافق در قیمت و مشغله نپذیرفتم این نقوش عمدتا جملات کوتاهی به خط عبری ستاره داود و گل دوازده پر و شمعدان یهود بود و اشکالی خاص که با موتیفهای بومی عشایر ایران بسیار متفاوت است

آقای سعید. دو هزار گره احتمالا در هر اینچ مربع است.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 9:19

بافت فرش قبل از 300 سال در ایران قابل تصور نیست و نشانه ای هم از آن دیده نمیشود اما فرشهای نزدیک به 800 ! سال در موزه های دنیا از منطقه قفقاز و آسیای میانه مشاهده میشود و قدیمی ترین فرش دنیا یعنی پازیریک (تخمینا قرن 5 قبل از میلاد) که ایرانیان آن را نگین هنر هخامنشیان مینامند در منطقه پازیریک دره ای در مرز قزاقستان و مغولستان یافت شده است
http://en.wikipedia.org/wiki/Pazyryk_burials
سرگی رودنکو در حفاریهای خود که من گزارش آن را در جایی نخوانده ام در حفاریهای این دره نشانه زندگی مدنی بافته های پارچه و فرش یافته است در این
فرش که تصاویری از موتیف های بین النهرینی نیز وجود دارد تصویر گوزنی بومی منطقه پازیریک و نماد مردم آن منطقه نیز در آن یافت میشود و فرضیه بین النهرینی بودن آن را زیر سوال میبرد

آقای سعید. داستان این فرش پازیریک هم چیزی شبیه گل نوشته ی قلابی کوروش است.

نویسنده: سعید

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 9:29

با سلام خدمت استاد عزیز
در بیانیه اپوزیسیون خارج نشین دو مورد مورد اهمیت است یکی استعفای احمدی نژاد
دیگری انحلال شورای عالی انقلاب فرهنگی اولین مورد قابل تحلیل است اما مورد دوم که به نظر بیشترین حساسیت این ارازل بر روی آن است برای من سوال است به نظر شما این حضرات از مطرح کردن این موضوع چه قصدی دارند

آقای سعید. این هم از آن ژست های عوام فریبانه است و گرنه شخص موسوی در شورای عالی انقلاب فرهنگی عضویت دارد و نشنیده ایم تخم دو زرده کرده باشد!

نویسنده: reza

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 9:53

آقای غفوری گرامی
ممکن است بفرمایید که این عکس دستکاری شده فتوشاپی در کدام خبرگزاری رسمی/نیمه رسمی یا وب سایت حامی سبزها کار شده است؟

ایا این نیز همان حیله جاعلان تاریخ نیست که از میان صدها کتاب و رساله تولید شده در دخمه هایشان جهت خرید آبرو هم که شده جند تا را جعلی و بقیه را اصیل اعتبارگذاری میکند؟
این مسئله هیچ ارتباطی به سبز یا نارنجی یا .. ندارد.
مستدام باشید

نویسنده: نتاب

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 11:39

با سلام،
این سوال بنده برای دانستن است، چون واقعا نمی‌دانم:
ایا هیچ جنگی (به شیوه فیزیکی زد و خورد میان انسانها) در قران امده است؟
اگر جریان رویدادن هیچ جنگی در قران نیامده است، پس با خیال راحت می‌شود همه جنگها را ساختگی اعلام کرد.

آقای نتاب. در قرآن به جز جزاهای الهی، گفت و گوی جنگ نیست و لااقل از زمان طلوع اسلام، جز در حوادث بزرگ 200 سال اخیر، رد پای جنگ میان ملت ها چندان واضح دیده نمی شود.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 13:16

با سلام
استاد شاید به دلیل حساسیتی که پس از مطالعه تزهای شما و قبول آنها در ما ایجاد میگردد مبنای پرسش های مختلف در تمام زمینه ها مثلا نظر شما در مورد این شخص چیست یا چه کتابهایی در ادبیات ارزش خواندن دارند و... می شود!
فکر کنم این گفته شما می تواند مبنای تشخیص ما در تمام موضوعات باشد" رشد اندیشمندی و بنیان اندیشی".

آقای ایلماز. این بحث ظریف و حساسی است و مستقیما به عمر کوتاه تبلور آگاهی انسان از جغرافیا و موقعیت ساکنان زمین و ارتباطات جهانی برمی گردد، که فراتر از 400 سال نیست. به نظر می رسد عرض اندام آگاهی نیز دوران بلوغ و کمال خود را داشته است. مثلا موسیقی بزرگان در اواخر قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم ظهور کرده اند، ادبیات در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم غول های خود را بیرون داده است و سینما هم در دهه ی سوم تا هفتم قرن بیستم، که با کمال تعجب

هیچ یک جانشینان شایسته ای پیدا نکردند. ظاهرا از نیمه ی قرن بیستم و پس از جنگ دوم جهانی، رسوخ رسمی کرم یهود به داخل سیب تازه رسیده ی جهان همه چیز را به گندیدگی کشید و جهان در 50 سال اخیر نخبه ای بیرون نداده، مگر در جنایت و اطوارهای آبکی هنر و ربا خواری و خیانت. اینک زمان تفکر و تولید فکر از سمت شرق است که حوزه ی اسلامی آن هنوز و نسبتا سلامت است. زیرا در غرب عالی ترین نشان ها، مثلا در تعهدات به صلح را، به اوباما می دهند که چاره ی شکستن مقاومت در افغانستان و عراق را گسترده تر کردن جنگ می داند!!! بدین ترتیب هنوز هم باید بتهوون و چایکوفسکی شنید، داستایوسکی و فالکنر و جک لندن خواند و حسرت گاری کوپر و پدر خوانده را کشید.

نویسنده: نصرت خان

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 14:8

با سلام بر استاد و شاگردانش
من نیز چون شاگردی هستم - آقای ایلماز در شرق و تا حدودی در غرب هر کسی تاثیر گذاری پیدا می کند فوری ادعای پیامبری می کند تا مردم طرز لباس پوشیدنش را نیز تقلید کنند امیدوارم از پورپیرار این را نخواهید که هم به ضرر ما و هم ایشان است
باقی بقایتان

نویسنده: بی نام

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 14:14

یک دگردیسی تاکتیکی برای کاشت تخم نفاق وبد بینی.نمی دانم وشاید هیچ کس جز دگر دیسی یافته نداند از چه به " دوستانه "دگر دیسی یافته وجمله منافقانه "جناب استاد این یکی را ول کنید همانجور که عرض کردم خیلی وقته رفته ور دل اون یکی!".
جناب دوستانه جواب اول ما را که ندادی حالا بگو خود ور دل که هستی؟

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 14:37

با سلام
نصرت خان به همین خاطر است که ما به دنبال یادگیری فنون ماهیگیری از استاد هستیم نه اینکه از ایشان بخواهیم در سبد تک تک ما ماهی بگذارد!!
موفق باشید

نویسنده: R134a

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 21:29

جناب سعید

تمام مطالب عینا از سایت سایت رسمی انجمن کلیمیان ایران برداشته شده و بنده دخل و صرفی نکردم
با تشکر

نویسنده: عدنان

چهارشنبه 16 دی1388 ساعت: 23:44

سلام
مقبره کوروش در دوره قاجار
SP=Farsi&PhotoID=586&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto

نویسنده: عدنان

پنجشنبه 17 دی1388 ساعت: 0:28

پل تجریش!

SP=Farsi&PhotoID=575&http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewPhoto



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر   بازنويسي

ایران شناسی 245

ایران شناسی بدون دروغ 245، نتیجه 53، حقه بازی ها در هند، 22 - 56 نظر

نویسنده: ایلماز

جمعه 18 دی1388 ساعت: 13:18

با سلام
استاد عزیز ان شالله سومین مستند تا چه زمانی آماده پخش خواهد شد؟!

أقاي ایلماز. با مدد خداوند به زودی.

آقای پوریا. گمان نمی کنم از آن چه می خواهید عکسی وجود داشته باشد. می توانید نمونه چند حرف را به یک کاربر ماهر ارائه کنید تا تمام حروف را برای تان بسازد.

آقای هرمز. باید خدا را سپاس گذارد که موج و مد تازه ای از بنیان اندیشان امثال آقای توحید و اترش و مهدی و خانم حاجی زاده و چند نفر دیگر ظهور می کنند که خصوصا به قرائت تازه از قرآن عمیقا دل بستگی دارند. مثلا آن چه را که آقای توحید درباره نزول قرآن به صورت سوره به سوره گفته اند، لااقل درباره ی نیمی از سوره های قرآن کاملا مصداق دارد که ارسال آیه به آیه و فاصله دار آن، مثلا سوره های کوثر و ماعون و قریش و عصر و قارعه و تکاثر و قدر و بسیاری دیگر غیرضرور و حتی ناممکن است. باید صبر کرد و امیدوار بود. هرچند هر سوره ای هم باید آیه به آیه نازل شود.

نویسنده: ?

جمعه 18 دی1388 ساعت: 13:52

سلام بر استاد عزیز. خدا قوت

زندگی خصوصی رهبر انقلاب ؛ از ادعاهای ضدانقلاب تا روایت شاهدان عینی
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96368

جانشین احتمالی آیة الله ری شهری
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=80366

تصاویر: 10 کشف باستان‌شناسی برتر سال
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=80308

خاخام يهودي به جرم 1200 مورد تجاوز جنسي به كودكان دستگير شد (اين بخش از نظراتش جالبه: "من با اين اعمال قصد آزار رساندن به كودكان را نداشتم، بلكه برعكس قصد داشتم تحقيقاتي را در زمينه چرايي و چگونگي تجاوز به كودكان و اينكه چگونه كودكان به اين انحرافات كشيده مي‌شوند انجام دهم.")
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810170551

جرج جرداق، نويسنده برجسته مسيحي:
حرمت‌شكني عاشورا از انسان‌هاي سست‌بنياد و بي‌هويت سر مي‌زند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810180227

رييس‌جمهور در ديدار رييس مجلس بحرين:
هرکس در جهت تفرقه مسلمانان گام بردارد، جاهل و یا خائن است
http://ilna.ir/newsText.aspx?id=100316

هدف وهابیون از اهانت به مراجع شیعه شعله ور کردن جنگ مذهبی است

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=15757

احمدی نژاد: اول مرا نقد کنید
http://www.alborznews.net/pages/?cid=13859

روح الله حسینیان از نمایندگی مجلس استعفا داد
http://www.javanonline.ir/Nsite/FullStory/?id=106039

تصویری از محل زندگی مقام معظم رهبری
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96367

انتقاد صفار از گوگوش و سروش
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96376

سیر تکوین یک سبز مخملی! مخملباف
http://www.javanonline.ir/Nsite/FullStory/?Id=105755

مدیرکلی پسر احمدی نژاد تکذیب شد
http://www.alborznews.net/pages/?cid=13853

تصویر: آگهی مقایسه احمدی نژاد و اوباما در شبکه روسیه
http://www.alborznews.net/pages/?cid=13856

عکس تاریخي و زیبا از آرامگاه داریوش بزرگ(استاد کامنت ها را بخوانید)
http://speednews24.blogspot.com/2010/01/blog-post_5150.html

عکس قدیمي: محمد رضا شاه در لباس احرام در مکه
http://speednews24.blogspot.com/2010/01/blog-post_5141.html

نویسنده: توحید

جمعه 18 دی1388 ساعت: 10:26

با عرض سلام خدمت استاد و دیگر دوستان

این دلایل قرآنی اثبات می کند که تا چه حد تاریخ روایی اسلام دستخوش تحریف و تبدیل قرار گرفته و دانسته های کنونی ما در باب « اسلام شناسی » و « قرآن شناسی » تا چه حد محتاج باز نگری جدی است ، نتیجه این کشف جدید قرآنی که یکی از هزارن رموز پنهان مانده قرآن شریف است که به تعدد از این رموز در کتاب پر ارج « اسلام و شمشیر » بیان شده است ، فروریزی و قلابی در آمدن بسیاری از روایات و احادیث و تواریخی است که ادعا دارند قرآن بصورت « آیه ، آیه » نازل شده است و با این فروریزی سخت و دهشتناک کلیت احادیث و تواریخ موجود لزوم یک تجدید نظر کلی و انقلابی در اسلام شناسی موجود بروز می کند و گویای این نکته تلخ است که ما هنوز در ابتدا و شروع راه شناخت حقیقی « قرآن » هستیم و جمع کثیری از مدعیان و کباده کشان علوم دینی در حوزه ها از قم تا الازهر را سر کلاس اول « قرآن شناسی » قرار می دهد ...

آیات زیر با قوت اثبات می کند که ما چندین قرن است که فریب خورده ایم و قرآن به صورت « سوره ، سوره » نازل شده است که در گشودن بسیاری از گره های کور تاریخ اسلام و قرآن می تواند راهنما باشد :

وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ (بقره – 23)

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِم (توبه – 64)

وَإِذَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُواْ بِاللّهِ وَجَاهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ (توبه – 86)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا (توبه – 124)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ (توبه – 127)

سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور – 1)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ (محمد – 20)

و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

آقای توحید. دست کم این که با اثبات این ایده ی شما مبحث آزار دهنده و یهود ساز "شان نزول" برچیده می شود.

نویسنده: توحید

جمعه 18 دی1388 ساعت: 10:27

نمونه ای دیگر از اعجاز علمی قرآن :

-در آیه 18 سوره " نمل " خداوند اشاره می کند که " نملة " یعنی مورچه ماده یا همان " ملکه " به مورچگان دستور می دهد که همه داخل لانه شوند تا مبادا زیر پای لشکریان حضرت سلیمان له شوند « چه کسی در 1400 سال پیش به جز خدای یکتا خبر داشته که هر لانه مورچه تنها یک ملکه وجود دارد و جنسش هم مونث است و بقیه مورچه ها همه مذکر و کارگر و فرمانبردارد ؟ »

نویسنده: ندا

جمعه 18 دی1388 ساعت: 15:50

با سلام خدمت استاد پورپیرار و استاد غفوری
نمی خواهم موضوع ندا را بیش از این کش بدم!به قول استاد موضوعیست که در مقابل دروغ های بزرگ رنگ می بازد و اهمیت خود را از دست میدهد!
فقط میخواهم بدانم نکات تاکید شده در مستند از نظر فنی توجیه پذیر می باشند و نقد آن مستند ساز که اسمش را هم نمی دانیم آب در هاون کوبیدن است؟!
با تشکر

نویسنده: ?

جمعه 18 دی1388 ساعت: 19:20

تمامی عکس های زیر از سایت آقای سیستانی به آدرس زیر برداشت شده است
nid=10&http://www.sistani.org/local.php?modules=nav

عکس های قدیمی از مسجد النبی
http://www.sistani.org/images/display/gallery/8/full-1058.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/8/full-1059.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/8/full-1057.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/8/full-1060.jpg

عکسی از ورودی ضریح امام علی در سال 1925
http://www.sistani.org/images/display/gallery/10/full-1163.jpg

عکس قدیمی از گنبد امام علی
http://www.sistani.org/images/display/gallery/10/full-68.jpg

عکس های قدیمی از گنبد امام حسین
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-235.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-207.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-193.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-1160.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-1000.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-171.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-163.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/12/full-104.jpg

نویسنده: ?

جمعه 18 دی1388 ساعت: 19:21

عکس های قدیمی از بقیع
http://www.sistani.org/images/display/gallery/11/full-921.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/11/full-920.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/11/full-919.jpg

در مورد امام موسی کاظم و امام جواد هم عکسی قدیمی وجود نداشت!

عکس های قدیمی از گنبد امام هادی و امام حسن عسکری
http://www.sistani.org/images/display/gallery/19/full-1171.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/19/full-1168.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/19/full-1170.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/19/full-1167.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/19/full-1169.jpg

عکس های قدیمی از گنبد حضرت ابوالفضل
http://www.sistani.org/images/display/gallery/22/full-1004.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/22/full-1006.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/22/full-903.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/22/full-485.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/22/full-445.jpg

عکس قدیمی از حرم حضرت معصومه
http://www.sistani.org/images/display/gallery/25/full-782.jpg
http://www.sistani.org/images/display/gallery/25/full-551.jpg

در مورد حضرت زینب , رقیه عکس قدیمی وجود نداشت!

نویسنده: مهدي - مهدي

جمعه 18 دی1388 ساعت: 22:12

آيات قرآن به چه صورتي بر پيامبر نازل شده اند؟ آيا معناي آيات بر پيامبر الهام شده، آيا كلمات در ذهن او تك به تك الهام شده اند يا پيامبر دقيقاً تلفظ هر كلمه را دريافت كرده است و به وضوح شنيده است؟

انتخاب صورت ويژه اي از كلمات در برخي آيات (انتخاب "بكّه" بجاي "مكّه" انتخاب "هود" به جاي "يهود") و همچنين اشاره به كلماتي كه خداوند متعاقب اشاره به آن مي فرمايد كه تو معني آنرا نمي داني ("و ما ادراك ما ...")، برخلاف آنچه كساني مانند سروش ادعا مي كنند، وحي آيات بصورت معناي آيه و آزاد گذاردن پيامبر در انتخاب نحوه بيان را منتفي مي كند.
اما تفكيك ميان حلول تك تك كلمات در ذهن رسول خدا و يا شنيدن دقيق الفاظ توسط او موضوعي ظريف تر است. در اين مورد توجه به حروف مقطعه در ابتداي برخي از سوره ها گره گشا خواهد بود.
خداوند در سوره بقره آيه 78 كساني را "امّي" خطاب مي كند كه از كتاب چيزي نمي دانند. همچنين خداوند در سوره جمعه آيه 2 پيامبر را از "امّي" ها مي شناساند. پس اگر پيامبر خواندن نمي داند به تبع اولي نام حروف را نمي شناسد و در ذهن او فهرستي از حروف و اسامي آنها وجود ندارد. پس زماني كه خداوند حروف مقطعه در ابتداي برخي سوره ها مانند "طسم" در ابتداي سوره قصص را بر پيامبر نازل مي كند، نام اين حروف در ذهن پيامبر وجود ندارد تا اين حروف در ذهن او انتخاب شوند. پس براي اينكه پيامبر بتواند اين آيه را درست بيان كند بايد نام حروف را به صورت "طاء سين ميم" بشنود.
البته نحوه فهم مقطعه بودن حروف (اگر پيامبر نمي دانسته پس چه كساني فهميده اند)، تصميم در نحوه كتابت آنها و مواردي ديگر از مسائل غامض در مورد حروف مقطعه است كه نگاهي بنيان انديشانه مي طلبد.
لطفاً دوستان بنيان انديش در به نتيجه رسانيدن اين بحث كمك فرمايند.

با احترام
مهدي

آقای مهدی - مهدی. نکته ی بس شایسته ی دقتی است. تذکر دهم که خطاب و لقب هود نه انتخاب خداوند بل نامی است که یهود بر قوم خود می بندد: کونوا هودا او نصاری... خداوند این نام گذاری را با افزودن حرف ی بر ابتدای آن باطل می کند و البته نمی دانیم لغت یهود که انتخاب خداوند است و پیشینه ی ماقبل اسلام و قرآن ندارد، در زبان عرب چه بار معنایی دارد.

نويسنده: آمون

جمعه 18 دی1388 ساعت: 22:12

آمون به روز شد و خبر نامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نويسنده: مسعود

جمعه 18 دی1388 ساعت: 22:16

سلام و خسته نباشید جناب استاد عزیز.

زنده باشید استاد که با چه مهارتی جنازه کارنامه اعمال مرده و متعفن به ظاهر موسسین و رهبران هند و پاکستان را جراحی فرمودید!

واقعا" این یادداشت را باید برای مردم شبه قاره به هر زبانی ترجمه کردا!

زنده باد حق و حقیقت !

آقای توحید . دقت شما قابل تحسین است . زنده باشید.

نويسنده: م

جمعه 18 دی1388 ساعت: 18:48

سلام
این متن به دستور خاخام ارسال می شود!

یک روز کارمند پستی که به نامه‌هایی که آدرس نامعلوم دارند رسیدگی می‌کرد متوجه نامه ای شد که روی پاکت آن با خطی لرزان نوشته شده بود نامه‌ای به خدا !
با خودش فکر کرد بهتر است نامه را باز کرده و بخواند.در نامه این طور نوشته شده بود:
خدای عزیزم بیوه زنی هشتادوسه ساله هستم که زندگی ام با حقوق نا چیز باز نشستگی می‌گذرد. دیروز یک نفر کیف مرا که صد دلار در آن بود دزدید.
این تمام پولی بود که تا پایان ماه باید خرج می‌کردم. یکشنبه هفته دیگر عید است و من دو نفر از دوستانم را برای شام دعوت کرده‌ام، اما بدون آن پول چیزی نمی‌توانم بخرم. هیچ کس را هم ندارم تا از او پول قرض بگیرم . تو ای خدای مهربان تنها امید من هستی به من کمک کن ...

کارمند اداره پست خیلی تحت تاثیر قرار گرفت و نامه را به سایر همکارانش نشان داد. نتیجه این شد که همه آنها جیب خود را جستجو کردند و هر کدام چند دلاری روی میز گذاشتند. در پایان نودوشش دلار جمع شد و برای پیرزن فرستادند ...
همه کارمندان اداره پست از اینکه توانسته بودند کار خوبی انجام دهند خوشحال بودند. عید به پایان رسید و چند روزی از این ماجرا گذشت، تا این که نامه دیگری از آن پیرزن به اداره پست رسید که روی آن نوشته شده بود: نامه‌ای به خدا !
همه کارمندان جمع شدند تا نامه را باز کرده و بخوانند. مضمون نامه چنین بود :
خدای عزیزم، چگونه می‌توانم از کاری که برایم انجام دادی تشکر کنم. با لطف تو توانستم شامی عالی برای دوستانم مهیا کرده و روز خوبی را با هم بگذرانیم. من به آنها گفتم که چه هدیه خوبی برایم فرستادی ... البته چهار دلار آن کم بود که مطمئنم کارمندان اداره پست آن را برداشته‌اند!!...

نویسنده: آیدین قشقایی

شنبه 19 دی1388 ساعت: 1:42

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقای پورپیرار
وقت بخیر
بسیار زیبا وموشکافانه مطالب را ارائه می دهید و این خود برای یک معلم و استاد یک حسن است. همه ما به نوعی سالهای متمادی در سطوح تحصیلی مختلف خود معلمان بسیاری را دیده ایم اما به ندرت معلمی به پشتکاری، جدیت و بیطرفی شما در مواجهه با یک موضوع تحقیق یافت می شود. من به شخصه خوشحالم که خداوند مرا در راهی قرار داد که با قلم شما آشنا شوم.
غرض از مزاحمت ابتداء امر تشکر از شما بابت در اختیار قرار دادن آخرین یافته هایتان به شاگردان این کلاس است.
سپس اینکه ما در ایل قشقایی تیره ای داریم به نام تیره کورش که من حدس می زنم یک نقطه اشتراکاتی با کورش هخامنشی داشته باشد. می خواستم خواهش کنم نقبی هم به ایل قشقایی بزنید و اینکه در جنوب ایران چه کار می کند؟ چرا آمده، کی آمده و ... !
از مطالعه کتاب ابن ندیم چیزی عایدمان نشد لااقل شما راهنمایی کنید!!

آقای قشقایی. اگر آن تیره با کورش پیوندی نداشته باشد، بدون شک با یهودیان دارد.

نویسنده: reza

شنبه 19 دی1388 ساعت: 1:50

آقای غفوری گرامی
1- درباره این مستند سوم که در راه است می توانید بیشتر توضیح دهید؟
2- به نظر شما آیا ارتباطی بین بنیان اندیشی و قبول داشتن اتخابات وجود دارد؟ به دیگر سخن آیا کسی میتواند در عین بنیان اندیشی و قبول واقعه پوریم با ادله علمی ، انتخابات دهم را خالی از اعتبار کافی برای جناح حاکم بداند؟
مستدام باشید

آقای reza البته، ولی به شرطی که برای ابطال انتخابات هم، مانند قبول پوریم، دلیل کافی داشته باشد.

نویسنده: khalil

شنبه 19 دی1388 ساعت: 9:56

آقای ؟
لینکهای جالبی فرستادید "رییس‌جمهور در دیدار رییس مجلس بحرین:هرکس در جهت تفرقه مسلمانان گام بردارد، جاهل و یا خائن است"لابد رییس جمهور نمی داند که اشک های ماهانه ای که در هر شهادت و مراسمی که بر حضرات چند گانه معصوم خود می ریزد تیر تعصبی است که با تأثیر گذاردن بر یکدیگر ، مردم را کر و کور می کند که آن هم قسمتی از تزریقات یهودیان و مسیحیان برای تفرقه بین مسلمین است.

پست الکترونیک

نویسنده: khalil

شنبه 19 دی1388 ساعت: 10:17

رییس جمهور ایران:"شما می توانید به راحتی نقد کنید و نقص و اشکالات را بگویید و اول هم مرا نقد کنید ، بگذارید فضا کاملا باز باشد چرا که با ایجاد فضای نقد سالم ، زنده بودن و پویایی جامعه حفظ خواهد شد."
استاد عزیز به نظر شما ایشان می توانند با دروغ بافته های یهود مانند خود، پست حساسشان را خوب اداره کنند؟اگر ایشان در مورد نقد این گونه سخن گفته اند پس باید تحقیقات با ارزش شما را قبول کرده و در هر رسانه ای آنها را به دید مردم بگذارند یا لیاقت همچنین کاری را ندارند لااقل تجلیل وقدر دانی ازشما داشته باشند که بسا هر کسی که به صلاحشان و باب میلشان نقد و بررسی و اندیشه می کند، شایسته تجلیل از طرف مقامات است.

پست الکترونیک

نویسنده: ?

شنبه 19 دی1388 ساعت: 16:50

اقای خلیل قابلی نداشت

رییس میراث‌فرهنگی: مارکوپولو جاسوس بود!
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96458

آل‌اسحاق: بانکها 4 برابر سرمایه خود وام دادند
/http://alef.ir/1388/content/view/61675

واقعه حمله به کروبی در قزوین از زبان پسرش
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=23316
http://tabnak.com/nbody.php?id=23309

منشور كوروش به ايران نمي‌آيد("به‌تازگي نامه‌اي دريافت كرديم كه در آن، مسؤولان اين موزه اعلام كردند، از قسمت شكسته‌شده‌ي منشور كوروش تكه‌هاي تاريخي پيدا شده‌اند كه به واسطه‌ي بررسي و مطالعات آن‌ها مي‌توان به منشورهاي ديگري از كوروش كه ساخته شده و به بلاد ديگر فرستاده شده‌اند، دست پيدا كرد." منتظر جعلیات جدید باشید!)
http://jahannews.com/vdcgzt97.ak97u4prra.html

(بقايي درباره‌ي سرانجام موضوع كشف بقاياي ارتش كمبوجيه در مصر و حضور علي لاريجاني ـ رييس مجلس شوراي اسلامي ـ در اين كشور و پرداختن به اين موضوع در مذاكره با مقامات مصري نيز گفت: سفر آقاي لاريجاني، سفري ديپلماتيك بود و هيچ ارتباطي با سازمان ميراث فرهنگي و گردشگري نداشت. ما هم نماينده‌اي همراه هيأت اعزامي ايشان به مصر نفرستاديم.)

آقای ؟. خیلی خیلی ممنونم اما معنای این حرف بقایی را نفهمیدم:
از قسمت شكسته‌شده‌ي منشور كوروش تكه‌هاي تاريخي پيدا شده‌اند.
یعنی چه؟ مگر منشور قلابی کورش دیوار سقاخانه است؟!

نویسنده: ؟

شنبه 19 دی1388 ساعت: 16:51

اسكن عريان عرب‌هاي عازم آمريكا
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=42564

قرضاوی: محمود عباس باید سنگسار شود
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=42554

کاهش هزینه سفر به عتبات
http://jahannews.com/vdcepe8v.jh8voi9bbj.html

حذف نامه های مردمی در سفرهای استانی
http://tabnak.com/nbody.php?id=23357

عکس/ ماستی که 18 دیماه خریداری شده
/http://alef.ir/1388/content/view/61638

/http://www.cd31.info

پاسخ به سؤالات قرآنی در برنامه "مصباح" رادیو قرآن
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1013683

تصاویر موهن پیامبر در روزنامه نروژی تجدید چاپ شدند
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1013692

"جدال سعدی با مدعی" در شهر کتاب
http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1013877

حاج آقا بالاخره با بی.بی.سی یا بی، بی.بی.سی
http://www.bornanews.ir/vdcd.x052yt0sza26y.html

فرش بافته شده از تار عنکبوت
http://vaseteh.blogfa.com/post-6.aspx

قرآن منسوب به دستخط مبارك امام حسين(ع) به نمايش درآمد
pid=3867&tid=1&func=viewpub&http://www.aqrazavi.org/index.php?module=pagesetter

نویسنده: علی رضا

شنبه 19 دی1388 ساعت: 21:36

با سلام خدمت استاد گرامی و دوستان
برای درک و لمس بیشتر این مطلب که زبان فارسی سابقا" با حروف عبری نوشته می شده است نه با حروف عربی فعلی،
کافی است تفاوت و شباهت حروف در زبان فارسی و عربی و عبری را با هم مقایسه کنیم.

1- زبان فارسی شامل 32 حرف است که در زیر به آنها اشاره شده است:
آ, ب, پ, ت, ث, ج, چ, ح, خ, د, ذ, ر, ز, ژ, س, ش, ص, ض, ط, ظ, ع, غ, ف, ق, ک, گ, ل, م, ن, و, ه, ي
از این تعداد 8 حرف در زبان فارسی قابل تلفظ نیست چون مربو ط به زبان عربی است:(ث ـ ح ـ ذ ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع)

2- اگر 4 حرف (پ،چ،گ،ژ) را از 32 حرف زبان فارسی کم کنیم 28 حرف زبان عربی بدست می آید.
حال اگر تعداد حروفی را که یک فارس زبان و عرب زبان در تلفظ آنها باهم تفاوت دارند را در نظر بگیریم برابر 12 میباشد.البته تلفظ حرف (و) هم در دو زبان با هم متفاوت میباشد در فارسی معادل(V) و در عربی معادل (W) انگلیسی تلفظ میشود.

3- تعداد حروف در زبان عبری برابر 22 حرف میباشد البته چون بنده نتوانستم فونت این حرف را دراینجا ایجاد کنم آدرس دسترسی این حروف را که بصورت معادل فارسی و لاتین نوشته شده(بصورت pdf) و مربوط به انجمن کلیمیان تهران است در زیر آوده ام :

http://www.iranjewish.com/Amoozesh/Ebri01.pdf

اگر ملاحظه کنید تفاوت حروف قابل تلفظ در زبان فارسی و عبری دو حرف میباشد معادل(ص،ط) . 4 حرف (پ،چ،گ،ژ) نیز درحروف عبری وجود دارند.

آیا جای تامل ندارد؟

آقای علی رضا. موضوع جالبی است اما به توضیح بیش تر و روشن تری نیاز دارد.

نویسنده: مجتبی غفوری

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 0:10

با سلام جناب رضا یک بار دیگر آن کامنت بنده را بخوانید فکر کنم منظور بنده را درست متوجه نشده اید.

نویسنده: فتح

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 0:59

آقای پورپیرار همانطور که قبلا هم صحبت شده با این روش افزایش جمعیت آیا می توان زمان تقریبی جمعیت صفر را در کره زمین معلوم کرد به عبارتی تنها حضور دو نفر حضرات آدم و حوا؟
دیگر اینکه برای این جملهجواهر لعل نهرو زیاد دنبال دلیل بود ویا فکر کرد :" آمدن انگلیسی ها به هند یک فایده ی بزرگ هم داشت. همان تصادم و برخورد با زندگی تازه و نیرومند آن ها هند را تکان داد و یک احساس وحدت و ملیت تازه در هند به وجود آورد. شاید یک چنین ضربت با تمام درد و رنجی که به همراه داشت، لازم بود تا کشور و مردم قدیمی و کهن سال ما را از نو جوان کند. هدف آموزش زبان انگلیسی در هند پرورش کارمندان اداری و در عین حال آشنا کردن هندیان با جریان های فکری غرب بود، در نتیجه یک طبقه ی جدیددر هند به وجود آمد. طبقه ای که آموزش انگلیسی گرفته بود." نمونه بارز و آشکار آن را در ایران و در دو شهر آبادان و مسجد سلیمان در زمان شاه و حتی سالها پس از انقلاب و جنگ می توان دید. البته یقینا شما در کتاب بر آمدن مردم و وقایع نفت و رضا شاه و مصدق به این شهر ها هم پذری دارید.

آقای فتح. آن ادعای نهرو نیز شبیه این استدلال غرب متجاوز برای هجوم به عراق است که بنا بر ادعاها، با هدف اهدای آزادی و دموکراسی به مردم آن انجام شده است! چنین بیانی فقط ما را از عمق پیوند میان نهرو و غاصبان هند آگاه می کند. درباره ی جمعیت نیز از جمله به یادداشت 150 و ضمیمه ی آن و نیز یادداشت 207 رجوع کنید.

نویسنده: ×××

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 6:53

استاد دیروز یک فایل صوتی از یکی از اساتید طب اسلامی گوش میدادم که میگفت اگر مطابق با بعضی از آیات قرآن و طب اسلامی که برگرفته از آیات و احادیث است عمل کنیم و هرگونه مواد غذای کارخانه ای نخوریم به طور عادی عمر انسان زیر 120 نمیشه و دلیل اصلی کوتاهی عمر انسان و امراض صعب العلاج دست بردن یهودیان در غذای بشر است و به همین دلیل گفت ثابت میشه پیامبر را در 63 سالگی به شهادت رساندند و احتمالا مسموم کردند چون باید ایشان خیلی بیشتر از

اینها عمر میکردند!!!!به نظر شما در مورد فوت پیامبر در تاریخ نیز دستکاری شده؟ آیا احتمال دارد همچون خلفای راشدین که تقریبا جملگی با ترورهای مشکوک از صحنه حذف شدند در این مساله هم پیچیدگیهایی وجود داشته باشد؟

آقای ×××. از کجا با خبر شده اید که پیامبر گرامی 63 سال عمر کرده اند و چه طور متوجه شده اید که خلفا ی راشدین ترور شده اند ؟!

نویسنده: سعید

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 8:10

با سلام
آقای علیرضا باید توجه کنید حروف غ و ق هم در کلمات زبان فارسی به صورت بنیادی وجود ندارد
(منظور از کلمات فارسی کلمه ای ست که ریشه فعلی و کلمات هم خانواده آن وجود داشته باشد) و این حروف را هم میتوان از الفبای مختص زبان فارسی حذف کرد این حروف تنها برای به کار گیری کلمات وارداتی عمدتا عربی رواج دارد پس در نتیجه زبان فارسی هم دارای 22 حرف میباشد
البته در مورد حرف« ژ »در زبان فارسی غیر از چند مورد غیر اساسی کلمه بنیادی و اساسی یافت نمیشود و ورود آن در این زبان هم سوال بر انگیز است یعنی برای ساخت کلمات نوساز پژوهیدن و پژواک و...!!! نیاز به ساخت حرف مستقلی « ژ »وجود داشته؟!آیا کلمه ای با کاربرد کهن در این زبان با این حروف بوده کلمه ای که بتوان آن را فارسی دانست
البته کاربرد نگارش« ط و ص» در کلماتی همچون طهران و طاووس و صدا و صابون هم که عربی نیستند نشانه ای از ورود تنها این حروف مختص عربی عبری در فارسی است که نتیجه تحقیق شما را روشنتر میکند
موفق باشید

پست الکترونیک

نویسنده: مسعود سنجری

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 10:20

با سلام خدمت استاد بزرگوار و دوستان گرامی

خواهشمندم در صورت امکان اگر استاد یا دیگر دوستان آمار مقایسه ای میزان فقر در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه (شامل پاکستان و افغانستان) در 80 سال اخیر را در اختیار دارند در این وبلاگ محترم قرار دهند(با این معنی که میزان فقر در گذشته چقدر بوده و الآن چقدر است). با تشکر.

والسلام علیکم
فی امان الله

پست الکترونیک

نویسنده: ?

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 11:2

از نکات جالبی در مورد مشایی این است که تبلیغات هفته نامه خود (موج اندیشه) را در سایت آینده نیوز انجام می دهد
خبری که قبلا این هفته نامه تذکر گرفته بود
http://politics.kodoom.com/s/AAnW8w
عکسی از صفحه آینده نیوز
http://www.pikipimp.com/pp/pimped_photo/s/image/50/625/938/ayande-mashaei-preview.JPG?ts=1263108395811

نویسنده: علی رضا

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 11:16

با عرض ارادت خدمت استاد ارجمند و دوستان

توضیح خلاصه در ارتباط با شباهت و تفاوت زبانهای فارسی و عربی و عبری اینکه:

1- فارس زبانها قادر نیستند 8 حرف از حروف عربی را تلفظ کنند و عربها نمی توانند 4 حرف از حروف فارسی را تلفظ کنند (جمعا" 12 حرف + تفاوت در تلفظ حرف و)که این نشانه بیگانه و دور بودن این دو زبان از یکدیگر میباشد.

2- تمام حروفی که یک فارس زبان قادر به تلفظ آنهاست در زبان عبری وجود دارد بعلاوه دو حرف دیگر (معادل ص و ط)که فارس زبانها قادر به تلفظ آنها نیستند. یعنی یک فارس زبان و عبری زبان در تلفظ 2 حرف با هم اختلاف دارند. که این نشانه نزدیکی و ارتباط آنها میباشد.

3- برای اطمینان بیشتر دوستان در مورد ارتباط زبان فارسی و عبری و اینکه این موضوع از حالت فرضیه و نظریه خارج بوده و یک واقعیت قابل اثبات است توجه دوستان را به بک مقاله تحت عنوان آفرییندگان فارسیهود که در سایت انجمن کلیمیان تهران نصب شده است جلب میکنم:

http://www.iranjewish.com/essay/Essay119_27_7.htm

کسی که یک ذره تامل و دقت داشته باشد کل مطلب از این مقاله (که اعتراف خود یهودیهاست) را در یافت خواهد کرد.
ضمنا" سایت انجمن کلیمیان تهران مطالب جالب توجه دیگری هم دارد :
http://www.iranjewish.com/home.htm

نویسنده: عادل

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 12:11

مدرسه شاه اصفهان در سال 1958
http://fouman.com/Y/Picture_View-Isfahan_Shah_Madrasa.htm
رودخانه بهمنشیر – آبادان 1920
http://fouman.com/Y/Picture_View-Abadan_Bahmanshir_River_Caravan_Camel_Petroleum_1920s.htm
یزد 1951
http://fouman.com/Y/Picture_View-Yazd_1951.htm
عالی قاپو 1932
http://fouman.com/Y/Picture_View-Isfahan_Alighapoo_1932.htm
نوازنده – شوش
http://fouman.com/Y/Picture_View-Susa_Elamite_Statue_Play_Music.htm
تخت جمشید دوره قاجار
http://fouman.com/history/Iranian_History_Images_Album.htm
شاه عبدالعظیم 1864
http://fouman.com/history/Iranian_History_Images_Album.htm
مسجد شاه سمنان
http://fouman.com/Y/Picture_View-Semnan_Shah_Mosque.htm
شاعر شیرازی هندی – تاگور
http://fouman.com/Y/Picture_View-Shiraz_Indian_Tagor.htm
سنگ نگاره بیستون
http://fouman.com/Y/Picture_View-Embossed_Dariush_Bisotoun_Rebels_Inscription.htm
پل خواجو – قاجار
http://fouman.com/Y/Picture_View-Isfahan_Khajoo_Bridge.htm
یهودیان در دوره قاجار
http://fouman.com/Y/Picture_View-Qajar_Iranian_Jews_synagogue.htm
دراویش دوره قاجار
http://fouman.com/history/img/Persian_Darvishes.jpg
حافظیه دوره قاجار
http://fouman.com/history/img/Hafeziyeh_Qajar_Era.jpg

نویسنده: عابدی

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 12:23

سلام استاد خسته نباشید. ارادت مندیم.

مطلبي مهم در مورد چند سايت هك شده كه به سايت naria.ir منتقل مي شوند.

http://www.naria.ir/view/14.aspx?id=631

جناب استاد عابدی. این پیام را عینا برای من هم فرستاده اند. به نظر می رسد نوعی برنامه ریزی باشد. توجه کنید خلاف گفته او آمار وبلاگ و سایت تغییری نکرده است. احتمال می دهم از شیرین کاری های یکی از دوستان بسیار عزیز باشد!؟

نویسنده: محمدمهدی

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 16:13

استاد سلام
عکس های وبلاگ شما با به هیچ عنوان باز نمی شود.

نویسنده: ?

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 16:32

ابوذر میرحسین هم مشخص شد + عکس
http://www.jahannews.com/vdcgzu97.ak97t4prra.html

انتشار کاریکاتورهای ضد اسلامی
http://www.jahannews.com/vdcivqav.t1av32bcct.html

توهین بی سابقه سایت جنبش فتح فلسطین
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=80617

ناگفته های خواندنی مشاور رهبر معظم انقلاب
رحیم صفوی: رهبری توصیه کردند نسبت به هاشمی حرمت شکنی نشود / اصلاح طلبان در برابر منافقان سستی می کردند
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=96565

کاریکاتور: مراسم تودیع الهام
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=100362

اسامه بن لادن ، زنده یا مرده؟
nc=1&http://jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100864339644

انسان‌های باستان هم آرایش می‌کردند
/http://alef.ir/1388/content/view/61776

این عکس الهام من رو یاد سخنرانی سارکوزی انداخت

http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M590819.jpg
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=76507

نویسنده: ?

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 16:34

اسفندیار رحیم‌مشایی:
ابوعلی‌سینا نباید افتخار هزارساله باشد چون نماد فقر انسان‌ها در دهه‌های بعدی است
http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=100852
(حضرت نوح با 950 سال عمر نتوانست مدیریت جامع کند چرا که عدالت را ایجاد نکرده است. آمدن پیامبران در طول تاریخ براي تمام شدن دوره‌هاي قبلي پيامبري بوده است اگر هر پيامبر مديريت درستي مي‌كرد عدالت برقرار مي‌شد اين را من از خودم نمي‌گويم قرآن مي‌گويد.
مشايي گفت: تاريخ همواره محروم بوده از اتفاقات مباركي كه خداوند براي بشر مي‌خواسته اما خود بشر نخواسته است. بايد پرسيد مكانيزم توسعه عدالت در جهان چيست. بي‌ترديد هيچ راهي براي هيچ مرسل و نبي وجود ندارد براي اينكه عدالت را محقق كند جز اينكه علم را بگستراند اگر امام زمان به توسعه عدالت موفق مي‌شود، راهش توسعه علم است. هر چند كه محروميت‌هاي تاريخي نيز از علم وجود داشته است.)

نویسنده: ?

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 16:40

شیرین کاری حداد عادل در شب عاشورا
http://www.atings.com/uploads/1263205624.jpg

روایت های مختلف در مورد منشور کورش
http://www.kaleme.org/1388/10/14/klm-7363
http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=100854

سالروز شهادت امیرکبیر
رهايي از فقر و استعمار
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100864383799

نشريه آلماني: هيچ كس اجازه ندارد آزادي‌هاي مذهبي را محدود كند
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810201203

مقایسه عجیب یک سایت حامی دولت؛
مشايي شهيد آويني ديگر است!
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=100266

نویسنده: ×××

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 16:44

سلام. تا آنجا که یادم هست در یکی از جلدهای کتاب 12 قرن سکوت حضرتعالی ترور عمر را یکی از پیچیده ترین ترورهای تاریخ نامیدید که جلوی پیشرفت سریع اسلام را که در مدت خلافت عمر به طور وسیع در حال گسترش بود را گرفت. البته یادم نمیاد در کدوم جلد بود.البته شاید اشتباه متوجه شده باشم ولیکن با این اوصاف حضرتعالی در خصوص نحوه فوت پیامبر گرامی مطلبی که بر خلاف تاریخ نوشته شده کنونی باشد دارید؟ آیا فوت پیامبر گرامی در 63 سالگی و در شرایط عادی بوده؟همچنین در خصوص خلفای راشدین؟با تشکر

نویسنده: آیاز

یکشنبه 20 دی1388 ساعت: 18:36

با سلام
آقای پورپیرار! هیچ یک از عکسها در تمام یادداشتها قابل مشاهده نیست همچنین در سایت naria.ir به همین ترتیب می باشد

آقای ایاز. ظاهرا یا مشکل از بلاگفا و یا سوقات یکی از دوستان بسیار عزیز است.

نویسنده: ?

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 0:20

http://www.webneveshteha.com/weblog/?id=2146310162

نویسنده: بابک

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 9:35

جناب ×××
به نظر من شما به جای پرسش اول با روش تحقیق استاد اشنا شو بعد سوالاتی که در ذهنتان به وجود می آید بپرس.
روش تحقیق ایشان نمایان کردن مرحله به مرحله دروغهای یهود ساخته و آماده کردن ذهن ما می باشد. اگر ایشان میخواستند به یکباره تمامی دروغهای یهود ساخته را برملا کنند ذهن ما هنگ میکرد. دوست عزیز هیچ سندی برای این افسانه های احمق پسند وجود ندارد.وقتی استاد با دلیل و سند ثابت می کند نشانه ای دال بر وجود تمدن در ایران تا تاریخ صفویه وجود ندارد پس این داستانها و افسانه های یهود بافته حتی ارزش فکر کردن هم ندارد. استاد همه چیز را نمی گوید و نتیجه گیری خیلی از مسائل را به خود ما میگذارد. دوست عزیز این هویتی که با استفاده از این افسانه ها و داستانها بربای ما ساخته اند مانند بازی دومینو میباشد که با افتادن قطعه اول تمامی قطعات ردیفی فرو می ریزند. اگر ذهن آماده ای داری که تعصبات تاریخی و مذهبی خود را کنار بگذاری بسم الله... به جمع حقیقت طلبان و بنیان اندیشان خوش آمدی...
از استاد و سایر دوستان حقیقت طلب پوزش می خواهم در امری که به من مربوط نبود دخالت کردم.
بابک

نویسنده: ?

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 13:50

درخواست پخش سریال امامعلي(ع) در شرایط کنونی کشور
http://www.rajanews.com/detail.asp?id=42678

مسعود رجوی به کما رفت
http://parcham.ir/vdci.waqct1auqbc2t.html

سلاح جدیدوخطرناک گروهک منافقین
http://parcham.ir/vdca.6nik49nwu5k14.html

سخنان مشایی با واکنش شدید حوزه‌های علمیه مواجه می‌شود
http://www.irdc.ir/fa/content/8588/default.aspx
(این استاد حوزه در پاسخ به این سوال خبرنگار فارس که آیا حوزه‌های علمیه از سخنان مشایی در خصوص پیامبران مطلع هستند یا خیر، گفت: اگر حوزه‌های علمیه از سخنان رئیس دفتر رئیس جمهور اطلاع یابند با واکنش شدید مواجه خواهد شد.)

تکذیب جاسوس بودن مارکوپولو (استاد نظر شما چیه؟)
http://www.jahannews.com/vdcauwna.49nou15kk4.html

متن كامل انتقاد مشايي از مديريت پيامبران
http://www.jahannews.com/vdcfcxdc.w6d1yagiiw.html

عکس واقعی امیرکبیر
http://www.jahannews.com/vdcjhoeo.uqeoazsffu.html

محمدحسن ميرحسيني تاريخ يزد را مي‌نويسد
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810210393

سليمي‌نمين در گفتگو با فارس:
براي حضور افرادي نظير مشايي در دولت متأسفيم
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810210390

پخش فیلم ضد ایرانی"300" این‌بار در ترکیه
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=100464

مستنداتی از اهل سنت دال بر مجوز زیارت، بوسیدن، توسل به قبور و...
http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=15788

دعوت رییس اداره اطلاعات سفارت آمریکا از استاد علی اکبر دهخدا برای مصاحبه با رادیو صدای آمریکا
http://persianspatriot.blogfa.com/post-404.aspx

شیراز درویکی
http://fa.wikipedia.org/wiki/شیراز

معجزه در یک اثر هنری در هندوستان/ عکس
http://www.khabaronline.ir/news-35941.aspx

نویسنده: روايتي از رابطه جومونگ با صهيونيزم

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:2

عصرایران - پس از آن که سریال «افسانه جومونگ» در تلویزیون ایران با اقبال گسترده مردم مواجه شد ، برخی رسانه ها با ادعای این که این سریال از افسانه ها و نمادهای ایرانی بهره گرفته است ، به نقد این سریال پرداختند و بر اهالی فرهنگ و هنرمندان تاختند که چرا در خواب غفلت فرو رفته اند و عرضه را به کره ای ها واگذار کرده اند که با استفاده از مفاهیم فرهنگی ایرانی ، سریالی به نام کشور خود بسازند و به مردم ما ارائه نمایند.هنوز مرکب این انتقادات خشک نشده ، روزنامه اصولگرای جوان ، نگاهی کاملا متضاد به این سریال داشته و در مقاله ای مدعی صهیونیستی و مشکوک بودن این سریال شد و حتی "جومونگ" را "راهب یهودی" (jew monk = راهب یهودی) خواند و نوشت:در سریال «افسانه جومونگ» جومونگ همچون موسی (ع) در خانه فرعون (امپراتور) رشد و نمو می کند،با وی به مخالفت برمی خیزد و در نهایت مردم آواره را با گذراندن از رودخانه ای پهناور (که گذرموسی (ع) از رود نیل را تداعی می کند) به سرزمین خالی از سکنه (!) پدرانش یعنی چوسان قدیم (ارض موعود) وارد می کند.
چوسان در ذهن عبارت «چو سان - Jew sun» یعنی خورشید یهود را متبادر می سازد و ماجرا آنجا شگفت آور می شود که خورشید در تورات، نماد ارض موعود یا سرزمین مادری می باشد! چوسان که ارض موعود شد، منجی این قوم - جومونگ - نیز راهبی یهودی می شود (Jew monk = راهب یهودی) و پایه های ابتدایی امپراتوری خود را در جو لبن (Jew lebun = لبنان یهود) بنا می کند. در اکثر واژه های کلیدی این افسانه کره ای، «جو» یا چیزی شبیه آن (که دقیقاً با همین تلفظ، در زبان لاتین به معنای یهودی است) به کار رفته است. شایان ذکر است، لازم نیست دقیقاً املای این لغات صحیح باشد؛ چرا که در عمل هم ممکن نیست. بلکه نویسندگان این افسانه کوشیده اند از اسامی یا کلماتی بهره ببرند که بیشترین شباهت را با اسامی و مفاهیم یهود داشته باشند و تلفظ مشابه آنها - نه الزاماً املا - اهداف صهیونیستی عناصر پشت پرده این مجموعه را در ذهن بینندگان نهادینه کند. جالب اینکه بیشتر این عبارات، اسامی خاص هستند تا در صورت ترجمه و دوبله به زبان های دیگر، تغییر نکنند.

نویسنده: روايتي از رابطه جومونگ با صهيونيزم

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:4

البته آنچه ذکر شد، سوای موارد متعدد نمادگرایی تصویری صهیونیستی این سریال است. اگر نقشه چوسان قدیم که روی پوست ترسیم شده را دیده باشید فقط کافیست نقشه فرضی ارض موعود صهیونیست ها (نیل تا فرات) را قبلاً دیده باشید تا از این شباهت بی اندازه به شگفت آیید. در پس زمینه سکانس های مختلف این سریال با ستاره شش گوش یا تصاویر متعدد پرچم هایی دارای نقش خورشید که نماد ارض موعود صهیونیست هاست، مواجه می شوید.
نقش «کابالا» یا عرفان و سنت شفاهی یهود و پیشگویی هایشان در این سریال غوغا می کند. گویا قرار نیست هیچ تصمیمی بدون اذن پیشگوهای زن این سریال انجام گیرد. لابد آنها هم حداقل یک «نوستراداموس» یا «ربی یهودا»، «اری مقدس»، «ربی شمعون» و دیگر کابالیست های یهودی لازم دارند تا برایشان، واقعه ?? سپتامبر را پیشگویی کنند و از آینده روشن قومشان بگویند. تاکید بسیار بر مساله پیشگویی، پرده از نیتی شوم و شیطانی بر می دارد که آن چیز جز نامگذاری دهه دوم قرن بیست و یکم به نام دهه کابالا نیست.
آنچه در این سریال و دیگر فعالیت های فرهنگی - رسانه ای یهود به آن پرداخته می شود. آماده سازی ذهن مردم جهان برای پیاده شدن مفاهیم دلخواهشان است. همان گونه که فیلم ها، سریال ها و آوازه خوانی های سبک متال و... دهه نود، جهان را برای ورود به عصر ترانس مدرنیسم که همان Satanism یا شیطان پرستی بود، آماده کرد.
جومونگ که گویا «ماشیح یهود» بوده و قومش نیز همان فرزندان برتر خداوند هستند، ارتباطی تنگاتنگ با تورات و تلمود دارد. آنگونه که همواره مورد عنایت الهی است و حتی همچون پیامبران بنی اسراییل (طالوت و داوود)، خداوند به او روش بافت و ساخت زره را آموخته و سربازانش با تعدادی کم بر دشمنان بسیار خود از امپراتوری چینی ها (هان) پیروز می شود.

نویسنده: روايتي از رابطه جومونگ با صهيونيزم

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:7

نقش زنان در این سریال (اعم از کاراکترهای مثبت ومنفی) انسان را به یاد پیامبران زن هفتگانه یهود یا حداقل دیگرانی چون ریوقا، ساره، یائل و ... می اندازد. شخصیت بانو «سوسانو» بسیار شبیه «دبورا» پیامبر زن یهودی است که بنابر فصل های چهار و پنج کتاب شوفطیم از مجموعه عهد عتیق بر سربازان سیسرا پیروز می گردد یا اقدامات تجاری وی «گراسیا ناسی» زن تاجر معروف یهودی و عامل اصلی نفوذ یهودیان در دربار عثمانی را در خاطر زنده می کند. بانو سویا (همسرجومونگ) نیز که ابتدا به اسارت می رود، ولی پس از بازگشت به خاطر اهداف عالیه قوم همسرش از معرفی مجدد خود سرباز می زند، انسان را یاد داستان «هدسه» که بنابر فیلم صهیونیستی «یک شب با پادشاه» به زور از خانه عمویش مردخای ربوده شد و به همسری خشایار شاه درآمد، می اندازد.
در بررسی شخصیت های زن این سریال، از هدسه که با نفوذ در دربار ایران، مقدمات قتل 77000 ایرانی را فراهم کرد، بگذریم (که شرح آن در دفتر استر از مجموعه عهد عتیق آمده است)، به یاد «رکسلانه» یا «خرم سلطان» یهودی می افتیم که با نفوذ در دربار سلیمان، پادشاه عثمانی به همسری وی درآمد و با قتل ولیعهد «مصطفی» بالاخره منجر به قتل سلطان سلیم دوم و شعله ور شدن آتش فتنه جنگ های ایران و عثمانی شد. در دیالوگ های این سریال، فراوان عبارت آوارگی، اسارت، سرزمین مادری و تاریخی، کوچ و ... به چشم می خورد که همگی یادآور فرازهایی از تورات است.
جومونگ برای دفاع از خود، حق دارد از سلاح های نامتعارف زمان خودش مانند شمشیر فولادی، بمب های آتشزا و ... علیه دشمنان خود استفاده کند تا جایی که بیننده، این برتری تسلیحاتی را نوعی حق مسلم وی می داند که حاصل هوشمندی و تخصص کارگزاران اوست.
دشمن اصلی جومونگ، امپراتوری چینی ها یا همان «هان» است که سربازهایش با پری که روی کلاهخودهایشان دارند، بی شباهت به جنگاوران مسلمان نیستند. منطقی هم به نظر می رسد. باید در مقابل نفوذ روز افزون اقتصادی چینی های کمونیست در مقابل ایالات متحده که 80 درصد ثروتش در اختیار جمعیت حداکثر 6درصدی یهودیان است، ایستاد. یکی از این راه ها، قدرت گرفتن کره به عنوان متحد آمریکا و اسراییل در حیاط خلوت چین است.

نویسنده: روايتي از رابطه جومونگ با صهيونيزم

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:12

توجه بیش از حد این سریال به مقوله تجارت، بی شک برای یهودیان زرپرست، زیبنده تر است تا شینتوئیست ها و مائوئیست های روح گرای شرق آسیا، شاید هم صهیونیست نمی تواند قبول کند که پیروان مکتب کمونیسم (چین) امروز اینگونه در اقتصاد آزاد جهان جولان دهند.
لابد کره هم به عنوان هم پیمان ایالات متحده و اسراییل با توجه بیش از حد به مقوله تجارت در این افسانه تازه ساز (!) به دنبال ایجاد مقدمات فرهنگی جهت سرازیر کردن هر چه بیشتر تولیدات خود در کشورهای هدف (مانند ایران) است؛ چرا که مناسبات اقتصادی ?? میلیارد دلاری بین ایران و کره و نیز داشتن مقام سوم صادرات به ایران، چشم طمع چشم بادامی های کره ای را هر چه بیشتر به سوی این مرز پرگهر جلب کرده است.
نقش شرکت گوگل در القای تبلیغات غیر مستقیم نیز در این سریال مشهود است.
آنجا که قرار است امپراتوری نو بنیاد جومونگ «گوگوری یو» نام گیرد، بیننده را به یاد تبلیغات و شایعات گسترده مبنی بر

تاسیس کشوری به نام گوگوری یو یا گوگ لند در جزیره ای G شکل «لوگوی اصلی شرکت گوگل» در اقیانوس آرام از سوی مدیران گوگل می اندازد.

نویسنده: بی نام

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:24

سلام بر استاد بزرگوار ودوستان

هود به معنای هدایت یافته است واین کلمه بار آن دارد که هدایت پایان یافته ویهود به معنا ی در حال وحین هدایت است وفعل هدایت در حال اقدام است وپایان نیافته.
می توان نتیجه گرفت که این قوم حد اقل از زمان حضرت محمد از جاده هدایت خارج شده اندولو اینکه قبلا" هدایت یافته بوده اند.

نویسنده: تولد دجال آخر الزمان در اسرائیل

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:47

به گزارش البرز،برخی منابع اسرائیلی دست به انتشار خبری باعنوان تولد "دجال آخرالزمان " از بدنیا آمدن کودکی عجیب الخلقه در سرزمینهای اشغالی فلسیطنیان خبر میدهند که تنها یک چشم دارد و چشم سمت چپش روی پیشانی اش قرار گرفته و فاقد گودی زیرچشم و بینی است ،دراین اخبار تلاش شده این کودک دجال فتنه گر آخرالزمان معرفی شود(۲۷ آبان ۱۳۸۸) .
درحالیکه چندی پیش به نقل از یکی از دانشمندان دینی کشور خبر باقی ماندن "فقط 5 نشانه ظهور" منتشر شد خبر تولد نوزادی عجیب الخلقه اسرائیل را فراگرفته است .
به گزارش البرز برخی منابع صهیونیستی با انتشار تصاویری از این کودک عجیب الخلقه از وی بعنوان اصلی ترین علامت آخر الزمان یاد میکنند.
منتشر کنندگان خبر مذکور با معرفی نوزاد مذکور بعنوان یک نوزاد یهودی وی را با دجال که در کتب دینی ادیان بزرگ اسلام ،مسیحیت و یهود ازوی بعنوان فتنه گر آخرالزمان یاد شده ،مقایسه میکنند.
این منابع با طرح این سوال که آیا این نوزاد که اکنون با مرگ دست و پنجه نرم میکند همان دجال فتنه گر است؟ ادامه میدهند: دجال پس از رشد و تکامل جسمی مدعی خدایی شده و فتنه گری در جهان را آغاز خواهد کرد .

نویسنده: تولد دجال آخر الزمان در اسرائیل

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 14:52

انتشار خبرمذکور بصورت گسترده ازسرزمینهای اشغالی آغاز و تاکنون بسیاری از کشورهای جهان را دربرگرفته است این درحالیست که درپیگیریهای به عمل آمده به سرنخ هایی برای استفاده ابزاری از این نوزاد ناقص الخلقه دست یافته ایم. این پیگیریها حاکیست نوزاد مذکور چندی پیش در چین و ازیک پدر و مادر اهل این کشور بطور ناقص متولد شد.

تولد این کودک منجر به بروز ترس درمیان این خانواده چینی میگرددتااینکه با پیشنهاد قابل توجهی ازسوی یک صهیونیست مواجه میشوند.این یهودی با پیشنهاد کلانی اقدام به خرید نوزاد مذکور و انتقال وی به اسرائیل مینماید.

کودکی که هم اکنون در برزخ مرگ و زندگی دست وپنجه نرم میکند به ابزاری برای تحقق آرمانهای صهیونیست مبدل شده است.
باتوجه به اعلام تولد دجال درمیان قوم یهود در احادیث شیعی!! و انتشارگسترده خبر مذکور این امکان برای رژیم صهیونیستی فراهم میشود تا ضمن تثبیت عقاید دینی یهود صهیونیست بر یهودی بودن اراضی فلسطینیان تاکید نمایند.

نویسنده: تولد دجال آخرالزمان در اسراییل

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:0

خرید "دجال" توسط اسرائیل!
http://www.tabnak.com/nbody.php?id=15315

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل كمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:8

تمامی کالاهائی که در زیر نامشان یاد اوری میشود از محصولات و تولیدات صنایع پیشرفته اسرائیل است.
گوشی‌های "نوکیا" Nokia و "موتورولا" Motorola جیبهای ما را اشغال کرده است؛ موسیقی از امپی‌تری پلیرهای "آی پود" IPod به گوش ما می‌رسد؛ سی‌پی‌یوهای "اینتل" Intel تجارت و اقتصاد و فرهنگ و سیاست ما را می‌گرداند و اطلاعات آنها را پردازش می‌کند؛ پرینترهای "اچ پی" HP مطالب ما را به چاپ می‌رساند؛ اوقات سرگرمی‌مان با فیلمهای هیجانی "هالیوود" Hollywood که در کمپانی بزرگ "فاکس قرن بیستم" Fox 20 Century تولید شده، پر می‌شود و برای کودکانمان کارتون‌های معروف "والت دیزنی" Disney را با تلویزیونهای "پایونیر" Pioneer نمایش می‌دهیم؛ در هنگام سفر این دوربین‌های "کوداک" Kodak هستند که لحظات زیبای ما را ماندگار می‌کنند؛ این مجریان اخبار شبکه "سی‌ان‌ان" CNN و خبرنگاران مجله هفتگی "تایم" TIME هستند که اخبار دنیا را به گوش ما می‌رسانند؛ بچه‌هایمان با شیرخشک‌های خوشمزه‌ی "سرلاک" Cerelac بزرگ می‌شوند و شکلات‌های "مگی" Maggi و "کیت‌کت" KitKat و "اسمارتیز" Smarties می‌خورند؛ بعد از وعده‌های غذایی‌مان هیچ‌چیز به اندازه نوشابه‌های "کوکاکولا" Coca Cola و "پپسی" PEPSI و "فانتا" Fanta و "میریندا" Mirinda نمی‌چسبد و آنچه که خستگی را بعد از یکروز کاری از تن آدم به‌در می‌کند یک "نسکافه"ی Nescafe مخلوط با "کافی‌میت" Coffee Mate است. البته ناگفته نمی‌ماند که صورتهایمان را با "ژیلت" Gillette اصلاح می‌کنیم، مسواک‌هایمان "اورال بی" Oral-B است،

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل كمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:9

سیگار "مارلبرو" Marlboro بر گوشه لبمان نشسته و خودکار "بیک" BIC و روان‌نویس "پارکر" Parker در جیبمان یافت می‌شود؛ و البته بگذریم از تیشرت‌های رنگ و وارنگ "باس" BOSS که گاهگاهی به تن می‌کنیم و بارانی‌های خوش‌دوخت "نایک" Nike که بدن ما را از برف و باران حفظ می‌کند و کفشهای خوش‌پای "تیمبرلند" Timberland که در گرما و سرما همراه ماست و لباسهای ورزشی "چامپیون" Champion که ما را در افتخارات ملی و محلی همراهی می‌کند؛ و...دیگر نگوییم چرا شعار مرگ بر اسرائیل اثر ندارد! دیگر نگوییم چرا این همه اعلامیه و قطعنامه و تظاهرات به ثمر نمی‌نشیند؛ تا وقتی که مسئولین ما قراردادهای نفتی را با شرکت چند ملیتی "شل" Shell امضا می‌کنند و فروشگاه‌های زنجیره‌ای پوشاک "بنتون" Benton مد را به ما عرضه می‌دارند و محصولات غذایی "نستله" Nestle در یخچال‌های ما جاخوش کرده‌اند اوضاع همین است که هست.... شاید بگویید چرا؟به گواهی اسناد و مدارک، هر ریالی که بابت خرید و مصرف این محصولات می‌پردازیم گلوله‌ای می‌شود در قلب کودک فلسطینی، و بمبی بر سر خانه‌اش، و عاملی برای ویرانی سرزمین و آوارگی هموطنان او؛ و بگذریم از اینکه ریال‌های ما، بودجه سالانه دولت اسرائیل را افزایش و موجبات رفاه زندگی شهروندان آن را فراهم و روزگار را به کام مردم آن می‌گرداند.لازم به ذکر است تمامی شرکتها و کارخانه هائی که نامشان امد متعلق به یهودیان ساکن اسرائیل است.

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل كمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:12

اگر نگاهی به تورات و تلمود و قباله(کتابهای مقدس یهودیان) و پروتکلهای 24 گانه صهیونیسم بیندازید خواهید فهمید که اسرائیل نه تنها داعیه‌دار حکومت بر سرزمین فلسطین و بعد از آن کل منطقه خاورمیانه است، بلکه مدعی حکومت بر تمامی جهان می‌باشد. گلدامایر نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی می‌گفت "هر جا که یک یهودی هست آنجا مرزهای اسرائیل بزرگ است".
در کتاب قبّاله می‌خوانیم "1- کشتن غیر یهودی و غصب کردن و دزدیدن مال او بر یهودی، در صورتیکه مقدور باشد، جائز، بلکه واجب است. 2- برای آنکه سلطنت و آقایی تنها برای یهودیان باقی بماند، لازم است هر فرد یهودی، تمام نیرو و امکاناتش را صرف بدست آوردن مال و ثروت، و منع دیگر ملتها از اندوختن زر و سیم و سیادت و آقایی نماید. 3- از آنجا که افراد یهودی در عزت الهی با هم شریک و مساوی هستند، پس دنیا و مظاهر آن مال آنهاست و حق بهره‌برداری از آنها را دارند و دزدیدن مال یهودی برای همکیشان او جائز نیست، ولی دزدیدن مال غیر یهودی مانعی ندارد بلکه اصلا نام دزدی نباید روی آن گذارد؛ این عمل در حقیقت استرداد مالی است که در دست دیگران است و دین آنرا برای یهودی مباح ساخته است؛ اموال غیر یهودی مانند اموال بی‌صاحب یا ریگهای کنار دریا است که هر کس زودتر دست روی آنها بگذارد، مالک آنها خواهد شد. بنی اسرائیل

در مثل مانند زنی است که در خانه نشسته و شوهرش از راه کار و کوشش، مال و ثروت فراهم می‌کند و او بدون آنکه در رنج کارگری با او شریک باشد، با مرد سهیم است و حق بهره‌برداری از دست‌رنج او را دارد. 4- برای یهود سوگند دروغ خوردن مخصوصا هنگام معامله با دیگر ملتها جایز است، زیرا اصل سوگند برای از بین بردن نزاع قرار داده شده ولی درباره غیر یهودی که عبارت باشند از حیوانات ناطق این سوگند اعتبار ندارد!"...بگذارید دیگر اشاره‌ای به پروتکلهای صهیونیسم که مجموعه قوانین مصوب نزد علمای قوم یهود است نکنم، که هوش را از سرتان خواهد برد؛ بگذارید نگویم که رژیم خبیث صهیونیستی معتقد است غیر یهودی، اعم از مسلمان و مسیحی و زرتشتی، همگی حیوانات ناطقی هستند که خداوند برای بهره‌کشی قوم یهود از آنان، خلق کرده است و انسان برتر فقط و فقط یهودی‌ها هستند؛ بگذارید نگویم که غاصبان فلسطین جان و مال و ناموس غیر یهودی را بر خود مباح می‌دانند؛ و...

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل کمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:14

شرکت: نستل Nestle
محصولات و شرکتهای وابسته: انواع شوکولات، قهوه و نسکافه، محصولات لبنیاتی و ...، KitKat شوکولات، Maggi مواد غذایی، L’Oreal لوازم بهداشتی - آرایشی

این شرکت سوییسی ۵۰/۱ درصد از سهام شرکت مواد غذلیی اسرائیلی به نام Osem Investments را دارا می باشد.
Nestle در دسامبر سال ۲۰۰۰، اعلام کرد که میلیونها دلار صرف راه اندازی مرکز تحقیق و توسعه (D&R) در اسرائیل خواهد کرد.

در سال ۱۹۹۸، آقای Peter Brabeck-Letmathen در پی متقاعد کردن Nestle، جایزه ویژه (Jubilee) را از شخص نخست وزیر اسرائیل (نتانیاهو) دریافت کرد. این بزرگترین جایزه ایست که تا کنون رژیم اسرائیل اعطا کرده است و تنها به اشخاص و یا سازمان هایی اختصاص می یابد که با سرمایه گذاری و مبادلاتشان، بیشترین تاثیر را در قدرتمند کردن اقتصاد اسرائیل داشته باشند.

http://www.arabia.com/qatar/business/article/english/0,5508,36207,00.html
http://www.aqsa.org.uk/flyers/boycott.html
http://www.nestle.com/all_about/at_a_glance/aag-main_brands.html
شرکت: تیمبرلند Timberland
محصولات: انواع کفش: ورزشی، راحتی، پوتین، صندل و ...
لباس: کاپشن چرم، بادگیرهای ضد آب، کاپشن های سبک کمربند، کلاه، کوله پشتی، چمدان، جوراب، عینک آفتابی، کیف پول و ساعت

تیمبرلند یک شرکت تولید کفش، البسه ۱/۱ میلیارد دلاری می باشد. Jeffry Swartz رئیس و مدیر اجرایی این شرکت، یک صهیونیست فعال است.

در یکی از جلسات «همبستگی اسرائیل» که اخیرا برپا شده بود، او پیشنهاداتی ارائه داد تا تبلیغات و ادعاهای اسرائیل در اجتماع آمریکا باورپذیرتر باشد. در مصاحبه ای به عنوان مدیر اجرائی شرکت، اظهاراتی مبنی بر فرستادن ۱۰۰ آدم کش به عنوان سفیر اسرائیل به آمریکا، داشت، تا این افراد یهودیان مقیم آمریکا را مجاب به کمک به اسرائیل کنند.

اگرچه تیمبرلند یک شرکت تجاری عمومی می باشد ولی Swartz و خانواده اش تقریبا ۴۷ درصد سهام و ۸۱ درصد از قدرت رای شرکت را دارا می باشند.

http://www.jpost.com/Editions/2002/04/26/News/News.47808.html
http://www.timberland.com/cgi-bin/timberland/timberland/corporate/tim_investors_main.jsp
http://www.timberland.com/cgi-bin/timberland/timberland/corporate/tim_store_locator.js

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل کمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:16

شرکت : کوکاکولا
شرکتهای وابسته: فانتا، اسپرایت، کانادا درای، ...

از سال ۱۹٦٦ کوکالا تبدیل به یکی از ثابت قدمترین پشتیبانان اسرائیل شد.
در سال ۱۹۹۷ هیئت دولتی اقتصادی اسرائیل در مهمانی شامی به افتخار کوکاکولا بخاطر ۳۰ سال پشتیبانی بی وقفه خود از اسرائیل و عدم توجه به تحریم کشورهای عرب، قدردانی کرد.
(در مقابل پپسی به تحریم اسرائیل که تا سال ۱۹۹۱ از سوی کشورهای عربی اعمال شده بود مقید ماند و از سال ۱۹۹۲ تجارت خود را با اسرائیل از سر گرفت.)

در سال ۲۰۰۱ اداره مرکزی کوکاکولا میزبان و حامی اصلی اتاق بازرگانی آمریکایی – اسرائیلی شد.
آشکار شده که کوکاکولا برنامه ای آموزشی برای کارگرانش بر پایه برخورد صهیونیسم- عرب ترتیب داده. محتویات این دوره توسط دولت اسرائیل و یک آژانس یهودی تهیه و تنظیم شده است.

در فوریه ۲۰۰۲، کوکاکولا در کاری گروهی با سازمان «دوستان اسرائیل» و National Hillel پشتیبانی از مقاله Linda Gradstein خبرنگار بدنام صهیونیسم را در دانشگاه Minnesota به عهده گرفت.

در جولای ۲۰۰۲، اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه کوکاکولا جهت صرفه جویی میلیون دلاری بخاطر معافیت مالیاتی، اقدام به ساخت کارخانه ای جدید در زمین های اشغال شده فلسطین (قیریات قط) کرد.

در اکتبر ۲۰۰۵، کوکاکولا میزان سرمایه گذاری خود را در اسرائیل افزایش داد و ۵۱ درصد از سهام کارخانه شراب سازی Tavor را خرید.

آیا هنوز هم کوکا می نوشید؟
http://www.bham.net/shofar/1997/0697/nbriefs.html
http://www.snopes2.com/cokelore/israel.htm
http://electronicintifada.net/actionitems/020219gradstein.html
http://www.israel-mfa.gov.il/mfa/go.asp?MFAH00ul0
http://www.rdu-yok-meg.org.il/HereAndNow/Newsletter/newsletter.htm
http://www.meitar.org.il/news/news.htm
http://www.haaretz.com/hasen/spages/635442.html

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل کمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:17

شرکت : صنایع دلتا گلیل Delta Galil Industries شرکتهای وابسته: Boss، Calvin Klein، GAP

«دلتا گلیل» بزرگترین تولید کننده و فروشنده در صنعت نساجی اسرائیل است و یکی از بزرگترین آرمهای تجاری تولید لباس در دنیا را دارا می باشد.

Dov Lautman موسس، رئیس و بزرگترین سهام دار این شرکت از وابستگان نزدیک رئیس جمهور اسرائیل، ایهود باراک می باشد.

سازمان دیدبان حقوق بشر، دلتا گلیل را به استثمار کارگران عرب متهم ساخت.
از آنجایی که هزینه تولید محصول به حداقل ممکن برسد، بسیاری از محصولات این شرکت در کشورهای ترکیه، اردن و مصر تولید می شود. بدین صورت که مواد اولیه به اردن می رود، در آنجا دوخته می شود و دوباره به اسرائیل بر می گردد، و از آنجا با برچسب «Made in Israel» به سراسر جهان فرستاده می شود.

http://www.deltagalil.com/Shreholders.htm
http://shamash.org/listarchives/amcha/log9907
http://www.odaction.org/challenge/60/textil.html
http://www.s11.org/iss_sweatshops.html
/http://www.sweatshopwatch.org
http://www.jpost.com/com/Archive/01.Mar.1999/Business/Article-0.html
{http://www.moit.gov.il/root/Hidden/ipc/{F6922

۱ ۲ >>

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 245، نتیجه 53، حقه بازی ها
نظر در هند، 22 - 56

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل كمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:19

شرکت: والت دیزنی
، یورو دیزنی Disneylandمحصولات و شرکت های وابسته: دیزنی لند (شهرک بازی)
، تولیدات دیزنی EuroDisney

در ایالت فلوریدا، بیت Epcot Centerشرکت « والت دیزنی» در نمایشگاه هزاره واقع در المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی کرد.

از آنجایی که بیت المقدس به طور نا مشروع غصب شده، بنابر مصوبه سازمان ملل (۲۴۲،۲۳۷ و ۴۰۵)، هرگز این شهر نمی تواند به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته شود.

از ۸ میلیون دلار هزینه این نمایشگاه، اسرائیل مبلغ ۱/۸میلیون دلار سرمایه گذاری کرد و با دیزنی در گسترش این نمایشگاه شریک شد. این بخشی از مبارزه فیزیکی اسرائیل برای یهودیزه کردن بیت المقدس و مبارزه روانی برای پذیرفته شدن این ادعا در دیدگاه جهانی می باشد.

یکی از شیوخ عرب در عملی مبتکرانه طرحی را برای تحریم دیزنی ارائه کرد که متاسفانه در آخرین لحظات توسط یکی از شاهزادگان سعودی منتفی شد. ولید بن طلال که یکی از بزرگترین سهامداران «یورودیزنی» می باشد عنوان کرد: «درصورتی که دیزنی را تحریم کنیم برد با اسرائیل خواهد بود. زیرا در منفی شدن وجهه ی ما در آمریکا تاثیر خواهد داشت.»

این درحالی است که به طور میانگین سالانه ۲۰۰ هزار عرب از «دیزنی» بازدید می کنند و میزان مبادلات این شرکت با خاور میانه بیشتر از ۱۰۰میلیون دلار در سال است.

http://www.aqsa.org.uk/activities/campaign2.html
http://www.jewishsf.com/bk990924/idisney.shtml
http://www.metimes.com/issue99-38/reg/disney__will.htm
http://www.washington-report.org/backissues/1299/9912013.html
http://www.israeltoday.co.il/article/Default.asp?CatID=2&ArticleID=15

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل کمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:20

Intelشرکت : اینتل
محصولات: پردازنده های سلرون، پنتیوم، ایتانیوم و ...
Processors - Celeron, Pentium, Itanium, etc Motherboards ,Chipsets,
, محصولات شبکه، بی سیم و ابزار ساخت نرم افزار. Adapters, Controllers

بی تردید اینتل یکی از بزرگترین حامیان اسرائیل می باشد. یکی از اولین مراکز توسعه این شرکت خارج از آمریکا در منطقه حیفا در سال ۱۹۷٤ بازگشایی شد. از آن موقع سرمایه گذاری در این رژیم ادامه داشته است. در سال ۲۰۰۰، آنها بیش از ٤۰۰۰ اسرائیلی را استخدام کردند و تنها از اسرائیل (بازگشایی فوریه ۹۹) تا سقف Lachish-Qiryat Gatصادرات کارخانه واقع در

۳میلیون دلار در روز و به طور تقریبی یک میلیار دلار در سال درآمد دارد.

زمینی که کارخانه اینتل بر آن نهاده شده Qiryat Gatالاودا (ائتلاف راست فلسطین) عنوان می کند است در واقع منطقه روستایی بوده به نام «عراق المنشیا» که توسط اسرائیل غصب شده است.
«عراق المنشیا» روستایی بوده با ۲۰۰۰ سکنه که در ۳۰۰ خانه زندگی می کردند با ۲ مسجد و یک مدرسه. ساکنان اصلی این روستا با تهدید و ارعاب رانده شده و تمام زمین روستا ویران می شود تا برای سکونت شهروندان جدید اسرائیلی آماده شود. Qiryat Gat

امروز جمعیت باقیمانده از «عراق المنشیا» هنوز اجازه برگشتن به سرزمین خود را ندارند. اقدامات قانونی بر ضد اینتل مبنی بر ساختن کارخانه در سرزمین غارت شده صورت گرفته است.

کارخانه اینتل بر روی زمین های اشغالی فلوجه

http://www.intel.com/intel/community/israel/aboutsite.htm
http://www.israelemb.org/economic/uscompanies.htm
http://www.intel.com/intel/community/israel/education.htm
http://al-awda.org/intel_divest.htm
http://al-awda.org/intel_update.htm
http://al-awda.org/intel_example.htm

نویسنده: همه ما داریم به ادامه زندگی اسرائیل کمك

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:21

Nokiaشرکت: نوکیا
محصولات: وسایل الکترونیکی، گوشی همراه، ثابت، تلویزیون و ...

شرکت «نوکیا» اقدام به سرمایه گذاری سنگینی در اسرائیل نموده است.
Lars Wolf مدیر کل نوکیا در مصاحبه ای با روزنامه اورشلیم پست Jerusalem Post (٤ مارس ۲۰۰۱) اظهار داشت: «از آنجایی که در پروژه ی داخلی ما به نام «پروژه اسرائیل»، شبکه اسرائیل یکی از اهداف ماست و همچنین سازمان اقتصادی و مرکز تحقیقات نوکیا نیز حساب ویژه ای برروی اسرائیل باز کرده، ما اسرائیل را به عنوان چشم انداز و دورنمای تمام اهداف نوکیا می دانیم.»

« شرکاء اقتصادی نوکیا (شاخه ای از سازمان اقتصادی نوکیا)» در ماه دسامبر ۲۰۰۰ سرمایه ای ۵۰۰ میلیون دلاری را به شرکتهای اسرائیلی اختصاص داد. مرکز تحقیقات نوکیا به دنبال بازار اسرائیل به هر وسیله ممکن می باشد. همجنین شرکت موتورولا که صد در صد سهام ان متعلق به

خانواده اسحق بروخیم است که خود وی اکنون در شهر صدیروت اسرائیل زندگی میکند

http://www.jpost.com/Editions/2001/03/02/Business/Business.22287.htm
l

نویسنده: ?

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:28

مقبره حافظ. تصویر سال ۱۳۰۵ خورشیدی
http://tiny.cc/8j8qH

نویسنده: 1

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 15:56

سلام خسته نباشید

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 21 دی1388 ساعت: 18:10

آقای بی نام. در چند آیه از جمله بقره 111 و 135 و 140، نه خداوند، که یهودیان به خود عنوان هود می دهند. اما خداوند در قرآن با اصرار و عمدی معین و آشکار، آن ها را نه هود که یهود خوانده است. باید فصحای عرب به تغییری توجه کنند که افزودن حرف ی از جانب خداوند در معنای هود پدید می آورد.

آقای؟ ممنون. لینک های جالب و قابل استفاده ای هستند.

/wEPDwUJNzUyI

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

بازنويسي ثبت نظر

ایران شناسی 246

ایران شناسی بدون دروغ 246، نتیجه 54، حقه بازی ها در هند، 23 103 - نظر

نویسنده: محمد بختیاری نژاد

جمعه 25 دی1388 ساعت: 22:42

سلام جناب پورپیرار

من سه روز پیش از طریق دوستم اقای سلامات با شما آشنا شدم وتصمیم دارم تمام مطالب شما را بخوانم امید است

مستنفع گردم
موفق باشید

آقای محمد بختیاری نژاد. من هم امیدوارم و خوش آمدید.

نویسنده: آمون

جمعه 25 دی1388 ساعت: 20:7

سلام
آمون به روز شد و خبرنامه اعضا ارسال شد.
amun.blogfa.com

نویسنده: طالب حقیقت

شنبه 26 دی1388 ساعت: 1:51

با سلام به استاد و دوستان
استاد واقعا حرفی برای گفتن نگذاشتید. وقتی نوشته های شما را با آنچه قبلا خوانده ام مقایسه می کنم، آنها را فقط سزاوار تمسخر و فراموشی می بینم. یک نگاه ساده برای هر کس لازم است تا تکلیف خود را دریابد. می خواهم در کمال بی طرفی و بدور از هر تعصبی حتی نسبت به شما، به دیگران بگویم: آیا شایسته ملامتیم اگر سخنان پورپیرار را دنبال می کنیم؟ آیا آنچه او می گوید به واقعیت نزدیکتر است یا آنچه اساتید پر ادعا می گویند؟ سالها گفته های دیگران را خواندیم و آیا به اندازه ذره ای به درکمان اضافه شد؟ ولی شاید فقط یک یادداشت پورپیرار لازم است تا انسان زیر و رو شود.
مایه تاسف نیست که دشمنان این همه سال ما را فریب داده اند و ما هنوز به دنبال آنیم که بدانیم مثلا مفهوم فلان بیت حافظ چیست، خود را با اشعار زندگی بر انداز خیام سرگرم می کنیم و به دنبال صوفیگری مولوی میرویم؟ این را می گویم چون خودم اینگونه بودم؛ به آنان که هنوز در میانه راهند.
در کتاب موسوم به "بازگشت به خویش" شریعتی عبارتی به این مضمون نوشته شده بود که مسلمانان هند به خاطر تحجر، رفتن به مدارس خارجی ها را تحریم کرده بودند؛ ولی در عوض هندوها با استفاده از آن مدارس توانستند مدارج ترقی را طی کنند و از مسلمانان پیش بیفتند. البته ممکن است آنچه شریعتی گفته است تا حدودی درست باشد؛ ولی این دلیل بدبختی مسلمانان هند را با تحلیل استاد مقایسه کنید. کدام یک روشنگر تر است؟ و حق است که بگویم ضرر کرده اید اگر به خاطر تعصب به چند شاعر مجهول الحال یا چند ستون تخت جمشید یا افتخارات ملی و... خود را از سخنان استاد محروم کنید. و ندانید که ملیت در واقع چیزی نیست به جز آنچه با آن میان انسانها شکاف بیندازند و از آب گل آلود ماهی بگیرند و ما ندانیم که ندانیم و دایم بر سر همدیگر بکوبیم و با کله های پر از باد دیگران را تمسخر کنیم و دشمنان برایمان کف بزنند...
خسته نباشید استاد.

آقای طالب حقیقت. از الطاف شما ممنونم. اگر شریعتی حقایق اطراف خود را حتی به میزان ولیان طاغوتی درک نکرده و از جمله ی عصبی ترین باستان پرستان و مبلغان شعر و شاعران است، پس مشغول انجام وظیفه بوده است.

پست الکترونیک

نویسنده: ايراني مسلمان

شنبه 26 دی1388 ساعت: 3:50

با سلام
استاد قولتون درباره ي شروع يادداشتهاي سلسله انبيا و عرفا و تصوف که در اسلام وشمشير قول آن را داده بوديد و ادامه سلسله مباحث "اسلام و شمشير" هنوز قوت دارد؟ چه موقع شروع خواهيد کرد؟

آقای ایرانی مسلمان. ان شا‌ٔ الله به دنبال اتمام یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ و انتشار این یادداشت ها به صورت فتوکپی، کار شاقی که الطاف مراکز فرهنگی جمهوری بر دوش مولفینی می گذارد که فقط به خدا پناه می برند.

نویسنده: reza

شنبه 26 دی1388 ساعت: 8:10

با سلام استاد. آیا مقالات "اسلام و شمشیر" به صورت یکجا چاپ و تکثیر شده اند؟
و آیا امکان سفارش خرید از شهرستان موجود است؟

مستدام

نویسنده: reza

شنبه 26 دی1388 ساعت: 8:42

این مطلب تا حدودی قابل تامل است.با اجازه استاد.

محي‌الدين حائري امام جمعه شيراز , شخصیتی مرموز از قلب محله یهودیان شیراز

برادر همسر حائري شيرازي، در برنامه «سالكان نور»، كه از شبكه سه تلويزيون ايران پخش مي‌شود، گفت: «علماي علم يهود هر وقت گير مي‌كردند در تورات و ترجمه تورات و لغات عبري به ايشان مراجعه مي‌كردند كه مواردي‌اش ثبت شده است.» آشنايي با زبان عبري و فقه يهود امتيازي بزرگ براي علماي شيعه است. اگر حائري شيرازي تسلطي شگرف بر زبان عبري و فقه يهود دارد، در حدي كه «علماي دين يهود براي حل معضلات تورات و لغات عبري» به او مراجعه مي‌كنند.

http://www.shahbazi.org/Articles/Freemasonry_Sassoons2.pdf

آقای reza. به این گونه مطالب ژورنالیستی به اصطلاح صد تا یک غاز، که از قول برادر این و خواهر آن بیان می شود، اعتنا نکنید. به بنیان ها بیاندیشید. اگر دیوان حافظ را از بغل مردم بیرون کشیدید و بر جای آن قرآن گذاردید، کاری انجام شده و گرنه دنیا پر از یهودی مشکوک است که مشغول آی دزد گفتن اند. کامنت دیگر شما هم باز نشد.

وب سایت

نویسنده: reza

شنبه 26 دی1388 ساعت: 8:46

ادعای آقای طائب شبیه ادعای یهودیان و نصارا است .
طائب : « مسیر ورود به بهشت برای مردم را مسیر ولی فقیه دانست » .

وَقَالُواْ لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُواْ بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

http://moulinrouge666.wordpress.com/2010/01/16/%D8%A7%D8%AF%D8%B9%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D9%82%D8%A7%DB%8C-%D8%B7%D8%A7%D8%A6%D8%A8-%D8%B4%D8%A8%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D8%AF%D8%B9%D8%A7%DB%8C-%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA/

وب سایت

نویسنده: reza

شنبه 26 دی1388 ساعت: 10:21

استاد گفته شما به روی چشم.

سوال من این بود: اگر مقالات اسلام و شمشیر به صورت یکجا چاپ شده اند ، می توان آن را برای شهرستان سفارش داد؟

مستدام باشید

آقای رضا. به تلفن 66492049 سفارش دهید ارسال می شود.

نویسنده: توحید

شنبه 26 دی1388 ساعت: 7:45

سلام استاد ، خسته نباشید

در باره شریعتی حقیقت اینکه دارای افکار ضد و نقیض فراوانی بود ولی به نظرم نباید به دیده بدبینی به این موضوع نگریست و اگر آثار او دوران شناسی شده و بر اساس گذر زمان و تحولاتی که در او بوجود آمده مورد بررسی قرار گیرد به نتیجه گیری درستی می رسیم . قصدم حمایت از او نیست ولی تا آنجا که تحقیق کرده ام ایشان در آثار ابتدایی شان رگه هایی واضح و روشن از باستان گرایی عوامانه برخوردار است ولی از حدود سال 1348 به بعد افکار و نظراتشان منسجم تر و منطقی تر می شود و شکل و فرمی منطقی می گیرد . مثلا به این دو نمونه دقت بفرمایید :

« این نژاد (آریا) موقع آمدن به هند و ایران کاملا " وحشی " بودند و بومیانی که در این سرزمین ها زندگی می کردند ، آنها را آدم کش می نامیدند و کلمه "آریا" یعنی "آدمکش" و "وحشی" و در زبان بعضی از مردم کرمان و بعضی نواحی هند هنوز آریایی به معنی آدم کش است »

ویژگی های قرون جدید . علی شریعتی . ص 447

که این نظر منطبق با نظر شما در کتاب "بر آمدن هخامنشیان" است که البته با نبوغ خودتان و خواندن خط میخی بیستون اثبات کرده بودید که آریا به معنی "شریر " است ولی شما بصورت مستدل ثابت کردید که هیچ تمدنی بر اثر " مهاجرت " ایجاد نشده است ولی شریعتی چنین تصور غلطی داشت .

نویسنده: توحید

شنبه 26 دی1388 ساعت: 7:46

« ... اگر به خویشتن نژادی ام باز گردم ، به راسیسم و فاشیسم و جاهلیت قومی نژادی دچار شده ام و این یک بازگشت "ارتجاعی" است ، ... ما یک خویشتن باستانی داریم ، مال دوره هخامنشی ، دوره ساسانی ، دوره اشکانی ، و دوره پیش از آنها ، آیا به آنها برگردیم ؟ ... ان خوشتن خویش کهن است ، خویشتن قدیمی است خویشتنی است که در تاریخ ثبت شده است ، خوشتنی است که فاصله طولانی قرن ها پیوند ما را با آنها گسسته است ... ولی ملت ما آن خویشتن را بعنوان خویشتن خودش حس نمی کند ، و قهرمانان و شخصیت ها ، نبوغ ها و افتخارات و اساطیر آن دوره در میان ما حیات و حرکت و تپش ندارد ، قیچی تمدن اسلامی آمده و بین خویشتن پیش از اسلام و پس از اسلام ما فاصله ای انداخته است که خویشتن پیش از اسلام ما فقط بوسیله دانشمندان و متخصصین در موزه ها و کتابخانه ها قابل رویت و مطالعه است ، توده ما هیچ چیزی از انها یادش نیست ، شما سنگ نوشته ها و آثار تاریخی را که در میان مردم ما وجود دارد ، ببینید که مردم ما چه نوع احساسی به آن دارند > ... می گویند اینها را جن ها نوشته اند و این معلوم می کند که هیچ ارتباطی بین آنها نیست ، خلاصه این بازگشت به خویشتن تاریخی که می گوئیم بازگشت به گذشته گرائی نیست ، بازگشت به "کهنگی" ، به "سنگ گرائی" بازگشت به جل الاغ نیست بازگشت به خویشتن بالفعل و موجود در نفس و وجدان جامعه است ... آن خویشتنی است که زنده است ، آیا آن خویشتن خویشتن مذهبی است ؟ خویشتن اسلامی است ؟ کدام اسلام ؟ کدام مذهب ؟ در اینجا می گویم " آری" ... »

بازگشت به خویشتن . علی شریعتی . صص 37 و 38

استاد هرچند اگر با دید بنیان اندیشی به متن بالا نظر کنیم مملو است از همان برداشت غلط تاریخی یهود نوشته مثلا در باره تمدن هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان مجهول و ناپیدا و ... ولی برداشت کلی آن نشان می دهد که شریعتی در اواخر عمر نتایج و برداشت و درک بهتری از شرایط اطراف داشته است .

نویسنده: R134a

شنبه 26 دی1388 ساعت: 12:11

خسته نباشید استاد

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 26 دی1388 ساعت: 12:16

آقای توحید. کار روشنفکر تکرار "چه کنیم و چرا"ی موجود در جامعه با الفاظ آب نکشیده نیست، باید حقیقتی را بیابد که چون چراغی راه عبور از عامیگری به بنیان اندیشی را روشن و طی آن را آسان کند. اگر شریعتی چراغی نیافروخته و مدخلی روشنگر نگشوده، پس یکی از عوام الناس است و می گذرم کار او بیش تر نصب سئوال بر قرآن عظیم بوده است. اگر دقیق شوید در ورای مظاهر و مدعاهای او نهرو و سروش دیگری را می یابید.

نویسنده: R134a

شنبه 26 دی1388 ساعت: 12:41

کاش وقت میکردید درمورد عاشق خانه تاج محل بیشتر مینوشتید تا دل عاشقان خون بگرید!

نویسنده: xxx

شنبه 26 دی1388 ساعت: 13:48

سلام استاد. در خصوص عدم نمایش نوشته بنده در خصوص کتاب آقای شهبازی آیا عدم اعتقاد به این کتاب بود یا معذوریتهای دیگه؟اتفاقا شهبازی هم مقالات جالبی در مورد یهودیان و انوسی ها منتشر کردند. با تشکر

آقای xxx. به پاسخ آقای reza در ساعت 8 و 42 دقیقه رجوع کنید.

نویسنده: توحید

شنبه 26 دی1388 ساعت: 15:37

http://alhadid.blogfa.com/post-90.aspx

آقای توحید. بی شک وبلاگی یهود زده بود.

نویسنده: تجارت ... در اسراییل

شنبه 26 دی1388 ساعت: 22:49

http://www.ebratnews.blogfa.com/post-1.aspx

نویسنده: تجارت ... در اسراییل

شنبه 26 دی1388 ساعت: 19:24

http://www.ebratnews.blogfa.com/post-1.aspx
با سلام
این تصاویری که در این مقاله به تصویر کشیده می شود به نوعی در یک فیلم هالیوودی به نام taken نشان داده شده است!ولی با این تفاوت که دست آخر به اعراب ختم میشود!!!این نجس ها از بدبختی برچسب های خود را به دیگران می چسبانند!!

نویسنده: پزشک عرب آبادانی

شنبه 26 دی1388 ساعت: 23:40

سلام خدمت استاد پورپیرار .... خدای محمد ، همراه و پشتیبانتان باد

وبلاگ "قدسنا" به روز شد

لا اله الا الله

محمد رسول الله

qodsona.blogfa.com

نویسنده: فتح

شنبه 26 دی1388 ساعت: 23:43

جناب پورپیرار قول داده بودید پیش از اتمام هند جریان سوخته بودن ابنیه و ساختمانها را در هند بیان کنید.
دیگر اینکه اگر تا امروز کسی چون پورپیرار با داشتن و اجماع عوامل مختلف در باره تاریخ و اسلام و هویت مردم ایران و پیرامون آن سخن نگفته بود بسیاری از خوانندگان شما امروز همانهایی بودند که تحقیقات و گفتارشان در حوزه یاوه های پیش از خودشان دور میزد و البته اگر هم به چیزی پی برده بودند توان کلام و یا نگارش و حتی دامنه مستندات آنها یارای شکافتن عمیق مطالب را به آنها نمی داد و باز البته شاید بتوان عامل سن را هم به بقیه عوامل افزود مثلا آیا پورپیرار در سن 27 یا 30 سالگی می توانست همه این مطالب را به این عمق بیان کند و بالاتر از آن آیا به همه زوایای آن پی برده بود؟ من فکر می کنم در مورد شریعتی و یا بسیاری دیگر هم چه کسانی که در این وب بر سر کلاس درس حاضر می شوند و چه کسانی که اصلا از پایه همه کتابها و نوشته های شما را نخوانده اند این مساله صادق است. شریعتی در همان حد گفته و نوشته که بود و به دستش رسید شاید بسیاری دیگر هم این چنین باشند اما سریع همه را مامور خواندن کمی دور از واقعیت به نظر می رسد. البته همانطور که بارها خود گفته اید ریشه همه اینها هم از پوریم است و اگر پورپیرار پوریم را به عنوان ریشه همه دروغها کشف کرده و دنبال کرده این مختص اوست واگر دیگری این را ندیده نمی توان او را فورا آنوسی و یا مامور دانست چون با این حساب همه نویسندگان دنیای اسلام و مسلمانان مامور می شوند.به نظر من مورد کشف پوریم مانند این است که بگوئیم اگر در دوره ای پزشکان میکروب را نمی شناختند پس همه دروغگو بودند و یا اگر در دوره ای همه مهندسین و شیمیستها از علم نانو و کاربرد آن بی اطلا بودند پس هیچکدام مهندس و... نبودند البته این حرف را من از دانشجوی فوق لیسانس نانو شنیدم که می گفت استادش گفته بزرگترین اشتباه بشر کشف چرخ بود چون با نانو هیچ نیازی به چرخ نیست این کشف (چرخ)مسیر تکامل بشر را منحرف کرد؟!

آقای فتح. هرکس با قیافه و پز و اشتهار اسلامی از تخریب تمدن باستان ایرانیان به دست اعراب بنویسد و بگوید، آنوسی است. هنگامی که گاندی قهرمان شرق است، چرا شریعتی متفکر آن نباشد؟!

نویسنده: مواظب باش

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 3:24

بزودی از جایی که اصلن توقع نداری ضربه خواهی خورد.یکی از اطرافیانت در خارج نقشه شومی برایت کشیده.مراقب باش.مخصوصن اگر اسلحه ای داری در جایی امن قایمش کن.مواظب حرفهایت در تلفن باش.مخصوصن یک خانم نه چندان مسن.بیشتر از این مقدور نیست که نشانی بدهم چون خودم هم پایم در جریان است.اگر مشروب الکلی داری ازبین ببر.

آقای مواظب باش. اولا که خانم ها چه پیر یا جوان، دائمادر حال نقشه کشیدن اند. دوما مشروب ها را نگه داشته بودم برای پذیرایی از شما که حالا وقتی آمدی باید چایی بخوری و اسلحه های ام را هم، که چند تا خود کار بود، قایم کردم. از این به بعد با مداد می نویسم که خطرش کم تر است و مشکلات اش با یک مداد پاک کن حل می شود. بعد هم به نصیحت ام گوش کن و شام سنگین نخور.

نویسنده: reza

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 3:34

با سلام استاد.
در جواب دوستمان توحید فرموده بودید که : "آقای توحید. بی شک وبلاگی یهود زده بود."

این وبلاگ ظاهرا در جهت مبارزه فرهنگی با نفوذ یهود دارد.
متوجه منظورتان نشدم. ما چگونه میتوانیم مدعیان راستین این وادی را از لاف زنان و مبلغان صهیونیزم تشخیص داد؟

نویسنده: reza

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 6:15

مقاله نخبه کشی در بی بی سی بدون هیچگونه اشاره به نقش استعمار در برکناری و قتل نخبگان ایرانی

http://www.kayhannews.ir/881027/2.htm#other211

وب سایت

نویسنده: ناصر پورپیرار

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 11:13

آقای مهدی - مهدی. لطفا با تلفن 09194773819 تماس بگیرید.

نویسنده: علی رضا

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 11:30

خسته نباشی استاد عزیز
از این اینکه با شما آشنا هستم خدا را شکر میکنم.

نویسنده: استاد پوست کلفت

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 13:1

دنیا همه در جهل و نادانی بود که یکهو یکی آمد و گفت من شما را از جهل نجات میدم هرچی بدبختی در دنیاس از کورش شروع شده و هر چی خوبیه از محمد(ص).
و آن هم کسی نبود جز اوس ناصر
اوستا پیر شد یا حکومت بلاخره جفتش میکنیم و رو شنگری را ادامه میدیم.

نویسنده: دوستانه

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 13:11

جناب مواظب باش! کسانی که فعلا از جایی که انتظار نداشته اند خوب خورده اند شما هستید.امثال افرادی که دیگر پاسخی برای ارائه ندارند به این گونه یاوه سرایی ها صورت می گردانند ولی آیا فکر کرده اید در صورتی که چنین خطایی سربزند با چه واکنشی مواجه خواهید شد؟آیا متصور نیستید که لااقل در این ور میدان هم عده ای چنین کارهایی از شما را پیش بینی کرده محتمل میدانند و خود را برای این سناریو ها نیز آماده کرده اند؟!بگذارید حقیقتی را صادقانه برایتان بگویم هنگامی که نظرات دوست عزیزمان را در خصوص نزول سوره به سوره قرآن خواندم تا سرحد حلقه زدن اشک در دیده ام خوشحال شدم.شما اینک می توانید پورپیرار را حذف کنید غفوری را مجوز ندهید فلانی را دست به سرکنید با انبوه جوانانی که همه هستی خود را کناری نهاده اند و شبانه روز برای حقیقت به نبرد برخاسته اند چه می کنید؟دیگر کار از کار گذشته است و نم تختگاه هیچ کس هیچ کسانی را عجیب به ستوه آورده است!مخلص کلام برادر ! جان ما ناقابل تر از ذبح در پای حقیقت است نمی توانم بگویم قبل ولی مطمئن باش که پس از دست بردن به قبضه دیگر تو در نیام کننده آن نخواهی بود.آری تو خود بیشتر مراقب باش که امثال تو بر جانشان حریص ترند تا پابرهنه هایی که به زور در ضعف نگهداشته ایدشان.

نویسنده: تپانچه

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 10:35

با سلام

دوستان کسانی مانند این « مواظب باش » را جدی نگیرید که کوچکتر از این حرفاست . در ضمن فکر می کنم این دوستمان کمی دیر تصمیم گرفته اند و نقشه کشیده اند . تا آنجا که می دانم بحث اصلی به خواست و اراده خدا تمام شده است و همه چهره کثیف یهود را دیدیم که در این 2500 سال از کوچکترین دروغ و نیرنگ و فریب و آدم کشی و کثافت کاری ابا نکرده است وروز خیزش جهانی خردمندان جهان بر علیه یهود و یهودی نجس و اذناب آنها فرارسیده است .

چند سال پیش یک فیلم وسترن بسیار زیبا تلویزیون نشان داد که جوانی نوخاسته و مغرور که خیلی روی خود و قلدریش حساب باز کرده بود و سر چهارراه شیشه ودکا می شکاند و عربده کشی می کرد ، تصمیم گرفت رو به هفت تیر کشی آورد ، خلاصه هفت تیری به دست گرفته و فکر می کرد تا وقتی آن را در دست دارد کسی حریفش نیست ، روزی هفت تیر را به سمت هفت تیر کشی ماهر که البته دست خالی بود کشید ، هفت تیر کش زبده او را نصیحت کرد که پسر جان بر روی یک انسان دست خالی هفت تیر کشیدن سخت نیست ، اگر توانستی وقتی با یک هفت تیر کش مواجه می شوی قدرت این را داشته باشی که هفت تیر را بدون لرزش در دستانت نگه داری مردی .

خلاصه روزی همین اتفاق افتاد و وقتی پسر جوان در کافه به سمت یک هفت تیر کش نشانه رفت و یک لحظه خود را مقابل لوله هفت تیر کش با سرعت و با تجربه دید حتی نتوانست عکس العملی نشان دهد و ماشه را بچکاند و شروع کرد به خیس کردن شلوار خویش . حالا آقای مواظب باش اگر روزی این طرف ها پیدایت شد و قصد هفت تیر کشی داشتی یادت نرود که اول خودت را کهنه پیچ کنی !!!

نویسنده: یه دانشجو

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 20:26

دوست عزیزمان منصور در پای نوشته قبلی استاد با درج یه پیام تفکر بر انگیز شش تکه ای در آخر اضافه کرده بودند که با اینکه رهبر محبوبمان دستور به گشایش کرسی های ازاد اندیشی داده اند اما دیگران سنگ اندازی می کنند. من در همانجا از منصور سئوالی کردم که ایا رهبر توانایی شناسائی و حذف این سنگ اندازان را دارند یا که نه.؟ که ایشان پاسخ داده بودند که نه.
من شخصا به این پاسخ دوستمان منصور قانع نشدم برای اینکه چگونه است که رهبری که تجربه 30 سال انقلاب پر شکوه اسلامی و پشتیبانی همیشه در صحنه بیش از 95 درصد-- سه در صد بی طرف و آن دو درصد خس و خاشاک بقول رئیس

جمهور بر گزیده و محبوبمان دکتر محمود احمدی ن÷اد-- مردم با ایمان با خود را دارند قادر نیستند یه دوجین سنگ انداز را شناسائی و حذف کنند.؟

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 27 دی1388 ساعت: 22:59

با سلام
استاد با استفاده از نرم افزار های مترجم نمی توان تا حدودی برخی مقالات را به انگلیسی ترجمه کرد؟!
مثلا من مقدمه ایران شناسی بدون دروغ را با یک نرم افزار تبدیل به متن انگلیسی کردم!به نظر شما چطور است؟!
قسمت هایی از متن:
celebrated Purim familiarity with arguments and documents occurred filthy
Thus the Pseudoxantoma Iran's without lying and mask 1
civilization and determine the scope and To prove decisive this great event and the disaster, in the way human series of discussions, I to worm their way out to be clear after the story of a the amount of its side effects, of a native left empty, Belle repair and fear, not just the length of 12 Iran's century to the general population of Civilization, the ruins of the silent, and producing tens Afghanistan's preparing for gathering and production and all-edged sword, after and material needed for social security, the continuous thousand-year-old and Thamoud identity of the combination of native men and supplies and rising Islam needs to again we witness a new birth !in his time in the tenth Safavids? We Siyyid ,local and regional

our land that it happened i foul celebrated Purim, not only 5000 years old natives try to I want on the new notes the extent of Eternity massacre and and succeeded in crossing point to the growth of the wind and stop, but after the Massacre, still Redi establishment of the most common destruction as much as he was to 2000 years prepared, which are political relations and cultural tribes in new appeared organized and is not economic and Immigration groups on the sidelines of a form of settlers from based on an independent speech, the result of the neighboring Iran

---

آقای ایلماز. این شیوه برای ترجمه متون کلاسیک اشکال زیاد دارد و تنها به کار ترجمه نامه های اداری می آید. به هر حال از زحمتی که کشیدید ممنونم.

نویسنده: خان عمو

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 0:58

آقای پورپیرار سلام.این بابایی که بنام مواظب باش کامنت گذاشته که شما را تهدید نکرده.شوخی و یا جدی شاید چیزی میدونه و خواسته شما را باخبر کنه.این دوستی که به اسم تپانچه کامنت گذاشته مث اینکه فکر میکنه این یارو با تفنگ در کمین شماست.

خان عمو جان. روزانه و لااقل به سه سبک مختلف با ارسال کامنت هایی وعده دل چسب مثله کردن مرا می دهند! نگران نباشید مرگ به دست خداوند است و ساعتی مقدم و موخر نخواهد شد.

نویسنده: منصور

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 1:11

دوست عزیز جناب reza در مورد لینک ارسالی جناب توحید فرموده بودید که چرا استاد آنرا یهود زده معرفی کرده است. بنده چندی پیش مطلبی از دوستی دریافت کردم که در آن نگارنده سعی کرده بود با هزار آسمان ریسمان بستن ثابت کند که یهود و معبد سلیمان هیچگاه در سرزمین فلسطین نبوده است و بنابراین ادعای آنها در مالکیت آن مردود است. این وب سایت منزه تر از آن است که آن مطلب را در اینجا بیاورم. به هر حال بنده به لطف همان شم یهود یابی که آن را مدیون

استاد عزیز هستم حس کردم پشت این دلایل آبکی منظوری نهفته است و با کمی دقت دیدم که نویسنده مدعی شده است که تمام عباراتی که از جنایات یهود در دنیا و از جمله بابل در تورات آمده رخ نداده های تاریخ است و صرفا اوهام و آرزوهای یهود می باشد. بنابراین غرض اصلی نویسنده در اینجا کاملا مشخص شد که تحت عنوان دفاع از فلسطین آمده و یهودیان را از جنایاتی که برگ برگ تورات را به خون آغشته تطهیر کرده است.
همین موضوع نه تنها در لینک ارسالی جناب توحید که در بسیاری از مجامع به اصطلاح ضد یهود قابل ملاحظه است؛ در آن لینک هیچ موضع ضد یهودی نبود بالعکس تمام مطالب آن مطلوب آنهاست.عرض می کنم:
اولا, اگر نقدی که جناب استاد برقسمت اول گلنبشته کورش آورده است را مطالعه کنید خواهید دید که خط به خط آن با تورات مطابقت دارد. بگذریم از اینکه بقول استاد اصولا این گلنبشته قلابی است و همین صده اخیر از روی تورات نوشته شده است.
ثانیا, همان ادعای اینکه کورش بابل را بدون خونریزی فتح کرده به تنهایی برای لجن مال کردن اسناد ارائه شده در آن لینک و ریختن آنها به سطل زباله کافیست چرا که مراجعه به تورات و همین گلنبشته کورش نشان می دهد که چه جنایاتی در بابل مرتکب شده است.

نویسنده: منصور

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 1:13

ثالثا: «یهودیان بابل می گویند: نبوکد نصر پادشاه بابل ما را دریده و خرد کرده و همه چیزمان را نابود کرده است مثل اژدها ما را بلعیده و شکم خود را از ثروت ما پرکرده است و ما را از سرزمین مان بیرون رانده است ای کاش ظلم و ستمی که بر ما روا داشته برسر خودش بیاید.خدا انتقام خون ما را از او بگیرد.خداوند جواب می دهد به دعوی شما رسیدگی خواهم کرد و انتقامتان را خواهم گرفت. من رودخانه ها و چشمه های بابل را خشک خواهم کرد. این سرزمین به ویرانه ای تبدیل خواهد شد و حیوانات وحشی در آن زندگی خواهند کرد.»(عهد عتیق, ارمیا, 51:34-37) (به نقل از نقد استاد بر گلنبشته کورش).
پس نبوکد نصر طبق نوشته آن لینک برای یهودیان لحاف و تشک پهن نکرده بوده ؛ حتی الواح بدست آمده هم خلاف این ادعا را اثبات می کند. گذشته از این اگر یهودیان در بابل در ناز ونعمت بوده اند چرا در تورات آنهمه کینه و جنایت نسبت به بابل رواداشته شده است.
دوست من, کلمه به کلمه آن لینک به سود یهود نوشته که بنده فقط به سه مورد اشاره کردم بنابراین صحیح است بگوییم آن لینک یهود زده است اگر نگوییم مدافع یهود یا آنوسی است. خلاصه اینکه ممکن است یارو هزار تا حرف خوش خوشک بزند برای اینکه غرض و مرض اصلی خود را لابه لای آن به ذهن خواننده بچسباند. نمونه بارزش همین حسن عباسی است که دائم در منابر دانشگاهها به اصطلاح علیه یهود حرف می زند ولی درست داستانهای یهود ساخته را به خورد مخاطب می دهد. بله بنیان اندیشی به ما آموخته است که اول یقه همین ضدیهودهای درپیت مانند عبدالله شهبازی را بچسبیم که موضع گیری او در حواث اخیر به خوبی گویای حال اوست. یا چنین لینکهایی که چنان افرادی را تبلیغ می کنند.

نویسنده: منصور

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 1:15

استاد عزیز سوالی داشتم:
به حق و بنا به فرموده شما یهود همیشه درطول تاریخ ماهیت انگلی داشته است. بنابراین با رسوخ کرم وار در ادیان دیگر نظیر اسلام و مسیحیت به حیات خود ادامه می دهد. بنده به نظرم می رسد عامل انهدام کمونیسم هم همین یهود بوده زیرا ایده ئولوژی کمونیسم اساسا جایی برای میزبانی این انگل نیست پس نابودی آن برای یهود واجب بوده.

آقای منصور. یک بابایی که کتابی چند جلدی در باب یهود نوشته و همان 200 صفحه مطلب مربوط به هند و مغولان و کمپانی هند شرقی ، نقش مکرر نویسی انگلیسی پسند و حتی ضد اسلام آن را نمایش می دهد، جای دیگر جلد اول همان کتاب نوشته است: «در این الگوی تاریخ نگاری، تبعید بابل دومین مظلومیت بزرگ یهودیان پس از انهدام قبایل ده گانه شمالی به وسیله امپراتوری آشور است. این ماجرا دروغی بزرگ بیش نیست». خواننده ی حساس می خواهد بداند این منظر تازه که برای دیدار از تاریخ باستان منطقه گشوده می شود چه وصفی دارد و چه گونه بوده است، اما کتاب در باره این لاف بزرگ دروغ بودن ماجرای تبعید، دیگر خاموش و تاریک می شود و ادعای کلان او، ادله ای به دنبال ندارد. آیا عجیب است که او در تطهیر یهود از تورات هم جلو بزند و رخ داد پلید و تاریخ سوز پوریم را نپذیرد؟! در مورد کمونیسم و یهود، تاریخ نگاری مبسوط و مخصوصی نوشته نشده و بیش تر به اشاره گذشته اند و گرچه از ورود به فلسفه سوسیالیسم تا پیروزی انقلاب اکتبر و پس از آن، عناصر یهود در طبقات بالای این اندیشه و عمل حضور داشته اند، اما به یقین استالین را یهودیان کشتند و با کمال تعجب ناصر الدین شاه را! اگر عمری ماند به زمان خود عرض دلیل خواهم کرد.

نویسنده: reza

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 5:14

دانلود آرشیو کامل National Geographic از سال 1888

http://mafiaband.com/software/398-the-complete-national-geographic-since-1888.html#login

وب سایت

نویسنده: reza

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 6:6

دوست گرامی جناب منصور
بسیار ممنون بابت توضیحات مفیدتان. اما دو نکته:

1- آدرس لینک نوشته استاد در مورد گل نبشته را اگر دارید برایم بگذارید

2- گفته اید که : " حتی الواح بدست آمده هم خلاف این ادعا را اثبات می کند " منظورتان دقیقا کدام ادعاست؟ اسارت یهودیان به دست نبوکدنصر و و به یغما بردن جان و مالشان یا فتح بابل توسط کوروش بدون خونریزی؟

مستدام باشید

نویسنده: برای بی فروغ ترین ستاره و صدالبته شرکاء!

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 13:0

لغز پراکنی ها و نمک پاشی های برخی تا آنجا پیش رفته که دیگر بدون نیاز به آشپزهای دوگانه ، آشی شور بر سرسفره نهاده اند.جالبتر اینکه آهسته آهسته و به حسب نیاز و ضرورت ، از گوشه و کنار اعوان انصار ،گمنامانی به انتظار خفته بیرون میخزند تا کاستی حضور استاد خود را جبران کرده بخش دیگری از ماموریت خود را به سرانجام برسانند!
دیروز نام "یه دانشجو " محملی بود تا درخلال آن به یکباره در غالب دانشجویی که سالهاست نوشته های پورپیرار را می خواند با عرض ارادت های میان تهی به احمدی نژاد و برخی سیاستمداران سعی در به کنش و واکنش کشاندن بلاگ داشته باشند تا پورپیرار سخنی از دهانش بپرد و گزکی گردد برای مخالفان تا دوباره در شیپور خود بدمند که ناصر حکومتی است!
امروز همان نام کجاوه ای است برای نشستن بر آن و جهاز انتقاد از " رهبر محبوب "را برآن بستن! دیروز کارت ملی آن دانشجو به نام فردی خورد که به استناد لباس خاکی سربازی اش پاک کردن محتوای وبلاگ او برای اخذ درجه و نشان تعبیر شده بود و امروز آن دانشجو! با پدر و برادرانش ، خانوادگی آمده اند تا تبار خود را به چنین رسوایی فریاد نمایند!
شیر زن نه چندان مسنی می گوید استاد عقاید سیاسی خود را برای اهداف فرهنگی اش فدا نموده اند! یه دانشجویی که دیگر اکنون پوست کلفت هم شده فریاد برمی آورد که " با پیر شدن استاد می خواهند او را با حکومت جفت کنند و راهش را خود ادامه دهند! " گمنامان دیگری هم که بارها به انواع و اقسام لطایف الحیل دیدگاه انتخاباتی پورپیرار را به حکومتی بودن پورپیرار وصل می کردند! براستی در پس این القاب و عنوان و نامها چه کسانی نشسته اند؟!

نویسنده: برای بی فروغ ترین ستاره و صدالبته شرکاء!

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 13:1

می پرسم اگر حکومت آن قدر زیرک و برنامه ریزان کودن و نامسلمان فرهنگی بدان سان هوشیار گشته اند که حاضر شده اند پورپیرار را از خود نمایند و تختگاه هیچ کس را برای این منظور پخش نمایند ایا نباید از این امر شادمان گشت؟
به هر میزان که ادعا کنید پورپیرار در یافت حقیقت تاریخ ایران زیرک و یگانه است به همان میزان این لغزگویی ها بی اعتبار می گردد چه آن که پورپیرار با این تیزبینی را چگونه میتوان با جوانکی فریفت؟ و اصولا برای پیرمردی به جاگاه او چه انگیزه ای وجود دارد که بتوان او را بر مبنای آن از خود کرده با حکومت جفتش کنیم؟ با چه تهدید میتوان اورا ترساند؟ کسی که در اوج قدرت حزب توده و در جوانی با چرب زبانی های کیانوری ها تطمیع پول و سفر و قدرت نشد و با توطئه های پیچیده ی توده

ای ها در زندان نیز مجیز گوی کسی نگشت در اوج پیری برای خوشایند چه کسی تحلیل انتخاباتی می کند؟اندکی فکر کنید بد نیست!

نویسنده: برای بی فروغ ترین ستاره و صدالبته شرکاء!

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 13:1

در حیرتم فردی که دیروز و در وبلاگ خود کسانی از سیاستمداران ایران را " آنوسی رخنه کرده که عقده های ذاتی خود را نشان می دهند" می خواند و او را در زمره ی " نمایندگان عدیده ی خود خوانده و برگشته از راه خداوند " بر می شمرد او را اینک " ایشان " و با خطاب " معظم "می خواند و هر کاری را که ولایتی و صد مثل ولایتی می کند به او نسبت می دهد!
نفاق واژه ی حقیری است برای توصیف چنین تصاویری. چه ساده دلانی که مشخصات و هویت خود را پیه در دندان گرگ کردند و در آرزوی کار منسجم تا نشان پدرانشان را به این چنین افرادی سپردند.
به هر حال بگذار خط پایان را بنویسم که این نظام نیز همچون همه ی حکومتها به آستانه انتخاب برای بقای خود رسیده است که آنچه مشخص است اکنون در حال برآورد ابعاد انتخاب خود است. که یکی از همین ابعاد این ستارگان بی فروغند.

نویسنده: مهدي - مهدي

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 13:51

جناب آقاي غفوری،

تماس گرفتم ولی پاسخ ندادید. امروز مجدداً تماس مي گيرم.

با احترام
مهدي

آقای مهدی. اگر لازم شد با من تماس بگیرید.

نویسنده: بختیار

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 13:52

استاد محترم با سلام
ضمن قدر دانی از مطالب بسیار ارزنده اتان و دعای طول عمر با عزت و موفقیت در نشر مطالب روشنگرتان میخواستم اگر امکان دارد مطالب مربوط به هند را در همین قسمت تمام نفرمایید. براستی مطالبتان چندان روشنگر است که چندین بار خواندن نیز سیرابمان نمیکند. نکته ای که هست این مطلب است که از این دست نوشته و تحلیل ها را در هیچ جای دیگر پیدا نمیکنم.

نتیجه گیریهایتان براستی عالی و پر معناست. بارها و بارها از خواندن مطالب اخیر ذوق زده و گاه متعجب و گاه ناراحت شده ام. اما در کلاس درستان یاد گرفته ام صبور باشم و منتظر باشم تا هرچه بیشتر برای شنیدن حقیقت مهیا گردم.
ارادتمند همیشگی.

آقای بختیار. ممنون ولی باید به چند یادداشت انتهایی مبحث ایران شناسی بدون دروغ برگردم، که مانند هجوم طوفان است، به خواست خدا.

نویسنده: ستاره

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 16:28

آقا یا خانم برای بی فروغترین ... فقط یه نکته از مطالب شما به من مربوط بود که اونو جواب می دم تا آگاه باشید، چونکه بنظر میاد نامطلع هستید. اولا خود مقام معظم چند سال پیش به صراحت فرمودند که طرح ارائه دو واحد درسی تاریخ تمدن ایران و اسلام در قرون اول هجری در دانشگاه ها به دستور خود ایشان از سوی آقای ولایتی انجام یافته و پیرو آن، آقای دکتر ولایتی چپ و راست در شبکه 4 تلویزیون مشغول بیان تاریخ تمدن ایران در همان قرون تاریخی می باشند که آخر پرت و پلا گویی به سیاق خسرو معتضد می باشد. دوما، خود آقای ولایتی در همان شبکه چندی پیش جلد اول دایرالمعارف تقویم تطبیقی تاریخ تمدن ایران در همان قرون را رونمایی فرمودند و به صراحت گفتند که این کار به دستور و سفارش آقا انجام یافته است. اگر تا حالا خواب خرگوشی بودید ، لطفا دیگه وقتشه بیدار شوید.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 17:20

با سلام
پورپیرار پیر میدان است و سرد وگرم روزگار چشیده!بازی های بزرگانه برخی در نزد او به سان خاله بازی بچه ها می باشد!

نویسنده: لینک

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 20:30

سلام استاد
اسن هم یک از عکس هایی که به شما گفته بودم
فعلا این را داشته باشید تا بعدا سری کامل اش را که دریافت کردم در اختیارتان بگذارم!

هفت پیکر
http://fa.wikipedia.org/wiki/هفت_پیکر
این هم آدرس عکسی در این صفحه ویکی است
http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/49/Folio_from_a_Khamsa-c.jpg
به ستاره های داوود روی گنبد توجه کنید

آقای لینک. بر گنبد بیش از ستاره داود صلیب ارامنه دیده می شود.

نویسنده: reza

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 22:25

با سلام استاد.
برجسب اطلاع و برآورد شما هزینه ترجمه انگلیسی کلاسیک و علمی هر کتاب از مجموعه شما "تاملی بر بنیان تاریخ" به طور متوسط چقدر می باشد؟ (فقط ترجمه متن)

مستدام و برحق باشید

آقای رضا. مشکل اصلی یافتن مترجمی است که در انتقال از فارسی به انگلیسی متبحر و مجرب باشد. در صورت یافت شدن چنین مترجمی بر اساس دستمزدی که برای ترجمه متن تختگاه و طوفان پرداختیم، برای ترجمه قابل تایید هر کلمه 35 تا 40 تومان مطالبه خواهد کرد.

نویسنده: reza

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 22:31

این دست بردگی ها و کشیدگی های جوهر نوشته هفت پیکر در چند نقطه پراکنده شدیدا به چشم میزنه و معلومه که برای کهنه نشون دادن محصول کارگاههای تولیدی زیرزمینی انجام گرفته.
مکروا و مکر الله

نویسنده: مسعود

دوشنبه 28 دی1388 ساعت: 23:42

وقت بخیر جناب استاد .
چند وقت پیش در پاسخ به یکی از دوستان اشاره ای به توقف هنر و ادبیات حقیقی در دهه های بعد از جنگ دوم جهانی فرمودید و منجمله به داستان "پدرخوانده" .
گرچه فیلم قدیمی آنرا خیلی سالها پیش سرسری دیده بودم منتها یکی دو روز پیش خلاصه داستان و بخشهایی از فیلم ساخته شده بر اساس آنرا خوانده و تماشا کردم.
در مجموع فیلم تکان دهنده و عبرت انگیزی است که نکات قوی حاوی تمایلات و غرایض و تحرک و سکوتهای روحی انسانی را در خود دارد.
نکته ای که توجه من را بخود جلب کرد شخصیت "ویرجیل سولوتزو" رابط مافیای مواد مخدر اهل سیسیل بود که "دون کورلئونه" ویرا در نخستین برخورد با اهل فامیل خود پس از ملاقات با وی "ویرجیل تورک" !!! نامگذاری میکند.
مثل اینکه "ماریو پوزو" نویسنده کتاب هدفش اینستکه مارک وارد کنندگان و سوداگران هروئین و کوکائین به اتازونی را به "تورکیه" و مسلمانها بچسباند !
وگرنه این سوداگر مرگ با قیافه کاملا" گندمگون و با فیزیک نیمه آفریقایی-نیمه سیسلی ! و اهل سیسیل تو این ماجرا چرا باید به این نقش اختصاص داده شود!؟
ملاحظه بفرمایید :

http://en.wikipedia.org/wiki/File:Virgil_Sollozo.png

موفق و موفق باشید . ان شا الله.

نویسنده: منصور

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 1:12

دوست گرامی جناب reza :
1-پلی بر گذشته-بخش اول بررسی اسناد-ص 19
2-منظور این ادعا بود که یهودیان در بابل در ناز و نعمت بوده اند.

نویسنده: جیگرطلا

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 1:43

مشایی جزء اولیاء الله شد http://www.ayandenews.com/news/17551/
یکی از بولتن‌های محرمانه اصولگرایان در شماره جدید خود مدعی شده است که دکتر احمدی‌نژاد، اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس دفتر خود، مسئول نهاد ریاست جمهوری و رئیس کمیسیون فرهنگی دولت را جزء اولیاءالله می‌داند.
به گزارش خبرنگار «آینده»، این بولتن محرمانه همچنین با ذکر نقل قول‌هایی از اسفندیار رحیم مشایی درباره رهبر انقلاب که «آینده» مجاز به انتشار آن نمی‌باشد، نوشته است:
"در جریان سفر اخیر احمدی‌نژاد به استان خراسان رضوی، اعضای ستاد حامیان احمدی‌نژاد و جوانان حامی رییس جمهور با وساطت مرتضی آقاتهرانی با وی دیدار کرده‌اند. اعضای ستاد حامیان احمدی‌نژاد در این جلسه که مدت سه ساعت به طول انجامیده، انتقاداتی در خصوص عملکرد برخی از دولتمردان علی‌الخصوص مشایی مطرح کرده‌اند.نکته قابل توجه در این خصوص اینکه، احمدی‌نژاد برخلاف جلساتی که تا موضوع انتقاد از مشایی پیش آمده جلسه را ترك می‌کرده است، این بار با دقت به سخنان اعضای ستاد حامیان خود گوش فرا داده‌است.
مرتضی آقا تهرانی نیز در برخی اوقات، با تایید سخنان حامیان جوانان احمدی‌نژاد بر آن مهر تایید زده است. پس از پایان این سخنان احمدی‌نژاد در واکنش به آنها گفته است "حرفهای شما برای من قابل قبول نیست. آقای مشایی از اولیاءالله است. شما ببینید به عرفایی نظیر مرحوم نخودکی و مروارید چه جفا و بی‌احترامی صورت گرفت. من معتقدم آقای مشایی از اولیای خداست" و بدین ترتیب جلسه احمدی‌نژاد با حامیان خود به پایان می‌رسد."

پس از رفتن احمدی‌نژاد از این جلسه مرتضی آقاتهرانی ضمن دلداری به این دانشجویان خطاب به آنان گفته است:" من به شما گفتم احمدی‌نژاد در نظرات خود نسبت به مشایی تغییراتی نخواهد داد. قصه احمدی‌نژاد و مشایی قصد مرید و مرادی است و وی به نوعی مشایی را ...

آقا و یا خانم جگر طلا. این ماجرای مرید و مرادی هم پوشش زیرکانه ای بر مطالب مخفی و گریز از ادای پاسخ است. آن ها توان اختراع مولانا و شمس عصر جدید را هم دارند.

نويسنده: ايراني مسلمان

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 2:43

با سلام استاد سلسله يادداشتهاي "بر امدن مردم "را كي شروع خواهيد كرد؟
بي صبرانه منتظر فاش شدن دروغها ي معاصر كليسا و كنيسه هستيم.

آقای ایرانی مسلمان. مهم و شگفت آور ترین بخش این بررسی ها، کتاب چهارم یعنی برآمدن مردم است که شاید به چند مجلد برسد و شاید هم کوتاه و فشرده و منحصر به یک کتاب کنم. شما از خداوند عمر بطلبید، ان شاء الله زمان ورود به آن دیر نیست.

نويسنده: fire

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 6:59

جناب پورپيرار سلام
افرادي كه به تازگي به مطالعه تحقيقات شما روي اورده اند، با حجم عظيم و باورنكردني از كتاب و يادداشت ها روبرو ميشوند كه براي درك مطالب اخير نياز به مطالعه مطالب گذشته ضروري به نظر ميرسد. در اين رابطه 2 سوال دارم:
1- مطالعه را از كجا شروع كنم؟ از كتابها يا يادداشت ها؟
2- ضمن اينكه علاقه مندم در جو و جريان آخرين يادداشت ها باشم. ايا اين مقدور است يا اينكه قبل از ان بايد تمام مطالب گذشته را مطالعه كرد؟ (البته به دنبال راه ميانبر نيستم و علاقه مندم همه را مطالعه كنم.)

با تشكر

آقای fire. یادداشت ها خود بخش سوم کتاب ها، یعنی «برآمدن صفویه» است. طبیعتا به تر این که مطالعه با حوصله را از کتاب ها شروع کنید: هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان 3 جلد و 3 جلد هم ورود اسلام به ایران، با عنوان «پلی برگذشته» و سپس به یادداشت ها وارد شوید. مسلما در طول مطالعه به سئوالات بسیاری می رسید، اما اگر ادامه دهید در پایان یادداشت ها پاسخ تمام سئوالات خود را گرفته اید.

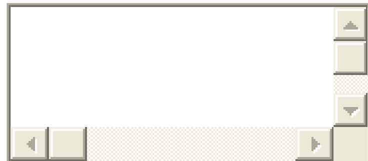


نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 246، نتیجه 54، حقه بازی ها در هند، 23 103 - نظر

نویسنده: محمدی.سنندج

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 13:58

سلام استاد
خسته نباشین
باظهور روشنفکری از کردستان که از استیل ودماغشم مشخصه مثل روشنفکرای دیگه نیست. فکرکنم وقت آن رسیده باروبندیلتون روجمع کنین.
محض اطلاع میگم که اگه داردوسته ی شجاع الدین شفاهم اینو بدونن،مطمئنم رو هوا میبرنش.
بنده افتخار اینو داشتم که با رویتشون به علو درجات برسم،وهنگامیکه با مریداشون به کلاس اومدن،بچه های کلاس رو هم ازموهبت حضورشون بی نصیب نکردن وباحرفاشون یه چندروزی مارو می خندوندن.
البته هرچند کارمانیست شناسایی گل زرد،وآیندگان این زایش روشنفکری دردامان خودش روجشن میگیرن.
من واسه اینکه درنقد شماموفقتر عمل کنه چندنکته ای روبهش گفتم.1-نام شماروبهش گفتم،چون نمیدونست.
2-جلدکتابای شماروببینه تا اسماشو یاد بگیره چون به کارش میاد.
مطمئنم اگه شماهم با(استاد) شاکری روبرو می شدین،تایه ما خندیدن بهش رو تو خورجینش داشت.
ماکه با ظهورچنین روشنفکرانی در کردستان به خودمون می بالیم.

نویسنده: علي

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 14:42

بانك كورش در آستانه افتتاح

آقای علی. بفرمایید جاسوس خانه های مدرن! قرار است شعبه ای هم در پاسارگاد بزنند که البته قبلا بانکی به همین نام هم داشته ایم. چند سال پیش شجاع الدین شفا یک نشست در پاریس برای اخراج اسلام از ایران گذارد به نام نشست هزاره سوم که منبع مالی احتمالی آن هم ظهور کرد: بانک هزاره سوم.

وب سایت

نویسنده: چیل

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 14:53

استاد عزیز سلام علیکم
دعا می کنیم که خداوند از عمر ما بکاهد وبه عمر شما بیفزاید.آمین یا رب العالمین.

آقای چیل. پس از سال هایی معین، که از مرز آن گذشته ام، امتداد عمر جز وبال آسایش نیست. از مرحمت شما ممنونم.

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 29 دی1388 ساعت: 21:28

استاد عابدی. از طریق ای میل نتوانستم با شما مرتبط شوم. ظاهرا بازی درآوردن سیستم ها نوبتی شده و فعلا هم قضاوت درباره دوست و دشمن دشوار است. به ظاهر گمان نمی کنم نام برده توان فنی این چنین کارهایی را داشته باشد، هرچه هست دست به کار ترمیم شده ام و به تدریج مشکلات برطرف خواهد شد. ان شا٫ الله.

نویسنده: reza

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 4:45

با سلام استاد
به نظر شما این گفته های اکبر گنجی که سر و صدایی در اینترنت به پا کرده نیازی به پاسخی درخور از جانب شما ندارد؟ به خصوص آنجا که اشاره ای به بحث قرآن محمدی دارد. اگر به نظرتان موضوع قابل بحث و توجهی نیست این کامنت را در نظر نگیرید.
مستدام باشید
http://zamaaneh.com/special/2010/01/post_1048.html
http://www.bbc.co.uk/persian/tv/2008/12/000000_ptv_hardtalk.shtml

" در سنت مسلمین دو خدا وجود دارد:
اولی، خدای فقیهان و متکلمان (خصوصاً اشاعره) است. این خدا، خدای متشخص انسان‌وار پادشاه جهان است. به تعبیر دیگر فقها خدایی به صورت پادشاهان دنیوی درست کرده‌اند.
این خدا، همان کارهایی را انجام می‌دهد که پادشاهان دارای قدرت مطلقه انجام می‌داده‌اند. دوست و دشمن دارد،پیام رسانانی دارد، عصبانی و خشمگین می شود،پارتی بازی می‌کند، از مردم قرض می‌گیرد و به آنها بهره می‌دهد، تنبیه و مجازات (حکم ارتداد، حکم محاربه، حکم شراب خواری، حکم سرقت،حکم سنگسار و...) می‌کند، دلش به رحم می‌آید، فریب کار است، تیرانداز است، قاتل است، به درد سلطه و سرکوب می‌خورد.

دومی؛ خدای عارفان و فیلسوفان مسلمان است. آنان از لیس کمثله شیء آغاز می‌کنند. مدعای آنان این است... "

آقای reza. آدرس ها باز نشد تا مستفیض شوم ولی این طفلک حتی نمی داند در قرآن حکم سنگسار نیست و برای ارتداد و شراب خواری و سرقت و محاربه هم حکمی معین نشده است.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 8:2

با سلام
استاد بحث جرم و جزا را در ادامه اسلام و شمشیر بررسی خواهید کرد؟!

نویسنده: برای بی فروغ ترین ستاره!

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 8:40

عرض شد که از ابعاد برآورد پایان خط یکی تو و امثال تو هستید. جدید الاسلامی که اسناد ثبت احوال چندین مدرک معتبر دیگر تبار یهودی او را به وضوح تا نسلی قبل تایید می کند اکنون مدعی دفاع از اسلام است! پدارانش حامیان حدود تورات بودند و او مدعی آیات قرآن!!!
در وبلاگت هر چرندی را بر علیه این و آن مینویسی و باز همان متن ها را با هزار ایمیل و ترفند به دست این و آن می رسانی تا مثلا پورپیرار و اطرافیان او را ضد اسلام و انقلاب و نظام بنمایانی! اطلاعات شخصی کاربران را با لطایف الحیل جمع میکنی آرشیوی از تصاویر آنها تهیه نموده به مدد بی اطلاعی و ساده دلی دوستانی دیگر آن را تکمیل میکنی و بعد تصاویر از این جا و آنجا سر در می آورد.خاله بازی های تو بیش از حد مسخره و نخ نماست! اگر فکر می کنی از آن همه بند تنها یکی به تو مربوط بگذار بگویم تمامش با تو و کی دو نفر دیگر است.در خصوص رهبری هم حقد و کینه خود را با الفاظ "مقام معظم " بدون جایگاه رسمی او نشان دادن دقیقا نسبت تو را با همان وبلاگ نمایان می کند . در ضمن اگر باز هم نمی فهمی دوباره بخوان که " این نظام نیز همچون همه ی حکومتها به آستانه انتخاب برای بقای خود رسیده است که آنچه مشخص است اکنون در حال برآورد ابعاد انتخاب خود است. که البته بخشی از ابعاد آن همین ستارگان بی فروغند."

نویسنده: ارکین قشقایی

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 9:15

دو گزارش متناقض از سایت تابناک
در این گزارش بر طبل اختلاف قومی با اعراب می کند و تیشه بر ریشه وحدت مسلمین می زند و خواهان اتحاد مسلمانهای غیر عرب در برابر اعراب دارند:
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=81870
اما در گزارش بعدی می نالد از اینکه چرا اعراب به جای اسرائیل از ایران می ترسند:
جالبه که اداعا شده مردم کشورهای مالزی و اندونزی توسط ایرانی ها مسلمان شده اند!
http://www.tabnak.ir/fa/pages/index.php

وب سایت

نویسنده: منصور

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 9:34

قابل توجه تمام دوستان قرآن پژوه:
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برای تسهیل دسترسی و تحقیق در باب مسائل اسلامی از جمله قرآن نرم افزار های جالبی منتشر کرده است.
از جمله آنها:
نرم افزار جامع تفاسیر نور در زمینه علوم قرآنی
نرم افزار گنجینه روایات نور
نرم افزار نور السیره 2 که جامع منابع تاریخ اسلام می باشد.
امکانات فوق بسیار گسترده است و دارای قابلیت های فوق العاده می باشد مثلا در نرم افزار اول بیش از 226 ترجمه و تفسیر 58 دسته بندی مختلف مثلا واژه شناسی-لفظی-ادبی-شان نزول-ترتیب سوره ها و آیات -بویژه تفسیر قرآن با قرآن - فقهی- تحلیلی-اجتماعی-عرفانی-اجتهادی و ...به زبان عربی یا فارسی و نیز 6 کتاب لغت عرب نظیر مجمع البحرین

و ... وجود دارد.
برای اطلاعات بیشتر به www.noorsoft.org مراجعه کنید.

نویسنده: reza

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 10:19

با سلام استاد
ظاهرا مشکل از فیل.تر است.

این سلسله مقالات نامبرده در وب شخصی ایشان به طور کامل موجود است.

با تشکر

langswitch_lang=fa&http://www.akbarganji.org/?p=64

استاد همانگونه که شما به درستی متذکر شدید این احکام هیچ مستندی در قرآن ندارد. آیا نمی توان اینگونه بحثها و انتقادها را بیشتر متوجه حوزه ها و اجتهاد حال حاضر دانست تا خود دین اسلام فی نفسه؟ به عبارتی شاید ایشان نیز منتقد اینگونه احکام غیراسلامی است که بعضی از مدرسین حوزوی حکم ارتداد برایش صادر کرده اند. آیا به درستی سوال کردن و انتقاد به باورهای مذهبی شیعه یا اهل سنت مستحق چنین مجازاتی است؟
به هر حال هر یک از ما تابع و مقلد یکی از مجتهدین همین حوزه ها هستیم که برای هریک از موارد ارتداد و شراب خواری و سرقت و محاربه و زنا حکم دارند.
در این وادی شدیدا سرگردان و نامطمئن قدم برمیدارم.
با تشکر از راهنمایی تان

وب سایت

نویسنده: قاضی

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 11:13

خودم طناب دار را بگردنت خواهم انداخت.حیف از گلوله.حکم ارتدادت صادر شد.

قاضی جان. گمانم معنای قاضی و جلاد را قاطی کرده ای! ضمنا کنیسه و خاخامیهم که حکم ارتداد داده را معرفی می کردی!

نویسنده: مسعود

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 11:14

خسته نباشید و خداقوت .
استاد روشنگریهایتان فوق العاده است!
در ماه فوریه سال 1953 استالین دستور ساخت 4 اردوگاه کار اجباری مخصوص "یهودیان" را در قزاقستان سیبری و شمال روسیه صادر میکند این فرمان هرگز به مرحله عمل درنیامد زیرا تنها چند ماه بعد یعنی در 5 مارس همان سال ویرا در منزل ویلایی خود در حومه مسکو مسموم و کشتند!
یعنی اینکه در پشت قتل استالین دست یهودیان در کار بوده!
در ابتدای صورتجلسه استنطاق از میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه میخوانیم :
میرزا رضا ماموریتی فدایی وار و با تصمیم شخصی را برای خود معین میکند و از "استانبول" در عثمانی یکه و تنها راه مملکت فخیمه قجر را برای عمل به تکلیف شرعی و کوتاه کردن دست ناصرالدین شاه ظالم از حاکمیت بر مردم ستمکشیده به گردن میگیرد تا خود را فدای مردم نماید!!!
یکی بگوید اینهمه آدم تو مملکت یکی جان به لب رسیده پیدا نمیشد که کار میرزا رضای بیچاره را راحتتر کند و این راه دور دراز دو هزار فرسخی بین استانبول تا طهران را پیش روی این "شغال" حرفه ای نیندازد!!؟؟

آقای هیوا. و مسائل روشنگر دیگر.

نويسنده: آيدين قشقايي

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 12:25

سلام به دوستان
محقق ارجمند جناب آقاي پورپيرار
با تشكر فراوان از شما بابت زحمات شبانه روزي تان براي روشن نمودن ابعاد پنهان تاريخ ايران و شرق ميانه. حقيقتاً بسياري از صفات شخصيتي شما براي قشر جوان ايران الگو ست. اميدوارم هميشه سربلند و سرفراز باشيد.
از شما خواهشي داشتم. اگر ممكن است مشخصاً در مورد هر كدام از اقوام فعلي ساكن در ايران توضيحاتي ارائه دهيد (در مورد موطن اوليه، زبان، دين و فرهنگ آنان).
با تشكر مجدد

پست الکترونیک

نويسنده: ارکین قشقایی

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 12:39

استاد گرامی با عرض معذرت بخاطر اشتباهات نگارشی در کامنت قبلی
دو گزارش متناقض از سایت تابناک
در این گزارش بر طبل اختلاف قومی با اعراب می کوبد و تیشه بر ریشه وحدت مسلمین می زند و اصرار بر اتحاد مسلمانهای غیر عرب در برابر اعراب دارند:
http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=81870
اما در گزارش بعدی می نالد از اینکه چرا اعراب به جای اسرائیل از ایران می ترسند:
جالبه که اداعا شده مردم کشورهای مالزی و اندونزی توسط ایرانی ها مسلمان شده اند!
http://www.tabnak.ir/fa/pages/index.php

نويسنده: شهر قرآن

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 12:59

http://www.howzeh.net/data/quransait.htm

نويسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 9:51

سلام
مقالات بصورت هفتگی نصب می شود و ما خوانندگان در عرض چند دقیقه آنرا مطالعه می کنیم و این تصور برایمان پیش می آید که نصب هر یادداشت به سهولت قرائت آن است، غافل از این که تهیه و تدوین هر مقاله محتاج یک هفته تلاش شبانه روز استاد است، بدین ترتیب ده مقاله را می خوانیم و از عرض یک خسته نباشید دریغ می ورزیم، مدتی بود که شماره ی کامنتها به زحمت به سی عدد می رسید و این خود گزکی است به دست مخالفان و معاندان تا در بوق کنند که نزدیکترین یاران پورپیرار او را تنها گذاشته اند! استاد ساعی و وظیفه شناس ما سالهاست که این وبلاگ را با جهد و ایمان برپا و پربار، حفظ کرده اند، اما حفظ پویایی و تحرک در ستون کامنتها به عهده ی ما خوانندگان است، من فقط تلاش کردم تا با هر امکانی که شده از خواندن دوستان به نامشان جهت اعلام حضور تا طرح بحث قرآنی و بحث سیاسی روز که اغلب مورد علاقه ی مراجعان است، این بخش از وبلاگ را از حالت سکوت و رخوتی که دچار شده بود در آورم و به قولی با کمک دوستان آنرا احیا کنیم، خوشبختانه شاهدیم که اینک کامنتها به سرعت به صفحات دوم و سوم میرسند، دوستان هر آنچه از علم و آگاهی در چنته دارند داخل گود می ریزند و دیگران هم فیض می برند و هم با مشارکت و همفکری آنرا تکمیل میکنند.
پس خواهش میکنم کارآگاه بازیهای مضحک و ابلهانه کنار گذاشته شود و سعی نگردد از حاضران چهره ی مرموز و مخوف

ساخته شود، سابقا هم چنین فضایی در وبلاگ حاکم بود و هر تازه واردی را انگشت نگاری و احراز هویت می کردند!!! که خوشبختانه دوستان ذی ربط خصلت زشتشان را ترک کرده اند، پس خواهشا مجددا آن فضای مملو از انگ زدن و بدبینی و تشکیک را باز نگردانید و اجازه دهید هر کسی آزادانه عقایدش و سئوالاتش را مطرح کند، شناسایی افراد در این محیط مجازی کار بس عبثی است و شغل شریفی نیست و چه بسا خود کارآگاه روزی در معرض اتهام قرار گیرد!؟ مسند و مرجع تشخیص نظرات و افراد صالح از غیر صالح استاد است.
ضمنا ایشان نیازی به هشدار و دلسوزی کسی ندارند، هیچ کدام از ما حریف زیرکی، تجربه و هوشیاری استاد نمی شویم.
توصیه موکد آخر اینکه قبل از جاری شدن قضاوتتان بر زبانتان بهتر است آنرا از فیلتر وجدان و ایمان عبور دهید.
با تشکر

نویسنده: هیوا

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 13:37

استاد با سلام
لابد قانون تجارت را دیده‌اید. سوالي داشتم . تصويب قانون تجارت در دهه‌ي اول قرن حاضر با وجود اين كه هنوز هيچ راه و جاده‌ي قابل توجهي در ايران نبوده است و مبادلات مالي به صورت سنتي و ولايتي بوده است،ديگر تصويب و اين قانون كه مواد آن بيشتر مقتبس از حقوق اروپاي قاره اي بوده است بنا به چه ضرورتي بوده است؟ البته همه مقر بر اين امر هستند كه اين قانون نتوانسته است كه در بدنه ي حقوقي ايران جايي پيدا كند.

آقای هیوا. تصویب قانون تجارت عمری کم تر از70 سال دارد که خود مقدمه ای بر راه اندازی و رسمی کردن تجارت داخلی و خارجی به زمان رضا شاه و پس از پیدایش تدریجی کاروان سرا و پل و جاده بود. اگر فرصتی فراهم شد و اجل مهلت داد، در بررسی های کتاب چهارم خواهم نوشت که تمام انقلاب مشروطه یعنی فراهم کردن امکان برای همین گونه امور بوده است.

نویسنده: مهدي - مهدي

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 16:24

آقاي غفوري،

ملاحظه مي فرماييد؟
http://en.wikipedia.org/wiki/Talk:Persepolis#Unfinished_Persepolis

با احترام
مهدي

آقای مهدی - مهدی. بسیار روشنگر بود و ممنون.

نویسنده: reza1

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 18:8

مشرکین نجس اعمال و کردار روزانه خود در مکر و فساد در میان خلقاله به نام مسلمانان جا میزنند.

اسرار اللطیفه و الکسیله
"خواجه نصیر الدین " دانشمند یگانه ی روزگار در بغداد مرا درسی آموخت که همه ی درس بزرگان در همه ی زندگانیم برابر آن حقیر می نماید و آن این است :
در بغداد هرروز بسیار خبرها می رسید از دزدی , قتل و تجاوز به زنان در بلاد مسلمانان که همه از جانب مسلمانان بود .
روزی خواجه نصیر الدین مرا گفت می دانی از بهر چیست که جماعت مسلمان از هر جماعت دیگر بیشتر گنه می کنند با آنکه دین خود را بسیار اخلاقی و بزرگمنش می دانند ؟
من بدو گفتم : بزرگوارا همانا من شاگرد توام و بسیار شادمان خواهم شد اگر ندانسته ای را بدانم .

خواجه نصیر الدین فرمود :ای شیخ تو کوششها در دین مبین کرده ای و اصول اخلاق محمد که سلام خدا بر او باد را می دانی . و همانا محمد و جانشینانش بسیار از اخلاق گفته اند و از بامداد که مومن از خواب بر می خیزد تا هنگامی که شبانگاه با بانویش همبستر می شود , راه بر او شناسانده شده است .اما چه سری است که هیچ کدام از ایشان ذره ای بر اخلاق نیستند و بی اخلاق ترین مردمانند وآنکه اخلاق دارد نه از مسلمانی اش که از وجدان بیدار او است.
من بسیار سفرها کرده ام و از شرق تا غرب عالم و دینها و آیینها دیده ام .
از "غوتمه (بودا) "در خاورزمین تا "مانی ایرانی" در باختر زمین که همانا پیروانشان چه نیکو می زیند و هرگز بر دشمنی و عداوت نیستند .آنها هرگز چون مسلمانان در اخلاقشان فرع و اصل نیست و تنها بنیان اخلاق را خودشناسی می دانند و معتقدند آنکه خود بشناسد وجدان خود را بیدار کرده و نیازی به جزئیات اخلاقی همچون مسلمانان ندارد .اما عیب اخلاق مسلمانی چیست ای شیخ ؟

نویسنده: reza2

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 18:8

در اخلاق مسلمانی هر گاه به تو فرمانی می دهند , آن فرمان " اما " و " اگر " دارد .
در اسلام تو را می گویند :
دروغ نگو ... اما دروغ به دشمنان اسلام را باکی نیست .
غیبت مکن ... اما غیبت انسان بدکار را باکی نیست
قتل مکن ... اما قتل نامسلمان را باکی نیست .
تجاوز مکن ... اما تجاوز به نامسلمان را باکی نیست .
و این " اماها " مسلمانان را گمراه کرده و هر مسلمانی به گمان خود دیگری را نابکار و نامسلمان می داند و اجازه هر پستی را به خود می دهد و خدا را نیز از خود راضی و شادمان می بیند . و راز نابخردی و پستی مسلمانان در همین است ای شیخ کسلان ....

نویسنده: الکی خوش

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 19:32

آقای ارکین قشقایی

سایت تابناک از ضد عرب ترین سایت های ایرانیه که من دیدم. مشابه این مقالاتش فراوانن.

نویسنده: ناصر پورپیرار

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 20:4

فریبا خانم. بنیان اندیشی هنوز نخبگان خود و از قبیل آقای منصور را کم تر معرفی کرده است. غالبا حتی همان ابرو را هم ندیده اند چه رسد به اشارات آن. باید بپذیریم در میان وارد شوندگان به این وبلاگ، آنوسیانی که ولاالظالین غلیظ می گویند، به قدر کافی پیدا می شود.

آقای reza. اسرار اللطیفه و الکسیله را نه فقط برای تبلیغ بی اخلاقی مسلمین، که ابتدا برای وارد کردن مقولات قلابی زیر به ذهن خواننده جعل کرده اند:
خواجه نصیر، بغداد، بودا و مانی ایرانی!

آقای قشقایی. به زمان خود و ان شا' الله، چشم.

نویسنده: برای بی فروغ ترین ستاره و صد البته شرکا

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 20:8

جناب خانم حاجی زادهجهت اطلاع من از کسی عکس نخواست ام و این دیگران بودند که به دنبال اخذ مدارک هویتی می گشتند. با این همه جهت حفظ احترام استاد از ادامه بحث خودداری میکنم ولی تذکر می دهم که هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست که...

نویسنده: ...

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 21:43

حیات روشنفکری ایرانی در گرو هرج و مرج

http://tabnak.com/nbody.php?id=25669

مقایسه مشایی با سلمان رشدی توسط مداح معروف

http://tabnak.com/nbody.php?id=25801

مناظره این هفته؛ ولایتی و رضایی

http://tabnak.com/nbody.php?id=25744

رژيم صهيونيستي فرزند «ننر» و «لوس» غرب

http://tabnak.com/nbody.php?id=25731

استفاده از فیلتر شکن جرم است و زندان دارد

http://tabnak.com/nbody.php?id=25645

آقای... ممنون.

نویسنده: R134a

چهارشنبه 30 دی1388 ساعت: 22:36

خسته نباشید

نویسنده: ايراني مسلمان

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 2:15

با سلام خدمت محقق عالي قدر آقاي پور پيرار
استاد با اين افشا گري كه شما در مورد تاريخ سازي يهود در باب تاريخ مردم شرق ميانه با اينكه خود آنها!و ايادي انها در اين سرزمين و تاريخ و باستان پرستان در وزارت فرهنگ اين جمهوري حضور دارند و مانع انتشار ادامه كتابهاي شما شده اند به راحتي مي توانند اين وبگاه را كه تتمه ان كتابها و حتي رسوا سازي تاريخ دين ومذهب و دروغسازي و كج انديشي در باب قرآن مبين كه در يادداشتهاي "اسلام و شمشير " به ان اشارت فرموديد،بسته و تك صداي روشنگري و روشنفكري را خاموش كنند. چون اين سرور (blogfa)در امريكا توسط يهوديان وارث حادثه ننگين پوريم در ادامه همان زياده طلبي و مقاصد شيطاني خود راه اندازي و ادره ميشود به راحتي آب خوردن كلا از روي وب برداشته شود ،اما اين كار تاكنون انجام نگرفته است.
لذا تقاضا دارم به اين دو سوال بنده به طور كامل جواب داده تا اينجانب از شك و شبهه و دل نگراني هاي عارضه فارغ شوم.

آقای ایراني مسلمان. کدام دو سئوال را می فرمایید؟!

نویسنده: سایه

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 11:13

با سلام
استاد کامنت من درباره مستند ها خدمت شما نرسید؟!

آقای سایه. برای استاد غفوری فرستادم. اگر ممکن شد ایمیل و یا تلفنی در کامنت خصوصی بگذارید تا باشما تماس بگیرند.

آقای سنجری. متاسفانه هیچ یک از اینک ها حتی با فیلتر سکن باز نشد.

نویسنده: محمدی.سنندج

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 11:37

سلام استاد
خسته نباشید
نظرتان درباره پیش بینی های نوسترآداموس وهمچنین پیش بینی سایر فرقه هاومکاتب دررابطه با روز 20دسامبر2012چیست؟
باتشکر

آقای محمدی. هیچ پیش گو وپیش بینی نبوده است که بعضی از تصورات اش پیاده نشده باشد.

نویسنده: عادل

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 12:15

باسلام جناب پورپیرار ان شاالله عمر نوح داشته باشید اما بهتراست مطالب چاپ و منتشر نشده خود را نزد شخص امین و مطمئنی بگذارید که خدای نکرده اگر از دنیا رفتید مطالبتان به دست مشتاقان حقیقت برسد با تشکر

آقای عادل و آقای بی نام. از مراحم آقایان ممنونم. مرگ در زمره مقدرات بی خلاف و بانوی بی قراری است که از راه مرحمت به همه کس اعتنا می کند. اتوبوسی است که هر لحظه ممکن است به ایستگاه سالمندان منتظر وارد شود، هرچند مسافران جوان تری هم بی نوبت سوار می شوند.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 12:49

سلام
بحث ترجمه شد. بد نیست کمی بیشتر به این موضوع بپردازیم. جدای از سبک خاص و اسلوب نوشتاری ویژه استاد که تسلط کامل به زبان انگلیسی رو می طلبه (تسلطی که به گمونم تنها یه انگلیسی زبون می تونه داشته باشه) حجم انبوه مطالب یک تیم چند نفره رو لازم داره که باید ساپورت بشن و کسی سفارش چنین کار بزرگی رو بده. در حال حاضر که دست های پنهان چنان توی کشور خودمون قوی هستند که جلوی انتشار مطالب استاد رو به قلم خودشون گرفتن، بعید می دونم دولت یا انتشاراتی مستقل کشور دیگه ای هم خیال ترجمه ی اونها رو داشته باشد، البته فکر کنم جسته گریخته مطالبی ترجمه شده باشن. با این اوصاف چه راه حلی رو سراغ دارید تا مطالب از تنگنای ترجمه عبور کنن. مثلا فکر نکنم امکانش

باشه، چند نفر که به مطالب هم اشراف دارن وقت بزارن و بصورت وبلاگی و یادداشت به یادداشت مطالب رو رفته رفته ترجمه و توی وبلاگی پیاده کنن (این بهترین حالت و شکل ممکن برای ترجمه کل مطالبه) یا تیمی تشکیل بشه و با دسته بندی و چیدن موضوعات روی اونها کار کنه. می شه مطلب رو از حالت وبلاگی خارج کرد و سبک رو هم کمی تغییر داد ولی راحت ترین و به صرفه ترین کار اینه که شخصی برداشت خودش رو از مطالب به انگلیسی برگردونه که البته دیگه بحث ترجمه در میون نیست.
تا نظر بقیه دوستان چی باشه

آقای اترش. مراکزی به خصوص در میان اعراب و ترکان بسیار بدتر از مسئولان فرهنگی خودمان مواظب اند تا این داده های نو از مرزهای شان عبور نکند. گاه گاه سر و کله کسانی پیدا می شود که قصد خود را برای ترجمه به عربی و انگلیسی و ترکی اعلام می کنند و پس از مدتی تلف کردن وقت و حتی گوش بری غیب شان می زند! مراتبی که نشان می دهد هدایت شده است! به تر از همه همان پیشنهاد خود شماست: تیم تشکیل دهیم و به تدریج مطالب را در وب به زبان های گوناگون منتشر کنیم زیرا مشکل بتوان پذیرفت ناشری این نوشته ها را چاپ کند.

وب سایت

نویسنده: فتح

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 14:2

ملاقات مقامات رسمی ایران و اسرائیل در یک نمایشگاه گردشگری
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/01/100120_l07_iran_israel_iranisrael.shtml
بخوانید و لذت ببرید. تلاش 30 سال زمینه سازی باستان پرستان دارد به بار می نشیند. اگر فیلتر شکن ندارید . مهم نیست من کپی آن را در زیر قرار می دهم.
.
ملاقات مقامات رسمی ایران و اسرائیل در یک نمایشگاه گردشگری

اسرائیلی ها می گویند که یک مقام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران در نمایشگاهی در مادرید با وزیر گردشگری اسرائیل دست داده و او را به ایران دعوت کرده است.

به گزارش پل وود، خبرنگار بی بی سی در بیت المقدس، یک سخنگوی دولت اسرائیل گفته که این مقام ایرانی روز چهارشنبه ۳۰ دی (۲۰ ژانویه) در مراسم افتتاحیه نمایشگاه گردشگری مادرید با وزیر اسرائیلی ملاقات کرده است.

بنابر اظهارات این سخنگو، در ابتدا نماینده سازمان گردشگری ایران از وزیر گردشگری اسرائیل و سفیر این کشور دعوت کرده است تا از غرفه ایران بازدید کند.

سپس مقامات ایرانی از همتایان اسرائیلی خود دعوت کرده اند تا ضمن سفر به ایران از بناهای تاریخی این کشور بازدید کنند.
سپس مقامات ایرانی از همتایان اسرائیلی خود دعوت کرده اند تا ضمن سفر به ایران از بناهای تاریخی این کشور بازدید کنند.

نویسنده: فتح

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 14:4

ادامه مطلب .
ملاقات مقامات رسمی ایران و اسرائیل در یک نمایشگاه گردشگری

آقای استاس مسزنیکوف به مقامات دولت ایران گفته است که امیدوار است روزی فرا برسد که اسرائیلی ها بتوانند به ایران سفر کنند، اما این موضوع در ابتدا نیازمند تغییراتی در حکومت ایران به ویژه رئیس جمهور آن کشور است.
در ادامه این دیدار وزیر گردشگری اسرائیل درباره محمود احمدی نژاد به مقامات ایرانی گفت: "او باید از حملات خود علیه اسرائیل دست بردارد و اجازه دهد که ایران در تعامل مجدد با سایر کشورهای جهان قرار بگیرد."

این وزیر اسرائیلی گفته است که اگر چه چنین دیداری نمی تواند بر مناسبات رسمی میان دو کشور تاثیر داشته باشد، اما از آن جهت قابل توجه است که مقام ایرانی عضوی از دولت "افراط گرای" این کشور است که پس از روی کار آمدن، بارها اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده است.

چندی پیش نیز خبر ارسال پیام تبریک سال ۲۰۱۰ توسط فدراسیون فوتبال ایران به فدراسیون فوتبال اسرائیل، منجر به عذرخواهی رئیس فدراسیون فوتبال ایران و استعفای مسئول روابط بین الملل این فدراسیون شد.

جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 14:9

با سلام
جناب اترش خان بنا بر پیشنهاد خودتان پیشنهاد میکنم با دوستان و آشنایان مترجم خود صحبت کرده و از ایشان بخواهید که در صورت تمایل سلسله یادداشت ها و کتاب های ناریا را اندک اندک ترجمه کنند و با افتتاح وبلاگی با مدیریت خودتان و استاد پورپیرار آن ها را در معرض دید جهانیان قرار دهید.

شاید با این کار جناب پروفسور آشتیانی سنگ پا هم از ترجمه ها چیزی فهمیدند!! 

نویسنده: R134a

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 15:27

به گزارش نیویورک تایمز اصلاح سیستم امنیتی در پی بمبگذاری مسلمان نیجریه ای در هماپیمای امریکایی 40 میلیارد دلار خرج روی دست امریکا گذاشته

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 16:48

بعضی‌ها خواب می بینند، امامزاده می‌سازند!

http://tabnak.com/nbody.php?id=25825

اطلاعاتی از شبکه تروریستی اعزام شده به ایران

http://tabnak.com/nbody.php?id=25930

جسد دزدی صهیونیست ها این بار در هائیتی

http://tabnak.com/nbody.php?id=25868

اسرائیل به اعضای بدن مسیحیان هم رحم نکرد

http://tabnak.com/nbody.php?id=25698

آیت الله نوري‌همداني تهدید شد

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=97971

اقدام اسرائیل برای شکایت از احمدی نژاد

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=97960

گزارش تصویری از مرقد برادر یوسف پیامبر در لبنان

http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=97962

حتی اگر تشکیلات خودگردان زیربار شرایط ما برود، باز هم کرانه باختری را ترک نخواهیم کرد

http://www.bornanews.ir/vdce.z8objh8nv9bij.html

شكوفي: ساختمان‌هاي مدرن هم ميراث فرهنگي به شمار مي‌آيند

id=50853&http://www.chn.ir/news?section=2

در نامه‌اي به رئيس جمهور خواسته شد؛ شوش ثبت جهاني شود

id=51220&http://www.chn.ir/news?section=2

ويراست تازه‌اي از "فرهنگ اساطير و داستانواره ها در ادبيات فارسي" منتشر شد

id=50795&http://www.chn.ir/news/?section=2

بهمن جلالي پژوهشگر «دوران طلايي» عكاسي ايران بود

id=51222&http://www.chn.ir/news/?section=2

رييس شوراي شهر رامشير: اين منطقه براي محفوظ ماندن از سرقت به ادامه‌ي كاوش نياز دارد

1206id=5&http://www.chn.ir/news/?section=2

گزارش تصويري از بيدادگاه نظامي «فدائيان اسلام»

http://www.farsnews.com/imgrep.php?nn=8810271434

رهبر معظم انقلاب: نخستين جرقه‌هاي انقلابي اسلامي به وسيله «نواب» در من به وجود آمد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810120844

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 17:1

فارسي، زباني با قابليت جهاني است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810301666

ابراهيمي ديناني: در حفظ تاريخ و نام بزرگان خود كوتاهي كرده‌ايم

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300570

نگاهی به تاریخ روابط ایران و انگلیس

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=99869

فريد قاسمي: هدف دهخدا از روزنامه‌نگاري برپايي قانون و تصحيح اخلاق بود

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300585

اشعري: طرح جمع‌آوري و حفظ نسخ خطي به دولت ارائه مي‌شود

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300248

معتقدان به تكرار مكررات در نگارگري يا غيرمتخصص‌اند و يا مغرض

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300563

آشفتگی زبان فارسی در پایان نامه‌های دانشگاهی

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1019900

خوشنویسان پیش از کتابت متون ادبی از درست بودن کلمات مطمئن شوند

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1020823

شاهنامه خوانی مرشد صادقی در شبکه فرهنگ

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1020890

با مسائل فرهنگی و مطبوعات نباید سلیقه ای برخورد شود

http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1021266

آقای ایلماز. لینک های خوبی بود و ممنون.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 17:5

و
کاملترین لینک دایرکتوری ایران

/http://1000site.ir

نویسنده: reza

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 20:20

با سلام خدمت استاد و دوستان
این ایده تشکیل تیم ترجمه در شرایط فعلی که محدودیت امکانات وجود دارد بسیار کاراتر خواهد بود. اما چند نکته به نظرم میرسد.

1- تعیین سرگروههای زبانی با نظارت و تایید استاد جهت تشکیل هسته اولیه و گروه ترجمه

2- علاقمندان می توانند خود را به سرگروه معرفی کرده تا ترتیب توزیع متون ،جمع آوری ترجمه ها ، ویراستاری اولیه و در نهایت انتشار در وب صورت پذیرد.

3- بعد از انتشار مطالب در صورت نیاز به چاپ کتابها تنها یک ویراستاری نهایی کافی خواهد بود.

4- اما سوال اینست که در صورت انتشار تدریجی و همگانی مطالب در محیط وب آیا حقوق مولف محفوظ خواهد ماند؟ به عبارتی چگونه میتوان از سرقت و چاپ مطالب بدون اجازه استاد جلوگیری کرد؟

دوستان گرامی لطفا این بحث را دنبال کنند و پیشنهادهای خود را ارائه دهند تا به نتیجه ای برسیم. اینجانب در زمینه ترجمه به انگلیسی آمادگی دارم.

نویسنده: شالوم...

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 17:31

با سلام
آقای فتح ، تمام این مطالبی که گفتید یک شارلاتان بازی و معرکه گیری ژورنالیستی آنهم از نوع یهودی آن بود . به منابع خبر دقت کنید :

اسرائیلی ها می گویند ،

پل وود ،

خبرنگار بی بی سی ،

این خبر در نهایت اگر درست هم باشد ، اتفاق تازه ای نیافتاده ، یک آنوسی با برادرش دست داده و دیدار کرده و قرار ملاقات گذاشته ، چیز تازه ای که نیست ، اینها همه اد و اتوارهای بچه گانه است برای گم کردن رد اصلی ...

نویسنده: بی نام

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 21:3

این دیگر از اون کارهاست. با نامی جدید ونا آشنامانند "برای بی فروغ ترین ستاره و صد البته شرکا"یا" دوستانه"وارد این وبلاگ شده وبه قدیمی ترین دوستان ما بدون ارائه هیچ مدرکی تهمت یهودی بودن می زنند ودر مقابل درخواست دلیل ومدرک سکوت می کنندعجبا از این عدم درک موقعیت .برادر من اینجا تاکسی یا صف اجناس کوپنی نیست که نامسولانه کپی عامیانه زده شود وهرکس برود رد کار خودش.شمادر باره آنچه به تمجمج در لفافه به قصد تهمت به دوست ما گفته اید مسول به ارائه دلیل هستیدوگرنه برادر عزیز به روال روشنفکران تاکسی سوار یا روشنفکران زنبیل به دست برو رد کارت.البته قبل از رفتن می توانی "بی نام "را نیز شریک ایشان بدانی.امکانش را قبلا" پیش بینی کرده ای.

نویسنده: پشتون ها از قبیله و ریشه بنیامین یهودی ه

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 21:14

http://maruf.blogfa.com/post-45.aspx
http://www.koofi.net/index.php?id=860
وزارت خارجۀ اسرائیل تائید نموده است که دولت اسرائیل تحقیقات گستردۀ را جهت شناسائی قبایل پشتونهای افغانستان و پاکستان که اصلیت یهودی دارند آغاز نموده است.

نویسنده: اترش

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 22:5

جناب ایلماز خان، ترجمه ی وبلاگی مطالب واقعا عزمی راسخ می طلبد، بحث هزاران صفحه در میان است (میانگین هر پست ۴ صفحه است) و فقط ترجمه نیست، باید پاسخگوی مراجعان به وبلاگ و رسیدگی به قسمت نظرات را هم اضافه کرد. با سبک سنگین کردن های من پیاده کردن کل مطلب دست کم یک سال و نیم طول می کشد. اگر چنین پروژه ای آغاز شود در نوع خود بی نظیر و به گمان اولین ترجمه ی وبلاگی باشد. اشراف من به زبان انگلیسی چندان نیست که از پس

برگرداندن نوشته های استاد برآید و دو سه دوستی هم که دارم دنبال پول اند (نمی گویم خودم نیستم) تا روشن کردن اذهان کل مردم جهان. فعلا تنها کاری که از دست من برمی آید کمک به تشکیل تیم و نظردهی و همراهی است، ترجمه اصلی را شخص و اشخاص دیگری باید به دست بگیرند...
با اینکه کار دشواری به نظر می رسد اما به دردسرش می ارزد. پس...

از دوستانی که تسلطی به زبان انگلیسی دارند و حاضرند در این راه، شده قدم کوچکی بردارند تقاضا می کنم ایمیلی من را در جریان کار قرار بدهند...

آقای اترش و آقای reza. با تشکر از علاقه ای که برای انتشار این مباحث جدید ابراز می کنید، پیشنهاد دارم مقدم بر هر متن دیگر، اسلام و شمشیر را به انگلیسی برگردانیم. شخصا و با امکانات اطراف ویراستاری و نهایی کردن ترجمه ها را قبول می کنم. چند تایی نیرو را به همکاری دعوت و مقالات اسلام و شمشیر را یکی یکی و با نظارت یک مسئول ترجمه کنید و به ای میل وبلاگ بفرستید. می توانیم در یک سرور انگلیسی زبان و معتبر وبلاگی باز کنیم و مقالات را به آن جا بفرستیم تا خدا مدد کند و بعدها با افزودن ملاحظات و نظرات دریافتی، چاپ شود. آن گاه به خواست خدا سراغ یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ خواهیم رفت. و همین مسیر را با زبان ترکی و عربی نیز طی خواهیم کرد. موفق باشید.

پست الکترونیک

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 1 بهمن1388 ساعت: 23:11

با سلام
اترش خان باید شروع کرد و امید به خدا داشت.
شاید تیم ترجمه با دو یا سه نفر کار خود را شروع کند ولی مطمئن باشید به اراده و خواست خداوند رشد خواهد کرد.
از تمام دوستان همانطور که جناب رضا و اترش فرمودند در خواست می شود هر پیشنهادی دارند عرضه کنند تا به یک جمع بندی کلی رسیده و یک برنامه ریزی دقیق برای این کار صورت گیرد.
به عنوان شروع پیشنهاد میکنم هر کس از دوستان اگر آشنا و یا دوستی که در کار ترجمه دارای تجربه است سراغ دارند صحبتی با آنها داشته باشند شاید قبول کردند که در این راه همراهی کنند.مطمئنا اشخاصی چون استاد پورپیرار و استاد غفوری پیدا خواهند شد که بی مزد و بی منت کاری انجام دهند.
اگر کسی هم خواهان مزدی معقول شد می توانیم با کمک هم مبلغی جمع آوری کرده و به ایشان بپردازیم.
تا نظر دوستان و استاد چه باشد؟!

نویسنده: عباسی

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 1:33

سلام
خسته نباشید ناصر خان در پناه حق پایدار باشید

عادل خان خجالت بکشید زبانتان را گاز بگیرید

نویسنده: ایلماز

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 13:1

حبيبي: تذكراتي در خصوص مشايي داده ايم

http://tabnak.com/nbody.php?id=26014

تصاویر: سیل سلاح جدید رژیم اسرائیل علیه غزه

http://tabnak.com/nbody.php?id=25941

فهرستي از هزينه ده‌ها ميليون توماني براي دكوراسيون حوزه "آقاي رئيس "

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810270444

وجود آلاينده سمي و سرطانزاي آزبست در هواي تهران

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811020248

دانشگاه كنت انگلستان:از پوشيدن لباس مذهبي مانند روسري استقبال مي‌شود

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810211485

عباس مسئول تعليق گزارش گلدستون بود

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811020186

آمريكا به شكل ژنتيك به امپرياليسم و استعمارگري علاقه‌مند است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811020105

گزارش اختصاصي فارس از دشمني حكومت اردن با اسلامگرايان

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811010073

سالگرد حضور اولين اروپايي در آمريكاي لاتين، روز عزاي عمومي است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300378

رژيم صهيونيستي چهارمين صادر كننده سلاح در جهان است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810300321

آمريكا به بهانه كمك به زلزله‌زدگان درصدد اشغال هائيتي است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810280717

اوباما در تدارك يك جنايت جديد عليه دموكراسي در آمريكاي لاتين است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810271478

توطئه آمريكا و انگليس براي تقسيم عراق

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810280415

نویسنده: ایلماز

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 13:19

حسن الله وردی نژاد:مشایی افتخار دولت است

http://tehrannews.ir/Default,fa-IR,TehranNews,Content,NewsDetail,Key,994.aspx

واکنش‌به‌مصادره‌مشاهیرایران‌توسط‌دیگرکشورها

http://fardanews.com/fa/pages/?cid=101246

آثاری از نخستین تمدن چینی‌ها کشف شد

http://fardanews.com/fa/pages/?cid=101286

علی آبادی سه شغله شد

http://fararu.com/vdcawyne.49nom15kk4.html

نویسنده: reza

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 13:20

با سلام استاد.
من مقاله اول اسلام و شمشیر [1] را شروع کردم.
1-با توجه به مخاطب انگلیسی زبان که پس زمینه ای از تحقیقات شما ندارد نیاز است که این ارتباط به نحوی در متن با اضافه و کم کردن های مختصری ایجاد گردد.
2- ارجاعات به بعضي منابع و ترجمه های تحریف شده قرآن در متن (به لحاظ اینکه خواننده به هیچکدام دسترسی ندارد) تا حد امکان و رعایت امانتداری با منابع جایگزین اینترنتی تبدیل می شود به نحوی که قصد و غرض مولف از مقایسه ترجمه های گمراه کننده با ترجمه درست آشکار شود.
کار ساده ای نیست ولی در عین حال ناممکن هم نیست.در اولین فرصت شما و دوستان را در جریان خواهم گذاشت.

آقای رضا. مقدمه ی اسلام و شمشیر می تواند تا حدودی خلا٘ مورد اشاره شما را برطرف کند. مواردی را که تذکر می دهید در ویراستاری نهایی ملاحظه خواهد شد.

پست الکترونیک

نویسنده: چگونگي برساختن قوم یهود

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 17:12

http://www.afghanpen.com/spip.php?article328

نویسنده: چاوز: زلزله هائیتی کار آمریکایی‌ها بود

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 17:21

http://www.news.niksalehi.com/view/020911.php

نویسنده: گزارش تصویری از مرقد برادر یوسف پیامبر د

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 17:24

http://www.news.niksalehi.com/view/020897.php

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

ایران شناسی بدون دروغ 246، نتیجه 54، حقه بازی ها در هند، 23 103 - نظر

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

ایران شناسی بدون دروغ 246، نتیجه 54، حقه بازی ها در هند، 23 103 - نظر

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 247

ایران شناسی بدون دروغ 247، نتیجه 55، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 1 - 8 نظر

نویسنده: khalil

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 9:49

واقعاً احسنت استاد شاه کار کرده اید.

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 11:58

آقای ایلماز. به گمانم پیش از همکاری در ترجمه، به دیدن مستندها دعوت کنید و سپس با سنجیدن عکس العمل آن ها، تقاضای همراهی و پیوستن به جمع بنیان اندیشان کنید. می توان با مهندسان، پزشکان، وکلا و قضات، ماموران عالی رتبه دولت، بازیگران و مجریان و روحانیون نیز به همین ترتیب برخورد کرد. یعنی هر سه مستند را همراه نامه ای موثر برای آن ها

فرستاد و به مبارزه با دروغ دعوت کرد. در مورد صندوق نیز صلاح نیست به تر این که در تنگناهای معین مانند ساختن مستند اعلام نیاز کرد.

نویسنده: ایلماز

جمعه 2 بهمن1388 ساعت: 17:38

با سلام
چشم استاد.
استاد یادداشت 247 از مرورگر وب من زیر دو یادداشت ماقبل آخر دیده می شود!فکر کنم اشکالی پیش آمده است!

نویسنده: بابک

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 9:34

با سلام خدمت استاد روشنگر و دوستان حقیقت طلب
استاد با اين مقاله حرفي براي گفتن باقي نگذاشته ايد وقتي كه تاريخ 150 ساله كشور و مردم ما با حقيقت و منطق همخواني نداردسخن گفتن از 2500 سال و 1000 سال پيش بربر با حماقت محض مي باشد. بي صبرانه منتظر مستند سوم و مقالات بعدي هستيم...
بابك

نویسنده: توحید

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 6:33

سلام ، جناب استاد خسته نباشید و خدا قوت

این چکیده متن را در تکمیل بحث آقای «هیوا» در مورد « قانون تجارت » و پاسخ روشن گر شما می آورم :

« ایران در سده نوزدهم میلادی »
....

« ویژگیهای طبیعی ایران،زمینه و علت این تنوع اجتماعی بود (!!!) . نبود رودخانه ها و دریاچه های قابل کشتی رانی ،بارش بسیار اندک باران –بارش سالانه نیمی از کل مساحت کشور کمتر از25سانتی متر است- ونیز وجود صحرای پهناور مرکزی که چهار رشته کوه عظیم –زاگرس، البرز، مکران و ارتفاعات دیگر- آن را احاطه کرده است ،موجب چند پارگی جمعیت در روستاهای دور افتاده ،در شهر های جدا افتاده و قبایل خانه به دوش شده بود. روستائیانی که در سال 1850بیش از55% جمعیت ده میلیونی کشور را تشکیل می دادند، تقریبا در 10000 منطقه مسکونی زندگی می کردند.حتی یک سده بعد که این جمعیت ده میلیونی تقریبا دو برار شده بود، میانگین ساکنان روستا ها به کمتر از 250 نفر می رسید !! جمعیت شهری کمتر از 20 درصد مردم کشور را در بر می گرفت،تقریبا در 80شهر زندگی می کردند.البته فقط ساکنان این یازده شهر بیش از 250هزار بود : «تبریز-تهران-اصفهان-مشهد-یزد-همدان-کرمان-ارومیه-کرمانشاه-شیرازو قزوین» و بالاخره قبایل چادر نشین که 25درصد جمعیت را تشکیل می دادند به شانزده گروه عمده قبیله ای تقسیم می شدند که هر کدام از گروهها نیز ایل،طایفه و گروههای مهاجر پرشماری داشت .
بیشتر این روستاها ،قبایل و شهرها کاملا جدا افتاده و از نظر اقتصادی مستقل بودند و بخش عمده صنایع دستی و کالاهای کشاورزی را خودشان تولید و مصرف می کردند هر چند شمار اندکی از مردم شناسان مدعی اند که در سراسر تاریخ ایران روستاها و شهرها وابستگی زیادی به هم داشته اند،بسیاری از مورخان و سیاحان معتقد بودند که تا زمان رشد تجارت و بازرگانی در نیمه دوم سده نوزدهم اکثر روستاها و قبایل تقریبا مستقل، عملا خودکفا و از لحاظ اقتصادی خود مختار و اغلب خودگردان بودند . جیمز فریزر انگلیسی ، در سفر به خراسان ، در دهه 1820 متوجه شد که حتی مردم روستاهای بزرگ نیز برای تولید ابریشم و اجناس پنبه ای خود توت و پنبه پرورش می دهند . »

نویسنده: توحید

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 6:33

« هنری پوتینگر ، شاهد دیگر انگلیسی می گوید که زنان بلوچ «به کارهای خانه ، دوشیدن شیر، تهیه کره، پنیر، روغن، بافتن فرش، گلیم و کرباس می پردازند.» انگلیسی دیگری بنام رابرت بینینگ می نویسد که حتی روستاییان اطراف شهرهای بزرگ بخش عمده مواد غذایی را خودشان تهیه می کردند و از بازار های محلی فقط مقدار ناچیزی نمک، فلفل، تنباکو و لوازم خانه می خریدند . آرتور کونولی از کمپانی هند شرقی نیز در دهه 1830 می نویسد که ترکمن های گرگان لباسهایشان را خودشان تولید می کردند و فقط مقدار ناچیزی کالاهای لوکس مانند ادویه، شکر و تنباکو می خریدند .

ارتباطات ضعیف ، هم نمودی از خودکفایی محلی بود و هم تقویت کننده آن . ... ادوارد استاک ، کارمند دستگاه دولتی انگلیس در هند ، اشاره می کند که در مسیر تهران-بوشهر ، مسافران به حدی کم بودند که « مشاهده آنها بیننده را مضطرب می کرد .»
در یکی از نوشته های نویسندگان اخیر ، این ساختار اجتماعی به موزاییک رنگارنگ یا شهر فرنگی پیچیده تشبیه شده است .
آگوستوس مونسی دیپلمات انگلیسی در طی مسافرت به شمال ایران ، در اواخر دهه 1860 در جاده تهران-رشت فقط با یک سوار برخورد کرده بود . او متذکر می شود که بیشتر روستاییان با دیدن این سوار ، قرار را بر فرار ترجیح می دادند. آرتور آرتولد ، از سرمایه گذاران انگلیسی، که چشم انداز و وضعیت احداث راه آهن را بررسی می کرد ، متوجه شد که حجم تجارت بسیار کمتر از آن است که سودآوری چنین طرح هایی را تضمین کند .
همین تجارت ناچیز هم به علت جاده های خراب ، زمینهای ناهموار، فواصل طولانی، نبود رودخانه های قابل کشتیرانی و شورشهای بی وقفه قبایل پیشرفتی نداشت . سرجان ملکم ، اولین فرستاده انگلیسی در سده نوزدهم ، متوجه شد که قاطرچیها حتی در زمان امنیت نسبی هم نمی خواهند از کوههای شرقی عبور کنند . سر هار فورد جونز ، فرستاده دیگر انگلیسی، از این موضوع ناراحت بوده که مسیر 321 کیلومتری اصفهان تا تهران را در یک هفته طی کرده است . بارون دوبد ،سیاح روسی، در حالی که به سبک بارترین طریق ممکن مسافرت می کرد ، به طور میانگین روزانه 43 کیلومتر راه می پیمود ... »

نویسنده: توحید

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 6:35

« حتی در سالهای پایانی سده نوزدهم ، جاده مهم تهران خرمشهر آن قدر خراب بود که مسافرت از خلیج فارس به دریای سیاه با کشتی و از ارزروم به دریای خزر از راه زمینی ، سپس از باکو به انزلی با کشتی و بالاخره از انزلی به تهران از راه زمینی ، بسیار سریع تر از طی مسیر نامبرده انجام می شد !!!!!. نبود امکانات حمل و نقل موجب بحران های دوره ای می شد که در آن ،مردم یک ناحیه از گرسنگی تلف می شدند در حالی که مردم در منطقه مجاور برداشت سالانه خوبی داشتند (!!!) .
جالب اینکه ، بهبود وضعیت حمل و نقل،ضرورتا ارتباطات اجتماعی را گسترش نداد . دوبد می نویسد که ایجاد امنیت در طول شاه راه تهران-تبریز، کار ماموران مالیاتی را آسان کرده بود و موجب کوچ روستاییان به نقاط دور افتاده تر شده بود . وی می افزاید که «در ایران ، مرفه ترین روستاها آنهایی است که در دره ای پرت یا محلی دور از جاده های اصلی واقع شده است .
همین موضوع در گزارشی به وزارت خارجه بریتانیا چنین بیان می شود : « نواحی گسترده ای از زمینهای حاصلخیز به علت نزدیکی به جاده های اصلی بایر مانده است ، زیرا با وجود گماشتگان شرور دولتی و دزدی قبایل ، کشاورزی که این زمینها را کشت کند کمترین امنیتی را نخواهد داشت .»

پیچیدگی این گوناگونیها و تفاوتهای قومی وقتی بیشتر می شد که با اختلافات مذهبی در هم می آمیخت . در سده نوزدهم تشیع خود به دو فرقه عمده تقسیم شد : شیخیه و بابیه . بنیانگذار شیخیه در دهه 1810 واعظی عرب به نام شیخ احمد احسایی بود . شیخ که از تسنن بر گشته بود ، نه تنها این اصل اساسی شیعه را که ائمه جانشینان راستین پیامبرند قلبا پذیرفت بلکه به این آموزه نامرسوم ملاصدرا ، عارف و حکیم سده نوزدهم (!!!!!) ، نیز گردن نهاد که ائمه ویژگی الهی دارند و مومنان حقیقی می توانند مستقیما با امام غایب ارتباط برقرار کنند .او، همچنین ، به این مفاهیم صوفیانه عقیده جدیدی اضافه کرد که جامعه همواره در حال پیشرفت است و خداوند به هر نسلی یک شیعه حقیقی -به نام باب- اعطا می کند...
در ایران سده نوزدهم علاوه بر این دو فرقه جدید ، فرقه های شیعی قدیمی زیادی وجود داشت.مثلا، روستاییان پراکنده اطراف یزد ،کرمان،محلات،نیشابور،قاین و بیرجند به فرقه «اسماعیلی» پایبند بودند . »

نویسنده: توحید

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 6:36

« علاوه بر این برخی روستاییان نواحی مرزی غربی به آیین علی اللهی معتقد بودند . علی اللهی ها مخالف مسجد بودند ، تعدد زوجات را مردود می دانستند ، مفهوم محرمات را قبول نداشتند ، خوردن گوشت خوک و شراب را مجاز می دانستند و افراطی تر از همه ، حضرت علی را تجلی نام خداوند قلمداد می کردند . علاوه بر این ، تقریبا همه شهرهای بزرگ به دو دسته «حیدری» و « نعمتی » تقسیم می شدند . جاستن شیل ، وزیر مختار انگلیس در ایران از سال 1836 تا 1853 ، در توضیح چگونگی تقسیم مردم شهرها به دو گروه ، حیدری-نعمتی ، می نویسد : «شگفتی آور است که حتی مردم آگاه نیز درباره علل ریشه ای اختلافها ، توضیح درستی ندارند.»
بدین ترتیب ساختار قومی ایران شبیه موزاییک عجیبی بود که اجزای تشکیل دهنده آن اندازه و رنگهای متفاوتی داشت . »

....

منبع : «ایران بین دو انقلاب» ، آبراهامیان صص 15-25

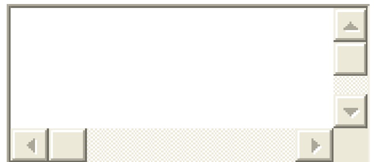
....

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 248

ایران شناسی بدون دروغ 248، نتیجه 56، بررسی کتاب نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 2 - 32 نظر

نویسنده: چیل

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 17:31

نخستین خودرو با موتور درونسوز، یک موتور کوچک بود که بر روی یک گاری کوچک نصب شد. این خودرو را زیگفرد مارکوس در سال ۱۸۷۴ میلادی در شهر وین ساخت

نویسنده: ایلماز

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 21:19

بانك واشنگتن و 4 بانك آمريكايي ديگر نيز به دليل ورشكستگي تعطيل شدند

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811031501

خشم سران صهيونيستي از سخنان دبيركل سازمان ملل

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811031287

جوانفكر مديرعامل ايرنا شد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811031280

مستند روايت زندگي زندانيان سياسي قبل از انقلاب توليد شد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811031328

ابعاد تازه اي از رسوايي اخلاقي مهاجراني عضو اتاق فكر جنبش سبز

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8809220338

تشكل‌هاي دانشجويي مي‌توانند متولي كرسي‌هاي آزادانديشي باشند

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811030522

اختصاص 200 ميليارد براي نمايش مظلوميت جوانان فلسطيني

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811030438

معلم زبان آقای رئیس، معاون شد!

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101592

حذف نام پدر کروبی از میدان الیگودرز

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101603

نجف دريابندري: بايد گلستان سعدي را بارها بخوانيم

id=50736&http://www.chn.ir/news/?section=2

نویسنده: یوسف

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 21:42

با سلام و خسته نباشید جدا بی نظیر بود. فقطمی خواستم بدونم این کتاب رو میشه از بازار تهیه کرد؟

آقای یوسف. قیمت آن بسیار گران و کم یاب است. با این همه اگر سراغ اش را از دست فروش های مقابل دانشگاه تهران بگیرید، دست خالی نخواهید ماند.

نویسنده: توحید

شنبه 3 بهمن1388 ساعت: 23:44

سلام استاد خسته نباشید . اجر زحمتی که می کشید با الله تعالی .....

....

این هم سندی دیگر در مورد عصر مرموز «صفوی» :

از سوی معتبرترین مرکز تحقیقات نسخ خطی حدیث :

آیا «کافی» کلینی از نظر سند مشکل دارد ؟ :
....

«حجت‌الاسلام درایتی: تاکنون یک هزار و 607 نسخه خطی از کافی شناسایی شده است که عمده این نسخه‌ها یعنی بیش از هزار نسخه مربوط به قرون دهم و یازدهم یعنی عصر صفوی است و این نشان دهنده این است که در آن زمان، علمایی بوده اند که به تکثیر نسخه‌های کافی اهتمام داشتند و علامه مجلسی از مهمترین ایشان است.کهن‌ترین نسخه هم مربوط به اواسط قرن هفتم ه ق یعنی سال 652 می باشد. »

«حجت‌الاسلام درایتی: به موضوع اسناد رسیدگی نشده بود و جنبه استناد در آن مقداری ضعیف بود به طوری که بدون اشاره عمده به سایر اختلاف‌ها، تنها یک نسخه،انتخاب شده و در متن آمده بود.»

* با توجه به پراکندگی مفاهیمی که در کتب رجالی ما هست، مثلاً شما در معرفی یک راوی چگونه وارد شده‌اید؟
آقای علیرضا حسینی: ما دو وادی در بحث‌های رجالی داریم، یکی شناخت هویت و یکی شناخت شخصیت که ما هیچ گامی در بخش شناخت هویت درکار تصحیح برنداشتیم مگر اینکه توضیح اختلالات سند، مبتنی بر شناسایی یک راوی بوده باشد.
«* علت اینکه محدوده کارتان را تا قرن پنجم انتخاب کردید چیست؟
حجت‌الاسلام طباطبایی: مهم ترین علت،کثرت مصادر حدیثی در این دوره است.»

نویسنده: سعید

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 8:51

با سلام خدمت استاد
به عنوان یک آذربایجانی از نوشته های شما و روشنگریتان لذت بردم
انتظار این نوشته ها را میکشیدم وضعیت شهرهای دیگر آذربایجان هم نظیر اردبیل است از اینکه آذربایجان را برای بررسی شهرها الویت داده اید خوشحالم چون به جدالهای بنده به بعضی از دوستان خواب آلود پایانی است روشن و تکلیف را مشخص میکند
یاشا

آقای سعید. اگر نخواهند باور کنند با هیچ مستندی تغییر عقیده نخواهند داد.

آقای محسن. به ترجمه بخش زبان بابلی لوکوک رجوع کنید.

آقای سنجری. همگی از مرحمت شما ممنونیم.

نویسنده: بختیار

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 12:2

استاد با سلام و خسته نباشید

عالی و با معنا بود هرچند به تجربه بر من ثابت شده است ضربه ی کوبنده در یکی دو درس آینده فرود خواهد آمد. دعای خیر و سلامتی من همیشه نثارتان باد

نویسنده: صمیمی

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 15:21

من هم کم آوردم!وقاحت تا چه حد؟
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=82827

نویسنده: توحید

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 11:59

با عرض معذرت ، لینک مطلب بالا را فراموش کردم :

http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=13880

آقای توحید. این آوازها انعکاس کوتاهی از صدای ناریا بر صخره تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام است.

نویسنده: نظریات استاد

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 19:52

آثار باستاني ايران به دو گروه تقسيم مي شوند گروه اول آثار تمدن باشكوه عيلامي و گروه دوم آثار يونانيان مهاجر به ايران.البته گروه سومي هم مي توان تعريف كرد و آن هم آثار شيادي و حقه بازيهاي دانشگاه كنيسه اي شيكاگو از حدود 60 سال پيش تا كنون.
اين شياديها براي پوشاندن آثار قتل عام بي كران و بي نظيري است كه يهوديان به كمك قوم خزر يعني هخامنشيان اجير شده يعني كورش داريوش و خشايار شاه در 2480 سال پيش انجام دادند و طي آن هيچ انساني را در شرق ميانه زنده نگذاشتند.پس از اين قتل عام هخامنشيان به مسقط الرأس خود يعني سرزمين هاي شمال غربي درياي خزر و يهوديان هم به اورشليم برگشتند.اين قتل عام موسوم به پوريم است كه يهوديان همه ساله همزمان با نوروز جشن مي گيرند و شرحي از آن هم در تورات آمده است.تمدن هاي ديگر يعني هند و چين و يونان دقيقا" پس از همين زمانها آغاز مي شود كه نشان دهنده ايجاد تمدن آنها توسط فراريان واقعه پوريم مي باشد.
دلايل بسياري بر صحت اين ادعا مي باشد از جمله تپه هاي تمدني بجاي مانده در جاي جاي ايران كه در تمام آنها آثار آتش سوزي و قتل عام وحشيانه به چشم مي خورد و هم اكنون هر از گاهي آثار آنان توسط قاچاقچيان اشياء مخفيانه به خارج از كشور برده مي شود و ميراث فرهنگي هم هيچ اقدام مهمي در اين مورد انجام نمي دهد آثا بسيار نفيسي از اين تمدنها در موزه هاي مختلف از جمله موزه تنديس تهران قابل ديدار است كه در هيچ زماني پس از هخامنشيان ديگر نظيري براي آنها نمي توان يافت چون سازندگان آنها و آن تمدن بكلي نابود شد.

نویسنده: نظریات استاد

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 19:53

از جمله اين اماكن مي توان به :شوش-تخت جمشيد -تپه حسنلو در آذربايجان- تپه حصار- زاغه تپه سگزآباد قزوين –پيراوند لرستان-تپه كلورز و تپه مارليك در گيلان- شهر سوخته سيستان- تپه سيلك دامغان –گوهر تپه در فارس –تپه جيرفت- زيويه كردستان- تپه هاي كاشان و صدها نقطه كشف شده يا نشده ديگر است كه آثار مكشوفه در آنها خارق العاده و با تاريخ هزاران سال پيش تا 2500 سال پيش است.چرا آثاري پس از اين تاريخ پيدا نشده؟؟؟چه برسر آنها آمده؟
اسكندر مقدوني در سال 312 قبل از ميلاد يعني حدود 160 سال پس از پوريم حمله خود به شرق را از مصر آغاز كرد و اورشليم را ويران و يهوديان را تارومار كرد به طوري كه آنها تا پس از جنگ جهاني دوم و اشغال فلسطين در دنيا دربه در شدند به همين دليل كينه يهود نسبت به اسكندر و يونانيان عميق است و در تمام تاريخ براي بد نام كردن آنها از هيچ تلاشي فروگذار نكرده اند از جمله آن برداشتن عنوان ذوالقرنين از اسكندر و دادن آن به كورش يعني منجي خود از دست بخت النصر پادشاه بابل و نيز يا توطئه براي ترغيب امپراتوري روم به حمله به آتن و به آتش كشيدن آن و تراشيدن تاريخي خفت بار براي يونانيان و مورخين دروغگويي چون هرودوت و گزنفون بوده است.
در 146 قبل از ميلاد با تسخير و به آتش كشيده شدن آتن يونانيان اشراف زاده كه توانايي فرار داشتند به شرق يعني ايران و بين النهرين گريختند كه بي مدعي و خالي از سكنه بود.آنها تا سالهاي 250 ميلادي كه دوران سقوط امپراتوري روم است در ايران ماندند و از خود آثاري برجاي گذاشتند كه اكنون باستان پرستان سكه هاي بجاي مانده از آنها را به اشكانيان مي بخشند و معبدي در نزديك مرودشت كه تبديل به قبر كورش كرده اند و آثار بجاي مانده از آنها مانند نقش رجب و طاق بستان و آثار بيشاپور و ديگر آثار پراكنده را هم به ساسانيان مي دهند. در تمام اين آثار نمايه هاي هلنيستي و خط و علائم يوناني به چشم مي خورد. با بازگشت يونانيان دوباره ايران خالي از سكنه ماند.

نویسنده: نظریات استاد

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 19:54

در اواخر قرن سوم ميلادي سرانجام مسيحيان به كمك اقوام شمالي اروپا بر امپراتوري روم غلبه كردند كه نتيجه آن فرار رومن هاي هلنيست به شرق يعني نواحي تركيه كنوني و ايجاد امپراتوري روم شرقي يا همان امپراتوري بيزانس بود.اين نواحي هم به دليل عوارض باز مانده از وقوع طوفان نوح در چند هزار سال قبل بي مدعي و خالي از سكنه بود. شواليه ها و ابر مردان رومن در اينجا آثار خيره كننده اي از خود برجاي گذاشته اند كه هر يك در ميان آثار دنياي باستان در نوع خود بي نظير است اين آثار از خانه هاي اشرافي كاخ ها پل ورزشگاه اصطبل حمام و... در سراسر شهرهاي سواحل غربي تركيه و نيز در بين النهرين و لبنان و اردن و سوريه بقدر كافي قابل ديدارند.
جنگهاي بين امپراتوري روم كليسايي با هلنيستها يعني امپراتوري بيزانس چندين قرن ادامه يافت كه در قرآن هم به يكي از همين جنگها در قرن هفتم اشاره شده كه منجر به شكست روميها شد و باستان پرستان ما معتقدند كه آن آيه در مورد شكست امپراتوري روم از ساسانيان ناپيدا نازل شده است در آن آيه اشاره شده كه به زودي دوباره روم پيروز خواهد شد كه همين اتفاق هم افتاد و براي هميشه دست كفار را از رم كوتاه كردند و كشيشان حاكم بلامنازع روم غربي شدند و تمام آثار هلنيسم را در سراسر اروپا به آتش كشيدند به طوري كه هم اكنون در رم هيچ اثري از آنها نمي بينيد و بيزانسي ها هم به همان سرزمينهاي تازه قانع شدند.اگر تحقيق كنيد مي بينيد كه در اين سرزمينها اثري از كليساهاي قديمي ديده نمي شود چون در اختيار كفار هلنيست بوده اند.

نویسنده: حاجی زاده

یکشنبه 4 بهمن1388 ساعت: 18:11

سلام
استاد گرامی، تبریکات من و احسان را بابت به سرانجام رساندن این مدخل پذیرا باشید.
دعای خیر ما همیشه پشت و پناه شماست.
ان شاالله تا روزی که رسالتتان جایگاه و شان در خور و حقیقی خود را بیابد حضرتعالی نیز شاهد و برقرار خواهید ماند.

فریبا خانم. فقط انجام وظیفه می کنم و به دعای خیر شما دل خوشم. به احسان سلام برسانید.

نویسنده: یه دانشجو

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 4:37

با عرض سلام خدمت استاد عزیز و دوستان بنیان اندیش: استاد چندی قبل از طریق انترنت یا فردی از اهل بناب در اذربایجان اشنا شده و در باره اندیشه و یافته های نوین شما با ایشان چندین ایمیل رد و بدل کردم. ایشان متاسفانه با یافته های شما اشنایی نداشتند. و اولش رخداد پوریم را قبوال نداشته و بهش خندیدند. اما بعدا از وجود تپه ای در بناب خبر دادند که بهش قره تپه (تپه سیاه)گفته میشه. ایشان با این محوطه اشنایی خوبی دارند. ایشان گفتند که باستان شناسان از زیر این تپه گنجیه هایی در داخل کوزه پیدا کرده اند و اثار مسکونی و تمدن هم پیدا شده است. ایشان اضافه کردند که در همین حوالی قره تپه یه چمنزار بسیار وسیعی است که بهش خوندالان(جائیکه از خون پر شده باشد) گفته میشه. ایشان گفتند که انگار در زمانهای خیلی دور اهالی منطقه در مقابل متجاوزین(احتمالا هلاکوخان)-- برای اینکه مراغه ای که هلاکوخان تسخیر کرده بوده نزدیک بناب است--- انقدر مقاومت کرده بوده اند که تمامی مردم قتل عام شده و این دره مانند از خون لبریز شده بوده است.

من اول به این داستان ایشان شک کردم ولی بعدا با یکی و تا از دوستان اذرشهری که آنهم نزدیک بناب است تماس گرفتم و آنها هم وجود این تپه و چمنزار خوندالان را تائید کردند.

اگر هما غراق گویی هایی از نوع پر شدن دره از خون را نوعی افسانه سازی مردمی بدانیم سئوالی که مطرح میشه این است که این اسامی قره تپه و خوندالان از کجا وارد این محل شده است.؟ گر نباشد چیزکی-- مردم نگویند چیز ها---باید توضیح دهم که در زبان ترکی قره بجز معنی سیاه معنی بد یمنی هم دارد. مثلا قره یانوار(÷انویه سیاه که ارتش شوروی انرمانی مردم باکو را به گلوله بستند) یا قره گون یعنی روز سیاه و بد بختی و یاس و سوگواری و غیره

از دوستان اذربایجانی هم که در این باره اطلاعاتی دارند لطفا مضایقه نکنند.

خلاصه ایشان بعدا آدرس سایت و اسامی کتابهای شما را خواستند که فکر می کنند نکنه این قره تپه و خوندالان یادگار آن رخداد پلید پوریم باشد. ازشان خواستم که در بحث های این سایت شرکت کنند که اگز دوستان اطلاعات بیشتری در باره این تپه و چمنزار بخواهند ایشان بهتر می توانند توضیح دهند. ایا امکان دارد که حوزه پوریم تا بناب و مراغه هم کشیده شده باشد.؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 8:5

اقای یه دانشجو. کافی است تصویری از قطعات حتی خرد شده سفال و یا هر شیٔ دیگر را به دست آورید که در قره تپه و یان خون دولان پیدا شده تا معلوم شود حیات آدمی تا چه زمانی در آن حوالی ادامه داشته است. آذربایجان امروز به قرینه حسنلو و چندین سایت پاک سوخته ی دیگر، از همین قبیل، قطعا در حوزه ی اقدام پوریم قرار داشته است.

نویسنده: عباس

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 8:24

استاد درقرآن چیزی در بارهٔ اینکه اگر مسلمان باشید وبه دین دیگر برید آیا مجازاتی دارد ؟

آقای عباس. هر لحظه که اراده کنید چند ساعت بعد به قم می رسید تا از این قبیل سئوالات خود را بپرسید. سفر به خیر.

نویسنده: محسن

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 10:8

سلام
جواب منو ندادید.در مورد ترجمه؟
شما مستندی غیر از طوفان نوح و تخت گاه هیچ کس ساخته اید؟

نویسنده: بزرگترین کشتی کروز جهان

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 10:34

این کشتی بزرگترین کشتی کروز جهان است. و متعلق به ثروتمندترین زن اسرائیلی و مالک بزرگ‌ترین شرکت کشتی‌های کروز (کشتی‌های تفریحی) در جهان و بانک پوعلیم (بزرگ‌ترین بانک در کشور اسرائیل) است.
/http://funi.ir/tagcloud/%D8%B9%DA%A9%D8%B3

نویسنده: سرزمین لی‌لی پوت‌های ایرانی

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 10:44

روستای ادم کوتوله ها (لی لی پوت) قلب کویر لوت ایران
http://www.niksalehi.com/linkha/link.php?ets=2126
http://funi.ir/1388/09/22

نویسنده: نیما

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 10:57

مطلبی جالب در مورد تفسیر آیه لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿3﴾ از سوره مبارکه قدر می باشد
<< در برخی از تفاسیر آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: یکی از بنی اسرائیل لباس جنگ در تن کرده بود و هزار ماه از تن بیرون نیاورد و پیوسته مشغول (یا آماده) جهاد فی سبیل الله بود. اصحاب و یاران تعجب کردند و آرزو داشتند چنان فضیلت و افتخاری نیز نصیب آنان می شد، آیه فوق نازل شد و بیان کرد که شب قدر از هزار ماه بیشتر است>> (منبع: تفسیر موضوعی قرآن کریم، برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ص 109)

حال شما اگر این 1000 ماه را بر 12 ماه تقسیم کنید عدد 83.33 حاصل می شود یعنی این شخص حدود 83 سال پیوسته مشغول و یا آماده جهاد بوده است و همچنین مطلبی به هیچ عنوان سازگاری با عقل ندارد.

نویسنده: ویژگی یهودی یا شیعی بودن همدان

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 12:7

از ویژگیهای شهر همدان نقشه آن میباشد که توسط مهندسان آلمانی طراحی شده است(حتما در زمان مادها!!!!). این شهر دارای یک میدان مرکزی وسیع بوده که 6 خیابان وسیع با زاویه شصت درجه دارد. این 6 خیابان شعاع های یک دایره وسیع بشمار میروند که در فواصل مساوی از آنها، بلوارها بصورت رینگهای اول و دوم آنها را منقطع کرده که در نوع خود کم

نظیر است و در ابتدای هر خیابان اصلی دو گنبد نقره ای رنگ به تعداد 12 گنبد بنام هر امام تعبیه شده که از دیرباز نشانگر مذهبی و شیعه بودن این شهر میباشد.

نویسنده: بختیار

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 14:58

جناب یه دانشجو
همانطور که استاد اشاره نموده اند در ناحیه ای که حوزه ی پوریم است از این گونه تپه ها و بقایای بازمانده از زیستگاههایی که بطور مرموز و سوال بر انگیز تمام هست و نیست خود را باقی گذاشته و طعمه ی یک حریق و یا بلای کلی و غیر قابل گریز بوده اند به چشم میخورد. تعدد روستاهایی بنام کلتپه در استان های اذربایجان و کردستان کنونی حاکی از این مورد است.

نویسنده: بابک

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 15:5

با سلام
فقط براي خنده و انبساط خاطر دوستان، واقعا حماقت بعضي ها حد و مرز ندارد:
داستان هايي از تاريخ ايران
persianblog. ir .yasamin-atashi
لشکر ایران آماده جنگ شده و سواران پا بر رکاب اسب ، کورش پادشاه ایران از نزدیکان خداحافظی کرده و قصد راهبری سپاه ایران را داشت . یکی از نزدیکان خبر آورد همسر سربازی چهار فرزند بدنیا آورده ، فروانروای ایران خندید و گفت این خبر خوش پیش از حرکت سپاه ایران بسیار روحیه بخش و خوش یومن است . دستور داد پدر کودکان لباس رزم از تن بدر آورده به خانه اش برود پدر اشک ریزان خواهان همراهی فرمانروای ایران بود . فرمانروا با خنده به او گفت نگهداری و پرورش آن چهار کودک از جنگ هم سخت تر است . می گویند وقتی سپاه پیروز ایران از جنگ باز گشت کورش تنها سوغاتی را که با خود به همراه آورده بود چهار لباس زیبا برای فرزندان آن سرباز بود . این داستان نشان می دهد کورش پادشاه ایران ، دلی سرشار از مهر در سینه داشت. ارد بزرگ فیلسوف کشورمان می گوید : فرمانروای مردمدار ، مهر خویش را از کسی دریغ نمی کند .
می گویند سالها بعد آن چهار کودک سربازان رشیدی شدند ، آنها نخستین سربازان سپاه ایران بودند که از دیوارهای آتن گذشته و وارد پایتخت یونان شدند . نکته جالب آن است که یکی از آن چهار کودک دختر بود و نامش پارمیس که از نام دختر ارشد کورش بزرگ اقتباس شده بود .

یاسمین آتشي

نویسنده: احمد

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 15:17

حتی استاد شهید مرتضی مطهری ....

از کتاب امدادهای غیبی صفحات 138- 139-140:

((...شما اگر بخواهید بهترین کتابهای مشرق و نسخه های عالی اسلام را پیدا کنید در کجا میتوانید پیدا کنید؟ در تهران؟ اصفهان؟ خیر در کتابخانه های اروپا یا آمریکا یا شوروی..... کار به جایی کشیده که ما ارزش دانشمندان خود را باید از زبان دیگران بشنویم یعنی امروز اگر از فارابی و بوعلی و خیام و مولوی تجلیل میکنیم به این دلیل است که اروپائیان نوشته اند این شخصیتها موقعیت برجسته ای دارند و شخصیتی که اروپائیان به رسمیت نشناسند خودمان جرئت نمی کنیم از او نام ببریم....))

نویسنده: احمد

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 15:23

((...اخیراً شنیدم که توجه به حفاظت گنبد مسجد شیخ لطف الله از زمانی آغاز شد که یک ایرانشناس معروف یعنی پوپ که اخیراً فوت کرد و در اصفهان طبق وصیت خودش دفن شد آمد و به طور جدی تذکر داد که اگر این اثر را حفظ نکنید و خراب نشود به بشریت خیانت کرده اید. پس از این تذکر بود که ما در صدد حفظ و نگهداری برآمدیم.... تا چند سال پیش که صدرالمتالهین عارف و حکیم معروف ما از زبان فرنگیها معرفی نشده بود ملت ما باور نمیکرد...اما اخیراً به وسیله مستشرقین مقام او در محافل علمی جهان اعلام شد.))

نویسنده: ستاره

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 15:45

آقای برای بی فروغ ترین ستاره. الان که دیگه فهمیدم چرا و چگونه منو با یکی دیگه (همون ستاره معروف) اشتباه گرفتید، دیگه اصراری به جواب دادن به شما ندارم. شاید تقصیر از من بود که بی مباها اسم حساس ستاره را برگزیدم که تو این وبلاگ بیشتر از هر جای دنیا معنادار و بودار است!!! اینو فقط گفتم که حرفای منو پای همون ستاره معروف وبلاگ که سوپر استار هم هست، نگذارید!

نویسنده: احمد

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 16:4

در ضمن میخواستم نظر شما را درباره جلال آل احمد بدانم. آیا می توان او را استثنایی در میان روشنفکران سده اخیر دانست که همگی اسلامستیز و باستانگرا بوده اند؟ در کتاب غربزدگی شاهد ناباوری او نسبت به تلقینات شرقشناسان و عوامل داخلی آنان هستیم مانند:
((به رغم آنچه فضلای ریش و سبیلدار گفته اند _ که شعوبیهای دیر به دنیا آمده ای هستند و به رغم کتابسوزان عمر _ اسلام لبیکی بود به دعوتی که از سه قرن قبل از آن در دشت برهوت سلطنتها در دهان مانی و مزدک به ضرب سرب داغ خفه شد.))
(ص 48)
البته او در نهایت موضع خود را نسبت به جعلیات تاریخ روشن نکرده و به نظر میرسد که بعضی از آنها مانند ظهور زردشت و حمله مغول را مانند دیگران پذیرفته است.

نویسنده: لینک

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 19:59

آرامگاه حافظ در زمان قاجار
http://www.iran-eng.com/showthread.php?t=146859

نویسنده: رهگذر قديمي

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 21:0

با سلام
اين وسعت محيطي كه كتاب در مورد اردبيل نوشته است مستطيلي در نظر مي گيرد با تقريبا اضلاع 2000متر در 1000متر و اگر فضاهاي مربوط به معابر و نهرهاي جاري در شهر و مناطق نظامي و باغها و مجموعه شيخ صفي را از آن كم كنيم و مساحت خانه هاي قديمي را در نظر بگيريم و تعداد متوسط هر خانوار را7 نفر انتخاب كنيم جمعيت اردبيل در آن دوران چيزي حدود 20هزار نفر خواهد شد اين درحالي است كه در حوالي سال 1350من شخصا بياد دارم كه اردبيل به صورت همين مستطيل با طول حداكثر2.5 كيلومتر و عرض تقريبي 2 كيلومتر وجود داشت و همان زمان محلات قديمي شهر فعلي نامهايي داشت كه بيانگر انتهاي شهر قديمي بودند اين اسامي را بصورت يك دور در پيرامون شهر نام ميبرم؛ از مقابل مجموعه شيخ شروع مي كنيم: عالي قاپو كه به دروازه مشهور است و قبرستاني در پشت مجموعه شيخ دارد بنام شهيدگاه كه اكنون كوچه اي مسكوني با همين نام است- دگرمان بويني(تقريبا به معني سر آسياب كه نشانگر وجود نهر و آسيابي است كه اصولا در كناره آباديها و شهر قرار ميگرفت) – قجريه (كه از نامش زمان ايجادش معلوم است)- ارمنستان (كه محلي براي سكونت ارامنه و در حاشيه شهر بود) – تازه ميدان- پيرعبدالملك – آغاناغي خرمني(خرمنگاه آقا نقي)- قالا قاباغي(مقابل قلعه حكومتي) فضاي زيادي بين دو محل اخير در كنار رودخانه بود و محلات مسكوني جديدي در زمان دوشاه پهلوي در آن ايجاد شده است–شاه باغي - شريعت باغي –اسكندر باغي – مشه باغي (باغ جنگلي) كه ملاحظه مي كنيد كه يك ضلع هم مجموعه اي از باغات است.از دگرمان بويني تا رودخانه باليخلو حدود يك كيلومتر است و بياد دارم كه در همين فاصله هم در انتهاي خيابان فرمانداري فعلي و پشت دبيرستان صفوي(كه در زمان رضا شاه ساخته شده) آسياب خرابه اي بود و من سنگهاي بزرگ آسياب را بخاطر دارم. تنها مجموعه اي كه با اين موضوع همخواني ندارد مسجد جمعه است كه بافاصله اي يكي دوكيلومتري از شهر قديمي و برروي تپه اي موجود است و از آثارقديمي است.

آقای رهگذر قدیمی. از قرار مقیاس زیر عکس، طول ضلع بزرگ 450 و ضلع کوچک 350 متر است، چنان که محیط دیوار را هم 1600 متر نوشته اند. حالا شما 2000 و 1000 متر را از کجا آورده اید نمی دانم .

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 21:59

بودجه فرهنگی 368 هزار میلیاردی

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101699

میدان امام از فهرست آثار جهانی حذف می‌شود

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101796

وزیر ارشاد: برای تبادل فرهنگی با کشورهای اکو آماده‌ایم

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101780

تابلو 130 میلیون دلاری پیکاسو پاره شد+عکس

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101778

یک نوآوری برای ترویج نام «خلیج فارس»

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101751

رئيس جمهور منتخب ملت ايران را به رسميت مي شناسم

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811050553

حماس: تنها رژيم صهيونيستي از ساخت ديوار فولادي سود مي‌برد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811051519

فرهنگنامه فقه اسلامي چاپ شد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811051164

ابوزهري: جنبش فتح، آشتي در فلسطين را به بن بست كشانده است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811051461

نویسنده: R134a

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 22:24

خسته نباشید

آقای R134a. ممنونم.

نویسنده: alidama

دوشنبه 5 بهمن1388 ساعت: 22:39

با سلام
- با هر شماره جدید نوع جمع بندی ها عمیق تر میشود
با سلام خواهشمند است بصورتی مطابق عوارض زمین به نقشه های جدید منطبق کنید تا حداقل کوچکی و بزرگی شهرها مقایسه آنی ! شود
- آیا مثل اینها بریتانیای کبیر هم ایران رانقشه برداری و مساحی کرده است ؟ چونکه اولین نقشه برداری کوههای هیمالیا را انگلیسیها انجام داده اند
- در مورد ترکیه و عربستان کدام کشور اولین مساحی را کرده است ؟ کی ؟
-چرا انگلستان مانند هنگ کنگ در چین ،درخلیج فارس جزیره ای را به اجاره یا به تملک در نیاورده است ؟

نویسنده: ناصر پورپیرار

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 0:32

آقای بهروز حسن نژاد. هر نوشته و دیوانی که در آن واژه عکس دیدید منتسب به دوران اخیر کنید. این قبیل کنکاش ها اسلوب خود را دارد، مثلا 1100 صفحه روزنامه خاطرات میرزا حسن خان اعتماد السلطنه را بگردید و از خود بپرسید که چرا ناصر الدین شاه یک بار هم سراغ کتاب مثنوی مولانای شما را از روزنامه نویس اش نگرفته و نخواسته که داستانی از آن را بشنود!؟ اخیرا رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ما غزلی از مولوی را با مطلع «این چیست این» مرتبا پخش می کند که مملو از سلیمان و داود و موسی است و عجیب تر از همه این که جایی از غزل با صدای بلند می گوید: «اسحاق و قربان توام» تا بدانیم مولانای شما یا ابدا قرآن نخوانده و یا بدان باور نداشته است، زیرا قربانی در قرآن اسماعیل است و نه اسحاق، که در تورات آمده است!؟ و چون همین تعبیر در کارهای ملای رومی و یا نمی دانم کجایی، نمونه های دیگر هم دارد، پس این عارفی برخاسته از کنیسه و از دست ساخته های اخیر بخش جعلیات اورشلیم است.

خانم سارا. با حوصله بخوانید و اگر مشکلی در برداشت از مطالب پیش آمد در خدمتم.

آقای منصور. از زحمتی که کشیده اید، ممنونم. تا آخرین نفر مسئولین فرهنگی کشور از زیر و بم این تحقیقات باخبرند و برابر توصیف قرآنی صم و بکم شده اند. بر شما ثابت خواهد شد که نام برده نیز گویی هرگز چیزی از شما دریافت نکرده باشد صم و بکم خواهد شد. این سکوتی است که یهودیان در آغاز این تحقیقات دستور آن را صادر کرده اند.

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 249

ایران شناسی بدون دروغ 249، نتیجه 57، بررسی کتاب نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 3 - 50 نظر

نویسنده: منصور

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 4:51

با سلام و عرض اشتیاق خدمت استاد عزیز و دوستان بنیان اندیش
به نظر اولین خواننده این یادداشت هستم
استاد گرامي، هيچ وصفي درباره اين يادداشتها گوياتر از تعبير خود شما نيست:
اهل نظر می دانند که هر یادداشت این وبلاگ، در آسیب رساندن بنیانی به حقه بازی های فرهنگی یهودیان و مزد بگیران داخلی آن ها، در شرق میانه، از صدمات نظامی موشک های مبارزان فلسطین موثرتر است.(23 آذر 86)
عصبانیت کور دشمنان این بررسی ها، که دم اکثر آن ها دانسته و نادانسته به اورشلیم، یعنی مرکز نشر جعلیات درباره ی مسائل ایران و اسلام، وصل است، درست از همین بابت است که از درک روش های این تحقیق عاجز مانده اند. آن ها هنوز نمی دانند و حتی به حدس نیز درنمی یابند که برای رسوا کردن آن ها چه در چنته ذخیره دارم. به همین دلیل هر یادداشت این وبلاگ، ناگهان چون چماقی بر فرق شان فرود می آید و برق تازه ای از چشمان شان می پراند و هنوز به خود نیامده بدون این که بدانند به کدام سوی امن بگریزند، ضربه ی یادداشت بعد را می چشند. مطمئن باشید آن چه را هم در باب مسائل معاصر شنیده اید ذره ای اعتبار تاریخی ندارد و با بنیان ماجرا بیگانه است که بیان آن به امداد و اجازه ی الهی موکول می شود. (29 دي 86)
بنده چيزي ندارم جز همان دعاي حضرت چيل

آقای منصور. برای محافظت از دروغ هایی که از قبل آن نان می خورند، به روز بدی افتاده اند.

نویسنده: یه دانشجو

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 8:54

استاد من که گیج شدم. ایا شما این کتاب" شهر های ایران" را قبول دارید یا نه.؟ جایی می نویسید که این کتاب بدون توجه به قیل و قال های امروزی نوشته شده و جای تعارف ندارد و بعد از نقل قولی از کتاب می نویسید که نقل قول بالا خیال پردازی است. لطفا روشنگری کنید. سپاسگزارم

آقای یه دانشجو. نقشه ها کاملا اریژینال و صحیح است، اما هیئت مولفین برای شرح آن ها از اطلاعات امروز استفاده می کنند. مثلا برای درون قلعه اردبیل که گنجایش دو مسجد را هم ندارد، ده مسجد نام می برند که مساجد امروزین اردبیل است!

نویسنده: نتایج یک تحقیق محرمانه

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 11:29

کاهش شدید هوش کودکان ایرانی زیر 8 سال در 10 سال اخیر
http://www.khabaronline.ir/news-30129.aspx

نویسنده: ساخته های آلمانی ها در ایران

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 11:38

پلهای غازیان و انزلی : در سال 1316 شمسی توسط مهندسین آلمانی ساخته شده است.
پل معلق اول بابلسر:این پل فلزی معلق در سال 1313 ، قبل از جنگ جهانی دوم توسط مهندسین و متخصصین آلمانی و سوئدی بر روی بابلرود احداث شد.
پل ورسك:ساخت این پل توسط مهندسان آلمانی و اتریشی انجام شده است.پل ورسك ، در دره ورسك واقع در ۸۵کیلومتری جنوب قائم شهر در محور سوادکوه قرار دارد و راه آهن سراسری تهران ـ شمال را به هم متصل می کند.

نویسنده: مهران حقیقت

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 11:44

سلام بر استاد

خداوند شما را طول عمر با عزت و ما را توفیق نشر حقایق دهد.

منتظر قسمت بعدی روشنگریهای حضرتعالی هستم.

مهران

آقای مهران حقیقت. آمین.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 12:54

با سلام
استاد سه ضربه سنگین در ظرف چهار پنچ روز!
فکر کنم به نفعشان باشد جسد مرگ مغزی شده دروغ را هر چه زودتر به خاک بسپارند!چون اعضای نحیف و ضعیف آن به درد وصله پینه کردن به هیچ شیادی دیگر نمی خورد و پس خواهد زد!!

نویسنده: علی دما

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 13:29

با سلام
در خصوص ترجمه ، کاش یک هندی فارسی بلد پیدا میشد و با علاقه مندی مسائل بومی خود مربوط به قسمت هند را ترجمه میکرد و آنرا به سازمان میراث فرهنگی هند ! و مردم هند ارائه میکرد .

نویسنده: علی دما

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 13:47

با سلام - آیا در کتابخانه های باکو یا مسکو امشابه های دیگری از ینگونه منابع موجود د هست ؟ به نظر من هست و ولی ممنوع الملاحظه شده !
آیا کتاب خاطراتی از تهیه کننده ها ی نقشه ها و یا نویسندگان کتاب در دسترس هست ؟ به نظر من ناگفته های بیشماری میتوان از آنها بدست آورد
هرچند خود این اسناد بسیار خیره کننده و مهلک برای افکار رایج میباشد

نویسنده: مفلح

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 14:30

سلام ناصر خان
ببخشید شما آقای محیط که در شبکه پیام افغانستان برنامه دارد را می شناسید؟
نظرتان درباره ی ایشان چیه؟
مستدام باشید

آقای مفلح. نمی شناسم.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 15:27

با سلام
استاد آیا مستندها به دست گردانندگان شبکه هایی چون نور یا پیام افغانستان و ... رسیده است؟!

آقای ایلماز. قطعا مستندها به افغانستان رسیده است.

نویسنده: سعید

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 16:34

با سلام و خسته نباشید
در نقشه آخر شهر مرندی دیده نمیشود
اما چرا مولف کتاب بر روی نقشه از اصطلاح «شهر مرند» استفاده کرده است
یا مثلا ننوشته ده یا منطقه یا دشت مرند یا هر چیز دیگر اصل نقشه مرند را به زبان روسی نوشته منظور از حرف ماقبل مرند
که شبیه L برعکس لاتین است چیست
ممنون

آقای سعید. آن حرف "گ" روسی و مخفف لغت "گورود" به معنای شهر است. مثل این که ما به جای خیابان می نویسیم "خ".

نویسنده: سجاد

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 18:32

سلام استاد خداقوت

نویسنده: reza

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 19:35

با سلام استاد

آیا امکان دسترسی به منبع اصلی نقشه های روسی وجود دارد؟ و آیا نقشه ها رنگی هستند؟

نویسنده: رشید

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 19:38

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد بزرگوار و گرامی
فقط قصد گفتن خسته نباشید داشتم به استاد بلامنازعمان آقای پوپیرار فصل امتحانات دانشگاه تمام شده و از فرط
خوشحالی نمی دانم چه بنویسم البته نه برای نمرات ناپلئونی که خواهم گرفت بلکه برای فرصتی که جهت خواندن مطالب
ناب شما پیدا کرده ام.دلم برای ذره ای حقیقت در این دنیای پر از دروغ لک زده.
بسیار متشکرم امیدوارم خداوند از عمر من بر عمر شما بیفزایید خدا قوت

آقای رشید. سلامت و طولانی زیست کنید.

نویسنده: یه دانشجو

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 22:14

استاد از بابت توضیح تان سپاسگزارم مشکل کتاب نقشه ها و کار جاعلانه مولفین برایم روشن شد.اما باز هم گیج شدم.
اولا: اگر جنگی بین ایران و روسیه هر گز اتفاق نیافتاده است پس داستان های معاهده نامه های ترکمنچای و گلستان چای چی می شوند.؟ ایا این معاهده ها هم اصل ندارند و قلابی اند.؟

ثانیا: اسم مرند که در نقشه به زبان روسی نوشته شده و طبق اظهار نظرشما حرف L هم که در روسی به معنی شهر می باشد پس چگونه می توانیم در صحت نقشه شکی نداشته ولی وجود شهری به نام مرند را قبول نکنیم. می بخشید که سئوال می کنم برای اینکه انگار از چندین پست قبلی دوزاری من جا نیافتاده است.

آقای یه دانشجو. ملاک قضاوت در این جا رسامی نقشه هاست. در نقشه مرند جز یک قلعه کوچک اربابی چیز دیگری دیده نمی شود و لابد برای این که عارضه معماری دیگری نبوده تا ترسیم کنند.

نویسنده: توحید

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 19:5

سلام استاد خسته نباشید ، مثل همیشه تکان دهنده و آموزنده بود ، ما که نمی دانیم به راستی چطور می توان این همه تلاش خستگی ناپذیر شما و همت بلند شما را ارج بگذاریم .

در مورد کتاب ، این کتاب را از کجا می توان تهیه کرد ؟ باید خیلی نایاب باشد .

آقای توحید. کتاب نایاب و گران است، اما شاید در کتاب فروشی مرکز میراث و یا نزد دست فروشان مقابل دانشگاه بیابید.

وب سایت

نویسنده: علی دما

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 23:16

سایتی فوق العاده برای جستجوی عکسهای مشابه با ارسال نمونه عکس ولی هنوز برای عکسهای کمیاب خوب جواب نمیده ولی بسیار خوبه
http://www.tineye.com
من دو نمونه را گشتم
http://www.tineye.com/search/9c287c9169e0f41fd198057de7109970dce0bdc2
و یا
http://www.tineye.com/search/98f8de4045ae97351686509c986098a65994e428

وب سایت

نویسنده: علی دما

سه شنبه 6 بهمن1388 ساعت: 23:35

http://fa.wikipedia.org/wiki/تاریخ_تهران
تهران در دوران صفویه و اوایل قاجار - اولین نقشه شهر که در سال 1237 تهیه شده‌است
در ویکی پدیا
با این حساب نقشه شما از این عکس قدیمیتر خواهد بود

آقای علی دما. در لینک های ارسالی مطلبی در باب تهرن قدیم نبود. به هر حال ممنونم.

وب سایت

نویسنده: ايراني مسلمان

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 0:43

با سلام
جناب پور پیرار 2سوال بنده را پاسخ نداده اید

آقای ايراني مسلمان. کدام دو سئوال؟!

نویسنده: علی دما

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 9:29

در قسمت تهران صفوی همان لینک یعنی

http://fa.wikipedia.org/wiki/تاریخ_تهران

لازمه بگم کلمه تاریخ تهران هم جزو لینک هست
اگه نشد در گوگل پیشینه تهران را جستجو کنید در ویکی پدیا به پاراگراف تهران صفوی مراجعه کنید

نویسنده: علی دما

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 9:34

اینهم لینک سایز بزرگتر عکس

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/thumb/b/bd/Old_tehran_map_-_main_resize.jpg/725px-Old_tehran_map_-_main_resize.jpg

نویسنده: مفسر

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 12:57

بدان كه اهل معرفت بسم اللّه هر سوره را متعلق به خود آن سوره دانند؛ و از اين جهت در نظرى بسم اللّه هر سوره را معنايى غير از سوره ديگر است؛ بلكه بسم اللّه هر قائلى در هر قول و فعلى با بسم اللّه ديگرش فرق دارد؛ و بيان اين مطلب به وجه اجمال آن است كه به تحقيق پيوسته كه تمام دار تحقّق، از غاية القصواى عقول مهيمه قادسه تا منتهى النّهايه صف نعال عالم هيولى و طبيعت، ظهور حضرت اسم اللّه اعظم است و مظهر تجلّى مشيّت مطلقه است كه امّ اسماء فعليّه است؛ چنانچه گفته‌اند: ظَهَرَ الْوُجُودُ بِبسم اللّه الرَّحمن الرَّحيم. «1» پس، اگر كثرت مظاهر و تعيّنات را ملاحظه كنيم، هر اسمى عبارت از ظهور آن فعل يا قولى است كه در تِلوِ آن واقع شود؛ و سالك الى اللّه اوّل قدم سيرش آن است كه به قلب خود بفهماند كه به اسم اللّه همه تعيناتْ ظاهر است؛ بلكه همه، خود اسم اللّه هستند و در اين مشاهده اسماء مختلف شوند و سعه و ضيق و احاطه و لا احاطه هر اسمى تابع مظهر است و تبع مرآتى است كه در آن ظهور كرده؛ و اسم اللّه گرچه به حسب اصل تحقّق، مقدّم بر مظاهر است و مقوّم و قيّوم آنهاست، ولى به حسب تعيّن، متأخر از آنهاست، چنانچه در محل خود مقرر است؛ و چون سالك اسقاط اضافات و رفض تعيّنات نمود و به سرّ توحيد فعلى رسيد، تمام سور و اقوال و افعال را يك بسم اللّه است و معنى همه يكى است.

آقای مفسر. منظورتان از این جمله چیست؟ "بسم اللّه هر سوره را معنایی غیر از سوره دیگر است". یعنی هر سوره ای به نام کسی دیگر آغاز می شود؟!!

نویسنده: علي

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 13:56

سلام استاد
مي خواستم معني يديش را دقيقاً بدانم. اگه ممكنه مرا راهنمايي كنيد.

نویسنده: توحید

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 18:5

با سلام مجدد

استاد ، گمان کنم آن «شهر مرند» که عکس آخر آمده فونتش جدید باشد و قدیم تر از 50 سال گذشته نباشد ، البته خودتان که دست در این امور دارید و با چاپ و ویراستاری و ... بهتر مطلع هستید ، ولی مسلمه که این نوشته اضافه شده خود مولفین باشد و نه در نقشه اورجینال روسی !!! و تاریخ آن هم برابر با تاریخ نشر کتاب باشد نه سال 1827 . شاید غرض این بوده که موقعیت فعلی شهر مرند مشخص شده باشد ، هر چند که مرند تا همین 30 سال پیش هم مانند اکثر شهرهای همان اطراف مثل خوی و سلماس و ... دهی نسبتا بزرگ بیش نبوده !

آقای توحید. تمام ترجمه ها در تمام نقشه ها افزوده ی جدید برای آشنایی بیش تر خواننده ای است که خواندن حروف روسی را نمی داند. این مطلب اصالت نقشه ها را مخدوش نمی کند. شخصا از خوی چهل سال پیش جز دهکده سوت و کور و کاملا تاریک و مخروبه چیزی به یاد ندارم.

نویسنده: صالح

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 18:33

استاد آیا وبلاگ خانم نصریه دیگر به روز نمی شود؟

آقای صالح. باید از ایشان سئوال کنم. تا آن جا که با خبرم مشغول ترجمه قرآن اند که امیدوارم موفق شوند.

نویسنده: منصور

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 20:42

با سلام خدمت استاد
مثل اینکه وبلاگ خانم نصریه فعال نیست. براي ایشان پیام گذاشتم جوابي نیامد. مي خواستم از این طریق از ایشان کمال تشکر کرده باشم مطالب وبلاگ ایشان را کاملا مطالعه و بایگاني کرده و در اختیار علاقه مندان قرار داده ام. مخصوصا نقد فردوسي بیرون از شاهنامه را که بسیار مفید بود. متاسفانه کامل نیست آیا قصد ادامه آن نقد را دارند یا خیر.

آقای منصور. در اولین فرصت پیام شما را به ایشان می رسانم.

نویسنده: منصور

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 20:57

با سلام
استاد در نرم افزار جامع تفاسیر نور که قبلا خدمت دوستان معرفي کردم در قسمت نگارخانه عکسهایي تاریخي از قرآنها و اماکن اسلامي آمده است. در عکسهایي از بقیع بر روي گنبدها به نظر مي رسد صلیب وجود دارد. اگر چنین چیزي واقعیت داشته باشد آیا مي توان نتیجه گرفت که این قبرستان متعلق به مسلمانان نیست و نیز اینکه اصلا ماندگاري و مشخص بودن قبر اهمیتي نداشته است؟
سوال دوم اینکه قرآن هاي تاریخي که به ایران نسبت داده شده اکثرا در شیراز نوشته شده و متعلق به هر قرني بوده به خط کاملا تکامل یافته مي باشد در حالیکه قرآنهاي مثلا متعلق به شمال آفریقا تا قرون متمادي خواندنشان مشکل است. که به خط مراکشي موسوم گشته اند. آیا اصولا چنین نام گذاري معتبر است و چنین خطی وجود دارد یا اینکه تلاشي است براي پوشاندن دم خروس در رفته از آستین خطوط کامل قرآنهاي ایراني؟

آقای منصور. هر نوع تجمع اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و از جمله نگارش قرآنی و غیر آن تا سه قرن پیش در ایران غیر ممکن بوده است.

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 21:48

با سلام
استاد ایجاد بحث در حوزه معیشت و اقتصاد مجاز می باشد؟!!

آقای ایلماز. آن گونه مباحث برای این وبلاگ خرده کاری حساب می شود.

نویسنده: khalil

چهارشنبه 7 بهمن1388 ساعت: 22:58

با سلام خدمت استاد
در ياداشت هاي قبلي در مورد واژه عكس مطالب جالبي نوشته بوديد . جسارتاً به نظر بنده در آن نوشته بي توجهي كوچكي انجام داده بوديد. ولي اين نقطه ريز باعث مي شود تا دشمنان و مخالفان شما آن نقطه را تبديل به تونل پر پيچ و خم كنند، اين است كه نوشته بوديد" واژه عكس در مثنوي نيامده".
من با يكي از استاداني كه چند شغل از مقامات بالاي دولتي را پشت سر گذاشته بود دعوت به بحث در مورد شما ونوشته هاي شما شدم . ايشان يك شبه با خواندن چند نوشته از تحقيقات شما تمام خصوصيات اخلاقي و غير اخلاقي شما را از شكلكهاي باقي مانده در ته فنجان بيرون كشيدند.آنجا با حالت مسخره آلود همراه با عصبيت گفتند:" كه سخنان اين عارف را به دراز گويي تشبيه كرده" من هم با توضيح دادن مسأله و تير بار كردن سوالات متعدد و اثبات كردن جعليات انجام شده و اتفاقهاي افتاده شده مي خواستم ايشان را قانع كنم كه ... برگشت همين نقطه از مولوي را اشاره كرد وگفت:" كه اين محقق شما مثنوي را نخوانده ، نوشته در درازگوييهاي مولانا واژه عكس به كار نرفته كه بيش از 300 بار واژه عكس در آن هست."
شما در قسمتي هم نوشته بوديد كه اين واژه در قرآن فصيح نيامده ،در اين مورد هم واژه قرآن فصيح را با دهن كجي تكرار كرد وگفت: قرآن فصيح نيست كه.
ولي با توضيحات و دليلهايي كه جلويش سد كردم باعث عصبانيت ايشان شد. حتي باعث شد لفاظي بسيار بد استادبزرگ دانشگاه كه با تفسير مزخرفات مولانا و امثال همين الگويي براي تمامي دانشجويانش باشد ،در درونش ببينم.وحتي به پيامبر اسلام هم بي حرمتي كرد آن هم شخصي كه زماني رييس كل نيروي بسيج شهر***باشدكه از آن بگذريم درآخر گفت: باشد كه شما راست ميگوييد. باز هم دستشان درد نكند كه براي ما تاريخ و دانشمند و از اين قبيل موارد درست كرده اند.
جسارتاً استاد در اين مورد از مثنوي ، بي توجهي شده يا حكمتي در كارتان هست

نویسنده: R134a

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 2:37

این هم عکسهای قدیمی از شوش مربوط به سال 1935
http://xs.to/image-9E97_4B60C671.jpg
و

http://xs.to/image-0DBF_4B60C671.jpg
میبینید چیزی به اسم شهر وجود خارجی نداره

http://xs.to/image-DB6E_4B60C671.jpg
این هم بقایای خشتی عیلامی در شوش که بهشون نام "شهر پانزدهم " دادن که امروز هیچ اثری ازشون نیست!!

آقای R134a. آن بقایای خشت و گلی و آجری شوش با نام شهر پانزدهم، که از آن حتی آجری در محل اصلی خود باقی نگذارده اند و عمدتا پس از تخریب به کار بنای شاتوی شوش زده اند، بسیار به مانده های ایلامی در زیگورات تخت جمشید شبیه است که باز هم همه را بر باد داده اند. ضمن این که دو تصویر دیگر به خوبی نشان می دهد که تپه شوش هم در ماهیت چیزی جز یک زیگورات نبوده، زیرا تشکیل طبیعی چنان تپه ای در میان دشت مگر از طریق بر هم انباشته شدن آوار مجموعه ابنیه ای کوه آسا ممکن نیست. به هر حال از ارسال این تصاویر بسیار درخشان ممنونم.

نویسنده: reza71

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 2:39

همکاری رحیم مشایی در فروش عتیقه های ایرانی در خارج از کشور

/http://www.rahesabz.net/story/8820

نویسنده: !!!!!!

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 5:0

جایگزین رنگ آبی به جای رنگ سبز در پرچم ایران!!!!!!
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M594155.jpg
http://www.farsnews.com/plarg.php?nn=M594157.jpg

نویسنده: ناصر پورپیرار

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 5:11

آقای khalil. این ادا و اطوارها برای گریز از ورود به اصل مدخل است. بی چاره ها در برابر آن نقشه آسیا در 350 سال پیش، که اصفهان و شیراز و تبریز و بغداد و دهلی را نداشت و یا ایران بدون شهر در 250 سال قبل و صدها مطلب نوی دیگر، مانند طوفان نوح و نیمه ساخت بودن تخت جمشید، جز این معلق بازی ها چه کنند؟ اگر شاه نامه لغت عکس ندارد و همه جا نقش می نویسد، ولی دیوان شمس دارد، پس شاه نامه را پیش از ورود حرفه عکاسی و شمس را پس از آن نوشته اند. با این همه متوجه مطلب نبوده اند. من نوشته ام مثنوی نه شمس و دیوان غزلیات مولوی. اگر در مثنوی نه 300 که دو ده تکرار لغت عکس می شناسند، آدرس دهند، هرچند در تمام کارهای مولانا از نظم و نثر نزدیک به پنجاه مورد لغت عکس به کار رفته است. چنین مطالب جزیی این اشاره کلی را نمی پوشاند که سراینده برخی اشعار مولانا، قطعا یک یهودی بوده، قبلا هم برای آقای بهروز حسن نژاد نوشته ام هر شعر و نثر و دیوانی که در آن واژه عکس دیدید منتسب به دوران اخیر کنید. این قبیل کنکاش ها اسلوب خود را دارد، مثلا اگر 1100 صفحه روزنامه خاطرات میرزا حسن خان اعتماد السلطنه، که تاریخ تحریر 120 ساله دارد را بگردید می بینید ناصر الدین شاه یک بار هم سراغ کتاب مثنوی و شمس و شاه نامه و حتی دیوان حافظ را از روزنامه نویس و کتاب خوان اختصاصی اش نگرفته و نخواسته که غزل و داستانی از آن ها را بشنود، هرچند خود او را شاعر هم شناخته اند!؟ اخیرا رادیو و تلویزیون همین جمهوری اسلامی، غزلی از مولوی را با مطلع «این کیست این، این یوسف ثانی است این» مرتبا پخش می کند، مملو از سلیمان و داود و موسی و یوسف و عجیب تر که جایی از غزل با صدای بلند می خواند: «اسحاق و قربان توام» تا بدانیم سراینده غزل، یا قرآن نخوانده و یا بدان باور نداشته ، زیرا قربانی در قرآن اسماعیل است و نه اسحاق، که تورات می گوید، هرچند در اشعار مولوی دو سه باری هم از قربانی بودن اسماعیل سخن رفته، که نشان می دهد سراینده ها یک نفر نیستند و چون قربانی بودن اسحاق در کارهای ملای رومی و یا نمی دانم کجایی، نمونه های دیگر هم مانند این مصرع "مگر اسحاق خلیلی خوشی از خنجر روزه" دارد، پس سراینده این معتقدات عارفی از کنیسه و دست ساخته بخش جعلیات اورشلیم است. نکته اصلی و روشنگر پوریم است که از درگیری با ماجرای آن می گریزند و به حاشیه می پردازند.

نویسنده: reza

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 7:30

با سلام استاد
ایمیلی حاوی یک فایل برایتان فرستادم.
مستدام باشید

نویسنده: درویش

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 8:51

سلام استاد خسته نباشید
مستند سوم کی می رسد
ارادتمند درویش

آقای درویش. در راه است و ان شا٬ الله به زودی و همزمان با افتتاح تونل توحید می رسد!؟

نویسنده: سعید

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 9:27

با سلام
استاد نظرتان در مورد این نقشه چیست
http://xs.to/image-3AD1_4B612586.jpg
تاریخ نقشه 1627 است

آقای سعید. به دلایل فنی چندی نقشه از قماش کپی کشی هایی است که به خر پولان می فروشند. نخست به این دلیل که به زبان انگلیسی است حال آن که نقشه های قرن هفدهم تماما به زبان لاتین است دوم رنگ های آن که برخی در قرن هفدهم هنوز ساخته نشده بود و بالاخره این که دریای مکه که نامی سخت من درآوردی است را دارد ولی خود مکه را در عربستان نیاورده و یا من نیافتم.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 9:49

با سلام خدمت استاد و دوستان
برای جستجوی یک کلمه یا یک بیت و... در آثار شعرای ایرانی می توانید از سایت های زیر استفاده نمایید!

http://ganjoor.net

/http://www.persopedia.com

استاد برخی از شعر های مولوی در مثنوی که کلمه عکس در آن قید شده بود!

عکس مه‌رویان بستان خداست
آن خیالی که شه اندر خواب دید

بی‌خبر کان عکس آن مرغ هواست
بی‌خبر که اصل آن سایه کجاست

واندرون از عکس انوار علا
نور نور چشم خود نور دلست

اندر آب از شیر و او در تافت تاب
شیر عکس خویش دید از آب تفت

اندرون تست آن طوطی نهان
عکس او را دیده تو بر این و آن

آقای ایلماز. بله و فقط همین چند بیت است و نه 300 عدد. موضوع اصلی این که این واژه را که در قرآن نیست ولی قابل انتقال به ابواب عرب است، مسلما در دوران جدید و برای قرار دادن معادلی به جای فتو به کار برده اند. ضمنا و به خصوص بیت اول و دوم بسیار سست می نماید.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 10:10

با سلام
استاد ما شی به نام دست مریم هم داریم؟!
یا همان دست فاطمه می باشد که به اسم دست مریم می خوانند؟!
در یک فیلم پیرزنی به یک دختر جوان ستاره داوودی می دهد که یک دست وسط آن است و آن را دست مریم معرفی میکند!!

آقای ایلماز. ظاهرا هر دو یکی و مریمی آن کم تر شناخته شده است.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 11:41

با سلام
http://xs.to/image-5E2F_4B6144E9.jpg استاد این یک از نقشه رو هم ببینید
ممنون

آقای سعید. شاه کار است و اردبیل و سلطانیه و کاشان آن در یک ردیف عرضی قرار دارد.

نویسنده: سعید

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 11:43

با سلام
این نقشه هم به سال 1707 نقشه جالبی است
http://xs.to/image-5E2F_4B6144E9.jpg

نویسنده: مهرناز نصریه

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 13:46

آقایان منصور و صالح با سلام خدمت شما دوستان اگر ان شاالله کارها سبکتر شد به وبلاگ هم رسیدگی خواهم کرد. از جسن نظر شما بسیار متشکرم.

نویسنده: R134a

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 16:35

من تمام این عکسها رو قبلا روی cd خدمتتون ارسال کرده بودم. البته قرار بود برای عکسها زیرنویس بذارم که متاسفانه بعلت تنبلی انجام ندادم.
اما اگه فکر می کنید انجام این کار الان هم مفیده در خدمت هستم این دفعه انجام میدم.
این هم چند عکس دیگه:
1-عکس جدیدتر شهر پانزدهم:
http://xs.to/image-D07F_4B6188FA.jpg

2و3- دو عکس هوایی دیگه از شوش
http://xs.to/image-EC84_4B6188FA.jpg
http://xs.to/image-3B65_4B6188FA.jpg

4 و 5- سنگهایی از کاخ به اصطلاح آپادانا شوش که معلوم نیست از کجا سبز شدن!
http://xs.to/image-DDBF_4B6188FA.jpg
http://xs.to/image-F8A5_4B6188FA.jpg

آقای R134a. آن کتیبه نوشته عربی بسیار دیدنی و با خط قرن دوم هجری نوشته شده بود. آن کتیبه سنگی نوکنده به خط میخی ایلامی است و تمام آجرهای آن قلعه و شاتوی شوش را فرانسویان از بقایای مصالحی ساخته اند که از تخریب دیوارهای شوش کهن برداشته اند. آجرهایی که تعداد زیادی از آن ها کتیبه به خط ایلامی دارند.

نویسنده: R134a

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 16:40

ادامه

6-یه سنگ با خطوط اسلامی
http://xs.to/image-0763_4B618BEB.jpg

7-دیوارچینی جدید آپادانا
http://xs.to/image-E02A_4B618BEB.jpg

8-دیوارچینی جدید آپادانا و قدیم ایلامی که البته الان از قدیمیه خبری نیست!
http://xs.to/image-F32E_4B618BEB.jpg

9-دیوارچینی ایلامی که البته باز الان از این هم خبری نیست
http://xs.to/image-C550_4B618BEB.jpg

10-این نمیدونم دقیقا چی بوده
http://xs.to/image-68AC_4B618BEB.jpg

11-این هم یک کتیبه میخی داریوشی که سالم و تمیز روی زمین سبز شده!
http://xs.to/image-476F_4B618BEB.jpg

12- اینم یه عکس دیگه از کتیبه
http://xs.to/image-1033_4B618BEB.jpg

13-عکس هوایی دیگه از شوش
http://xs.to/image-AA73_4B618BEB.jpg

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 17:46

احمدی‌نژاد تمام نظام را فدای مشایی می‌کند

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=101773

روايت فرمانده ناجا از ديدار با خاتمي

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102100

احمدی‌نژاد: 22 بهمن تشییع جنازه نظام سرمایه‌داری

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102099

خط فقرامسال 900 هزار تومان

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102094

نویسنده: تازه به شما بیوسته

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 19:57

با عرض سلام با توجه به مطالب شما در بخشهاي مختلف مطالبتان ايا ميتوان اين نتيجه را گرفت امبراطوري عثماني هم وجود نداشته ضمنا ايا وجود خط نوشتاري در 1400 سال بيش در شبه جزيره عربستان ان هم در ميان اعراب بدوي امكان بذير بوده

آقای تازه پیوسته. یادداشت های مربوط به عثمانی در مقالات وبلاگ و سه جلد کتاب پلی برگذشته را بخوانید.

نویسنده: ایلماز

پنجشنبه 8 بهمن1388 ساعت: 21:0

با سلام
استاد داستان زندگی حضرت سلیمان در قرآن به اندازه ای هست که برای ساخت فیلم آن 8 میلیارد تومان هزینه کنند؟!!

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102027

آقای ایلماز. مدت هاست که دیگر قرآن منبع رجوع اهالی سیما نیست.

نویسنده: عدنان

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 0:9

عکسهای دوران قاجار

http://www.malijak.blogfa.com/

نویسنده: 2دانش آموز

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 8:19



سلام به دانش آموزان و معلم شان. این تاثیر گذارترین متنی بود، که تاکنون خوانده ام و حیرت کردم که برااین دو دانش آموز هم، مدرسه و معلمی، هرچند بی امکانات و به هم ریخته و با دسترسی به اینترنت وجود دارد. موفق باشید.

وب سایت

نویسنده: ad

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 9:45

از این یادداشت تا یادداشت بعدی زمان متوقف میشه و آدم دق میکنه -لااقل زمان نصب هر یادداشت بعدی را اعلام کنید

نویسنده: مسعود

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 9:57

سلام علیکم و رحمه الله

درود بر شما استاد که هر آنچه را عمر پربارتان ثمر داده است در طبق اخلاص تقدیم بشریت میفرمایید.

ضمن تشکر از آقای عدنان خواستم عرض کنم قبلا" هم عکسهایی از خاندان قجر دیده بودم نمیدانم چرا این عکسهایی که از آنان موجود است نشان میدهد اهل و عیال مربوطه اکثرا" (آنطور که من استنباط میکنم) دارای یک جور مرض ژنتیکی "منگولیسم" ! میباشند !!!

خسته نباشید و اجرکم عند الله.

آقای مسعود. بله این نکته ی بسیار قابل تاملی است. سیمای مردان قاجار به طور عموم سیمای سلامتی نیست. آیا از کجا سبز شده اند؟!

نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی 250

ایران شناسی بدون دروغ 250، نتیجه 58، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 4 - 86 نظر

نویسنده: تازه به شما بپوسته

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 10:31

اقاي بور بيرار با ارزوي سلامتي براي شما قسمتي از مطالب شما را خواندم و تحت تاثير قرار گرفتم و البته نمي توانم انكار كنم كه شما مطالبتان را بر اساسه مطالعه مطرح مي كنيد خود من هم قبلا به مطالبي كه گفته ميشد مثلا تمدن 2500 ساله منشور حقوق بشر كوروش ان هم 2500 سال بيش در حالي كه تمدن ما از طرز ماشين راندنمان معلوم مي شود ولي اينجا يك مشكلي بيش ميايد و ان اينكه ما دلمان را خوش كرده ايم به اين چيزها حالا اگر بخواهيم حقيقت را قبول كنيم مثلا چندي بيش در يك وبلاگ خواندم كه برادر لري مدعي شده بود كه تمدن لرها بر ميگردد به 4500سال بيش و ديگر اقو ام هم به همين ترتيب ان وقت ما ديگر چه چيزي داريم كه بخواهيم به ان افتخار كنيم يكي از دلايلي هم كه خيلي ها به شما

ميتازند همين است كه انها ميخواهند يك چيزي داشته باشند تا به ان افتخار كنند و با ان حال كنند و شما با روشنگري خود به اصطلاح بد ضد حالي به انها ميزنيد حالا ما بايد چكار كنيم

آقای تازه پیوسته. مردم و ملتی که متکی و مفتخر به دروغ باشند، نه فقط مرده که متعفن اند.

نویسنده: ایلماز

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 11:6

با سلام
جناب تازه به شما پیوسته اگر عظمت اسلام را درک کنید افتخاری بالاتر از آن نخواهید داشت!
و خواهید فهمید که چرا اینچنین افتخارات توخالی و سراسر دروغ را علم کرده اند و گوش عالمیان را با این افتخارات پوشالی کر کرده اند و در مقابل این تزهای بنیانی جفتک پرانی میکنند!!

نویسنده: لینک

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 11:30

http://fa.wikipedia.org/wiki/اعدام_صدام_حسین
انشالله به زودی شروع به ارسال لینک های جدید خواهم کرد
با آرزوی توفیق روز افزون شما

نویسنده: توحید

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 9:46

سلام خسته نباشید

استاد وجود روستاهایی همچون روستای جمرک که در کامنت ژست قبل توسط 2 دانش آموز معرفی شده بوداثبات می کند که برخی نقاط هستند که هنوز نتوانسته اند خود را به سیر سریع دگرگونی و پیشرفت دیگر نقاط ایران در 200 سال گذشته برسانند .
یک سوال هم داشتم . آیا همین وجود عشایر در ایران که حتی در حال حاضر و قرن 21 هم یک جا نشین نشده اند و حتی به مرحله روستا نشینی نرسیده اند هم دلیل بر تازه بودن سکونت در ایران پس از پوریم نیست ؟

آیا در کشور های دیگر هم چنین پدیده ای یعنی کوچ نشینی مثلا در اروپا و کشورهای همسایه و ... داریم ؟

آقای توحید. کوچ نشینی و دوام قبیله ای یک ناگزیری ناشی از شرایط جغرافیایی ساکنان سرزمین هایی با جغرافیای ناموزون و جغرافیای واحه ها در تمام جهان است و چندان ربطی به قدمت و قرار تاریخی آنان ندارد. می توانید به مدخل کتاب هخامنشیان رجوع کنید.

وب سایت

نویسنده: رعد

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 14:1

سلام . اقا منصور در کامنت چهارشنبه نوشته بود : در بقیع گنبد هائی بنظر میرسد که صلیب بر انان باشد . در قبرستان عمومی مدینه (بقیع) گنبدی وجود ندارد که صلیب داشته باشد .

نویسنده: عابدی

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 15:9

سلام استاد خسته نباشید.

زمانی که بزرگان 50 ساله در مورد دهات های بسیار کوچک کنار تبریز که اکنون جز مراکز این شهر به حساب می آیند، سخن می گفتند بسیار تعجب مان را بر می انگیخت !

جناب استاد عابدی. منتظر مرحمتی شما هستم.

نویسنده: ad

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 16:30

بارش سنگین برف یک متری و شرایط سخت اقلیمی در اکثر نقاط آذربایجان حدود چهل سال پیش و قبل تر از آن اگر نگوییم زندگی لااقل میتوان گفت حمل و نقل و جابجایی را در چند ماه از سال فلج میکرد که این خود مبنای بررسی اقلیمی برای سکونت و تمدن میباشد که نباید از آن غافل بود
- البته الان با سوختن یکصد میلیون بشکه نفت در روز آب هوا بهم ریخته و 20 سانت برف هم نمیباره

نویسنده: اترش

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 17:6

سلام

این هم مطلبی پیرامون اسماء خدا در ادیان ابراهیمی:
http://bazkhani.blogfa.com/post-27.aspx

وب سایت

نویسنده: اترش

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 17:9

خدا قوت استاد، مبحث نقشه ها بسیار روشنگر و انکار ناپذیر است.

وب سایت

نویسنده: سعید

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 17:42

سلام استاد
ممنون از مطالب همیشه زیبایتان
استاد فکر کنم مشکلی در سایت xs.to وجود داشته باشد. اگر به آرشیو مطالب مراجعه میکنم نمیتوانم تصاویر را ببینم.

آقای سعید. ظاهرا که اشکالی وجود ندارد.

وب سایت

نویسنده: یونانیها در غارهای ایران

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 18:25

id=1144&http://hamtanab.com/showarticle.aspx?cat=11
بر روي سر در ورودي يكي از اتاق هاي طبقه سوم غار كرفتو كتيبه اي يوناني وجود دارد كه تا حد زيادي صدمه ديده است. در اين كتيبه از الهه هراكلس ياد شده و به همين دليل بسياري اين غار را معبد الهه يوناني نامگذاري كرده اند، در اين كتيبه آمده است: اين خانه هراكلس است، "هر كس در آن وارد شود در امان است" وجود اين كتيبه سبب شده تا برخي بر اين عقيده باشند كه احتمالا اين غار مدتي به صورت موقت مورد سكونت و استقرار سلوكيان (جانشينان پس از اسكندر مقدوني) قرار گرفته كه پس از فتوحات مهرداد دوم اشكاني به سمت غرب ايران حركت كرده اند.

آقای یونانی ها. به کتاب اشکانیان در مجموعه تاملی در بنیان تاریخ ایران رجوع کنید.

نویسنده: ad

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 19:15

آیا مراغه اون وقت نبوده یا نقشه برداری نشده

ضمنا رودخانه داخل تبریز را در نقشه من تشخیص ندادم

آقای ad. نقشه به حصار و دروازه های خروجی پرداخته است، نه عوارض داخلی شهر تبریز که رسامی های جداگانه دارد.

نویسنده: چیل

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 19:17

استاد دستمریزاد.خدا طول عمر همچنان با عزت به شماعطا کند.

دوست گرامی جناب تازه پیوسته

حقیقت زیباتر,باشکوه تر و پذیراتر به سرشت پاک انسانی است.عجله نکن کمی با ما باش بی شک پویایی این اندیشه نو ترا نیز چون ما از دروغ وآنچه موجب تفرقه وپراکندگی جامعه مسلمانان به هزار دست آویزچون نژاد وفرقه وزبان ومذهب ومسلک شده متنفر خواهد کردتو نیز چون ماپذیرایش خواهی بود اگر چه دشمن از سر خشم هزاران تهمت به تو روا داردخوفی نخواهی داشت.ما بازگشتی ایجابی به بنیان ها داریم آنچنان که هست نه آنچنان که دشمن بر ما تلقین کرده. موفق باشی

نویسنده: ایمان

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 19:49

تقدیم به آقای پورپیرار. در پاسخ به جلسه روحانیون با مشایی
http://minegaram.blogfa.com/post-12.aspx

نویسنده: ناصر پورپیرار

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 19:59

آقای بی نام. تغییر عمده ای در آن نظر انجام نشده جز این که تمام ماجرا ارزش تعقیب را ندارد. باید حضور دشمن را نیز چون دوست، در جنب کوشش برای تبلیغ بنیان اندیشی طبیعی گرفت. از مراحم شما سپاس گزارم.

نویسنده: منصور

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 20:36

جناب تازه پیوسته ضمن سلام
در تاریخ هفده شهریور 85 آقای پورپیرار مقاله ای نوشته تحت عنوان "تاریخی گری"
خواندن آن برای شما و سایر دوستان مفید خواهد بود.

نویسنده: راشد

جمعه 9 بهمن1388 ساعت: 22:26

آقای پورپیرار اخیرا مستندهایی در مورد کشتار یهودیان در اروپا بذست آلمانها در بی بی سی نشان میدهند جالب آنکه در این مصاحبه ها سربازان المانی از کشتن یهودیان حتی زن و بچه هایشان هیچ حس پشیمانی ندارند میخواهم روشن کنید چرا تا این حد اینها را میکشتند آخر بدون دلیل هیچ مردمی چنین دست به کشتار مردم دیگر نمیکتد حتمن دلالیل محکمی برای کار خود داشتند دلایلی که بی بی سی آن را نمیگوید خواهشن در این مورد بیشتر توضیح دهید

آقای راشد. آن فیلم را ندیده ام و قضاوت درباره اش برایم مشکل است.

نویسنده: R134a

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 0:50

khaste nabashid ostad

نویسنده: عدنان

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 0:56

خواستار توقف فیلم یوزارسیف در تلویزیون مصر از سوی دانشگاه الازهر:
http://www.khabaronline.ir/news-40519.aspx

نویسنده: R134a

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 1:52

عکسهای قدیمی از آکروپل در تپه های شوش:

http://xs.to/image-A6D6_4B635F44.jpg
http://xs.to/image-7232_4B635F44.jpg
http://xs.to/image-931A_4B635F44.jpg

این هم عکس جدید آکروپل:
http://xs.to/image-D46D_4B635F44.jpg

میبینید چیزی باقی نذاشتن!!!

نویسنده: ايراني مسلمان

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 2:35

با سلام خدمت استاد پور پيرار
سوالات بنده كاملا واضح بود
1-چرا بلاگفاي جمهوري اسلامي وبلاگ شما را نمي بندد؟
2-چون هاست و ميزباني تمامي وبها در آمريكا در دست يهوديان است و سرور هاي اصلي در دست انهاست پس چرا با اينكه شما دروغهاي آنها را در آورده ايد وبلاگ شما را از روي شبكه جهاني اينترنت حذف نمي كنند و از بين نمي برند؟

آقای ایرانی مسلمان. امروز شنبه است و کنیسه ها بازند. می توانی سئوال های ات را از خاخام بپرسی و اگر دلت خواست جواب او را به من هم منتقل کنی!

نویسنده: محمد صديق حسني

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 3:3

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام جناب ناصر پور پيرا
من تازه با وب شما اشنا شده ام و هر چند گذرا بعضي مطالب را خوانده ام ولي مايل هستم در مورد زبان قديم ايرانيان بدانم كه انان با چه زباني صحبت مي كردند البته خودم قبل از انكه با وبلاگ شما اشنا شوم متوجه بسياري از تحريفات تاريخ بوده ام ولي نه به اين گونه كه شما مطرح كرده ايد خوشحال و ممنون مي شوم بدانم ان مقدار از مردمي كه بوده اند (كاري با انهايي كه از بين رفته اند ندارم) با چه زباني سخن مي گفتند و از چه نژاد و قبيله اي بوده اند ؟ البته من به عنوان يك مسلمان دور از مذهب (با باور شخصي خودم) هيچ علاقه اي به نژاد و نژاد پرستي ندارم ولي ميخواهم با انچه خودم به ان رسيده ام مقايسه اي انجام دهم و اين كمك شما را سپاس گذار خواهم بود .

آقای صدیق. یادداشت ها و کتاب ها را بخوانید تا معلوم شود از پوریم تا سه قرن اخیر سرزمین ایران تهی از سکنه و لاجرم فاقد تجمع و تولید و زبان و خط بوده است.

وب سایت

نویسنده: لینک

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 3:9

شاهنامه تهماسبی
http://shahrbaraz.blogspot.com/2009/10/blog-post_27.html

از نکات جالب این کتاب مزین بودن بعضی از تصاویر آن به ستاره داوود می باشد

آوردن کلیله و دمنه به نزد خسرو انوشیروان (بر روی عکس کلیک کنید قابلیت بزرگنمایی را دارد)
http://www.finebooksmagazine.com/issue/0502/graphics/large/7-shahnama.jpg

خواب دیدن ضحاک (بر روی عکس کلیک کنید قابلیت بزرگنمایی را دارد)
http://www.metmuseum.org/toah/hd/shnm/ho_1970.301.4.htm

شاهنامه شاه تهماسب از گران قیمت ترین آثار هنری دنیا
http://tiny.cc/uPY3l

کشتی نجات اهل بیت(ع)- برگی از شاهنامه تهماسبی - مکتب تبریز (+ ستاره داوود)
http://i17.tinypic.com/6g4fsjk.jpg
http://www.h-honar.blogfa.com/post-18.aspx

سلطان محمود غزنوی (+ستاره داوود)
http://www.timeroom.blogfa.com/post-1070.aspx

آقای لینک. مایلم بدانم سنگ قبر حضرت آدم را با چه خط و زبانی نوشته اند. ضمنا چند رنگ از تابلوهای شاه نامه طهماسبی جزو رنگ های جدیدند به خصوص که متعلق به مکتب تبریز باشند که شهری 200 ساله است! ممنون.

نویسنده: لینک

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 3:25

تصاویر ماهواره ای از اماکن مقدس اسلامی و شیعه (عکس ها قابلیت بزرگ نمایی را دارند)
http://www.bamn-bigir.blogfa.com/post-356.aspx

نکته ای جالب در آخر همین پست هست
<مسجد روضه شریف (مزار شریف)

شیعیان افغانستان معتقدند اینجا محل دفن حضرت علی (ع) می باشد>

نویسنده: تئل ناز زنگانلی

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 12:38

سلام. یاشا. یورولما.

وب سایت

نویسنده: سئودا

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 12:39

یاشا.

وب سایت

نویسنده: ایلماز

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 14:20

با سلام

تاریخ و تمدن جهان باستان

http://tarikhema.ir

نویسنده: ناصر پورپیرار

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 16:36

جناب استاد عابدی. ظاهرا نصب مطلب جدید در سایت با مشکل رو به روست. فیلد لید را می خواهد.

نویسنده: توحید

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 18:55

سلام
استاد ، در نقشه های کتاب «پایان دنیا» جرمی هاروود ما می بینیم که حتی تا قرن 16 و 17 هم زبان رایج «لاتینی» بوده که به قول شما زبان «کلیسا» ، ولی چیزی که عجیب است در یک چشم به هم زدن زبان لاتینی منسوخ می شود زبان «انگلند» جایگزین آن می شود و سریع گسترش پیدا می کند ، همچنین سرگذشت از کار افتادگی زبان «یونانی» هم جای تامل دارد ، بخصوص اینکه این دو زبان ، زبان اصلی و کلاسیک «کتاب مقدس» بوده است ، ولی گویا در سعی مشکوکی هر دو منزوی می شوند و همین طور زبان «عبری» تا جایی که از عمومیت در می ایندو مختص و درا نحصار کارشناسانی معدود در می اید نه عامه مردم ، و این غیر عقلی است چون باید به زبان کتاب مقدسشان اهتمام داشته باشند نه اینکه در انزوای آن کوشیده شود .

در طرف مقابل ، ما زبان «عربی» را داریم که زبان کتاب مقدس مسلمین یعنی « قران » است ، نه تنها پس از نزول قرآن از انزوا در می اید بل در سرتا سر جهان اسلام گسترده شده و تبدیل به زبانی بالنده و فراگیر می شود و این سیر ، درست بر عکس و خلاف سیر زبانهای «عبرانی» ، «یونانی» و «لاتین» است .

از طرفی ، نسخه های قرآن در سرتاسر جهان بدون ترس و واهمه و ملاحظه کاری موجود است و در دسترس عامه، بدون کوچکترین تحریفی ، ولی نسخ کهن «کتاب مقدس» یعنی «عهد عتیق» و «عهد جدید» بسیار نایاب و معدود هستند و از طرفی ، تا در گوشه ای نسخه ای قدیمی پیدا می کنند (بر فرض که جعلی نباشد) تا سالها از انتشار عمومی و حتی نمایش تصاویر آن ابا می کنند ، و تازه تمام این نسخ به زبان یونانی یا لاتین است که عموم مردم اروپا تسلط کافی بر آن ندارند ، به نظر شما تمام اینها یک جور برنامه ریزی برای پوشش گذاشتن بر تحریف تورات و انجیل و سنگ اندازی در راه تحقیقات در این مورد از سوی کنیسه و کلیسا نیست ؟

نویسنده: توحید

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 18:56

این هم چند مطلب و عکس در مورد «مسجد علیشاه» تبریز که بعلت تعجیل در ساخت تاق آن فرو می ریزد !!!

چیزی که جالب است این که از آن ارگ با شکوه جز همین قطعه که نسبتا حجیم است و هنر خاصی برای ساخت آن نمی خواهد و یک استاد کار با 20 نفر بنا می تواند دو ماهه آن را سرپا کند ، باقی نمانده . این هم که قرار بوده تاقی بزرگ تر از تاق کسری ساخته شود ولی بعلت اشکالات فنی فرو ریخته !!!، جای این همه مفاخره و بگو و مگو ندارد ، مثل اینکه بگوییم 700 سال پیش در اصفهان قرار بود یک برج بلند تر از برج ایفل ساخته شود که بعلت تعجیل فرو ریخت و فقط این برج 10 متری باقی مانده !!!

در ضمن به نظر شما ف این ارگ علیشاه تبریز ، نمی تواند یکی از همین دروازه های شهر تبریز 200 سال پیش باشد ؟

http://www.tabrizcity.ir/uploads/2/CMS/user/file/2/masjedalishah.JPG
http://www.tabrizcity.ir/?PageID=33
http://rahnama54.persianblog.ir/post/90/
http://dpp.irib.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=2281&Itemid=258

نویسنده: لینک

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 20:15

اگر به خاطر داشته باشید قبلا لینکی در مورد نخستین قبرستان مسلمانان در ایران از سایت همشهری فرستادم
http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=101287

این هم عکسی از قديمي ترین قبرستان ایران بعد از اسلام در بندر سیراف
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%D9%82%D8%AF

جلال آل احمد در ویکی پدیا
http://tiny.cc/s0ysx

سفر به اسرائیل

جلال آل احمد از علاقه‌مندان به ایده کیبوتص بود. وی مقالاتی را درباره «سوسیالیزم دهقانی اسرائیل» برای ایرانیان نوشت و همچنین در سفری به اسرائیل در سال ۱۳۴۱ با این پدیده از نزدیک آشنا شد.[۳] این سفر معترضان فراوانی داشت که از آن جمله می‌توان به سید علی خامنه‌ای رهبر کنونی ایران اشاره کرد که پیش از آن هم آثار آل احمد را خوانده بود اما به گفته خودش «بیشتر به برکت مقاله ولایت اسرائیل» با او آشنا می‌شود و در تماسی تلفنی با آل احمد، «مریدانه» به وی اعتراض می‌کند

سید حسین نصر در ویکی پدیا
http://tiny.cc/x3dK6
جایگاه و فعالیت‌های علمی
او با علامه رفیعی قزوینی و مرتضی مطهری مباحثات زیادی داشته‌است.
وی مدتی در نزد علامه طباطبایی به فراگیری پرداخت و بسیار تحت تأثیر علامه قرار گرفته[۲] و کتاب «شیعه در اسلام» ایشان را به انگلیسی باز گرداند.[۶]
از سمتی در قسمت مقام‌ها و سمت‌ها داریم
بنیان‌گذار انجمن شاهنشاهی فلسفه در تهران
ریاست دفتر فرهنگی فرح دیبا پهلوی

همچنین دوران دبیرستان خود را در دبیرستان فیروز بهرام گذارنده که به عنوان یکی از مشاهیر این دبیرستان بوده و هچنین دبیرستان فیروز بهرام یکی از دبیرستان‌های قدیمی و زرتشتی شهر تهران واقع در خیابان میرزا کوچک خان است است و به یادگار فیروز بهرامجی بیکاجی نام گرفته‌است.
و قسمت جالب ماجرا اینجاست که سایت ایشان مزین به ستاره داود هست!
/http://www.nasr.org

معرفی یکی از ایرانیان شرق شناسی شیکاگو در ویکی پدیا به نام عزت الله نگهبان
http://fa.wikipedia.org/wiki/عزت‌الله_نگهبان

نویسنده: لینک

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 20:34

تبریز در ویکی پدیا
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2

بنای تبریز به دوران اشکانی و ساسانی برمی‌گردد؛ البته در آغاز دوران اسلامی روستای کوچکی بیش نبوده‌است.[۲] این شهر در طول حکومت چهارصدسالهٔ خاندان «رَوّادی» و اسکان قبیلهٔ عرب «اَزْد» به شکوفایی رسید.[۱] اوج شکوفایی تبریز در زمان ایلخانان بود که در این زمان، این شهر پایتخت قلمرویی پهناور از نیل تا آسیای مرکزی بوده‌است.[۱۴] شهر تبریز در سده‌های گذشته شاهد حوادث متعددی از قبیل اشغال توسط بیگانگان و زمین‌لرزه‌های مهلک بوده‌است.[۲] این شهر پایتخت آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، نخستین پایتخت حکومت صفویه و آغازگر انقلاب مشروطه برعلیه استبداد محمدعلی شاه بوده‌است.[۱۴][۱۵]

شهر تبریز نخستین پایتخت جهان تشیع است[۱۶] و به سبب موقعیت مناسب خود، درگذشته از مراکز تجاری منطقه بوده[۱۷] و امروزه نیز یکی از مراکز مهم صنعتی در سطح ایران محسوب می‌شود.

اجساد و اشیای تاریخی مربوط به هزارهٔ اول پیش از میلاد؛ یافته‌شده در محوطهٔ باستانی مسجد کبود تبریز.
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:Eternal_Love.jpg

اکثریت مردم تبریز مسلمان و پیرو مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی می‌باشند. هرچند اقلیتی از مسیحیان ارمنی با ۱,۰۹۷ نفر، آشوری با ۵۰۳ نفر، زرتشتی با ۲۶ نفر، سایر مسیحیان با ۱۷ نفر و کلیمی با ۵ نفر جمعیت نیز در این شهر سکونت دارند.

نویسنده: ایلماز

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 21:54

وزیر ارشاد امشب به تلویزیون می‌رود

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102244

برنامه بسیج برای تسخیر فضای مجازی!!!!

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102240

ریاست جمهوری تهدید کرد، فارس نوار منتشر کرد

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102235

کاریکاتور: مشایی، هدیه تهرانی و هنر فتوشاپ

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102156

فرمانده ارشد حماس ترور شد

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102158

پس فردا تونل توحیدافتتاح می‌شود

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102194

نویسنده: ایلماز

شنبه 10 بهمن1388 ساعت: 22:5

پاسخ روزنامه اطلاعات به محمدجواد لاریجانی!!

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102165

شجونی امشب به تلویزیون می‌رود

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102234

"نخبگان سیاسی نیستند، منگولان سیاسی‌اند"

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102243

60، 80 یا 120 میلیون برای هدیه؟

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102086

نویسنده: نیما

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 1:18

امشب در برنامه دیروز امروز فردا آیت الله شجونی بیان داشتند که ما در اوین برای منافقین سنا و جکوزی فراهم کردیم و آنها از این امکانات استفاده می کنند!!!!!!

نویسنده: reza

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 8:54

با سلام استاد
آیا در آیین یهود تفاوتی میان هشم و یهوه وجود دارد؟ من برای اولین بار است که این لغت به گوشم میخورد؟

نویسنده: بابک

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 10:26

با سلام خدمت استاد محترم و سایر دوستان
جناب آقای لینک من منطقه منسوب به قبرستان زرتشتیان در سیراف را از نزدیک دیده ام. این هم دروغی دیگر از دروغهای احمق پسند می باشد. این منطقه و چاله های مکعب شکل کنده شده قبر نیستند بلکه اینها را به عنوان حوضچه جمع آوری آب به منظور آب دادن به دامهایشان کنده اند. کنار این حوضچه ها چاههایی وجود دارد که عمق آنها تا 50 متر نیز میرسد. که آب را از این چاهها کشیده و در داخل این حوضچه ها می ریخته اند این منطقی ترین تفسیری است که میتوان برای این به اصطلاح قبرها بیان کرد. جالب اینجاست راهنمای ما می گفت که اول مرده ها را در داخل این چاله ها می انداخته اند سپس استخوانهایشان را در داخل چاه میریخته اند. الله اعلم...
به هر حال نظر استاد مطمئن تر و به واقعیت نزدیکتر است. استاد آیا این منطقه را از نزدیک دیده اید؟
بابک

نویسنده: اترش

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 17:38

با اجازه
جناب reza یهودیان زمانی که به کلمه ی چهارحرفی (YHVH) یا همان یهوه در متون دینی شان می رسند می گویند «آدونای» (Adonai) یا زمانی که می خواهند نام خدا را ببرند یهوه را به کار نبرده و می گویند «هاشم» (Hashem) یا (the Name).
برای اطلاعات بیشتر می توانید به این سایت بروید:
http://www.hebrew4christians.net/Names_of_G-d/YHVH/yhvh.html
مطلب دیگری که در مورد اسماء خدا جالب توجه است این است که با وجود اینکه چندین آیه در قرآن کریم داریم که از زبان حضرت ابراهیم خلیل و هارون و مریم و دیگر پیامبران، خدا به اسم «الرحمن» خوانده شده و حتی مشرکین در زمان رسول می گفتند که رحمن صاحب فرزند (عیسی) است [سوره مریم آیه ۸۸ و ۹۲]، اما هیچ ردی از این اسم در متون دینی یهودی و مسیحی پیدا نمی شود.

آقای اترش. حالا جوانان بنی هاشم یعنی چه کسانی؟!

وب سایت

نویسنده: سعید

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 18:6

سلام استاد عزیز و دوستان
نشان منسوب به فروهر چقدر قدمت دارد؟ آیا یک نشان ایرانی است؟ منظورم این است که شبیه آن را در مصر هم در نقاشی های دیوار های یکی از مابد مصر دیده ام. همچنین تصویری مشکوک در جام طلایی حسنلو وجود دارد که شباهت زیادی به این نقش دارد

آقای سعید. نشان آن مرد گردونه نشین بال دار در تمام منطقه از مصر تا به هند نمونه دارد و به زردشتیگری مربوط نیست.

وب سایت

نویسنده: حکیمی

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 19:20

جاسوسی آلمان ها در ایران
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=83874

نویسنده: ایلماز

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 21:40

با سلام
جناب ایرانی مسلمان سکوت راهی است که مخالفین در پیش گرفته اند و مطمئنا کاری نمی کنند که سکوتشان شکسته شود!!

نویسنده: ad

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 22:26

آیا ترکیب جمعیتی 50 به 50 شهر به روستا در الان را میتوان در آن زمان 5 به 95 گرفت و با فرض جمعیت 5000 به تبریز 95000 نفر مقیم روستاهای اطراف تبریز در نظر گرفت

نویسنده: مسعود

یکشنبه 11 بهمن1388 ساعت: 23:20

وقت شما بخیر و خسته نباشید.

استاد در مورد مرض منگولیسم جالب استکه این عارضه بصورت ژن مغلوب در بیشتر انسانها وجود دارد منتها احتمال بروز آن در نسل منتج از يك ازدواج اینستکه ازدواجهاي متوالي قبلي در دو سوي زن و مرد والد اگر فاميلي و يا در يك محدوده کم جمعیت بوده باشد فوق العاده بالا میرود!
مثلا"در يك كلني منزوي قلعه نشين که چند صدسال در يك محیط بسته و محدود با هم ازدواج میکنند احتمال بروز مواليد منگول زيادي دارند.

نویسنده: R134a

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 1:29

khastee nasbashid

نویسنده: مهدی - مهدی

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 9:2

جناب آقاي پورپيرار،

محقق مومن، خسته نباشید. احتراماً در صورت امکان در مورد اسپینوزا و مارکس و آثارشان، خصوصاً کتاب اخلاقیات اسپینوزا، اظهار نظر فرمایید.

آای مهدی-مهدی. اسپینوزا و مارکس در دو سوی نظریه شناخت، یکی از 400 سال پیش و کاملا متافیزیسین و دیگری از 120 سال پیش و مطلقا فیزیسین. اگر کسی فرصت کند و مثلا کاپیتال مارکس و یا اخلاقیات اسپینوزا را بخواند متوجه خواهد شد که مکتب سازی نیز چون مذهب سازی قصدی جز انحراف اندیشه، سرگردانی و خروج انسان از راه راست ندارد. مثلا مارکسیسم در زیر بنا همان سرمایه داری و متشکل از سرمایه، ابزار و نیروی کار است که سرمایه داری هم بر آن ها متکی است. اختلاف فقط در نوع تقسیم سود است که یکی را سرمایه دار و آن دیگری را کمیته مرکزی حزب و یا اصطلاحا باند انقلابیون غارت می کند! تجربه گران و دراز مدت انسان معلوم کرده است که در جهان تنها یک مکتب رهایی یعنی اسلام و فقط یک متن راه نما یعنی قرآن وجود دارد.

نویسنده: ناصر پورپیرار

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 9:9

آقای بختیار. کلهر را نمی شناسم. به هر مکان و شخص و مرکز و مجمعی که در زمان ما به نوعی با کلمه نور پیوندی دارد، احتیاطا مشکوک شوید.

آقای تلمیذ. نابودی منظومه شمسی به معنای پایان و حذف هستی در کاسموس نیست. منظومه شمسی دانه خشخاشی بر نان بربری چند متری بزرگی است!

آقای خواننده همیشگی. شاید این نام ها بر ساکنین دیگر شهرها هم باشد و در آن صورت مرکز توزیع تشیع همه جا هست.

نویسنده: موومان

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 9:38

سلام استاد عزیز
ممنون و متشکر از زحمات بی نهایت ارزشمندتان. وقتی از شر تمام انواع انحرافاتی به ستوه می آییم که سرتاسر زندگی روزمره ما را احاطه کرده اند و گاهی برای خلاص شدن از بعضی از آنها باید جان کند، آنگاه دعا به جان شما و سایر دوستان را مرحمی بر زخمهای خود می یابیم!

خداوند اوضاع را دگرگون کند.

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 9:46

با سلام
استاد پس بی دلیل نیست که قبیله ای به نام هاشم در تاریخ عزیز است!!!
جناب بختیار اگر منظورتان جناب کلهر روشنگر!! در کانال های ماهواره ای است عرض کنم چندین بار ایمیل برایشان در باب مستند ها و یادداشت های ناریا فرستادم و نظرشان را جویا شدم که تا به حال هیچ نظری دریافت نکردم!!و مطمئن هستم که دریافت نخواهم کرد!!

نویسنده: رهایی

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 10:30

استاد پورپیرار آوازه شما را زیاد شنیده بودم واقعا حق داشتند که اینگونه تعریفتان نمایند من فیلم زیاد تماشا می کنم و اغلب به هالیوود مشکوکم که از اندیشه یهود خط می گیرد سریال لاست این روزها طرفداران زیادی دارد نظر شما راجع به آن چیست؟

نویسنده: اترش

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 12:53

«حالا جوانان بنی هاشم یعنی چه کسانی؟!» جواب این سوال را دیگر باید کسانی بدهند که به سیره و تاریخ عرب آشنایند.
هر اسمی (جدای از اسم های شاهنامه ای) معنا و شناسنامه ای دارد، خصوصا اسم های عربی:
http://en.wikipedia.org/wiki/Arabic_name
پس هاشم هم باید در زبان عرب معنای بخصوصی داشته باشد. جستجوی من برای معنای هاشم به اینجا ختم شد که یعنی: Destroys evil, bountiful, generous حالا اینکه هاشم از چه ریشه ای است و چرا چنین معناهای بزرگی را برایش ذکر کرده اند، کار اهل فن است که نظر بدهند. دیگر اینکه باید هاشم های دیگری را در طول تاریخ عرب سراغ گرفت وگرنه ظن این می رود که یا جد بزرگ رسول یهودی بوده (که احتمالش محال است) یا اینکه یک یهودی دست به کار شجره نامه نویسی برای رسول ما شده است و بنی هاشمیان را در واقع فرزندان خدا گفته! پر بیراه هم نیست، چون نوشته اند که هاشم مردی غیرعادی و بزرگ بود، او قریش را تاجر کرد و اگر نبود اعراب چوپان باقی می مانند و خصایلی بسیاری داشت که تنها بخشش و سخاوت و خیراندیشی اش را حضرت محمد به ارث برد و...

توضیح اضافه ای هم بدهم که می گویند «Ha-Shem» در زبان عبری یعنی «the-Name» و مثل «God» معنای خاصی ندارد: مثل این می ماند که ما به جای بردن اسم پدرمان از لفظ «بابا» استفاده می کنیم.

آقای اترش. از کجا و چه کسانی معلوم کرده اند که نام جد پیامبر هاشم بوده است. اگر به این نام در قرآن اشاره ای نیست، پس بی درنگ به تالیفات غیر مستند و از نظر زمان نامعلوم و مملو از اسراییلیات می پیوندد.

وب سایت



نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:

وب سایت:

نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنويسي

ایران شناسی بدون دروغ 250، نتیجه 58، نقشه شهرهای ایران در دوران قاجار، 4 - 86 نظر

نویسنده: عبور

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 13:17

آقای رهایی
این هم پیرامون لاست:
http://forum.lost.ir/forumdisplay.php?f=49
id=41463&=http://www.rajanews.com/detail.asp?lang_id

نویسنده: مسعود

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 14:9

سلام بر دوستان بويژه آقاي توحيد،ظالب حقيقت و كاكه مه نسوري خوشه ويست
لطفا چنانچه از چگونگي پيدا نمودن كتاب پايان دنيا جرمي هاروود راهنمايي فرمايند با ارزوي موفقيت براي طالبان و دوستداران قران

نویسنده: موومان

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 16:17

با عرض پوزش از همگی بخاطر یک تیق کوچک!

در کامنت قبلی کلمه ی "مرهم" را اشتباها "مرحم" تایپ کرده ام که عذرخواهی می کنم.

نویسنده: توحید

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 22:13

علیکم سلام آقای مسعود.

در نشر حقایقی که توسط استاد مکشوف شده برای شما و همه بنیان اندیشان آرزوی توفیق می کنم .

ان شا الله

نویسنده: ایلماز

دوشنبه 12 بهمن1388 ساعت: 22:44

با سلام
جناب عبور ممنون از لینک ها.ولی فکر کنم نظر جناب رهایی نظر خود استاد بوده است؟!
هر چه باشد مطمئنا نگاه بنیانی استاد بسیار متفاوت تر و جذاب تر خواهد بود!

نویسنده: سعید

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 2:8

news_id=5112&http://www.motalebe.ir/index.php?action=show_news

وب سایت

نویسنده: منصور

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 7:37

جناب رعد
در عکسهای سال 1321 ه ق. از قبرستان بقیع 5 با 6 گنبد به چشن می خورد که اکنون به طور کامل تخریب شده است.
حتی قید شده که هر کدام متعلق به چه کسانی است.

نویسنده: عابدی

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 7:58

سلام استاد خسته نباشید. بدون مشکل نصب شد. آن مشکل را هم رفع میکنم. در مورد آن بسته نیز پیگیرم.

استاد عابدی عزیز. ممنون.

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 11:43

تصویر نماد شیطان‌پرست‌ها در کتاب فارسی

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102411

هویت کسی که دست امام(ره) را گرفته بود+عکس

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102516

آیت‌الله مصباح: در شرایط کنونی باید شمشیر کشید یا رأفت داشت

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102486

عذر خواهی سایت اصولگرا از زهرا رهنورد

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102429

لوگوی «تهران‌امروز» مصداق جنگ نرم است

http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102293

ولايت ولي‌فقيه از جانب خداوند متعال تعيين شده است

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811130222

شكارچي‌شنبه؛ فيلمي بديع درباره وحشي گري و شستشوي مغزي صهيونيسم

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811130490

پرونده فرزندان هاشمي براي رسيدگي در وقت مقرر به دادسراي تهران ارجاع شد

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811130083

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 11:59

جانب انصاف را در نقد احادیث رعایت کنیم

http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811121285

سپر موشکی آمریکا در 4 کشور منطقه برای مقابله با ایران

http://tabnak.com/nbody.php?id=28024

آنها که از مناظره در "رو به فردا" فرار کردند !

http://tabnak.com/nbody.php?id=27851

معلم اسلام اوباما کیست؟

http://tabnak.com/nbody.php?id=27850

هاشمی و یزدی بر پایان یافتن مشاجرات توافق کردند

http://tabnak.com/nbody.php?id=27614

واکنش دادستانی تهران به سخنان اخیر احمدی نژاد

http://tabnak.com/nbody.php?id=27504

شجونی، از اظهارات مشايي قانع شديم، حلال کند

http://tabnak.com/nbody.php?id=27227

آفتابه‌دزد را در شهر مي‌چرخانند ولي آقازاده و مفسد اقتصادي را نه
کسي که در کاخ شيشه‌اي نشسته نمي‌تواند شعار انقلابي بدهد

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=43928

در روزنامه هاي اصلاح طلب کار مي کردم/ چرا موسوي مسئوليت کارش را نمي پذيرد

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=43777

چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟!

http://www.rajanews.com/detail.asp?id=43833

کتيبه مسجد جامع کبير يزد دزديده شد

id=51255&http://www.chn.ir/news/?section=2

نقش برجسته هاي ساساني در قالب کتاب مستند مي شوند

id=51252&http://www.chn.ir/news/?section=2

سعيد ترابيان؛ برگزاري جشنواره آواهاي باستاني باعث شادي مردم است

id=50808&http://www.chn.ir/news/?section=2

نویسنده: محمد صديق حسني

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 14:20

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب پور پيرا من همانگونه که قبلاً عرض کرده بودم به صورت گذرا با مطالب شما اشنايي داشته ام ولي مقصودم ان قسمت از قبايلي بود که قبل از نابودي وجود داشته و توسط استر و مرده خاي و يا توتئه انان کشته شده اند و به قول شما همگي از ميان رفته اند منظورم زبان مردم ان دوره بود ، در هر حال هر قبيله اي داراي زبان خاص خود است و قبايل قبل از کشتار نيز داراي زباني بوده اند من مي خواهم بدانم مردم ان دوره (قبل از کشتار) با چه زباني تکلم مي کرده اند .
مورد ديگر هم که مايلم بدانم اينکه کتيبه داريوش (دروغ يا راستش مهم نيست) به چه زباني نوشته شده است (البته منظورم خط ميخي نيست) منظورم زبان گفتماني ان است . بسيار متشکر خواهم شد من را در اين خصوص اگاه نماييد .

آقای محمد صديق حسني. به علت مطلق بودن قتل عام پوریم که موجب براندازی کامل تمدن پیش از آن نسل کشی کامل، در سراسر شرق میانه شد، اینک اطلاعی از آن تجمع اقوام در هیچ حوزه این منطقه نداریم جز این که کتیبه هایی را به علت یافت شدن در شوش و بابل و بعضا تخت جمشید با خط ایلامی و بابلی و میخی داریوشی نام گذارده ایم.

وب سایت

نویسنده: محمد صديق حسنی

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 14:26

بسم الله الرحمن الرحيم
راستي فراموش کردم که بگويم من در سايت دانشگاهيان دوره عضو هستم اگر مايل باشيد دعوت نامه اين سايت را برايتان

ارسال كنم تنها لازمه اش داشتن يك ادرس ايميل مي باشد كه در صورت لزوم ان را در بخش خصوصي نظرات وبلاگم و يا به ادرس ايميلم ارسال نماييد تا دعوت نامه را برايتان ارسال نمايم .موفق باشيد

وب سايت

نویسنده: لینک

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 15:51

حذف رنگ سبز از پرچم ایران به عنوان لوگوی سایت ایرنا
/http://irna.ir

باستان شناسان اسرائيلي: یک اثر يهودي هم در بيت المقدس وجود ندارد
http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=935202

با سعدي بيشتر انس دارم تا حافظ
http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811130633

تصویر نماد شیطان‌پرست‌ها در کتاب فارسی
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=84284

شکست آزمایش موشکی ضد ایرانی آمریکا
http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=84258

انتقاد شدید برادر احمدی‌نژاد از خرده گیران از پیامبران
http://www.asriran.com/fa/pages/?cid=99360

حمل مجسمه کودکی حضرت مسیح از سوی کودکان در فیلیپین
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/11/12/125919_615.jpg

نمایش فسیل 47 میلیون سال پیش در موزه فرانکفورت آلمان
http://www.asriran.com/files/fa/news/1388/11/12/125930_457.jpg

رونمایی از ضریح امام موسی مبرقع (ع) / قم - ۱۳/۱۱/۱۳۸۸
http://www.iqna.ir/fa/photos_detail.php?goz_tas_id=12469

خاطره جالب از سیدحسن نصرالله
http://parcham.ir/vdcc.iqma2bqssla82.html

عكس:متكي و عينك جنجالي قذافي
http://parcham.ir/vdcd.z052yt0foa26y.html

تصوير: نوزادي آدولف هيتلر
http://parcham.ir/vdcb.sbzurhbgwiupr.html

سایت رسمی مشایی مضر و خطرناک است
http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=102554

نامه محرمانه مشایی به ضرغامی
http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=16528

نگاهی به مواضع عبدالله شهبازی
http://irdc.ir/fa/content/8749/default.aspx

نویسنده: رعد

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 18:51

سلام .اقای پیرار لطفا بفرمائید که چرا : در کتاب نقشه شهرهای ایران در توضیحات شهر تهران به شماره16 , کلیساها و خانه های ارمنی ها قید شده ولی به شماره 25 (محله یهودیها) در نقشه اورده نشده !در ادامه نقشه , در نقشه شهر اصفهان در سال 1851 ادرس مسجد شیخ لطف .. هم داده شده و در اسامی محلات از زیر گروه جلفا محله جوبره که در کتاب فرزندان استر جوباره اورده شده که محله یهودی نشین است , هم اورده نشده . در توضیحات شهر همدان اماکن زیارتی گوناگون ادرس داده شده ولی خبری از قبر , استر , نیست . ایا همه این ها بدلیل مسیحی بودن مساحان است یا بعد از قرن 19 کنیسه و کلیسا در مورد ایران با هم , تا امروز به توافق رسیده اند ؟ یا با ید از امروز به فکر رفتن به شهر قم باشم تا از خاخام های ان جا سئوال کنم ؟. اقا منصور , مطمئن باشید که در ان زمان اگر ان جا گنبدی میبود , لورنس عربستان دستور خراب کردن ان را صادر میکرد .

نویسنده: ایلماز

سه شنبه 13 بهمن1388 ساعت: 20:5

با سلام
دوستان خیلی خوب می شد اگر برخی از اخبار را مورد کنکاش بنیانی خود قرار می دادند!
ممنون

نویسنده: ایلماز

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 0:38

با سلام

کهن‌ترین متن کامل فارسی تاریخ‌دار

http://www.ketabnews.com/detail-18013-fa-1.html

نویسنده: لینک

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 1:28

کلاهبرداری فرانسوی در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
http://davodabadi.persianblog.ir/post/296

نویسنده: محمد صدیق حسنی

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 1:36

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام جناب پور پيرا
در مورد زبان فارسي خود فردوسي اعلام داشته است كه (بسي رنج بردم در اين سال سي --- كه من زنده كردم به اين فارسي) در واقع اين اعتراف خود فردوسي مي باشد كه زبان فارسي زباني ساختگي و اختراعي مي باشد نمونه اين زبان اختراعي را در تركي استامبولي نيز مي بينيم كه توسط اتا ترك اختراع شد و يا حد اعقل به دستور ايشان ، ولي در مورد زبان كتيبه داريوش من متوجه مطلب بزرگي شدم كه اگر شما هم در ان دقت كنيد حقيقت مطلب را درمي يابيد ، من وقتي به كتاب تاريخ خط باستان مراجعه كردم همانند هر انسان ديگري متوجه معنا و مفهوم خطوط ميخي نشدم ولي وقتي به حروف لاتين ان كه گويا ترجمه خط ميخي مي باشد دقت كردم متوجه شدم اين حروف جمله اي را تشكيل مي دهد كه كاملاً (كوردي كرمانجي) مي باشد ، من اول خط هايي را كه به اين شكل است (/) و به عنوان فاصله انداز از ان ياد شده برداشتم و حروف را يكي يكي در كنار هم چيدم بي انكه جاي انها را تغيير دهم و شروع به خواندن كردم البته در شروع چيدمانها متوجه چيزي نشدم تا اينكه چيدمان به جايي رسيد كه كلمه كاملي را تشكيل مي داد ، ان وقت بود كه متوجه شدم حروف لاتين به زبان (كوردي) نوشته شده است و از انجايي كه خود كورد هستم (البته كورد كرمانج نيستم بلكه كورد سوراني هستم) متوجه شدم جملات را كاملاً درك مي كنم ، زيرا خط اول چنين نوشته شده است :

وب سایت

نویسنده: محمد صدیق حسنی

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 1:38

ادامه :
(اور مزداهه وي زاروكي هه يه خشايار شايا به گه) اين تلفظ كوردي كرمانجي مي باشد كه از جمع حروف لاتين ان كتاب به

دست مي ايد و معنايش اين است (اهورا مزداي شما فرزندي دارد كه پادشاهي بزرگ است) شما اگر كتاب فرهنگ لغات كوردي به فارسي استاد شرفكندي متخلص به (هژار) را پيش روي خود بگذاريد و با حروف لاتين اين كتاب مقايسه نماييد به حقانيت گفته من پي خواهيد برد البته شايد بعضي اشخاص اين مطلب من را نوعي تعصب تصور كنند ولي باور كنيد من تعصبي بر مليت ندارم زيرا با نژاد پرستي كاملاً مخالفم و شايد بعضي افراد اين مورد را جزو اشتراكات زباني تلقي كنند ولي امكان ندارد كه اين اشتراكات بتواند جمله بندي كاملي را به وجود اورد و جالب اينكه اين جمله بندي زبان رايج امروز مردم كردستان مي باشد كه بيشترين جمعيتي كه با اين زبان سخن مي گويند مردم ماكو در منتها عليه شمال غربي ايران است و همچنين مردم كورد اروميه نيز با همين زبان سخن مي گويند كه البته در اروميه زبان تركي نيز با اين زبان اغشته شده است ولي در ماكو اين زبان دست نخورده باقي مانده است ولي اين زبان به حدي ساده بيان شده كه اگر ان را براي يك بي سواد از هر نقطه كردستان بيان كنيد ان را خواهد فهميد پس نمي تواند نتيجه اشتراك زباني باشد ، اما در معناي فارسي همين جمله اينگونه معنا شده است كه (اهورا مزدا بگ است و مغان) كه هيچ ربطي به معناي واقعي جمله ندارد . ولي مطلب ديگري كه من را دچار حيرت كرد ان است كه يا مترجمين افرادي دروغ گو هستند كه به علت گمنام بودن مردم كورد و زبانشان از جملات كوردي بهره گرفته تا تاريخ سازي كنند و يا داريوش فردي بوده كه داراي لكنت زبان شديد بوده و نويسنده به علت احترام پادشاه براي لكنت زبان ايشان از فاصله انداز استفاده نموده است زيرا اگر يك كورد هم بدون برداشتن فاصله انداز بخواهد ان را (حروف لاتين كتاب) بخواند متوجه معنايش نخواهد شد مگر انكه تمامي فاصله انداز ها را از حروف لاتين جدا نمايد .

وب سایت

نویسنده: محمد صديق حسنی

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 1:39

در مورد زبان حافظ و سعدي بايد بگويم كه زبان انها تاجيكي است نه فارسي ولي به مرور كتابهاي ايشان ضمن تحريف بسيار به زبان فارسي كنوني تغيير كرده است و كافي است كه به كتابهاي قديمي انها مراجعه گردد تا حقيقت روشن شود زيرا هر چند سال يك بار اين كتابها تغيير مي كنند و همزمان با تغيير لحجه تحريفاتي نيز به ان اضافه مي گردد .
مطلب بسيار است و زمان كم و در اين اندك نمي گنجد كه بيشتر سخن گويم .
موفق باشيد .

آقای محمد صديق حسنی. يادداشت ها را از ابتدا بخوانيد و قصه اشباحی چون سعدی و حافظ و غيره را كنار بگذاريد. ظاهرا هنوز اول راهيد.

وب سایت

نویسنده: طالب حقيقت

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 2:9

با سلام به استاد و دوستان

خسته نباشيد استاد.

آقای مسعود سلام. سلامت و موفق باشيد.

نویسنده: عباس

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 3:4

استاد خسته نباشيد.برای من اين سوال پيش آمده كه چرا خيلی از مردم ايران بجای ميهن دوست .ميگويند ميهن پرست.

نویسنده: لينک

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 3:48

ابراهيم پورداوود در ويکی پديا
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85_%D9%BE%D9%88%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%88%D8%AF

نویسنده: khalil

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 10:28

احسنت استاد واقعاً با اين تحقيقات با ارزش شما آدم هيجان زده مي شود.خود من تبريزي هستم وتا جايي كه تبريز را گشته بودم آثار كهني به غير از چند هزار ساله هاي پوريم زده ، چيزي در حدود ساختمان هايي به سبك معماري با اسلوب هاي غربي و سمبل هاي اروپاي شرقي در عهد قاجار را نديدم.
استاد خواهشمندم در مورد زمان ساخت ارك عليشاه ومسجد كبود هم ما را روشن كنيد.جالب اينجاست كه در محوطه مسجد كبود چند قلم سنگ قبر بزرگ خاكستري رنگ روي زمين دراز كرده اند و روي اين سنگها اسامي اشباحان بزرگ اين خطه از جمله بهزاد نقاش و صائب تبريزي و... را حك كرده اند و الان نمي دانم ، ولي چني سالي بود كه اين سنگ هاي نو كنده بلا تكليف كنار اين مسجد مثل نخود وكشمش پخش وپلا بودند و چند تايي هم در دهن لودر باقي مانده بود؛ معلوم است كه سنگ قبر ها را به خاطر اينكه ارزان حساب شود از طرف سازمان ميراث فرهنگي به صورت فله اي سفارش داده شده و از طرفي هم معلوم مي شود سازمان ميراث فرهنگي به بزرگان شهرمان بيشتر از رسانه ها احترام و ارزش قائل است.
از راهنمايي هاي شما بسيار ممنونم.

نویسنده: R134a

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 12:40

ببخشید من هرچی گشتم نتونستم معنی فاطیما رو به عبری پیدا کنم، یعنی بلد نبودم چطور سرچ کنم

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 10:32

سلام
این هم لوگوی سایت ایرنا!!!
باز هم بفرمائید فتوشاپه!
عجب مملکت بی صاحابی داریم! هیچی حرمت نداره! کشور نیست که شهر هرته!

فریبا خانم. جوش نزنید چون موجب می شود نصب لینک لوگو را فراموش کنید!

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 11:9

نمونه ای از مکتب سازیهای فلاسفه:
""" نظریاتی که در نفی حقوق بین الملل بیان گردیده، عمدتا ریشه در بینش های سیاسی دارد. از جمله هابس و اسپینوزا هستند. به عقیده ی آنان، جامعه ی بین المللی یک جامعه ی ما قبل تاریخ و مناسبات میان کشورهای حاکم، به مناسبات مبتنی بر قدرت شبیه است، زیرا تابع هیچ اقتدار برتر و عالی نیست. قواعدی حقوق موضوعه محسوب می شوند که محصول اقتدار برتر و عالی باشند و چون حقوق بین الملل فاقد چنین اقتداری است، پس حقوق موضوعه نبوده و واژگان نیز در اینجا هیچ گونه امنیتی را تضمین نمی کند. آنان بر این نکته تاکید دارند که کشورها به مثابه ی گلادیاتورها بوده و می توانند با اعمال حاکمیت، به طور آزادانه به جنگ متوسل شوند، یعنی کشورها در حالت جنگ بالقوه یا جنگ بالفعل به سر می برند.(!؟) دکترین حقوقی زمانی به قهقهرای نهایی می رسد که بر اساس گفته ی اسپینوزا :هر کس به همان اندازه حق دارد که قدرت دارد.
پس از هابس و اسپینوزا، برخی فلاسفه و حقوقدانان و بویژه دانشمندان علوم سیاسی مانند هگل و جان آستین از نظرات آنان پیروی کرده اند، جان آستین حقوق بین الملل را حتی شایسته ی نام "حقوق" هم نمی داند....هگل معتقد است در صورت بروز اختلاف میان کشورها و عدم حصور توافق میان آنها، جنگ تنها راه حل تلقی می گردد...امروزه در زمره دانشمندان علوم سیاسی که با نظریات فوق موافق هستند می توان از ریمون آرون فرانسوی و هانس مورگنتای آمریکایی نام برد. آرون بر ویژگی عادی زور در روابط بین الملل تاکید دارد و مورگنتا معاهدات بین الملل را ناپایدار می شمارد..."""
(نقل از کتاب حقوق بین الملل عمومی، دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی)

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 11:12

لینک لوگو را آقای لینک در کامنت بالا نصب کرده اند.

/http://irna.ir

نویسنده: R134a

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 15:30

لینک سایت ایرنا
/http://www.irna.ir
من نفهمیدم چشه!

نویسنده: سعید

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 16:26

جناب آقای محمد صدیق حسنی
در این کلاس اولین چیزی که باید بیاموزید فراموش کردن علائق قومیتان است اگر قرار باشد با این ذهنیت بخوانید و مطالعه کنید کارتان به جاهای بسیار باریک میرسد که عبور از آن برای شما دردناک خواهد بود در این کلاس خواهید آموخت که تمام اقوام ایرانی (کورد و فارس و ترک و...) مهاجرانی هستند که در نتیجه تجمع انسانی در همین 2 ،3 قرن اخیر به وجود آمده اند پس کورد بودن خود را فعلا به حالت تعلیق در بیاورید و مطالب را بادقت بخوانید.
اگر مطالب درس اول را میخواندید برای چسباندن هخامنشیان مزدور یهود به قوم خود اینقدر دست پاچه نمشدید
درس دوم و سوم و ... را هم نخوانده اید پس بهتر است قبل از نوشتن فقط بخوانید
موفق باشید

نویسنده: علی رضا

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 16:45

با عرض ارادت خدمت استاد گرامی
استاد در ارتباط با مباحث مربوط به هند و اینکه این کشور تازه تاسیس است و سابقه و تمدن قدیمی ندارد بنده منظور شما را در اشاره به بناهای با شکوه شهر مدرس(مانند معبد سامارای و معبد کهن گوتور کوچ در غار الورا) متوجه نشدم. با تشکر

نویسنده: حاجی زاده

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 16:16

آقایR134a، در این لوگو باد طوری پرچم را به رقص درآورده است که رنگ سبز آن مطلقا دیده نمی شود!!! اخیرا بادها اینگونه می وزند، معلوم نیست بعدا چه چیزهای دیگری به باد خواهد رفت!؟
معلوم نیست رنگ سبز پرچم ملی کشورمان چه ارتباطی به موسوی دارد!؟
رنگ سبز پرچم مگر نماد سیدهاست؟من گمان می کردم نماد آبادانی و حیات است.
حکایت این رنگ "سبز" موسوی ها هم جای بسی خنده دارد! اینان سبزینگی(!) جنبش خود را از رنگ منسوب به سید ها اخذ کرده اند و از طرفی "سید خامنه ای" را دشمن درجه اول خود می پندارند!
مخلص کلام اینکه تغییر رنگ پرچم در پوسترها و لوگوها که کار بس عبثی است، حکایت از ترس و دستپاچگی مهوع آقایان میکند، احتمال دیگر اینکه طی معاملاتی بین اینوریها و آنوریها، رنگ سبز به تملک اختصاصی و قانونی آنوریها درآمده است!

نویسنده: حکیمی

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 20:31

این ماجرای لوگوی ایرنا چیه؟

نویسنده: رعد

چهارشنبه 14 بهمن1388 ساعت: 20:41

سلام . من که پشت گوشم به خارش افتاد :
1- خواهر خواندگی شیراز با کربلا و نجف . لطفا پیدا کنید , پدر و مادر این دو شهر را !؟
2- ایت الله سعیدی : ولی فقیه تجسم ربوبیت تشریحی در جهان است .

عجب صبری خدا دارد !!!!!
shabestan.ir/default.asp

نویسنده: تازه وارد

جمعه 16 بهمن1388 ساعت: 16:16

سلام استاد
بنده وقتی وبلاگ شما را دیدم واقعا حیرت کردم
در اینترنت نام شما را سرچ کردم
80% سایت مخالف در مورد حرفهای شما دیدم و شما را .... معرفی کرده اند
با وجود این که من هیچ اطلاعاتی در مورد این جور مسائل ندارم اما در مورد دروغ های بزرگی که در طول تاریخ برای ما سرهم شده است مطلع هستم
از شما خواهشمندم این تازه وارد را با واقعیت ها اشنا سازید و بگویید بنده از کجا شروع کنم

آقای تازه وارد. ابتدا مستندها را ببینید. سپس کتاب ها و به خصوص 251 یادداشت های ایران شناسی بدون دروغ را بخوانید.
خدا قوت و موفق باشید.

آقای نگران. بنده در هیچ خوشه ای نیستم، یک دانه سن زده ام که هنوز به وسیله ی دارندگان خرمن های بی نیاز به ثبت، خورده نشده ام.

نویسنده: نه

یکشنبه 18 بهمن1388 ساعت: 2:29

با سلام
دو تن از دوستان مطالبی گفته اند که از نظر من اشتباه است
اول آقای مسعود که منگولیسم را ارثی می دانند که باید بگویم اینطور نیست دوست عزیز!
خطر تولد نوزاد مبتلا به سندرم داون با افزایش سن مادر و خطر آسیب دیدن تخمک ها بیشتر می شود و ربطی به ژنتیک ندارد
دوم آقای بابک!
آن عکس منسوب به قبرستان به هر چیز دیگری می خورد الا آبخوری حیوانات!
گاو های بیچاره باید کجا بایستند و آب بخورند؟!
اگر دوباره عکس را نگاه کنید متوجه منظورم می شوید.
با تشکر



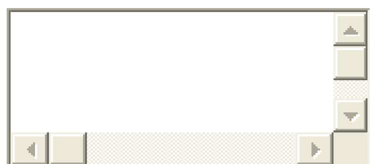
نظر شما

نام شما:

پست الکترونیک:



وب سایت:



نظر بصورت خصوصی برای نویسنده وبلاگ ارسال شود

مشخصات شما حفظ شود [حذف مشخصات]

عدد روبرو را تایپ نمایید:

نظر شما در مورد این مطلب پس از تایید نویسنده وبلاگ نمایش داده خواهد شد

ثبت نظر بازنویسي